بررسی و ارزیابی آثار و پیامدهای سیاست‌های کلان و حمایت بخشی از بخش کشاورزی ایران

دکتر سیدصفدر حسینی

۱۳۹۲

فهرست مطالب

عنوان **شماره صفحه**

فصل اول: کلیات ۲۱

۱-۱ مقدمه ۲۳

۱-۲ هدف‌های تحقیق ۲۹

۱-۳ پرسش‌های تحقیق ۳۱

پرسش‌های اصلی: ۳۲

پرسش‌های فرعی: ۳۲

۱-۴ فرضیه‌ها ۳۳

۱-۵- کاربردهای تحقیق ۳۴

فصل دوم: ادبیات موضوع و پیشینه تحقیق ۳۷

۲-۱ مقدمه ۳۹

۲-۲ پیشینهٔ پژوهش‌های داخلی ۳۹

۲-۲-۱محاسبهٔ مقادیر حمایت از بخش کشاورزی براساس نرخ حمایت اسمی و مؤثر ۴۰

۲-۲-۲ محاسبهٔ مقادیر حمایت از بخش کشاورزی را براساس معیار کلی حمایت (AMS) ۴۵

۲-۲-۳ محاسبهٔ مقادیر حمایت از بخش کشاورزی را براساس شاخص‌های برآورد حمایت(PSE,CSE) ۵۳

۲-۳ پیشینهٔ پژوهش‌های خارجی ۶۲

۲-۳-۱ ارزیابی سیاست‌های حمایتی براساس شاخص‌های برآورد حمایت (PSE,CSE) ۶۲
۲-۳-۲ بررسی اثر سیاست‌های ارزی بر شاخص‌های برآورد حمایت (PSE,CSE)..... ۷۰
۲-۴ جمع‌بندی..... ۷۲

فصل سوم: روش‌شناسی برآورد حمایت‌ها ۷۵

۳-۱ مقدمه ۷۷
۳-۲ روش‌های سنجش حمایت..... ۷۷
۳-۲-۱ مقیاس‌های شکاف قیمت ۷۸
۳-۲-۲ مقیاس‌های شکاف درآمد ۷۹
۳-۲-۲-۱ نرخ مؤثر حمایت..... ۷۹
۳-۲-۲-۲ شاخص معادل یارانه..... ۸۱
۳-۲-۲-۳ معیار کل حمایت..... ۸۲
۳-۲-۳- شاخص‌های برآورد حمایت از تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان..... ۸۴
۳-۲-۴ مقایسهٔ شاخص‌های OECD با دیگر معیارهای حمایت ۸۶
۳-۲-۴-۱ مقایسه با معیارهای شکاف قیمت و شکاف درآمد..... ۸۶
۳-۲-۴-۲ مقایسه با معیارکلی حمایت در سازمان تجارت جهانی ۹۰
۳-۳ انتقال‌های قیمتی..... ۹۲
۳-۳-۱ چگونگی تعیین قیمت مرجع ۹۴
الف) محصول صادراتی..... ۹۵
ب) محصول وارداتی ۹۶
۳-۳-۲ ارزش تولید و ارزش مصرف ۹۸
۳-۳-۲-۱ ارزش تولید..... ۹۹

۳-۲-۳-۲ ارزش مصرف ۱۰۶
۳-۳-۳ انواع انتقال‌های قیمتی بین کنش‌گران بازار محصول ۱۱۲
الف) انتقال‌های بازاری ۱۱۳
ب) انتقال‌های بودجه‌ای ۱۱۴
۳-۴ انتقال‌های غیرقیمتی ۱۱۶
۳-۴-۱ پرداخت‌های بودجه‌ای مستقیم ۱۱۶
الف) پوشش کامل نهادها، سطوح اجرائی و ابزارهای تأمین مالی ۱۱۷
ب) محاسبهٔ وجوه پرداخت‌شده مؤثر ۱۱۸
ج) حذف هزینه‌های اجرای سیاست‌ها ۱۱۸
د) پرهیز از دوبار شمارش کردن حمایت‌های بودجه‌ای ۱۲۰
ه) تخصیص پرداختهای بودجه‌ای براساس سال تقویمی ۱۲۱
و) طبقه‌بندی مخارج بودجه‌ای ۱۲۲
۳-۴-۲ حمایت‌ها براساس درآمدهای غیرمستقیم ۱۲۲
الف) امتیازهای مالیاتی ۱۲۳
ب) تسهیلات ترجیحی ۱۲۴
ج) امتیازهای مربوط به بدهی‌های کشاورزی ۱۲۵
د) قیمت مدیریت‌شده نهاده‌ها ۱۲۶
۳-۵ روش‌شناسی برآورد حمایت از تولیدکنندگان (PSE) ۱۲۷
۳-۵-۱ برآورد حمایت از قیمت بازاری (MPS) ۱۳۰
۳-۵-۲ پرداخت‌های بودجه‌ای (BP) ۱۳۳
۳-۵-۳- پرداخت‌های بودجه‌ای در ایران ۱۳۵
۳-۶ روش شناسی برآورد حمایت از مصرف‌کنندگان (CSE) ۱۴۲

۳-۷ روش‌شناسی حمایت از خدمات عمومی (GSSE) ۱۴۵
۳-۸ روش‌شناسی حمایت از کل بخش کشاورزی (TSE) ۱۴۹
۳-۹ داده‌های مورد نیاز ۱۵۱

فصل چهارم: نرخ ارز ۱۵۵

۴-۱ مقدمه ۱۵۷
۴-۲ تعاریف و چگونگی محاسبهٔ نرخ ارز واقعی و تعادلی ۱۵۸
۴-۳ مبانی نظری و روش‌های تعیین نرخ ارز تعادلی ۱۶۲
۴-۴ چگونگی برآورد نرخ ارز تعادلی بلندمدت در ایران ۱۶۷
۴-۴-۱ معرفی متغیرهای مورد بررسی ۱۶۷
۴-۴-۳ نتایج آزمون مرتبه همگرایی ۱۷۵
۴-۴-۴ آزمون‌های نرمال بودن، همبستگی سریالی و ثبات سیستم در الگو ۱۷۸
۴-۵ نتایج برازش الگوی اقتصادسنجی (VECM) ۱۸۰
۴-۶ نتایج برآورد نرخ ارز تعادلی بلندمدت و انحرافات ارزی ۱۸۴
۴-۷ پیش‌بینی نرخ ارز واقعی و تعادلی و تحلیل سال‌های آتی (برنامه پنجم توسعه) ۱۸۷

فصل پنجم: نتایج برآورد حمایت از محصولات منتخب بخش کشاورزی ۱۹۱

۵-۲ زیربخش زراعت ۱۹۳
۵-۲-۱ گندم ۱۹۸
۵-۲-۱-۱ بررسی مقادیر حمایت بازاری از تولیدکنندگان گندم طی برنامه‌های توسعه ۲۰۲
۵-۲-۱-۲ بررسی مقادیر حمایت کل از تولیدکنندگان گندم طی برنامه‌های توسعه ۲۰۸

۵-۲-۱-۳ بررسی مقادیر حمایت از مصرف‌کنندگان گندم طی برنامه‌های توسعه. ۲۱۹
۵-۲-۱-۴- نتیجه‌گیری و پیشنهادهای گندم ۲۲۲
۵-۲-۲ جو ۲۲۷
۵-۲-۲-۱ بررسی مقادیر حمایت بازاری از تولیدکنندگان جو طی برنامه‌های توسعه ۲۳۱
۵-۲-۲-۲ بررسی مقادیر حمایت کل از تولیدکنندگان جو طی برنامه‌های توسعه ۲۳۷
۵-۲-۲-۳ بررسی مقادیر حمایت از مصرف‌کنندگان جو طی برنامه‌های توسعه ۲۴۵
۵-۲-۲-۴ نتیجه‌گیری و پیشنهادهای جو ۲۴۸
۵-۲-۳ پنبه ۲۵۳
۵-۲-۳-۱ بررسی مقادیر حمایت بازاری از تولیدکنندگان پنبه طی برنامه‌های توسعه ۲۵۸
۵-۲-۳-۲ بررسی مقادیر حمایت کل از تولیدکنندگان پنبه طی برنامه‌های توسعه ۲۶۴
۵-۲-۳-۳ بررسی مقادیر حمایت از مصرف‌کنندگان پنبه طی برنامه‌های توسعه .. ۲۷۴
۵-۲-۳-۴ نتیجه‌گیری و پیشنهادهای پنبه ۲۷۸
۵-۲-۴ ذرت ۲۸۳
۵-۲-۴-۱ بررسی مقادیر حمایت بازاری از تولیدکنندگان ذرت طی برنامه‌های توسعه ۲۸۸
۵-۲-۴-۲ بررسی مقادیر حمایت کل از تولیدکنندگان ذرت طی برنامه‌های توسعه ۲۹۵
۵-۲-۴-۳ بررسی مقادیر حمایت از مصرف‌کنندگان ذرت طی برنامه‌های توسعه.. ۳۰۶
۵-۲-۴-۴ نتیجه‌گیری و پیشنهادهای ذرت ۳۱۰
۵-۲-۵ برنج ۳۱۵

۱-۵-۲-۵ بررسی مقادیر حمایت بازاری از تولیدکنندگان برنج طی برنامه‌های توسعه ۳۱۸
۲-۵-۲-۵ بررسی مقادیر حمایت کل از تولیدکنندگان برنج طی برنامه‌های توسعه ۳۲۵
۳-۵-۲-۵ بررسی مقادیر حمایت از مصرف‌کنندگان برنج طی برنامه‌های توسعه .. ۳۳۵
۴-۵-۲-۵ نتیجه‌گیری و پیشنهادهای برنج ۳۳۹
۶-۲-۵ چغندرقند ۳۴۳
۱-۶-۲-۵ بررسی مقادیر حمایت بازاری از تولیدکنندگان چغندرقند طی برنامه‌های توسعه ۳۴۷
۲-۶-۲-۵ بررسی مقادیر حمایت کل از تولیدکنندگان چغندرقند طی برنامه‌های توسعه ۳۵۳
۳-۶-۲-۵ بررسی مقادیر حمایت از مصرف‌کنندگان چغندرقند طی برنامه‌های توسعه ۳۶۳
۴-۶-۲-۵ نتیجه‌گیری و پیشنهادهای چغندرقند ۳۶۸
۷-۲-۵ سویا ۳۷۲
۱-۷-۲-۵ بررسی مقادیر حمایت بازاری از تولیدکنندگان سویا طی برنامه‌های توسعه ۳۷۷
۲-۷-۲-۵ بررسی مقادیر حمایت کل از تولیدکنندگان سویا طی برنامه‌های توسعه ۳۸۴
۳-۷-۲-۵ بررسی مقادیر حمایت از مصرف‌کنندگان سویا طی برنامه‌های توسعه.. ۳۹۵
۴-۷-۲-۵ نتیجه‌گیری و پیشنهادهای سویا ۴۰۰
۸-۲-۵ کلزا ۴۰۵

۵-۲-۸-۱ بررسی مقادیر حمایت بازاری از تولیدکنندگان کلزا طی برنامه‌های توسعه ۴۱۰
۵-۲-۸-۲ بررسی مقادیر حمایت کل از تولیدکنندگان کلزا طی برنامه‌های توسعه۴۱۵
۵-۲-۸-۳ بررسی مقادیر حمایت از مصرف‌کنندگان کلزا طی برنامه‌های توسعه... ۴۲۶
۵-۲-۸-۴ نتیجه‌گیری و پیشنهادهای کلزا..... ۴۲۹
۵-۳ زیربخش باغبانی ۴۳۴
۵-۳-۱ سیب ۴۳۷
۵-۳-۱-۱ بررسی مقادیر حمایت بازاری از تولیدکنندگان سیب طی برنامه‌های توسعه ۴۴۲
۵-۳-۱-۲ بررسی مقادیر حمایت کل از تولیدکنندگان سیب طی برنامه‌های توسعه ۴۴۹
۵-۳-۱-۳ بررسی مقادیر حمایت از مصرف‌کنندگان سیب طی برنامه‌های توسعه.۴۵۸
۵-۳-۱-۴ نتیجه‌گیری و پیشنهادهای سیب ۴۶۱
۵-۳-۲ مرکبات ۴۶۶
۵-۳-۲-۱ بررسی مقادیر حمایت بازاری از تولیدکنندگان مرکبات طی برنامه‌های توسعه ۴۷۱
۵-۳-۲-۲ بررسی مقادیر حمایت کل از تولیدکنندگان مرکبات طی برنامه‌های توسعه ۴۷۸
۵-۳-۲-۳ بررسی مقادیر حمایت از مصرف‌کنندگان مرکبات طی برنامه‌های توسعه ۴۸۷
۵-۳-۲-۴ نتیجه‌گیری و پیشنهادهای مرکبات ۴۹۰
۵-۳-۳ خرما..... ۴۹۵

۵-۳-۳-۱ بررسی مقادیر حمایت بازاری از تولیدکنندگان خرما طی برنامه‌های توسعه ۵۰۱
۵-۳-۳-۲ بررسی مقادیر حمایت کل از تولیدکنندگان خرما طی برنامه‌های توسعه ۵۰۷
۵-۳-۳-۳ بررسی مقادیر حمایت از مصرف‌کنندگان خرما طی برنامه‌های توسعه. ۵۱۶
۵-۳-۳-۴ نتیجه‌گیری و پیشنهادهای خرما ۵۲۰
۵-۳-۴ پسته ۵۲۵
۵-۳-۴-۱ بررسی مقادیر حمایت بازاری از تولیدکنندگان پسته طی برنامه‌های توسعه ۵۳۰
۵-۳-۴-۲ بررسی مقادیر حمایت کل از تولیدکنندگان پسته طی برنامه‌های توسعه ۵۳۶
۵-۳-۴-۳ بررسی مقادیر حمایت از مصرف‌کنندگان پسته طی برنامه‌های توسعه. ۵۴۷
۵-۳-۴-۴ نتیجه‌گیری و پیشنهادهای پسته ۵۵۲
۵-۴ زیربخش دامپروری ۵۵۷
۵-۴-۱ تخم مرغ ۵۶۱
۵-۴-۱-۱ بررسی مقادیر حمایت بازاری از تولیدکنندگان تخم مرغ طی برنامه‌های توسعه ۵۶۶
۵-۴-۱-۲ بررسی مقادیر حمایت کل از تولیدکنندگان تخم مرغ طی برنامه‌های توسعه ۵۷۲
۵-۴-۱-۳ بررسی مقادیر حمایت از مصرف‌کنندگان تخم مرغ طی برنامه‌های توسعه ۵۸۳
۵-۴-۱-۴ نتیجه‌گیری و پیشنهادهای تخم مرغ ۵۸۸
۵-۴-۲ گوشت مرغ ۵۹۳

۵-۴-۲-۱ بررسی مقادیر حمـایت بازاری از تولیدکننـدگان گوشت مرغ طی برنامه‌های توسعه ۵۹۸
۵-۴-۲-۲ بررسی مقادیر حمایت کل از تولیدکنندگان گوشت مرغ طی برنامه‌های توسعه ۶۰۴
۵-۴-۲-۳ بررسی مقادیر حمایت از مصرف‌کنندگان گوشت مرغ طی برنامه‌های توسعه ۶۱۶
۵-۴-۲-۴ نتیجه‌گیری و پیشنهادهای گوشت مرغ ۶۲۰
۵-۴-۳ شیر ۶۲۵
۵-۴-۳-۱ بررسی مقادیر حمایت بازاری از تولیدکنندگان شیر طی برنامه‌های توسعه ۶۳۰
۵-۴-۳-۲ بررسی مقادیر حمایت کل از تولیدکنندگان شیر طی برنامه‌های توسعه۶۳۶
۵-۴-۳-۳ بررسی مقادیر حمایت از مصرف‌کنندگان شیر طی برنامه‌های توسعه...۶۴۸
۵-۴-۳-۴ نتیجه‌گیری و پیشنهادهای شیر ۶۵۳
۵-۴-۴ گوشت گاو ۶۵۸
۵-۴-۴-۱ بررسی مقادیر حمایت بازاری از تولیدکننـدگان گوشت گـاو طی برنامـه‌های توسعه ۶۶۳
۵-۴-۴-۲ بررسی مقادیر حمایت کل از تولیدکنندگان گوشت گاو طی برنامه‌های توسعه ۶۶۹
۵-۴-۴-۳ بررسی مقادیر حمایت از مصرف‌کنندگان گوشت گاو طی برنامه‌های توسعه ۶۸۰
۵-۴-۴-۴ نتیجه‌گیری و پیشنهادهای گوشت گاو ۶۸۵
۵-۴-۵ گوشت گوسفند ۶۹۰

۵-۴-۵-۱ بررسی مقادیر حمایت بازاری از تولیدکنندگان گوشت گوسفند طی برنامه‌های توسعه ۶۹۴
۵-۴-۵-۲ بررسی مقادیر حمایت کل از تولیدکنندگان گوشت گوسفند طی برنامه‌های توسعه ۷۰۱
۵-۴-۵-۳ بررسی مقادیر حمایت از مصرف‌کنندگان گوشت گوسفند طی برنامه‌های توسعه ۷۱۲
۵-۴-۵-۴ نتیجه‌گیری و پیشنهادهای گوشت گوسفند ۷۱۷

فصل ششم: نتایج برآورد حمایت از بخش کشاورزی ۷۲۳
۶-۱ مقدمه ۷۲۵
۶-۲ برآورد حمایت از قیمت بازاری (MPS) ۷۲۶
۶-۳ برآورد حمایت از تولیدکنندگان (PSE) ۷۳۰
۶-۴ برآورد حمایت از مصرف‌کنندگان (CSE) ۷۳۵
۶-۵ برآورد حمایت از خدمات عمومی بخش کشاورزی (GSSE) ۷۳۹
۶-۶ برآورد حمایت کل از بخش کشاورزی (TSE) ۷۴۰
۶-۷ نتیجه‌گیری و پیشنهادها ۷۴۵
فهرست منابع ۷۵۱

فهرست نمودارها

عنوان **شماره صفحه**

نمودار ۱-۳) چگونگی تعیین قیمت مرجع کالای صادراتی..... ۹۵
نمودار ۲-۳) چگونگی تعیین قیمت مرجع کالای وارداتی ۹۶
نمودار ۳-۳) برآورد ارزش تولید در شرایطی که قیـمت داخلی بیش از قیمت مرجع است. ۱۰۰
نمودار ۴-۳) برآورد ارزش تولید در شرایطی که قیمـت داخلی کمتر از قیمت مرجع است.. ۱۰۴
نمودار ۵-۳) برآورد ارزش مصرف در شرایطی که قیمت داخلی بیش از قیمت مرجع است. ۱۰۹
نمودار ۶-۳) برآورد ارزش مصرف در شرایطی که قیمت داخلی کمتر از قیمت مرجع است. ۱۱۱
نمودار ۷-۳) انواع انتقال بین گروه‌های مختلف، ناشی از تفاوت قیمت مرجع با قیمت داخلی ۱۱۲
نمودار ۸-۳) الگوی شماتیک اجزای حمایت از تولیدکنندگان (PSE)..... ۱۲۹
نمودار ۹-۳) برآورد حمایت از قیمت بازاری..... ۱۳۲
نمودار ۱۰-۳) الگوی شماتیک جریان انتقال‌های قیمتی در محاسبه حمایت از قیمت بازاری ۱۳۲
نمودار ۱۱-۳) روند چاه‌های کشاورزی و چاه‌های برقدار کشور ۱۴۰
نمودار ۱۲-۳) الگوی شماتیک اجزای حمایت از مصرف‌کنندگان (CSE) ۱۴۵
نمودار ۱۳-۳) الگوی شماتیک چگونگی تعیین کل حمایت از بخش کشاورزی..... ۱۵۰
نمودار۱-۴) نتایج آزمون ثبات سیستم الگوی برآوردی VAR ۱۷۹
نمودار ۲-۴) روند نرخ ارز رسمی و واقعی و تعادلی در ایران..... ۱۸۵
نمودار ۱-۱-۲-۵) سهم ایران از تولید، سطح زیرکشت، واردات و ارزش واردات جهانی گندم طی دورهٔ ۸۹-۱۳۶۸ ..... ۲۰۰

نمودار ۲-۱-۲-۵) نمودار روند پرداخت‌های بودجه‌ای دولت‌ها طی برنامه‌های مختلف توسعه ۲۱۲
نمودار ۳-۱-۲-۵) مقایسهٔ درصد PSE گندم ایران و منتخب جهان..... ۲۱۹
نمودار ۱-۲-۲-۵) سهم ایران از تولید، سطح زیرکشت، واردات و ارزش واردات جهانی جو طی دورهٔ ۸۹-۱۳۶۸..... ۲۲۹
نمودار ۲-۲-۲-۵) نمودار روند پرداخت‌های بودجه‌ای دولت‌ها طی برنامه‌های مختلف توسعه ۲۴۰
نمودار ۱-۳-۲-۵) سهم ایران از تولید، سطح زیرکشت، واردات و ارزش واردات جهانی پنبه طی دورهٔ ۸۹-۱۳۶۸..... ۲۵۶
نمودار ۲-۳-۲-۵) نمودار روند پرداخت‌های بودجه‌ای دولت‌ها طی برنامه‌های مختلف توسعه ۲۶۸
نمودار ۱-۴-۲-۵) سهم ایران از تولید، سطح زیرکشت، واردات و ارزش واردات جهانی ذرت طی دورهٔ ۸۹-۱۳۶۸..... ۲۸۶
نمودار ۲-۴-۲-۵) نمودار روند پرداخت‌های بودجه‌ای دولت‌ها طی برنامه‌های مختلف توسعه ۲۹۸
نمودار ۱-۵-۲-۵) سهم ایران از تولید، سطح زیرکشت، واردات و ارزش واردات جهانی برنج طی دورهٔ ۸۹-۱۳۶۸..... ۳۱۷
نمودار ۲-۵-۲-۵) نمودار روند پرداخت‌های بودجه‌ای دولت‌ها طی برنامه‌های مختلف توسعه ۳۲۹
نمودار ۱-۶-۲-۵) سهم ایران از تولید، سطح زیرکشت، واردات و ارزش واردات جهانی چغندرقند طی دورهٔ ۸۹-۱۳۶۸..... ۳۴۶
نمودار ۲-۶-۲-۵) نمودار روند پرداخت‌های بودجه‌ای دولت‌ها طی برنامه‌های مختلف توسعه ۳۵۷
نمودار ۱-۷-۲-۵) سهم ایران از تولید، سطح زیرکشت، واردات و ارزش واردات جهانی سویا طی دورهٔ ۸۹-۱۳۶۸..... ۳۷۵

نمودار ۲-۷-۲-۵) نمودار روند پرداخت‌های بودجه‌ای دولت‌ها طی برنامه‌های مختلف توسعه ۳۸۸
نمودار ۱-۸-۲-۵) سهم ایران از تولید، سطح زیرکشت، واردات و ارزش واردات جهانی کلزا طی دورهٔ ۸۹-۱۳۷۷ ۴۰۸
نمودار ۲-۸-۲-۵) نمودار روند پرداخت‌های بودجه‌ای دولت‌ها طی برنامه‌های مختلف توسعه ۴۱۹
نمودار ۱-۱-۳-۵) سهم ایران از تولید، سطح زیرکشت، واردات و ارزش واردات جهانی سیب طی دورهٔ ۸۹-۱۳۶۸ ۴۴۰
نمودار ۲-۱-۳-۵) نمودار روند پرداخت‌های بودجه‌ای دولت‌ها طی برنامه‌های مختلف توسعه ۴۵۲
نمودار ۱-۲-۳-۵) سهم ایران از تولید، سطح زیرکشت، واردات و ارزش واردات جهانی مرکبات طی دورهٔ ۸۹-۱۳۶۸ ۴۶۹
نمودار ۲-۲-۳-۵) نمودار روند پرداخت‌های بودجه‌ای دولت‌ها طی برنامه‌های مختلف توسعه ۴۸۱
نمودار ۱-۳-۳-۵) سهم ایران از تولید، سطح زیرکشت، واردات و ارزش واردات جهانی خرما طی دورهٔ ۸۹-۱۳۶۸ ۴۹۹
نمودار ۲-۳-۳-۵) نمودار روند پرداخت‌های بودجه‌ای دولت‌ها طی برنامه‌های مختلف توسعه ۵۱۰
نمودار ۱-۴-۳-۵) سهم ایران از تولید، سطح زیرکشت، واردات و ارزش واردات جهانی پسته طی دورهٔ ۸۹-۱۳۶۸ ۵۲۸
نمودار ۲-۴-۳-۵) نمودار روند پرداخت‌های بودجه‌ای دولت‌ها طی برنامه‌های مختلف توسعه ۵۴۰
نمودار ۱-۱-۴-۵) سهم ایران از تولید، تعداد مرغ تخم گذار، واردات و ارزش واردات جهانی تخم مرغ طی دورهٔ ۸۹-۱۳۶۸ ۵۶۴
نمودار ۲-۱-۴-۵) نمودار روند پرداخت‌های بودجه‌ای دولت‌ها طی برنامه‌های مختلف توسعه ۵۷۷

نمودار ۱-۲-۴-۵) سهم ایران از تولید، تعداد جوجهٔ گوشتی، واردات و ارزش واردات جهانی گوشت مرغ طی دورهٔ ۸۹-۱۳۶۸..... ۵۹۵
نمودار ۲-۲-۴-۵) نمودار روند پرداخت‌های بودجه‌ای دولت‌ها طی برنامه‌های مختلف توسعه ۶۰۹
نمودار ۱-۳-۴-۵) سهم ایران از تولید، تعداد گاو شیری، واردات و ارزش واردات جهانی شیر طی دورهٔ ۸۹-۱۳۶۸ ..... ۶۲۸
نمودار ۲-۳-۴-۵) نمودار روند پرداخت‌های بودجه‌ای دولت‌ها طی برنامه‌های مختلف توسعه ۶۴۱
نمودار ۱-۴-۴-۵) سهم ایران از تولید، تعداد گاو پروراری، واردات و ارزش واردات جهانی گوشت گاو طی دورهٔ ۸۹-۱۳۶۸..... ۶۶۱
نمودار ۲-۴-۴-۵) نمودار روند پرداخت‌های بودجه‌ای دولت‌ها طی برنامه‌های مختلف توسعه ۶۷۳
نمودار ۱-۵-۴-۵) سهم ایران از تولید، تعداد گوسفند پروراری، واردات و ارزش واردات جهانی گوشت گوسفند طی دورهٔ ۸۹-۱۳۶۸..... ۶۹۳
نمودار ۲-۵-۴-۵) نمودار روند پرداخت‌های بودجه‌ای دولت‌ها طی برنامه‌های مختلف توسعه ۷۰۵
نمودار ۱-۷-۶) شاخص‌های حمایت از تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان بخش کشاورزی در کشورهای اتحادیهٔ اروپا طی دورهٔ ۲۰۱۰-۱۹۸۶ ..... ۷۴۷

فهرست جدول‌ها

عنوان **شماره صفحه**

جدول ۱-۳) اجزای تشکیل‌دهندهٔ حمایت از خدمات عمومی در بخش کشاورزی ایران ۱۴۸
جدول ۲-۳) داده‌های مورد استفاده در پژوهش و منابع گردآوری اطلاعات ۱۵۱
جدول ۱-۴) بررسی پایایی متغیرها با یکبار تفاضل‌گیری با استفاده از رهیافت دیکی فولر تعمیم یافته ۱۷۴
جدول ۲-۴) نتایج آزمون طول وقفه بهینه در الگو ۱۷۵
جدول ۳-۴) نتایج آزمون همگرایی یوهانسن برای تعیین تعداد روابط بلندمدت در حالت‌های مختلف ۱۷۶
جدول ۴-۴) نتایج آزمون تعیین مرتبه همگرایی یوهانسن در حالت چهارم ۱۷۷
جدول ۵-۴) نتایج آزمون نرمال بودن جملات پسماند، آزمون LM و پرتمنتو در رابطه بلندمدت ۱۷۹
جدول ۶-۴) برآورد الگوی تصحیح خطای برداری و تعیین رابطه بلندمدت ۱۸۱
جدول ۷-۴) نرخ ارز رسمی، واقعی و تعادلی در ایران (ارقام به ریال) ۱۸۵
جدول ۸-۴) پیش‌بینی چشم انداز برنامه پنجم توسعه ۱۸۸
جدول ۲-۵) وضعیت تـولید، سـطح زیر کشت و سهم محصولات منتخب زیربخش زراعت ایران ۱۹۴
جدول ۱-۱-۲-۵) وضعیت تولید، عملکرد و تجارت گندم ایران ۱۹۹
جدول ۲-۱-۲-۵) شاخص‌های حمایت بازاری(MPS) از تولیدکنندگان گندم ۲۰۶
جدول ۳-۱-۲-۵) حمایت بودجه‌ای از تولیدکنندگان گندم در نرخ حقیقی ارز ۲۱۰
جدول ۴-۱-۲-۵ شاخص‌های حمایت از تولیدکنندگان گندم ۲۱۶
جدول ۵-۱-۲-۵) حمایت از تولید گندم در کشورهای عضو سازمان توسعه و همکاری‌های اقتصادی ۲۱۸
جدول ۶-۱-۲-۵) شاخص‌های حمایت از مصرف‌کنندگان گندم ۲۲۱

جدول ۷-۱-۲-۵) بررسی حمایت از تولیـدکنندگان و مصرف‌کنندگان گنـــدم در دوره‌های ارزی..... ۲۲۴
جدول ۱-۲-۲-۵) وضعیت تولید، عملکرد و تجارت جو ایران..... ۲۲۸
جدول ۲-۲-۲-۵) شاخص‌های حمایت بازاری(MPS) از تولیدکنندگان جو ۲۳۲
جدول ۳-۲-۲-۵) حمایت بودجه‌ای از تولیدکنندگان جو در نرخ حقیقی ارز..... ۲۳۸
جدول ۴-۲-۲-۵ شاخص‌های حمایت از تولیدکنندگان جو..... ۲۴۱
جدول ۶-۲-۲-۵) شاخص‌های حمایت از مصرف‌کنندگان جو..... ۲۴۷
جدول ۷-۲-۲-۵) بررسی حمایت از تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان جو در دوره‌های ارزی..... ۲۵۱
جدول ۱-۳-۲-۵) وضعیت تولید، عملکرد و تجارت پنبهٔ ایران..... ۲۵۴
جدول ۲-۳-۲-۵) شاخص‌های حمایت بازاری(MPS) از تولیدکنندگان پنبه..... ۲۵۹
جدول ۳-۳-۲-۵) حمایت بودجه‌ای از تولیدکنندگان پنبه در نرخ حقیقی ارز..... ۲۶۶
جدول ۴-۴-۲-۵ شاخص‌های حمایت از تولیدکنندگان پنبه..... ۲۷۱
جدول ۶-۳-۲-۵) شاخص‌های حمایت از مصرف‌کنندگان پنبه..... ۲۷۶
جدول ۷-۳-۲-۵) بررسی حمایت از تولیدکننـدگان و مصرف‌کننـدگان پنبـه در دوره‌های ارزی..... ۲۸۲
جدول ۱-۴-۲-۵) وضعیت تولید، عملکرد و تجارت ذرت ایران..... ۲۸۵
جدول ۲-۴-۲-۵) شاخص‌های حمایت بازاری(MPS) از تولیدکنندگان ذرت ۲۸۹
جدول ۳-۴-۲-۵) حمایت بودجه‌ای از تولیدکنندگان ذرت در نرخ حقیقی ارز ۲۹۶
جدول ۴-۴-۲-۵ شاخص‌های حمایت از تولیدکنندگان ذرت..... ۳۰۱
جدول ۶-۴-۲-۵) شاخص‌های حمایت از مصرف‌کنندگان ذرت..... ۳۰۹
جدول ۷-۴-۲-۵) بررسی حمایت از تولیـدکنندگان و مصرف‌کنندگان ذرت در دوره‌هـای ارزی..... ۳۱۲
جدول ۱-۵-۲-۵) وضعیت تولید، عملکرد و تجارت برنج سفیدشده ایران..... ۳۱۶
جدول ۲-۵-۲-۵) شاخص‌های حمایت بازاری(MPS) از تولیدکنندگان برنج..... ۳۲۳
جدول ۳-۵-۲-۵) حمایت بودجه‌ای از تولیدکنندگان برنج در نرخ حقیقی ارز..... ۳۲۷
جدول ۴-۵ شاخص‌های حمایت از تولیدکنندگان برنج ۳۳۲
جدول ۶-۵-۲-۵) شاخص‌های حمایت از مصرف‌کنندگان برنج..... ۳۳۶
جدول ۷-۵-۲-۵) بررسی حمـایت از تولیدکنندگان و مصرف‌کننـدگان برنج در دوره‌هـای ارزی..... ۳۴۱
جدول ۱-۶-۲-۵) وضعیت تولید، عملکرد و تجارت چغندرقند ایران..... ۳۴۵

جدول ۲-۶-۲-۵) شاخص‌های حمایت بازاری(MPS) از تولیدکنندگان چغندرقند ۳۴۸
جدول ۳-۶-۲-۵) حمایت بودجه‌ای از تولیدکنندگان چغندرقند در نرخ حقیقی ارز..... ۳۵۵
جدول ۴-۶-۲-۵ شاخص‌های حمایت از تولیدکنندگان چغندرقند ۳۶۱
جدول ۶-۶-۲-۵) شاخص‌های حمایت از مصرف‌کنندگان چغندرقند..... ۳۶۵
جدول ۷-۶-۲-۵) بررسی حمایت از تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان چغندرقند در دوره‌های ارزی.. ۳۷۰
جدول ۱-۷-۲-۵) وضعیت تولید، عملکرد و تجارت دانهٔ سویا ایران..... ۳۷۴
جدول ۲-۷-۲-۵) شاخص‌های حمایت بازاری(MPS) از تولیدکنندگان سویا..... ۳۷۹
جدول ۳-۷-۲-۵) حمایت بودجه‌ای از تولیدکنندگان سویا در نرخ حقیقی ارز..... ۳۸۶
جدول ۴-۷-۲-۵ شاخص‌های حمایت از تولیدکنندگان سویا ۳۹۰
جدول ۶-۷-۲-۵) شاخص‌های حمایت از مصرف‌کنندگان سویا..... ۳۹۹
جدول ۷-۷-۲-۵) بررسی حمایت از تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان سویا در دوره‌های ارزی ۴۰۱
جدول ۱-۸-۲-۵) وضعیت تولید، عملکرد و تجارت کلزا ایران..... ۴۰۷
جدول ۲-۸-۲-۵) شاخص‌های حمایت بازاری(MPS) از تولیدکنندگان کلزا..... ۴۱۲
جدول ۳-۸-۲-۵) حمایت بودجه‌ای از تولیدکنندگان کلزا در نرخ حقیقی ارز ۴۱۸
جدول ۴-۸-۲-۵ شاخص‌های حمایت از تولیدکنندگان کلزا..... ۴۲۲
جدول ۶-۸-۲-۵) شاخص‌های حمایت از مصرف‌کنندگان کلزا ۴۲۷
جدول ۷-۸-۲-۵) بررسی حمایت از تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان کلزا در دوره‌های ارزی..... ۴۳۱
جدول ۲-۵) وضعیت تولید، سطح زیر کشت و سهم محصولات منتخب زیربخش باغبانی ایران ۴۳۶
جدول ۱-۱-۳-۵) وضعیت تولید، عملکرد و تجارت سیب ایران..... ۴۳۹
جدول ۲-۱-۳-۵) شاخص‌های حمایت بازاری(MPS) از تولیدکنندگان سیب ۴۴۳
جدول ۳-۱-۳-۵) حمایت بودجه‌ای از تولیدکنندگان سیب در نرخ حقیقی ارز ۴۵۱
جدول ۴-۱-۳-۵ شاخص‌های حمایت از تولیدکنندگان سیب..... ۴۵۴
جدول ۶-۱-۳-۵) شاخص‌های حمایت از مصرف‌کنندگان سیب..... ۴۶۰
جدول ۷-۱-۳-۵) بررسی حمایت از تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان سیب در دوره‌های ارزی..... ۴۶۲
جدول ۱-۲-۳-۵) وضعیت تولید، عملکرد و تجارت مرکبات ایران ۴۶۸
جدول ۲-۲-۳-۵) شاخص‌های حمایت بازاری(MPS) از تولیدکنندگان مرکبات..... ۴۷۳

جدول ۳-۲-۳-۵) حمایت بودجه‌ای از تولیدکنندگان مرکبات در نرخ حقیقی ارز..... ۴۷۹
جدول ۴-۲-۳-۵ شاخص‌های حمایت از تولیدکنندگان مرکبات ۴۸۲
جدول ۶-۲-۳-۵) شاخص‌های حمایت از مصرف‌کنندگان مرکبات..... ۴۸۸
جدول ۷-۲-۳-۵) بررسی حمایت از تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان مرکبات در دوره‌های ارزی..... ۴۹۳
جدول ۱-۳-۳-۵) وضعیت تولید، عملکرد و تجارت خرما ایران..... ۴۹۶
جدول ۲-۳-۳-۵) شاخص‌های حمایت بازاری(MPS) از تولیدکنندگان خرما..... ۵۰۵
جدول ۳-۳-۳-۵) حمایت بودجه‌ای از تولیدکنندگان خرما در نرخ حقیقی ارز..... ۵۰۹
جدول ۴-۳-۳-۵ شاخص‌های حمایت از تولیدکنندگان خرما..... ۵۱۳
جدول ۵-۳-۳-۵) شاخص‌های حمایت از مصرف‌کنندگان خرما..... ۵۱۹
جدول ۶-۳-۳-۵) بررسی حمـایت از تولیدکننـدگان و مصرف‌کنندگان خرما در دوره‌هـای ارزی.... ۵۲۲
جدول ۱-۴-۳-۵) وضعیت تولید، عملکرد و تجارت پسته ایران..... ۵۲۷
جدول ۲-۴-۳-۵) شاخص‌های حمایت بازاری(MPS) از تولیدکنندگان پسته ۵۳۴
جدول ۳-۴-۳-۵) حمایت بودجه‌ای از تولیدکنندگان پسته در نرخ حقیقی ارز..... ۵۳۹
جدول ۴-۴-۳-۵ شاخص‌های حمایت از تولیدکنندگان پسته..... ۵۴۵
جدول ۶-۴-۳-۵) شاخص‌های حمایت از مصرف‌کنندگان پسته..... ۵۴۹
جدول ۷-۴-۳-۵) بررسی حمـایت از تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگـان پسته در دوره‌های ارزی..... ۵۵۴
جدول ۳-۵) وضعـیت تولید، ارزش تولید و سهم محصـولات منتخب زیربخش دامپـروری ایران..... ۵۵۹
جدول ۱-۱-۴-۵) وضعیت تولید، عملکرد و تجارت تخم مرغ ایران..... ۵۶۲
جدول ۲-۱-۴-۵) شاخص‌های حمایت بازاری(MPS) از تولیدکنندگان تخم مرغ ۵۶۹
جدول ۳-۱-۴-۵) حمایت بودجه‌ای از تولیدکنندگان تخم مرغ در نرخ حقیقی ارز ۵۷۵
جدول ۴-۱-۴-۵ شاخص‌های حمایت از تولیدکنندگان تخم مرغ..... ۵۸۰
جدول ۶-۱-۴-۵) شاخص‌های حمایت از مصرف‌کنندگان تخم مرغ..... ۵۸۵
جدول ۷-۱-۴-۵) بررسی حمایت از تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان تخم مرغ در دوره‌های ارزی.... ۵۸۹
جدول ۱-۲-۴-۵) وضعیت تولید، عملکرد و تجارت گوشت مرغ ایران ۵۹۴
جدول ۲-۲-۴-۵) شاخص‌های حمایت بازاری(MPS) از تولیدکنندگان گوشت مرغ..... ۶۰۰
جدول ۳-۲-۴-۵) حمایت بودجه‌ای از تولیدکنندگان گوشت مرغ در نرخ حقیقی ارز..... ۶۰۸

جدول ۴-۲-۴-۵ شاخص‌های حمایت از تولیدکنندگان گوشت مرغ..... ۶۱۱
جدول ۶-۲-۴-۵) شاخص‌های حمایت از مصرف‌کنندگان گوشت مرغ ۶۱۸
جدول ۷-۲-۴-۵) بررسی حمایت از تولیدکنندگان و مصرف‌کندگان گوشت مرغ در دوره‌های ارزی ۶۲۲
جدول ۱-۳-۴-۵) وضعیت تولید، عملکرد و تجارت شیر ایران ۶۲۷
جدول ۲-۳-۴-۵) شاخص‌های حمایت بازاری(MPS) از تولیدکنندگان شیر ۶۳۲
جدول ۳-۳-۴-۵) حمایت بودجه‌ای از تولیدکنندگان شیر در نرخ حقیقی ارز..... ۶۴۰
جدول ۴-۳-۴-۵ شاخص‌های حمایت از تولیدکنندگان شیر ۶۴۵
جدول ۶-۳-۴-۵) شاخص‌های حمایت از مصرف‌کنندگان شیر..... ۶۵۰
جدول ۷-۳-۴-۵) بررسی حمـایت از تولیدکننـدگان و مصرف‌کنندگان شیر در دوره‌هـای ارزی..... ۶۵۵
جدول ۱-۴-۴-۵) وضعیت تولید، عملکرد و تجارت گوشت گاو ایران..... ۶۵۹
جدول ۲-۴-۴-۵) شاخص‌های حمایت بازاری(MPS) از تولیدکنندگان گوشت گاو..... ۶۶۶
جدول ۳-۴-۴-۵) حمایت بودجه‌ای از تولیدکنندگان گوشت گاو در نرخ حقیقی ارز ۶۷۲
جدول ۴-۴-۴-۵ شاخص‌های حمایت از تولیدکنندگان گوشت گاو..... ۶۷۷
جدول ۶-۴-۴-۵) شاخص‌های حمایت از مصرف‌کنندگان گوشت گاو..... ۶۸۲
جدول ۷-۴-۴-۵) بررسی حمایت از تولیدکنندگان و مصرف‌کندگان گوشت گاو در دوره‌های ارزی..۶۸۶
جدول ۱-۵-۴-۵) وضعیت تولید، عملکرد و تجارت گوشت گوسفند ایران..... ۶۹۱
جدول ۲-۵-۴-۵) شاخص‌های حمایت بازاری(MPS) از تولیدکنندگان گوشت گوسفند..... ۶۹۸
جدول ۳-۵-۴-۵) حمایت بودجه‌ای از تولیدکنندگان گوشت گوسفند در نرخ حقیقی ارز..... ۷۰۴
جدول ۴-۵-۴-۵ شاخص‌های حمایت از تولیدکنندگان گوشت گوسفند..... ۷۰۹
جدول ۶-۵-۴-۵) شاخص‌های حمایت از مصرف‌کنندگان گوشت گوسفند..... ۷۱۴
جدول ۷-۵-۴-۵) بررسی حمایت از تولیدکنندگان و مصرف‌کندگان گوشت گوسفند در دوره‌های ارزی
..... ۷۱۸
جدول ۱-۲-۶) شاخص‌های حمایت بازاری(MPS) از تولیدکنندگان بخش کشاورزی ۷۲۹
جدول ۱-۳-۶) شاخص‌های حمایت از تولیدکنندگان بخش کشاورزی(PSE)..... ۷۳۱
جدول۱ -۴-۶) شاخص‌های حمایت از مصرف‌کنندگان بخش کشاورزی(CSE) ۷۳۶
جدول ۱-۶-۶) شاخص‌های حمایت کل از تولیدکنندگان بخش کشاورزی(TSE)..... ۷۴۲

فصل اول

کلیات

۱-۱ مقدمه

بسیاری از کارشناسان، حمایت از بخش کشاورزی را ضرورتی اجتناب‌ناپذیر می‌دانند که تحقق آن منافع همهٔ بخش‌های جامعه را تحت تأثیر قرار می‌دهد (مؤسسهٔ پژوهش‌های برنامه‌ریزی و اقتصاد کشاورزی، ۱۳۸۴؛ حسینی، ۱۳۸۵). سیاست‌های حمایتی از مهم‌ترین سیاست‌های اقتصادی در بخش کشاورزی کشورهای توسعه‌یافته و در حال توسعه به شمار می‌روند. امروزه دامنهٔ حمایت از بخش کشاورزی - حتی در کشورهای توسعه‌یافته- نه تنها کاهش نیافته است، بلکه همواره بر تداوم، تقویت و تنوع حمایت‌ها تأکید می‌شود، به‌طوری که اهمیت و جایگاه منحصر به فرد بخش کشاورزی در قالب کارکردهای متداول آن همچون تأمین مواد غذایی و مواد خام صنایع، صادرات، ارزآوری و اشتغال نه تنها کاهش نیافته است، بلکه در روند توسعهٔ کشورهای پیشرفته بیش از پیش، بر اهمیت آن افزوده شده است (مؤسسهٔ پژوهش‌های برنامه‌ریزی و اقتصاد کشاورزی، ۱۳۸۴). این موضوع در کشورهای در حال توسعه از اهمیت بیشتری برخوردار است. در بیشتر کشورهای جهان بدون حمایت از بخش کشاورزی، تعداد زیادی از کشاورزان و روستاییان با درآمد اندک با مشکلات جدی روبه‌رو خواهند شد. به ویژه آن‌که این

کشورها به منظور تأمین امنیت غذایی، با استفاده از واردات و دخالت مستقیم در قیمت محصولات اساسی کشاورزی و غذایی، تلاش می‌کنند برای حمایت از مصرف‌کنندگان شهری سطح قیمت محصولات کشاورزی را کاهش دهند (حمیدنژاد، ۱۳۷۳).

سیاست‌های کشاورزی به طور معمول در بازار کالاها و نهاده‌های کشاورزی اجرا می‌شوند. به طور کلی دو هدف اساسی برای اجرای سیاست‌های کشاورزی ذکر می‌شود؛ نخست ناکارایی یا شکست بازار و دیگری ماهیت نپذیرفتنی تخصیص طبیعی بازار از دید جامعه (حسینی، ۱۳۸۵). به بیان دیگر، برای اجرای هر سیاست کشاورزی ابتدا به یک محرک نیاز است. این محرک ممکن است ناکارایی یا شکست در بازار محصول یا نهاده باشد. سیاست‌گذاران پس از تعریف مسئله یا همان محرک، هدف‌های کیفی را به منظور پاسخ به محرک یا رفع ناکارایی مشخص می‌کنند. از جمله این هدف‌ها می‌توان به رشد و توسعهٔ بخش کشاورزی، توزیع درآمد، کارایی اقتصادی و تثبیت قیمت‌ها و درآمدها اشاره کرد. در مرحلهٔ دوم، برای رسیدن به هدف‌های کیفی، برنامه‌ریزی می‌شود و این هدف‌ها از حالت کیفی به صورت کمّی، قابل اندازه‌گیری، مشخص و متقن درمی‌آید. در نهایت با توجه به هدف‌های کمّی، ابزارهای سیاستی لازم طراحی و به کار گرفته می‌شوند. پس از اجرای هر سیاست، درجه اثربخشی آن در رسیدن به هدف‌های از پیش‌تعیین‌شده، اندازه‌گیری می‌شود تا در سیاست‌گذاری‌های آیندهٔ برنامه‌ریزان مورد استفاده قرار گیرد (حسینی، ۱۳۸۵).

در ایران نیز همچون دیگر کشورهای جهان، سیاست‌های حمایتی از بخش کشاورزی در قالب برنامه‌های توسعهٔ اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی —در چارچوبی مشابه آنچه در بند بالا تشریح شد— صورت می‌گیرد. پیشینهٔ چنین سیاست‌هایی در زیر بخش دام و طیور به سال ۱۳۲۶ بازمی‌گردد (رحیمی، ۱۳۷۹). در بخش‌های دیگر همچون زراعت نیز این‌گونه سیاست‌ها از اواسط سال ۱۳۴۰ آغاز و در سال

۱۳۶۸ با تصویب قانون تضمین خرید محصولات اساسی زراعی قانونمند شد. به‌طور کلی، در طول برنامه‌های عمرانی پیش از انقلاب و برنامه‌های توسعهٔ اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی پس از انقلاب به‌طور روزافزونی بر حمایت از بخش کشاورزی تأکید شده است. همچنین در قانون برنامهٔ دوم و سوم توسعهٔ اقتصادی نیز بر تداوم پرداخت یارانه به برخی نهاده‌ها تأکید شد (مؤسسهٔ پژوهش‌های برنامه‌ریزی و اقتصاد کشاورزی، ۱۳۸۴).

همه ساله سهم زیادی از بودجهٔ دولت به حمایت از تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان این محصولات و همچنین زیرساخت‌های بخش کشاورزی اختصاص می‌یابد. هدف‌ها و اولویت‌های سیاست‌های کشاورزی در همهٔ کشورها، بسته به شرایط عمومی اقتصاد و جهت‌گیری‌های کلی آن، در طول زمان تغییر می‌کند. پژوهش‌های علمی به منظور تحلیل روند تغییرات و عملکرد این سیاست‌ها، با توجه به هدف‌ها، مصوبات و عملکرد برنامه‌های توسعهٔ اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، مسئلهٔ اساسی و مهمی‌اند که از بعد برنامه‌ریزی برای تدوین راهبرد توسعهٔ کشاورزی و مساعدت به تدوین برنامه‌های توسعه، اهمیت ویژه‌ای دارند.

باید توجه داشت که انجام هر پژوهشی، نیازمند به‌کارگیری یک روش علمی است. به منظور برآورد و تحلیل حمایت‌ها، در ادبیات اقتصادی، روش‌های مختلفی مورد استفاده قرار گرفته است. روش سازمان همکاری‌های اقتصادی و توسعه (OECD) که از سال ۱۹۸۷ ارائه شده است، مبتنی بر برآورد چند شاخص حمایت است. در این روش تلاش می‌شود این سیاست‌ها و حمایت‌ها را در قالب یک یا چند عدد خلاصه کرد، به طوری که این اعداد هم بین کشورهای مختلف و هم در طول زمان مقایسه‌پذیر باشند. روش سازمان OECD هر ساله توسط کشورهای عضو این سازمان و بسیاری از کشورهای غیرعضو محاسبه می‌شود. به دلیل همین رویکرد

عمومی و استفادهٔ زیاد از این روش، تلاش‌های بسیاری برای بهبود و تکامل آن شده است و می‌توان آن را تکامل‌یافته‌ترین روش ارزیابی سیاست‌های حمایتی دانست.

به‌کارگیری روش سازمان OECD در ارزیابی سیاست‌های حمایتی دارای چند مزیت است. نخست آن که شاخص‌های حمایت را می‌توان -با وجود تنوع در ابزارهای سیاستی کشورهای مختلف و تفاوت در رویکردها و هدف‌های هر کشور در طول زمان- به منظور نظارت و *ارزیابی سیاست‌های کشاورزی* مورد استفاده قرار داد. به ویژه آن که شرکت در معاهدات و الحاق به سازمان‌های بین‌المللی به طور معمول متضمن پذیرش تعهداتی است که باید ارزیابی شوند. از سوی دیگر، شاخص‌های پیش‌گفته با استفاده از روشی سازگار و مقایسه‌پذیر برای ارزیابی سیاست‌های کشاورزی، *مبنایی مشترک برای گفت‌وگوهای بین‌المللی* فراهم می‌کند. در واقع، امکان مقایسهٔ بین‌کشوری، و گسترش روزافزون محاسبهٔ این شاخص‌ها در کشورهای مختلف، آنها را نه تنها در کشورهای عضو OECD، بلکه در بسیاری از سازمان‌های بین‌دولتی، بین‌المللی غیردولتی، و حتی نهادهای تحقیقاتی، به عنوان ابزاری سودمند مطرح کرده است. از سوی دیگر، بانک اطلاعاتی ایجادشده از شاخص‌ها در طول زمان، یک *ورودی* باارزش در ساخت الگوهای ارزیابی اثربخشی و کارایی سیاست‌ها است. در واقع، هرچند این شاخص‌ها خود نمی‌توانند آثار و پیامدهای سیاست‌ها بر تولید، تجارت، درآمد، محیط‌زیست و غیره را به صورت مستقیم اندازه‌گیری کنند، اطلاعات اقتصادی حاصل از آنها را می‌توان پایه‌ای مهم برای پژوهش‌های بعدی دانست.

به طور کلی، در روش سازمان توسعه و همکاری‌های اقتصادی که از سال ۱۹۸۶ مورد استفاده قرار گرفت، ارزش پولی پرداخت‌های انتقالی توسط همهٔ ابزارهای سیاستی مؤثر بر کشاورزی لحاظ می‌شود. این پرداخت‌ها به چهار گروه اصلی تقسیم می‌شوند: الف) حمایت از قیمت بازاری؛ ب) پرداخت‌های مستقیم؛ ج) کاهش

هزینه‌های نهاده و د) خدمات عمومی. در آن زمان، هر یک از آنها، سیاست‌های اندکی را شامل می‌شد و دیگر پرداخت‌های انتقالی که در این تقسیم‌بندی وجود نداشت، برای محاسبهٔ «کل» پرداخت‌های انتقالی افزوده می‌شد. به تدریج به دلیل افزایش تنوع در سیاست‌های کشاورزی کشورهای عضو، و نیز گسترش روزافزون محاسبهٔ این شاخص‌ها در کشورهای غیرعضو، تقسیم‌بندی اولیه برای تحلیل‌های سیاستی تاحدودی نامتناسب و ناکارامد شد. از این رو، OECD دسته‌بندی جدیدی را معرفی کرد. بر این اساس، به منظور این که عنوان شاخص تا حد امکان منعکس‌کنندهٔ تعریف‌ها باشد و آنها را با یکدیگر همسان کند، کشورهای OECD توافق کردند به جای «معادل یارانه[1]» از «برآورد حمایت[2]» استفاده کنند و مجموعه اصطلاحات زیر را به کار گیرند: برآورد حمایت از تولیدکننده (PSE) کل دریافت‌های ناخالص کشاورزان، شامل ارزش محصول بر حسب قیمت‌های سر مزرعه، به علاوهٔ پرداخت‌های دولت به کشاورزان؛ برآورد حمایت از مصرف‌کننده (CSE) شاخصی از ارزش پولی پرداخت‌ها از تولیدکنندگان و مالیات‌دهندگان به مصرف‌کنندگان در زمانی معین که بر اثر اجرای سیاست‌های حمایتی در بخش کشاورزی منتقل شده است؛ برآورد حمایت از خدمات عمومی (GSSE) ارزش پولی ناخالص سالانهٔ اختصاص‌یافته به خدمات عمومی در بخش کشاورزی و برآورد حمایت کل (TSE) مجموع کل حمایت از تولیدکنندگان، مصرف‌کنندگان و خدمات عمومی بخش کشاورزی. این کار با هدف همسان‌سازی هرچه بیشتر شاخص‌ها (بین کشورها، سیاست‌ها، و در طول زمان)، شفاف‌سازی (ارائهٔ هر چه بیشتر اطلاعات)، مفید و به‌هنگام ساختن (برای هدف‌های سیاستی)، و عملی کردن آنها (سهولت فهم و محاسبه) انجام پذیرفت.

---

[1] Subsidy equivalent
[2] Support Estimate

در روش‌شناسی OECD، حمایت[1] به مفهوم پرداخت‌های ناخالصی است که به دلیل اعمال سیاست‌های حمایتی از کشاورزی، انجام شده است. این پرداخت‌ها، هم مخارج بودجه‌ای و هم دیگر پرداخت‌هایی که نیازمند مخارج پولی واقعی نیست را نیز شامل می‌شود. به این ترتیب، شاخص‌های محاسبه‌شده منعکس‌کنندهٔ حمایت‌هاست. به منظور ارائهٔ تصویری جامع از سطح و ترکیب حمایت‌ها، شاخص‌های گوناگونی معرفی شده‌اند که هر کدام به یک جنبه از حمایت‌ها مربوط می‌شوند.

محققان ایرانی در پژوهش‌های گوناگونی سیاست‌های حمایتی از بخش کشاورزی را ارزیابی کرده‌اند (حسینی درویشانی (۱۳۸۲)؛ ترشیزی (۱۳۸۸)؛ برقندان و نجفی(۱۳۸۹)). با این که روش‌شناسی این پژوهش‌ها، به‌ویژه در سال‌های اخیر، بر روش‌شناسی OECD منطبق بوده است، تاکنون پژوهش جامعی در این خصوص انجام نپذیرفته است. به طوری که اغلب پژوهش‌ها به محصولات یا زیربخش‌های خاصی محدود می‌شوند یا تنها جنبهٔ خاصی از مسائل را در نظر می‌گیرند. برای نمونه، اغلب پژوهش‌ها از تأثیر نرخ ارز واقعی و تعادلی بر مقدار حمایت‌ها غفلت کرده‌اند.

در این تحقیق تلاش می‌شود با دید جامع‌نگر، روند تغییرات سیاست‌های حمایتی دولت از بخش‌های تولید و مصرف محصولات مهم زیر بخش زراعت(گندم، جو، برنج، پنبه، ذرت، سویا، کلزا، چغندرقند، نیشکر) که در مجموع ۷۶ درصد از سطح برداشت‌شدهٔ محصولات زراعی سالانه طی سال‌های (۸۸-۱۳۸۵) را به خود اختصاص داده‌اند(آمارنامه کشاورزی، سال های ۸۸-۱۳۸۵)، محصولات مهم زیربخش باغبانی (پسته، خرما، سیب درختی، مرکبات) که مهم‌ترین محصولات صادراتی بخش کشاورزی بوده‌اند و ۵۴ درصد از سطح زیر کشت محصولات باغی کشور را در سال

[1] Support

۱۳۸۷ در بر داشته‌اند(طرح آمارگیری محصولات باغی، ۱۳۸۷) و همچنین مهم‌ترین محصولات زیربخش دام و طیور(گوشت گاو، گوشت گوسفند، گوشت مرغ، شیر و تخم‌مرغ) که نزدیک به ۹۵ درصد از ارزش تولید محصولات این بخش را شامل می‌شوند(محاسبات تحقیق و آمارنامه کشاورزی)، با توجه بیشتر بر اثرگذاری نرخ ارز و سیاست‌های ارزی بر مقادیر حمایت، بررسی شود. همچنین، حمایت‌ها از خدمات عمومی بخش کشاورزی، و نیز کل حمایت‌ها مورد ارزیابی قرار گیرد.

۲-۱ هدف‌های تحقیق

هدف اصلی این پژوهش، اندازه‌گیری، ارزیابی حمایت‌های دولت از بخش‌های تولید و مصرف کشاورزی به منظور تدوین راه‌گزین‌های مناسب برای راهبرد توسعه کشاورزی ایران است. در این زمینه، از روش‌شناسی کاربردی سازمان توسعه و همکاری‌های اقتصادی - با تعدیل‌های لازم برای شرایط ایران- استفاده می‌شود. به‌طوری‌که بتوان نتایج حاصل را با کشورهای دیگر نیز مقایسه کرد. برای این منظور، شاخص PSE و شاخص جانبی PSE% در بخش تولید و شاخص CSE و شاخص جانبی CSE% در بخش مصرف کشاورزی در تولید و مصرف محصولات گندم، جو، برنج، پنبه، ذرت، سویا، کلزا، چغندرقند، نیشکر، پسته، خرما، سیب درختی، مرکبات، گوشت گاو، گوشت گوسفند، گوشت مرغ، شیر و تخم‌مرغ محاسبه می‌شود. همچنین شاخص GSSE برای برآورد حمایت از خدمات عمومی کشاورزی، و شاخص TSE برای برآورد کل حمایت از بخش کشاورزی محاسبه خواهد شد. افزون بر این، تأثیر سیاست‌های ارزی بر حمایت‌ها تحلیل خواهد شد.

چنین تحلیل‌هایی سیاست‌گذار را در جریان کم و کیف و روند تغییرات حمایت‌های داخلی ازبخش‌های تولید و مصرف کشاورزی، قرار می‌دهد و امکان مقایسهٔ ایران با کشورهای منطقه - از نظر سطح حمایت از بخش کشاورزی- را در

دستیابی به هدف‌های سند چشم‌انداز ۲۰ سالهٔ کشور فراهم می‌آورد. همچنین با توجه به تلاش ایران برای پیوستن به سازمان تجارت جهانی و با توجه به این موضوع که در موافقت‌نامهٔ کشاورزی دور اروگوئه سازمان تجارت جهانی، کاهش حمایت‌های داخلی، مهم‌ترین بخش تعهدات کاهشی را تشکیل داده است، آگاهی از کم و کیف و روند تغییرات حمایت‌های داخلی از بخش کشاورزی در مقایسه با کشورهای عضو سازمان تجارت جهانی، به برنامه‌ریزی در زمینهٔ پیوستن ایران به سازمان تجارت جهانی کمک جدی خواهد کرد. به طور کلی، یافته‌های پژوهش پیش رو را می‌توان در شناسایی راه‌گزین‌های ممکن برای تدوین راهبرد توسعهٔ متوازن و پایدار کشاورزی ایران و تدوین و تنظیم جهت‌گیری سیاست‌های کشاورزی به کار گرفت. همچنین، آنها را در اجرای قانون هدفمندسازی یارانه‌ها مفید دانست.

به این ترتیب هدف‌های پژوهش پیش‌رو را به طور مشخص می‌توان در قالب موارد زیر برشمرد:

- بررسی و تبیین ساختار سیاست‌های کشاورزی ایران؛
- برآورد شاخص حمایت از تولیدکننده (PSE) در بخش کشاورزی به تفکیک زیربخش‌ها (زراعت، باغبانی و دام‌وطیور) و محصولات منتخب: گندم، جو، برنج، پنبه، ذرت، سویا، چغندرقند، پسته، خرما، سیب درختی، مرکبات، گوشت گاو، گوشت گوسفند، گوشت مرغ، شیر و تخم مرغ برمبنای راه‌گزین‌های نرخ ارز رسمی، نرخ ارز مؤثر و نرخ ارز تعادلی، برای دورهٔ زمانی سال‌های ۱۳۶۰ تا ۱۳۸۹؛
- برآورد شاخص حمایت از تولیدکننده (CSE) در بخش کشاورزی به تفکیک زیربخش‌ها (زارعت، باغبانی و دام‌وطیور) و محصولات منتخب: گندم، جو، برنج، پنبه، ذرت، سویا، چغندرقند، پسته، خرما، سیب درختی، مرکبات، گوشت گاو، گوشت گوسفند، گوشت مرغ، شیر و تخم مرغ برمبنای

راه‌گزین‌های نرخ ارز رسمی، نرخ ارز مؤثر و نرخ ارز تعادلی، برای دوره زمانی سال‌های ۱۳۶۰ تا ۱۳۸۹.

- برآورد شاخص حمایت از خدمات عمومی (GSSE) بخش کشاورزی، برای دوره زمانی سال‌های ۱۳۶۰ تا ۱۳۸۹.
- برآورد شاخص کل حمایت (TSE) از بخش کشاورزی ایران برمبنای راه‌گزین‌های نرخ ارز رسمی، نرخ ارز مؤثر و نرخ ارز تعادلی، برای دوره زمانی سال‌های ۱۳۶۰ تا ۱۳۸۹.
- برآورد شاخص حمایت از تولیدکننده (PSE)، شاخص حمایت از تولیدکننده (CSE) و شاخص کل حمایت (TSE) دربخش کشاورزی به تفکیک زیربخش‌ها (زراعت، باغبانی و دام‌وطیور) و محصولات منتخب: گندم، جو، برنج، پنبه، ذرت، سویا، چغندر قند، پسته، خرما، سیب درختی، مرکبات، گوشت گاو، گوشت گوسفند، گوشت مرغ، شیر و تخم مرغ از بخش کشاورزی ایران برمبنای راه‌گزین نرخ ارز تعادلی پیش‌بینی‌شده و با راه‌گزین‌های متناسب پیش‌بینی تغییرات قیمتی برای برنامهٔ پنجم توسعهٔ ۱۳۹۴- ۱۳۹۰.
- مقایسهٔ TSE برآوردشده و اجزای آن با چند کشور منتخب.
- تهیهٔ الگوی نرم‌افزاری (Excel) برآورد شاخص برآورد حمایت کل (TSE) از بخش کشاورزی برای سال‌های ۱۳۶۰ تا ۱۳۸۹. این الگوی نرم‌افزاری (Excel) امکان ارزیابی سال‌های آتی را نیز فراهم می‌سازد.

۳-۱ پرسش‌های تحقیق

به منظور دستیابی به هدف‌های پیش‌گفته، این تحقیق به شکلی سازماندهی می‌شود که به مجموعه‌ای از پرسش‌های اصلی و فرعی پاسخ دهد:

پرسش‌های اصلی:

- حمایت از تولیدکنندگان کل بخش کشاورزی برمبنای راه‌گزین‌های نرخ ارز رسمی، نرخ ارز مؤثر و نرخ ارز تعادلی چه اندازه است؟
- حمایت از مصرف‌کنندگان کل بخش کشاورزی برمبنای راه‌گزین‌های نرخ ارز رسمی، نرخ ارز مؤثر و نرخ ارز تعادلی چه اندازه است؟
- حمایت از کل بخش کشاورزی ایران برمبنای راه‌گزین‌های نرخ ارز رسمی، نرخ ارز مؤثر و نرخ ارز تعادلی چه اندازه است؟
- سهم حمایت‌ها از ارزش افزوده بخش کشاورزی و GDP چند درصد است؟

پرسش‌های فرعی:

پرسش‌های فرعی در ارتباط با هر یک از حمایت‌ها (حمایت از تولیدکننده، حمایت از مصرف‌کننده، و حمایت از خدمات عمومی) به شکل زیر طرح می‌شود:

پرسش‌های مربوط به *حمایت از تولیدکننده* برمبنای راه‌گزین‌های سیاست‌های ارزی:

- حمایت در هر هکتار و به ازای هر کیلوگرم تولید محصولات منتخب (پسته، خرما، سیب درختی، مرکبات، گندم، جو، برنج، پنبه، ذرت، سویا، چغندر قند، گوشت گاو، گوشت گوسفند، گوشت مرغ، شیر و تخم مرغ) تا چه اندازه بوده است؟
- کدام یک از سیاست‌های حمایت از قیمت بازاری و پرداخت‌های بودجه‌ای سهم بیشتری را در حمایت از تولیدکنندگان دارند؟

پرسش‌های مربوط به *حمایت از مصرف‌کننده* برمبنای راه‌گزین‌های سیاست‌های ارزی:

- حمایت از مصرف‌کنندگان در قیمت‌های سرمرزعه تا چه اندازه بوده است؟
- درصد حمایت از مصرف‌کنندگان نسبت به ارزش تولید تا چه حد بوده است؟
- آیا مصرف‌کنندگان نسبت به تولیدکنندگان سهم بیشتری را از حمایت‌ها نصیب خود کرده‌اند؟ یا به بیان دیگر آیا سیاست‌ها تولیدکننده‌محور یا مصرف‌کننده‌محور بوده‌اند؟

پرسش‌های مربوط به *حمایت از خدمات عمومی*:

- روند این حمایت‌ها در طی برنامه‌های توسعهٔ اقتصادی چگونه بوده است؟
- نسبت رشد GDP با این حمایت‌ها چگونه است؟

۱-٤ فرضیه‌ها

- بر پایهٔ نتایج پژوهش‌های انجام‌پذیرفته و نیز با توجه به رویکردهای سیاست‌گذاران، انتظار می‌رود پرسش‌های مطرح‌شده با پاسخ‌های زیر مواجه شود:
- حمایت از بخش تولید کشاورزی برمبنای سیاست‌های ارزی (نرخ ارز رسمی، حقیقی و تعادلی) در برنامه‌های اول تا چهارم توسعه، روندی افزایشی داشته است؛
- حمایت از بخش مصرف کشاورزی برمبنای سیاست‌های ارزی (نرخ ارز رسمی، حقیقی و تعادلی) در برنامه‌های اول تا چهارم توسعه، روندی افزایشی داشته است؛

- نسبت حمایت از بخش تولید کشاورزی به ارزش افزوده بخش کشاورزی در ایران روندی افزایشی داشته است؛
- نسبت حمایت از مصرف‌کنندگان محصولات کشاورزی به ارزش افزوده بخش کشاورزی در ایران روندی افزایشی داشته است؛
- نسبت حمایت از کل زیر بخش زراعت به ارزش افزوده بخش کشاورزی روندی افزایشی داشته است؛
- سیاست‌های ارزی دولت تقویت‌کنندهٔ سیاست‌های حمایتی دولت از بخش کشاورزی نبوده است؛
- نسبت حمایت از کل بخش کشاورزی به ارزش افزوده بخش کشاورزی روندی افزایشی داشته است.

۵-۱- کاربردهای تحقیق

این پژوهش، به شکلی سازماندهی می‌شود تا نتایج و روش آن در ابعاد گوناگون اجرایی و علمی، راهگشا باشد. به این ترتیب، کاربردهایی را که از این پژوهش متصور است می‌توان به قرار زیر برشمرد:

- اندازه‌گیری و بررسی مقدار حمایت دولت از کل بخش کشاورزی؛
- اندازه‌گیری و بررسی مقدار حمایت دولت از تولیدکنندگان کل بخش کشاورزی؛
- اندازه‌گیری و بررسی مقدار حمایت دولت از مصرف‌کنندگان کل بخش کشاورزی؛
- آگاهی از روند برنامه‌های حمایتی دولت از بخش کشاورزی در چهار برنامهٔ توسعه؛

- آگاهی از تأثیر سیاست‌های ارزی دولت در برنامه‌های حمایتی دولت از بخش کشاورزی در برنامه‌های توسعه؛
- کمک به ارزیابی سیاست‌ها و برنامه‌های گذشته و حال و تنظیم آنها برای دستیابی به هدف‌های سند چشم‌انداز ۲۰ سالهٔ کشور؛
- کمک به حذف یارانه‌های اضافی و ابقای کمک‌های لازم به بخش‌های تولید و مصرف کل بخش کشاورزی؛
- کمک به تدوین راهبرد حمایت از کل بخش کشاورزی؛
- کمک به برنامه‌ریزی برای پیوستن ایران به سازمان تجارت جهانی؛
- کمک به تدوین راهبرد توسعهٔ کشاورزی ایران؛
- کمک به ارزیابی اثرهای تغییر تعرفه‌های محصولات کشاورزی؛
- امکان‌پذیر ساختن مدیریت تعادل و توازن در حمایت از تولیدکننده و مصرف‌کننده؛
- امکان‌پذیر ساختن ارزیابی سیاست‌های سال‌های آتی با استفاده از داده‌های سال‌های مربوطه؛
- امکان‌پذیر ساختن پایش سیاست‌های دولت در کارایی و رقابت‌پذیری بخش و محصولات کشاورزی در تجارت.

فصل دوم

ادبیات موضوع و پیشینه تحقیق

۲-۱ مقدمه

در خارج از کشور، پژوهش‌های بسیار زیادی در زمینهٔ ارزیابی سیاست‌های حمایتی انجام پذیرفته است. بیش از همه، سازمان توسعه و همکاری‌های اقتصادی (OECD) همه ساله گزارشی از وضعیت سیاست‌های حمایتی در کشورهای عضو خود ارائه می‌کند. پژوهش‌های غیرمنظم و پراکنده‌ای نیز در دیگر کشورهای جهان و حتی دیگر نهادهای بین‌المللی انجام پذیرفته است. در ایران نیز پژوهش‌های روزافزونی در این زمینه صورت پذیرفته است که با فرض‌های محدودکننده همراه بوده است. در ادامه به منظور تکمیل این پژوهش به برخی از آنها اشاره می‌شود.

۲-۲ پیشینهٔ پژوهش‌های داخلی

پژوهش‌های مختلفی در داخل کشور به ارزیابی سیاست‌های حمایتی از بخش کشاورزی پرداخته‌اند که در زیر به برخی از آنها اشاره می‌شود. یادآوری می‌شود که پژوهش‌ها براساس روش‌شناسی مورد استفاده در آنها دسته‌بندی شده‌اند.

۲-۲-۱محاسبهٔ مقادیر حمایت از بخش کشاورزی براساس نرخ حمایت اسمی و مؤثر

قربانی (۱۳۷۱) در پژوهش خود با عنوان «بررسی سیاست‌های حمایتی در ایران، برآورد نرخ حمایت مؤثر از بخش دامپروری ایران و مقایسهٔ آن با صنایع منتخب» ضمن بررسی سیاست‌های حمایتی، اثرهای این سیاست‌ها در بخش دامپروری ایران را مورد بررسی قرار داد. وی با برآورد نرخ حمایت اسمی و نرخ حمایت مؤثر از فراورده‌های دامی و مقایسهٔ آن با نرخ‌های حمایت اسمی و مؤثر از صنایع منتخب، مقدار حمایت اعطایی دولت به بخش‌های گوناگون را مورد بررسی قرار داد و نتیجه گرفت که در ایران با محدودیت واردات و پرداخت یارانه به کالاهای واسطه‌ای - با استفاده از نرخ‌های چندگانهٔ ارز- از بخش دامپروری حمایت می‌شود. به‌طوری که محدودیت واردات موجب شده است با تغییر مقدار واردات، قیمت گوشت در بازار دچار نوسان شود. همچنین پرداخت یارانه به کالاهای واسطه‌ای با استفاده از نرخ‌های چندگانهٔ ارز به منفی‌شدن نرخ حمایت اسمی از محصولات زراعی و اقلام علوفه‌ای منجر شده است. این موضوع سبب افزایش کمتر محصولات علوفه‌ای و درنتیجه کاهش تولید محصولات دامی در دورهٔ مورد بررسی شده است. از این گذشته، نتایج گویای آن است که در این دوره حمایت از بخش صنعت بسیار بیشتر از بخش کشاورزی بوده است.

پژوهش حمیدنژاد (۱۳۷۳) با عنوان «سوبسید گندم و جست‌وجوی رابطهٔ عدالت اجتماعی» یارانه را یکی از مهم‌ترین ابزارهای اقتصادی معرفی می‌کند که از آن برای تخصیص بهینهٔ منابع، ثبات اقتصادی و عادلانه‌ترشدن توزیع درآمد استفاده می‌شود. این پژوهش به دنبال مشخص کردن این مسئله است که کدام گروه از مصرف‌کنندگان نان، بیشترین سهم را از یارانهٔ نان داشته‌اند. همچنین، دخالت دولت

در امور بازاررسانی گندم بر رفاه مصرف‌کنندگان، تولیدکنندگان، هزینهٔ اجتماعی، درآمدهای ارزی و درآمد عمومی دولت چه تأثیری داشته است. در این زمینه، تفاوت بین سطوح درآمد خانوارهای روستایی و شهری، و سهم نان در سبد غذایی این خانوارها به منظور بررسی اثرهای توزیع درآمدی مورد محاسبه و تجزیه و تحلیل قرار گرفت. همچنین به منظور بررسی آثار رفاهی سیاست قیمت‌گذاری گندم و نان، از روش ضریب حمایت اسمی[1] بهره گرفته شد. براساس نتایج با حذف یارانهٔ نان، خانوارهای روستایی بیش از خانوارهای شهری زیان می‌بینند. همچنین، به طور متوسط درصد هزینهٔ نان از گروه کم‌درآمدتر شهری به گروه پردرآمدتر، سیر نزولی دارد. بنابراین یارانه و حذف آن بیشتر بر گروه کم‌درآمدتر شهری اثرگذار است. ضریب حمایت اسمی تولیدکنندگان گندم در فاصلهٔ سال‌های ۷۱-۱۳۵۸- بدون در نظر گرفتن نرخ برابری ارز- به طور متوسط سالانه حدود ۵/۷۱ درصد بوده است. یعنی به تولیدکنندگان داخلی گندم در مقایسه با قیمت بین‌المللی آن تا حد زیادی یارانه پرداخت شده است. اگرچه با در نظر گرفتن نرخ برابری ارز، نتیجه برعکس بوده و ضریب حمایت اسمی به طور متوسط ۷۶ درصد است که نشان‌دهندهٔ دریافت مالیات پنهان از تولیدکنندگان داخلی در مقابل تولیدکنندگان خارجی است. میانگین ضریب حمایت اسمی مصرف‌کنندگان سالانه بدون در نظر گرفتن نرخ برابری ارز بین سال‌های ۷۱-۱۳۵۸ در حدود ۹۶ درصد بود که به معنی پرداخت قیمتی معادل قیمت بین‌المللی گندم توسط مصرف‌کنندگان داخلی آن است. هرچند با در نظر گرفتن نرخ برابری ارز، ضریب حمایت اسمی به طور متوسط ۷/۴۸ است که نشان‌دهنده پرداخت بسیار زیاد یارانه به مصرف‌کنندگان داخلی در مقایسه با قیمت‌های بین‌المللی آن است.

[1] - Nominal Protection Cofficient

رحیمی (۱۳۷۹) در پژوهش خود با عنوان «سیاست‌های حمایتی از کشاورزی، مطالعه موردی بخش‌های دام و شیلات کشور» پس از بررسی ابزارهای سنجش حمایت از محصولات کشاورزی و سیاست‌های حمایت از کشاورزی در کشورهای منتخب، نقش دولت در فعالیت‌های بخش دام و شیلات را بررسی کرد. او پس از بررسی سیاست‌های دولت در بخش دام و طیور کشور، مقدار حمایت از این بخش را با استفاده از نرخ‌های حمایت اسمی و حمایت مؤثر برای دورهٔ ۷۴-۱۳۶۸ محاسبه کرد. نتایج محاسبات نشان داد در سال‌های مورد بررسی، در میان محصولات دامی، به ترتیب گوشت گوسفند و مرغ، از بیشترین نرخ حمایت اسمی برخوردار بود. همچنین شیر و گوشت گاو نیز به ترتیب با نرخ حمایت منفی ۱۱/۲- و ۹/۷- درصد، کمترین نرخ‌های حمایت اسمی را داشته‌اند. رحیمی یارانه به شیر مصرفی و بازار کنترل شده در بخشی از دامنهٔ تقاضا برای این محصول را مهم‌ترین دلیل کم بودن نرخ حمایت اسمی شیر ذکر می‌کند. همچنین برپایهٔ نتایج برآورد نرخ حمایت مؤثر، گوشت مرغ با متوسط ۸۶ درصد نرخ حمایت مؤثر طی سال‌های ۱۳۷۴-۱۳۷۲ بیشترین، و گوشت گاو با ۸/۶- درصد، کمترین نرخ حمایت مؤثر را داشت. حمایت مؤثر ازگوشت مرغ، نشان‌دهندهٔ جهت‌گیری نظام حمایتی بخش دام به سمت حمایت بیشتر از فعالیت‌های صنعتی، به ویژه صنعت مرغداری است و تأکید دیگری بر سهم چشم‌گیر این صنعت از سبد حمایت دولت است. نویسنده همچنین با استفاده از مفهوم یارانهٔ معادل، همهٔ انتقال‌های مستقیم و غیرمستقیم دولت در بخش شیلات را طی سال‌های ۱۳۶۸ الی ۱۳۷۴ را که به بخش‌های غیردولتی از جمله صیادان، کارگاه‌های تکثیر و پرورش ماهی و صنایع جانبی پرداخت شده بود، مورد محاسبه قرار داد. براساس نتایج این پژوهش در فاصله سال‌های ۱۳۶۸ تا ۱۳۷۴ در کل بخش شیلات مقدار یارانهٔ ناشی از اجرای طرح‌های سرمایه‌بر، اعتبارات بانکی، یارانهٔ نهاده‌ها، طرح‌های تحقیقاتی، آموزشی و ترویجی، ترمیم و بهبود ساختارها و

تأسیسات زیربنایی در روستاهای صیادی، حدود ۵۷۵ میلیارد ریال بوده است. بر این اساس، فعالیت صید و صیادی ۲۰۹ ریال به ازای هر کیلوگرم تولید دریافت کرده بود که در مجموع بیش از ۱۵ درصد ارزش افزودهٔ این فعالیت را شامل می‌شد. حمایت‌ها از فعالیت تکثیر و پرورش به طور متوسط ۳۷۶ ریال برای هر کیلوگرم تولید بود که نشان می‌دهد مجموع حمایت‌های غیرقیمتی و غیرمستقیم دولت بیش از ۳۱/۷ درصد ارزش افزودهٔ این فعالیت بوده است.

بستاکی (۱۳۸۱) در پژوهش خود با عنوان «تحلیل اقتصادی آثار سیاست‌های قیمت‌گذاری محصولات دامی» انواع مداخله‌های مستقیم و غیرمستقیم دولت در قیمت‌گذاری محصولات دامی را مورد بررسی قرار داد. او در این پژوهش از الگویی استفاده کرد که توسط گروهی از محققان بانک جهانی در تحلیل اقتصادی آثار سیاست‌های مداخلهٔ دولت در قیمت‌گذاری کالاهای کشاورزی استفاده شده است. بستاکی به منظور اندازه‌گیری اثر مداخله‌های دولت در قیمت‌گذاری محصولات دامی در دورهٔ زمانی سال‌های ۱۳۶۱ تا ۱۳۷۸، پنج شاخص را محاسبه و بررسی کرد. به طوری که شاخص‌های نرخ حمایت اسمی و مؤثر برای بررسی اثر مداخله‌های مستقیم قیمت، شاخص نرخ حمایت غیرمستقیم برای اندازه‌گیری اثر نرخ ارز و سیاست‌های برون‌بخشی، و شاخص‌های نرخ حمایت اسمی کل و نرخ حمایت مؤثر کل برای اندازه‌گیری اثر کل مداخله‌ها محاسبه شد. براساس نتایج، اثر سیاست‌های مداخلهٔ مستقیم قیمت بر بخش دام و طیور مثبت بوده است. با این وجود، این آثار بسته به اینکه نرخ حمایت اسمی یا ضمنی محاسبه شود و نیز با توجه به نوع نرخ ارز مورد استفاده، متفاوت است، همچنین تغییر جهت سیاست‌های قیمت‌گذاری در سال ۱۳۶۹، در عمل جهت‌گیری حمایت از تولید داشته است. ضمن این که، سیاست‌های مداخلهٔ غیرمستقیم بر بخش دام و طیور تأثیر منفی داشته است. به طوری که، آثار

منفی برآمده از این سیاست‌ها، حتی اثر مثبت سیاست‌های مداخلهٔ مستقیم را خنثی کرده است.

بستاکی و صادقی (۱۳۸۱) آثار مداخلهٔ مستقیم دولت در قیمت‌گذاری گوشت مرغ را برای دورهٔ زمانی ۷۸-۱۳۶۱ اندازه‌گیری کردند. آنان به منظور اندازه‌گیری آثار این مداخلات، از نرخ‌های حمایت اسمی، ضمنی و مؤثر استفاده کردند. در این پژوهش نرخ‌های مورد بررسی تنها دربرگیرندهٔ آثار مداخلهٔ مستقیم دولت در قیمت‌گذاری گوشت مرغ و نهاده‌های به کار رفته در تولید این کالاست و آثار سیاست‌هایی را که به طور غیرمستقیم بر بخش کشاورزی، و به‌ویژه گوشت مرغ تأثیر می‌گذارند، شامل نمی‌شود. برپایهٔ نتایج پژوهش نرخ‌های حمایت اسمی، ضمنی و مؤثر در نرخ‌های گوناگون ارز، مقادیر متفاوتی داشته‌اند. همچنین این نرخ‌ها در برخی سال‌ها منفی و در برخی مثبت بوده است که علامت منفی نرخ‌های حمایت، نشان‌دهندهٔ دریافت نوعی مالیات از تولیدکنندگان گوشت مرغ به جای حمایت از آنان است.

نکتهٔ توجه‌برانگیز در پژوهش‌های مورد اشاره این است که مقادیر حمایت را براساس ضرایب و نرخ‌های حمایت اسمی و مؤثر، بررسی کرده‌اند. دورهٔ زمانی مورد نظر در این پژوهش‌ها تنها تا سال ۱۳۷۸ بوده است که بیشتر آنها به بررسی حمایت در بخش دام و طیور پرداخته‌اند. ضمن این‌که ضرایب حمایت اسمی و مؤثر، همهٔ حمایت‌ها از بخش کشاورزی (شامل حمایت‌های بودجه‌ای) را در محاسبات وارد نمی‌کند.

۲-۲-۲ محاسبهٔ مقادیر حمایت از بخش کشاورزی را براساس معیار کلی حمایت (AMS)

سلامی (۱۳۷۷) در پژوهشی با عنوان «تجزیه‌وتحلیل آثار اقتصادی الحاق ایران به سازمان تجارت جهانی بر بخش کشاورزی و سایر بخش‌های اقتصادی ایران در یک مدل تعادل عمومی» بعد از مرور موافقت‌نامهٔ دور اروگوئه به بررسی ساختار حمایتی بخش کشاورزی ایران پرداخت و سپس آثار اقتصادی پیوستن ایران به سازمان تجارت جهانی بر بخش کشاورزی و دیگر بخش‌های اقتصادی ایران را ارزیابی کرد. وی در پژوهش خود، معیار کلی حمایت[1] را برای سال های ۱۳۶۵ تا ۱۳۷۵ و محصولات گندم، برنج، چغندرقند، نخود، سیب زمینی، سویا، گوشت مرغ و گوشت گاو محاسبه کرد. سلامی شاخص معیار کلی حمایت را براساس نرخ‌های ارز گوناگون محاسبه و سپس نتایج خود را «با احتساب یارانهٔ سوخت» و «بدون احتساب یارانهٔ سوخت» گزارش کرد. براساس نتایج پژوهش در حالی که کل حمایت داخلی - بدون یارانهٔ سوخت - برای گندم، چغندرقند و سویا با نرخ‌های ارز ۳۰۰۰ ریال و ۴۵۰۰ ریال در همهٔ سال‌ها منفی است، اما این حمایت با نرخ ارز ۷۰ ریال برای محصولات مورد اشاره مثبت است. در حالی که اگر یارانهٔ سوخت در محاسبهٔ معیار کلی حمایت لحاظ شود، این معیار برای محصول گندم - و به ازای نرخ‌های ارز متفاوت - در سال‌های ابتدایی، مثبت ولی در سال‌های آخر، حمایت منفی از گندم را نشان خواهد داد. محاسبهٔ معیارحمایت کلی با یارانهٔ سوخت و نرخ‌های متفاوت ارز، تغییری در وضعیت ایجاد نکرد، به‌طوری که حمایت کلی از این محصولات در سال‌های اول همچنان منفی محاسبه شد. نتایج همچنین نشان داد که حمایت کلی در مورد دیگر

---

[1] Aggregate Measure of Support, (AMS) : این شاخص تنها آن دسته از حمایت‌های داخلی را شامل می‌شود که آثار تجاری و تولیدی بزرگی دارند.

محصولات (شامل برنج، نخود، سیب زمینی و پنبه) در هر حالت - با یارانهٔ سوخت و بدون یارانهٔ سوخت- مثبت است. بنابراین، در صورتی که این حمایت‌ها از ۱۰ درصد کل ارزش هر محصول بیشتر باشد، این محصولات مشمول کاهش حمایت داخلی می‌شوند. همچنین، محاسبهٔ معیار کلی حمایت برای محصولات دامی نیز مثبت بودن حمایت کل داخلی از محصولات دامی را در سال‌های مورد نظر نشان می‌دهد. به این ترتیب، حمایت‌های داخلی صورت‌پذیرفته دربارهٔ محصولات اساسی کشاورزی در سال‌های ۱۳۶۵ تا ۱۳۶۷ به گونه‌ای است که براساس مفاد موافقت‌نامهٔ دور اروگوئه، غالب محصولات مشمول کاهش حمایت داخلی می‌شد. با این وجود، تعدیل‌های بعدی در این زمینه نیز به شکلی است که چنانچه یارانهٔ سوخت منظور نشود، به جز برای محصول برنج در دیگر محصولات مهم و راهبردی کشاورزی تعهدات و تغییرات بیشتری را در بر ندارد. در مجموع، پژوهشگر درمی‌یابد که از دیدگاه شرایط داخلی، بخش کشاورزی آمادگی لازم را برای پیوستن به تجارت جهانی و حضور بیشتر در بازارهای جهانی از جنبهٔ مقررات تجاری کسب کرده است. از این رو، چنانچه از جنبهٔ استانداردهای بهداشتی نیز اقدامات لازم صورت گرفته باشد، این آمادگی تحقق خواهد یافت.

نوری (۱۳۸۱) موافقت‌نامهٔ کشاورزی سازمان تجارت جهانی را به منظور استخراج انواع معافیت‌های حمایتی موجود در آن مورد بررسی قرار داد تا ممکن یا ناممکن بودن بهره‌برداری از آن را در حمایت از بخش کشاورزی مشخص کند. او ساختار بودجهٔ اختصاص‌یافته به بخش کشاورزی در دورهٔ ۱۳۷۰تا ۱۳۷۹ را بررسی کرد تا بتواند روند سیاست‌های حمایتی را مشخص سازد. در این پژوهش، بودجهٔ مصوب اختصاص‌یافته به بخش کشاورزی - اعم از بودجهٔ عمرانی و جاری- برای مواردی که مشمول حمایت یا معافیت‌های حمایتی مطرح در موافقت‌نامه کشاورزی می‌شود، برای سال‌های ۱۳۷۰ تا ۱۳۷۹ به‌دست آمد. موارد بودجه‌ای خارج از بودجهٔ دو

وزارتخانه، به دلیل حجم اندک آنها در حمایت از بخش کشاورزی در محاسبات لحاظ نشد. برپایهٔ نتایج، گروه‌های بررسی و تحقیقات ۲۸/۷ درصد، آب وخاک ۱۶/۶ درصد، زراعت و باغبانی ۱۳/۹ درصد، جنگل و مرتع ۱۱/۷ درصد، تنظیم بازار کالاهای اساسی و مواد غذایی ۸/۶ درصد، دام و طیور ۴/۳ درصد، آموزش کشاورزی ۴/۲ درصد، شیلات و آبزیان ۳/۹ درصد، ایجاد شبکهٔ آبیاری و زهکشی ۳ درصد، احداث راه‌های جنگلی و روستایی ۲/۳ درصد و ایجاد و توسعهٔ صنایع غذایی ۰/۴ درصد بودجه را به خود اختصاص داده بودند. شایان ذکر است بودجهٔ تخصیص‌یافته به گروه ترویج و مطالعات کشاورزی طی سال‌های ۱۳۷۵ تا ۱۳۷۹ در هر سال ۳/۲ درصد بوده است. این آمار براساس بودجهٔ عمرانی - که جنبهٔ حمایتی بیشتری از بخش کشاورزی را نشان می‌دهد- نیز محاسبه شد و نشان داد که گروه‌های بررسی و تحقیقات با ۲۴/۷ درصد، آب و خاک ۱۸/۱ درصد، زراعت و باغبانی ۱۵/۱ درصد، و جنگل و مرتع ۱۳/۷ درصد مهم‌ترین گروه‌های جذب‌کنندهٔ بودجهٔ عمرانی بوده‌اند. افزون بر این، به منظور روشن شدن اهمیت بودجه‌های مصوب، نسبت این بودجه‌ها به ارزش تولید بخش کشاورزی نیز مورد بررسی قرار گرفت. سهم مجموع بودجه‌های جاری و عمرانی از ارزش تولید بخش در طول دوره به طور متوسط ۱/۹۴ درصد بود. این مقدار در بهترین حالت در سال ۱۳۷۲ به ۲/۹۸ درصد افزایش یافت. همچنین سهم بودجه‌های عمرانی از ارزش تولید بخش کشاورزی به‌طور متوسط ۱/۵۹ درصد بود که در سال ۱۳۷۲ با ۲/۴۵ درصد بیشترین سهم را داشت. نتیجهٔ نهایی این پژوهش نشان داد که معافیت‌های تصریح‌شده در موافقت‌نامهٔ کشاورزی سازمان تجارت جهانی مورد توجه و بهره‌برداری قرار نگرفته است.

پرمه و سیدی (۱۳۸۲) در پژوهشی با عنوان «سیاست‌های حمایتی، دیدگاه‌های بین‌المللی و کشاورزی ایران» شیوه‌های موجود حمایت از بخش کشاورزی ایران را با تأکید بر حمایت داخلی مورد بررسی قرار دادند. آنان سپس، سطح انطباق این

شیوه‌ها با توافق‌های بین‌المللی موجود را ارزیابی کردند. به همین ترتیب، مغایرت‌های موجود در سیاست‌های کنونی حمایت داخلی در بخش کشاورزی با توافق‌های بین‌المللی شناسایی شد. افزون بر این، در این پژوهش، مذاکرات دور دوحه و نتایج حاصل از آن در بخش کشاورزی نیز بررسی و سطح حمایت داخلی با معیار کلی حمایت[1] اندازه‌گیری شد. معیار کلی حمایت براساس فرمول زیر محاسبه شد:

$$AMS_i = (P_{di} - P_{wi})\, Q_{si} + V_{si}$$

که در آن، P_{wi} متوسط قیمت مرجع ثابت خارجی محصول در دورهٔ ۸۸- ۱۹۸۶؛ P_{di} قیمت‌های تضمینی محصول i؛ Q_{si} مقدار خرید محصول i براساس قیمت تضمینی و V_{si} مجموع خالص ارزش همهٔ حمایت‌های غیرمعاف از محصول i به استثنای حمایت قیمتی است. از سوی دیگر، محققان معتقدند که به دلیل تنوع حمایت‌ها در بخش کشاورزی، نمی‌توان همهٔ آنها را به محصولات معین و مشخص نسبت داد. حتی اگر این انتساب رخ دهد، محاسبه و جداسازی آن برای تک‌تک محصولات با مشکل مواجه شده و موجب بروز خطا می‌شود. به همین دلیل، یارانه یا کمک‌های پرداختی به عنوان حمایت استنادناپذیر به محصول معین برآورد می‌شود و جمع آن با کل حمایت مشخص از محصولات، مجموع معیار کلی حمایت از بخش کشاورزی[2] را به‌دست می‌دهد. نتایج نشان می‌دهد که حمایت قیمتی محصولات مورد بررسی براساس نرخ آزاد ارز، منفی است. بنابراین سیاست خرید تضمینی دولت با توجه به قیمت‌های جهانی محصولات کشاورزی، نقش حمایتی نداشته و همواره این سیاست به زیان بخش کشاورزی اجرا شده است. به عبارت دیگر، این حمایت منفی مالیات پنهانی است که دولت به کشاورزان تحمیل کرده است. همچنین بررسی روند

[1] - Aggregate Measurement of Support (AMS)
[2]- Total Aggregate Measurement of Support (TAMS)

یارانه‌های نهاده‌ای در دورهٔ ۸۱-۱۳۶۸ بیانگر آن است که یارانه‌های پرداختی به نهاده‌های کشاورزی بیش از ۱۷ برابر افزایش یافته است. بنابراین دولت با توزیع نهاده‌های ارزان از بخش کشاورزی حمایت به عمل آورده است. در نهایت سهم حمایت از ارزش تولید محصولات کشاورزی با احتساب سوخت در دورهٔ ۸۱-۱۳۶۸ از سال ۱۳۶۸ تا سال ۱۳۷۸ افزایش یافته و از این سال به بعد با کاهش مواجه بوده است.

آذری (۱۳۸۷) در پایان‌نامهٔ کارشناسی ارشد خود رابطهٔ علیت بین مقدار حمایت از محصولات گندم، ذرت، شلتوک و گوشت مرغ و سطح زیرکشت، عملکرد (تنها برای محصولات زراعی) و مقدار تولید آنها (برای همهٔ محصولات) را در فاصلهٔسال‌های ۱۳۶۵ تا ۱۳۸۵ بررسی کرد. وی برای اندازه‌گیری مقدار حمایت، از معیار اندازه‌گیری کل حمایت استفاده کرد و رابطهٔ علیت را با استفاده از روش علیت گرنجری هسیائو ارزیابی کرد. نتایج نشان داد که مقدار حمایت‌ها در تولید و رشد تولید هیچ یک از محصولات، به جز گوشت مرغ، تأثیری نداشته‌اند. همچنین، در حالی که وجود رابطهٔ علّی بین مقدار حمایت و عملکرد یا رشد عملکرد هیچ یک از محصولات به اثبات نرسید، اما رابطهٔ علّی از سوی نرخ رشد حمایت‌ها به سمت نرخ رشد سطح زیرکشت ذرت دانه‌ای و شلتوک و همچنین مقدار رشد حمایت‌ها به سمت رشد سطح زیرکشت گندم مشاهده شد. آذری نتیجه گرفت که سیاست‌های جاری در ایجاد انگیزه در کشاورزان به منظور افزایش عملکرد و مقدار تولید ناکارآمد بوده‌اند.

گیلانپور و حجازی(۱۳۸۸) در مقالهٔ "تحلیلی بر اندازه و شیوهٔ حمایت از بخش کشاورزی ایران در نیمهٔ اول دههٔ هشتاد" با استفاده از شاخص معیار کلی حمایت، حمایت قیمتی و نهاده‌ای در بخش کشاورزی ایران را در سال‌های ۱۳۸۴-۱۳۸۰ محاسبه کرده‌اند. آنان پس از بررسی روش محاسبهٔ شاخص AMS به بیان چگونگی

حمایت‌ها در مورد کود و سم، انرژی، آب و تسهیلات بانکی پرداخته‌اند. براساس نتایج، میانگین سهم حمایت از ارزش تولید حدود ۱۸٪ بوده و در طی ۵ سال روند صعودی داشته است. نبود رویهٔ باثبات در تعیین قیمت تضمینی محصولات کشاورزی و نوسان قیمت جهانی آنها علت نوسان بیشتر حمایت قیمتی نسبت به حمایت کل بیان شده است. همچنین تأثیر سیاست‌های کلان اقتصادی بر حمایت از بخش کشاورزی مهم ارزیابی شده است، زیرا کاهش ارزش پول ملی در سال ۱۳۸۱، تفاوت چشمگیری را بین نتایج سال ۱۳۸۰ و دیگر سال‌ها ایجاد کرده است. در بخش یارانه‌های تولیدی، سهم زیادی از یارانه‌ها به سوخت تعلق دارد که در اثر ثبات قیمت حامل‌های انرژی کل کشور بوده است و یارانه به صورت ضمنی در پی اجرای سیاست حمایت از مصرف‌کننده نصیب بخش کشاورزی شده است. در پایان این پژوهش پیشنهاد می‌شود در کنار اصلاح سیاست‌های کلان و بهبود روند تعیین قیمت تضمینی محصولات کشاورزی، یارانه‌های تولیدی به طور شفاف، زمان‌بندی شده و مشروط به افزایش کارایی در اختیار تولیدکنندگان قرار گیرد.

گیلان‌پور و حجازی (۱۳۸۸) در پژوهش دیگری با عنوان " تأثیر بیش‌ارزش‌گذاری ریال بر میزان و ساختار حمایت داخلی در بخش کشاورزی ایران" معیار کلی حمایت بخش کشاورزی ایران را در سال‌های ۱۳۸۴-۱۳۸۰ با توجه به تأثیرگذاری متغیر نرخ ارز محاسبه کرده‌اند. این مقاله با اشاره به پیوست پنجم موافقت‌نامهٔ کشاورزی با موضوع متعهدسازی کشورهای عضو، به شناورسازی رژیم ارزی، با فرض مداخله نکردن دولت در بازار شناور، این فرض را خدشه‌پذیر دانسته، بیان می‌کند حتی اگر دولت‌ها پس از عضویت در سازمان جهانی تجارت در بازار ارز مداخله نکنند، نمی‌توان از تأثیر انحراف نرخ ارز پیش از عضویت بر مقدار حمایت تثبیت‌شده در زمان الحاق به این سازمان چشم‌پوشی کرد. براساس روش محاسبهٔ معیار کلی حمایت، نرخ ارز بر حمایت‌های قیمتی و پرداخت یارانه به نهاده‌های تولید

اثر دوگانه‌ای دارد. بیش‌ارزش‌گذاری پول ملی موجب افزایش حمایت قیمتی و اثر معکوس بر حمایت از نهاده‌ها می‌شود. آنان نخست با استفاده از روش برابری قدرت خرید، نرخ ارز حقیقی و انحراف نرخ ارز در ایران را محاسبه کردند و سپس به محاسبهٔ معیار کلی حمایت را با نرخ ارز کنترل شده و آزاد پرداختند. براساس نتایج، مقدار حمایت قیمتی با نرخ ارز آزاد بیشتر است، زیرا کاهش ارزش پول ملی با افزایش حمایت‌های نهاده‌ای رابطهٔ مستقیم دارد. در نهایت بیش‌برآورد معیار کلی حمایت در سال‌های ۱۳۸۱ و ۱۳۸۲ و در مقابل کم‌برآورد معیار کلی حمایت در سال‌های ۱۳۸۰، ۱۳۸۳ و ۱۳۸۴ در پی سیاست‌های ارزی، نشان داده است که برایند اثر سیاست قیمت‌گذاری ارز بر مقدار حمایت داخلی از محصولات کشاورزی، نه تنها متأثر از شیوهٔ اعمال حمایت داخلی است، بلکه از مقدار تغییر در حمایت‌های قیمتی و نهاده‌ای برآمده از انحراف نرخ ارز نیز تأثیر می‌پذیرد. آنان براساس این نتیجه اظهار داشته‌اند، در شرایط پیشی گرفتن مقدار حمایت داخلی در کشور از حداقل سطح مجاز، می‌توان با تأکید بر انحراف ایجاد شده بر اثر بیش‌ارزش‌گذاری ریال در هنگام مداکرات الحاق به سازمان جهانی تجارت امتیازهای کمتری داد. در عین حال نسبت به کاهش حمایت‌های نهاده‌ای که سهم آنها به دلیل بیش‌ارزش‌گذاری ریال دچار کم‌برآوردی شده است، باید حساسیت بیشتری به خرج داد.

گیلانپور و حجازی (۱۳۸۹) در مطالعه‌ای با عنوان "برآورد تأثیر متقابل حمایت مرزی و داخلی در بخش کشاورزی ایران" روشی برای تفکیک و اندازه‌گیری اثر حمایت‌های مرزی بر حمایت‌های داخلی ارائه داده‌اند. آنان نحوهٔ دسته‌بندی تعهدات کشورهای پذیرندهٔ موافقت‌نامهٔ اروگوئه را در سه حوزهٔ حمایت‌های داخلی، دسترسی به بازار و یارانه‌های صادراتی، نشان‌دهندهٔ توجه این موافقت‌نامه به ابزارهای سیاستی در مقابل آثار تجاری دانسته‌اند که در تضاد با هدف کاهش مداخله‌های تجاری است.

پژوهشگران با اشاره به این‌که گاهی پس از اجرای سیاست حمایت قیمتی محصول چندانی به دولت فروخته نشده و تولید کشاورزان در بازار به فروش می‌رسد، نشان داده‌اند که قیمت داخلی پیش از اجرای سیاست قیمتی تحت تأثیر حمایت‌های مرزی و بیش از قیمت حمایتی و قیمت جهانی بوده است. در حالی که براساس موافقت‌نامه، حمایتی صورت نپذیرفته است. در این شرایط محاسبهٔ معیار کلی حمایت، منجر به کم‌برآورد شدن حمایت‌ها می‌شود. از این رو، گیلانپور و حجازی برای حل این مشکل با رابطهٔ زیر به محاسبهٔ حمایت داخلی قیمتی پرداختند:

$$FP_S=(P_i-P_w).X_s'+\big((P_w+t)-P_i\big).(X_s''-X_s')$$

که در آن، FP_S، حمایت قیمتی براق، P_i، قیمت مداخله‌ای دولت برای حمایت از تولید داخلی، P_W، قیمت مرزی، P_W+t، قیمت رایج برآمده از مداخلهٔ مرزی، X_s''، مقدار تولید داخلی و X_s'، مقدار محصول فروخته شده به دولت براساس قیمت مداخله‌ای است. نتایج آنان از محاسبهٔ این شاخص و شاخص مرسوم حمایت کلی برای سال‌های ۱۳۸۴-۱۳۸۰ بخش کشاورزی ایران نشان می‌دهد، در نظر گرفتن حمایت‌های مرزی به طور میانگین موجب ۱۶۱ درصد کم‌برآورد شدن حمایت قیمت داخلی می‌شود که اهمیت اثر همزمانی سیاست‌ها و لزوم تعریف جعبهٔ زرد براق را نشان می‌دهد.

پژوهش‌های انجام‌پذیرفته تاکنون براساس معیار کلی حمایت، نسبت به ضرایب حمایت اسمی و مؤثر جامع‌ترند. همچنین مقادیر حمایت را تا سال ۱۳۸۴ برآورد کرده‌اند ضمن این‌که مجموعه کالایی بیشتری(محصولات بخش دام و زراعت) را شامل می‌شود، اما در مقایسه با شاخص های PSE و CSE فراگیری کمتری دارند، ضمن این‌که در پژوهش‌های فوق نیز حمایت از همهٔ محصولات و زیربخش‌های کشاورزی و همچنین کل بخش مورد بررسی قرار نگرفته است.

۲-۲-۳ محاسبهٔ مقادیر حمایت از بخش کشاورزی را براساس شاخص‌های برآورد حمایت(PSE,CSE)

حسینی درویشانی (۱۳۸۲) در پژوهشی با عنوان «بررسی و مقایسهٔ سیاست‌های حمایتی در بخش کشاورزی ایران و جهان» سیاست‌های حمایتی بخش کشاورزی ایران به تفکیک یارانه‌های تولیدی، یارانه‌های مصرفی و خدمات عمومی را در دورهٔ زمانی سال‌های ۱۳۵۵ تا ۱۳۸۰ بررسی کرد. او که سیاست‌های حمایتی در بخش کشاورزی ایران را در سه قالب کلی معرفی می‌کند. گروه اول معافیت‌های مالیاتی، موانع وارداتی، نرخ‌های ترجیحی برای اعتبارات بانکی، آب، سوخت و دیگر معافیت‌ها و امتیازات قانونی را شامل می‌شود که در تحقیق مذکور امکان کمّی کردن و بررسی آنها وجود نداشته است. گروه دوم یارانه‌هایی‌اند که آشکارا و با همین عنوان، توسط سازمان حمایت مصرف‌کنندگان و تولیدکنندگان (از محل بودجهٔ عمومی دولت) به بخش کشاورزی پرداخت می‌شود. این یارانه‌ها اغلب برای فراهم کردن امکان مصرف کالاهای اساسی پرداخت می‌شود و کالاهایی چون گندم، روغن نباتی، قند و شکر، محصولات لبنی، گوشت و چای را در بر می‌گیرد. بخش دیگر این یارانه‌ها نیز صرف امور تولیدی می‌شود که عبارتند از: سیاست خرید تضمینی محصولات، کمک‌های بلاعوض، جبران خسارت به محصولات کشاورزی و دامی، بیمهٔ محصولات کشاورزی و کمک‌های غیرنقدی برای حمایت از تولید. قسمت دیگر یارانه‌های تولیدی که بخش مهم این یارانه‌ها را تشکیل می‌دهد، یارانه به نهاده‌های تولید است که موضوعاتی چون مکانیزه کردن، تهیهٔ کود، سم و بذر و علوفه را در بر می‌گیرد. البته از سال ۱۳۸۰ پرداخت یارانه به کالاهای صادراتی نیز برای محصولاتی مانند مرغ و تخم‌مرغ، کشمش و چای آغاز شده است. گروه سوم سیاست‌های حمایتی که می‌توان آنها را با عنوان خدمات عمومی بخش کشاورزی معرفی کرد، پرداخت‌های بودجه‌ای

است که به منظور توسعهٔ زیرساخت‌های بخش کشاورزی، تحقیقات، آموزش و ترویج، توسعه و عمران روستاها، ایجاد شبکه‌های آبیاری و زهکشی، حفاظت از محیط‌زیست و دیگر فعالیت‌های عمرانی بخش کشاورزی صورت می‌گیرد. پرداخت‌های عمرانی دولت به فصل کشاورزی و منابع طبیعی، برای ارزیابی سیاست‌های حمایتی بخش کشاورزی معیار مناسبی است. نتایج پژوهش نشان داد یارانه‌های مصرفی در دورهٔ مورد بررسی (۱۳۵۵ تا ۱۳۸۸) سهم بیشتری داشته است. همچنین بخش زیادی از یارانه‌های تولیدی صرف نهاده‌های تولید شده است. بنابراین، براساس شاخص‌های محاسبه‌شده، در ایران در مقایسه با کشورهای توسعه‌یافته، شاخص برآورد حمایت از تولیدکننده[1] کمتر و شاخص حمایت از مصرف‌کننده[2] بیشتر به چشم می‌خورد. به طوری که برای ایران حمایت از تولیدکننده در سال ۱۳۸۰ حدود ۶۳ درصد برآورد شد. این در حالی است که شاخص حمایت از تولیدکنندگان در کشورهای عضو سازمان توسعه و همکاری‌های اقتصادی در سال ۲۰۰۱ معادل ۳۱ درصد برآورد شده بود که دربارهٔ کشورهای نروژ، سوییس و کره این شاخص بین ۶۰ تا ۷۰ درصد و در استرالیا و نیوزلند کمتر از ۵ درصد است. افزون بر این، درصد حمایت از مصرف‌کنندگان در ایران برای سال ۱۳۸۰ حدود ۶/۶ درصد برآورد شد که در مقایسه با کشورهای سازمان توسعه و همکاری‌های اقتصادی که مالیات زیادی از آنها برای مصرف محصولات کشاورزی دریافت می‌شود (۱۳۰۴ میلیارد دلار در سال ۲۰۰۱) شایان توجه است. سهم خدمات عمومی بخش کشاورزی از کل حمایت‌ها نیز در ایران در سال ۱۳۸۰ در حدود ۳۲/۳ درصد محاسبه شد که در مقایسه با مقدار مشابه در کشورهای سازمان توسعه و همکاری‌های اقتصادی در سال ۲۰۰۱ میلادی (۱۷درصد) عملکرد قوی‌تری را نشان می‌دهد. کل حمایت از بخش کشاورزی در

[1] - Producer Support Estimate (PSE)
[2] - Croducer Support Estimate (CSE)

کشورهای سازمان توسعه و همکاری‌های اقتصادی در سال ۲۰۰۱ برابر ۳۰۵۵ میلیارد دلار برآورد شد که در حدود سه چهارم آن به تولیدکنندگان اختصاص یافت و دوسوم آن مربوط حمایت‌های قیمتی بود. این حمایت، ۱/۲ درصد از تولید ناخالص داخلی این کشورها را تشکیل می‌داد که با توجه به مقدار زیاد تولید ناخالص داخلی و نیز سهم کوچک بخش کشاورزی در اقتصاد این کشورها در مقایسه با دیگر کشورها حمایت بسیار زیادی را نشان می‌دهد. این شاخص برای ایران در سال ۱۳۸۰ حدود ۰/۵ درصد برآورد شد. نویسنده در پایان پیشنهاد می‌کند که برای موفقیت در زمینهٔ اصلاحات یارانه‌ای، شفافیت در زمینهٔ موضوعات یارانه‌ای از نظر انگیزه‌ها، هزینه‌ها و آثار سیاست‌های یارانه‌ای، برآورد دقیق هزینه‌های حمایت و آثار رفاهی آن، سیاست‌گذاری‌های جانشین مناسب برای برآورده کردن هدف‌های سیاست‌های یارانه‌ای همراه با رفع معایب سیاست‌های فعلی، انتقال ساختاری به سمت اقتصاد بازار از راه آزادسازی بازارها، ایجاد فضای کافی برای رقابت عادلانه، خصوصی‌سازی و مقررات‌زدایی، و واضح بودن نتایج سیاست‌های اصلاحی مورد توجه قرار گیرد.

مؤسسهٔ پژوهش‌های برنامه‌ریزی و اقتصاد کشاورزی (۱۳۸۴) در پژوهشی جامع، به بررسی کامل فرایند تحول سیاست‌های کشاورزی در ایران و مختصری از تجربهٔ دیگر کشورهای جهان پرداخته است. فصل‌بندی این گزارش به قرار زیر است: در فصل اول سیاست‌های کلان کشاورزی ایران از سال ۱۳۲۷ (سال آغاز برنامهٔ اول هفت سالهٔ عمرانی) تا برنامهٔ چهارم توسعهٔ جمهوری اسلامی گزارش شده است. در فصل دوم، مبانی نظری سیاست‌ها و حمایت از بخش کشاورزی عنوان شده است. فصل سوم، سیاست‌های حمایت از بخش کشاورزی ایران به تفکیک سیاست قیمت‌گذاری محصولات کشاورزی، بیمهٔ محصولات کشاورزی، یارانه‌های تولید کشاورزی و سیاست توسعهٔ مکانیزه کردن و تأمین نهاده‌های تولید را شرح می‌دهد. در فصل چهارم تجربهٔ برخی کشورها در زمینهٔ سیاست‌های حمایتی خلاصه شده و

همچنین، حمایت از محصولات راهبردی در کشورهای عضو سازمان توسعه و همکاری‌های اقتصادی بررسی شده است. در فصل پایانی نیز، بر ضرورت متنوع‌سازی سیاست‌های حمایتی، به عنوان پیشنهادی برای سیاست‌گذاری‌های آیندهٔ بخش کشاورزی، تأکید شده است.

قانع شیرازی (۱۳۸۵) نیز مقدار حمایت از تولیدکننده را برای محصولات گندم، جو، پسته و خرما برآورد کرد. حمایت از قیمت بازاری، پرداخت‌های متفاوت بودجه‌ای و شاخص حمایت از تولیدکننده و درصد آن را طی مراحل و راه‌گزین‌های متفاوت اندازه‌گیری کرد. او در این پژوهش بر مشکلات محاسباتی که محقق ممکن است با آن مواجه باشد، تأکید داشت. نتایج این پژوهش نشان داد عواملی مانند هزینهٔ حمل‌ونقل داخلی که به ظاهر می‌توان از آن چشم‌پوشی کرد، ممکن است به برآورد نادرست شاخص حمایت از تولیدکننده منجر شود. در این پژوهش همچنین نشان داده شد که انعطاف‌پذیری در الگوهای ثابت تخمین شاخص حمایت از تولیدکننده چگونه می‌تواند بر نتایج اثر چشمگیری داشته باشد.

واعظی و یزدانی (۱۳۸۵) وضعیت حمایت مالی دولت از بخش کشاورزی را در فاصلهٔ سال‌های ۱۳۸۰ تا ۱۳۸۳ بررسی کردند و ارائهٔ راهکارهایی برای بهینه‌سازی حمایت‌های مالی دولت از بخش کشاورزی ارائه کردند. در این پژوهش، سیاست‌های حمایتی دولت از بخش کشاورزی با استفاده از شاخص‌های سازمان همکاری‌های اقتصادی و توسعه (OECD) - شامل حمایت از تولید کننده (PSE)، حمایت از مصرف کننده (GSE)، حمایت از خدمات عمومی کشاورزی (GSSE)، و حمایت کل از بخش کشاورزی (TSE) - مورد ارزیابی قرار گرفت. همچنین، ضرایب حمایت اسمی (NPC) و ضریب حمایت کمک اسمی (NAC) برای ارائه تصویری کامل‌تر از دخالت دولت اندازه‌گیری شد. براساس نتایج سیاست‌های اجراشده جز در برخی از محصولات زراعی، کارایی مطلوب نداشته است. آنان ناهماهنگی بین سیاست‌های

حمایتی و نبود زیرساخت‌های لازم برای اجرای این سیاست‌ها را دلیل اصلی ناموفق بودن دولت در تحقق هدف‌های برنامهٔ خود ذکر کرده‌اند. از این رو، بازنگری در قیمت‌های حمایتی و متناسب ساختن آن با افزایش هزینه‌های تولید و قیمت‌های جهانی، و افزایش حمایت از تولیدکنندگان را الزامی می‌دانند.

کیانی‌راد (۱۳۸۶) در مقاله‌ای با عنوان «برآورد حمایت از بخش کشاورزی در کشورهای در حال توسعه: مشکلات اندازه‌گیری و رهیافت‌ها برای ایران» تلاش کرد تا ضمن توضیح دربارهٔ شاخص نشان‌دهندهٔ حمایت یا حمایت نکردن از بخش تولید کشاورزی (شاخص برآورد حمایت از تولیدکننده)، به بررسی اجزای این شاخص، مسائل و مشکلات محاسبهٔ آن در کشورهای در حال توسعه و به‌ویژه ایران و همچنین ارائهٔ راه‌حل‌هایی برای واقعی کردن این شاخص و روشن‌تر کردن تصویر واقعی حمایت از بخش کشاورزی برای سیاست‌گذاران و مجریان بخش کشاورزی بپردازد. وی در مقالهٔ خود به فرض‌های اولیه‌ای که برای برآورد این شاخص باید در نظر گرفت و همچنین انتقادهایی که بر این فرض‌ها شده است، اشاره می‌کند. از مشکلاتی که کیانی‌راد برای محاسبهٔ این شاخص در ایران بیان می‌کند، می‌توان به نبود، امار و اطلاعات مناسب در برخی زمینه‌ها، متفاوت بودن ساختار بازار محصولات کشاورزی در مناطق گوناگون کشور و در نظر گرفتن فرض‌هایی در قیمت‌های مرجع و هزینه‌های حمل‌ونقل، فراوری و بازاریابی محصولات اشاره کرد.

پریزن و بخشوده (۱۳۸۷) در پژوهشی با عنوان «نقش حمایت‌های دولت در درآمد تولیدکنندگان و مخارج مصرف‌کنندگان گندم و برنج در ایران» به بررسی چگونگی حمایت از تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان (شامل حمایت نهاده‌ای، حمایت قیمتی، و کل حمایت داخلی) در سال‌های پایانی برنامه‌های اول، دوم و سوم توسعه پرداختند. آنان در این پژوهش از روش‌شناسی OECD و شاخص‌های برآورد حمایت تولیدکننده و برآورد حمایت مصرف‌کننده (PSE و CSE) استفاده کردند. براساس

نتایج دو محصول گندم و برنج در بیشتر سال‌های مورد بررسی از حمایت بیشتری برخوردار بوده‌اند. در نتیجه، بخشی از درآمد تولیدکنندگان و مخارج مصرف‌کنندگان این محصولات، ناشی از به‌کارگیری ابزارهای حمایتی بوده است. با این حال، در همهٔ سال‌ها یارانهٔ مصرفی گندم و برنج، بیش از یارانهٔ تولیدی آنها بوده است. همچنین، با توجه به سهم اندک حمایت قیمتی، کل حمایت داخلی با حمایت نهاده‌ای برابر بوده است.

ترشیزی (۱۳۸۷) در پایان‌نامهٔ کارشناسی ارشد خود سیاست‌های حمایتی دولت از زیربخش زراعت —محصولات گندم، جو، ذرت، برنج، پنبه، چغندر قند، سویا و کلزا— در برنامه‌های اول تا چهارم توسعهٔ اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی را ارزیابی کرد. او معیارهای برآورد حمایت از تولیدکننده (PSE) و برآورد حمایت از مصرف کننده (CSE) را برای ارزیابی چگونگی حمایت از بخش‌های تولید و مصرف محصولات زراعی در فاصلهٔ سال‌های ۱۳۶۸ تا ۱۳۸۵ محاسبه کرد. همچنین، امکان وجود رابطهٔ علّی بین مقدار حمایت از تولید و سطح زیر کشت یا عملکرد محصولات مورد بررسی را آزمود. ترشیزی با استناد به نتایج ادعا کرد که سیاست‌های گذشته و جاری بخش کشاورزی ایران با دخالت هر چه بیشتر در سازوکار بازار و ایجاد انحراف در قیمت نهاده‌ها و ستاده‌های کشاورزی، در توسعهٔ سطح کشت و تولید برخی محصولات مانند گندم، ذرت، چغندرقند و سویا از راه دخالت هر چه بیشتر در سازوکار بازار و به کارگیری انحراف در قیمت نهاده‌ها و ستاده‌های کشاورزی تلاش کرده است. این در حالی است که این سیاست‌ها چه در تشویق کارآمد سطح زیر کشت و چه عملکرد، ناموفق بوده‌اند. او با توجه به یافته‌های پژوهش، پیشنهاد می‌کند در پرداخت یارانه به تولیدکنندگان محصولات زراعی تجدید نظر و یارانه‌های اضافی حذف شود. همچنین از دیدگاه وی تنوع‌بخشی به سیاست‌های حمایتی، به

ویژه بیمه‌ای، و تجدیدنظر در سیاست قیمت‌گذاری نتایج مثبتی به همراه خواهد داشت.

حسینی و ترشیزی (۱۳۸۸) در مقاله‌ای با عنوان «ارزیابی سیاست حمایتی گندم در ایران» با استفاده از شاخص برآورد حمایت از تولیدکننده (PSE)، مقدار حمایت مستقیم و غیرمستقیم دولت از تولیدکنندگان گندم را برای دورهٔ زمانی ۱۳۶۸ تا ۱۳۸۴ برآورد کردند. برپایهٔ نتایج این شاخص از مقدار ۱۲۶- میلیارد ریال در سال ۱۳۶۸ به ۲۲۹۰۰ میلیارد ریال در سال ۱۳۸۴ افزایش یافته است. آنان با توجه به یافته‌های خود اظهار داشتند در راستای ارتقای رقابت‌پذیری در بازارهای جهانی، در چگونگی پرداخت یارانه به تولیدکنندگان گندم تجدید نظر شود و سیاست‌های حمایتی از حالت توزیع‌محور به سمت سیاست‌های تولیدمحور و سودآور حرکت کند.

حسینی و ترشیزی (۲۰۱۱) در مقاله‌ای با عنوان پیگیری رقابت‌پذیری بین‌المللی در سیاست گندم ایران[1]، سطح دستیابی به هدف‌های برنامه‌های پنج‌سالهٔ توسعه را در بخش کشاورزی (محصول گندم) بررسی کردند. برای این منظور، شاخص‌های برآورد حمایت از تولیدکننده و مصرف‌کنندهٔ گندم (PSE و CSE) محاسبه شد. براساس نتایج در فاصلهٔ زمانی سال‌های ۱۹۸۹ تا ۲۰۰۶ مقدار شاخص PSE حدود بیست برابر (به قیمت‌های واقعی)، در حالی که مقدار تولید تنها ۱/۶۹ برابر افزایش یافت. با این وجود، رابطهٔ معنی‌داری بین شاخص PSE و عملکرد یا سطح زیرکشت گندم مشاهده نشد. به این ترتیب آنان دریافتند که سیاست گندم در ایران کمتر به رقابت‌پذیری بین‌المللی معطوف بوده است و برعکس، به قیمت‌های حمایتی وابسته‌تر شده است. آنها پیشنهاد کردند که روش پرداخت یارانه و نظام قیمت‌گذاری دست‌کم برای گندم مورد بازبینی قرار گیرد.

[1] Pursuing International Competitiveness in Iranian Wheat Policy

پژوهش‌های اشاره شده مقادیر حمایت از بخش کشاورزی را براساس شاخص‌های PSE و CSE محاسبه کرده‌اند. اگرچه از روش‌شناسی کامل‌تری نسبت به پژوهش‌های مبتنی بر نرخ‌های حمایت اسمی و مؤثر و همچنین معیارکلی حمایت بهره برده‌اند، همچنان دارای این مشکل هستند که مقادیر حمایت را برای همهٔ محصولات، زیربخش‌ها و کل بخش کشاورزی به طور جامع مورد بررسی قرار نداده‌اند. به بیان دیگر هر یک از پژوهش‌ها به برخی از محصولات و یا زیر بخش‌ها اشاره کرده‌اند. ضمن این‌که به مسئلهٔ نرخ ارز که از اهمیت بسیاری در محاسبهٔ حمایت‌های قیمتی برخوردار است، توجه نکرده‌اند.

۲-۲-۴ بررسی اثر سیاست‌های ارزی بر شاخص‌های برآورد حمایت از بخش کشاورزی

برقندان و نجفی (۱۳۸۹) «اثر انحراف نرخ ارز بر شاخص حمایت از تولیدکننده بخش کشاورزی در ایران» را بررسی کردند. آنان به منظور محاسبهٔ نرخ ارز واقعی، با استفاده از داده‌های ۱۳۵۲ تا ۱۳۸۶ از یک الگوی خودتوضیحی با وقفه‌های گسترده (ARDL) استفاده و سپس، روند تعادلی بلندمدت و مقدار انحراف آن را مشخص کردند. همچنین، معیار حمایت قیمتی بازار و شاخص حمایت از تولیدکننده محصولات گندم، جو، ذرت، برنج، و خرما را برای سال‌های ۱۳۸۱ تا ۱۳۸۵ با استفاده از نرخ‌های ارز رسمی و تعادلی محاسبه کردند. براساس نتایج، برآورد حمایت‌ها به نرخ ارز استفاده‌شده حساس است، به طوری که انحراف نرخ ارز در دورهٔ مورد بررسی، اندازهٔ حمایت از تولیدکنندگان کشاورزی را کمتر از مقدار واقعی آن نشان می‌دهد.

حسینی و همکاران (۱۳۸۹) نیز «اثر انحراف نرخ ارز بر شاخص‌های حمایت از تولیدکنندگان گندم» را در دورهٔ زمانی سال‌های ۱۳۶۸ تا ۱۳۸۶ بررسی کردند. آنان

برای این منظور، از شاخص درصدی حمایت از قیمت بازاری و شاخص حمایت درصدی تولیدکنندگان استفاده کردند. به طوری که به منظور سنجش انحراف نرخ ارز، ابتدا نرخ ارز واقعی را با استفاده از نظریهٔ برابری قدرت خرید، و نرخ ارز تعادلی را با استفاده از الگوی تصحیح خطای برداری برآورد کردند، سپس اثر انحراف نرخ ارز واقعی از مقدار تعادلی آن را بر مقدار حمایت از تولیدکنندگان گندم بررسی کردند. نتایج نشان داد در دورهٔ مورد بررسی، نرخ ارز واقعی از نرخ ارز تعادلی انحراف داشته است. این انحراف نیز شاخص‌های حمایت از تولیدکنندگان گندم را تحت تأثیر قرار داده است. بر این اساس، سیاست‌های حمایت بخشی (با توجه به حمایت محاسبه‌شده بر مبنای نرخ ارز واقعی) موجب شد در سال‌های مورد نظر حمایت مثبت و رو به رشد از تولیدکنندگان گندم به عمل آید. این در حالی است که با توجه به تفاضل حمایت محاسبه‌شده براساس نرخ ارز واقعی از نرخ ارز تعادلی، مشاهده می‌شود سیاست‌های ارزی به طور متوسط در همهٔ برنامه‌های توسعه اثر منفی بر مقدار حمایت از تولیدکنندگان گندم داشته است و موجب اخذ مالیات پنهان از آنان شده است. این اثر منفی بر حمایت از تولیدکنندگان گندم، تاحدودی با افزایش آزادسازی در بازار ارز و یکسان‌سازی نرخ ارز کاهش یافت. در مجموع، برآیند سیاست‌های ارزی و بخشی (حمایت محاسبه‌شده بر مبنای نرخ ارز تعادلی) به جز در برنامهٔ اول توسعه، در دیگر سال‌ها مثبت بوده و روند افزایشی داشته است. به طوری که با آزادسازی نرخ ارز و نزدیک‌تر شدن نرخ ارز واقعی به نرخ ارز تعادلی، سیاست‌های ارزی موجب تقویت حمایت‌های بخشی در حمایت از تولیدکنندگان گندم شده است.

با توجه به پژوهش‌های انجام‌پذیرفته در کشور مشاهده می‌شود در طول سال‌های گذشته، شاخص‌های مورد استفاده برای ارزیابی حمایت‌های دولت از بخش کشاورزی از نرخ‌ها و ضرایب حمایت اسمی و مؤثر به شاخص‌های کامل‌تر و جامع‌تر برآورد

حمایت از تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان تغییر یافته است. اما نکتهٔ شایان توجه در این پژوهش‌ها، محاسبهٔ حمایت برای کالاهای خاص و یا زیربخش‌های خاص بخش کشاورزی بوده است. به عبارت دیگر پژوهشی که هم حمایت از کالاها و زیر بخش‌های کشاورزی و هم کل بخش کشاورزی را با هم انجام داده باشد، صورت نگرفته است. برای مثال پژوهش ترشیزی، تنها به بررسی زیر بخش‌های کشاورزی پرداخته است و به کل حمایت از بخش توجهی نکرده است. در مقابل، پژوهش درویشیانی کل حمایت از بخش را بدون توجه به حمایت از کالاها و زیر بخش‌ها نشان می‌دهد. ضمن این‌که در هیچ یک از پژوهش‌ها اثر سیاست‌های ارزی بر کل حمایت از بخش کشاورزی (اگرچه در برخی مطالعات اثر این سیاست‌ها بر مقدار حمایت برخی از کالا بررسی شده است) نیز ارزیابی نشده است.

۲-۳ پیشینهٔ پژوهش‌های خارجی

۲-۳-۱ ارزیابی سیاست‌های حمایتی براساس شاخص‌های برآورد حمایت (PSE,CSE)

پرتغال[1] (۲۰۰۲) در پژوهشی با عنوان «روش اندازه‌گیری مقدار حمایت و استفاده از آن در ارزیابی سیاست» دامنهٔ شمول، تعریف‌ها، ملاک‌های طبقه‌بندی و روش‌های محاسبهٔ شاخص‌های حمایت مربوط به سیاست‌های کشاورزی سازمان توسعه و همکاری‌های اقتصادی را تحلیل می‌کند. همچنین، به تفسیر دقیق مفاهیم MPS و دیگر شاخص‌های اصلی حمایت می‌پردازد. افزون بر این، مسیری را که درآن PSE و شاخص‌های مرتبط با آن، در ارزیابی سیاست‌ها استفاده می‌شوند، به تصویر می‌کشد. پرتغال بیان می‌کند که سازمان توسعه و همکاری‌های اقتصادی از سال ۱۹۸۷ برای

[1] Portugal

اندازه‌گیری حمایت از کشاورزی، از برآورد حمایت از تولیدکننده (PSE) و برآورد حمایت از مصرف‌کننده (CSE)[1] استفاده می‌کرده است. با اصلاح سیاست‌های اقتصادی در کشورهای عضو سازمان توسعه و همکاری‌های اقتصادی، تعداد و پیچیدگی سیاست‌ها افزایش یافت و طبقه‌بندی سیاست‌ها توسط سازمان توسعه و همکاری‌های اقتصادی گسترش پیدا کرد. گروه‌بندی سیاست‌ها براساس زمینه و محدودهٔ کاربرد آنها - بدون این‌که به هدف‌ها و آثار آنها توجه داشته باشد- پایهٔ نظام طبقه‌بندی سازمان توسعه و همکاری‌های اقتصادی است.

کاکمک[2] (۲۰۰۳) پژوهشی با عنوان «ارزیابی سیاست‌های کشاورزی گذشته و آینده در ترکیه: آیا سیاست‌ها قادر به کسب پایداری هستند؟» انجام داد. پژوهشگر اعتقاد دارد که در دههٔ اخیر، سیاست‌گذاران ترکیه در حمایت از کشاورزی از راه تحریف قیمت‌ها تلاش کرده‌اند. وی مشخص کرد که بیش از ۷۰ درصد از انتقالی که به بخش کشاورزی این کشور اختصاص یافت، از راه مداخله در قیمت نهاده‌ها و ستاده‌ها و هزینهٔ اولیهٔ پرداخت‌های بودجه‌ای در حدود یک درصد تولید ناخالص ملی هر سال بوده است. کاکمک شاخص‌های حمایت از تولیدکننده (PSE)، حمایت از مصرف‌کننده (CSE)، حمایت از خدمات عمومی (GSSE[3])، حمایت از کل بخش کشاورزی (TSE[4]) و شاخص‌های فرعی مربوط به هر یک از آنها را برای سال‌های ۱۹۸۶ تا ۲۰۰۱ محاسبه و تحلیل کرد. او نتایج خود را با نتایج سازمان توسعه و همکاری‌های اقتصادی مقایسه و همچنین آثار سیاست‌های حمایتی بر توزیع درآمد گروه‌های گوناگون درآمدی را بررسی کرد. برپایهٔ نتایج سیاست‌های جاری، کشاورزان ثروتمند را بیشتر از کشاورزان فقیر منتفع می‌کند، به‌طوری‌که طبقات کم‌درآمد به

[1] Comsumer Support Estimate
[2] - Cakmak
[3] General Services Support Estimate (GSSE)
[4] Total Support Estimate (TSE)

دلیل مداخله‌های قیمتی دولت، بار مالی سیاست‌های حمایتی را متحمل می‌شوند. کاکمک معتقد است که سیاست‌های جاری، توسعهٔ پایدار در کشاورزی ترکیه را تقویت نمی‌کند. او پیشنهاد می‌کند که سیاست‌های آتی ترکیه از حالت توزیع‌محور به سمت سیاست‌های مولد و سودآور حرکت کند تا قدرت رقابت پایدار در بازارهای جهانی افزایش یابد.

اردن و همکاران (۲۰۰۴) در پژوهشی با عنوان «برآورد حمایت از تولیدکنندهٔ کشاورزی برای کشورهای در حال توسعه (مسائل محاسباتی و تجربهٔ چین، اندونزی، ویتنام و هند)» به تحلیل تحولات سیاست‌های کشاورزی در چهار کشور اشاره‌شده در دورهٔ ۱۹۸۵ تا ۲۰۰۲ پرداختند. آنان تلاش کردند درجهٔ حمایت (یا مالیات پنهان) از بخش کشاورزی این چهار کشور را هم به تفکیک محصولات و هم به صورت مقدار کل حمایت برآورد کنند. این پژوهش ابتدا، مسائل محاسباتی عملی و نظری برآورد مقدار حمایت (یا مالیات پنهان) از کشاورزی در کشورهای در حال توسعه را ارائه می‌دهد. بیشتر این مسائل مربوط به شکاف بین قیمت نهاده‌ها و ستاده‌های داخلی و بین‌المللی است. در این پژوهش سه مسئلهٔ محاسباتی اصلی به چشم می‌خورد: اول، انتخاب قیمت مرجع بین‌المللی مناسب که باید با قیمت‌های داخلی مقایسه شود؛ دوم، اهمیت محاسبهٔ دقیق هزینه‌های گوناگون دادوستد و ضریب تعدیل کیفیت کالا و سوم، مسئلهٔ مربوط به نتیجه‌گیری دربارهٔ کل بخش کشاورزی، زمانی که کل محصولات کشاورزی وارد تحلیل نشده‌اند. در این پژوهش وضعیت عمومی اقتصاد این کشورها از دهۀ ۱۹۸۰ به بعد، به طور مختصر مرور شده است. حمایت از قیمت بازاری[1] و برآورد حمایت از تولیدکننده برای هر محصول هر کشور محاسبه شده است. برای کشورهای چین و هند، در زمینهٔ تأثیر انحراف‌های نرخ ارز بر محرک‌های قیمت کشاورزی و برآورد مقدار حمایت، تحلیلی‌هایی انجام

[1] Market Price Support (MPS)

پذیرفته است. نتایج دربارهٔ کشور هند، که بر پایهٔ ۱۱ محصول اصلی قرار دارد، نشان می‌دهد که حمایت از کشاورزی با قیمت‌های جهانی نسبت عکس دارد، یعنی هنگامی که قیمت‌های جهانی اندک باشد (در اواسط دههٔ ۱۹۸۰ و سال‌های ۱۹۹۸ تا۲۰۰۲)، حمایت از کشاورزی افزایش و هنگامی که زیاد باشد (در اوایل و اواسط دههٔ ۱۹۹۰)، کاهش یافته است. پرداخت‌های بودجه‌ای به یارانهٔ نهاده‌ها در طول دورهٔ مورد بررسی افزایش یافته است، اما هنگامی که پرداخت‌های بودجه‌ای و حمایت از قیمت بازاری با هم در نظر گرفته می‌شود، روند حمایت از کشاورزی در طول دورهٔ ۱۹۸۵ تا ۲۰۰۲ از مالیات پنهان به حمایت تغییر می‌کند. با به حساب آوردن مسائل محاسباتی، نتایج نشان می‌دهد که مالیات پنهان از بخش کشاورزی در دههٔ ۱۹۹۰ و مقدار کل حمایت از کشاورزی در پایان دههٔ ۱۹۹۰ کمتر از آن است که پیش از این برآورد شده بود. علت این تفاوت‌ها تا حد زیادی به انتخاب قیمت مرجع دقیق در این پژوهش بازمی‌گردد. دربارهٔ اندونزی، مقدار حمایت برای چهار محصول وارداتی (برنج ذرت، سویا و شکر) و دو محصول صادراتی (روغن خام خرما و کائوچو) محاسبه شد. شاخص‌های حمایت از قیمت بازاری و برآورد حمایت از تولیدکننده نشان می‌دهد که دولت اندونزی از سال ۱۹۹۰ به طور مرتب به بخش کشاورزی یارانه پرداخت کرده است، هر چند این یارانه‌ها بین محصولات گوناگون متفاوت است. در دورهٔ ۹۸-۱۹۹۷ به دلیل بحران مالی آسیا[1] حمایت به طور موقت قطع شد، ولی دوباره به سطوح پیش از بحران بازگشت و در دورهٔ ۲۰۰۲-۲۰۰۰ برای برخی محصولات و در کل، افزایش یافت. برای کشور چین، تحلیل به دورهٔ ۲۰۰۱-۱۹۹۵ محدود شد. در طول این دوره، سیاست‌های کشاورزی چین کم‌وبیش حالت خنثی (نه حمایت نه مالیات پنهان) داشت. با وجود این، قیمت‌های داخلی موجب ایجاد وقفه در روند شتابان افزایش قیمت‌های جهانی در سال ۱۹۹۶ و حمایت منفی

[1] Asian financial crisis

در این سال شد. محصولات مورد بررسی در ویتنام، بیش از ۷۰ درصد از ارزش تولیدات محصولات کشاورزی را شامل شد. نتایج مربوط به این کشور نشان می‌دهد که از اواسط دهۀ ۱۹۸۰ تا اواسط دهۀ ۱۹۹۰، از اغلب محصولات کشاورزی ویتنام مالیات (پنهان) اخذ شده است. تحولات اقتصادی داخلی این کشور در اواخر دهۀ ۱۹۹۰ در راستای حرکت به سمت اقتصاد باز بود و موجب انتقال سیاست‌ها از سمت راهبرد جانشینی واردات به سمت راهبرد تشویق صادرات شد. این موضوع موجب کاهش حمایت‌های منفی از محصولات و افزایش مقدار حمایت‌های مثبت شد. همچنین نتایج نشان داد در حالی که ارزش‌گذاری بیش از اندازۀ نرخ ارز، موجب کاهش قیمت محصولات کشاورزی در هند (پیش از تعدیل‌های کلان اقتصادی در دهۀ ۱۹۹۰) شده بود، در چین، ارزش‌گذاری کمتر از اندازۀ نرخ ارز از اواخر دهۀ ۱۹۹۰، نسبت به سیاست‌های مستقیم، بر افزایش قیمت محصولات هدف اثر بیشتری داشته است.

گوپیناث و همکاران[1] (۲۰۰۴) در پژوهشی به بررسی حمایت داخلی از کشاورزی در اتحادیۀ اروپا و آمریکا پرداختند. نویسندگان معتقدند که پس از موافقت‌نامۀ کشاورزی دور اروگوئه در سال ۱۹۹۴، کشورهای توسعه‌یافته تلاش کرده‌اند تا حمایت‌های درآمدی یا پرداخت‌های مستقیم را جانشین سیاست‌های حمایت قیمتی کنند. در این پژوهش، آنان کوشیدند تا تغییرات سیاست‌های کشاورزی از سال ۱۹۹۶ را در اتحادیۀ اروپا و آمریکا خلاصه و سطوح حمایت را با یکدیگر مقایسه کنند. براساس نتایج، شاخص برآورد حمایت از تولیدکننده برای اتحادیۀ اروپا بیش از دو برابر مقدار این شاخص برای آمریکاست، هر چند ارزش تولیدات کشاورزی در اتحادیۀ اروپا تنها ۳۰ درصد بیشتر از آمریکاست. در اتحادیۀ اروپا، کاهش در

[1] Gopinath et al.

قیمت‌های مداخله‌ای (حمایتی)[1] غلات، دانه‌های روغنی و گوشت قرمز با افـزایش در پرداخت‌های مسـتقیم[2] جبـران شـده اسـت. در سـال ۱۹۹۶ آمریکـا پرداخـت‌هـای جبرانی[3]، قیمت‌های هدف[4] محصولات اصلی و سیاست خالی نگه داشتن زمین[5] برای کنترل عرضه را حذف کرد. در مقابل، پرداخت‌های ثابت و اضطراری[6] جانشـین ایـن سیاست‌ها شد. با این حال، قیمت‌های کف[7] (نرخ وام همراه با پرداخت‌های ناکارایی[8]) همچنان برای محصولات اصلی ابقا شد. سطوح حمایت محصولات اصلی در اتحادیـهٔ اروپا (بین ۶۷ دلار در تن برای غلات تا بیش از ۱۱۰۰ دلار در تن برای روغن زیتون) - به جز پنبه (۴۶۵ دلار در تن) و برنج (۱۱۱ دلار درتن) - بیش از سطوح حمایـت در آمریکاست. حمایت مداخله‌ای[9] و پرداخت مسـتقیم بـرای محصـولات اصـلی بـه صورت درصدی از قیمت‌های سر مرز در اروپا به نسبت ثابت مانده‌انـد. در آمریکـا در فاصلهٔ سال‌های ۱۹۹۶ تا ۲۰۰۰، حمایت قیمتی و پرداخت مستقیم برای محصولات اصلی، چه به صورت نسبتی از قیمت سر مرز و چه به صورت نسـبتی از قیمـت سـر مزرعه، روند افزایشی داشت. به این ترتیب، سطوح حمایت در آمریکا در دورهٔ پیش-گفته، برای بیشتر محصولات اصلی دست‌کم دو برابر شده است. پرداخت مستقیم به عنوان حمایتی که کمترین تحریف تجاری را در بر دارد، به قرار گرفتن اتحادیهٔ اروپا و آمریکا در جعبه‌های آبی و سبز منجر شد که به ترتیب دارای کمترین معافیت‌ها[10] هستند.

---

[1] Intervention (support) prices
[2] Direct payments
[3] Deficiency payments
[4] Target prices
[5] Acreage set-aside
[6] Fixed and emergency payments
[7] Price floors
[8] Loan rate with deficiency payments
[9] Intervention support
[10] *de minimis* exemptions

در سال ۲۰۰۵، سازمان توسعه و همکاری‌های اقتصادی گزارشی با عنوان «سیاست‌های کشاورزی در کشورهای عضو سازمان توسعه و همکاری‌های اقتصادی: بازبینی و ارزیابی ۲۰۰۵»، منتشر کرد. در این گزارش، ابتدا تعریف‌ها و روش‌های محاسبهٔ شاخص‌های حمایت از کشاورزی در کشورهای عضو سازمان توسعه و همکاری‌های اقتصادی بیان، سپس نتایج حاصل از برآورد شاخص‌های حمایت برای همهٔ کشورهای عضو سازمان توسعه و همکاری‌های اقتصادی تحلیل شد. چنین گزارشی کم‌وبیش هر سال توسط سازمان توسعه و همکاری‌های اقتصادی منتشر می‌شود. از مهم‌ترین شاخص‌های حمایت که در این گزارش‌ها بررسی می‌شود، می‌توان به PSE، CSE، GSSE، TSE، %PSE، %CSE، %GSSE، %TSE، NPC[1] (ضریب حمایت اسمی) برای تولیدکننده و مصرف‌کننده و NAC[2] (ضریب مساعدت اسمی) برای تولیدکننده و مصرف‌کننده اشاره کرد.

در سال ۲۰۰۷، پژوهش دیگری با عنوان سیاست‌های کشاورزی درکشورهای غیرعضو سازمان همکاری و توسعهٔ اقتصادی انجام پذیرفت. در این پژوهش، سیاست‌های حمایتی از بخش کشاورزی در دورهٔ ۱۹۹۵ تا ۲۰۰۵ از راه برآورد شاخص‌های پیش‌گفته بررسی شد. برپایهٔ نتایج در کشورهای مورد نظر، شاخص درصد حمایت از مصرف‌کنندگان[3] رو به کاهش و درصد حمایت از تولیدکنندگان[4] رو به افزایش بوده است، همچنین در این کشورها، درصد حمایت کل از بخش کشاورزی براساس درصدی از تولید ناخالص داخلی روندی افزایشی داشته است. برای نمونه، درصد کل حمایت در برزیل در سال ۱۹۹۵ معادل با صفر درصد و در سال ۲۰۰۵، حدود ۰/۷۹درصد برآورد شد. در بلغارستان این شاخص از ۶/۸۷- درصد در شروع

[1] Nominal Protection Coefficient
[2] Nominal Assistance Coefficient
[3] Percentage of Comsumer Support Estimate,(%CSE)
[4] Percentage of Producer Support Estimate, (%PSE)

دوره بررسی به ۰/۸۲درصد در انتهای دوره رسیده است. به همین ترتیب، این شاخص در چین از ۱/۹ درصد به ۲/۳۴ درصد، و در رومانی از ۳/۲۲ درصد به ۵/۵۸ درصد افزایش یافته است.

کوانسکی و تانگرن[1] (۲۰۰۷) اثر حمایتی سیاست‌های کشاورزی چین در دهۀ ۱۹۹۵ تا ۲۰۰۵ را به صورت کمّی ارزیابی کردند. برای این منظور شاخص‌های اندازه‌گیری حمایت محصولات کشاورزی را که توسط سازمان همکاری و توسعۀ اقتصادی ارائه شد، به کار بردند و نتایج را با دیگر کشورهایی که این شاخص‌ها را محاسبه کرده‌اند، مقایسه کردند. براساس نتایج حمایت از کشاورزی چین نسبت به دیگر کشورها کمتر بود. حتی در برخی سال‌ها (اوایل دهۀ ۱۹۹۰) به علت وجود قیمت‌های تحریف‌شده برای محصولات کشاورزی —ناشی از دخالت دولت در تعیین قیمت— منفی بوده است. اما در اواخر دهۀ ۱۹۹۰ و اوایل دهۀ ۲۰۰۰ جهت‌گیری سیاست‌های حمایتی چین از هدف خودکفایی غلات و کاهش قیمت مصرف‌کننده تغییر کرد و حمایت از درآمدهای خانگی کشاورز جانشین آن شد. با این تغییر، نسبت سطح قیمت‌های داخلی به قیمت‌های مرزی برای کالاهای وارداتی (پنبه، شکر، شیر و سویا) همانند کالاهای صادراتی (ذرت و برنج) تا حد زیادی افزایش یافت و موجب افزایش سطح حمایت از تولیدکنندگان این کالاها شد. با این حال، حمایت از تولیدکنندگان کالاهای کشاورزی هنوز کمتر از متوسط سازمان همکاری و توسعۀ اقتصادی است.

[1] Kwiecinski &Tongeren

۲-۳-۲ بررسی اثر سیاست‌های ارزی بر شاخص‌های برآورد حمایت (PSE,CSE)

چنگ و اردن[1] (۲۰۰۵) در پژوهش خود، رابطهٔ بلندمدت بین نرخ ارز تعادلی و متغیرهای اساسی اقتصادی در هند و چین طی دورهٔ ۱۹۷۰ تا ۲۰۰۲ را با استفاده از آزمون ریشه واحد و آزمون هم‌انباشتگی جوهانسون مورد بررسی قرار دادند. نتایج آزمون هم‌جمعی برای محاسبهٔ نرخ ارز تعادلی و انحراف آن استفاده شد. برپایهٔ نتایج این پژوهش، در هند به دلیل ضعف عملکرد بخش خارجی و کاهش ذخایر ارز خارجی، نرخ ارز از مقدار واقعی آن بیشتر ارزش‌گذاری شد که این موضوع در ایجاد مقدمه‌های بحران مالی سال ۱۹۹۱ تأثیرگذار بوده است. اما از این سال به بعد نرخ ارز نزدیک به مقدار تعادلی حرکت کرده است. ارزش یوان چین نیز در دورهٔ مورد نظر از مقدار تعادلی انحراف داشته است. به طوری که نرخ ارز اسمی انعطاف‌ناپذیر، نرخ تورم اندک و دیگر متغیرهای اساسی اقتصادی موجب شکافی بین ارزش ارز تعادلی و واقعی در چین شده است. به این ترتیب، نرخ ارز در چین حدود بیست درصد از مقدار تعادلی آن کمتر برآورد شده است. افزون بر این، نتایج اثر انحراف نرخ ارز از مقدار تعادلی آن بر روی شاخص‌های PSE و MPS نشان داد که انحراف نرخ ارز از مقدار واقعی تعادلی به طور غیرمستقیم بر PSE یا MPS کالاها تأثیر داشته و موجب تقویت یا خنثی کردن آثار مستقیم حمایت از بخش کشاورزی شده است. در هند اثرهای غیرمستقیم در مقایسه با اثرهای مستقیم حمایت از بخش کشاورزی به طور نسبی کوچک هستند. اما در چین، به ویژه در سال‌های اخیر، اثرهای غیرمستقیم - به دلیل کم‌برآوردشدن نرخ ارز - اساسی و شایان توجه‌اند. همچنین براساس این پژوهش انحراف نرخ ارز بر اجزای دیگر PSE (مانند پرداخت‌های

[1] Cheng and Orden

بودجه‌ای) نیز تأثیرگذار است. به طوری که در کشور هند به دلیل اهمیت و سهم زیاد پرداخت‌های بودجه‌ای در بخش کشاورزی، اثر انحراف نرخ ارز در محاسبهٔ PSE٪ بیشتر از MPS٪ نشان داده می‌شود. اما در کشور چین به دلیل کوچک بودن هزینه‌های بودجه‌ای، بین PSE و MPS در نشان دادن اثر نرخ ارز اختلاف زیادی وجود ندارد.

کواشا و همکاران[1] (۲۰۰۶) اثر انحراف نرخ ارز بر برآورد حمایت از بخش کشاورزی اکراین را بررسی کرد. او در پژوهش خود، از الگوهای تعادلی برای تعیین نرخ ارز استفاده کرد. برای محاسبهٔ نرخ ارز تعادلی از مدل ERER[2] که در سال ۲۰۰۵ توسط چنگ و اردن ارائه شد، استفاده کرد. او برخلاف چنگ و اردن که از داده‌های سالانه استفاده کرده بودند، از داده‌های فصلی استفاده کرد. برای شناسایی رابطهٔ بلندمدت بین نرخ ارز تعادلی و متغیرهای اساسی اقتصاد نیز روش‌های ریشه واحد و هم‌انباشتگی جوهانسون را به کار گرفت. کواشا برخلاف پژوهش‌های پیشین که فرض انتقال انحراف ارزی[3] را در محاسبهٔ PSE در نظر نمی‌گرفتند، این معیار را با توجه به انحراف نرخ ارز از مسیر تعادلی لحاظ کرد. در این پژوهش، سه راه‌گزین مختلف، شامل عدم تثبیت، تثبیت غیرکامل و تثبیت کامل نرخ ارز مورد بررسی قرار گرفت. با امکان این که تغییرات نرخ ارز را می‌توان به طور بالقوه بر قیمت کالاها اثرگذار دانست، بنابراین اثر تغییرات نرخ ارز بر روی PSE هم به درجه انحراف نرخ ارز و هم به درجهٔ تثبیت نرخ ارز بستگی دارد.

راکوتواریسوا[4] (۲۰۰۸) در پژوهشی اثر انحراف سیاست‌های کشاورزی را بر شکاف بهره‌وری محصول برنج در ۳۳ کشور تولیدکنندهٔ این محصول بررسی کرد. او پس از

---

[1] Kuvasha & et al.
[2] Equilibrium Real Exchange Rate (ERER)
[3] Pass-through exchange rate
[4] Rakotoarisoa

توجه به تفاوت‌های کشورها در زیرساخت‌ها، سرمایهٔ انسانی و درجهٔ آزادی تجاری[1]، نشان داد که حمایت و یارانهٔ بسیار زیاد در کشورهای توسعه‌یافته (با استفاده از شاخص برآورد حمایت از تولیدکننده سنجیده شده است) در کنار مالیات بر تولید برنج در کشورهای فقیر موجب افزایش شکاف بهره‌وری بین کشورهای ثروتمند و فقیر شده است.

هارلی[2] (۱۹۹۶) اثر تغییرات اجزای مختلف PSE از جمله اثر نرخ ارز را ارزیابی کرد. براساس بررسی‌های لایفرت[3] و همکاران (۱۹۹۶) اگر به جای نرخ ارز رسمی از نرخ ارز تعادلی استفاده شود، برآورد PSE برای روسیه در سال ۱۹۹۴ از رقمی منفی به رقمی مثبت تغییر پیدا می‌کند. دویون[4] (۲۰۰۱) نشان داد که در مقایسهٔ سطوح حمایت بین کشورهای مختلف، استفاده از نرخ ارزی که از معیار PPP[5] تعدیل‌شده محاسبه شده است، ضریب تبدیل[6] بهتری نسبت به نرخ ارز رسمی است.

پژوهش‌های صورت گرفته در کشورهای خارجی اغلب براساس شاخص‌های ارائه شده از سوی سازمان همکاری و توسعهٔ اقتصادی بوده است که تعدادی از این پژوهش‌ها نیز اثر سیاست‌های ارزی را بر شاخص‌های حمایت از بخش کشاورزی مورد بررسی قرار داده‌اند.

۲-٤ جمع‌بندی

در مجموع مشاهده می‌شود هیچ کدام از پژوهش‌ها در ایران جامع نبوده‌اند. به طوری که نه تنها در هیچ یک، همهٔ محصولات و زیربخش‌ها به طور یکجا و همزمان

---

[1] Openness
[2] Harley
[3] Liefert
[4] Doyon
[5] Purchasing Power Parity (PPP)
[6] Conversion factor

مورد تحقیق قرار نگرفته‌اند، بلکه از روش‌شناسی مشترک نیز بهره‌مند نبوده‌اند. همچنین برخی عوامل مؤثر همچون نرخ ارز یا نادیده گرفته شده یا به اندازهٔ کافی به آنها پرداخته نشده است. به طور کلی، در حالی که پژوهش پیش رو دارای شباهت‌هایی با هر کدام از پژوهش‌های پیشین است، تفاوت‌هایی نیز با هر کدام از آنها دارد. از جمله این تفاوت‌ها می‌توان به تفاوت در پرسش تحقیق، روش‌شناسی و تعداد و نوع محصولات مورد بررسی، و عوامل مؤثر اشاره کرد.

در بسیاری از پژوهش‌های اولیه، از معیار کلی حمایت از بخش کشاورزی استفاده شده است که در آنها، مواردی چون هزینه‌های حمل‌ونقل، پرداخت‌های بیمه محصولات، ضرایب تفاوت کالایی و یارانهٔ تسهیلات بانکی در نظر گرفته نشده است. در واقع، این معیار تنها حمایت از بخش تولید را اندازه‌گیری می‌کند[1]. در پژوهش پیش رو، به جای معیار کلی حمایت از شاخص‌های حمایت (از تولید کننده، مصرف کننده، خدمات عمومی و کل بخش کشاورزی) استفاده می‌شود. این شاخص‌ها به نوعی هم‌خانواده‌اند و هنگامی که همگی محاسبه شوند، تصویری جامع و یکپارچه، از بخش‌های تولید، مصرف، خدمات عمومی و کل بخش کشاورزی ارائه می‌کنند.

افزون بر این، در پژوهش پیش رو تلاش می‌شود آثار نرخ ارز بر برآورد حمایت از سیاست‌های کشاورزی به طور کامل‌تری ارزیابی شود. به این ترتیب، با توجه به نقش بسیار اثرگذار این متغیر، پیش‌بینی می‌شود اندازه‌گیری واقعی‌تری از حمایت‌ها به عمل آید. از این رو مقایسهٔ نتایج این پژوهش با دیگر کشورها از اعتبار بیشتری برخوردار خواهد بود.

---

[1] روند روش‌شناسی شاخص‌های حمایت در ابتدای فصل سوم بررسی می‌شود و تفاوت و مزیت هر شاخص مورد بحث قرار می‌گیرد.

فصل سوم

روش‌شناسی برآورد حمایت‌ها

۳-۱ مقدمه

در این تحقیق شاخص‌های حمایت به منظور ارزیابی سیاست‌های حمایتی دولت در بخش کشاورزی برآورد و ارزیابی خواهد شد. برای این منظور، لازم است شاخص‌های مناسبی برای اندازه‌گیری حمایت از تولید، مصرف و خدمات عمومی کشاورزی شناسایی و مورد محاسبه قرار گیرد. بررسی پژوهش‌های پیشین نشان می‌دهد در دهه‌های اخیر شاخص‌های متعددی با هدف‌های مختلف معرفی شده است. در این فصل، ابتدا به طور مختصر به روند معرفی شاخص‌های سنجش حمایت اشاره می‌شود. در این زمینه، تلاش می‌شود مزایا و معایب هر کدام ارزیابی شود. سپس شاخص‌های منتخب، به منظور انجام این پژوهش به طور جامع بررسی و تبیین می‌شود.

۳-۲ روش‌های سنجش حمایت

با بررسی روش‌های سنجش حمایت، مشاهده می‌شود مقیاس‌های متنوعی در ارزیابی آثار سیاست‌های حمایتی یا آزادسازی تجاری و همچنین در سیاست‌گذاری بخشی، مورد استفاده قرار گرفته است. به طور کلی، مقیاس‌های حمایت با این هدف ایجاد شده‌اند که بتوانند انحراف‌های سیاست های حمایتی و تجاری را از راه سنجش تأثیرات حمایت بر متغیرهای اقتصادی مانند قیمت‌ها، ارزش افزوده، نرخ‌های ارز،

رفاه مصرف‌کنندگان و تولیدکنندگان و مخارج دولت به صورت کمّی اندازه‌گیری کنند. بر این اساس، روش‌های سنجش حمایت را می‌توان به سه دستهٔ کلی، یعنی مقیاس‌های شکاف قیمت، مقیاس‌های شکاف درآمد، و مقیاس‌های شکاف واقعی درآمد تقسیم کرد. در ادامه این مقیاس‌ها و روند آنها به طور مختصر بیان، سپس روش مورد استفاده در این پژوهش تبیین می‌شود.

۱-۲-۳ مقیاس‌های شکاف قیمت

مقیاس‌های شکاف قیمت را آسان‌ترین شکل سنجش حمایت می‌دانند. مقیاس ضریب حمایت اسمی[1] یکی از مهم‌ترین این مقیاس‌هاست. ضریب حمایت اسمی برای اندازه‌گیری اثر مداخلهٔ دولت بر قیمت‌های داخلی و کنترل قیمت تولیدکننده، استفاده می‌شود. این ضریب تفاوت بین قیمت تولیدکننده را نسبت به معادل قیمت مرزی کالای مورد نظر به پول داخلی اندازه‌گیری می‌کند. تاریخ محاسبهٔ این شاخص به کتاب ثروت ملل آدام اسمیت، زمانی که می‌خواستند اثر قانون ذرت انگلیسی را از راه مقایسهٔ قیمت داخلی و وارداتی گندم بررسی کنند بازمی‌گردد (مسترز[2]، ۱۹۹۳). نرخ حمایت اسمی[3] مهم‌ترین شاخص مورد استفاده برای محاسبهٔ ضریب حمایت اسمی است که مثبت یا منفی بودن آن به ترتیب نشان‌دهندهٔ آن است که به کالای مورد نظر، یارانه پرداخت شده یا از آن مالیات گرفته می‌شود. در واقع، ضریب حمایت اسمی، تأثیرگذاری ناشی از انحراف‌های بازار را نشان می‌دهد و می‌توان این ضریب را به عنوان نرخ تعرفه معادل نیز تعبیر کرد.

در محاسبهٔ نرخ حمایت اسمی، برای تبدیل قیمت‌های مرزی از نرخ ارز رسمی استفاده می‌شود و از این رو، نتایج ممکن است نسبت به شرایط واقعی انحراف داشته

---

[1] Nominal Protection Coefficient (NPC)
[2] Masterz A. William
[3] Nominal Rate of Protection (NRP)

باشد. بنابراین پیشنهاد می‌شود در محاسبهٔ نرخ حمایت اسمی از نرخ ارز واقعی نیز استفاده و نتایج دو حالت (ارز رسمی و ارز واقعی) با یکدیگر مقایسه شود.

ضریب حمایت اسمی به عنوان معیاری برای سنجش حمایت، دارای ویژگی‌های زیر است:

۱- ضریب حمایت اسمی از دیدگاه نظری توجیه‌پذیر است؛ ۲– هر دو نوع انحراف‌های تعرفه‌ای و غیرتعرفه‌ای را شامل می‌شود؛ ۳- به داده‌های فراوان نیاز ندارد و به آسانی محاسبه می‌شود؛ ۴- سیاست‌گذاران را به بررسی شکاف قیمت‌ها در دیگر بخش‌ها وا می‌دارد؛ ۵- پیش‌بینی یا برآوردهای دیگر غیر از قیمت‌ها را در بر نمی‌گیرد. به عبارت دیگر، ضریب حمایت اسمی، مداخله در بازار نهاده را به حساب نمی‌آورد.

۲-۲-۳ مقیاس‌های شکاف درآمد

با مقیاس‌های شکاف درآمد، اثر حمایت‌ها بر درآمد کشاورزان سنجیده و بنابراین، چنین مقیاس‌هایی، افزون بر قیمت نهایی محصول، بازار نهاده‌های تولید نیز توجه برانگیز می‌شود. از مهم‌ترین این مقیاس‌ها می‌توان به ضریب حمایت مؤثر (نرخ مؤثر حمایت[1])، معادل یارانه[2]، و معیار کلی حمایت[3] اشاره کرد .

۱-۲-۲-۳ نرخ مؤثر حمایت

نرخ مؤثر حمایت، یکی از مقیاس‌های شکاف درآمد به شمار می‌آید. همان طور که گفته شد نرخ حمایت اسمی فقط با توجه به بازار محصول به دست می‌آید و اثر اعمال محدودیت‌های تجاری یا پرداخت یارانه یا وضع مالیات بر نهاده‌های مورد

[1] Effective Rate of Protection
[2] Subsidy Equivalent
[3] Aggregate Measure of Support

استفاده در تولید کالای مورد نظر را نشان نمی‌دهد. این در حالی است که بخشی از مداخله‌های دولت از راه پرداخت یارانه یا وضع مالیات و حقوق گمرکی بر روی نهاده‌های مورد استفاده در تولید کالا اعمال می‌شود. بنابراین تعرفه‌ها و سیاست‌های مداخلهٔ دولت در قیمت‌گذاری نه تنها قیمت‌های بازاری محصولات نهایی را تحت تأثیر قرار می‌دهد، بلکه ممکن است قیمت نهاده‌های اولیه و واسطه‌ای مورد استفاده در فرایند تولید را نیز تغییر دهد. این موضوع تغییراتی را در ارزش افزوده ایجاد می‌کند که نرخ حمایت اسمی - به عنوان یک مقیاس شکاف قیمت - آن را نشان نمی‌دهد. نرخ مؤثر حمایت، معیار مناسبی برای اندازه‌گیری این آثار است. به طوری که این نرخ، تفاوت بین ارزش افزوده یک کالا یا یک فعالیت را در قیمت‌های داخلی و جهانی اندازه‌گیری می‌کند. مفاهیم حمایت مؤثر به طور گسترده برای رژیم‌های صنعتی حمایت شده، استفاده می‌شود و برای نخستین بار توسط کوردن[1] (۱۹۶۶) توسعه داده شد. وی نشان می‌دهد که برای تخصیص بهینهٔ منابع و تعیین اثر خالص ساختار تعرفه بر تولید کالایی خاص، باید تعرفهٔ وضع شده بر محصول و همچنین نهاده را در نظر گرفت (گرینوی و میلنر[2]، ۲۰۰۶).

از دلایل رواج این شاخص می‌توان به این نکته اشاره کرد که نرخ مؤثر حمایت نسبت به نرخ حمایت اسمی، چگونگی حمایت را به طور مناسب‌تری می‌سنجد و اطلاعات بیشتری دربارهٔحمایت به دست می‌دهد. همچنین نرخ مؤثر حمایت، به شکل نظام‌مند، تحریف‌های قیمت نهاده و ستانده را لحاظ می‌کند؛ مزیت نسبی صنایع را نسبت به یکدیگر، مشخص می‌کند؛ و در صورت نبود نرخ‌های سایه‌ای، امکان رده‌بندی صنایع را در زمینهٔ مزیت نسبی فراهم می‌آورد. با این همه، محاسبهٔ نرخ مؤثر حمایت با محدودیت‌هایی همراه است. نرخ مؤثر حمایت نسبت به نرخ

[1] Corden
[2] Greenaway & Milner

حمایت اسمی به اطلاعات بیشتری نیاز دارد، به طوری که پژوهش جامعی از بخش اقتصادی مورد نظر یا داده‌هایی از ماتریس داده- ستانده را موجب می‌شود. نرخ ارز مناسب برای محاسبهٔ نرخ‌های حمایت مؤثر، به آسانی نرخ حمایت اسمی مشخص نمی‌شود. همچنین در محاسبهٔ این نرخ، باید از نرخ ارز سایه‌ای چشم‌پوشی کرد. افزون بر این، در محاسبهٔ نرخ مؤثر حمایت، باید فرض‌های محدودکنندهٔ مربوط به ثابت بودن همهٔ ضرایب فیزیکی داده - ستانده (فرض رقم صفر برای کشش جانشینی نهاده‌ها) و مبادله‌پذیر بودن همهٔ کالاها پس از حمایت در نظر گرفته شود. به این ترتیب، در محاسبهٔ این شاخص به اطلاعات دقیق و کاملی از ضرایب فنی نهاده‌های تولید - به سختی به دست می‌آید- نیاز است. ضمن این که، این شاخص همهٔ یارانه‌های پرداختی به تولیدکنندگان را در محاسبات وارد نمی‌کند.

۲-۲-۲-۳ شاخص معادل یارانه

معادل یارانه یکی از معیارهای سنجش شکاف درآمد است که از دهۀ ۱۹۸۰، به معیار مسلط اندازه‌گیری حمایت در پژوهش‌های کاربردی تجارت بین‌الملل محصولات کشاورزی، تبدیل شده بود. این معیار به منظور تدوین قانونی برای مناطق آزاد آمریکا و کانادا ارائه شده بود و به طور غیررسمی در مذاکرات گات مورد استفاده قرار می‌گرفت (برداهل[1]، ۱۹۹۰). این معیار در اوایل دهۀ ۱۹۷۰ توسط جاسلینگ توسعه داده شد و به طور کلی به عنوان سطحی از یارانه به تولیدکننده که باید جانشین سیاست‌های کشاورزی به کار گرفته شده در یک کشور شود، به طوری که درآمد تولیدکنندگان بدون تغییر باقی بماند، تعریف شد.

معادل یارانه به عنوان معیار سنجش حمایت دارای دو ویژگی مهم است. نخست آن که، در محاسبهٔ آن، به علت استفاده از پرداخت‌های غیرمستقیم همچون

[1] Berdahl

هزینه‌های ترویج، تحقیق و زیرساخت، برآورد ارزش‌های درآمد، با دقت بیشتری امکان‌پذیر است. ویژگی دیگر آن است که معادل یارانه از محتوای اطلاعاتی بیشتری برخوردار است. این شاخص انتقال‌های مستقیم، غیر از مالیات‌ها یا تعرفه‌های تجاری (پرداخت‌های غیرتعرفه‌ای) و همهٔ انتقال‌هایی را که بتوان آنها را به تولیدکنندگان یا مصرف‌کنندگان دستهٔ خاصی از کالاها مربوط دانست، در نظر می‌گیرد.

باید توجه داشت که استفاده از شاخص معادل یارانه دارای مشکلات و محدودیت‌هایی است. نخست آن که تعریف معادل یارانه، مبهم است؛ چرا که معادل یارانه، به مفهوم «معادل بودن» در زمینهٔ درآمد باز می‌گردد؛ بدون آن که مشخص باشد که منظور آن، درآمد عوامل به کار رفته در تولید کالایی ویژه یا درآمد گروهی از کارگزاران اقتصادی است. مسئلهٔ دیگر آن است که در مراحل کاربردی معادل‌های یارانه در کشاورزی، به نظر می‌رسد معادل یارانهٔ تولیدکننده، هم به کشاورزان و هم به منابع به‌کاررفته در کشاورزی مربوط می‌شود. همچنین اگر نگرش معادل یارانه، متوجه افزایشی باشد که در پی تولید کالایی ویژه ایجاد شود، در این صورت، معادل یارانهٔ تولیدکننده یا مصرف‌کننده، با ضریب حمایت مؤثر تفاوت ندارد؛ مگر آن‌که درآمد دسته‌ای از عوامل، به دلخواه از ارزش افزوده ایجاد شده به وسیلهٔ کالای مورد بحث حذف شود. از سوی دیگر، اگر درآمد کشاورزی به گروهی از تولیدکنندگان مربوط شود، آنگاه به طور کلی، نمی‌توان معادل یارانهٔ تولیدکننده را به کالایی واحد ربط داد.

۳-۲-۲-۳ معیار کل حمایت

معیار کلی حمایت، معیاری کامل‌تر و جامع‌تری نسبت به نرخ‌های حمایت است که بعد از مذاکرات دور اروگوئه، در بیشترکشورها به منظور ارزیابی سیاست‌های حمایتی از بخش کشاورزی مورد استفاده قرار گرفت. برای محاسبهٔ مقدار کل

حمایت، مجموع خالص ارزش همهٔ حمایت‌های غیر معاف از محصول مشخص (به استثنای حمایت قیمتی) با مابه‌التفاوت ارزش محصول خریداری شده براساس قیمت تضمینی و ارزش محصول به قیمت مرجع جمع می‌شود. به دلیل تنوع حمایت‌ها در بخش کشاورزی نمی‌توان همهٔ آنها را به محصولات معین و مشخص نسبت داد، به طوری که محاسبه و جداسازی حمایت‌ها برای تک‌تک محصولات مشکل است و موجب بروز خطا می‌شود. به این ترتیب، معیار کلی حمایت از بخش کشاورزی از حاصل جمع مجموع یارانه یا کمک‌های پرداختی استنادناپذیر به محصول معین و کل حمایت مشخص از محصولات محاسبه می‌شود (موافقت‌نامهٔ کشاورزی(AOA) سازمان جهانی تجارت).

با توجه به مطالب فوق معیارهای محاسبهٔ حمایت از شاخص‌های سادهٔ ضریب حمایت اسمی که تنها شکاف قیمت داخلی و مرزی را به عنوان حمایت در نظر می‌گرفت به معیارهای دقیق‌تری مانند نرخ های حمایت مؤثر که علاوه بر شکاف قیمتی، حمایت از برخی از نهاده های تولید را نیز مورد توجه قرار می‌دهد و معیار کل حمایت که توسط سازمان تجارت جهانی به منظور ارزیابی حمایت‌های داخلی از بخش کشاورزی ارائه شد، تکامل یافت. هم‌اکنون نیز شاخص‌های ارائه شده توسط سازمان همکاری و توسعهٔ اقتصادی (شاخص‌های برآورد حمایت از تولیدکننده، مصرف کننده، خدمات عمومی و کل بخش کشاورزی) به دلیل پوشش دادن همهٔ شاخص‌های قبلی و وارد کردن کل حمایت‌های بودجه‌ای دولت در محاسبات، کامل‌ترین و دقیق‌ترین شاخص‌های ارزیابی حمایت به شمار می‌آیند. در ادامه تعریف‌ها و مبانی نظری محاسبهٔ این شاخص‌ها به طور جامع بیان می‌شود.

۳-۲-۳- شاخص‌های برآورد حمایت از تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان

شاخص معادل حمایت مصرف‌کننده[1] و معادل حمایت تولیدکننده[2] نخستین بار در اوایل دهۀ ۱۹۸۰، به منظور برآورد مقدار حمایت از بخش کشاورزی برای سازمان کشاورزی و غذایی سازمان ملل مورد استفاده قرارگرفت. سازمان توسعه و همکاری‌های اقتصادی از سال ۱۹۸۷، سطح حمایت از کشاورزی را با استفاده از روش معادل یارانۀ تولیدکننده و مصرف‌کننده اندازه‌گیری کرد. این شاخص‌ها با فرض کوچک بودن کشور در تجارت جهانی (پذیرندۀ قیمت) و براساس قیمت‌های جهانی محاسبه می‌شد. این روش ارزش پولی پرداخت‌های انتقالی توسط همۀ ابزارهای سیاستی مؤثر بر کشاورزی را لحاظ می‌کند و به چهار گروه اصلی تقسیم می‌شود: الف) حمایت از قیمت بازاری؛ ب) پرداخت‌های مستقیم؛ ج) کاهش هزینه‌های نهاده و د) خدمات عمومی. در آن زمان، هر یک از این گروه‌ها، سیاست‌های اندکی را شامل می‌شد. دیگر پرداخت‌های انتقالی که در این گروه‌بندی نبود، برای محاسبۀ «کل» پرداخت‌های انتقالی افزوده می‌شد.

«معادل یارانه» در ابتدا به عنوان «ارزش پولی لازم برای جبران زیان‌های درآمدی کشاورزان و مصرف‌کنندگان در اثر حذف ابزار سیاستی معین» تعریف شد. در سال ۱۹۹۹ سازمان همکاری و توسعه اقتصادی، اصلاحاتی در این شاخص‌ها ایجاد کرد و شاخص‌های جدید را با عنوان شاخص برآورد حمایت از تولیدکنندگان[3] و شاخص برآورد حمایت از مصرف‌کنندگان[4] معرفی کرد (سازمان همکاری و توسعه اقتصادی، ۲۰۰۲). شاخص‌های OECD، پرداخت‌های انتقالی از مالیات‌دهندگان و

[1] Concumer Support Equivalent
[2] Producer Support Equivalent
[3] Producer Support Estimate (PSE)
[4] Concumer Support Estimate (CSE)

مصرف‌کنندگان را اندازه می‌گیرد و بر تعریف جامع‌تری منطبق است، در حالی که تعریف اولیه حمایت را برحسب معادل یارانه یا زیان درآمدی مزرعه برآورد می‌کرد، شاخص OECD همواره برآوردی از حمایت را برحسب پرداخت‌های انتقالی به تولیدکنندگان (PSE) و کل انتقال‌های مربوط به سیاست‌های حمایتی کشاورزی (Total transfers) به دست می‌دهد. اگرچه، هر دو تعریف OECD از PSE و کل انتقال‌ها، عامل یارانه را شامل می‌شود، هیچ‌کدام آن را به‌طور جداگانه شناسایی و تعیین نمی‌کند.

به این ترتیب، به منظور این که عنوان شاخص تا حد امکان منعکس‌کنندهٔ تعریف‌ها باشد و آنها را با یکدیگر همسان کند، کشورهای OECD توافق کردند به جای «معادل یارانه» از «برآورد حمایت» استفاده کنند و مجموعه اصطلاحات زیر را به کار گیرند: برآورد حمایت از تولیدکننده (PSE[1])، برآورد حمایت از مصرف‌کننده (CSE[2])، برآورد حمایت از خدمات عمومی (GSSE[3])، و برآورد حمایت کل (TSE[4]). این کار با هدف همسان‌سازی هرچه بیشتر شاخص‌ها (بین کشورها، سیاست‌ها، و در طول زمان)، شفاف‌سازی آنها (ارائهٔ هر چه بیشتر اطلاعات)، مفید و به‌موقع ساختن شاخص‌ها (برای اهداف سیاستی) و عملی کردن آنها (سهولت فهم و محاسبه) انجام گرفت.

شاخص PSE بیانگر چگونگی حمایت دولت از تولیدکنندگان بخش کشاورزی است. شاخص CSE بیانگر ارزش پولی پرداخت‌های ناخالصی است که در اثر سیاست‌های حمایتی دولت از بخش کشاورزی (بدون توجه به ماهیت، هدف‌ها و تأثیر این سیاست‌ها بر مصرف محصولات کشاورزی) به مصرف‌کنندگان بخش

[1] Producer Support Estimate (PSE)
[2] Concumer Support Estimate (CSE)
[3] General Services Support Estimate (GSSE)
[4] Total Support Estimate (TSE)

کشاورزی منتقل می‌شود. سیاست‌های مرتبط با خدمات عمومی کشاورزی با استفاده از شاخص GSSE ارزیابی می‌شود. از معیار TSE نیز برای ارزیابی حمایت از کل بخش کشاورزی استفاده می‌شود. شاخص‌های فرعی مانند PSE٪ و CSE٪ هنگامی که هدف بررسی روند تغییرات حمایت در طول زمان، مقایسهٔ تطبیقی بین کشورهای مختلف و نیز مقایسهٔ بین محصولات مختلف باشد، معیار مناسب‌تری خواهد بود.

با اصلاحات در سیاست‌های کشاورزی کشورهای OECD، تعداد و پیچیدگی سیاست‌ها به‌طور چشمگیری زیاد شد، به طوری که تناسب طبقه‌بندی اولیه برای تحلیل‌های سیاستی را محدود کرد. این موضوع، به‌ویژه در پرداخت‌های مستقیم صدق می‌کرد که با هدف‌ها و شرایط شمول متفاوت، به طور فزاینده‌ای دامنهٔ وسیع‌تری از اقدامات سیاستی را شامل می‌شد. امکان دارد یک هدف با سیاست‌های مختلفی حاصل شود. با وجود این، آثار اقتصادی سیاست نخست به روش اجرای آن بستگی دارد. از این رو، ارزیابی جامع از اقدامات سیاستی نیازمند گروه‌بندی آنها براساس معیارهای اجرا - به صورت مستقل از اهداف و آثار- است. این موضوع، مبنای طبقه‌بندی جدید OECD قرار گرفت.

٤-۲-۳ مقایسهٔ شاخص‌های OECD با دیگر معیارهای حمایت

در این قسمت شباهت و تفاوت شاخص‌های OECD با دیگر مقیاس‌های سنجش حمایت بیان می‌شود و مزایا و معایب آن مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۱-۴-۲-۳ مقایسه با معیارهای شکاف قیمت و شکاف درآمد

به طور معمول در پژوهش‌های مختلف، برای ارزیابی حمایت‌ها از چهار شاخص استفاده شده است. این شاخص‌ها عبارتند از: نرخ حمایت اسمی[1] (NRP)؛ نرخ کمک

[1] Nominal Rate of Protection (NRP)

اسمی[1] (NRA)؛ نرخ مؤثر حمایت[2] (ERP) و نرخ کمک مؤثر[3] (ERA). شاخص نرخ حمایت اسمی(NRP)، افزایش در دریافتی‌های ناخالص حاصل از فروش کالا را اندازه‌گیری می‌کند. شاخص نرخ کمک اسمی(NRA)، افزایش در دریافتی‌های ناخالص حاصل از حمایت‌هایی را که وابسته به فروش کالا نیستند، اندازه‌گیری می‌کند. شاخص نرخ مؤثر حمایت(ERP)، افزایش در ارزش افزوده حاصل از فروش کالا را اندازه‌گیری می‌کند، در این شاخص قیمت نهاده‌ها نیز در محاسبات وارد می‌شود. شاخص نرخ کمک مؤثر(ERA) نیز افزایش در ارزش افزوده حاصل از فروش کالا و حمایت‌هایی را که مربوط به فروش کالا نیستند، محاسبه می‌کند.

این شاخص‌ها را می‌توان با توجه به پوشش سیاستی و ارزش اقتصادی استفاده شده برای اندازه‌گیری سطوح حمایتی به دو گروه کلی و عمقی دسته‌بندی کرد. شاخص‌های کمک (NRA و ERA) نسبت به شاخص‌های حمایت (NRP و ERP) کلی‌ترند، چرا که این شاخص‌ها، ابعاد گسترده‌تری از سیاست‌های حمایتی برای بخشی خاص —قیمت محصول را تحت تأثیر قرار می‌دهند— شامل می‌شوند. همچنین شاخص‌های مؤثر (ERP و ERA) نسبت به شاخص‌های اسمی (NRP و NRA) عمیق‌ترند، زیرا سیاست‌های دولت در بخش نهاده‌ها را نیز شامل می‌شوند. همهٔ این شاخص‌ها به صورت نرخ بیان می‌شوند، چون بر پایهٔ حمایت‌های نسبی محاسبه می‌شوند، به طوری که نرخ‌های اسمی افزایش در دریافتی تولیدکنندگان ناشی از سیاست‌های حمایتی را نسبت به دریافتی ارزش‌گذاری‌شده در قیمت سر مرز، نشان می‌دهند. شاخص‌های مؤثر نیز تغییر در ارزش افزوده را نسبت به ارزش افزوده ارزش‌گذاری‌شده در قیمت سر مرز، اندازه‌گیری می‌کنند.

---

[1] Nominal Rate of Assistance (NRA)
[2] Effective Rate of Protection (ERP)
[3] Effective Rate of Assistance (ERA)

مزیت اصلی شاخص‌های مؤثر آن است که این شاخص‌ها آثار بالقوه دخالت‌های دولت بر تخصیص منابع را نشان می‌دهند. چون در این حالت، تخصیص منابع بین فعالیت‌های مختلف براساس درآمد ناخالص آن فعالیت نیست، بلکه براساس عوامل به کارگرفته شده درآن فعالیت است. همچنین برتری شاخص‌های مؤثر نسبت به شاخص‌های اسمی بیشتر مربوط به اهمیت سیاست‌های نهاده‌ای در محاسبهٔ این شاخص‌هاست و ارزش افزوده در برتری این شاخص‌ها نقش کمتری دارد (جوسلینگ و تانگرمن، ۱۹۸۹). به همین دلیل، محاسبهٔ ضرایب داده–ستانده —خیلی سخت به دست می‌آیند— در محاسبهٔ شاخص‌های مؤثر نقش مهمی دارد (سازمان همکاری و توسعه اقتصادی، ۲۰۰۷).

مقایسهٔ شاخص‌های OECD با این چهار شاخص استاندارد حمایت، نشان می‌دهد که شاخص‌های OECD شاخص‌های اسمی‌اند. مزیت شاخص‌های اسمی نسبت به شاخص‌های حمایت مؤثر، آن است که این شاخص‌ها به دادهٔ کمتری نیاز داشته و بنابراین برای ارزیابی سیاست‌های سالانه، کاربرد بیشتری دارند (سازمان همکاری و توسعه اقتصادی، ۲۰۰۷).

شاخص‌های ضریب حمایت اسمی(NPC) و ضریب کمک اسمی (NAC) در OECD مفاهیمی شبیه نرخ حمایت اسمی(NRP) و نرخ کمک اسمی(NRA) هستند. تفاوت بین این دو گروه شاخص، چگونگی محاسبهٔ آنهاست. ضریب حمایت اسمی(NPC) نرخی ساده بین قیمت تولیدکننده و قیمت سرمرز است؛ در حالی که نرخ حمایت اسمی(NRP)، نرخ اختلاف قیمت بازار (قیمت تولیدکننده منهای قیمت سرمرز) و قیمت سرمرز است. بنابراین نرخ حمایت اسمی(NRP) مساوی ضریب حمایت اسمی(NPC) منهای یک است و نرخ کمک اسمی(NRA)، ضریب کمک اسمی (NAC) منهای یک است. به عبارت دیگر ضریب حمایت اسمی(NPC)و

ضریب کمک اسمی (NAC) را ضریب و نرخ حمایت اسمی(NRP) و نرخ کمک اسمی(NRA) را نرخ می‌گویند (سازمان همکاری و توسعه اقتصادی، ۲۰۰۷).

شاخص برآورد حمایت از تولیدکننده(PSE) که در OECD محاسبه می‌شود، بسیار نزدیک به نرخ کمک اسمی(NRA) است، چون افزون بر حمایت براساس محصول، حمایت‌هایی مانند یارانهٔ کود شیمیایی، سموم و دیگر نهاده‌ها را نیز شامل می‌شود. شاخص برآورد حمایت از تولیدکننده (PSE) مانند نرخ کمک اسمی(NRA)، سیاست‌های حمایتی که قیمت نهاده‌های بخش کشاورزی را تغییر می‌دهند، (تعرفهٔ وارداتی بر نهاده‌ها) را شامل نمی‌شود. بنابراین شاخص برآورد حمایت از تولیدکننده(PSE) و شاخص مشتق شده از آن، شاخص حمایت درصدی تولیدکننده (PSE٪) شاخص‌هایی اسمی از حمایت‌اند نه شاخص‌های مؤثر. شاخص حمایت درصدی تولیدکننده (PSE٪) نیز خیلی نزدیک به نرخ کمک اسمی(NRA)است به این علت که هردو به صورت نرخ بیان می‌شوند. شاخص حمایت درصدی تولیدکننده (PSE٪) جزء حمایت از قیمت بازاری را در صورت کسر خود دارد که این جزء براساس اختلاف قیمت تولیدکننده و قیمت سرمرز محاسبه می‌شود (سازمان همکاری و توسعه اقتصادی، ۲۰۰۷).

افزون بر این، شاخص حمایت درصدی تولیدکننده (PSE٪) با توجه به مبنایی که برای اندازه‌گیری حمایت استفاده می‌کند، متفاوت از شاخص‌های بیان‌شده است. به طوری که هم شاخص‌های حمایت اسمی (نرخ حمایت اسمی(NRP)، نرخ کمک اسمی(NRA)، ضریب حمایت اسمی(NPC)، ضریب کمک اسمی (NAC)) و هم شاخص‌های حمایت مؤثر (نرخ موثر حمایت(ERP) و نرخ کمک موثر(ERA)) از دریافتی تولیدکنندگان یا ارزش افزوده که در قیمت سرمرز ارزش‌گذاری شده‌اند، استفاده می‌کنند. در حالی که شاخص حمایت درصدی تولیدکننده (PSE٪)، حمایت را براساس دریافتی تولیدکنندگان —در قیمت داخلی (قیمت تولیدکننده)

ارزش‌گذاری شده است— محاسبه می‌کند (سازمان همکاری و توسعه اقتصادی، ۲۰۰۷).

به طور کلی، شاخص‌های ارائه شده توسط OECD گذشته از ساده بودن برای ارزیابی سیاست‌های سالانه، جامع و کامل نیز هستند، به طوری که شاخص برآورد حمایت از تولیدکننده(PSE) افزون بر حمایت‌های قیمتی، حمایت‌های بودجه‌ای را نیز در محاسبات وارد می‌کند. همچنین، هزینه‌های مربوط به حمل‌ونقل و دیگر هزینه‌ها را که در کشورهای در حال توسعه مقادیر بزرگی‌اند، در تعدیل قیمت‌های سرمرز مورد توجه قرار می‌دهد.

۲-۴-۲-۳ مقایسه با معیارکلی حمایت در سازمان تجارت جهانی

شاخص برآورد حمایت از تولیدکننده (PSE) و معیار کلی حمایت (AMS) - به ترتیب در سازمان همکاری‌های مشترک اقتصادی (OECD) و سازمان تجارت جهانی (WTO) مورد استفاده قرار می‌گیرند - هر دو با هدف محاسبهٔ حمایت کل از بخش کشاورزی (یا محصولات مختلف) محاسبه می‌شود. هر دو شاخص، حمایت از قیمت بازار، پرداخت‌های بودجه‌ای دولت را در برمی‌گیرند، همچنین در سطح کالایی و ملی محاسبه می‌شوند. با این حال، در روش محاسبه و متغیرهای مورد استفادهٔ این دو شاخص، تفاوت‌هایی وجود دارد.

برخی از این تفاوت‌ها به شرح زیر است: ۱- از نظر کارکردی، هدف اصلی شاخص برآورد حمایت از تولیدکننده(PSE) ترسیم و ارزیابی پیشرفت روند اصلاح سیاست‌های کشاورزی است؛ در حالی که معیار کلی حمایت (AMS) براساس یک تعهد قانونی و با هدف کاهش حمایت‌های داخلی صورت گرفته است؛ ۲- شاخص برآورد حمایت از تولیدکننده (PSE) شامل همهٔ انتقال‌ها به تولیدکنندگان می‌شود، در حالی که معیار کلی حمایت (AMS) فقط انتقال‌های ناشی از سیاست‌های داخلی

را که آثار تجاری و تولیدی بزرگی دارند، شامل می‌شود. بر این اساس معیار کلی حمایت (AMS)سیاست‌هایی چون سیاست‌های محدودکنندهٔ تولید (جعبهٔ آبی)، سیاست‌هایی که حداقل انحراف در تجارت را ایجاد می‌کنند (جعبهٔ سبز) و سیاست‌های حمایتی را که سطح آنها کوچک‌تر از حداقل سطح تعیین شده است، استثنا می‌کند؛ ۳- در معیار کلی حمایت (AMS) حمایت از قیمت بازار براساس تفاوت بین قیمت‌های تثبیت‌شده توسط سیاست‌گذار (قیمت‌های تضمینی و مدیریت‌شدهٔ دولتی) و قیمت‌های جهانی محاسبه می‌شود (سازمان همکاری و توسعهٔ اقتصادی، ۲۰۰۷). بر این اساس، در صورتی‌که خرید تضمینی صورت نپذیرد، هیچ حمایت قیمتی از محصول نشده است. این در حالی است که در معیار حمایت از تولیدکننده(PSE)، قیمت داخلی با قیمت جهانی مقایسه و تفاضل این دو قیمت به عنوان حمایت از قیمت بازاری تعریف می‌شود. بر این اساس، قیمت داخلی در بازاری تعیین می‌شود که از قیمت تضمینی، سیاست‌های تنظیم بازار، سیاست‌های مرزی (شامل تعرفه‌ها و یارانه‌های صادراتی) تأثیرپذیرفته است. بنابراین استفاده از قیمت داخلی، معیار مناسب‌تری برای لحاظ کردن همهٔ سیاست‌هایی است که بر تفاضل قیمت داخلی و جهانی تاثیر دارند(سازمان همکاری و توسعه اقتصادی، ۲۰۰۷).

در مجموع با توجه به هدف‌های این پژوهش و مطالب ارائه‌شده به نظر می‌رسد شاخص برآورد حمایت از تولیدکنندگان (PSE) و مصرف‌کنندگان (CSE) به دلیل این‌که انواع حمایت‌ها از تولیدکننده و مصرف‌کننده (حمایت‌های قیمتی و پرداخت‌های بودجه‌ای) را در نظر می‌گیرد، همچنین به دلیل این که محاسبهٔ آنها آسان‌تر است و نیاز به اطلاعات مربوط به ضرایب فنی ندارد و با توجه به رویکرد جهانی به محاسبهٔ چنین شاخص‌هایی، شاخص‌های مناسب‌تری برای محاسبه و ارزیابی مقادیر حمایت هستند، در این پژوهش مورد استفاده قرار خواهند گرفت. در ادامه، روش‌شناسی محاسبهٔ شاخص‌های برآورد حمایت شامل برآورد حمایت از

تولیدکننده (PSE)، برآورد حمایت از مصرف‌کننده (CSE)، برآورد حمایت از خدمات عمومی (GSSE)، و برآورد حمایت کل (TSE) به طور جامع بررسی و تبیین می‌شود.

به طور کلی اجرای هر سیاست اقتصادی در بخش کشاورزی موجب می‌شود انتقال‌های قیمتی و غیرقیمتی (انتقال‌های بودجه‌ای و درآمدهای پنهان) در بازار محصولات کشاورزی ایجاد شود. برآورد مقدار این انتقال‌ها مبنای محاسبهٔ شاخص‌های حمایتی است، به طوری که به منظور محاسبهٔ مقادیر حمایت‌هایی که دولت به دنبال اجرای سیاست‌های خود از تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان بخش کشاورزی به عمل می‌آورد، ابتدا باید انتقال‌های درآمدی برآمده از این سیاست‌ها، مورد بررسی قرار گیرد. در این بخش مبانی نظری هر یک از این انتقال‌ها به ترتیب، بررسی می‌شود.

۳-۳ انتقال‌های قیمتی

یکی از فرض‌های نظری مهم در محاسبهٔ مقدار حمایت در بخش کشاورزی، وجود شرایط رقابت کامل در این بخش است. ویژگی‌های بازارهای رقابتی مانند اطلاعات کامل، همگن‌بودن کالاها، و آزاد بودن ورود و خروج، موجب ایجاد قیمت‌های واقعی در بازار می‌شود. بنابراین، اختلاف قیمتی بین بازارهای داخلی و خارجی را می‌توان نتیجهٔ دخالت‌های دولت در بازارهای داخلی دانست. به همین دلیل، شکاف قیمتی برای اندازه‌گیری انتقال‌های ناشی از سیاست‌های قیمتی دولت، شاخص مهمی به شمار می‌رود. اختلاف قیمت بازار، مقدار تغییری را که در قیمت بازاری یک کالا در قبال سیاست‌ها رخ می‌دهد، اندازه می‌گیرد. شکاف قیمتی زمانی برای یک کالا محاسبه می‌شود که یک یا چند سیاست حمایتی، قیمت دریافتی تولیدکنندگان آن

کالا را تغییر دهند و چنانچه این سیاست‌ها اعمال نشوند، شکاف قیمتی محاسبه نمی‌شود و صفر در نظرگرفته می‌شود. سیاست‌هایی که قیمت بازاری یک کالا را تغییر می‌دهند، شامل موارد زیرند:

۱- ابزارهای سیاستی وارداتی (تعرفه‌ها، مالیات‌ها، سهمیه‌های وارداتی، سهمیه‌های تعرفه‌ای و مجوزها)؛

۲- ابزارهای سیاستی صادراتی که به ابزارهای افزایش‌دهنده (یارانه‌های صادراتی، اعتبارات صارداتی و کمک‌های غذای خارجی) و محدودکنندهٔ صادرات (محدودیت‌های مقداری، مجوزها، تحریم‌های صادراتی و مالیات‌های صادراتی) تقسیم می‌شوند؛

۳- ابزارهای سیاستی حمایت از قیمت داخلی(سهمیه‌بندی تولید، قیمت‌های کف و سقف و خریدهای تضمینی دولت، کمک‌های غذای داخلی و ذخیره‌سازی‌های عمومی).

مزیت محاسبهٔ ارزش انتقال‌های قیمتی از راه شکاف قیمت بازار، این است که شکاف قیمت بازار، ترکیبی ازآثار مختلف بر روی قیمت بازاری یک کالاست که در نتیجهٔ اعمال سیاست‌های قیمتی گوناگون رخ می‌دهد. در اینجا، سیاست‌هایی را که قیمت دریافتی تولیدکنندگان یک کالا را افزایش می‌دهند بدون این‌که قیمت بازار (قیمت مصرف‌کنندگان) را تغییر دهند، در شکاف قیمت بازار وارد نمی‌شوند. این سیاست‌ها، با عنوان پرداخت‌ها براساس مقدار محصول در انتقال‌های غیرقیمتی لحاظ می‌شود.

روش معمولی برای محاسبهٔ شکاف قیمتی[1] (MPD) برای یک کالا، اندازه‌گیری اختلاف قیمت بین قیمت بازار داخلی و قیمت مرزی تعدیل‌شدهٔ آن کالاست. این اختلاف قیمتی را می‌توان به صورت زیر بیان کرد:

$$MPD = P_d - P_{ab} \qquad (۳-۱)$$

که در آن، MPD اختلاف قیمت بازار (اختلاف قیمت داخلی و مرزی)؛ P_d قیمت بازار داخلی و P_{ab} قیمت مرجع لب‌مرز (اعم از قیمت صادراتی یا قیمت وارداتی) است. در ادامه چگونگی محاسبهٔ و تعدیل‌های مربوط به قیمت مرجع لب مرز مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۱-۳-۳ چگونگی تعیین قیمت مرجع

همان‌طور که گفته شد برای ارزیابی سیاست‌های حمایتی که بر قیمت بازار اثر می‌گذارد باید قیمت حمایت‌شده با یک قیمت مرجع صادراتی یا وارداتی (P_X یا P_M) مقایسه شود. قیمت مرجع، قیمتی است که هیچ‌گونه سیاست حمایتی در قبال آن ارائه نشده و مبنای مقایسه با قیمت سرمزرعه صورت می‌گیرد. به‌طور معمول، قیمت بازارهای جهانی به‌عنوان قیمت مرجع مورد استفاده قرار می‌گیرد. با وجود این، باید تعدیل‌هایی دربارهٔ آن انجام پذیرد. این مسئله در خصوص کالاهای وارداتی یا صادراتی تا حدودی متفاوت است.

[1] Market Price Differential, (MPD)

الف) محصول صادراتی

نمودار ۱-۳ چگونگی تعیین قیمت مرجع برای یک کالای صادراتی را نشان می‌دهد که در آن P_x قیمت مرجع کالای صادراتی P_{fob}[1] قیمت کالا در لب مرز کشور صادر کننده؛ T_{d2} هزینه‌های انتقال از مزرعه به بازار عمده‌فروشی و T_{d1} هزینه‌های انتقال از بازار عمده‌فروشی به لب‌مرز است.

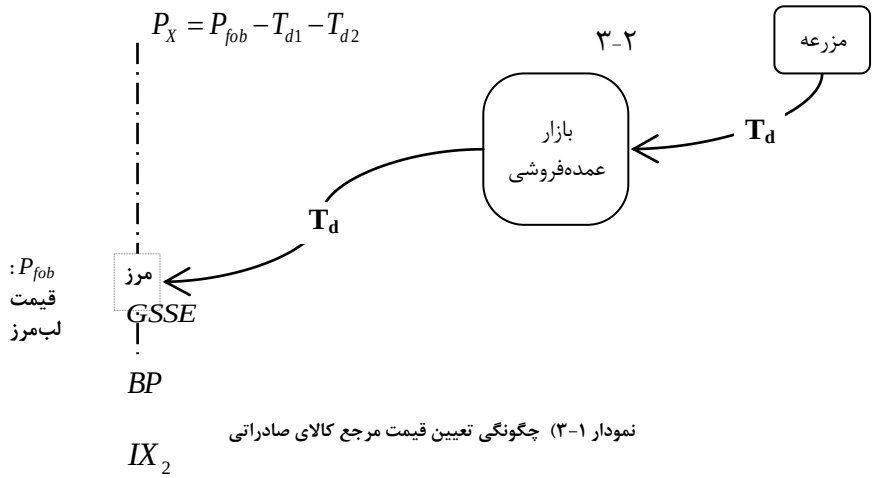

نمودار ۱-۳) چگونگی تعیین قیمت مرجع کالای صادراتی

در خصوص قیمت مرجع کالای صادراتی باید هزینه‌های انتقال آن از مزرعه به لب‌مرز از قیمت صادراتی (P_{fob}) کسر شود. این هزینه‌ها دو جزء هزینه‌های انتقال از مزرعه به بازار عمده‌فروشی (T_{d2})، و هزینه‌های انتقال از بازار عمده‌فروشی به لب‌مرز (T_{d1}) را شامل می‌شود. به‌منظور مطابقت‌دادن نوع و کیفیت کالای مورد نظر با کالای صادراتی، از ضریب تعدیل تفاوت‌های کالایی (Q_{adj}) برای تعدیل قیمت لب‌مرز استفاده می‌شود. به این ترتیب، رابطهٔ (۲-۳) به شکل رابطهٔ ۳-۳ درمی‌آید:

$$P_X = P_{fob} Q_{adj} - T_{d1} - T_{d2} \qquad (۳-۳)$$

[1]Free on Broad (قیمت کالای صادراتی در لب مرز کشور صادر کننده)

که در آن P_x قیمت مرجع کالای صادراتی؛ P_{fob} قیمت کالا در لب مرز کشور صادر کننده؛ Q_{adj} ضریب تعدیل تفاوت‌های کالایی T_{d2} هزینه‌های انتقال از مزرعه به بازار عمده‌فروشی T_{d1} هزینه‌های انتقال از بازار عمده‌فروشی به لب‌مرز است.

ب) محصول وارداتی

نمودار ۲-۳ چگونگی تعیین قیمت مرجع برای یک کالای وارداتی را نشان می‌دهد که در آن P_M قیمت مرجع کالای وارداتی؛ P_{cif}[1] قیمت کالا در لب مرز کشور واردکننده؛ T_{d2} هزینه‌های انتقال از مزرعه به بازار عمده‌فروشی و T_{d1} هزینه‌های انتقال از بازار عمده‌فروشی به لب‌مرز است.

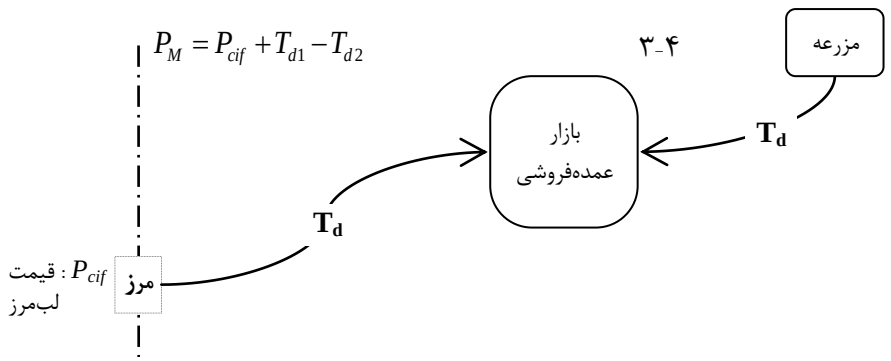

نمودار ۲-۳) چگونگی تعیین قیمت مرجع کالای وارداتی

در مورد قیمت مرجع کالای وارداتی (P_M) باید هزینه‌های انتقال آن از لب‌مرز به بازار عمده‌فروشی (T_{d1}) به قیمت وارداتی افزوده شود. به این ترتیب، قیمت کالای وارداتی را می‌توان با قیمت عمده‌فروشی کالای تولید داخل مقایسه کرد. از آنجا که

[1] Cost, Insurance and Freight(قیمت کالای صادراتی در لب مرز کشور وارد کننده)

کالای تولید داخل نیز برای انتقال به بازار عمده‌فروشی متحمل هزینه‌هایی می‌شود، برای این‌که بتوان قیمت کالای وارداتی را به عنوان قیمت مرجع با قیمت سرمزرعه مقایسه کرد باید هزینه‌های انتقال محصول به بازار عمده‌فروشی (T_{d2}) از آن کسر شود. ضمن این که از ضریب تعدیل تفاوت‌های کالایی (Q_{adj}) برای تعدیل قیمت لب‌مرز استفاده می‌شود. به این ترتیب، رابطهٔ (۴-۳) به شکل رابطهٔ ۵-۳ درمی‌آید:

$$P_M = P_{cif} Q_{adj} + T_{d1} - T_{d2} \qquad (۳-۵)$$

که در آن، P_M قیمت مرجع کالای وارداتی؛ P_{cif} قیمت کالا در لب مرز کشور واردکننده؛ Q_{adj} ضریب تعدیل تفاوت‌های کالایی؛ T_{d2} هزینه‌های انتقال از مزرعه به بازار عمده‌فروشی و T_{d1} هزینه‌های انتقال از بازار عمده‌فروشی به لب‌مرز است.

با چشم‌پوشی از چگونگی تعدیل قیمت مرجع در خصوص وارداتی و صادراتی‌بودن کالا، باید توجه داشت که در حالت عادی امکان استفاده از قیمت‌های بین‌المللی به عنوان قیمت مرجع وجود ندارد، چرا که واحد ارزی آن متفاوت از واحد ارزی ایران است. از این رو، تعدیل دیگری باید صورت پذیرد. به طور متعارف، این تعدیل با استفاده از نرخ ارز انجام می‌گیرد و معادل داخلی قیمت بین‌المللی از حاصل‌ضرب قیمت مرجع بین‌المللی در نرخ ارز محاسبه می‌شود. با این حال باید توجه داشت که نه تنها نرخ ارز واقعی همواره وجود ندارد، بلکه ممکن است با توجه به سیاست‌های کلان اقتصادی از مقدار تعادلی خود انحراف داشته باشد. برای مثال، در بسیاری از سال‌ها با نرخ‌های ارز چندگانه مواجهیم که انتخاب نرخ مناسب از بین آنها دشوار است. از سوی دیگر، با توجه به امکان واقعی‌نبودن نرخ ارز و انحراف آن از مقدار تعادلی بازاری، نتایج حاصل می‌تواند گمراه‌کننده باشد.

به دلیل اهمیت زیاد این مسئله و نیز به دلیل ناهمگن بودن آن با مباحث مربوط به حمایت‌ها، فصل چهارم به طور جداگانه به نرخ ارز می‌پردازد. به طوری که تلاش

می‌شود با استفاده از یک روش‌شناسی مناسب و دقیق، مقادیر نرخ ارز تعادلی در اقتصاد ایران برآورد شود که افزون بر محاسبهٔ مقادیر حمایت با نرخ ارز مناسب اثر سیاست‌های ارزی نیز - با توجه به یکی از هدف‌های این مطالعه- مورد ارزیابی قرار گیرد.

بعد از محاسبهٔ قیمت مرجع تعدیل شده می‌توان به راحتی شکاف قیمت داخلی و قیمت مرجع تعدیل‌شده را محاسبه کرد، اما در خصوص این‌که انتقال‌های قیمتی بین تولیدکنندگان، مصرف‌کنندگان (به طور کلی مالیات‌دهندگان) در حالت‌هایی که قیمت داخلی بیشتر (و یا کمتر) از قیمت مرجع است به چه صورت خواهد بود، نخست باید مفاهیم ارزش تولید و مصرف بیان شود و سپس این حالت‌های خاص مورد بررسی قرار گیرد.

۲-۳-۳ ارزش تولید و ارزش مصرف

پیش از برآورد مقادیر حمایت، باید دو مفهوم ارزش تولید و ارزش مصرف نیز معرفی شود. برای محاسبهٔ ارزش تولید و مصرف، از قیمت‌های سرمزرعه استفاده می‌شود. به‌طور کلی برای محاسبهٔ این مقادیر کافی است مقدار تولید یا مقدار مصرف را در قیمت آن ضرب کرد. همچنین چگونگی برآورد آن بسته به بیشتر یا کمتر بودن مقدار تولید داخل از مصرف داخل، تا حدودی متفاوت است. در ادامه به‌ترتیب روش برآورد ارزش تولید و ارزش مصرف و اجزای هر کدام در حالت‌های مختلف مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۱-۲-۳-۳ ارزش تولید

همان‌طور که گفته شد، محاسبهٔ ارزش تولید به سهولت انجام‌پذیر بوده و تنها کافی است مقدار تولید محصول توسط تولیدکنندگان داخلی در قیمت داخلی ضرب شود.

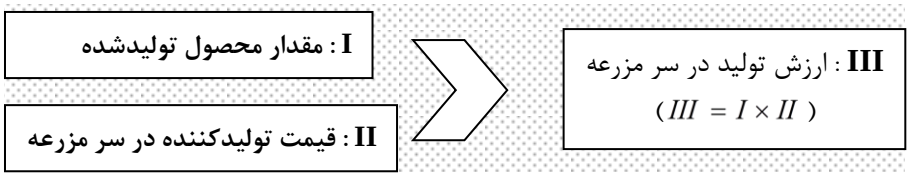

چگونگی توزیع اجزای آن بین تولیدکنندگان، مصرف‌کنندگان، و دیگران، به مواردی همچون وارداتی یا صادراتی بودن کالا، و نیز به بالاتر یا پایین‌تر بودن سطح قیمت داخلی نسبت به قیمت مرجع بستگی دارد. این موارد در ادامه به تفصیل بررسی می‌شود.

الف) حالتی که قیمت داخلی بیش از قیمت مرجع است ($P_d>P_M$ و یا $P_d>P_X$)

در شرایطی که قیمت داخلی به‌دلیل اعمال برخی سیاست‌ها بیشتر از قیمت مرجع باشد، جهت‌گیری انتقال‌ها، بیشتر به‌سوی تولیدکنندگان است. نمودار ۳-۳ این شرایط را در دو حالت وارداتی یا صادراتی بودن محصول به‌تصویر می‌کشد.

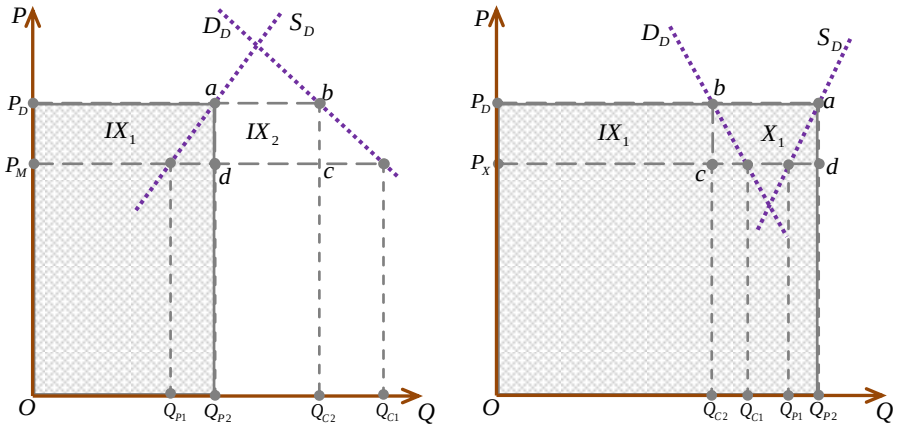

لف- محصول وارداتی ب- محصول صادراتی

نمودار ۳-۳) برآورد ارزش تولید در شرایطی که قیمت داخلی بیش از قیمت مرجع است.

در این نمودار P_D قیمت سرمزرعه؛ Q_{P2} مقدار تولید؛ Q_{C2} مقدار مصرف؛ P_X قیمت مرجع در حالت صادراتی بودن محصول و P_M قیمت مرجع در صورت وارداتی بودن محصول را نشان می‌دهد. بنا به تعریف، ارزش تولید (درآمد تولیدکنندگان) با قیمت سرمزرعه ضرب‌در مقدار تولید داخل ($TR_P = P_D Q_{P2}$) برابر است. این ارزش در شکل‌ها با مستطیل هاشورخورده $OP_D aQ_{P2}$ مشخص شده است.

در شرایطی که مقدار تولید داخل کمتر از مقدار مصرف باشد (شکل الف)، کل ارزش تولید از دو قسمت تشکیل می‌شود. نخست ارزش تولید براساس قیمت مرجع ($P_M Q_{P2}$) که با مستطیل $OP_M dQ_{P2}$ نشان داده می‌شود و دیگری، ارزش ناشی از تفاوت قیمت سرمزرعه با قیمت دریافتی تولیدکننده ($(P_D - P_M)Q_{P2}$) که با IX_1 (مستطیل $P_M P_D ad$) نشان داده شده است. این قسمت (IX_1) در واقع ارزشی است که مصرف‌کنندگان محصول مورد نظر به دنبال

مصرف کالای داخلی در قیمتی بیش از قیمت جهانی به تولیدکنندگان داخلی پرداخت کرده‌اند:

$$\begin{aligned} &TR_P = P_D Q_{P2} \\ &TR_P = P_M Q_{P2} + IX_1 \qquad IX_1 = (P_D - P_M)Q_{P2} \\ &TR_p = P_M Q_{P2} + (P_D - P_M)Q_{P2} \end{aligned} \tag{۳-۴}$$

که در آن، TRp ارزش تولید (درآمد های تولیدکننده)؛ P_D قیمت داخلی؛ Q_{p2} مقدار تولید؛ P_M قیمت مرجع تعدیل شده در حالت کالای وارداتی، IX1 انتقال‌های قیمتی از مصرف‌کننده به تولیدکننده در پی مصرف از کالای داخل را نشان می‌دهد.

شایان ذکر است که در این حالت، انتقال دیگری نیز وجود دارد. دلیل این پرداخت این است که مصرف‌کنندگان کالای واردشده، برای خرید آن مبلغی بیش از قیمت وارداتی می‌پردازند. این انتقال از مصرف‌کنندگان در شکل فوق با IX_2 نشان داده می‌شود. باید توجه داشت که این انتقال نصیب تولیدکنندگان نمی‌شود. از این رو، در تعیین ارزش تولید نقش ندارد. پیداست که این انتقال از مصرف‌کنندگان کالای واردشده صورت می‌پذیرد. با این حال، این مسئله که نصیب چه گروهی می‌شود، به نوع سیاست اجرا شده بستگی دارد. برای نمونه، وقتی یک محدودیت وارداتی مثل تعرفه‌ها اعمال می‌شود، انتقال از مصرف‌کنندگان به بودجه دولت صورت می‌گیرد. اما وقتی سیاست‌هایی چون سهمیهٔ وارداتی اعمال می‌شود، این انتقال‌ها به کسانی که مجوز دریافت این سهمیه را دارند (واردکنندگان داخلی یا صادرکنندگان خارجی) تعلق می‌گیرد.

در شرایطی که مقدار تولید داخل بیش از مقدار مصرف آن باشد (شکل ب)، کل ارزش تولید را می‌توان به روش مشابهی به سه قسمت تقسیم کرد. بر این اساس، بخشی از ارزش تولید، ارزشی است که با قیمت مرجع ارزش‌گذاری شده ($P_X Q_{P2}$) و

با مستطیل $OP_X dQ_{P2}$ نشان داده می‌شود. همچنین، IX_1 ارزشی است که از مصرف‌کنندگان محصول داخلی به تولیدکنندگان منتقل شده ($(P_D - P_X)Q_{C2}$) و با مستطیل $P_X P_D bc$ نشان داده می‌شود. افزون بر این، وقتی در شرایط مازاد تولید محصول نسبت به مصرف، مازاد محصول مورد نظر صادر می‌شود، بخشی از ارزش دریافتی تولیدکنندگان (X_1) ناشی از پرداخت‌هایی است که از مالیات‌دهندگان به تولیدکنندگان منتقل شده است. این انتقال‌ها بخشی از حمایت قیمتی از تولیدکنندگان است که توسط مالیات‌دهندگان و در قالب یارانه‌های صادراتی، کمک‌های غذایی و ذخیره‌سازی‌های عمومی از محل بودجه دولت تأمین می‌شود. این ارزش (X_1) برابر با $(P_D - P_X)(Q_{P2} - Q_{C2})$ بوده و در شکل ب با مستطیل cbad نشان داده شده است:

$$\begin{aligned} &TR_P = P_D Q_{P2} \\ &TR_P = P_X Q_{P2} + IX_1 + X_1 \qquad IX_1 = (P_D - P_X)Q_{C2} \qquad X_1 = (P_D - P_X)(Q_{P2} - Q_{C2}) \\ &TR_p = P_X Q_{P2} + (P_D - P_X)Q_{C2} + (P_D - P_X)(Q_{P2} - Q_{C2}) \end{aligned} \qquad (۳-۵)$$

که درآن، TRp ارزش تولید (درآمد های تولیدکننده)؛ P_D قیمت داخلی؛ Q_{p2} مقدار تولید؛ P_X قیمت مرجع تعدیل‌شده در حالت کالای صادراتی؛ IX_1 انتقال‌های قیمتی از مصرف‌کننده به تولیدکننده در پی مصرف از کالای داخل؛ X_1 انتقال‌های قیمتی از مالیات‌دهندگان به تولیدکنندگان و Q_{c2} مقدار مصرف است.

به طورکلی وقتی قیمت داخلی بیش از قیمت مرجع (صادراتی یا وارداتی) باشد، انتقال‌های قیمتی از مصرف‌کنندگان و مالیات‌دهندگان به تولیدکنندگان صورت می‌گیرد با این تفاوت که در شرایط واردات، تنها بخشی ازانتقال‌های قیمتی توسط تولیدکننده دریافت می‌شودکه این بخش به طورکامل توسط مصرف‌کنندگان تأمین مالی می‌شود - بخشی از آن نصیب دولت یا واردکنندگان

می‌شود- در حالی کـه در وضـعیت صـادراتی، همـهٔ انتقـال‌هـای قیمتـی توسـط تولیدکنندگان دریافت می‌شود- البته در حالتی که تولیدکننده، صادرکننده هـم باشد- و هزینهٔ این انتقال‌هـا بـین مالیـات‌دهنـدگان و مصـرف‌کننـدگان تقسـیم می‌شود.

ب) حالتی که قیمت داخلـی کمتـر از قیمـت مرجـع اسـت ($P_D<P_M$ یـا $P_D<P_X$):

تا به اینجا، شرایطی مورد بررسی قرار گرفت کـه در آن سـطح قیمـت داخلـی از قیمت مرجع بیشتر است. امکان دارد شرایطی برقرار شـود کـه در آن سـطح قیمـت داخلی نسبت قیمت مرجع پایین‌تر باشـد. در ایـن صـورت، جریـان انتقـال‌هـا بـین گروه‌های مختلف بازار تغییر می‌کند. این مسئله در نمودار ۴-۳ بررسی شده است.

قسمت الف نمودار ۴-۳ شرایطی را برای یک کالای وارداتی نشـان مـی‌دهـد کـه قیمت داخلی کمتر از قیمت مرجع است. در این حالت، در نبود سیاسـت‌هـا، قیمـت تعادلی بازار برابر با قیمت وارداتی (P_M) است. در این قیمت، مقدار تولید برابر با Q_{P1} و مقدار مصرف برابر بـا Q_{C1} اسـت. همچنـین، مقـدار واردات برابـر بـا $Q_{P1}-Q_{C1}$ (اختلاف بین عرضه و تقاضای داخلی) است. حال اگر سیاست‌هایی کـه قیمـت بـازار داخلی را کاهش می‌دهند اعمال شـود - بـرای مثـال سیاسـت غـذای ارزان، دولـت گرایش داشته باشد که قیمت مواد غذایی در بازار داخلی را با اعمـال محـدودیت بـر قیمت یا یارانه‌های وارداتی پایین نگه دارد - در این حالت قیمت بازار داخلـی (P_D) کمتر از قیمت وارداتی شده که موجب شکاف قیمتـی(MPD) منفـی مـی‌شـود. در نتیجه مقدار تولید به سطح Q_{P2} کـاهش و مقـدار مصـرف بـه سـطح Q_{C2} افـزایش می‌یابد. مقدار واردات نیز به $Q_{P2}-Q_{C2}$ افزایش می‌یابد. بـه ایـن ترتیـب، براسـاس

روش‌شناسی OECD کل ارزش تولید مشابه حالت‌های قبلی برابر است با حاصل‌ضرب قیمت داخلی در مقدار تولید داخلی ($P_D Q_{P1}$) که با مستطیل $OP_D dQ_{P1}$ نشان داده می‌شود. چنین وضعیتی موجب نوعی مالیات بر تولیدکنندگان می‌شود، به‌طوری که انتقال قیمتی معادل IX_1 از تولیدکنندگان به مصرف‌کنندگان صورت می‌گیرد. در واقع، به‌دلیل کمتر بودن قیمت داخلی نسبت به قیمت مرجع، ارزشی معادل حاصل‌ضرب تفاوت قیمت مرجع با قیمت سرمزرعه ($(P_M - P_D)Q_{P1}$) از دسترس تولیدکنندگان خارج می‌شود (مساحت مستطیل $P_D P_M ad$). این قسمت بخشی از ارزش تولید به قیمت مرجع است که مصرف‌کنندگان آن را پرداخت نکرده‌اند. از این رو، نصیب آنان می‌شود و با عنوان انتقال از تولیدکنندگان به مصرف‌کنندگان لحاظ می‌شود. افزون بر این، در شرایط مورد بحث که قیمت داخلی نسبت به قیمت مرجع وارداتی کمتر است، انتقال‌های قیمتی دیگری نیز از مالیات‌دهندگان به مصرف‌کنندگان (IX_2) صورت می‌گیرد. این مقدار در ارزش تولید محصول داخلی تأثیری ندارد.

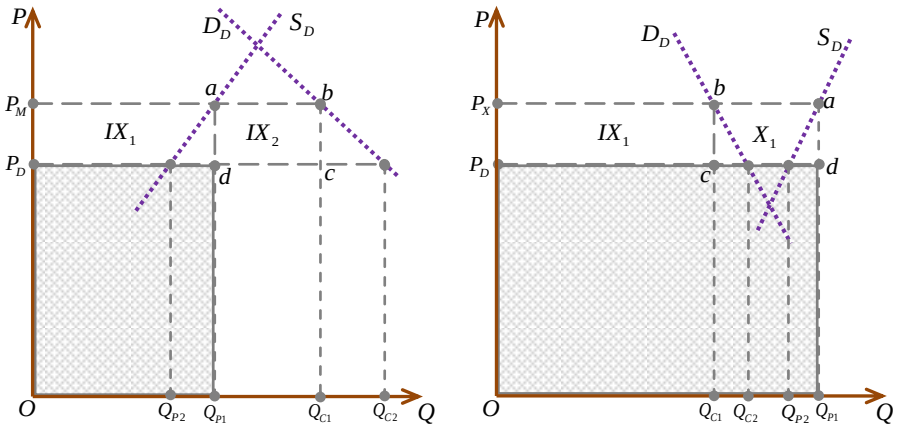

الف- محصول وارداتی

ب- محصول صادراتی

نمودار ۴-۳) برآورد ارزش تولید در شرایطی که قیمت داخلی کمتر از قیمت مرجع است.

شکل (ب) نمودار ۴-۳ حالتی از پایین بودن قیمت داخلی نسبت به قیمت مرجع را نشان می‌دهد که در آن مقدار تولید داخل بیش از مقدار مصرف داخل است. چنین شرایطی وقتی رخ می‌دهد که برای مثال، دولت بخواهد از محصول کشاورزی به عنوان منبعی برای درآمدهای بودجه‌ای استفاده کند. در این حالت، ارزش محصول تولید داخل برابر است با حاصل‌ضرب قیمت در مقدار تولید داخل ($P_D Q_{P1}$) که با مستطیل $OP_D dQ_{P1}$ نشان داده شده است. همچنین، مستطیل $P_D P_X ad$ ارزشی است که به‌دلیل کمتر بودن قیمت داخلی نسبت به قیمت مرجع از دسترس تولیدکنندگان خارج شده است. این ارزش برابر با مجموع IX_1 و X_1 است. در چنین شرایطی، IX_1 که با مستطیل $P_D P_X bc$ نشان داده شده معادل پرداختی است که به‌صورت ضمنی از تولیدکنندگان به مصرف‌کنندگان منتقل می‌شود ($(P_D - P_X)Q_{C1}$). افزون بر این، وقتی در شرایط مازاد تولید محصول نسبت به مصرف، مازاد محصول موردنظر صادر می‌شود، بخش دیگری از ارزش تولید که از دسترس تولیدکنندگان خارج شده (X_1) پرداختی است که از تولیدکنندگان به مالیات‌دهندگان منتقل می‌شود. این ارزش (X_1) برابر با $(P_X - P_D)(Q_{P1} - Q_{C1})$ است و در شکل سمت راست با مستطیل $cbad$ نشان داده شده است.

در حالت کمتر بودن قیمت داخلی از قیمت مرجع، انتقال‌های قیمتی در جهتی مخالف با حالت قبل (بیشتر بودن قیمت داخلی نسبت به قیمت مرجع) صورت می‌گیرد. به عبارت دیگر از تولیدکنندگان به نفع مصرف‌کنندگان مالیات پنهان گرفته می‌شود و انتقال‌های قیمتی ناشی از سیاست‌های حمایتی از تولیدکنندگان به مصرف‌کنندگان صورت می‌گیرد.

همان‌طور که گفته شد یکی دیگر از مفاهیم مهم در بحث انتقال‌های قیمتی، ارزش مصرف است که در ادامه به شرح آن پرداخته می‌شود.

۲-۲-۳-۳ ارزش مصرف

برای محاسبهٔ ارزش مصرف (مخارج مصرف‌کنندگان برای محصول مورد نظر) کافی است مقدار مصرف در قیمت مصرف‌کننده ضرب شود ($TC_C = P_C Q_C$). در نمودار زیر نحوهٔ محاسبهٔ ارزش مصرف و در رابطهٔ (۶-۳) نحوهٔ محاسبهٔ قیمت مصرف در سر مزرعه آمده است:

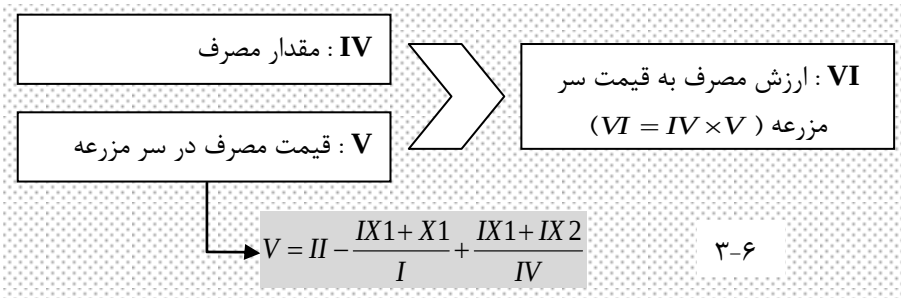

در رابطهٔ (۶-۳) V قیمت مصرف‌کننده در سر مزرعه؛ II قیمت تولیدکننده در سر مزرعه؛ IX_1 انتقال‌های قیمتی از مصرف‌کننده به تولیدکننده؛ X_1 انتقال‌های قیمتی از مالیات‌دهندگان به تولیدکنندگان؛ I مقدار محصول تولیدشده؛ IX_2 انتقال از مصرف‌کنندگان به واردکنندگان یا دولت به دنبال مصرف از کالای وارداتی و IV مقدار مصرف است.

رابطهٔ ۶-۳ را برای سهولت بیشتر می‌توان به صورت رابطهٔ ۷-۳ بازنویسی کرد:

$$P_C = P_D - \frac{IX1 + X1}{Q_P} + \frac{IX1 + IX2}{Q_C} \qquad (۳-۷)$$

که در آن، P_C قیمت مصرف‌کننده در سر مزرعه؛ P_D قیمت تولیدکننده در سر مزرعه؛ IX_1 انتقال‌های قیمتی از مصرف‌کننده به تولیدکننده؛ X_1 انتقال‌های قیمتی از مالیات‌دهندگان به تولیدکنندگان؛ Q_P مقدار محصول تولیدشده؛ IX_2 انتقال از

مصرف‌کنندگان به واردکنندگان یا دولت در پی مصرف از کالای وارداتی و Q_C مقدار مصرف است.

به این ترتیب، ارزش مصرف را می‌توان براساس رابطهٔ ۸-۳ محاسبه کرد:

$$\begin{aligned} TC_C &= P_C Q_C \\ TC_C &= Q_C\left(P_D - \frac{IX_1 + X_1}{Q_P} + \frac{IX_1 + IX_2}{Q_C}\right) \\ TC_C &= P_D Q_C - \frac{Q_C}{Q_P}\left(IX_1 + X_1\right) + IX_1 + IX_2 \\ TC_C &= P_D Q_C + \left(1 - \frac{Q_C}{Q_P}\right) IX_1 - \frac{Q_C}{Q_P}\left(X_1\right) + IX_2 \end{aligned} \qquad (۳-۸)$$

که درآن، TC_c ارزش مصرف؛ P_C قیمت مصرف‌کننده در سر مزرعه؛ Q_C مقدار مصرف؛ P_D قیمت تولیدکننده در سر مزرعه؛ Q_P مقدار محصول تولیدشده؛ IX_1 انتقال‌های قیمتی از مصرف‌کننده به تولیدکننده؛ X_1 انتقال‌های قیمتی از مالیات‌دهندگان به تولیدکنندگان و IX_2 انتقال از مصرف‌کنندگان به واردکنندگان یا دولت در پی مصرف از کالای وارداتی است.

همان‌طور که پیشتر به آن پرداخته شد، محاسبهٔ مقادیر IX_1، IX_2، و X_1 در شرایط وارداتی و صادراتی تاحدودی متفاوت از هم است. در شرایط وارداتی ($Q_C > Q_P$) و در حالتی که قیمت داخلی بیشتر از قیمت مرجع تعدیل شده است(نمودار۵-۳)، هر کدام با توجه به روابط ۹-۳ محاسبه می‌شود:

$$if \quad Q_C > Q_P \quad \Rightarrow \quad \begin{cases} IX_1 = Q_P\left(P_D - P_M\right) \\ IX_2 = \left(Q_C - Q_P\right)\left(P_D - P_M\right) \\ X_1 = 0 \end{cases} \qquad (۳-۹)$$

که در آن، Q_C مقدار مصرف؛ Q_P مقدار محصول تولیدشده؛ P_D قیمت تولیدکننده در سر مزرعه؛ P_M قیمت مرجع در مورد کالای وارداتی؛ IX_1 انتقال‌های قیمتی از مصرف‌کننده به تولیدکننده؛ X_1 انتقال‌های قیمتی از مالیات‌دهندگان به تولیدکنندگان و IX_2 انتقال از مصرف‌کنندگان به واردکنندگان و یا دولت به دنبال مصرف از کالای وارداتی است.

به این ترتیب، ارزش مصرف برابر با مجموع ارزش مصرف به قیمت مرجع ($Q_C P_X$) به‌علاوهٔ انتقال‌هایی است که از مصرف‌کنندگان محصول مورد نظر پرداخت شده است. این انتقال‌ها خود به دو قسمت تقسیم می‌شود. بخشی از آن به‌دلیل تفاوت قیمت تولیدکننده با قیمت مرجع، به تولیدکنندگان منتقل شده (IX_1)، و بخشی نیز به‌دلیل مصرف محصول وارداتی به دولت یا واردکنندگان منتقل می‌شود (IX_2). بر این اساس، ارزش کل مصرف برابر با $Q_C P_D$ است که در نمودار با مساحت مستطیل هاشورخورده $OP_D bQ_C$ نمایش داده می‌شود (روابط ۱۰-۳):

$$\begin{aligned} TC_C &= Q_C P_M + IX_1 + IX_2 \\ TC_C &= Q_C P_M + Q_P (P_D - P_M) + (Q_C - Q_P)(P_D - P_M) \\ TC_C &= P_D Q_C \end{aligned} \qquad (۱۰-۳)$$

که در آن، TC_c ارزش مصرف؛ Q_C مقدار مصرف؛ P_D قیمت تولیدکننده در سر مزرعه؛ P_M قیمت مرجع تعدیل‌شده؛ IX_1 انتقال‌های قیمتی از مصرف‌کننده به تولیدکننده؛ IX_2 انتقال از مصرف‌کنندگان به واردکنندگان یا دولت در پی مصرف از کالای وارداتی و Q_P مقدار تولید است.

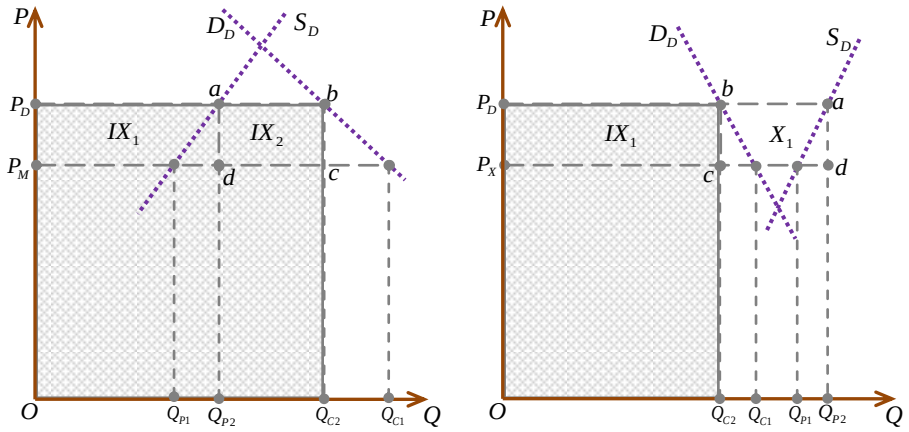

الف- محصول وارداتی　　ب- محصول صادراتی

نمودار ۵-۳) برآورد ارزش مصرف در شرایطی که قیمت داخلی بیش از قیمت مرجع است.

در نمودار ۵-۳ Q_C مقدار مصرف؛ P_D قیمت تولیدکننده در سر مزرعه؛ P_M قیمت مرجع تعدیل‌شده برای کالای وارداتی؛ PX قیمت مرجع تعدیل‌شده برای کالای صادراتی؛ IX_1 انتقال‌های قیمتی از مصرف‌کننده به تولیدکننده؛ IX_2 انتقال از مصرف‌کنندگان به واردکنندگان و یا دولت در پی مصرف از کالای وارداتی؛ X1 انتقال‌های قیمتی از مالیات‌دهندگان به تولیدکنندگان و Q_P مقدار تولید است.

مقادیر IX_1، IX_2 و X_1 در شرایط صادراتی باتوجه به روابط ۱۱-۳ محاسبه می‌شود:

$$if \quad Q_C < Q_D \quad \Rightarrow \quad \begin{cases} IX_1 = Q_C\left(P_D - P_X\right) \\ IX_2 = 0 \\ X_1 = \left(Q_P - Q_C\right)\left(P_D - P_X\right) \end{cases} \qquad (۱۱-۳)$$

که در آن، Q_C مقدار مصرف، Q_P مقدار محصول تولیدشده، P_D قیمت تولیدکننده در سر مزرعه، P_X قیمت مرجع در مورد کالای صادراتی، IX_1 انتقال‌های قیمتی از مصرف‌کننده به تولیدکننده، X_1 انتقال‌های قیمتی از مالیات‌دهندگان به

تولیدکنندگان و IX_2 انتقال از مصرف‌کنندگان به واردکنندگان یا دولت در پی مصرف از کالای وارداتی است.

به این ترتیب، ارزش مصرف در شرایط صادراتی، برابر با مجموع ارزش مصرف به قیمت مرجع ($Q_C P_X$) به‌علاوهٔ انتقال‌هایی است که از مصرف‌کنندگان محصول مورد نظر در پی مصرف بخشی از محصول تولید داخل به تولیدکنندگان (IX_1) پرداخت شده است. بر این اساس، ارزش کل مصرف برابر با $Q_C P_D$ است که در نمودار ۵-۳ با مستطیل هاشورخورده $OP_D bQ_C$ نمایش داده می‌شود (روابط ۱۲-۳):

$$\begin{aligned} TC_C &= Q_C P_X + IX_1 \\ TC_C &= Q_C P_X + Q_C\left(P_D - P_X\right) \\ TC_C &= P_D Q_C \end{aligned} \qquad (۳-۱۲)$$

که در آن، TC_c ارزش مصرف؛ Q_C مقدار مصرف؛ P_D قیمت تولیدکننده در سر مزرعه؛ P_X قیمت مرجع تعدیل شده؛ IX_1 انتقال‌های قیمتی از مصرف‌کننده به تولیدکننده و Q_P مقدار تولید است.

محاسبات فوق در شرایطی که سطح قیمت داخلی از قیمت مرجع کمتر بوده نیز برقرار است. نمودار ۶-۳ این حالت را به‌تصویر می‌کشد. در این نمودار Q_c مقدار مصرف؛ P_D قیمت تولیدکننده در سر مزرعه؛ P_M قیمت مرجع تعدیل شده برای کالای وارداتی؛ PX قیمت مرجع تعدیل شده برای کالای صادراتی؛ IX_1 انتقال های قیمتی از مصرف‌کننده به تولیدکننده؛ IX_2 انتقال از مصرف‌کنندگان به واردکنندگان یا دولت در پی مصرف از کالای وارداتی؛X1 انتقال‌های قیمتی از مالیات‌دهندگان به تولیدکنندگان و Q_P مقدار تولید است.

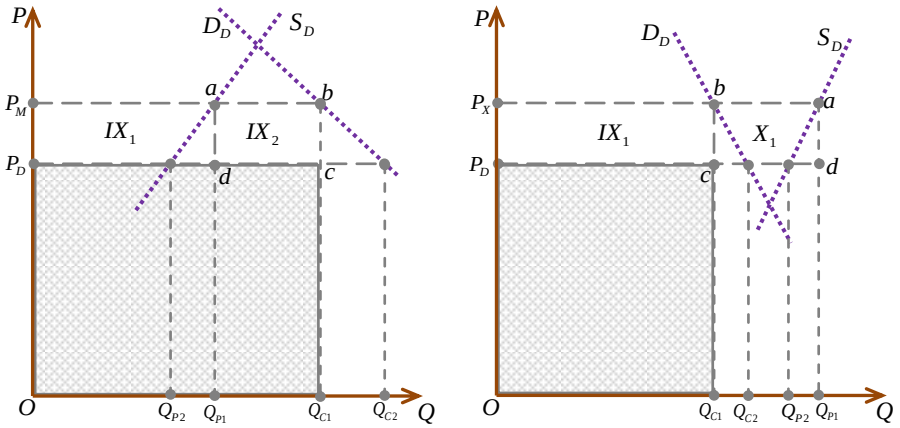

الف- محصول وارداتی

ب- محصول صادراتی

نمودار ۶-۳) برآورد ارزش مصرف در شرایطی که قیمت داخلی کمتر از قیمت مرجع است.

به طور کلی، ارزش مصرف برابر با مجموع ارزش قیمت مرجع به‌علاوهٔ انتقال‌هایی است که از مصرف‌کنندگان محصول مورد نظر پرداخت شده است. این انتقال‌ها دربارهٔ کالای وارداتی به دو قسمت تقسیم می‌شود. بخشی از آن به‌دلیل تفاوت قیمت تولیدکننده با قیمت مرجع، به تولیدکنندگان منتقل و بخشی نیز به‌دلیل مصرف محصول وارداتی به دولت یا واردکنندگان منتقل می‌شود. دربارهٔ کالاهای صادراتی تنها شامل بخش اول، یعنی انتقال از مصرف‌کنندگان به تولیدکنندگان به دلیل مصرف از کالا داخل در قیمتی متفاوت از قیمت مرجع است. مهم‌ترین دلیل این انتقال‌ها دخالت دولت در قیمت‌گذاری است که تأمین کمبود و یا خرید مازاد تولید نسبت به مصرف را در پی دارد. مثلا در اجرای سیاست خرید تضمینی اگر قیمت مصرف داخلی به گونه‌ای باشد که تولید از مصرف بیشتر شود، دولت بخشی از بودجهٔ خود را صرف خرید مازاد تولید محصول کشاورزان می‌کند. در حالی که اگر تولید کمتر از مصرف باشد، مخارج بودجه‌ای دولت تغییر نمی‌کند و انتقالی از مالیات-پردازان به تولیدکنندگان انجام نمی‌پذیرد.

۳-۳-۳ انواع انتقال‌های قیمتی بین کنشگران بازار محصول

با بررسی همه‌جانبهٔ چگونگی تعیین و محاسبهٔ قیمت مرجع، ارزش تولید و مصرف در شرایط مختلف مشاهده می‌شود. یک‌سری انتقال‌های قیمتی ناشی از تفاوت قیمت داخلی و قیمت مرجع بین کنشگران بازار محصول صورت می‌گیرد. نمودار ۷-۳ جریان این انتقال‌ها را به‌صورت شماتیک نشان می‌دهد. به‌طور کلی این انتقال‌ها را می‌توان به دو گروه انتقال‌های بازار و انتقال‌های بودجه‌ای تقسیم کرد. باید توجه داشت که این انتقال‌ها، فقط جریان‌های مثبت را شامل نمی‌شود و ممکن است منفی هم باشد.

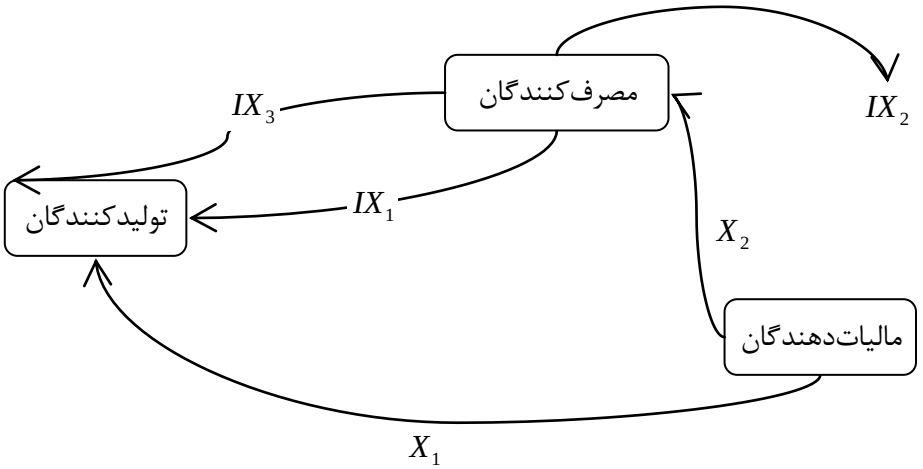

نمودار ۷-۳) انواع انتقال بین گروه‌های مختلف، ناشی از تفاوت قیمت مرجع با قیمت داخلی

در نمودار ۷-۳) IX_1 انتقال‌های قیمتی از مصرف‌کنندگان به تولیدکنندگان؛ IX_2 انتقال از مصرف‌کنندگان به واردکنندگان یا دولت (در مورد کالاهای وارداتی)؛ IX_3 مخارج اضافی خوراک دام (انتقال‌های قیمتی از تولیدکنندگان کالاهای دامی به تولیدکنندگان محصولات زراعی)؛ X_1 انتقال‌های قیمتی از مالیات‌دهندگان (دولت)

به تولیدکنندگان (کالاهای صادراتی) و X_2 انتقال‌های بودجه‌ای از دولت به مصرف‌کنندگان (مثل یارانهٔ نان) است.

الف) انتقال‌های بازاری

انتقال‌های بازاری (IX) به آن دسته از انتقال‌هایی گفته می‌شود که از مصرف‌کنندگان به تولیدکنندگان یا دیگر گروه‌ها (مانند واردکنندگان و ...) پرداخت می‌شود. به‌طور مشخص IX را می‌توان به سه انتقال از مصرف‌کنندگان به تولیدکنندگان IX_1، دیگر انتقال‌ها از مصرف‌کنندگان IX_2، و مخارج اضافی خوراک دام[1] IX_3 تقسیم کرد. مخارج اضافی غذای دام انتقال‌های قیمتی از تولیدکنندگان محصولات دامی به تولیدکنندگان غذای دام (تولیدکنندگان محصولات زراعی مثل ذرت) را نشان می‌دهد.

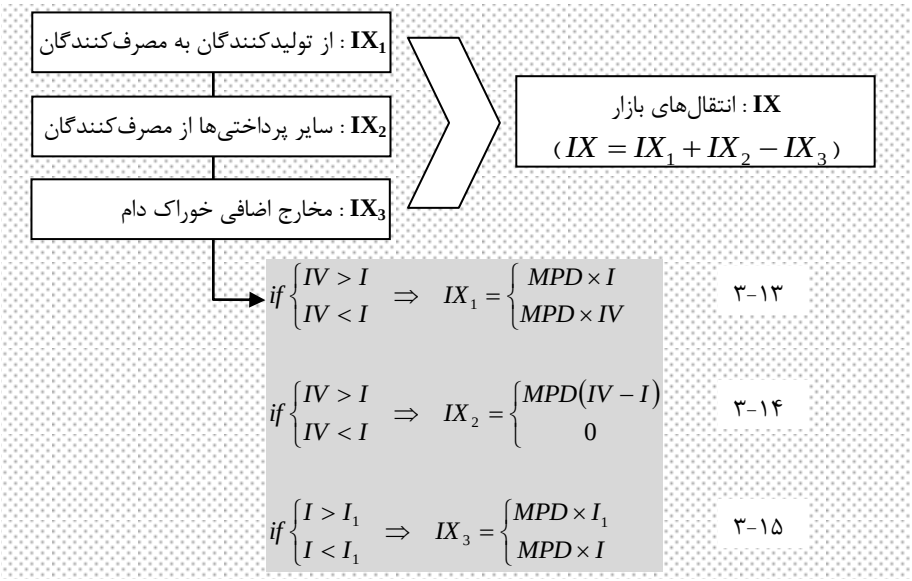

$$if \begin{cases} IV > I \\ IV < I \end{cases} \Rightarrow IX_1 = \begin{cases} MPD \times I \\ MPD \times IV \end{cases} \quad (۳-۱۳)$$

$$if \begin{cases} IV > I \\ IV < I \end{cases} \Rightarrow IX_2 = \begin{cases} MPD(IV - I) \\ 0 \end{cases} \quad (۳-۱۴)$$

$$if \begin{cases} I > I_1 \\ I < I_1 \end{cases} \Rightarrow IX_3 = \begin{cases} MPD \times I_1 \\ MPD \times I \end{cases} \quad (۳-۱۵)$$

[1] Exseed Feed Cost (EFC)

در روابط فوق (۱۳-۳ تا ۱۵-۳)، IV مقدار مصرف از کالای مورد بررسی؛ I مقدار تولید کالای زراعی(زیربخش پیشین کشاورزی که برای بخش پسین خود مواد اولیه تأمین می‌کند.)؛ I_1 بیانگر مقدار مصرف زیربخش دام از کالاهای زیربخش زراعت؛ IX_1 انتقال از مصرف‌کنندگان به تولیدکنندگان؛ IX_2 انتقال از مصرف‌کنندگان به واردکنندگان یا دولت؛ IX_3 انتقال از تولیدکنندگان محصولات دامی به تولیدکنندگان غذای دام (محصولات زراعی) و MPD شکاف قیمتی بین قیمت داخل و مرجع تعدیل‌شدهٔ کالای مورد بررسی است.

همان‌طور که روابط نشان می‌دهند چگونگی محاسبهٔ هر انتقال، در شرایط وارداتی (مقدار مصرف بیشتر از مقدار تولید($IV > I$)) یا صادراتی (مقدار تولید بیشتر از مصرف ($IV < I$)) بودن محصول متفاوت است. برای مثال براساس رابطهٔ ۱۳-۳، در شرایط کالای وارداتی ($IV > I$)، انتقال‌های قیمتی از مصرف کنندگان به تولیدکنندگان (IX_1) از حاصل ضرب شکاف قیمتی در مقدار تولید به دست می‌آید، در حالی که دربارهٔ یک کالای صادراتی ($IV < I$) از حاصل ضرب شکاف قیمتی در مقدار مصرف تعیین می‌شود.

ب) انتقال‌های بودجه‌ای

انتقال‌های بودجه‌ای (X) به آن دسته از انتقال‌هایی گفته می‌شود که از مالیات‌دهندگان (دولت) به تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان پرداخت می‌شود. در روش‌شناسی برآورد حمایت‌ها، X را می‌توان به سه انتقال از مالیات‌دهندگان به تولیدکنندگان (X_1)، انتقال از مالیات‌دهندگان به مصرف‌کنندگان (X_2)، و مالیات‌های قیمتی[1] (X_3) تقسیم کرد. انتقال از مالیات‌دهندگان به تولیدکنندگان (

[1] شایان ذکر است مالیات‌های قیمتی (Price Levies) در ایران وجود ندارد. از این رو، پس از این برای سهولت مورد بحث قرار نخواهد گرفت.

(X_1) براساس رابطهٔ (۱۶-۳) محاسبه می‌شود. اطلاعات مربوط به انتقال از مالیات دهندگان به مصرف کنندگان(X_2) از آمار هزینه‌های بودجه‌ای بدست می‌آید. مالیات‌های قیمتی (یا تولیدی)(X_3) به صورت بخشی از سیاست‌های حمایت از قیمت بازاری برای تولیدکنندگان کالاهای کشاورزی به کار می‌روند. برای مثال مالیات‌هایی که از تولیدکنندگان شیر در اتحادیهٔ اروپا در صورت افزایش تولید از مقداری مشخص اخذ می‌شود، جزء مالیات های قیمتی یا تولیدی محسوب می‌شوند. به طورمعمول اطلاعات و آمار مربوط به این گروه از مالیات ها در آمار هزینه‌های بودجه‌ای موجود است.

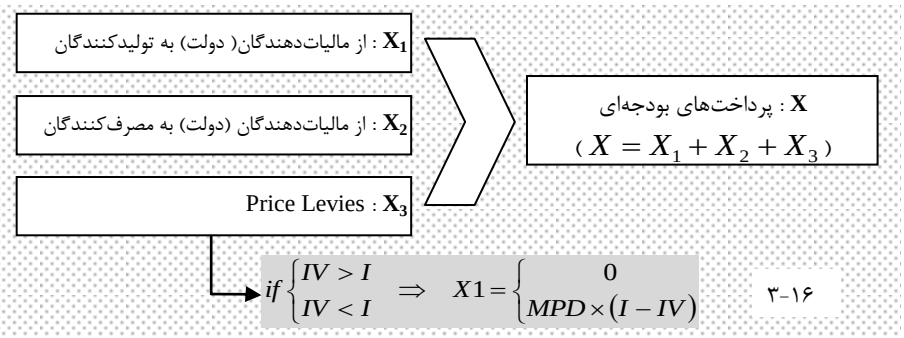

$$if \begin{cases} IV > I \\ IV < I \end{cases} \Rightarrow \quad X1 = \begin{cases} 0 \\ MPD \times (I - IV) \end{cases} \qquad ۱۶\text{-}۳$$

در رابطهٔ (۱۶-۳)، IV مقدار مصرف از کالای مورد بررسی؛ I مقدار تولید؛ X_1 انتقال از مالیات‌دهندگان به تولیدکنندگان و MPD شکاف قیمتی بین قیمت داخل و مرجع تعدیل‌شدهٔ کالای مورد بررسی است.

شایان ذکر است که این انتقال‌های بودجه‌ای (X) متفاوت از پرداخت‌های بودجه‌ای غیرقیمتی است. در واقع، انتقال‌های بودجه‌ای به‌دلیل تفاوت قیمت مرجع و قیمت بازار داخلی ایجاد می‌شود. پرداخت‌های دیگری همچون BP نیز وجود دارد که مستقل از قیمت است. این موارد در روش‌شناسی محاسبهٔ حمایت از تولیدکنندگان، حمایت از خدمات عمومی و حمایت کل بررسی خواهد شد.

به طور کلی، انتقال‌های قیمتی بین کنشگران بازار به دو دسته انتقال‌های بازاری و انتقال‌های بودجه‌ای تقسیم می‌شود. انتقال‌های بازاری خود شامل سه گروه انتقال از مصرف‌کنندگان به تولیدکنندگان، دیگر انتقال‌ها از مصرف‌کنندگان و مخارج اضافی خوراک دام است و انتقال‌های بودجه‌ای نیز شامل سه گروه انتقال از مالیات‌دهندگان به تولیدکنندگان، انتقال از مالیات‌دهندگان به مصرف‌کنندگان و مالیات‌های قیمتی است.

٤-۳ انتقال‌های غیرقیمتی

همان‌طور که گفته شد دلیل بخشی از انتقال‌ها این است که اجرای سیاست‌های حمایتی بر سطح قیمت بازار تأثیر می‌گذارد (حمایت از قیمت بازار(MPS)). افزون بر این، انتقال‌های دیگری نیز وجود دارد که در آن اجرای سیاست، بدون اثرگذاری بر قیمت‌های بازاری، به انتقال بین گروه‌های ذی‌نفع بازار منجر می‌شود. چنین انتقال‌ها و حمایت‌هایی، به‌طور کلی بر مبنای پرداخت‌های بودجه‌ای مستقیم که به طور مشخص در بودجه‌های سالانه در نظر گرفته می‌شود و حمایت براساس درآمدهای غیرمستقیم- مبالغ آن به طور مشخص در بودجه‌های سالانه بیان نشده اما اعمال یک سری سیاست‌ها موجب چنین پرداخت‌هایی به ذی‌نفعان بازارهای کشاورزی می‌شود- ایجاد می‌شود. در ادامه هر یک از این پرداخت‌ها مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۱-٤-۳ پرداخت‌های بودجه‌ای مستقیم

پرداخت‌های بودجه‌ای آشکارترین انتقال‌های سیاستی هستند. مقدار آنها نیاز به برآورد ندارد و با بررسی و مطالعهٔ برنامه‌ها و قوانین بودجه، می‌توان مقدار این

انتقال‌ها را به‌دست آورد. در هر حال به منظور استخراج مقادیر پرداخت‌های بودجه‌ای از قوانین بودجه‌ای باید موارد زیر را مورد توجه قرار داد.

الف) پوشش کامل نهادها، سطوح اجرائی و ابزارهای تأمین مالی

نخستین قدم در محاسبهٔ پرداخت‌های بودجه‌ای، شناسایی مخارج بودجه‌ای سیاست‌هایی است که از تولید بخش کشاورزی حمایت می‌کنند. اعم از این که حمایت‌ها برای یک یا گروهی از تولیدکنندگان کالاهای کشاورزی تدارک دیده شده باشد یا حتی برای مصرف‌کنندگان کالاهای کشاورزی. اصلِ شناسایی کاملِ تمامِ انتقال‌های مالی عمومی دارای سه جنبه است:

نخست: با توجه به این‌که برخی حمایت‌ها توسط نهادهایی خارج از وزارت جهاد کشاورزی انجام می‌پذیرد، باید همهٔ منابع مالی که در نهادهای دولتی مرتبط با بخش کشاورزی وجود دارد در نظر گرفته شود. برای مثال آموزش کشاورزی، تحقیقات کشاورزی، کنترل آفات و بیماری‌ها، و توسعهٔ زیرساخت‌ها، بخشی از خدمات عمومی بخش کشاورزی هستند، همچنین در محاسبهٔ پرداخت‌های بودجه‌ای آن دسته از منابع مالی که به منظور مسائل زیست‌محیطی کشاورزی توسط دیگر وزارتخانه‌ها یا مؤسسات مرتبط اجرا می‌شود، نیز جزء خدمات عمومی کشاورزی به حساب می‌آید.

دوم: باید تأمین مالی در همهٔ سطوح اجرایی صورت گیرد. به طور معمول، ابزارهای سیاستی بخش کشاورزی در چندین سطح تأمین مالی می‌شود. برای مثال در یک کشور (دولت)، حمایت‌ها باید در همهٔ سطوح ملی، منطقه‌ای، استانی، و حتی شهرستانی و محلی در نظر گرفته شوند.

سوم: باید همهٔ ابزارهای مالی عمومی در نظر گرفته شوند. امکان دارد تأمین مالی حمایت‌ها، خارج از برنامهٔ بودجهٔ سالانه انجام پذیرد. به طور معمول چنین وجوهی

برای اجرای برنامه‌های خاص استفاده می‌شود و ممکن است در سطح ملی یا منطقه‌ای ایجاد شود.

ب) محاسبهٔ وجوه پرداخت‌شده مؤثر[1]

دومین اصل در محاسبهٔ مقدار پرداخت‌های بودجه‌ای آن است که باید انتقال‌هایی را در نظر گرفت که درآمد تولیدکنندگان را به طور واقعی تحت تأثیر قرار می‌دهد. در واقع، اختلاف بین هزینه‌هایی که به طور مؤثر پرداخت شده و آنچه در بودجه‌بندی اولیه در نظر گرفته‌شده است، ممکن است خیلی بزرگ باشد. برای مثال، گاهی کمک‌های ضروری در نظر گرفته‌شده برای بخش کشاورزی خیلی بیشتر از هزینه‌هایی است که در بودجهٔ سالانه در نظر گرفته می‌شود. آنچه مهم است این است که همهٔ مخارج برحسب مقادیر پرداخت‌شدهٔ مؤثر لحاظ شود. با این وجود، در برآوردهای سالانه امکان دارد چنین اطلاعاتی برای سال‌های اخیر وجود نداشته باشد؛ در چنین مواردی، داده‌های بودجه‌های سالانه مورد استفاده قرار می‌گیرد که برای انعکاس مخارج واقعی براساس روندهای گذشته تعدیل می‌شود.

ج) حذف هزینه‌های اجرای سیاست‌ها

هزینه‌های اجرایی به هزینه‌های طراحی، اجرا و ارزیابی سیاست‌های کشاورزی گفته می‌شود. انواع مخارج بودجه‌ای مربوط به اجرای سیاست‌های کشاورزی را می‌توان به صورت زیر تقسیم کرد:

هزینه‌های اجرایی مربوط به وزارتخانه‌ها شامل حقوق کارکنان، مواد، ساختمان و دیگر هزینه‌ها.

حقوق و دستمزد کسانی که برای تحقیقات، بازرسی‌ها، توسعه و دیگر خدمات استخدام شده‌اند.

---

[1] Accounting of effectively disbursed funds

پرداخت‌هایی که به بانک‌ها، شرکت‌های بیمه‌ای، سازمان‌های تولیدکننده و هیأت‌های بازرگانی کالایی به منظور پوشش هزینه‌های اجرایی سیاست‌های حمایتی صورت پذیرفته است.

از آنجا که هزینه‌های اجرایی وزارتخانه‌ها در هر ساختار عمومی وجود دارد و فقط به اجرای سیاست‌های کشاورزی مربوط نمی‌شود، اصل بر این است که چنین هزینه‌هایی به عنوان انتقال‌های سیاستی در نظر گرفته نشود. با این حال، وقتی یک ابزار سیاستی، خدمتی را ارائه می‌دهد که به طور واقعی به تولیدکنندگان به صورت انفرادی (مثل ترویج) یا گروهی (مثل تحقیق و بازرسی) سود می‌رساند، هزینه‌های مرتبط با ارائهٔ چنین خدماتی - چون دستمزد مروجان، مأموران بازرسی، پژوهشگران و غیره- به ترتیب در حالت انفرادی در برآود حمایت از تولیدکننده (PSE) و در حالت گروهی در برآورد حمایت از خدمات عمومی(GSSE) لحاظ می‌شود.

در برخی از کشورها، دولت‌ها به سازمان‌های عمومی یا خصوصی که مسئولیت اجرای برخی از اقدامات سیاست کشاورزی را به عهده دارند، کمک‌های مالی پرداخت می‌کند. هیأت‌های بازرگانی کالایی می‌توانند مسئول مداخله در بازار و اقدامات مربوط به ذخیره‌سازی شوند؛ سازمان‌های تولیدکنندگان ممکن است در اجرای سیاست‌ها درگیر شوند؛ بانک‌ها ممکن است وام‌های سرمایه‌گذاری کشاورزی با شرایط ترجیحی ارائه دهند؛ در بسیاری از کشورها، شرکت‌های بیمه برنامه‌های بیمه یارانه‌ای ارائه می‌دهند. شرکت‌های مشاوره یا سازمان‌های غیردولتی (NGO) می‌توانند به کشاورزان برای استفاده از برنامه‌های کاربردی مبتنی بر پروژه کمک کنند.

اگر سیاست‌های کشاورزی توسط شرکت‌های خصوصی یا نیمه‌دولتی اجرا شوند، افزون بر حمایت‌های مالی که از توسط این شرکت‌ها به کشاورزان داده می‌شود، ممکن است دولت، بخشی از یا همهٔ هزینه‌های مربوط به اجرای این سیاست‌ها را

جبران کند. چنین هزینه‌های اجرایی نیز مشابه هزینه‌های رسمی وزارتخانه‌ها در PSE وارد نمی‌شود. با این حال، در خصوص برنامه‌های سرمایه‌گذاری و بیمه‌ای، دولت می‌تواند دو نوع پرداخت داشته باشد. نخست، حمایت از کشاورزان (مانند امتیازات مربوط به نرخ سود وام‌ها، یا یارانهٔ حق بیمه)؛ دوم تأمین هزینه‌های اجرایی چنین سازمان‌هایی. در این خصوص باید توجه داشت که اولی در محاسبهٔ PSE گنجانده می‌شود، در حالی که دیگری در نظر گرفته نمی‌شود.

د) پرهیز از دوبار شمارش کردن حمایت‌های بودجه‌ای

در محاسبهٔ پرداخت‌های بودجه‌ای، باید دقت ویژه‌ای داشت تا از شمارش دوبارهٔ این پرداختی‌ها در شاخص برآورد حمایت از تولیدکننده(PSE) اجتناب شود. این خطر وجود دارد که هزینه‌های بودجه‌ای در جای دیگری با عنوان حمایت، لحاظ شده باشد. روشن‌ترین مثال در این زمینه، مخارج بودجه‌ای مربوط به مداخله در قیمت داخلی است. برخی از چنین هزینه‌هایی به شکل زیر تفکیک‌پذیرند: (الف) خریدهای مداخله‌گرانه؛ (ب) پرداخت یارانه به صادرات (هزینه یارانه‌های صادراتی، تأمین اعتبار صادرات و یا کمک‌های غذایی)؛ (ج) یارانه‌های قیمتی (پرداخت‌های جبرانی[1])؛ (د) پرداخت برای انبارداری و ذخیره‌سازی در مزرعه (هـ) تمام هزینه‌های ذخیره‌سازی عمومی؛ (و) پرداخت جبرانی به مصرف‌کنندگان[2] برای کاهش هزینه‌های ناشی از حمایت از قیمت کشاورزی.

از آنجا که اختلاف قیمت بازار (MPD) و به تبع آن انتقال‌های قیمتی با بررسی مقایسه‌ای قیمت داخلی و قیمت لب مرز برآورد می‌شود، هزینه‌های صورت گرفته برای خریدهای مداخله‌گرانه (گروه الف)، یا یارانه‌های صادراتی به ازای هر تن (گروه ب)، و پرداخت‌های جبرانی به ازای هر تن (گروه ج)، را نباید در محاسبهٔ PSE

[1] deficiency payments
[2] compensatory payments to consumers

به‌عنوان بخشی از پرداخت‌های بودجه‌ای لحاظ کرد. چرا که هدف این هزینه‌ها افزایش قیمت داخلی است که این حمایت، پیشتر در محاسبهٔ شکاف قیمتی در نظر گرفته می‌شد. از این رو لحاظ کردن آنها در بخش پرداخت‌های بودجه‌ای، در کنار انتقال‌های قیمتی موجب دوباره‌شماری این حمایت‌ها می‌شود. مواردی که باید در انتقال‌های بودجه‌ای لحاظ شوند، به قرار زیرند: پرداخت‌های بودجه‌ای برای ذخیره‌سازی در مزرعه (گروه د) در محاسبهٔ PSE؛ هزینه‌های مربوط به ذخیره‌سازی‌های عمومی (گروه هـ) در محاسبهٔ GSSE؛ و پرداخت‌های جبرانی به مصرف‌کنندگان (گروه و) در محاسبهٔ CSE در نظر گرفته می‌شود.

ه) تخصیص پرداخت‌های بودجه‌ای براساس سال تقویمی

مسئلهٔ دیگری که در محاسبهٔ پرداخت‌های بودجه‌ای باید لحاظ شود این است که برآورد حمایت بر مبنای یک سال تقویمی محاسبه می‌شود، از این رو، مخارج بودجه‌ای نیز باید به سال‌های تقویمی اختصاص یابد. این کار ممکن است چندان آسان نباشد. با توجه به ناهماهنگی سال زراعی با سال مالی، دوره‌های برخی برنامه‌های حمایتی، منطبق بر سال زراعی است؛ در حالی که وجوه بودجه‌ای بر مبنای سال مالی پرداخت می‌شود. در چنین شرایطی اصل بر این است که پرداخت بودجه‌ای[1] به آن سال تقویمی اختصاص داده شود که تولید به آن نسبت داده می‌شود. برای مثال فرض کنید که محصول سال زراعی t در سال تقویمی t+1 برداشت می‌شود. با وجود این، پرداخت‌های مربوط به آن ممکن است در سال تقویمی t+1 انجام پذیرد. در این حالت، پرداخت‌های صورت گرفته در سال t (بدون توجه به سال مالی) باید به سال تقویمی t اختصاص یابد.

[1] در واقع بر مبنای سال زراعی پرداخت شده است.

و) طبقه‌بندی مخارج بودجه‌ای

زمانی که همهٔ مصارف بودجه‌ای شناسایی و تعدیل شده و به سال‌های مناسب اختصاص داده می‌شود آنها را باید به سه گروه اصلی حمایت تقسیم کرد: حمایت از تولیدکننده فردی (PSE)؛ تأمین مالی خدمات عمومی کشاورزی (GSSE) و حمایت از مصرف‌کنندگان (CSE). مسئله‌ای که ممکن است در طبقه‌بندی مخارج با آن روبه‌رو شویم، آن است که داده‌های بودجه‌ای به‌اندازه‌ای تجمعی باشد که نتوان آن را به‌طور مستقیم به گروهی خاص نسبت داد. برای مثال داده‌ها ممکن است توسط نهادهای مختلف ارائه شوند که گروه‌بندی‌های غیریکنواختی از مخارج مختلف را باهم ترکیب می‌کنند. در چنین مواردی، باید تلاش شود تا داده‌ها تفکیک شود. چنانچه داده‌های حقیقی در دسترس نباشد، باید تقریب‌هایی به‌صورت منطقی برآورد شود. این کار به خطاهایی منجر می‌شود که احتمالا کمتر از خطای برآمده از نادیده گرفتن این هزینه‌ها است.

۲-٤-۳ حمایت‌ها براساس درآمدهای غیرمستقیم

تولیدکنندگان از راه معیارهای سیاستی دیگری نیز توسط دولت‌ها یا ارگان‌های اقتصادی مورد حمایت قرار می‌گیرند که این نوع حمایت‌ها به طور معمول به صورت غیرآشکار انجام می‌پذیرد. از این رو، به آن درآمدهای غیرمستقیم گفته می‌شود. انواع ویژهٔ درآمدهای غیرمستقیم شامل چهار دسته امتیازهای مالیاتی، تسهیلات ترجیحی، جبران بدهی‌ها و قیمت‌های مدیریت‌شده برای نهاده‌ها و خدمات است. مناسب‌ترین روش برای محاسبهٔ این نوع درآمدها، روش شکاف قیمت است (مشابه آنچه برای شکاف قیمتی بازار(MPD) در نظر گرفته می‌شود). بنابراین، انتخاب یک متغیر مرجع مناسب ممکن است مشکل باشد و اندازه‌گیری درآمدهای غیرمستقیم تا حد زیادی به فرض‌ها و تعدیل‌هایی که نسبت به مرجع این انتقال‌ها در نظر گرفته

می‌شود، وابسته است. در ادامه هر یک از انواع درآمدهای غیرمستقیم بررسی می‌شود.

الف) امتیازهای مالیاتی[1]

امتیازهای مالیاتی از حمایت‌های رایجی است که درآمد بودجه‌ای پنهانی ایجاد می‌کند. امتیازها ممکن است بر روی مالیات بر درآمد، سود و سود سرمایه، زمین و دارایی‌های حقیقی در نظر گرفته شود. در برآورد حمایت‌ها باید امتیازهای مالیاتی که مخصوص بخش کشاورزی‌اند و یا تولیدکنندگان کشاورزی منفعت برندگان اصلی این امتیازها هستند، در نظر گرفته شود. امتیازهای مالیاتی زمانی روی می‌دهد که یک مزیت مالی به جای یارانهٔ نقدی مستقیم به وسیلهٔ کاهش بدهی مالیاتی - به گروهی از افراد یا یک فعالیت خاص- پرداخت می‌شود. امتیازهای مالیاتی با توجه به مشخصات ساختاری مالیات، به شکل‌های زیر است:

معافیت‌های مالیاتی: مقادیر کنارگذاشته شده از اصل مبلغ مالیات.

فوق‌العاده یا مساعده‌ها: مقادیر کسرشده از مالیات‌ها برای رسیدن به اصل مالیات.

اعتبارات: مقادیر کسرشده از بدهی‌های مالیاتی.

نرخ‌های کمک: یک نرخ کاهش‌یافته از مالیات به کار رفته برای طبقه‌ای از مالیات‌دهندگان یا معاملات مشمول مالیات.

مالیات‌های معوقه: کمکی است که نوعی از دیرکرد را در پرداخت مالیات در بر دارد.

برای محاسبهٔ حمایت ناشی از امتیازهای مالیاتی می‌توان گروهی از افراد یا فعالیتی را که این امتیازها را دریافت نمی‌کنند، به عنوان مرجع مقایسه در نظر

[1] Tax concessions

گرفت. با این حال، محاسبهٔ امتیازهای مالیاتی کار مشکل و پیچیده‌ای است. بسیاری از کشورها از محاسبهٔ این بخش از حمایت‌ها صرف‌نظر کرده‌اند یا تنها آن بخش از امتیازهای مالیاتی را در نظر می‌گیرند که آشکارا موجب انتقال‌های مشخصی به بخش کشاورزی شده‌اند.

ب) تسهیلات ترجیحی[1]

دولت‌ها اغلب به منظور کاهش هزینهٔ وام تولیدکنندگان بخش کشاورزی، در بازارهای مالی مداخله می‌کنند. چنین مداخله‌ای به انتقال‌هایی به تولیدکنندگان منجر می‌شود که باید در محاسبهٔ شاخص‌های حمایت وارد شود.

برخی دولت‌ها نرخ‌های سود تسهیلات بخش کشاورزی را کاهش می‌دهند. در این حالت بانک‌های تسهیلات‌دهنده، غرامت خود را از بودجهٔ دولت دریافت می‌کنند. در این صورت، مخارج بودجه‌ای دولت به عنوان معیار انتقال‌های قیمتی در نظر گرفته می‌شود. این نوع از تسهیلات ترجیحی در تعدادی از کشورهای عضو و غیر OECD وجود دارد.

در برخی موارد، دولت‌ها بر آن دسته از سازوکارهای پرداخت تسهیلات تأکید دارند که مخارج بودجه‌ای ایجاد نمی‌کند. برای مثال می‌توان به اعمال نرخ‌های سود ثابت یا نرخ سود حداقل یا تخصیص بخش مشخصی از اعتبارات به بخش کشاورزی اشاره کرد. در این شرایط سودهای از دست‌رفته به عنوان درآمدهای غیرمستقیم به حساب می‌آید.

به این ترتیب، وقتی دولت برای حمایت از بخش کشاورزی از نرخ‌های سود کاهش یافته یا اعتبارات مستقیم دستوری، بدون جبران آن، استفاده می‌کند، باید حمایت‌های ناشی از این اعتبارات در محاسبه شاخص‌های حمایت وارد شود. رهیافت

[1] Preferential lending

محاسبهٔ این حمایت‌ها مشابه با محاسبهٔ شکاف قیمت است و براساس آن، نرخ سود ترجیحی با یک نرخ سود مرجع (هزینه فرصت از دست‌رفته) مقایسه می‌شود. انتقال‌های ناشی از تسهیلات ترجیحی[1] (TPL) با تفاوت نرخ سود ضرب در مقدار اعتبارات برابر است. بیان ریاضی این رویکرد به صورت زیر است:

$$TPL_y = \sum_t (i_t^r - i_t^p) \times l_t \qquad (۳-۱۷)$$

که در آن، TPL_y انتقال‌های ناشی از وام‌های ترجیحی انباشته در طول سال y؛ ir_t نرخ بهرهٔ مرجع در زمان t از سال y؛ ip_t نرخ بهرهٔ ترجیحی (یا کنترل‌شده) در زمان t از سال y و l_t ارزش بدهی‌های ترجیحی واریزنشده در زمان t از سال y است.

ارزش بدهی‌های واریزنشده (l_t) یک ارزش ذخیره‌ای در نقطه‌ای مشخص از زمان است. TPL_y در معادلهٔ فوق، مجموع ارزش انتقال‌های صورت‌گرفته برای تعدادی از نقاط زمانی در یک سال معین است. برای محاسبهٔ دقیق‌تر ارزش سالانه TPL_y، تعداد نقاط زمانی بیشتری در نظر گرفته می‌شود. برای مثال، اعتبارات قابل تخصیص و نرخ‌های سود به صورت ماهانه در نظر گرفته می‌شود. اطلاعات مربوط به ارزش بدهی‌های واریزنشده ممکن است فقط به صورت شش ماهه یا یکساله در دسترس باشد که در این صورت مقادیر ماهانه را می‌توان از راه درون‌یابی محاسبه کرد.

ج) امتیازهای مربوط به بدهی‌های کشاورزی[2]

تولیدکنندگان کشاورزی گاهی از امتیازهایی که توسط دولت برای غلبه بر مشکلات مربوط به بدهی‌ها در نظر گرفته می‌شود، منتفع می‌شوند. این گونه بخشش بدهی‌های کشاورزی در کشورهایی چون استرالیا، کانادا، مکزیک و بعضی از اعضای اتحادیهٔ اروپا و در کشورهای غیرعضو OECD چون برزیل، رومانی، روسیه و اوکراین

[1] Transfers arising from Preferential Lending
[2] Agricultural debt concessions

در دوره‌ای که به دلیل انتقال به اقتصاد بازار، بحران‌های شدید مالی در بخش کشاورزی رخ داده، پیش آمده است. این نوع از امتیازها را می‌توان به شکل تمدید دورهٔ بازپرداخت تسهیلات، کاهش نرخ‌های سود تسهیلات سررسیده و حذف جزئی برخی از تسهیلات در نظر گرفت. از آنجا که این امتیازها، انتقال‌هایی به بدهکاران (کشاورزان) ایجاد می‌کند، باید در محاسبهٔ شاخص‌های حمایت وارد شود.

د) قیمت مدیریت‌شده نهاده‌ها[1]

تولیدکنندگان کشاورزی ممکن است توسط مدیریت قیمت برخی نهاده‌ها و خدماتی چون انرژی، آب آبیاری و حمل‌ونقل نیز مورد حمایت واقع شوند. دولت ممکن است برای نهاده‌ها و خدمات ارائه‌شده به خریداران کشاورزی محدودیت‌های قیمتی اعمال کند، به طوری که قیمت خرید برای خریداران کشاورزی کمتر از قیمت دیگر استفاده‌کنندگان است. چنین سیاست‌هایی مشابه یارانهٔ نهاده‌های تولید است. در این حالت، انتقال صورت‌گرفته به تولیدکنندگان کشاورزی به ازای هر واحد نهادهٔ خریداری‌شده، برابر با کاهش قیمت ثبت‌شده برای آنها در مقایسه با قیمت پرداخت‌شده توسط یک خریدار مرجع (دیگر) از همان نهاده است. چگونگی محاسبهٔ این حمایت‌ها برای برق مصرفی به صورت زیر است:

$$TPEP_y = (PE_{in} - PE_{ag}) \times W_{ag} \qquad (۳-۱۸)$$

که در آن، $TPEP_y$ انتقال به تولیدکنندگان بر اثر قیمت برق ترجیحی در سال y؛ PE_{in} متوسط قیمت هر کیلووات/ساعت از برق استفاده‌شده توسط مصرف‌کنندگان صنایع در سال y؛ PE_{ag} قیمت هر کیلووات/ساعت از برق استفاده‌شده توسط مصرف‌کنندگان کشاورزی در سال y و W_{ag} مقدار برق

[1] Administered input prices

کیلووات/ساعت برق استفاده‌شده توسط مصرف‌کنندگان بخش کشاورزی در سال y است.

در محاسبهٔ این نوع حمایت، انتخاب یک «خریدار مرجع» و تعیین مقدار استفاده‌شده از نهاده توسط هر یک از خریداران بسیار مهم است. چرا که کیفیت و در دسترس بودن داده‌ها برای برآورد انتقال‌های قیمتی از راه شکاف قیمتی همیشه امکان‌پذیر نیست. برای مثال محاسبهٔ حمایت برای آب کشاورزی به دلیل تفاوت کیفیت و مدت زمان استفادهٔ آب توسط دیگر مصرف‌کنندگان در مقایسه با تولیدکنندگان بخش کشاورزی خیلی مشکل است.

درمجموع، انتقال‌های غیرقیمتی به دو دسته پرداخت‌های بودجه‌ای و حمایت‌ها براساس درآمدهای غیرمستقیم تقسیم می‌شود. حمایت‌هایی که براساس درآمدهای غیرمستقیم‌اند نیز امتیازهای مالیاتی، تسهیلات ترجیحی، جبران بدهی‌ها و قیمت‌های مدیریت‌شده برای نهاده‌ها و خدمات را شامل می‌شوند.

در قسمت‌های قبل انتقال‌های قیمتی و غیرقیمتی که بین کنشگران بازار در پی سیاست‌های حمایتی از بخش کشاورزی صورت می‌گیرد، مورد بررسی قرار گرفت. در این قسمت با توجه به انتقال‌های صورت گرفته نحوهٔ محاسبهٔ شاخص‌های حمایت از تولیدکنندگان، مصرف‌کنندگان بیان می‌شود.

۳-۵ روش‌شناسی برآورد حمایت از تولیدکنندگان (PSE)

به‌طور کلی درآمد تولیدکنندگان محصولات کشاورزی از دو راه مورد حمایت قرار می‌گیرد. بخشی از آن به‌دلیل انتقال‌های قیمتی است که بر اثر تفاوت قیمت سرمزرعه با قیمت مرجع به کشاورزان منتقل می‌شود که در محاسبهٔ شاخص برآورد حمایت از تولیدکننده (PSE) به عنوان حمایت از قیمت بازاری(MPS[1]) بیان

[1] Market Price Support (MPS)

می‌شود. بخش دیگر، انتقال‌های غیرقیمتی (پرداخت‌های بودجه‌ای و حمایت براساس درآمدهای غیرمستقیم) دولت به کشاورزان است که در محاسبهٔ PSE با عنوان کلی پرداخت‌های بودجه‌ای (BP) بیان می‌شود که براساس تعریف سازمان همکاری و توسعهٔ اقتصادی، خود به هفت دسته تقسیم می‌شود. در این روش، شاخص برآورد حمایت از تولیدکنندگان بر حسب واحد پولی، یا به شکل درصد محاسبه می‌شود. درصد برآورد حمایت از تولیدکنندگان در سطح ملی به شکل نسبت برآورد حمایت از کل تولیدکنندگان بخش کشاورزی به کل دریافت‌های ناخالص کشاورزان ارائه می‌شود. کل دریافت‌های ناخالص کشاورزان شامل ارزش محصول بر حسب قیمت‌های سرمزرعه به علاوهٔ پرداخت‌های دولت به کشاورزان است. در شکل زیر و رابطهٔ (۱۹-۳) نحوهٔ محاسبهٔ شاخص برآورد حمایت از تولیدکنندگان آورده شده است.

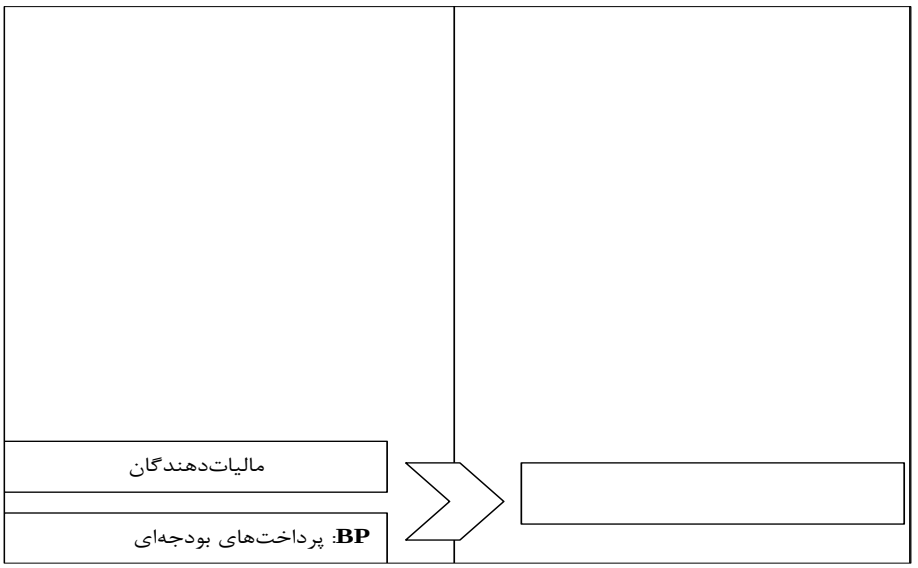

$$PSE = MPS + BP \qquad (۱۹-۳)$$

که درآن، PSE شاخص برآورد حمایت از تولیدکننده؛ MPS حمایت از قیمت بازاری و BP کل پرداخت‌های بودجه‌ای دولت به تولیدکنندگان است.

این مفهوم به صورت شماتیک در نمودار ۸-۳ نیز به‌تصویر کشیده شده است. مشاهده می‌شود هزینهٔ حمایت از تولیدکنندگان توسط مصرف‌کنندگان و مالیات‌دهندگان تأمین می‌شود. حمایت مصرف‌کنندگان تنها براساس حمایت از قیمت بازاری انجام می‌پذیرد. اما مالیات‌دهندگان (دولت) افزون بر حمایت از قیمت بازاری با پرداخت‌های بودجه‌ای نیز از تولیدکنندگان حمایت به‌عمل می‌آوردند. یادآوری می‌شود که حمایت از قیمت بازاری ممکن است منفی باشد که در این صورت به شکلی از تولیدکنندگان به نفع مصرف‌کنندگان و مالیات‌دهندگان مالیات گرفته می‌شود.

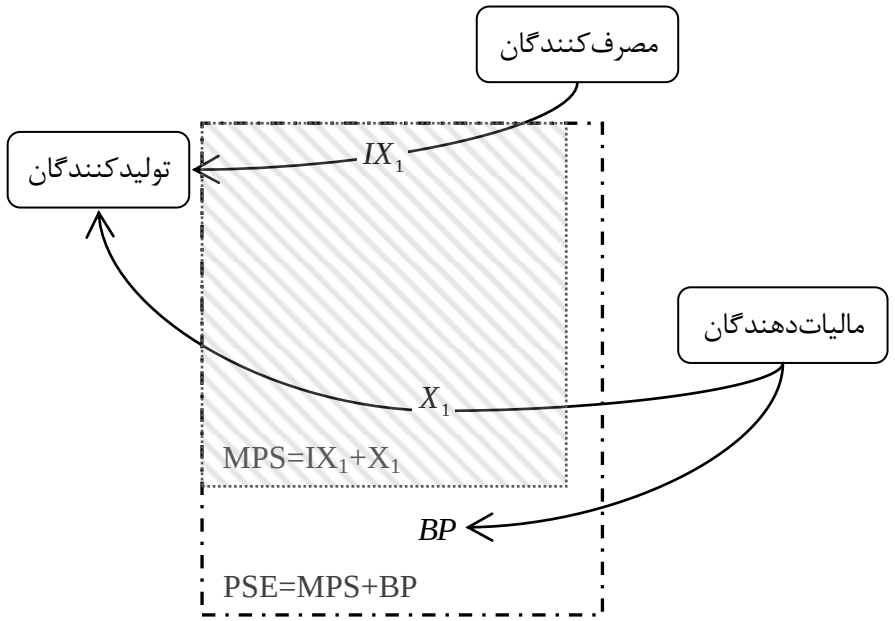

نمودار ۸-۳) الگوی شماتیک اجزای حمایت از تولیدکنندگان (PSE)

در نمودار ۸-۳- PSE شاخص برآورد حمایت از تولیدکننده؛ MPS حمایت از قیمت بازاری و BP کل پرداخت‌های بودجه‌ای دولت به تولیدکنندگان است. IX_1انتقال‌های قیمتی از مصرف‌کننده به تولیدکننده و X_1 انتقال‌ها قیمتی از مالیات‌دهندگان(دولت) به تولیدکنندگان است.

در ادامه ابتدا چگونگی محاسبهٔ حمایت از قیمت بازاری، سپس مفهوم پرداخت‌های بودجه‌ای در محاسبه شاخص برآورد حمایت از تولیدکننده (PSE) بیان می‌شود.

۳-۵-۱ برآورد حمایت از قیمت بازاری (MPS)

محاسبهٔ حمایت از قیمت بازاری (MPS) نخستین اقدام برای برآورد مقدار حمایت از تولیدکنندگان (PSE) است. به‌دلیل اجرای سیاست‌های حمایتی، قیمتی که تولیدکننده دریافت می‌کند با قیمت مرجع متفاوت است، به‌طور کلی تفاوت این دو قیمت، به‌عنوان حمایت از قیمت بازاری شناخته می‌شود. با وجود این، اجزای آن در شرایط وارداتی و صادراتی تاحدودی متفاوت است. به‌طوری که کل حمایت از قیمت بازاری در شرایط وارداتی تنها شامل پرداخت‌هایی می‌شود که به‌دلیل تفاوت قیمت داخلی با قیمت مرجع، از مصرف‌کنندگان به تولیدکنندگان منتقل شده است. بر این اساس، حمایت از قیمت بازاری در شرایط وارداتی بودن محصول با توجه به روابط ۲۰-۳ برآورد می‌شود. از نظر هندسی، این مقدار با قسمت هاشورخورده قسمت الف نمودار نشان داده می‌شود:

$$MPS = IX_1$$
$$MPS = Q_P\left(P_D - P_X\right) \qquad (۳-۲۰)$$

که در آن، MPS حمایت از قیمت بازاری؛ IX_1 انتقال‌های قیمتی از مصرف‌کننده به تولیدکننده؛ Q_p مقدار تولید؛ P_D قیمت داخلی و P_M قیمت مرجع تعدیل‌شده برای کالای وارداتی است.

حمایت از قیمت بازاری در شرایط صادراتی‌بودن محصول، براساس دو انتقال شکل می‌گیرد. به‌طوری که افزون‌بر انتقال از مصرف‌کنندگان به تولیدکنندگان (IX_1)، انتقال دیگری نیز از مالیات‌دهندگان به تولیدکنندگان صورت می‌گیرد (X_1). به این ترتیب، کل حمایت از قیمت بازاری در شرایط صادراتی، براساس روابط ۲۱-۳ محاسبه می‌شود. از لحاظ هندسی، این حمایت، با قسمت هاشورخورده شکل ب نمودار نمایش داده شده است:

$$\begin{aligned} MPS &= IX_1 + X_1 \\ MPS &= Q_C\left(P_D - P_X\right) + \left(Q_P - Q_C\right)\left(P_D - P_X\right) \end{aligned} \qquad (۳-۲۱)$$

که در آن، MPS حمایت از قیمت بازاری؛ IX_1 انتقال‌های قیمتی از مصرف‌کننده به تولیدکننده؛ X_1 انتقال‌های قیمتی از مالیات‌دهندگان(دولت) به تولیدکنندگان؛ Q_C مقدار مصرف؛ Q_p مقدار تولید؛ P_D قیمت داخلی و P_X قیمت مرجع تعدیل‌شده برای کالای صادراتی است.

مشاهده می‌شود نمودار ۹-۳ با فرض بیشتر بودن قیمت داخلی نسبت به قیمت مرجع رسم شده است. باید توجه داشت که حتی اگر قیمت بازاری کمتر از قیمت مرجع باشد نیز روابط فوق کماکان برقرار است. تنها تفاوت آن است که در این صورت، جریان انتقال‌ها منفی بوده و تفسیر آن عکس حمایت است. به بیان دیگر انتقال‌های قیمتی از تولیدکننده به مصرف‌کننده صورت می‌گیرد و حمایت از قیمت بازاری منفی شده و نشان‌دهندهٔ مالیات پنهان گرفته شده از تولیدکننده است.

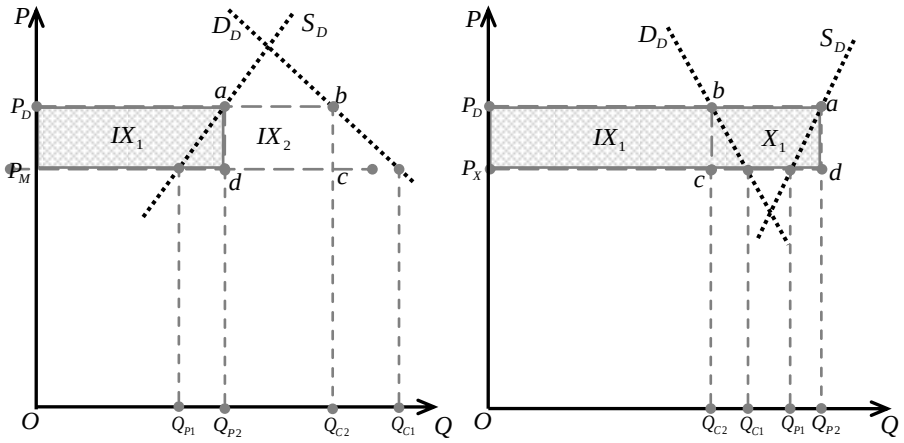

الف- محصول وارداتی ب- محصول صادراتی

نمودار ۹-۳) برآورد حمایت از قیمت بازاری

نمودار ۱۰-۳ تصویری شماتیک از جریان انتقال‌ها برای حمایت از قیمت بازاری را نشان می‌دهد، که درآن MPS حمایت از قیمت بازاری؛ IX_1 انتقال از مصرف‌کننده به تولیدکننده و X_1 انتقال از مالیات‌دهنده (دولت) به تولیدکننده است.

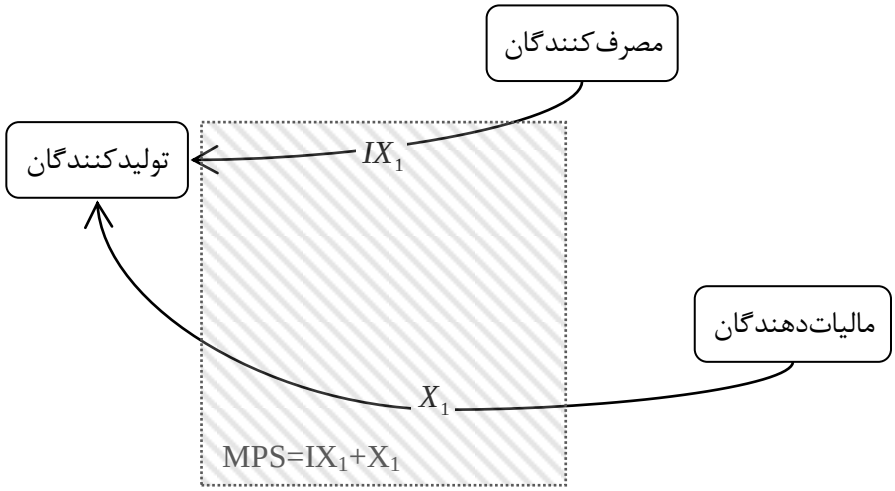

نمودار ۱۰-۳) الگوی شماتیک جریان انتقال‌های قیمتی در محاسبه حمایت از قیمت بازاری

۲-۵-۳ پرداخت‌های بودجه‌ای (BP)

همان‌طور که گفته شد پرداخت‌های بودجه‌ای، بدون اثرگذاری بر قیمت‌های بازاری، به انتقال بین گروه‌های ذی‌نفع بازار می‌انجامد. این پرداخت‌ها همان انتقال‌های غیرقیمتی است که شامل پرداخت‌های بودجه‌ای مستقیم و حمایت براساس درآمدهای غیرمستقیم می‌شود که در قسمت (۴-۳) به طور کامل مورد بررسی قرار گرفت. سازمان توسعه و همکاری‌های اقتصادی در روش‌شناسی خود هفت دسته از پرداخت‌های بودجه‌ای را معرفی می‌کند که شامل موارد زیر است:

الف) پرداخت‌های براساس مقدار محصول[1]: شاخصی از ارزش پولی پرداخت‌های ناخالصی است که از مصرف‌کنندگان و مالیات‌دهندگان به تولیدکنندگان محصول یا محصولاتی خاص، در پی سیاست‌هایی که براساس مقدار محصول، پرداخت انجام می‌دهند، صورت می‌گیرد. این پرداخت‌ها به طور معمول به ازای هر تن یا هر هکتار یا هر واحد دامی صورت می‌گیرد.

ب) پرداخت‌های براساس سطح زیرکشت یا تعداد دام[2]: شاخصی از ارزش پولی پرداخت‌های ناخالصی است که از مالیات‌دهندگان به تولیدکنندگان محصول یا محصولاتی خاص، به دنبال سیاست‌هایی که براساس سطح زیرکشت یا تعداد دام پرداخت انجام می‌دهند، صورت می‌گیرد.

ج) پرداخت‌های براساس سابقهٔ مشارکت در برنامه‌های کشاورزی[3]: شاخصی از ارزش پولی پرداخت‌های ناخالصی است که از مصرف‌کنندگان و مالیات‌دهندگان به تولیدکنندگان محصول یا محصولاتی خاص، براساس سابقهٔ مشارکت کشاورزان در برنامه‌های کشاورزی، صورت می‌گیرد.

1-Payments Based on Output
1- Payments Based on Area Planted/ Animal Number
2- Payments Based on Historical Entitlements

د) پرداخت‌های براساس استفاده از نهاده‌های یارانه‌ای[1]: شاخصی از ارزش پولی پرداخت‌های ناخالصی است که از مصرف‌کنندگان و مالیات‌دهندگان به تولیدکنندگان محصول یا محصولاتی خاص، در پی سیاست‌های حمایتی که بین قیمت داخلی و جهانی نهاده‌های کشاورزی شکاف ایجاد می‌کنند، صورت می‌گیرد.

هـ) پرداخت‌های به منظور محدود کردن استفاده از نهاده‌های خاص[2]: شاخصی از ارزش پولی پرداخت‌های ناخالصی است که از مصرف‌کنندگان و مالیات‌دهندگان به تولیدکنندگان محصول یا محصولاتی خاص، در پی سیاست‌های حمایتی‌ای که استفاده از یک نهاده یا دسته‌ای از نهاده‌ها را محدود می‌کنند، صورت می‌گیرد.

و) پرداخت‌های براساس درآمد کلی کشاورزان[3]: شاخصی از ارزش پولی پرداخت‌های ناخالصی است که از مصرف‌کنندگان و مالیات‌دهندگان به تولیدکنندگان محصول یا محصولاتی خاص، در پی سیاست‌های حمایتی که می‌خواهند با نوسان‌های درآمد کشاورز مقابله کنند یا درآمد کشاورز را در سطح خاصی نگه دارند، صورت می‌گیرد. این سیاست‌ها به محصول یا نهادهٔ خاصی محدود و مشروط نمی‌شوند.

ز) دیگر پرداخت‌ها[4]: شاخصی از ارزش پولی پرداخت‌های ناخالصی است که از مصرف‌کنندگان و مالیات‌دهندگان به تولیدکنندگان محصول یا محصولاتی خاص، در پی سیاست‌های حمایتی‌ای که جزو هیچ یک از موارد بالا قرارنمی‌گیرند.

3- Payments Based on Input Use
4- Payments Based on Input Constraint
1- Payments Based on Overall Farming Income
2- Miscellaneous Payments

۳-۵-۳- پرداخت‌های بودجه‌ای در ایران

براساس بررسی حمایت‌های بودجه‌ای از کالاهای منتخب در مقایسه با پرداختی‌های اشاره شده در بخش نظری تحقیق، پرداخت‌های بودجه‌ای به تولیدکنندگان بخش کشاورزی ایران بسیار ناچیز است. با وجود این، به نظر می‌رسد بتوان پرداخت‌های بودجه‌ای ایران را بر چهار نوع از پرداخت‌های سازمان همکاری و توسعهٔ اقتصادی شامل پرداخت‌های مبتنی بر سطح زیرکشت یا تعداد دام، پرداخت‌های مبتنی بر مقدار محصول، پرداخت‌های مبتنی بر استفاده از نهاده، دیگر پرداخت‌ها (مانند یارانهٔ تسهیلات) منطبق کرد.

در ادامه چگونگی پرداخت‌های بودجه‌ای موجود در ایران که توسط دولت به بخش کشاورزی پرداخت می‌شود بیان می‌شود.

یارانهٔ نهاده‌های تولید: یارانه‌هایی که در بخش کشاورزی ایران به نهاده‌های تولید پرداخت می‌شود، شامل یارانهٔ ذرت، کنجالهٔ سویا، پودر ماهی، جو (در زیر بخش دام و طیور) و انواع کود و سموم شیمیایی (در بخش زراعت و باغبانی) است. از آنجا که بخشی از کود و سموم مصرفی در کشور از منابع داخلی و با قیمت‌های مداخله‌ای تأمین و بخشی در بازار آزاد مبادله می‌شود، کشاورزان با دو قیمت در داخل کشور روبه‌رو هستند. همچنین قیمت بازار آزاد داخلی نیز تحت تأثیر مداخله‌های دولت و سیاست‌های ارزی با قیمت جهانی متفاوت است. از این رو، تمامی کود و سموم کشور به نحوی مورد حمایت دولت است. حمایت کود و سموم توزیع شده توسط شرکت خدمات حمایتی، در بودجهٔ دولت ثبت می‌شود، اما آمار دقیقی از قیمت کود و سموم بازار آزاد داخلی در دسترس نیست که بتوان نهادهٔ مصرفی مورد حمایت قیمتی را جداگانه محاسبه کرد. به همین دلیل مقدار کل حمایت از سموم و کود شیمیایی، از حاصل ضرب اختلاف قیمت یارانه‌ای و جهانی

این نهاده‌ها در مقدار مصرف هر محصول با استفاده از رابطهٔ (۲۲-۳) محاسبه می‌شود.

$$(P_M - P_D) \times Q_C \qquad (۳-۲۲)$$

که در آن P_M قیمت مرجع تعدیل‌شدهٔ نهاده، P_D قیمت یارانه‌ای نهاده، Q_C مقدار مصرف نهاده است. سهم هر محصول از کل نهادهٔ مصرفی براساس مقدار مصرف نهاده در هر هکتار و سطح زیرکشت محصول در کشور محاسبه می‌شود. دربارهٔ محصولاتی که روش‌های کشت دیم و آبی دارند، مقدار مصرف نهاده‌ها متفاوت در نظر گرفته می‌شود. همچنین در مورد زیربخش دامپروری نیز با توجه به آن‌که همهٔ نهاده‌ها توسط شرکت پشتیبانی امور دام توزیع نمی‌شود و قیمت بازار آزاد داخلی با قیمت مرجع متفاوت است، مانند نهاده‌های زیربخش زراعت و باغبانی عمل می‌شود.

از سوی دیگر، نکته‌ای که ممکن است دور از نظر قرار گیرد، آن است که تمام یارانه‌های بودجه‌ای دارای ردیف بودجه، ممکن است به نهاده‌ها اختصاص داده نشده و در امور اجرایی مصرف شود. این موضوع در مورد تسهیلات دریافتی توسط کشاورزان نیز به این صورت صدق می‌کند که ممکن است بخشی از آن صرف هزینه‌های زندگی یا سایر محصولات و فعالیت‌های جانبی کشاورز شود که در صورت وجود اطلاعاتی در این زمینه‌ها محاسبات با دقت بیشتری همراه می‌شود.

بیمهٔ محصولات کشاورزی: یکی دیگر از سیاست‌های حمایتی در بخش کشاورزی، بیمهٔ محصولات کشاورزی است. از آنجا که فعالیت‌های بخش کشاورزی با ریسک زیادی همراه است، شرکت‌های بیمه‌ای در این بخش، همیشه با زیان عملیاتی روبه‌رو هستند که برای جبران آن حق بیمه‌ای بیشتر از توان پرداخت کشاورزان

تعیین می‌کنند. به همین دلیل در ایران نیز مانند بیشتر کشورهای جهان برای جبران زیان عملیاتی صندوق بیمه و همچنین تشویق کشاورزان برای بیمه‌گذاری، دولت بخشی از حق بیمهٔ تعیین شده برای محصولات را می‌پردازد. سهم دولت از حق بیمهٔ تعیین‌شدهٔ محصولات کشاورزی با یارانهٔ بیمهٔ هر محصول برابر است.

یارانهٔ انرژی: با توجه به تفاوت قیمتی زیاد فراورده‌های سوختی در داخل کشور با قیمت‌های جهانی، محاسبهٔ دقیق مصرف انرژی در تولید محصولات کشاورزی از اهمیت زیادی برخوردار است. مصرف انرژی در زیربخش دامپروری مربوط به مواد سوختی مانند نفت سفید، گازوئیل، گاز مایع و طبیعی، بنزین و برق گاوداری‌ها و مرغداری‌های صنعتی، و در زیربخش‌های زراعت و باغبانی یارانهٔ مربوط به گازوئیل و برق برای استحصال آب و عملیات ماشینی است. برای محاسبهٔ این یارانه مقدار استفادهٔ هر یک از مواد سوختی در گاوداری‌ها و مرغداری‌های کل کشور و نیز در استحصال آب از چاه و دیگر عملیات زراعی برآورد می‌شود و در اختلاف قیمت یارانه‌ای با قیمت لب مرز هر مادهٔ سوختی ضرب می‌شود.

مصرف سوخت برای عملیات ماشینی در هر هکتار محصولات آبی و دیم توسط کارشناسان موسسه پژوهش‌های برنامه‌ریزی، اقتصاد کشاورزی و توسعه روستایی در سال ۱۳۸۹ محاسبه شده است. اما آنچه مسلم است با توجه به توسعهٔ ماشین‌آلات براساس آمار جهاد کشاورزی، مصرف سوخت در طول سه دهه ثابت نبوده است، بنابراین این رقم‌ها باید تعدیل شود. بدین منظور ابتدا آمار مربوط به درصد استفاده از هر یک از ماشین‌آلات در مراحل تولید محصولات زراعی از اطلاعات هزینهٔ تولید استخراج و مجموع آن محاسبه می‌شود تا روندی کلی از تغییر کاربرد ماشین‌آلات به دست آید. از آنجا که این سری مربوط به سال‌های ۸۷-۱۳۷۹ است، برای یافتن

سری سی ساله تابع روند آن در طول زمان برآورد و مقادیر آن برای سال‌های مختلف محاسبه می‌شود. فرم این تابع به صورت نمایی است که به طور میانگین رشد ثابت ۰/۳۰۵ درصد را برای سال‌های مختلف نشان می‌دهد. با استفاده از این نرخ رشد مقدار مصرف سوخت عملیات ماشینی در هکتار برای سال‌های قبل از ۱۳۸۹ محاسبه می‌شود.

بخش مهمی از مصرف انرژی مربوط به استحصال آب است که در پژوهش‌های مختلف با روش‌های متفاوتی اندازه‌گیری شده است. یکی از روش‌های رایج، آن است که مقدار سوخت مورد نیاز برای استحصال آب در هر هکتار از حاصل ضرب کل مقدار مصرف آب در هکتار محصول، سهم استفاده از منابع آب زیرزمینی در سال‌های مختلف و مصرف گازوئیل برای استخراج هر مترمکعب آب، محاسبه می‌شود (آذری، ۱۳۸۶). اما محاسبات با این روش نشان می‌دهد سوخت مصرفی عدد بزرگی خواهد بود که سهم بسیار زیادی در هزینه‌های کشاورزی ایجاد می‌کند و حتی با وجود قیمت‌های بسیار اندک سوخت، تولید را غیرمنطقی می‌کند. ضمن این‌که امروزه بخشی از استحصال آب به وسیلهٔ موتورهای برق صورت می‌گیرد. از این رو، در پژوهش پیش رو، از محاسبات مصرف انرژی برای استحصال آب توسط موسسه پژوهش‌های برنامه‌ریزی، اقتصاد کشاورزی و توسعهٔ روستایی استفاده شد که آن را بر حسب کیلووات ساعت انرژی برق بیان کرده‌اند. اما با توجه به اهمیت حمایت قیمتی سوخت به دلیل تفاوت قیمت، تفکیک انواع مصرف انرژی ضرورت دارد.

با استفاده از روابط فیزیکی و نظر کارشناسان مکانیک ماشین‌های کشاورزی، هر کیلووات ساعت برق برابر با ۳ میلیون و ۶۰۰ هزار ژول است و ارزش حرارتی هر لیتر گازوییل نیز ۳۶ میلیون ژول است که نشان می‌دهد هر لیتر گازوئیل معادل ۱۰ کیلووات ساعت برق انرژی تولید می‌کند. از این ضریب می‌توان در تبدیل مقدار برق

مصرفی در هکتار به معادل گازوئیل آن استفاده کرد. اما پیش از آن لازم است در مرحلهٔ دیگری سهم هر یک بررسی شود. در ابتدا با استفاده از روند سهم استفاده از آب زیرزمینی که با اطلاعات سال‌های ۱۳۷۹ به بعد به صورت یک تابع خطی برآورد شده است، رشد استفاده از آب زیرزمینی محاسبه می‌شود و با استفاده از آن مقدار کل مصرف انرژی برق در هکتار در سال‌های مختلف مورد محاسبه قرار می‌گیرد.

برای تفکیک سهم برق و سوخت، از سهم چاه‌های برق‌دار و بدون برق از کل چاه‌های کشاورزی استفاده می‌شود. از آنجا که اطلاعات تعداد کل چاه‌های کشاورزی تنها برای سال ۱۳۸۱ در دسترس است، بنابراین با استفاده از نرخ رشد میانگین به-کارگیری آب زیرزمینی برای محصولات مختلف، تعداد چاه‌ها برای سه دهه محاسبه می‌شود. آمار چاه‌های برق‌دار کشاورزی نیز برای ۲۵ سال اول دورهٔ پژوهش توسط سازمان مدیریت منابع آب کشور منتشر شده است که برای ۵ سال آخر با استفاده از نرخ رشد مصرف برق در بخش کشاورزی(چهل و چهار سال صنعت برق ایران در آیینهٔ آمار، ۱۳۹۰) محاسبه می‌شود. با این دو سری، سهم چاه‌های برق‌دار به دست می‌آید که حاصل‌ضرب آن در مقدار کل انرژی مصرفی در هکتار(برحسب انرژی الکتریکی)، مصرف برق در هر هکتار محصول محاسبه می‌شود و باقیمانده آن مربوط به سوخت مصرفی برای استحصال آب برای محصول است که براساس روابط فیزیکی انرژی‌ها، با ضریب ۰/۱ قابل تبدیل به مصرف گازوئیل است.

با توجه به رشد استفاده از آب‌های زیرزمینی و توسعهٔ چاه‌های برق‌دار و بدون برق کشاورزی که روند آن در نمودار (۱۱-۳) مشاهده می‌شود، چاه‌های برق‌دار در سال‌های نخست سهم اندکی داشته‌اند.

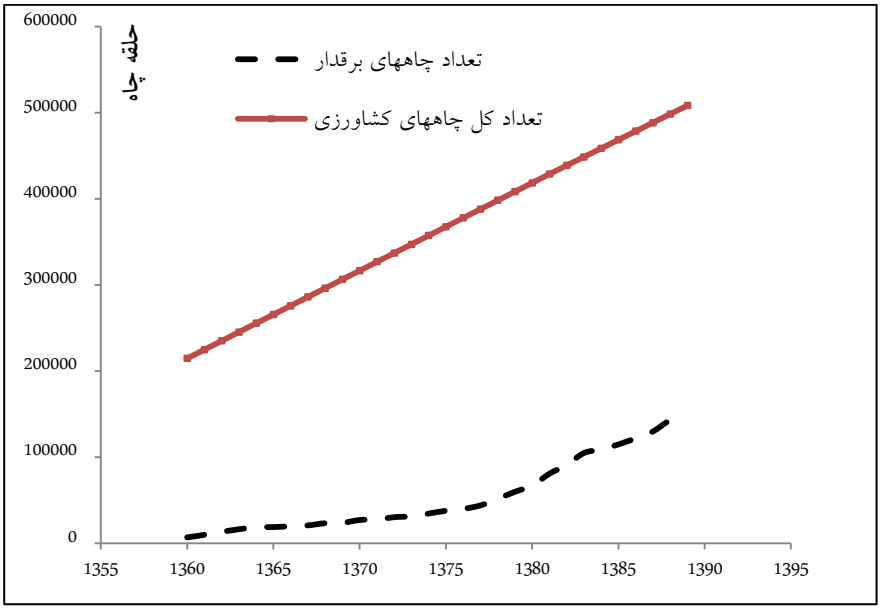

نمودار ۱۱-۳) روند چاه‌های کشاورزی و چاه‌های برق‌دار کشور

همچنین در محاسبهٔ تعداد چاه‌های کشاورزی روند استفادهٔ آب زیرزمینی برای محصولات مختلف ثابت فرض شده است و به علت نبود اطلاعات تفاوتی بین بازده موتورهای برقی و دیزلی در نظر گرفته نشده است.[۱]

در نهایت پس از محاسبهٔ مقدار مصرف سوخت هر محصول، یارانهٔ پرداختی برای مصرف سوخت معادل با حاصل‌ضرب تفاوت قیمت داخلی گازوئیل و قیمت صادراتی تعدیل‌شده با نرخ ارز و هزینهٔ حمل‌ونقل (همانند تعدیل قیمت محصولات) در مقدار مصرف گازوئیل خواهد بود.

$$(P_x - P_D) \times Q_C \qquad (۳-۲۳)$$

[۱]- از آنجا که اطلاعاتی دربارهٔ رشد مکانیزاسیون و روند استفاده از آب‌های زیرزمینی در زیربخش باغبانی در دسترس نیست از متوسط اطلاعات زیربخش زراعت استفاده می‌شود.

که در آن P_x قیمت مرجع تعدیل‌شدهٔ گازوئیل، P_D قیمت یارانه‌ای سوخت، Q_C مقدار مصرف سوخت محصول در سال است. برای محاسبهٔ یارانهٔ سوخت در زیربخش دامپروری نیز همین رابطه به کار گرفته می‌شود. به این منظور از مقدار مصرف انرژی محاسبه‌شده برای هر کیلوگرم محصول، توسط معاونت دام وزارت کشاورزی استفاده می‌شود که به عقیدهٔ کارشناسان و آمار موجود مرکز آمار ایران، نوسان زیادی در سال‌های مختلف نداشته است و با توجه به نبود داده، دقیق‌ترین اطلاعات در دسترس محسوب می‌شود. در این محاسبه مصرف انرژی در واحدهای پرورش دام و طیور به دو گروه گازوئیل و برق تقسیم شده است. یعنی مصرف انواع سوخت نفت سفید، گازوئیل، گاز مایع و طبیعی و بنزین به معادل گازوئیل تبدیل شده است.

از آنجا که قیمت برق در بخش‌های مختلف متفاوت است، بنابراین بخش‌های اقتصادی در مصرف آن رقیب یکدیگر محسوب می‌شوند. از این رو، برای محاسبهٔ حمایت برق در بخش کشاورزی از تفاضل میانگین نرخ تعرفهٔ برق کشاورزی و میانگین موزون سایر بخش‌ها ضرب در مقدار مصرف برق هر محصول در سال استفاده می‌شود.

اعتبارات بانکی: یکی دیگر از سیاست‌های حمایتی در تولید بخش کشاورزی، اعطای تسهیلات بانکی کم‌بهره است. مسئلهٔ مهم در این زمینه، چگونگی توزیع تسهیلات بین محصولات است. از آنجا که ممکن است سهم زیربخش‌ها و محصولات مختلف با توجه به سیاست‌های بانک‌ها متفاوت باشد هر نوع تخصیص دارای درصدی از خطا خواهد بود. با اطلاعات تسهیلات اعطایی بانک کشاورزی در زیربخش‌های کشاورزی استخراج شده از بانک مرکزی، سهم زیربخش‌های مختلف از تسهیلات اعطایی مشخص می‌شود که این سهم‌ها را می‌توان برای کل تسهیلات بانکی اعطایی به این بخش لحاظ و مقدار تسهیلات هر بخش را محاسبه کرد. سپس برای مثال در

زیربخش زراعت و باغبانی به نسبت سطح زیرکشت هر محصول از کل سطح زیرکشت محصولات، تسهیلات اختصاص داده شده به هر محصول را تعیین کرد. به نظر می‌رسد این روش با توجه به اطلاعات در دسترس خطای کمتری دارد. در گام بعدی برای تعیین حمایت‌ها لازم است تفاوت نرخ سود بخش کشاورزی با نرخ سود مرجع مقایسه شود. از آنجا که در محاسبهٔ شاخص‌های حمایتی تأکید بر آن است که قیمت مرجع شبیه‌ترین کالا یا خدمت برای مقایسه انتخاب شود، از میانگین موزون نرخ سود تسهیلات اعطایی به سایر بخش‌های اقتصاد استفاده می‌شود.

یارانهٔ واکسن و سرم دامی: آمار مربوط به این یارانه از سازمان مصرف‌کنندگان و تولیدکنندگان و بانک مرکزی به دست آمده است. تخصیص این بخش از یارانه‌ها بین محصولات مختلف، با توجه به نظر کارشناسان سازمان دامپزشکی، به نسبت ۶۰ درصد برای بخش طیور و ۴۰ درصد برای بخش دام صورت می‌گیرد.

یارانه‌های مصرفی: یارانه‌های پرداختی به مصرف‌کنندگان شیر، گوشت گاو، گوشت مرغ، تخم‌مرغ، نان و روغن را در برمی‌گیرد. آمار مربوط به این یارانه‌ها از سازمان حمایت مصرف‌کنندگان و تولیدکنندگان به دست آمده است.

۶-۳ روش شناسی برآورد حمایت از مصرف‌کنندگان (CSE)

شاخص حمایت از مصرف‌کنندگان (CSE) شاخصی از ارزش پولی پرداخت‌ها از تولیدکنندگان و مالیات‌دهندگان به مصرف‌کنندگان در زمانی معین است که در پی اجرای سیاست‌های حمایتی در بخش کشاورزی منتقل شده است. به بیان دیگر، شاخص برآورد حمایت از مصرف‌کنندگان شاخصی از ارزش سالانهٔ انتقال‌های ناخالص به مصرف‌کنندگان کالاهای کشاورزی است که برحسب قیمت داخلی اندازه‌گیری می‌شود. این شاخص اثر سیاست‌های کشاورزی بر مصرف را مورد توجه

قرار می‌دهد و دیگر سیاست‌هایی که مصرف را تحت تأثیر قرار می‌دهد، در برنمی‌گیرد. بنابراین همهٔ سیاست‌های حمایت از قیمت بازار محصولات کشاورزی که موجب اختلاف بین قیمت داخلی و جهانی این محصولات می‌شوند و قیمت مصرف‌کنندگان را تغییر می‌دهند، در شاخص برآورد حمایت از مصرف‌کنندگان وارد می‌شود. همچنین یارانه‌های مصرفی که دولت برای جبران مالیات تحمیل‌شده بر مصرف‌کنندگان بر اثر تغییر قیمت کالاهای کشاورزی می‌پردازد، نیز در این شاخص منظور می‌شود (OECD، ۲۰۰۲). به‌طور کلی، اجزای تشکیل‌دهندهٔ شاخص برآورد حمایت از مصرف‌کنندگان را می‌توان به صورت زیر بیان کرد:

پرداخت‌های مالیات‌دهندگان به مصرف‌کنندگان (X_2): خالص همهٔ پرداخت‌هایی است که از مالیات‌دهندگان به مصرف‌کنندگان صورت می‌گیرد. این پرداخت‌ها اغلب اثر حمایت از قیمت داخلی (MPS) را اگر به زیان مصرف‌کنندگان باشد، جبران می‌کند؛ مانند یارانه‌ای که به مصرف شیر اختصاص می‌یابد.

پرداخت‌های مصرف‌کنندگان به تولیدکنندگان (IX_1): این پرداخت‌ها به دلیل تفاوت قیمت پرداختی مصرف‌کنندگان و قیمت مرجع جهانی و به ازای مصرف کالاهای تولید داخل صورت می‌گیرد. برای مثال مصرف‌کنندگان داخلی مجبورند گوشت قرمز را با قیمتی بیش از قیمت جهانی بخرند.

دیگر پرداخت‌های مصرف‌کنندگان (IX_2): این پرداخت‌ها نیز به دلیل تفاوت قیمت پرداختی مصرف‌کنندگان و قیمت مرجع جهانی و به ازای مصرف کالاهای واردشده صورت می‌گیرد. در نتیجه، به خزانهٔ دولت یا به واردکنندگان یا به هر دو آنها تعلق می‌گیرد.

هزینهٔ اضافی نهاده‌های دامی (IX_3): این جزء از محاسبهٔ CSE مربوط به آن بخش از کالاهای زراعی می‌شود که توسط تولیدکنندگان کالاهای دامی مصرف

می‌شود و در واقع توسط مصرف‌کنندهٔ نهایی مصرف نمی‌شود. از این رو، برای جلوگیری از زیاد برآوردکردن انتقال از مصرف‌کنندگان به تولیدکنندگان (TCP)، فقط در محاسبهٔ CSE کالاهای زراعی وارد می‌شود.

به این ترتیب شاخص حمایت از مصرف‌کنندگان براساس رابطهٔ زیر محاسبه می‌شود. یادآوری می‌شود که پرداختی‌های مصرف‌کنندگان (IX_1 و IX_2) بسته به بیشتر یا کمتر بودن قیمت مرجع از قیمت داخلی می‌تواند موجب پرداخت‌های منفی یا مثبت از تولیدکنندگان می‌شود. منفی بودن پرداخت از مصرف‌کنندگان به منزلهٔ حمایت از مصرف‌کنندگان است و اثر پرداخت از مالیات دهندگان به مصرف‌کنندگان را تقویت می‌کند:

$$CSE = X_2 - (IX_1 + IX_2) + IX_3 \qquad (۳-۲۲)$$

که درآن، X_2 پرداخت‌های مالیات‌دهندگان (دولت) به مصرف‌کنندگان؛ IX_1 انتقال قیمتی از مصرف‌کنندگان به تولیدکنندگان؛ IX_2 انتقال از مصرف‌کنندگان به واردکنندگان (دولت) و IX_3 مخارج اضافی غذای دام (انتقال از تولیدکنندگان محصولات دامی به تولیدکنندگان محصولات زراعی) است.

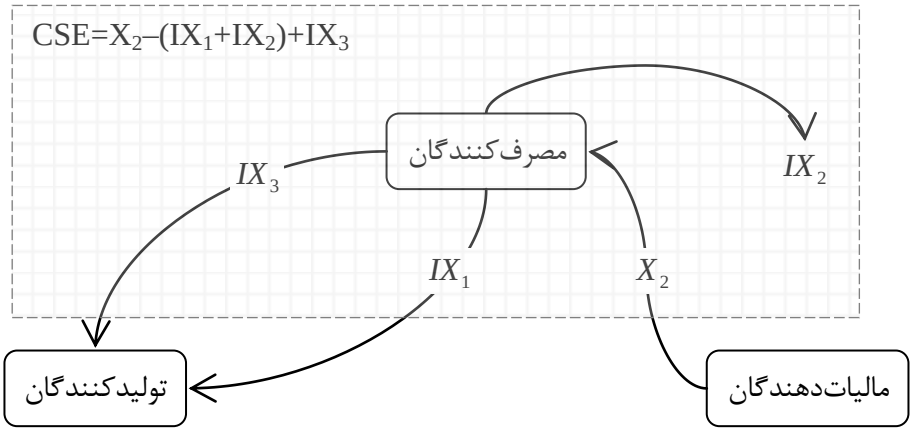

نمودار ۱۲-۳) الگوی شماتیک اجزای حمایت از مصرف‌کنندگان (CSE)

نمودار ۱۲-۳ اجزای جریان‌های پرداختی برای حمایت از مصرف‌کنندگان را به تصویر می‌کشد. در این نمودار نیز مانند رابطهٔ (۲۲-۳)، X2 پرداخت‌های مالیات‌دهندگان (دولت) به مصرف‌کنندگان؛ IX1 انتقال قیمتی از مصرف‌کنندگان به تولیدکنندگان؛ IX2 انتقال از مصرف‌کنندگان به واردکنندگان (دولت) و IX3 مخارج اضافی غذای دام (انتقال از تولیدکنندگان محصولات دامی به تولیدکنندگان محصولات زراعی) است.

۳-۷ روش‌شناسی حمایت از خدمات عمومی (GSSE)

شاخص حمایت از خدمات عمومی (GSSE) معیاری است که ارزش پولی ناخالص سالیانهٔ اختصاص‌یافته به خدمات عمومی را در بخش کشاورزی اندازه‌گیری می‌کند. پرداخت‌های خدمات عمومی کشاورزی به تصمیم‌ها و فعالیت‌های فردی کشاورزان یا مصرف‌کنندگان ارتباط ندارد. همچنین، تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان به‌صورت فردی چیزی دریافت نمی‌کنند. به عبارت دیگر، پرداخت‌ها برای خدمات عمومی بر دریافتی‌های مزرعه و هزینه‌های مصرف‌کننده تأثیرگذار

نیست. سازمان توسعه و همکاری‌های اقتصادی خدمات عمـومی را بـه هفـت دسـته تقسیم می‌کند.

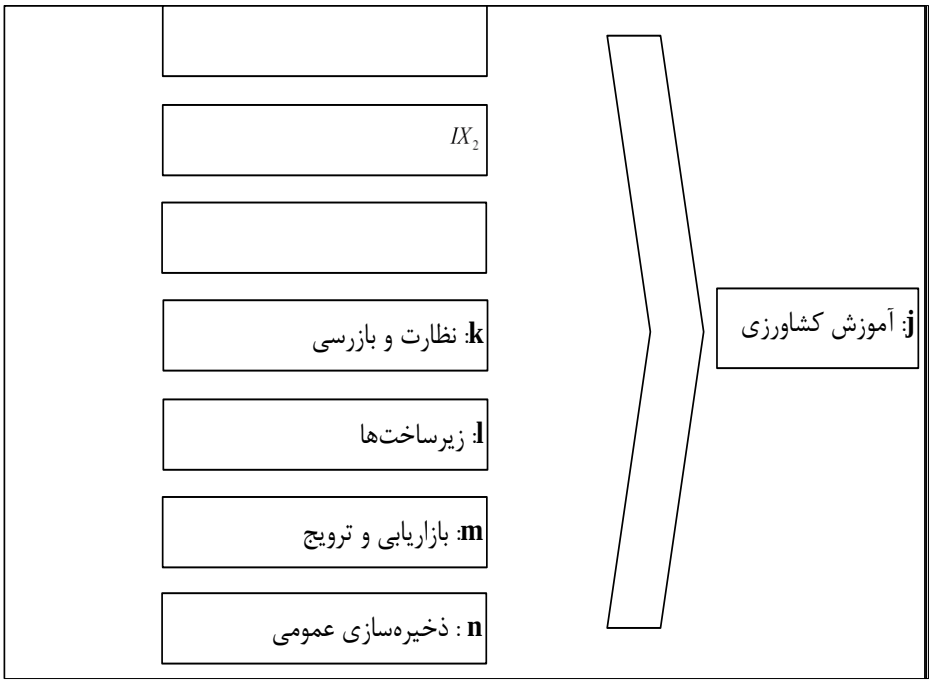

شاخص برآورد حمایت از خدمات عمومی براساس رابطهٔ زیر محاسبه می‌شود:

(۳-۲۳)

$$GSSE = i + j + k + l + m + n + o$$

کـه در آن: i تحقیـق و توسـعه؛ j آمـوزش کشـاورزی؛ k نظـارت و بازرسـی؛ l زیرساخت‌ها؛ m بازاریابی و ترویج؛ n ذخیره‌سازی عمومی و o پرداخت‌هـای متفرقـه است.

تحقیق و توسعه: پژوهش‌هایی که در زمینه بهبود تولید محصولات کشاورزی و دیگر موارد انجام می‌گیرد؛

آموزش کشاورزی: همهٔ مراکز آموزشی مرتبط با بخش کشاورزی اعم از دانشگاه‌های کشاورزی، دانشکده‌ها، مراکز تحقیقات کشاورزی، مراکز و خدمات آموزش و ترویج؛

نظارت و بازرسی: مراکزی که امور مربوط به کنترل کیفیت و امنیت غذایی، نهاده‌های کشاورزی را بر عهده دارند؛

زیرساخت‌ها: اموری که به بهبود همهٔ زیرساخت‌های خارج از مزرعه، شامل صنایع بالا و پایین‌دستی ارتباط دارد و توسط دولت تأمین مالی می‌شود؛

بازاریابی و توسعه: همهٔ اقداماتی که در رابطه با بازاریابی محصولات کشاورزی و توسعه بازار محصولات است؛

ذخیره‌سازی عمومی: راه‌اندازی و تجهیز انبارهای عمومی برای نگهداری محصولات کشاورزی.

پرداخت‌های متفرقه: در محاسبهٔ حمایت از خدمات عمومی، مواردی که امکان جمع‌شدن یا طبقه‌بندی کردن در موارد بالا را ندارند، در ستون متفرقه وارد می‌شود.

با توجه به گستردگی حمایت از خدمات عمومی در ایران و موارد حمایتی مختلف این شاخص، در ابتدا اجزای این شاخص به‌صورت تفکیک‌شده مشخص می‌شود و سپس با استفاده از آمار مربوط به اجزا، مقدار این شاخص در طول سال‌های مورد بررسی محاسبه خواهد شد. جدول ۱-۳ اجزای تشکیل‌دهندهٔ حمایت از خدمات عمومی در بخش کشاورزی ایران را بیان می‌کند.

جدول ۱-۳) اجزای تشکیل‌دهندهٔ حمایت از خدمات عمومی در بخش کشاورزی ایران

۱- تحقیقات و آموزش کشاورزی	الف) تحقیقات کشاورزی: شامل اجرای طرح‌های تحقیقاتی، تولید بذر و نهال‌های اصلاح‌شده و تولید واکسن و سرم (پزشکی و دامی) و ... ب) آموزش کشاورزی: شامل آموزش‌های کارکنان (ضمن خدمت)، آموزش کارکنان (بلندمدت)، آموزش کاربران (بهره‌برداران کشاورزی)، آموزش‌های رسمی مقطع متوسطه و آموزش علمی کاربردی
۲- ترویج و نظام بهره‌برداری	الف) نظام ترویج: شامل برگزاری کلاس‌های آموزشی، مزارع نمایشی، فیلم‌های آموزشی و تکثیر و انتشارات فنی و تولید برنامه‌های رادیویی و تلویزیونی ب) نظام بهره برداری: شامل ایجاد شرکت‌های تعاونی مختلف از جمله تعاونی‌های روستایی، تعاونی تولید کشاورزی، تشکل‌های مربوط به امور دام و طیور، تشکل‌های عمران روستایی و...
۳- مکانیزاسیون کشاورزی	الف) مطالعات امکانات، قابلیت‌ها و پتانسیل‌های مکانیزاسیون کشاورزی ب) تقویت و توسعه مکانیزاسیون کشاورزی ج) حمایت، هدایت و نظارت بر تشکل‌های خدمات مکانیزاسیون د) کنترل کیفی و ساخت نمونه‌های اولیه
۴- حفظ نباتات	شامل مبارزه با آفات عمومی و همگانی، قرنطینه گیاهی و امور سموم، مبارزه بیولوژیک، ضدعفونی بذرها و محصولات انباری، مبارزه شیمیایی با علف‌های هرز و بیماری‌های گیاهی و ...
۵- دامپزشکی	الف) مبارزه با بیماری‌های واگیر دام و طیور و آبزیان ب) تأمین بهداشت عمومی و مبارزه با بیماری‌های مشترک انسان و دام
۶- بازاریابی و بازاررسانی	شامل کالارسانی به روستاییان که یکی از وظایف سازمان تعاون روستایی است (بیشتر در زمینه‌های تهیه و توزیع کالاهای مصرفی و یارانه‌ای و مواد سوختنی)
۷- امور اراضی	شامل هزینه‌های نقشه‌برداری، توسعه و حفظ عرصه‌ها، شناسایی اراضی بایر، واگذاری‌های اراضی، شناسایی اراضی موات، یکپارچه‌سازی اراضی و...
۸- زیرساخت‌ها	شامل زیربخش‌های زراعت، باغبانی، دام و طیور، شیلات، جنگل‌ها و مراتع، حفاظت آبخیز و آبخیزداری، طرح‌های بیابان‌زدایی، آب و خاک، سدها و توسعهٔ ذخیره‌سازی عمومی

منابع: سند ملی توسعه بخش کشاورزی و منابع طبیعی در برنامه چهارم(۱۳۸۴)

با استفاده از آمار و رقم‌های مربوط به حمایت‌های بخش کشاورزی در ایران، ابتدا مقادیر GSSE محاسبه می‌شود و سپس شاخص‌های فوق در این سال‌ها برای مقایسهٔ برنامه‌ها مورد ارزیابی قرار خواهند گرفت. همچنین مقادیر به‌دست آمده با کشورهای منتخب مقایسه می‌شود تا نتایج کامل‌تری در ارتباط با چگونگی حمایت از خدمات عمومی بخش کشاورزی در ایران به‌دست آید.

۳-۸ روش شناسی حمایت از کل بخش کشاورزی (TSE)

شاخص کل حمایت از بخش کشاورزی بیانگر ارزش پولی سالانهٔ همهٔ انتقال‌های ناخالص از مالیات‌دهندگان و مصرف‌کنندگان است که در پی اجرای سیاست‌های حمایتی بخش کشاورزی - بدون توجه به هدف‌ها و اثرهای آن بر درآمد و تولید کشاورزان و مصرف تولیدات کشاورزی- پرداخت می‌شود. این شاخص براساس رابطهٔ ۳-۲۴ محاسبه می‌شود:

$$TSE = PSE + GSSE + X_2 \qquad (۳-۲٤)$$

که در آن، TSE شاخص برآورد کل حمایت از بخش کشاورزی؛ PSE شاخص برآورد حمایت از تولیدکنندگان؛ GSSE شاخص برآورد حمایت از خدمات عمومی و X_2 انتقال‌های بودجه‌ای از مالیات‌دهندگان (دولت) به مصرف‌کنندگان است.

نمودار ۳-۱۳ چگونگی تعیین حمایت کل از بخش کشاورزی را با توجه به جریان‌های پرداختی بین گروه‌های مختلف نشان می‌دهد:

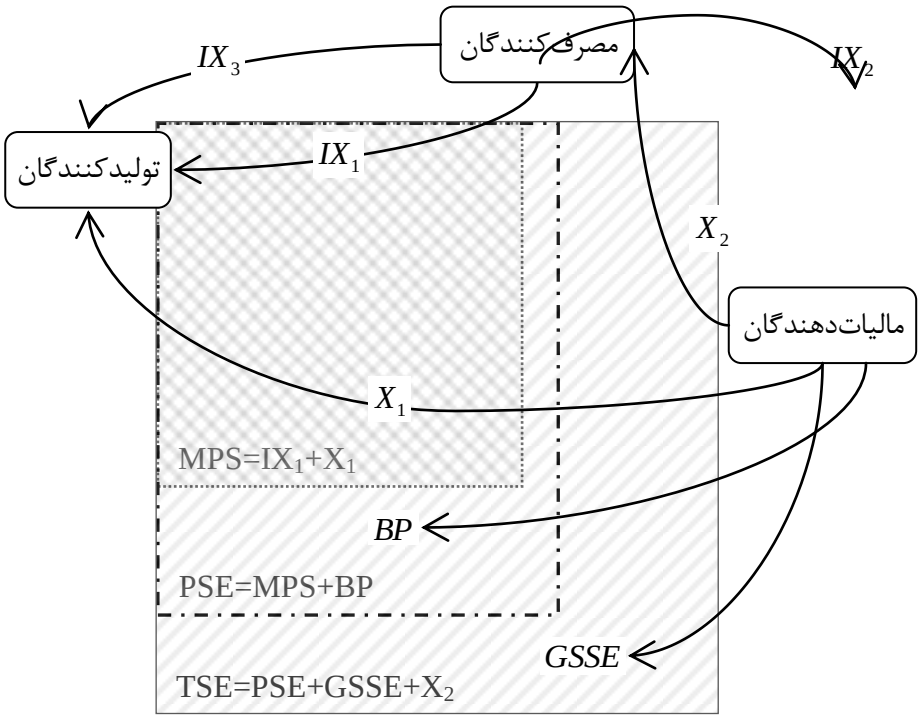

نمودار ۱۳-۳) الگوی شماتیک چگونگی تعیین کل حمایت از بخش کشاورزی

در این نمودار، TSE شاخص برآورد کل حمایت از بخش کشاورزی؛ PSE شاخص برآورد حمایت از تولیدکنندگان؛ GSSE شاخص برآورد حمایت از خدمات عمومی؛ MPS حمایت از قیمت بازاری؛ BP پرداخت‌های بودجه‌ای به تولیدکنندگان (انتقال‌های غیرقیمتی)؛ IX_1 انتقال‌های قیمتی از مصرف‌کنندگان به تولیدکنندگان؛ IX_2 انتقال‌های قیمتی از مصرف‌کنندگان به واردکنندگان (دولت)؛ IX_3 انتقال‌های قیمتی از تولیدکنندگان کالاهای دامی به تولیدکنندگان محصولات زراعی(مخارج اضافی خوراک دام)؛ X_1 انتقال‌های قیمتی از مالیات‌دهندگان (دولت) به تولیدکنندگان و X_2 انتقال‌های بودجه‌ای از مالیات‌دهندگان (دولت) به مصرف‌کنندگان است.

۳-۹ داده‌های مورد نیاز

داده‌های مورد نیاز شامل سطح تولید و میانگین قیمت سالانهٔ داخلی، مقدار مصرف، قیمت‌های مرجع در لب مرز (CIF یا FOB)، نرخ ارز، ضریب تعدیل تفاوت کالایی، و هزینه‌های حمل‌ونقل، بارگیری و فراوری هستند. این داده‌ها با استفاده از منابع گوناگون، و براساس جدول ۲-۳ گردآوری شده‌اند.

جدول ۲-۳) داده‌های مورد استفاده در پژوهش و منابع گردآوری اطلاعات

داده	منبع داده
تولید، مصرف و قیمت داخلی محصولات مورد بررسی	وزارت کشاورزی، شرکت سهامی پشتیبانی امور دام، سازمان خواربار کشاورزی
قیمت جهانی محصولات مورد بررسی	گمرک جمهوری اسلامی ایران، سازمان خواربار کشاورزی
نرخ ارز	بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران
هزینه‌های حمل‌ونقل	وزارت مسکن، راه و شهرسازی
یارانه‌های مصرفی	سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور و سازمان حمایت از
مقدار توزیع نهاده‌ها	وزارت کشاورزی، شرکت سهامی پشتیبانی امور دام،
بیمه	صندوق بیمهٔ محصولات کشاورزی
یارانهٔ واکسن و داروهای دامی	سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور
تسهیلات ارزان قیمت	بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران
قیمت داخلی حامل‌های انرژی	وزارت نیرو و شرکت پالایش و پخش فراورده‌های نفتی
قیمت جهانی حامل‌های انرژی	سازمان بهینه‌سازی مصرف سوخت، سایت اوپک

برخی از داده‌ها به صورت مستقیم و برخی از آنها پس از پالایش مطابق جدول (۳-۳) برای محاسبهٔ شاخص‌های MPS و CSE مورد استفاده قرار می‌گیرد.

جدول ۳-۳) صفحه گسترده محاسبهٔ MPS و CSE برای هر محصول

سطح تولیدI.	داده‌ها
1. مقدار مصرف محصول توسط بخش دام و طیور	داده‌ها
II. قیمت داخلی	داده‌ها
III. ارزش تولید (در سطح مزرعه)	داده‌ها یا[(I) * (II)/1000]
IV. مقدار مصرف محصول (توسط خانوارها)	داده‌ها
V. قیمت محصول برای مصرف (در سطح مزرعه)	(II)-((IX.1)+(X.1))/(I)*1000+((IX.1)+(IX.2))/(IV)*1000
VI. ارزش مصرف (در سطح مزرعه)	(IV) * (V) / 1000
VII. قیمت مرجع (در سطح مزرعه)	(VII.1)*(VII.3)*(VII.4)-(VII.2)
1 . قیمت مرجع در لب مرز (f.o.b. or c.i.f.)	داده‌ها
2. هزینه‌های حمل ونقل، بارگیری و فراوری	داده‌ها
3 . ضریب تعدیل کیفیت کالا	داده‌ها
4. نرخ ارز	داده‌ها
VIII. اختلاف قیمت بازار	(II) - (VII)
IX. انتقال‌های بازاری	(IX.1) + (IX.2) - (IX.3)
1. انتقال به تولیدکنندگان از مصرف‌کنندگان	اگر(I)>(IV) آنگاه(VIII.)*(I)/1000 و در غیر این صورت (VIII.)*(IV)/1000
2. دیگر انتقال‌ها از مصرف‌کنندگان	اگر(I)<(IV) صفر و در غیر این صورت-((IV)-(I))*(VIII.)/1000
3. هزینه اضافی نهاده‌های دامی	اگر(I)>(I.1) آنگاه (VIII.)/1000*(I.1) و در غیر این صورت(VIII.)/1000*(I)
X. انتقال‌های بودجه‌ای	(X.1) + (X.2) + (X.3)

1. انتقال به تولیدکنندگان از مالیات پردازان	اگر(I)<(IV) آنگاه صفر و در غیر این صورت -((I) (IV))*(VIII.)/1000
2. انتقال به مصرف‌کنندگان از مالیات پردازان	داده‌ها
3. مالیات بر قیمت (Price Levies)	داده‌ها
XI. مقدار حمایت از قیمت بازاری (MPS)	(IX.1) + (X.1) + (X.3)
XII. NPC تولیدکننده	1/[100-(IX.1+X.1+XII.1)/(III.+XII.1)*100]*100
1. پرداخت‌های براساس کل تولید	داده‌ها
2. پرداخت‌های براساس هر تن محصول	(XII.1)/(I)*1000
XIII. مقدار حمایت از مصرف‌کنندگان (CSE)	(X.2) - ((IX.1) + (IX.2) - (IX.3))
1. CSE واحد	(XIII) / (IV)*1000
2. درصد CSE	100* (XIII)/((VI) - (X.2))
XIV. NPC مصرف‌کنندگان	1/[100-(IX.1+IX.2)/VI.*100]* 100
XV. NAC مصرف‌کنندگان	1-(XIII.2)/(100+(XIII.2))

منبع: سایت IFPRI

فصل چهارم

نرخ ارز

۱-٤ مقدمه

همان طور که در فصل قبل اشاره شد یکی از متغیرهای مهمی که در محاسبهٔ قیمت مرجع و در نتیجه برآورد شاخص‌های حمایت از تولیدکننده و مصرف‌کننده باید مورد توجه قرار گیرد، نرخ ارز است. به این دلیل که سیاست‌های ارزی و تغییرات نرخ ارز به دو صورت بر مقدار حمایت از بخش کشاورزی یا محصولات منتخب اثرگذار است. کاهش(افزایش) نرخ ارز از یک سو موجب کاهش(افزایش) قیمت‌های وارداتی(صادراتی) می‌شود که این تغییرات به افزایش(کاهش) حمایت از قیمت بازاری منجر خواهد شد. از سوی دیگر با کاهش(افزایش) نرخ ارز، قیمت وارداتی مواد سوختی و نهاده‌های وارداتی تولید کاهش(افزایش) می‌یابد که سبب می‌شود، یارانهٔ مربوط به انرژی و یارانهٔ نهاده‌ها کاهش(افزایش) یابد. بنابراین انتخاب نرخ ارز مناسب و دقیق به منظور برآورد درست مقادیر حمایت ضروری است. برای

مثال لایفرت و همکاران[1] (۱۹۹۶) نشان داده‌اند که اگر به جای نرخ ارز رسمی از نرخ ارز تعدیل شده استفاده شود، برآورد شاخص حمایت از تولیدکننده (PSE) برای روسیه در سال ۱۹۹۴ از رقمی منفی به رقمی مثبت تغییر پیدا می‌کند. دویون و همکاران[2] (۲۰۰۱) نشان داده‌اند که استفاده از نرخ ارز براساس نظریهٔ برابری قدرت خرید[3](PPP) تعدیل شده در مقایسهٔ سطوح حمایت بین کشورهای گوناگون، ضریب تبدیل[4] بهتری نسبت به نرخ ارز رسمی است. افزون بر این، محاسبهٔ شاخص‌های حمایت براساس نرخ‌های ارز مختلف (نرخ ارز واقعی و تعادلی) اثر سیاست‌های ارزی و انحرافات نرخ ارز از مقادیر تعادلی را بر مقادیر حمایت از بخش کشاورزی نیز نشان می‌دهد. از این رو، در این فصل ابتدا به بیان تعریف‌ها و چگونگی محاسبهٔ نرخ ارز حقیقی و تعادلی پرداخته می‌شود، سپس نتایج محاسبهٔ نرخ ارز تعادلی و مقادیر انحراف نرخ ارز از مقادیر تعادلی آن بیان می‌شود.

۲-٤ تعاریف و چگونگی محاسبهٔ نرخ ارز واقعی و تعادلی

نرخ واقعی ارز یک متغیر یا ابزار سیاست‌گذاری نیست، بلکه متغیری درون‌زا در نظام اقتصادی است که ارزش آن تحت تأثیر دیگر متغیرهای بنیادی اقتصاد تعیین می‌شود. از این رو، تعیین و اعلام نرخ‌های اسمی (رسمی) ارز بدون سازگاری و هماهنگی با نرخ تعادلی بلندمدت، پایدار نخواهد بود و به نظام تک‌نرخی و ثبات ارزی منتهی نمی‌شود. همان‌طور که پیشتر نیز اشاره شد، در ایران نرخ ارز در اغلب سال‌ها چندنرخی بوده است. براساس شواهد و مطالعات کارشناسی، شکاف بین نرخ ارز واقعی و نرخ ارز تعادلی در اقتصاد ایران نخست ناشی از شکست در اجرای

---

[1] - Liefert, et al
[2] - Doyon et al
[3] - Purchasing Power Parity (PPP)
[4] - Conversion factor

سیاست‌های مؤثر در تعیین نرخ واقعی برابری ریال بوده است. به نظر می‌رسد نرخ ارز در تطابق با مقادیر بهینه یا مقادیر تعادلی بلندمدت این متغیر مهم اقتصاد کلان تعیین نمی‌شود، به طوری که با وجود تغییرات بسیار در شرایط تعادلی بخش‌های داخلی و خارجی اقتصاد کشور - و در نتیجه در نرخ تعادلی ارز- گویا از دید سیاست‌گذار، تغییر چندانی نداشته است. درواقع تثبیت نسبی طولانی‌مدت نرخ رسمی ارز در حالی روی داده است که اقتصاد کشور با رشد شتابان نقدینگی و تورم قیمت‌ها، کاهش نسبی بهره‌وری نیروی کار در مقایسه با طرف‌های عمده تجاری کشور، و نیز تغییرات مداوم رابطهٔ مبادلهٔ بازرگانی مواجه بوده است. برای مثال بر پایهٔ پژوهش عسلی (۱۳۷۶) در یک چارچوب تعیین درآمد ملی اقتصاد کلان، در اقتصادی مانند اقتصاد ایران که در آن شیب منحنی تعادل بخش خارجی اقتصاد تندتر از شیب منحنی تعادل بخش پولی است، اول این که افزایش مخارج بخش عمومی ممکن است به کسری همزمان در بودجهٔ دولت و ترازپرداخت‌های بخش خارجی اقتصاد منجر شود و دوم این که در این صورت با سیاست‌های پولی و مالی نمی‌توان به تعادل همزمان در بازار کالا و خدمات، بازار پولی و بخش خارجی اقتصاد رسید، به طوری که باید افزون بر سیاست‌های پولی و مالی، از سیاست نرخ ارز نیز برای دستیابی به تعادل مطلوب استفاده شود.

مفهوم نرخ تعادلی بلندمدت ارز که به طور مختصر به آن اشاره شد، در اینجا از این نظر مفید است که اجازه می‌دهد وضعیت نظام ارزی کشور در چارچوب مشخصی بررسی شود. برای استفاده از مفهوم نرخ ارز تعادلی بلندمدت باید توجه شود که در هر لحظه از زمان، اقتصاد کشور در تعادل کوتاه‌مدت بازارهای مالی و بازارهای بخش واقعی اقتصاد قرار دارد. این تعادل کوتاه‌مدت، می‌تواند تعادل مطلوب نباشد. برای مثال، اشتغال عوامل تولید یا نرخ تورم یا توازن تجاری کشور در سطح مطلوب نباشند. در هر حال این شرایط تعادلی - مشروط به متغیرهای برون‌زا-

تعیین‌کنندهٔ ارزش متغیرهای درونی نظام اقتصادی کشور و از جمله نرخ ارز واقعی (نرخ ارز تعدیل‌شده با نرخ تورم داخلی و بین‌المللی) است. در اینجا منظور از متغیرهای برون‌زا آن متغیرهایی است که مقدارشان به عنوان بخشی از شرایط تعادل کوتاه‌مدت در درون سیستم تعیین نمی‌شوند. به طور کلی متغیرهای برون‌زا را می‌توان به سه گروه تقسیم کرد: نخست، متغیرهایی که مقادیر آنها از پیش تعیین شده است (مانند قیمت‌هایی که مقادیر آنها تثبیت شده است)؛ دوم، متغیرهای سیاست‌گذاری مانند متغیرهای سیاست‌های پولی و مالی؛ و سوم، متغیرهای مربوط به شرایط اقتصاد بین‌الملل که در خارج از سیستم اقتصادی قرار دارند. نکته مهمی که باید مورد توجه قرار گیرد آن است که متغیرهای برون‌زا ممکن است سیستم اقتصادی کشور را هم از راه اثری که بر متغیرهای بنیادی اقتصاد می‌گذارند و هم از راه تغییراتی که در انتظارات عوامل اقتصادی ایجاد می‌کنند، تحت تأثیر قرار دهند. بنابراین می‌توان گفت در هر لحظه از زمان، نرخ واقعی ارز تحت تأثیر متغیرهای بنیادی اقتصاد و نیز انتظارات عوامل اقتصادی قرار دارد و در نتیجه با تغییر این عوامل نیز تغییر می‌کند. از نظر بسیاری از اقتصاددانان، انتظارات عوامل اقتصادی که در ادبیات اقتصادی از عوامل شکل‌گیری «حباب‌های منطقی» در بازارهای مالی به شمار می‌روند موجب تشدید نوسان‌های نرخ ارز می‌شود و در کوتاه‌مدت حتی آن را از مقادیر تعیین‌شده تحت تأثیر متغیرهای بنیادی دور می‌کند. با توجه به مباحث پیش‌گفته، دو دیدگاه در رابطه با نرخ ارز واقعی و نرخ ارز تعادلی بلندمدت وجود دارد. برخی اقتصاددانان اعتقاد دارند که نرخ واقعی ارز هرگز نمی‌تواند به طور چشمگیری از نرخ تعادلی بلندمدت خود فاصله بگیرد و نرخ واقعی ارز در واقع همواره منعکس‌کنندهٔ نیروهای بنیادی اقتصادی مؤثر بر نرخ ارز است. از نظر این دیدگاه اقتصادی تشکیل «حباب‌های منطقی» برآمده از فعالیت‌های سوداگرانه - برانگیخته از انتظارات پیش‌بینی‌شده - بر نرخ واقعی ارز اثر چندانی ندارد. به عبارت

دیگر، در این دیدگاه نرخ واقعی ارز همواره متناسب با عوامل بنیادی اقتصاد است و نامناسب‌بودن نرخ ارز واقعی در واقع، انعکاسی از سیاست‌های کلان نامناسب است. دیدگاه دوم امکان شکاف بین نرخ ارز واقعی و نرخ ارز تعادلی بلندمدت را رد نمی‌کند. هرچند برآورد دقیق این شکاف را بسیار دشوار یا غیرممکن می‌داند.

تفاوت نرخ ارز تعادلی بلندمدت با نرخ ارز پذیرفتنی را می‌توان در آن دانست که نرخ ارز پذیرفتنی تحت تأثیر مقادیر متغیرهای سیاست‌گذاری در سطح پذیرفتنی سیاست‌گذار اقتصادی تعیین می‌شود. در حالی که، براساس تعریف، نرخ ارز تعادلی بلندمدت تحت تأثیر مقادیر تعادلی متغیرهای برون‌زا از جمله متغیرهای سیاست‌گذاری است و همان طور که گفته شد، مقادیر تعادلی ممکن است در شرایطی با مقادیر پذیرفتنی متغیرها تفاوت داشته باشند.

توجه به نکتهٔ بالا در واقع تأکیدی بر اهمیت تعیین نرخ تعادلی ارز برای رشد اقتصادی و اشتغال است. نرخ واقعی ارز و نرخ واقعی بهره دو شاخص کلیدی قیمت‌های نسبی در اقتصاد کلان هستند که به مثابه متغیرهای درون‌زا تحت تأثیر شمار متنوعی از اختلال‌ها در سطح اقتصاد کلان قرار می‌گیرند. از این رو، تعیین غیربهینهٔ این نرخ‌های مهم در مغایرت با مقادیر تعادلی بلندمدت آنها خود اختلال‌های بیشتری در نظام اقتصادی ایجاد می‌کند. از سوی دیگر، باید توجه داشت که انتظارات در بازارهای مالی خود تحت تأثیر متغیرهای برون‌زاست و ابزار سیاست‌های اقتصادی، خود بخشی از این متغیرهاست. در نتیجه اصلاح سیاست‌های اقتصادی، و تعیین نرخ ارز و نرخ بهره در تطابق با نرخ‌های تعادلی نه تنها بر تعیین مقادیر بهینه برای متغیرهای درون‌زای نظام اقتصادی اثرگذار است، بلکه بر انتظارات بازارهای ارزی هم اثر مثبت می‌گذارد. به هر حال، باید توجه کرد تعدیل نرخ رسمی ارز به نرخ تعادلی بلندمدت، - حتی با وجود عزم سیاسی و اداری - در اقتصادی با تورم شتابان و نظام ارزی چندنرخی کار ساده‌ای نیست و به زمینه‌سازی‌هایی نیازمند

است. در این راه، برآورد صحیح نرخ ارز تعادلی بلندمدت نخستین گام است که در قسمت بعد چگونگی محاسبهٔ نرخ ارز تعادلی بیان می‌شود.

۳-٤ مبانی نظری و روش‌های تعیین نرخ ارز تعادلی

نظریهٔ برابری قدرت خرید (PPP) نقطهٔ شروع مناسبی برای پرداختن به مباحث مربوط به نرخ ارز تعادلی است به این دلیل که PPP اساس تعداد زیادی از مدل‌های نرخ ارز ساختاری و یک معیار مناسب برای مقایسهٔ روش‌شناسی‌های پیچیده است. در این معیار از شاخص قیمت مصرف‌کنندهٔ دو کشور طرف تجاری استفاده می‌شود. براساس این نظریه نرخ ارز خارجی از نسبت بین قدرت خرید واقعی پول دو کشور به دست می‌آید، بنابراین سطح قیمت‌ها در دو کشور، متغیرهای مستقل و نرخ‌های ارز، متغیر وابسته می‌باشند. این نظریه به دو شکل متفاوت مطرح شده است. یکی به این مفهوم که نرخ تعادلی ارز به طور مطلق با نسبت قیمت‌های داخلی به قیمت‌های خارجی برابر است. درحالی که شکل دیگر این نظریه بیان می‌کند که تغییرات نسبی نرخ ارز با این دو سطح از قیمت مرتبط است. بر پایهٔ این نظریه ارزش خارجی پول به قدرت داخلی آن بستگی دارد. بدین وسیله این نظریه می‌خواهد مبنایی برای ترقی و تنزل ارز در یک دوره معین به دست دهد. نظریهٔ برابری قدرت خرید، مبادلات بازرگانی بین کشورها را به طور کامل بدون موانع تجاری فرض می‌کند که افزون بر کالاها، سرمایه نیز آزادانه انتقال می‌یابد. در این مدل‌ها، هرگونه انحراف نرخ ارز رسمی از سطح قیمت‌های نسبی باید به تدریج محو شود، به گونه‌ای که در نهایت، نرخ ارز واقعی به سمت مقداری ثابت همگرا باشد. مدل‌های ابتدایی تعیین نرخ ارز اسمی بر مبنای نظریهٔ برابری قدرت خرید مطلق پایه‌گذاری شده است. در این مدل‌ها، نرخ ارز واقعی باید به سمت عدد یک همگرا باشد. در سال‌های اخیر، آزمون‌های جدید از نظریهٔ برابری قدرت خرید با استفاده از فنون همجمعی نشان داد

که نرخ ارز واقعی در بیشتر موارد، حتی در بلندمدت، برابر مقدار ثابت یک نیست و در این چارچوب اقتصاددانان اعتقاد به تفسیر جدیدی از نظریه برابری قدرت خرید، با عنوان نظریهٔ برابری قدرت خرید ضعیف دارند، به این معنا که فقط رابطه‌ای بلندمدت بین نرخ ارز اسمی و نسبت قیمت‌ها برقرار است، به عبارت دیگر، نرخ ارز واقعی به سمت یک میانگین ثابت همگراست که میانگین ثابت ممکن است عدد یک نباشد. بر همین اساس علت عدم برقراری نظریهٔ برابری قدرت خرید مطلق، وجود موانع تجاری و روند موجود در داده‌هاست و همچنین امکان دارد برآمده از دیگر متغیرهایی باشد که از مدل حذف شده‌اند. بنابراین، در آزمون نظریهٔ برابری قدرت خرید و تعیین نرخ ارز واقعی بر مبنای این نظریه در بیشتر موارد، یک روند زمانی به صورت متغیر مستقل مشاهده می‌شود.

نظریه‌های گمراه‌کنندهٔ تعیین نرخ ارز بلافاصله بعد از جنگ جهانی دوم و شکاف‌های عظیم ایجاد شده در اوایل دههٔ ۱۹۶۰ شکل گرفتند. در ابتدا ماندل[1] (۱۹۶۱) و فلمینگ[2] (۱۹۶۲) رویکرد IS-LM کنزین‌های کلاسیک را با وارد کردن تجارت بین الملل و جریان سرمایه در تحلیل‌هایشان توسعه دادند. مدل ماندل- فلمینگ در ادبیات نرخ ارز تا نیمهٔ دههٔ ۱۹۷۰ نقش مهمی بازی کرد. بعد از آن تلاش‌های مدل‌سازی نرخ ارز به سمت رویکردهای «پولی» و «مالی» که به اهمیت جریان- موجودی در تعیین نرخ ارز تأکید داشتند، کشیده شد (فرنکل[3]، ۱۹۷۶؛ دورنبوسچ[4]، ۱۹۷۶). در سه دههٔ اخیر، نسخه‌های قیمت انعطاف‌پذیر و چسبنده از مدل‌های پولی در ادبیات نظری مدل‌سازی نرخ ارز مسلط بودند. اما از آنجا که عملکرد کاربردی مدل‌های پولی به دلیل غلبه نداشتن بر random walk و نبود این

[1] - Mundell
[2]- Fleming
[3] - Frenkel
[4] - Dornbusch

مدل‌ها از متغیرهای اساسی (آبسفلد[1] و روگوف، ۱۹۹۵)، ضعیف بود؛ مبانی نظری دیگری چون «مدل تعادل واقعی» توسط استاکمن[2] (۱۹۸۰و ۱۹۸۸)، «مدل redux» توسط آبسفلد و روگوف(۱۹۹۵) و «مدل نقدینگی» توسط گریلی و روبینی[3] (۱۹۹۲) ارائه شدند.

بسیاری از مدل‌های تعیین نرخ ارز که به انها اشاره شد، به صورت نظری باقی ماندند، اما برخی از آنها به طور گسترده در آنالیزهای کاربردی استفاده شدند (سارنو و تیلور[4] ۲۰۰۳، چیونگ، چین و پاسکال[5]، ۲۰۰۴). برای مثال، مدل‌های پولی و روش برابری قدرت خرید (PPP) به طور گسترده در کاربردهای عملیاتی برآورد نرخ ارز تعادلی در کشورهای درحال توسعه و صنعتی استفاده شدند. به ویژه زمانی که داده و زمان مورد نیاز برای به کار بردن مدل‌های پیچیده‌تر در دسترس نبودند. ویژگی خاص این تحلیل‌ها این است که با تصریح یک خط رگرسیون، نرخ ارز اسمی را به متغیرهای پولی مانند عرضهٔ پول، سطوح قیمت‌ها و ... پیوند می‌دهند. افزون بر این، مدل‌های دیگری چون رویکرد تعادل اقتصاد کلان براساس چارچوب ماندل-فلمینگ ارائه شدند که مدل‌های مشهوری در برآورد نرخ ارز تعادلی محسوب می‌شوند.

براساس ادبیات کاربردی، «مدل تعادل واقعی» استاکمن (۱۹۸۰) در طول دههٔ اخیر، اعتبار زیادی به دست آورده است و پی‌درپی در تحقیقات و سیاست‌ها استفاده شده تا مسئلهٔ تعادل نرخ ارز و انحراف آن حل شود. نرخ‌های ارز تعادلی در «مدل تعادل واقعی» از یک چارچوب نظری مشتق شده‌اند که مطلوبیت موقتی[6] را با توجه

---

[1] - Obstfeld & Rogoff
[2] - Stockman
[3] - Grilli and Roubini
[4] - Sarno & Talor
[5] - Cheung,Chinn & Puscual
[6] - Intertemporal utility

به محدودیت بودجه حداکثر می‌کند (استاکمن، ۱۹۸۰و ۱۹۸۸؛ اگنور[1]، ۱۹۹۸؛ هینکل و مانتیل، ۱۹۹۹) . حالت ساده‌تر مدل یا به اصطلاح «رویکرد معادلهٔ منفرد»، نرخ ارز واقعی تعادلی بلندمدت را به ارزش پایدار و ثابت از عرضه، تقاضا و متغیرهای سیاستی (متغیرهای اساسی واقعی اقتصادی) مرتبط می‌کند. روش‌های متنوع سری‌های زمانی، در برآورد نرخ ارز تعادلی با استفاده از رویکرد تک‌معادله می‌توانند به کار برده شوند. یکی از روش‌هایی که به وفور استفاده می‌شود، تحلیل همجمعی توسط جانسون است که اجازه می‌دهد متغیرهایی به صورت یک سیستم و به منظور ایجاد بردارهای همجمعی وارد مدل شوند.

اگرچه رویکرد معادلهٔ منفرد بدون محدودیت نیست، چندین مزیت نسبت به دیگر رویکردها دارد. نخست این‌که برخلاف مدل‌های پولی یا نظریهٔ برابری قدرت خرید (PPP)، رویکرد معادلهٔ منفرد اجازه می‌دهد نرخ ارز تعادلی به وسیلهٔ متغیرهای اساسی اقتصادی تعیین شود و مقدار آن در در طول زمان تغییر کند. دوم این‌که، رویکرد معادلهٔ منفرد براساس چارچوب حداکثرسازی روشن و صریح پایه-ریزی شده است که محدودیت بودجهٔ دولتی و خصوصی را با هم در می‌آمیزد. سوم این‌که، نیاز این رویکرد به داده‌های سری زمانی معدودکننده، آن را نسبت به رویکرد تعادل اقتصاد کلان کاربردی‌تر ساخته است.

بسیاری از پژوهش‌ها برای محاسبهٔ نرخ ارز تعادلی و انحرافات آن در کشورهای در حال توسعه از رویکرد معادلهٔ منفرد استفاده کرده‌اند. برای مثال البادوی و سوتو[2](۱۹۹۴)، ادواردز[3](۱۹۸۹)، چنگ[4](۲۰۰۵)، چنگ و اردن[5](۲۰۰۷)،

---

[1] - Agenor
[2] - Elbadawi & Soto
[3] - Edwards
[4] - Cheng
[5] - Cheng & Orden

ژانگ[1](۲۰۰۲)، ماتیسن[2](۲۰۰۳) می‌توان نام برد. همچنین پاتناک و پولی[3](۲۰۰۱) از رویکرد تک‌معادله برای برآورد نرخ ارز تعادلی در هند استفاده کردند. در این مطالعه، نرخ ارز تابعی از نرخ مورد انتظار، تغییرات نرخ بهره واقعی، حق بیمهٔ ریسک، مداخله‌های بانک مرکزی و یک اختلال تصادفی در نظر گرفته شده است. نتایج مطالعه نشان داد که در دههٔ ۱۹۹۰ روپیه نزدیک به تعادل در بازار محصول تعیین شده بود. اگرچه به دلیل تعدیل‌های اندک این بازار، نرخ ارز برای همیشه در حد تعادلی باقی نماند و انحراف از نرخ تعادلی بازار محصول، رایج و عادی بود. با وجود این، وقتی روپیه در مقایسه با نرخ بلند مدت، کم یا بیش از حد برآورد شده بود، زیر فشار بازار مالی، گرایش برگشتن به حالت تعادل وجود داشته است. سرا و ساکزنا[4](۲۰۰۲) با استفاده از رویکرد تک‌معادله، انحراف روپیه هند را پیش از بحران ۱۹۹۱ بررسی کردند. نتایج این مطالعه نشان داد که بیش برآورد نرخ ارز، در ایجاد بحران نقش معنی‌داری بازی کرده و رکود شدید نرخ ارز را موجب شده است.

در این پژوهش نرخ ارز تعادلی بلندمدت با استفاده از رویکرد معادله منفرد و رهیافت VECM برآورد می‌شود. محاسبهٔ مقدار حمایت‌ها در قالب راه‌گزین نرخ ارز تعادلی مبتنی بر نتایج این قسمت خواهد بود، همچنین با استفاده از الگوی اقتصادسنجی VECM نرخ ارز تعادلی تا پایان برنامهٔ پنجم توسعه پیش‌بینی می‌شود و نتایج آن در بخش پیش‌بینی روند سیاست‌های حمایتی مورد استفاده قرار می‌گیرد. در ادامه نتایج محاسبهٔ نرخ ارز تعادلی و مقادیر انحراف نرخ ارز واقعی از مقادیر تعادلی بلندمدت آن طی برنامه‌های اول تا چهارم و همچنین پیش‌بینی برنامهٔ پنجم ارائه می‌شود.

---

[1] - Zhang
[2] - Mathisen
[3] - Patnaik & Paul
[4] - Cerra and Saxena

٤-٤ چگونگی برآورد نرخ ارز تعادلی بلندمدت در ایران

همان طور که گفته شد، نرخ ارز تعادلی بلندمدت یک متغیر قابل مشاهده نیست و باید برآورد شود. با این‌حال، براساس نظریهٔ اقتصادی این نرخ مشاهده‌ناپذیر، خود تابعی از متغیرهای مشاهده‌پذیر اقتصاد کلان است. روش‌های اقتصادسنجی ابزار مناسبی برای کشف رابطهٔ تابعی مذکور به شمار می‌رود.

در پژوهش پیش رو، برای محاسبهٔ نرخ ارز تعادلی از «رویکرد تعادل واقعی معادله منفرد» و الگوی ارائه‌شده توسط چنگ و اردن (۲۰۰۷) استفاده می‌شود. برای این منظور، ابتدا شکل کلی الگوی اقتصادسنجی معرفی، و متغیرهای آن توضیح داده می‌شود، سپس نتایج بررسی ایستایی سری‌های زمانی متغیرهای مورد استفاده، و نیز روش‌های پیش‌بینی و نتایج برآورد نرخ ارز تعادلی بیان می‌شود.

۱-٤-٤ معرفی متغیرهای مورد بررسی

شکل کلی الگوی برآورد نرخ ارز تعادلی برای ایران به صورت رابطه (۱) است. در این رابطه نرخ واقعی ارز با متغیرهای کلان اقتصادی تعریف می‌شود. متغیرهای کلان به کار رفته در رابطهٔ (۱) نیز در ادامه تعریف می‌شوند:

(۴-۱)

$$LRER = f(LGEX_1, LGEX_2, LGOLD, LOPEN, TFP, LTOT, LWD, LOIL)$$

الف) لگاریتم مخارج جاری دولت به تولید ناخالص داخلی: از تقسیم مخارج جاری دولت به تولید ناخالص داخلی به‌دست خواهد آمد، که در آن GEX_1 مخارج جاری دولتی و GDP تولید ناخالص داخلی ایران است. با افزایش مخارج جاری دولت، انتظار بر این است که تقاضا برای کالاهای مصرفی افزایش یابد. باتوجه به اینکه کالاهای مصرفی در مقایسه با کالاهای سرمایه‌ای ارزبری بسیار کمتری دارند،

تقاضا برای ارز کاهش می‌یابد و با کاهش تقاضا برای ارز، نرخ ارز واقعی نیز کاهش خواهد یافت. بنابراین علامت انتظاری برای این متغیر، منفی است.

(۴-۲)

$$LGEX_1 = \ln\left(\frac{GEX_1}{GDP}\right)$$

ب) **لگاریتم مخارج عمرانی دولت به تولید ناخالص داخلی:** از تقسیم مخارج عمرانی دولت به تولید ناخالص داخلی به‌دست خواهد آمد، که در آن GEX_2 مخارج عمرانی دولتی و GDP تولید ناخالص داخلی ایران است. با افزایش مخارج عمرانی دولت، انتظار بر این است که تقاضا برای کالاهای سرمایه‌ای افزایش یابد. بنابراین با افزایش تقاضا برای کالاهای سرمایه‌ای، تقاضا برای ارز افزایش می‌یابد که در پی آن با افزایش تقاضا برای ارز، نرخ ارز واقعی نیز افزایش خواهد یافت. بنابراین علامت انتظاری برای این متغیر، مثبت است:

$$LGEX_2 = \ln\left(\frac{GEX_2}{GDP}\right) \qquad (۴-۳)$$

ت) **لگاریتم قیمت طلا**: از لگاریتم قیمت جهانی طلا به‌دست می‌آید. در این رابطه GOLD بیانگر قیمت جهانی طلاست. با افزایش قیمت جهانی طلا، انتظار بر این است که برای تأمین طلای مورد نیاز داخل، احتیاج به ارز بیشتری خواهد بود. در این صورت با افزایش تقاضا برای ارز، نرخ ارز واقعی نیز افزایش خواهد یافت. بنابراین علامت انتظاری برای این متغیر، مثبت است:

$$LGOLD = LOG(GOLD) \qquad (۴-۴)$$

ث) **شاخص آزادسازی تجاری:** از تقسیم مجموع ارزش صادرات و واردات بر تولید ناخالص داخلی به‌دست می‌آید که در آن VX ارزش صادرات؛ VM ارزش واردات و GDP تولید ناخالص داخلی ایران است. با بهبود شاخص آزادسازی تجاری، موانع

تعرفه‌ای در کشور رفع خواهد شد و واردات آزادانه‌تر انجام خواهد گرفت. با افزایش واردات، به طور مسلم تقاضا برای ارز نیز افزایش خواهد یافت. با افزایش تقاضا برای ارز، نرخ ارز واقعی نیز افزایش خواهد یافت. بنابراین علامت انتظاری برای این متغیر، مثبت است:

$$LOPN = \ln\left(\frac{VX + VM}{GDP}\right) \qquad (۴-۵)$$

شاخص بهره‌وری: بهره‌وری کل اقتصاد ایران با استفاده از رهیافت تحلیل پوششی داده‌ها (DEA) برآورد شد. در این رابطه، OUT_i بیانگر شاخص مقداری محصول و INP_i شاخص مقداری نهاده است. با افزایش شاخص بهره‌وری، تولیدات داخلی بهبود و نیاز وارداتی در کشور در بلندمدت کاهش خواهد یافت. با کاهش نیازهای وارداتی، تقاضا برای ارز نیز کاهش خواهد یافت. با کاهش تقاضا برای ارز، نرخ ارز واقعی نیز کاهش خواهد یافت. بنابراین علامت انتظاری برای این متغیر، منفی است:

$$TFP = \frac{OUT_i}{INP_i} \qquad (۴-۶)$$

ه) **لگاریتم رابطهٔ مبادله (LTOT)**: از تقسیم شاخص قیمت صادراتی به شاخص قیمت وارداتی به دست می‌آید، که در آن XUV شاخص قیمتی صادراتی و MUV شاخص قیمتی وارداتی است. با بهبود رابطهٔ مبادله، کاهش شاخص قیمت وارداتی به افزایش شاخص رابطهٔ مبادله منجر خواهد شد. با کاهش شاخص قیمت وارداتی برای واردات مقدار مشخصی کالا، به ارز کمتری نیاز خواهد بود. کاهش تقاضا برای ارز به کاهش نرخ ارز واقعی نیز خواهد انجامید. بنابراین علامت انتظاری برای این متغیر، منفی است. افزایش شاخص قیمت‌های صادراتی نیز ارزآوری بیشتری را در کشور به ازای صادرات مقدار مشخصی کالا در بر خواهد داشت. افزایش عرضهٔ ارز در داخل به کاهش نرخ ارز واقعی در بلندمدت منجر می‌شود.

$$LTOT = \ln\left(\frac{XUV}{MUV}\right) \quad (۴-۷)$$

نسبت نرخ بهرهٔ جهانی به نرخ سود بانکی داخلی: از تقسیم نرخ بهرهٔ جهانی به نرخ سود داخلی (نرخ سود بلندمدت در ایران) به‌دست می‌آید. در این رابطه WIR نرخ بهرهٔ جهانی و DIR نرخ سود بلندمدت داخلی است. با افزایش این شاخص، سرمایه‌گذاری خارجی در کشور افزایش یافته و تزریق و عرضهٔ ارز به بازارهای داخلی افزایش می‌یابد. با افزایش عرضهٔ ارز، نرخ ارز واقعی نیز کاهش خواهد یافت. بنابراین علامت انتظاری برای این متغیر، منفی است.

$$LWD = LOG(\frac{WIR}{DIR}) \quad (۴-۸)$$

ک) لگاریتم درآمد صادراتی نفت (LOIL): از نسبت صادرات نفتی بر تولید ناخالص داخلی به دست می‌آید. که در آن OIL در آمدهای نفتی و GDP تولید ناخالص داخلی ایران است. افزایش درآمدهای نفتی در کشور همواره افزایش واردات را در بر داشته است. اما برای این نوع واردات، ارزی تقاضا نمی‌شود، چرا که صدور نفت ارزآوری را به همراه خواهد داشت. بنابراین تقاضا برای ارز وارداتی کاهش می‌یابد. با کاهش تقاضا برای ارز، نرخ ارز واقعی نیز کاهش خواهد یافت و علامت انتظاری برای این متغیر، منفی است.

$$LOIL = \left(\frac{OIL}{GDP}\right) \quad (۴-۹)$$

نرخ ارز واقعی (برحسب برابری قدرت خرید): در این پژوهش برای محاسبهٔ نرخ ارز واقعی، از تعریف این نرخ، بر مبنای نظریهٔ برابری قدرت خرید استفاده می‌شود. براساس این نظریه، نرخ ارز واقعی از راه حاصل‌ضرب نسبت قیمت‌های خارجی به قیمت‌های داخلی در نرخ ارز غیررسمی به دست می‌آید. در بسیاری از موارد، به‌جای

استفاده از نسبت قیمت‌ها بر نسبت معیارهای قیمت تأکید شده است (فرزین‌وش، ۱۳۷۲). در این روش نرخ ارز واقعی به صورت زیر محاسبه شده است:

$$E_{PPP} = \sum_{i=1}^{m} w_i \frac{p_i}{p} E_0 \qquad (۴-۱۰)$$

که در آن E_{ppp} مقدار ارز واقعی؛ P_i معیار قیمت مصرف‌کننده در کشورهایی است که بیشترین تجارت را با کشور دارند؛ P معیار قیمت مصرف‌کننده داخلی و E_0 نرخ ارز غیر رسمی داخلی است. در پژوهش‌های پیشین، نرخ ارز مورد استفاده در این رابطه، نرخ ارز رسمی بوده است. اما باتوجه به شکست‌های بزرگی که در سال‌های ۱۳۷۱ و ۱۳۸۱ و به منظور برقراری انطباق بیشتر نرخ ارز واقعی با نرخ‌های بازار، از نرخ ارز غیررسمی در این پژوهش استفاده شده است.

به منظور بررسی ارتباط بین متغیرهای کلان اقتصادی و نرخ واقعی ارز، از آزمون هم‌جمعی بر مبنای روش توسعه یافته توسط جوهانسن (۱۹۸۸ و ۱۹۹۱) و جوهانسن و جوسلیوس (۱۹۹۰) براساس الگوی خودتوضیح برداری (VAR) استفاده می‌شود. چارچوب آزمون براساس مدل خودرگرسیونی (VAR) به شکل زیراست:

$$y_t = c + \sum_{i1}^{p} \varphi_i \, y_{t-i} + \varepsilon_t \qquad (۴-۱۱)$$

که در آن y_t بردار $(N\times1)$؛ C بردار عرض از مبدأ؛ ϕ_i ماتریس ضرایب خودرگرسیونی و ε_t یک پروسهٔ نوفه سفید است. با استفاده از الگوی سیستمی VAR می‌توان روابط تعادلی و بلندمدت میان متغیرها را مورد بررسی قرار داد و ضرایب بلندمدت را به‌دست آورد و همچنین اثر تکانه‌ها را به صورت زمان‌بندی‌شده مورد ارزیابی قرار داد. اگر رابطهٔ بلندمدت بین متغیرها وجود داشته باشد، می‌توان الگوی تصحیح خطای برداری مربوط به این دو متغیر را به صورت زیر نوشت (اندرس، ۱۹۹۵ و چانگ، ۱۹۹۷):

$$\alpha_i(y_{1,t-1}-\beta_1 y_{2,t-1})=\Delta y_{i,t}-\gamma_{i1,1}\Delta y_{1,t-1}-\gamma_{i2,1}\Delta y_{2,t-1}-u_{i,t} \qquad (۴-۱۲)$$

با در نظر گرفتن ایستا بودن جملات اخلال، می‌توان عنوان کرد که اگر αها مخالف صفر باشند، رابطهٔ $y_{1,t-1}-\beta_1 y_{2,t-1}$ نیز بی‌شک ایستا و نشان‌دهندهٔ یک رابطهٔ همجمعی خواهد بود. رابطهٔ تصحیح خطای برداری بالا را برای چند متغیر می‌توان به صورت زیر نوشت:

$$\Delta y_t=\pi y_{t-1}+\Gamma_1\Delta y_{1,t-1}+.....+\Gamma_{P-1}\Delta y_{1,t-P+1}u_t \qquad (۴-۱۳)$$

در رابطهٔ فوق می‌توان $\pi=\alpha\beta'$ را نیز در نظر گرفت که در آن β ماتریس بردارهای روابط بلندمدت و α ماتریس ضرایب تعدیل روابط کوتاه‌مدت به بلندمدت است. همچنین Γ بیانگر عملگر وقفه است.

سرانجام برای محاسبهٔ نرخ ارز تعادلی بلندمدت و پس از تعیین عوامل بلندمدت مؤثر بر نرخ ارز واقعی توسط مدل تصحیح خطای برداری، باید اثر تکانه‌های موقت را از سری محاسبه‌شدهٔ نرخ ارز تعادلی حذف کرد. بدین منظور، از روش روند زمانی فیلتر هودریک- پرسکات (HPF)[1] استفاده شد. فیلتر هودریک- پرسکات با حداقل کردن مجموع مجذورات انحراف متغیر سری زمانی Xt از روند آن (t) به دست می‌آید. در واقع مقادیر روند فیلتر هودریک- پرسکات، مقادیری‌اند که رابطهٔ زیر را حداقل می‌کند:

$$\sum_{t=1}^{T}(x_t-\mu_t)^2+\lambda\sum_{t=2}^{T-1}\left[(\mu_{t+1}-\mu_t)-(\mu_t-\mu_{t-1})\right]^2 \qquad (۴-۱۴)$$

[1] - Hodrick-Prescott Filter

که در آن T تعداد مشاهدات و λ پارامتر عامل موزون است که مقدار هموار بودن روند را تعیین می‌کند (هودریک و پرسکات، ۱۹۹۷). هر چه مقدار λ بزرگ‌تر انتخاب شود، دلیل بر هموارسازی بیشتر است و در حد، سری زمانی به سمت خطی شدن پیش می‌رود. این فیلتر دوطرفه است و از این رو مشکل تغییر فاز دوره را از بین می‌برد (هودریک و پرسکات، ۱۹۹۷). شاخص انحراف نرخ ارز واقعی از مسیر تعادلی خود نیز براساس تعریف آن به صورت زیر محاسبه می‌شود:

$$Mis = \left(\frac{RER - ERER}{ERER} \right) \times 100 \qquad (۴-۱۵)$$

که درآن MIS درصد انحراف نرخ ارز؛ RER نرخ واقعی ارز و ERER نرخ ارز تعادلی بلندمدت است. داده‌ها و اطلاعات مورد نیاز در این پژوهش از بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۹۱) و بانک جهانی (۲۰۱۲) جمع‌آوری شده است.

۲-٤-٤ نتایج بررسی پایایی متغیرهای مدل

روش‌های معمول اقتصادسنجی در برآورد ضرایب الگو با استفاده از داده‌های سری زمانی، براین فرض استوارند که متغیرهای الگو ایستا هستند. یک متغیر سری زمانی وقتی ایستاست که میانگین، واریانس و ضریب خودهمبستگی آن در طول زمان ثابت باقی بماند. اگر متغیرهای سری زمانی مورد استفاده در برآورد ضرایب الگو ناایستا باشند، در عین حالی که ممکن است هیچ رابطهٔ مفهوم‌داری بین متغیرهای الگو وجود نداشته باشد، می‌تواند ضریب تعیین (R^2) به‌دست‌آمدهٔ آن بسیار بالا باشد و موجب استنباط نادرست محقق دربارهٔ مقدار ارتباط بین متغیرها شود. ضمن این‌که وجود متغیرهای ناایستا در الگو سبب بی‌اعتباری آزمون‌های t و F معمول می‌شوند. بر این اساس پیش از برآورد الگوی نهایی و بلندمدت، به بررسی پایایی متغیرهای مورد بررسی پرداخته می‌شود. همان‌گونه که نتایج جدول (۱-۴) نشان می‌دهد، همهٔ متغیرهای مورد بررسی با یک بار تفاضل‌گیری پایا هستند. بنابراین در صورت وجود

ارتباط بلندمدت بین متغیرهای مورد بررسی، می‌توان از الگوی VECM بـه منظـور برآورد نتایج استفاده کرد.

جدول ۱-۴) بررسی پایایی متغیرها با یکبار تفاضل‌گیری با استفاده از رهیافت دیکی فولر تعمیم یافته

متغیر	آمارهٔ برآوردی	آمارهٔ بحرانی	نوع الگوی برآوردی
لگاریتم نرخ ارز واقعی	-۵/۵۴۸**	-۴/۲۶۳	با عرض از مبدأ و روند
لگاریتم نسبت هزینه‌های جاری دولت به تولید ناخالص داخلی	-۳/۹۹۹*	-۳/۵۵۲	با عرض از مبدأ و روند
لگاریتم نسبت هزینه‌های عمرانی دولت به تولید ناخالص داخلی	-۵/۳۵۳**	-۴/۲۶۳	با عرض از مبدأ و روند
لگاریتم قیمت جهانی طلا	-۶/۷۰۵**	-۴/۲۶۳	با عرض از مبدأ و روند
لگاریتم درآمدهای نفتی به تولید ناخالص داخلی	-۳/۲۰۸*	-۲/۹۶۴	با عرض از مبدأ و بدون روند
لگاریتم نسبت بهرهٔ جهانی به سود داخلی	-۵/۸۲۲**	-۴/۲۶۳	با عرض از مبدأ و روند
لگاریتم درجهٔ باز بودن اقتصادی به تولید ناخالص داخلی	-۵/۳۸۱**	-۴/۲۶۳	با عرض از مبدأ و روند
لگاریتم رابطهٔ مبادله بازرگانی	-۳/۵۷۲**	-۳/۵۵۳	با عرض از مبدأ و روند

** و * به ترتیب معنی‌داری در سطح یک و پنج درصد

منابع: یافته‌های تحقیق

۳-٤-٤ نتایج آزمون مرتبه همگرایی

همان‌طور که گفته شد پیش از آزمون همگرایی باید تعداد وقفه‌های بهینه، وجود روند و عرض از مبدأ در روابط کوتاه‌مدت و بلندمدت مشخص شود. برای تعیین تعداد وقفه‌های بهینه، نخست باید الگوی خودتوضیح برداری برازش شود. در این پژوهش، با توجه به وجود روند در سری‌های زمانی متغیرهای الگو، از حالت چهارم آزمون جوهانسن که بیانگر وجود عرض از مبدأ در روابط کوتاه‌مدت، و وجود روند و عرض از مبدأ در روابط بلندمدت است، استفاده می‌شود. در جدول ۲-۴ نتایج معیارهای تعیین طول وقفه برمبنای یک الگوی خودتوضیحی برداری، براساس معیارهای مختلف گزارش شده است. نتایج بیانگر وجود ۲ وقفه در الگوست، از این رو، آزمون جوهانسن با طول وقفهٔ یک (یک وقفه کمتر از وقفهٔ بهینه گزارش شده درالگوی VAR) برای بررسی روابط بلندمدت استفاده خواهد شد.

جدول ۲-۴) نتایج آزمون طول وقفه بهینه در الگو

تعداد وقفه	SC	AIC	FPE	HQ	LR
۰	-۰/۱۸۴	-۱/۶۵۰	$۲/۶۸\times۱۰^{-۱۱}$	۱/۱۶۴	NA
۱	-۳/۸۳۳	-۸/۲۳۱	$۵/۰۰\times۱۰^{-۱۴}$	-۶/۷۷۳	۲۲۷/۶۹۴
۲	۶/۵۶۲*	-۱۳/۸۹۲*	$۷/۲۳\times۱۰^{-۱۶}$*	-۱۱/۴۶۲*	۱۱۵/۹۲۲*

* معنی‌داری در سطح پنج درصد

منابع: یافته‌های تحقیق

نتایج آزمون مرتبـهٔ همگرایـی در جـدول‌هـای ۳-۴ و ۴-۴ گـزارش شـده اسـت. براساس نتایج حالت چهارم در جدول ۳-۴، هر دو آمارهٔ اثر (trace) و حداکثر مقدار ویژه (Max-Eigen Value)، وجود یک رابطهٔ بلندمدت را در الگو تأیید می‌کند.

جدول ۳-۴) نتایج آزمون همگرایی یوهانسن برای تعیین تعداد روابط بلندمدت در حالت‌های مختلف

نوع روند داده‌ها	بدون روند	بدون روند	روند خطی	روند خطی	روند درجهٔ دوم
حالت آزمون	حالت اول	حالت دوم	حالت سوم	حالت چهارم	حالت پنجم
	بدون جزء ثابت	با عرض از مبدأ	با عرض از مبدأ	با عرض از مبدأ	با عرض از مبدأ
	بدون روند	بدون روند	بدون روند	با روند	با روند
آماره اثر	۲	۲	۲	۱	۲
حداکثر مقدار ویژه	۱	۱	۰	۱	۱

منابع: یافته‌های تحقیق

همان‌طور که در جدول ۴-۴ مشاهده می‌شود، با توجه به وجود روند در داده‌های تحقیق، نتایج حالت‌های اول و دوم مورد نظر نیست. همچنین، بررسی روند داده‌ها و ترسیم آنها و نیز نتایج آزمون دیکی‌فولر نشان می‌دهد، روند درجهٔ دوم در داده‌ها وجود ندارد؛ بنابراین حالت پنجم نیز مورد نظر نیست. ضمن این که حالت سوم بر این فرض استوار است که با وجود عرض از مبدأ در روابط کوتاه‌مدت، در روابط بلندمدت روند وجود ندارد.

جدول ۴-۴) نتایج آزمون تعیین مرتبه همگرایی یوهانسن در حالت چهارم

فرض صفر	آماره اثر	آماره حداکثر مقدار ویژه
صفر رابطهٔ بلندمدت	۱۷۸/۸۹۲*	۵۹/۶۱۷*
حداکثر یک رابطهٔ بلندمدت	۱۱۹/۲۷۵	۳۲/۵۳۸
حداکثردو رابطهٔ بلندمدت	۸۶/۷۳۷	۲۴/۷۸۶
حداکثرسه رابطهٔ بلندمدت	۶۱/۹۵۲	۲۱/۶۶۳
حداکثر چهار رابطهٔ بلندمدت	۴۰/۲۸۹	۱۷/۶۵۲
حداکثر پنج رابطهٔ بلندمدت	۲۲/۶۳۷	۱۳/۰۸۹
حداکثر شش رابطهٔ بلندمدت	۹/۵۴۸	۹/۳۰۰
حداکثر هفت رابطهٔ بلندمدت	۰/۲۴۷	۰/۲۴۷

* معنی‌داری در سطح یک درصد

منابع: یافته‌های تحقیق

به این ترتیب، در این تحقیق حالت چهارم در نظر گرفته شد. بر این اساس، و با توجه به هر دو آمارهٔ اثر و حداکثر مقدار ویژه، وجود یک رابطهٔ بلندمدت در الگو تأیید شد. نتایج تفصیلی حالت چهارم در جدول ۴-۴ ارائه شده است. با توجه به این که مقادیر آماره اثر و حداکثر مقدار ویژه در تکرار اول از مقادیر بحرانی خود بیشتر است، در این حالت وجود یک رابطهٔ بلندمدت در سطح احتمال پنج درصد تأیید می‌شود.

به این ترتیب، با توجه به این که همهٔ متغیرها، انباشته از درجه یک است و همچنین با توجه به تأیید وجود یک رابطهٔ بلندمدت میان آنها، الگوی تصحیح خطای برداری برای برآورد نرخ ارز تعادلی انتخاب می‌شود. در ادامه فرایند برازش الگوی تصحیح خطای برداری، آزمون‌های مربوطه، و نتایج آن بررسی می‌شود.

٤-٤-٤ آزمون‌های نرمال بودن، همبستگی سریالی و ثبات سیستم در الگو

برای اطمینان از درست بودن انتخاب طول وقفه باید نرمال بودن اجزای اخلال، ثبات سیستم، همبستگی پیاپی و ناهمسانی واریانس میان جملات اخلال در الگوی تصحیح خطای برداری بررسی شود. برای این منظور از آزمون‌های LM[1]، JB[2]، پرتمنتو[3] و ثبات سیستم (AR Root) استفاده شده است. تشخیص نادرست تعداد وقفه‌ها سبب ایجاد همبستگی سریالی، بی‌ثباتی الگو و نرمال نبودن اجزای اخلال می‌شود و نتایج الگو را زیر سؤال می‌برد. نتایج آزمون‌های فوق در جدول ۵-۴ گزارش شده است. بر این اساس، درستی تعداد وقفهٔ تعیین‌شده بر مبنای معیار شوارتز تأیید می‌شود. نتایج جدول ۵-۴ نشان می‌دهد با توجه به این که سطح احتمال آماره جاکو- برا (۰/۱۲۶) از ارزش احتمال ۰/۱ بیشتر شده است، فرضیهٔ صفر مبنی بر نرمال بودن جزء اخلال پذیرفته می‌شود. به این معنی که اجزای اخلال در رابطهٔ بلندمدت دارای توزیع نرمال هستند.همان‌طور که گفته شد، آزمون‌های LM و پرتمنتو نیز برای بررسی همبستگی پیاپی میان اجزای اخلال در الگوی برازش‌شده انجام پذیرفت. در این آزمون‌ها فرض صفر مبنی بر نبود همبستگی پیاپی میان جملات باقیماندهٔ الگوست. این فرض براساس جدول ۵-۴ پذیرفته می‌شود. به بیان دیگر، احتمال وجود همبستگی پیاپی میان جملات پسماند الگو رد می‌شود، زیرا همهٔ سطوح احتمال مربوط به دو آزمون فوق از سطح بحرانی ۰/۱ برای احتمال ۹۰ درصد بیشتر است. بنابراین تعداد وقفهٔ انتخاب شده موجب ایجاد همبستگی میان اجزای اخلال نشده است.

---

[1] Lagrange multiplier
[2] Jarque-Bera
[3] Portmanteau

جدول ۵-۴) نتایج آزمون نرمال بودن جملات پسماند، آزمون LM و پرتمنتو در رابطه بلندمدت

آماره جاکو- برا	LM	(Q-Stat)Portmanteau
۴/۱۴۱	۶۸/۷۵۶	۷۱/۰۲۴
(۰/۱۲۶)	(۰/۸۳۲)	(۰/۷۲۰)

منابع: یافته‌های تحقیق

نتایج آزمون ثبات سیستم در الگوی خودتوضیح‌برداری برازش‌شده در نمودار ۱-۴ نشان داده شده است. همان طور که مشاهده می‌شود، همهٔ ریشه مشخصه‌های معکوس مدل، داخل دایره به شعاع واحد قرار گرفته است. این مسئله بیانگر ثبات سیستم الگوست.

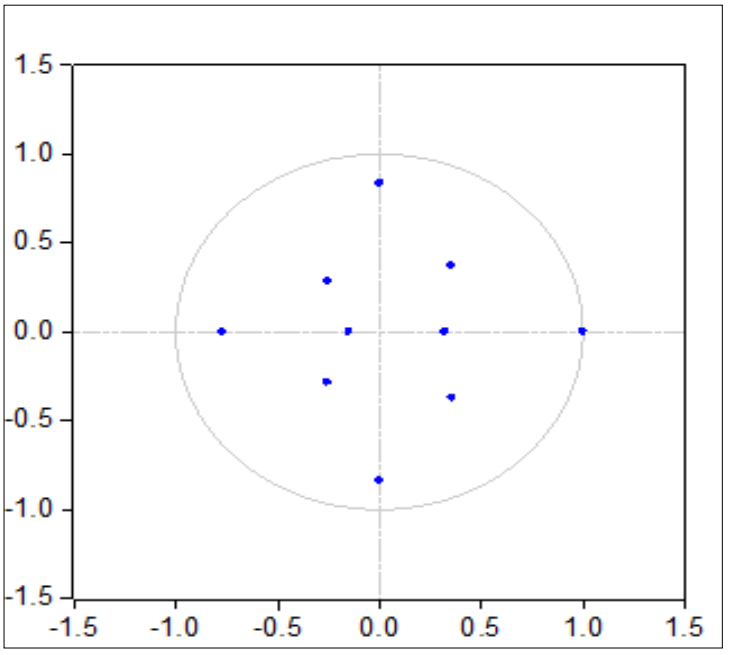

نمودار۱-۴) نتایج آزمون ثبات سیستم الگوی برآوردی VAR

٤-٥ نتایج برازش الگوی اقتصادسنجی (VECM)

نتایج برآورد رابطه بلندمدت نرخ ارز واقعی در جدول ۶-۴ گزارش شده است. همان‌طور که مشاهده می‌شود الگو از لحاظ آماری پذیرفتنی است. به طوری که، آماره F بیانگر معنی‌دار بودن کل الگوست. همچنین، همهٔ متغیرهای توضیحی بر متغیر وابسته اثر معنی‌دار دارند. به عبارت دیگر، نرخ ارز واقعی از این متغیرها اثر می‌پذیرد. در ادامه چگونگی اثرگذاری هر متغیر و انطباق آن با نظریه بررسی می‌شود.

براساس نتایج، رابطهٔ مبادلهٔ بازرگانی بر نرخ ارز واقعی اثر منفی دارد و این اثر در سطح پنج درصد معنی‌دار است. رابطهٔ مبادلهٔ تجاری منعکس‌کنندهٔ کنترل‌های ارزی و تجاری است. اقتصاد ایران در دوره‌های مختلف شاهد اعمال انواع کنترل‌های ارزی و تجاری بوده است. با وجود این شدت این کنترل‌ها در دوره‌های مختلف متفاوت بوده است. با توجه به لگاریتمی بودن الگوی برآوردی، ضریب هر متغیر بیانگر کشش آن است. بر این اساس، ضریب متغیر رابطهٔ مبادله بازرگانی نشان می‌دهد که با افزایش یک درصدی در مقدار شاخص رابطهٔ مبادلهٔ بازرگانی، نرخ ارز واقعی به اندازه ۵/۱۰۸ درصد کاهش می‌یابد. معکوس بودن رابطه همان‌طور که پیشتر به آن اشاره شد، مطابق انتظار است.

یکی از عوامل مهم تأثیرگذار بر نرخ واقعی ارز که حرکت‌های آن را در بلندمدت تحت تأثیر قرار می‌دهد، محدودیت‌های تجاری و در نهایت درجهٔ باز بودن اقتصاد است. وضع تعرفه بر ورود انواع کالاهای وارداتی، یکی از این محدودیت‌هاست

جدول ۶-۴) برآورد الگوی تصحیح خطای برداری و تعیین رابطه بلندمدت

متغیرها (متغیر وابسته: لگاریتم نرخ ارز واقعی)	ضرایب	انحراف استاندارد	آماره t
LOPEN (درجه باز بودن اقتصاد)	۱/۳۹۹**	۰/۲۵۷	۵/۶۹۲
LTOT (رابطه مبادله بازرگانی)	-۵/۱۰۸**	۰/۲۹۶	-۱۷/۲۷۰
LOIL (درآمد نفتی)	-۲/۸۹۹**	۰/۲۴۵	-۱۱/۷۹۵
LGOLD (قیمت جهانی طلا)	۰/۷۲۱*	۰/۳۷۵	۱/۹۲۱
LG2/LG1 (نسبت مخارج عمرانی به مخارج جاری دولت)	۰/۷۴۶**	۰/۲۳۸	۳/۱۲۸
LRPA (شاخص بهره‌وری اقتصاد)	-۱۲/۶۳۸**	۱/۷۰۲	-۷/۴۲۵
LWIR/LNERKH نسبت(نرخ بهره جهانی به نرخ سود داخلی)	-۴/۰۶۰**	۱/۰۸۵	-۳/۷۴۰
C (ضریب ثابت)	-۵/۴۹۷	---	---
ضریب تعدیل شوک LRER	-۰/۲۵۸**	۰/۰۵۱	-۵/۰۷۶

F-Statistic = 5.089
Determinant resid covariance (dof adj.) 1.87E-15
Determinant resid covariance = 7.32E-18
Log likelihood= 268.0522
Akaike information criterion=-8.253
Schwarz criterion=-2.0239

** سطح احتمال ۱٪ و * سطح احتمال ۵٪

منابع: یافته‌های تحقیق

کاهش تعرفه، موجب کاهش قیمت داخلی کالاهای وارداتی و در نتیجه افزایش تقاضای واردات می‌شود. افزایش تقاضای وارداتی نیز نیاز به ارز بیشتر خواهد داشت و

تقاضا برای ارز و در نهایت نرخ ارز را افزایش خواهد داد. برآورد کشش این متغیر بیانگر آن است که یک درصد افزایش در این شاخص، به افزایش ۱/۳۹۹ درصدی در نرخ واقعی ارز منجر می‌شود. این نتیجه در سطح یک درصد معنی‌دار است.

متغیر درآمدهای نفتی نیز، مطابق انتظار، در بلندمدت بر نرخ ارز واقعی اثر منفی دارد. این اثر در سطح یک درصد معنی‌دار است. پژوهش‌های متعدد نشان می‌دهد که افزایش درآمدهای نفتی موجب افزایش حجم پول، افزایش تورم، افزایش واردات می‌شود و در نتیجه کاهش نرخ واقعی ارز را در پی دارد. در واقع، رشد درآمدهای نفت موجب شده موازنهٔ پرداخت‌ها غیرواقعی و جدا از بنیهٔ اقتصاد کشور باشد؛ از این رو، نرخ ارز ارزان‌تر از آنچه تجارت غیرنفتی می‌توانست تحمل کند، تعیین می‌شود. ضریب برآوردشده نشان می‌دهد که چنانچه یک درصد به شاخص درآمدهای نفتی اضافه شود، نرخ ارز واقعی به اندازهٔ ۲/۸۹۹ درصد کاهش می‌یابد. باتوجه به نتایج جدول ۵، قیمت جهانی طلا بر روی نرخ ارز واقعی اثر مثبت دارد. این ارتباط مثبت در سطح پنج درصد معنی‌دار است. به طور معمول، در اقتصاد ایران افزایش نرخ ارز و طلا با هم همراه هستند، به طوری که با افزایش قیمت طلا در بازارهای جهانی، تقاضا برای دلار نیز افزایش می‌یابد. ضریب این متغیر بیانگر آن است که با افزایش یک درصدی در شاخص قیمت جهانی طلا، نرخ ارز واقعی در کشور به اندازهٔ ۰/۷۲۱ درصد افزایش می‌یابد.

در این تحقیق، مخارج دولت به دو دسته مخارج جاری و مخارج عمرانی تقسیم شد که اثر هر کدام بر نرخ واقعی ارز متفاوت است. نتایج نشان می‌دهد این مخارج دولت اثر دوگانه بر نرخ واقعی ارز دارد. اگر هزینه‌های جاری سهم عمده مخارج دولت را به خود اختصاص دهد، از آنجا که این هزینه‌ها ارزبری کمتری دارد، تقاضای دولت برای ارز کمتر می‌شود و از این رو، نرخ ارز واقعی نیز کاهش می‌یابد و چنانچه سهم عمده مخارج دولت به هزینه‌های عمرانی اختصاص یابد، از آنجا که این هزینه‌ها

ارزبری بیشتری دارند، تقاضای دولت برای ارز و از این رو، نرخ ارز واقعی افزایش می‌یابد. با توجه به ضریب برآوردی، افزایش یک درصدی در شاخص نسبت مخارج عمرانی به جاری دولت، نرخ ارز واقعی را به اندازه ۰/۷۴۶ درصد افزایش خواهد داد. این اثر نیز در سطح یک درصد معنی‌دار است.

شاخص بهره‌وری اقتصاد نیز با نرخ ارز واقعی رابطهٔ منفی و معنی‌داری دارد. به‌طوری که این اثر در سطح یک درصد معنی‌دار است. همان‌طور که در توضیح متغیرهای مورد بررسی اشاره شد، این رابطه نیز مطابق انتظار است. اگر فرض افزایش نرخ دستمزدها به واسطه ارتباط بهره‌وری در اقتصاد برقرار باشد، دستمزدها نیز به واسطهٔ بهره‌وری کالاهای غیرتجاری افزایش می‌یابند. این شرایط به افزایش سطح عمومی قیمت‌ها در اقتصاد و کاهش نرخ واقعی ارز منجر می‌شود. همچنین با افزایش بهره‌وری، تولید ملی تقویت شده و نیاز به واردات و در نتیجه نیاز به ارز خارجی کاهش خواهد یافت. بنابراین با کاهش تقاضای ارز، نرخ ارز نیز تقلیل می‌یابد. نتایج این تحقیق نشان می‌دهد افزایش یک درصدی در شاخص بهره‌وری، موجب کاهش ۱۲/۶۳۸ درصدی نرخ ارز واقعی می‌شود. این رقم نیز منطقی به نظر می‌رسد، چرا که تلاش بسیاری در اقتصاد لازم است که بهره‌وری را به اندازهٔ یک درصد در همهٔ بخش‌ها و زیربخش‌های اقتصادی کشور افزایش دهد. در نهایت یکی از متغیرهای اثرگذار بر نرخ ارز واقعی اقتصاد، نسبت نرخ بهرهٔ جهانی به نرخ سود داخلی است. این اثر نیز منفی است و در سطح یک درصد معنی‌دار است. همان‌طور که پیشتر بیان شد، با افزایش نرخ بهرهٔ جهانی نسبت به نرخ سود در داخل کشور، جریان ورودی سرمایه به داخل کشور افزایش می‌یابد و موجب می‌شود ارزش ریال در مقابل دلار تقویت شود، در نتیجه نرخ واقعی ارز کاهش یابد. همان‌طور که ضریب برآوردی در مورد این متغیر نشان می‌دهد، افزایش یک درصدی شاخص مربوطه، موجب می‌شود نرخ ارز واقعی به اندازهٔ ۴/۰۶۰ درصد کاهش یابد.

ضریب تعدیل شوک نیز بیانگر آن است که چنانچه در اقتصاد شوک‌های کوتاه‌مدت وارد شوند، این شوک‌ها در بلندمدت تعدیل خواهد شد. مدت زمان لازم برای تعدیل اثر شوک‌های کوتاه‌مدت ۳/۸۷ دوره است. به عبارت دیگر، چنانچه شوکی به نرخ ارز واقعی در کوتاه مدت وارد شود، حدود ۴ سال به طول خواهد انجامید تا اثر این شوک به طور کامل خنثی شود.

٦-٤ نتایج برآورد نرخ ارز تعادلی بلندمدت و انحرافات ارزی

پس از برآورد الگوی نهایی VECM، روند بلندمدت همهٔ متغیرهای مورد بررسی با استفاده از فیلتر Hodric-Prescott، تعیین، سپس الگوی بلندمدت نرخ ارز تعادلی نیز با استفاده از روندهای متغیرهای بلندمدت، مطابق با جدول (۷-۴) برآورد شد.

نتیجهٔ برآورد نرخ ارز تعادلی و مقایسهٔ آن با نرخ‌های ارز واقعی، در نمودار (۲-۴) نشان داده شده است. همان‌طور که نتیجهٔ این الگو نشان می‌دهد، رابطهٔ برآوردی نرخ ارز تعادلی، به صورت خطی نیست. به طوری که در سال‌های اول با سرعت کمتر، ولی در سال‌های پایانی با سرعت بیشتری افزایش می‌یابد.

نمودار ۲-۴) روند نرخ ارز رسمی و واقعی و تعادلی در ایران

جدول ۷-۴) نرخ ارز رسمی، واقعی و تعادلی در ایران (ارقام به ریال)

سال	واقعی	تعادلی	انحراف	میانگین	دلار	ریال
1354	67	83/69	-0/20			
1355	77	122/65	-0/37			
1356	87	179/75	-0/52			
1357	114	263/44	-0/57			
1358	409	386/08	0/06			
1359	632	561/1	0/13			
1360	1015	800/39	0/27			
1361	1539	1107/98	0/39			
1362	2043	1473/3	0/39			
1363	2762	1870/27	0/48			
1364	1964	2261/56	-0/13			

سال	واقعی	تعادلی	انحراف	میانگین	دلار	ریال
1365	2538	2608/7	-0/03			
1366	5047	2872/25	0/76			
1367	5727	3016/26	0/90			
1368	4573	3036/06	0/51	-0/13	Over evaluate	Under evaluate
1369	2843	2970/82	-0/04			
1370	2565	2876/97	-0/11			
1371	1486	2805/42	-0/47			
1372	1356	2790/68	-0/51			
1373	1678	2858/35	-0/41			
1374	2057	3023/69	-0/32	0/03	Under evaluate	Over evaluate
1375	2762	3295/17	-0/16			
1376	3644	3676/72	-0/01			
1377	5549	4167/55	0/33			
1378	6137	4753/85	0/29			
1379	6332	5414/03	0/17	0/1	Under evaluate	Over evaluate
1380	7154	6138/82	0/17			
1381	7823	6923/48	0/13			
1382	8066	7767/17	0/04			
1383	8429	8670/77	-0/03			
1384	9042	9637/12	-0/06	-0/08	Over evaluate	Under evaluate
1385	9538	10681/3	-0/11			
1386	10277	11824/7	-0/13			
1387	12064	13075/7	-0/08			
1388	13968	14448/4	-0/03			

منابع: یافته‌های تحقیق

همان‌طور که در جدول (۷-۴) مشخص است، نرخ ارز تعادلی برآوردشده برای سال‌های پایانی ۱۳۸۷ و ۱۳۸۸، به ترتیب ۱۳۰۷۵/۷ و ۱۴۴۴۸/۴ ریال است. این در حالی است که نرخ ارز واقعی در این سال‌ها، به ترتیب ۱۲۰۶۴ و ۱۳۹۶۸ریال برآورد شده است. این نتیجه نشان می‌هد که نرخ ارز تعادلی اقتصاد با آنچه از برآوردهای نرخ ارز واقعی به دست می‌آید، متفاوت خواهد بود. براساس نتایج در سال‌های پیش از انقلاب نرخ ارز تعادلی بیشتر از نرخ ارز واقعی بوده، بنابراین انحرافات منفی در این سال‌ها اتفاق افتاده است، به طوری که در سال‌های پیش از انقلاب یارانهٔ پنهان به اقتصاد تزریق شده است. در سال‌های پیش از جنگ نیز به طور میانگین انحرافات مثبت در اقتصاد رخ داد و بنابراین در این سال‌ها مالیات پنهان از اقتصاد اخذ شده است. میانگین انحرافات نرخ ارز در برنامهٔ اول، دوم و سوم توسعه به ترتیب ۰/۱۳-، ۰/۰۳، ۰/۱۰ و ۰/۰۸- برآورد شد. لذا طی برنامه‌های اول و چهارم، نوعی مالیات پنهان در اقتصاد وجود داشته و ریال در این سال‌ها کم‌ارزش‌گذاری و دلار بیش‌ارزش‌گذاری شده است. این در حالی است که در برنامه‌های دوم و سوم توسعه، انحراف منفی نرخ ارز و کم‌ارزش‌گذاری دلار (بیش ارزش‌گذاری ریال) و نوعی یارانهٔ پنهان در اقتصاد وجود داشته است.

۷-٤ پیش‌بینی نرخ ارز واقعی و تعادلی و تحلیل سال‌های آتی (برنامه پنجم توسعه)

با تشریح وضعیت نرخ ارز در سال‌های مورد بررسی و تحلیل آن به تفکیک برنامه‌ها، در این قسمت، پیش‌بینی نرخ ارز واقعی و تعادلی برای سال‌های برنامه پنجم توسعه ارائه می‌شود.

با تشریح وضعیت نرخ ارز در سال‌های مورد بررسی و تحلیل آن به تفکیک برنامه‌ها، در این قسمت، پیش‌بینی نرخ ارز واقعی و تعادلی برای سال‌های برنامهٔ پنجم توسعه ارائه می‌شود. برای این منظور الگوهای مختلف AR، MA، ARIMA، VECM، Single Smoothing، Double Smoothing، و Exponential Smoothing برآورد شد. بر پایهٔ نتایج الگوی ARIMA با داشتن کمترین درصد خطای پیش‌بینی مناسب‌ترین الگو برای پیش‌بینی است. این مسئله با توجه به رفتار غیرخطی و روند فزایندهٔ نرخ ارز تعادلی قابل انتظار بود (نمودار ۲-۴). این پیش‌بینی تا پایان برنامهٔ پنجم توسعه صورت پذیرفته است. پیش‌بینی برنامهٔ پنجم با در نظر گرفتن رفتار گذشتهٔ این انحرافات، نشان‌دهندهٔ آن است که در این سال‌ها نیز انحراف منفی نرخ ارز و مالیات پنهان در اقتصاد وجود خواهد داشت. در پایان برنامهٔ پنجم توسعه نرخ واقعی و تعادلی ارز به ترتیب معادل ۱۸۲۵۱/۲۸ و ۲۴۳۲۷/۷۳ پیش‌بینی شده است.

جدول ۸-۴) پیش‌بینی چشم انداز برنامه پنجم توسعه

سال	نرخ ارز واقعی-ریال	نرخ تعادلی ارز- ریال	انحراف نرخ ارز
۱۳۸۹	۱۳۲۴۸/۸۹	۱۶۰۴۹/۴۸	-۰/۱۷۴
۱۳۹۰	۱۴۳۹۲/۵۰	۱۷۸۱۶/۹۶	-۰/۱۹۲
۱۳۹۱	۱۵۵۹۲/۹۶	۱۹۷۷۲/۶۴	-۰/۲۱۱
۱۳۹۲	۱۶۸۷۳/۴۵	۲۱۹۳۳/۱۲	-۰/۲۳۱
۱۳۹۳	۱۸۲۵۱/۲۸	۲۴۳۲۷/۷۳	-۰/۲۵۰
درصد خطای پیش-بینی	۹/۹۹	۰/۰۴۱	---

منابع: یافته‌های تحقیق

۷-۴- جمع بندی

نتایج محاسبهٔ نرخ ارز به عنون یکی از متغیرهای مهم در محاسبهٔ شاخص‌های حمایت از تولیدکننده و مصرف‌کننده، نشان داد که متغیرهای درآمدهای نفتی، شاخص رشد تولیدات صنعتی، رابطهٔ مبادلهٔ تجاری بر نرخ ارز واقعی اثر منفی و متغیرهای درجهٔ باز بودن اقتصاد و نرخ بهرهٔ جهانی و هزینه‌های دولت بر این نرخ اثر مثبت دارند. در این زمینه، محاسبهٔ نرخ ارز تعادلی نیز بیانگر آن است که نرخ ارز واقعی در اقتصاد ایران از مقدار تعادلی خود انحراف دارد. عوامل مختلف مؤثر بر تعیین نرخ ارز واقعی و همچنین اعمال سیاست‌های مختلف ارزی و تعیین دستوری نرخ ارز سبب ایجاد انحراف در این نرخ شده است. بنابراین با توجه به وجود انحراف در نرخ ارز به عنوان متغیر اساسی در محاسبهٔ شکاف قیمتی و محاسبهٔ حمایت‌های قیمتی از تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان بخش کشاورزی و کالاهای منتخب، شاخص‌های حمایت از تولیدکنندگان (PSE)، شاخص حمایت از مصرف‌کنندگان (CSE) و شاخص کل حمایت (TSE) براساس نرخ ارز واقعی و تعادلی محاسبه شده و با محاسبهٔ اختلاف مقادیر حمایت در این دو نرخ ارز، اثر سیاست‌های ارزی و انحراف نرخ ارز بر مقادیر حمایت از بخش کشاورزی مورد بررسی قرار خواهد گرفت. در فصل بعد نتایج این محاسبات به تفکیک برای هریک از کالاهای منتخب و در نهایت برای کل بخش کشاورزی ارائه می‌شود.

فصل پنجم

نتایج برآورد حمایت از محصولات منتخب بخش کشاورزی

۱-۵) مقدمه

به منظور حمایت از درآمد کشاورزان و بخش کشاورزی سیاست‌گذاری‌هایی شده است که بازنگری در وضع موجود و بیان چالش‌های هرکدام از آنها، به ویژه در رابطه با محصولات گندم، جو، ذرت، برنج، پنبه، چغندر قند، سویا، کلزا، پسته، خرما، سیب، مرکبات، گوشت‌های گاو، گوسفند و مرغ، شیر و تخم‌مرغ که از جمله محصولات راهبردی بخش کشاورزی هستند، سیاست‌گذاران را در برنامه‌ریزی و اجرای سیاست‌ها یاری می‌کند. بنابراین، پژوهش پیش رو با توجه به اهمیت محصولات نامبرده در سبد کالاهای مصرفی خانوار ایرانی و بنابراین اهمیت آنها از دیدگاه سیاست‌گذار و به منظور آگاهی از روند برنامه‌های حمایتی دولت از بخش کشاورزی در برنامهٔ های توسعه، رصد کردن سیاست‌ها و برنامه‌های گذشته و حال و تنظیم آنها برای دستیابی به هدف‌های سند چشم انداز ۲۰ سالهٔ کشور انجام پذیرفت. برای این منظور، با استفاده از شاخص‌های برآورد حمایت از تولیدکننده و مصرف‌کننده، مقدار حمایت از بخش‌های تولید و مصرف محصولات کشاورزی در بین سال‌های ۱۳۶۰ تا ۱۳۹۴ نیز برآورد می‌شود.

۲-۵ زیربخش زراعت

زیربخش زراعت از دیدگاه امنیت غذایی و تأمین نیازهای اساسی از زیربخش‌های مهم کشاورزی ایران است. محصولات گندم، جو، ذرت، برنج، پنبه، چغندرقند، سویا و کلزا از محصولات راهبردی این بخش هستند. وضعیت تولید، سطح زیرکشت محصولات زراعی و سهم محصولات نامبرده شده در این زیربخش در جدول (۲-۵) آمده است.

جدول ۲-۵) وضعیت تولید، سطح زیر کشت و سهم محصولات منتخب زیربخش زراعت ایران

برنامه های توسعه	سال	تولید زیربخش زراعت	کل سطح زیرکشت	سطح زیرکشت زیربخش زراعت	سهم زیربخش زراعت	گندم	جو	ذرت	برنج	چغندر	سویا	پنبه	کلزا	مجموع سهم محصولات منتخب
		میلیون تن	میلیون هکتار			درصد								
دورهٔ جنگی	۱۳٦۰	۲٦/۳٥	۱۱/۸۳	۱۱/۳۲	۹٥/۷۰	٥٥/۳٦	۲۰/۷٤	۰/۰۸	٤/۰٥	۱/۳۸	۰/٤۲	۱/۷٦	-	۸۳/۷۸
	۱۳٦۱	۳٥/۹۳	۱۱/۲۹	۱۰/٥۱	۹۳/۰۸	٥۸/۹۰	۱۷/٥۱	۰/۰۸	٤/٦۰	۱/۷٤	۰/٥۲	۱/۸۸	-	۸٥/۲۳
	۱۳٦۲	۳۷/۳۷	۱۱/٥۲	۱۰/۷۱	۹۳/۰۳	٥٦/۳۹	۱۸/۷۳	۰/۰۷	٤/۰۱	۱/٥۷	۰/٤۷	۱/۷۱	-	۸۲/۹٦
	۱۳٦۳	۳۹/۲٦	۱۱/٤٥	۱۰/٦٤	۹۲/۹٤	٥٦/۰۰	۲۰/۳۳	۰/۰۸	٤/۱٥	۱/۲٥	۰/٦٤	۱/۹۹	-	۸٤/٤٤
	۱۳٦٤	٤۲/۳٦	۱۲/۰۲	۱۱/۱۲	۹۲/٥۷	٥٥/٦۹	۱۸/۷۳	۰/۱۱	٤/۳۰	۱/۳۰	۰/٥۹	۱/٦۷	-	۸۲/٤۰
	۱۳٦٥	٤۷/٤۲	۱۲/۲۸	۱۱/۳٦	۹۲/٤۷	٥٥/٥۱	۱۷/۳۷	۰/۱۸	٤/۱٥	۱/٥٥	۰/٥۳	۱/٦٥	-	۸۰/۹٥
	۱۳٦٦	٤۸/۷۷	۱۲/۸۳	۱۱/۹۰	۹۲/۷٤	٥٥/۳۹	۱۸/٦٦	۰/۳۱	٤/٤۳	۱/٤٤	۰/۲٥	۱/٦۱	-	۸۲/۱۰
	۱۳٦۷	۳۷/۰۳	۱۲/٦۰	۱۱/٦۰	۹۲/۰۱	٥٦/٥۰	۲۲/۲۱	۰/۲٥	٤/۰۳	۱/۲۲	۰/٤۲	۱/٦٥	-	۸٦/۲۹
	میانگین	۳۹/۳۱	۱۱/۹۸	۱۱/۱٥	۹۳/۰۷	٥٦/۲۲	۱۹/۲۹	۰/۱٥	٤/۲۱	۱/٤۳	۰/٤۸	۱/۷٤	-	۸۳/٥۲
	ضریب پراکنش	۰/۱۸	۰/۰٥	۰/۰٤	۰/۰۱	۰/۰۲	۰/۰۹	۰/٦۳	۰/۰٥	۰/۱۳	۰/۲٥	۰/۰۷	-	۰/۰۲
برنامهٔ اول توسعهٔ اقتصادی و اجتماعی	۱۳٦۸	۳۸/٦۸	۱۳/۱۳	۱۲/۱۰	۹۲/۱٥	٥۱/۷۲	۲۱/۹۲	۰/۲۱	٤/۲۹	۱/۲٤	۰/٥۲	۱/۸۸	-	۸۱/۷۸
	۱۳٦۹	٤٥/۳۹	۱۳/۱۱	۱۲/۰۱	۹۱/٦٦	٥۲/۲٦	۲۱/۸۸	۰/۲٥	٤/۳٦	۱/۲٤	۰/٥۷	۱/۸٤	-	۸۲/٤۰
	۱۳۷۰	٤٤/۲۹	۱۳/۷۹	۱۲/٥٦	۹۱/۰٥	٤۹/۳۲	۱۷/۱۸	۰/۲۱	٤/٦٤	۱/۳۸	۰/٥۰	۱/٦۳	-	۷٤/۸۷
	۱۳۷۱	٥۱/۷۰	۱٤/۲٥	۱۳/۰٦	۹۱/٦۱	٥۰/۸٥	۱٥/۹۷	۰/٤۹	٤/٥٦	۱/٥۷	۰/٤٦	۱/۳۱	-	۷٥/۲۲
	۱۳۷۲	٥٤/۳۱	۱٤/۳۱	۱۳/۰٤	۹۱/۱۷	٥۲/۱۸	۱٥/۰۳	۰/۸۸	٤/٥۱	۱/۳۰	۰/٥٥	۱/۰۸	-	۷٥/٤۳
	۱۳۷۳	٥۳/٤٤	۱۳/٦۲	۱۲/۳۲	۹۰/٤۸	٥٥/۰٤	۱٤/۲٥	۰/٦۳	٤/٥۷	۱/٦٥	۰/۸٤	۱/٥۰	-	۷۸/٤۹
	میانگین	٤۸	۱٤	۱۳	۹۱	٥۱/۹۰	۱۷/۷۱	۰/٤۳	٤/٤۹	۱/٤۰	۰/٥۷	۱/٥٤	-	۷۸/۰۳
	ضریب پراکنش	۰/۱۳	۰/۰٤	۰/۰٤	۰/۰۱	۰/۰٤	۰/۱۹	۰/٥۷	۰/۰۳	۰/۱۳	۰/۲٤	۰/۲۰	-	۰/۰٤
برنامهٔ دوم توسعهٔ اقتصادی و اجتماعی	۱۳۷٤	٥٤/۸۲	۱۳/٦٤	۱۲/۳۲	۹۰/۳۰	٥۳/۳۱	۱٤/۲۲	۰/۹۳	٤/٥۹	۱/٦٥	۰/٤۷	۲/۲۱	-	۷۷/۳۷
	۱۳۷٥	٥٤/۸٤	۱۳/۷۳	۱۲/۳۸	۹۰/۱٦	٥۱/۱۲	۱۳/٥۲	۰/۷۹	٤/۸٥	۱/۲۱	۰/٤۲	۲/٥۹	-	۷٤/٥۰
	۱۳۷٦	٥٦/٥۳	۱۳/٤۱	۱۲/۰٦	۸۹/۹۱	٥۲/۲۳	۱۲/٤٥	۱/۱۰	٤/٦۷	۱/٥۹	۰/٦۲	۱/۹۸	-	۷٤/٦٤
	۱۳۷۷	٦۲/۳٤	۱۳/٦٤	۱۲/۱٦	۸۹/۱٥	٥۰/۸۰	۱٥/۰۰	۱/۲۸	٥/۰٦	۱/٥۲	۰/٦۹	۱/۸۹	۰/۰۲	۷٦/۲٦
	۱۳۷۸	٥٥/٤۰	۱۱/٥۳	۱۰/۰٥	۸۷/۱۹	٤۷/۱٥	۱۳/۹٦	۱/۸٥	٥/۸٤	۱/۸٥	۰/٥۰	۲/۱٥	۰/۰۳	۷۳/۳۳
	میانگین	٥٦/۷۸	۱۳/۱۹	۱۱/۷۹	۸۹/۳٤	٥۰/۹۲	۱۳/۸۳	۱/۱۹	٥/۰۰	۱/٥٦	۰/٥٤	۲/۱٦	۰/۰۳	۷٥/۲۲
	ضریب پراکنش	۰/۰٦	۰/۰۷	۰/۰۸	۰/۰۱	۰/۰٥	۰/۰۷	۰/۳٥	۰/۱۰	۰/۱٥	۰/۲۱	۰/۱۳	۰/۲۳	۰/۰۲
برنامهٔ سوم توسعهٔ اقتصادی و اجتماعی	۱۳۷۹	٥۱/۳٦	۱۱/٦۷	۱۰/۱۳	۸٦/۷٦	٥۰/۳۷	۱۱/۸۰	۱/۷۹	٥/۲۸	۱/٦۱	۰/۸۹	۲/٤۳	۰/۰۹	۷٤/۲٦
	۱۳۸۰	٥۲/۰۸	۱۲/٤٦	۱۰/۸۷	۸۷/۲۷	٥۱/۰۸	۱۳/٦۸	۱/٥۹	٤/۷۳	۱/٥۸	۰/۸۱	۱/۸۳	۰/۱۹	۷٥/٤۹
	۱۳۸۱	٦۳/۹٥	۱۳/٤٦	۱۱/۸٥	۸۸/۰۲	٥۲/٦۷	۱٤/۱۰	۱/۸۱	٥/۱٦	۱/٦۲	۰/٦۸	۱/۲۷	۰/۲۸	۷۷/٥۸
	۱۳۸۲	٦۸/۷۰	۱۳/٦۱	۱۱/۹٤	۸۷/۷۱	٥۳/٦۹	۱۲/٦٥	۲/۰٦	٥/۱٥	۱/٦۷	۰/٦۷	۱/۱۷	۰/٥۲	۷۷/٥۹
	۱۳۸۳	۷۰/۸۰	۱٤/۲٦	۱۲/٤٦	۸۷/٤۰	٥۳/۰۱	۱۲/۸٤	۲/۲۰	٤/۹۱	۱/۲٥	۰/٦٦	۱/۳٤	۰/٥۹	۷٦/۸۱
	میانگین	٦۱/۳۸	۱۳/۰۹	۱۱/٤٥	۸۷/٤۳	٥۲/۱۷	۱۳/۰۱	۱/۸۹	٥/۰٥	۱/٥٥	۰/۷٤	۱/٦۱	۰/۳٤	۷٦/۳٥
	ضریب پراکنش	۰/۱٥	۰/۰۸	۰/۰۸	۰/۰۱	۰/۰۳	۰/۰۷	۰/۱۳	۰/۰٤	۰/۱۱	۰/۱٤	۰/۳۳	۰/٦٤	۰/۰۲
برنامهٔ چهارم توسعهٔ اقتصادی و اجتماعی	۱۳۸٤	۷٤/۹٥	۱٤/۹٦	۱۳/۱۰	۸۷/٥٤	٥۳/۰٦	۱۲/٦۷	۲/۱۱	٤/۸۰	۱/۱۷	۰/٦۳	۱/۲۲	۰/۹۱	۷٦/٥٦
	۱۳۸٥	۷٥/٦۸	۱٤/۰٥	۱۲/۳۰	۸۷/٥٦	٥٥/۹۳	۱۲/۷٥	۲/۳۷	٥/۱۳	۱/٥۱	۰/٦٦	۰/۹٥	۱/۳۱	۸۰/٦۱
	۱۳۸٦	۷۸/۷۲	۱٥/۱۷	۱۳/۲٤	۸۷/۲۹	٥٤/٥٤	۱۲/٤۰	۲/۳۲	٤/٦٥	۱/۲۱	۰/٥۷	۰/۹٤	۱/۲۸	۷۷/۹۰
	۱۳۸۷	٥۱/۰٥	۱۱/٦٤	۱۰/۱۳	۸۷/۰۳	٥۱/۸۳	۱۰/٥٦	۲/٤۰	٥/۲۰	۰/٥۳	۰/۸۳	۱/۲۳	۱/۳٥	۷۳/۹٤
	۱۳۸۸	۷۱/۱۰	۱۳/۸٦	۱۲/۰۳	۸٦/۷۷	٥٥/۲٦	۱۳/۹۳	۱/۸۸	٤/٤٥	۰/٤۷	۰/۷۰	۰/۸۸	۰/۷۱	۷۸/۲۷
	۱۳۸۹	۷۷/۰۱	۱٤/۱٦	۱۲/۲٥	۸٦/٥۱	٥۷/٤۱	۱۲/۹۳	۱/۹٦	٤/٦۰	۰/۸۱	۰/٦۲	۰/۷٤	۰/۹٦	۸۰/۰۳
	میانگین	۷۱/٤۲	۱۳/۹۷	۱۲/۱۸	۸۷/۱۲	٥٤/٦۷	۱۲/٥٤	۲/۱۷	٤/۸۰	۰/۹٥	۰/٦۷	۰/۹۹	۱/۰۹	۷۷/۸۸
	ضریب پراکنش	۰/۱٤٤	۰/۰۹۰	۰/۰۹۲	۰/۰۰٥	۰/۰۳۷	۰/۰۸۸	۰/۱۰۳	۰/۰٦۲	۰/٤۳٥	۰/۱۳۸	۰/۱۹٥	۰/۲٤۱	۰/۰۳۱

منبع: سایت سازمان خواربار و کشاورزی جهانی ملل متحد(http://fao.org)

روند صعودی تولید محصولات زراعی، با وجود تغییرات نه چندان چشمگیر سطح زیرکشت، بیانگر بهبود عملکرد در پی اجرای برنامه‌های به‌زراعی، معرفی رقم‌های مناسب‌تر و مصرف کودهای شیمیایی و سموم بوده است. در نخستین برنامهٔ توسعه، سطح زیرکشت اندکی افزایش پیدا کرد و در برنامهٔ دوم توسعه هم‌زمان با کاهش شدید قیمت نفت، بخش کشاورزی محور توسعه قرار گرفت. اما با وجود این، متوسط سطح زیرکشت محصولات کشاورزی در این برنامه کمتر از برنامهٔ اول توسعه بود. برنامهٔ سوم توسعه، به علت دو سال خشکسالی متوالی در سال‌های نخست آن، کمترین میانگین سطح زیرکشت محصولات زراعی و کل بخش کشاورزی را در بین دوره‌های مورد بررسی (۱۳۸۹-۱۳۶۰) دارد. سطح زیرکشت در برنامهٔ چهارم، با وجود تنها یک سال خشکسالی، بیشترین نوسان نسبت به میانگین برنامه را دارد، به طوری که ضریب پراکنش سطح زیرکشت زیربخش زراعت در این برنامه ۹۲ درصد است، در حالی که سهم زیربخش زراعت در این برنامه بیشترین ثبات را نسبت به برنامه‌های دیگر داشته است.

براساس آمار سازمان خواربار و کشاورزی سازمان ملل متحد، در سال‌های مورد بررسی این پژوهش، گندم همیشه بیشتر از ۵۰ درصد سطح زیرکشت زیربخش زراعت را دربرگرفته است. در دورهٔ جنگ به دلیل نیاز کشور، گندم بیشترین سهم را نسبت به دیگر برنامه‌ها داشت. جو نیز سریع‌ترین روند کاهشی را در پنج دورهٔ مورد بررسی داشت، به طوری که سهم آن از ۱۹ درصد در دورهٔ جنگ به ۱۲/۵ درصد در برنامهٔ چهارم کاهش پیدا کرد. سهم سطح زیرکشت ذرت به عنوان یکی از مهم‌ترین نهاده‌های تولید دامی، روندی افزایشی داشته و از ۰/۱۵ درصد در دورهٔ جنگ به ۲/۲ درصد در برنامهٔ چهارم رسیده است. سهم این محصول تا پایان برنامهٔ دوم بیشترین نوسان را در مقایسه با محصولات دیگر داشته است. سطح زیرکشت برنج با آن‌که پس از گندم غذای اصلی خانوار ایرانی است و با افزایش تقاضا روبه‌رو بوده است، به

دلیل شرایط ویژهٔ منطقهٔ کشت و نیاز آبی زیاد، تغییر چندانی نداشته و سهم آن همیشه حدود ۴/۵ درصد سطح زیرکشت زیربخش زراعت بوده است.

محصولات چغندرقند، سویا، پنبه و کلزا مواد اولیهٔ صنایع تبدیلی‌اند و تولید ارزش افزودهٔ بیشتری برای بخش کشاورزی در بر دارند. کم‌توجهی به این موضوع در دههٔ هشتاد، روند کاهشی سهم چغندرقند، سویا و پنبه را در پی داشت. در بین این محصولات بیشترین نوسان سهم سطح زیرکشت در برنامهٔ چهارم توسعه مربوط به چغندرقند بوده است. سهم چغندرقند در سطح زیرکشت، تا پایان برنامهٔ سوم از ثبات برخوردار بود، اما در برنامهٔ چهارم، همزمان با کاهش به کمتر از یک درصد از سطح زیرکشت زیربخش زراعت، ۴۳ درصد نسبت به میانگین برنامه نوسان داشت. سهم سویا در برنامه‌های توسعه نوسان اندکی داشته و در برنامهٔ چهارم به ۰/۶۷ درصد رسیده است. سهم پنبه نیز که به طور میانگین ۲/۱۶ درصد از سطح زیرکشت زراعت در برنامهٔ دوم را دربرمی‌گرفت، با کاهش در برنامه‌های سوم و چهارم، به کمتر از یک درصد رسید. دانهٔ روغنی کلزا که از سال ۱۳۷۷ به‌طور گسترده وارد الگوی کشت زراعی ایران شد، در پی اجرای سیاست‌های تشویقی و ترویجی برای شناساندن این محصول، به تدریج در بین محصولات زیربخش زراعت ایران جایگاه مهمی به دست آورد و در برنامهٔ چهارم، از نظر سهم سطح زیرکشت در بین محصولات زراعی مورد بررسی در این پژوهش، بعد از گندم، جو، برنج و ذرت جای گرفت.

براساس جدول (۲-۵) محصولات معرفی شده به طور میانگین ۷۸ درصد از سطح زیرکشت زیربخش زراعت کشور را در بر می‌گیرند. شایان ذکر است، به دلیل افزایش تنوع محصولات کشاورزی، سهم محصولات منتخب، با وجود افزایش سطح زیرکشت، در برنامه‌های توسعه کاهش پیدا کرد و از ۸۳/۵ درصد در دورهٔ جنگ به ۷۷ درصد در برنامهٔ چهارم رسید.

براساس آنچه بیان شد زیربخش زراعت با حدود ۸۸ درصد سطح زیرکشت کشاورزی کشور، از اهمیت زیادی برخوردار است. از این رو، در چارچوب قوانین و برنامه‌های توسعهٔ اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی از این بخش حمایت‌های مختلفی نیز شده است. چنین سیاست‌هایی از اواسط سال ۱۳۴۰ آغاز شد و در سال ۱۳۶۸ با تصویب قانون تضمین خرید محصولات اساسی زراعی، شکلی قانونمند یافت. در سال ۱۳۷۲ با اصلاح قانون یادشده، برخی محصولات باغی نیز زیر پوشش سیاست تضمین خرید قرار گرفت. همچنین در قانون برنامه‌های دوم، سوم و چهارم توسعهٔ اقتصادی، پرداخت یارانه به برخی نهاده‌های کود و بذر در کنار پرداخت تسهیلات بانکی ادامه پیدا کرد. تجزیه‌وتحلیل روند تغییرات و عملکرد سیاست‌های حمایتی، با توجه به هدف‌ها، مصوبات و عملکرد برنامه‌های توسعهٔ اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، به ویژه در رابطه با محصولات اساسی بخش زراعت، مسئلهٔ اساسی و مهمی است که از بُعد برنامه‌ریزی برای تدوین راهبرد توسعهٔ کشاورزی اهمیت ویژه‌ای دارد. از این رو، در این فصل نتایج حاصل از برآورد شاخص‌های حمایت از قیمت بازاری(MPS)[1] و برآورد حمایت از تولیدکنندگان(PSE)[2] و برآورد حمایت از مصرف‌کنندگان(CSE)[3] کالاهای مهم زیربخش زراعت و شاخص‌های فرعی مربوط به آنها طی دورهٔ زمانی ۸۹-۱۳۶۰ و پیش‌بینی برنامهٔ پنجم(۹۴-۱۳۹۰) بررسی می‌شود. از آنجا که انحراف نرخ ارز حقیقی از تعادلی بر حمایت از محصولات کشاورزی اثرگذار است، اثر سیاست‌های ارزی بر شاخص‌های حمایت نیز مورد بررسی قرار می‌گیرد. نرخ ارز تعادلی نمادی از تعادل بلندمدت اقتصاد کشور است که براساس روش تحقیق بیان شده در فصل چهارم با استفاده از الگوهای سری زمانی، برآورد شد. نرخ ارز حقیقی نیز ارزش واقعی پول ملی را در مقایسه با ارزهای خارجی نشان می‌دهد که اثر

[1]- Market Price Support
[2]- Producer Support Estimate
[3]- Consumer Support Estimate

سیاست‌های دولت و بانک مرکزی در آن نمایان است. در ادامه ابتدا شاخص‌های حمایت برای هر یک ازکالاهای منتخب زیربخش زراعت ارائه و سپس مقدار و چگونگی حمایت در کل زیربخش جمع‌بندی می‌شود.

۱-۲-۵ گندم

انواع نان تهیه شده از گندم با مصرف متوسط ۳۹۵ کیلوگرم در سال ۱۳۸۹ پرمصرف‌ترین کالای خوراکی در بین خانوارهای ایرانی[۱] بوده است. مصرف این کالا به تنهایی یک درصد از متوسط هزینهٔ یک خانوار ایرانی را در سال ۱۳۸۹ در بر می‌گرفت. همچنین، انواع نان و بیسکویت ۶/۱ درصد از کل هزینهٔ خوراکی‌ها و آشامیدنی‌های یک خانوار ایرانی در سال ۱۳۸۹ بود(گزارش بررسی بودجهٔ خانوار بانک مرکزی، ۱۳۸۹). افزون بر این، سهم زیاد این محصول در سطح برداشت‌شدهٔ محصولات زراعی و غلات، شدت وابستگی کشاورزان و روستاییان ایرانی به این کالای اساسی را نشان می‌دهد. حدود سه‌چهارم سطح زیرکشت محصولات زراعی سال ۸۹-۱۳۸۸ را غلات تشکیل می‌داد که ۷۴/۷ درصد آن سهم گندم بود (آمارنامه کشاورزی، ۸۹-۱۳۸۸). این آمار نشان‌دهندهٔ اهمیت زیاد گندم و فراورده‌های آن برای کشور است.

[۱]- بعد خانوار در گزارش بررسی بودجهٔ خانوار سال ۱۳۸۹ به طور میانگین برابر ۳/۷ نفر در نظر گرفته شده است.

جدول ۱-۱-۲-۵) وضعیت تولید، عملکرد و تجارت گندم ایران

سال	سطح زیرکشت (هزارهکتار)	سهم از سطح زیرکشت (درصد)	عملکرد (تن در هکتار)	نسبت عملکرد ایران به جهان	تولید (هزارتن)	سهم از تولید جهان (درصد)	واردات (هزار تن)	سهم از واردات (درصد)	ارزش واردات (میلیون دلار)	سهم از ارزش واردات (درصد)
۱۳۶۸	۶۲۵۷	۲/۷۶	۰/۹۶	۰/٤	٦۰۱۰	۱/۱۲	۵۱۷۹	۵/۱۳	۱۰۹۳	۵/۸۹
۱۳۶۹	۶۲۷۸	۲/۷۱	۱/۲۸	۰/۵	۸۰۱۲	۱/۳۵	۳۳۸۲	۳/۵۳	۵٤۱	۳/۱۵
۱۳۷۰	۶۵۵۸	۲/۹٤	۱/۳٤	۰/۵۵	۸۷۹۳	۱/٦۱	۳٦۳۷	۳/٤۳	۵۰۳	۳/۲۷
۱۳۷۱	۶۹۳۰	۳/۱۱	۱/٤۷	۰/۵۸	۱۰۱۷۹	۱/۸	۲٤۵۳	۲/۰٦	۳۹٤	۲/۰۱
۱۳۷۲	۷۱۹۰	۳/۲۳	۱/٤۹	۰/۵۹	۱۰۷۳۲	۱/۹	۲٤۵۰	۲/۳۱	۳۳۳	۱/۹٦
۱۳۷۳	۶۷۸۲	۳/۱۵	۱/٦۰	۰/٦۵	۱۰۸۷۰	۲/۰٦	۲۳۲٤	۲/۳٤	۳۲۰	۲/۰٦
۱۳۷٤	۶۵٦۷	۳/۰٤	۱/۷۱	۰/٦۸	۱۱۲۲۸	۲/۰۷	۳۱۰۰	۳/۰۵	۵۹۰	۳/۰۵
۱۳۷۵	۶۳۲۸	۲/۷۹	۱/۵۸	۰/٦۱	۱۰۰۱۵	۱/۷۱	۳۸۷٤	۳/۷۳	٤۳۰	۱/۹۳
۱۳۷٦	۶۲۹۹	۲/۷۸	۱/۵۹	۰/۵۹	۱۰۰٤۵	۱/٦٤	۵۹٤۲	۵/٦٦	۱۱۰۸	۵/۷۵
۱۳۷۷	۶۱۸۰	۲/۸۱	۱/۹۳	۰/۷۲	۱۱۹۵۵	۲/۰۱	۳۵۳۵	۳/۳۳	۵۳۰	۳/۱۲
۱۳۷۸	٤۷۳۹	۲/۲۲	۱/۸۳	۰/٦٦	۸٦۷۳	۱/٤۸	٦۱۵٦	۵/٤٦	۸۰۱	٤/۹۸
۱۳۷۹	۵۱۰۱	۲/۳۷	۱/۵۹	۰/۵۸	۸۰۸۸	۱/۳۸	٦۵۷۸	۵/٦۲	۸٦۰	۵/۱۲
۱۳۸۰	۵۵۵۳	۲/۵۹	۱/۷۰	۰/٦۲	۹٤۵۹	۱/٦	٦٤۳۹	۵/۷۱	۸۷۷	۵/۳۵
۱۳۸۱	٦۲٤۱	۲/۹۲	۱/۹۹	۰/۷٤	۱۲٤۵۰	۲/۱۷	٤۱۲۲	۳/٤۱	٤۹۹	۲/۹۳
۱۳۸۲	٦٤۰۹	۳/۰۹	۲/۱۰	۰/۷۸	۱۳٤٤۰	۲/٤	۱۱۵٤	۱/۰٤	۱٦۸	۰/۹٤
۱۳۸۳	٦٦۰۵	۳/۰۵	۲/۲۱	۰/۷٦	۱٤۵٦۸	۲/۳	۲۲۲	۰/۱۹	۳٤	۰/۱٦
۱۳۸٤	٦۹۵۱	۳/۱٦	۲/۰٦	۰/۷۲	۱٤۳۰۸	۲/۲۸	۱۱۷	۰/۱۰	۱٦	۰/۰۸
۱۳۸۵	٦۲۰۰	۲/۹۳	۲/۳۷	۰/۸۳	۱٤٦٦٤	۲/٤۳	۱۱۰۰	۰/۸٦	۱۸۱	۰/۷۷
۱۳۸٦	۷۲۲۲	۳/۳۳	۲/۲۰	۰/۷۸	۱۵۸۸۷	۲/۵۹	۲۵۰	۰/۲۰	٤٤	۰/۱۳
۱۳۸۷	۵۲۵۰	۲/۳۵	۱/۵۲	۰/٤۹	۷۹۵۷	۱/۱٦	۳۷۳۳	۲/۸۷	۱٤۲٦	۲/۸۲
۱۳۸۸	٦٦٤۷	۲/۹۵	۲/۰۳	۰/٦٦	۱۳٤۸۵	۱/۹٦	۵٤٦۰	۳/۷۲	۱۰۷٦	۲/۸۸
۱۳۸۹	۷۰۳۵/۰۲	۳/۲٤	۲/۱٤	۰/۷۱	۱۵۰۲۹	۲/۳	۱٤۰٦	۰/۹۷	۳۱٦	۰/۸٦

منبع: آمارنامه‌های وزارت جهاد کشاورزی ایران و سایت سازمان خواربار و کشاورزی جهانی ملل متحد(http://fao.org)

در مجموع، تولید گندم طی دوره (۸۹-۱۳۶۸)، با وجود نوسان در بعضی سال‌ها، روند افزایشی داشته و براساس گزارش سایت سازمان خواربار و کشاورزی به بیش از ۱۵ میلیون تن در سال ۱۳۸۹ رسیده است. در جدول (۱-۱-۲-۵) سهم گندم ایران از تولید جهانی در همه سال‌ها بیشتر از یک درصد بوده است و حتی در نیمهٔ اول دههٔ ۱۳۸۰ به بیش از ۲ درصد نیز رسیده است.

در چند دهۀ اخیر، اگرچه ایران در همۀ سال‌ها واردکننده خالص گندم بوده است، اما واردات آن در سال‌های ۸۴-۱۳۸۲ کاهش چشمگیری یافته و در سال ۱۳۸۴ به ۱۶ میلیون دلار رسیده است. همچنین سهم واردات ایران از کل واردات جهان در این سال به ۰/۰۸ درصد رسید. در سال‌های ۸۰-۱۳۷۸ و ۱۳۸۸ به دلیل خشکسالی، بیشترین واردات گندم، به ترتیب برابر با ۶۱۵۶، ۶۵۷۸، ۶۴۳۹ و ۵۴۶۰ هزار تن بود که سهم ایران از کل واردات جهانی به بیش از ۵ درصد افزایش پیدا کرد.

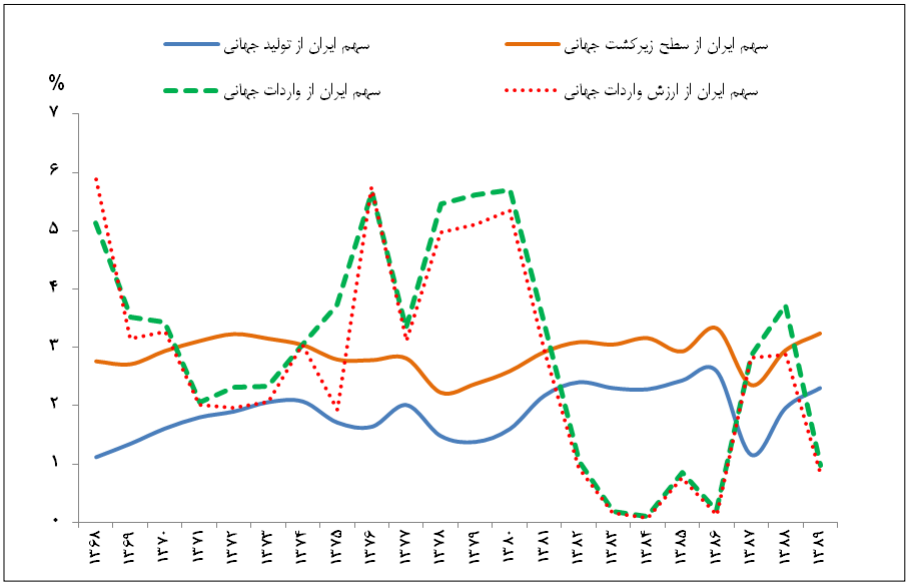

نمودار ۱-۱-۲-۵) سهم ایران از تولید، سطح زیرکشت، واردات و ارزش واردات جهانی گندم طی دورۀ ۸۹-۱۳۶۸

با توجه به اهمیت گندم در بخش کشاورزی ایران، سیاست‌های حمایتی مختلف به منظور افزایش تولید این محصول اجرا شده است. از این سیاست‌ها می‌توان به سیاست قیمت خرید تضمینی، یارانه‌های انواع کود و سموم شیمیایی، یارانۀ انرژی، تسهیلات ارزان قیمت و بیمه اشاره کرد. در ادامه، نتایج محاسبۀ شاخص‌های حمایت از تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان گندم (CSE٪، PSE٪) تجزیه و تحلیل می‌شود.

همچنین، اثر سیاست‌های ارزی و انحراف نرخ ارز بر مقادیر حمایت از این محصول طی برنامه‌های اول تا چهارم توسعه بررسی می‌شود. همچنین، از آنجا که از کارکردهای پژوهش‌های اقتصادی افزون بر تبیین و تحلیل وضعیت‌های گذشته و کنونی، پیش‌بینی آیندهٔ شاخص‌های اقتصادی برای برنامه‌ریزی است؛ از این رو با فرض ادامهٔ روند رشد تخصیص یارانه‌ها همانند برنامهٔ چهارم و پیش‌بینی قیمت‌ها با استفاده از روش‌های درون‌یابی و میانگین متحرک[1] انجام می‌پذیرد. برای محاسبهٔ میانگین رشد سالانهٔ برنامهٔ چهارم از رابطهٔ (۱-۱-۲-۵) استفاده می‌شود:

$$m = \frac{\sum_{t=1384}^{1388} \frac{(x_{t+1} - x_t)}{x_t}}{5} \qquad (۵-۲-۱-۱)$$

که در آن، m میانگین رشد سالانهٔ متغیر x در برنامهٔ چهارم و t دورهٔ مورد نظر است. برای محاسبهٔ مقدار متغیر در هر سال m در مقدار آن متغیر در سال قبل ضرب می‌شود. برای پیش‌بینی قیمت‌ها و بعضی متغیرها، نیز مناسب‌ترین فرم تابع روند سی سالهٔ متغیر برآورد و برای سال‌های بعد پیش‌بینی می‌شود. وابسته به نوع روند موجود در داده‌ها، در بعضی موارد از روش میانگین متحرک استفاده شده است که رابطهٔ (۲-۱-۲-۵) شکل کلی رابطهٔ آن را نشان می‌دهد:

$$x_{t+1} = \frac{\sum_{t-i}^{t} x_t}{i+1} \qquad (۵-۲-۱-۲)$$

[1] Moving Average

که در آن x متغیر مورد پیش‌بینی، t+۱ دورهٔ پیش‌بینی و i تعداد دوره‌های گذشتهٔ اثرگذار بر دورهٔ مورد پیش‌بینی است. از بین روش‌های مطرح شده، نتایج هر یک که دارای بیشترین تناسب با سری مورد پیش‌بینی و کمترین خطا بوده، مورد استفاده قرار گرفته است.

۱-۱-۲-۵ بررسی مقادیر حمایت بازاری از تولیدکنندگان گندم طی برنامه‌های توسعه

شاخص حمایت از قیمت بازاری(MPS) بیشتر بازتاب‌دهندهٔ سیاست‌های مؤثر بر قیمت- در ایران قیمت تضمینی - و سیاست‌های ارزی است. براساس روش‌شناسی این پژوهش که در فصل سوم توضیح داده شد، حمایت از قیمت بازاری انتقال از مصرف‌کنندگان، واردکنندگان و مالیات‌دهندگان را در پی اجرای سیاست‌های قیمتی در بر می‌گیرد. شاخص درصدی حمایت از قیمت بازاری نسبت تفاوت قیمت دریافتی تولیدکنندگان داخلی را با قیمت جهانی تعدیل شده با نرخ ارز حقیقی یا تعادلی به قیمت جهانی نشان می‌دهد. اگر قیمت جهانی با نرخ ارز حقیقی تعدیل شود، اثر مستقیم و اگر با نرخ ارز تعادلی تعدیل شود، اثر کل محاسبه می‌شود. تفاضل این دو اثر نشان‌دهندهٔ برایند سیاست‌های ارزی است که اثرغیرمستقیم نامیده می‌شود.

نتایج محاسبات حمایت از قیمت بازاری، به قیمت‌های ثابت سال ۱۳۸۴ طی برنامه‌های اول تا چهارم توسعه و پیش‌بینی برنامهٔ پنجم برای محصول گندم در جدول (۲-۱-۲-۵) ارائه شده است. براساس نتایج جدول (۲-۱-۲-۵) انحراف نرخ ارز که از نسبت تفاوت نرخ حقیقی ارز و نرخ تعادلی آن نسبت به نرخ تعادلی ارز محاسبه می‌شود، در دوره‌های مختلف متفاوت بوده است. برای محاسبهٔ نرخ حقیقی ارز، نرخ ارز اسمی(بازاری) در نسبت متوسط موزون شاخص سطح عمومی قیمت‌های مهم‌ترین شرکای تجاری ایران به سطح عمومی قیمت‌های ایران ضرب می‌شود. نرخ

تعادلی با استفاده از الگوی اقتصادسنجی تصحیح خطا تابعی از متغیرهای بنیادین اقتصاد شامل رابطهٔ مبادله، قیمت جهانی طلا، درجهٔ باز بودن اقتصاد، درآمد نفتی کشور، بهره‌وری کل اقتصاد، نسبت نرخ بهرهٔ جهانی به نرخ بهره در ایران است که نرخ ارز ایران را در شرایط تعادل بلندمدت اقتصاد نشان می‌دهد. در دورهٔ جنگ با کاهش درآمد نفتی و همزمان نیاز کشور به ارز، با بیش برآورد ارزش ریال نسبت به دلار توسط دولت، انحراف نرخ ارز در سال پایانی جنگ(۱۳۶۷) به ۸۹ درصد افزایش پیدا کرد. در برنامهٔ اول توسعه با کم‌برآورد ارزش ریال نسبت به نرخ تعادلی، انحراف نرخ ارز منفی بود و در سال‌های پایانی این برنامه به دلیل اجرای سیاست‌های آزادسازی اقتصادی مقدار آن افزایش یافت. در سال‌های نخست برنامهٔ دوم انحراف نرخ ارز حقیقی از مقدار تعادلی بلندمدت اقتصاد منفی و در سال‌های بعد مثبت شد. در برنامهٔ سوم توسعه به منظور تشویق صادرات، سیاست بیش‌برآورد ارزش ریال دنبال شد، یعنی نرخ ارز تعادلی کمتر از نرخ حقیقی آن بود. همچنین نرخ ارز سالیانه با شیب ملایمی در حال رشد بود. در برنامهٔ چهارم نیز روند کاهش ارزش پول ملی ادامه داشت، اما رشد نرخ ارز تعادلی بیش از نرخ حقیقی آن بود. بنابراین سیاست‌های ارزی برنامهٔ چهارم موجب کم‌برآورد ارزش ریال شد.

براساس نتایج محاسبهٔ حمایت قیمتی از گندم‌کاران ایران، اثرمستقیم —بر حسب قیمت‌های ثابت سال پایهٔ ۱۳۸۴— تا سال ۱۳۸۱ رقمی منفی بود و از این سال با اجرای سیاست یکسان‌سازی نرخ ارز، مثبت شد. یعنی در سال‌های نخست مورد بررسی در این پژوهش حمایت از قیمت بازاری به دلیل اجرای سیاست‌های تثبیتی و گرایش به حمایت از مصرف‌کنندگان در سال‌های جنگ و پس از آن، منفی و قیمت دریافتی تولیدکنندگان گندم کمتر از قیمت مرجع تعدیل‌شده با نرخ حقیقی ارز بوده است. به عبارتی تا سال ۱۳۸۰، قیمت خرید تضمینی تعیین‌شده برای گندم کمتر از قیمت جهانی بوده و تا میانهٔ برنامهٔ سوم توسعه، از کشاورزان در مقایسهٔ

قیمت جهانی با داخلی، مالیات پنهان گرفته شده است که با رقم‌های منفی شاخص حمایت از قیمت بازاری نشان داده شده است. یعنی اگر دولت در این سال‌ها اجازهٔ فروش گندم داخلی در بازارهای جهانی را می‌داد، تولیدکنندگان گندم دریافتی بیشتری داشتند. پس از سال ۱۳۸۱ و اجرای سیاست یکسان‌سازی نرخ ارز، شاخص حمایت از قیمت بازاری، نوسان کمتری داشته و به رقمی مثبت تبدیل شده، به گونه‌ای که در قیمت‌های ثابت سال ۱۳۸۴، از ۳۶۱۷ میلیارد ریال در سال ۱۳۸۱ به ۴۷۳۶ میلیارد ریال در سال ۱۳۸۹ رسیده و در طول ۸ سال حدود ۱/۳ برابر شده است. در سال ۱۳۸۷ قیمت‌های تضمینی گندم همزمان با افزایش قیمت‌های جهانی و تورم داخلی افزایش نیافت و در نتیجه قیمت‌های جهانی بیش از قیمت‌های داخلی و شاخص حمایت از تولیدکنندگان گندم منفی بود. پیش‌بینی می‌شود، در برنامهٔ پنجم توسعه مانند پیش از اجرای شناورسازی نرخ ارز، حمایت‌های قیمتی در مقایسه با قیمت‌های جهانی موجب دریافت مالیات پنهان از تولیدکنندگان گندم شود. از آنجا که براساس آمار منتشرشدهٔ مرکز آمار ایران، قیمت داخلی در تمام سال‌های مورد بررسی(۱۳۸۹-۱۳۶۰) این پژوهش روندی صعودی داشته است، نوسان شاخص حمایت از قیمت بازاری برآمده از نوسان نرخ ارز، قیمت جهانی و مقادیر تولید و مصرف گندم است.

بررسی اثرکل حمایت از قیمت بازاری که حمایت از کشاورزان را تحت تأثیر متغیرهای بنیادین اقتصاد کشور نشان می‌دهد، در سال‌های مورد بررسی این پژوهش روندی مشابه اثرمستقیم دارد و تعدیل قیمت جهانی با نرخ ارز تعادلی در سال‌های نخست بیانگر حمایت منفی از تولیدکنندگان است. یعنی حتی اگر نرخ ارز تعادلی هم برقرار بود، سیاست‌های بخشی قیمتی به گونه‌ای می‌شد که در مقابل رقبای خارجی خود نه تنها حمایت نمی‌شدند، بلکه مالیات نیز بر آنها تحمیل می‌شد که این در کاهش قدرت رقابت‌پذیری تولیدکنندگان گندم ایرانی بسیار مؤثر است. بر

این اساس تنها در برنامه‌های سوم و چهارم در بیشتر سال‌ها تولیدکنندگان گندم با سیاست‌های بخشی و ارزی حمایت شده‌اند. همچنین مشاهده می‌شود، مقادیر ارزشی این شاخص در سال‌هایی که انحراف نرخ ارز منفی است، بیشتر از اثر مستقیم است و هنگامی که این انحراف زیاد است تفاوت معناداری با اثرمستقیم دارد و برعکس. به طوری که در سال‌های ۱۳۷۱-۱۳۷۴ با کم‌برآورد شدید ارزش حقیقی ریال نسبت مقدار تعادلی آن تفاوت زیادی بین ارزش‌های مستقیم و کل در قیمت‌های ثابت سال ۱۳۸۴ مشاهده می‌شود.

شاخص درصدی حمایت بازاری نسبت تفاوت قیمت داخلی و قیمت جهانی تعدیل‌شده با نرخ ارز حقیقی یا تعادلی و هزینهٔ حمل ونقل به قیمت جهانی را نشان می‌دهد. این شاخص بر مبنای نرخ ارز حقیقی (اثر مستقیم) در دورهٔ جنگ و برنامه‌های اول تا سوم توسعه برای گندم به طور میانگین منفی بوده است که نشان می‌دهد قیمت داخلی محصول از قیمت جهانی تعدیل‌شده با نرخ ارز حقیقی، کمتر بوده است. در حالی که در برنامهٔ چهارم سیاست‌های قیمتی به طور میانگین ۱۴/۷ درصد کشاورزان ایران را نسبت به قیمت پیش روی رقبای جهانی حمایت کرده است. یعنی در رقابت بر سر منابع کمیاب تولید این محصول کشاورزان ایرانی دریافتی بیشتری داشته‌اند.

شاخص درصدی اثرکل تفاوت قیمت داخلی و قیمت جهانی تعدیل شده با نرخ ارز تعادلی را نسبت به قیمت جهانی نشان می‌دهد. به این معنا که در شرایط عملکرد متغیرهای اساسی اقتصاد ایران در بلندمدت، کشاورزان ایران چگونه در مقابل کشاورزان جهان حمایت می‌شوند. براساس این شاخص میانگین دورهٔ جنگ و برنامه‌های اول و دوم منفی است. اما در برنامه‌های سوم و چهارم گندم‌کاران ایرانی در مقابل رقبای خود حمایت شده‌اند. در برنامهٔ سوم به دلیل اثر مثبت سیاست‌های ارزی اثرکل بیش از اثرمستقیم حمایت‌کننده بوده است.

جدول ۲-۱-۲-۵) شاخص‌های حمایت بازاری(MPS) از تولیدکنندگان گندم

برنامه های توسعه	درصد انحراف نرخ ارز	سال	ارزش اثرمستقیم به قیمت ثابت سال ۱۳۸٤ (میلیارد ریال)	ارزش اثر کل به قیمت ثابت سال ۱۳۸٤ (میلیارد ریال)	%MPS اثر مستقیم	%MPS اثر غیرمستقیم	%MPS اثر کل
دورهٔ جنگی	۲٦/۸۱	۱۳٦۰	-۹۷٤۹	-٥٦۰۲	-٤۷/۱٦	۱۳/۲٦	-۳۳/۹۰
	۳۸/۹۰	۱۳٦۱	-۱۱۰٤۹	-٤۳۸٤	-٤۳/۹٤	۲۰/۲۲	-۲۳/۷۲
	۳۸/٦۷	۱۳٦۲	-۱٤۷۸۷	-۷۷۲۹	-٥٥/۸۳	۱٦/۰٥	-۳۹/۷۹
	٤۷/٦۸	۱۳٦۳	-۱٥٤۱۷	-٦۲۳۲	-٥۱/۸۸	۲۱/٥۳	-۳۰/۳٥
	-۱۳/۱٦	۱۳٦٤	-۱٥۹۳۹	-۲۰۱۸۳	-٥٤/۲٥	-٥/۷۷	-٦۰/۰۲
	-۲/۷۱	۱۳٦٥	-۸۱۷٦	-۸۷٦۱	-۳٦/۳۳	-۱/٦۱	-۳۷/۹٤
	۷٥/۷۲	۱۳٦٦	-٥۸۲٥	۲٤۷٥	-۲۷/۷۷	٤۷/۳۰	۱۹/٥۳
	۸۹/۸۷	۱۳٦۷	-۱۰٦٥۹	-۳۳۸	-٤٥/۲٥	٤۲/۷۰	-۲/٥٥
	۳۷/۸۲	میانگین	-۱۱٤٥۰	-٦۳٤٤	-٤٥/۳۰	۱۹/۲۱	-۲٦/۰۹
برنامهٔ اول توسعهٔ اقتصادی و اجتماعی	٥۰/٦۲	۱۳٦۸	-۱۷٦۸۹	-۸٤۹۲	-٦۱/۷۰	۱۸/۰۹	-٤۳/٦۱
	-٤/۳۰	۱۳٦۹	-۱۸۳۱۰	-۱۹٦٦۲	-٥۷/۱۱	-۱/۷٤	-٥۸/۸٥
	-۱۰/۸٤	۱۳۷۰	-۱۰۰۰۸	-۱۲۹۸۹	-۳۷/۰۸	-٦/۲٦	-٤۳/۳۳
	-٤۷/۰۳	۱۳۷۱	-۱۳۳۰٦	-۳۷۸۳٥	-٤۳/۷٥	-۲٥/۱۱	-٦۸/۸٦
	-٥۱/٤۱	۱۳۷۲	-٤۹٤۱	-۳۰۸۷۳	-۱۸/۰۱	-۳۹/۸٤	-٥۷/۸٤
	-٤۱/۲۹	۱۳۷۳	-۱۰٦۱۳	-۳۰۲۲۰	-۳٤/۰۸	-۲٥/٤۷	-٥۹/٥٥
	-۱۷/۳۸	میانگین	-۱۲٤۷۸	-۲۳۳٤٥	-٤۱/۹٥	-۱۳/۳۹	-٥٥/۳٤
برنامهٔ دوم توسعهٔ اقتصادی و اجتماعی	-۳۱/۹۷	۱۳۷٤	-۲٥٥۲۲	-٤٤٦۸۷	-٥۹/۲٦	-۱۲/٥٥	-۷۱/۸۱
	-۱٦/۱۸	۱۳۷٥	-٥۲۳٤	-۸۷۳۳	-۲٥/۲٦	-۱۰/۸۰	-۳٦/۰٦
	-۰/۸۹	۱۳۷٦	-۱٥۳۳٦	-۱٥٥۸۷	-٥۰/۲۰	-۰/٤۱	-٥۰/٦۱
	۳۳/۱٥	۱۳۷۷	-۱٤٤۷٦	-٦۸۲۳	-٤۳/۳٦	۱٦/۸٤	-۲٦/٥۲
	۲۹/۱۰	۱۳۷۸	-۱۰٤٦۳	-٥٦۱۲	-٤٤/۸٤	۱٤/٤۸	-۳۰/۳٦
	۲/٦٤	میانگین	-۱٤۲۰٦	-۱٦۲۸۸	-٤٤/٥۹	۱/٥۱	-٤۳/۰۷
برنامهٔ سوم توسعهٔ اقتصادی و اجتماعی	۱٦/۹٦	۱۳۷۹	-٤٥۳۱	-۲۱۲٦	-۲٤/۹۱	۱۱/٤٤	-۱۳/٤۷
	۱٦/٥٤	۱۳۸۰	-۲۳۰٥	۲۰٦	-۱۱/۸۲	۱۳/۰۳	۱/۲۱
	۱۲/۹۹	۱۳۸۱	۳٦۱۷	٥۷۱۸	۱۷/٤۹	۱۳/۲۹	۳۰/۷۸
	۳/۸٥	۱۳۸۲	۲۰۰۰	۲۷۸۷	۸/۲٥	۳/٦٤	۱۱/۸۹
	-۲/۷۹	۱۳۸۳	۲٦٥۹	۲۰۲۷	۱۰/٤۹	-۲/٦۹	۷/۸۰
	۹/٥۱	میانگین	۲۸۸	۱۷۲۲	-۰/۱۰	۷/۷٤	۷/٦٤
برنامهٔ چهارم توسعهٔ اقتصادی و اجتماعی	-٦/۱۸	۱۳۸٤	٦۰٤۲	٤۸۷۸	۲۹/۲٤	-٦/۸۹	۲۲/۳٥
	-۱۰/۷۰	۱۳۸٥	۳۲۷۱	۷٥۹	۱۳/۷۳	-۱۰/۸٥	۲/۸۸
	-۱۳/۰۹	۱۳۸٦	۱۱۰٦	-۱۹۳٤	٤/٦۹	-۱۱/۹٥	-۷/۲٦
	-۷/۷٤	۱۳۸۷	-۳٥۲۱	-٤۸۷۸	-۱۹/۹٥	-٥/۷۱	-۲٥/٦٦
	-۳/۳۲	۱۳۸۸	٥۷٤٤	٥۲٦۲	۳٥/۲۸	-۳/۸۹	۳۱/٤۰
	-۱۷/٤٥	۱۳۸۹	٤۷۳٦	۱۳۹۰	۲٥/٥٥	-۱۹/۱۹	٦/۳٥
	-۹/۷٥	میانگین	۲۸۹٦	۹۱۳	۱٤/۷٦	-۹/۷٥	٥/۰۱
پیش بینی برنامهٔ پنجم توسعهٔ اقتصادی و اجتماعی	-۱۹/۲۲	۱۳۹۰	۳۷٦۱	۱۱۰	۲۰/۰۳	-۱۹/٥٤	۰/٤۹
	-۲۱/۱٤	۱۳۹۱	-۱۳۷۳	-۷۱۱۳	-٥/٥۲	-۱۷/۷۰	-۲۳/۲۱
	-۲۳/۰۷	۱۳۹۲	-۲۸۳۷	-۱۰۰٤۸	-۱۰/۲٦	-۱۸/٥۷	-۲۸/۸۳
	-۲٤/۹۸	۱۳۹۳	-٤٦٦۳	-۱۳٦۹۱	-۱٥/۱۲	-۱۹/۲۲	-۳٤/۳٥
	-۲۲/۰۹	۱۳۹٤	-۸۹۱۱	-۱۸۱۷۷	-۲٤/٤۰	-۱٥/۳۰	-۳۹/۷۰
	-۲۲/۱۰	میانگین	-۲۸۰٥	-۹۷۸٤	-۷/۰٥	-۱۸/۰۷	-۲٥/۱۲

منبع: یافته‌های پژوهش

اثر غیرمستقیم نشان می‌دهد سیاست‌های ارزی تا چه اندازه تقویت‌کنندهٔ سیاست‌های بخشی در زمینهٔ قیمت محصول هستند. در سال‌هایی که نرخ حقیقی ارز بیش از نرخ ارز تعادلی است، حمایت قیمتی از تولیدکنندگان در پی اجرای سیاست‌های ارزی مثبت است و برعکس. انحراف نرخ ارز نسبت فاصلهٔ نرخ ارز حقیقی از تعادلی به نرخ ارز حقیقی است که به شکل درصدی بیان می‌شود. براساس جدول(۲-۱-۲-۵) در سال‌های نخست بررسی، با وجود انحراف زیاد نرخ ارز، درصد اثرغیرمستقیم به طور میانگین اندک است، اما از سال ۱۳۷۱ و با اجرای سیاست‌های آزادسازی نرخ ارز که انحراف نرخ ارز منفی و ارزش پول ملی با کاهش بسیاری روبه-رو بود، مقدار مطلق اثر غیرمستقیم رشد کرد. یعنی در دورهٔ جنگ تقویت پول ملی در حمایت قیمتی از تولیدکنندگان گندم اثر چندانی نداشته، در مقابل، کاهش ارزش پول ملی اثر بیشتری در کاهش حمایت داشته است. در سال‌های بعدی با اجرای سیاست‌های انقباضی، از سال ۱۳۷۴ انحراف نرخ ارز و درصد اثر غیرمستقیم حمایت از قیمت بازاری (MPS٪) تناسب بیشتری پیدا کردند و در برنامهٔ سوم با اجرای سیاست یکسان‌سازی نرخ ارز میانگین حمایت قیمتی از تولیدکنندگان بر اثر سیاست‌های ارزی ۷/۷ و انحراف نرخ ارز ۹/۵ و در برنامهٔ چهارم انحراف نرخ ارز و حمایت از قیمت بازاری ۹/۷۵ درصد بود. تنها در برنامه‌های دوم و سوم توسعه، به طور میانگین، بیش‌ارزش‌گذاری دلار نسبت به نرخ ارز تعادلی بلندمدت اقتصاد ایران، حمایت‌کنندهٔ گندم‌کاران در مقایسه با رقبای جهانی بود.

مقایسهٔ مقادیر مطلق اثر غیرمستقیم و اثر مستقیم در MPS٪ نشان می‌دهد در بیشتر سال‌ها، به‌ویژه، دورهٔ جنگ و برنامه‌های اول و دوم اثرمستقیم بیشتر از اثر غیرمستقیم بوده است که بیانگر نقش مهم‌تر سیاست‌های خاص بخش کشاورزی در چگونگی حمایت از تولیدکنندگان گندم در مقایسه با سیاست‌های ارزی است، در

حالی که با اجرای سیاست یکسان‌سازی نرخ ارز در برنامه‌های سوم و چهارم به طور میانگین سیاست‌های ارزی در کنار سیاست‌های بخشی نقش بیشتری پیدا کرده‌اند.

۲-۱-۲-۵ بررسی مقادیر حمایت کل از تولیدکنندگان گندم طی برنامه‌های توسعه

براساس آنچه در فصل‌های پیشین بیان شد، حمایت از تولیدکنندگان، حمایت‌های بازاری(MPS) و پرداخت‌های بودجه‌ای(BP) را در برمی‌گیرد که در بخش قبل حمایت‌های بازاری از محصول گندم تحلیل شد. پرداخت‌های بودجه‌ای اجراشده در ایران شامل یارانهٔ پرداختی به نهاده‌های کشاورزی (یارانهٔ انواع کود شیمیایی، سموم و علف‌کش)، یارانهٔ انرژی (برق و سوخت ماشین‌آلات کشاورزی) بیمهٔ محصولات و یارانهٔ تسهیلات است. استفاده از تنها سه مورد (یارانه به مصرف نهاده‌ها، بیمهٔ محصولات و یارانهٔ تسهیلات) از هفت نوع پرداخت بودجه‌ای رایج کشورهای مختلف جهان، در ایران[1] بیانگر تنوع اندک سیاست‌های حمایتی در ایران در مقایسه با بسیاری از کشورها، به ویژه کشورهای عضو سازمان توسعه و همکاری‌های اقتصادی است. این پرداخت‌ها کمتر به شکل پرداخت مستقیم یارانه بوده و به طور معمول به شکل سیاست‌های قیمتی و توزیع نهادهٔ ارزان‌قیمت است. از این رو بخش عمدهٔ حمایت بودجه‌ای از تولیدکنندگان ایرانی را حمایت‌های قیمتی در بازار نهاده در برمی‌گیرد که نرخ ارز در آن نقش چشمگیری دارد. یارانهٔ پرداختی

[1] - همان‌طور که در فصل سوم اشاره شد، پرداخت‌های بودجه‌ای در کشورهای OECD، دست‌کم شامل هفت مورد پرداخت‌های براساس مقدار محصول، سطح زیر کشت یا تعداد دام، سابقهٔ مشارکت در برنامه‌های کشاورزی، استفاده از نهاده‌های یارانه‌ای و درآمد کلی کشاورزان، پرداخت‌های به منظور محدود کردن استفاده از نهاده‌های خاص و دیگر پرداخت‌هاست.

به نهاده‌های کود شیمیایی و علف‌کش براساس تفاوت قیمت داخلی و خارجی، مقدار مصرف نهاده برای محصول دیم و آبی و سطح زیرکشت با رابطهٔ زیر محاسبه می‌شود:

$$(p_w - p_d)\times Q\times A$$

که در آن p_d و p_w به ترتیب قیمت داخلی و قیمت خارجی تعدیل‌شده با نرخ ارز حقیقی یا تعادلی با افزودن هزینهٔ حمل و نقل نهاده‌ها، Q مقدار مصرف نهاده در هکتار بر حسب کیلوگرم و A سطح زیرکشت بر حسب هکتار است. یارانهٔ انرژی نیز براساس رابطهٔ بالا محاسبه‌پذیر است، با این تفاوت که به جز انرژی مصرفی برای ماشین‌آلات، باید مقدار مصرف انرژی فسیلی(نفت گاز) و برق مورد نیاز استحصال آب زیرزمینی محاسبه شود که با توجه به کمبود اطلاعات در دسترس، فرایند پیچیده‌ای برای محاسبهٔ آن دنبال شد. تسهیلات اعطایی بانک‌ها نیز تا پیش از سال ۱۳۸۴ و یکسان‌سازی نرخ سود تسهیلات بخش‌های مختلف اقتصاد، به صورت تسهیلات ارزان‌قیمت به کشاورزان پرداخت می‌شد که در محاسبات از تفاوت نرخ سود بخش کشاورزی و میانگین وزنی نرخ سود دیگر بخش‌های اقتصادی استفاده شده است.

نتایج این محاسبات در جدول (۳-۱-۲-۵) آمده است که براساس آن حمایت‌های بودجه‌ای در قیمت‌های ثابت سال ۱۳۸۴ از ۲۹۶۷ میلیارد ریال در سال ۱۳۶۰ با شیب ملایم، به ۷۰۲۴ میلیارد ریال در سال ۱۳۸۹ افزایش پیدا کرده است.

جدول ۳-۱-۲-۵) حمایت بودجه‌ای از تولیدکنندگان گندم در نرخ حقیقی ارز (میلیارد ریال- ثابت سال ۱۳۸۴)

برنامه های توسعه	سال	نهاده های کود و سم	انرژی	بیمه	تسهیلات بانکی	کل حمایت بودجه ای	سهم نهاده های کود و سم(٪)	سهم انرژی(٪)
دورهٔ جنگی	۱۳۶۰	۲۱۶۱/۸۵	۷۰۹/۰۳	۰/۰۰	۹۶/۹۸	۲۹۶۷/۸۶	۷۲/۸٤	۲۳/۸۹
	۱۳۶۱	۲۳۲۲/۳۷	۸۰۸/۷۵	۰/۰۰	۸۲/۵۲	۳۲۱۳/٦٤	۷۲/۲۷	۲۵/۱۷
	۱۳۶۲	۲۸۰۱/۱۵	۸۷۳/۷۹	۰/۰۰	۹۲/۰۹	۳۷٦۷/۰۳	۷٤/۳٦	۲۳/۲۰
	۱۳۶۳	۳۸۸٦/۱۷	۱۰٦٤/۳۷	۰/۰۰	۲۰۹/۹۵	۵۱٦۰/٤۹	۷۵/۳۱	۲۰/٦۳
	۱۳٦٤	۲۵۱۲/۲۵	۱۱۵۲/۹۳	۰/۰۰	۲۵۳/۰۱	۳۹۱۸/۱۹	٦٤/۱۲	۲۹/٤۳
	۱۳٦۵	۲۹۸۳/۳٦	۱۵۷۵/۰۲	۰/۰۰	۱۹۳/۹۰	٤۷۵۲/۲۸	٦۲/۷۸	۳۳/۱٤
	۱۳٦٦	۱۹۵۱/۷۸	۱۹۲۲/۸۷	۰/۰۰	۱۸۸/٤۷	٤۰٦۳/۱۲	٤۸/۰٤	٤۷/۳۲
	۱۳٦۷	۲٤۲٤/۹۱	۱۵۲۵/٦٦	۰/۰۰	۱٦۳/۱۲	٤۱۱۳/٦۹	۵۸/۹۵	۳۷/۰۹
	میانگین	۲٦۳۰/٤۸	۱۲۰٤/۰۵	۰/۰۰	۱٦۰/۰۱	۳۹۹٤/۵٤	٦٦/۰۸	۲۹/۹۸
برنامهٔ اول توسعهٔ اقتصادی و اجتماعی	۱۳٦۸	۳۰۰٤/۵۸	۱٤۱۹/٤۳	۰/۰۰	۱۵۸/۸۲	٤۵۸۲/۸۳	٦۵/۵٦	۳۰/۹۷
	۱۳٦۹	٤٤۷۲/۸٦	۲٦۷۹/۸٤	۰/٤۸	۳۳٤/۵۳	۷٤۸۷/۷۱	۵۹/۷٤	۳۵/۷۹
	۱۳۷۰	۳۱۹۷/۰۲	۱۹۷۱/۰۲	۱/۸۷	٤۳٤/۹۰	۵٦۰٤/۸۲	۵۷/۰٤	۳۵/۱۷
	۱۳۷۱	۲۵۲۱/۵۹	۱۸۱۵/۸۱	۱۰/۱۵	۳۳۰/۱۳	٤٦۷۷/٦۸	۵۳/۹۱	۳۸/۸۲
	۱۳۷۲	۱۷۱۷/٦۱	۱٦۷۸/۸۷	۱۵/۷۹	۱۸٦/۹۹	۳۵۹۹/۲۷	٤۷/۷۲	٤٦/٦٤
	۱۳۷۳	۱۵۷٦/۹۵	۲۱۰۷/۹۹	۱۲/۹۳	۱۹۹/٦۹	۳۸۹۷/۵۵	٤۰/٤٦	۵٤/۰۸
	میانگین	۲۷٤۸/٤۳	۱۹٤۵/٤۹	٦/۸۷	۲۷٤/۱۸	٤۹۷٤/۹۸	۵٤/۰۷	٤۰/۲۵
برنامهٔ دوم توسعهٔ اقتصادی و اجتماعی	۱۳۷٤	۲۰۹۸/۳۰	۲۳۰۲/۱۳	٤۰/٤۹	۱٦۰/٤۰	٤٦۰۱/۳۳	٤۵/٦۰	۵۰/۰۳
	۱۳۷۵	۱٦۷۵/٦۳	۲۰۳٤/۱٤	۱۱/۹۸	۱۷٦/۷٤	۳۸۹۸/٤۹	٤۲/۹۸	۵۲/۱۸
	۱۳۷٦	۹۲۰/٤۰	۱٦۲۸/۰۷	۱۱/۰۲	۲۰۱/۳٤	۲۷٦۰/۸۳	۳۳/۳٤	۵۸/۹۷
	۱۳۷۷	۱۱۵۸/۳٦	۱٦۹۱/۰۰	۱۰/٦۱	۱۹۸/۹٦	۳۰۵۸/۹۲	۳۷/۸۷	۵۵/۲۸
	۱۳۷۸	۱٦۲٦/۸۰	۲۲۳۸/٦۸	۲۵/۰۱	۱۸٦/٦۵	٤۰۷۷/۱۳	۳۹/۹۰	۵٤/۹۱
	میانگین	۱٤۹۵/۹۰	۱۹۷۸/۸۰	۱۹/۸۲	۱۸٤/۸۲	۳٦۷۹/۳٤	۳۹/۹٤	۵٤/۲۷
برنامهٔ سوم توسعهٔ اقتصادی و اجتماعی	۱۳۷۹	۱۳۳۱/۱۷	۲۳٦۳/۹۰	۱۸/۸۲	۲۹۹/۸۳	٤۰۱۳/۷۲	۳۳/۱۷	۵۸/۹۰
	۱۳۸۰	۱۲۳۳/٤۵	۱۸۰۰/۵۸	۱۳/۳۵	۳۱۲/۸۸	۳۳٦۰/۲٦	۳٦/۷۱	۵۳/۵۸
	۱۳۸۱	۱۱۳٦/۹۵	۲٦۲۰/٦٦	٤۹/۵۵	۳۳۹/۱۵	٤۱٤٦/۳۱	۲۷/٤۲	٦۳/۲۰
	۱۳۸۲	۱۰۷۰/۲۲	۳۱۳۰/۷٦	۱۳۱/۷٤	٤۰۰/۵٦	٤۷۳۳/۲۷	۲۲/٦۱	٦٦/۱٤
	۱۳۸۳	۱۷۰۰/۹٤	٤۰٦۷/۲۸	۳۹۷/۱۸	۳۸۳/٦۵	٦۵٤۹/۰٦	۲۵/۹۷	٦۲/۱۰
	میانگین	۱۲۹٤/۵۵	۲۷۹٦/٦٤	۱۲۲/۱۳	۳٤۷/۲۱	٤۵٦۰/۵۲	۲۹/۱۸	٦۰/۷۹
برنامهٔ چهارم توسعهٔ اقتصادی و اجتماعی	۱۳۸٤	۱٦٤۰/۰۰	۵۰۷٦/۹۸	۳۸۰/۸۷	۰/۰۰	۷۰۹۷/۸٦	۲۳/۱۱	۷۱/۵۳
	۱۳۸۵	۱۸۳۹/۵۸	۵۱۱۵/٦۵	۸۹/۳۹	۰/۰۰	۷۰٤٤/٦۲	۲٦/۱۱	۷۲/٦۲
	۱۳۸٦	۱۷۸۹/۰۷	٦۳۹٦/۹۹	۲۸۷/۱۹	۰/۰۰	۸٤۷۳/۲۵	۲۱/۱۱	۷۵/۵۰
	۱۳۸۷	۲۱۸۵/۵۱	۲۲۵۲/۵۰	۵٤/۵۰	۰/۰۰	٤٤۹۲/۵۲	٤۸/٦۵	۵۰/۱٤
	۱۳۸۸	۱٦۰٤/۵۹	۳۵٦۸/۵۲	۹۳/۹۸	۰/۰۰	۵۲٦۷/۰۸	۳۰/٤٦	٦۷/۷۵
	۱۳۸۹	۲۱۲۳/۱٤	٤۷۵۵/۷۸	۱٤۵/۸٦	۰/۰۰	۷۰۲٤/۷۸	۳۰/۲۲	٦۷/۷۰
	میانگین	۱۸٦۳/٦۵	٤۵۲۷/۷٤	۱۷۵/۳۰	۰/۰۰	٦۵٦٦/٦۸	۲۹/۹٤	٦۷/۵٤
پیش بینی برنامهٔ پنجم توسعهٔ اقتصادی و اجتماعی	۱۳۹۰	۲۸۰۹/۰۱	۵۰٤۰/۵۷	۹۵/۵۲	۰/۰۰	۷۹٤۵/۱۰	۳۵/۳٦	٦۳/٤٤
	۱۳۹۱	٤۰۱۰/۵۲	۷۸۸٤/۱۲	۷٦/۱۲	۰/۰۰	۱۱۹۷۰/۷۷	۳۳/۵۰	٦۵/۸٦
	۱۳۹۲	٤٦۳۸/۷۲	۱۰۲۱۱/۱۵	۷٤/٤٤	۰/۰۰	۱٤۹۲٤/۳۱	۳۱/۰۸	٦۸/٤۲
	۱۳۹۳	۵۳٦۹/۲٤	۱۳۳۵٦/۹۱	٦۰/۱۳	۰/۰۰	۱۸۷۸٦/۲۸	۲۸/۵۸	۷۱/۱۰
	۱۳۹٤	٦٦۰۸/۱۱	۱۸۸٤۸/٦۸	۵۹/۵۳	۰/۰۰	۲۵۵۱٦/۳۳	۲۵/۹۰	۷۳/۸۷
	میانگین	٤٦۸۷/۱۲	۱۱۰٦۸/۲۹	۷۳/۱۵	۰/۰۰	۱۵۸۲۸/۵٦	۳۰/۸۸	٦۸/۵٤

منبع: یافته‌های پژوهش

با توجه به این که حمایت‌های قیمتی در بیشتر سال‌ها منفی بوده، بنابراین از تولیدکننده بیشتر از راه پرداخت‌های بودجه‌ای حمایت شده است. حمایت از نهاده‌های کود، سم و انرژی بیشترین سهم حمایت‌های بودجه‌ای را دربردارند. در سال‌های جنگ، سهم حمایت از سم و کود بیشتر بوده و در سال‌های بعد، سهم یارانهٔ انرژی بیشتر شده است، به طوری که حتی اجرای قانون هدفمندی یارانه‌ها در برنامهٔ پنجم توسعه نیز از نقش آن نخواهد کاست. بنابراین، به طور میانگین این حمایت‌ها در همهٔ برنامه‌ها حدود ۹۰ درصد از کل پرداخت‌های بودجه‌ای بوده است که تفاوت قیمت داخلی و خارجی انرژی، افزایش سطح زیرکشت و افزایش استفاده از آب‌های زیرزمینی و توسعهٔ ماشین‌آلات از دلایل آن است. حمایت به شکل تسهیلات بانکی در برنامهٔ سوم توسعه بیشترین مقدار را داشته و پرداخت سهم دولت در بیمهٔ محصول گندم نیز پس از آغاز در برنامهٔ اول، در هر چهار برنامه، رشد مداومی داشته است. به‌ویژه در پایان برنامهٔ سوم در مقایسه با سال اول آن ۲۱ برابر شده است.

همان‌طور که در نمودار (۲-۱-۲-۵) مشاهده می‌شود، پرداخت‌های بودجه‌ای به دنبال یک دوره افزایش پس از جنگ، در برنامهٔ اول توسعه روندی نزولی داشته است. این کاهش در برنامهٔ دوم تداوم نداشت و در برنامهٔ سوم و آغاز برنامهٔ چهارم توسعه، افزایش چشمگیری داشت. در برنامهٔ چهارم پس از یک افت به دلیل کاهش ۴۰ درصدی سطح زیرکشت و عملکرد در هکتار در سال ۱۳۸۷ (آمار سازمان خواربارکشاورزی)، حمایت‌های بودجه‌ای دوباره افزایشی شد.

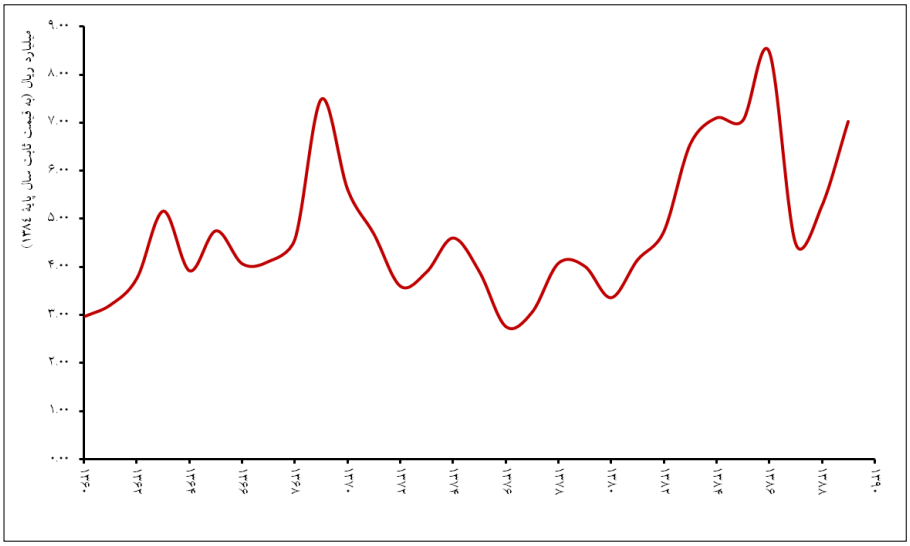

نمودار ۲-۱-۲-۵) نمودار روند پرداخت‌های بودجه‌ای دولت‌ها طی برنامه‌های مختلف توسعه

پس از بررسی اجزای حمایت از تولیدکننده، یعنی حمایت قیمتی و پرداخت‌های بودجه‌ای در جدول (۴-۱-۲-۵) نتایج محاسبهٔ شاخص‌های حمایت از تولیدکننده آمده است. در این جدول نیز مانند جدول (۲-۱-۲-۵) انحراف نرخ ارز حقیقی از تعادلی در کنار شاخص‌های حمایت از تولیدکنندگان (PSE) در برنامه‌های توسعهٔ ایران بررسی می‌شود. میانگین انحراف نرخ ارز تنها در برنامه‌های دوم و سوم توسعه مثبت بوده و بیش‌برآورد ارزش حقیقی ریال نسبت به ارزش تعادلی آن را نشان می‌دهد.

یکی از هدف‌های این پژوهش محاسبهٔ اثر سیاست‌های ارزی و انحراف نرخ ارز بر مقادیر شاخص‌های حمایت از تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان (٪PSE، ٪MPS و ٪CSE) کالاهای بخش کشاورزی است. همان‌طور که بیان شد، اثر مستقیم بیانگر وضعیت موجود حمایت از تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان گندم بر اثر سیاست‌های در حال اجرای بخش کشاورزی و ارزی است. اثر کل، حمایت از آنان را در شرایط

اعمال نرخ ارز تعادلی برآمده از متغیرهای کلان اقتصادی در بلندمدت نشان می‌دهد. اثرغیرمستقیم حمایت از تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان را در دو نظام ارزی حقیقی و تعادلی مقایسه می‌کند و نشان می‌دهد اثر سیاست‌های ارزی در چگونگی رقابت‌پذیری بلندمدت گندم نسبت به رقبای جهانی است. اگر این شاخص منفی باشد به این معنی است که سیاست‌های ارزی از سطح رقابت‌پذیری بلندمدت گندم‌کاران ایرانی کاسته است و برعکس.

شاخص ارزشی برآورد حمایت از تولیدکننده (PSE) که مجموع حمایت از قیمت بازاری(MPS) و حمایت‌های بودجه‌ای(BP) را نشان می‌دهد، بیانگر آن است که سیاست‌های حمایتی به سمت حمایت از تولید و تولیدکننده تغییر یافته است، به طوری که میانگین حمایت‌ها در دوران جنگ، برنامه‌های اول و دوم توسعه منفی بوده، اما در دو برنامهٔ سوم و چهارم مثبت بوده است. براساس قیمت‌های ثابت سال ۱۳۸۴ نیز، مقدار حمایت‌ها از ۷۴۵۶- در دوران جنگ به ۹۴۶۳ میلیارد ریال در برنامهٔ چهارم افزایش یافته است. مقایسهٔ نتایج جدول‌های (۴-۱-۲-۵)، (۳-۱-۲-۵) و (۲-۱-۲-۵) نشان می‌دهد تا سال ۱۳۸۰ سهم حمایت‌های قیمتی در کل حمایت از تولیدکننده بیشتر از حمایت‌های بودجه‌ای بوده است. با وجود پرداخت‌های بودجه‌ای در دورهٔ جنگ و برنامه‌های اول و دوم توسعه حمایت کل از تولیدکننده (PSE) هم‌علامت با حمایت‌های قیمتی، منفی بوده است. در دو برنامهٔ سوم و چهارم با حمایت قیمتی مثبت یا منفی با مقدار مطلق کمتر، علامت شاخص PSE مثبت است، زیرا با افزایش تفاوت قیمت سوخت در داخل کشور با قیمت جهانی، سهم حمایت‌های بودجه‌ای نسبت به حمایت قیمتی بیشتر شده است.

در جدول (۴-۱-۲-۵) شاخص حمایت از تولیدکنندگان براساس نرخ ارز تعادلی(اثرکل) روندی مشابه اثرمستقیم داشته است که تا پایان برنامهٔ دوم توسعه به جز یک سال، همواره منفی بوده و از برنامهٔ سوم تا پایان پیش‌بینی برنامهٔ پنجم به

جز سال ۱۳۸۷ که با رشد کم‌نظیر قیمت جهانی محصولات کشاورزی همزمان بود با توسعهٔ حمایت‌های بودجه‌ای مثبت شده است. با نزدیک شدن مقادیر نرخ حقیقی ارز به نرخ تعادلی آن در برنامه‌های سوم و چهارم توسعه تفاوت ارزش اثرمستقیم و اثرکل کاهش پیدا کرده است که نشان‌دهندهٔ تأثیر همسویی تغییرات نرخ حقیقی ارز با متغیرهای بنیادین اقتصاد کشور در حمایت از تولیدکنندگان گندم است.

در ارزیابی سیاست‌های حمایتی از تولیدکنندگان، شاخص حمایت درصدی از تولیدکننده (PSE٪) مهم‌تر از شاخص برآورد حمایت از تولیدکننده (PSE) است؛ زیرا بیان درصدی این شاخص موجب می‌شود، تحت تأثیر عواملی مانند نرخ تورم، اندازه و ساختار بخش کشاورزی و اهمیت نسبی کالاها در بخش کشاورزی قرار نگیرد. بنابراین مقایسهٔ بهتری از حمایت را در طول زمان، بین کشورها و همچنین کالاهای مختلف، امکان‌پذیر می‌سازد. نتایج محاسبهٔ این شاخص با رهیافت تجارت‌محور[1] در جدول (۴-۱-۲-۵) مشاهده می‌شود.

در رهیافت تجارت‌محور، مقدار حمایت نسبت به دریافتی‌های تولیدکننده برحسب قیمت مرجع بین‌المللی اندازه‌گیری می‌شود. برای مثال، میانگین ۲۹- درصد شاخص PSE٪ که با رهیافت تجارت‌محور و نرخ حقیقی ارز برای دورهٔ جنگ محاسبه شده است، نشان می‌دهد مقدار دریافتی تولیدکننده ۲۹ درصد از آنچه می‌توانست با فروش محصولش با قیمت جهانی به دست آورد، کمتر بوده است. به بیان دیگر، سیاست‌های حمایتی در این دوره موجب شده است تولیدکننده ۲۹٪ از درآمدی را که در شرایط بدون چنین سیاست‌هایی می‌توانست به دست آورد به شکل نوعی مالیات پنهان از دست داده است. میانگین این شاخص با نرخ ارز حقیقی در برنامهٔ چهارم توسعه ۴۷ درصد برآورد شده است؛ یعنی در طول این برنامه به اندازهٔ ۴۷ درصد از درآمدی که در صورت فروش محصول با قیمت جهانی به دست

[1] . Trade Economist’s Denominator

می‌آورد، حمایت شده است. در این برنامه سیاست‌های حمایتی موجب حمایت مثبت از تولیدکننده شده و دریافتی او را نسبت به بازار جهانی افزایش داده است. در دورهٔ جنگ به علت اهمیت گندم در سبد غذایی خانوار، سیاست‌ها به منظور کمتر نگه داشتن قیمت داخلی آن بود و کشاورزان ناگزیر از پرداخت مالیات پنهان زیادی بودند؛ این شرایط تا پایان برنامهٔ دوم توسعه با نوسان ادامه داشت. رشد حمایت‌های بودجه‌ای همزمان با افزایش حمایت‌های قیمتی در برنامه‌های سوم و چهارم حمایت از گندم‌کاران را مثبت کرده است. در سال نخست اجرای سیاست شناورسازی نرخ ارز (۱۳۸۱)، دریافتی برآمده از سیاست‌های حمایتی بخشی و ارزی کشاورزان ۳۷٪ از ارزش تولید برحسب قیمت جهانی تعدیل شده با نرخ ارز حقیقی بوده است.

میانگین اثر کل که مجموع اثر سیاست‌های بخشی و کلان اقتصادی (سیاست‌های ارزی) در حمایت از تولیدکنندگان گندم را نشان می‌دهد، تا برنامهٔ سوم منفی بوده و در دو برنامهٔ آخر مثبت ارزیابی شده است. کل حمایت از تولیدکنندگان گندم (اثر کل) نیز روندی مشابه حمایت‌های قیمتی داشته است، به طوری که از ۲۶- درصد در دورهٔ جنگ به ۵ درصد در برنامهٔ چهارم رسیده است که علت آن افزایش سهم پرداخت‌های بودجه‌ای دولت از کل حمایت‌ها و بهبود حمایت‌های قیمتی در پی اجرای سیاست شناورسازی نرخ ارز در سال ۱۳۸۱ است.

جدول ۴-۱-۲-۵ شاخص‌های حمایت از تولیدکنندگان گندم

برنامه های توسعه	درصد انحراف نرخ ارز	سال	ارزش اثرمستقیم به قیمت ثابت سال ۱۳۸۴ (میلیارد ریال)	ارزش اثر کل به قیمت ثابت سال ۱۳۸۴ (میلیارد ریال)	%PSE اثر مستقیم	%PSE اثر غیرمستقیم	%PSE اثر کل
دورهٔ جنگ	۲۶/۸۱	۱۳۶۰	-۶۷۸۱	-۳۵۴۰	-۳۲/۸۱	۱۱/۳۹	-۲۱/۴۲
	۳۸/۹۰	۱۳۶۱	-۷۸۳۶	-۲۳۶۳	-۳۱/۱۶	۱۸/۳۸	-۱۲/۷۹
	۳۸/۶۷	۱۳۶۲	-۱۱۰۲۰	-۵۳۱۲	-۴۱/۶۱	۱۴/۲۷	-۲۷/۳۴
	۴۷/۶۸	۱۳۶۳	-۱۰۲۵۷	-۳۰۲۲	-۳۴/۵۱	۱۹/۸۰	-۱۴/۷۲
	-۱۳/۱۶	۱۳۶۴	-۱۲۰۲۱	-۱۶۲۳۳	-۴۰/۹۱	-۷/۳۶	-۴۸/۲۸
	-۲/۷۱	۱۳۶۵	-۳۴۲۴	-۴۴۶۱	-۱۵/۲۱	-۴/۱۱	-۱۹/۳۲
	۷۵/۷۲	۱۳۶۶	-۱۷۶۲	۴۴۳۷	-۸/۴۰	۴۳/۴۱	۳۵/۰۱
	۸۹/۸۷	۱۳۶۷	-۶۵۴۵	۱۵۶۸	-۲۷/۷۹	۳۹/۶۴	۱۱/۸۵
	۳۷/۷۲	میانگین	-۷۴۵۶	-۳۶۱۶	-۲۹/۰۵	۱۶/۹۲	-۱۲/۱۳
برنامهٔ اول توسعهٔ اقتصادی و اجتماعی	۵۰/۶۲	۱۳۶۸	-۱۳۱۰۶	-۵۸۲۸	-۴۵/۷۱	۱۵/۷۸	-۲۹/۹۳
	-۴/۳۰	۱۳۶۹	-۱۰۸۲۲	-۱۲۸۱۳	-۳۳/۷۶	-۴/۵۹	-۳۸/۳۵
	-۱۰/۸۴	۱۳۷۰	-۴۴۰۴	-۷۴۹۰	-۱۶/۳۱	-۸/۶۷	-۲۴/۹۹
	-۴۷/۰۳	۱۳۷۱	-۸۶۲۹	-۳۰۳۱۷	-۲۸/۳۷	-۲۶/۸۱	-۵۵/۱۸
	-۵۱/۴۱	۱۳۷۲	-۱۳۴۲	-۲۴۵۲۷	-۴/۸۹	-۴۱/۰۶	-۴۵/۹۵
	-۴۱/۲۹	۱۳۷۳	-۶۷۱۶	-۲۴۵۵۴	-۲۱/۵۶	-۲۶/۸۲	-۴۸/۳۸
	-۱۷/۳۸	میانگین	-۷۵۰۳	-۱۷۵۸۸	-۲۵/۱۰	-۱۵/۳۶	-۴۰/۴۶
برنامهٔ دوم توسعهٔ اقتصادی و اجتماعی	-۳۱/۹۷	۱۳۷۴	-۲۰۹۲۱	-۳۸۷۹۱	-۴۸/۵۸	-۱۳/۷۶	-۶۲/۳۳
	-۱۶/۱۸	۱۳۷۵	-۱۳۳۵	-۴۷۹۲	-۶/۴۴	-۱۳/۳۴	-۱۹/۷۹
	-۰/۸۹	۱۳۷۶	-۱۲۵۷۵	-۱۳۳۰۱	-۴۱/۱۶	-۲/۰۲	-۴۳/۱۹
	۳۳/۱۵	۱۳۷۷	-۱۱۴۱۷	-۴۸۶۸	-۳۴/۲۰	۱۵/۲۸	-۱۸/۹۲
	۲۹/۱۰	۱۳۷۸	-۶۳۸۶	-۳۰۹۸	-۲۷/۳۷	۱۰/۶۱	-۱۶/۷۶
	۲/۶۴	میانگین	-۱۰۵۲۷	-۱۲۹۷۰	-۳۱/۵۵	-۰/۶۵	-۳۲/۲۰
برنامهٔ سوم توسعهٔ اقتصادی و اجتماعی	۱۶/۹۶	۱۳۷۹	-۵۱۷	۶۲۳	-۲/۸۴	۶/۷۹	۳/۹۵
	۱۶/۵۴	۱۳۸۰	۱۰۵۶	۲۶۴۹	۵/۴۱	۱۰/۱۸	۱۵/۵۹
	۱۲/۹۹	۱۳۸۱	۷۷۶۳	۸۸۷۰	۳۷/۵۵	۱۰/۲۱	۴۷/۷۵
	۳/۸۵	۱۳۸۲	۶۷۳۳	۶۷۱۰	۲۷/۷۹	۰/۸۴	۲۸/۶۳
	-۲/۷۹	۱۳۸۳	۹۲۰۸	۷۸۸۱	۳۶/۳۳	-۵/۹۹	۳۰/۳۴
	۹/۵۱	میانگین	۴۸۴۸	۵۳۴۷	۲۰/۸۵	۴/۴۰	۲۵/۲۵
برنامهٔ چهارم توسعهٔ اقتصادی و اجتماعی	-۶/۱۸	۱۳۸۴	۱۳۱۴۰	۱۱۲۴۵	۶۳/۵۸	-۱۲/۰۷	۵۱/۵۱
	-۱۰/۷۰	۱۳۸۵	۱۰۳۱۵	۷۴۳۲	۴۳/۳۱	-۱۵/۰۸	۲۸/۲۳
	-۱۳/۰۹	۱۳۸۶	۹۵۷۹	۶۳۲۱	۴۰/۶۲	-۱۶/۸۸	۲۳/۷۴
	-۷/۷۴	۱۳۸۷	۹۷۱	-۷۷۲	۵/۵۰	-۹/۵۶	-۴/۰۶
	-۳/۳۲	۱۳۸۸	۱۱۰۱۱	۹۹۸۴	۶۷/۶۴	-۸/۰۷	۵۹/۵۷
	-۱۷/۴۵	۱۳۸۹	۱۱۷۶۱	۸۸۹۶	۶۳/۴۴	-۲۲/۷۹	۴۰/۶۵
	-۹/۷۵	میانگین	۹۴۶۳	۷۱۸۴	۴۷/۳۵	-۱۴/۰۸	۳۳/۲۷
پیش بینی برنامهٔ پنجم توسعهٔ اقتصادی و اجتماعی	-۱۹/۲۲	۱۳۹۰	۱۱۷۰۶	۹۰۹۹	۶۲/۳۵	-۲۱/۷۸	۴۰/۵۷
	-۲۱/۱۴	۱۳۹۱	۱۰۵۹۷	۶۸۸۹	۴۲/۵۶	-۲۰/۰۷	۲۲/۴۹
	-۲۳/۰۷	۱۳۹۲	۱۲۰۸۸	۸۰۴۸	۴۳/۷۲	-۲۰/۶۳	۲۳/۰۹
	-۲۴/۹۸	۱۳۹۳	۱۴۱۲۳	۹۹۱۹	۴۵/۸۱	-۲۰/۹۲	۲۴/۸۸
	-۲۲/۰۹	۱۳۹۴	۱۶۶۰۶	۱۲۹۳۷	۴۵/۴۶	-۱۷/۲۱	۲۸/۲۵
	-۲۲/۱۰	میانگین	۱۳۰۲۴	۹۳۷۸	۴۷/۹۸	-۲۰/۱۲	۲۷/۸۶

منبع: یافته‌های پژوهش

میانگین اثر غیرمستقیم PSE٪ که نشان‌دهندهٔ اثر سیاست‌های ارزی بر مقدار حمایت از تولیدکنندگان گندم است، در دورهٔ جنگ و برنامهٔ سوم توسعه مثبت و در دیگر برنامه‌ها منفی بوده است. بیشترین حمایت برآمده از سیاست‌های ارزی در دورهٔ جنگ و بیشترین اثر منفی در برنامهٔ اول رخ داده است. در دورهٔ جنگ و برنامهٔ سوم توسعه که نرخ ارز حقیقی بیشتر از نرخ ارز تعادلی و انحراف نرخ ارز مثبت بوده، بیش‌برآورد ارزش ریال موجب حمایت از تولیدکنندگان شده است. به علت اثر مثبت سیاست‌های ارزی در این دو دوره و بیشتر بودن این اثرگذاری مثبت در برنامهٔ سوم در جهت مثبت بودن اثر کل و مستقیم، برتری سیاست ارز شناور و نرخ ارز تثبیت شده نسبت به نظام دو نرخی ارز در حمایت از تولیدکنندگان گندم آشکار می‌شود. در دورهٔ جنگ و در برنامهٔ چهارم توسعه، سیاست‌های ارزی تضعیف‌کنندهٔ اثر سیاست‌های بخشی بوده است، به‌طوری که مقادیر مثبت اثر غیرمستقیم در دورهٔ جنگ موجب کاهش اثر منفی سیاست‌های خاص بخش کشاورزی در حمایت از تولیدکنندگان گندم در این دوره شده و در برنامهٔ چهارم توسعه اثر منفی سیاست‌های ارزی، اثر مثبت سیاست‌های بخشی را در حمایت از تولیدکنندگان تضعیف کرده است. در دیگر برنامه‌های توسعه، سیاست‌های ارزی اثر سیاست‌های بخشی را تقویت کرده است. به طوری که در برنامه‌های اول و دوم، اثر منفی سیاست‌های ارزی، حمایت‌های منفی از محصول گندم را تقویت و در برنامهٔ سوم اثر مثبت این سیاست‌ها، حمایت‌های بخش کشاورزی از تولیدکنندگان را پشتیبانی کرده است. مقادیر مطلق اثرمستقیم در بیشتر سال‌های بررسی‌شده بیشتر از اثر غیرمستقیم بوده است. به بیان دیگر، در مجموع کل حمایت از تولیدکنندگان گندم بر حسب علامت شاخص، سیاست‌های ارزی تقویت یا تضعیف‌کنندهٔ سیاست‌های بخشی بوده است که نقش محوری داشته‌اند.

با وجود افزایشی بودن حمایت‌ها، در پیش گرفتن روندی برنامه‌ریزی شده برای وابسته و واردکننده باقی نماندن تولید گندم ایران ضرورت دارد. در این راستا، مقایسهٔ حمایت از تولیدکنندگان گندم در ایران و دیگر کشورهای جهان مفید است. بررسی روند حمایت از تولیدکنندگان در کشورهای عضو سازمان توسعه و همکاری‌های اقتصادی در جدول (۵-۱-۲-۵)، نشان می‌دهد در این کشورها حمایت از تولید گندم در دههٔ اول قرن بیست و یکم روند ثابتی داشته است. به‌طوری که به نظر می‌رسد حمایت از تولید کشاورزی در این کشورها، با وجود بیشتر بودن مقدار مطلق آن، روندی به طور کامل کنترل شده دارد.

جدول ۵-۱-۲-۵) حمایت از تولید گندم در کشورهای عضو سازمان توسعه و همکاری‌های اقتصادی (میلیون دلار آمریکا)

سال	۲۰۰۰	۲۰۰۱	۲۰۰۲	۲۰۰۳	۲۰۰٤	۲۰۰٥	۲۰۰٦	۲۰۰۷	۲۰۰۸	۲۰۰۹	۲۰۱۰
PSE	٤۹۷۹	۳۰۹۳	۳۳۳۰	٤۷٥۳	۳۸٤٤	۳۸۸٦	٤۰۲۷	۲٥۹۷	۲۱۸٤	۳٦۱۷	۲٦٤٤

منبع: OECD، پایگاه داده‌های PSE/CSE، 2011

مقایسهٔ شاخص PSE٪ در ایران با کشورهای منتخب (نمودار ۳-۱-۲-۵) نشان می‌دهد روند درصد حمایت از تولید گندم از سال ۱۹۸۹ تا ۲۰۰۹، در بیشتر کشورهای جهان بدون در نظر گرفتن مقدار آن، به نسبت ثابت بوده است. برای مثال، در کشور ژاپن حمایت از محصول گندم زیاد و در دو دهه درصد حمایت از تولیدکنندگان(اثرمستقیم) همواره پیرامون ۸۵٪ نوسان داشته است. در دیگر کشورهای سازمان توسعه و همکاری‌های اقتصادی نیز کم‌وبیش روند باثباتی در دامنهٔ ۲۰ تا ۴۰ درصد مشاهده می‌شود. این در حالی است که مقدار این شاخص در ایران، در طول دورهٔ بررسی نوسان زیادی از ۴۵- تا ۶۷+ داشته است. این موضوع

نشان می‌دهد سیاست‌های اجراشده در حمایت از تولیدکنندگان گندم بی‌ثبات بوده است.

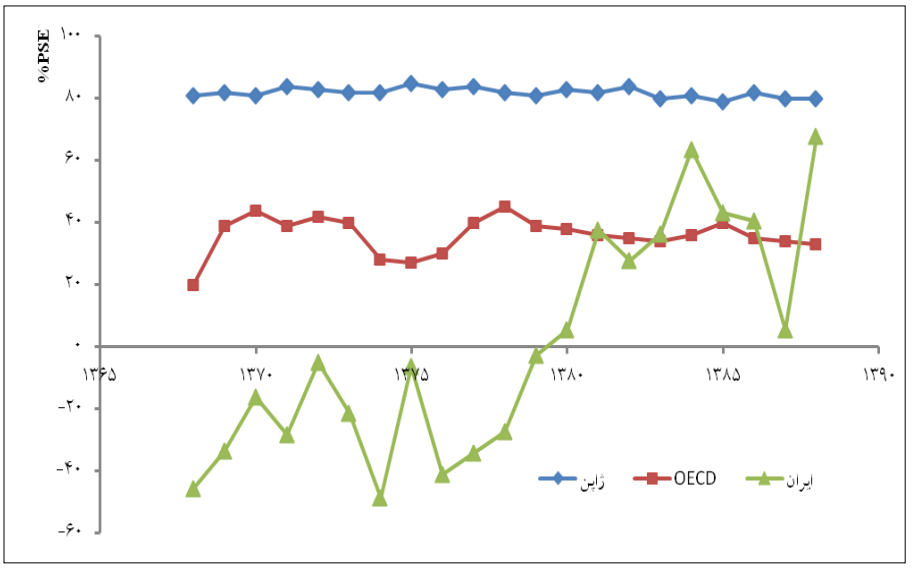

نمودار ۳-۱-۲-۵) مقایسهٔ درصد PSE گندم ایران و منتخب جهان

۳-۱-۲-۵ بررسی مقادیر حمایت از مصرف‌کنندگان گندم طی برنامه‌های توسعه

در جدول (۶-۱-۲-۵) مقادیر شاخص حمایت درصدی مصرف‌کنندگان گندم (CSE٪) طی دورهٔ مورد بررسی (۸۹-۱۳۶۰) گزارش شده است. چون دولت تنها خریدار انحصاری گندم و توزیع‌کنندهٔ آرد در کشور بوده است، انتقال‌های قیمتی بین مصرف‌کنندگان و تولیدکنندگان گندم به طور مستقیم انجام نمی‌پذیرد. دولت گندم را از تولیدکننده به قیمت تضمینی خریداری و پس از فراوری‌های لازم در نهایت با

قیمت یارانه‌ای در اختیار مصرف‌کننده قرار می‌دهد. بنابراین همهٔ حمایت‌هایی که از مصرف‌کنندگان نان شده، در قالب پرداخت‌های بودجه‌ای (یارانه نان) بوده است که آمار مربوط به آن در قوانین سالانهٔ بودجهٔ دولت درج می‌شود. بررسی رقم‌های حمایت‌های بودجه‌ای از نان نیز بیانگر آن است که حمایت از مصرف‌کنندگان روند افزایشی داشته است، به طوری که از ۱۷۱۷ میلیارد ریال به قیمت ثابت سال ۱۳۸۴ در سال ۱۳۶۰ به ۱۵۲۹۷ میلیارد ریال در سال ۱۳۸۹ افزایش یافته، یعنی حدود ۹ برابر شده است. افزایش سالانهٔ بودجهٔ اختصاص‌یافته به مصرف نان (گندم)، بار مالی سنگینی به دولت تحمیل کرده است که یکی از پیامدهای قانون هدفمندسازی یارانه‌ها در برنامهٔ پنجم توسعه، کاهش این هزینه، پیش‌بینی می‌شود.

از این رو با توجه به این‌که در محاسبهٔ شاخص حمایت از مصرف‌کننده فقط پرداخت‌های بودجه‌ای دولت از راه سازمان حمایت از تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان لحاظ شده است، شاخص درصدی حمایت از مصرف‌کنندگان نشان می‌دهد چه مقدار از هزینه‌های مصرفی مصرف‌کنندگان گندم را دولت با اعمال سیاست‌های حمایتی تأمین می‌کند. براساس نتایج، حمایت درصدی از مصرف‌کنندگان گندم (نان) نسبت به ارزش مصرف به قیمت‌های جهانی، از مقدار ۵/۴ درصد در دورهٔ جنگ، به ۷۸ درصد در برنامهٔ چهارم توسعه افزایش پیدا کرده است. به این معنی که دولت در طول دورهٔ جنگ، فقط ۵/۴ درصد و در برنامهٔ چهارم توسعه ۷۸ درصد از هزینه‌های مصرفی گندم را تأمین کرده است. به عبارتی در تمام سال‌ها مصرف‌کنندگان گندم از حمایت دولت برخوردار بوده‌اند که این حمایت افزایش یافته است. به طوری که، پس از سال‌های ۱۳۷۲ و ۱۳۸۱، به علت افزایش تفاوت قیمت داخلی و خارجی گندم در پی اجرای سیاست‌های آزادسازی نرخ ارز و تک‌نرخی کردن آن، با جهش سهم حمایت‌ها روبه‌رو بوده‌اند.

جدول ۶-۱-۲-۵) شاخص‌های حمایت از مصرف‌کنندگان گندم (منبع: یافته‌های پژوهش)

برنامه های توسعه		سال	ارزش حمایت به قیمت ثابت سال ۱۳۸٤ (میلیارد ریال)	%CSE سهم حمایت از ارزش مصرف
دورهٔ جنگ		۱۳٦۰	۱۷۱۷	۷/۰۹
		۱۳٦۱	۲۲۳۱	۷/۰۹
		۱۳٦۲	۱۲۲٤	۳/٦۸
		۱۳٦۳	۱۲۰۸	۲/۹٤
		۱۳٦٤	۲۱۸٦	٦/۰٤
		۱۳٦٥	۲٤۷۱	۹/۳۲
		۱۳٦٦	۱۱۳۰	۳/۷٤
		۱۳٦۷	۸٤۲	۳/۷٤
		میانگین	۱٦۲٦	٥/٤٦
برنامهٔ اول توسعهٔ اقتصادی و	اجتماعی	۱۳٦۸	۸٤۹	۱/۷٤
		۱۳٦۹	۲۸٦۰	٦/٦۸
		۱۳۷۰	۳٥۷٤	۱۰/۳٥
		۱۳۷۱	٥۷۸۰	۱٥/٦۳
		۱۳۷۲	۱۰۷٤۲	۳۲/٦۷
		۱۳۷۳	۱٤۸۳۲	٤۲/۲۱
		میانگین	٦٤٤۰	۱۸/۲۱
برنامهٔ دوم توسعهٔ اقتصادی	و اجتماعی	۱۳۷٤	۱۳٦۲۷	۲۲/۳۷
		۱۳۷٥	۱۳۲٤۰	٤٦/۳۲
		۱۳۷٦	۱۰٥۹۹	۲۱/۲۹
		۱۳۷۷	۱۱۷۹۷	۲٦/٤٥
		۱۳۷۸	۱۱٥۰۱	۳۰/٤٤
		میانگین	۱۲۱٥۲	۲۹/۳۷
برنامهٔ سوم توسعهٔ اقتصادی	و اجتماعی	۱۳۷۹	۱۱۲٦۳	۳٦/٦۲
		۱۳۸۰	۱۱۸۲۰	۳۷/۲٥
		۱۳۸۱	۱٥۲٥۳	٥۲/٦٦
		۱۳۸۲	۱٥۳٤٥	٦۰/۳٤
		۱۳۸۳	۱٥۹۳٦	٦٤/٤۲
		میانگین	۱۳۹۲٤	٥۰/۲٦
برنامهٔ چهارم توسعهٔ اقتصادی و	اجتماعی	۱۳۸٤	۲۲۱۰٤	۱۱۰/۰٤
		۱۳۸٥	۲۱٥۸٦	۸٦/۳٥
		۱۳۸٦	۱۷۳۰٤	۷۳/٤۸
		۱۳۸۷	۱٥۸٥۰	٥٥/۳۹
		۱۳۸۸	۱۳٥۰۲	٦۱/۱۱
		۱۳۸۹	۱٥۲۹۷	۸۲/۷٦
		میانگین	۱۷٦۰۷	۷۸/۱۹
پیش بینی برنامهٔ پنجم توسعهٔ اقتصادی و	اجتماعی	۱۳۹۰	۱۳٦۸۹	٥۹/۸۷
		۱۳۹۱	۱۳۰۹۸	٤۲/٦٦
		۱۳۹۲	۱۲۷۰۲	۳٦/۲۳
		۱۳۹۳	۱۲۳٦۰	۳۰/۰۱
		۱۳۹٤	۱۲۰٦٦	۲۲/٦۷
		میانگین	۱۲۷۸۳	۳۸/۲۹

از پایان سال ۱۳۸۹ با اجرای قانون هدفمندی یارانه‌ها، پرداخت مستقیم نقدی به خانوار نیز در کنار عرضهٔ آرد ارزان قیمت در پرداخت بخشی از یارانه به کار گرفته شد که در سهم حمایت‌ها از پرداخت مصرف‌کنندگاک با قیمت جهانی، تأثیرگذار بود و میانگین آن در برنامهٔ پنجم ۳۸ درصد پیش‌بینی می‌شود. این شیوه ممکن است در بلندمدت، بر مقدار مصرف گندم، یعنی مخرج کسر اثرگذار باشد که در صورت ثبات مقدار یارانه‌ها درصد حمایت افزایش خواهد یافت.

۴-۱-۲-۵- نتیجه‌گیری و پیشنهادهای گندم

چنان‌که بیان شد، محصول گندم از محصولات راهبردی بخش کشاورزی ایران محسوب می‌شود و همواره از بخش تولید و مصرف آن سیاست‌های حمایتی مختلفی شده است. در این پژوهش مقادیر کمّی این حمایت‌ها براساس شاخص‌های MPS، PSE و CSE طی دورهٔ ۸۹-۱۳۶۰ محاسبه شده است که نتایج بیانگر وجود روند افزایشی در حمایت‌های قیمتی، بودجه‌ای و کل حمایت از تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان گندم به قیمت ثابت بوده است. همچنین در مجموع حمایت‌های بودجه‌ای و قیمتی، حمایت‌های بودجه‌ای در کل حمایت از تولیدگنندگان در برنامه‌های سوم و چهارم نسبت به حمایت‌های قیمتی سهم بیشتری داشته‌اند و در بین این حمایت‌ها نیز سهم یارانهٔ سوخت و یارانهٔ نهاده‌های تولید با حدود ۹۰ درصد از کل حمایت‌های بودجه‌ای از تولیدکنندگان، بیشتر از دیگران بوده است. شاخص حمایت از مصرف‌کنندگان نیز بیانگر حمایت‌های مثبت و افزایشی در دورهٔ مورد بررسی بوده است، به طوری که مقادیر حمایت درصدی از مصرف‌کنندگان گندم از میانگین ۵/۴ درصد در دورهٔ جنگ به ۷۸ درصد در برنامهٔ چهارم توسعه رسیده است. افزون بر این، بررسی اثر سیاست‌های ارزی و انحراف نرخ ارز بر مقادیر حمایت از

تولیدکنندگان گندم نشان می‌دهد این سیاست‌ها در دورهٔ جنگ و همچنین برنامهٔ سوم توسعه که انحراف نرخ ارز مثبت بوده (نرخ ارز حقیقی بیش از نرخ ارز تعادلی بوده است) بر شاخص‌های حمایت از تولیدکنندگان اثر مثبتی داشته است، در حالی که در دیگر برنامه‌های توسعه موجب کاهش حمایت از تولیدکنندگان گندم شده است، یعنی اثر غیرمستقیم تضعیف‌کنندهٔ اثر مستقیم بوده است. براساس این نتایج، اجرای سیاست‌های باثبات و بلندمدت برای پیشگیری از نوسان‌های قیمت محصول، نهاده‌ها و نرخ ارز و حمایت‌های بودجه‌ای توصیه می‌شود. با توجه به سهم بیشتر حمایت‌های بودجه‌ای از کل حمایت‌ها در برنامه‌های سوم و چهارم که حمایت‌کننده-تر از دیگر برنامه‌ها بوده‌اند، تغییر الگوی سیاست‌ها از حمایت قیمتی به حمایت‌های بودجه‌ای موجب نزدیک شدن قیمت داخلی به قیمت جهانی می‌شود و از سوی دیگر با دخالت مستقیم دولت در بازار محصول همراه نیست که به رقابتی شدن بازار گندم کمک می‌کند. همچنین تنوع‌بخشی به حمایت‌های بودجه‌ای مانند به‌کارگیری پرداخت‌های مستقیم و بیمهٔ درآمدی نیز می‌تواند مناسب باشد. تنظیم سیاست‌های ارزی و بخشی به گونه‌ای که همسو و تقویت‌کنندهٔ یکدیگر باشند، به کارایی آنها می‌افزاید و با افزایش مزیت رقابتی، به رقابت‌پذیری جهانی تولیدکنندگان داخلی کمک می‌کند. به طوری که مقادیر مثبت اثر مستقیم و اثرغیرمستقیم در برنامهٔ سوم توسعه نشان می‌دهد، اجرای سیاست یکسان‌سازی نرخ ارز که تقویت‌کنندهٔ سیاست‌های بخشی بوده، موجب حمایت از تولیدکنندگان گندم شده است. مقایسهٔ حمایت در دوره‌های ارزی ایران نشان می‌دهد اجرای سیاست ارزی شناور بر سیاست‌های چندگانهٔ نرخ ارز و تثبیت شدید، برتری دارد.

در پیش‌بینی برنامهٔ پنجم نیز همانند برنامهٔ چهارم، سیاست‌های ارزی تقویت‌کنندهٔ سیاست‌های بخش کشاورزی نیست، اما اثرمستقیم و اثرکل هر دو مثبت‌اند. شاخص حمایت بازاری هم عدم حمایت از تولیدکنندگان را در بازار داخلی

نسبت به بازار جهانی نشان می‌دهد، به طوری که سیاست‌های ارزی و بخشی به زیان تولیدکنندگان گندم خواهد بود.

از آنجا که خرید گندم بیشتر توسط دولت انجام می‌پذیرد و قیمت خرید دولتی نیز قیمت تضمینی است، روش قیمت‌گذاری این محصول، خود به طور مستقیم - افزون بر تغییرات قیمت جهانی و نرخ ارز- در نوسان حمایت از قیمت بازاری گندم نقش دارد. در ایران، قیمت‌گذاری محصولات کشاورزی براساس هزینهٔ تولید است. در این روش، قیمت‌گذاری با توجه به هزینه‌های تولید و نرخ تورم انجام می‌پذیرد، در حالی که به نظر می‌رسد در ایران برای تعیین قیمت تضمینی گندم به افزایش نرخ تورم کمتر توجه شده و در بیشتر سال‌ها قیمت گندم کمتر از قیمت جهانی محاسبه شده است. به نظر می‌رسد این افزایش شدید در تفاوت قیمت داخلی و جهانی گندم از قدرت رقابت‌پذیری این محصول در بازارهای جهانی می‌کاهد، بنابراین استفاده از شیوهٔ قیمت‌گذاری براساس هزینهٔ تولید بیش از این در رابطه با محصول گندم توصیه نمی‌شود و دیگر روش‌های قیمت‌گذاری محصولات کشاورزی مانند روش معادل قیمت لب مرز یا روش نرخ مبادله ممکن است برای شرایط کنونی تولید گندم ایران مناسب‌تر باشند.

جدول ۷-۱-۲-۵) بررسی حمایت از تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان گندم در دوره‌های ارزی

دوره	درصد انحراف نرخ ارز	%MPS			%PSE			%CSE
		اثر مستقیم	اثر غیرمستقیم	اثر کل	اثر مستقیم	اثر غیرمستقیم	اثر کل	سهم حمایت ها از ارزش مصرف
۱۳۷۰-۱۳٦۰	۳۰/٦٦	-٤۷/۱۲	۱٤/۸۹	-۳۲/۲۳	-۲۹/۸٤	۱۲/٥٤	-۱۷/۳۰	٥/٦۷
۱۳۸۰-۱۳۷۱	-۹/۳۰	-۳٥/٥٥	-٥/۸٤	-٤۱/۳۹	-۲۱/۰۰	-۸/۱۰	-۲۹/۱۰	۳۱/۱۳
۱۳۸۹-۱۳۸۱	-٤/۹٤	۱۳/۸٦	-٤/۹۲	۸/۹٥	٤۲/۸٦	-۸/۸۲	۳٤/۰٤	۷۱/۸٤

منبع: یافته‌های پژوهش

در دوره‌های مختلف سیاست‌های ارزی متفاوتی اجرا شده است که دورهٔ مطالعه در این سال‌ها به سه دهه تقسیم می‌شود. متوسط شاخص‌های حمایت قیمتی، حمایت از تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان در جدول (۷-۱-۲-۵) آمده است. براساس شاخص‌های درصدی حمایت از تولیدکنندگان گندم در دههٔ اول و سوم بررسی، سیاست‌های بخشی در مقایسه با سیاست‌های ارزی در کل حمایت‌ها تأثیر بیشتری داشته است، زیرا قدرمطلق اثر مستقیم همواره بیشتر از اثر غیرمستقیم بوده است. در دههٔ ۱۳۶۰ به دلیل به‌کارگیری سیاست تثبیت نرخ ارز، انحراف از نرخ تعادلی به شدت افزایش یافت و با بیش‌برآورد ارزش ریال از تولیدکنندگان حمایت شد، اما در این دوره آثار منفی سیاست‌های بخشی از جمله کم نگه داشتن قیمت داخلی در مقایسه با قیمت جهانی تا حدی زیاد بود که اثر سیاست ارزی را خنثی و در مجموع حمایت کل از تولیدکننده را منفی کرد. در دههٔ ۱۳۷۰ با برقراری سیاست ارزی چند نرخی انحراف نرخ ارز و میانگین انواع شاخص‌های حمایت از تولیدکنندگان منفی شد، اما به طور کلی سیاست‌های بخشی در راستای حمایت بیشتر از تولیدکنندگان بهبود پیدا کرد. در دورهٔ سوم سیاست‌های ارزی با برقراری نرخ ارز شناور مدیریت شده انحراف نرخ ارز کاهش پیدا کرد و همچنان منفی بود. این کم برآورد ارزش ریال، با حمایت نکردن از تولیدکننده، از اثر مثبت سیاست‌های بخشی کاست. در این دوره با بهبود سیاست‌گذاری در بخش کشاورزی اثرمستقیم در MPS٪ و PSE٪ مثبت شد. حمایت از مصرف‌کنندگان در این دوره نیز به طور فزاینده افزایش پیدا کرد، به طوری که این سیاست‌ها هزینهٔ زیادی را به دولت تحمیل کرد.

با توجه به پررنگ بودن نقش سیاست‌های حمایت از مصرف‌کنندهٔ گندم و اختصاص بودجهٔ اختصاصی به آن، حمایت از مصرف‌کنندگان همواره وجود داشته و سهم آن از ارزش مصرف، افزایش داشته است. تأثیر سیاست‌های ارزی بر آن، در

محاسبات به کار گرفته نمی‌شود، اما تاثیر آن در روند افزایشی حمایت‌ها مشاهده‌پذیر است، زیرا دولت تفاوت قیمت داخلی و خارجی را که تحت تأثیر نرخ ارز است، می‌پردازد که با شناورسازی نرخ ارز به ۷۱ درصد ارزش مصرف براساس قیمت خارجی تعدیل‌شده با نرخ ارز حقیقی رسیده است.

روند کلی شاخص‌ها در سه دورهٔ ارزی نشان می‌دهد با کاهش انحراف‌های ارزی حمایت‌های غیرمستقیم کاهش یافته و از سال ۱۳۷۸ ثبات بیشتری یافته است، همچنین اثر کل و اثر مستقیم نزدیک به هم بوده است. در حالی که در سال‌های اولیه، به ویژه در سال‌های ۱۳۷۴-۱۳۷۲ همزمان با دورهٔ موقت آزادسازی اقتصادی فاصلهٔ این دو افزایش پیدا کرد.

به طور کلی شاخص‌های حمایت از گندم روند پرنوسانی را در پی اجرای سیاست‌های بخشی و ارزی نشان می‌دهند که به افزایش ریسک در طول زمان منجر می‌شود. همچنین سیاست‌های ارزی و بخشی هم‌راستا نبوده است. در سال‌های ابتدایی که سیاست‌های بخشی حمایت‌کننده نبوده، سیاست‌های ارزی جبران‌کنندهٔ نبود حمایت بوده و در سال‌های پایانی مطالعه سیاست‌های ارزی تضعیف‌کنندهٔ اثر مثبت سیاست‌های بخشی بوده است. برقراری سیاست‌های همسو و حمایت‌کننده می‌تواند به افزایش رقابت‌پذیری تولیدکنندگان گندم کمک کند. با توجه به نتایج برآورد نرخ ارز در فصل سوم، افزایش درآمدهای نفتی موجب افزایش ارزش ریال تعادلی می‌شود که در صورت ثبات نرخ حقیقی ارز، رشد درآمدهای نفتی به نفع تولیدکنندگان است. همچنین بهره‌وری اقتصاد به عنوان شاخص پیشرفت فن‌آوری، بر نرخ تعادلی ارز و شاخص حمایت‌ها چنین اثری دارد که دولت با مدیریت این دو عامل می‌تواند حمایت از گندم‌کاران را افزایش دهد. در نهایت انتظار می‌رود، ترکیب سیاست‌های پولی، مالی، ارزی و بخشی به گونه‌ای باشد که برایند آن، حمایت‌کنندهٔ کشاورزان باشد.

۲-۲-۵ جو

جو از کالاهای اساسی بخش کشاورزی است که از راه تأمین بخش مهمی از نهاده‌های مورد نیاز بخش دام و طیور، در تأمین نیاز غذایی کشور نقش کلیدی دارد. از آنجا که در بسیاری از مناطق کشور گندم و جو محصولات رقیب هستند، قیمت گندم نیز بر سطح زیرکشت و مقدار تولید آن مؤثر است. اگرچه، اهمیت جو در سبد کالای خانوار به اندازهٔ برنج نیست، از نظر سطح زیر کشت رتبهٔ دوم را در بین محصولات زراعی دارد. براساس گزارش سازمان خواربار کشاورزی، سطح زیرکشت جو از آغاز برنامهٔ اول توسعه تا پایان برنامهٔ چهارم از حدود ۲۶۵۱ به ۱۶۷۶ هزار هکتار کاهش پیدا کرده است که با کاهش سهم آن در بین محصولات زراعی از ۲۱ درصد به ۱۱ درصد رسیده است. این کاهش، گرایش نداشتن تولیدکنندگان به افزایش کشت این محصول را نشان می‌دهد. از این رو بررسی چگونگی حمایت از تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان این محصول می‌تواند برای توضیح تغییرات سطح زیرکشت آن مفید باشد.

در جدول (۱-۲-۲-۵) وضعیت تولید، عملکرد و تجارت جو ایران آمده است. با توجه به جدول، مشاهده می‌شود در تمام سال‌ها سهم ایران از سطح زیرکشت جهانی جو حدود ۲/۵ درصد بوده است. عملکرد جو در طی سال‌های اجرای برنامه‌های توسعه، از ۱/۰۷ تن در هکتار در ابتدای برنامهٔ اول به ۲/۳ تن در هکتار در سال ۱۳۸۹ افزایش پیدا کرده است. بررسی عملکرد تولید جو نسبت به جهان نیز نشان می‌دهد عملکرد تولید جو در ایران، در همهٔ سال‌ها، از میانگین عملکرد جهانی کمتر است، به طوری که عملکرد تولید جو ایران در سال ۱۳۶۸ تنها حدود ۰/۴۸ عملکرد جهانی بود و در پایان برنامهٔ چهارم به سه چهارم عملکرد جهانی رسیده است که به طور میانگین، بیانگر رشد سریع‌تر عملکرد جو در ایران نسبت به جهان است. تولید

جو طی دوره (۸۹-۱۳۶۸)، با نوسان همراه بوده و براساس گزارش سایت سازمان خواربار کشاورزی برنامهٔ اول توسعه بیشترین تولید را داشته است. اجرای طرح محوری گندم موجب انتقال منابع تولید از سوی جو به سمت محصول رقیب آن، گندم، شده و تولید آن را کاهش داده است.

جدول ۱-۲-۲-۵) وضعیت تولید، عملکرد و تجارت جو ایران

سال	سطح زیرکشت (هزارهکتار)	سهم از سطح زیرکشت (درصد)	عملکرد (تن در هکتار)	نسبت عملکرد ایران به جهان	تولید (هزارتن)	سهم از تولید جهان (درصد)	واردات (هزار تن)	سهم از واردات (درصد)	ارزش واردات (میلیون دلار)	سهم از ارزش واردات (درصد)
۱۳٦۸	۲٦۵۱	۳/٦۰	۱/۰۷	۰/٤۸	۲۸٤۷	۱/۷۳	۷٤۳	۳/۹۸	۱۱٦	۳/۹۷
۱۳٦۹	۲٦۲۸	۳/۵۷	۱/۳۵	۰/۵٦	۳۵٤۸	۱/۹۹	۵۸۷	۳/٦۵	۸۲	۲/۹۸
۱۳۷۰	۲۳۹٤	۳/۱٤	۱/۳۰	۰/۵۸	۳۱۰۲	۱/۸۳	۱۸۲	۱/۰۵	۲۵	۰/۹۱
۱۳۷۱	۲۲۱۱	۳/۰۱	۱/۳۹	۰/٦۲	۳۰٦۵	۱/۸۵	۱۱۰	۰/٤۸	۱۷	۰/٤۸
۱۳۷۲	۲۱۰۱	۲/۸۳	۱/٤٦	۰/٦٤	۳۰۵۸	۱/۸۰	۳۰٦	۱/۷۹	٤۵	۱/۷۸
۱۳۷۳	۱۷۵۷	۲/٤۳	۱/۷۳	۰/۷۸	۳۰٤۵	۱/۸۹	٦۹٤	۳/۱۱	۷۹	۲/۸٦
۱۳۷٤	۱۷۵۲	۲/۵۷	۱/٦۹	۰/۸۱	۲۹۵۲	۲/۰۹	۵۰۰	۲/۳۵	٦۰	۱/۸۵
۱۳۷۵	۱٦۷٤	۲/۵۵	۱/٦۳	۰/٦۹	۲۷۳٦	۱/۸٦	۸۰۰	۳/۸۷	۱۳۷	۳/٤۳
۱۳۷٦	۱۵۰۱	۲/۳۷	۱/٦٦	۰/٦۸	۲٤۹۹	۱/٦۲	٦۰۵	۲/۹٦	۱۰٤	۳/۰۷
۱۳۷۷	۱۸۲۵	۳/۲۱	۱/۸۱	۰/۷۵	۳۳۰۱	۲/٤۰	۲۰۷	۱/۲۱	۳۰	۱/۳٤
۱۳۷۸	۱٤۰۳	۲/٦۳	۱/٤۲	۰/۵۹	۱۹۹۹	۱/۵٦	٤۲۳	۱/۹۹	۵٤	۲/۲۵
۱۳۷۹	۱۱۹٤	۲/۱۹	۱/٤۱	۰/۵۸	۱٦۸٦	۱/۲۷	۱۰٤۰	٤/٦۳	۱۵۸	۵/۳۰
۱۳۸۰	۱٤۸۷	۲/٦۵	۱/٦۳	۰/٦٤	۲٤۲۳	۱/٦۸	۹۳۹	٤/٦۸	۱۳٤	٤/۹۱
۱۳۸۱	۱٦۷۰	۳/۰۲	۱/۸۵	۰/۷۵	۳۰۸۵	۲/۲٦	۲۰٤	۰/۹۹	۲٤	۰/۹۲
۱۳۸۲	۱۵۱۰	۲/٦۲	۱/۹۳	۰/۷۸	۲۹۰۸	۲/۰٤	٦	۰/۰۳	۱	۰/۰۳
۱۳۸۳	۱٦۰۰	۲/۷۸	۱/۸٤	۰/٦۹	۲۹٤۰	۱/۹۱	۱۰۱۳	۵/۰۰	۱۳۸	٤/۰۳
۱۳۸٤	۱٦۵۹	۳/۰۰	۱/۷۲	۰/٦۹	۲۸۵۷	۲/۰٦	۱۰۹۵	٤/٦۷	۱۷۸	٤/۵٤
۱۳۸۵	۱۵٦۷	۲/۷۸	۱/۸۹	۰/۷٦	۲۹۵٦	۲/۱۲	۲۷۰	۱/۱۲	٤۵	۱/۱۳
۱۳۸٦	۱٦٤۲	۲/۹۵	۱/۸۹	۰/۷۹	۳۱۰٤	۲/۳۱	۲۸۵	۱/۲۹	٦٦	۱/۱۰
۱۳۸۷	۱۰۷۰	۱/۹۰	۱/٤۵	۰/۵۳	۱۵٤۷	۱/۰۰	۱۰۳۵	٤/۰٤	۳۷٤	٤/۱۲
۱۳۸۸	۱٦۷٦	۳/۰۹	۲/۰٦	۰/۷٤	۳٤٤٦	۲/۲۷	۱۱۹۷	٤/۹۷	۱۷٤	۳/٤٤
۱۳۸۹	۱۵۸٤	۳/۳۳	۲/۰۳	۰/۷۸	۳۲۱۰	۲/٦۰	۵۳۸	۲/۱۲	۱۰٤	۱/۸۵

منبع: آمارنامه‌های وزارت جهاد کشاورزی ایران و سایت سازمان خواربار و کشاورزی جهانی ملل متحد(http://fao.org)

در نمودار (۱-۲-۲-۵) سهم جو ایران از تولید جهانی در بیشتر سال‌ها بیشتر از ۱/۵ درصد بوده و حتی در سال‌های برنامهٔ سوم و چهارم، به جز سال ۱۳۸۷، به بیش از ۲ درصد نیز رسیده است. بنابراین افزایش سهم ایران، نشان‌دهندهٔ کاهش تولید جهانی است.

در چند دههٔ اخیر، ایران در همهٔ سال‌ها واردکننده خالص جو بوده است. به طوری که سهم واردات ایران از کل واردات جهان حدود ۳ درصد بوده است. در آغاز برنامهٔ سوم، همزمان با خشکسالی شدید، واردات جو نیز افزایش زیادی داشته و از ۴۲۳ هزار تن در انتهای برنامهٔ دوم، به ۱۰۴۰ هزار تن در ابتدای برنامه سوم رسیده است. در سال‌های دورهٔ بررسی بیشترین هزینهٔ واردات جو در سال ۱۳۸۷ برابر با ۳۷۴ میلیون دلار بود که علت آن افزایش قیمت‌های جهانی محصولات کشاورزی بوده است.

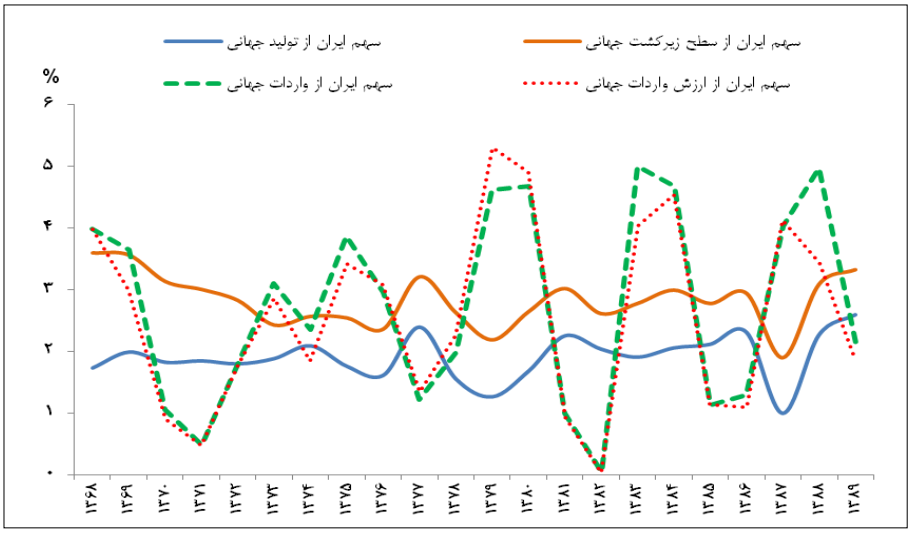

نمودار ۱-۲-۲-۵) سهم ایران از تولید، سطح زیرکشت، واردات و ارزش واردات جهانی جو طی دورهٔ ۸۹-۱۳۶۸

چنان‌که در فصل‌های پیشین بیان شد، به منظور بررسی اثر سیاست‌های ارزی و انحراف نرخ ارز بر مقادیر شاخص‌های حمایت از تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان (PSE٪، MPS٪ و CSE٪) که یکی از اهداف این پژوهش است، آثار مستقیم، کل و غیرمستقیم محاسبه می‌شود. براساس روش پژوهش بیان‌شده در فصل سوم، اثر مستقیم بیانگر وضعیت موجود حمایت از تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان جو بر اثر سیاست‌های در حال اجرای بخش کشاورزی و ارزی است. اثر کل، حمایت از آنان را در شرایط اعمال نرخ ارز تعادلی برآمده از متغیرهای کلان اقتصادی در بلندمدت نشان می‌دهد. اثرغیرمستقیم حمایت از تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان را در دو نظام ارزی حقیقی و تعادلی مقایسه می‌کند و نشان‌دهندهٔ اثر سیاست‌های ارزی در چگونگی رقابت‌پذیری بلندمدت جو نسبت به رقبای جهانی است. اگر این شاخص منفی باشد به این معنی است که سیاست‌های ارزی از سطح رقابت‌پذیری بلندمدت جوکاران ایرانی کاسته است و برعکس.

با توجه به اهمیت جو در تغذیهٔ دام و طیور، افزون بر سیاست‌های ارزی، سیاست‌های حمایتی مختلف به منظور افزایش تولید این محصول اجرا شده است. از این سیاست‌ها می‌توان به سیاست تعیین قیمت خرید تضمینی، یارانه‌های انواع کود و سموم شیمیایی، یارانهٔ انرژی، تسهیلات ارزان قیمت و بیمه اشاره کرد. در ادامه، نتایج محاسبهٔ شاخص‌های حمایت از تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان جو (CSE٪، PSE٪) همانند محصول گندم تجزیه و تحلیل می‌شود. همچنین، اثر سیاست‌های ارزی و انحراف نرخ ارز بر مقادیر حمایت از این محصول طی برنامه‌های اول تا چهارم توسعه بررسی و این آثار در برنامهٔ پنجم پیش‌بینی می‌شود. پیش‌بینی برنامهٔ پنجم با فرض ادامهٔ روند رشد تخصیص یارانه‌ها همانند برنامهٔ چهارم و پیش‌بینی قیمت‌ها، همان‌طور که دربارهٔ محصول گندم بیان شد با استفاده از روش‌های درون‌یابی، انجام می‌پذیرد. همچنین با توجه به افزایش قیمت انرژی به دلیل آغاز اجرای قانون

هدفمندی یارانه‌ها در سال ۱۳۸۹، برای پیش‌بینی هزینهٔ حمل‌ونقل مورد استفاده در فرمول تعدیل قیمت جهانی محصول و نهاده‌های تولید، افزون بر روند برنامهٔ چهارم، رشد ۴۰ درصدی نسبت به هزینهٔ حمل‌ونقل پیش از اجرای طرح نیز فرض شده است.

۱-۲-۲-۵ بررسی مقادیر حمایت بازاری از تولیدکنندگان جو طی برنامه‌های توسعه

شاخص حمایت از قیمت بازاری(MPS) بیشتر بازتاب‌دهندهٔ سیاست‌های مؤثر بر قیمت— در ایران قیمت تضمینی— و سیاست‌های ارزی است که موجب انتقال درآمد از مصرف‌کنندگان به تولیدکنندگان می‌شوند. براساس آنچه در فصل سوم پژوهش بیان شد، شاخص درصدی حمایت از قیمت بازاری نسبت تفاوت قیمت دریافتی تولیدکنندگان داخلی را با قیمت جهانی تعدیل شده با نرخ ارز حقیقی یا تعادلی به قیمت جهانی نشان می‌دهد. اگر قیمت جهانی با نرخ ارز حقیقی تعدیل شود، اثر مستقیم و اگر با نرخ ارز تعادلی تعدیل شود، اثر کل محاسبه می‌شود. تفاضل این دو اثر نشان‌دهندهٔ برایند سیاست‌های ارزی است که اثرغیرمستقیم نامیده می‌شود.

نتایج محاسبات حمایت از قیمت بازاری، به قیمت‌های ثابت طی برنامه‌های اول تا چهارم توسعه و پیش‌بینی برنامهٔ پنجم برای محصول جو در جدول (۲-۲-۲-۵) ارائه شده است.

جدول ۲-۲-۲-۵) شاخص‌های حمایت بازاری(MPS) از تولیدکنندگان جو

برنامه های توسعه	درصد انحراف نرخ ارز	سال	ارزش اثرمستقیم به قیمت ثابت سال ۱۳۸٤ (میلیارد ریال)	ارزش اثر کل به قیمت ثابت سال ۱۳۸٤ (میلیارد ریال)	%MPS اثر مستقیم	%MPS اثر غیرمستقیم	%MPS اثر کل
دورهٔ جنگ	۲٦/۸۱	۱۳٦۰	-۸۱۸	٤٦۸	-۱۲/٦۹	۲۱/۷٤	۹/۰٦
	۳۸/۹۰	۱۳٦۱	-۱۸۱۱	-۷۱	-۲۷/٤۵	۲۵/۹۹	-۱/٤٦
	۳۸/٦۷	۱۳٦۲	-۳۵۸۸	-۱۵۰۳	-٤۵/۵٤	۱۹/٦۰	-۲۵/۹٤
	٤۷/٦۸	۱۳٦۳	-٤۹۷۱	-۱۸۹۱	-٤۹/٦۷	۲۲/۳۷	-۲۷/۲۹
	-۱۳/۱٦	۱۳٦٤	-۱۹۱۸	-۲۸۰۵	-۳۰/۳۲	-۸/۵۷	-۳۸/۸۸
	-۲/۷۱	۱۳٦۵	-۲٤۱۱	-۲۵۸۷	-۳۵/۳۷	-۱/٦۳	-۳۷/۰۰
	۷۵/۷۲	۱۳٦٦	۵۱٤	۲۷۲۳	۸/۹۵	٦۸/۱٤	۷۷/۰۸
	۸۹/۸۷	۱۳٦۷	-۱۰۷۳	۲۳۸۸	-۱۳/۱۹	٦٤/۲۹	۵۱/۱۰
	۳۷/۷۲	میانگین	-۲۰۱۰	-٤۱۰	-۲۵/٦٦	۲٦/٤۹	۰/۸۳
برنامهٔ اول توسعهٔ اقتصادی و اجتماعی	۵۰/٦۲	۱۳٦۸	-٤۸۲۱	-۱۵۹۳	-٤۷/۱٦	۲٤/۳۸	-۲۲/۷۸
	-٤/۳۰	۱۳٦۹	-۷۳۵۵	-۷۸۷۷	-۵۸/۸۱	-۱/٦۵	-٦۰/٤٦
	-۱۰/۸٤	۱۳۷۰	-٤۸۱۱	-۵۸۵٤	-۵۰/۹۲	-٤/۸۸	-۵۵/۸۰
	-٤۷/۰۳	۱۳۷۱	-٤۹٤۱	-۱۱۹۲۱	-۵٦/۷۹	-۱۹/۲۳	-۷٦/۰۲
	-۵۱/٤۱	۱۳۷۲	-۳۲۳۷	-۱۱۲۳۷	-۳۸/۵۵	-۲۹/۹۸	-٦۸/۵۳
	-٤۱/۲۹	۱۳۷۳	-۲۲۷٦	-٦۸۱۲	-۳۰/۹۰	-۲٦/۳٤	-۵۷/۲٤
	-۱۷/۳۸	میانگین	-٤۵۷۳	-۷۵٤۹	-٤۷/۱۹	-۹/٦۲	-۵٦/۸۰
برنامهٔ دوم توسعهٔ اقتصادی و اجتماعی	-۳۱/۹۷	۱۳۷٤	-۳۷۳٦	-٦۹۱۳	-۵۰/۷٤	-۱٤/۸۵	-٦۵/۵۹
	-۱٦/۱۸	۱۳۷۵	-٤۵۸٦	-٦۰٦۱	-۵٤/۹۳	-٦/۷۷	-٦۱/٦۹
	-۰/۸۹	۱۳۷٦	-۳۳۷۱	-۳٤۲۸	-٤۷/۸۹	-۰/٤۲	-٤۸/۳۱
	۳۳/۱۵	۱۳۷۷	-۵۲۰۵	-۳۱٤۰	-۵۷/٦۷	۱۲/۵٦	-٤۵/۱۱
	۲۹/۱۰	۱۳۷۸	-۲٤۳۸	-۱۳۵۱	-٤٦/۵۵	۱۳/۹۹	-۳۲/۵٦
	۲/٦٤	میانگین	-۳۸٦۷	-٤۱۷۹	-۵۱/۵٦	۰/۹۰	-۵۰/٦۵
برنامهٔ سوم توسعهٔ اقتصادی و اجتماعی	۱٦/۹٦	۱۳۷۹	-۱۵۹۲	-۱۰۰۹	-۳٦/۵۲	۹/۸۱	-۲٦/۷۱
	۱٦/۵٤	۱۳۸۰	-۱۷۷۰	-۱۰۹٦	-۳۳/۹۷	۹/۸۱	-۲٤/۱۷
	۱۲/۹۹	۱۳۸۱	-۸۰۸	-۲۹۹	-۱٦/۱۰	۹/٤٦	-٦/٦٤
	۳/۸۵	۱۳۸۲	-۱٤٤٤	-۱۲٦۵	-۲٦/۳۲	۲/٤۹	-۲۳/۸۳
	-۲/۷۹	۱۳۸۳	-٤٦	-۱٦۱	-۰/۹۹	-۲/۳۷	-۳/۳٦
	۹/۵۱	میانگین	-۱۱۳۲	-۷٦٦	-۲۲/۷۸	۵/۸٤	-۱٦/۹٤
برنامهٔ چهارم توسعهٔ اقتصادی و اجتماعی	-٦/۱۸	۱۳۸٤	-٤٤۳	-۷۱۹	-۹/۲۳	-٤/۹۵	-۱٤/۱۸
	-۱۰/۷۰	۱۳۸۵	۷۰۵	۳۵۲	۲۰/۰۰	-۱۰/۹٤	۹/۰۷
	-۱۳/۰۹	۱۳۸٦	-۷۸۸	-۱۵۷۵	-۱۳/۳۹	-۱۰/۲۱	-۲۳/٦۰
	-۷/۷٤	۱۳۸۷	-۱۱۹	-۳۲۸	-٤/۳۱	-٦/٦۹	-۱۱/۰۰
	-۳/۳۲	۱۳۸۸	۱٤۰۱	۱۳۱۰	٤۳/٤۲	-۳/۹٤	۳۹/٤۸
	-۱۷/٤۵	۱۳۸۹	۲٤۲	-٤۸۳	۵/۹٤	-۱٦/۰۰	-۱۰/۰٦
	-۹/۷۵	میانگین	۱٦٦	-۲٤۰	۷/۰۷	-۸/۷۹	-۱/۷۲
پیش بینی برنامهٔ پنجم توسعهٔ اقتصادی و اجتماعی	-۱۹/۲۲	۱۳۹۰	-۲۱۱۱	-۳۵۱٤	-۳۱/۲۹	-۱۱/۸۳	-٤۳/۱۲
	-۲۱/۱٤	۱۳۹۱	-۳٦۹۱	-۵۷۸۹	-٤۲/۲۹	-۱۱/۱۸	-۵۳/٤۸
	-۲۳/۰۷	۱۳۹۲	-٤۵۳٦	-۷۲٦٤	-٤۵/۰۷	-۱۱/۷۲	-۵٦/۷۹
	-۲٤/۹۸	۱۳۹۳	-۵۵۸۵	-۹۱۲۰	-٤۷/۹۱	-۱۲/۱۲	-٦۰/۰۳
	-۲۲/۰۹	۱۳۹٤	-۷٦۹۳	-۱۱٤۵۰	-۵۳/۵٤	-۹/٦۳	-٦۳/۱۷
	-۲۲/۱۰	میانگین	-٤۷۲۳	-۷٤۲۷	-٤٤/۰۲	-۱۱/۳۰	-۵۵/۳۲

منبع: یافته‌های پژوهش

براساس نتایج جدول (۲-۲-۲-۵) انحراف نرخ ارز که از نسبت تفاوت نرخ حقیقی ارز و نرخ تعادلی آن نسبت به نرخ تعادلی ارز محاسبه می‌شود، در دوره‌های مختلف متفاوت بوده است. نرخ حقیقی ارز از حاصل ضرب نسبت میانگین موزون سطح عمومی قیمت‌های مهم‌ترین شرکای تجاری ایران به سطح عمومی قیمت‌های ایران محاسبه می‌شود. نرخ تعادلی برآورد شده با استفاده از الگوی اقتصادسنجی تصحیح خطا در فصل چهارم این پژوهش نیز، تابعی از متغیرهای بنیادین اقتصاد شامل رابطهٔ مبادله، قیمت جهانی طلا، درجهٔ باز بودن اقتصاد، درآمد نفتی کشور، بهره‌وری کل اقتصاد، نسبت نرخ بهرهٔ جهانی به نرخ بهره در ایران است که نرخ ارز ایران را در شرایط تعادل بلندمدت اقتصاد نشان می‌دهد. در دورهٔ جنگ با کاهش درآمد نفتی و همزمان نیاز کشور به ارز، با بیش برآورد ارزش ریال نسبت به دلار توسط دولت، انحراف نرخ ارز در سال پایانی جنگ(۱۳۶۷) به ۸۹ درصد افزایش پیدا کرد. در برنامهٔ اول توسعه با کم‌برآورد ارزش ریال نسبت به نرخ تعادلی، انحراف نرخ ارز منفی بود و در سال‌های پایانی این برنامه به دلیل اجرای سیاست‌های آزادسازی اقتصادی مقدار آن افزایش یافت. در سال‌های نخست برنامهٔ دوم انحراف نرخ ارز حقیقی از مقدار تعادلی بلندمدت اقتصاد منفی و در سال‌های بعد مثبت شد. در برنامهٔ سوم توسعه به منظور تشویق صادرات، سیاست بیش‌برآورد ارزش ریال دنبال شد، یعنی نرخ ارز تعادلی کمتر از نرخ حقیقی آن بود. همچنین نرخ ارز سالیانه با شیب ملایمی در حال رشد بود. در برنامهٔ چهارم روند کاهش ارزش پول ملی با سرعت بیشتری ادامه پیدا کرد، اما رشد نرخ ارز تعادلی بیش از نرخ حقیقی آن بود. بنابراین سیاست‌های ارزی برنامهٔ چهارم موجب کم‌برآورد ارزش ریال شد.

براساس نتایج اثرمستقیم - بر حسب قیمت‌های ثابت سال پایهٔ ۱۳۸۴- تا پایان برنامهٔ سوم به جز سال ۱۳۶۶ رقمی منفی بوده و تنها در برنامهٔ چهارم در پی اجرای سیاست‌های بخشی و ارزی، در بازار جو از مصرف‌کنندگان به تولیدکنندگان انتقال

بازاری انجام پذیرفته است. در برنامه‌های اول تا سوم روند حمایت بازاری به نفع تولیدکنندگان بوده است، یعنی با آن‌که در بیشتر سال‌های بررسی، قیمت دریافتی تولیدکنندگان جو کمتر از قیمت مرجع تعدیل‌شده با نرخ حقیقی ارز بوده است، ارزش مطلق آن کمتر شده است. به طوری که میانگین حمایت در برنامه‌های اول و سوم توسعه به قیمت ثابت سال ۱۳۸۴ به ترتیب ۳۵۷۳ و ۱۱۳۲ میلیارد ریال بوده است. همچنین با فروض بیان شده، در برنامهٔ پنجم نیز در مقایسه با قیمت‌های جهانی، پرداختی به تولیدکنندگان جو انجام نمی‌پذیرد. به عبارت دیگر، اگر دولت اجازهٔ فروش جو داخلی در بازارهای جهانی را ندهد، تولیدکنندگان جو دریافتی بیشتری خواهند داشت. براساس بررسی در طول سه دهه، از کشاورزان در مقایسهٔ قیمت جهانی با داخلی، مالیات پنهان گرفته شده است که با رقم‌های منفی شاخص حمایت از قیمت بازاری نشان داده شده است. از آنجا که براساس آمار منتشرشدهٔ مرکز آمار ایران، قیمت داخلی در تمام سال‌های مورد بررسی این پژوهش روندی صعودی داشته است، نوسان شاخص حمایت از قیمت بازاری برآمده از نوسان نرخ ارز، قیمت جهانی و مقادیر تولید و مصرف جو است. چنان‌که اجرای سیاست شناورسازی نرخ ارز با کاهش ارزش ریال، در سال ۱۳۸۱، با وجود ادامهٔ حمایت نشدن جوکاران موجب کاهش چشمگیر دریافت مالیات پنهان از آنان شد. در برنامهٔ چهارم توسعه به علت نوسان در قیمت جهانی، حمایت از قیمت بازاری روند ثابتی نداشت، به گونه‌ای که در سال‌های متوالی حمایت از کشاورزان داخلی در مقابل رقبای جهانی از مثبت به منفی در نوسان بود. به بیان دیگر، قیمت تضمینی جو همزمان با افزایش قیمت‌های جهانی و نرخ ارز تغییر نکرده و در نتیجه در بیشتر سال‌ها تولیدکنندگان جو بخشی از درآمد خود بدون اجرای سیاست را در پی اجرای سیاست‌های بخشی و ارزی از دست داده‌اند که به کاهش قدرت رقابت‌پذیری آنان انجامیده است.

بررسی اثرکل حمایت از قیمت بازاری نیز روندی مشابه اثرمستقیم را نشان می‌دهد و تعدیل قیمت جهانی با نرخ ارز تعادلی بیانگر حمایت منفی از تولیدکنندگان است. یعنی حتی اگر نرخ ارز تعادلی هم برقرار بود، سیاست‌های قیمتی به گونه‌ای بود که در مقابل رقبای خارجی خود نه تنها حمایت نمی‌شدند، بلکه مالیات نیز بر آنها تحمیل می‌شد که این در کاهش قدرت رقابت‌پذیری تولیدکنندگان جو ایرانی بسیار مؤثر است. بر این اساس تنها در بعضی سال‌های جنگ و برنامهٔ چهارم توسعه، حمایت بازاری از تولیدکنندگان جو صورت پذیرفته است. در سال‌های ۱۳۸۵ و ۱۳۸۸ تولیدکنندگان جو به ترتیب ۳۵۲ و ۱۳۱۰ میلیارد ریال به قیمت‌های ثابت سال ۱۳۸۴، با سیاست‌های بخشی و ارزی حمایت شده‌اند که این سال‌های اندک نشان می‌دهد حمایت از کشاورزان به طور تصادفی روی داده و سیاست‌ها با وجود روند رو به بهبود، در راستای حمایت از کشاورزان طراحی نشده‌اند.

حمایت درصدی از قیمت بازاری (MPS٪) بر مبنای نرخ ارز حقیقی (اثر مستقیم) در دورهٔ جنگ و برنامه‌های اول تا سوم توسعه منفی بوده است که نشان می‌دهد قیمت داخلی محصول از قیمت جهانی تعدیل‌شده با نرخ ارز حقیقی، کمتر بوده است. این اثر در برنامهٔ چهارم، با در نظر گرفتن سال بدون برنامهٔ ۱۳۸۹، به طور متوسط ۷/۰۷ درصد شده است که نشان می‌دهد سیاست‌های قیمتی ۷/۰۷ درصد، کشاورزان ایران را نسبت به قیمت پیش روی رقبای جهانی حمایت می‌کند.

اثرکل که حمایت از تولیدکنندگان را تحت تاثیر متغیرهای بنیادین اقتصاد نشان می‌دهد، تنها در برنامهٔ اول به دلیل بیش برآورد ارزش ریال و اندک بودن قیمت جهانی در بعضی سال‌ها، به طور میانگین مثبت بوده است، اما بیشترین دامنهٔ نوسان نیز برای این دوره از ۳۸- تا ۷۷+ بوده است. در برنامهٔ اول با کم‌برآورد ارزش تعادلی ریال در پی اجرای سیاست‌های تعدیل اقتصادی، میانگین اثرکل به کمترین مقدار

خود، ۵۶- درصد رسید. در برنامه‌های بعدی، حمایت از کشاورزان در مقابل رقبای خارجی، با وجود دریافت مالیات پنهان از آنان بهبود پیدا کرد. در برنامهٔ سوم با وجود بیش برآورد ارزش ریال، سیاست‌های ارزی قادر به جبران اثر منفی سیاست‌های بخشی نبود. در برنامهٔ چهارم توسعه با کاهش قیمت جهانی در سال‌های ۱۳۸۵ و ۱۳۸۸ نسبت به قیمت داخلی، کشاورزان حمایت شدندکه نبود سیاست برنامه‌ریزی‌شده را بر حمایت از تولیدکنندگان جو و افزایش تولید نشان می‌دهد. پیش‌بینی می‌شود حمایت نشدن از کشاورزان در برنامهٔ پنجم توسعه افزایش یابد.

اثر غیرمستقیم نشان می‌دهد سیاست‌های ارزی تا چه اندازه تقویت‌کنندهٔ سیاست‌های بخشی در زمینهٔ قیمت محصول هستند. در سال‌هایی که نرخ حقیقی ارز بیش از نرخ ارز تعادلی است، حمایت قیمتی از تولیدکنندگان در پی اجرای سیاست ارزی مثبت است و برعکس. براساس جدول (۲-۲-۲-۵) در سال‌های نخست بررسی، با بیش‌برآورد ارزش تعادلی ریال، درصد اثرغیرمستقیم به طور میانگین مثبت است، اما پس از جنگ و با اجرای سیاست‌های آزادسازی نرخ ارز که انحراف نرخ ارز منفی و ارزش پول ملی کاهش بسیاری پیدا کرد، اثر غیرمستقیم به سوی حمایت نکردن کشاورزان تغییر علامت داد، اما مقدار مطلق انحراف نرخ ارز و اثرغیرمستقیم نسبت به دورهٔ جنگ ناهماهنگ‌تر بود. این بدین معنی است که در این دوره تضعیف پول ملی در نبود حمایت قیمتی از تولیدکنندگان جو اثر چندانی نداشته، اما بیش‌برآورد ارزش پول ملی اثر بیشتری در افزایش حمایت داشته است. در سال‌های بعدی انحراف نرخ ارز و درصد اثر غیرمستقیم حمایت از قیمت بازاری (MPS٪) تناسب بیشتری پیدا کردند و در برنامهٔ سوم با اجرای سیاست یکسان‌سازی نرخ ارز حمایت قیمتی از تولیدکنندگان بر اثر سیاست‌های ارزی ۵/۸ و انحراف نرخ ارز ۹/۵ درصد بود، اما در برنامهٔ چهارم حمایت قیمتی ۸/۷- و انحراف نرخ ارز ۹/۷۵- درصد بود.

مقایسهٔ مقادیر مطلق اثر غیرمستقیم و اثر مستقیم در MPS٪ نشان می‌دهد در بیشتر سال‌ها اثرمستقیم بیشتر از اثر غیرمستقیم بوده است که بیانگر نقش مهم‌تر سیاست‌های خاص بخش کشاورزی در چگونگی حمایت از تولیدکنندگان جو در مقایسه با سیاست‌های ارزی است. در دورهٔ جنگ با آن‌که تنها در سه سال، سیاست‌های ارزی در مقایسه با سیاست‌های بخشی نقش مؤثرتری داشته‌اند، سیاست‌های ارزی به طور متوسط اثرگذارتر بوده‌اند. انتظار می‌رود سیاست‌های بخشی در سال‌های برنامهٔ پنجم توسعه نیز در حمایت قیمتی از تولیدکنندگان اثرگذارتر باشد.

۲-۲-۲-۵ بررسی مقادیر حمایت کل از تولیدکنندگان جو طی برنامه‌های توسعه

براساس آنچه در فصل‌های پیشین بیان شد، حمایت از تولیدکنندگان، حمایت‌های بازاری(MPS) و پرداخت‌های بودجه‌ای(BP) را در برمی‌گیرد که در بخش قبل حمایت‌های بازاری از محصول جو تحلیل شد. پرداخت‌های بودجه‌ای اجراشده در ایران شامل یارانهٔ پرداختی به نهاده‌های کشاورزی (یارانهٔ کود شیمیایی، سموم و علف‌کش)، یارانهٔ انرژی (برق و سوخت ماشین‌آلات کشاورزی) بیمهٔ محصولات و یارانهٔ تسهیلات است.

نتایج محاسبهٔ این پرداخت‌ها با توجه به آنچه در بخش‌های قبل بیان شد، در جدول (۳-۲-۲-۵) آمده است. براساس آن حمایت‌های بودجه‌ای در قیمت‌های ثابت سال ۱۳۸۴، از ۸۸۱ میلیارد ریال در سال ۱۳۶۰، به ۱۵۱۲ میلیارد ریال در سال ۱۳۸۹ افزایش پیدا کرده است.

جدول ۳-۲-۲-۵) حمایت بودجه‌ای از تولیدکنندگان جو در نرخ حقیقی ارز (میلیارد ریال- ثابت سال ۱۳۸۴) منبع: یافته‌های پژوهش

برنامه های توسعه	سال	نهاده های کود و سم	انرژی	بیمه	تسهیلات بانکی	کل حمایت بودجه ای	سهم نهاده های کود و سم(٪)	سهم انرژی(٪)
دورهٔ جنگی	۱۳۶۰	۶۲۸/۰۶	۲۱۶/۶۳	۰/۰۰	۳۶/۳۳	۸۸۱/۰۲	۷۱/۲۹	۲۴/۵۹
	۱۳۶۱	۵۶۶/۶۵	۱۹۵/۳۲	۰/۰۰	۲۴/۵۴	۸۱۱/۰۴	۶۹/۸۷	۲۴/۰۸
	۱۳۶۲	۸۱۲/۵۴	۲۳۹/۴۱	۰/۰۰	۳۰/۵۸	۱۱۱۳/۱۱	۷۳/۰۰	۲۱/۵۱
	۱۳۶۳	۱۲۸۶/۲۱	۳۱۸/۴۰	۰/۰۰	۷۶/۲۲	۱۷۵۷/۰۵	۷۳/۲۰	۱۸/۱۲
	۱۳۶۴	۸۵۶/۱۹	۳۲۸/۴۴	۰/۰۰	۸۵/۱۲	۱۳۵۴/۸۶	۶۳/۱۹	۲۴/۲۴
	۱۳۶۵	۹۹۳/۸۲	۴۲۱/۱۳	۰/۰۰	۶۰/۶۹	۱۵۳۶/۳۴	۶۴/۶۹	۲۷/۴۱
	۱۳۶۶	۶۸۴/۸۹	۵۷۰/۶۳	۰/۰۰	۶۳/۴۹	۱۳۸۲/۵۰	۴۹/۵۴	۴۱/۲۸
	۱۳۶۷	۱۱۱۰/۲۶	۵۷۱/۰۸	۰/۰۰	۶۴/۱۱	۱۸۰۹/۵۷	۶۱/۳۵	۳۱/۵۶
	میانگین	۸۶۷/۳۳	۳۵۷/۶۳	۰/۰۰	۵۵/۱۴	۱۳۳۰/۶۹	۶۵/۷۷	۲۶/۶۰
برنامهٔ اول توسعهٔ اقتصادی و اجتماعی	۱۳۶۸	۱۳۳۸/۲۸	۵۷۹/۷۵	۰/۰۰	۶۷/۲۹	۲۰۵۲/۶۲	۶۵/۲۰	۲۸/۲۴
	۱۳۶۹	۱۷۹۷/۷۲	۹۷۳/۴۸	۰/۰۰	۱۴۰/۰۵	۳۰۵۱/۳۱	۵۸/۹۲	۳۱/۹۰
	۱۳۷۰	۱۰۴۸/۲۱	۵۹۶/۸۸	۰/۰۰	۱۵۱/۵۰	۱۹۴۸/۱۰	۵۳/۸۱	۳۰/۶۴
	۱۳۷۱	۶۶۸/۶۱	۴۸۵/۵۷	۰/۰۰	۱۰۳/۷۱	۱۳۶۱/۶۰	۴۹/۱۰	۳۵/۶۶
	۱۳۷۲	۳۸۰/۴۶	۴۰۷/۲۴	۰/۰۰	۵۳/۸۴	۸۹۵/۳۷	۴۲/۴۹	۴۵/۴۸
	۱۳۷۳	۳۵۵/۵۳	۵۱۸/۰۸	۰/۰۰	۵۱/۷۲	۹۷۷/۰۵	۳۶/۳۹	۵۳/۰۲
	میانگین	۹۳۱/۴۷	۵۹۳/۵۰	۰/۰۰	۹۴/۶۹	۱۷۱۴/۳۴	۵۰/۹۸	۳۷/۴۹
برنامهٔ دوم توسعهٔ اقتصادی و اجتماعی	۱۳۷۴	۵۰۲/۷۱	۵۳۶/۷۲	۰/۰۰	۴۲/۷۸	۱۱۲۴/۹۹	۴۴/۶۹	۴۷/۷۱
	۱۳۷۵	۳۷۳/۳۹	۴۸۸/۴۴	۰/۰۰	۴۶/۷۶	۹۵۵/۳۴	۳۹/۰۸	۵۱/۱۳
	۱۳۷۶	۲۰۶/۹۴	۳۶۵/۳۸	۰/۴۴	۴۷/۹۹	۶۶۸/۷۴	۳۰/۹۴	۵۴/۶۴
	۱۳۷۷	۲۹۳/۷۶	۴۱۸/۰۸	-۰/۴۵	۵۸/۷۵	۸۲۸/۹۰	۳۵/۴۴	۵۰/۴۴
	۱۳۷۸	۳۲۷/۳۰	۴۹۶/۳۹	۰/۸۹	۵۵/۲۶	۹۳۵/۰۹	۳۵/۰۰	۵۳/۰۸
	میانگین	۳۴۰/۸۲	۴۶۱/۰۰	۰/۱۸	۵۰/۳۱	۹۰۲/۶۱	۳۷/۰۳	۵۱/۴۰
برنامهٔ سوم توسعهٔ اقتصادی و اجتماعی	۱۳۷۹	۲۹۵/۹۴	۴۵۶/۳۴	۰/۸۹	۷۰/۲۱	۸۹۳/۶۰	۳۳/۱۲	۵۱/۰۷
	۱۳۸۰	۲۹۴/۴۸	۴۳۱/۹۰	۰/۶۶	۸۳/۷۹	۸۹۴/۶۲	۳۲/۹۲	۴۸/۲۸
	۱۳۸۱	۲۴۰/۹۷	۶۰۵/۲۰	۲/۷۷	۹۰/۷۷	۱۰۳۰/۵۰	۲۳/۳۸	۵۸/۷۳
	۱۳۸۲	۲۱۲/۳۰	۶۰۷/۰۴	۵/۳۱	۹۴/۳۸	۱۰۱۳/۴۰	۲۰/۹۵	۵۹/۹۰
	۱۳۸۳	۳۳۲/۲۱	۷۷۲/۸۳	۷/۹۰	۹۲/۹۵	۱۲۹۸/۸۴	۲۵/۵۸	۵۹/۵۰
	میانگین	۲۷۵/۱۸	۵۷۴/۶۶	۳/۵۱	۸۶/۴۲	۱۰۲۶/۱۹	۲۷/۱۹	۵۵/۵۰
برنامهٔ چهارم توسعهٔ اقتصادی و اجتماعی	۱۳۸۴	۳۰۰/۶۹	۹۶۷/۲۳	۱۷/۰۰	۰/۰۰	۱۲۸۴/۹۱	۲۳/۴۰	۷۵/۲۸
	۱۳۸۵	۳۶۸/۵۷	۹۸۳/۰۴	۸/۶۷	۰/۰۰	۱۳۶۰/۲۹	۲۷/۱۰	۷۲/۲۷
	۱۳۸۶	۳۰۰/۲۳	۱۲۰۳/۰۰	۶/۷۳	۰/۰۰	۱۵۰۹/۹۶	۱۹/۸۸	۷۹/۶۷
	۱۳۸۷	۴۱۸/۲۸	۴۲۹/۳۸	۵/۴۹	۰/۰۰	۸۵۳/۱۵	۴۹/۰۳	۵۰/۳۳
	۱۳۸۸	۳۸۵/۸۴	۸۵۴/۸۲	۱۳/۸۰	۰/۰۰	۱۲۵۴/۴۶	۳۰/۷۶	۶۸/۱۴
	۱۳۸۹	۴۷۳/۰۱	۱۰۱۴/۵۷	۲۵/۰۰	۰/۰۰	۱۵۱۲/۵۷	۳۱/۲۷	۶۷/۰۸
	میانگین	۳۷۴/۴۴	۹۰۸/۶۷	۱۲/۷۸	۰/۰۰	۱۲۹۵/۸۹	۳۰/۲۴	۶۸/۷۹
پس بنی برنامهٔ پنجم توسعهٔ اقتصادی و اجتماعی	۱۳۹۰	۶۲۲/۴۸	۱۱۰۶/۶۱	۸/۱۸	۰/۰۰	۱۷۳۷/۲۶	۳۵/۸۳	۶۳/۷۰
	۱۳۹۱	۹۰۷/۰۸	۱۷۸۰/۴۶	۷/۴۴	۰/۰۰	۲۶۹۴/۹۹	۳۳/۶۶	۶۶/۰۷
	۱۳۹۲	۱۰۷۱/۴۸	۲۳۶۴/۴۰	۷/۲۸	۰/۰۰	۳۴۴۳/۱۶	۳۱/۱۲	۶۸/۶۷
	۱۳۹۳	۱۲۶۶/۹۰	۳۱۶۴/۹۵	۷/۲۳	۰/۰۰	۴۴۳۹/۰۸	۲۸/۵۴	۷۱/۳۰
	۱۳۹۴	۱۵۹۳/۱۰	۴۵۶۴/۶۴	۷/۲۴	۰/۰۰	۶۱۶۴/۹۸	۲۵/۸۴	۷۴/۰۴
	میانگین	۱۰۹۲/۲۱	۲۵۹۶/۲۱	۷/۴۷	۰/۰۰	۳۶۹۵/۸۹	۳۱/۰۰	۶۸/۷۵

حمایت از نهاده‌های انواع کود و سموم شیمیایی و انرژی بیشترین سهم حمایت‌های بودجه‌ای را شامل می‌شوند. در سال‌های جنگ، سهم حمایت از سم و کود بیشتر بوده و در سال‌های بعد، سهم یارانهٔ انرژی بیشتر شده و تا ۸۶ درصد در برنامهٔ چهارم توسعه رسیده است. بنابراین، به طور میانگین این حمایت‌ها در همهٔ برنامه‌ها حدود ۹۰ درصد از کل پرداخت‌های بودجه‌ای بوده است که تفاوت قیمت داخلی و خارجی انرژی و افزایش استفاده از آب‌های زیرزمینی و توسعهٔ ماشین‌آلات از دلایل آن است. حمایت به شکل تسهیلات بانکی در سال‌های ۱۳۶۹ تا ۱۳۷۱ بیشترین مقدار را داشته و در دیگر سال‌ها تا پایان برنامهٔ سوم با روند افزایشی ملایمی همراه بوده است. پرداخت سهم دولت در بیمهٔ محصول جو نیز پس از آغاز در سال ۱۳۷۶، نوسان داشته و نشان می‌دهد بیمهٔ محصول جو از برنامهٔ مشخصی پیروی نکرده است.

همان‌طور که در نمودار (۲-۲-۲-۵) مشاهده می‌شود، پرداخت‌های بودجه‌ای در قیمت‌های جاری به دنبال یک دوره افزایش پس از جنگ به دلیل افزایش تسهیلات بانکی، در برنامهٔ اول توسعه روندی نزولی داشته است. در برنامه‌های دوم و سوم حمایت‌های بودجه‌ای از ثبات نسبی برخوردار بود و در برنامهٔ چهارم توسعه با افزایش شکاف قیمت انرژی داخلی و خارجی افزایش یافت. در برنامهٔ چهارم پس از یک افت به دلیل کاهش تولید در سال ۱۳۸۷ به دلیل خشکسالی، حمایت‌های بودجه‌ای برای یک سال کاهش پیدا کرد.

پس از بررسی اجزای حمایت از تولیدکننده، یعنی حمایت قیمتی و پرداخت‌های بودجه‌ای در جدول (۴-۲-۲-۵) نتایج محاسبهٔ شاخص‌های حمایت از تولیدکننده آمده است. شاخص برآورد حمایت از تولیدکننده (PSE) که مجموع حمایت از قیمت بازاری(MPS) و حمایت‌های بودجه‌ای(BP) را نشان می‌دهد، بیانگر آن است

که سیاست‌های حمایتی به سمت حمایت از تولید و تولیدکننده تغییر یافته است، با وجود این تا برنامهٔ سوم توسعه میانگین همهٔ دوره‌ها منفی بوده است.

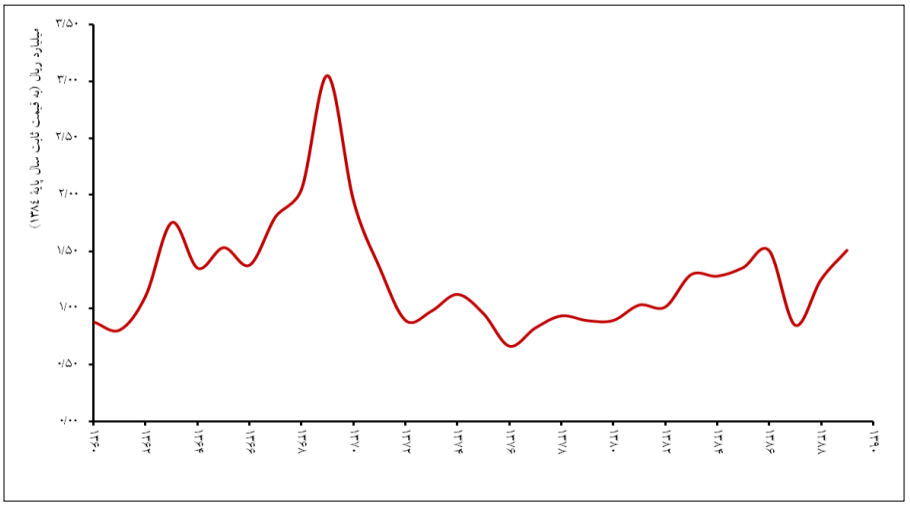

نمودار ۲-۲-۲-۵) نمودار روند پرداخت‌های بودجه‌ای دولت‌ها طی برنامه‌های مختلف توسعه

براساس قیمت‌های ثابت سال ۱۳۸۴، حمایت‌ها از ۶۷۹- در دوران جنگ به ۱۴۶۲ میلیارد ریال در برنامهٔ چهارم افزایش یافته است. مقایسهٔ نتایج جدول‌های (۴-۲-۲-۵)، (۳-۲-۲-۵) و (۲-۲-۲-۵) نشان می‌دهد در بیشتر سال‌ها سهم حمایت‌های قیمتی در کل حمایت از تولیدکننده بیشتر از حمایت‌های بودجه‌ای بوده است. اما به تدریج در برنامه‌های سوم و چهارم توسعه سهم حمایت‌های بودجه‌ای افزایش پیدا کرد و در برنامهٔ چهارم سهم حمایت‌های قیمتی کمتر شد. زیرا با افزایش تفاوت قیمت سوخت در داخل کشور با قیمت جهانی، سهم حمایت‌های بودجه‌ای نسبت به حمایت قیمتی بیشتر شده است، یعنی در مجموع حمایت از تولیدکنندگان بیشتر تحت تأثیر حمایت‌های قیمتی است و سیاست‌های قیمتی چه در زمینهٔ قیمت تضمینی و چه ارزی موجب حمایت نشدن تولیدکنندگان جو بوده است.

جدول ۴-۲-۲-۵ شاخص‌های حمایت از تولیدکنندگان جو

برنامه های توسعه	درصد انحراف نرخ ارز	سال	ارزش اثرمستقیم به قیمت ثابت سال ۱۳۸۴ (میلیارد ریال)	ارزش اثر کل به قیمت ثابت سال ۱۳۸۴ (میلیارد ریال)	%PSE اثر مستقیم	%PSE اثر غیرمستقیم	%PSE اثر کل
دورهٔ جنگ	۲۶/۸۱	۱۳۶۰	۶۳	۱۰۷۹	۰/۹۷	۱۹/۹۲	۲۰/۸۹
	۳۸/۹۰	۱۳۶۱	-۱۰۰۰	۴۵۰	-۱۵/۱۶	۲۴/۴۲	۹/۲۶
	۳۸/۶۷	۱۳۶۲	-۲۴۷۵	-۷۷۳	-۳۱/۴۱	۱۸/۰۷	-۱۳/۳۴
	۴۷/۶۸	۱۳۶۳	-۳۲۱۴	-۷۶۱	-۳۲/۱۱	۲۱/۱۳	-۱۰/۹۸
	-۱۳/۱۶	۱۳۶۴	-۵۶۴	-۱۴۲۹	-۸/۹۰	-۱۰/۹۰	-۱۹/۸۱
	-۲/۷۱	۱۳۶۵	-۸۷۵	-۱۱۷۴	-۱۲/۸۳	-۳/۹۵	-۱۶/۷۹
	۷۵/۷۲	۱۳۶۶	۱۸۹۶	۳۴۳۰	۳۳/۰۳	۶۴/۰۸	۹۷/۱۱
	۸۹/۸۷	۱۳۶۷	۷۳۶	۳۲۶۸	۹/۰۵	۶۰/۸۶	۶۹/۹۱
	۳۷/۷۲	میانگین	-۶۷۹	۵۱۱	-۷/۱۷	۲۴/۲۰	۱۷/۰۳
برنامهٔ اول توسعهٔ اقتصادی و اجتماعی	۵۰/۶۲	۱۳۶۸	-۲۷۶۸	-۳۶۸	-۲۷/۰۸	۲۱/۸۱	-۵/۲۶
	-۴/۳۰	۱۳۶۹	-۴۳۰۳	-۵۰۴۶	-۳۴/۴۱	-۴/۳۲	-۳۸/۷۳
	-۱۰/۸۴	۱۳۷۰	-۲۸۶۳	-۳۹۲۷	-۳۰/۳۰	-۷/۱۳	-۳۷/۴۴
	-۴۷/۰۳	۱۳۷۱	-۳۵۸۰	-۹۷۷۶	-۴۱/۱۴	-۲۱/۲۰	-۶۲/۳۴
	-۵۱/۴۱	۱۳۷۲	-۲۳۴۱	-۹۷۰۶	-۲۷/۸۸	-۳۱/۳۱	-۵۹/۱۹
	-۴۱/۲۹	۱۳۷۳	-۱۲۹۹	-۵۴۲۹	-۱۷/۶۴	-۲۷/۹۸	-۴۵/۶۱
	-۱۷/۳۸	میانگین	-۲۸۵۹	-۵۷۰۹	-۲۹/۷۴	-۱۱/۶۹	-۴۱/۴۳
برنامهٔ دوم توسعهٔ اقتصادی و اجتماعی	-۳۱/۹۷	۱۳۷۴	-۲۶۱۱	-۵۴۷۵	-۳۵/۴۶	-۱۶/۴۸	-۵۱/۹۵
	-۱۶/۱۸	۱۳۷۵	-۳۶۳۰	-۵۰۸۲	-۴۳/۴۸	-۸/۲۴	-۵۱/۷۳
	-۰/۸۹	۱۳۷۶	-۲۷۰۲	-۲۸۶۰	-۳۸/۳۹	-۱/۹۲	-۴۰/۳۰
	۳۳/۱۵	۱۳۷۷	-۴۳۷۷	-۲۵۸۴	-۴۸/۴۹	۱۱/۳۶	-۳۷/۱۲
	۲۹/۱۰	۱۳۷۸	-۱۵۰۳	-۷۴۰	-۲۸/۶۹	۱۰/۸۶	-۱۷/۸۴
	۲/۶۴	میانگین	-۲۹۶۵	-۳۳۴۸	-۳۸/۹۰	-۰/۸۸	-۳۹/۷۹
برنامهٔ سوم توسعهٔ اقتصادی و اجتماعی	۱۶/۹۶	۱۳۷۹	-۶۹۹	-۳۵۷	-۱۶/۰۲	۶/۵۸	-۹/۴۵
	۱۶/۵۴	۱۳۸۰	-۸۷۵	-۴۱۳	-۱۶/۸۰	۷/۶۹	-۹/۱۱
	۱۲/۹۹	۱۳۸۱	۲۲۳	۵۱۰	۴/۴۴	۶/۸۷	۱۱/۳۱
	۳/۸۵	۱۳۸۲	-۴۳۱	-۳۹۹	-۷/۸۵	۰/۳۳	-۷/۵۳
	-۲/۷۹	۱۳۸۳	۱۲۵۳	۱۰۲۰	۲۶/۹۰	-۵/۵۳	۲۱/۳۸
	۹/۵۱	میانگین	-۱۰۶	۷۲	-۱/۸۷	۳/۱۹	۱/۳۲
برنامهٔ چهارم توسعهٔ اقتصادی و اجتماعی	-۶/۱۸	۱۳۸۴	۸۴۲	۴۶۴	۱۷/۵۵	-۸/۴۰	۹/۱۵
	-۱۰/۷۰	۱۳۸۵	۲۰۶۶	۱۶۷۸	۵۸/۵۷	-۱۵/۳۴	۴۳/۲۳
	-۱۳/۰۹	۱۳۸۶	۷۲۲	-۵۹	۱۲/۲۶	-۱۳/۱۴	-۰/۸۸
	-۷/۷۴	۱۳۸۷	۷۳۴	۴۶۹	۲۶/۵۱	-۱۰/۷۵	۱۵/۷۶
	-۳/۳۲	۱۳۸۸	۲۶۵۶	۲۴۵۹	۸۲/۲۹	-۸/۱۷	۷۴/۱۱
	-۱۷/۴۵	۱۳۸۹	۱۷۵۴	۱۱۷۸	۴۳/۰۸	-۱۸/۵۳	۲۴/۵۵
	-۹/۷۵	میانگین	۱۴۶۲	۱۰۳۱	۴۰/۰۴	-۱۲/۳۹	۲۷/۶۵
پیش بینی برنامهٔ پنجم توسعهٔ اقتصادی و اجتماعی	-۱۹/۲۲	۱۳۹۰	-۳۷۳	-۱۴۹۹	-۵/۵۳	-۱۲/۸۶	-۱۸/۳۹
	-۲۱/۱۴	۱۳۹۱	-۹۹۶	-۲۵۶۶	-۱۱/۴۱	-۱۲/۲۹	-۲۳/۷۰
	-۲۳/۰۷	۱۳۹۲	-۱۰۹۲	-۳۰۰۵	-۱۰/۸۶	-۱۲/۶۴	-۲۳/۴۹
	-۲۴/۹۸	۱۳۹۳	-۱۱۴۶	-۳۴۴۴	-۹/۸۳	-۱۲/۸۴	-۲۲/۶۷
	-۲۲/۰۹	۱۳۹۴	-۱۵۲۸	-۳۸۲۰	-۱۰/۶۴	-۱۰/۴۴	-۲۱/۰۷
	-۲۲/۱۰	میانگین	-۱۰۲۷	-۲۸۶۷	-۹/۶۵	-۱۲/۲۱	-۲۱/۸۷

منبع: یافته‌های پژوهش

در جدول (۴-۲-۲-۵) شاخص حمایت از تولیدکنندگان براساس نرخ ارز تعادلی(اثرکل) روندی مشابه اثرمستقیم داشته است، اما میانگین آن تنها در برنامه‌های اول و دوم توسعه منفی بوده است. در برنامه‌های سوم و چهارم، در بیشتر سال‌ها با توسعهٔ حمایت‌های بودجه‌ای و حمایت برآمده از بیش‌برآورد ارزش تعادلی ریال حمایت کل از جوکاران مثبت بوده است که نشان می‌دهد در صورت اثرگذاری متغیرهای تعادلی بلندمدت اقتصاد ایران کشاورزان از حمایت بیشتری بهره‌مند می‌شدند.

همان‌طور که بیان شد، در ارزیابی سیاست‌های حمایتی از تولیدکنندگان، شاخص حمایت درصدی از تولیدکننده (PSE٪) مهم‌تر از شاخص برآورد حمایت از تولیدکننده (PSE) است؛ زیرا بیان درصدی این شاخص موجب می‌شود، تحت تأثیر عواملی مانند نرخ تورم، اندازه و ساختار بخش کشاورزی و اهمیت نسبی کالاها در بخش کشاورزی قرار نگیرد. بنابراین مقایسهٔ بهتری از حمایت را در طول زمان، بین کشورها و همچنین کالاهای مختلف، امکان‌پذیر می‌سازد. نتایج محاسبهٔ این شاخص با رهیافت تجارت‌محور[1] در جدول (۴-۲-۲-۵) مشاهده می‌شود.

میانگین ۷/۱- درصد شاخص PSE٪ که با رهیافت تجارت‌محور و نرخ حقیقی ارز برای دورهٔ جنگ محاسبه شده است، نشان می‌دهد دریافتی تولیدکننده ۷/۱ درصد از آنچه می‌توانست با فروش محصولش با قیمت جهانی به دست آورد، کمتر بوده است. به بیان دیگر، سیاست‌های حمایتی در این دوره موجب شده است تولیدکننده ۷/۱٪ از درآمدی را که در شرایط بدون چنین سیاست‌هایی می‌توانست به دست آورد به شکل نوعی مالیات پنهان از دست بدهد. میانگین این شاخص با نرخ ارز حقیقی در برنامهٔ چهارم توسعه ۴۰ درصد برآورد شده است؛ یعنی در طول این برنامه به اندازهٔ ۴۰ درصد از درآمدی که در صورت فروش محصول با قیمت جهانی به دست

[1] . Trade Economist’s Denominator

می‌آورد، حمایت شده است. در این برنامه سیاست‌های حمایتی بخشی و ارزی موجب حمایت مثبت از تولیدکننده شده و دریافتی او را نسبت به بازار جهانی افزایش داده است. در دورهٔ جنگ با وجود اهمیت جو در تولید گوشت و تأمین پروتئین داخلی، و تنظیم سیاست‌ها به منظور کمتر نگه داشتن قیمت داخلی، به دلیل سطح پایین قیمت جهانی نسبت به برنامهٔ اول توسعه، کشاورزان مالیات پنهان کمتری را پرداخت کردند؛ در برنامه‌های اول و دوم با اجرای سیاست‌های آزادسازی اقتصادی و کاهش ارزش پول ملی و همزمان افزایش قیمت‌های جهانی، حمایت از کشاورزان به طور چشمگیری کاهش یافت و به ۳۸- درصد در برنامهٔ دوم توسعه رسید. رشد حمایت‌های بودجه‌ای و همچنین تعیین قیمت تضمینی نزدیک‌تر به قیمت جهانی در برنامهٔ سوم موجب شد تا اثر منفی سیاست‌های قیمتی کاهش پیدا کند و حمایت از جوکاران در سال‌های ۱۳۸۱ و ۱۳۸۳ مقادیری مثبت داشته باشد. اما بیشترین مقدار اثر مستقیم و تأثیر سیاست‌های بخشی در حمایت از تولیدکنندگان جو در برنامهٔ چهارم انجام پذیرفت. در سال ۱۳۸۸، دریافتی برآمده از سیاست‌های حمایتی بخشی و ارزی کشاورزان ۸۲٪ از ارزش تولید برحسب قیمت جهانی تعدیل شده با نرخ ارز حقیقی بوده است که بیشترین حمایت در طول ۳۰ سال است، اما نبود روند معین و تغییرات مداوم حمایت‌ها نشان می‌دهد حمایت از کشاورزان بیشتر تحت تاثیر قیمت جهانی است که در کنترل سیاست‌گذاران داخلی نیست.

میانگین اثر کل که مجموع اثر سیاست‌های بخشی و کلان اقتصادی (سیاست‌های ارزی) در حمایت از تولیدکنندگان جو را نشان می‌دهد، در دورهٔ جنگ و برنامه‌های سوم و چهارم مثبت ارزیابی شده است، به طوری که از ۱۷ درصد در دورهٔ جنگ به ۲۷ درصد در برنامهٔ چهارم رسیده است که علت آن افزایش سهم پرداخت‌های

بودجه‌ای دولت از کل حمایت‌ها و بهبود حمایت‌های قیمتی و بیش برآورد ارزش ریال در دورهٔ جنگ و برنامهٔ سوم توسعه است.

میانگین اثر غیرمستقیم PSE٪ که نشان‌دهندهٔ اثر سیاست‌های ارزی بر مقدار حمایت از تولیدکنندگان جو است، در دورهٔ جنگ و برنامهٔ سوم توسعه مثبت و در دیگر برنامه‌ها منفی بوده است. بیشترین حمایت برآمده از سیاست‌های ارزی در برنامهٔ سوم و بیشترین اثر منفی در برنامهٔ دوم توسعه به دلیل شکاف قیمت داخلی و خارجی روی داده است. در دورهٔ جنگ و برنامهٔ سوم توسعه که نرخ ارز حقیقی بیشتر از نرخ ارز تعادلی و انحراف نرخ ارز مثبت بوده است، بیش‌برآورد ارزش تعادلی ریال موجب حمایت از تولیدکنندگان شده است. به علت اثر مثبت سیاست‌های ارزی با بیش‌برآورد ارزش تعادلی ریال در این دو دوره، برتری سیاست ارزی شناور و نرخ ارز تثبیت‌شده نسبت به نظام چند نرخی ارز در حمایت از تولیدکنندگان جو آشکار می‌شود. در دورهٔ جنگ و در برنامه‌های سوم و چهارم توسعه، سیاست‌های ارزی تضعیف‌کنندهٔ اثر سیاست‌های بخشی بوده است، به‌طوری که مقادیر مثبت اثر غیرمستقیم در دورهٔ جنگ و برنامهٔ سوم توسعه موجب کاهش اثر منفی سیاست‌های خاص بخش کشاورزی در حمایت از تولیدکنندگان جو در این دوره شده و در برنامهٔ چهارم توسعه اثر منفی سیاست‌های ارزی، اثر مثبت سیاست‌های بخشی را در حمایت از تولیدکنندگان تضعیف کرده است. در دیگر برنامه‌های توسعه، سیاست‌های ارزی اثر سیاست‌های بخشی را تقویت کرده است. به طوری که در برنامه‌های اول و دوم، اثر منفی سیاست‌های ارزی، حمایت‌های بخشی منفی از محصول جو را کرده است. در بیشتر سال‌های دورهٔ بررسی‌شده، به‌ویژه برنامه‌های سوم و چهارم توسعه با کاهش انحراف نرخ ارز، مقادیر مطلق اثرمستقیم بیشتر از اثر غیرمستقیم بوده است. به بیان دیگر، در مجموع کل حمایت از تولیدکنندگان جو بر حسب علامت شاخص، سیاست‌های ارزی تقویت یا تضعیف‌کنندهٔ سیاست‌های بخشی بوده است.

۳-۲-۲-۵ بررسی مقادیر حمایت از مصرف‌کنندگان جو طی برنامه‌های توسعه

در جدول (۶-۲-۲-۵) مقادیر شاخص حمایت درصدی مصرف‌کنندگان جو (CSE٪) در دورهٔ مورد بررسی (۸۹-۱۳۶۰) گزارش شده است. در محاسبهٔ شاخص حمایت از مصرف‌کنندگان از انتقال‌های قیمتی از مصرف‌کنندگان به تولیدکنندگان، مالیات‌دهندگان به مصرف‌کنندگان و دیگر انتقال‌ها به مصرف‌کنندگان استفاده می‌شود که در محاسبهٔ این شاخص برای محصول جو، از آنجا که پرداخت مستقیمی به مصرف‌کنندگان از راه بودجهٔ سالانهٔ دولت(مالیات‌دهندگان) انجام نمی‌پذیرد، تنها انتقال از مصرف‌کنندگان به تولیدکنندگان و واردکنندگان به مصرف‌کنندگان در محاسبه به کار گرفته شده است.

بررسی ارزش حمایت مستقیم از مصرف‌کنندگان جو برحسب قیمت‌های ثابت سال ۱۳۸۴، بیانگر آن است که حمایت از مصرف‌کنندگان روند کاهشی داشته است، به طوری که از ۲۰۰۳ میلیارد ریال در دورهٔ جنگ، پس از یک دوره افزایش در برنامه‌های اول و دوم توسعه، به ۱۶۵- میلیارد ریال در برنامهٔ چهارم رسیده است. حمایت از مصرف‌کنندگان جو که بزرگ‌ترین گروه آنها، تولیدکنندگان زیربخش دامپروری هستند در بیشتر سال‌ها مثبت بوده است. حمایت از آنها برحسب نرخ ارز تعادلی نیز روندی مشابه داشته و جز چهار سال، در تمام سال‌ها مثبت بوده است. یعنی کم نگه‌داشتن قیمت داخلی نسبت به قیمت جهانی و بیش ارزش‌گذاری پول ملی موجب حمایت از مصرف‌کنندگان جو می‌شود.

اثرکل که اثر متغیرهای بنیادین اقتصاد را بر حمایت از مصرف‌کنندگان نشان می‌دهد، نیز تنها در پنج سال حمایت‌کنندهٔ آنان بوده است. در برنامهٔ اول توسعه به دلیل کم‌برآورد ارزش ریال، بیشترین حمایت از مصرف‌کنندگان انجام شده است. در

سال‌های ۱۳۸۵ و ۱۳۸۸ با افزایش قیمت داخلی نسبت به قیمت خارجی جو، مصرف‌کنندگان جو ناگزیر از پرداخت مالیات پنهان بودند.

درصد حمایت از مصرف‌کنندگان(CSE٪) با نرخ ارز حقیقی، بیان می‌کند حمایت از مصرف‌کنندگان جو در دورهٔ جنگ ۲۵ درصد از پرداختی مصرف‌کنندگان را برحسب قیمت‌های تعدیل‌شدهٔ جهانی شامل شده است. یعنی در شرایط کنونی با اجرای سیاست‌های قیمتی، مصرف‌کنندگان، به اندازهٔ ۲۵ درصد آنچه(در صورتی که بازار آزاد برقرار باشد) باید می‌پرداختند، حمایت دریافت می‌کنند. در حقیقت ۲۵ درصد نسبت به آنچه می‌بایست می‌پرداختند، کمتر پرداخت کرده‌اند. درصد حمایت-ها در برنامهٔ چهارم به کمترین مقدار رسیده و مصرف‌کنندگان جو ۷ درصد از آنچه در بازار جهانی باید می‌پرداختند، بیشتر پرداخت کرده‌اند که این موضوع با تأثیر بر هزینه‌های بخش دام و طیور، تولید این بخش را تحت تأثیر قرار داده است.

براساس نتایج جدول (۶-۲-۲-۵) اثر کل روند مشابهی با اثر مستقیم دارد و چگونگی حمایت از مصرف‌کنندگان جو را با برقراری نرخ ارز تعادلی بلندمدت اقتصاد ایران بیان می‌کند. در دورهٔ جنگ که با اجرای سیاست‌های تثبیتی همزمان است، حمایت از مصرف‌کنندگان جو براساس این شاخص کمترین مقدار را دارد، به طوری که مصرف‌کنندگان جو با برقراری سیاست‌های ارزی و بخشی ۰/۸۳ درصد از آنچه در شرایطی که هیچ سیاست ارزی و بخشی برقرار نباشد بیشتر پرداخت کرده‌اند، که ناچیز بودن میانگین تاثیر سیاست‌های ارزی و بخشی را بر بازار مصرف جو بیان می‌کند. یعنی در پی دخالت دولت در بازار، مصرف‌کنندگان جوی داخلی نسبت به مصرف‌کنندگان خارجی زیان چندانی نکرده‌اند.

جدول ۶-۲-۲-۵) شاخص‌های حمایت از مصرف‌کنندگان جو

برنامه های توسعه	درصد انحراف نرخ ارز	سال	ارزش اثرمستقیم به قیمت ثابت سال ۱۳۸٤ (میلیارد ریال)	ارزش اثر کل به قیمت ثابت سال ۱۳۸٤	%CSE اثر مستقیم	%CSE اثر غیرمستقیم	%CSE اثر کل
دورهٔ جنگ	۲٦/۸۱	۱۳٦۰	۸۸۲	-۵۰٤	۱۲/٦۹	-۲۱/۷٤	-۹/۰٦
	۳۸/۹۰	۱۳٦۱	۱۷٤۲	٦۸	۲۷/٤۵	-۲۵/۹۹	۱/٤٦
	۳۸/٦۷	۱۳٦۲	۳۵٦۸	۱٤۹۵	٤۵/۵٤	-۱۹/٦۰	۲۵/۹٤
	٤۷/٦۸	۱۳٦۳	۵۰۵۰	۱۹۲۱	٤۹/٦۷	-۲۲/۳۷	۲۷/۲۹
	-۱۳/۱٦	۱۳٦٤	۱۸٤٤	۲٦۹۷	۳۰/۳۲	۸/۵۷	۳۸/۸۸
	-۲/۷۱	۱۳٦۵	۲۳۵۵	۲۵۲۷	۳۵/۳۷	۱/٦۳	۳۷/۰۰
	۷۵/۷۲	۱۳٦٦	-۵۰۱	-۲٦۵۵	-۸/۹۵	-٦۸/۱٤	-۷۷/۰۸
	۸۹/۸۷	۱۳٦۷	۱۰۸۱	-۲٤۰۷	۱۳/۱۹	-٦٤/۲۹	-۵۱/۱۰
	۳۷/۷۲	میانگین	۲۰۰۳	۳۹۳	۲۵/٦٦	-۲٦/٤۹	-۰/۸۳
برنامهٔ اول توسعهٔ اقتصادی و اجتماعی	۵۰/٦۲	۱۳٦۸	٤٤۳۲	۱٤٦۵	٤۷/۱٦	-۲٤/۳۸	۲۲/۷۸
	-٤/۳۰	۱۳٦۹	۷۵۱۷	۸۰۵۲	۵۸/۸۱	۱/٦۵	٦۰/٤٦
	-۱۰/۸٤	۱۳۷۰	٤۳۸٤	۵۳۳٤	۵۰/۹۲	٤/۸۸	۵۵/۸۰
	-٤۷/۰۳	۱۳۷۱	٤۷۱۲	۱۱۳٦۸	۵٦/۷۹	۱۹/۲۳	۷٦/۰۲
	-۵۱/٤۱	۱۳۷۲	۳۱۰٦	۱۰۷۸٤	۳۸/۵۵	۲۹/۹۸	٦۸/۵۳
	-٤۱/۲۹	۱۳۷۳	۲۱۹۵	٦۵۷۰	۳۰/۹۰	۲٦/۳٤	۵۷/۲٤
	-۱۷/۳۸	میانگین	٤۳۹۱	۷۲٦۲	٤۷/۱۹	۹/٦۲	۵٦/۸۰
برنامهٔ دوم توسعهٔ اقتصادی و اجتماعی	-۳۱/۹۷	۱۳۷٤	۳۵۹۳	٦٦۵۰	۵۰/۷٤	۱٤/۸۵	٦۵/۵۹
	-۱٦/۱۸	۱۳۷۵	٤۵۱۹	۵۹۷۲	۵٤/۹۳	٦/۷۷	٦۱/٦۹
	-۰/۸۹	۱۳۷٦	۳۳۰۱	۳۳۵۸	٤۷/۸۹	۰/٤۲	٤۸/۳۱
	۳۳/۱۵	۱۳۷۷	٤۹۷٦	۳۰۰۲	۵۷/٦۷	-۱۲/۵٦	٤۵/۱۱
	۲۹/۱۰	۱۳۷۸	۲۳۵۵	۱۳۰٦	٤٦/۵۵	-۱۳/۹۹	۳۲/۵٦
	۲/٦٤	میانگین	۳۷٤۹	٤۰۵۷	۵۱/۵٦	-۰/۹۰	۵۰/٦۵
برنامهٔ سوم توسعهٔ اقتصادی و اجتماعی	۱٦/۹٦	۱۳۷۹	۱٦۱۳	۱۰۲۲	۳٦/۵۲	-۹/۸۱	۲٦/۷۱
	۱٦/۵٤	۱۳۸۰	۱۷٤۵	۱۰۸۱	۳۳/۹۷	-۹/۸۱	۲٤/۱۷
	۱۲/۹۹	۱۳۸۱	۷۷۱	۲۸٦	۱٦/۱۰	-۹/٤٦	٦/٦٤
	۳/۸۵	۱۳۸۲	۱۳۷۲	۱۲۰۲	۲٦/۳۲	-۲/٤۹	۲۳/۸۳
	-۲/۷۹	۱۳۸۳	٤۵	۱۵۷	۰/۹۹	۲/۳۷	۳/۳٦
	۹/۵۱	میانگین	۱۱۰۹	۷٤۹	۲۲/۷۸	-۵/۸٤	۱٦/۹٤
برنامهٔ چهارم توسعهٔ اقتصادی و اجتماعی	-٦/۱۸	۱۳۸٤	٤٤۰	۷۱٤	۹/۲۳	٤/۹۵	۱٤/۱۸
	-۱۰/۷۰	۱۳۸۵	-٦۷۵	-۳۳۷	-۲۰/۰۰	۱۰/۹٤	-۹/۰۷
	-۱۳/۰۹	۱۳۸٦	۷٦۰	۱۵۱۸	۱۳/۳۹	۱۰/۲۱	۲۳/٦۰
	-۷/۷٤	۱۳۸۷	۱۳۷	۳۷٦	٤/۳۱	٦/٦۹	۱۱/۰۰
	-۳/۳۲	۱۳۸۸	-۱۳۹۹	-۱۳۰۸	-٤۳/٤۲	۳/۹٤	-۳۹/٤۸
	-۱۷/٤۵	۱۳۸۹	-۲۵٤	۵۰۸	-۵/۹٤	۱٦/۰۰	۱۰/۰٦
	-۹/۷۵	میانگین	-۱٦۵	۲٤۵	-۷/۰۷	۸/۷۹	۱/۷۲
پیش بینی برنامهٔ پنجم توسعهٔ اقتصادی و اجتماعی	-۱۹/۲۲	۱۳۹۰	۲۱۷٦	۳٦۲۳	۳۱/۲۹	۱۱/۸۳	٤۳/۱۲
	-۲۱/۱٤	۱۳۹۱	۳۷۹۳	۵۹۵۰	٤۲/۲۹	۱۱/۱۸	۵۳/٤۸
	-۲۳/۰۷	۱۳۹۲	٤٦٤۹	۷٤٤۵	٤۵/۰۷	۱۱/۷۲	۵٦/۷۹
	-۲٤/۹۸	۱۳۹۳	۵۷۰۹	۹۳۲۳	٤۷/۹۱	۱۲/۱۲	٦۰/۰۳
	-۲۲/۰۹	۱۳۹٤	۷۸٤٦	۱۱٦۷۸	۵۳/۵٤	۹/٦۳	٦۳/۱۷
	-۲۲/۱۰	میانگین	٤۸۳۵	۷٦۰٤	٤٤/۰۲	۱۱/۳۰	۵۵/۳۲

منبع: یافته‌های پژوهش

علامت اثرغیرمستقیم در مورد مصرف‌کنندگان، عکس علامت انحراف نرخ ارز است، یعنی با کم‌برآورد ارزش ریال(انحراف منفی)، مصرف‌کنندگان حمایت می‌شوند و برعکس. به عبارت دیگر، چگونگی حمایت از مصرف‌کنندگان را هنگامی که سیاست ارزی برقرار است نسبت به وقتی که سیاست ارزی اجرا نمی‌شود، نشان می‌دهد. در دورهٔ جنگ و برنامهٔ سوم توسعه سیاست‌های ارزی تضعیف‌کنندهٔ سیاست‌های بخشی بوده و با اجرای سیاست ارزی، مصرف‌کنندگان جو حمایت نشده‌اند. در حالی‌که در دیگر برنامه‌ها با اجرای سیاست ارزی کم‌برآورد ارزش ریال، مصرف‌کنندگان جو نسبت به شرایطی که سیاست ارزی برقرار نباشد حمایت شده‌اند، برای مثال در برنامهٔ چهارم ۸/۷٪ کمتر از پیش از اجرای سیاست ارزی پرداخت کرده‌اند. حمایت زیاد از مصرف‌کنندگان از رقابت‌پذیری بازار کاسته، اما از آنجا که جو از نهاده‌های تولید است به تقویت تولید در زیربخش دام و طیور کمک می‌کند، همان‌طور که کاهش حمایت از مصرف‌کنندگان هزینه‌های تولید این بخش را افزایش می‌دهد.

۴-۲-۲-۵ نتیجه‌گیری و پیشنهادهای جو

چنان‌که بیان شد، محصول جو از محصولات راهبردی بخش کشاورزی ایران محسوب می‌شود و سیاست‌های حمایتی مختلفی از بخش تولید و مصرف آن انجام پذیرفته است. در این پژوهش مقادیر کمّی این حمایت‌ها براساس شاخص‌های MPS، PSE و CSE طی دورهٔ ۸۹-۱۳۶۰ محاسبه شده است که نتایج بیانگر وجود روند افزایشی در حمایت‌های قیمتی، بودجه‌ای و کل حمایت از تولیدکنندگان و روند کاهشی در حمایت از مصرف‌کنندگان جو به قیمت ثابت بوده است. همچنین در مجموع حمایت‌های بودجه‌ای و قیمتی، حمایت‌های قیمتی در کل حمایت از تولیدکنندگان در همهٔ برنامه‌ها به جز برنامهٔ چهارم توسعه، نسبت به حمایت‌های

قیمتی سهم بیشتری داشته‌اند و در بین این حمایت‌ها نیز سهم یارانهٔ سوخت و یارانهٔ نهاده‌های تولید با نزدیک به ۹۰ درصد از کل حمایت‌های بودجه‌ای از تولیدکنندگان، بیشتر بوده است. مقادیر اثرمستقیم حمایت از مصرف‌کنندگان جو از میانگین ۷-درصد در دورهٔ جنگ به ۴۰ درصد در برنامهٔ چهارم توسعه رسیده است. افزون بر این، بررسی اثر سیاست‌های ارزی و انحراف نرخ ارز بر مقادیر حمایت از تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان جو نشان می‌دهد این سیاست‌ها در دورهٔ جنگ و همچنین برنامهٔ سوم توسعه با بیش‌برآورد ارزش ریال (نرخ ارز حقیقی بیش از نرخ ارز تعادلی بوده است) بر شاخص‌های حمایت از تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان اثر مثبتی داشته است، در حالی که در دیگر برنامه‌های توسعه کم‌برآورد ارزش تعادلی ریال موجب کاهش حمایت از تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان جو شده است، یعنی اثر غیرمستقیم تضعیف‌کنندهٔ اثر مستقیم بوده است. براساس این نتایج، اجرای سیاست‌های باثبات و بلندمدت برای پیشگیری از نوسان‌های قیمت محصول، نهاده‌ها و نرخ ارز و حمایت‌های بودجه‌ای توصیه می‌شود. با توجه به سهم بیشتر حمایت‌های بودجه‌ای از کل حمایت‌ها در برنامهٔ چهارم که حمایت‌کننده‌تر از دیگر برنامه‌ها بوده-است، تغییر الگوی سیاست‌ها از حمایت قیمتی به حمایت‌های بودجه‌ای موجب حفظ قیمت جو نزدیک به قیمت جهانی می‌شود و از سوی دیگر با دخالت مستقیم دولت در بازار محصول همراه نیست و به رقابتی شدن بازار جو کمک می‌کند. همچنین تنوع‌بخشی به حمایت‌های بودجه‌ای مانند به‌کارگیری پرداخت‌های مستقیم و بیمهٔ درآمدی نیز می‌تواند مناسب باشد. تنظیم سیاست‌های ارزی و بخشی به گونه‌ای که همسو و تقویت‌کنندهٔ یکدیگر باشند، به کارایی آنها می‌افزاید و با افزایش مزیت رقابتی، به رقابت‌پذیری جهانی تولیدکنندگان داخلی کمک می‌کند. اما همان‌طور که در نتایج مشاهده شد، در هیچ یک از دوره‌های مورد بررسی سیاست‌های بخشی و ارزی همسو با یکدیگر حمایت‌کنندهٔ تولیدکنندگان محصول جو نبودند. در پیش‌بینی

برنامهٔ پنجم همانند برنامهٔ چهارم، سیاست‌های ارزی تقویت‌کنندهٔ سیاست‌های بخش کشاورزی نیست و اثر کل و اثرمستقیم نیز حمایت نشدن کشاورزان را نشان می‌دهد. شاخص حمایت بازاری هم عدم حمایت از تولیدکنندگان را در بازار داخلی نسبت به بازار جهانی نشان می‌دهد، به طوری که سیاست‌های ارزی و بخشی به زیان تولیدکنندگان جو خواهد بود.

مانند گندم، برای تعیین قیمت تضمینی جو نیز به افزایش نرخ تورم و قیمت جهانی کمتر توجه شده و در بیشتر سال‌ها با روش هزینهٔ تولید، قیمت جو کمتر از قیمت جهانی محاسبه شده است. به نظر می‌رسد تفاوت زیاد قیمت داخلی و جهانی جو از قدرت رقابت‌پذیری این محصول در بازارهای جهانی می‌کاهد، بنابراین استفاده از این شیوهٔ قیمت‌گذاری بیش از این در رابطه با محصول جو توصیه نمی‌شود و دیگر روش‌های قیمت‌گذاری محصولات کشاورزی مانند روش معادل قیمت لب مرز یا روش نرخ مبادله ممکن است برای شرایط کنونی تولید جو ایران مناسب‌تر باشند.

در دوره‌های مختلف سیاست‌های ارزی متفاوتی اجرا شده است که دورهٔ مطالعه در این سال‌ها به سه دهه تقسیم می‌شود. متوسط شاخص‌های حمایت قیمتی، حمایت از تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان در جدول (۷-۲-۲-۵) آمده است. براساس شاخص‌های درصدی حمایت از تولیدکنندگان جو در دههٔ دوم و سوم بررسی، سیاست‌های بخشی در مقایسه با سیاست‌های ارزی در کل حمایت‌ها تأثیر بیشتری داشته است، زیرا قدرمطلق اثر مستقیم بیشتر از اثر غیرمستقیم بوده است. در دههٔ ۱۳۶۰ به دلیل به‌کارگیری سیاست تثبیت نرخ ارز، انحراف از نرخ تعادلی به شدت افزایش یافت و با بیش‌برآورد ارزش ریال از تولیدکنندگان حمایت شد، اما در این دوره آثار منفی سیاست‌های بخشی از جمله کم نگه داشتن قیمت داخلی در مقایسه با قیمت جهانی، اثر سیاست ارزی را خنثی کرد، اما در مجموع حمایت کل از تولیدکننده را مثبت کرد. در دههٔ ۱۳۷۰ با برقراری سیاست ارزی چند نرخی،

انحراف نرخ ارز و میانگین انواع شاخص‌های حمایت از تولیدکنندگان منفی شد و سیاست‌های بخشی نیز با افزایش قیمت‌های جهانی، حمایت‌کنندهٔ تولیدکنندگان نبود. در دورهٔ سوم سیاست‌های ارزی با برقراری نرخ ارز شناور مدیریت شده انحراف نرخ ارز کاهش پیدا کرد، اما همچنان منفی بود. این کم برآورد ارزش ریال، با حمایت نکردن از تولیدکننده، از اثر مثبت سیاست‌های بخشی کاست. در این دوره با بهبود سیاست‌گذاری در بخش کشاورزی، به‌ویژه افزایش حمایت‌های بودجه‌ای، اثرمستقیم در PSE٪ مثبت شد. براساس جدول (۷-۲-۲-۵) برای مصرف‌کنندگان نیز در دو دههٔ نخست، سیاست‌های بخشی اثرگذارتر از سیاست‌های ارزی بود و در دوره‌های دوم و سوم ارزی، این دو سیاست تقویت‌کنندهٔ یکدیگر و همسو بودند، اما بیشترین حمایت از مصرف‌کنندگان در دورهٔ برقراری نظام چند نرخی ارز روی داد.

جدول ۷-۲-۲-۵) بررسی حمایت از تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان جو در دوره‌های ارزی

دوره	درصد انحراف نرخ ارز	%MPS			%PSE			%CSE		
		اثر مستقیم	اثر غیرمستقیم	اثر کل	اثر مستقیم	اثر غیرمستقیم	اثر کل	اثر مستقیم	اثر غیرمستقیم	اثر کل
۱۳۶۰-۱۳۷۰	۳۰/٦٦	-۳۲/۹۲	۲۰/۸۹	-۱۲/۰۳	-۱۳/٥٦	۱۸/٥٥	٤/۹۸	۳۲/۹۲	-۲۰/۸۹	۱۲/۰۳
۱۳۷۱-۱۳۸۰	-۹/۳۰	-٤٥/٤٥	-٥/۱٤	-٥۰/٥۹	-۳۱/٤۰	-۷/۰۷	-۳۸/٤٦	٤٥/٤٥	٥/۱٤	٥۰/٥۹
۱۳۸۱-۱۳۸۹	-٤/۹٤	-۰/۱۱	-٤/۷۹	-٤/۹۰	۲۹/۳۰	-۸/۰۷	۲۱/۲۳	۰/۱۱	٤/۷۹	٤/۹۰

منبع: یافته‌های پژوهش

به طور کلی شاخص‌های حمایت از جو روند پرنوسانی را در پی اجرای سیاست‌های ارزی و بخشی نشان می‌دهند که به افزایش ریسک در طول زمان منجر می‌شود. همچنین سیاست‌های ارزی و بخشی هم‌راستا نبوده است. در سال‌های ابتدایی که سیاست‌های بخشی حمایت‌کننده نبوده، سیاست‌های ارزی جبران‌کنندهٔ نبود حمایت بوده و در سال‌های پایانی مطالعه سیاست‌های ارزی تضعیف‌کنندهٔ اثر مثبت سیاست‌های بخشی بوده است. برقراری سیاست‌های همسو و حمایت‌کننده

می‌تواند به افزایش رقابت‌پذیری تولیدکنندگان جو کمک کند. در نهایت ترکیب سیاست‌های ارزی و بخشی بهتر است به گونه‌ای باشد که برایند آن، حمایت‌کنندهٔ کشاورزان باشد.

۳-۲-۵ پنبه

پنبه، اصلی‌ترین مادهٔ اولیهٔ پارچه‌بافی و پوشاک، از اهمیت فزاینده‌ای برای صنایع نساجی کشور برخوردار است، اما افزون بر الیاف پنبه، از پنبه‌دانه در صنایع روغن-کشی و جیرهٔ غذایی دام استفاده می‌شود که به دلیل حجم و ارزش افزودهٔ کمتر، جایگاه الیاف پنبه را ندارد. از این رو، امکان تولید محصولات متنوع، پنبه را به یکی از گیاهان صنعتی با توانایی تولید ارزش افزوده تبدیل کرده است که بررسی چگونگی حمایت از آن، به بهبود سیاست‌گذاری برای توسعهٔ کشت محصول و تقویت صنایع وابسته می‌انجامد.

در جدول (۱-۳-۲-۵) وضعیت تولید، عملکرد و تجارت پنبهٔ ایران آمده است. با توجه به جدول، مشاهده می‌شود، در برنامهٔ اول توسعه روند سطح زیرکشت پنبه کاهشی و پس از آن تا سال ۱۳۷۵ دارای رشد مثبتی بوده است. اما از سال ۱۳۷۶ روندی نزولی داشته است که در کاهش سهم ایران از سطح زیرکشت جهانی پنبه نیز مشاهده می‌شود. به طوری که میانگین سهم ایران از سطح زیرکشت جهانی از ۰/۶ درصد در نخستین برنامهٔ توسعه به ۰/۳۸ درصد در برنامهٔ چهارم کاهش پیدا کرده است که نصف شدن سطح زیرکشت را نشان می‌دهد. براساس گزارش وزارت جهاد کشاورزی ایران، در سال زراعی ۱۳۹۰-۱۳۸۹ مجموع استان‌های خراسان رضوی، شمالی و جنوبی و استان گلستان به ترتیب با ۳۹ و ۱۴ درصد از کل سطح زیرکشت پنبه کشور بزرگ‌ترین مراکز تولید این محصول در کشور بودند.

بیشترین تولید پنبه در سال ۱۳۷۵ حدود ۶۰۰ هزار تن بود که ۲/۶ برابر تولید در آستانهٔ برنامهٔ پنجم(۱۳۸۹) است. عملکرد در واحد سطح پنبه در طی چهار برنامه، رشد ملایمی داشته و از ۱/۹ تن در هکتار در برنامهٔ اول به ۲/۴ تن در هکتار در برنامهٔ چهارم افزایش پیدا کرده است. بررسی عملکرد تولید پنبه نسبت به جهان

نیز نشان می‌دهد عملکرد تولید پنبه در ایران، در همهٔ سال‌ها، از میـانگین عملکـرد جهانی بیشتر است، به طوری که عملکرد تولید پنبهٔ ایران به طور میانگین ۱/۲ برابر عملکرد جهانی است. در جدول (۱-۳-۲-۵) سهم پنبهٔ ایران از تولید جهانی به طـور میانگین ۰/۶۷ درصد بوده و تنها در سال ۱۳۷۵، به بیش از یک درصد رسیده است.

جدول ۱-۳-۲-۵) وضعیت تولید، عملکرد و تجارت پنبهٔ ایران

سال	سطح زیرکشت (هزارهکتار)	سهم از سطح زیرکشت (درصد)	عملکرد (تن در هکتار)	نسبت عملکرد ایران به جهان	تولید (هزارتن)	سهم از تولید جهان (درصد)	واردات (هزار تن)	سهم از واردات (درصد)	ارزش واردات (میلیون دلار)	سهم از ارزش واردات (درصد)
۱۳٦۸	۲۲۸	۰/۷۱	۱/۷۳	۱/۱۱	۳۹۵	۰/۷۹	۰/۰۰	۰/۰۰۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰
۱۳٦۹	۲۲۱	۰/٦۷	۱/۹۸	۱/۲۰	٤۳۷	۰/۸۰	۰/٦۹	۰/۰۰۲۸	۰/۰۰	۰/۰۰
۱۳۷۰	۲۰۵	۰/۵۹	۲/۰۱	۱/۱٦	٤۱۲	۰/٦۸	۰/۰۵	۰/۰۰۰۲	۰/۰۰	۰/۰۰
۱۳۷۱	۱۷۱	۰/۵۰	۱/۹۳	۱/۲٤	۳۳۰	۰/٦۳	۲٤/۰۷	۰/۰۸	٦/۵۰	۰/۰۷
۱۳۷۲	۱٤۱	۰/٤٦	۱/۹۵	۱/۲٤	۲۷۵	۰/۵۷	۲/۸٦	۰/۰۱	۰/٦۰	۰/۰۱
۱۳۷۳	۱۸۵	۰/۵۸	۲/۰۹	۱/۲۷	۳۸۷	۰/۷۳	۳۰/٤۵	۰/۱۱	۱۰/۰۵	۰/۱۰
۱۳۷٤	۲۷۲	۰/۷۷	۱/۹۲	۱/۲۰	۵۲۳	۰/۹۲	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰
۱۳۷۵	۳۲۰	۰/۹۳	۱/۸۷	۱/۱٦	۵۹۸	۱/۰۸	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰
۱۳۷٦	۲۳۸	۰/۷۰	۱/۸۹	۱/۱۸	٤۵۱	۰/۸۲	۱٤/۷٤	۰/۰۵	۱/۷۲	۰/۰۱
۱۳۷۷	۲۲۹	۰/٦۹	۲/۰۰	۱/۲۸	٤٦۰	۰/۸۸	۱٦/٦۲	۰/۰٦	۵/٤۸	۰/۰۵
۱۳۷۸	۲۱٦	۰/٦٦	۲/۰٤	۱/۲۵	٤٤۱	۰/۸۳	۱۵/۷۸	۰/۰٦	٤/۹۰	۰/۰٦
۱۳۷۹	۲٤٦	۰/۷۷	۲/۰۲	۱/۲۱	٤۹۷	۰/۹٤	٤٤/۵۳	۰/۱۷	۱۲/۰۰	۰/۱٤
۱۳۸۰	۱۹۹	۰/۵۷	۲/۰۷	۱/۱۹	٤۱۲	۰/٦۸	۷۵/۱۱	۰/۲۸	۲۰/۲۸	۰/۲٤
۱۳۸۱	۱۵۱	۰/٤۹	۲/۲۸	۱/۳۱	۳٤۵	۰/٦٤	۱۸۷/۵٤	۰/۷۳	۵۰/٦٤	۰/۷٤
۱۳۸۲	۱٤۰	۰/٤۵	۲/۵۱	۱/٤۱	۳۵۲	۰/٦۳	۳۳۲/۸۲	۱/۲٦	۸۳/۵٦	۰/۹٦
۱۳۸۳	۱٦۷	۰/٤۷	۲/۵۲	۱/۲۵	٤۲۰	۰/۵۹	۵٤۲/۲۸	۱/۸٦	۱۰۵/٦۲	۰/۹۰
۱۳۸٤	۱٦۰	۰/٤٦	۲/۲۸	۱/۱٤	۳٦۳	۰/۵۲	۸۲۲/۲۷	۲/٤٤	۱٦۲/۰۰	۱/٤٤
۱۳۸۵	۱۱۷	۰/۳٤	۲/٤۳	۱/۱۷	۲۸٤	۰/٤۰	۵۷۳/۸٤	۱/۵۹	۱٤۵/۷۹	۱/۱۲
۱۳۸٦	۱۲۵	۰/۳۷	۲/۵۱	۱/۱٤	۳۱۳	۰/٤۳	٤۹٤/۹۵	۱/٤۸	۱۵۵/۲۵	۱/۲۲
۱۳۸۷	۱۲٤	۰/٤۰	۲/۳۸	۱/۱۱	۲۹٦	۰/٤۵	۵۹۰/۳۵	۲/۰۰	۱۷٤/۲۷	۱/۲۹
۱۳۸۸	۱۰۵	۰/۳۵	۲/٤۱	۱/۱۷	۲۵٤	۰/٤۱	۱۰٦/۳۱	۰/٤۳	۳۲/۲۲	۰/۳۳
۱۳۸۹	۹۱	۰/۲۸	۲/۵۵	۱/۲۰	۲۳۲	۰/۳٤	٦۳٦/۱۹	۲/۱۱	۱۸۱/۲۳	۱/۱۱

منبع: سایت سازمان خواربار و کشاورزی جهانی ملل متحد(http://fao.org)

براساس نظر کارشناسان مؤسسهٔ تحقیقات پنبه، راندمان تولید پنبهٔ محلوج از پنبهٔ وش ۳۳ درصد و باقیماندهٔ آن پنبه دانه است که به طور میانگین قابلیت استحصال ۱۷ درصد روغن و تولید ۴۵ درصد کنجاله دارد. در پژوهش پیش‌رو برای محاسبهٔ واردات پنبه، این ضرایب برای تبدیل اقلام مختلف الیاف، پنبه‌دانه، روغن پنبه‌دانه و کنجالهٔ آن به پنبهٔ وش به کار گرفته شده است. واردات منسوجات تأثیر بسزایی بر سودآوری صنایع داخلی تولید الیاف و در نتیجه بر پنبه‌کاران دارد. روند واردات پنبهٔ ایران در سال‌های نخست بررسی، بسیار پرنوسان بود و در بعضی سال‌ها واردات انجام نپذیرفته بود، اما افزایش فزایندهٔ آن از سال ۱۳۷۷ ، موجب تضعیف صنایع تبدیلی پنبه و در نتیجه زیان پنبه‌کاران داخلی شده است، به طوری که اثر آن در کاهش سطح زیرکشت و تولید آشکار شده است. براساس گزارش سازمان خواربار جهانی بیشترین واردات پنبهٔ ایران در سال ۱۳۸۴ با بیش از ۸۲۲ هزارتن بود که سهم ایران را از واردات پنبهٔ وش جهان به ۲/۴ درصد افزایش داد. میانگین سهم واردات ایران از کل واردات جهان کمتر از یک درصد و در برنامه‌های اول و دوم بسیار اندک بود. در سال‌های دورهٔ بررسی بیشترین هزینهٔ واردات پنبه در سال ۱۳۸۹ برابر با ۱۸۱ میلیون دلار بود که ۱/۱ درصد از ارزش واردات جهانی پنبه را شامل شد. رابطهٔ مستقیمی که بین افزایش واردات و کاهش سطح زیرکشت پنبه در نمودار (۱-۳-۲-۵) مشاهده می‌شود، نشان‌دهندهٔ اهمیت مدیریت واردات است. بی‌توجهی به این موضوع، از سال ۱۳۷۸ ایران را از کشور خالص صادرکنندهٔ پنبه به خالص واردکننده تبدیل کرده است.

برخلاف چغندرقند، کشت پنبه پیرو قرارداد با صنایع وابسته نیست. از این رو، بازار این محصول دچار نوسان‌های سالانهٔ به مراتب بیشتری است. افزون بر این، نوسان‌های قیمت جهانی پنبه و نخ نیز در برخی سال‌ها به عدم خرید پنبهٔ تولید داخلی از سوی صنایع نساجی منجر شده است. همچنین، از آنجا که تولیدات

کارخانه‌های نساجی با وجود ارزش افزودهٔ بالا، به امنیت غذایی وابسته نیست، با توجه کمتری از سوی سیاست‌گذاران روبه‌رو بوده و از سوی دیگر، واردات الیاف مصنوعی و انواع پارچه در سال‌های اخیر به شدت افزایش داشته است. مجموعهٔ این عوامل بازار پنبهٔ ایران را دچار رکود و حتی در مواردی بحران کرده است (مؤسسهٔ پژوهش‌های برنامه ریزی و اقتصاد کشاورزی، ۱۳۸۴).

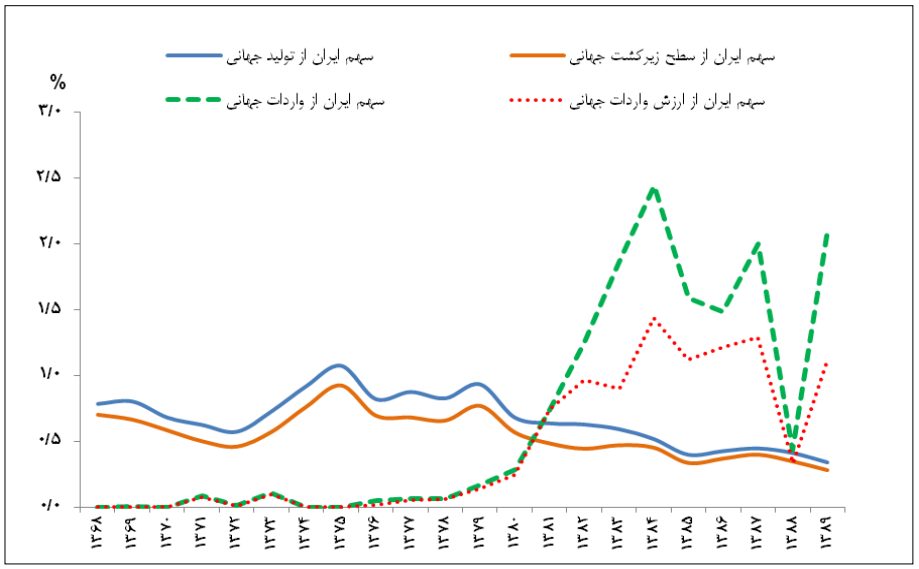

نمودار ۱-۳-۲-۵) سهم ایران از تولید، سطح زیرکشت، واردات و ارزش واردات جهانی پنبه طی دورهٔ ۸۹-۱۳۶۸

با وجود بی‌توجهی به مدیریت واردات پنبه و نوسان‌های بازار آن، به دلیل نقش پنبه در صنایع تبدیلی و ایجاد ارزش افزوده، سیاست‌های مختلفی به منظور حمایت از تولید و مصرف این محصول اجرا شده است. دولت، افزون بر توزیع نهاده‌های یارانه‌ای، بیمهٔ محصول و پرداخت تسهیلات یارانه‌ای در بخش تولید پنبه، بین سال‌های ۱۳۶۲ تا ۱۳۷۱ مبالغی را با عنوان کمک غیرنقدی به پنبهٔ وش و بدهی

کارخانه‌های نساجی بابت پنبهٔ محلوج پرداخته است (آمار منتشرنشدهٔ سازمان حمایت از مصرف‌کنندگان و تولیدکنندگان).

در ادامه، نتایج محاسبهٔ شاخص‌های حمایت از تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان پنبه (CSE٪، PSE٪، MPS٪) تجزیه و تحلیل می‌شود. همچنین، اثر سیاست‌های ارزی و انحراف نرخ ارز بر مقادیر حمایت از این محصول طی برنامه‌های اول تا چهارم توسعه بررسی می‌شود. همچنین، از آنجا که از کارکردهای پژوهش‌های اقتصادی افزون بر تبیین و تحلیل وضعیت‌های گذشته و کنونی، پیش‌بینی آیندهٔ شاخص‌های اقتصادی برای برنامه‌ریزی است؛ از این رو با فرض ادامهٔ روند رشد تخصیص یارانه‌ها همانند برنامهٔ چهارم و سال ۱۳۸۹، و قیمت‌ها با استفاده از روش‌های درون‌یابی و میانگین متحرک[1] پیش‌بینی می‌شود. برای محاسبهٔ میانگین رشد سالانهٔ برنامهٔ چهارم از رابطهٔ (۱-۳-۲-۵) استفاده می‌شود:

$$m = \frac{\sum_{t=1384}^{1389} \frac{(x_{t+1} - x_t)}{x_t}}{5} \qquad (۵-۲-۳-۱)$$

که در آن، m میانگین رشد سالانهٔ متغیر x در برنامهٔ چهارم و t دورهٔ مورد نظر است. برای محاسبهٔ مقدار متغیر در هر سال m در مقدار آن متغیر در سال قبل ضرب می‌شود. برای پیش‌بینی قیمت‌ها و بعضی متغیرها، نیز مناسب‌ترین فرم تابع روند سی سالهٔ متغیر برآورد و برای سال‌های بعد پیش‌بینی می‌شود. وابسته به نوع روند موجود در داده‌ها، در بعضی موارد از روش میانگین متحرک استفاده شده است که رابطهٔ (۲-۳-۲-۵) شکل کلی رابطهٔ آن را نشان می‌دهد:

$$x_{t+1} = \frac{\sum_{t-i}^{t} x_t}{i+1} \qquad (۵-۲-۳-۱)$$

[1] Moving Average

که در آن x متغیر مورد پیش‌بینی، t+۱ دورهٔ پیش‌بینی و i تعداد دوره‌های گذشتهٔ اثرگذار بر دورهٔ مورد پیش‌بینی است. از بین روش‌های مطرح شده، نتایج هر یک دارای بیشترین تناسب با سری مورد پیش‌بینی و کمترین خطا باشد، مورد استفاده قرار گرفته است.

۱-۳-۲-۵ بررسی مقادیر حمایت بازاری از تولیدکنندگان پنبه طی برنامه‌های توسعه

شاخص حمایت از قیمت بازاری(MPS) بیشتر بازتاب‌دهندهٔ سیاست‌های مؤثر بر قیمت— در ایران قیمت تضمینی— و سیاست‌های ارزی است. براساس روش-شناسی این پژوهش که در فصل سوم توضیح داده شد، حمایت از قیمت بازاری انتقال از مصرف‌کنندگان، واردکنندگان و مالیات‌دهندگان را در پی اجرای سیاست‌های قیمتی در بر می‌گیرد. شاخص درصدی حمایت از قیمت بازاری نسبت تفاوت قیمت دریافتی تولیدکنندگان داخلی را با قیمت جهانی تعدیل‌شده با نرخ ارز حقیقی یا تعادلی به قیمت جهانی نشان می‌دهد. اگر قیمت جهانی با نرخ ارز حقیقی تعدیل شود، اثر مستقیم و اگر با نرخ ارز تعادلی تعدیل شود، اثر کل محاسبه می‌شود. تفاضل این دو اثر نشان‌دهندهٔ برایند سیاست‌های ارزی است که اثرغیرمستقیم نامیده می‌شود.

نتایج محاسبات حمایت از قیمت بازاری، به قیمت‌های ثابت طی برنامه‌های اول تا چهارم توسعه و پیش‌بینی برنامهٔ پنجم برای محصول پنبه در جدول (۲-۳-۲-۵) ارائه شده است.

براساس نتایج انحراف نرخ ارز که از نسبت تفاوت نرخ حقیقی ارز و نرخ تعادلی آن نسبت به نرخ تعادلی ارز محاسبه می‌شود، در دوره‌های مختلف متفاوت بوده است.

جدول ۲-۳-۲-۵) شاخص‌های حمایت بازاری(MPS) از تولیدکنندگان پنبه

برنامه های توسعه	درصد انحراف نرخ ارز	سال	ارزش اثرمستقیم به قیمت ثابت سال ۱۳۸٤ (میلیارد ریال)	ارزش اثر کل به قیمت ثابت سال ۱۳۸٤ (میلیارد ریال)	%MPS اثر مستقیم	%MPS اثر غیرمستقیم	%MPS اثر کل
دورهٔ جنگی	۲٦/۸۱	۱۳٦۰	-۱٤٤۸	-۸٤۱	-۵۰/۲۵	۱۳/۲۸	-۳٦/۹۷
	۳۸/۹۰	۱۳٦۱	-۲۰۵۱	-۹۸۹	-۵۳/۸۵	۱۷/۸۵	-۳٦/۰۰
	۳۸/٦۷	۱۳٦۲	-۲۱۸٤	-۱۲۰۰	-٦۳/۷۸	۱٤/٦۱	-٤۹/۱۷
	٤۷/٦۸	۱۳٦۳	-۳۷۳۹	-۲۰۷۰	-۷٤/۱٦	۱۲/۷۹	-٦۱/۳۷
	-۱۳/۱٦	۱۳٦٤	-۲۸۰۸	-۳٤۵۱	-٦۸/۰۵	-٤/۳۱	-۷۲/۳٦
	-۲/۷۱	۱۳٦۵	-۲۲۹۱	-۲۳۹٦	-٦۲/۹۱	-۱/۰٤	-٦۳/۹۵
	۷۵/۷۲	۱۳٦٦	-۲۹۰۵	-۱۱۱۹	-۷۲/٤٦	۲۲/۱۳	-۵۰/۳۳
	۸۹/۸۷	۱۳٦۷	-۲۸۳۲	-۸۰٤	-٦۸/۷۱	۳۰/۳۰	-۳۸/٤۱
	۳۷/۷۲	میانگین	-۲۵۳۲	-۱٦۰۹	-٦٤/۲۷	۱۳/۲۰	-۵۱/۰۷
برنامهٔ اول توسعهٔ اقتصادی و اجتماعی	۵۰/٦۲	۱۳٦۸	-۲۸۷٤	-۱٤۳۳	-٦۹/۵۲	۱٦/۳۱	-۵۳/۲۱
	-٤/۳۰	۱۳٦۹	-٤۰۵٤	-٤۳۲۳	-۷۰/۰٤	-۱/۳۳	-۷۱/۳۷
	-۱۰/۸٤	۱۳۷۰	-۲۸٤٤	-۳٤٤۳	-٦۰/۲۹	-٤/٤۷	-٦٤/۷٦
	-٤۷/۰۳	۱۳۷۱	-۱۲۰۹	-۳۵۱۷	-٤۹/٦۲	-۲٤/۵۰	-۷٤/۱۲
	-۵۱/٤۱	۱۳۷۲	-٦٦۸	-۲۷۳٤	-۳٦/۷۱	-۳۳/٦٦	-۷۰/۳۷
	-٤۱/۲۹	۱۳۷۳	-۱۸۲۳	-٤۳٤۸	-۵۳/۸۸	-۱۹/۷۱	-۷۳/۵۹
	-۱۷/۳۸	میانگین	-۲۲٤۵	-۳۳۰۰	-۵٦/٦۸	-۱۱/۲۳	-٦۷/۹۰
برنامهٔ دوم توسعهٔ اقتصادی و اجتماعی	-۳۱/۹۷	۱۳۷٤	-۲٤۲٦	-۵٤۷۳	-۳۸/۵٦	-۲۰/۰٤	-۵۸/٦۰
	-۱٦/۱۸	۱۳۷۵	-۲۱۵۰	-۳۳۰۵	-۳۷/٦۵	-۱۰/٤۹	-٤۸/۱٤
	-۰/۸۹	۱۳۷٦	-۱۱٤۹	-۱۱۸٤	-۳۰/۸۵	-۰/٦۵	-۳۱/۵۰
	۳۳/۱۵	۱۳۷۷	-۱٤۱۳	-۳۵۱	-۳٤/۵۷	۲۲/۹۸	-۱۱/۵۹
	۲۹/۱۰	۱۳۷۸	-۷۳۳	۱۵۲	-۱۹/٤۷	۲٤/۷٦	۵/۲۹
	۲/٦٤	میانگین	-۱۵۷٤	-۲۰۳۲	-۳۲/۲۲	۳/۳۱	-۲۸/۹۱
برنامهٔ سوم توسعهٔ اقتصادی و اجتماعی	۱٦/۹٦	۱۳۷۹	-۳۷٤	۹۵	-۱۱/٤۷	۱٤/۸۹	۳/٤۲
	۱٦/۵٤	۱۳۸۰	-۳۷۳	-۳۸	-۱۵/۷۱	۱۳/۸۲	-۱/۸۸
	۱۲/۹۹	۱۳۸۱	۱۹۷	۳٦۵	۱۳/۳۳	۱٤/۵٦	۲۷/۸۹
	۳/۸۵	۱۳۸۲	۲۸۹	۳٤۷	۱۸/۱۳	٤/٤۹	۲۲/٦۲
	-۲/۷۹	۱۳۸۳	۱۹	-٤۱	۰/۹۲	-۲/۷۹	-۱/۸۷
	۹/۵۱	میانگین	-٤۸	۱٤٦	۱/۰٤	۹/۰۰	۱۰/۰۳
برنامهٔ چهارم توسعهٔ اقتصادی و اجتماعی	-٦/۱۸	۱۳۸٤	۱۰۱	۱۲	۷/٤۲	-٦/۵٦	۰/۸٦
	-۱۰/۷۰	۱۳۸۵	۱۹۷	۷۵	۱۹/۱۳	-۱۲/٦۲	٦/۵۲
	-۱۳/۰۹	۱۳۸٦	۵۸٤	٤۳۲	۵٦/۸۱	-۲۰/۲٦	۳٦/۵٤
	-۷/۷٤	۱۳۸۷	۱٦۳	۸۵	۱۷/٤۵	-۸/۹۸	۸/٤۷
	-۳/۳۲	۱۳۸۸	۲۸۵	۲٦۳	٤۵/۱۵	-٤/۷٦	٤۰/۳۹
	-۱۷/٤۵	۱۳۸۹	۱۲٤	-۲۷	۱۷/۱٦	-۲۰/۲۳	-۳/۰۷
	-۹/۷۵	میانگین	۲٤۲	۱٤۰	۲۷/۱۹	-۱۲/۲۳	۱٤/۹۵
پیش بینی برنامهٔ پنجم توسعهٔ اقتصادی و اجتماعی	-۱۹/۲۲	۱۳۹۰	۲۱۷	۷۹	۳٦/۸۹	-۲۵/۹۳	۱۰/۹۵
	-۲۱/۱٤	۱۳۹۱	۷٤	-۱۱۷	۱۰/۲۳	-۲۳/۰٦	-۱۲/۸۳
	-۲۳/۰۷	۱۳۹۲	۱۹۲	-۲۱	۲٦/۷۵	-۲۸/۹۷	-۲/۲۲
	-۲٤/۹۸	۱۳۹۳	۱۲۰	-۱۱۷	۱٦/٦٤	-۲۸/۹۰	-۱۲/۲٦
	-۲۲/۰۹	۱۳۹٤	-٦۹۲	-۹۰۹	-۸۹/۳۷	-۲/۳۳	-۹۱/۷۰
	-۲۲/۱۰	میانگین	-۱۸	-۲۱۷	۰/۲۳	-۲۱/۸٤	-۲۱/٦۱

منبع: یافته‌های پژوهش

برای محاسبهٔ نرخ حقیقی ارز، نرخ ارز اسمی(بازاری) در نسبت متوسط موزون شاخص سطح عمومی قیمت‌های مهم‌ترین شرکای تجاری ایران به سطح عمومی قیمت‌های ایران ضرب می‌شود. نرخ تعادلی با استفاده از الگوی اقتصادسنجی تصحیح خطا تابعی از متغیرهای بنیادین اقتصاد شامل رابطهٔ مبادله، قیمت جهانی طلا، درجهٔ باز بودن اقتصاد، درآمد نفتی کشور، بهره‌وری کل اقتصاد، نسبت نرخ بهرهٔ جهانی به نرخ بهره در ایران است که نرخ ارز ایران را در شرایط تعادل بلندمدت اقتصاد نشان می‌دهد. در دورهٔ جنگ با کاهش درآمد نفتی و همزمان نیاز کشور به ارز، با بیش برآورد ارزش ریال نسبت به دلار توسط دولت، انحراف نرخ ارز در سال پایانی جنگ(۱۳۶۷) به ۸۹ درصد افزایش پیدا کرد. در برنامهٔ اول توسعه با کم‌برآورد ارزش ریال نسبت به نرخ تعادلی، انحراف نرخ ارز منفی بود و در سال‌های پایانی این برنامه به دلیل اجرای سیاست‌های آزادسازی اقتصادی مقدار آن افزایش یافت. در سال‌های نخست برنامهٔ دوم انحراف نرخ ارز حقیقی از مقدار تعادلی بلندمدت اقتصاد منفی و در سال‌های بعد مثبت شد. در برنامهٔ سوم توسعه به منظور تشویق صادرات، سیاست بیش‌برآورد ارزش ریال دنبال شد، یعنی نرخ ارز تعادلی کمتر از نرخ حقیقی آن بود. همچنین نرخ ارز سالیانه با شیب ملایمی در حال رشد بود. در برنامهٔ چهارم نیز روند کاهش ارزش پول ملی ادامه داشت، اما رشد نرخ ارز تعادلی بیش از نرخ حقیقی آن بود. بنابراین سیاست‌های ارزی برنامهٔ چهارم موجب کم‌برآورد ارزش ریال شد.

براساس نتایج جدول (۲-۳-۲-۵)، اثرمستقیم - بر حسب قیمت‌های ثابت سال پایهٔ ۱۳۸۴- تا پیش از اجرای سیاست یکسان‌سازی نرخ ارز منفی بود، به طوری که در دورهٔ جنگ حمایت‌های قیمتی به طور میانگین در مقایسه با قیمت‌های جهانی موجب دریافت ۲۵۳۲ میلیارد ریال به قیمت ثابت سال ۱۳۸۴ مالیات پنهان از تولیدکنندگان پنبه شد؛ به بیان دیگر دورهٔ جنگ و برنامه‌های اول و دوم، قیمت داخلی پنبه همزمان با افزایش قیمت‌های تعدیل‌شدهٔ جهانی تغییر نکرد و در نتیجه

موجب کاهش تولید داخلی پنبه و تضعیف صنایع تبدیلی بالادستی آن شد. این تفاوت قیمت داخلی و جهانی پنبه به نفع بازار جهانی، از قدرت رقابت‌پذیری تولیدکنندگان ایرانی این محصول در بازارهای جهانی کاست. از سال ۱۳۸۱ با اجرای سیاست شناورسازی مدیریت‌شدهٔ نرخ ارز حمایت برآمده از سیاست‌های بخشی در مورد پنبه مثبت شد. یعنی در دههٔ ۱۳۸۰، قیمت دریافتی تولیدکنندگان پنبه بیشتر از قیمت مرجع تعدیل‌شده با نرخ حقیقی ارز بود. به عبارتی در این سال‌ها قیمت توافقی پنبه‌کاران و کارخانه‌های پنبه‌پاک‌کنی برای پنبه که نزدیک به قیمت تضمینی است، بیشتر از قیمت جهانی بود که مقادیر مثبت شاخص حمایت از قیمت بازاری(MPS) آن را نشان می‌دهد. با وجود این، روند کاهشی سطح زیرکشت این محصول در برنامه‌های سوم و چهارم ادامه داشت. با فروض بیان شده برای پیش‌بینی برنامهٔ پنجم، در چهار سال نخست این برنامه نیز در مقایسه با قیمت‌های جهانی، تولیدکنندگان پنبه حمایت می‌شوند. به عبارت دیگر، با دخالت دولت در بازار پنبه، تولیدکنندگان دریافتی بیشتری خواهند داشت. از آنجا که براساس آمار منتشرشدهٔ مرکز آمار ایران، قیمت داخلی در تمام سال‌های مورد بررسی این پژوهش هماهنگ با قیمت جهانی پنبه روندی افزایشی داشته است، نوسان مقدار شاخص حمایت از قیمت بازاری برآمده از نوسان نرخ ارز و مقادیر تولید و مصرف پنبه است. حمایت‌های بازاری در برنامه‌های اول و دوم با وجود روند کاهشی در سال‌های نخست هر دو برنامه، از روند معینی پیروی نکرد. همچنان‌که نوسان در حمایت‌ها در دو برنامهٔ بعدی نیز باوجود حمایت مثبت از کشاورزان، ادامه پیدا کرد.

حمایت قیمتی کل با نرخ ارز تعادلی نیز روندی مشابه نرخ ارز حقیقی(اثر مستقیم) داشته است، به طوری که تا پیش از اجرای سیاست شناورسازی نرخ ارز تنها در سال‌های ۷۹-۱۳۷۸ حمایت مثبت از پنبه‌کاران را نشان می‌دهد. یعنی در این سال‌ها دریافتی آنان در داخل، نسبت به قیمت جهانی تعدیل‌شده با نرخ ارز

تعادلی و هزینه‌های حمل و نقل، کمتر بود. از سال ۱۳۸۱ تنها در سال‌های پایانی دو برنامهٔ سوم و چهارم مالیات پنهان دریافت شد. در واقع با وجود حمایت مثبت از کشاورزان، مدیریت نشدن واردات، با تضعیف صنایع داخلی تعطیلی آنها را به همراه دارد یا موجب می‌شود به منظور صرفه‌جویی در هزینه‌ها قیمت مناسبی برای پنبه به کشاورزان پیشنهاد نکنند که در نهایت قیمت کم، کاهش انگیزهٔ کشاورزان را برای ادامهٔ کشت در پی خواهد داشت. چنان‌که پیش‌بینی می‌شود در برنامهٔ پنجم با ادامهٔ این روند و کاهش ارزش پول ملی، پنبه‌کاران با زیان روبه‌رو باشند. شایان ذکر است، با توجه به تغییر وضعیت ایران از کشور خالص صادرکننده به خالص واردکننده، برای تعدیل قیمت جهانی با هزینهٔ حمل و نقل در سال‌های نخست براساس روابط فصل سه، در سال‌های نخست ایران کشور صادرکننده و در سال‌های پس از ۱۳۷۸ کشور واردکننده فرض شده است، یعنی در سال‌های اخیر هزینهٔ حمل‌ونقل به قیمت جهانی تعدیل‌شده با نرخ ارز اضافه می‌شود. همچنین فاصلهٔ بندر امام خمینی تا تهران به عنوان بزرگ‌ترین بازار مصرف و تهران تا خراسان شمالی به عنوان بزرگ‌ترین مرکز تولید پنبه (آمارنامهٔ جهاد کشاورزی، ۱۳۸۹) برای محاسبهٔ هزینهٔ حمل و نقل در نظر گرفته شده‌اند.

حمایت درصدی از قیمت بازاری (MPS٪) بر مبنای نرخ ارز حقیقی (اثر مستقیم) در دورهٔ جنگ و برنامه‌های اول و دوم توسعه منفی بوده است که نشان می‌دهد قیمت داخلی محصول از قیمت جهانی تعدیل‌شده با نرخ ارز حقیقی، کمتر بوده است. این اثر از ۶۴- درصد در دورهٔ جنگ به ۳۲- درصد در برنامهٔ دوم رسید. میانگین آن در برنامه‌های سوم و چهارم به ترتیب، ۱/۰۴ و ۲۷ درصد بود که نشان می‌دهد سیاست‌های قیمتی، کشاورزان ایران را نسبت به قیمت پیش روی رقبای جهانی با روندی افزایشی در برنامه‌های توسعه حمایت کرده است.

بررسی اثرکل حمایت از قیمت بازاری نیز روندی مشابه اثرمستقیم و مقدار ارزشی خود را نشان می‌دهد و تعدیل قیمت جهانی با نرخ ارز تعادلی به طور میانگین در سه دهه(۱۳۸۹-۱۳۶۰) بیانگر ۲۸ درصد حمایت منفی از تولیدکنندگان است. یعنی اگر نرخ ارز تعادلی برقرار بود، سیاست‌های بخشی قیمتی به گونه‌ای می‌شد که تولیدکنندگان در مقابل رقبای خارجی خود، نه تنها حمایت نمی‌شدند، بلکه مالیات نیز بر آنها تحمیل می‌شد که این در کاهش قدرت رقابت‌پذیری تولیدکنندگان پنبهٔ ایرانی بسیار مؤثر است. بر این اساس تنها در ده سال ۱۳۸۸-۱۳۷۸ تولیدکنندگان پنبه با سیاست‌های بخشی و ارزی حمایت شدند که حمایت‌ها در این دوره نیز با نوسان همراه بود.

اثر غیرمستقیم که تفاضل اثرکل و اثرمستقیم است، نشان می‌دهد سیاست‌های ارزی تا چه اندازه تقویت‌کنندهٔ سیاست‌های بخشی در زمینهٔ قیمت محصول هستند. در سال‌هایی که نرخ حقیقی ارز کمتر از نرخ ارز تعادلی است، حمایت قیمتی از تولیدکنندگان در پی اجرای سیاست ارزی منفی است و برعکس. یادآوری می‌شود، انحراف نرخ ارز نسبت فاصلهٔ نرخ ارز حقیقی از تعادلی به نرخ ارز تعادلی است که به شکل درصدی بیان می‌شود. براساس جدول (۲-۳-۲-۵) در سال‌های نخست بررسی، با وجود انحراف زیاد نرخ ارز، درصد اثرغیرمستقیم به طور میانگین مقدار کمی دارد، اما از سال ۱۳۷۱ و با اجرای سیاست‌های آزادسازی نرخ ارز که انحراف نرخ ارز منفی و ارزش پول ملی کاهش چشمگیری پیدا کرد، مقدار مطلق اثر غیرمستقیم رشد زیادی کرد و منفی‌تر شد. این بدین معنی است که در دورهٔ جنگ، تقویت پول ملی در حمایت قیمتی از تولیدکنندگان پنبه اثر چندانی نداشته، اما کاهش ارزش پول ملی اثر بیشتری در کاهش حمایت داشته است. در برنامه‌های توسعه، انحراف نرخ ارز و درصد اثر غیرمستقیم حمایت از قیمت بازاری (MPS٪) تناسب بیشتری داشتند، به طوری که در برنامهٔ سوم توسعه پنبه‌کاران در پی ۹/۵ درصد بیش‌برآورد ارزش

تعادلی ریال، ۹ درصد بیش از رقبای جهانی دریافت کردند. پس از یک دوره حمایت بازاری منفی از پنبه‌کاران بر اثر اجرای سیاست‌های ارزی، حمایت از آنان در دورهٔ ۱۳۷۷-۱۳۸۲ مثبت بود.

مقایسهٔ مقادیر مطلق اثر غیرمستقیم و اثر مستقیم در MPS٪ نشان می‌دهد، در بیشتر سال‌های برنامه‌های توسعه اثرمستقیم بیشتر از اثر غیرمستقیم بوده است که بیانگر نقش مهم‌تر سیاست‌های بخشی در چگونگی حمایت از تولیدکنندگان پنبه در مقایسه با سیاست‌های ارزی است. در چهار سال نخست اجرای سیاست‌های آزادسازی نرخ ارز در سال ۱۳۷۱، سیاست‌های ارزی در مقایسه با سیاست‌های بخشی نقش مؤثرتری داشته‌اند، اما تقویت‌کنندهٔ آنها در جهت حمایت نکردن از تولیدکنندگان بوده‌اند. در برنامهٔ سوم همزمان با اجرای سیاست یکسان‌سازی نرخ ارز، نقش سیاست‌های ارزی در بیشتر سال‌ها بیشتر شد و در برنامهٔ چهارم نیز دو گروه سیاست دارای سهم نزدیک به هم بودند، اما کم‌برآورد نرخ ارز اثر مثبت سیاست‌های بخشی را خنثی می‌کرد. انتظار می‌رود در سال‌های برنامهٔ پنجم توسعه با میانگین ۲۱/۸- درصد، سیاست‌های ارزی با تضعیف سیاست‌های بخشی در جهت کاهش قدرت رقابت‌پذیری پنبه‌کاران عمل کنند.

۲-۳-۲-۵ بررسی مقادیر حمایت کل از تولیدکنندگان پنبه طی برنامه‌های توسعه

براساس آنچه در فصل‌های پیشین بیان شد، حمایت از تولیدکنندگان، حمایت‌های بازاری(MPS) و پرداخت‌های بودجه‌ای(BP) را در برمی‌گیرد که در بخش قبل حمایت‌های بازاری از محصول پنبه تحلیل شد. پرداخت‌های بودجه‌ای اجراشده در ایران شامل یارانهٔ پرداختی به نهاده‌های کشاورزی (یارانهٔ کود شیمیایی، سموم و علف‌کش)، یارانهٔ انرژی (برق و سوخت ماشین‌آلات کشاورزی) بیمهٔ

محصولات و یارانهٔ تسهیلات و پرداخت‌بدهی کارخانه‌ها به پنبه‌کاران و یارانهٔ غیرنقدی به پنبه‌کاران است. از آنجا که کارخانه‌های پنبه پاک‌کنی، صنایع روغن-کشی و نساجی مشتریان کشاورزان پنبه هستند، بنابراین حمایت از ادامهٔ تولید آنها، حمایت از پنبه‌کاران داخلی محسوب می‌شود. بنابراین پرداخت‌های بودجه‌ای دولت به این صنایع، در محاسبهٔ حمایت بودجه‌ای از پنبه‌کاران در نظر گرفته می‌شود. پرداخت یارانهٔ نهاده‌های تولید در ایران، اغلب به شکل پرداخت مستقیم یارانه نیست و به طور معمول به شکل سیاست‌های قیمتی و توزیع نهادهٔ ارزان‌قیمت است. از این رو بخش عمدهٔ حمایت بودجه‌ای از تولیدکنندگان ایرانی را حمایت‌های قیمتی در بازار نهاده در برمی‌گیرد که نرخ ارز در آن نقش چشمگیری دارد. یارانهٔ پرداختی به نهاده‌های کود شیمیایی و علف‌کش براساس تفاوت قیمت داخلی و خارجی، مقدار مصرف نهاده برای محصول دیم و آبی و سطح زیرکشت با رابطهٔ زیر محاسبه می‌شود:

$$(p_w - p_d)\times Q\times A$$

که در آن p_d و p_w به ترتیب قیمت داخلی و قیمت خارجی تعدیل‌شده با نرخ ارز حقیقی یا تعادلی با افزودن هزینهٔ حمل و نقل نهاده‌ها، Q مقدار مصرف نهاده در هکتار بر حسب کیلوگرم و A سطح زیرکشت بر حسب هکتار است. یارانهٔ انرژی نیز براساس رابطهٔ بالا محاسبه می‌شود، با این تفاوت که به جز انرژی مصرفی برای ماشین‌آلات، باید مقدار مصرف انرژی فسیلی(نفت گاز) و برق مورد نیاز استحصال آب زیرزمینی محاسبه شود که با توجه به کمبود اطلاعات در دسترس، فرایند پیچیده‌ای برای محاسبهٔ آن دنبال شد. تسهیلات اعطایی بانک‌ها نیز تا پیش از سال ۱۳۸۴ و یکسان‌سازی نرخ سود تسهیلات بخش‌های مختلف اقتصاد، به صورت تسهیلات ارزان‌قیمت به کشاورزان پرداخت می‌شد که در محاسبات از تفاوت نرخ سود بخش کشاورزی و میانگین وزنی نرخ سود دیگر بخش‌های اقتصادی استفاده شده است.

جدول ۳-۳-۲-۵) حمایت بودجه‌ای از تولیدکنندگان پنبه در نرخ حقیقی ارز (میلیارد ریال- ثابت سال ۱۳۸۴) منبع: یافته‌های پژوهش

برنامه های توسعه	سال	نهاده های کود و سم	انرژی	بیمه	تسهیلات بانکی	کل حمایت بودجه ای	سهم نهاده های کود و سم(٪)	سهم انرژی(٪)
دورهٔ جنگ	۱۳٦۰	۱٥٦/۷۸	٤۷/٦۳	۰/۰۰	۳/۰۸	۲۰۷/٤۹	۷٥/٥٦	۲۲/۹٥
	۱۳٦۱	۱۸۹/۸٤	٦۰/٤٤	۰/۰۰	۲/٦۳	۲٥۲/۹۲	۷٥/۰٦	۲۳/۹۰
	۱۳٦۲	۲۲۸/۰۳	٦٦/۸۷	۰/۰۰	۲/۸۰	۳۲۰/٥۱	۷۱/۱٥	۲۰/۸٦
	۱۳٦۳	٤۱٤/٤۲	۹٦/۲۳	۰/۰۰	۷/٤٥	٥٤٤/۹٥	۷٦/۰٥	۱۷/٦٦
	۱۳٦٤	۲۲٤/۱۲	۹۰/٤۸	٤/۷۸	۷/٦۰	٤۰۷/۳۸	٥٥/۰۱	۲۲/۲۱
	۱۳٦٥	۲۷۳/۸۷	۱۲۳/۲۲	٤/۰۲	٥/۷۸	٥۲۹/۱۰	٥۱/۷٦	۲۳/۲۹
	۱۳٦٦	۲۰٥/۷۸	۱٤٥/٤۱	۷/۰۱	٥/٤۹	٤٤۸/۰۲	٤٥/۹۳	۳۲/٤٦
	۱۳٦۷	۲٤٥/٤۳	۱۰۲/۹۲	٥/۲۳	٤/۷۷	٤۰٦/۳۸	٦۰/۳۹	۲٥/۳۳
	میانگین	۲٤۲/۲۸	۹۱/٦٥	۲/٦۳	٤/۹٥	۳۸۹/٦۰	٦۳/۸٦	۲۳/٥۸
برنامهٔ اول توسعهٔ اقتصادی و اجتماعی	۱۳٦۸	٤۱۸/۷۸	۱٦۲/٦٦	٤/٦۲	٥/۷۸	٦٥٦/۰۱	٦۳/۸٤	۲٤/۷۹
	۱۳٦۹	٤٤۸/۲٦	۲٥۳/۲۹	۲/۲۲	۱۱/۷۸	۷٦۹/۲۰	٥۸/۲۸	۳۲/۹۳
	۱۳۷۰	۳۳۰/۸۸	۱٦۸/۹۷	۱/۹۳	۱٤/٤۱	٥۹۲/٤۱	٥٥/۸٥	۲۸/٥۲
	۱۳۷۱	۱۸۹/٥۷	۱۱۳/٥٦	۱/٥۲	۸/٥۱	۳٥۷/۹۱	٥۲/۹۷	۳۱/۷۳
	۱۳۷۲	۷۷/۸۹	۸۰/۰۹	۱/۳۰	۳/۸۸	۱٦۳/۱٦	٤۷/۷٤	٤۹/۰۹
	۱۳۷۳	۱۰٦/٦۹	۱٤۰/۳۹	۱/٤٤	٥/٤٥	۲٥۳/۹٦	٤۲/۰۱	٥٥/۲۸
	میانگین	۲٦۲/۰۱	۱٥۳/۱٦	۲/۱۷	۸/۳۰	٤٦٥/٤٤	٥۳/٤٥	۳۷/۰٦
برنامهٔ دوم توسعهٔ اقتصادی و اجتماعی	۱۳۷٤	۲۰۰/۰۱	۲۰۲/٥۰	۲/۹۱	٦/٦٥	٤۱۲/۰۷	٤۸/٥٤	٤۹/۱٤
	۱۳۷٥	۱۷۷/۳۱	۲۲۳/۲۰	۲/٦٤	۸/۹٥	٤۱۲/۱۰	٤۳/۰۳	٥٤/۱٦
	۱۳۷٦	۸۷/۲۳	۱۳۷/٦۱	۱/۳٥	۷/٦۲	۲۳۳/۸۱	۳۷/۳۱	٥۸/۸٦
	۱۳۷۷	۱۰۹/۸۹	۱۲۰/٥۸	۱/۰٤	۷/۳۸	۲۳۸/۸۹	٤٦/۰۰	٥۰/٤۸
	۱۳۷۸	۱۳٥/٥٤	۲۱٥/۱۸	۳/٥۰	۸/٥۱	۳٦۲/۷۳	۳۷/۳۷	٥۹/۳۲
	میانگین	۱٤۱/۹۹	۱۷۹/۸۲	۲/۲۹	۷/۸۲	۳۳۱/۹۲	٤۲/٤٥	٥٤/۳۹
برنامهٔ سوم توسعهٔ اقتصادی و اجتماعی	۱۳۷۹	۱٥۹/٦۲	۲٤۸/٦۹	٤/٤۳	۱٤/٤٦	٤۲۷/۲۰	۳۷/۳٦	٥۸/۲۲
	۱۳۸۰	۱۰۹/٥٤	۱۳۹/۲۲	۲/۷٥	۱۱/۲۱	۲٦۳/۰۳	٤۱/۷٦	٥۲/۹۳
	۱۳۸۱	٦۳/۱۰	۱۳۱/٦۳	۲/۲۰	۸/۲۱	۲۰٥/۱٤	۳۰/۷٦	٦٤/۱۷
	۱۳۸۲	٦۰/٤۸	۱٤۰/۸۳	۳/۷۸	۸/۷٥	۲۱۳/۸٥	۲۸/۲۸	٦٥/۸٥
	۱۳۸۳	۱۰۰/۰٥	۱۹۲/٤٥	٤/۹٤	۹/٦۸	۳۰۷/۱۲	۳۲/٥۸	٦۲/٦٦
	میانگین	۹۸/٦۲	۱۷۰/٥٦	۳/٦۲	۱۰/٤٦	۲۸۳/۲۷	۳٤/۱٥	٦۰/۷۷
برنامهٔ چهارم توسعهٔ اقتصادی و اجتماعی	۱۳۸٤	۸۲/۰٤	۲۱۰/۹٦	۱/٥۸	۰/۰۰	۲۹٤/٥۷	۲۷/۸٥	۷۱/٦۱
	۱۳۸٥	۷٤/۹٤	۱٦٦/٥٤	۱/۰۸	۰/۰۰	۲٤۲/٥٥	۳۰/۹۰	٦۸/٦٦
	۱۳۸٦	۷۳/۱۱	۲۰٥/۱٦	۰/۷٤	۰/۰۰	۲۷۹/۰۱	۲٦/۲۰	۷۳/٥۳
	۱۳۸۷	۱۰۷/۹۸	۱۳٤/۷۳	۰/٦٥	۰/۰۰	۲٤۳/۳٦	٤٤/۳۷	٥٥/۳٦
	۱۳۸۸	٥٥/٤۷	۱۰٦/۹۷	۰/۸۳	۰/۰۰	۱٦۳/۲۷	۳۳/۹۸	٦٥/٥۲
	۱۳۸۹	٦۱/٤۱	۸٥/٦۹	۱/۰٦	۰/۰۰	۱٤۸/۱٥	٤۱/٤٥	٥۷/۸٤
	میانگین	۷٥/۸۲	۱٥۱/٦۷	۰/۹۹	۰/۰۰	۲۲۸/٤۹	۳٤/۱۲	٦٥/٤۲
پیش بینی برنامهٔ پنجم توسعهٔ اقتصادی و اجتماعی	۱۳۹۰	۷٦/۰٥	۹۲/۰۷	۱/۰٤	۰/۰۰	۱٦۹/۱٦	٤٤/۹٦	٥٤/٤۳
	۱۳۹۱	۱۰۰/۳۹	۱۱۳/٥۹	۱/۱۰	۰/۰۰	۲۱٥/۰۸	٤٦/٦۸	٥۲/۸۱
	۱۳۹۲	۱۰۷/٤۲	۱۱٤/٦۹	۱/۱۸	۰/۰۰	۲۲۳/۲۸	٤۸/۱۱	٥۱/۳٦
	۱۳۹۳	۱۱٥/۰۷	۱۱٦/۰٤	۱/۲٦	۰/۰۰	۲۳۲/۳۷	٤۹/٥۲	٤۹/۹٤
	۱۳۹٤	۱۳۱/۱۲	۱۲٥/۰۸	۱/۳٦	۰/۰۰	۲٥۷/٥٦	٥۰/۹۱	٤۸/٥٦
	میانگین	۱۰٦/۰۱	۱۱۲/۲۹	۱/۱۹	۰/۰۰	۲۱۹/٤۹	٤۸/۰۳	٥۱/٤۲

نتایج محاسبهٔ این پرداخت‌ها با توجه به آنچه در بخش‌های قبل بیان شد، در جدول (۳-۳-۲-۵) آمده است. براساس آن، حمایت‌های بودجه‌ای در قیمت‌های ثابت سال ۱۳۸۴ از ۲۰۷ میلیارد ریال در سال ۱۳۶۰، به ۱۴۸ میلیارد ریال در سال ۱۳۸۹ کاهش پیدا کرده است که کاهش تولید و افزایش تورم از دلایل این کاهش در طی چهار برنامهٔ توسعه است. مانند محصولات دیگر، نهاده‌های کود و سم و انرژی بیشترین سهم حمایت‌های بودجه‌ای را در بر دارند. در سال‌های جنگ تا سال ۱۳۷۱ و آغاز اجرای سیاست‌های تعدیل اقتصادی، سهم حمایت از کودوسموم شیمیایی بیشتر بود و در سال‌های بعد، سهم یارانهٔ انرژی بیشتر شد و تا ۷۱ درصد رسید. بنابراین، به طور میانگین این حمایت‌ها در همهٔ برنامه‌ها بیشتر از ۹۰ درصد از کل پرداخت‌های بودجه‌ای بوده است که تفاوت قیمت داخلی و خارجی انرژی و افزایش استفاده از آب‌های زیرزمینی و توسعهٔ ماشین‌آلات از دلایل آن است. حمایت به شکل تسهیلات بانکی در برنامهٔ سوم بیشترین مقدار را داشته و به جز دههٔ نخست بررسی کم‌نوسان بوده است. پرداخت سهم دولت در بیمهٔ محصول پنبه نیز پس از آغاز در سال ۱۳۶۴، با وجود کاهش سطح زیرکشت روند افزایشی داشت و بیشترین مقدار آن در سال ۱۳۸۳ برابر با ۴/۹ میلیارد ریال-- در قیمت‌های ثابت ۱۳۸۴- بود، اما در برنامهٔ چهارم با ادامهٔ کاهش سطح زیرکشت با کاهش روبه‌رو بود.

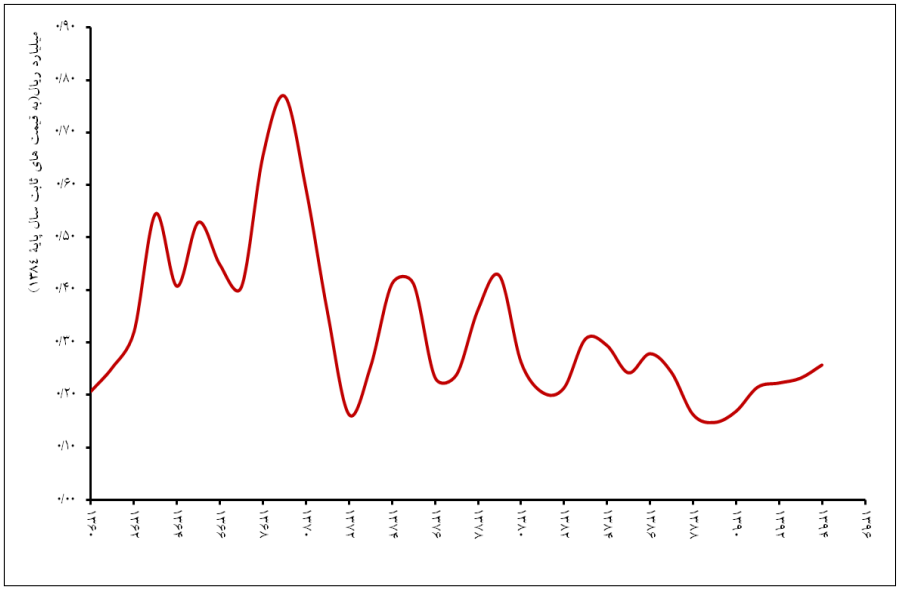

نمودار ۲-۳-۲-۵) نمودار روند پرداخت‌های بودجه‌ای دولت‌ها طی برنامه‌های مختلف توسعه

همان‌طور که در نمودار (۲-۳-۲-۵) مشاهده می‌شود، پرداخت‌های بودجه‌ای در قیمت‌های ثابت سال ۱۳۸۴ از روند معینی پیروی نکرده است. با اجرای سیاست‌های آزادسازی حمایت‌های بودجه‌ای کاهش چشمگیری پیدا کرد و با وجود افزایش انحراف قیمت انرژی و کاهش ارزی پول ملی به دلیل کاهش سطح زیرکشت، تغییر چندانی نداشت، اما در طی سه برنامه نوسان زیادی داشت.

پس از بررسی اجزای حمایت از تولیدکننده، یعنی حمایت قیمتی و پرداخت‌های بودجه‌ای در جدول (۴-۳-۲-۵) نتایج محاسبهٔ شاخص‌های حمایت از تولیدکننده آمده است. یکی از اهداف این پژوهش، بررسی اثر سیاست‌های ارزی و انحراف نرخ ارز بر مقادیر شاخص‌های حمایت از تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان (٪PSE، ٪MPS و ٪CSE) است که اثرهای مستقیم، کل و غیرمستقیم محاسبه می‌شود. همان‌طور که در بخش‌های پیش بیان شد، اثر مستقیم بیانگر وضعیت موجود حمایت

از تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان پنبه بر اثر سیاست‌های در حال اجرای بخش کشاورزی و ارزی است. اثر کل، حمایت از آنان را در شرایط اعمال نرخ ارز تعادلی برآمده از متغیرهای کلان اقتصادی در بلندمدت نشان می‌دهد. اثرغیرمستقیم حمایت از تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان را در دو نظام ارزی حقیقی و تعادلی مقایسه می‌کند و نشان‌دهندهٔ اثر سیاست‌های ارزی در چگونگی رقابت‌پذیری بلندمدت پنبه نسبت به رقبای جهانی است. اگر این شاخص مثبت باشد به این معنی است که سیاست‌های ارزی رقابت‌پذیری بلندمدت پنبه‌کاران ایرانی را افزوده است و برعکس.

در جدول (۴-۳-۲-۵) نیز انحراف نرخ ارز حقیقی از تعادلی در کنار شاخص‌های حمایت از تولیدکنندگان (PSE) در برنامه‌های توسعهٔ ایران بررسی می‌شود. میانگین انحراف نرخ ارز تنها در برنامه‌های دوم و سوم توسعه مثبت بوده و بیش‌برآورد ارزش حقیقی ریال نسبت به ارزش تعادلی آن را نشان می‌دهد.

شاخص برآورد حمایت از تولیدکننده (PSE) که مجموع حمایت از قیمت بازاری(MPS) و حمایت‌های بودجه‌ای(BP) را نشان می‌دهد، بیانگر آن است که سیاست‌های حمایتی به سمت حمایت از تولید و تولیدکننده تغییر یافته است، به طوری که میانگین حمایت‌ها در دوران جنگ و برنامه‌های اول و دوم با وجود منفی بودن، روند رو به بهبودی داشت و پس از یکسان‌سازی نرخ ارز در سال ۱۳۸۱ در برنامه‌های سوم و چهارم سیاست‌های بخشی و ارزی حمایت‌کنندهٔ تولیدکنندگان پنبه بود. براساس قیمت‌های ثابت سال ۱۳۸۴، مقدار حمایت‌ها از ۲۱۴۳- در دوران جنگ به ۴۷۳ میلیارد ریال در برنامهٔ چهارم افزایش یافت. همچنین پیش‌بینی می‌شود در برنامهٔ پنجم توسعه درآمد تولیدکنندگان پنبه به طور میانگین ۲۰۲ میلیارد ریال بیش از رقبای جهانی باشد. مقایسهٔ نتایج جدول‌های (۴-۳-۲-۵)، (۳-۳-۲-۵) و (۲-۳-۲-۵) نشان می‌دهد در بیشتر سال‌ها سهم حمایت‌های قیمتی

در کل حمایت از تولیدکننده بیشتر از حمایت‌های بودجه‌ای بوده است و در دورهٔ جنگ و برنامه‌های اول و دوم توسعه حمایت کل از تولیدکننده (PSE) هم‌علامت با حمایت‌های قیمتی، منفی بوده است. در برنامه‌های سوم و چهارم همزمان با مثبت شدن حمایت‌های قیمتی به دلیل کاهش مقدار مطلق، سهم حمایت‌های بودجه‌ای نسبت به حمایت قیمتی بیشتر شده است. یعنی حمایت‌های بودجه‌ای در کنار حمایت‌های قیمتی، موجب بهبود حمایت از تولیدکنندگان و افزایش رقابت‌پذیری آنان شده است.

در جدول (۴-۳-۲-۵) شاخص حمایت از تولیدکنندگان براساس نرخ ارز تعادلی(اثرکل) روندی مشابه اثرمستقیم داشته است که تا سال ۱۳۷۷، همواره منفی بود و بعد از آن تنها در سال ۱۳۸۹ تولیدکنندگان پنبه به دلیل کاهش چشمگیر حمایت قیمتی ناگزیر از پرداخت مالیات پنهان شدند. با وجود آن‌که در برنامهٔ سوم توسعه، با اعمال نرخ ارز تعادلی به طور میانگین ۳۵۸ میلیارد ریال به قیمت‌های ثابت سال ۱۳۸۴، از تولیدکنندگان حمایت شد، همزمان افزایش واردات پنبه و کاهش سطح زیرکشت سرعت یافت که در بلندمدت به کاهش تقاضای صنایع از پنبهٔ داخلی و انگیزهٔ تولید کشاورزان می‌انجامد.

همان‌طور که بیان شد، در ارزیابی سیاست‌های حمایتی از تولیدکنندگان، شاخص حمایت درصدی از تولیدکننده (PSE٪) با تأثیرنپذیرفتن از تورم، مقیاس و واحد پولی، نسبت به شاخص ارزشی مقایسهٔ بهتری از حمایت را در طول زمان، بین کشورها و همچنین کالاهای مختلف، امکان‌پذیر می‌سازد. نتایج محاسبهٔ این شاخص با رهیافت تجارت‌محور در جدول (۴-۳-۲-۵) مشاهده می‌شود.

جدول ۴-۴-۲-۵ شاخص‌های حمایت از تولیدکنندگان پنبه

برنامه های توسعه	درصد انحراف نرخ ارز	سال	ارزش اثرمستقیم به قیمت ثابت سال ۱۳۸۴ (میلیارد ریال)	ارزش اثر کل به قیمت ثابت سال ۱۳۸۴ (میلیارد ریال)	%PSE اثر مستقیم	%PSE اثر غیرمستقیم	%PSE اثر کل
دورهٔ جنگ	۲۶/۸۱	۱۳۶۰	-۱۲۴۰	-۶۸۸	-۴۳/۰۵	۱۲/۷۸	-۳۰/۲۶
	۳۸/۹۰	۱۳۶۱	-۱۷۹۸	-۸۲۴	-۴۷/۲۱	۱۷/۲۲	-۲۹/۹۹
	۳۸/۶۷	۱۳۶۲	-۱۸۶۴	-۹۸۱	-۵۴/۴۲	۱۴/۲۲	-۴۰/۲۰
	۴۷/۶۸	۱۳۶۳	-۳۱۹۴	-۱۷۱۶	-۶۳/۳۵	۱۲/۴۷	-۵۰/۸۸
	-۱۳/۱۶	۱۳۶۴	-۲۴۰۱	-۳۰۲۸	-۵۸/۱۸	-۵/۳۱	-۶۳/۴۹
	-۲/۷۱	۱۳۶۵	-۱۷۶۲	-۱۸۹۶	-۴۸/۳۸	-۲/۲۲	-۵۰/۶۰
	۷۵/۷۲	۱۳۶۶	-۲۴۵۷	-۸۵۲	-۶۱/۲۹	۲۲/۹۴	-۳۸/۳۵
	۸۹/۸۷	۱۳۶۷	-۲۴۲۵	-۵۸۷	-۵۸/۸۵	۳۰/۸۱	-۲۸/۰۴
	۳۷/۷۲	میانگین	-۲۱۴۳	-۱۳۲۲	-۵۴/۳۴	۱۲/۸۶	-۴۱/۴۷
برنامهٔ اول توسعهٔ اقتصادی و اجتماعی	۵۰/۶۲	۱۳۶۸	-۲۲۱۸	-۱۰۱۷	-۵۳/۶۵	۱۵/۸۸	-۳۷/۷۷
	-۴/۳۰	۱۳۶۹	-۳۲۸۵	-۳۶۱۲	-۵۶/۷۵	-۲/۸۸	-۵۹/۶۳
	-۱۰/۸۴	۱۳۷۰	-۲۲۵۱	-۲۸۵۴	-۴۷/۷۳	-۵/۹۵	-۵۳/۶۸
	-۴۷/۰۳	۱۳۷۱	-۸۵۱	-۲۹۶۰	-۳۴/۹۳	-۲۷/۴۵	-۶۲/۳۹
	-۵۱/۴۱	۱۳۷۲	-۵۰۵	-۲۴۵۵	-۲۷/۷۴	-۳۵/۴۴	-۶۳/۱۸
	-۴۱/۲۹	۱۳۷۳	-۱۵۶۹	-۳۹۸۷	-۴۶/۳۸	-۲۱/۱۰	-۶۷/۴۷
	-۱۷/۳۸	میانگین	-۱۷۸۰	-۲۸۱۴	-۴۴/۵۳	-۱۲/۸۲	-۵۷/۳۵
برنامهٔ دوم توسعهٔ اقتصادی و اجتماعی	-۳۱/۹۷	۱۳۷۴	-۲۰۱۴	-۴۹۶۱	-۳۲/۰۱	-۲۱/۱۱	-۵۳/۱۲
	-۱۶/۱۸	۱۳۷۵	-۱۷۳۸	-۲۹۰۰	-۳۰/۴۳	-۱۱/۸۰	-۴۲/۲۳
	-۰/۸۹	۱۳۷۶	-۹۱۵	-۹۹۷	-۲۴/۵۷	-۱/۹۳	-۲۶/۵۰
	۳۳/۱۵	۱۳۷۷	-۱۱۷۴	-۲۰۶	-۲۸/۷۳	۲۱/۹۲	-۶/۸۱
	۲۹/۱۰	۱۳۷۸	-۳۷۰	۳۷۶	-۹/۸۳	۲۲/۸۸	۱۳/۰۵
	۲/۶۴	میانگین	-۱۲۴۲	-۱۷۳۷	-۲۵/۱۱	۱/۹۹	-۲۳/۱۲
برنامهٔ سوم توسعهٔ اقتصادی و اجتماعی	۱۶/۹۶	۱۳۷۹	۵۴	۳۹۰	۱/۶۵	۱۲/۳۴	۱۳/۹۹
	۱۶/۵۴	۱۳۸۰	-۱۱۰	۱۴۷	-۴/۶۲	۱۱/۸۴	۷/۲۲
	۱۲/۹۹	۱۳۸۱	۴۰۲	۵۱۰	۲۷/۲۲	۱۱/۷۶	۳۸/۹۸
	۳/۸۵	۱۳۸۲	۵۰۳	۵۱۵	۳۱/۵۴	۱/۹۹	۳۳/۵۴
	-۲/۷۹	۱۳۸۳	۳۲۶	۲۲۷	۱۵/۴۴	-۵/۰۰	۱۰/۴۴
	۹/۵۱	میانگین	۲۳۵	۳۵۸	۱۴/۲۵	۶/۵۹	۲۰/۸۳
برنامهٔ چهارم توسعهٔ اقتصادی و اجتماعی	-۶/۱۸	۱۳۸۴	۳۹۵	۲۷۱	۲۹/۱۱	-۱۰/۴۰	۱۸/۷۱
	-۱۰/۷۰	۱۳۸۵	۴۳۹	۲۹۷	۴۲/۷۲	-۱۶/۸۶	۲۵/۸۶
	-۱۳/۰۹	۱۳۸۶	۸۶۳	۶۹۲	۸۳/۹۴	-۲۵/۳۷	۵۸/۵۷
	-۷/۷۴	۱۳۸۷	۴۰۶	۳۱۱	۴۳/۵۷	-۱۲/۷۹	۳۰/۷۹
	-۳/۳۲	۱۳۸۸	۴۴۸	۴۰۴	۷۱/۰۴	-۹/۱۵	۶۱/۸۸
	-۱۷/۴۵	۱۳۸۹	۲۷۲	۱۲۱	۳۷/۶۶	-۲۳/۷۸	۱۳/۸۸
	-۹/۷۵	میانگین	۴۷۱	۳۴۹	۵۱/۳۴	-۱۶/۳۹	۳۴/۹۵
پیش بینی برنامهٔ پنجم توسعهٔ اقتصادی و اجتماعی	-۱۹/۲۲	۱۳۹۰	۳۸۶	۲۶۲	۶۵/۶۶	-۲۹/۴۹	۳۶/۱۷
	-۲۱/۱۴	۱۳۹۱	۲۸۹	۱۲۲	۴۰/۰۵	-۲۶/۶۶	۱۳/۳۹
	-۲۳/۰۷	۱۳۹۲	۴۱۵	۲۳۵	۵۷/۸۵	-۳۲/۵۵	۲۵/۳۰
	-۲۴/۹۸	۱۳۹۳	۳۵۲	۱۵۷	۴۸/۹۱	-۳۲/۴۹	۱۶/۴۲
	-۲۲/۰۹	۱۳۹۴	-۴۳۴	-۶۱۵	-۵۶/۰۹	-۵/۹۳	-۶۲/۰۲
	-۲۲/۱۰	میانگین	۲۰۲	۳۲	۳۱/۲۸	-۲۵/۴۲	۵/۸۵

منبع: یافته‌های پژوهش

میانگین ۵۴- درصد شاخص PSE٪ که با رهیافت تجارت‌محور و نرخ حقیقی ارز برای دورهٔ جنگ محاسبه شده است، نشان می‌دهد دریافتی تولیدکننده ۵۴ درصد از آنچه می‌توانست با فروش محصولش با قیمت جهانی به دست آورد، کمتر بوده است. به بیان دیگر، سیاست‌های حمایتی در این دوره موجب شده است تولیدکننده ۵۴٪ از درآمدی را که در شرایط بدون چنین سیاست‌هایی می‌توانست به دست آورد به شکل نوعی مالیات پنهان از دست بدهد. میانگین این شاخص با نرخ ارز حقیقی در برنامهٔ چهارم توسعه ۵۱ درصد برآورد شده است؛ یعنی در طول این برنامه به اندازهٔ نیمی از درآمدی که در صورت فروش محصول با قیمت جهانی به دست می‌آورد، حمایت دریافت کرده است. در این برنامه سیاست‌های حمایتی موجب حمایت مثبت از تولیدکننده شده و دریافتی او را نسبت به بازار جهانی افزایش داده است. در دورهٔ جنگ به علت اهمیت پنبه در تولید منسوجات داخلی و همچنین اجرای سیاست‌های تثبیتی ویژهٔ این دوره، هدف سیاست‌های قیمتی پنبه نیز، کمتر نگه داشتن قیمت داخلی آن بود و کشاورزان ناگزیر از پرداخت مالیات پنهان زیادی بودند؛ این شرایط تا آغاز برنامهٔ سوم توسعه با نرخ کاهشی ادامه داشت. پس از آن رشد حمایت‌های قیمتی در برنامه‌های سوم و چهارم موجب حمایت مثبت از پنبه‌کاران شد، اما با وجود حمایت مثبت از کشاورزان در این دوره، ثبات چندانی در روند حمایت‌ها مشاهده نمی‌شود و به‌ویژه در برنامهٔ چهارم پس از یک دوره رشد با کاهش روبه‌رو می‌شود که نشان می‌دهد حمایت از پنبه‌کاران بیش از آن‌که پیرو سیاست‌های بخشی باشد، به نوسان‌های بازار جهانی و نرخ ارز وابسته است.

میانگین اثر کل که مجموع اثر سیاست‌های بخشی و کلان اقتصادی (سیاست‌های ارزی) در حمایت از تولیدکنندگان پنبه را نشان می‌دهد، در دورهٔ جنگ و برنامه‌های اول و دوم منفی و در برنامه‌های سوم و چهارم به طور میانگین مثبت ارزیابی شده و نوسان‌های اثر مستقیم در آن مشاهده می‌شود. بیشترین حمایت برآمده از

سیاست‌های ارزی و بخشی در سال ۱۳۸۸ برابر با ۶۱ درصد بوده است، یعنی کشاورزان با اجرای سیاست‌های ارزی و بخشی به اندازهٔ بیش از نیمی از دریافتی خود بدون اجرای سیاست‌ها با قیمت‌های جهانی تعدیل‌شده با نرخ ارز تعادلی، حمایت شده‌اند. یعنی مازاد دریافتی آنان بیشتر از نصف درآمد آنان بدون اجرای سیاست‌ها بوده است. در برنامهٔ اول با اجرای سیاست کم برآورد ارزش ریال حمایت از پنبه‌کاران کمتر از دورهٔ جنگ بوده است که نقش سیاست‌های ارزی را در تضعیف رقابت‌پذیری کشاورزان آشکار می‌کند.

میانگین اثر غیرمستقیم PSE٪ که نشان‌دهندهٔ اثر سیاست‌های ارزی بر مقدار حمایت از تولیدکنندگان پنبه است، در دورهٔ جنگ و برنامه‌های دوم و سوم توسعه مثبت و در دیگر برنامه‌ها منفی بوده است. بیشترین حمایت منفی برآمده از سیاست‌های ارزی در برنامهٔچهارم، همزمان با اجرای سیاست‌های آزادسازی و چند نرخی شدن ارز روی داده است و کشاورزان ۱۶ درصد نسبت به درآمدی که در بازار جهانی قادر به کسب آن بودند، کمتر دریافت کرده‌اند. در برنامهٔ سوم توسعه که نرخ ارز حقیقی بیشتر از نرخ ارز تعادلی و انحراف نرخ ارز مثبت بوده است، بیش‌برآورد ارزش ریال(کاهش ارزش پول ملی) موجب حمایت از تولیدکنندگان شده است. انحراف نرخ ارز در برنامهٔ دوم کمتر از دیگر برنامه‌ها بود و حمایت ازپنبه‌کاران نیز در این برنامه اندک(۱/۹٪) بوده است. در دورهٔ جنگ که در بیشتر سال‌ها نرخ ارز انحراف مثبت زیادی داشته است، مقدار مطلق اثر غیرمستقیم چندان زیاد نیست و تنها در دو سالی که نرخ ارز تعادلی بیشتر از حقیقی برآورد شده، نرخ انحراف و اثرغیرمستقیم نزدیک به یکدیگر است. پس از آن در پنج سال ابتدای اجرای آزادسازی‌های سال ۱۳۷۱ و برنامهٔ چهارم توسعه با کم‌برآورد ارزش ریال، اثرغیرمستقیم نیز مقداری نزدیک به آن دارد. از این مقایسه می‌توان نتیجه گرفت، بیش‌برآورد شدید ارزش پول ملی، به عنوان تنها ابزار افزایش‌دهندهٔ حمایت از

تولیدکنندگان کافی نیست و باید با نرخ ارز تعادلی بلندمدت اقتصاد هماهنگ باشد. در دورهٔ جنگ و برنامه‌های دوم و چهارم سیاست‌های ارزی تضعیف‌کنندهٔ اثر سیاست‌های بخشی بوده است، به‌طوری که مقادیر مثبت اثر غیرمستقیم در بیشتر سال‌های دورهٔ جنگ و برنامهٔ دوم موجب کاهش اثر منفی سیاست‌های خاص بخش کشاورزی در حمایت از تولیدکنندگان پنبه در این دوران شده و در برنامهٔ چهارم توسعه اثر منفی سیاست‌های ارزی، اثر مثبت سیاست‌های بخشی را در حمایت از تولیدکنندگان تضعیف کرده است. در دیگر برنامه‌های توسعه، سیاست‌های ارزی اثر سیاست‌های بخشی را تقویت کرده است. به طوری که در برنامهٔ اول ، اثر منفی سیاست‌های ارزی، حمایت‌های منفی از محصول پنبه را تقویت و در برنامهٔ سوم اثر مثبت این سیاست‌ها، حمایت‌های بخش کشاورزی از تولیدکنندگان را پشتیبانی کرده است. همچنین، مقادیر مطلق اثرمستقیم در بیشتر سال‌های دورهٔ بررسی‌شده بیشتر از اثر غیرمستقیم بوده است. به بیان دیگر، در مجموع کل حمایت از تولیدکنندگان پنبه بر حسب علامت شاخص، سیاست‌های ارزی تقویت یا تضعیف‌کنندهٔ سیاست‌های بخشی بوده است، تنها در سال پس از آزادسازی‌های اقتصادی سال ۱۳۷۲ و سال‌های نخست بیش‌برآورد ارزش ریال(۸۰-۱۳۷۸) سهم حمایت‌های ارزی بیشتر از حمایت‌های بخشی بوده است.

۳-۳-۲-۵ بررسی مقادیر حمایت از مصرف‌کنندگان پنبه طی برنامه‌های توسعه

در محاسبهٔ شاخص حمایت از مصرف‌کنندگان از انتقال‌های قیمتی از مصرف‌کنندگان به تولیدکنندگان، مالیات‌دهندگان به مصرف‌کنندگان و دیگر انتقال‌ها به مصرف‌کنندگان استفاده می‌شود که در محاسبهٔ این شاخص برای محصول پنبه، از آنجا که پرداخت مستقیمی به مصرف‌کنندگان از راه بودجهٔ سالانهٔ

دولت(مالیاتدهندگان) انجام نمی‌پذیرد، تنها انتقال از مصرف‌کنندگان به تولیدکنندگان و واردکنندگان به مصرف‌کنندگان در پی تفاوت قیمت داخلی و جهانی، در محاسبه به کار گرفته شده است. از این رو، براساس روابط فصل سوم در مورد محاسبهٔ CSE، مقدار شاخص درصدی آن برابر با شاخص درصد حمایت از قیمت بازاری تولیدکنندگان و علامت آن قرینهٔ MPS٪ است که نشان‌دهندهٔ حمایت بازاری از مصرف‌کنندگان است. در جدول (۶-۳-۲-۵) مقادیر شاخص حمایت درصدی مصرف‌کنندگان پنبه (CSE٪) طی دورهٔ مورد بررسی (۸۹-۱۳۶۰) گزارش شده است.

بررسی ارزش حمایت مستقیم از مصرف‌کنندگان پنبه برحسب قیمت‌های ثابت سال ۱۳۸۴، بیانگر آن است که حمایت از مصرف‌کنندگان روند کاهشی داشته است، به طوری که از ۲۳۱۰ میلیارد ریال در دورهٔ جنگ به ۶۱۹- میلیارد ریال در برنامهٔ چهارم رسیده و در برنامهٔ سوم نیز پس از شناورسازی نرخ ارز منفی بوده است، یعنی مصرف‌کنندگان پنبه در دههٔ اخیر ناگزیر از پرداخت مالیات پنهان بوده‌اند.

حمایت از مصرف‌کنندگان منسوجات که مادهٔ اولیهٔ آن پنبه است، برحسب نرخ ارز تعادلی، در بیشتر سال‌ها مثبت بود. یعنی کم نگه‌داشتن قیمت داخلی نسبت به قیمت جهانی، همراه با سیاست‌های ارزی موجب حمایت از مصرف‌کنندگان پنبه شد. در برنامهٔ سوم توسعه با بیش‌برآورد ارزش ریال مصرف‌کنندگان پنبه در بیشتر سال‌ها نسبت به مصرف‌کنندگان جهانی حمایت نشدند. در برنامهٔ چهارم نیز با وجود کم‌برآورد ارزش تعادلی ریال، به دلیل بیشتر بودن قیمت داخلی پنبه از قیمت جهانی مصرف‌کنندگان ناگزیر از پرداخت مالیات پنهان شدند و به طور میانگین ۳۱۲ میلیارد ریال به قیمت ثابت سال ۱۳۸۴ بیشتر از خرید از بازار جهانی پرداخت کردند.

جدول ۶-۳-۲-۵) شاخص‌های حمایت از مصرف‌کنندگان پنبه

برنامه های توسعه	درصد انحراف نرخ ارز	سال	ارزش اثرمستقیم به قیمت ثابت سال ۱۳۸٤ (میلیارد ریال)	ارزش اثر کل به قیمت ثابت سال ۱۳۸٤	%CSE اثر مستقیم	%CSE اثر غیرمستقیم	%CSE اثر کل
دورهٔ جنگ	۲٦/۸۱	۱۳٦۰	۱٤۳۲	۸۳۱	۵۰/۲۵	-۱۳/۲۸	۳٦/۹۷
	۳۸/۹۰	۱۳٦۱	۲۰۱۰	۹٦۹	۵۳/۸۵	-۱۷/۸۵	۳٦/۰۰
	۳۸/٦۷	۱۳٦۲	۲۰۰٤	۱۱۰۱	٦۳/۷۸	-۱٤/٦۱	٤۹/۱۷
	٤۷/٦۸	۱۳٦۳	۳٤۵۱	۱۹۱۱	۷٤/۱٦	-۱۲/۷۹	٦۱/۳۷
	-۱۳/۱٦	۱۳٦٤	۲۵۲۷	۳۱۰۵	٦۸/۰۵	٤/۳۱	۷۲/۳٦
	-۲/۷۱	۱۳٦۵	۱۸۷٤	۱۹٦۰	٦۲/۹۱	۱/۰٤	٦۳/۹۵
	۷۵/۷۲	۱۳٦٦	۲۵٤۹	۹۸۲	۷۲/٤٦	-۲۲/۱۳	۵۰/۳۳
	۸۹/۸۷	۱۳٦۷	۲٦۳۸	۷٤۹	٦۸/۷۱	-۳۰/۳۰	۳۸/٤۱
	۳۷/۷۲	میانگین	۲۳۱۰	۱٤۵۱	٦٤/۲۷	-۱۳/۲۰	۵۱/۰۷
برنامهٔ اول توسعهٔ اقتصادی و اجتماعی	۵۰/٦۲	۱۳٦۸	۲٦۲٤	۱۳۰۹	٦۹/۵۲	-۱٦/۳۱	۵۳/۲۱
	-٤/۳۰	۱۳٦۹	۳۷۲۸	۳۹۷۵	۷۰/۰٤	۱/۳۳	۷۱/۳۷
	-۱۰/۸٤	۱۳۷۰	۲۵۸۷	۳۱۳۱	٦۰/۲۹	٤/٤۷	٦٤/۷٦
	-٤۷/۰۳	۱۳۷۱	۱۱٤٦	۳۳۳۲	٤۹/٦۲	۲٤/۵۰	۷٤/۱۲
	-۵۱/٤۱	۱۳۷۲	۵۷۳	۲۳٤۸	۳٦/۷۱	۳۳/٦٦	۷۰/۳۷
	-٤۱/۲۹	۱۳۷۳	۱۷٦٦	٤۲۱۳	۵۳/۸۸	۱۹/۷۱	۷۳/۵۹
	-۱۷/۳۸	میانگین	۲۰۷۱	۳۰۵۱	۵٦/٦۸	۱۱/۲۳	٦۷/۹۰
برنامهٔ دوم توسعهٔ اقتصادی و اجتماعی	-۳۱/۹۷	۱۳۷٤	۱۸۲۰	٤۱۰٤	۳۸/۵٦	۲۰/۰٤	۵۸/٦۰
	-۱٦/۱۸	۱۳۷۵	۱۸۵۵	۲۸۵۳	۳۷/٦۵	۱۰/٤۹	٤۸/۱٤
	-۰/۸۹	۱۳۷٦	۸۵۷	۸۸۳	۳۰/۸۵	۰/٦۵	۳۱/۵۰
	۳۳/۱۵	۱۳۷۷	۱۲۹۷	۳۲۲	۳٤/۵۷	-۲۲/۹۸	۱۱/۵۹
	۲۹/۱۰	۱۳۷۸	٦٦۲	-۱۳۸	۱۹/٤۷	-۲٤/۷٦	-۵/۲۹
	۲/٦٤	میانگین	۱۲۹۸	۱٦۰۵	۳۲/۲۲	-۳/۳۱	۲۸/۹۱
برنامهٔ سوم توسعهٔ اقتصادی و اجتماعی	۱٦/۹٦	۱۳۷۹	۳۹۵	-۱۰۱	۱۱/٤۷	-۱٤/۸۹	-۳/٤۲
	۱٦/۵٤	۱۳۸۰	٤۱٤	٤۳	۱۵/۷۱	-۱۳/۸۲	۱/۸۸
	۱۲/۹۹	۱۳۸۱	-۲۸۹	-۵۳٦	-۱۳/۳۳	-۱٤/۵٦	-۲۷/۸۹
	۳/۸۵	۱۳۸۲	-۵۳۷	-٦٤۵	-۱۸/۱۳	-٤/٤۹	-۲۲/٦۲
	-۲/۷۹	۱۳۸۳	-٤۳	۹۱	-۰/۹۲	۲/۷۹	۱/۸۷
	۹/۵۱	میانگین	-۱۲	-۲۳۰	-۱/۰٤	-۹/۰۰	-۱۰/۰۳
برنامهٔ چهارم توسعهٔ اقتصادی و اجتماعی	-٦/۱۸	۱۳۸٤	-۳۲٤	-٤۰	-۷/٤۲	٦/۵٦	-۰/۸٦
	-۱۰/۷۰	۱۳۸۵	-۵۸۳	-۲۲۲	-۱۹/۱۳	۱۲/٦۲	-٦/۵۲
	-۱۳/۰۹	۱۳۸٦	-۱٤۸۵	-۱۰۹۷	-۵٦/۸۱	۲۰/۲٦	-۳٦/۵٤
	-۷/۷٤	۱۳۸۷	-٤۸۰	-۲۵۲	-۱۷/٤۵	۸/۹۸	-۸/٤۷
	-۳/۳۲	۱۳۸۸	-۳۸۷	-۳۵۸	-٤۵/۱۵	٤/۷٦	-٤۰/۳۹
	-۱۷/٤۵	۱۳۸۹	-٤۵۷	۹۹	-۱۷/۱٦	۲۰/۲۳	۳/۰۷
	-۹/۷۵	میانگین	-٦۱۹	-۳۱۲	-۲۷/۱۹	۱۲/۲۳	-۱٤/۹۵
پیش بینی برنامهٔ پنجم توسعهٔ اقتصادی و اجتماعی	-۱۹/۲۲	۱۳۹۰	-۷۳٦	-۲۷۰	-۳٦/۸۹	۲۵/۹۳	-۱۰/۹۵
	-۲۱/۱٤	۱۳۹۱	-۲٤۲	۳۸٤	-۱۰/۲۳	۲۳/۰٦	۱۲/۸۳
	-۲۳/۰۷	۱۳۹۲	-٦۳۷	٦۹	-۲٦/۷۵	۲۸/۹۷	۲/۲۲
	-۲٤/۹۸	۱۳۹۳	-٤۰۸	٤۰۰	-۱٦/٦٤	۲۸/۹۰	۱۲/۲٦
	-۲۲/۰۹	۱۳۹٤	۲۳۵۸	۳۰۹۹	۸۹/۳۷	۲/۳۳	۹۱/۷۰
	-۲۲/۱۰	میانگین	٦۷	۷۳٦	-۰/۲۳	۲۱/۸٤	۲۱/٦۱

منبع: یافته‌های پژوهش

درصد حمایت از مصرف‌کنندگان(CSE٪) با نرخ ارز حقیقی، بیان می‌کند میانگین حمایت از مصرف‌کنندگان پنبه در دورهٔ جنگ ۶۴ درصد از پرداختی مصرف‌کنندگان را برحسب قیمت‌های تعدیل‌شدهٔ جهانی شامل شده است. یعنی در شرایط واقعی با اجرای سیاست‌های قیمتی، مصرف‌کنندگان، حدود دو سوم آنچه (در صورتی که بازار آزاد برقرار باشد) باید می‌پرداختند، حمایت دریافت کرده‌اند. در حقیقت ۶۴ درصد نسبت به آنچه می‌بایست می‌پرداختند، کمتر پرداخت کرده‌اند. حمایت زیاد از مصرف‌کنندگان از رقابت‌پذیری بازار می‌کاهد، زیرا مصرف‌کنندگان سهم بیشتری از مازاد بازار داخلی می‌برند و با کاهش قدرت تولیدکنندگان، رقابت‌پذیری آنان کاهش پیدا می‌کند. در برنامهٔ سوم توسعه با اجرای سیاست‌های بخشی و ارزی از کشاورزان حمایت چندانی نشد(۱/۰۴ درصد)، یعنی مازاد بازار پنبه برای مصرف‌کنندگان داخلی نزدیک به بازار جهانی بود. همزمان حمایت مثبت از تولیدکنندگان در این برنامه نشان می‌دهد دخالت دولت در بازار پنبه از راه تنظیم سیاست‌های بخشی و ارزی در برنامهٔ سوم توسعه کمترین زیان اجتماعی را در مقایسه با برنامه‌های دیگر داشته است. درصد حمایت‌ها در برنامهٔ چهارم توسعه به کمترین مقدار رسیده و مصرف‌کنندگان پنبه ۲۷- درصد از آنچه در بازار جهانی باید می‌پرداختند، بیشتر پرداخت کرده‌اند. همچنین براساس پیش‌بینی‌ها در برنامهٔ پنجم توسعه، در بیشتر سال‌ها حمایت از مصرف‌کنندگان منفی خواهد بود.

اثر کل چگونگی حمایت از مصرف‌کنندگان پنبه را با برقراری نرخ ارز تعادلی بلندمدت اقتصاد ایران نشان می‌دهد. در برنامهٔ اول با کم‌برآورد ارزش ریال بیشترین حمایت از مصرف‌کنندگان پنبه انجام پذیرفت و در برنامهٔ سوم توسعه همزمان با اجرای سیاست یکسان‌سازی نرخ ارز، حمایت از مصرف‌کنندگان پنبه براساس این شاخص منفی شد، به طوری که مصرف‌کنندگان پنبه با برقراری سیاست‌های ارزی و بخشی ۱۰ درصد از آنچه در شرایطی که هیچ سیاست ارزی و بخشی برقرار نباشد

برای مصرف می‌پرداختند، مالیات پنهان پرداختند. در برنامهٔ چهارم توسعه با وجود کم‌برآورد ارزش ریال مصرف‌کنندگان ایرانی نسبت به مصرف‌کنندگان جهان هزینهٔ بیشتری برای پنبه پرداخت کردند؛ یعنی با تأثیر متغیرهای بنیادین اقتصاد ایران نیز مصرف‌کنندگان پنبه دچار زیان می‌شدند. اما این زیان در مقایسه با اثرمستقیم(اعمال نرخ حقیقی ارز) کمتر است و در شرایط تعادلی اقتصاد کشور مصرف‌کنندگان زیان کمتری می‌پرداختند.

علامت اثرغیرمستقیم در مورد مصرف‌کنندگان، عکس علامت انحراف نرخ ارز است، یعنی با کم‌برآورد ارزش ریال(انحراف منفی)، مصرف‌کنندگان حمایت می‌شوند و برعکس. به عبارت دیگر، چگونگی حمایت از مصرف‌کنندگان را هنگامی که سیاست ارزی برقرار است نسبت به وقتی که سیاست ارزی اجرا نمی‌شود، نشان می‌دهد. در دورهٔ جنگ و برنامه‌های دوم و سوم توسعه سیاست‌های ارزی تضعیف‌کنندهٔ سیاست‌های بخشی بوده است و با اجرای سیاست ارزی، مصرف‌کنندگان پنبه حمایت نشده‌اند. در حالی‌که در دیگر برنامه‌ها با اجرای سیاست ارزی بیش برآورد ارزش ریال، مصرف‌کنندگان پنبه نسبت به شرایطی که سیاست ارزی برقرار نباشد، حمایت شده‌اند. برای مثال در برنامهٔ چهارم ۱۲/۲٪ کمتر از قبل از اجرای سیاست ارزی پرداخت کرده‌اند.

۴-۳-۲-۵ نتیجه‌گیری و پیشنهادهای پنبه

پنبه، مادهٔ اولیهٔ صنایع نساجی و روغن‌کشی است و سیاست‌های حمایتی مختلفی از بخش تولید و مصرف آن انجام می‌پذیرد. در این پژوهش مقادیر کمّی این حمایت‌ها براساس شاخص‌های MPS، PSE و CSE طی دورهٔ ۸۹-۱۳۶۰ محاسبه شده است که نتایج بیانگر وجود روند افزایشی در حمایت‌های قیمتی و کل حمایت از تولیدکنندگان تا اجرای سیاست تک‌نرخی شدن ارز در سال ۱۳۸۱ است و پس از

آن، حمایت در همهٔ برنامه‌ها دارای نوسان است. همچنین در مجموع حمایت‌های بودجه‌ای و قیمتی، سهم حمایت‌های بودجه‌ای در کل حمایت از تولیدکنندگان نسبت به حمایت‌های قیمتی افزایشی بوده است و در بین حمایت‌های بودجه‌ای نیز سهم یارانهٔ سوخت و یارانهٔ نهاده‌های تولید با حدود ۹۰ درصد از کل حمایت‌های بودجه‌ای از تولیدکنندگان، بیشتر بوده است. مقادیر اثرمستقیم حمایت از مصرف‌کنندگان پنبه از میانگین ۶۴ درصد در دورهٔ جنگ به ۲۷- درصد در برنامهٔ چهارم توسعه رسیده است. افزون بر این، بررسی اثر سیاست‌های ارزی و انحراف نرخ ارز بر مقادیر حمایت از مصرف‌کنندگان پنبه نشان می‌دهد این سیاست‌ها در دورهٔ جنگ و همچنین برنامه‌های دوم و سوم توسعه که انحراف نرخ ارز مثبت بوده (بیش‌برآورد ارزش تعادلی ریال) بر شاخص‌های حمایت از مصرف‌کنندگان اثر منفی داشته است، در حالی که در دو برنامهٔ دیگر توسعه، این سیاست‌ها موجب افزایش حمایت از مصرف‌کنندگان پنبه شده است، یعنی اثر غیرمستقیم تقویت‌کنندهٔ اثر مستقیم بوده است. اما در برنامهٔ چهارم به دلیل حمایت قیمتی منفی از مصرف‌کنندگان، اثر مثبت سیاست‌های ارزی خنثی شد. در مورد تولیدکنندگان نیز اجرای سیاست‌های ارزی موجب شده با بیش‌برآورد ارزش ریال، پنبه‌کاران حمایت شوند و بیشترین حمایت در برنامهٔ سوم توسعه انجام پذیرد، به طوری که در این برنامه با اجرای سیاست‌های ارزی، تولیدکنندگان ۶/۵ درصد بیشتر از آنچه در بازار رقابتی، بدون اجرای سیاست‌های ارزی، دریافت می‌کردند، حمایت شدند. در پیش‌بینی برنامهٔ پنجم نیز همانند برنامهٔ چهارم، سیاست‌های ارزی تقویت‌کنندهٔ سیاست‌های بخش کشاورزی نیست، اما اثرمستقیم در بیشتر سال‌ها مثبت است. شاخص حمایت بازاری هم حمایت نشدن از تولیدکنندگان را در بازار داخلی نسبت به بازار جهانی نشان می‌دهد، به طوری که برایند سیاست‌های ارزی و بخشی به زیان

تولیدکنندگان پنبه خواهد بود، درحالی‌که سیاست‌های بخشی حمایت‌کنندهٔ پنبه‌کاران است.

براساس نتایج، اجرای سیاست‌های باثبات و بلندمدت برای پیشگیری از نوسان‌های قیمت محصول، نهاده‌ها و نرخ ارز و حمایت‌های بودجه‌ای و حفظ ثبات تولید توصیه می‌شود. با توجه به روند افزایشی سهم حمایت‌های بودجه‌ای در سال‌هایی که کشاورزان حمایت شده‌اند، تأکید بر الگوی سیاستی حمایت‌های بودجه‌ای پیشنهاد می‌شود. اما با توجه به سهم بیشتر سیاست‌های قیمتی در بیشتر سال‌های بررسی، به منظور حمایت از کشاورزان در مقابل ریسک قیمتی بازار جهانی و کاهش انگیزهٔ کشاورزان و صنایع تبدیلی برای تولید، با تنظیم ترکیب متوازنی از حمایت‌های قیمتی و بودجه‌ای برای کشاورزان، امکان تأمین مادهٔ اولیهٔ صنایع تبدیلی از تولید داخلی و رقابت در بازارهای جهانی فراهم می‌شود. همچنین تنوع‌بخشی به حمایت‌های بودجه‌ای مانند به‌کارگیری پرداخت‌های مستقیم و توسعهٔ انواع بیمه‌های کشاورزی نیز می‌تواند مناسب باشد. ایجاد سازوکاری با هدف توسعهٔ کشت محصولات صنعتی مانند پنبه، برای مثال با اعطای تسهیلات بانکی به صنایع تبدیلی با شرط کشت پنبه یا شراکت با کشاورزان، افزون بر رونق بازار پنبه به نفع تولیدکنندگان، زمینه را برای کاهش دخالت دولت فراهم و به پویایی صنایع تبدیلی و رشد ارزش افزوده کمک می‌کند و در نهایت به ایجاد کشت‌وصنعت می‌انجامد. همان‌طور که مقادیر مثبت اثرمستقیم و اثرغیرمستقیم در برنامهٔ سوم توسعه نشان می‌دهد، اجرای سیاست یکسان‌سازی نرخ ارز که تقویت‌کنندهٔ سیاست‌های بخشی بوده، موجب حمایت از تولیدکنندگان پنبه شده است. از این رو، تنظیم سیاست‌های ارزی و بخشی به گونه‌ای که همسو و تقویت‌کنندهٔ یکدیگر باشند، به کارایی آنها

می‌افزاید و با افزایش مزیت رقابتی، به رقابت‌پذیری جهانی تولیدکنندگان داخلی کمک می‌کند.

متوسط شاخص‌های حمایت قیمتی، حمایت از تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان در دورهٔ اجرای سیاست‌های ارزی در کشور، در جدول (۷-۳-۲-۵) آمده است. براساس شاخص‌های درصدی حمایت از تولیدکنندگان پنبه در سه دههٔ بررسی(۸۹-۱۳۶۰)، سیاست‌های بخشی در مقایسه با سیاست‌های ارزی تأثیر بیشتری داشته است، زیرا قدرمطلق اثر مستقیم همواره بیشتر از اثر غیرمستقیم بوده است. در دههٔ ۱۳۶۰ به دلیل به‌کارگیری سیاست تثبیت نرخ ارز، انحراف از نرخ تعادلی به شدت افزایش پیدا کرد و با بیش‌برآورد ارزش ریال از تولیدکنندگان حمایت شد، اما در این دوره آثار منفی سیاست‌های بخشی از جمله کم نگه داشتن قیمت داخلی در مقایسه با قیمت جهانی تا حدی زیاد بود که اثر سیاست ارزی را خنثی و در مجموع حمایت کل از تولیدکننده را منفی کرد. در دههٔ ۱۳۷۰ با برقراری سیاست ارزی چند نرخی، میانگین اثرغیرمستقیم شاخص‌های حمایت از تولیدکنندگان منفی شد، اما به طور کلی سیاست‌های بخشی در راستای تحمیل زیان کمتر به تولیدکنندگان بهبود پیدا کرد. در دورهٔ سوم سیاست‌های ارزی با برقراری نرخ ارز شناور مدیریت‌شده انحراف نرخ ارز کاهش یافت و در سال‌های ابتدایی این برنامه مثبت بود. اما به طور میانگین کم برآورد ارزش ریال، با حمایت نکردن از تولیدکننده، از اثر مثبت سیاست‌های بخشی کاست. در این دوره با بهبود سیاست‌گذاری در بخش کشاورزی اثرمستقیم و اثرکل در MPS٪ و PSE٪ مثبت و میانگین اثرکل حمایت از مصرف‌کننده در دورهٔ اجرای سیاست شناورسازی منفی بود. مقایسهٔ حمایت در دوره‌های ارزی ایران نشان می‌دهد اجرای سیاست ارزی شناور بر سیاست‌های چندگانهٔ نرخ ارز و تثبیت شدید، برتری دارد.

جدول ۷-۳-۲-۵) بررسی حمایت از تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان پنبه در دوره‌های ارزی

دوره	درصد انحراف نرخ ارز	%MPS			%PSE			%CSE		
		اثر مستقیم	اثر غیرمستقیم	اثر کل	اثر مستقیم	اثر غیرمستقیم	اثر کل	اثر مستقیم	اثر غیرمستقیم	اثر کل
۱۳۶۰-۱۳۷۰	۳۰/۶۶	-۶۴/۹۱	۱۰/۵۶	-۵۴/۳۵	-۵۳/۹۰	۱۰/۰۰	-۴۳/۹۰	۶۴/۹۱	-۱۰/۵۶	۵۴/۳۵
۱۳۷۱-۱۳۸۰	-۹/۳۰	-۳۲/۸۵	-۳/۲۶	-۳۶/۱۱	-۲۳/۷۶	-۴/۹۸	-۲۸/۷۴	۳۲/۸۵	۳/۲۶	۳۶/۱۱
۱۳۸۱-۱۳۸۹	-۴/۹۴	۲۱/۷۲	-۶/۳۵	۱۵/۳۷	۴۲/۴۷	-۹/۹۶	۳۲/۵۲	-۲۱/۷۲	۶/۳۵	-۱۵/۳۷

منبع: یافته‌های پژوهش

به طور کلی شاخص‌های حمایت از پنبه روند پرنوسانی را در پی اجرای سیاست‌های ارزی و بخشی نشان می‌دهند که به افزایش ریسک در طول زمان منجر می‌شود. همچنین سیاست‌های ارزی و بخشی در دورهٔ اول و سوم هم‌راستا نبوده است. در سال‌های ابتدایی که سیاست‌های بخشی حمایت‌کننده نبوده، سیاست‌های ارزی نیز جبران‌کنندهٔ نبود حمایت نبوده و در دورهٔ آخر، سیاست‌های ارزی تضعیف-کنندهٔ اثر مثبت سیاست‌های بخشی بوده است. برقراری سیاست‌های همسو و حمایت‌کننده مانند برنامهٔ سوم، می‌تواند به افزایش رقابت‌پذیری تولیدکنندگان پنبه کمک کند. همچنین حمایت از صنایع وابسته با سهولت در مراحل دریافت تسهیلات و تأمین مواد اولیه با قیمت مناسب، بازار تقاضای محصول کشاورزان را تضمین می‌کند. با توجه به نتایج برآورد نرخ ارز در فصل سوم، افزایش درآمدهای نفتی موجب افزایش ارزش ریال تعادلی می‌شود که در صورت ثبات نرخ حقیقی ارز، رشد درآمدهای نفتی به نفع تولیدکنندگان است. همچنین بهره‌وری اقتصاد به عنوان شاخص پیشرفت فن‌آوری، بر نرخ تعادلی ارز و شاخص حمایت‌ها چنین اثری دارد که دولت با مدیریت این دو عامل می‌تواند حمایت از گندم‌کاران را افزایش دهد. در نهایت انتظار می‌رود، ترکیب سیاست‌های پولی، مالی، ارزی و بخشی به گونه‌ای باشد که برایند آن، حمایت‌کنندهٔ کشاورزان باشد.

٤-۲-٥ ذرت

ذرت در کنار جو، از کالاهای اساسی بخش کشاورزی است که از راه تأمین بخش مهمی از نهاده‌های مورد نیاز زیربخش دام و طیور، در تأمین نیاز غذایی کشور نقش کلیدی دارد. براساس گزارش سازمان خواروبارکشاورزی، سطح زیرکشت ذرت از آغاز برنامهٔ اول توسعه تا پایان برنامهٔ چهارم از حدود ۲۵ به ۲۴۰ هزار هکتار افزایش پیدا کرده است، به طوری که سهم سطح زیر کشت این محصول در زیر بخش زراعت ایران از ۰/۲۱ درصد در سال ۱۳۶۸ به ۲/۳ درصد در پایان برنامهٔ چهارم توسعه رسیده است (بانک اطلاعات وزارت جهاد کشاورزی ایران). افزایش ۹ برابری سطح زیر کشت، گرایش تولیدکنندگان به افزایش این محصول را نشان می‌دهد. شایان یادآوری است، تولید و مصرف ذرت در ایران، بسیار کمتر از دیگر کشورهای جهان، توسعه یافته است. مهم‌ترین مصرف ذرت در ایران در زیربخش دام و طیور است، در حالی که در دیگر کشورها از غذاهای اصلی خانوار محسوب می‌شود. همچنین براساس آمار سازمان خواربارکشاورزی، به طور متوسط از ۹ درصد ذرت تولیدی جهان در صنایع تبدیلی و فراوری، آرد، روغن، ظروف یکبار مصرف و خوراکی‌های ترکیبی تهیه می‌شود. در سال‌های اخیر نیز ذرت به عنوان یکی از گیاهان مناسب برای تولید سوخت گیاهی معرفی شده است که نگرانی‌هایی را در تأمین خوراک انسان و دام به وجود آورده و حتی هشدار سازمان‌های بین‌المللی را به همراه داشته است و تحلیل‌گران علت بحران مواد غذایی سال ۲۰۰۸ را نیز همین موضوع می‌دانند (سازمان خواربارکشاورزی، ۲۰۱۲). به‌هرحال، براساس آمار سازمان خواربارکشاورزی ملل متحد، عملکرد بیشتر در کنار قیمت هم‌تراز با گندم و برنج، می‌تواند ذرت را به جانشین مناسبی برای این محصولات در سبد غذایی خانوار کشور تبدیل کند. از این

رو بررسی چگونگی حمایت از تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان این محصول در سیاست‌گذاری برای توسعهٔ این محصول مفید است.

جدول (۱-۴-۲-۵) تصویری از وضعیت تولید، عملکرد و تجارت ذرت ایران ارائه می‌دهد. با توجه به جدول، مشاهده می‌شود، با وجود روند افزایشی سطح زیرکشت، سهم ایران از سطح زیرکشت جهانی ذرت به طور میانگین، حدود ۰/۱ درصد بوده است. عملکرد ذرت در طی سال‌های اجرای برنامه‌های توسعه، از ۵/۸ تن در هکتار در ابتدای برنامهٔ اول به ۸/۹ تن در هکتار در سال ۱۳۸۹ افزایش پیدا کرده است. اما عملکرد تولید ذرت ایران همیشه بیشتر از عملکرد متوسط جهان بوده است، به طوری که عملکرد تولید ذرت ایران در ۲۲ سال به طور متوسط ۱/۵ برابر عملکرد جهانی بوده است. این موضوع، بیانگر بهره‌وری بیشتر زمین و دیگر نهاده‌های تولید ذرت در ایران نسبت به جهان است که مزیت نسبی کشور را در تولید این محصول نشان می‌دهد. تولید ذرت نیز طی دوره (۸۹-۱۳۶۸)، با افزایش فزاینده همراه بوده و در سال ۱۳۸۶ با ۲۳۰۰ هزار تن بیشترین تولید را داشته است.

در جدول (۱-۴-۲-۵) سهم ذرت ایران از تولید جهانی در بیشتر سال‌ها حدود ۰/۱ درصد بوده است، اما رشد ۱۰ برابری آن روند افزایشی سهم ایران در تولید جهانی ذرت را نشان می‌دهد. با وجود افزایش چشمگیر تولید ذرت، ایران در همهٔ سال‌ها واردکنندهٔ خالص ذرت بوده است. به طوری که سهم واردات ایران از کل واردات جهان به طور میانگین ۲/۵ درصد بوده و در سال ۱۳۸۹ به ۵ درصد رسیده است. خشکسالی آغاز برنامهٔ سوم، بر تولید و واردات ذرت تأثیری نداشت و واردات آن از ۸۰۶ هزار تن در انتهای برنامهٔ دوم، به ۱۰۰۷ هزار تن در ابتدای برنامه سوم رسید.

جدول ۱-۴-۲-۵) وضعیت تولید، عملکرد و تجارت ذرت ایران

سال	سطح زیرکشت (هزارهکتار)	سهم از سطح زیرکشت (درصد)	عملکرد (تن در هکتار)	نسبت عملکرد ایران به جهان	تولید (هزارتن)	سهم از تولید جهان (درصد)	واردات (هزار تن)	سهم از واردات (درصد)	ارزش واردات (میلیون دلار)	سهم از ارزش واردات (درصد)
۱۳٦۸	۲۵	۰/۰۲	۵/۸۰	۱/٦۰	۱٤۵	۰/۰۳	۱۰٦٤	۱/۳۸	۱۳۰	۱/۱۷
۱۳٦۹	۳۰	۰/۰۲	٤/۳۳	۱/۱۸	۱۳۰	۰/۰۳	۹۳٦	۱/۲۷	۱۰۸	۰/۹۵
۱۳۷۰	۲٦	۰/۰۲	۷/۲۵	۱/۹۷	۱۸۹	۰/۰٤	۱۲۱۸	۱/۸۵	۲۰۰	۱/۹۹
۱۳۷۱	٦٤	۰/۰۵	٦/٤٤	۱/٦۵	٤۱۳	۰/۰۸	۱۱۵۷	۱/٦۰	۱۷۲	۱/۵۳
۱۳۷۲	۱۰۱	۰/۰۸	٦/۸۸	۱/۹۰	٦۹٦	۰/۱۵	۷٦۸	۱/۱۲	۱۲۷	۱/۲٦
۱۳۷۳	۷۸	۰/۰٦	٦/۵۹	۱/٦۰	۵۱۲	۰/۰۹	۷٦۸	۱/۲۲	۱۱۹	۱/۲۱
۱۳۷٤	۱۱٤	۰/۰۸	٦/۱۰	۱/٦۱	٦۹۷	۰/۱۳	۱۱۵۰	۱/۵۰	۱۸٤	۱/٤۷
۱۳۷۵	۹۸	۰/۰۷	٦/٦۹	۱/۵۹	٦۵٤	۰/۱۱	۸۸۹	۱/۲۵	۲٦۹	۱/۸۸
۱۳۷٦	۱۳۲	۰/۰۹	٦/۷۲	۱/٦۲	۸۸۹	۰/۱۵	۱۵۱۰	۲/۰۹	۲٤۸	۲/۱۲
۱۳۷۷	۱۵٦	۰/۱۱	٦/۰٤	۱/۳٦	۹٤۱	۰/۱۵	۸۰٦	۱/۱۱	۱۱۲	۱/۰۷
۱۳۷۸	۱۸٦	۰/۱٤	٦/۲۰	۱/٤۰	۱۱۵٦	۰/۱۹	۱۰۰۷	۱/۲۹	۱۳۸	۱/۳۸
۱۳۷۹	۱۸۲	۰/۱۳	٦/۱۷	۱/٤۳	۱۱۲۰	۰/۱۹	۱۱۸۱	۱/٤٤	۱٤۷	۱/٤۳
۱۳۸۰	۱۷۳	۰/۱۳	٦/۱٦	۱/۳۸	۱۰٦٤	۰/۱۷	۱٦۹۵	۲/۰۷	۲۲۵	۲/۲۱
۱۳۸۱	۲۱٤	۰/۱٦	٦/۷۳	۱/۵۳	۱٤۳۹	۰/۲٤	۱۳۲٦	۱/۵۱	۱۳۹	۱/۲٤
۱۳۸۲	۲٤٦	۰/۱۷	٦/۷۲	۱/۵۱	۱٦۵۳	۰/۲٦	۳۰۹۰	۳/٤٤	٤۳۸	۳/٤٦
۱۳۸۳	۲۷٤	۰/۱۹	۷/۰۲	۱/٤۲	۱۹۲٦	۰/۲٦	۱۷٦٤	۲/۱۳	۳۳۵	۲/۲۹
۱۳۸٤	۲۷٦	۰/۱۹	۷/۲۲	۱/٤۹	۱۹۹۵	۰/۲۸	۲۲٤۱	۲/۵٤	۳۷۷	۲/۷۷
۱۳۸۵	۲۹۲	۰/۲۰	۷/٤۲	۱/۵٤	۲۱٦٦	۰/۳۱	۲۵۷۸	۲/٦۹	٤۲۰	۲/٦۱
۱۳۸٦	۳۰۷	۰/۱۹	۷/٦۹	۱/۵٤	۲۳٦۱	۰/۳۰	۲۸۲۵	۲/٦۳	٦۵۹	۲/٦٦
۱۳۸۷	۲٤۳	۰/۱۵	۷/۳۲	۱/٤۳	۱۷۷۷	۰/۲۱	۲۹۹۱	۲/۹۰	۹٦۹	۳/۰۲
۱۳۸۸	۲۲٦	۰/۱٤	۷/۲۸	۱/٤۱	۱٦٤۳	۰/۲۰	۳۷۳۵	۳/۷۳	٦۵۲	۲/۸٤
۱۳۸۹	۲٤۰	۰/۱۵	۸/۹۳	۱/۷۲	۲۱٤۵	۰/۲٦	۵۷۹۰	۵/٤۰	۱۳۵٤	۵/۲۲

منبع: سایت سازمان خواربار و کشاورزی جهانی ملل متحد(http://fao.org)

در سال‌های دورهٔ بررسی بیشترین هزینهٔ واردات ذرت در سال ۱۳۸۹ برابر با ۱۳۵۴ میلیون دلار شد که علت آن افزایش ۵۵ درصدی مقدار واردات نسبت به سال قبل از آن است. این در حالی است که بیشترین تولید نیز در این سال صورت گرفت و انتظار می‌رفت تولید محصولات دامی یا صادرات ذرت در این سال با افزایش روبه‌رو

شود که براساس آمار سازمان خواربار کشاورزی صادرات با ۷۶ تن، نسبت به سال ۸۸ کاهش پیدا کرد.

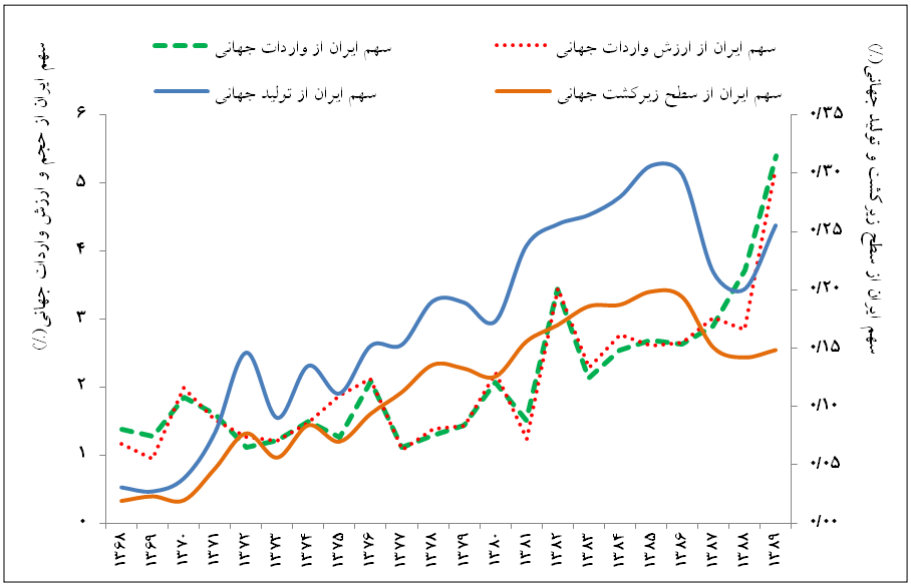

نمودار ۱-۴-۲-۵) سهم ایران از تولید، سطح زیرکشت، واردات و ارزش واردات جهانی ذرت طی دورهٔ ۸۹-۱۳۶۸

با توجه به اهمیت ذرت در تغذیهٔ دام و طیور، سیاست‌های حمایتی مختلفی به منظور افزایش تولید و سطح زیرکشت این محصول اجرا شده است که سیاست‌های حمایتی اجرا شدهٔ دولت در مورد آن، تفاوت چندانی با جو ندارد. قیمت خرید تضمینی کمتر از قیمت‌های جهانی و توزیع و حمایت قیمتی بعضی از نهاده‌ها، خرید و توزیع محصول بین مرغداران توسط شرکت پشتیبانی امور دام کشور، یارانهٔ بیمهٔ محصول و پرداخت تسهیلات بانکی با نرخ سود کم، تشکیل‌دهندهٔ سیاست‌های حمایت از تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان ذرت ایران در ۱۳۸۹-۱۳۶۰ بوده است. هدف دولت از خرید ذرت کشاورزان و فروش آن با قیمت‌های ترجیحی به مرغداران، تنظیم بازار هر دو محصول است. تا سال ۱۳۷۷ تولید ذرت کشور کمتر از توزیع شرکت پشتیبانی امور دام بود، اما از سال ۱۳۷۸ توزیع ذرت توسط این شرکت

کاهش زیادی پیدا کرد. براساس آمار منتشرنشدهٔ شرکت پشتیبانی امور دام، توزیع ذرت توسط شرکت، از ۱۳۳۲ هزار تن در سال ۱۳۷۷ به ۵۷۸ هزار تن در سال ۱۳۷۸ رسید. این تغییر ساختاری در الگوی توزیع ذرت از سال ۱۳۷۸ و ادامهٔ آن، نشان‌دهندهٔ کاهش نقش تصدی‌گری دولت در بازار ذرت است.

در ادامه، نتایج محاسبهٔ شاخص‌های حمایت از تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان ذرت (CSE٪، PSE٪، MPS٪) همانند گندم تجزیه و تحلیل می‌شود. همچنین، اثر سیاست‌های ارزی و انحراف نرخ ارز بر مقادیر حمایت از این محصول طی برنامه‌های اول تا چهارم توسعه بررسی می‌شود. همچنین، از آنجا که از کارکردهای پژوهش‌های اقتصادی افزون بر تبیین و تحلیل وضعیت‌های گذشته و کنونی، پیش‌بینی آیندهٔ شاخص‌های اقتصادی برای برنامه‌ریزی است؛ از این رو با فرض ادامهٔ روند رشد تخصیص یارانه‌ها همانند برنامهٔ چهارم و سال ۱۳۸۹، و پیش‌بینی قیمت‌ها با استفاده از روش‌های درون‌یابی و میانگین متحرک[1] برای برنامهٔ پنجم انجام می‌پذیرد. برای محاسبهٔ میانگین رشد سالانهٔ برنامهٔ چهارم از رابطهٔ (۱-۴-۲-۵) استفاده می‌شود:

$$m = \frac{\sum_{t=1384}^{1389} \frac{(x_{t+1} - x_t)}{x_t}}{5} \qquad (۵-۲-۴-۱)$$

که در آن، m میانگین رشد سالانهٔ متغیر x در برنامهٔ چهارم و t دورهٔ مورد نظر است. برای محاسبهٔ مقدار متغیر در هر سال m در مقدار آن متغیر در سال قبل ضرب می‌شود. برای پیش‌بینی قیمت‌ها و بعضی متغیرها، نیز مناسب‌ترین فرم تابع روند سی سالهٔ متغیر برآورد و برای سال‌های بعد پیش‌بینی می‌شود. وابسته به نوع روند موجود در داده‌ها، در بعضی موارد از روش میانگین متحرک استفاده شده است که رابطهٔ (۲-۴-۲-۵) شکل کلی رابطهٔ آن را نشان می‌دهد:

[1] Moving Average

$$x_{t+1} = \frac{\sum_{t-i}^{t} x_t}{i+1} \qquad (۵-۲-۴-۲)$$

که در آن x متغیر مورد پیش‌بینی، t+۱ دورهٔ پیش‌بینی و i تعداد دوره‌های گذشتهٔ اثرگذار بر دورهٔ مورد پیش‌بینی است. از بین روش‌های مطرح شده، نتایج هر یک دارای بیشترین تناسب با سری مورد پیش‌بینی و کمترین خطا باشد، مورد استفاده قرار گرفته است.

۱-۴-۲-۵ بررسی مقادیر حمایت بازاری از تولیدکنندگان ذرت طی برنامه‌های توسعه

شاخص حمایت از قیمت بازاری(MPS) بیشتر بازتاب‌دهندهٔ سیاست‌های مؤثر بر قیمت— در ایران قیمت تضمینی— و سیاست‌های ارزی است. براساس روش-شناسی این پژوهش که در فصل سوم توضیح داده شد، حمایت از قیمت بازاری انتقال از مصرف‌کنندگان، واردکنندگان و مالیات‌پردازان را در پی اجرای سیاست‌های قیمتی در بر می‌گیرد. شاخص درصدی حمایت از قیمت بازاری نسبت تفاوت قیمت دریافتی تولیدکنندگان داخلی را با قیمت جهانی تعدیل‌شده با نرخ ارز حقیقی یا تعادلی به قیمت جهانی نشان می‌دهد. اگر قیمت جهانی با نرخ ارز حقیقی تعدیل شود، اثر مستقیم و اگر با نرخ ارز تعادلی تعدیل شود، اثر کل محاسبه می‌شود. تفاضل این دو اثر نشان‌دهندهٔ برایند سیاست‌های ارزی است که اثرغیرمستقیم نامیده می‌شود. نتایج محاسبات حمایت از قیمت بازاری، به قیمت‌های ثابت طی برنامه‌های اول تا چهارم توسعه و پیش‌بینی برنامه پنجم برای محصول ذرت در جدول (۲-۴-۲-۵) ارائه شده است.

جدول ۲-۴-۲-۵) شاخص‌های حمایت بازاری(MPS) از تولیدکنندگان ذرت

برنامه های توسعه	درصد انحراف نرخ ارز	سال	ارزش اثرمستقیم به قیمت ثابت سال ۱۳۸٤ (میلیارد ریال)	ارزش اثر کل به قیمت ثابت سال ۱۳۸٤ (میلیارد ریال)	%MPS اثر مستقیم	%MPS اثر غیرمستقیم	%MPS اثر کل
دورهٔ جنگی	۲٦/۸۱	۱۳٦۰	-۳۳	-۱۵	-۳٦/۸۱	۱٦/۰۷	-۲۰/۷٤
	۳۸/۹۰	۱۳٦۱	-۲۲	۲	-۲٤/۹۱	۲۷/۲۳	۲/۳۲
	۳۸/٦۷	۱۳٦۲	-٤۵	-۲۱	-۵۰/۱۵	۱۸/۰۸	-۳۲/۰٦
	٤۷/٦۸	۱۳٦۳	-۹۸	-۵۰	-٦۳/۳۷	۱٦/٤۹	-٤٦/۸۸
	-۱۳/۱٦	۱۳٦٤	-۹۹	-۱۲٤	-۵۵/۳۸	-۵/٦٤	-٦۱/۰۲
	-۲/۷۱	۱۳٦۵	-۸۸	-۹۵	-۳۲/۳۹	-۱/۷۳	-۳٤/۱۲
	۷۵/۷۲	۱۳٦٦	-۱۵۳	٤٤	-۳۱/۲۸	٤٦/۱۲	۱٤/۸٤
	۸۹/۸۷	۱۳٦۷	-۳۷۰	-۷۳	-۵۵/۳۸	۳۵/۷۱	-۱۹/٦۸
	۳۷/۷۲	میانگین	-۱۱٤	-٤۲	-٤۳/۷۱	۱۹/۰٤	-۲٤/٦۷
برنامهٔ اول توسعهٔ اقتصادی و اجتماعی	۵۰/٦۲	۱۳٦۸	-۲۷۵	-۱۲۲	-۵٦/۵٤	۱۹/۹۲	-۳٦/٦۱
	-٤/۳۰	۱۳٦۹	-۲٦۸	-۲۸٦	-۵۹/۳۱	-۱/٦۳	-٦۰/۹٤
	-۱۰/۸٤	۱۳۷۰	-٤۷۰	-۵٦۰	-۵۹/۱۲	-٤/۱۷	-٦۳/۲۸
	-٤۷/۰۳	۱۳۷۱	-۸۹۵	-۲۱۳۸	-۵۹/۱۳	-۱۸/٤۳	-۷۷/۵٦
	-۵۱/٤۱	۱۳۷۲	-۱٦۲۰	-٤٦۷۱	-۵۲/٦۸	-۲۳/۵۷	-۷٦/۲۵
	-٤۱/۲۹	۱۳۷۳	-۱۳۳۷	-۲۷۸٤	-٦۰/٤٦	-۱۵/٦٤	-۷٦/۱۰
	-۱۷/۳۸	میانگین	-۸۱۱	-۱۷٦۰	-۵۷/۸۷	-۷/۲۵	-٦۵/۱۲
برنامهٔ دوم توسعهٔ اقتصادی و اجتماعی	-۳۱/۹۷	۱۳۷٤	-۱۹٦۹	-۳۲۸۹	-٦٦/٦۸	-۱۰/۳۰	-۷٦/۹۸
	-۱٦/۱۸	۱۳۷۵	-۲۷۵٦	-۳٤۵۳	-۷۲/۸۳	-٤/۲۳	-۷۷/۰٦
	-۰/۸۹	۱۳۷٦	-۱۳٤٦	-۱۳٦۷	-۵۳/۰۹	-۰/۳۸	-۵۳/٤۷
	۳۳/۱۵	۱۳۷۷	-۱۳۳۳	-۷۱۳	-٤۹/۳۸	۱۵/۱۰	-۳٤/۲۷
	۲۹/۱۰	۱۳۷۸	-۱۲۲۷	-٤۸۵	-۳٤/۷۳	۱۷/۳۵	-۱۷/۳۸
	۲/٦٤	میانگین	-۱۷۲٦	-۱۸٦۲	-۵۵/۳٤	۳/۵۱	-۵۱/۸۳
برنامهٔ سوم توسعهٔ اقتصادی و اجتماعی	۱٦/۹٦	۱۳۷۹	-٦٤۹	-۳۱۱	-۲۵/٤۲	۱۱/۳۸	-۱٤/۰٤
	۱٦/۵٤	۱۳۸۰	-٦۰٦	-۳۱۵	-۲٦/۸۷	۱۰/۸۵	-۱٦/۰۲
	۱۲/۹۹	۱۳۸۱	۱۱۳	۳۳۳	۵/۱٤	۱۱/۷۳	۱٦/۸۸
	۳/۸۵	۱۳۸۲	-٤۹٤	-۳۹٤	-۱٦/۰۵	۲/۸۳	-۱۳/۲۱
	-۲/۷۹	۱۳۸۳	-۱۵٦٦	-۱٦۷۸	-۳۵/۹۲	-۱/٦۱	-۳۷/۵۳
	۹/۵۱	میانگین	-٦٤۱	-٤۷۳	-۱۹/۸۲	۷/۰٤	-۱۲/۷۸
برنامهٔ چهارم توسعهٔ اقتصادی و اجتماعی	-٦/۱۸	۱۳۸٤	-٦۷۲	-۸۸۰	-۱۸/۸۰	-٤/٤٦	-۲۳/۲٦
	-۱۰/۷۰	۱۳۸۵	-۳۰۲	-٦٦۸	-۸/٦۸	-۸/۷۰	-۱۷/۳۸
	-۱۳/۰۹	۱۳۸٦	-۵۰۰	-۱۱۱۱	-۱۰/۹٦	-۱۰/۵۲	-۲۱/٤۸
	-۷/۷٤	۱۳۸۷	-۱۲۸۲	-۱۵۷۵	-۳۳/۵۹	-٤/۷۳	-۳۸/۳۱
	-۳/۳۲	۱۳۸۸	۲۷٤	۲۲۰	۱٤/۸۸	-۳/۲٦	۱۱/٦۲
	-۱۷/٤۵	۱۳۸۹	-۵٤	-۵۷۸	-۱/۸۹	-۱۵/۱۷	-۱۷/۰٦
	-۹/۷۵	میانگین	-٤۲۳	-۷٦۵	-۹/۸٤	-۷/۸۱	-۱۷/٦٤
پیش بینی برنامهٔ پنجم توسعهٔ اقتصادی و اجتماعی	-۱۹/۲۲	۱۳۹۰	٤۰	-٤۷٦	۱/۵۱	-۱٦/٦۲	-۱۵/۱۲
	-۲۱/۱٤	۱۳۹۱	-۷۳۱	-۱٤۹۳	-۲۲/۱۸	-۱٤/٦۲	-۳٦/۸۰
	-۲۳/۰۷	۱۳۹۲	-۸۷٦	-۱۷۷۷	-۲۵/٤۳	-۱۵/٤۵	-٤۰/۸۸
	-۲٤/۹۸	۱۳۹۳	-۱۰٤۳	-۲۱۰٤	-۲۸/۸۲	-۱٦/۱۲	-٤٤/۹٤
	-۲۲/۰۹	۱۳۹٤	-۱٤۵۵	-۲٤۷۹	-۳٦/۰۰	-۱۲/۹٤	-٤۸/۹٤
	-۲۲/۱۰	میانگین	-۸۱۳	-۱٦٦۵	-۲۲/۱۹	-۱۵/۱۵	-۳۷/۳٤

منبع: یافته‌های پژوهش

براساس نتایج جدول (۲-۴-۲-۵) انحراف نرخ ارز که از نسبت تفاوت نرخ حقیقی ارز و نرخ تعادلی آن نسبت به نرخ تعادلی ارز محاسبه می‌شود، در دوره‌های مختلف متفاوت بوده است. برای محاسبهٔ نرخ حقیقی ارز، نرخ ارز اسمی(بازاری) در نسبت متوسط موزون شاخص سطح عمومی قیمت‌های مهم‌ترین شرکای تجاری ایران به سطح عمومی قیمت‌های ایران ضرب می‌شود. نرخ تعادلی با استفاده از الگوی اقتصادسنجی تصحیح خطا تابعی از متغیرهای بنیادین اقتصاد شامل رابطهٔ مبادله، قیمت جهانی طلا، درجهٔ باز بودن اقتصاد، درآمد نفتی کشور، بهره‌وری کل اقتصاد، نسبت نرخ بهرهٔ جهانی به نرخ بهره در ایران است که نرخ ارز ایران را در شرایط تعادل بلندمدت اقتصاد نشان می‌دهد. در دورهٔ جنگ با کاهش درآمد نفتی و همزمان نیاز کشور به ارز، با بیش برآورد ارزش ریال نسبت به دلار توسط دولت، انحراف نرخ ارز در سال پایانی جنگ(۱۳۶۷) به ۸۹ درصد افزایش پیدا کرد. در برنامهٔ اول توسعه با کم‌برآورد ارزش ریال نسبت به نرخ تعادلی، انحراف نرخ ارز منفی بود و در سال‌های پایانی این برنامه به دلیل اجرای سیاست‌های آزادسازی اقتصادی مقدار آن افزایش یافت. در سال‌های نخست برنامهٔ دوم انحراف نرخ ارز حقیقی از مقدار تعادلی بلندمدت اقتصاد منفی و در سال‌های بعد مثبت شد. در برنامهٔ سوم توسعه به منظور تشویق صادرات، سیاست بیش‌برآورد ارزش ریال دنبال شد، یعنی نرخ ارز تعادلی کمتر از نرخ حقیقی آن بود. همچنین نرخ ارز سالیانه با شیب ملایمی در حال رشد بود. در برنامهٔ چهارم نیز روند کاهش ارزش پول ملی ادامه داشت، اما رشد نرخ ارز تعادلی بیش از نرخ حقیقی آن بود. بنابراین سیاست‌های ارزی برنامهٔ چهارم موجب کم‌برآورد ارزش ریال شد.

براساس نتایج اثرمستقیم - بر حسب قیمت‌های ثابت سال پایهٔ ۱۳۸۴- تنها در سال اجرای سیاست شناورسازی نرخ ارز(۱۳۸۱) و سال پس از افزایش قیمت جهانی غلات(۱۳۸۸)، از تولیدکنندگان ذرت حمایت قیمتی شده است و برنامهٔ چهارم پس

از دورهٔ جنگ کمترین حمایت منفی را از این محصول داشته است. بنابراین در همهٔ برنامه‌ها، قیمت دریافتی تولیدکنندگان ذرت کمتر از قیمت مرجع تعدیل‌شده با نرخ حقیقی ارز و هزینهٔ حمل‌ونقل بوده است که موجب کاهش رقابت‌پذیری ذرت‌کاران در مقایسه با رقبای خارجی و همچنین کاهش توانایی آنان در تأمین نیاز داخلی شده است. از سال ۱۳۷۵ با افزایش قیمت‌های داخلی، تولیدکنندگان ناگزیر از پرداخت زیان کمتری شدند و با وجود نوسان، روند حمایت از کشاورزان در پی اجرای سیاست‌های ارزی و بخشی، افزایشی شد. با وجود این با فرض ادامهٔ روند کنونی، در برنامهٔ پنجم نیز در مقایسه با قیمت‌های جهانی، پرداختی به تولیدکنندگان ذرت صورت نمی‌گیرد. به عبارت دیگر، اگر دولت اجازهٔ فروش ذرت داخلی را در بازارهای جهانی دهد، تولیدکنندگان ذرت دریافتی بیشتری خواهند داشت و ناگزیر از پرداخت مالیات پنهان نخواهند بود. از آنجا که براساس آمار منتشرشدهٔ مرکز آمار ایران، قیمت داخلی در تمام سال‌های مورد بررسی این پژوهش روندی افزایشی داشته است، نوسان شاخص حمایت از قیمت بازاری برآمده از نوسان نرخ ارز، قیمت جهانی و مقادیر تولید و مصرف ذرت است. چنان‌که اجرای سیاست تک نرخی کردن ارز در سال ۱۳۸۱، موجب توقف موقت دریافت مالیات پنهان از تولیدکنندگان این محصول شد، اما پس از آن، به علت نوسان در قیمت جهانی حمایت از قیمت بازاری روند ثابتی نداشت، به طوری که در سال ۱۳۸۳ حمایت قیمتی منفی از تولیدکنندگان ۳/۱۶ برابر سال پیش از آن بود. در برنامهٔ چهارم نیز این نوسان در حمایت نشدن قیمت بازاری ادامه داشته است و حمایت‌های قیمتی به طور میانگین در مقایسه با قیمت‌های جهانی موجب دریافت مالیات پنهان از تولیدکنندگان ذرت شد؛ به بیان دیگر، قیمت تضمینی ذرت با وجود رشد فزاینده، همزمان با افزایش قیمت جهانی آن تغییر نکرده است. افزایش قیمت جهانی ذرت در سال‌های همزمان با اجرای برنامهٔ چهارم توسعه، به دلیل به‌کاربردن ذرت در تولید

سوخت گیاهی، به کاهش حمایت از ذرت‌کاران ایرانی انجامیده است، به طوری که در سال ۱۳۸۷(۲۰۰۸) حمایت قیمتی از تولیدکنندگان ذرت ۱۲۸۲- میلیارد ریال به قیمت ثابت سال ۱۳۸۴ بود. در سال ۱۳۸۸ با فرض ادامهٔ روند افزایشی قیمت جهانی، شورای اقتصاد، قیمت تضمینی بیشتری برای ذرت تصویب کرد که موجب ۲۷۴ میلیارد ریال به قیمت ثابت سال ۱۳۸۴ حمایت بازاری از کشاورزان داخلی شد. با وجود روند افزایشی قیمت داخلی، به نظر می‌رسد در تعیین قیمت تضمینی ذرت، حمایت از زیربخش دامپروری بیشتر مورد توجه بوده است و در قیمت‌گذاری آن به افزایش نرخ تورم و قیمت جهانی ذرت کمتر توجه شده است که این تفاوت قیمت داخلی و جهانی ذرت از قدرت رقابت‌پذیری این محصول در بازارهای جهانی می‌کاهد. همچنین حمایت نکردن تولیدکنندگان ذرت، موجب می‌شود رشد تولید پاسخگوی تقاضای موجود در زیربخش دامپروری نباشد که در طولانی‌مدت به افزایش هزینه‌های تولیدکنندگان دام و طیور و هزینهٔ بودجه‌ای دولت می‌انجامد.

شاخص حمایت قیمتی محاسبه‌شده با نرخ ارز تعادلی (اثرکل) با قیمت ثابت سال ۱۳۸۴، نیز نشان می‌دهد در بیشتر سال‌های بررسی شده در پژوهش (۱۳۸۹-۱۳۶۰) با اجرای سیاست‌های ارزی و بخشی، ذرت‌کاران ناگزیر از پرداخت مالیات پنهان بودند و حمایت از کشاورزان با نوسان همراه بود. در سال‌های ۱۳۶۱ و ۱۳۶۶ با بیش‌برآورد ارزش ریال، با اعمال نرخ تعادلی ارز، کشاورزان حمایت شدند. یعنی با اجرانشدن سیاست‌های ارزی تولیدکنندگان ذرت در بازار این محصول حمایت بیشتری دریافت می‌کردند. در سال‌های پایانی برنامهٔ دوم توسعه با بهبود سیاست‌های بخشی و ارزی حمایت قیمتی از تولیدکنندگان روند افزایشی پیدا کرد و در سال ۱۳۸۱ با شناورسازی نرخ ارز و بیش‌برآورد ارزش ریال حمایت قیمتی از تولیدکنندگان به ۳۳۳ میلیارد ریال به قیمت ثابت سال ۱۳۸۴رسید. اما پس از آن تا سال ۱۳۸۸ حمایت قیمتی از تولیدکنندگان ذرت مثبت نبود و در برنامهٔ چهارم به

طور میانگین ۷۶۵ میلیارد ریال از تولیدکنندگان ذرت به مصرف‌کنندگان آن انتقال یافت.

حمایت درصدی از قیمت بازاری (MPS٪) بر مبنای نرخ ارز حقیقی (اثر مستقیم) در همهٔ دوره‌های جنگ و برنامه‌های توسعه، به طور میانگین منفی بود که نشان می‌دهد قیمت داخلی محصول از قیمت جهانی تعدیل‌شده با نرخ ارز حقیقی، کمتر بود. این اثر در برنامهٔ چهارم، با در نظر گرفتن سال ۱۳۸۹ که سال بدون برنامه بود، به طور متوسط ۹/۸- درصد محاسبه شد که نشان می‌دهد در پی اجرای سیاست‌های قیمتی کشاورزان ایران ۹/۸ درصد نسبت به قیمت پیش روی رقبای جهانی کمتر دریافت کردند. حمایت از ذرت‌کاران با اعمال نرخ حقیقی ارز در چهار برنامهٔ توسعه به طور میانگین روند افزایشی داشت.

بررسی اثرکل حمایت از قیمت بازاری نیز روندی مشابه اثرمستقیم را نشان می‌دهد و تعدیل قیمت جهانی با نرخ ارز تعادلی نیز بیانگر حمایت منفی از تولیدکنندگان است. یعنی حتی اگر نرخ ارز تعادلی هم برقرار بود، سیاست‌های بخشی قیمتی به گونه‌ای بود که در مقابل رقبای خارجی خود نه تنها حمایت نمی‌شدند، بلکه مالیات نیز بر آنها تحمیل می‌شد که این مسئله در کاهش قدرت رقابت‌پذیری تولیدکنندگان ذرت ایرانی بسیار مؤثر است. بر این اساس تنها در سال‌های ۱۳۶۱، ۱۳۶۶، ۱۳۸۱ و ۱۳۸۸ تولیدکنندگان ذرت با سیاست‌های بخشی و ارزی حمایت شدند. همچنین در بین دوره‌های مورد بررسی، در برنامهٔ سوم توسعه با بیش‌برآورد ارزش ریال کمترین زیان بر تولیدکنندگان ذرت تحمیل شد.

اثر غیرمستقیم نشان می‌دهد سیاست‌های ارزی تا چه اندازه تقویت‌کنندهٔ سیاست‌های بخشی در زمینهٔ قیمت محصول هستند. در سال‌هایی که نرخ حقیقی ارز بیش از نرخ ارز تعادلی است، حمایت قیمتی از تولیدکنندگان در پی اجرای سیاست ارزی مثبت است و برعکس. انحراف نرخ ارز نسبت فاصلهٔ نرخ ارز حقیقی از

تعادلی به نرخ ارز حقیقی است که به شکل درصدی بیان می‌شود. براساس جدول (۲-۴-۲-۵) در سال‌هایی که انحراف نرخ ارز بیشتر است، درصد اثرغیرمستقیم مقدار بیشتری دارد. در دورهٔ جنگ با بیش‌برآورد ارزش ریال ذرت‌کاران حمایت می‌شدند. اما در برنامهٔ اول توسعه با اجرای سیاست‌های آزادسازی نرخ ارز و کاهش ارزش پول ملی حمایت برآمده از سیاست‌های ارزی کاهش پیدا کرد و کشاورزان ناگزیر از پرداخت مالیات پنهان شدند. در سال‌های بعدی با کاهش انحراف نرخ ارز، این دو شاخص تناسب بیشتری پیدا کردند و در برنامه‌های سوم و چهارم با اجرای سیاست یکسان‌سازی نرخ ارز حمایت قیمتی از تولیدکنندگان در پی سیاست‌های ارزی به ترتیب ۷/۰۴+ و ۷/۸- درصد و انحراف نرخ ارز به ترتیب ۹/۵+ و ۹/۷۵- درصد بود. در برنامهٔ دوم نیز با وجود آن‌که تنها در سال‌های ۱۳۷۷ و ۱۳۷۸ اثرغیرمستقیم مثبت بوده است، اما میانگین این برنامه ۳/۵ درصد بود. در برنامهٔ پنجم نیز مانند برنامهٔ چهارم در پی اجرای سیاست‌های ارزی در بازار ذرت، کشاورزان ناگزیر از پرداخت مالیات خواهند بود. مقایسهٔ مقادیر مطلق اثر غیرمستقیم و اثر مستقیم در MPS٪ نشان می‌دهد در بیشتر سال‌ها اثرمستقیم بیشتر از اثر غیرمستقیم بوده است که بیانگر نقش مهم‌تر سیاست‌های خاص بخش کشاورزی در چگونگی حمایت از تولیدکنندگان ذرت در مقایسه با سیاست‌های ارزی است. انتظار می‌رود تأثیر سیاست‌های ارزی در سال‌های برنامهٔ پنجم همانند برنامهٔ چهارم توسعه در حمایت قیمتی از تولیدکنندگان افزایشی باشد. علامت‌های اثرمستقیم و اثرغیرمستقیم نشان می‌دهد در سال‌های ۷۶-۱۳۶۹ و پس از آن از سال ۱۳۸۳ تا پایان برنامهٔ چهارم، سیاست‌های ارزی هم‌جهت و تقویت‌کنندهٔ سیاست‌های بخشی و هر دو منفی بوده است. تنها در سال ۱۳۸۱ سیاست‌های ارزی و بخشی هم‌جهت و هر دو مثبت بوده‌اند. همسویی سیاست‌های ارزی و بخشی در جهت حمایت بازاری از کشاورزان به افزایش تولید ذرت و تقویت تولید زیربخش دامپروری می‌انجامد.

۲-۴-۲-۵ بررسی مقادیر حمایت کل از تولیدکنندگان ذرت طی برنامه‌های توسعه

براساس آنچه در فصل‌های پیشین بیان شد، حمایت از تولیدکنندگان، حمایت‌های بازاری(MPS) و پرداخت‌های بودجه‌ای(BP) را در برمی‌گیرد که در بخش قبل حمایت‌های بازاری از محصول ذرت تحلیل شد. پرداخت‌های بودجه‌ای اجراشده در ایران شامل یارانهٔ پرداختی به نهاده‌های کشاورزی (یارانهٔ کود شیمیایی، سموم و علف‌کش)، یارانهٔ انرژی (برق و سوخت ماشین‌آلات کشاورزی)، بیمهٔ محصولات و یارانهٔ تسهیلات است. این پرداخت‌ها کمتر به شکل پرداخت مستقیم یارانه بوده و به طور معمول به شکل سیاست‌های قیمتی و توزیع نهادهٔ ارزان‌قیمت انجام می‌پذیرد. از این رو بخش عمدهٔ حمایت بودجه‌ای از تولیدکنندگان ایرانی را حمایت‌های قیمتی در بازار نهاده در برمی‌گیرد که نرخ ارز در آن نقش چشمگیری دارد. یارانهٔ پرداختی به نهاده‌های انواع کود شیمیایی و علف‌کش براساس تفاوت قیمت داخلی و خارجی، مقدار مصرف نهاده برای محصول دیم و آبی و سطح زیرکشت با رابطهٔ زیر محاسبه می‌شود:

$$(p_w - p_d)\times Q\times A$$

که در آن p_d و p_w به ترتیب قیمت داخلی و قیمت خارجی تعدیل‌شده با نرخ ارز حقیقی یا تعادلی با افزودن هزینهٔ حمل و نقل نهاده‌ها، Q مقدار مصرف نهاده در هکتار بر حسب کیلوگرم و A سطح زیرکشت بر حسب هکتار است. یارانهٔ انرژی نیز براساس رابطهٔ بالا محاسبه‌پذیر است، با این تفاوت که به جز انرژی مصرفی برای ماشین‌آلات، باید مقدار مصرف انرژی فسیلی(نفت گاز) و برق مورد نیاز استحصال آب زیرزمینی محاسبه شود که با توجه به کمبود اطلاعات در دسترس، فرایند پیچیده‌ای برای محاسبهٔ آن دنبال شد.

جدول ۳-۴-۲-۵) حمایت بودجه‌ای از تولیدکنندگان ذرت در نرخ حقیقی ارز (میلیارد ریال- ثابت سال ۱۳۸۴) منبع: یافته‌های پژوهش

برنامه های توسعه	سال	نهاده های کود و سم	انرژی	بیمه	تسهیلات بانکی	کل حمایت بودجه ای	سهم نهاده های کود و سم(٪)	سهم انرژی(٪)
دورهٔ جنگ	۱۳۶۰	۱۲/۳۵	۳/۲۰	۰/۰۰	۰/۱٤	۱۵/٦۹	۷۸/۷۰	۲۰/٤۱
	۱۳٦۱	۱۱/۰۳	٤/۲۳	۰/۰۰	۰/۱۱	۱۵/٤۸	۷۱/۲۸	۲۷/۳٤
	۱۳٦۲	۱۳/۰۸	۵/۵۰	۰/۰۰	۰/۱۲	۱۸/۸۲	٦۹/٤۹	۲۹/۲٤
	۱۳٦۳	۱۷/۵۷	۸/۸۷	۰/۰۰	۰/۳۰	۲۷/۰۵	٦٤/۹٦	۳۲/۸۰
	۱۳٦٤	۱۷/۳٤	۱۳/۷۹	۰/۰۰	۰/۵۲	۳۲/۱٦	۵۳/۹۱	٤۲/۸۹
	۱۳٦۵	۳٤/۳۱	۳۱/۹۰	۰/۰۰	۰/٦۳	٦۷/٤۷	۵۰/۸۵	٤۷/۲۸
	۱۳٦٦	۳٦/۱۹	۷٤/۰۱	۰/۰۰	۱/۰٦	۱۱۲/۳۳	۳۲/۲۲	٦۵/۸۹
	۱۳٦۷	٤۱/٦۹	۵۹/۹۹	۰/۰۰	۰/۷۲	۱۰۳/۱۱	٤۰/٤۳	۵۸/۱۸
	میانگین	۲۲/۹۵	۲۵/۱۹	۰/۰۰	۰/٤۵	٤۹/۰۲	۵۷/۷۳	٤۰/۵۰
برنامهٔ اول توسعهٔ اقتصادی و اجتماعی	۱۳٦۸	٤٤/۷۷	۵۹/۲۳	۰/۰۰	۰/٦۳	۱۰۵/۲۸	٤۲/۵۳	۵٦/۲۷
	۱۳٦۹	۸٦/۰۱	۹۱/۰٤	۰/۰۰	۱/٦۰	۱۸۰/۲۵	٤۷/۷۲	۵۰/۵۱
	۱۳۷۰	٤۳/۹٤	۷۳/۹۸	۰/۰۰	۱/۸۳	۱۲۱/۵۸	۳٦/۱٤	٦۰/۸۵
	۱۳۷۱	۸۱/۵۲	۱٤۲/۱٦	۰/۰۰	۳/۱۹	۲۳۰/۰۵	۳۵/٤٤	٦۱/۷۹
	۱۳۷۲	۸۱/۸٤	۲۰۰/۹۰	۰/۰۰	۲/۷۸	۲۸۸/۳۰	۲۸/۳۹	٦۹/٦۸
	۱۳۷۳	۵۸/۹۰	۱۹٤/۳۵	۰/۰۰	۲/۲۹	۲۵۷/۸۳	۲۲/۸۵	۷۵/۳۸
	میانگین	٦٦/۱۷	۱۲٦/۹٤	۰/۰۰	۲/۰۵	۱۹۷/۲۱	۳۵/۵۱	٦۲/٤۱
برنامهٔ دوم توسعهٔ اقتصادی و اجتماعی	۱۳۷٤	۱۳۵/۹۰	۲۸۹/۳۷	۰/۰۰	۲/۷۹	٤۳۰/۸۵	۳۱/۵٤	٦۷/۱٦
	۱۳۷۵	۹۸/۲٦	۲٦۰/٦۷	۰/۳۳	۲/۷۳	۳٦٤/۷۲	۲٦/۹٤	۷۱/٤۷
	۱۳۷٦	۸۳/۷۵	۲۸۷/۹۳	۰/٦۳	٤/۲۳	۳۸۰/۷۸	۲۱/۹۹	۷۵/٦۲
	۱۳۷۷	۱۳۷/۷۰	۲۷۹/۸۹	۰/۵۸	۵/۰۲	٤۲۸/۲۰	۳۲/۱٦	٦۵/۳٦
	۱۳۷۸	۲۷۸/۸۱	٦۳۹/۲۹	۱/۷۵	۷/۳٤	۹۳٤/۵۲	۲۹/۸۳	٦۸/٤۱
	میانگین	۱٤٦/۸۸	۳۵۱/٤۳	۰/٦٦	٤/٤۲	۵۰۷/۸۱	۲۸/٤۹	٦۹/٦۰
برنامهٔ سوم توسعهٔ اقتصادی و اجتماعی	۱۳۷۹	۲۵۷/۳۸	٦۵۱/۱۲	۱/۷٦	۱۰/٦۸	۹۳۱/٦۲	۲۷/٦۳	٦۹/۸۹
	۱۳۸۰	۲۲۰/۳٤	٤۱۱/٤۵	۱/۲۰	۹/۷۳	٦۵۲/٤۵	۳۳/۷۷	٦۳/۰٦
	۱۳۸۱	۲۰۸/٦٦	٦۱۰/۱۰	۲/۰۳	۱۱/٦۲	۸٤٤/۰۳	۲٤/۷۲	۷۲/۲۸
	۱۳۸۲	۲۱۳/٦۸	۷٦۹/۸۹	۸/۸۱	۱۵/۳٦	۱۰۲۳/۱۰	۲۰/۸۹	۷۵/۲۵
	۱۳۸۳	۲۹۵/۱۷	۱۰۷۳/۲٦	۱۸/۳۷	۱۵/۹٤	۱٤۱۸/٦۸	۲۰/۸۱	۷۵/٦۵
	میانگین	۲۳۹/۰۵	۷۰۳/۱٦	٦/٤۳	۱۲/٦۷	۹۷۳/۹۸	۲۵/۵٦	۷۱/۲۳
برنامهٔ چهارم توسعهٔ اقتصادی و اجتماعی	۱۳۸٤	۲۳۷/۹٤	۱٤۰۲/۵۵	۱۲/۹٦	۰/۰۰	۱٦۵۳/٤٤	۱٤/۳۹	۸٤/۸۳
	۱۳۸۵	۱۸۲/۰۲	۱٤۷۰/۱۹	۵/۸۹	۰/۰۰	۱٦۵۸/۱۰	۱۰/۹۸	۸۸/٦۷
	۱۳۸٦	۱۷۱/٦۸	۱۸۰٤/۳۸	۹/٤۳	۰/۰۰	۱۹۸۵/٤۸	۸/٦۵	۹۰/۸۸
	۱۳۸۷	۲۳۲/۲۵	۹۵۲/۸٤	۲/۸۷	۰/۰۰	۱۱۸۷/۹٦	۱۹/۵۵	۸۰/۲۱
	۱۳۸۸	۱٤۳/۱٦	۸۲٦/٤۳	٦/۲۱	۰/۰۰	۹۷۵/۸۰	۱٤/٦۷	۸٤/٦۹
	۱۳۸۹	۱۸۸/۵۷	۱۱۵٦/۹٦	۱۰/٤۸	۰/۰۰	۱۳۵٦/۰۱	۱۳/۹۱	۸۵/۳۲
	میانگین	۱۹۲/٦۰	۱۲٦۸/۸۹	۷/۹۷	۰/۰۰	۱٤٦۹/٤۷	۱۳/٦۹	۸۵/۷۷
پیش بینی برنامهٔ پنجم توسعهٔ اقتصادی و اجتماعی	۱۳۹۰	۲٤۵/۰۰	۱۰۹۷/۹٤	٦/٦۸	۰/۰۰	۱۳٤۹/٦۲	۱۸/۱۵	۸۱/۳۵
	۱۳۹۱	۳٤۰/۱۳	۱۵۱۵/۱۷	٦/۸۱	۰/۰۰	۱۸٦۲/۱۱	۱۸/۲۷	۸۱/۳۷
	۱۳۹۲	۳۸۲/۲۳	۱۷۱۳/٤۱	۵/۷۲	۰/۰۰	۲۱۰۱/۳٦	۱۸/۱۹	۸۱/۵٤
	۱۳۹۳	٤۲۹/۷۰	۱۹۳۵/۷۵	۵/۳۳	۰/۰۰	۲۳۷۰/۷۹	۱۸/۱۲	۸۱/٦۵
	۱۳۹٤	۵۱۳/٤۷	۲۳۳۵/۵۲	٤/۷٤	۰/۰۰	۲۸۵۳/۷۳	۱۷/۹۹	۸۱/۸٤
	میانگین	۳۸۲/۱۱	۱۷۱۹/۵٦	۵/۸٦	۰/۰۰	۲۱۰۷/۵۲	۱۸/۱۵	۸۱/۵۵

تسهیلات اعطایی بانک‌ها نیز تا پیش از سال ۱۳۸۴ و یکسان‌سازی نرخ سود تسهیلات بخش‌های مختلف اقتصاد، به صورت تسهیلات ارزان‌قیمت به کشاورزان پرداخت می‌شد که در محاسبات از تفاوت نرخ سود بخش کشاورزی و میانگین وزنی نرخ سود دیگر بخش‌های اقتصادی استفاده شده است.

نتایج محاسبهٔ این پرداخت‌ها با توجه به آنچه در بخش‌های قبل بیان شد، در جدول (۳-۴-۲-۵) آمده است. براساس آن حمایت‌های بودجه‌ای در قیمت‌های ثابت سال ۱۳۸۴ از ۱۵ میلیارد ریال در سال ۱۳۶۰، به ۱۳۵۶ میلیارد ریال در سال ۱۳۸۹ افزایش پیدا کرده است که بخش زیادی از آن به دلیل افزایش تولید ذرت در این سه دهه است. حمایت از نهاده‌های انواع کود و سموم شیمیایی و انرژی بیشترین سهم حمایت‌های بودجه‌ای را شامل می‌شوند. در سال‌های جنگ، سهم حمایت از کود و سموم شیمیایی بیشتر بود و در سال‌های بعد، سهم یارانهٔ انرژی بیشتر شده و تا ۹۰ درصد در سال ۱۳۸۶رسید. بنابراین، به طور میانگین این حمایت‌ها در همهٔ برنامه‌ها بخش عمدهٔ پرداخت‌های بودجه‌ای را در برگرفته است که تفاوت قیمت داخلی و خارجی انرژی و افزایش استفاده از آب‌های زیرزمینی و توسعهٔ ماشین‌آلات از دلایل آن است.

حمایت به شکل تسهیلات بانکی همیشه افزایشی بود و در برنامهٔ سوم توسعه بیشترین افزایش را داشت و به طور میانگین ۱۲/۶ میلیارد ریال به قیمت‌های ثابت سال ۱۳۸۴ بر اثر تفاوت نرخ سود تسهیلات پرداختی به بخش کشاورزی و بخش‌های اقتصادی دیگر به ذرت‌کاران پرداخت شد. در برنامهٔ چهارم توسعه با اجرای سیاست یکسان‌سازی نرخ سود در بخش‌های اقتصادی حمایت از بخش کشاورزی از راه پرداخت تسهیلات بانکی برابر با صفر شد. روند پرداخت سهم دولت در بیمهٔ محصول ذرت نیز پس از آغاز در سال ۱۳۷۵، تا پایان برنامهٔ سوم افزایشی بود، اما در برنامهٔ چهارم با نوسان همراه بود و پیش‌بینی می‌شود در برنامهٔ پنجم

روندی کاهشی را دنبال کند. شایان ذکر است در برنامهٔ چهارم توسعه با ۷/۹ میلیارد ریال به قیمت‌های ثابت سال ۱۳۸۴ ذرت‌کاران یارانهٔ بیمه دریافت کردند.

همان‌طور که در نمودار (۲-۴-۲-۵) مشاهده می‌شود، پرداخت‌های بودجه‌ای در قیمت‌های ثابت سال ۱۳۸۴ تا پایان برنامهٔ دوم توسعه روند افزایشی داشت. پس از آن و در پی کاهش دخالت دولت در بازار ذرت و اجرای طرح‌های ترویجی توسعهٔ کشت ذرت، با رشد سطح زیرکشت، از سال ۱۳۸۱ پرداخت‌های بودجه‌ای رشد فزاینده‌ای پیدا کرد. در برنامهٔ چهارم پس از یک افت به دلیل کاهش سطح زیرکشت و عملکرد در هکتار در سال‌های ۱۳۸۷ و ۱۳۸۸، افزایش حمایت‌های بودجه‌ای دولت از ذرت‌کاران ادامه پیدا کرد.

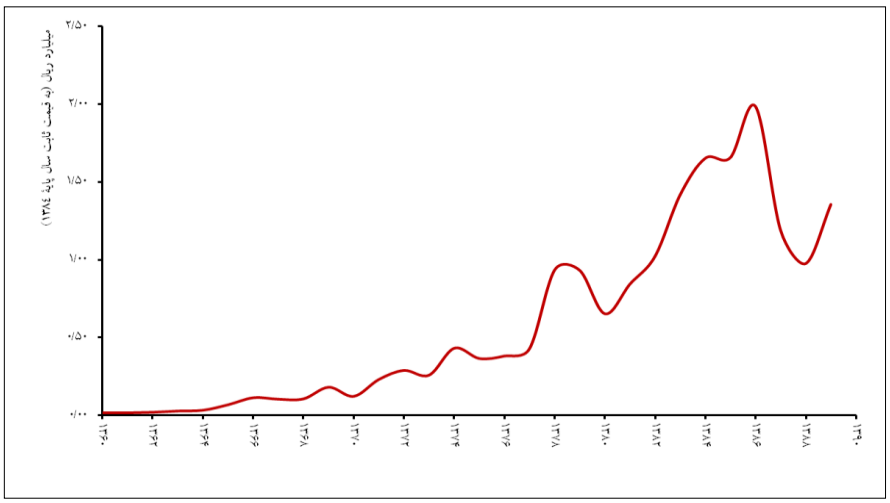

نمودار ۲-۴-۲-۵) نمودار روند پرداخت‌های بودجه‌ای دولت‌ها طی برنامه‌های مختلف توسعه

پس از بررسی اجزای حمایت از تولیدکننده، یعنی حمایت قیمتی و پرداخت‌های بودجه‌ای، در جدول (۴-۴-۲-۵) نتایج محاسبهٔ شاخص‌های حمایت از تولیدکننده آمده است. در این جدول نیز مانند جدول (۲-۴-۲-۵) انحراف نرخ ارز حقیقی از تعادلی در کنار شاخص‌های حمایت از تولیدکنندگان (PSE) در برنامه‌های توسعهٔ

ایران بررسی می‌شود. میانگین انحراف نرخ ارز در دورهٔ جنگ و برنامه‌های دوم و سوم توسعه مثبت بوده است و بیش‌برآورد ارزش حقیقی ریال نسبت به ارزش تعادلی آن را نشان می‌دهد.

یکی از اهداف این پژوهش، بررسی اثر سیاست‌های ارزی و انحراف نرخ ارز بر مقادیر شاخص‌های حمایت از تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان (٪PSE، ٪MPS و ٪CSE) است که اثرهای مستقیم، کل و غیرمستقیم محاسبه می‌شود. همان‌طور که در بخش‌های پیش بیان شد، اثر مستقیم بیانگر وضعیت موجود حمایت از تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان ذرت بر اثر سیاست‌های در حال اجرای بخش کشاورزی و ارزی است. اثر کل، حمایت از آنان را در شرایط اعمال نرخ ارز تعادلی برآمده از متغیرهای کلان اقتصادی در بلندمدت نشان می‌دهد. اثرغیرمستقیم حمایت از تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان را در دو نظام ارزی حقیقی و تعادلی مقایسه می‌کند و نشان‌دهندهٔ اثر سیاست‌های ارزی در چگونگی رقابت‌پذیری بلندمدت تولیدکنندگان ذرت نسبت به رقبای جهانی است. اگر این شاخص مثبت باشد به این معنی است که سیاست‌های ارزی رقابت‌پذیری بلندمدت ذرت‌کاران ایرانی را افزوده است و برعکس.

شاخص برآورد حمایت از تولیدکننده (PSE) که مجموع حمایت از قیمت بازاری(MPS) و حمایت‌های بودجه‌ای(BP) را نشان می‌دهد، بیانگر آن است که سیاست‌های حمایتی به سمت حمایت از تولید و تولیدکننده تغییر یافته است، به طوری که میانگین حمایت‌ها در دوران جنگ، برنامه‌های اول و دوم توسعه منفی بوده است، اما در برنامه‌های سوم تا پنجم در پی افزایش حمایت‌های بودجه‌ای مثبت بوده است. در برنامه‌های اول و دوم توسعه با وجود نوسان، مالیات پنهان تحمیل‌شده به کشاورزان در پی اجرای سیاست‌های ارزی و بخشی افزایشی بوده و کشاورزان در

برنامهٔ دوم سالانه به طور میانگین ۱۲۱۹ میلیارد ریال به قیمت ثابت سال ۱۳۸۴ زیان پرداخت کرده‌اند. از سال ۱۳۷۶ با بهبود حمایت‌های قیمتی، حمایت از تولیدکنندگان روند افزایشی پیدا کرد و در برنامهٔ سوم توسعه با افزایش حمایت‌های بودجه‌ای، به‌ویژه یارانهٔ انرژی و انواع کود و سموم شیمیایی در پی کاهش ارزش پول ملی در نتیجهٔ اجرای سیاست یکسان‌سازی نرخ ارز و افزایش قیمت‌های جهانی، تولیدکنندگان ۳۳۳ میلیارد ریال به قیمت ثابت سال ۱۳۸۴ بیشتر از رقابت در بازار جهانی دریافت کردند. در برنامهٔ چهارم نیز با ادامهٔ افزایش شکاف قیمت داخلی و خارجی انرژی و تولید حمایت از کشاورزان افزایش چشگیری پیدا کرد. مشاهدهٔ روند رشد تولید از سال ۱۳۷۶ در جدول (۱-۴-۲-۵) بیانگر اثرگذاری سیاست‌های حمایتی بر رفتار تولیدکنندگان ذرت است. مقایسهٔ نتایج جدول‌های (۴-۴-۲-۵)، (۳-۴-۲-۵) و (۲-۴-۲-۵) نشان می‌دهد در سال‌هایی که حمایت از تولیدکنندگان ذرت مثبت است سهم حمایت‌های بودجه‌ای در کل حمایت از تولیدکننده بیشتر از حمایت‌های قیمتی است. با وجود پرداخت‌های بودجه‌ای در دورهٔ جنگ و برنامه‌های اول و دوم توسعه، حمایت کل از تولیدکننده (PSE) هم‌علامت با حمایت‌های قیمتی، منفی بوده است. در دو برنامهٔ سوم و چهارم با حمایت قیمتی منفی با مقدار مطلق کمتر نسبت به حمایت بودجه‌ای، علامت شاخص PSE مثبت است، زیرا با افزایش تفاوت قیمت سوخت در داخل کشور با قیمت جهانی و کاهش ارزش پول ملی، سهم حمایت‌های بودجه‌ای نسبت به حمایت قیمتی بیشتر شده است. در مجموع حمایت از تولیدکنندگان در سال‌های نخستین بررسی، بیشتر تحت تأثیر حمایت‌های قیمتی و در سال‌های بعدی تحت تأثیر حمایت‌های بودجه‌ای بوده است که نشان می‌دهد حمایت‌های بودجه‌ای بیشتر از خرید تضمینی و دخالت دولت در بازار محصول، حمایت‌کنندهٔ ذرت‌کاران بوده است.

جدول ۴-۴-۲-۵ شاخص‌های حمایت از تولیدکنندگان ذرت

برنامه های توسعه	درصد انحراف نرخ ارز	سال	ارزش اثرمستقیم به قیمت ثابت سال ۱۳۸۴ (میلیارد ریال)	ارزش اثر کل به قیمت ثابت سال ۱۳۸۴ (میلیارد ریال)	%PSE اثر مستقیم	%PSE اثر غیرمستقیم	%PSE اثر کل
دورهٔ جنگ	۲۶/۸۱	۱۳۶۰	-۱۸	-٤	-۱۹/٤۹	۱٤/۲۳	-٥/۲٦
	۳۸/۹۰	۱۳٦۱	-۷	۱۱	-۷/٥٦	۲٤/٦۷	۱۷/۱۱
	۳۸/٦۷	۱۳٦۲	-۲۷	-۱۰	-۲۹/۳٦	۱٤/۳٥	-۱٥/۰۰
	٤۷/٦۸	۱۳٦۳	-۷۱	-۳٥	-٤٥/۹۳	۱۳/۳۲	-۳۲/٦۱
	-۱۳/۱٦	۱۳٦٤	-٦٦	-۹٦	-۳۷/۳۳	-۹/۹۰	-٤۷/۲۳
	-۲/۷۱	۱۳٦٥	-۲۱	-٤۳	-۷/٦٤	-۷/۸۸	-۱٥/٥۱
	۷٥/۷۲	۱۳٦٦	-٤۱	۸٦	-۸/۳٥	۳۷/۷٦	۲۹/٤۱
	۸۹/۸۷	۱۳٦۷	-۲٦۷	-۳۳	-۳۹/۹٦	۳۱/۲۰	-۸/۷٦
	۳۷/۷۲	میانگین	-٦٥	-۱٥	-۲٤/٤٥	۱٤/۷۲	-۹/۷۳
برنامهٔ اول توسعهٔ اقتصادی و اجتماعی	٥۰/٦۲	۱۳٦۸	-۱۷۰	-۷۰	-۳٤/۹۱	۱٤/۰٦	-۲۰/۸٥
	-٤/۳۰	۱۳٦۹	-۸۷	-۱٤۷	-۱۹/۳٥	-۱۲/۰۲	-۳۱/۳۸
	-۱۰/۸٤	۱۳۷۰	-۳٤۸	-٤٥٦	-٤۳/۸۲	-۷/۷٦	-٥۱/٥۷
	-٤۷/۰۳	۱۳۷۱	-٦٦٥	-۱۸۲۱	-٤۳/۹۲	-۲۲/۱٦	-٦٦/۰۸
	-٥۱/٤۱	۱۳۷۲	-۱۳۳۱	-٤۲٤۷	-٤۳/۳۰	-۲٦/۰۳	-٦۹/۳۳
	-٤۱/۲۹	۱۳۷۳	-۱۰۷۹	-۲٤۷۸	-٤۸/۸۰	-۱۸/۹٤	-٦۷/۷٤
	-۱۷/۳۸	میانگین	-٦۱۳	-۱٥۳۷	-۳۹/۰۲	-۱۲/۱٤	-٥۱/۱٦
برنامهٔ دوم توسعهٔ اقتصادی و اجتماعی	-۳۱/۹۷	۱۳۷٤	-۱٥۳۸	-۲۸۲۹	-٥۲/۰۸	-۱٤/۱۲	-٦٦/۲۰
	-۱٦/۱۸	۱۳۷٥	-۲۳۹۱	-۳۱۳۸	-٦۳/۱۹	-٦/۸٤	-۷۰/۰۳
	-۰/۸۹	۱۳۷٦	-۹٦٦	-۱۰۹٥	-۳۸/۰۷	-٤/۷٥	-٤۲/۸۲
	۳۳/۱٥	۱۳۷۷	-۹۰٥	-٤۸۲	-۳۳/٥۲	۱۰/۳٥	-۲۳/۱۷
	۲۹/۱۰	۱۳۷۸	-۲۹۲	۳٦	-۸/۲۷	۹/٥٦	۱/۲۹
	۲/٦٤	میانگین	-۱۲۱۸	-۱٥۰۲	-۳۹/۰۳	-۱/۱٦	-٤۰/۱۹
برنامهٔ سوم توسعهٔ اقتصادی و اجتماعی	۱٦/۹٦	۱۳۷۹	۲۸۲	۲٦٤	۱۱/۰٥	۰/۸۷	۱۱/۹۲
	۱٦/٥٤	۱۳۸۰	٤٦	۱۰۹	۲/۰٤	۳/٥۱	٥/٥٥
	۱۲/۹۹	۱۳۸۱	۹٥۷	۸۹٤	٤۳/٦٦	۱/٦۸	٤٥/۳۳
	۳/۸٥	۱۳۸۲	٥۲۹	۳٤٦	۱۷/۱٦	-٥/٥٦	۱۱/٦۰
	-۲/۷۹	۱۳۸۳	-۱٤۷	-٥٦٥	-۳/۳۷	-۹/۲٦	-۱۲/٦۳
	۹/٥۱	میانگین	۳۳۳	۲۱۰	۱٤/۱۱	-۱/۷٥	۱۲/۳٥
برنامهٔ چهارم توسعهٔ اقتصادی و اجتماعی	-٦/۱۸	۱۳۸٤	۹۸۱	٤۲٥	۲۷/٤٥	-۱٦/۲۱	۱۱/۲٤
	-۱۰/۷۰	۱۳۸٥	۱۳٥٦	۷۰۳	۳۸/۹۹	-۲۰/۷۱	۱۸/۲۸
	-۱۳/۰۹	۱۳۸٦	۱٤۸٥	٥۸٤	۳۲/٥٦	-۲۱/۲۸	۱۱/۲۸
	-۷/۷٤	۱۳۸۷	-۹٤	-٥۸۰	-۲/٤۷	-۱۱/٦٤	-۱٤/۱۱
	-۳/۳۲	۱۳۸۸	۱۲٤۹	۹۹٤	٦۷/۹٦	-۱٥/٤٤	٥۲/٥۲
	-۱۷/٤٥	۱۳۸۹	۱۳۰۲	۷۳٤	٤٥/٤۱	-۲۳/۷٦	۲۱/٦٥
	-۹/۷٥	میانگین	۱۰٤۷	٤۷۷	۳٤/۹۸	-۱۸/۱۷	۱٦/۸۱
پیش نویس برنامهٔ پنجم توسعهٔ اقتصادی و اجتماعی	-۱۹/۲۲	۱۳۹۰	۱۳۸۹	۹۲٤	٥۲/۷۷	-۲۳/٤۱	۲۹/۳٦
	-۲۱/۱٤	۱۳۹۱	۱۱۳۱	٥۰۳	۳٤/۳٤	-۲۱/۹٤	۱۲/٤۰
	-۲۳/۰۷	۱۳۹۲	۱۲۲٥	٥٦۰	۳٥/٥٦	-۲۲/٦٦	۱۲/۸۹
	-۲٤/۹۸	۱۳۹۳	۱۳۲۷	٦۳۲	۳٦/٦٦	-۲۳/۱۷	۱۳/٤۹
	-۲۲/۰۹	۱۳۹٤	۱۳۹۹	۷۲۰	۳٤/٦۳	-۲۰/٤۱	۱٤/۲۲
	-۲۲/۱۰	میانگین	۱۲۹٤	٦٦۸	۳۸/۷۹	-۲۲/۳۲	۱٦/٤۷

منبع: یافته‌های پژوهش

در جدول (۴-۴-۲-۵) شاخص حمایت از تولیدکنندگان براساس نرخ ارز تعادلی(اثرکل) روندی مشابه اثرمستقیم داشته است که تا سال پایانی برنامهٔ دوم توسعه به جز سال‌های ۱۳۶۱ و ۱۳۶۶، همواره منفی بوده است و از سال ۱۳۷۸، در برنامه‌های سوم و چهارم توسعه به جز سال‌های ۱۳۸۳ و ۱۳۸۷، با توسعهٔ حمایت-های بودجه‌ای مثبت شده است. بیشترین حمایت‌ها با نرخ تعادلی ارز در سال‌های ۱۳۸۱ و ۱۳۸۸ صورت پذیرفته است. در سال ۱۳۸۱ با اجرای سیاست شناوری‌سازی مدیریت‌شدهٔ نرخ ارز ذرت‌کاران ۸۹۴ میلیارد ریال به قیمت‌های ثابت سال ۱۳۸۴ حمایت دریافت کرده‌اند و در سال ۱۳۸۸ با بیشتر پیش‌بینی کردن قیمت ذرت توسط شورای قیمت‌گذاری به دلیل افزایش چشمگیر قیمت غلات در سال ۱۳۸۷ و انتظار ادامهٔ این روند، کشاورزان ایرانی ۹۹۴ میلیارد ریال به قیمت‌های سال ثابت ۱۳۸۴ بیشتر از خرید نهاده و فروش محصول در بازار جهانی درآمد به‌دست آورده‌اند. پیش‌بینی می‌شود در برنامهٔ پنجم نیز با وجود اجرای قانون هدفمندسازی یارانه‌ها حمایت از ذرت‌کاران افزایشی باشد.

همان‌طور که بیان شد، در ارزیابی سیاست‌های حمایتی از تولیدکنندگان، شاخص حمایت درصدی از تولیدکننده (PSE٪) مهم‌تر از شاخص برآورد حمایت از تولیدکننده (PSE) است؛ زیرا مقایسهٔ بهتری از حمایت را در طول زمان، بین کشورها و همچنین کالاهای مختلف، امکان‌پذیر می‌سازد. نتایج محاسبهٔ این شاخص با رهیافت تجارت‌محور[1] در جدول (۴-۴-۲-۵) مشاهده می‌شود. میانگین ۲۴/۴- درصد شاخص PSE٪ که با رهیافت تجارت‌محور و نرخ حقیقی ارز برای دورهٔ جنگ محاسبه شده است، نشان می‌دهد مقدار دریافتی تولیدکننده ۲۴/۴ درصد از آنچه می‌توانست با فروش محصولش با قیمت جهانی به دست آورد، کمتر بوده است. به بیان دیگر، سیاست‌های حمایتی در این دوره موجب شده است تولیدکننده ۲۴/۴٪ از

[1] . Trade Economist’s Denominator

درآمدی را که در شرایط بدون چنین سیاست‌هایی می‌توانست به دست آورد به شکل نوعی مالیات پنهان از دست بدهد. میانگین این شاخص با نرخ ارز حقیقی در برنامهٔ چهارم توسعه ۳۴/۹ درصد برآورد شده است؛ یعنی در طول این برنامه به اندازهٔ ۳۴/۹ درصد از درآمدی که در صورت فروش محصول با قیمت جهانی به دست می‌آورد، حمایت شده است. در این برنامه سیاست‌های حمایتی موجب حمایت مثبت از تولیدکننده شده و دریافتی او را نسبت به بازار جهانی افزایش داده است که می‌تواند به افزایش توان رقابتی تولیدکنندگان و توسعهٔ تولید و در نتیجه تقویت صنعت دام و طیور کشور بینجامد. در دورهٔ جنگ به علت اهمیت ذرت در تأمین پروتئین داخلی، سیاست‌ها به منظور کمتر نگه داشتن قیمت داخلی آن بود و کشاورزان ناگزیر از پرداخت مالیات پنهان زیادی بودند؛ این شرایط در برنامه‌های اول و دوم توسعه به دلیل اجرای سیاست‌های آزادسازی و کاهش ارزش ریال ادامه داشت. رشد حمایت‌های بودجه‌ای در برنامهٔ سوم تا حدی بود که اثر منفی سیاست‌های قیمتی را خنثی کرد و حمایت از ذرت‌کاران به طور میانگین مثبت بود. اما بیشترین مقدار اثر مستقیم و تأثیر سیاست‌های بخشی در حمایت از تولیدکنندگان ذرت در برنامهٔ چهارم انجام پذیرفت و پیش‌بینی می‌شود این حمایت‌ها در برنامهٔ پنجم افزایش یابد. در سال ۱۳۸۸، دریافتی برآمده از سیاست‌های حمایتی بخشی کشاورزان ۶۷٪ از ارزش تولید برحسب قیمت جهانی تعدیل شده با نرخ ارز حقیقی بوده است که بیشترین حمایت در طول ۳۰ سال است. یعنی در این سال حمایت‌های قیمتی و بودجه‌ای به طور همزمان موجب شدند کشاورزان بیش از دو سوم درآمد خود در بازار جهانی، حمایت دریافت کنند که در افزایش قدرت رقابت‌پذیری آنان و توسعهٔ کشت مؤثر است.

همان‌طور که در بخش‌های پیش بیان شد، اثر کل نشان‌دهندهٔ حمایت از کشاورزان را در شرایط اعمال نرخ ارز تعادلی برآمده از متغیرهای کلان اقتصادی در

بلندمدت است. میانگین اثر کل که مجموع اثر سیاست‌های بخشی و کلان اقتصادی(سیاست‌های ارزی) در حمایت از تولیدکنندگان ذرت را نشان می‌دهد، در دورهٔ جنگ، برنامه‌های اول و دوم منفی و در برنامه‌های سوم تا پنجم مثبت ارزیابی شده است که علت آن افزایش سهم پرداخت‌های بودجه‌ای دولت از کل حمایت‌ها و بهبود حمایت‌های قیمتی و اجرای سیاست‌های ارزی است. در دورهٔ جنگ با بیش‌برآورد ارزش ریال و اجرای سیاست‌های تثبیتی حمایت از تولیدکنندگان ذرت به طور میانگین ۹/۷- درصد بود. اما در برنامهٔ اول توسعه با کاهش شدید ارزش ریال در پی اجرای سیاست‌های آزادسازی، کشاورزان ناگزیر از پرداخت حدود نیمی از درآمد خود در بازار جهانی به شکل مالیات پنهان شدند. در برنامهٔ سوم با بیش‌برآورد ارزش ریال و بهبود حمایت‌های قیمتی و بودجه‌ای ذرت‌کاران حمایت شدند و در سال اجرای سیاست یکسان‌سازی نرخ ارز (۱۳۸۱) با اثرگذاری متغیرهای بنیادین اقتصاد ایران ۴۵ درصد از درآمد خود در صورت فروش محصول در بازار جهانی، حمایت دریافت کردند. مقدار منفی اثر کل و اثرمستقیم در سال ۱۳۸۷ به دلیل افزایش قیمت جهانی و در نتیجه کاهش زیاد حمایت قیمتی است که نشان‌دهندهٔ آسیب‌پذیری کشاورزان ایرانی در مقابل تغییرات بازار جهانی است.

میانگین اثر غیرمستقیم PSE٪ که اثر سیاست‌های ارزی بر مقدار حمایت از تولیدکنندگان ذرت را نشان می‌دهد، تنها در دورهٔ جنگ مثبت بود. در این دوره با بیش‌برآورد ارزش ریال ۲۴ درصد بر درآمد کشاورزان افزوده شد. در برنامهٔ اول توسعه با کم‌برآورد ارزش ریال کشاورزان در پی اجرای سیاست‌های ارزی زیان کردند. در برنامهٔ سوم توسعه بیش‌برآورد ارزش ریال، به طور متوسط موجب حمایت از تولیدکنندگان نشده است. به علت اثرگذاری معکوس انحراف نرخ ارز در محاسبهٔ

پرداخت‌های بودجه‌ای[1] و خنثی کردن اثر حمایت‌های قیمتی، علامت اثرغیرمستقیم با انحراف نرخ ارز همیشه یکسان نیست و براساس مقدار اثرگذاری سیاست‌های ارزی بر حمایت‌های قیمتی و بودجه‌ای علامت آن تغییر می‌کند. همان‌طور که در سال ۱۳۸۲ با وجود بیش برآورد ارزش ریال، اثر غیرمستقیم ۵/۵- درصد است. تا پیش از برنامهٔ چهارم توسعه با وجود انحراف زیاد نرخ ارز اثر غیرمستقیم کمتر بود، اما در این برنامه با کاهش انحراف ارزی این اثر افزایش پیدا کرد که نشان می‌دهد سیاست‌های ارزی در برنامهٔ چهارم اثرگذارتر بودند. در دورهٔ جنگ و برنامه‌های سوم و چهارم توسعه، سیاست‌های ارزی و بخشی خلاف جهت یکدیگر بودند، به‌طوری که مقادیر مثبت اثر غیرمستقیم در دورهٔ جنگ موجب کاهش اثر منفی سیاست‌های خاص بخش کشاورزی در حمایت از تولیدکنندگان ذرت در این دوره شد و در برنامه‌های سوم و چهارم توسعه اثر منفی سیاست‌های ارزی، اثر مثبت سیاست‌های بخشی را در حمایت از تولیدکنندگان تضعیف کرد. در دیگر برنامه‌های توسعه، سیاست‌های ارزی و بخشی همسو بوده است. به طوری که در برنامه‌های اول و دوم توسعه، اثر منفی سیاست‌های ارزی، حمایت‌های منفی از تولیدکنندگان محصول ذرت را تقویت کرد. در بیشتر سال‌های دورهٔ بررسی‌شده مقادیر مطلق اثرمستقیم بیشتر از اثر غیرمستقیم بود. به بیان دیگر، در مجموع کل حمایت از تولیدکنندگان ذرت بر حسب علامت شاخص، سیاست‌های ارزی تقویت یا تضعیف‌کنندهٔ سیاست‌های بخشی و نقش سیاست‌های بخشی در اندازهٔ اثر کل، بیشتر از سیاست‌های ارزی بود که اهمیت بیشتر سیاست‌های بخشی را در حمایت از ذرت‌کاران آشکار می‌کند.

---

[1]- کشاورزان در محاسبهٔ حمایت‌های بودجه‌ای نهاده‌های انواع کود و سموم شیمیایی و انرژی که از آنها حمایت قیمتی انجام می‌پذیرد، مصرف‌کننده به‌شمار می‌روند. از این رو، با انحراف مثبت نرخ ارز تفاوت حمایت بودجه‌ای محاسبه‌شده با نرخ ارز تعادلی و حقیقی، منفی و با کم‌برآورد ارزش ریال اثر غیرمستقیم حمایت بودجه‌ای مثبت است.

۳-۴-۲-۵ بررسی مقادیر حمایت از مصرف‌کنندگان ذرت طی برنامه‌های توسعه

شاخص حمایت از مصرف‌کنندگان نشان‌دهندهٔ انتقال‌های قیمتی از مصرف‌کنندگان به تولیدکنندگان، مالیات‌دهندگان به مصرف‌کنندگان و دیگر انتقال‌ها به مصرف‌کنندگان است که در محاسبهٔ این شاخص برای محصول ذرت، از آنجا که پرداخت مستقیمی به مصرف‌کنندگان از راه بودجهٔ سالانهٔ دولت(مالیات-دهندگان) صورت نمی‌پذیرد، تنها انتقال از مصرف‌کنندگان به تولیدکنندگان و واردکنندگان به مصرف‌کنندگان در محاسبه به کار گرفته شده است. از این رو، براساس روابط فصل سوم در مورد محاسبهٔ CSE، مقدار شاخص درصدی آن برابر با شاخص درصد حمایت از قیمت بازاری تولیدکنندگان و علامت آن قرینهٔ MPS٪ است که نشان‌دهندهٔ حمایت بازاری از مصرف‌کنندگان است. در جدول (۶-۴-۲-۵) مقادیر شاخص حمایت مصرف‌کنندگان ذرت (CSE) طی دورهٔ مورد بررسی (۸۹-۱۳۶۰) گزارش شده است.

همان‌طور که پیش از این مشاهده شد، انحراف نرخ ارز تا سال ۱۳۶۸ به جز دو سال مثبت بود و پس از آن با اجرای سیاست‌های آزادسازی تا سال ۱۳۷۶ نرخ واقعی ریال کمتر از نرخ تعادلی آن برآورد شد. از این سال با بیش‌برآورد ارزش ریال، انحراف نرخ ارز روند کاهشی پیدا کرد و در سال ۱۳۸۳ با کاهش چشمگیر ارزش تعادلی پول ملی نسبت به ارزش حقیقی آن، انحراف نرخ ارز منفی شد. همچنین پیش‌بینی می‌شود روند کم‌برآورد ارزش حقیقی ریال در برنامهٔ پنجم توسعه نیز ادامه پیدا کند.

بررسی ارزش حمایت مستقیم از مصرف‌کنندگان ذرت برحسب قیمت‌های ثابت سال ۱۳۸۴ در جدول (۶-۴-۲-۵)، بیانگر آن است که حمایت از مصرف‌کنندگان نوسانی بوده است و در سال‌های نخست روند افزایشی داشته است. به طوری که در

سال ۱۳۷۵ بیش از ۶۱۰۰ میلیارد ریال به قیمت ثابت سال ۱۳۸۴ به مصرف‌کنندگان ذرت که بزرگ‌ترین گروه آنها، تولیدکنندگان زیربخش دامپروری هستند یارانهٔ غیرمستقیم پرداخت شد. پس از آن با کاهش دخالت شرکت پشتیبانی امور دام در بازار ذرت حمایت از مصرف‌کنندگان روند کاهشی پیدا کرد و در سال ۱۳۸۱ با اجرای سیاست تک‌نرخی شدن ارز حمایت از آنان انجام نپذیرفت و ناگزیر از پرداخت ۲۰۶ میلیارد ریال - به قیمت ثابت سال ۱۳۸۴ - مالیات پنهان شدند. در برنامهٔ چهارم توسعه نوسان حمایت از مصرف‌کنندگان افزایش پیدا کرد، اما تنها در سال بعد از افزایش قیمت جهانی غلات(۱۳۸۸) منفی بود. وجود نوسان با افزایش ریسک مصرف‌کنندگان، که دربارهٔ این محصول، تولیدکنندگان زیربخش دامپروری هستند، به کاهش رقابت‌پذیری و تولید محصولات دامی می‌انجامد.

حمایت از مصرف‌کنندگان برحسب نرخ ارز تعادلی نیز روندی مشابه داشت و جز سال‌های ۱۳۶۱، ۱۳۶۶، ۱۳۸۱ و ۱۳۸۸، در تمام سال‌ها مثبت بود. در برنامهٔ اول توسعه کم‌برآورد ارزش ریال و کم نگه‌داشتن قیمت داخلی نسبت به قیمت جهانی، موجب بیشترین حمایت از مصرف‌کنندگان ذرت شد. در برنامهٔ سوم توسعه با وجود افزایش مصرف ذرت، با کاهش تفاوت قیمت داخلی و جهانی و اجرای سیاست‌های ارزی حمایت از مصرف‌کنندگان به طور میانگین ۹۸۱ میلیارد ریال به قیمت ثابت سال ۱۳۸۴ بود که کمترین حمایت در بین برنامه‌های توسعه است و نشان می‌دهد نرخ ارز تعادلی در این برنامه حمایت کمتری را برای مصرف‌کنندگان در برداشته است.

درصد حمایت از مصرف‌کنندگان(CSE٪) با نرخ ارز حقیقی، بیان می‌کند حمایت از مصرف‌کنندگان ذرت در دورهٔ جنگ ۴۳ درصد از پرداختی مصرف‌کنندگان را برحسب قیمت‌های تعدیل‌شدهٔ جهانی شامل شده است. یعنی در شرایط کنونی با اجرای سیاست‌های قیمتی، مصرف‌کنندگان، به اندازهٔ ۴۳ درصد آنچه (در صورتی که

بازار آزاد باشد) باید می‌پرداختند، حمایت دریافت کرده‌اند. در حقیقت ۴۳ درصد نسبت به آنچه می‌بایست می‌پرداختند، کمتر پرداخت کرده‌اند. درصد حمایت‌ها در برنامهٔ چهارم به کمترین مقدار رسیده و مصرف‌کنندگان ذرت ۹/۸ درصد از آنچه در بازار جهانی باید می‌پرداختند کمتر پرداخت کرده‌اند که این موضوع با تأثیر بر هزینه‌های بخش دام و طیور، تولید این بخش را تحت تأثیر قرار می‌دهد.

براساس نتایج جدول (۶-۴-۲-۵) اثر کل روند مشابهی با اثر مستقیم دارد و چگونگی حمایت از مصرف‌کنندگان ذرت را با برقراری نرخ ارز تعادلی بلندمدت اقتصاد ایران نشان می‌دهد. در برنامهٔ سوم توسعه که با اجرای سیاست یکسان‌سازی نرخ ارز همزمان است، حمایت از مصرف‌کنندگان ذرت براساس این شاخص کمترین مقدار را داشت، به طوری که مصرف‌کنندگان ذرت با برقراری سیاست‌های ارزی و بخشی ۱۲/۷ درصد از آنچه در شرایطی که هیچ سیاست ارزی و بخشی اجرا نشود، کمتر پرداخته‌اند. در برنامهٔ چهارم با رشد بیشتر قیمت‌های جهانی نسبت به قیمت-های داخلی ذرت و کم‌برآورد ارزش ریال، حمایت از مصرف‌کنندگان افزایش پیدا کرد و به ۱۷/۶ درصد رسید.

علامت اثرغیرمستقیم دربارهٔ مصرف‌کنندگان، عکس علامت انحراف نرخ ارز است، یعنی با کم برآورد ارزش ریال(انحراف منفی)، مصرف‌کنندگان حمایت می‌شوند و برعکس. به عبارت دیگر، چگونگی حمایت از مصرف‌کنندگان را هنگامی که سیاست ارزی برقرار است نسبت به وقتی که سیاست ارزی اجرا نمی‌شود، نشان می‌دهد. در دورهٔ جنگ و برنامه‌های دوم و سوم توسعه سیاست‌های ارزی تضعیف‌کنندهٔ سیاست‌های بخشی بود و با اجرای سیاست ارزی، مصرف‌کنندگان ذرت حمایت نشدند. در حالی‌که در دیگر برنامه‌ها با اجرای سیاست ارزی کم‌برآورد ارزش ریال، مصرف‌کنندگان ذرت نسبت به شرایطی که سیاست ارزی برقرار نباشد، حمایت شدند.

جدول ۶-۴-۲-۵) شاخص‌های حمایت از مصرف‌کنندگان ذرت

برنامه های توسعه	درصد انحراف نرخ ارز	سال	ارزش اثرمستقیم به قیمت ثابت سال ۱۳۸٤ (میلیارد ریال)	ارزش اثر کل به قیمت ثابت سال ۱۳۸٤	%CSE اثر مستقیم	%CSE اثر غیرمستقیم	%CSE اثر کل
دورهٔ جنگی	۲٦/۸۱	۱۳٦۰	۱٤۰۷	٦۳۲	۳٦/۸۱	-۱٦/۰۷	۲۰/۷٤
	۳۸/۹۰	۱۳٦۱	٦٤٦	-٤٤	۲٤/۹۱	-۲۷/۲۳	-۲/۳۲
	۳۸/٦۷	۱۳٦۲	۲۰٦۲	۹٦۸	۵۰/۱۵	-۱۸/۰۸	۳۲/۰٦
	٤۷/٦۸	۱۳٦۳	۲۳۷۳	۱۲۱۱	٦۳/۳۷	-۱٦/٤۹	٤٦/۸۸
	-۱۳/۱٦	۱۳٦٤	۲٤۱٦	۳۰٤۷	۵۵/۳۸	۵/٦٤	٦۱/۰۲
	-۲/۷۱	۱۳٦۵	۱۱۱۷	۱۲۰۷	۳۲/۳۹	۱/۷۳	۳٤/۱۲
	۷۵/۷۲	۱۳٦٦	۱۰۲۸	-۲۹۲	۳۱/۲۸	-٤٦/۱۲	-۱٤/۸٤
	۸۹/۸۷	۱۳٦۷	۱۳۳۹	۲٦٤	۵۵/۳۸	-۳۵/۷۱	۱۹/٦۸
	۳۷/۷۲	میانگین	۱۵٤۹	۸۷٤	٤۳/۷۱	-۱۹/۰٤	۲٤/٦۷
برنامهٔ اول توسعهٔ اقتصادی و اجتماعی	۵۰/٦۲	۱۳٦۸	۲۱۸۸	۹۷۲	۵٦/۵٤	-۱۹/۹۲	۳٦/٦۱
	-٤/۳۰	۱۳٦۹	۲۰۸٤	۲۲۳۱	۵۹/۳۱	۱/٦۳	٦۰/۹٤
	-۱۰/۸٤	۱۳۷۰	۳۳۲۷	۳۹٦٦	۵۹/۱۲	٤/۱۷	٦۳/۲۸
	-٤۷/۰۳	۱۳۷۱	۳۲۵۵	۷۷۷۸	۵۹/۱۳	۱۸/٤۳	۷۷/۵٦
	-۵۱/٤۱	۱۳۷۲	۳۲۹۱	۹٤۹۱	۵۲/٦۸	۲۳/۵۷	۷٦/۲۵
	-٤۱/۲۹	۱۳۷۳	۳۱۷٦	٦٦۱۳	٦۰/٤٦	۱۵/٦٤	۷٦/۱۰
	-۱۷/۳۸	میانگین	۲۸۸۷	۵۱۷۵	۵۷/۸۷	۷/۲۵	٦۵/۱۲
برنامهٔ دوم توسعهٔ اقتصادی و اجتماعی	-۳۱/۹۷	۱۳۷٤	٤۹۷٦	۸۳۱۵	٦٦/٦۸	۱۰/۳۰	۷٦/۹۸
	-۱٦/۱۸	۱۳۷۵	٦۱۷۹	۷۷٤٤	۷۲/۸۳	٤/۲۳	۷۷/۰٦
	-۰/۸۹	۱۳۷٦	۳٤٤۹	۳۵۰۲	۵۳/۰۹	۰/۳۸	۵۳/٤۷
	۳۳/۱۵	۱۳۷۷	۲۳۵۲	۱۲۵۷	٤۹/۳۸	-۱۵/۱۰	۳٤/۲۷
	۲۹/۱۰	۱۳۷۸	۲۱۸۱	۸٦۲	۳٤/۷۳	-۱۷/۳۵	۱۷/۳۸
	۲/٦٤	میانگین	۳۸۲۷	٤۳۳٦	۵۵/۳٤	-۳/۵۱	۵۱/۸۳
برنامهٔ سوم توسعهٔ اقتصادی و اجتماعی	۱٦/۹٦	۱۳۷۹	۱۲٦۸	٦۰۷	۲۵/٤۲	-۱۱/۳۸	۱٤/۰٤
	۱٦/۵٤	۱۳۸۰	۱٤۹٤	۷۷٦	۲٦/۸۷	-۱۰/۸۵	۱٦/۰۲
	۱۲/۹۹	۱۳۸۱	-۲۰٦	-٦۰۷	-۵/۱٤	-۱۱/۷۳	-۱٦/۸۸
	۳/۸۵	۱۳۸۲	۱۳٤۸	۱۰۷۳	۱٦/۰۵	-۲/۸۳	۱۳/۲۱
	-۲/۷۹	۱۳۸۳	۲۸۵۱	۳۰۵۵	۳۵/۹۲	۱/٦۱	۳۷/۵۳
	۹/۵۱	میانگین	۱۳۵۱	۹۸۱	۱۹/۸۲	-۷/۰٤	۱۲/۷۸
برنامهٔ چهارم توسعهٔ اقتصادی و اجتماعی	-٦/۱۸	۱۳۸٤	۱۳۵٦	۱۷۷۵	۱۸/۸۰	٤/٤٦	۲۳/۲٦
	-۱۰/۷۰	۱۳۸۵	٦۳۱	۱۳۹۷	۸/٦۸	۸/۷۰	۱۷/۳۸
	-۱۳/۰۹	۱۳۸٦	۱۰۳٦	۲۳۰۱	۱۰/۹٦	۱۰/۵۲	۲۱/٤۸
	-۷/۷٤	۱۳۸۷	۳۲٦٦	٤۰۱۲	۳۳/۵۹	٤/۷۳	۳۸/۳۱
	-۳/۳۲	۱۳۸۸	-۸۵۱	-٦۸٤	-۱٤/۸۸	۳/۲٦	-۱۱/٦۲
	-۱۷/٤۵	۱۳۸۹	۱۹۵	۲۰۸۰	۱/۸۹	۱۵/۱۷	۱۷/۰٦
	-۹/۷۵	میانگین	۹۳۹	۱۸۱٤	۹/۸٤	۷/۸۱	۱۷/٦٤
پیش بینی برنامهٔ پنجم توسعهٔ اقتصادی و اجتماعی	-۱۹/۲۲	۱۳۹۰	-۹٦	۱۱٤۵	-۱/۵۱	۱٦/٦۲	۱۵/۱۲
	-۲۱/۱٤	۱۳۹۱	۱۷۸۵	۳٦٤٦	۲۲/۱۸	۱٤/٦۲	۳٦/۸۰
	-۲۳/۰۷	۱۳۹۲	۲۱٦٤	٤۳۸۷	۲۵/٤۳	۱۵/٤۵	٤۰/۸۸
	-۲٤/۹۸	۱۳۹۳	۲۵۹۲	۵۲۲۵	۲۸/۸۲	۱٦/۱۲	٤٤/۹٤
	-۲۲/۰۹	۱۳۹٤	۳٦۳۱	٦۱۸۷	۳٦/۰۰	۱۲/۹٤	٤۸/۹٤
	-۲۲/۱۰	میانگین	۲۰۱۵	٤۱۱۸	۲۲/۱۹	۱۵/۱۵	۳۷/۳٤

منبع: یافته‌های پژوهش

برای مثال در برنامهٔ چهارم ۷/۸٪ کمتر از قبل از اجرای سیاست ارزی پرداخت کردند. حمایت زیاد از مصرف‌کنندگان از رقابت‌پذیری بازار می‌کاهد، اما از آنجا که ذرت از نهاده‌های تولید است به تقویت تولید در زیربخش دام و طیور کمک می‌کند، همان‌طور که کاهش حمایت از مصرف‌کنندگان هزینه‌های تولید این بخش را افزایش می‌دهد.

۴-۴-۲-۵ نتیجه‌گیری و پیشنهادهای ذرت

چنان‌که بیان شد، محصول ذرت از نهاده‌های مهم زیربخش دامپروری ایران محسوب می‌شود و سیاست‌های حمایتی مختلفی از بخش تولید و مصرف آن صورت پذیرفته است. در این پژوهش مقادیر کمّی این حمایت‌ها براساس شاخص‌های MPS، PSE و CSE طی دورهٔ ۸۹-۱۳۶۰ محاسبه شده است که نتایج بیانگر وجود روند افزایشی در حمایت‌های قیمتی، بودجه‌ای و کل حمایت از تولیدکنندگان و روند کاهشی در حمایت از مصرف‌کنندگان ذرت به قیمت ثابت بوده است. همچنین در مجموع حمایت‌های بودجه‌ای و قیمتی، حمایت‌های بودجه‌ای در کل حمایت از تولیدگنندگان در برنامه‌های سوم و چهارم نسبت به حمایت‌های قیمتی سهم بیشتری داشته‌اند و در بین این حمایت‌ها نیز سهم یارانهٔ سوخت و یارانهٔ نهاده‌های تولید با بیشتر از ۹۰ درصد از کل حمایت‌های بودجه‌ای از تولیدکنندگان، بیشتر بوده است. مقادیر اثرمستقیم حمایت از مصرف‌کنندگان ذرت از میانگین ۴۳ درصد در دورهٔ جنگ به ۹/۸ درصد در برنامهٔ چهارم توسعه رسیده است. افزون بر این، بررسی اثر سیاست‌های ارزی و انحراف نرخ ارز بر مقادیر حمایت از تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان ذرت نشان می‌دهد این سیاست‌ها در دورهٔ جنگ و همچنین در بیشتر سال‌های برنامهٔ سوم توسعه که انحراف نرخ ارز مثبت بوده (نرخ ارز حقیقی بیش از نرخ ارز تعادلی بوده است) بر شاخص‌های حمایت از تولیدکنندگان و

مصرف‌کنندگان اثر مثبتی داشته است، در حالی که در دیگر برنامه‌های توسعه موجب کاهش حمایت از تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان ذرت شده است، یعنی اثر غیرمستقیم تضعیف‌کنندهٔ اثر مستقیم بوده است. براساس این نتایج، اجرای سیاست‌های باثبات و بلندمدت برای پیشگیری از نوسان‌های قیمت محصول، نهاده‌ها و نرخ ارز و حمایت‌های بودجه‌ای توصیه می‌شود. با توجه به سهم بیشتر حمایت‌های بودجه‌ای از کل حمایت‌ها در برنامه‌های سوم و چهارم که حمایت‌کننده‌تر از دیگر برنامه‌ها بوده‌اند، تغییر الگوی سیاست‌ها از حمایت قیمتی به حمایت‌های بودجه‌ای موجب حفظ قیمت ذرت نزدیک به قیمت جهانی می‌شود و از سوی دیگر با دخالت مستقیم دولت در بازار محصول همراه نیست و به رقابتی شدن بازار ذرت کمک می‌کند. همچنین تنوع‌بخشی به حمایت‌های بودجه‌ای مانند به‌کارگیری پرداخت‌های مستقیم و بیمهٔ درآمدی نیز می‌تواند مناسب باشد. همچنین ایجاد سازوکارهایی برای ارتباط مستقیم بین ذرت‌کاران و دامپروران، به طوری که پیش از آغاز فصل کشت قراردادی بین کشاورز و دامدار بسته شود، افزون بر کاهش دغدغهٔ بازاریابی محصول، به شفافیت بازار، کاهش نقش دولت و افزایش کارایی تولید و رقابت‌پذیری کمک می‌کند. تنظیم سیاست‌های ارزی و بخشی به گونه‌ای که همسو و تقویت‌کنندهٔ یکدیگر باشند، به کارایی آنها می‌افزاید و با افزایش مزیت رقابتی، به رقابت‌پذیری جهانی تولیدکنندگان داخلی کمک می‌کند. به طوری که مقادیر مثبت اثر مستقیم و اثرغیرمستقیم در نیمهٔ اول برنامهٔ سوم توسعه نشان می‌دهد، بیش‌برآورد ارزش ریال که تقویت‌کنندهٔ سیاست‌های بخشی بوده، موجب حمایت از تولیدکنندگان ذرت شده است. کمتر بودن اثرغیرمستقیم از انحراف نرخ ارز در دوره‌های مختلف نشان می‌دهد سیاست‌های ارزی اهمیت کمتری در حمایت از تولیدکنندگان ذرت دارند. با وجود این با توجه به نتایج برآورد نرخ ارز در فصل سوم، افزایش درآمدهای نفتی موجب افزایش ارزش ریال تعادلی می‌شود که در صورت ثبات نرخ حقیقی ارز، رشد

درآمدهای نفتی به نفع تولیدکنندگان است. همچنین بهره‌وری اقتصاد به عنوان شاخص پیشرفت فن‌آوری، بر نرخ تعادلی ارز و شاخص حمایت‌ها چنین اثری دارد که دولت با مدیریت این دو عامل می‌تواند حمایت از ذرت‌کاران را افزایش دهد. در پیش‌بینی برنامهٔ پنجم نیز همانند برنامهٔ چهارم، سیاست‌های ارزی تقویت‌کنندهٔ سیاست‌های بخش کشاورزی نیست، اما اثرمستقیم و اثرکل هر دو مثبت‌اند که اهمیت پرداخت‌های بودجه‌ای را آشکار می‌کند. شاخص حمایت بازاری هم نبود حمایت از تولیدکنندگان را در بازار داخلی نسبت به بازار جهانی نشان می‌دهد، به طوری که سیاست‌های ارزی و بخشی به زیان تولیدکنندگان ذرت خواهد بود.

جدول ۷-۴-۲-۵) بررسی حمایت از تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان ذرت در دوره‌های ارزی

دوره	درصد انحراف نرخ ارز	%MPS			%PSE			%CSE		
		اثر مستقیم	اثر غیرمستقیم	اثر کل	اثر مستقیم	اثر غیرمستقیم	اثر کل	اثر مستقیم	اثر غیرمستقیم	اثر کل
۱۳۶۰-۱۳۷۰	۳۰/۶۶	-۴۷/۶۹	۱۵/۱۳	-۳۲/۵۶	-۲۶/۷۰	۱۰/۱۹	-۱۶/۵۱	۴۷/۶۹	-۱۵/۱۳	۳۲/۵۶
۱۳۷۱-۱۳۸۰	-۹/۳۰	-۵۰/۱۲	-۱/۷۹	-۵۱/۹۱	-۳۱/۸۱	-۶/۸۶	-۳۸/۶۶	۵۰/۱۲	۱/۷۹	۵۱/۹۱
۱۳۸۱-۱۳۸۹	-۴/۹۴	-۱۱/۷۶	-۳/۷۶	-۱۵/۵۳	۲۹/۷۰	-۱۳/۵۸	۱۶/۱۳	۱۱/۷۶	۳/۷۶	۱۵/۵۳

منبع: یافته‌های پژوهش

متوسط شاخص‌های حمایت قیمتی، حمایت از تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان در سه دورهٔ اجرای سیاست‌های ارزی کشور در جدول (۷-۴-۲-۵) آمده است. براساس شاخص‌های درصدی حمایت از تولیدکنندگان ذرت در سه دههٔ بررسی، سیاست‌های بخشی در مقایسه با سیاست‌های ارزی در کل حمایت‌ها تأثیر بیشتری داشته است، زیرا قدرمطلق اثر مستقیم همواره بیشتر از اثر غیرمستقیم بوده است. در دههٔ ۱۳۶۰ به دلیل به‌کارگیری سیاست تثبیت نرخ ارز، انحراف از نرخ تعادلی به شدت افزایش پیدا کرد و با بیش‌برآورد ارزش ریال از تولیدکنندگان حمایت شد، اما

در این دوره اثرهای منفی سیاست‌های بخشی از جمله کم نگه داشتن قیمت داخلی در مقایسه با قیمت جهانی تا حدی زیاد بود که اثر سیاست ارزی را خنثی و در مجموع حمایت کل از تولیدکننده را منفی کرد. در دهۀ ۱۳۷۰ با برقراری سیاست ارزی چند نرخی و کم‌برآورد ارزش ریال، میانگین انواع شاخص‌های حمایت از تولیدکنندگان منفی و سیاست‌های بخشی در جهت حمایت کمتر از تولیدکنندگان پیگیری شد. در دورۀ سوم سیاست‌های ارزی با برقراری نرخ ارز شناور مدیریت شده انحراف نرخ ارز کاهش پیدا کرد، اما همچنان منفی بود. این کم‌برآورد ارزش ریال به همراه سیاست‌های قیمتی، با حمایت نکردن از تولیدکننده، از اثر مثبت پرداخت‌های بودجه‌ای کاست، اما میانگین اثر کل در این دوره ۱۶/۱۳ درصد بود. در این دوره با بهبود سیاست‌گذاری در بخش کشاورزی اثرمستقیم در PSE٪ نیز مثبت شد. برای مصرف‌کنندگان نیز سیاست‌های بخشی اثرگذارتر از سیاست‌های ارزی بود و در دوره‌های دوم و سوم ارزی، این دو سیاست تقویت‌کنندۀ یکدیگر و همسو بودند. حمایت‌های ارزی از مصرف‌کنندگان در دو دورۀ ارزی تفاوت چندانی نداشت و با اجرای سیاست‌های ارزی در دهۀ سوم مصرف‌کنندگان ۳/۷ درصد از آنچه در شرایط بدون سیاست می‌پرداختند، کمتر پرداخت کردند.

به طور کلی شاخص‌های حمایت از تولید ذرت روند پرنوسانی را در پی اجرای سیاست‌های ارزی و بخشی نشان می‌دهند که به افزایش ریسک در طول زمان منجر می‌شود. همچنین سیاست‌های ارزی و بخشی هم‌راستا نبوده است. در سال‌های ابتدایی که سیاست‌های بخشی حمایت‌کننده نبوده، سیاست‌های ارزی جبران‌کنندۀ نبود حمایت بوده و در سال‌های پایانی مطالعه سیاست‌های ارزی تضعیف‌کنندۀ اثر مثبت سیاست‌های بخشی بوده است. برقراری سیاست‌های همسو و حمایت‌کننده می‌تواند به افزایش رقابت‌پذیری تولیدکنندگان ذرت، افزایش کارایی آنان و توسعۀ صنایع وابسته به این محصول کمک کند. در نهایت انتظار می‌رود، ترکیب

سیاست‌های پولی، مالی، ارزی و بخشی به گونه‌ای باشد که برایند آن، حمایت‌کنندهٔ کشاورزان باشد.

۵-۲-۵ برنج

برنج با مصرف متوسط ۱۵۹ کیلوگرم در سال ۱۳۸۹ پس از گندم پرمصرف‌ترین کالای خوراکی در بین خانوارهای ایرانی بوده است که در کنار دیگر غلات ۱۰/۱ درصد از هزینهٔ خوراکی و آشامیدنی یک خانوار ایرانی را در برمی‌گیرد(گزارش بررسی بودجهٔ خانوار بانک مرکزی، ۱۳۸۹). با وجود آن‌که مصرف برنج در دههٔ ۱۳۸۰ کاهش پیدا کرده است، ثبات سهم این محصول در سطح برداشت‌شدهٔ محصولات زراعی و غلات، شدت وابستگی کشاورزان و روستاییان ایرانی به این کالا را نشان می‌دهد، زیرا برنج محصول سنتی ایران در حاشیهٔ دریاچهٔ خزر است. حدود سه‌چهارم سطح زیرکشت محصولات زراعی سال ۸۹-۱۳۸۸ را غلات تشکیل داد که ۰/۴۸ درصد آن سهم برنج بود و در طول سه دههٔ ۱۳۸۹-۱۳۶۰ تغییری نداشت (آمارنامه کشاورزی، ۸۹-۱۳۸۸). از این رو، بررسی چگونگی حمایت سیاست‌های دولت از محصول برنج، بهره‌مندی شالیکاران و خانوارهای مصرف‌کننده از آنها را آشکار می‌کند.

در جدول (۱-۵-۲-۵) وضعیت تولید، عملکرد و تجارت برنج سفیدشده ایران آمده است. با توجه به جدول، مشاهده می‌شود در تمام سال‌ها سهم ایران از سطح زیرکشت جهانی برنج حدود ۰/۳۵-۰/۴ درصد بوده است. بررسی عملکرد تولید برنج نسبت به جهان نشان می‌دهد عملکرد تولید آن در ایران، در سال‌های اخیر به کمتر از میانگین جهانی کاهش پیدا کرده است، اما بهترین عملکرد تولید برنج ایران در سال ۱۳۸۱، حدود ۱/۲۲ برابر عملکرد جهانی بود. در مجموع، تولید برنج طی دورهٔ (۸۹-۱۳۶۸)، روند کم‌نوسانی داشته و براساس آمار وزارت جهاد کشاورزی در سال ۱۳۸۹ بیش از ۱/۵ میلیون تن بوده و تنها در سال‌های خشکسالی ۱۳۸۰-۱۳۷۹ با

کاهش همراه بوده است. در جدول (۱-۵-۲-۵) سهم برنج ایران از تولید جهانی، مانند سطح زیرکشت آن در همه سال‌ها بیشتر از ۰/۴ درصد بوده است.

جدول ۱-۵-۲-۵) وضعیت تولید، عملکرد و تجارت برنج سفیدشده ایران

سال	سطح زیرکشت (هزارهکتار)	سهم از سطح زیرکشت (درصد)	عملکرد (تن در هکتار)	نسبت عملکرد ایران به جهان	تولید (هزارتن)	سهم از تولید جهان (درصد)	واردات (هزار تن)	سهم از واردات (درصد)	ارزش واردات (میلیون دلار)	سهم از ارزش واردات (درصد)
۱۳۶۸	۵۱۸/۹۹	۰/۳۵	۲/۳۹	۱/۰۳	۱۲۴۲/۱۸۶۷	۰/۳۶	۷۳۶/۷۴۵	۵/۶۱	۳۶۷	۷/۳۷
۱۳۶۹	۵۲۴/۲۷	۰/۳۶	۲/۵۳	۱/۰۷	۱۳۲۷/۲۸۳۴	۰/۳۸	۵۱۶/۹۲۵	۴/۶۱	۱۸۸	۴/۴۱
۱۳۷۰	۵۸۲/۳۲	۰/۴۰	۲/۷۱	۱/۱۴	۱۵۷۸/۹۲۲	۰/۴۵	۵۴۱/۳۴۷	۴/۵۲	۲۲۹	۴/۸۱
۱۳۷۱	۵۹۶/۰۴	۰/۴۰	۲/۶۵	۱/۱۰	۱۵۸۱/۲۹۳۸	۰/۴۵	۷۸۶/۹۲۴	۵/۴۹	۳۲۸	۵/۹۵
۱۳۷۲	۵۸۸/۴۷	۰/۴۰	۲/۶۰	۱/۰۷	۱۵۲۸/۱۱۵۹	۰/۴۳	۹۶۵/۹۰۸	۶/۶۸	۳۷۷	۷/۲۸
۱۳۷۳	۵۶۳/۳۸	۰/۳۸	۲/۶۹	۱/۱۰	۱۵۱۳/۵۰۹۹	۰/۴۲	۴۰۱/۴۹۳	۲/۴۴	۱۴۳	۲/۱۷
۱۳۷۴	۵۶۵/۵۸	۰/۳۸	۲/۷۳	۱/۱۱	۱۵۴۱/۶۰۳	۰/۴۲	۱۳۶۱/۵۱۴	۶/۶۲	۵۵۹	۷/۴۲
۱۳۷۵	۶۰۰/۳۳	۰/۴۰	۳/۰۰	۱/۱۸	۱۷۹۸/۷۹۵۹	۰/۴۷	۹۵۸/۸۱۲	۴/۶۳	۴۰۳	۴/۶۷
۱۳۷۶	۵۶۳/۲۱	۰/۳۷	۲/۸۰	۱/۰۹	۱۵۷۴/۵۸۰۴	۰/۴۱	۵۳۱/۵۱۴	۳/۰۲	۲۰۵	۲/۸۳
۱۳۷۷	۶۱۴/۹۶	۰/۴۱	۳/۰۲	۱/۱۸	۱۸۵۶/۲۸۱۹	۰/۴۸	۵۲۶/۳۴	۲/۲۶	۱۷۱	۱/۹۶
۱۳۷۸	۵۸۷/۱۵	۰/۳۷	۲/۶۸	۱/۰۳	۱۵۷۳/۳۲۰۸	۰/۳۸	۷۱۰/۳۵۵	۲/۸۰	۲۱۱	۲/۴۱
۱۳۷۹	۵۳۴/۳۳	۰/۳۵	۲/۴۷	۰/۹۵	۱۳۲۰/۸۷۸۲	۰/۳۳	۹۴۱/۶۹۵	۴/۵۷	۲۸۱	۴/۲۸
۱۳۸۰	۵۱۴/۷۹	۰/۳۴	۲/۵۹	۰/۹۸	۱۳۳۳/۴۴۷۴	۰/۳۳	۶۴۸/۹۶۶	۳/۰۰	۱۷۵	۲/۸۷
۱۳۸۱	۶۱۱/۰۰	۰/۴۱	۳/۱۷	۱/۲۲	۱۹۳۴/۹۶	۰/۵۱	۹۱۹/۳۴۲	۳/۶۵	۲۵۱	۳/۸۳
۱۳۸۲	۶۱۵/۲۸	۰/۴۱	۳/۱۹	۱/۲۱	۱۹۶۳/۸۶۳۸	۰/۵۰	۱۰۰۱/۴۱۵	۳/۷۷	۲۹۳	۳/۷۵
۱۳۸۳	۶۱۱/۴۵	۰/۴۱	۲/۷۹	۱/۰۳	۱۷۰۳/۴۳۴۸	۰/۴۲	۱۰۴۲/۰۹۳	۳/۹۴	۳۱۸	۳/۴۹
۱۳۸۴	۶۲۸/۱۱	۰/۴۱	۲/۹۲	۱/۰۶	۱۸۳۳/۶۸۲۸	۰/۴۳	۱۲۳۱/۶۶۱	۴/۷۱	۴۱۲	۴/۳۲
۱۳۸۵	۶۳۰/۵۶	۰/۴۱	۲/۷۸	۱/۰۱	۱۷۵۰/۱۶۰۶	۰/۴۱	۱۱۸۰/۹۳۶	۴/۴۵	۳۹۰	۳/۸۶
۱۳۸۶	۶۱۵/۹۱	۰/۴۰	۲/۹۰	۱/۰۲	۱۷۸۵/۰۴۰۸	۰/۴۱	۱۰۰۷/۱۱۵	۳/۳۷	۳۹۱	۲/۹۸
۱۳۸۷	۵۲۶/۹۲	۰/۳۳	۲/۷۸	۰/۹۶	۱۴۶۳/۲۵۳۲	۰/۳۲	۱۲۰۸/۲۲۶	۴/۴۸	۶۸۹	۳/۵۷
۱۳۸۸	۵۳۵/۸۱	۰/۳۴	۲/۸۲	۰/۹۷	۱۵۰۹/۷۹۱۴	۰/۳۳	۸۵۳/۵۳۶	۳/۴۴	۷۰۸	۴/۲۰
۱۳۸۹	۵۶۳/۵۲	۰/۳۵	۲/۷۲	۰/۹۳	۱۵۳۳/۰۶۰۵	۰/۳۳	۱۶۱۶/۳۱۳	۲/۳۳	۱۳۴۵	۶/۶۹

منبع: آمارنامه‌های وزارت جهاد کشاورزی ایران و سایت سازمان خواربار و کشاورزی جهانی ملل متحد(http://fao.org)

در چند دهۀ اخیر، ایران در همۀ سال‌ها واردکننده خالص برنج بوده است. اما با وجود سهم اندک در تولید، سهم واردات ایران از کل واردات جهان حدود ۴/۵ درصد بوده است. در سال‌های دورۀ بررسی بیشترین واردات در سال ۱۳۸۹، برابر با ۱۶۱۶ هزار تن و سهم ایران از ارزش واردات برنج جهان ۶/۶ درصد بود. از آنجا که کشت برنج، با توجه به ساختار سنتی کشاورزی ایران، نیازمند شرایط آب‌وهوایی معتدل و مرطوب و آب فراوان است، کشت آن در استان‌های حاشیۀ دریاچۀ خزر امکان‌پذیرتر است، از این رو، حجم زیادی از نیاز کشور با واردات تأمین می‌شود. با وجود این، حجم واردات برنج، به طور میانگین ۵۶ درصد، تولید برنج داخلی است و تنها در سال ۱۳۸۹ حجم واردات این محصول بیشتر از تولید داخلی بوده است.

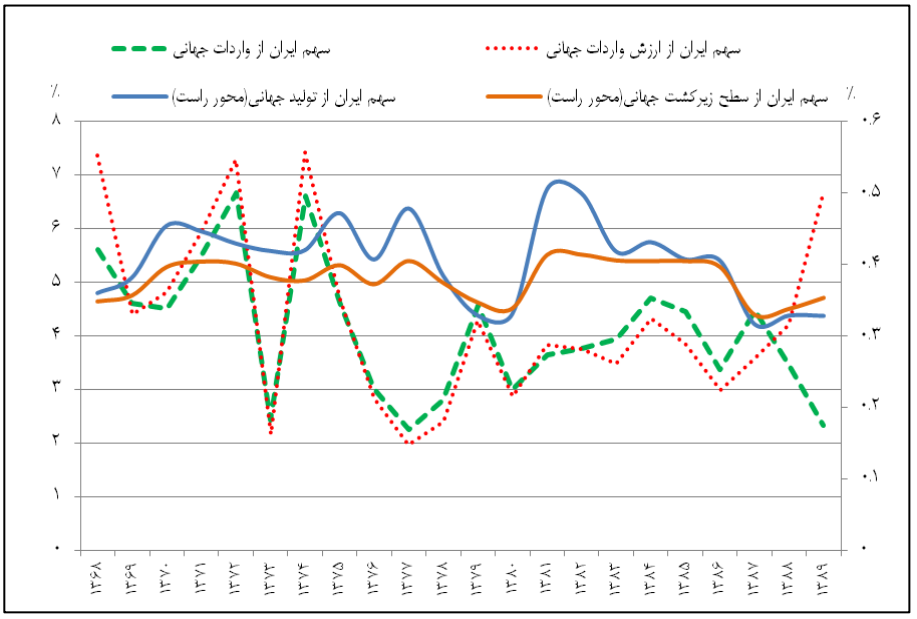

نمودار ۱-۵-۲-۵) سهم ایران از تولید، سطح زیرکشت، واردات و ارزش واردات جهانی برنج طی دورۀ ۸۹-۱۳۶۸

با توجه به اهمیت برنج در کشاورزی معیشتی ایران و سبد مصرف خانوار، سیاست‌های حمایتی مختلف به منظور افزایش تولید این محصول اجرا شده است. از این سیاست‌ها می‌توان به سیاست قیمت خرید تضمینی، یارانه‌های انواع کود و سموم شیمیایی، یارانهٔ انرژی، تسهیلات ارزان قیمت و بیمه اشاره کرد. در ادامه، نتایج محاسبهٔ شاخص‌های حمایت از تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان برنج (CSE٪، PSE٪) تجزیه و تحلیل می‌شود. همچنین، اثر سیاست‌های ارزی و انحراف نرخ ارز بر مقادیر حمایت از این محصول طی برنامه‌های اول تا چهارم توسعه بررسی می‌شود. از کارکردهای پژوهش‌های اقتصادی افزون بر تبیین و تحلیل وضعیت‌های گذشته و کنونی، پیش‌بینی آیندهٔ شاخص‌های اقتصادی برای برنامه‌ریزی است. از این رو با فرض ادامهٔ روند رشد تخصیص یارانه‌ها همانند برنامهٔ چهارم و پیش‌بینی قیمت‌ها با استفاده از روش‌های درون‌یابی و میانگین متحرک با روشی که برای محصولات دیگر بیان شد، شاخص‌های حمایت از تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان برنج در برنامهٔ پنجم پیش‌بینی می‌شود.

۱-۵-۲-۵ بررسی مقادیر حمایت بازاری از تولیدکنندگان برنج طی برنامه‌های توسعه

شاخص حمایت از قیمت بازاری(MPS) بیشتر بازتاب‌دهندهٔ سیاست‌های مؤثر بر قیمت— در ایران قیمت تضمینی— و سیاست‌های ارزی است. براساس روش-شناسی بیان‌شده در فصل سوم این پژوهش، حمایت از قیمت بازاری انتقال از مصرف‌کنندگان، واردکنندگان و مالیات‌دهندگان را در پی اجرای سیاست‌های قیمتی در بر می‌گیرد. شاخص درصدی حمایت از قیمت بازاری نسبت تفاوت قیمت دریافتی تولیدکنندگان داخلی را با قیمت جهانی تعدیل شده با نرخ ارز حقیقی یا تعادلی به قیمت جهانی نشان می‌دهد. اگر قیمت جهانی با نرخ ارز حقیقی تعدیل شود، اثر

مستقیم و اگر با نرخ ارز تعادلی تعدیل شود، اثر کل محاسبه می‌شود. تفاضل این دو اثر نشان‌دهندهٔ برایند سیاست‌های ارزی است که اثرغیرمستقیم نامیده می‌شود. نتایج محاسبات حمایت از قیمت بازاری، به قیمت‌های ثابت طی برنامه‌های اول تا چهارم توسعه و پیش‌بینی برنامه پنجم برای محصول برنج در جدول (۲-۵-۲-۵) ارائه شده است.

براساس نتایج انحراف نرخ ارز که از نسبت تفاوت نرخ حقیقی ارز و نرخ تعادلی آن نسبت به نرخ تعادلی ارز محاسبه می‌شود، در دوره‌های مختلف متفاوت بوده است. برای محاسبهٔ نرخ حقیقی ارز، نرخ ارز اسمی(بازاری) در نسبت متوسط موزون شاخص سطح عمومی قیمت‌های مهم‌ترین شرکای تجاری ایران به سطح عمومی قیمت‌های ایران ضرب می‌شود. نرخ تعادلی با استفاده از الگوی اقتصادسنجی تصحیح خطا تابعی از متغیرهای بنیادین اقتصاد شامل رابطهٔ مبادله، قیمت جهانی طلا، درجهٔ باز بودن اقتصاد، درآمد نفتی کشور، بهره‌وری کل اقتصاد، نسبت نرخ بهرهٔ جهانی به نرخ بهره در ایران است که نرخ ارز ایران را در شرایط تعادل بلندمدت اقتصاد نشان می‌دهد. در دورهٔ جنگ با کاهش درآمد نفتی و همزمان نیاز کشور به ارز، با بیش برآورد ارزش ریال نسبت به دلار توسط دولت، انحراف نرخ ارز در سال پایانی جنگ(۱۳۶۷) به ۸۹ درصد افزایش پیدا کرد. در برنامهٔ اول توسعه با کم‌برآورد ارزش ریال نسبت به نرخ تعادلی، انحراف نرخ ارز منفی بود و در سال‌های پایانی این برنامه به دلیل اجرای سیاست‌های آزادسازی اقتصادی مقدار آن افزایش یافت. در سال‌های نخست برنامهٔ دوم انحراف نرخ ارز حقیقی از مقدار تعادلی بلندمدت اقتصاد منفی و در سال‌های بعد مثبت شد. در برنامهٔ سوم توسعه به منظور تشویق صادرات، سیاست بیش‌برآورد ارزش ریال دنبال شد، یعنی نرخ ارز تعادلی کمتر از نرخ حقیقی آن بود. همچنین نرخ ارز سالیانه با شیب ملایمی در حال رشد بود. در برنامهٔ چهارم نیز روند

کاهش ارزش پول ملی ادامه داشت، اما رشد نرخ ارز تعادلی بیش از نرخ حقیقی آن بود. بنابراین سیاست‌های ارزی برنامهٔ چهارم موجب کم‌برآورد ارزش ریال شد.

براساس نتایج جدول(۲-۵-۲-۵) اثرمستقیم - بر حسب قیمت‌های ثابت سال پایهٔ ۱۳۸۴- در بیشتر سال‌های اجرای برنامه‌های توسعه نوسانی و قیمت خرید تضمینی تعیین‌شده برای برنج بیشتر از قیمت جهانی بوده است که مقادیر مثبت شاخص حمایت از قیمت بازاری (MPS) آن را نشان می‌دهد. شایان ذکر است، از آنجا که بیشترین سطح زیرکشت برنج در سه استان شمالی کشور است، میانگین فاصلهٔ مراکز این استان‌ها با تهران (به عنوان بازار اصلی مصرف) برای تعدیل قیمت‌ها استفاده شده است. در دورهٔ جنگ در سال‌های ۱۳۶۰، ۱۳۶۳ و ۱۳۶۷ کشاورزان در پی سیاست‌های بخشی و ارزی زیان کرده‌اند. در برنامهٔ اول توسعه با اجرای سیاست‌های آزادسازی در سال ۱۳۷۱، در بازار برنج ۱۰۴۴ میلیارد ریال به قیمت ثابت سال ۱۳۸۴ از شالیکاران حمایت شد، اما تا پایان برنامهٔ دوم توسعه نوسان داشت. در برنامهٔ سوم توسعه با افزایش قیمت‌های داخلی و کاهش نسبی قیمت جهانی برنج، قیمت داخلی از قیمت جهانی تعدیل‌شده با نرخ ارز حقیقی و هزینهٔ حمل‌ونقل بیشتر بود. همزمان با اجرای سیاست یکسان‌سازی نرخ ارز، روند حمایت‌ها افزایشی بود. با وجود رشد قیمت داخلی، کاهش ارزش ریال و تولید در برنامهٔ چهارم توسعه و سال بدون برنامهٔ ۱۳۸۹، موجب شد میانگین حمایت قیمتی از کشاورزان کاهش پیدا کند. اما در این سال‌ها نیز در مقایسه با قیمت‌های جهانی، پرداخت حمایتی به تولیدکنندگان برنج انجام پذیرفت. به عبارت دیگر، اگر دولت در این سال‌ها اجازهٔ فروش برنج داخلی در بازارهای جهانی را می‌داد، تولیدکنندگان برنج دریافتی کمتری داشتند. از آنجا که براساس آمار منتشرشدهٔ مرکز آمار ایران، قیمت داخلی در بیشتر سال‌های مورد بررسی (۱۳۸۹-۱۳۶۰) این پژوهش روندی افزایشی داشته است، نوسان شاخص حمایت از قیمت بازاری برآمده از نوسان نرخ ارز، تورم، قیمت جهانی

و مقادیر تولید و مصرف برنج است. چنان‌که در برنامهٔ سوم با اجرای سیاست یکسان‌سازی نرخ ارز و کاهش قیمت‌های جهانی، شاخص حمایت از قیمت بازاری، همراه با ثبات افزایش پیدا کرد، به گونه‌ای که در قیمت‌های ثابت سال ۱۳۸۴، به طور میانگین ۴۸۸۶ میلیارد ریال از کشاورزان حمایت شد و با تورم ۴۹ درصدی سال ۱۳۷۴ حمایت‌ها به بیش از ۴۷۰۰ میلیارد ریال رسید. پیش‌بینی می‌شود شالیکاران در برنامهٔ پنجم توسعه به طور میانگین در پی سیاست‌های قیمتی دولت، حمایت دریافت کنند. اما در دو سال پایانی این برنامه قیمت پیش روی برنج‌کاران از قیمت رقبای جهانی کمتر خواهد بود و در رقابت با آنان تضعیف می‌شوند.

محاسبهٔ حمایت قیمتی با تعدیل قیمت جهانی، به وسیلهٔ نرخ ارز تعادلی بلندمدت اقتصاد کشور نیز روندی مشابه اثرمستقیم دارد و در بیشتر سال‌های ۸۹-۱۳۶۰، حمایت از کشاورزان را نشان می‌دهد. در برنامهٔ اول توسعه با کاهش ارزش پول ملی، شالیکاران ناگزیر از پرداخت مالیات پنهان بودند. حمایت قیمتی مداوم در دورهٔ ۱۳۹۰-۱۳۷۷ نشان می‌دهد، قیمت‌گذاری برنج در چارچوب سیاست خرید تضمینی با توجه به هزینه‌های تولید، نرخ تورم و قیمت لب مرز، کشاورزان ایرانی را در رقابت با برنج‌کاران خارجی تقویت کرده است. از این رو، به‌کارگیری روش هزینهٔ تولید در قیمت‌گذاری برنج با در نظر گرفتن قیمت مرزی، به منظور افزایش توان رقابتی کشاورزان توصیه می‌شود.

حمایت درصدی از قیمت بازاری (MPS٪) بر مبنای نرخ ارز حقیقی (اثر مستقیم)، که براساس روابط فصل سوم، از نسبت تفاوت قیمت داخلی و قیمت جهانی تعدیل‌شده به قیمت جهانی محاسبه می‌شود، تنها در برنامهٔ اول توسعه منفی بوده است. این اثر در برنامه‌های دوم و سوم به ترتیب، ۲۵ و ۷۲ درصد محاسبه شده است که نشان می‌دهد سیاست‌های قیمتی به شکل فزاینده‌ای کشاورزان ایران را نسبت به قیمت پیش روی رقبای جهانی حمایت کرده است. در سال ۱۳۸۳ با اجرای

سیاست‌های بخشی کشاورزان بیش از درآمد خود در بازار جهانی حمایت دریافت کرده‌اند و درآمد آنان دو برابر شده است. در برنامهٔ چهارم توسعه با افزایش قیمت جهانی و کاهش ارزش پول ملی حمایت‌های بازاری کمتر شد و در سال ۱۳۸۹ به ۲۸ درصد رسید که در جدول(۲-۵-۲-۵) مشاهده می‌شود.

بررسی اثرکل حمایت از قیمت بازاری نیز روندی مشابه اثرمستقیم را نشان می‌دهد و تعدیل قیمت جهانی با نرخ ارز تعادلی نیز بیانگر حمایت پرنوسانی از تولیدکنندگان، به‌ویژه در دورهٔ جنگ است. در برنامهٔ اول توسعه با کم‌برآورد ارزش ریال اثرکل منفی‌تر از اثرمستقیم بود. یعنی با اعمال نرخ ارز تعادلی، سیاست‌های قیمتی به گونه‌ای بود که کشاورزان در مقابل رقبای خارجی خود نه تنها حمایت نمی‌شدند، بلکه مالیات نیز بر آنان تحمیل می‌شد که این در کاهش قدرت رقابت‌پذیری تولیدکنندگان برنج ایرانی بسیار مؤثر است. بر این اساس در برنامه‌های دوم تا چهارم توسعه تولیدکنندگان برنج با سیاست‌های بخشی و ارزی حمایت شدند. میانگین ۸۵ درصد حمایت مثبت در برنامهٔ سوم در پی رشد قیمت‌های داخلی و کاهش قیمت جهانی و ارزش پول ملی نشان می‌دهد سیاست قیمتی برنج موجب شده است، قیمت پیش روی کشاورزان داخلی در بعضی سال‌ها بیشتر از دو برابر قیمت مرجع تعدیل شده باشد که در بر دارندهٔ حمایت زیادی از شالیکاران ایرانی است. حمایت زیاد از کشاورزان، بدون افزایش توانمندی، به طوری که بدون حمایت دولت قادر به رقابت در بازار جهانی نباشند، سودمند نبوده و آنان را به صورت نوزاد نگه می‌دارد. چنان‌که براساس آمار گمرک ایران، کاهش چشمگیری در صادرات برنج در نیمهٔ دوم برنامهٔ چهارم توسعه مشاهده شد.

جدول ۲-۵-۲-۵) شاخص‌های حمایت بازاری(MPS) از تولیدکنندگان برنج

برنامه های توسعه	درصد انحراف نرخ ارز	سال	ارزش اثرمستقیم به قیمت ثابت سال ۱۳۸٤ (میلیارد ریال)	ارزش اثر کل به قیمت ثابت سال ۱۳۸٤ (میلیارد ریال)	%MPS اثر مستقیم	%MPS اثر غیرمستقیم	%MPS اثر کل
دورهٔ جنگی	۲٦/۸۱	۱۳٦۰	-٤۹۸۱	-۲٤٦۳	-٤۱/۰۸	۱۵/٤۵	-۲۵/٦۳
	۳۸/۹۰	۱۳٦۱	۳۳۰۲	۵۹۷٤	۳۳/۷۸	۵۰/۳٦	۸٤/۱٤
	۳۸/٦۷	۱۳٦۲	۳۵۹	۲۵٦۲	٤/٤۵	۳۹/۲۲	٤۳/٦۷
	٤۷/٦۸	۱۳٦۳	-۲٦٤	۳۰۱۹	-۲/۵٤	٤۵/۰٦	٤۲/۵۲
	-۱۳/۱٦	۱۳٦٤	۱٦۲۷	۱۱۹	۱۵/۹۳	-۱٤/۹۲	۱/۰۲
	-۲/۷۱	۱۳٦۵	۷۲۲۹	٦۹۹۳	۸۲/۷٤	-٤/۸۱	۷۷/۹۳
	۷۵/۷۲	۱۳٦٦	۲٦۵۳	٦۷٦۷	۲٦/۹۸	۹۱/۳۱	۱۱۸/۳۰
	۸۹/۸۷	۱۳٦۷	-٦۰۹	۳۰۸۰	-۷/۵۸	۷۸/٤۳	۷۰/۸۵
	۳۷/۷۲	میانگین	۱۱٦٤	۳۲۵٦	۱٤/۰۹	۳۷/۵۱	۵۱/٦۰
برنامهٔ اول توسعهٔ اقتصادی و اجتماعی	۵۰/٦۲	۱۳٦۸	-۱۹۸۲	۲۵۰۷	-۱٤/۵۳	٤۱/۹۲	۲۷/۳۹
	-٤/۳۰	۱۳٦۹	٦۰	-٤٤۸	۰/۵۱	-٤/۲۰	-۳/٦۹
	-۱۰/۸٤	۱۳۷۰	-۵۷۱	-۲۲۰۵	-٤/۱۱	-۱۰/۰۸	-۱٤/۱۹
	-٤۷/۰۳	۱۳۷۱	۱۰٤٤	-۸۸۳۳	۹/۰۱	-۵۰/۱۷	-٤۱/۱٦
	-۵۱/٤۱	۱۳۷۲	-۸٦۰	-۱۱٤۵۷	-۸/۲۲	-٤٦/۱۹	-۵٤/٤۱
	-٤۱/۲۹	۱۳۷۳	-۱۷	-۷۰۹٦	-۰/۱٦	-٤۰/۱۰	-٤۰/۲٦
	-۱۷/۳۸	میانگین	-۳۸۸	-٤۵۸۹	-۲/۹۲	-۱۸/۱٤	-۲۱/۰۵
برنامهٔ دوم توسعهٔ اقتصادی و اجتماعی	-۳۱/۹۷	۱۳۷٤	٤۷۱۰	-۹٦۳	۳۷/۹۷	-٤۳/۳۰	-۵/۳۳
	-۱٦/۱۸	۱۳۷۵	-۲۳۲۸	-٤۷۰٦	-۱۸/۱۷	-۱۲/۸۱	-۳۰/۹۸
	-۰/۸۹	۱۳۷٦	-۱٤۳۲	-۱۵۱٤	-۱۵/۰۹	-۰/۷۲	-۱۵/۸۱
	۳۳/۱۵	۱۳۷۷	۵۲۰٦	۷۷۸۷	٤۸/۱۸	٤٦/۵۲	۹٤/۷۰
	۲۹/۱۰	۱۳۷۸	٦۹۱۲	۸۹۱٦	۷٤/۸٤	٤۸/٤۳	۱۲۳/۲٦
	۲/٦٤	میانگین	۲٦۱۳	۱۹۰٤	۲۵/۵٤	۷/٦۲	۳۳/۱۷
برنامهٔ سوم توسعهٔ اقتصادی و اجتماعی	۱٦/۹٦	۱۳۷۹	۹۲۷	۱۸۲٤	۱٤/۳۵	۱۸/٤۲	۳۲/۷۸
	۱٦/۵٤	۱۳۸۰	۳۰۲٦	۳۷۲۷	۵۸/۱۷	۲٤/۵۹	۸۲/۷٦
	۱۲/۹۹	۱۳۸۱	٦٤۵۰	۷۱۸٦	۹٤/۹۸	۲۳/٦۸	۱۱۸/٦۵
	۳/۸۵	۱۳۸۲	۵۳۰۹	۵۵۳۹	۷۹/۵۳	٦/٤۲	۸۵/۹٤
	-۲/۷۹	۱۳۸۳	٦۳۰٤	٦۱۵٦	۱۱۳/۳۸	-۵/۵۲	۱۰۷/۸٦
	۹/۵۱	میانگین	٤٤۰۳	٤۸۸٦	۷۲/۰۸	۱۳/۵۲	۸۵/٦۰
برنامهٔ چهارم توسعهٔ اقتصادی و اجتماعی	-٦/۱۸	۱۳۸٤	۳٦٦٤	۳۲۹۹	٦۱/۵۲	-۹/۳۳	۵۲/۱۸
	-۱۰/۷۰	۱۳۸۵	۳٦۵٦	۳۰۸٤	۷۱/۲۷	-۱۷/۱۷	۵٤/۱۰
	-۱۳/۰۹	۱۳۸٦	٤۷۷۵	٤۰۳۱	۸۹/۳۱	-۲۳/۱۳	٦٦/۱۸
	-۷/۷٤	۱۳۸۷	۱۸۵۲	۱٤٤۲	۳۵/۷۵	-۹/۹۷	۲۵/۷۹
	-۳/۳۲	۱۳۸۸	۸۸۱	٦۵٤	۱۲/۸۲	-۳/٦۱	۹/۲۱
	-۱۷/٤۵	۱۳۸۹	۱۸۰۰	۵۰۹	۲۸/۱۳	-۲۱/۵۱	٦/٦۲
	-۹/۷۵	میانگین	۲۷۷۱	۲۱۷۰	٤۹/۸۰	-۱٤/۱۲	۳۵/٦۸
پیش بینی برنامهٔ پنجم توسعهٔ اقتصادی و اجتماعی	-۱۹/۲۲	۱۳۹۰	۲۵۷۵	۱٦۳۷	٦۰/۲۵	-۲۸/۸۵	۳۱/٤۰
	-۲۱/۱٤	۱۳۹۱	۹۳۱	-٤۳۱	۱۷/۲۹	-۲۳/٦۹	-٦/٤۰
	-۲۳/۰۷	۱۳۹۲	۱٤۱	-۱٤۹۹	۲/٤۵	-۲۲/۷۵	-۲۰/۳۰
	-۲٤/۹۸	۱۳۹۳	-۳٤۹	-۲۲۰۹	-۵/۹۸	-۲۲/۷۱	-۲۸/٦۸
	-۲۲/۰۹	۱۳۹٤	-۱۱۹۸	-۲۹۲۷	-۱۸/۹۳	-۱۷/۳۹	-۳٦/۳۲
	-۲۲/۱۰	میانگین	٤۲۰	-۱۰۸٦	۱۱/۰۲	-۲۳/۰۷	-۱۲/۰٦

منبع: یافته‌های پژوهش

اثر غیرمستقیم نشان می‌دهد سیاست‌های ارزی تا چه اندازه تقویت‌کنندهٔ سیاست‌های بخشی در زمینهٔ قیمت محصول هستند. در سال‌هایی که نرخ حقیقی ارز بیش از نرخ ارز تعادلی است، حمایت قیمتی از تولیدکنندگان در پی اجرای سیاست ارزی مثبت است و برعکس. براساس روابط فصل چهارم پژوهش پیش رو، انحراف نرخ ارز نسبت فاصلهٔ نرخ ارز حقیقی از تعادلی به نرخ ارز حقیقی است که به شکل درصدی بیان می‌شود. براساس جدول (۲-۵-۲-۵) برخلاف محصولات دیگر، انحراف نرخ ارز با اثرغیرمستقیم تناسب دارد و در بیشتر سال‌ها کمتر از آن است. در سال ۱۳۶۶ با بیش‌برآورد ۷۵ درصدی نرخ ارز درآمد کشاورزان ۹۱ درصد افزایش پیدا کرد. از سال ۱۳۷۱ و با اجرای سیاست‌های آزادسازی نرخ ارز که ارزش پول ملی کاهش بسیاری پیدا کرد، اثر غیرمستقیم منفی شد. یعنی در دورهٔ جنگ تقویت پول ملی حمایت‌کنندهٔ تولیدکنندگان برنج و کاهش ارزش پول ملی موجب زیان شالیکاران در بازار برنج بود. در برنامهٔ دوم توسعه با کاهش انحراف نرخ ارز اثرغیرمستقیم کاهش پیدا کرد. به طوری که در سال ۱۳۷۶ کشاورزان زیان اندکی در پی اجرای سیاست‌های ارزی پرداخت کردند و درآمد آنان ۰/۷۲ درصد کمتر از دریافتی آنان در بازار جهانی شد. اما در دو سال پایانی این برنامه حمایت‌های برآمده از سیاست‌های ارزی به حدود ۴۸ درصد رسید، در حالی‌که انحراف نرخ ارز حدود ۳۰ درصد بود. در برنامهٔ سوم توسعه بیش‌برآورد ارزش ریال حمایت‌کنندهٔ شالیکاران بود، اما در برنامهٔ چهارم، حمایت قیمتی از تولیدکنندگان بر اثر سیاست‌های ارزی ۱۴/۱۲- درصد و انحراف نرخ ارز ۹/۷۵- درصد بود. بیشتر بودن اثرغیرمستقیم از انحراف نرخ ارز نقش مهم سیاست‌های ارزی را در حمایت از تولیدکنندگان برنج آشکار می‌کند. از این رو بیش‌برآورد نرخ ارز حقیقی نسبت به تعادلی در ترکیب با سیاست‌های بخشی اهمیت زیادی در حمایت از کشاورزان دارد. مقایسهٔ مقادیر مطلق اثر غیرمستقیم و اثر مستقیم در MPS٪ نیز نشان می‌دهد در سال‌های

نخست بررسی به دلیل انحراف زیاد نرخ ارز، اثرمستقیم بیشتر از اثر غیرمستقیم بوده است، که بیانگر نقش مهم‌تر سیاست‌های ارزی در چگونگی حمایت از تولیدکنندگان برنج در مقایسه با سیاست‌های بخشی است، در حالی که با کاهش انحراف نرخ ارز و افزایش تفاوت قیمت داخلی و جهانی سیاست‌های ارزی در مقایسه با سیاست‌های بخشی نقش کمتری داشته‌اند. همچنین پیش‌بینی می‌شود در سال‌های برنامهٔ پنجم توسعه، سیاست‌های بخشی در حمایت قیمتی از تولیدکنندگان اثرگذارتر باشد.

۲-۵-۲-۵ بررسی مقادیر حمایت کل از تولیدکنندگان برنج طی برنامه‌های توسعه

براساس آنچه در فصل‌های پیشین بیان شد، حمایت از تولیدکنندگان، حمایت‌های بازاری(MPS) و پرداخت‌های بودجه‌ای(BP) را در برمی‌گیرد که در بخش قبل حمایت‌های بازاری از محصول برنج تحلیل شد. پرداخت‌های بودجه‌ای اجراشده در ایران شامل یارانهٔ پرداختی به نهاده‌های کشاورزی(یارانهٔ کود شیمیایی، سموم و علف‌کش)، یارانهٔ انرژی(سوخت ماشین‌آلات کشاورزی) بیمهٔ محصولات و یارانهٔ تسهیلات است. این پرداخت‌ها کمتر به شکل پرداخت مستقیم یارانه و به طور معمول به شکل سیاست‌های قیمتی و توزیع نهادهٔ ارزان‌قیمت است. یارانهٔ پرداختی به نهاده‌های کود شیمیایی و علف‌کش براساس تفاوت قیمت داخلی و خارجی، مقدار مصرف نهاده برای محصول دیم و آبی و سطح زیرکشت با رابطهٔ زیر محاسبه می‌شود:

$$(p_w-p_d)\times Q\times A$$

که در آن p_d و p_w به ترتیب قیمت داخلی و قیمت خارجی تعدیل شده با نرخ ارز حقیقی یا تعادلی با افزودن هزینهٔ حمل و نقل نهاده‌ها، Q مقدار مصرف نهاده در هکتار بر حسب کیلوگرم و A سطح زیرکشت بر حسب هکتار است. با بیان این نکته

که براساس نظر کارشناسان مؤسسهٔ پژوهش‌ها و برنامه‌ریزی کشاورزی، انرژی مصرفی در تولید شلتوک برنج تنها انرژی مصرفی برای عملیات ماشینی است و برخلاف محصولات دیگر در کشت برنج از آب زیرزمینی که برای استحصال نیازمند برق و انرژی فسیلی است استفاده نمی‌شود، یارانهٔ انرژی نیز براساس رابطهٔ بالا محاسبه می‌شود. تسهیلات اعطایی بانک‌ها نیز تا پیش از سال ۱۳۸۴ و یکسان‌سازی نرخ سود تسهیلات بخش‌های مختلف اقتصاد، به صورت تسهیلات ارزان‌قیمت به کشاورزان پرداخت می‌شد که در محاسبه‌ها از تفاوت نرخ سود بخش کشاورزی و میانگین وزنی نرخ سود دیگر بخش‌های اقتصادی استفاده شده است.

نتایج این محاسبات در جدول (۳-۵-۲-۵) آمده است که براساس آن حمایت‌های بودجه‌ای در قیمت‌های ثابت سال ۱۳۸۴ به دلیل تغییرات سطح زیرکشت، کاهش تفاوت قیمت داخلی و خارجی انواع کود و سموم شیمیایی و افزایش تورم از ۷۶۶ میلیارد ریال در سال ۱۳۶۰ با شیب ملایم ابتدا افزایش و سپس به ۸۳۵ میلیارد ریال در سال ۱۳۸۹ کاهش پیدا کرده است. بیشترین حمایت بودجه‌ای دولت از شالیکاران در برنامهٔ اول توسعه رخ داده است. با توجه به این که حمایت‌های قیمتی تا سال ۱۳۷۶ منفی بوده است، بنابراین حمایت از تولیدکننده بیشتر از راه پرداخت‌های بودجه‌ای انجام پذیرفته‌است. حمایت از نهاده‌های کود و سم به تنهایی بیش از ۹۵ درصد حمایت‌های بودجه‌ای را شامل می‌شوند. از آنجا که بیشترین مصرف انرژی در بخش کشاورزی برای استحصال آب به‌کار می‌رود و برنج به دلیل کشت در مناطق مرطوب، از این نوع آب استفاده نمی‌کند، سهم یارانهٔ انرژی در تولید برنج اندک است. اما تفاوت قیمت داخلی و خارجی انرژی، افزایش سطح زیرکشت و توسعهٔ ماشین‌آلات موجب افزایش سهم سوخت در برنامهٔ چهارم به حدود ۲۰ درصد شده است.

جدول ۳-۵-۲-۵) حمایت بودجه‌ای از تولیدکنندگان برنج در نرخ حقیقی ارز (میلیارد ریال- ثابت سال ۱۳۸۴) منبع: یافته‌های پژوهش

برنامه های توسعه	سال	نهاده های کود و سم	انرژی	بیمه	تسهیلات بانکی	کل حمایت بودجه ای	سهم نهاده های کود و سم(٪)	سهم انرژی(٪)
دورهٔ جنگی	۱۳۶۰	۷۴۳/۰۹	۱۶/۷۹	۰/۰۰	۷/۱۰	۷۶۶/۹۸	۹۶/۸۸	۲/۱۹
	۱۳۶۱	۱۰۰۲/۲۳	۱۹/۳۴	۰/۰۰	۶/۴۴	۱۰۳۴/۴۴	۹۶/۸۹	۱/۸۷
	۱۳۶۲	۱۲۰۰/۳۷	۱۶/۵۹	۰/۰۰	۶/۵۵	۱۲۳۰/۰۵	۹۷/۵۹	۱/۳۵
	۱۳۶۳	۱۶۸۱/۶۱	۲۴/۴۰	۰/۰۰	۱۵/۵۶	۱۷۳۷/۱۲	۹۶/۸۰	۱/۴۰
	۱۳۶۴	۱۴۶۴/۷۳	۳۱/۰۳	۰/۰۰	۱۹/۵۵	۱۵۳۴/۸۶	۹۵/۴۳	۲/۰۲
	۱۳۶۵	۱۹۴۹/۷۰	۳۹/۳۹	۰/۰۰	۱۴/۴۹	۲۰۱۸/۰۷	۹۶/۶۱	۱/۹۵
	۱۳۶۶	۱۷۹۴/۲۱	۴۸/۵۹	۰/۰۰	۱۵/۰۷	۱۸۷۲/۹۳	۹۵/۸۰	۲/۵۹
	۱۳۶۷	۱۶۹۸/۴۸	۳۲/۶۴	۰/۰۷	۱۱/۶۳	۱۷۵۴/۴۵	۹۶/۸۱	۱/۸۶
	میانگین	۱۴۴۱/۸۰	۲۸/۵۹	۰/۰۱	۱۲/۰۵	۱۴۹۳/۶۱	۹۶/۶۰	۱/۹۰
برنامهٔ اول توسعهٔ اقتصادی و اجتماعی	۱۳۶۸	۱۱۹۰/۰۰	۴۹/۱۶	۰/۴۴	۱۳/۱۷	۱۲۶۵/۹۶	۹۴/۰۰	۳/۸۸
	۱۳۶۹	۲۶۶۶/۱۷	۷۸/۸۴	۰/۱۹	۲۷/۹۴	۲۸۰۱/۰۷	۹۵/۱۸	۲/۸۱
	۱۳۷۰	۲۵۴۳/۱۷	۶۶/۹۷	۰/۵۹	۴۰/۹۰	۲۶۹۲/۵۲	۹۴/۴۵	۲/۴۹
	۱۳۷۱	۲۵۱۹/۹۶	۵۶/۶۴	۰/۵۰	۲۹/۶۴	۲۶۳۶/۳۷	۹۵/۵۸	۲/۱۵
	۱۳۷۲	۱۵۵۹/۴۶	۴۷/۳۶	۰/۴۲	۱۶/۱۶	۱۶۳۹/۵۷	۹۵/۱۱	۲/۸۹
	۱۳۷۳	۱۴۱۶/۰۷	۶۱/۲۰	۰/۶۰	۱۶/۵۹	۱۵۱۱/۰۴	۹۳/۷۱	۴/۰۵
	میانگین	۱۹۸۲/۴۷	۶۰/۰۳	۰/۴۶	۲۴/۰۷	۲۰۹۱/۰۹	۹۴/۶۸	۳/۰۵
برنامهٔ دوم توسعهٔ اقتصادی و اجتماعی	۱۳۷۴	۱۴۱۰/۲۳	۶۷/۳۹	۰/۵۷	۱۳/۸۱	۱۵۰۵/۸۱	۹۳/۶۵	۴/۴۸
	۱۳۷۵	۷۵۸/۳۳	۷۹/۹۸	۰/۵۸	۱۶/۷۷	۸۷۲/۴۲	۸۶/۹۲	۹/۱۷
	۱۳۷۶	۳۸۸/۰۱	۵۷/۵۶	۰/۹۱	۱۸/۰۰	۴۸۲/۴۸	۸۰/۴۲	۱۱/۹۳
	۱۳۷۷	۱۰۳۲/۰۸	۶۰/۲۴	۰/۲۲	۱۹/۸۰	۱۱۳۲/۱۳	۹۱/۱۶	۵/۳۲
	۱۳۷۸	۱۵۷۸/۰۲	۱۰۰/۲۳	۱/۹۳	۲۳/۱۲	۱۷۲۶/۴۳	۹۱/۴۰	۵/۸۱
	میانگین	۱۰۳۳/۳۳	۷۳/۰۸	۰/۸۴	۱۸/۳۰	۱۱۴۳/۸۶	۸۸/۷۱	۷/۳۴
برنامهٔ سوم توسعهٔ اقتصادی و اجتماعی	۱۳۷۹	۱۶۴۱/۸۲	۹۰/۵۹	۱/۶۷	۳۱/۴۱	۱۷۹۶/۹۰	۹۱/۳۷	۵/۰۴
	۱۳۸۰	۱۱۲۶/۰۲	۶۱/۱۳	۱/۰۹	۲۹/۰۰	۱۲۴۶/۲۵	۹۰/۳۵	۴/۹۰
	۱۳۸۱	۱۱۸۶/۷۶	۱۰۳/۷۶	۸/۶۳	۳۳/۲۰	۱۳۶۵/۵۶	۸۶/۹۱	۷/۶۰
	۱۳۸۲	۹۵۳/۰۶	۱۱۸/۸۰	۱۶/۶۷	۳۸/۴۵	۱۱۶۵/۴۵	۸۱/۷۸	۱۰/۱۹
	۱۳۸۳	۸۳۵/۸۳	۱۲۹/۵۵	۳۴/۵۱	۳۵/۵۱	۱۰۷۰/۹۲	۷۸/۰۵	۱۲/۱۰
	میانگین	۱۱۴۸/۷۰	۱۰۰/۷۷	۱۲/۵۱	۳۳/۵۲	۱۳۲۹/۰۲	۸۵/۶۹	۷/۹۷
برنامهٔ چهارم توسعهٔ اقتصادی و اجتماعی	۱۳۸۴	۴۸۴/۱۱	۱۸۴/۰۰	۱۷/۴۹	۰/۰۰	۶۸۵/۶۰	۷۰/۶۱	۲۶/۸۴
	۱۳۸۵	۶۴۲/۰۳	۱۷۵/۱۵	۵۵/۵۴	۰/۰۰	۸۷۲/۷۲	۷۳/۵۷	۲۰/۰۷
	۱۳۸۶	۶۱۳/۱۹	۲۰۸/۹۱	۵۷/۱۰	۰/۰۰	۸۷۹/۲۱	۶۹/۷۴	۲۳/۷۶
	۱۳۸۷	۵۲۸/۱۷	۱۲۰/۲۷	۴۳/۸۰	۰/۰۰	۶۹۲/۲۴	۷۶/۳۰	۱۷/۳۷
	۱۳۸۸	۵۳۱/۶۲	۱۱۹/۶۰	۵۹/۴۲	۰/۰۰	۷۱۰/۶۴	۷۴/۸۱	۱۶/۸۳
	۱۳۸۹	۶۳۱/۴۱	۱۴۱/۰۲	۶۲/۶۵	۰/۰۰	۸۳۵/۰۸	۷۵/۶۱	۱۶/۸۹
	میانگین	۵۷۱/۷۶	۱۵۸/۱۶	۴۹/۳۳	۰/۰۰	۷۷۹/۲۵	۷۳/۴۴	۲۰/۲۹
پیش بینی برنامهٔ پنجم توسعهٔ اقتصادی و اجتماعی	۱۳۹۰	۹۶۸/۲۲	۱۳۰/۰۰	۴۸/۳۳	۰/۰۰	۱۱۴۶/۵۵	۸۴/۴۵	۱۱/۳۴
	۱۳۹۱	۱۳۱۰/۱۲	۱۷۵/۲۹	۴۴/۴۴	۰/۰۰	۱۵۲۹/۸۵	۸۵/۶۴	۱۱/۴۶
	۱۳۹۲	۱۳۵۷/۱۱	۱۹۲/۴۹	۳۹/۲۰	۰/۰۰	۱۵۸۸/۸۱	۸۵/۴۲	۱۲/۱۲
	۱۳۹۳	۱۴۸۹/۴۶	۲۱۰/۸۹	۳۵/۶۶	۰/۰۰	۱۷۳۶/۰۱	۸۵/۸۰	۱۲/۱۵
	۱۳۹۴	۱۷۴۲/۲۹	۲۴۶/۵۷	۳۲/۱۰	۰/۰۰	۲۰۲۰/۹۷	۸۶/۲۱	۱۲/۲۰
	میانگین	۱۳۷۳/۴۴	۱۹۱/۰۵	۳۹/۹۵	۰/۰۰	۱۶۰۴/۴۴	۸۵/۵۰	۱۱/۸۵

حمایت به شکل تسهیلات بانکی در برنامهٔ سوم توسعه بیشترین مقدار را داشته و در سال پایانی برنامهٔ سوم به ۳۵ میلیارد ریال به قیمت ثابت سال ۱۳۸۴ رسیده است. پرداخت سهم دولت در بیمهٔ محصول برنج نیز پس از آغاز در سال ۱۳۶۷، تا سال ۱۳۸۱ رشد کمی داشت، اما پس از آن تا پایان برنامهٔ چهارم با رشد افزایشی از ۸/۶ میلیارد ریال به قیمت‌های ثابت سال ۱۳۸۴ در سال ۱۳۸۱ به ۶۲/۶ میلیارد ریال در سال ۱۳۸۹ رسید. استفاده از تنها سه مورد (یارانه به مصرف نهاده‌ها، بیمهٔ محصولات و یارانهٔ تسهیلات) از هفت نوع پرداخت بودجه‌ای رایج کشورهای مختلف جهان، در ایران بیانگر تنوع اندک سیاست‌های حمایتی در ایران در مقایسه با بسیاری از کشورها، به ویژه کشورهای عضو سازمان توسعه و همکاری‌های اقتصادی است.

همان‌طور که در نمودار (۲-۵-۲-۵) مشاهده می‌شود، پرداخت‌های بودجه‌ای با نوسان مداوم همراه بوده است و به دنبال یک دوره افزایش در سال‌های پایانی جنگ و سال‌های نخست پس از آن، تا سال ۱۳۷۶ روندی نزولی داشته است. در سال‌های پایانی برنامهٔ دوم با افزایش تولید حمایت‌های بودجه‌ای افزایش پیدا کرد. اما در برنامهٔ سوم و چهارم با وجود افزایش یارانهٔ بیمه و تسهیلات بانکی در برنامهٔ سوم حمایت از کشاورزان به دلیل افزایش سطح عمومی قیمت‌ها روند کاهشی داشت.

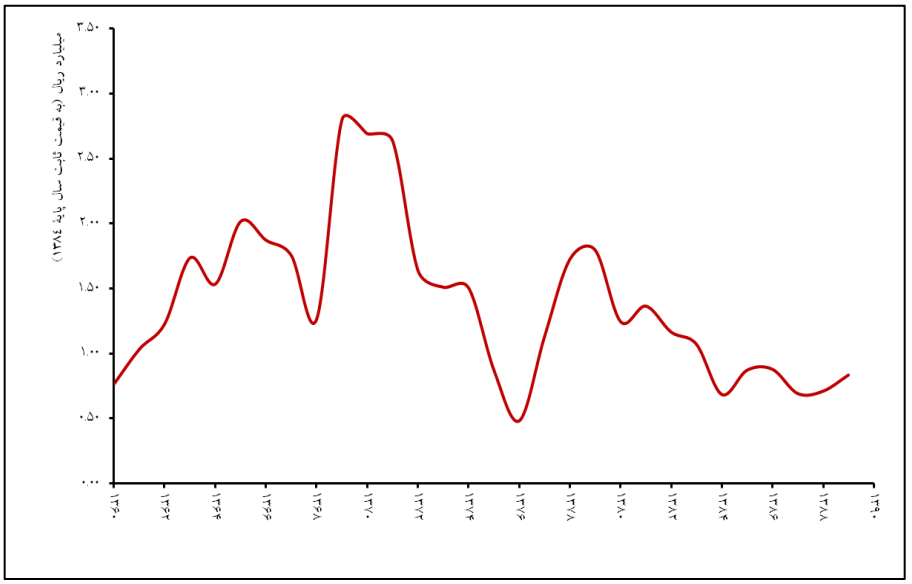

نمودار ۲-۵-۲-۵) نمودار روند پرداخت‌های بودجه‌ای دولت‌ها طی برنامه‌های مختلف توسعه

پس از بررسی اجزای حمایت از تولیدکننده، یعنی حمایت قیمتی و پرداخت‌های بودجه‌ای در جدول (۴-۵-۲-۵) نتایج محاسبهٔ شاخص‌های حمایت از تولیدکننده آمده است. در این جدول نیز مانند جدول (۲-۱۱-۵) انحراف نرخ ارز حقیقی از تعادلی در کنار شاخص‌های حمایت از تولیدکنندگان (PSE) در برنامه‌های توسعهٔ ایران بررسی می‌شود. میانگین انحراف نرخ ارز در دورهٔ جنگ و برنامه‌های دوم و سوم توسعه مثبت بوده و بیش‌برآورد ارزش حقیقی ریال نسبت به ارزش تعادلی آن را نشان می‌دهد.

یکی از هدف‌های این پژوهش محاسبهٔ اثر سیاست‌های ارزی و انحراف نرخ ارز بر مقادیر شاخص‌های حمایت از تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان (٪PSE، ٪MPS و ٪CSE) کالاهای بخش کشاورزی است. همان‌طور که بیان شد، اثر مستقیم بیانگر وضعیت موجود حمایت از تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان برنج بر اثر سیاست‌های

در حال اجرای بخش کشاورزی و ارزی است. اثر کل، حمایت از آنان را در شرایط اعمال نرخ ارز تعادلی برآمده از متغیرهای کلان اقتصادی در بلندمدت نشان می‌دهد. اثرغیرمستقیم حمایت از تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان را در دو نظام ارزی حقیقی و تعادلی مقایسه می‌کند و نشان می‌دهد اثر سیاست‌های ارزی در چگونگی رقابت‌پذیری بلندمدت برنج نسبت به رقبای جهانی است. اگر این شاخص منفی باشد به این معنی است که سیاست‌های ارزی از سطح رقابت‌پذیری بلندمدت برنج‌کاران ایرانی کاسته است و برعکس.

شاخص برآورد حمایت از تولیدکننده (PSE) که مجموع حمایت از قیمت بازاری(MPS) و حمایت‌های بودجه‌ای(BP) را نشان می‌دهد در جدول (۴-۵-۲-۵)، بیانگر آن است که سیاست‌های حمایتی با وجود نوسان مداوم، اغلب حمایت‌کنندهٔ شالیکاران بوده است و آنان تنها در سال‌های ۱۳۶۰، ۱۳۶۸، ۱۳۷۵ و ۱۳۷۶ به دلیل اندک بودن قیمت داخلی زیان کرده‌اند. براساس قیمت‌های ثابت سال ۱۳۸۴، مقدار حمایت‌ها از ۲۶۵۸- در دوران جنگ به ۵۷۳۲ میلیارد ریال در برنامهٔ سوم توسعه افزایش یافته و در برنامهٔ چهارم با کاهش تفاوت قیمت داخلی و خارجی برنج به دلیل کاهش ارزش پول ملی حمایت از کشاورزان کاهش پیدا کرده است. بررسی اثرمستقیم در دوره‌های اجرای سیاست‌های ارزی نشان می‌دهد در سال ۱۳۷۱، پس از اجرای سیاست‌های آزادسازی، حمایت مثبت از کشاورزان افزایش پیدا کرد و در سال ۱۳۸۱ با اجرای سیاست شناورسازی نرخ ارز، یکی از بیشترین حمایت‌ها از شالیکاران در طی سه دهه ۱۳۸۹-۱۳۶۰ انجام پذیرفت که نشان‌دهندهٔ نقش این سیاست‌ها در کارکرد حمایت‌های بودجه‌ای و قیمتی و تقویت رقابت‌پذیری تولیدکنندگان است. مقایسهٔ نتایج جدول‌های (۴-۵-۲-۵)، (۳-۵-۲-۵) و (۲-۵-۲-۵) نشان می‌دهد سهم حمایت‌های قیمتی به جز پنج سال در دورهٔ جنگ و برنامهٔ اول توسعه در کل حمایت از تولیدکننده بیشتر از حمایت‌های بودجه‌ای بوده

است. از آنجا که سهم سوخت در حمایت بودجه‌ای برنج کم است، حمایت بودجه‌ای برنج در پی تفاوت قیمت سوخت در داخل با قیمت جهانی، رشد زیادی نداشته و حمایت از تولیدکنندگان بیشتر تحت تأثیر حمایت‌های قیمتی بوده است.

در جدول (۴-۵-۲-۵) شاخص حمایت از تولیدکنندگان براساس نرخ ارز تعادلی(اثرکل) تا آغاز اجرای سیاست‌های آزادسازی در برنامهٔ اول توسعه، مثبت بود و پس از آن با کم‌برآورد ارزش ریال کشاورزان ناگزیر از پرداخت مالیات پنهان شدند. در سال ۱۳۷۴ با وجود کاهش ارزش ریال کشاورزان با اعمال نرخ ارز تعادلی بلندمدت اقتصاد ایران حمایت دریافت کردند. از سال ۱۳۷۷ با بیش‌برآورد ارزش ریال شالیکاران درآمد بیشتری نسبت به رقبای جهانی به دست آوردند که نشان می‌دهد در برنامهٔ سوم توسعه با تأثیر متغیرهای بنیادین اقتصاد ایران رقابت‌پذیری برنج‌کاران بیشتر تقویت می‌شد. دریافتی شالیکاران با اعمال نرخ ارز تعادلی، در پی اجرای سیاست‌های ارزی و بخشی در برنامهٔ چهارم توسعه، به طور میانگین ۳۰۶۴ میلیارد ریال به قیمت ثابت سال ۱۳۸۴ است که اثر کم‌برآورد ارزش ریال را در حمایت از کشاورزان در مقایسه با برنامهٔ سوم توسعه نشان می‌دهد.

در ارزیابی سیاست‌های حمایتی از تولیدکنندگان، شاخص حمایت درصدی از تولیدکننده (PSE٪) مهم‌تر از شاخص برآورد حمایت از تولیدکننده (PSE) است؛ زیرا بیان درصدی این شاخص موجب می‌شود، تحت تأثیر عواملی مانند نرخ تورم، اندازه و ساختار بخش کشاورزی و اهمیت نسبی کالاها در بخش کشاورزی قرار نگیرد. بنابراین مقایسهٔ بهتری از حمایت را در طول زمان، بین کشورها و همچنین کالاهای مختلف، امکان‌پذیر می‌سازد. نتایج محاسبهٔ این شاخص با رهیافت تجارت‌محور در جدول (۴-۵-۲-۵) مشاهده می‌شود.

جدول ۴-۵ شاخص‌های حمایت از تولیدکنندگان برنج

برنامه های توسعه	درصد انحراف نرخ ارز	سال	ارزش اثرمستقیم به قیمت ثابت سال ۱۳۸۴ (میلیارد ریال)	ارزش اثر کل به قیمت ثابت سال ۱۳۸۴ (میلیارد ریال)	%PSE اثر مستقیم	%PSE اثر غیرمستقیم	%PSE اثر کل
دورهٔ جنگ	۲۶/۸۱	۱۳۶۰	-۴۲۱۴	-۱۹۲۸	-۳۴/۷۵	۱۴/۶۹	-۲۰/۰۶
	۳۸/۹۰	۱۳۶۱	۴۳۳۶	۶۶۳۷	۴۴/۳۷	۴۹/۱۱	۹۳/۴۸
	۳۸/۶۷	۱۳۶۲	۱۵۸۹	۳۳۸۹	۱۹/۶۹	۳۸/۰۷	۵۷/۷۶
	۴۷/۶۸	۱۳۶۳	۱۴۷۳	۴۱۳۹	۱۴/۱۹	۴۴/۱۱	۵۸/۳۰
	-۱۳/۱۶	۱۳۶۴	۳۱۶۱	۱۹۱۲	۳۰/۹۶	-۱۴/۶۴	۱۶/۳۲
	-۲/۷۱	۱۳۶۵	۹۲۴۷	۹۰۷۱	۱۰۵/۸۴	-۴/۷۵	۱۰۱/۰۹
	۷۵/۷۲	۱۳۶۶	۴۵۲۶	۷۸۰۱	۴۶/۰۳	۹۰/۳۴	۱۳۶/۳۷
	۸۹/۸۷	۱۳۶۷	۱۱۴۵	۳۹۷۰	۱۴/۲۵	۷۷/۰۷	۹۱/۳۲
	۳۷/۷۲	میانگین	۲۶۵۸	۴۳۷۴	۳۰/۰۷	۳۶/۷۵	۶۶/۸۲
برنامهٔ اول توسعهٔ اقتصادی و اجتماعی	۵۰/۶۲	۱۳۶۸	-۷۱۶	۳۳۲۴	-۵/۲۵	۴۱/۵۶	۳۶/۳۲
	-۴/۳۰	۱۳۶۹	۲۸۶۱	۲۴۸۲	۲۴/۵۶	-۴/۱۴	۲۰/۴۱
	-۱۰/۸۴	۱۳۷۰	۲۱۲۲	۸۲۴	۱۵/۲۶	-۹/۹۶	۵/۳۰
	-۴۷/۰۳	۱۳۷۱	۳۶۸۰	-۳۷۶۰	۳۱/۷۷	-۴۹/۳۰	-۱۷/۵۲
	-۵۱/۴۱	۱۳۷۲	۷۸۰	-۷۸۵۰	۷/۴۶	-۴۴/۷۴	-۳۷/۲۸
	-۴۱/۲۹	۱۳۷۳	۱۴۹۴	-۴۲۲۸	۱۴/۱۷	-۳۸/۱۶	-۲۳/۹۹
	-۱۷/۳۸	میانگین	۱۷۰۳	-۱۵۳۵	۱۴/۶۶	-۱۷/۴۶	-۲/۷۹
برنامهٔ دوم توسعهٔ اقتصادی و اجتماعی	-۳۱/۹۷	۱۳۷۴	۶۲۱۵	۱۴۲۱	۵۰/۱۱	-۴۲/۲۵	۷/۸۶
	-۱۶/۱۸	۱۳۷۵	-۱۴۵۶	-۳۵۹۰	-۱۱/۳۶	-۱۲/۲۷	-۲۳/۶۳
	-۰/۸۹	۱۳۷۶	-۹۵۰	-۱۰۲۴	-۱۰/۰۱	-۰/۶۹	-۱۰/۷۰
	۳۳/۱۵	۱۳۷۷	۶۳۳۸	۸۵۵۲	۵۸/۶۶	۴۵/۳۵	۱۰۴/۰۱
	۲۹/۱۰	۱۳۷۸	۸۶۳۹	۱۰۱۹۱	۹۳/۵۳	۴۷/۳۶	۱۴۰/۸۹
	۲/۶۴	میانگین	۳۷۵۷	۳۱۱۰	۳۶/۱۹	۷/۵۰	۴۳/۶۸
برنامهٔ سوم توسعهٔ اقتصادی و اجتماعی	۱۶/۹۶	۱۳۷۹	۲۷۲۴	۳۳۲۱	۴۲/۱۷	۱۷/۵۱	۵۹/۶۸
	۱۶/۵۴	۱۳۸۰	۴۲۷۳	۴۷۶۵	۸۲/۱۲	۲۳/۷۱	۱۰۵/۸۳
	۱۲/۹۹	۱۳۸۱	۷۸۱۶	۸۳۷۱	۱۱۵/۰۸	۲۳/۱۴	۱۳۸/۲۳
	۳/۸۵	۱۳۸۲	۶۴۷۵	۶۶۵۵	۹۶/۹۹	۶/۲۶	۱۰۳/۲۵
	-۲/۷۹	۱۳۸۳	۷۳۷۵	۷۲۶۲	۱۳۲/۶۴	-۵/۴۰	۱۲۷/۲۳
	۹/۵۱	میانگین	۵۷۳۲	۶۰۷۵	۹۳/۸۰	۱۳/۰۴	۱۰۶/۸۴
برنامهٔ چهارم توسعهٔ اقتصادی و اجتماعی	-۶/۱۸	۱۳۸۴	۴۳۵۰	۴۰۴۶	۷۳/۰۳	-۹/۰۴	۶۳/۹۹
	-۱۰/۷۰	۱۳۸۵	۴۵۲۹	۴۰۸۸	۸۸/۲۹	-۱۶/۵۸	۷۱/۷۰
	-۱۳/۰۹	۱۳۸۶	۵۶۵۴	۵۰۷۳	۱۰۵/۷۶	-۲۲/۴۶	۸۳/۳۰
	-۷/۷۴	۱۳۸۷	۲۵۴۴	۲۲۱۶	۴۹/۱۱	-۹/۴۸	۳۹/۶۴
	-۳/۳۲	۱۳۸۸	۱۵۹۲	۱۳۹۳	۲۳/۱۵	-۳/۵۵	۱۹/۶۱
	-۱۷/۴۵	۱۳۸۹	۲۶۳۵	۱۵۶۹	۴۱/۱۸	-۲۰/۷۷	۲۰/۴۱
	-۹/۷۵	میانگین	۳۵۵۱	۳۰۶۴	۶۳/۴۲	-۱۳/۶۵	۴۹/۷۷
پیش نویس برنامهٔ پنجم توسعهٔ اقتصادی و اجتماعی	-۱۹/۲۲	۱۳۹۰	۳۷۲۲	۳۰۴۶	۸۷/۰۷	-۲۸/۶۴	۵۸/۴۳
	-۲۱/۱۴	۱۳۹۱	۲۴۶۱	۱۴۹۸	۴۵/۷۱	-۲۳/۵۱	۲۲/۲۱
	-۲۳/۰۷	۱۳۹۲	۱۷۳۰	۵۵۶	۳۰/۱۱	-۲۲/۵۸	۷/۵۳
	-۲۴/۹۸	۱۳۹۳	۱۳۸۷	۹۵	۲۳/۷۴	-۲۲/۵۲	۱/۲۳
	-۲۲/۰۹	۱۳۹۴	۸۲۳	-۳۴۱	۱۲/۹۹	-۱۷/۲۲	-۴/۲۳
	-۲۲/۱۰	میانگین	۲۰۲۴	۹۷۱	۳۹/۹۳	-۲۲/۸۹	۱۷/۰۳

منبع: یافته‌های پژوهش

همان‌طور که پیشتر بیان شد در رهیافت تجارت‌محور، مقدار حمایت نسبت به دریافتی‌های تولیدکننده برحسب قیمت جهانی محصول اندازه‌گیری می‌شود. برای مثال، میانگین ۳۰+ درصد شاخص PSE٪ که با رهیافت تجارت‌محور و نرخ حقیقی ارز برای دورهٔ جنگ محاسبه شده است، نشان می‌دهد مقدار دریافتی تولیدکننده ۳۰ درصد از آنچه می‌توانست با فروش محصولش با قیمت جهانی به دست آورد، بیشتر بوده است. به بیان دیگر، سیاست‌های حمایتی در این دوره موجب شده است تولیدکننده ۳۰٪ از درآمدی را که در شرایط بدون چنین سیاست‌هایی می‌توانست به دست آورد به شکل نوعی حمایت دریافت کند. میانگین این شاخص با نرخ ارز حقیقی در برنامهٔ چهارم توسعه ۶۳ درصد برآورد شده است؛ یعنی کشاورز در طول این برنامه با اجرای سیاست‌های ارزی و بخشی به اندازهٔ ۶۳ درصد از درآمدی که در صورت فروش محصول با قیمت جهانی به دست می‌آورد، حمایت شده است و دریافتی او نسبت به بازار جهانی افزایش پیدا کرده است. در دورهٔ جنگ به علت اهمیت برنج در سبد غذایی خانوار، سیاست‌ها به منظور کمتر نگه داشتن قیمت داخلی آن بود، اما کم بودن قیمت جهانی موجب حمایت از کشاورزان شد؛ در سال‌های بعد نیز به دلیل اهمیت برنج در سبد مصرف و کاهش وابستگی به واردات با اجرای سیاست‌های قیمتی و حمایت‌های بودجه‌ای حمایت از شالیکاران ادامه پیدا کرد. در برنامهٔ دوم توسعه با وجود دو سال حمایت منفی از تولیدکنندگان، میانگین حمایت از آنان با افزایش حمایت‌ها در دو سال پایانی افزایش پیدا کرد. در برنامهٔ سوم توسعه با وجود کاهش حمایت‌های بودجه‌ای کشاورزان حدود دو برابر ارزش محصول خود در بازار جهانی درآمد به دست آوردند. در برنامهٔ چهارم با افزایش قیمت جهانی و کاهش ارزش ریال در سال‌های پایانی میانگین حمایت از کشاورزان کاهش پیدا کرد و پیش‌بینی می‌شود در پی اجرای سیاست‌های بخشی در برنامهٔ پنجم توسعه حمایت از شالیکاران روند کاهشی داشته باشد. در سال نخست اجرای

سیاست یکسان‌سازی نرخ ارز، دریافتی برآمده از سیاست‌های حمایتی بخشی و ارزی کشاورزان ۲/۱۵ برابر ارزش تولید برحسب قیمت جهانی تعدیل شده با نرخ ارز حقیقی بوده است که برابر ۱۱۵ درصد، بیشترین حمایت در طول ۳۰ سال پس از سال ۱۳۸۳ است.

میانگین اثر کل حمایت قیمتی که مجموع اثر سیاست‌های بخشی و کلان اقتصادی (سیاست‌های ارزی) در حمایت از تولیدکنندگان برنج را نشان می‌دهد مانند اثرمستقیم نوسان زیادی دارد. با اجرای سیاست‌های آزادسازی در سال ۱۳۷۱ اعمال نرخ تعادلی ارز به زیان کشاورزان بوده و آنان را ناگزیر از پرداخت مالیات پنهان می‌کرده است. در برنامه‌های دوم تا چهارم حمایت از کشاورزان مثبت ارزیابی شده است، به طوری که برنج‌کاران به ترتیب ۴۳، ۱۰۶ و ۴۹ درصد بیشتر از رقبای جهانی خود درآمد کسب کرده‌اند که علت آن بهبود حمایت‌های قیمتی و بیش‌برآورد ارزش ریال در برنامهٔ سوم است.

میانگین اثر غیرمستقیم PSE٪ که نشان‌دهندهٔ اثر سیاست‌های ارزی بر مقدار حمایت از تولیدکنندگان برنج است، در دورهٔ جنگ و برنامه‌های دوم و سوم توسعه مثبت و در دیگر برنامه‌ها منفی بوده است. بیشترین حمایت برآمده از سیاست‌های ارزی در دورهٔ جنگ و بیشترین اثر منفی در برنامهٔ اول رخ داده است. در دورهٔ جنگ و برنامه‌های دوم و سوم توسعه که نرخ ارز حقیقی بیشتر از نرخ ارز تعادلی و انحراف نرخ ارز مثبت بوده است، بیش‌برآورد ارزش ریال موجب حمایت از تولیدکنندگان شده است. در برنامه‌های اول و چهارم توسعه، سیاست‌های ارزی تضعیف‌کنندهٔ اثر سیاست‌های بخشی بوده است، به‌طوری که مقادیر مثبت اثرمستقیم با اثر منفی سیاست‌های ارزی خنثی شده و تولیدکنندگان را در رقابت در بازار جهانی تضعیف کرده است. در دیگر برنامه‌های توسعه، سیاست‌های ارزی اثر سیاست‌های بخشی را تقویت کرده است. به طوری که در دورهٔ جنگ و برنامه‌های دوم و سوم توسعه اثر

مثبت این سیاست‌ها، حمایت‌های بخش کشاورزی از تولیدکنندگان را پشتیبانی کرده است. دربارهٔ PSE٪، مقادیر مطلق میانگین اثرمستقیم در سال‌های نخست بررسی به دلیل انحراف زیاد نرخ ارز، کمتر از اثر غیرمستقیم بوده است که اثر سیاست‌های کلان، به‌ویژه سیاست‌های ارزی را در حمایت از شالیکاران آشکار می‌کند.

۳-۵-۲-۵ بررسی مقادیر حمایت از مصرف‌کنندگان برنج طی برنامه‌های توسعه

در محاسبهٔ شاخص حمایت از مصرف‌کنندگان از انتقال‌های قیمتی از مصرف‌کنندگان به تولیدکنندگان، مالیات‌دهندگان به مصرف‌کنندگان و دیگر انتقال‌ها به مصرف‌کنندگان استفاده می‌شود. انتقال از مالیات‌دهندگان به مصرف‌کنندگان که در ردیف پرداخت‌های بودجه‌ای دولت توسط سازمان حمایت از تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان قرار می‌گیرد، تا سال ۱۳۷۳ به طور پراکنده، اما از سال ۱۳۷۳ تاکنون به طور مداوم انجام می‌پذیرد. در جدول (۶-۵-۲-۵) مقادیر شاخص حمایت درصدی مصرف‌کنندگان برنج (CSE٪) طی دورهٔ مورد بررسی (۸۹-۱۳۶۰) گزارش شده است.

جدول ۶-۵-۲-۵) شاخص‌های حمایت از مصرف‌کنندگان برنج

برنامه های توسعه	درصد انحراف نرخ ارز	سال	ارزش اثرمستقیم به قیمت ثابت سال ۱۳۸٤ (میلیارد ریال)	ارزش اثر کل به قیمت ثابت سال ۱۳۸٤	%CSE اثر مستقیم	%CSE اثر غیرمستقیم	%CSE اثر کل
دورهٔ جنگ	۲٦/۸۱	۱۳٦۰	۷۲۱۵	۳۵٦۷	٤۱/۰۸	-۱۵/٤۵	۲۵/٦۳
	۳۸/۹۰	۱۳٦۱	-٤۳٤۷	-۷۸٦۵	-۳۳/۷۸	-۵۰/۳٦	-۸٤/۱٤
	۳۸/٦۷	۱۳٦۲	-٤۸۲	-٤۰٤۸	-۳/٦۹	-۳۸/۹۳	-٤۲/٦۲
	٤۷/٦۸	۱۳٦۳	۳۹۵	-٤۵۱٦	۲/۵٤	-٤۵/۰٦	-٤۲/۵۲
	-۱۳/۱٦	۱۳٦٤	-۲۲۲۸	-۱٦۳	-۱۵/۹۳	۱٤/۹۲	-۱/۰۲
	-۲/۷۱	۱۳٦۵	-۹۵۲۱	-۹۲۱۰	-۸۲/۷٤	٤/۸۱	-۷۷/۹۳
	۷۵/۷۲	۱۳٦٦	-٤۱۰۳	-۱۰٤٦۲	-۲٦/۹۸	-۹۱/۳۱	-۱۱۸/۳۰
	۸۹/۸۷	۱۳٦۷	۷۲۹	-۳۵۷۰	۷/۷۸	-۷۸/۲٦	-۷۰/٤۷
	۳۷/۷۲	میانگین	-۱۵٤۳	-٤۵۳۳	-۱۳/۹۷	-۳۷/٤۵	-۵۱/٤۲
برنامهٔ اول توسعهٔ اقتصادی و اجتماعی	۵۰/٦۲	۱۳٦۸	۳۱۲۳	-۳۹۵۰	۱٤/۵۳	-٤۱/۹۲	-۲۷/۳۹
	-٤/۳۰	۱۳٦۹	-۳۹	٦۵۷	-۰/۲۵	٤/۱۹	۳/۹٤
	-۱۰/۸٤	۱۳۷۰	۷۵٦	۲۹۲۰	٤/۱۱	۱۰/۰۸	۱٤/۱۹
	-٤۷/۰۳	۱۳۷۱	-۱۵٤۵	۱۳۰۷۱	-۹/۰۱	۵۰/۱۷	٤۱/۱٦
	-۵۱/٤۱	۱۳۷۲	۱۳۸۸	۱۸۵۰۱	۸/۲۲	٤٦/۱۹	۵٤/٤۱
	-٤۱/۲۹	۱۳۷۳	۸٤۲	۹٦٦٤	٦/٤۱	۳۷/۵۹	٤٤/۰۰
	-۱۷/۳۸	میانگین	۷۵٤	٦۸۱۱	٤/۰۰	۱۷/۷۲	۲۱/۷۲
برنامهٔ دوم توسعهٔ اقتصادی و اجتماعی	-۳۱/۹۷	۱۳۷٤	-۷۸۳٤	۲۷۵۸	-۳۳/۸۳	٤۲/۰۰	۸/۱۷
	-۱٦/۱۸	۱۳۷۵	٤۲۱۸	۷۸۲۲	۲۱/۷۳	۱۲/۲۵	۳۳/۹۸
	-۰/۸۹	۱۳۷٦	۲۱۲۹	۲۲۳۷	۱۷/۰۲	۰/۷۱	۱۷/۷۲
	۳۳/۱۵	۱۳۷۷	-٦۱٦۰	-۹٤۲٤	-٤۵/۰۹	-٤۵/۵۵	-۹۰/٦٤
	۲۹/۱۰	۱۳۷۸	-۹٦۸۵	-۱۲۵۵۵	-۷۳/۱۹	-٤۷/۹۷	-۱۲۱/۱٦
	۲/٦٤	میانگین	-۳٤٦٦	-۱۸۳۳	-۲۲/٦۷	-۷/۷۱	-۳۰/۳۹
برنامهٔ سوم توسعهٔ اقتصادی و اجتماعی	۱٦/۹٦	۱۳۷۹	-۱٤۹۱	-۳۰۱۱	-۱۳/٦۱	-۱۸/۳۱	-۳۱/۹۲
	۱٦/۵٤	۱۳۸۰	-٤۳۷٦	-۵٤۰٤	-۵۷/۲۹	-۲٤/٤٦	-۸۱/۷۵
	۱۲/۹۹	۱۳۸۱	-۹۱۲۱	-۱۰۱۹۲	-۹۲/۲۱	-۲۳/۳٤	-۱۱۵/۵۵
	۳/۸۵	۱۳۸۲	-۷٤۹۰	-۷۸۳۳	-۷۵/۳۱	-٦/۲٦	-۸۱/۵۷
	-۲/۷۹	۱۳۸۳	-۸۵۸۷	-۸۳۵۲	-۹۷/۰۱	۵/۱۰	-۹۱/۹۱
	۹/۵۱	میانگین	-٦۲۱۳	-٦۹۵۹	-٦۷/۰۹	-۱۳/٤۵	-۸۰/۵٤
برنامهٔ چهارم توسعهٔ اقتصادی و اجتماعی	-٦/۱۸	۱۳۸٤	-۳۷٤۲	-۳۱۳۹	-۳۸/۰٦	۷/۹۸	-۳۰/۰۸
	-۱۰/۷۰	۱۳۸۵	-۳۳۷۷	-۲٤۳٤	-۳۹/۸۹	۱٤/۰۳	-۲۵/۸٦
	-۱۳/۰۹	۱۳۸٦	-۵۳۱۷	-٤۱٦۷	-٦٤/۳٤	۲۰/۰۸	-٤٤/۲۵
	-۷/۷٤	۱۳۸۷	-۷۳۹	۳	-۷/۸۹	۷/۹۲	۰/۰۳
	-۳/۳۲	۱۳۸۸	۳٤	۳۸۵	۰/۳۲	۳/۱۹	۳/۵۱
	-۱۷/٤۵	۱۳۸۹	-۲٤۱٤	-۲۳۷	-۲۲/۳۷	۲۰/۵٤	-۱/۸۳
	-۹/۷۵	میانگین	-۲۵۹۳	-۱۵۹۸	-۲۸/۷۱	۱۲/۲۹	-۱٦/٤۲
پیش بینی برنامهٔ پنجم توسعهٔ اقتصادی و اجتماعی	-۱۹/۲۲	۱۳۹۰	-۳۸۹۲	-۲۲۹۰	-۵۳/۳۵	۲۷/٦۰	-۲۵/۷٤
	-۲۱/۱٤	۱۳۹۱	-۱۱۷۲	۱۱۸۱	-۱۲/٦۱	۲۲/۷٤	۱۰/۱٤
	-۲۳/۰۷	۱۳۹۲	۱۳٦	۳۰۰۵	۱/۳٦	۲۱/۹۰	۲۳/۲٦
	-۲٤/۹۸	۱۳۹۳	۹۵۵	٤۲۵۰	۹/۲۳	۲۱/۹۲	۳۱/۱۵
	-۲۲/۰۹	۱۳۹٤	۲٤٤۹	۵۵۵۰	۲۱/۵۵	۱٦/۸۲	۳۸/۳۷
	-۲۲/۱۰	میانگین	-۳۰۵	۲۳۳۹	-٦/۷٦	۲۲/۲۰	۱۵/٤٤

منبع: یافته‌های پژوهش

همان‌طور که پیش از این مشاهده شد، انحراف نرخ ارز تا سال ۱۳۶۸ بـه جـز دو سال مثبت بود و پس از آن با اجرای سیاست‌های آزادسازی تا سال ۱۳۷۶ نرخ واقعی ریال کمتر از نرخ تعادلی آن برآورد شد. از ایـن سـال بـا بـیش‌بـرآورد ارزش ریـال، انحراف نرخ ارز روند کاهشی پیدا کرد و در سال ۱۳۸۳ بـا کـاهش چشـمگیر ارزش تعادلی پول ملی نسـبت ارزش حقیقـی آن انحـراف نـرخ ارز منفـی شـد. همچنـین پیش‌بینی می‌شود روند کم‌برآورد ارزش حقیقی ریال در برنامهٔ پنجم توسعه نیز ادامه پیدا کند.

بررسی ارزش حمایت مستقیم از مصرف‌کنندگان برنج برحسب قیمت‌هـای ثابـت سال ۱۳۸۴، بیانگر آن است که حمایت از مصرف‌کنندگان روند کاهشی و پرنوسـانی داشته است، به طوری که از ۱۵۴۳- میلیارد ریال در دورهٔ جنگ به ۲۵۹۳- میلیـارد ریال در برنامهٔ چهارم رسیده است. حمایـت از مصـرف‌کننـدگان بـرنج کـه بـه طـور مستقیم خانوارها هستند، در بیشتر سال‌های دورهٔ جنگ و برنامه‌های سوم و چهـارم توسعه منفی بوده است و اجرای سیاست‌های شناورسازی نـرخ ارز و افـزایش قیمـت داخلی مصرف‌کنندگان برنج را ناگزیر از پرداخت مالیات پنهان کرده است. به طـوری که پرداخت‌های بودجه‌ای دولت نیز جبران‌کنندهٔ ان نبوده است.

حمایت از آنان برحسب نرخ ارز تعادلی نیز روندی مشابه داشته است و با اعمـال نرخ ارز تعادلی و بدون سیاست‌های ارزی و بخشی، مصرف برنج خانوار در دهـه‌هـای ۱۳۶۰ و ۱۳۸۰ حمایت نمی‌شد. در دورهٔ جنگ مالیات تحمیلی بر مصـرف‌کننـدگان برنج نوسـان زیـادی داشـت و در برنامـهٔ سـوم بـا بـیش‌بـرآورد ارزش ریـال هزینـهٔ مصرف‌کنندگان افزایش زیادی پیدا کرد. پیش‌بینی می‌شود با ادامهٔ روند متغیرهـای بنیادین اقتصاد کلان و تولید برنج، در برنامهٔ پنجم مصـرف‌کننـدگان بـرنج حمایـت دریافت کنند.

درصد حمایت از مصرف‌کنندگان(CSE٪) با نرخ ارز حقیقی، نشان می‌دهد حمایت منفی از مصرف‌کنندگان برنج در دورهٔ جنگ ۱۴ درصد به پرداختی مصرف‌کنندگان برحسب قیمت‌های تعدیل‌شدهٔ جهانی افزوده است. یعنی در شرایط کنونی با اجرای سیاست‌های قیمتی و بخشی، مصرف‌کنندگان، به اندازهٔ ۱۴ درصد آنچه (در صورتی که بازار آزاد برقرار باشد) باید هزینه می‌کردند، مالیات پرداخته‌اند. مصرف‌کنندگان تنها در برنامهٔ اول توسعه حمایت شده‌اند و مصرف‌کنندگان برنج ۴ درصد از آنچه در بازار جهانی باید می‌پرداختند، کمتر پرداخت کرده‌اند. کاهش حمایت‌ها در سه برنامهٔ اخیر، به‌ویژه در برنامهٔ سوم توسعه، با تأثیر بر هزینه‌های خانوار، الگوی مصرف را تحت تأثیر قرار داده و براساس گزارش بانک مرکزی مصرف برنج خانوار در دهۀ ۱۳۸۰، از ۱۷۹ کیلوگرم در سال ۱۳۸۱ به ۱۶۸ و ۱۵۹ کیلوگرم در سال‌های ۱۳۸۵ و ۱۳۸۹ کاهش پیدا کرده است.

اثر کل روند مشابهی با اثر مستقیم دارد و چگونگی حمایت از مصرف‌کنندگان برنج را با برقراری نرخ ارز تعادلی بلندمدت اقتصاد ایران بیان می‌کند. در برنامهٔ سوم توسعه که با اجرای سیاست یکسان‌سازی نرخ ارز همزمان بود، حمایت از مصرف‌کنندگان برنج براساس این شاخص کمترین مقدار را داشت، به طوری که مصرف‌کنندگان برنج با برقراری سیاست‌های ارزی و بخشی ۸۰ درصد از آنچه در شرایطی که هیچ سیاست ارزی و بخشی برقرار نباشد، بیشتر می‌پرداختند. در سال ۱۳۷۸ نیز با حمایت ۱۲۰- درصدی، مصرف‌کنندگان ۲/۲ برابر ارزش واقعی برنج مصرفی خود در بازار جهانی هزینه کردند که رفاه مصرف‌کنندگان را به قیمت حمایت از تولیدکنندگان به شدت کاهش داد.

علامت اثرغیرمستقیم در مورد مصرف‌کنندگان، عکس علامت انحراف نرخ ارز است، یعنی با کم برآورد ارزش ریال(انحراف منفی)، مصرف‌کنندگان حمایت می‌شوند و برعکس. به عبارت دیگر، چگونگی حمایت از مصرف‌کنندگان را هنگامی که

سیاست ارزی برقرار است نسبت به وقتی که سیاست ارزی اجرا نمی‌شود، نشان می‌دهد. در دورهٔ جنگ و برنامه‌های دوم و سوم توسعه، سیاست‌های ارزی تضعیف-کنندهٔ سیاست‌های بخشی بوده و با اجرای سیاست ارزی، مصرف‌کنندگان برنج حمایت نشده‌اند. در حالی‌که در دیگر برنامه‌ها با اجرای سیاست ارزی کم برآورد ارزش ریال، مصرف‌کنندگان برنج نسبت به شرایطی که سیاست ارزی برقرار نباشد، حمایت شده‌اند. برای مثال در برنامهٔ چهارم ۱۲٪ کمتر از قبل از اجرای سیاست ارزی پرداخت کرده‌اند.

۴-۵-۲-۵ نتیجه‌گیری و پیشنهادهای برنج

چنان‌که بیان شد، محصول برنج از محصولات راهبردی بخش کشاورزی ایران محسوب می‌شود و سیاست‌های حمایتی مختلفی از بخش تولید و مصرف آن صورت پذیرفته است. در این پژوهش مقادیر کمّی این حمایت‌ها براساس شاخص‌های MPS، PSE و CSE طی دورهٔ ۸۹-۱۳۶۰ محاسبه شده است که نتایج بیانگر وجود روند افزایشی در حمایت‌های قیمتی و کل حمایت از تولیدکنندگان و روند کاهشی در حمایت از مصرف‌کنندگان برنج به قیمت ثابت بوده است. همچنین در مجموع حمایت‌های بودجه‌ای و قیمتی، حمایت‌های قیمتی در کل حمایت از تولیدگنندگان در برنامه‌های توسعه نسبت به حمایت‌های بودجه‌ای سهم بیشتری داشته‌اند و در بین این حمایت‌ها نیز یارانهٔ نهاده‌های تولید حدود ۹۵ درصد از کل حمایت‌های بودجه‌ای از تولیدکنندگان را در بر داشت است. مقادیر اثرمستقیم حمایت از مصرف‌کنندگان برنج از میانگین ۱۴- درصد در دورهٔ جنگ به ۲۸- درصد در برنامهٔ چهارم توسعه رسیده است. افزون بر این، بررسی اثر سیاست‌های ارزی و انحراف نرخ ارز بر مقادیر حمایت از تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان برنج نشان می‌دهد این سیاست‌ها در دورهٔ جنگ و همچنین برنامه‌های دوم و سوم توسعه که انحراف نرخ ارز

مثبت بوده (نرخ ارز حقیقی بیش از نرخ ارز تعادلی بوده است) بر شاخص‌های حمایت از تولیدکنندگان اثر مثبت و بر مصرف‌کنندگان اثر منفی داشته است، در حالی که در دیگر برنامه‌های توسعه موجب کاهش حمایت از تولیدکنندگان و افزایش حمایت از مصرف‌کنندگان برنج شده است، یعنی اثر غیرمستقیم تضعیف‌کنندهٔ اثر مستقیم بوده است. برقراری سیاست‌های همسو و حمایت‌کننده می‌تواند به افزایش رقابت‌پذیری تولیدکنندگان برنج کمک کند. در نهایت ترکیب سیاست‌های ارزی و بخشی باید به گونه‌ای باشد که برایند آن، حمایت‌کنندهٔ کشاورزان باشد.

در پیش‌بینی برنامهٔ پنجم نیز همانند برنامهٔ چهارم، سیاست‌های ارزی تقویت‌کنندهٔ سیاست‌های بخش کشاورزی نیست. شاخص حمایت بازاری حمایت از تولیدکنندگان را در بازار داخلی نسبت به بازار جهانی نشان می‌دهد، اما براساس شاخص اثر کل سیاست‌های ارزی و بخشی به زیان تولیدکنندگان برنج خواهد بود. اما این سیاست‌ها در بیشتر سال‌ها مصرف‌کنندگان ایرانی برنج را در مقابل مصرف‌کنندگان جهانی حمایت کرده و تقویت‌کنندهٔ یکدیگر هستند.

در دوره‌های مختلف سیاست‌های ارزی متفاوتی اجرا شده است که دورهٔ مورد بررسی پژوهش پیش‌رو بر این اساس به سه دهه تقسیم می‌شود. متوسط شاخص‌های حمایت قیمتی، حمایت از تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان در جدول (۷-۵-۲-۵) آمده است. براساس شاخص‌های درصدی حمایت از تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان برنج در دهه اول، سیاست‌های بخشی در مقایسه با سیاست‌های ارزی در کل حمایت‌ها تأثیر بیشتری داشته است، زیرا قدرمطلق اثر مستقیم همواره بیشتر از اثر غیرمستقیم بوده است. در دههٔ ۱۳۶۰ به دلیل به‌کارگیری سیاست تثبیت نرخ ارز، انحراف از نرخ تعادلی به شدت افزایش پیدا کرد و با بیش‌برآورد ارزش ریال از تولیدکنندگان حمایت شد. در دههٔ ۱۳۷۰ با برقراری سیاست ارزی

چند نرخی انحراف نرخ ارز و میانگین اثرغیرمستقیم حمایت از تولیدکنندگان منفی شد، اما به طور کلی سیاست‌های بخشی در راستای حمایت بیشتر از تولیدکنندگان بهبود پیدا کرد. در دورهٔ سوم سیاست‌های ارزی با برقراری نرخ ارز شناور مدیریت شده انحراف نرخ ارز کاهش پیدا کرد و همچنان منفی بود. این کم برآورد ارزش ریال، با حمایت نکردن از تولیدکننده، از اثر مثبت سیاست‌های بخشی کاست. در این دوره با بهبود سیاست‌گذاری در بخش کشاورزی اثرمستقیم در MPS٪ و PSE٪ افزایش چشمگیری پیدا کرد. برای مصرف‌کنندگان نیز در دورهٔ اخیر ارزی، سیاست‌های ارزی و بخشی تقویت‌کنندهٔ یکدیگر و همسو نبوده‌اند. همچنین حمایت از مصرف‌کنندگان در هر سه دوره کاهش پیدا کرده است.

جدول ۷-۵-۲-۵) بررسی حمایت از تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان برنج در دوره‌های ارزی

دوره	درصد انحراف نرخ ارز	%MS			%PSE			%CSE		
		اثر مستقیم	اثر غیرمستقیم	اثر کل	اثر مستقیم	اثر غیرمستقیم	اثر کل	اثر مستقیم	اثر غیرمستقیم	اثر کل
۱۳۸۷-۱۳۹۱	۱۳	۸	۱۴	۲۲	۱۰	۲۰	۳۰	-۵	-۹	-۱۴
۱۳۹۲-۱۳۹۶	۴	۲۱	-۶	۱۵	۱۵	-۴	۱۱	-۲۰	۲۱	-۱
۱۳۹۷-۱۴۰۱	۴	۲۱	-۶	۱۵	۱۸	-۲	۱۶	-۲۲	۷	-۱۵

منبع: یافته‌های پژوهش

با توجه به نتایج برآورد نرخ ارز در فصل سوم، افزایش درآمدهای نفتی موجب افزایش ارزش ریال تعادلی می‌شود که در صورت ثبات نرخ حقیقی ارز، رشد درآمدهای نفتی به نفع تولیدکنندگان است. همچنین بهره‌وری اقتصاد به عنوان شاخص پیشرفت فن‌آوری، بر نرخ تعادلی ارز و شاخص حمایت‌ها چنین اثری دارد که دولت با مدیریت این دو عامل می‌تواند حمایت از شالیکاران را افزایش دهد.

براساس نتایج این پژوهش، اجرای سیاست‌های باثبات و بلندمدت برای پیشگیری از نوسان‌های قیمت محصول، نهاده‌ها و نرخ ارز و توسعهٔ حمایت‌های بودجه‌ای توصیه

می‌شود. با توجه به سهم بیشتر حمایت‌های قیمتی از کل حمایت‌ها، حفظ الگوی قیمت‌گذاری به روش هزینهٔ تولید با در نظر داشتن قیمت مرزی توصیه می‌شود. همچنین همزمان، برای کاهش دخالت مستقیم دولت در بازار برنج و افزایش رقابت‌پذیری شالیکاران، تنوع و توسعهٔ ابزار حمایت‌های بودجه‌ای به شکل پرداخت مستقیم یا توانمندسازی کشاورزان برای مقابله با ریسک‌های تولید و بازار و توزیع و سهولت دسترسی به نهاده‌ها مفید است. تنظیم سیاست‌های ارزی و بخشی به گونه‌ای که همسو و تقویت‌کنندهٔ یکدیگر باشند، به کارایی آنها می‌افزاید و با افزایش مزیت رقابتی، به رقابت‌پذیری جهانی تولیدکنندگان داخلی کمک می‌کند. به طوری که مقادیر مثبت اثر مستقیم و اثرغیرمستقیم در برنامهٔ سوم توسعه نشان می‌دهد، اجرای سیاست یکسان‌سازی نرخ ارز که تقویت‌کنندهٔ سیاست‌های بخشی بوده، موجب حمایت از تولیدکنندگان برنج شده است. همچنین با توجه به تأثیر چشمگیر سیاست‌های ارزی بر مقادیر حمایت از تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان برنج و حجم گستردهٔ مصرف این محصول در جامعه، در نظر گرفتن این محصول در تنظیم سیاست‌های ارزی کمک شایانی به توسعهٔ تولید و رفاه مصرف‌کنندگان می‌کند. در نهایت انتظار می‌رود، ترکیب سیاست‌های پولی، مالی، ارزی و بخشی به گونه‌ای باشد که برایند آن، حمایت‌کنندهٔ کشاورزان باشد.

٦-۲-۵ چغندرقند

چغندرقند، از محصولات کشاورزی صنعتی است که در تولید قندوشکر به کار می‌رود. قند و شکر، با ۰/۳ درصد کل هزینه‌ها و ۱/۳ درصد هزینه‌های خوراکی در سال ۱۳۸۹ سهم زیادی در سبد مصرف خانوار ایرانی داشت(نتایج بررسی بودجهٔ خانوار شهری بانک مرکزی، ۱۳۹۰). از آنجا که بخش چشمگیری از شکر مصرفی در داخل کشور تولید می‌شود و براساس گزارش انجمن صنفی قندوشکر ایران، به طور متوسط بیش از ۶۷ درصد آن شکر چغندری است، چغندرقند از اهمیت زیادی برای کشور برخوردار است.

چغندرقند، به عنوان مادهٔ خام مورد استفاده در صنایع قند و شکر، براساس قرارداد کشت بین تولیدکنندگان و کارخانه‌داران تولید می‌شود.از آنجا که این محصول به طور عمده به این صنایع فروخته می‌شود، بنابراین قیمت آن تثبیتی و بازار آن مشخص است. ۶۵ درصد هزینهٔ تولید شکر در صنایع تبدیل‌کنندهٔ چغندرقند به شکر، مربوط به این مادهٔ اولیه است. از این رو، در مورد قیمت آن در بخش‌های کشاورزی و صنعت حساسیت ویژه‌ای وجود دارد(مؤسسهٔ پژوهش‌های برنامه‌ریزی و اقتصاد کشاورزی، ۱۳۸۴).

در جدول (۱-۶-۲-۵) وضعیت تولید، عملکرد و تجارت چغندرقند و واردات شکر ایران آمده است. با توجه به جدول، مشاهده می‌شود در سال‌های ۱۳۸۹-۱۳۶۸ سهم ایران از سطح زیرکشت جهانی چغندرقند به طور میانگین ۲/۴۸ درصد بوده است. با وجود روند ملایم افزایش سطح زیرکشت در طول سه برنامهٔ اول توسعه، سطح زیرکشت و تولید محصول در سال‌های پایانی برنامهٔ چهارم کاهش زیادی پیدا کرده است. بیشترین تولید چغندرقند در سال ۱۳۸۱ حدود ۷ میلیون تن بود که ۱/۷۲ برابر تولید در ابتدای برنامهٔ اول است. سهم زیادی از افزایش تولید تا حد زیادی به

افزایش عملکرد در واحد سطح این محصول وابسته است. عملکرد چغندرقند در طی سال‌های اجرای برنامه‌های توسعه، از ۲۴ تن در هکتار در ابتدای برنامهٔ اول به ۳۹ تن در هکتار در سال ۱۳۸۹ افزایش پیدا کرده است. بررسی عملکرد تولید چغندرقند نسبت به جهان نیز نشان می‌دهد عملکرد تولید چغندرقند در ایران، در همهٔ سال‌ها، از میانگین عملکرد جهانی کمتر است، به طوری که عملکرد تولید چغندرقند ایران به طور میانگین سه چهارم عملکرد جهانی است. در جدول (۱-۶-۲-۵) سهم چغندرقند ایران از تولید جهانی به طور میانگین ۱/۸۲ درصد بوده است و حتی در برنامهٔ سوم، به بیش از ۲ درصد نیز رسیده است. بازده تجاری تولید شکر از چغندرقند در چهار برنامه، به طور میانگین ۱۲/۵ درصد بوده و روند افزایشی داشته است. منظور از بازده تجاری درصد شکر تولیدی از چغندرقند است که از حاصلضرب عیار چغندرقند و ضریب استحصال قند از چغندر به دست می‌آید.

واردات شکر کشور تأثیر بسزایی بر سودآوری صنایع داخلی تولید شکر و در نتیجه بر چغندرکاران دارد. روند واردات شکر ایران بسیار پرنوسان بوده است، اما افزایش آن در سال‌های اخیر، موجب تضعیف صنایع تولیدکنندهٔ شکر و در نتیجه زیان چغندرکاران داخلی شده است. به طوری که اثر آن در کاهش سطح زیرکشت و تولید آشکار شده است.

براساس گزارش سازمان خواربار و کشاورزی بیشترین واردات شکر ایران در سال ۱۳۸۵ با بیش از ۲۰۸۵ هزارتن بود که سهم ایران را از واردات شکر جهان به ۴/۱۳ درصد افزایش داد.

جدول ۱-۶-۲-۵) وضعیت تولید، عملکرد و تجارت چغندرقند ایران

سال	سطح زیرکشت (هزارهکتار)	سهم از سطح زیرکشت جهان (درصد)	عملکرد (تن درهکتار)	نسبت عملکرد ایران به جهان	تولید چغندرقند (هزارتن)	سهم از تولید چغندرقند جهان (درصد)	واردات شکر (هزار تن)	سهم از واردات شکر جهان (درصد)	ارزش واردات شکر (میلیون دلار)	سهم از ارزش واردات جهان (درصد)	سهم تولید شکر چغندری (درصد)	راندمان تجاری چغندرقند (درصد)
۱۳۶۸	۱۴۹	۱/۷۴	۲۴	۰/۶۵	۳۵۳۵	۱/۱۲	۵۱۹	۱/۷۴	۲۲۰	۱/۶۵	۸۲	۰/۱۲
۱۳۶۹	۱۴۹	۱/۷۲	۲۵	۰/۶۹	۳۶۴۱	۱/۱۸	۹۴۰	۳/۲۱	۴۲۴	۲/۷۲	۸۲	۰/۱۲
۱۳۷۰	۱۷۳	۲/۰۳	۲۹	۰/۸۷	۵۰۰۰	۱/۷۶	۹۵۷	۳/۳۸	۳۷۱	۳/۱۴	۸۱/۱	۰/۱۲
۱۳۷۱	۲۰۵	۲/۴۲	۲۹	۰/۸۸	۶۰۰۵	۲/۱۳	۸۰۱	۲/۵۳	۲۸۴	۲/۶۳	۸۳/۷	۰/۱۲
۱۳۷۲	۱۶۹	۲/۰۸	۳۲	۰/۹۲	۵۴۰۸	۱/۹۱	۴۶۶	۱/۶۴	۱۶۵	۱/۶۸	۷۶/۷	۰/۱۲
۱۳۷۳	۲۰۴	۲/۵۶	۲۶	۰/۸۱	۵۲۹۵	۲/۰۸	۶۰۹	۲/۰۸	۲۴۸	۲/۳۷	۷۴/۹	۰/۱۲
۱۳۷۴	۲۰۳	۲/۵۸	۲۷	۰/۸۱	۵۵۲۱	۲/۰۹	۱۰۹۰	۳/۳۵	۴۹۰	۳/۶۲	۷۸	۰/۱۲
۱۳۷۵	۱۴۹	۱/۹۵	۲۵	۰/۷۱	۳۶۸۷	۱/۳۹	۸۱۳	۲/۳۱	۳۳۸	۲/۴۱	۶۹/۴	۰/۱۲
۱۳۷۶	۱۹۱	۲/۷۲	۲۵	۰/۶۵	۴۷۵۴	۱/۷۷	۱۲۹۳	۳/۶۱	۴۰۱	۳/۰۸	۷۲/۵	۰/۱۲
۱۳۷۷	۱۸۵	۲/۷۲	۲۷	۰/۷۰	۴۹۸۷	۱/۹۰	۸۷۲	۲/۴۱	۲۲۶	۱/۸۷	۷۳/۶	۰/۱۲
۱۳۷۸	۱۸۶	۲/۸۱	۳۰	۰/۷۶	۵۵۴۸	۲/۱۳	۱۲۵۰	۳/۱۴	۲۵۸	۲/۳۹	۷۴/۹	۰/۱۲
۱۳۷۹	۱۶۳	۲/۷۱	۲۷	۰/۶۴	۴۳۳۲	۱/۷۳	۱۱۰۱	۲/۹۸	۲۳۶	۲/۵۶	۷۱/۶	۰/۱۲
۱۳۸۰	۱۷۲	۲/۸۵	۲۷	۰/۷۱	۴۶۴۹	۲/۰۲	۷۶۴	۱/۸۹	۱۸۴	۱/۶۴	۶۵/۶	۰/۱۲
۱۳۸۱	۱۹۲	۳/۱۸	۳۲	۰/۷۴	۶۰۹۸	۲/۳۵	۹۸۸	۲/۴۱	۱۸۷	۱/۷۹	۶۶/۹	۰/۱۱
۱۳۸۲	۱۹۹	۳/۵۰	۲۹	۰/۷۰	۵۷۲۹	۲/۴۶	۴۰۶	۰/۹۷	۸۱	۰/۷۲	۵۷/۹	۰/۱۲
۱۳۸۳	۱۵۶	۲/۸۵	۳۲	۰/۶۹	۴۹۱۶	۱/۹۵	۱۸۲	۰/۴۳	۳۶	۰/۲۹	۵۵/۳	۰/۱۳
۱۳۸۴	۱۵۳	۲/۸۲	۳۲	۰/۶۸	۴۹۰۲	۱/۹۳	۵۲۱	۱/۰۹	۱۳۲	۰/۸۲	۵۴	۰/۱۳۵
۱۳۸۵	۱۸۶	۳/۴۲	۳۶	۰/۷۷	۶۷۰۹	۲/۶۴	۲۰۸۵	۴/۱۳	۸۴۵	۳/۹۵	۵۳	۰/۱۳۵
۱۳۸۶	۱۶۰	۳/۱۰	۳۴	۰/۷۱	۵۴۰۷	۲/۱۹	۱۸۵۴	۳/۶۰	۶۲۹	۳/۱۴	۵۲	۰/۱۳۷
۱۳۸۷	۵۴	۱/۲۶	۳۴	۰/۶۶	۱۸۲۹	۰/۸۳	۹۱۱	۱/۹۰	۲۷۴	۱/۳۳	۵۱	۰/۱۳۷
۱۳۸۸	۵۶	۱/۳۲	۳۶	۰/۶۷	۲۰۱۶	۰/۸۸	۵۴۶	۱/۰۹	۲۱۸	۰/۹۵	۵۰	۰/۱۴
۱۳۸۹	۹۹	۲/۱۲	۳۹	۰/۸۱	۳۸۹۷	۱/۷۱	۱۸۱۴	۳/۲۹	۷۶۳	۲/۵۳	۵۰	۰/۱۴

منبع: سایت‌های وزارت جهاد کشاورزی جمهوری سلامی ایران، سازمان خواربار و کشاورزی جهانی ملل متحد(http://fao.org) و انجمن صنفی کارخانه‌های قندوشکر ایران(http://isfs.ir)

براساس نمودار (۵-۶-۲-۱) سهم واردات ایران از کل واردات جهان حدود ۳ درصد بوده است. در سال‌های دورهٔ بررسی بیشترین هزینهٔ واردات چغندرقند در سال ۱۳۸۹ برابر با ۷۳۶ میلیون دلار بود که ۲/۵ درصد از ارزش واردات جهانی شکر را شامل می‌شد.

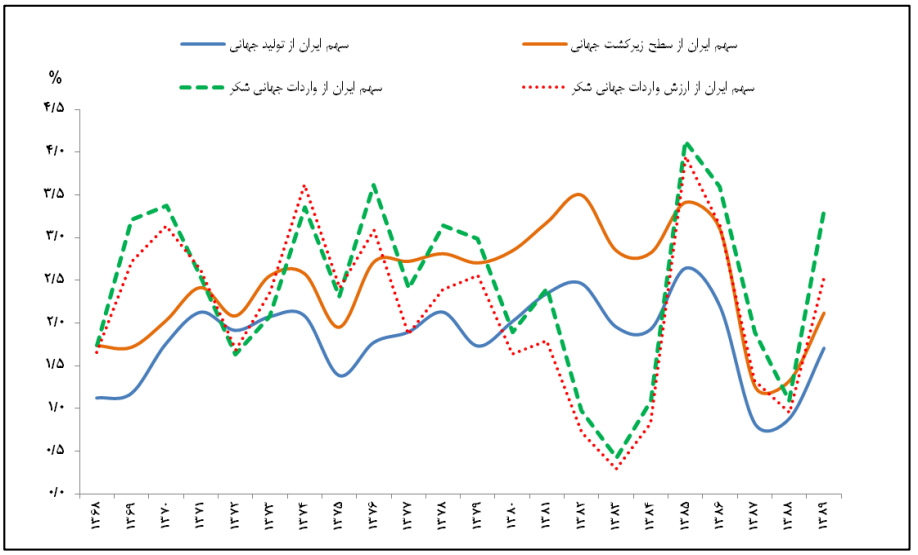

نمودار ۱-۶-۲-۵) سهم ایران از تولید، سطح زیرکشت، واردات و ارزش واردات جهانی چغندرقند طی دورهٔ ۸۹-۱۳۶۸

با توجه به نقش چغندرقند در صنایع تبدیلی، ایجاد ارزش افزوده و سهم زیاد قند و شکر در سبد مصرف خانوار، سیاست‌های حمایتی مختلف به منظور افزایش تولید و سطح زیرکشت این محصول اجرا شده است. دولت به طور مستقیم خریدار چغندرقند نیست، بلکه قیمت براساس قرارداد بین کارخانه و کشاورز و به طور معمول براساس عیار چغندرقند تعیین می‌شود و قیمت خرید تضمینی تعیین‌کنندهٔ قیمت کف، برای عقد قرارداد است. دولت، افزون بر توزیع نهاده‌های یارانه‌ای در بخش تولید چغندرقند و دادن یارانه به مصرف شکر در بخش مصرف‌کنندگان، بین سال‌های ۱۳۶۳ تا ۱۳۷۴ مبالغی را با عنوان هزینهٔ مکانیزاسیون و تفاوت عیار به صنایع تولید شکر از چغندرقند پرداخته است(آمار منتشرنشدهٔ سازمان حمایت از مصرف‌کنندگان و تولیدکنندگان). سیاست‌های یارانهٔ بیمهٔ محصولات کشاورزی و تسهیلات بانکی نیز در دورهٔ مورد بررسی (۱۳۸۹-۱۳۶۰) برای این محصول اجرا شده‌اند.

در ادامه، نتایج محاسبهٔ شاخص‌های حمایت از تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان چغندرقند (٪CSE، ٪ MPS، ٪PSE) تجزیه و تحلیل می‌شود. همچنین، اثر سیاست‌های ارزی و انحراف نرخ ارز بر مقادیر حمایت از این محصول طی برنامه‌های اول تا چهارم توسعه بررسی و این آثار در برنامهٔ پنجم پیش‌بینی می‌شود. پیش‌بینی برنامهٔ پنجم با فرض ادامهٔ روند رشد تخصیص یارانه‌ها همانند برنامهٔ چهارم و پیش-بینی قیمت‌ها با استفاده از روش‌های درون‌یابی و میانگین متحرک با روشی که برای محصولات دیگر بیان شد، انجام می‌پذیرد.

۱-٦-۲-۵ بررسی مقادیر حمایت بازاری از تولیدکنندگان چغندرقند طی برنامه‌های توسعه

شاخص حمایت از قیمت بازاری(MPS) بیشتر بازتاب‌دهندهٔ سیاست‌های مؤثر بر قیمت - در ایران قیمت تضمینی- و سیاست‌های ارزی است. براساس روش‌شناسی بیان‌شده در فصل سوم این پژوهش این شاخص، نشان‌دهندهٔ انتقال به تولیدکنندگان از مصرف‌کنندگان، مالیات‌دهندگان و واردکنندگان است. شاخص درصدی حمایت از قیمت بازاری نسبت تفاوت قیمت دریافتی تولیدکنندگان داخلی را با قیمت جهانی تعدیل شده با نرخ ارز حقیقی یا تعادلی به قیمت جهانی نشان می‌دهد. اگر قیمت جهانی با نرخ ارز حقیقی تعدیل شود، اثر مستقیم و اگر با نرخ ارز تعادلی تعدیل شود، اثر کل محاسبه می‌شود. تفاضل این دو اثر نشان‌دهندهٔ برایند سیاست‌های ارزی است که اثرغیرمستقیم نامیده می‌شود. نتایج محاسبات حمایت از قیمت بازاری، به قیمت‌های ثابت طی برنامه‌های اول تا چهارم توسعه و پیش‌بینی برنامه پنجم برای محصول چغندرقند در جدول (۲-۶-۲-۵) ارائه شده است.

جدول ۲-۶-۲-۵) شاخص‌های حمایت بازاری(MPS) از تولیدکنندگان چغندرقند

برنامه های توسعه	درصد انحراف نرخ ارز	سال	ارزش اثرمستقیم به قیمت ثابت سال ۱۳۸٤ (میلیارد ریال)	ارزش اثر کل به قیمت ثابت سال ۱۳۸٤ (میلیارد ریال)	%MPS اثر مستقیم	%MPS اثر غیرمستقیم	%MPS اثر کل
دورهٔ جنگ	۲٦/۸۱	۱۳٦۰	-۲۹۷۲	-۱۹٤۰	-۵۹/۹۹	۱۰/۵۲	-٤۹/٤٦
	۳۸/۹۰	۱۳٦۱	-۱۹۵۸	-٦٤۸	-٤۰/۹۳	۲۲/۲۹	-۱۸/٦۵
	۳۸/٦۷	۱۳٦۲	-۱٤۵۰	-۵۰۰	-٤۱/٤٦	۲۱/۸۵	-۱۹/٦۱
	٤۷/٦۸	۱۳٦۳	-۱۲۵۷	-۲٦۰	-۳۹/٦۳	۲۷/٦۸	-۱۱/۹۵
	-۱۳/۱٦	۱۳٦٤	-۹۹۷	-۱٤٦۵	-۳۱/۲٤	-۸/۸۰	-٤۰/۰٤
	-۲/۷۱	۱۳٦۵	-۲۱۵٤	-۲۲۷۵	-٤۸/۳۵	-۱/۳٦	-٤۹/۷۲
	۷۵/۷۲	۱۳٦٦	-۲۵۳۰	-۷۵٦	-۵۹/۷۲	۲۹/۰۱	-۳۰/۷۱
	۸۹/۸۷	۱۳٦۷	-۲۱۷۲	-٦۰۹	-٦۳/٦۲	۳۰/۷۱	-۳۲/۹۱
	۳۷/۷۲	میانگین	-۱۹۳٦	-۱۰۵۷	-٤۸/۱۲	۱٦/٤۹	-۳۱/٦۳
برنامهٔ اول توسعهٔ اقتصادی و اجتماعی	۵۰/٦۲	۱۳٦۸	-۲٦٦۰	-۱٤۳۸	-۷۱/۳٦	۱۳/۹٦	-۵۷/٤۰
	-٤/۳۰	۱۳٦۹	-۳۱۳۳	-۳۳٤۰	-٦٦/۷۹	-۱/٤۰	-٦۸/۱۹
	-۱۰/۸٤	۱۳۷۰	-۲۵۸۱	-۳۱۸۳	-۵۰/٤٤	-۵/۲۲	-۵۵/٦٦
	-٤۷/۰۳	۱۳۷۱	-۱٦۲۰	-٦۰۱٤	-۳۱/٤۸	-۳۱/۵۵	-٦۳/۰۳
	-۵۱/٤۱	۱۳۷۲	-٦۷۱	-۵۳٦۳	-۱٤/۵٤	-٤۳/۱۰	-۵۷/٦۳
	-٤۱/۲۹	۱۳۷۳	-۱۱۵۱	-۵۰۰۳	-۲۰/۲۲	-۳۲/۲۰	-۵۲/٤۳
	-۱۷/۳۸	میانگین	-۱۹٦۹	-٤۰۵۷	-٤۲/٤۷	-۱٦/۵۸	-۵۹/۰٦
برنامهٔ دوم توسعهٔ اقتصادی و اجتماعی	-۳۱/۹۷	۱۳۷٤	-۲۹۳۱	-۵۸۸٦	-٤۵/٦۲	-۱۷/۱۳	-٦۲/۷۵
	-۱٦/۱۸	۱۳۷۵	-۱٤۷۳	-۲۱۵٤	-٤۰/٤۳	-۹/۳۸	-٤۹/۸۱
	-۰/۸۹	۱۳۷٦	-۷۸۵	-۸۱۸	-۲۰/۹۱	-۰/٦۸	-۲۱/۵۹
	۳۳/۱۵	۱۳۷۷	-۷۰۵	۲۹۹	-۱٦/۹۲	۲٦/۳۷	۹/٤٦
	۲۹/۱۰	۱۳۷۸	٤۲۲	۱۳٦۰	۹/۸۱	۳۰/٦۰	٤۰/٤۱
	۲/٦٤	میانگین	-۱۰۹٤	-۱٤٤۰	-۲۲/۸۱	۵/۹٦	-۱٦/۸٦
برنامهٔ سوم توسعهٔ اقتصادی و اجتماعی	۱٦/۹٦	۱۳۷۹	٦٤۰	۹۹٦	۲٤/۹۵	۲۰/۱۸	٤۵/۱٤
	۱٦/۵٤	۱۳۸۰	۹۹۱	۱۳۳٦	۳۹/۱۲	۲۱/۹۰	٦۱/۰۳
	۱۲/۹۹	۱۳۸۱	۱۷۸۱	۲۰۷۷	٦۵/۵۸	۲۰/۳۲	۸۵/۸۹
	۳/۸۵	۱۳۸۲	۱٦۰٤	۱۷۰۱	۵۷/۷۰	۵/۷۰	٦۳/٤۰
	-۲/۷۹	۱۳۸۳	۱۰٦۵	۹۹۸	٤۲/۹۵	-۳/۷۵	۳۹/۲۰
	۹/۵۱	میانگین	۱۲۱٦	۱٤۲۲	٤٦/۰٦	۱۲/۸۷	۵۸/۹۳
برنامهٔ چهارم توسعهٔ اقتصادی و اجتماعی	-٦/۱۸	۱۳۸٤	۱۱۱۰	۹٤۹	٤۲/۸٤	-۸/۳۸	۳٤/٤۷
	-۱۰/۷۰	۱۳۸۵	۷٦۰	۳۵٦	۲۱/٤۹	-۱۲/٤۷	۹/۰۲
	-۱۳/۰۹	۱۳۸٦	۵۱۰	۱۹۱	۲۲/٦۸	-۱۵/۲۲	۷/٤٦
	-۷/۷٤	۱۳۸۷	۹۷	۳۸	۱۲/۹٦	-۸/۲۸	٤/٦۸
	-۳/۳۲	۱۳۸۸	۱۳۲	۱۰٤	۱۵/۵۱	-۳/٦۳	۱۱/۸۷
	-۱۷/٤۵	۱۳۸۹	۱٤۳	-۲۰٤	۸/۲۲	-۱۷/۹۸	-۹/۷٦
	-۹/۷۵	میانگین	٤۵۹	۲۳۹	۲۰/٦۲	-۱۰/۹۹	۹/٦۲
پیش بینی برنامهٔ پنجم توسعهٔ اقتصادی و اجتماعی	-۱۹/۲۲	۱۳۹۰	۱٦	-٤۳۵	۰/۸۰	-۱۸/۳۳	-۱۷/۵۳
	-۲۱/۱٤	۱۳۹۱	-٤۵	-۷٤۰	-۱/٦٦	-۱۹/۹۷	-۲۱/٦۳
	-۲۳/۰۷	۱۳۹۲	-٤٦۵	-۱۳۱۹	-۱۵/۵۸	-۱۸/۷۸	-۳٤/۳۵
	-۲٤/۹۸	۱۳۹۳	-٦۸۲	-۱۷۲۸	-۲۰/۷٦	-۱۹/۱۵	-۳۹/۹۱
	-۲۲/۰۹	۱۳۹٤	-۱۱٦۲	-۲۲۱۳	-۳۰/۱۷	-۱٤/۹۷	-٤۵/۱٤
	-۲۲/۱۰	میانگین	-٤٦۸	-۱۲۸۷	-۱۳/٤۸	-۱۸/۲٤	-۳۱/۷۱

منبع: یافته‌های پژوهش

براساس نتایج انحراف نرخ ارز که از نسبت تفاوت نرخ حقیقی ارز و نرخ تعادلی آن نسبت به نرخ تعادلی ارز محاسبه می‌شود، در دوره‌های مختلف متفاوت بوده است. برای محاسبهٔ نرخ حقیقی ارز، نرخ ارز اسمی(بازاری) در نسبت متوسط موزون شاخص سطح عمومی قیمت‌های مهم‌ترین شرکای تجاری ایران به سطح عمومی قیمت‌های ایران ضرب می‌شود. نرخ تعادلی با استفاده از الگوی اقتصادسنجی تصحیح خطا تابعی از متغیرهای بنیادین اقتصاد شامل رابطهٔ مبادله، قیمت جهانی طلا، درجهٔ باز بودن اقتصاد، درآمد نفتی کشور، بهره‌وری کل اقتصاد، نسبت نرخ بهرهٔ جهانی به نرخ بهره در ایران است که نرخ ارز ایران را در شرایط تعادل بلندمدت اقتصاد نشان می‌دهد. در دورهٔ جنگ با کاهش درآمد نفتی و همزمان نیاز کشور به ارز، با بیش برآورد ارزش ریال نسبت به دلار توسط دولت، انحراف نرخ ارز در سال پایانی جنگ(۱۳۶۷) به ۸۹ درصد افزایش پیدا کرد. در برنامهٔ اول توسعه با کم‌برآورد ارزش ریال نسبت به نرخ تعادلی، انحراف نرخ ارز منفی بود و در سال‌های پایانی این برنامه به دلیل اجرای سیاست‌های آزادسازی اقتصادی مقدار آن افزایش یافت. در سال‌های نخست برنامهٔ دوم انحراف نرخ ارز حقیقی از مقدار تعادلی بلندمدت اقتصاد منفی و در سال‌های بعد مثبت شد. در برنامهٔ سوم توسعه به منظور تشویق صادرات، سیاست بیش‌برآورد ارزش ریال دنبال شد، یعنی نرخ ارز تعادلی کمتر از نرخ حقیقی آن بود. همچنین نرخ ارز سالیانه با شیب ملایمی در حال رشد بود. در برنامهٔ چهارم نیز روند کاهش ارزش پول ملی ادامه داشت، اما رشد نرخ ارز تعادلی بیش از نرخ حقیقی آن بود. بنابراین سیاست‌های ارزی برنامهٔ چهارم موجب کم‌برآورد ارزش ریال شد.

براساس نتایج اثرمستقیم —بر حسب قیمت‌های ثابت سال پایهٔ ۱۳۸۴— تا پیش از سال پایانی برنامهٔ دوم توسعه رقمی منفی بوده و در سال‌های بعد حمایت برآمده از سیاست‌های بخشی در مورد چغندرقند مثبت بوده است. یعنی در برنامه‌های سوم و چهارم، قیمت دریافتی تولیدکنندگان چغندرقند بیشتر از قیمت

مرجع تعدیل‌شده با نرخ حقیقی ارز بوده است. بـه عبـارتی در ایـن سـال‌هـا قیمـت توافقی چغندرکاران و صنایع تبدیلی برای چغندرقند که نزدیک به قیمـت تضـمینی است، بیشتر از قیمت جهانی بوده است که مقادیر مثبت شـاخص حمایـت از قیمـت بازاری(MPS) آن را نشان می‌دهد. اما با فرضیه‌های بیان شده، در برنامـهٔ پـنجم، در مقایسه با قیمت‌های جهانی، پرداختی به تولیدکنندگان چغندرقند صورت نمی‌پذیرد. به عبارت دیگر، اگر دولت اجازهٔ فروش چغندرقند داخلی در بازارهای جهانی را ندهد، تولیدکنندگان چغندرقند دریافتی بیشتری خواهند داشت. از آنجا که براسـاس آمـار منتشرشدهٔ مرکز آمار ایران، قیمت داخلی در تمام سال‌های مورد بررسی این پژوهش روندی صعودی داشته است، نوسان شاخص حمایت از قیمت بازاری برآمده از نوسان نرخ ارز، قیمت جهانی و مقادیر تولید و مصرف چغندرقند است. اجـرای سیاسـت دو نرخی کردن ارز در سال ۱۳۷۱، پس از یک سال موجـب کـاهش چشـمگیر مالیـات پنهان تحمیل‌شده به چغندرقندکاران شد و در سال اجرای سیاست یکسان‌سازی نرخ ارز(۱۳۸۱)، حمایت بازاری مستقیم از چغندرکاران به بیشترین مقـدار خـود، ۱۷۸۱ میلیارد ریال به قیمت ثابت سال ۱۳۸۴ رسید که اثر آن در افزایش سطح زیر کشت و تولید نیز مشاهده شد. در مقابل در برنامهٔ چهارم، با افزایش واردات و رشد قیمت-های جهانی، قیمت‌های داخلی به طور میـانگین در مقایسـه بـا قیمـت‌هـای جهـانی موجب کاهش حمایت از تولیدکنندگان چغندرقنـد شـد؛ کـاهش حمایـت‌هـا رونـد کاهشی تولید داخلی چغندرقند و تضعیف صنایع تبدیلی بالادستی را در پی داشـت. ادامهٔ تفاوت قیمت داخلی و جهانی چغندرقند به نفع بازار جهـانی در برنامـهٔ پـنجم توسعه، از قدرت رقابت‌پذیری تولیدکنندگان ایرانی این محصول در بازارهای جهـانی می‌کاهد. در واقع مدیریت نشدن واردات، به همراه کاهش تعرفه، با تضـعیف صـنایع داخلی سبب تعطیلی آنها شده یا موجب می‌شود به منظور صرفه‌جویی در هزینـه‌هـا

قیمت مناسبی برای چغندرقند به کشاورزان پیشنهاد نکنند که در نهایت قیمت کم، کاهش انگیزهٔ کشاورزان را برای ادامهٔ کشت در پی خواهد داشت.

حمایت قیمتی کل با نرخ ارز تعادلی نیز روندی مشابه نرخ ارز حقیقی(اثر مستقیم) داشته است، اما تا سال ۱۳۷۶ حمایت منفی از چغندرکاران را نشان می‌دهد. یعنی در این سال‌ها دریافتی آنان در داخل، نسبت به قیمت جهانی تعدیل-شده با نرخ ارز تعادلی و هزینه‌های حمل و نقل، کمتر بوده است و پس از آن از سال ۱۳۸۹، دوباره روند گرفتن مالیات پنهان آغاز شده و پیش‌بینی می‌شود در برنامهٔ پنجم ادامه داشته باشد. در برنامهٔ اول توسعه با کم‌برآورد ارزش ریال کشاورزان بیش از ۴ هزار میلیارد ریال به قیمت ثابت سال ۱۳۸۴ کمتر از درآمد خود در شرایط اعمال قیمت جهانی تعدیل‌شده با نرخ ارز تعادلی بلندمدت اقتصاد ایران دریافت کردند.

حمایت درصدی از قیمت بازاری (MPS٪) بر مبنای نرخ ارز حقیقی (اثر مستقیم) در دورهٔ جنگ و برنامه‌های اول و دوم توسعه منفی بوده است که نشان می‌دهد قیمت داخلی محصول از قیمت جهانی تعدیل‌شده با نرخ ارز حقیقی، کمتر بوده است. این اثر از ۴۸- درصد در دورهٔ جنگ به ۴۶ درصد در برنامهٔ سوم رسیده است که نشان می‌دهد در طی سال‌های بررسی‌شده در پژوهش، به تدریج سیاست‌های قیمتی به سوی حمایت از کشاورزان ایران نسبت به قیمت پیش روی رقبای جهانی پیش رفته است. تغییر حمایت‌ها در برنامه‌های توسعه، افزون بر سیاست‌های بخشی و ارزی از نوسان قیمت جهانی چغندرقند نیز تأثیر پذیرفته است. به طوری که در برنامهٔ سوم توسعه کاهش قیمت جهانی در کنار روند افزایشی قیمت داخلی موجب شده است کشاورزان حدود نیمی از درآمد خود را با قیمت بازار جهانی حمایت دریافت کنند. اما در برنامهٔ چهارم توسعه با روند افزایشی قیمت جهانی حمایت از تولیدکنندگان چغندر کاهشی شد.

بررسی اثرکل حمایت از قیمت بازاری نیز روندی مشابه اثرمستقیم و مقدار ارزشی خود را نشان می‌دهد و تعدیل قیمت جهانی با نرخ ارز تعادلی به طور میانگین در سه دهه(۱۳۸۹-۱۳۶۰) بیانگر ۱۱/۳۱ درصد حمایت منفی از تولیدکنندگان است. یعنی اگر نرخ ارز تعادلی برقرار بود، سیاست‌های بخشی قیمتی به گونه‌ای می‌شد که تولیدکنندگان در مقابل رقبای خارجی خود، نه تنها حمایت نمی‌شدند، بلکه مالیات نیز بر آنها تحمیل می‌شد که این در کاهش قدرت رقابت‌پذیری تولیدکنندگان چغندرقند ایرانی بسیار مؤثر است. بر این اساس تنها در ده سال ۱۳۸۸-۱۳۷۷ تولیدکنندگان چغندرقند با سیاست‌های بخشی و ارزی حمایت شده‌اند. در سال ۱۳۸۱ همزمان با اجرای سیاست یکسان‌سازی نرخ ارز و رسیدن قیمت جهانی به کمترین مقدار، بیشترین حمایت قیمتی از چغندرکاران صورت پذیرفت. یعنی با اثرگذاری متغیرهای بنیادین اقتصاد ایران از جمله بهره‌وری، درآمد نفت و رابطهٔ مبادله کشاورزان ۸۵ درصد بیشتر از قیمت تعدیل‌شده با نرخ تعادلی ارز و هزینهٔ حمل‌ونقل پیش روی رقبای جهانی دریافت می‌کردند.

اثر غیرمستقیم که تفاضل اثرکل و اثرمستقیم است، نشان می‌دهد سیاست‌های ارزی تا چه اندازه تقویت‌کنندهٔ سیاست‌های بخشی در زمینهٔ قیمت محصول‌اند. در سال‌هایی که نرخ حقیقی ارز بیش از نرخ ارز تعادلی است، حمایت قیمتی از تولیدکنندگان در پی اجرای سیاست ارزی مثبت است و برعکس. یادآوری می‌شود، انحراف نرخ ارز نسبت فاصلهٔ نرخ ارز حقیقی از تعادلی به نرخ ارز تعادلی است که به شکل درصدی بیان می‌شود. براساس جدول (۲-۶-۲-۵) در سال‌های نخست بررسی، با وجود انحراف زیاد نرخ ارز، درصد اثرغیرمستقیم به طور میانگین مقدار کمی دارد، اما از سال ۱۳۷۱ و با اجرای سیاست‌های آزادسازی نرخ ارز که انحراف نرخ ارز منفی و ارزش پول ملی کاهش بسیاری پیدا کرد، مقدار مطلق اثر غیرمستقیم رشد زیادی کرد و منفی‌تر شد. این بدین معنی است که در دورهٔ جنگ، تقویت پول ملی در

حمایت قیمتی از تولیدکنندگان چغندرقند اثر چندانی نداشته است، اما کاهش ارزش پول ملی اثر بیشتری در کاهش حمایت داشته است. در برنامه‌های سوم و چهارم توسعه دامنهٔ اثرگذاری سیاست‌های ارزی بر حمایت از کشاورزان بیشتر بود. به طوری که در سال ۱۳۸۱ با بیش‌برآورد ۱۲/۹ درصدی ارز، درآمد کشاورزان ۲۰ درصد افزایش پیدا کرد که اهمیت بررسی اثر سیاست‌های ارزی را بر محصولات کشاورزی آشکار می‌کند. به طور کلی در برنامه‌های توسعه، انحراف نرخ ارز و درصد اثر غیرمستقیم حمایت از قیمت بازاری (MPS٪) تناسب بیشتری داشتند. پس از یک دوره حمایت بازاری منفی از چغندرکاران بر اثر اجرای سیاست‌های ارزی، از سال دوم برنامهٔ اول، حمایت از آنان از سال ۱۳۸۳-۱۳۷۷ مثبت و سیاست‌های ارزی تقویت‌کنندهٔ سیاست‌های بخشی بود. مقایسهٔ مقادیر مطلق اثر غیرمستقیم و اثر مستقیم در MPS٪ نشان می‌دهد، همانند گندم و جو، در بیشتر سال‌ها اثرمستقیم بیشتر از اثر غیرمستقیم بوده است که بیانگر نقش مهم‌تر سیاست‌های خاص بخش کشاورزی در چگونگی حمایت از تولیدکنندگان چغندرقند در مقایسه با سیاست‌های ارزی است. تنها در سه سال نخست اجرای سیاست‌های آزادسازی نرخ ارز در سال ۱۳۷۱، سیاست‌های ارزی در مقایسه با سیاست‌های بخشی نقش مؤثرتری داشته‌اند، اما تقویت‌کنندهٔ آنها در جهت حمایت نکردن از تولیدکنندگان بوده‌اند.

۲-۶-۲-۵ بررسی مقادیر حمایت کل از تولیدکنندگان چغندرقند طی برنامه‌های توسعه

براساس آنچه در فصل‌های پیشین بیان شد، حمایت از تولیدکنندگان، حمایت‌های بازاری(MPS) و پرداخت‌های بودجه‌ای(BP) را در برمی‌گیرد که در بخش قبل حمایت‌های بازاری از محصول چغندرقند تحلیل شد. پرداخت‌های بودجه‌ای اجراشده در ایران شامل یارانهٔ پرداختی به نهاده‌های کشاورزی (یارانهٔ کود

شیمیایی، سموم و علف‌کش)، یارانهٔ انرژی (برق و سوخت ماشین‌آلات کشاورزی) بیمهٔ محصولات و یارانهٔ تسهیلات و پرداخت‌ها به علت تفاوت عیار چغندرقند به کارخانه‌ها و کمک‌هزینهٔ مکانیزاسیون است. از آنجا که کارخانه‌های تولید قند و شکر تنها مشتریان کشاورزان چغندرقند هستند، بنابراین حمایت از ادامهٔ تولید آنها، حمایت از چغندرکاران داخلی محسوب می‌شود. بنابراین پرداخت‌های بودجه‌ای دولت به این صنایع به علت عیار کم چغندر تولید داخل، در محاسبهٔ حمایت بودجه-ای از چغندرکاران در نظر گرفته می‌شود.

یارانه به نهاده‌های انواع کود و سموم شیمیایی و انرژی با کاهش هزینهٔ تولید کشاورزان از آنان حمایت می‌کند. این پرداخت‌ها به طور معمول به شکل سیاست‌های قیمتی و توزیع نهادهٔ ارزان‌قیمت است. از این رو بخش عمدهٔ حمایت بودجه‌ای از تولیدکنندگان ایرانی را حمایت‌های قیمتی در بازار نهاده در برمی‌گیرد که نرخ ارز در آن نقش چشمگیری دارد. یارانهٔ پرداختی به نهاده‌های انواع کود شیمیایی و علف‌کش براساس تفاوت قیمت داخلی و خارجی، مقدار مصرف نهاده برای محصول دیم و آبی و سطح زیرکشت با رابطهٔ زیر محاسبه می‌شود:

$$(p_w - p_d)\times Q\times A$$

که در آن p_d و p_w به ترتیب قیمت داخلی و قیمت خارجی تعدیل‌شده با نرخ ارز حقیقی یا تعادلی با افزودن هزینهٔ حمل و نقل نهاده‌ها، Q مقدار مصرف نهاده در هکتار بر حسب کیلوگرم و A سطح زیرکشت بر حسب هکتار است. یارانهٔ انرژی نیز براساس رابطهٔ بالا محاسبه می‌شود، با این تفاوت که به جز انرژی مصرفی برای ماشین‌آلات، باید مقدار مصرف انرژی فسیلی(نفت گاز) و برق مورد نیاز استحصال آب زیرزمینی محاسبه شود که با توجه به کمبود اطلاعات در دسترس، فرایند پیچیده‌ای برای محاسبهٔ آن دنبال شد. تسهیلات اعطایی بانک‌ها نیز تا پیش از سال ۱۳۸۴ و یکسان‌سازی نرخ سود تسهیلات بخش‌های مختلف اقتصاد، به صورت

تسهیلات ارزان‌قیمت به کشاورزان پرداخت می‌شد که در محاسبات از تفاوت نرخ سود بخش کشاورزی و میانگین وزنی نرخ سود دیگر بخش‌های اقتصادی استفاده شده است.

نتایج محاسبهٔ این پرداخت‌ها با توجه به آنچه در بخش‌های قبل بیان شد، در جدول (۳-۶-۲-۵) آمده است. براساس آن، حمایت‌های بودجه‌ای در قیمت‌های ثابت سال ۱۳۸۴ از ۳۶۹ میلیارد ریال در سال ۱۳۶۰، به ۳۵۳ میلیارد ریال در سال ۱۳۸۹ کاهش پیدا کرده است و برنامهٔ چهارم کمترین حمایت بودجه‌ای از چغندرقند را در بین برنامه‌ها داشته است. نهاده‌های انواع کود و سموم شیمیایی و انرژی بیشترین سهم حمایت‌های بودجه‌ای را شامل می‌شوند. در سال‌های جنگ و برنامهٔ اول، سهم حمایت از سم و بذر بیشتر بوده و در سال‌های بعد، سهم یارانهٔ انرژی بیشتر شده و تا ۸۲ درصد در سال ۱۳۸۶رسیده است. بنابراین، به طور میانگین این حمایت‌ها در همهٔ برنامه‌ها بیشتر از ۹۰ درصد کل پرداخت‌های بودجه‌ای بوده است که تفاوت قیمت داخلی و خارجی انرژی و افزایش استفاده از آب‌های زیرزمینی و توسعهٔ ماشین‌آلات از دلایل آن است. حمایت به شکل تسهیلات بانکی در برنامهٔ سوم بیشترین مقدار را داشته و در دیگر برنامه‌ها به جز سال‌های اجرای سیاست‌های آزادسازی(۱۳۷۱) رشد آن کم‌نوسان بوده است. در برنامهٔ چهارم به منظور هدایت سرمایه به بخش‌های پربازده، تفاوت نرخ سود تسهیلات بانکی بخش‌های اقتصادی کاهش پیدا کرد و تفاضل میانگین وزنی آن براساس مقدار تسهیلات اعطایی با سود بخش کشاورزی برابر صفر شد. پرداخت سهم دولت در بیمهٔ محصول چغندرقند نیز پس از آغاز در سال ۱۳۶۴، نوسان داشته و نشان می‌دهد بیمهٔ محصول چغندرقند از برنامهٔ مشخصی پیروی نکرده است. همچنین مقدار حمایت دولت از بیمهٔ چغندرقند متناسب با تورم افزایش پیدا نکرده و بیشترین مقدار آن در سال ۱۳۸۳ برابر با ۱۳/۴ میلیارد ریال ـ در قیمت‌های ثابت ۱۳۸۴ـ بوده است

جدول ۳-۶-۲-۵) حمایت بودجه‌ای از تولیدکنندگان چغندرقند در نرخ حقیقی ارز (میلیارد ریال- ثابت سال ۱۳۸۴)

برنامه های توسعه	سال	نهاده های کود و سم	انرژی	بیمه	تسهیلات بانکی	کل حمایت بودجه ای	سهم نهاده های کود و سم(٪)	سهم انرژی(٪)
دورهٔ جنگی	۱۳۶۰	۲۵۱/۷۰	۱۱۵/۴۳	۰/۰۰	۲/۴۲	۳۶۹/۵۴	۶۸/۱۱	۳۱/۲۴
	۱۳۶۱	۳۲۴/۸۴	۱۵۷/۰۳	۰/۰۰	۲/۴۴	۴۸۶/۷۶	۶۶/۷۴	۳۲/۲۶
	۱۳۶۲	۳۷۱/۰۷	۱۵۵/۵۱	۰/۰۰	۲/۵۷	۵۳۱/۷۱	۶۹/۷۹	۲۹/۲۵
	۱۳۶۳	۴۱۰/۸۱	۱۴۸/۱۰	۰/۰۰	۴/۷۰	۵۸۲/۱۴	۷۰/۵۷	۲۵/۴۴
	۱۳۶۴	۲۸۱/۳۴	۱۶۹/۱۸	۷/۵۰	۵/۹۲	۴۸۶/۵۲	۵۷/۸۳	۳۴/۷۷
	۱۳۶۵	۴۰۷/۶۸	۲۵۹/۴۰	۱۰/۶۳	۵/۴۳	۷۰۹/۸۹	۵۷/۴۳	۳۶/۵۴
	۱۳۶۶	۲۴۷/۲۳	۲۹۶/۴۶	۹/۰۱	۴/۹۱	۵۸۷/۴۱	۴۲/۰۹	۵۰/۴۷
	۱۳۶۷	۲۸۱/۵۹	۲۰۵/۱۹	۲/۲۴	۳/۵۳	۵۰۸/۶۸	۵۵/۳۶	۴۰/۳۴
	میانگین	۳۲۲/۰۳	۱۸۸/۲۹	۳/۶۷	۳/۹۹	۵۳۲/۸۳	۶۰/۹۹	۳۵/۰۴
برنامهٔ اول توسعهٔ اقتصادی و اجتماعی	۱۳۶۸	۴۲۹/۵۲	۲۳۸/۵۰	۴/۲۲	۳/۷۹	۶۹۹/۱۲	۶۱/۴۴	۳۴/۱۱
	۱۳۶۹	۵۸۹/۷۹	۳۵۱/۰۳	۲/۸۸	۷/۹۲	۱۰۱۱/۲۷	۵۸/۳۲	۳۴/۷۱
	۱۳۷۰	۳۹۱/۳۱	۲۹۸/۶۲	۲/۹۳	۱۲/۱۸	۷۶۸/۲۰	۵۰/۹۴	۳۸/۸۷
	۱۳۷۱	۳۵۱/۹۲	۲۹۵/۰۷	۱/۵۷	۱۰/۱۸	۷۵۰/۴۸	۴۶/۸۹	۳۹/۳۲
	۱۳۷۲	۱۳۷/۱۷	۲۱۵/۰۹	۱/۴۵	۴/۶۵	۴۰۶/۶۲	۳۳/۷۳	۵۲/۹۰
	۱۳۷۳	۲۰۷/۷۷	۳۱۸/۹۵	۱/۱۷	۶/۰۰	۵۴۸/۴۶	۳۷/۸۸	۵۸/۱۵
	میانگین	۳۵۱/۲۵	۲۸۶/۲۱	۲/۳۷	۷/۴۵	۶۹۷/۳۶	۴۸/۲۰	۴۳/۰۱
برنامهٔ دوم توسعهٔ اقتصادی و اجتماعی	۱۳۷۴	۲۶۸/۳۵	۳۳۶/۷۹	۰/۹۱	۴/۹۵	۶۵۱/۶۰	۴۱/۱۸	۵۱/۶۹
	۱۳۷۵	۱۴۴/۸۰	۲۴۱/۵۲	۱/۲۶	۴/۱۷	۳۹۵/۹۲	۳۶/۵۷	۶۱/۰۰
	۱۳۷۶	۱۱۲/۵۹	۲۵۳/۷۲	۱/۶۹	۶/۱۱	۳۸۰/۲۲	۲۹/۶۱	۶۶/۷۳
	۱۳۷۷	۱۲۷/۸۵	۲۲۰/۷۶	۲/۱۷	۵/۹۵	۳۶۲/۶۹	۳۵/۲۵	۶۰/۸۷
	۱۳۷۸	۱۷۳/۵۱	۴۲۲/۷۴	۳/۵۵	۷/۳۳	۶۱۴/۴۵	۲۸/۲۴	۶۸/۸۰
	میانگین	۱۶۵/۴۲	۲۹۵/۱۰	۱/۹۲	۵/۷۰	۴۸۰/۹۷	۳۴/۱۷	۶۱/۸۲
برنامهٔ سوم توسعهٔ اقتصادی و اجتماعی	۱۳۷۹	۱۳۳/۶۷	۳۷۵/۰۲	۳/۸۳	۹/۵۷	۵۳۱/۶۵	۲۵/۱۴	۷۰/۵۴
	۱۳۸۰	۱۱۹/۳۳	۲۶۷/۷۳	۳/۹۷	۹/۶۷	۴۱۰/۳۷	۲۹/۰۸	۶۵/۲۴
	۱۳۸۱	۹۵/۵۹	۳۵۵/۰۵	۳/۲۰	۱۰/۴۳	۴۷۴/۷۱	۲۰/۱۴	۷۴/۷۹
	۱۳۸۲	۹۰/۶۹	۳۹۱/۹۳	۰/۶۱	۱۲/۴۶	۵۰۸/۱۴	۱۷/۸۵	۷۷/۱۳
	۱۳۸۳	۱۰۸/۰۱	۳۸۰/۷۶	۱۳/۴۸	۹/۰۶	۵۲۰/۳۷	۲۰/۷۶	۷۳/۱۷
	میانگین	۱۰۹/۴۶	۳۵۴/۱۰	۵/۰۲	۱۰/۲۴	۴۸۹/۰۵	۲۲/۵۹	۷۲/۱۷
برنامهٔ چهارم توسعهٔ اقتصادی و اجتماعی	۱۳۸۴	۹۶/۱۹	۴۷۳/۷۰	۹/۷۳	۰/۰۰	۵۷۹/۶۲	۱۶/۶۰	۸۱/۷۳
	۱۳۸۵	۱۲۵/۷۵	۵۸۶/۸۹	۷/۴۸	۰/۰۰	۷۲۰/۱۲	۱۷/۴۶	۸۱/۵۰
	۱۳۸۶	۱۱۲/۶۴	۵۵۹/۵۰	۴/۳۳	۰/۰۰	۶۷۶/۴۷	۱۶/۶۵	۸۲/۷۱
	۱۳۸۷	۴۹/۸۷	۱۳۱/۷۴	۱/۰۱	۰/۰۰	۱۸۲/۶۲	۲۷/۳۱	۷۲/۱۴
	۱۳۸۸	۳۵/۶۰	۱۳۱/۲۷	۱/۰۳	۰/۰۰	۱۶۷/۹۰	۲۱/۲۰	۷۸/۱۸
	۱۳۸۹	۷۸/۶۸	۲۷۴/۳۰	۰/۳۲	۰/۰۰	۳۵۳/۳۱	۲۲/۲۷	۷۷/۶۴
	میانگین	۸۳/۱۲	۳۵۹/۵۷	۳/۹۸	۰/۰۰	۴۴۶/۶۷	۲۰/۲۵	۷۸/۹۸
پیش بینی برنامهٔ پنجم توسعهٔ اقتصادی و اجتماعی	۱۳۹۰	۱۰۴/۶۶	۲۶۱/۶۶	۱/۷۸	۰/۰۰	۳۶۸/۱۰	۲۸/۴۳	۷۱/۰۸
	۱۳۹۱	۱۴۶/۹۱	۳۵۹/۶۷	۱/۲۲	۰/۰۰	۵۰۷/۸۰	۲۸/۹۳	۷۰/۸۳
	۱۳۹۲	۱۶۷/۰۶	۴۰۷/۵۶	۰/۹۱	۰/۰۰	۵۷۵/۵۴	۲۹/۰۳	۷۰/۸۱
	۱۳۹۳	۱۹۰/۲۱	۴۶۱/۵۳	۰/۹۱	۰/۰۰	۶۵۲/۶۴	۲۹/۱۴	۷۰/۷۲
	۱۳۹۴	۲۳۰/۳۸	۵۵۷/۶۸	۰/۷۲	۰/۰۰	۷۸۸/۷۸	۲۹/۲۱	۷۰/۷۰
	میانگین	۱۶۷/۸۴	۴۰۹/۶۲	۱/۱۱	۰/۰۰	۵۷۸/۵۷	۲۸/۹۵	۷۰/۸۳

منبع: یافته‌های پژوهش

همان‌طور که در نمودار (۲-۶-۲-۵) مشاهده می‌شود، پرداخت‌های بودجه‌ای در قیمت‌های ثابت سال ۱۳۸۴ به دنبال یک دوره افزایش نوسانی در دهۀ ۱۳۶۰، در برنامۀ اول توسعه روندی نزولی داشته است. این کاهش در برنامۀ دوم تداوم نداشت و با اجرای سیاست‌های آزادسازی و تورم ۴۹ درصدی در سال ۱۳۷۴ افزایش پیدا کرد. با اجرای سیاست‌های انقباضی در سال بعد دوباره به روند قبل بازگشت و در برنامۀ سوم و آغاز برنامۀ چهارم توسعه، روند افزایشی داشت. در برنامۀ چهارم به دلیل کاهش ۶۶ درصدی سطح زیرکشت براساس جدول (۱-۶-۲-۵) در سال ۱۳۸۷، حمایت‌های بودجه‌ای، روند کاهشی پیدا کرد. روند سی سالۀ پرداخت‌های بودجه‌ای به تولیدکنندگان محصول چغندرقند نوسان زیادی را در دوره‌های مختلف نشان می‌دهد.

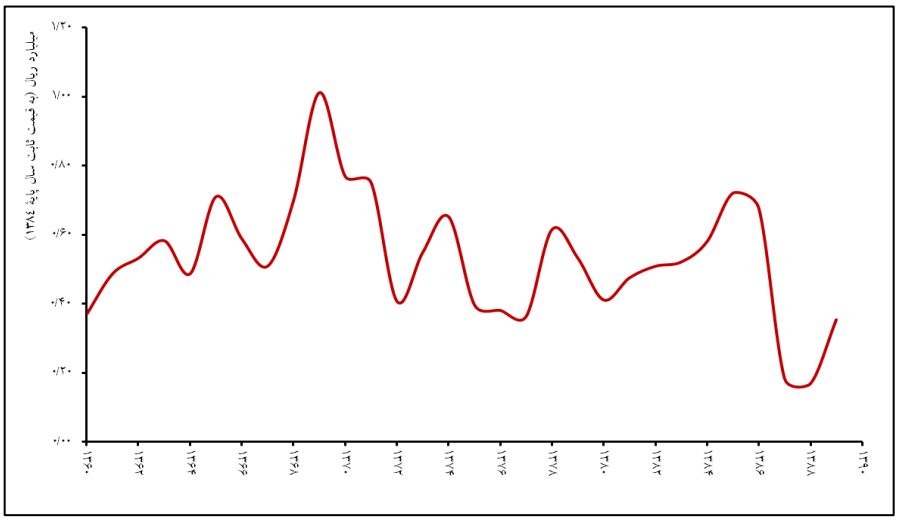

نمودار ۲-۶-۲-۵) نمودار روند پرداخت‌های بودجه‌ای دولت‌ها طی برنامه‌های مختلف توسعه

پس از بررسی اجزای حمایت از تولیدکننده، یعنی حمایت قیمتی و پرداخت‌های بودجه‌ای در جدول (۴-۶-۲-۵) نتایج محاسبۀ شاخص‌های حمایت از تولیدکننده آمده است. در این جدول نیز مانند جدول (۲-۶-۵) انحراف نرخ ارز حقیقی از تعادلی

در کنار شاخص‌های حمایت از تولیدکنندگان (PSE) در برنامه‌های توسعهٔ ایران بررسی می‌شود. میانگین انحراف نرخ ارز در دورهٔ جنگ و برنامه‌های دوم و سوم توسعه مثبت بوده است و بیش‌برآورد ارزش حقیقی ریال نسبت به ارزش تعادلی آن را نشان می‌دهد.

یکی از اهداف این پژوهش، بررسی اثر سیاست‌های ارزی و انحراف نرخ ارز بر مقادیر شاخص‌های حمایت از تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان (٪PSE، ٪MPS و ٪CSE) است که اثرهای مستقیم، کل و غیرمستقیم براساس نرخ‌های ارز حقیقی و تعادلی محاسبه می‌شود. اثرمستقیم که در آن قیمت‌های جهانی مورد استفاده در محاسبه‌ها با نرخ ارز حقیقی تعدیل می‌شود، بیانگر وضعیت موجود حمایت از تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان چغندرقند بر اثر سیاست‌های در حال اجرای بخش کشاورزی و ارزی است. اثر کل، حمایت از آنان را در شرایط اعمال نرخ ارز تعادلی برآمده از متغیرهای کلان اقتصادی در بلندمدت نشان می‌دهد. اثرغیرمستقیم که حاصل تفاضل اثرکل و اثرمستقیم است، نشان‌دهندهٔ اثر سیاست‌های ارزی در چگونگی رقابت‌پذیری بلندمدت چغندرقند نسبت به رقبای جهانی است. اگر این شاخص مثبت باشد، یعنی سیاست‌های ارزی بر سطح رقابت‌پذیری بلندمدت چغندرکاران ایرانی افزوده است و برعکس.

شاخص برآورد حمایت از تولیدکننده (PSE) که مجموع حمایت از قیمت بازاری(MPS) و حمایت‌های بودجه‌ای(BP) را نشان می‌دهد، بیانگر آن است که سیاست‌های حمایتی به سمت حمایت از تولید و تولیدکننده تغییر یافته است، به طوری که میانگین حمایت‌ها در دوران جنگ و برنامه‌های اول و دوم منفی بوده است، اما در برنامهٔ سوم توسعه همزمان با اجرای سیاست یکسان‌سازی نرخ ارز مثبت شده است. براساس قیمت‌های ثابت سال ۱۳۸۴، مقدار حمایت‌ها از ۱۴۰۳- در دوران جنگ به ۹۰۶ میلیارد ریال در برنامهٔ چهارم افزایش یافته است. همچنین

پیش‌بینی می‌شود میانگین حمایت‌ها در برنامهٔ پنجم مثبت باشد. مقایسهٔ نتایج جدول‌های (۴-۶-۲-۵)، (۳-۶-۲-۵) و (۲-۶-۲-۵) نشان می‌دهد در سال‌های ۸۹-۱۳۸۶ که حمایت از تولیدکنندگان چغندرقند مثبت است، سهم حمایت‌های بودجه‌ای در کل حمایت از تولیدکننده بیشتر از حمایت‌های قیمتی بوده است. زیرا با افزایش تفاوت قیمت سوخت در داخل کشور با رشد قیمت جهانی، حمایت‌های بودجه‌ای افزایش پیدا کرده است. اما در مجموع در سه دهه حمایت از تولیدکنندگان بیشتر تحت تأثیر حمایت‌های قیمتی بوده است. با وجود پرداخت‌های بودجه‌ای در دورهٔ جنگ و برنامه‌های اول و دوم توسعه حمایت کل از تولیدکننده (PSE) هم‌علامت با حمایت‌های قیمتی، منفی بوده است. در برنامه‌های سوم و چهارم حمایت‌های قیمتی موجب تقویت حمایت‌های بودجه‌ای شده است.

در جدول (۴-۶-۲-۵) شاخص حمایت از تولیدکنندگان براساس نرخ ارز تعادلی(اثرکل) روندی مشابه اثرمستقیم داشته است که تا میانهٔ برنامهٔ دوم توسعه همزمان با کم‌برآورد ارزش ریال، همواره منفی بوده و بعد از آن تنها در سال ۱۳۸۹ منفی بوده است. در سال‌های برنامهٔ سوم توسعه در پی حمایت‌های بودجه‌ای و قیمتی، با اعمال نرخ تعادلی ارز کشاورزان ۱۷۰۵ میلیارد ریال به قیمت ثابت سال ۱۳۸۴ بیشتر از شرایط رقابت در بازار جهانی دریافت کردند. در برنامهٔ چهارم توسعه با وجود کم‌برآورد ارزش ریال سیاست‌های بخشی با برقراری نرخ تعادلی ارز نیز حمایت‌کنندهٔ تولیدکنندگان بود. اما در برنامهٔ پنجم در پی افزایش قیمت‌های جهانی و کاهش حمایت قیمتی، پرداخت‌های بودجه‌ای توانایی پوشش اثرمنفی سیاست‌های ارزی و قیمتی را نخواهد داشت. ادامه این روند به افزایش واردات شکر و کاهش تولید می‌انجامد.

همان‌طور که بیان شد، در ارزیابی سیاست‌های حمایتی از تولیدکنندگان، شاخص حمایت درصدی از تولیدکننده (PSE٪) مهم‌تر از شاخص برآورد حمایت از

تولیدکننده (PSE) است؛ زیرا با تأثیر نپذیرفتن از تورم، مقیاس و واحد پولی، مقایسهٔ بهتری از حمایت را در طول زمان، بین کشورها و همچنین کالاهای مختلف، امکان‌پذیر می‌سازد. نتایج محاسبهٔ این شاخص با رهیافت تجارت‌محور در جدول (۴-۶-۲-۵) مشاهده می‌شود. میانگین ۳۴- درصد شاخص PSE٪ که با رهیافت تجارت‌محور و نرخ حقیقی ارز برای دورهٔ جنگ محاسبه شده است، نشان می‌دهد مقدار دریافتی تولیدکننده ۳۴ درصد از آنچه می‌توانست با فروش محصولش با قیمت جهانی به دست آورد، کمتر بوده است. به بیان دیگر، سیاست‌های حمایتی در این دوره موجب شده است تولیدکننده ۳۴٪ از درآمدی را که در شرایط بدون چنین سیاست‌هایی می‌توانست به دست آورد به شکل نوعی مالیات پنهان از دست بدهد. میانگین این شاخص با نرخ ارز حقیقی در برنامهٔ سوم توسعه ۶۴ درصد برآورد شده است؛ یعنی در طول این برنامه به اندازهٔ ۶۴ درصد از درآمدی که در صورت فروش محصول با قیمت جهانی به دست می‌آورد، حمایت شده است. در این برنامه سیاست‌های حمایتی موجب حمایت مثبت از تولیدکننده شده و دریافتی او را نسبت به بازار جهانی افزایش داده است. در دورهٔ جنگ به علت اهمیت چغندرقند در تولید شکر داخلی، سیاست‌ها به منظور کمتر نگه داشتن قیمت داخلی آن بود و کشاورزان ناگزیر از پرداخت مالیات پنهان زیادی بودند؛ این شرایط تا آغاز اجرای سیاست‌های آزادسازی در برنامهٔ اول توسعه با نوسان ادامه داشت. پس از آن رشد حمایت‌های بودجه‌ای تا حدی بود که اثر منفی سیاست‌های قیمتی را خنثی و حمایت از چغندرقندکاران بهبود پیدا کرد. در برنامه‌های سوم و چهارم توسعه با وجود حمایت مثبت از تولیدکنندگان با تغییرات قیمت جهانی و تغییر سیاست‌های ارزی حمایت از آنان نوسان داشته است.

جدول ۴-۶-۲-۵ شاخص‌های حمایت از تولیدکنندگان چغندرقند

برنامه های توسعه	درصد انحراف نرخ ارز	سال	ارزش اثرمستقیم به قیمت ثابت سال ۱۳۸۴ (میلیارد ریال)	ارزش اثر کل به قیمت ثابت سال ۱۳۸۴ (میلیارد ریال)	%PSE اثر مستقیم	%PSE اثر غیرمستقیم	%PSE اثر کل
دورهٔ جنگ	۲۶/۸۱	۱۳۶۰	-۲۶۰۳	-۱۷۳۱	-۵۲/۵۳	۸/۳۹	-۴۴/۱۴
	۳۸/۹۰	۱۳۶۱	-۱۴۷۱	-۳۹۸	-۳۰/۷۵	۱۹/۳۱	-۱۱/۴۵
	۳۸/۶۷	۱۳۶۲	-۹۱۸	-۲۱۶	-۲۶/۲۶	۱۷/۷۸	-۸/۴۷
	۴۷/۶۸	۱۳۶۳	-۶۷۵	۵۵	-۲۱/۲۸	۲۳/۸۲	۲/۵۵
	-۱۳/۱۶	۱۳۶۴	-۵۱۰	-۱۰۶۳	-۱۵/۹۹	-۱۳/۰۶	-۲۹/۰۵
	-۲/۷۱	۱۳۶۵	-۱۴۴۴	-۱۷۵۵	-۳۲/۴۲	-۵/۹۳	-۳۸/۳۵
	۷۵/۷۲	۱۳۶۶	-۱۹۴۳	-۵۳۸	-۴۵/۸۶	۲۳/۹۹	-۲۱/۸۷
	۸۹/۸۷	۱۳۶۷	-۱۶۶۳	-۴۲۳	-۴۸/۷۲	۲۵/۸۵	-۲۲/۸۷
	۳۷/۷۲	میانگین	-۱۴۰۳	-۷۵۹	-۳۴/۲۳	۱۲/۵۲	-۲۱/۷۱
برنامهٔ اول توسعهٔ اقتصادی و اجتماعی	۵۰/۶۲	۱۳۶۸	-۱۹۶۱	-۱۰۹۵	-۵۲/۶۱	۸/۸۹	-۴۳/۷۱
	-۴/۳۰	۱۳۶۹	-۲۱۲۲	-۲۵۷۶	-۴۵/۲۳	-۷/۳۶	-۵۲/۵۹
	-۱۰/۸۴	۱۳۷۰	-۱۸۱۳	-۲۵۸۱	-۳۵/۴۳	-۹/۷۰	-۴۵/۱۳
	-۴۷/۰۳	۱۳۷۱	-۸۷۰	-۵۰۹۲	-۱۶/۹۰	-۳۶/۴۶	-۵۳/۳۶
	-۵۱/۴۱	۱۳۷۲	-۲۶۴	-۴۸۸۸	-۵/۷۲	-۴۶/۸۱	-۵۲/۵۳
	-۴۱/۲۹	۱۳۷۳	-۶۰۲	-۴۴۵۵	-۱۰/۵۸	-۳۶/۰۹	-۴۶/۶۸
	-۱۷/۳۸	میانگین	-۱۲۷۲	-۳۴۴۸	-۲۷/۷۵	-۲۱/۲۵	-۴۹/۰۰
برنامهٔ دوم توسعهٔ اقتصادی و اجتماعی	-۳۱/۹۷	۱۳۷۴	-۲۲۷۹	-۵۲۸۹	-۳۵/۴۸	-۲۰/۹۱	-۵۶/۳۹
	-۱۶/۱۸	۱۳۷۵	-۱۰۷۷	-۱۸۸۸	-۲۹/۵۶	-۱۴/۱۲	-۴۳/۶۸
	-۰/۸۹	۱۳۷۶	-۴۰۵	-۶۱۶	-۱۰/۷۹	-۵/۴۹	-۱۶/۲۸
	۳۳/۱۵	۱۳۷۷	-۳۴۲	۴۵۶	-۸/۲۱	۲۲/۶۲	۱۴/۴۱
	۲۹/۱۰	۱۳۷۸	۱۰۳۶	۱۶۱۴	۲۴/۰۹	۲۳/۸۸	۴۷/۹۷
	۲/۶۴	میانگین	-۶۱۳	-۱۱۴۵	-۱۱/۹۹	۱/۲۰	-۱۰/۷۹
برنامهٔ سوم توسعهٔ اقتصادی و اجتماعی	۱۶/۹۶	۱۳۷۹	۱۱۷۱	۱۲۳۱	۴۵/۶۹	۱۰/۰۷	۵۵/۷۷
	۱۶/۵۴	۱۳۸۰	۱۴۰۲	۱۵۴۰	۵۵/۳۱	۱۵/۰۰	۷۰/۳۲
	۱۲/۹۹	۱۳۸۱	۲۲۵۵	۲۳۰۹	۸۳/۰۶	۱۲/۴۲	۹۵/۴۸
	۳/۸۵	۱۳۸۲	۲۱۱۳	۱۹۶۰	۷۵/۹۷	-۲/۹۴	۷۳/۰۳
	-۲/۷۹	۱۳۸۳	۱۵۸۵	۱۳۰۲	۶۳/۹۳	-۱۲/۸۱	۵۱/۱۳
	۹/۵۱	میانگین	۱۷۰۵	۱۶۶۸	۶۴/۷۹	۴/۳۵	۶۹/۱۵
برنامهٔ چهارم توسعهٔ اقتصادی و اجتماعی	-۶/۱۸	۱۳۸۴	۱۶۹۰	۱۲۶۵	۶۵/۲۲	-۱۹/۲۴	۴۵/۹۸
	-۱۰/۷۰	۱۳۸۵	۱۴۸۰	۷۹۱	۴۱/۸۴	-۲۱/۷۷	۲۰/۰۶
	-۱۳/۰۹	۱۳۸۶	۱۱۸۶	۵۹۹	۵۲/۷۸	-۲۹/۴۳	۲۳/۳۵
	-۷/۷۴	۱۳۸۷	۲۸۰	۱۵۶	۳۷/۲۴	-۱۷/۹۶	۱۹/۲۸
	-۳/۳۲	۱۳۸۸	۳۰۰	۲۰۶	۳۵/۲۲	-۱۱/۸۵	۲۳/۳۸
	-۱۷/۴۵	۱۳۸۹	۴۹۷	۵۴	۲۸/۴۷	-۲۵/۸۹	۲/۵۸
	-۹/۷۵	میانگین	۹۰۶	۵۱۲	۴۳/۴۶	-۲۱/۰۲	۲۲/۴۴
پیش بینی برنامهٔ پنجم توسعهٔ اقتصادی و اجتماعی	-۱۹/۲۲	۱۳۹۰	۳۸۴	-۱۳۸	۱۸/۹۱	-۲۴/۴۷	-۵/۵۶
	-۲۱/۱۴	۱۳۹۱	۴۶۲	-۳۱۳	۱۶/۹۷	-۲۶/۱۳	-۹/۱۶
	-۲۳/۰۷	۱۳۹۲	۱۱۰	-۸۱۴	۳/۷۰	-۲۴/۹۰	-۲۱/۲۰
	-۲۴/۹۸	۱۳۹۳	-۲۹	-۱۱۲۹	-۰/۸۹	-۲۵/۱۹	-۲۶/۰۸
	-۲۲/۰۹	۱۳۹۴	-۳۷۳	-۱۵۰۳	-۹/۶۹	-۲۰/۹۷	-۳۰/۶۶
	-۲۲/۱۰	میانگین	۱۱۱	-۷۷۹	۵/۸۰	-۲۴/۳۳	-۱۸/۵۳

منبع: یافته‌های پژوهش

میانگین اثر کل که مجموع اثر سیاست‌های بخشی و کلان اقتصادی (سیاست‌های ارزی) در حمایت از تولیدکنندگان چغندرقند را نشان می‌دهد، تنها در برنامه‌های سوم و چهارم توسعه به طور میانگین مثبت ارزیابی شده است. بیشترین حمایت برآمده از سیاست‌های ارزی و بخشی در سال اجرای سیاست یکسان‌سازی نرخ ارز برابر با ۹۵ درصد بوده است، یعنی کشاورزان با اجرای سیاست‌های ارزی و بخشی به اندازهٔ دریافتی خود بدون اجرای سیاست‌ها با قیمت‌های جهانی تعدیل‌شده با نرخ ارز تعادلی، حمایت شده‌اند. یعنی دریافتی آنان نسبت به حالت قبل از اجرای سیاست‌ها حدود دو برابر بوده است. پیش‌بینی می‌شود در برنامهٔ پنجم توسعه با کم‌برآورد ارزش ریال و افزایش قیمت‌های جهانی، کشاورزان ناگزیر از پرداخت مالیات پنهان باشند. شایان ذکر است، در سال ۱۳۶۳ با بیش‌برآورد ۴۷ درصدی ارزش ریال و اجرای سیاست‌های بخشی، کشاورزان ۲/۵ درصد بیشتر از مشارکت در بازار جهانی دریافت کرده‌اند و تنها سالی است که در دورهٔ جنگ چغندرکاران با اعمال نرخ تعادلی ارز امکان دریافت حمایت را داشته‌اند.

میانگین اثر غیرمستقیم PSE٪ که نشان‌دهندهٔ اثر سیاست‌های ارزی بر مقدار حمایت از تولیدکنندگان چغندرقند است، تنها در برنامه‌های اول و چهارم توسعه منفی و در دیگر برنامه‌ها مثبت بوده است. حمایت منفی برآمده از سیاست‌های ارزی در برنامه‌های اول و چهارم توسعه موجب کاهش ۲۱ درصدی دریافتی کشاورزان شده است. این در حالی است که میانگین انحراف نرخ ارز در این دو برنامه به ترتیب ۱۷ و ۹/۷ درصد بوده است که افزایش اثرگذاری سیاست‌های ارزی را در برنامهٔ چهارم نسبت به برنامهٔ اول توسعه و لزوم توجه به آثار منفی کم‌برآورد ارزش پول ملی بر تولیدکنندگان را آشکار می‌کند. در دورهٔ جنگ که در بیشتر سال‌ها نرخ ارز انحراف مثبت زیادی داشته است، مقدار مطلق اثر غیرمستقیم چندان زیاد نیست. اما در پنج سال ابتدای پس از اجرای آزادسازی‌های سال ۱۳۷۱ با کم‌برآورد شدید

ارزش ریال، اثرغیرمستقیم نیز مقداری نزدیک به آن دارد. از این مقایسه می‌توان نتیجه گرفت بیش‌برآورد شدید ارزش پول ملی، به عنوان تنها ابزار افزایش‌دهندهٔ حمایت از تولیدکنندگان اثر اندکی دارد که باید نرخ ارز حقیقی با نرخ ارز تعادلی بلندمدت اقتصاد در هماهنگی باشد. در دورهٔ جنگ و برنامه‌های دوم و چهارم سیاست‌های ارزی تضعیف‌کنندهٔ اثر سیاست‌های بخشی بوده است، به‌طوری که مقادیر مثبت اثر غیرمستقیم در بیشتر سال‌های دورهٔ جنگ و برنامهٔ دوم توسعه موجب کاهش اثر منفی سیاست‌های خاص بخش کشاورزی در حمایت از تولیدکنندگان چغندرقند در این دوره شده و در برنامهٔ چهارم توسعه اثر منفی سیاست‌های ارزی، اثر مثبت سیاست‌های بخشی را در حمایت از تولیدکنندگان تضعیف کرده است. در دیگر برنامه‌های توسعه، سیاست‌های ارزی اثر سیاست‌های بخشی را تقویت کرده است. به طوری که در برنامهٔ اول، اثر منفی سیاست‌های ارزی، حمایت‌های منفی از محصول چغندرقند را تقویت و در برنامهٔ سوم اثر مثبت این سیاست‌ها، حمایت‌های بخش کشاورزی از تولیدکنندگان را پشتیبانی کرده است. از آنجا که مقادیر مطلق اثرمستقیم در بیشتر سال‌های دورهٔ بررسی‌شده بیشتر از اثر غیرمستقیم بوده است، در مجموع کل حمایت از تولیدکنندگان چغندرقند بر حسب علامت شاخص، سیاست‌های ارزی تقویت یا تضعیف‌کنندهٔ سیاست‌های بخشی بوده است.

۳-۶-۲-۵ بررسی مقادیر حمایت از مصرف‌کنندگان چغندرقند طی برنامه‌های توسعه

شاخص حمایت از مصرف‌کنندگان نشان‌دهندهٔ انتقال‌های قیمتی از مصرف‌کنندگان به تولیدکنندگان، مالیات‌پردازان به مصرف‌کنندگان و دیگر انتقال‌ها به مصرف‌کنندگان است. در مورد محصول چغندرقند(شکر)، از آنجا که پرداخت

مستقیم به مصرف‌کنندگان از راه بودجهٔ سالانهٔ دولت(مالیات‌دهندگان) انجام می‌پذیرد، براساس روابط فصل سوم در مورد محاسبهٔ CSE، مقدار شاخص درصدی آن برابر با شاخص درصد حمایت از قیمت بازاری تولیدکنندگان و تنها نشان‌دهندهٔ حمایت بازاری از مصرف‌کنندگان نیست. در جدول (۶-۶-۲-۵) مقادیر شاخص‌های حمایت از مصرف‌کنندگان چغندرقند (CSE٪) طی دورهٔ مورد بررسی (۸۹-۱۳۶۰) گزارش شده است.

همان‌طور که پیش از این مشاهده شد، انحراف نرخ ارز تا سال ۱۳۶۸ به جز دو سال مثبت بود و پس از آن با اجرای سیاست‌های آزادسازی تا سال ۱۳۷۶ نرخ واقعی ریال کمتر از نرخ تعادلی آن برآورد شد. از این سال با بیش‌برآورد ارزش ریال، انحراف نرخ ارز روند کاهشی پیدا کرد و در سال ۱۳۸۳ با کاهش چشمگیر ارزش تعادلی پول ملی نسبت به ارزش حقیقی آن، انحراف نرخ ارز منفی شد. همچنین پیش‌بینی می‌شود روند کم‌برآورد ارزش حقیقی ریال در برنامهٔ پنجم توسعه نیز ادامه پیدا کند.

بررسی ارزش حمایت مستقیم از مصرف‌کنندگان چغندرقند برحسب قیمت‌های ثابت سال ۱۳۸۴، بیانگر آن است که حمایت از مصرف‌کنندگان روند کاهشی داشته است، به طوری که از ۴۱۹۴ میلیارد ریال در دورهٔ جنگ به ۱۷۰- میلیارد ریال در برنامهٔ چهارم رسیده و در برنامه‌های سوم و چهارم توسعه منفی بوده است. حمایت از مصرف‌کنندگان چغندرقند در سال‌های نخست هر یک از دوره‌های جنگ و برنامه‌های اول و دوم توسعه افزایش پیدا کرده و در طی برنامه کاهشی بوده است. در سال‌های ۸۸-۱۳۸۷ با افزایش حمایت‌های بودجه‌ای، مصرف‌کنندگان حمایت شدند.

جدول ۶-۶-۲-۵) شاخص‌های حمایت از مصرف‌کنندگان چغندرقند

برنامه های توسعه	درصد انحراف نرخ ارز	سال	ارزش اثرمستقیم به قیمت ثابت سال ۱۳۸٤ (میلیارد ریال)	ارزش اثر کل به قیمت ثابت سال ۱۳۸٤	%CSE اثر مستقیم	%CSE اثر غیرمستقیم	%CSE اثر کل
دورهٔ جنگ	۲٦/۸۱	۱۳٦۰	۸۱۸۱	۵۷۳۱	٦۹/۵٤	-۸/۰۱	٦۱/۵۳
	۳۸/۹۰	۱۳٦۱	۵۰۰٤	۱۸۵۸	٤۳/۵۸	-۲۱/۲۹	۲۲/۲۹
	۳۸/٦۷	۱۳٦۲	۲۹۲۱	۱٤۲۲	۵۲/۹٦	-۱۷/۵۵	۳۵/٤۱
	٤۷/٦۸	۱۳٦۳	۳۳۸۵	۱۱۲۹	٤۷/۱۷	-۲٤/۲۳	۲۲/۹٤
	-۱۳/۱٦	۱۳٦٤	۲۳۵۱	۳۲۰۲	٤۰/۵۵	۷/٦۱	٤۸/۱٦
	-۲/۷۱	۱۳٦۵	۳۷۷۹	۳۹٦۸	۵٤/۰۰	۱/۲۱	۵۵/۲۱
	۷۵/۷۲	۱۳٦٦	٤۵۹۱	۱۷۱٦	٦٦/۸۷	-۲۳/۸٦	٤۳/۰۱
	۸۹/۸۷	۱۳٦۷	۳۳٤۰	۱۰۸۰	٦۷/٦۵	-۲۷/۳۰	٤۰/۳۵
	۳۷/۷۲	میانگین	٤۱۹٤	۲۵۱۳	۵۵/۲۹	-۱٤/۱۸	٤۱/۱۱
برنامهٔ اول توسعهٔ اقتصادی و اجتماعی	۵۰/٦۲	۱۳٦۸	۵۷۵٤	۳۳۱۲	۷۷/۲۳	-۱۱/۱۰	٦٦/۱۳
	-٤/۳۰	۱۳٦۹	۹۸٤۳	۱۰٤۳۱	۷۳/٦۲	۱/۱۱	۷٤/۷۳
	-۱۰/۸٤	۱۳۷۰	٦۸۷٤	۸۲٦۰	۵۸/۳۵	٤/۳۸	٦۲/۷۳
	-٤۷/۰۳	۱۳۷۱	٤۹۳٤	۱۳۳۷٤	٤۹/۸۹	۲۳/۰۷	۷۲/۹۷
	-۵۱/٤۱	۱۳۷۲	۲۵۰۰	۹۷٦۳	۳۵/۰۲	۳۲/۷۷	٦۷/۷۹
	-٤۱/۲۹	۱۳۷۳	۳٤۵۰	۹۷٦۳	۳٦/۹۹	۲۵/٤٤	٦۲/٤۲
	-۱۷/۳۸	میانگین	۵۵۵۹	۹۱۵۱	۵۵/۱۸	۱۲/٦۱	٦۷/۸۰
برنامهٔ دوم توسعهٔ اقتصادی و اجتماعی	-۳۱/۹۷	۱۳۷٤	۷۸۵۳	۱٤۵٤٦	۵۳/۹٦	۱٤/۵۱	٦۸/٤٦
	-۱٦/۱۸	۱۳۷۵	٤۲۲٦	۵۷۷٤	۵۱/۰٤	۷/۷۱	۵۸/۷۵
	-۰/۸۹	۱۳۷٦	۲۷٤۷	۲۸۳۳	۲۷/۵۵	۰/٦۲	۲۸/۱۷
	۳۳/۱۵	۱۳۷۷	۱٦۱۵	-٤٤۹	۱۸/۸۵	-۲۵/۷٦	-٦/۹۰
	۲۹/۱۰	۱۳۷۸	-۹٦۸	-۳۱۹٤	-۹/٤۸	-۳۰/۵۱	-٤۰/۰۰
	۲/٦٤	میانگین	۳۰۹٤	۳۹۰۲	۲۸/۳۸	-٦/٦۹	۲۱/۷۰
برنامهٔ سوم توسعهٔ اقتصادی و اجتماعی	۱٦/۹٦	۱۳۷۹	-۹۹٦	-۱۸۸۵	-۱۵/۵۸	-۱۸/٦۷	-۳٤/۲۵
	۱٦/۵٤	۱۳۸۰	-۱۳٦۳	-۲۰۲۰	-۲۸/۲۳	-۲۰/۱۹	-٤۸/٤۲
	۱۲/۹۹	۱۳۸۱	-۳۳۳۵	-۳۹۱۱	-٦۳/۲۹	-۲۰/۰۳	-۸۳/۳۲
	۳/۸۵	۱۳۸۲	-۱۸۵۰	-۱۹۷۸	-۵۰/٤۷	-۵/٤٤	-۵۵/۹۱
	-۲/۷۹	۱۳۸۳	-۳۵٦	-۲۷۹	-۱۲/٤۷	۲/۹۵	-۹/۵۲
	۹/۵۱	میانگین	-۱۵۸۰	-۲۰۱٤	-۳٤/۰۱	-۱۲/۲۸	-٤٦/۲۸
برنامهٔ چهارم توسعهٔ اقتصادی و اجتماعی	-٦/۱۸	۱۳۸٤	-٦٤۸	-٤۱۸	-۱۷/۵۵	٦/۸۹	-۱۰/٦۵
	-۱۰/۷۰	۱۳۸۵	-۷۰۸	۲۳۱	-۸/٦۲	۱۱/۱۵	۲/۵۲
	-۱۳/۰۹	۱۳۸٦	-٤۹۲	۳۱۸	-۸/٦۰	۱۳/٤۸	٤/۸۷
	-۷/۷٤	۱۳۸۷	۷۰۷	۸۸۵	۳۱/۵۱	۵/۰۲	۳٦/۵۲
	-۳/۳۲	۱۳۸۸	۲٦٤	۳۱۹	۱۵/۸۰	۲/٦۵	۱۸/٤۵
	-۱۷/٤۵	۱۳۸۹	-۱٤۳	۷٦۹	-۳/۱۳	۱۷/۱۳	۱٤/۰۰
	-۹/۷۵	میانگین	-۱۷۰	۳۵۱	۱/۵۷	۹/۳۹	۱۰/۹۵
پیش بینی برنامهٔ پنجم توسعهٔ اقتصادی و اجتماعی	-۱۹/۲۲	۱۳۹۰	۳۹۸	۱۳۰٦	۹/۷۳	۱٦/٤۲	۲٦/۱۵
	-۲۱/۱٤	۱۳۹۱	٤٦۵	۱۸۷۹	۸/۳۹	۱۸/٦۰	۲٦/۹۹
	-۲۳/۰۷	۱۳۹۲	۱۲۱۲	۲۸۲٤	۲۱/۵۲	۱۷/٤۵	۳۸/۹۷
	-۲٤/۹۸	۱۳۹۳	۱٤۷۲	۳۳۲۲	۲۵/۳٦	۱۸/۰٤	٤۳/۳۹
	-۲۲/۰۹	۱۳۹٤	۲۲٦٦	٤۱۰۰	۳۳/۷۲	۱٤/۲۱	٤۷/۹۳
	-۲۲/۱۰	میانگین	۱۱٦۳	۲٦۸٦	۱۹/۷٤	۱٦/۹٤	۳٦/٦۹

منبع: یافته‌های پژوهش

حمایت از مصرف‌کنندگان شکر که مادهٔ اولیهٔ آن چغندرقند است، برحسب نرخ ارز تعادلی نیز روندی مشابه داشته و جز سال‌های ۱۳۸۴-۱۳۷۷، همزمان با کاهش قیمت جهانی در تمام سال‌ها مثبت بوده است. اما در سال‌های دیگر پایین نگه‌داشتن قیمت داخلی نسبت به قیمت جهانی و بیش ارزش‌گذاری پول ملی موجب حمایت از مصرف‌کنندگان چغندرقند شده است. پیش‌بینی می‌شود چغندرکاران با کم‌برآورد ارزش ریال ۲۶۸۶ میلیارد ریال به قیمت ثابت سال ۱۳۸۴ حمایت دریافت کنند. افزایش حمایت از مصرف شکر، رشد مصرف و نیاز به تأمین کمبود تولید داخلی از واردات را در پی دارد.

درصد حمایت از مصرف‌کنندگان(CSE٪) با نرخ ارز حقیقی، نشان می‌دهد میانگین حمایت از مصرف‌کنندگان چغندرقند در دورهٔ جنگ ۵۵/۲ درصد از پرداختی مصرف‌کنندگان را برحسب قیمت‌های تعدیل‌شدهٔ جهانی شامل شده است. یعنی در شرایط کنونی با اجرای سیاست‌های قیمتی، مصرف‌کنندگان به اندازهٔ ۵۵/۲ درصد آنچه در صورتی که بازار آزاد برقرار بود، باید می‌پرداختند، حمایت دریافت می‌کنند. در حقیقت ۵۵/۲ درصد نسبت به آنچه می‌بایست می‌پرداختند، کمتر پرداخت کرده‌اند. حمایت زیاد از مصرف‌کنندگان از رقابت‌پذیری بازار می‌کاهد، زیرا مصرف‌کنندگان سهم بیشتری از مازاد بازار داخلی می‌برند که همزمان با کاهش قدرت تولیدکنندگان، تولید محصول کاهش می‌یابد. درصد حمایت از مصرف‌کنندگان در برنامهٔ سوم به کمترین مقدار رسیده و آنان ۳۴ درصد از آنچه در بازار جهانی باید می‌پرداختند، بیشتر پرداخت کرده‌اند.

اثر کل، روند مشابهی با اثر مستقیم دارد و چگونگی حمایت از مصرف‌کنندگان چغندرقند را با برقراری نرخ ارز تعادلی بلندمدت اقتصاد ایران نشان می‌دهد. در برنامهٔ سوم توسعه که با اجرای سیاست یکسان‌سازی نرخ ارز همزمان است، حمایت از مصرف‌کنندگان چغندرقند براساس این شاخص کمترین مقدار را دارد، به طوری

که مصرف‌کنندگان چغندرقند با برقراری سیاست‌های ارزی و بخشی ۴۶ درصد از آنچه(در شرایطی که هیچ سیاست ارزی و بخشی برقرار نباشد) برای مصرف می‌پرداختند، مالیات پنهان پرداخته‌اند. در حالی که در برنامهٔ اول توسعه با کم‌برآورد ارزش ریال ۶۷ درصد از ارزش مصرف چغندرقند به شکل حمایت پرداخت شده است. یعنی با اثرگذاری متغیرهای بنیادین اقتصاد تنها یک سوم از هزینهٔ مصرف چغندرقند را مصرف‌کنندگان پرداخته‌اند.

علامت اثرغیرمستقیم در مورد مصرف‌کنندگان، عکس علامت انحراف نرخ ارز است، یعنی با کم برآورد ارزش ریال(انحراف منفی)، مصرف‌کنندگان حمایت می‌شوند و برعکس. به عبارت دیگر، چگونگی حمایت از مصرف‌کنندگان را هنگامی که سیاست ارزی برقرار است نسبت به وقتی که سیاست ارزی اجرا نمی‌شود، نشان می‌دهد. در برنامهٔ سوم توسعه سیاست‌های ارزی همسو با سیاست‌های بخشی آنها را حمایت کرده‌اند، به طوری که در پی اجرای سیاست‌های ارزی ۱۲/۲ درصد هزینهٔ مصرف چغندرقند در ایران افزایش پیدا کرده است. در دورهٔ جنگ و برنامهٔ دوم توسعه سیاست‌های ارزی تضعیف‌کنندهٔ سیاست‌های بخشی بوده و با اجرای سیاست ارزی، مصرف‌کنندگان چغندرقند حمایت نشده‌اند. در حالی‌که در دیگر برنامه‌ها با اجرای سیاست ارزی بیش برآورد ارزش ریال، مصرف‌کنندگان چغندرقند نسبت به شرایطی که سیاست ارزی برقرار نباشد، حمایت شده‌اند. پیش‌بینی می‌شود در برنامهٔ پنجم توسعه با کم‌برآورد ارزش ریال ۱۶ درصد از هزینه‌های پرداختی مصرف‌کنندگان برای شکر کاسته شود. از سال ۱۳۷۸ تا ۱۳۸۶ اثرغیرمستقیم بیشتر از انحراف نرخ ارز بوده است که اثرگذاری سیاست‌های ارزی را نشان می‌دهد.

۴-۶-۲-۵ نتیجه‌گیری و پیشنهادهای چغندرقند

چغندرقند، مادهٔ اولیهٔ صنایع تبدیلی شکر است و سیاست‌های حمایتی مختلفی از بخش تولید و مصرف آن صورت می‌پذیرد. در این پژوهش مقادیر کمّی این حمایت‌ها براساس شاخص‌های MPS، PSE و CSE طی دورهٔ ۸۹-۱۳۶۰ محاسبه شده است که نتایج بیانگر وجود روند افزایشی در حمایت‌های قیمتی، بودجه‌ای و کل حمایت از تولیدکنندگان و روند کاهشی در حمایت از مصرف‌کنندگان چغندرقند به قیمت ثابت تا پایان برنامهٔ سوم و یک روند کند معکوس در برنامهٔ چهارم بوده است. همچنین در مجموع حمایت‌های بودجه‌ای و قیمتی، سهم حمایت‌های بودجه‌ای در کل حمایت از تولیدگنندگان تنها در برنامهٔ چهارم، به دلیل افزایش قیمت داخلی و جهانی انرژی بیشتر بوده است. در بین حمایت‌ها نیز سهم یارانهٔ سوخت و یارانهٔ نهاده‌های تولید حدود۹۰ درصد از کل حمایت‌های بودجه‌ای از تولیدکنندگان، بیش از حمایت‌های دیگر بوده است. مقادیر اثرمستقیم حمایت از مصرف‌کنندگان چغندرقند از میانگین ۵۵ درصد در دورهٔ جنگ به ۱/۵ درصد در برنامهٔ چهارم توسعه رسیده است. افزون بر این، بررسی اثر سیاست‌های ارزی و انحراف نرخ ارز بر مقادیر حمایت از مصرف‌کنندگان چغندرقند نشان می‌دهد این سیاست‌ها در دورهٔ جنگ و همچنین برنامه‌های دوم و سوم توسعه که انحراف نرخ ارز مثبت بوده (نرخ ارز حقیقی بیش از نرخ ارز تعادلی بوده است) بر شاخص‌های حمایت از مصرف‌کنندگان اثر منفی داشته است، در حالی که در دیگر برنامه‌های توسعه، این سیاست‌ها موجب افزایش حمایت از مصرف‌کنندگان چغندرقند شده است، یعنی اثر غیرمستقیم تقویت‌کنندهٔ اثر مستقیم بوده است. در مورد تولیدکنندگان نیز اجرای سیاست‌های ارزی موجب شده است با بیش‌برآورد نرخ حقیقی ریال نسبت به نرخ تعادلی، چغندرکاران حمایت شوند و در برنامهٔ سوم توسعه با اجرای سیاست‌های ارزی، تولیدکنندگان ۴ درصد

بیشتر از آنچه در بازار رقابتی، بدون اجرای سیاست‌های ارزی، دریافت می‌کردند، حمایت شدند. در پیش‌بینی برنامهٔ پنجم نیز همانند برنامهٔ چهارم، سیاست‌های ارزی تقویت‌کنندهٔ سیاست‌های بخش کشاورزی نیست، اما اثرمستقیم در بعضی سال‌ها مثبت است. شاخص حمایت بازاری هم عدم حمایت از تولیدکنندگان را در بازار داخلی نسبت به بازار جهانی نشان می‌دهد، به طوری که سیاست‌های ارزی و بخشی به زیان تولیدکنندگان چغندرقند خواهد بود.

متوسط شاخص‌های حمایت قیمتی، حمایت از تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان در دورهٔ اجرای سیاست‌های ارزی در کشور، در جدول (۷-۶-۲-۵) آمده است. براساس شاخص‌های درصدی حمایت از تولیدکنندگان چغندرقند در سه دههٔ بررسی، سیاست‌های بخشی در مقایسه با سیاست‌های ارزی در کل حمایت‌ها تأثیر بیشتری داشته است، زیرا قدرمطلق اثر مستقیم بیشتر از اثر غیرمستقیم بوده است. در دههٔ ۱۳۶۰ به دلیل به‌کارگیری سیاست تثبیت نرخ ارز، انحراف از نرخ تعادلی به شدت افزایش یافت و با بیش‌برآورد ارزش ریال از تولیدکنندگان حمایت شد، اما در این دوره آثار منفی سیاست‌های بخشی از جمله کم نگه داشتن قیمت داخلی در مقایسه با قیمت جهانی تا حدی زیاد بود که اثر سیاست ارزی را خنثی و در مجموع حمایت کل از تولیدکننده را منفی کرد. در دههٔ ۱۳۷۰ با برقراری سیاست ارزی چندنرخی، میانگین اثرغیرمستقیم شاخص‌های حمایت از تولیدکنندگان منفی شد، اما به طور کلی سیاست‌های بخشی در راستای حمایت بیشتر از تولیدکنندگان بهبود پیدا کرد. به طوری که میانگین اثرمستقیم حمایت از تولیدکنندگان در این دهه ۰/۷۹ درصد بود که اثرگذاری اندک سیاست‌های بخشی دراین دوره را نشان می‌دهد. در دورهٔ سوم سیاست‌های ارزی با برقراری نرخ ارز شناور مدیریت‌شده انحراف نرخ ارز کاهش پیدا کرد. این کم‌برآورد ارزش ریال، با حمایت نکردن از تولیدکننده، از اثر مثبت ۵۳ درصدی سیاست‌های بخشی کاست. به ویژه آن‌که با وجود انحراف ۴

درصدی نرخ ارز اثرغیرمستقیم در این دوره ۱۴/۳ درصد بوده است. سیاست‌های بخشی در دورهٔ سوم موجب دریافت مالیات پنهان از مصرف‌کنندگان شد. میانگین اثرمستقیم و اثرکل حمایت از مصرف‌کننده در دورهٔ اجرای سیاست شناورسازی به ترتیب ۱۲/۹ و ۹/۲ درصد بود.

جدول ۷-۶-۲-۵) بررسی حمایت از تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان چغندرقند در دوره‌های ارزی

دوره	درصد انحراف نرخ ارز	%MPS			%PSE			%CSE		
		اثر مستقیم	اثر غیرمستقیم	اثر کل	اثر مستقیم	اثر غیرمستقیم	اثر کل	اثر مستقیم	اثر غیرمستقیم	اثر کل
۱۳۶۰-۱۳۷۰	۳۰/۶۶	-۵۲/۱۴	۱۲/۶۶	-۳۹/۴۸	-۳۷/۰۱	۸/۳۶	-۲۸/۶۴	۵۹/۲۳	-۱۰/۸۲	۴۸/۴۱
۱۳۷۱-۱۳۸۰	-۹/۳۰	-۱۱/۶۲	-۳/۵۰	-۱۵/۱۲	۰/۷۹	-۸/۸۳	-۸/۰۴	۲۲/۰۰	۰/۹۰	۲۲/۹۰
۱۳۸۱-۱۳۸۹	-۴/۹۴	۳۲/۲۱	-۴/۸۵	۲۷/۳۶	۵۳/۷۵	-۱۴/۳۸	۳۹/۳۶	-۱۲/۹۸	۳/۷۵	-۹/۲۳

منبع: یافته‌های پژوهش

به طور کلی شاخص‌های حمایت از چغندرقند، روند پرنوسانی را در پی اجرای سیاست‌های ارزی و بخشی و تغییر قیمت‌های جهانی نشان می‌دهند که به افزایش ریسک در طول زمان منجر می‌شود. در سال‌های نخست که سیاست‌های بخشی حمایت‌کننده نبوده است، سیاست‌های ارزی نیز توان جبران نبود حمایت را نداشته‌اند و در دو دورهٔ بعد، سیاست‌های ارزی تضعیف‌کنندهٔ اثر مثبت سیاست‌های بخشی بوده است. مقایسهٔ حمایت در دوره‌های ارزی ایران نشان می‌دهد اجرای سیاست ارزی شناور بر سیاست‌های چندگانهٔ نرخ ارز و تثبیت شدید، برتری دارد. به طوری که مقادیر مثبت اثرمستقیم و اثرغیرمستقیم در برنامهٔ سوم توسعه نشان می‌دهد، اجرای سیاست یکسان‌سازی نرخ ارز که تقویت‌کنندهٔ سیاست‌های بخشی بوده، موجب حمایت از تولیدکنندگان چغندرقند شده است. با توجه به نتایج برآورد نرخ ارز در فصل سوم، افزایش درآمدهای نفتی سبب افزایش ارزش ریال تعادلی

می‌شود که در صورت ثبات نرخ حقیقی ارز، رشد درآمدهای نفتی به نفع تولیدکنندگان است. همچنین بهره‌وری اقتصاد به عنوان شاخص پیشرفت فن‌آوری، چنین اثری بر نرخ تعادلی ارز و شاخص حمایت‌ها دارد که دولت با مدیریت این دو عامل می‌تواند حمایت از چغندرکاران را افزایش دهد. در نهایت انتظار می‌رود، ترکیب سیاست‌های پولی، مالی، ارزی و بخشی به گونه‌ای باشد که برایند آن، حمایت‌کنندهٔ کشاورزان باشد.

براساس نتایج، اجرای سیاست‌های باثبات و بلندمدت برای پیشگیری از نوسان‌های قیمت محصول، نهاده‌ها و نرخ ارز و حمایت‌های بودجه‌ای توصیه می‌شود. با توجه به سهم بیشتر حمایت‌های قیمتی از کل حمایت‌ها در بیشتر سال‌های مورد بررسی (۸۹-۱۳۶۰)، تأکید بر الگوی سیاستی حمایت‌های قیمتی موجب حفظ انگیزهٔ چغندرکاران برای تولید و تأمین مادهٔ اولیهٔ صنایع تبدیلی آن می‌شود و به خودکفایی داخلی قندوشکر کمک می‌کند و در نهایت امکان رقابت در بازارهای جهانی را فراهم می‌آورد. همچنین تنوع‌بخشی به حمایت‌های بودجه‌ای مانند به‌کارگیری پرداخت‌های مستقیم و بیمهٔ درآمدی نیز می‌تواند مناسب باشد. تنظیم سیاست‌های ارزی و بخشی به گونه‌ای که همسو و تقویت‌کنندهٔ یکدیگر باشند، به کارایی آنها می‌افزاید و با افزایش مزیت رقابتی، به رقابت‌پذیری جهانی تولیدکنندگان داخلی کمک می‌کند.

۷-۲-۵ سویا

سویا، از محصولات کشاورزی است که در خوراک دام و تولید روغن به کار می‌رود و از ارزش افزودهٔ زیادی برخوردار است. روغن و چربی‌ها، ۰/۸ درصد کل هزینه‌ها و ۳/۳ درصد هزینه‌های خوراکی خانوار ایرانی را در سال ۱۳۸۹ تشکیل می‌داد(نتایج بررسی بودجهٔ خانوار شهری بانک مرکزی، ۱۳۹۰). از آنجا که ۷۵ درصد از هزینه‌های روغن و چربی‌های خانوار را روغن‌های نباتی دربرمی‌گیرد و براساس گزارش شرکت توسعهٔ دانه‌های روغنی کشور، به طور میانگین ۳۰ درصد روغن مصرفی کشور، روغن سویاست، بنابراین سویا در سبد مصرف خانوار نقش مهمی دارد. همچنین با افزایش قیمت پروتئین‌های حیوانی و توصیه‌های پزشکی در مورد فایده‌های پروتئین‌های گیاهی، مصرف این دانهٔ روغنی به عنوان پروتئین نیز در تغذیهٔ خانوار روبه افزایش است. مادهٔ خشک باقیمانده پس از روغن‌کشی نیز به صورت کنجاله، خوراکی سرشار از پروتئین برای دام و طیور محسوب می‌شود. از این رو، بررسی حمایت از تولید و مصرف این محصول، به دلیل نقش راهبردی سویا در مصرف نهایی، صنایع تبدیلی و فراوری و تولیدات دامی، به برنامه‌ریزی و سیاست-گذاری کمک می‌کند.

در جدول (۱-۷-۲-۵) وضعیت تولید، عملکرد و تجارت سویا در ایران آمده است. با توجه به جدول، مشاهده می‌شود در سال‌های ۱۳۸۹-۱۳۶۸ سهم ایران از سطح زیرکشت جهانی سویا به طور میانگین ۰/۱ درصد بوده است. سطح زیرکشت سویا از سال ۱۳۷۶ نوسان کمی داشت و در برنامه‌های سوم و چهارم به طور میانگین ۸۲ هزار هکتار بود. بیشترین تولید سویا در سال ۱۳۷۳ حدود ۲۳۵ هزار تن بود که پس از آن این رکورد تکرار نشد. در برنامهٔ دوم توسعه تولید سویا نوسان زیادی داشت، اما در برنامه‌های سوم و چهارم تولید این محصول با روند ثابتی همراه بود. عملکرد سویا

در طی سال‌های اجرای برنامه‌های توسعه، از ۱/۴ تن در هکتار در برنامهٔ اول به ۲/۳ تن در هکتار در برنامهٔ چهارم افزایش پیدا کرده است. بررسی عملکرد تولید سویا در ایران نسبت به جهان نیز نشان می‌دهد عملکرد تولید سویا در ایران، در بیشتر سال‌ها، از میانگین عملکرد جهانی کمتر بوده است، اما از سال ۱۳۸۰ این عملکرد به میانگین عملکرد جهانی نزدیک شده است. در جدول (۱-۷-۲-۵) سهم سویای ایران از تولید جهانی در طی چهار برنامهٔ توسعه تغییر چندانی نداشته و به طور میانگین ۰/۰۸۷ درصد بوده است.

تجارت سویا، بیشتر به صورت روغن و کنجاله است که در جدول (۱-۷-۲-۵) این مقدار به صورت معادل دانهٔ سویا درج شده است. براساس نظر کارشناسان شرکت توسعهٔ کشت دانه‌های روغنی ایران، به طور میانگین ۱۸ درصد از دانهٔ سویا، روغن استخراج‌پذیر است و تفالهٔ باقیمانده که پس از عملیات فراوری و قالب‌ریزی به شکل استوانه‌های کوچک، کنجالهٔ سویا نامیده می‌شود ۷۹ درصد از دانهٔ اولیه را تشکیل می‌دهد.

در حقیقت، به طور میانگین ۹۷ درصد دانهٔ سویا که وارد چرخهٔ فراوری می‌شود مورد مصرف قرار گرفته و با هدررفت کمی روبه‌رو است. واردات سویا بر سودآوری صنایع داخلی تولید روغن و در نتیجه بر سویاکاران تأثیر بسزایی دارد. روند واردات سویا(روغن و کنجاله) ایران بسیار پرنوسان بوده است، اما از سال ۱۳۸۲ به طور متوسط کاهش پیدا کرده است که می‌توان آن را در نتیجهٔ توسعهٔ سطح زیرکشت و بهبود عملکرد دانست.

جدول ۱-۷-۲-۵) وضعیت تولید، عملکرد و تجارت دانهٔ سویا ایران

سال	سطح زیرکشت (هزارهکتار)	سهم از سطح زیرکشت جهان (درصد)	عملکرد (تن در هکتار)	نسبت عملکرد ایران به جهان	تولید (هزارتن)	سهم از تولید جهان (درصد)	واردات (هزار تن)	سهم از واردات (درصد)	ارزش واردات دانه سویا و فراورده های آن (میلیون دلار)	سهم از ارزش واردات (درصد)
۱۳٦۸	٦۳/۰	۰/۱۱	۱/٤۳	۰/۷۸	۹۰	۰/۰۸	٤۲۹۵	۵/۵۰	۳٤٦	۲/۱۸
۱۳٦۹	٦۸/۲	۰/۱۲	۱/۳۰	۰/٦۹	۸۹	۰/۰۸	۳۱۷۲	٤/۰۲	۳۱۱	۲/۱٤
۱۳۷۰	٦۳/۰	۰/۱۱	۱/۱۰	۰/۵۸	٦۹	۰/۰۷	۲۰۵٤	۲/٦۱	۲۱۷	۱/۵۲
۱۳۷۱	٦۰/۰	۰/۱۱	۱/٦۷	۰/۸۲	۱۰۰	۰/۰۹	۲٤۷۹	۲/۸۹	۳۰۸	۱/۹۸
۱۳۷۲	۷۲/٤	۰/۱۲	۱/۸۰	۰/۹۳	۱۳۰	۰/۱۱	٤۰۷۷	٤/۸۱	۵۲٤	۳/۳۷
۱۳۷۳	۱۰٤/۰	۰/۱۷	۲/۲٦	۱/۰۳	۲۳۵	۰/۱۷	۳۱۰۱	۳/۳۱	۳۸۸	۲/۲۱
۱۳۷٤	۵۸/۰	۰/۰۹	۱/۳٦	۰/٦۷	۷۹	۰/۰٦	۳۳٦۱	۳/۲۸	۵۰٤	۲/٦٤
۱۳۷۵	۵۲/۰	۰/۰۹	۱/۲۷	۰/٦۰	٦٦	۰/۰۵	۳٦۲۰	۳/۵۵	۵۱۹	۲/۳۷
۱۳۷٦	۷۵/۰	۰/۱۱	۱/۸۹	۰/۸۸	۱٤۲	۰/۱۰	۲۵۵٦	۲/۲۲	۳٦۷	۱/٤۵
۱۳۷۷	۸٤/۰	۰/۱۲	۱/٦٤	۰/۷۳	۱۳۸	۰/۰۹	۲۹۸٦	۲/٤۲	٤٤۷	۱/۹۳
۱۳۷۸	۵۰/۰	۰/۰۷	۱/٦۱	۰/۷۳	۸۰	۰/۰۵	۵۵٦۰	٤/۲۳	۵۸۳	۲/۹٤
۱۳۷۹	۹۰/۰	۰/۱۲	۱/۵۸	۰/۷۳	۱٤۲	۰/۰۹	٤۹۹۱	۳/۷۲	۵۰۷	۲/٤۰
۱۳۸۰	۸۸/۰	۰/۱۱	۱/٤۸	۰/٦٤	۱۳۰	۰/۰۷	٦۳۹۸	٤/۰۷	٦۱٤	۲/۵۳
۱۳۸۱	۸۰/۰	۰/۱۰	۲/۳۸	۱/۰۳	۱۹۰	۰/۱۰	۵۳۷۷	۳/۲٦	۵۵٤	۲/۱٤
۱۳۸۲	۸۰/۰	۰/۱۰	۲/۳۸	۱/۰٤	۱۹۰	۰/۱۰	٦۹۳۵	۳/۸۷	۹۱۵	۲/۷۳
۱۳۸۳	۸۲/۰	۰/۰۹	۲/٤۱	۱/۰۸	۱۹۸	۰/۱۰	۵٦۸۷	۳/۲۳	۱۰۱۰	۲/۵٤
۱۳۸٤	۸۲/۲	۰/۰۹	۲/٤۱	۱/۰٤	۱۹۸	۰/۰۹	۵۲۸۵	۲/۷۸	۷۰۹	۱/۸۸
۱۳۸۵	۸۱/۸	۰/۰۹	۲/۲٦	۰/۹۷	۱۸۵	۰/۰۸	۵۰۷۵	۲/۵۷	۷۰۸	۱/۹۰
۱۳۸٦	۷۵/۰	۰/۰۸	۲/۳۸	۰/۹۸	۱۷۹	۰/۰۸	٦۳٦٤	۲/۸۸	۱۱۸۷	۲/۲۰
۱۳۸۷	۸٤/۵	۰/۰۹	۲/۳٤	۰/۹۷	۱۹۷	۰/۰۹	٤۳۱۰	۱/۹۹	۱٤۲۵	۱/۷۱
۱۳۸۸	۸٤/۱	۰/۰۸	۲/٤۷	۱/۱۰	۲۰۷	۰/۰۹	۳۲۳۹	۱/۵۸	۹۰۸	۱/۳٤
۱۳۸۹	۷٦/۱	۰/۰۷	۲/۱٤	۰/۸۳	۱٦۳	۰/۰٦	۵۱۰۷	۲/۲۳	۱٤۸٦	۱/۹۱

منبع: سایت وزارت جهاد کشاورزی جمهوری اسلامی ایران و سازمان خواربار و کشاورزی جهانی ملل متحد(http://fao.org)

براساس گزارش سازمان خواربار جهانی بیشترین واردات سویای ایران در سال ۱۳۸۲ بیش از ۶۹۰۰ هزارتن بود. با وجود این، سهم ایران از واردات سویای جهان ۳/۸ درصد بود که نسبت به سال‌های پیش و پس از آن تغییر چندانی نداشت. به طور کلی، سهم واردات ایران از کل واردات جهان حدود ۳/۲ درصد بوده است. در سال‌های دورهٔ بررسی بیشترین هزینهٔ واردات سویا در سال ۱۳۸۹ برابر با ۱۴۸۶

میلیون دلار انجام پذیرفته است که ۱/۹ درصد از ارزش واردات جهانی سویا را شامل شده است. براساس نمودار(۱-۷-۲-۵) روند کاهشی سهم ایران از سطح زیرکشت، تولید و واردات جهان، با وجود افزایش سطح زیرکشت و تولید آن در سال‌های اخیر، نشان‌دهندهٔ توسعهٔ تولید و سطح زیرکشت سویا در سراسر جهان است که از دلایل آن می‌توان به افزایش مصرف تولیدات دامی، روغن و دانهٔ سویا در تغذیهٔ مردم، همزمان با افزایش جمعیت جهان اشاره کرد.

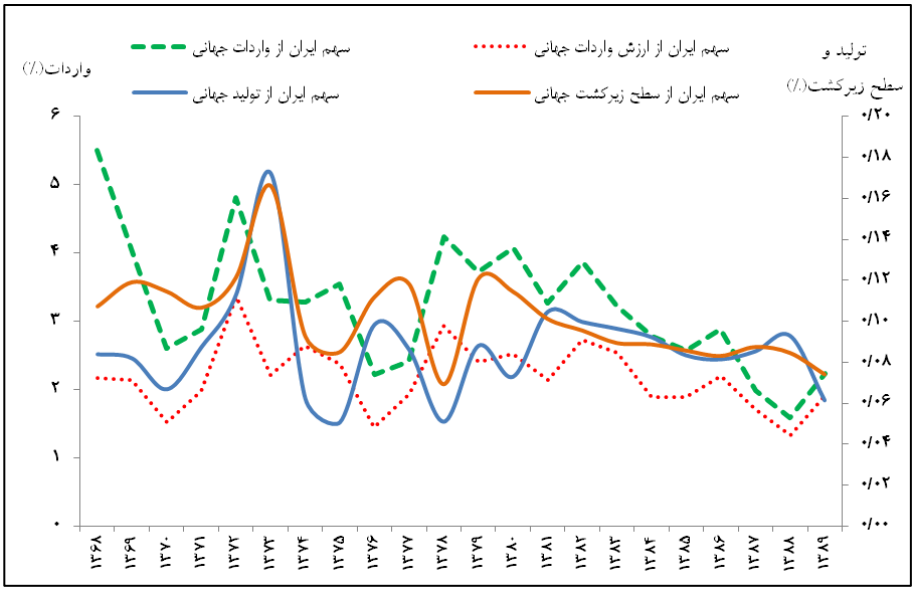

نمودار ۱-۷-۲-۵) سهم ایران از تولید، سطح زیرکشت، واردات و ارزش واردات جهانی سویا طی دورهٔ ۸۹-۱۳۶۸

با توجه به نقش سویا در صنایع تبدیلی، تولیدات دامی، ایجاد ارزش افزوده و سهم زیاد روغن سویا در سبد مصرف خانوار، سیاست‌های حمایتی مختلفی به منظور افزایش تولید و سطح زیرکشت این محصول اجرا شده است. دانه‌های روغنی طبق قرارداد کشت، بین شرکت توسعهٔ کشت دانه‌های روغنی و کشاورزان به منظور تأمین بخشی از روغن خوراکی مورد نیاز کشور تولید می‌شوند و شامل آفتابگردان، سویا،

کلزا و گلرنگ هستند. براساس قرارداد کل دانهٔ روغنی تولید شده، با قیمت تضمینی توسط شرکت خریداری و در اختیار کارخانه‌های روغن‌کشی قرار می‌گیرد. از این رو بازار آن برای کشاورزان و کارخانه‌ها، به ترتیب در طرف تقاضا و عرضه انحصاری است، زیرا شرکت توسعهٔ کشت دانه‌های روغنی در یک سوی معامله با آنها قرار دارد. با توجه به ارزان‌تر بودن رقم‌های مشابه وارداتی، دولت به منظور حمایت از تداوم و افزایش تولید دانه‌ها به شرکت توسعهٔ کشت دانه‌های روغنی یارانه می‌پردازد. مقدار یارانه برای هر یک از دانه‌های روغنی براساس تفاوت قیمت تمام‌شدهٔ تولید(توسط شرکت سهامی دانه‌های روغنی ارائه می‌شود) با قیمت تضمینی مصوب تعیین، و پس از تصویب در شورای اقتصاد به شرکت پرداخت می‌شود (مؤسسهٔ پژوهش‌های برنامه ریزی و اقتصاد کشاورزی، ۱۳۸۴). بخشی از کنجالهٔ تولیدی کارخانه‌ها را نیز شرکت پشتیبانی امور دام خریداری و بین واحدهای دامپروری توزیع می‌کند. آمار منتشرنشدهٔ این شرکت نشان می‌دهد، از سال ۱۳۸۰، توزیع کنجالهٔ سویا کاهش چشمگیری پیدا کرد و از ۱۸۹ هزار تن در سال ۱۳۷۹ به ۶۹ هزار تن در سال ۱۳۸۰ رسید. همچنین بیشترین مقدار توزیع کنجالهٔ سویا ۷۷۴ هزارتن در سال ۱۳۷۷ بود. این تغییر ساختاری در الگوی توزیع کنجاله از سال ۱۳۸۰ و ادامهٔ آن، نشان‌دهندهٔ کاهش نقش تصدی‌گری دولت در بازار کنجالهٔ سویاست. دولت همچنین با توزیع نهاده‌های یارانه‌ای در بخش تولید سویا، پرداخت یارانه به مصرف روغن در بخش مصرف‌کنندگان، یارانهٔ بیمهٔ محصولات کشاورزی و تسهیلات بانکی در دورهٔ مورد بررسی (۱۳۸۹-۱۳۶۰) از سویا حمایت کرده است.

در ادامه، نتایج محاسبهٔ شاخص‌های حمایت از تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان سویا (CSE٪، MPS ٪ ، PSE٪) تجزیه و تحلیل می‌شود. همچنین، اثر سیاست‌های ارزی و انحراف نرخ ارز بر مقادیر حمایت از این محصول طی برنامه‌های اول تا چهارم توسعه بررسی می‌شود. از کارکردهای پژوهش‌های اقتصادی افزون بر تبیین و تحلیل

وضـیعت‌هـای گذشـته و کنـونی، پـیش‌بینـی آینـدهٔ شـاخص‌هـای اقتصـادی بـرای برنامه‌ریزی است. از این رو با فرض ادامهٔ روند رشد تخصیص یارانه‌ها هماننـد برنامـهٔ چهارم و پیش‌بینی قیمت‌ها با استفاده از روش‌های درون‌یابی و میانگین متحـرک بـا روشی که برای محصولات دیگر بیان شد، شاخص‌های حمایـت از تولیـدکننـدگان و مصرف‌کنندگان سویا در برنامهٔ پنجم پیش‌بینی می‌شود.

۱-۷-۲-۵ بررسی مقادیر حمایت بازاری از تولیـدکننـدگان سـویا طـی برنامه‌های توسعه

شاخص حمایت از قیمت بازاری(MPS) بیشتر بازتاب‌دهندهٔ سیاست‌های مؤثر بـر قیمت— در ایران قیمت تضمینی— و سیاست‌های ارزی است که بـه شـکل ارزش پولی و درصدی محاسبه می‌شود. براسـاس روش‌شناسـی بیـان‌شـده در فصـل سـوم پژوهش این شاخص نشان‌دهندهٔ انتقال به تولیدکنندگان از مصرف‌کنندگان، مالیات-دهندگان و واردکنندگان است. شاخص درصـدی حمایـت از قیمـت بـازاری نسـبت تفاوت قیمت دریافتی تولیدکنندگان داخلی را با قیمت جهانی تعدیل شده با نرخ ارز حقیقی یا تعادلی به قیمت جهانی نشان می‌دهد. اگر قیمت جهانی با نرخ ارز حقیقی تعدیل شود، اثر مستقیم و اگر بـا نـرخ ارز تعـادلی تعـدیل شـود، اثـر کـل محاسـبه مـی‌شـود. تفاضـل ایـن دو اثـر نشـان‌دهنـدهٔ برایـند سیاسـت‌هـای ارزی اسـت کـه اثرغیرمستقیم نامیده می‌شود. نتایج محاسبات حمایت از قیمت بازاری، به قیمت‌های ثابت طی برنامه‌های اول تا چهارم توسعه و پیش‌بینی برنامـهٔ پـنجم بـرای محصـول سویا در جدول (۲-۷-۲-۵) ارائه شده است.

براساس نتایج انحراف نرخ ارز که از نسبت تفاوت نرخ حقیقی ارز و نرخ تعادلی آن نسبت به نرخ تعادلی ارز محاسبه می‌شود، در دوره‌های مختلف متفاوت بـوده اسـت. برای محاسبهٔ نرخ حقیقـی ارز، نـرخ ارز اسـمی(بازاری) در نسـبت متوسـط مـوزون

شاخص سطح عمومی قیمت‌های مهم‌ترین شرکای تجاری ایـران بـه سـطح عمـومی قیمت‌های ایران ضرب می‌شود. نرخ تعادلی با استفاده از الگوی اقتصادسنجی تصحیح خطا تابعی از متغیرهای بنیادین اقتصاد شامل رابطهٔ مبادله، قیمت جهانی طلا، درجهٔ باز بودن اقتصاد، درآمد نفتی کشور، بهره‌وری کل اقتصاد، نسبت نرخ بهرهٔ جهانی بـه نرخ بهره در ایران است که نرخ ارز ایران را در شرایط تعادل بلندمدت اقتصاد نشـان می‌دهد.

در دورهٔ جنگ با کاهش درآمد نفتی و همزمان نیاز کشور به ارز، با بـیش بـرآورد ارزش ریال نسبت به دلار توسط دولت، انحراف نرخ ارز در سال پایانی جنگ(۱۳۶۷) به ۸۹ درصد افزایش پیدا کرد. در برنامهٔ اول توسعه با کم‌برآورد ارزش ریال نسبت به نرخ تعادلی، انحراف نرخ ارز منفی بود و در سال‌های پایانی این برنامه به دلیل اجرای سیاست‌های آزادسازی اقتصادی مقدار آن افزایش یافت. در سال‌های نخسـت برنامـهٔ دوم انحراف نرخ ارز حقیقی از مقدار تعادلی بلندمدت اقتصاد منفـی و در سـال‌هـای بعد مثبت شد. در برنامهٔ سوم توسعه به منظور تشویق صادرات، سیاست بیش‌بـرآورد ارزش ریال دنبال شد، یعنی نرخ ارز تعادلی کمتر از نرخ حقیقـی آن بـود. همچنـین نرخ ارز سالیانه با شیب ملایمی در حال رشد بود. در برنامهٔ چهارم نیز رونـد کـاهش ارزش پول ملی ادامه داشت، اما رشد نرخ ارز تعادلی بـیش از نـرخ حقیقـی آن بـود. بنابراین سیاست‌های ارزی برنامهٔ چهارم موجب کم‌برآورد ارزش ریال شد.

جدول ۲-۷-۲-۵) شاخص‌های حمایت بازاری(MPS) از تولیدکنندگان سویا

برنامه های توسعه	درصد انحراف نرخ ارز	سال	ارزش اثرمستقیم به قیمت ثابت سال ۱۳۸٤ (میلیارد ریال)	ارزش اثر کل به قیمت ثابت سال ۱۳۸٤ (میلیارد ریال)	%MPS اثر مستقیم	%MPS اثر غیرمستقیم	%MPS اثر کل
دورهٔ جنگ	۲٦/۸۱	۱۳٦۰	-۲۷۲	-۱۸۰	-٦۱/۱٤	۱۰/۰۸	-۵۱/۰۷
	۳۸/۹۰	۱۳٦۱	-٤۲۰	-۲۳۹	-٦۳/۰٦	۱۳/۷۵	-٤۹/۳۱
	۳۸/٦۷	۱۳٦۲	-۷۱٦	-٤٤۱	-۷۰/۸٤	۱۰/۸۸	-۵۹/۹۵
	٤۷/٦۸	۱۳٦۳	-٦۹۰	-۳۸۲	-۷۰/۵۷	۱۳/۵٦	-۵۷/۰۱
	-۱۳/۱٦	۱۳٦٤	-۵۱۵	-٦۳٤	-٦۳/۸۵	-٤/٦۵	-٦۸/٤۹
	-۲/۷۱	۱۳٦۵	-۵۷٦	-۵۹۹	-٦۸/۷۰	-۰/۸۳	-٦۹/۵۳
	۷۵/۷۲	۱۳٦٦	-۳۷٦	-۱٦۷	-۷۵/٦۰	۱۷/٦٤	-۵۷/۹٦
	۸۹/۸۷	۱۳٦۷	-٤۸۱	-۱۹۱	-۷۵/۵۷	۲۰/۵۱	-۵۵/۰٦
	۳۷/۷۲	میانگین	-۵۰٦	-۳۵٤	-٦۸/٦۷	۱۰/۱۲	-۵۸/۵۵
برنامهٔ اول توسعهٔ اقتصادی و اجتماعی	۵۰/٦۲	۱۳٦۸	-۳۲۳	-۱٤۰	-۵۷/۲٤	۲۰/۵٤	-۳٦/۷۰
	-٤/۳۰	۱۳٦۹	-۲٤۱	-۲٦۸	-۳۷/۹٤	-۲/۵۸	-٤۰/۵۲
	-۱۰/۸٤	۱۳۷۰	-۱۹۰	-۲٤۰	-٤۳/٤۵	-۵/۸۹	-٤۹/۳٤
	-٤۷/۰۳	۱۳۷۱	-۱۵٤	-۵۳۵	-۳۳/۹۲	-۳۰/۰٦	-٦۳/۹۸
	-۵۱/٤۱	۱۳۷۲	-۱۰۷	-٦۷۹	-۱۸/٦۱	-٤۰/۵۵	-۵۹/۱٦
	-٤۱/۲۹	۱۳۷۳	-۳٦٦	-۱۱۲۰	-۳۲/۰۵	-۲۷/۰۱	-۵۹/۰٦
	-۱۷/۳۸	میانگین	-۲۳۰	-٤۹۷	-۳۷/۲۰	-۱٤/۲٦	-۵۱/٤٦
برنامهٔ دوم توسعهٔ اقتصادی و اجتماعی	-۳۱/۹۷	۱۳۷٤	-۲۲٦	-٤۲٤	-۵۱/۹۱	-۱٤/۹۸	-٦٦/۹۰
	-۱٦/۱۸	۱۳۷۵	-۹۱	-۱۵۳	-۲٦/۹۲	-۱۱/۳۲	-۳۸/۲٤
	-۰/۸۹	۱۳۷٦	-۲۱٦	-۲۲۲	-۳۰/۷۷	-۰/۵۸	-۳۱/۳٦
	۳۳/۱۵	۱۳۷۷	-۲۷۲	-۱۰۹	-۳۹/٦۲	۱۸/۸۵	-۲۰/۷۷
	۲۹/۱۰	۱۳۷۸	-۱٤۱	-۵۵	-۳۵/۳٦	۱۷/۸۰	-۱۷/۵٦
	۲/٦٤	میانگین	-۱۸۹	-۱۹۲	-۳٦/۹۲	۱/۹۵۲	-۳٤/۹٦
برنامهٔ سوم توسعهٔ اقتصادی و اجتماعی	۱٦/۹٦	۱۳۷۹	-۱۱۰	-۲۷	-۱۸/۳٤	۱۳/۱۰	-۵/۲٤
	۱٦/۵٤	۱۳۸۰	۱	۵۸	۰/۱۸	۱۵/٤۵	۱۵/٦۳
	۱۲/۹۹	۱۳۸۱	٤۹	۱۱۳	۸/۱۵	۱۳/۰۸	۲۱/۲۳
	۳/۸۵	۱۳۸۲	-۲٦	-٦	-٤/۳۹	۳/٤۱	-۰/۹۸
	-۲/۷۹	۱۳۸۳	-۲۱۱	-۲۳۱	-۲۷/۸۷	-۱/۸۹	-۲۹/۷۷
	۹/۵۱	میانگین	-٦۰	-۱۹	-۸/٤٦	۸/٦۳	۰/۱۷
برنامهٔ چهارم توسعهٔ اقتصادی و اجتماعی	-٦/۱۸	۱۳۸٤	-٦۵	-۱۰۰	-۱۱/۲۵	-۵/۱۱	-۱٦/۳٦
	-۱۰/۷۰	۱۳۸۵	٤٤	-۵	۹/۹۵	-۱۰/۸۹	-۰/۹۵
	-۱۳/۰۹	۱۳۸٦	۱۲۵	٦۰	۲٦/۷۰	-۱۵/٤۰	۱۱/۳۰
	-۷/۷٤	۱۳۸۷	-٦۱	-۱۰٤	-۱۱/۰٤	-٦/٤٦	-۱۷/۵۱
	-۳/۳۲	۱۳۸۸	٤۱	۲٤	۷/۸۷	-۳/۳۵	٤/۵۱
	-۱۷/٤۵	۱۳۸۹	۳	-۷٤	۰/۷۹	-۱٦/۵۰	-۱۵/۷۱
	-۹/۷۵	میانگین	۱۵	-۳۳	۳/۸٤	-۹/٦۲	-۵/۷۸
پیش نویس برنامهٔ پنجم توسعهٔ اقتصادی و اجتماعی	-۱۹/۲۲	۱۳۹۰	-۱۲	-۱۰٦	-۲/۷۷	-۱۷/۳۲	-۲۰/۰۹
	-۲۱/۱٤	۱۳۹۱	-۱۵٦	-۲۹۱	-۲۸/۷۲	-۱٤/۲۷	-٤۲/۹۹
	-۲۳/۰۷	۱۳۹۲	-۱۸۷	-۳٤٦	-۳۳/۱۷	-۱٤/٦۸	-٤۷/۸٦
	-۲٤/۹۸	۱۳۹۳	-۲۱٤	-۳۹٤	-۳۷/۵٦	-۱٤/۹۳	-۵۲/٤۹
	-۲۲/۰۹	۱۳۹٤	-۲۸۵	-٤۵۵	-٤۵/۲۱	-۱۱/٦٤	-۵٦/۸۵
	-۲۲/۱۰	میانگین	-۱۷۱	-۳۱۸	-۲۹/٤۹	-۱٤/۵۷	-٤٤/۰۵

منبع: یافته‌های پژوهش

براساس نتایج اثرمستقیم - بر حسب قیمت‌های ثابت سال پایهٔ ۱۳۸۴- تا سال ۱۳۷۹ حمایت بازاری از تولیدکنندگان سویا نشده و در برنامه‌های سوم و چهارم نیز از روند معینی پیروی نکرده است. به طور میانگین تنها در برنامهٔ چهارم توسعه حمایت از کشاورزان مثبت بوده است. یعنی در برنامه‌های دیگر، قیمت دریافتی تولیدکنندگان سویا کمتر از قیمت مرجع تعدیل‌شده با نرخ حقیقی ارز بوده است. با وجود این، حمایت از سویاکاران در برنامه‌های توسعه بهبود پیدا کرده است. به طوری که در دورهٔ جنگ با اجرای سیاست‌های قیمتی ۵۰۶ میلیارد ریال به قیمت ثابت سال ۱۳۸۴ از مصرف‌کنندگان و واردکنندگان به تولیدکنندگان انتقال پیدا کرد، اما در برنامهٔ چهارم توسعه ۱۵ میلیارد ریال به قیمت ثابت سال ۱۳۸۴ به درآمد کشاورزان بدون اجرای سیاست‌ها افزوده شد. در برنامهٔ دوم در سال ۱۳۷۵ مالیات پنهان دریافتی از کشاورزان کاهش پیدا کرد که علت آن براساس آمار بانک مرکزی افزایش ۸۱ درصدی قیمت داخلی، در پی تورم زیاد سال ۱۳۷۴ ارزیابی می‌شود. در برنامهٔ سوم توسعه که با کاهش تصدی دولت در بازار نهاده‌های دامی (از جمله کنجالهٔ سویا) و اجرای سیاست یکسان‌سازی نرخ ارز در سال ۱۳۸۱ همزمان است، حمایت از تولیدکنندگان بهبود چشمگیری یافت. در سال‌های ۱۳۸۵ به دلیل کاهش ناگهانی قیمت جهانی سویا، اختلاف قیمت داخلی و خارجی به نفع تولیدکنندگان ایرانی موجب حمایت قیمتی از آنان شد. تنها در سال ۱۳۸۷ با افزایش قیمت جهانی، تولیدکنندگان داخلی حمایت نشدند که نشان‌دهندهٔ وابستگی زیاد حمایت بازاری کشاورزان به بازار جهانی است و با وجود مشارکت نکردن بازار جهانی، ریسک این بازار را به آنان انتقال می‌دهد. با فرض‌های بیان شده، در برنامهٔ پنجم، در مقایسه با قیمت‌های جهانی، پرداختی به تولیدکنندگان سویا انجام نمی‌پذیرد. به عبارت دیگر، اگر دولت اجازهٔ فروش سویای داخلی در بازارهای جهانی را ندهد، تولیدکنندگان سویا دریافتی کمتری خواهند داشت و ناگزیر از پرداخت مالیات پنهان

خواهند بود. از آنجا که براساس آمار منتشرشدهٔ مرکز آمار ایران، قیمت داخلی در همهٔ سال‌های مورد بررسی این پژوهش روندی صعودی داشته است، نوسان شاخص حمایت از قیمت بازاری برآمده از نوسان نرخ ارز، قیمت جهانی و مقادیر تولید و مصرف سویاست. افزایش حمایت‌ها در برنامهٔ چهارم، به دلیل کاهش نسبی قیمت‌های جهانی در مقایسه با قیمت داخلی بود که این کاهش قیمت جهانی کارخانه‌های روغن‌کشی را به تأمین مواد اولیه وارداتی ترغیب کرد. تداوم وابستگی حمایت‌ها به نوسان قیمت جهانی، با افزایش ریسک تولیدکنندگان سویا و صنایع روغن‌کشی، موجب کاهش تولید داخلی سویا و تضعیف صنایع تبدیلی بالادستی آن می‌شود. این ریسک، از قدرت رقابت‌پذیری تولیدکنندگان ایرانی این محصول در بازارهای جهانی می‌کاهد. در واقع مدیریت نشدن قیمت داخلی و واردات، با تضعیف صنایع داخلی سبب تعطیلی آنها شده یا موجب می‌شود به منظور صرفه‌جویی در هزینه‌ها، صنایع روغن‌کشی از دانهٔ سویای وارداتی استفاده کنند که خرید تضمینی بار هزینهٔ دولت را افزایش داده و برای عرضهٔ آن در بازار خارجی نیز با زیان روبه‌رو می‌شود. این رویکرد، ادامهٔ اجرای سیاست با قیمت‌های زیاد را دشوار می‌کند؛ کاهش قیمت تضمینی نیز، کاهش انگیزهٔ کشاورزان را برای ادامهٔ کشت در پی خواهد داشت.

حمایت قیمتی کل با نرخ ارز تعادلی، در برنامهٔ اول توسعه به دلیل کم‌برآورد شدید ارزش ریال کمترین مقدار را داشته است و سویاکاران ۴۹۷ میلیارد ریال به قیمت ثابت سال ۱۳۸۴ مالیات پنهان پرداخت کرده‌اند. در دیگر دوره‌ها نیز دریافتی سویاکاران در داخل، نسبت به قیمت جهانی تعدیل‌شده با نرخ ارز تعادلی و هزینه‌های حمل و نقل، کمتر بوده است و پیش‌بینی می‌شود در برنامهٔ پنجم نیز این روند به طور صعودی ادامه داشته باشد. در برنامهٔ سوم، انتقال از تولیدکنندگان به مصرف‌کنندگان و واردکنندگان با نرخ ارز تعادلی به طور میانگین، ۱۹ میلیارد ریال

به قیمت ثابت سال ۱۳۸۴ محاسبه شد. کاهش مالیات تحمیل‌شده به کشاورزان در این برنامه، برآمده از کاهش نسبی قیمت‌های جهانی و روند افزایشی قیمت داخلی، همزمان با اجرای شناورسازی نرخ ارز و کاهش دخالت دولت در بازار نهاده‌های دامی، در این دوره است. می‌توان نتیجه‌گرفت، افزایش و روند باثبات سطح زیرکشت، تولید و عملکرد از سال ۱۳۷۸ که در برنامهٔ چهارم نیز ادامه داشته، در پی اجرای این سیاست‌ها بوده است. مقایسهٔ اثرکل و اثرمستقیم نشان می‌دهد اعمال نرخ ارز تعادلی بلندمدت اقتصاد در برنامهٔ سوم زیان کمتری را به کشاورزان تحمیل کرده است، در حالی که نرخ ارز حقیقی در برنامهٔ چهارم حمایت‌کنندهٔ آنان بوده است.

حمایت درصدی از قیمت بازاری (MPS٪) بر مبنای نرخ ارز حقیقی (اثر مستقیم) تنها در برنامهٔ چهارم به طور میانگین، مثبت بوده است که نشان می‌دهد در دیگر دوره‌ها قیمت داخلی محصول از قیمت جهانی تعدیل‌شده با نرخ ارز حقیقی، کمتر بوده است. این اثر از ۶۸- درصد در دورهٔ جنگ به ۳/۸ درصد در برنامهٔ چهارم رسید و نشان می‌دهد سیاست‌های قیمتی، کشاورزان ایران را نسبت به قیمت پیش روی رقبای جهانی حمایت نکرده است. با فرض‌های بیان‌شده برای پیش‌بینی برنامهٔ پنجم، زیان پرداختی کشاورزان در این برنامه از برنامهٔ سوم نیز بیشتر خواهد شد و کشاورزان با ادامهٔ سیاست‌های ارزی و بخشی به طور میانگین حدود ۳۰ درصد کمتر از قیمت بازار جهانی دریافت می‌کنند.

بررسی اثرکل حمایت از قیمت بازاری نیز روندی مشابه اثرمستقیم و مقدار ارزشی خود را نشان می‌دهد و تعدیل قیمت جهانی با نرخ ارز تعادلی به طور میانگین در سه دهه(۱۳۸۹-۱۳۶۰) بیانگر ۳۲- درصد حمایت منفی از تولیدکنندگان است. یعنی اگر نرخ ارز تعادلی برقرار بود، سیاست‌های بخشی قیمتی و ارزی به گونه‌ای می‌شد که تولیدکنندگان در مقابل رقبای خارجی خود، نه تنها حمایت نمی‌شدند، بلکه مالیات نیز بر آنان تحمیل می‌شد که این در کاهش قدرت رقابت‌پذیری

تولیدکنندگان سویای ایرانی بسیار مؤثر است. بر این اساس تنها در چهار سال ۱۳۸۱-۱۳۸۰، ۱۳۸۶ و ۱۳۸۸ تولیدکنندگان سویا با سیاست‌های بخشی و ارزی حمایت شده‌اند. با اثرگذاری متغیرهای بنیادین اقتصاد در برنامه‌های توسعه، تنها در برنامهٔ سوم به طور میانگین کشاورزان حمایت شده‌اند. اما اجرای سیاست یکسان‌سازی نرخ ارز اثر اندکی بر کشاورزان داشته است و در برنامهٔ سوم تنها ۰/۱۷ درصد بیشتر از قیمت جهانی دریافت کرده‌اند.

اثر غیرمستقیم که تفاضل اثرکل و اثرمستقیم است، نشان می‌دهد سیاست‌های ارزی تا چه اندازه تقویت‌کنندهٔ سیاست‌های بخشی در زمینهٔ قیمت محصول هستند. در سال‌هایی که نرخ حقیقی ارز بیش از نرخ ارز تعادلی است، حمایت قیمتی از تولیدکنندگان در پی اجرای سیاست ارزی مثبت است و برعکس. یادآوری می‌شود انحراف نرخ ارز نسبت فاصلهٔ نرخ ارز حقیقی از تعادلی به نرخ ارز تعادلی است که به شکل درصدی بیان می‌شود. براساس جدول (۲-۷-۲-۵) در سال‌های نخست بررسی، با وجود انحراف زیاد نرخ ارز، درصد اثرغیرمستقیم به طور میانگین مقدار کمی دارد، اما از سال ۱۳۷۱ و با اجرای سیاست‌های آزادسازی نرخ ارز که انحراف نرخ ارز منفی و ارزش پول ملی با کاهش بسیاری روبه‌رو بود، مقدار مطلق اثر غیرمستقیم رشد زیادی کرد و منفی‌تر شد. این بدین معنی است که در دورهٔ جنگ، تقویت پول ملی در حمایت قیمتی از تولیدکنندگان سویا اثر چندانی نداشته، اما کاهش ارزش پول ملی اثر بیشتری در کاهش حمایت داشته است. در برنامه‌های توسعه، انحراف نرخ ارز و درصد اثر غیرمستقیم حمایت از قیمت بازاری (MPS٪) تناسب بیشتری داشتند و در بعضی سال‌های برنامه‌های سوم و چهارم توسعه از جمله سال اجرای سیاست یکسان‌سازی نرخ ارز (۱۳۸۱) اثرغیرمستقیم بیشتر از انحراف نرخ ارز بود. یعنی سیاست ارزی در سال ۱۳۸۱ در حمایت از تولیدکنندگان سویا نقش زیادی داشت. پس از یک دوره حمایت بازاری منفی از سویاکاران بر اثر اجرای سیاست‌های ارزی، از

سال دوم برنامهٔ اول، حمایت از آنان از میانهٔ برنامهٔ دوم توسعه تا پایان برنامهٔ سوم مثبت بود؛ یعنی سیاست‌های ارزی تقویت‌کنندهٔ سیاست‌های بخشی بود. مقایسهٔ مقادیر مطلق اثر غیرمستقیم و اثرمستقیم در MPS٪ نشان می‌دهد، همانند دیگر محصولات، در بیشتر سال‌ها اثرمستقیم بیشتر از اثر غیرمستقیم بوده است که بیانگر نقش مهم‌تر سیاست‌های خاص بخش کشاورزی در چگونگی حمایت از تولیدکنندگان سویا در مقایسه با سیاست‌های ارزی است. در بیشتر سال‌هایی که سیاست‌های بخشی حمایت‌کنندهٔ کشاورزان بوده است سیاست‌های ارزی در مقایسه با سیاست‌های بخشی نقش مؤثرتری داشته‌اند، اما سیاست‌های ارزی تقویت یا تضعیف ارزش پول ملی اثر چشمگیری بر این نقش نداشته است. انتظار می‌رود در سال‌های برنامهٔ پنجم توسعه نیز با میانگین ۱۴/۵- درصد، سیاست‌های ارزی با تقویت سیاست‌های بخشی در جهت تضعیف قدرت رقابت‌پذیری سویاکاران عمل کنند.

۲-۷-۲-۵ بررسی مقادیر حمایت کل از تولیدکنندگان سویا طی برنامه‌های توسعه

براساس آنچه در فصل‌های پیشین بیان شد، حمایت از تولیدکنندگان، حمایت‌های بازاری(MPS) و پرداخت‌های بودجه‌ای(BP) را در برمی‌گیرد که در بخش قبل حمایت‌های بازاری از محصول سویا تحلیل شد. پرداخت‌های بودجه‌ای اجراشده در ایران برای تولید سویا، یارانهٔ پرداختی به نهاده‌های کشاورزی (یارانهٔ کود شیمیایی، سموم و علف‌کش)، یارانهٔ انرژی (برق و سوخت ماشین‌آلات کشاورزی)، بیمهٔ محصولات و یارانهٔ تسهیلات را که برای همهٔ محصولات مشترک است، در برمی‌گیرد. این یارانه‌ها با کاهش هزینهٔ تولید کشاورزان از آنان حمایت می‌کند. این پرداخت‌ها کمتر به شکل پرداخت مستقیم یارانه است و به طور معمول به شکل

سیاست‌های قیمتی و توزیع نهادهٔ ارزان‌قیمت انجام می‌پذیرد. از این رو بخش عمدهٔ حمایت بودجه‌ای از تولیدکنندگان ایرانی را حمایت‌های قیمتی در بازار نهاده در برمی‌گیرد که نرخ ارز در آن نقش چشمگیری دارد. یارانهٔ پرداختی به نهاده‌های انواع کود شیمیایی و علف‌کش براساس تفاوت قیمت داخلی و خارجی، مقدار مصرف نهاده برای محصول دیم و آبی و سطح زیرکشت با رابطهٔ زیر محاسبه می‌شود:

$$(p_w - p_d)\times Q\times A$$

که در آن p_d و p_w به ترتیب قیمت داخلی و قیمت خارجی تعدیل‌شده با نرخ ارز حقیقی یا تعادلی با افزودن هزینهٔ حمل و نقل نهاده‌ها، Q مقدار مصرف نهاده در هکتار بر حسب کیلوگرم و A سطح زیرکشت بر حسب هکتار است. یارانهٔ انرژی نیز براساس رابطهٔ بالا محاسبه می‌شود، با این تفاوت که به جز انرژی مصرفی برای ماشین‌آلات، باید مقدار مصرف انرژی فسیلی(نفت گاز) و برق مورد نیاز استحصال آب زیرزمینی محاسبه شود که با توجه به کمبود اطلاعات در دسترس، فرایند پیچیده‌ای برای محاسبهٔ آن دنبال شد. تسهیلات اعطایی بانک‌ها نیز تا پیش از سال ۱۳۸۴ و یکسان‌سازی نرخ سود تسهیلات بخش‌های مختلف اقتصاد، به صورت تسهیلات ارزان‌قیمت به کشاورزان پرداخت می‌شد که در محاسبات از تفاوت نرخ سود بخش کشاورزی و میانگین وزنی نرخ سود دیگر بخش‌های اقتصادی استفاده شده است.

جدول ۳-۷-۲-۵) حمایت بودجه‌ای از تولیدکنندگان سویا در نرخ حقیقی ارز (میلیارد ریال- ثابت سال ۱۳۸۴) منبع: یافته‌های پژوهش

برنامه های توسعه	سال	نهاده های کود و سم	انرژی	بیمه	تسهیلات بانکی	کل حمایت بودجه ای	سهم نهاده های کود و سم(٪)	سهم انرژی(٪)
دورهٔ جنگ	۱۳۶۰	۱۸/۰۷	۷/۲۳	۰/۰۰	۰/۷۳	۲۶/۰۳	۶۹/۴۴	۲۷/۷۶
	۱۳۶۱	۲۴/۵۲	۱۲/۱۲	۰/۰۰	۰/۷۳	۳۸/۱۰	۶۴/۳۵	۳۱/۸۲
	۱۳۶۲	۲۸/۹۲	۱۵/۵۲	۰/۰۰	۰/۷۷	۴۵/۹۷	۶۲/۸۹	۳۳/۷۵
	۱۳۶۳	۵۶/۷۸	۱۹/۹۶	۰/۰۰	۲/۴۰	۸۱/۵۳	۶۹/۶۵	۲۴/۴۸
	۱۳۶۴	۳۶/۷۵	۲۳/۶۲	۰/۰۰	۲/۷۰	۶۵/۷۶	۵۵/۸۹	۳۵/۹۱
	۱۳۶۵	۴۱/۸۳	۳۰/۱۲	۰/۰۰	۱/۸۵	۷۵/۶۴	۵۵/۳۰	۳۹/۸۲
	۱۳۶۶	۱۵/۵۱	۱۶/۵۵	۱/۰۱	۰/۸۵	۳۴/۷۷	۴۴/۶۰	۴۷/۵۸
	۱۳۶۷	۴۲/۸۱	۲۴/۷۸	۰/۹۸	۱/۲۳	۷۱/۰۱	۶۰/۲۸	۳۴/۸۹
	میانگین	۳۳/۱۵	۱۸/۷۴	۰/۲۵	۱/۴۱	۵۴/۸۵	۶۰/۳۰	۳۴/۵۰
برنامهٔ اول توسعهٔ اقتصادی و اجتماعی	۱۳۶۸	۳۸/۳۱	۲۴/۴۵	۱/۱۱	۱/۶۰	۶۷/۰۶	۵۷/۱۳	۳۶/۴۵
	۱۳۶۹	۶۴/۱۵	۴۰/۳۸	۰/۵۰	۳/۶۳	۱۱۲/۳۰	۵۷/۱۲	۳۵/۹۶
	۱۳۷۰	۴۷/۹۰	۳۴/۱۸	۰/۴۷	۴/۴۲	۹۱/۳۹	۵۲/۴۱	۳۷/۴۰
	۱۳۷۱	۵۱/۹۲	۳۳/۴۳	۰/۳۶	۲/۹۸	۹۱/۶۷	۵۶/۶۳	۳۶/۴۷
	۱۳۷۲	۱۹/۱۲	۲۹/۷۲	۰/۱۲	۱/۹۹	۵۲/۹۳	۳۶/۱۳	۵۶/۱۴
	۱۳۷۳	۲۶/۷۲	۶۰/۷۷	۰/۱۲	۳/۰۶	۹۳/۷۲	۲۸/۵۱	۶۴/۸۳
	میانگین	۴۱/۳۵	۳۷/۱۵	۰/۴۴	۲/۹۵	۸۴/۸۵	۴۷/۹۹	۴۴/۵۴
برنامهٔ دوم توسعهٔ اقتصادی و اجتماعی	۱۳۷۴	۲۴/۱۵	۳۱/۵۲	۰/۲۱	۱/۴۲	۵۸/۷۲	۴۱/۱۴	۵۳/۶۸
	۱۳۷۵	۱۴/۶۰	۲۷/۸۳	۰/۰۸	۱/۴۵	۴۵/۴۱	۳۲/۱۵	۶۱/۲۹
	۱۳۷۶	۱۱/۵۵	۳۳/۵۷	۰/۲۲	۲/۴۰	۵۰/۱۴	۲۳/۰۴	۶۶/۹۵
	۱۳۷۷	۲۷/۲۱	۲۶/۹۳	۰/۰۳	۲/۷۰	۵۹/۵۷	۴۵/۶۷	۴۵/۲۰
	۱۳۷۸	۲۰/۲۷	۳۳/۲۸	۰/۱۸	۱/۹۷	۵۷/۶۷	۳۵/۱۵	۵۷/۷۱
	میانگین	۱۹/۵۶	۳۰/۶۳	۰/۱۴	۱/۹۹	۵۴/۳۰	۳۵/۴۳	۵۶/۹۷
برنامهٔ سوم توسعهٔ اقتصادی و اجتماعی	۱۳۷۹	۳۳/۵۵	۵۶/۰۲	۰/۱۳	۵/۲۹	۱۰۰/۲۹	۳۳/۴۵	۵۵/۸۶
	۱۳۸۰	۲۵/۲۱	۴۲/۴۳	۰/۱۳	۴/۹۶	۷۷/۶۹	۳۲/۴۶	۵۴/۶۱
	۱۳۸۱	۱۳/۹۱	۵۸/۷۲	۰/۲۱	۴/۳۵	۸۱/۵۴	۱۷/۰۶	۷۲/۰۲
	۱۳۸۲	۱۸/۱۹	۶۶/۵۸	۰/۳۷	۵/۰۰	۹۵/۱۴	۱۹/۱۲	۶۹/۹۸
	۱۳۸۳	۲۷/۶۷	۷۳/۵۹	۴/۱۴	۴/۷۶	۱۱۴/۹۲	۲۴/۰۸	۶۴/۰۳
	میانگین	۲۳/۷۱	۵۹/۴۷	۰/۹۹	۴/۸۷	۹۳/۹۱	۲۵/۲۳	۶۳/۳۰
برنامهٔ چهارم توسعهٔ اقتصادی و اجتماعی	۱۳۸۴	۲۲/۱۷	۹۳/۰۶	۰/۲۰	۰/۰۰	۱۱۵/۴۳	۱۹/۲۱	۸۰/۶۲
	۱۳۸۵	۲۳/۹۰	۹۶/۱۸	۱/۲۶	۰/۰۰	۱۲۱/۳۴	۱۹/۶۹	۷۹/۲۶
	۱۳۸۶	۲۳/۰۰	۱۰۴/۶۹	۰/۰۴	۰/۰۰	۱۲۷/۷۳	۱۸/۰۱	۸۱/۹۶
	۱۳۸۷	۳۴/۲۷	۸۲/۳۲	۰/۸۱	۰/۰۰	۱۱۷/۴۰	۲۹/۱۹	۷۰/۱۲
	۱۳۸۸	۲۳/۳۶	۷۰/۸۴	۱/۰۶	۰/۰۰	۹۵/۲۶	۲۴/۵۲	۷۴/۳۶
	۱۳۸۹	۲۵/۹۲	۷۱/۷۶	۲/۵۸	۰/۰۰	۱۰۰/۲۵	۲۵/۸۵	۷۱/۵۸
	میانگین	۲۵/۴۴	۸۶/۴۷	۰/۹۹	۰/۰۰	۱۱۲/۹۰	۲۲/۷۵	۷۶/۳۲
پیش بینی برنامهٔ پنجم توسعهٔ اقتصادی و اجتماعی	۱۳۹۰	۳۷/۳۶	۷۱/۷۵	۳/۱۸	۰/۰۰	۱۱۲/۳۰	۳۳/۲۷	۶۳/۹۰
	۱۳۹۱	۵۱/۹۲	۹۴/۷۸	۳/۷۵	۰/۰۰	۱۵۰/۴۴	۳۴/۵۱	۶۳/۰۰
	۱۳۹۲	۵۹/۱۹	۱۰۳/۶۳	۳/۷۸	۰/۰۰	۱۶۶/۵۹	۳۵/۵۳	۶۲/۲۰
	۱۳۹۳	۶۶/۲۴	۱۱۰/۱۱	۳/۶۹	۰/۰۰	۱۸۰/۰۴	۳۶/۷۹	۶۱/۱۶
	۱۳۹۴	۷۸/۸۳	۱۲۶/۳۰	۳/۵۴	۰/۰۰	۲۰۸/۶۷	۳۷/۷۸	۶۰/۵۳
	میانگین	۵۸/۷۱	۱۰۱/۳۱	۳/۵۹	۰/۰۰	۱۶۳/۶۱	۳۵/۵۷	۶۲/۱۶

نتایج محاسبهٔ این پرداخت‌ها با توجه به آنچه در بخش‌های قبل بیان شد، در جدول (۳-۷-۲-۵) آمده است. براساس آن، حمایت‌های بودجه‌ای در قیمت‌های ثابت سال ۱۳۸۴ از ۵۴ میلیارد ریال در دورهٔ جنگ، به ۱۱۲ میلیارد ریال در برنامهٔ چهارم کاهش پیدا کرده است و برنامهٔ دوم، به دلیل تورم زیاد ایجادشده در پی اجرای سیاست‌های آزادسازی اقتصادی، کمترین حمایت بودجه‌ای از سویا را در بین برنامه‌ها داشته است. شایان ذکر است، پرداخت‌های بودجه‌ای در برنامهٔ دوم توسعه کمترین نوسان را در مقایسه با برنامه‌های دیگر توسعه داشته است. نهاده‌های کود و سم و انرژی بیشترین سهم حمایت‌های بودجه‌ای را شامل می‌شوند. در سال‌های جنگ تا آغاز اجرای سیاست‌های آزادسازی، سهم حمایت از سم و بذر بیشتر بوده است، اما در سال‌های بعد، سهم یارانهٔ انرژی بیشتر شده و تا ۸۱ درصد رسیده است. بنابراین، به طور میانگین حمایت از انواع کودوسموم شیمیایی و انرژی در بیشتر سال‌ها بیشتر از ۹۵ درصد از کل پرداخت‌های بودجه‌ای را شامل شده است که تفاوت قیمت داخلی و خارجی انرژی و افزایش استفاده از آب‌های زیرزمینی و توسعهٔ ماشینی شدن از دلایل آن است. در برنامهٔ سوم توسعه با رشد حمایت‌های بیمه‌ای و تسهیلات بانکی، سهم حمایت‌های انواع کودوسموم شیمیایی و انرژی کمتر از برنامه‌های دیگر بود. اما در برنامهٔ چهارم توسعه با افزایش شکاف قیمت انرژی داخلی و خارجی سهم پرداخت‌های دیگر کاهش پیدا کرد.

حمایت به شکل تسهیلات بانکی در برنامهٔ سوم بیشترین مقدار را داشت و در برنامهٔ دوم نسبت به برنامهٔ اول کاهشی بود. در برنامهٔ چهارم به منظور هدایت سرمایه به بخش‌های پربازده، با کاهش تفاوت نرخ سود تسهیلات بانکی بخش‌های اقتصادی، از سویاکاران از راه پرداخت تسهیلات بانکی در مقایسه با دیگر بخش‌های اقتصادی حمایت نشد. پرداخت سهم دولت در بیمهٔ محصول سویا نیز پس از آغاز در سال ۱۳۶۶، با نوسان زیادی همراه بود و نشان می‌دهد بیمهٔ محصول سویا از برنامهٔ

مشخصی پیروی نکرده است. همچنین مقدار حمایت دولت از بیمهٔ سویا متناسب با تورم و توسعهٔ کشت آن افزایش پیدا نکرده و بیشترین مقدار آن در سال ۱۳۸۳ برابر با ۴/۱۴ میلیارد ریال ـــــ در قیمت‌های ثابت سال ۱۳۸۴ـــ بوده است. با توجه به روند افزایشی حمایت از بیمهٔ سویا در سال‌های پایانی برنامهٔ چهارم توسعه، پیش‌بینی می‌شود در برنامهٔ پنجم حمایت بیمه‌ای دولت از این محصول ۳/۵۹ میلیارد ریال به قیمت ثابت سال ۱۳۸۴ افزایش پیدا کند.

همان‌طور که در نمودار (۲-۷-۲-۵) مشاهده می‌شود، پرداخت‌های بودجه‌ای در قیمت‌های ثابت سال ۱۳۸۴ به دنبال یک دوره افزایش پس از جنگ، در برنامهٔ اول توسعه روندی نزولی داشته است. در برنامهٔ دوم، با اجرای سیاست‌های آزادسازی و تورم ۴۹ درصدی در سال ۱۳۷۴ و سپس با اجرای سیاست‌های انقباضی در سال بعد نوسان زیادی داشت. در برنامه‌های سوم و چهارم توسعه، با وجود نوسان در سال‌های نخست و پایان دههٔ ۱۳۸۰، با افزایش سطح زیرکشت سویا، کاهش ارزش پول ملی، افزایش سطح عمومی قیمت‌ها و افزایش تفاوت قیمت داخلی و خارجی سوخت و نهاده‌های کشاورزی، حمایت بودجه‌ای از سویاکاران افزایشی بود.

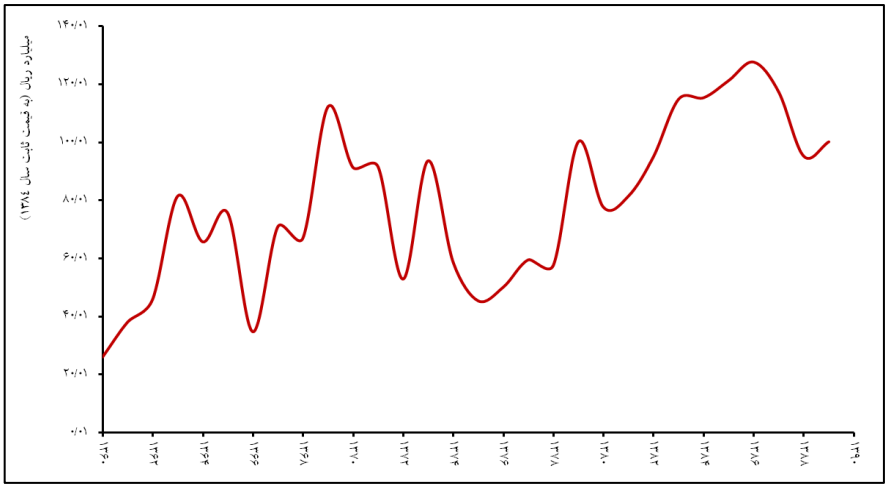

نمودار ۲-۷-۲-۵) نمودار روند پرداخت‌های بودجه‌ای دولت‌ها طی برنامه‌های مختلف توسعه

پس از بررسی اجزای حمایت از تولیدکننده، یعنی حمایت قیمتی و پرداخت‌های بودجه‌ای در جدول (۴-۷-۲-۵) نتایج محاسبهٔ شاخص‌های حمایت از تولیدکننده آمده است. در این جدول نیز مانند جدول (۲-۷-۲-۵) انحراف نرخ ارز حقیقی از تعادلی در کنار شاخص‌های حمایت از تولیدکنندگان (PSE) در برنامه‌های توسعهٔ ایران بررسی می‌شود. میانگین انحراف نرخ ارز در دورهٔ جنگ و برنامه‌های دوم و سوم توسعه مثبت بوده است و بیش‌برآورد ارزش حقیقی ریال نسبت به ارزش تعادلی آن را نشان می‌دهد.

یکی از اهداف این پژوهش، بررسی اثر سیاست‌های ارزی و انحراف نرخ ارز بر مقادیر شاخص‌های حمایت از تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان (٪PSE، ٪MPS و ٪CSE) است که اثرهای مستقیم، کل و غیرمستقیم براساس نرخ‌های ارز حقیقی و تعادلی محاسبه می‌شود. اثرمستقیم که در آن قیمت‌های جهانی مورد استفاده در محاسبه‌ها با نرخ ارز حقیقی تعدیل می‌شود، بیانگر وضعیت موجود حمایت از تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان سویا بر اثر سیاست‌های در حال اجرای بخش کشاورزی و ارزی است. اثر کل، حمایت از آنان را در شرایط اعمال نرخ ارز تعادلی برآمده از متغیرهای کلان اقتصادی در بلندمدت نشان می‌دهد. اثرغیرمستقیم که حاصل تفاضل اثرکل و اثرمستقیم است، نشان‌دهندهٔ اثر سیاست‌های ارزی در چگونگی رقابت‌پذیری بلندمدت سویا نسبت به رقبای جهانی است. اگر این شاخص مثبت باشد، یعنی، سیاست‌های ارزی بر سطح رقابت‌پذیری بلندمدت سویاکاران ایرانی افزوده است و برعکس.

جدول ۴-۷-۲-۵ شاخص‌های حمایت از تولیدکنندگان سویا

برنامه های توسعه	درصد انحراف نرخ ارز	سال	ارزش اثرمستقیم به قیمت ثابت سال ۱۳۸۴ (میلیارد ریال)	ارزش اثر کل به قیمت ثابت سال ۱۳۸۴ (میلیارد ریال)	%PSE اثر مستقیم	%PSE اثر غیرمستقیم	%PSE اثر کل
دورهٔ جنگ	۲۶/۸۱	۱۳۶۰	−۲۴۶	−۱۶۲	−۵۵/۲۹	۹/۲۸	−۴۶/۰۱
	۳۸/۹۰	۱۳۶۱	−۳۸۲	−۲۱۵	−۵۷/۳۴	۱۳/۰۴	−۴۴/۳۰
	۳۸/۶۷	۱۳۶۲	−۶۷۰	−۴۱۱	−۶۶/۲۹	۱۰/۴۳	−۵۵/۸۵
	۴۷/۶۸	۱۳۶۳	−۶۰۹	−۳۳۰	−۶۲/۲۴	۱۲/۹۷	−۴۹/۲۷
	−۱۳/۱۶	۱۳۶۴	−۴۴۹	−۵۷۰	−۵۵/۷۰	−۵/۸۴	−۶۱/۵۴
	−۲/۷۱	۱۳۶۵	−۵۰۱	−۵۳۶	−۵۹/۶۸	−۲/۵۵	−۶۲/۲۳
	۷۵/۷۲	۱۳۶۶	−۳۴۲	−۱۵۰	−۶۸/۶۱	۱۶/۵۶	−۵۲/۰۶
	۸۹/۸۷	۱۳۶۷	−۴۱۰	−۱۵۸	−۶۴/۴۲	۱۸/۶۵	−۴۵/۷۷
	۳۷/۷۲	میانگین	−۴۵۱	−۳۱۷	−۶۱/۲۰	۹/۰۷	−۵۲/۱۳
برنامهٔ اول توسعهٔ اقتصادی و اجتماعی	۵۰/۶۲	۱۳۶۸	−۲۵۶	−۱۰۲	−۴۵/۳۶	۱۸/۶۸	−۲۶/۶۷
	−۴/۳۰	۱۳۶۹	−۱۲۸	−۱۶۸	−۲۰/۲۴	−۵/۱۴	−۲۵/۳۸
	−۱۰/۸۴	۱۳۷۰	−۹۸	−۱۵۳	−۲۲/۵۱	−۸/۸۶	−۳۱/۳۷
	−۴۷/۰۳	۱۳۷۱	−۶۳	−۳۹۳	−۱۳/۷۹	−۳۳/۲۶	−۴۷/۰۵
	−۵۱/۴۱	۱۳۷۲	−۵۴	−۵۹۹	−۹/۴۲	−۴۲/۷۵	−۵۲/۱۷
	−۴۱/۲۹	۱۳۷۳	−۲۷۲	−۱۰۱۰	−۲۳/۸۴	−۲۹/۴۱	−۵۳/۲۵
	−۱۷/۳۸	میانگین	−۱۴۵	−۴۰۴	−۲۲/۵۳	−۱۶/۷۹	−۳۹/۳۲
برنامهٔ دوم توسعهٔ اقتصادی و اجتماعی	−۳۱/۹۷	۱۳۷۴	−۱۶۸	−۳۵۸	−۳۸/۴۵	−۱۸/۱۰	−۵۶/۵۵
	−۱۶/۱۸	۱۳۷۵	−۴۶	−۱۱۳	−۱۳/۴۸	−۱۴/۷۵	−۲۸/۲۴
	−۰/۸۹	۱۳۷۶	−۱۶۶	−۱۸۶	−۲۳/۶۳	−۲/۶۸	−۲۶/۳۱
	۳۳/۱۵	۱۳۷۷	−۲۱۳	−۷۴	−۳۰/۹۴	۱۶/۷۹	−۱۴/۱۶
	۲۹/۱۰	۱۳۷۸	−۸۳	−۲۱	−۲۰/۸۸	۱۴/۰۷	−۶/۸۰
	۲/۶۴	میانگین	−۱۳۵	−۱۵۱	−۲۵/۴۸	−۰/۹۴	−۲۶/۴۱
برنامهٔ سوم توسعهٔ اقتصادی و اجتماعی	۱۶/۹۶	۱۳۷۹	−۱۰	۳۹	−۱/۶۹	۹/۱۵	۷/۴۵
	۱۶/۵۴	۱۳۸۰	۷۸	۱۱۰	۱۸/۴۵	۱۱/۳۸	۲۹/۸۳
	۱۲/۹۹	۱۳۸۱	۱۳۰	۱۶۵	۲۱/۷۷	۹/۲۳	۳۱/۰۰
	۳/۸۵	۱۳۸۲	۶۹	۶۱	۱۱/۴۳	−۰/۹۰	۱۰/۵۲
	−۲/۷۹	۱۳۸۳	−۹۶	−۱۴۰	−۱۲/۷۰	−۵/۲۹	−۱۷/۹۸
	۹/۵۱	میانگین	۳۴	۴۷	۷/۴۵	۴/۷۱	۱۲/۱۶
برنامهٔ چهارم توسعهٔ اقتصادی و اجتماعی	−۶/۱۸	۱۳۸۴	۵۰	−۱۵	۸/۶۹	−۱۱/۱۶	−۲/۴۷
	−۱۰/۷۰	۱۳۸۵	۱۶۵	۹۰	۳۷/۶۸	−۱۹/۱۴	۱۸/۵۳
	−۱۳/۰۹	۱۳۸۶	۲۵۳	۱۵۹	۵۳/۸۹	−۲۴/۲۰	۲۹/۶۹
	−۷/۷۴	۱۳۸۷	۵۶	−۱۱	۱۰/۲۰	−۱۲/۰۶	−۱/۸۶
	−۳/۳۲	۱۳۸۸	۱۳۶	۹۳	۲۶/۱۳	−۸/۹۳	۱۷/۲۰
	−۱۷/۴۵	۱۳۸۹	۱۰۳	۱۱	۲۶/۱۴	−۲۳/۷۳	۲/۴۱
	−۹/۷۵	میانگین	۱۲۷	۵۴	۲۷/۱۲	−۱۶/۵۴	۱۰/۵۸
پیش بینی برنامهٔ پنجم توسعهٔ اقتصادی و اجتماعی	−۱۹/۲۲	۱۳۹۰	۱۰۰	−۱	۲۳/۱۳	−۲۳/۳۶	−۰/۲۳
	−۲۱/۱۴	۱۳۹۱	−۵	−۱۴۷	−۰/۹۶	−۲۰/۷۶	−۲۱/۷۲
	−۲۳/۰۷	۱۳۹۲	−۲۱	−۱۸۱	−۳/۶۶	−۲۱/۳۹	−۲۵/۰۵
	−۲۴/۹۸	۱۳۹۳	−۳۴	−۲۱۰	−۶/۰۲	−۲۱/۹۳	−۲۷/۹۵
	−۲۲/۰۹	۱۳۹۴	−۷۶	−۲۴۷	−۱۲/۱۱	−۱۸/۷۸	−۳۰/۸۹
	−۲۲/۱۰	میانگین	−۷	−۱۵۷	۰/۰۸	−۲۱/۲۴	−۲۱/۱۷

منبع: یافته‌های پژوهش

شاخص برآورد حمایت از تولیدکننده(PSE) که مجموع حمایت از قیمت بازاری(MPS) و حمایت‌های بودجه‌ای(BP) را نشان می‌دهد، بیانگر آن است که سیاست‌های حمایتی به سمت حمایت از تولید و تولیدکننده تغییر یافته است. در برنامهٔ اول توسعه با اجرای سیاست‌های آزادسازی، حمایت از تولیدکنندگان افزایش پیدا کرد، اما تا آغاز دههٔ ۱۳۸۰ همچنان منفی و نوسانی بود. میانگین حمایت‌ها در برنامهٔ سوم توسعه با کاهش دخالت دولت در بازار و افزایش قیمت داخلی مثبت شد و در سال ۱۳۸۱ با اجرای سیاست شناورسازی نرخ ارز ۱۳۰ میلیارد ریال به قیمت ثابت سال ۱۳۸۴ از سویاکاران حمایت شد. براساس قیمت‌های ثابت سال ۱۳۸۴، مقدار حمایت‌ها در برنامهٔ چهارم توسعه ۱۲۷ میلیارد ریال بود که نشان می‌دهد در پی اجرای سیاست‌های بخشی، کشاورزان بیشتر از درآمد مورد انتظار در شرایط رقابت در بازار جهانی، دریافت کرده‌اند. اما پیش‌بینی می‌شود سویاکاران در برنامهٔ پنجم توسعه با اجرای سیاست‌های قیمتی و ارزی حمایت نشوند که هدفمند نبودن روند حمایت‌ها و تأثیر پذیرفتن آن از ریسک بازار جهانی را نشان می‌دهد. مقایسهٔ نتایج جدول‌های(۴-۷-۲-۵)، (۳-۷-۲-۵) و (۲-۷-۲-۵) نشان می‌دهد در سال‌های نخست پژوهش سهم حمایت‌های قیمتی در کل حمایت از تولیدکننده بیشتر از حمایت‌های بودجه‌ای بوده است. با وجود پرداخت‌های بودجه‌ای در دورهٔ جنگ و برنامه‌های اول و دوم توسعه حمایت کل از تولیدکننده(PSE) هم‌علامت با حمایت‌های قیمتی، منفی بوده است. به تدریج با کاهش شکاف قیمت داخلی و خارجی سویا و رشد پرداخت‌های بودجه‌ای به دلیل افزایش تفاوت قیمت سوخت در داخل کشور با رشد قیمت جهانی، سهم حمایت‌های بودجه‌ای نسبت به حمایت قیمتی بیشتر شده است و در برنامه‌های سوم و چهارم توسعه تولیدکنندگان بیشتر حمایت‌های بودجه‌ای دریافت کرده‌اند که در مجموع بهبود حمایت از تولیدکنندگان سویا را در پی داشته است.

در جدول (۴-۷-۲-۵) شاخص حمایت از تولیدکنندگان براساس نرخ ارز تعادلی(اثرکل) تا پایان برنامهٔ دوم توسعه، همواره منفی بوده و بعد از آن نیز در سال‌های مختلف، پرداخت مالیات پنهان بر سویاکاران تحمیل شده و حمایت‌های بودجه‌ای، جبران‌کنندهٔ اثر منفی حمایت قیمتی نبوده است. با وجود این، در برنامه‌های سوم و چهارم توسعه در پی افزایش قیمت داخلی سویا و اجرای سیاست‌های ارزی به طور میانگین از تولیدکنندگان سویا حمایت شده است. به طوری که در برنامهٔ سوم توسعه همزمان با اجرای سیاست یکسان‌سازی نرخ ارز در سال ۱۳۸۱، تولیدکنندگان سویا به طور میانگین ۴۷ میلیارد ریال به قیمت ثابت سال ۱۳۸۴ بیشتر از درآمد خود در شرایط برقراری قیمت رقابتی بازار جهانی در ایران دریافت کرده‌اند که در مقایسه با اثرمستقیم نشان می‌دهد در آن دوره اعمال نرخ ارز تعادلی برآمده از متغیرهای بنیادین اقتصاد ایران حمایت بیشتری از کشاورزان در بر داشته است. رشد بی‌سابقهٔ قیمت‌های جهانی از سال ۱۳۸۷ و ادامهٔ کاهش ارزش ریال موجب خواهد شد سهم حمایت قیمتی منفی از سویاکاران نسبت به حمایت‌های بودجه‌ای بیشتر شود و با برقراری نرخ ارزی تعادلی در برنامهٔ پنجم توسعه تولیدکنندگان حمایت دریافت نکنند.

شاخص حمایت درصدی از تولیدکننده (PSE٪) به دلیل آن‌که نسبت به تورم، مقیاس و واحد پولی خنثی است، مقایسهٔ بهتری از حمایت را در طول زمان، بین کشورها و همچنین کالاهای مختلف، امکان‌پذیر می‌سازد. نتایج محاسبهٔ این شاخص در جدول (۴-۷-۲-۵) مشاهده می‌شود. میانگین ۶۱- درصد شاخص PSE٪ که با رهیافت تجارت‌محور و نرخ حقیقی ارز برای دورهٔ جنگ محاسبه شده است، نشان می‌دهد مقدار دریافتی تولیدکننده ۶۱ درصد از آنچه می‌توانست با فروش محصولش با قیمت جهانی به دست آورد، کمتر بوده است. به بیان دیگر، سیاست‌های حمایتی در این دوره موجب شده است تولیدکننده ۶۱٪ از درآمدی را که در شرایط بدون

چنین سیاست‌هایی می‌توانست به دست آورد، به شکل نوعی مالیات پنهان از دست بدهد. میانگین این شاخص با نرخ ارز حقیقی در برنامهٔ چهارم توسعه ۲۷ درصد برآورد شده است؛ یعنی در طول این برنامه به اندازهٔ ۲۷ درصد از درآمدی که در صورت فروش محصول با قیمت جهانی به دست می‌آورد، حمایت شده است. در این برنامه سیاست‌های حمایتی موجب حمایت مثبت از تولیدکننده شده و دریافتی او را نسبت به بازار جهانی افزایش داده است. در دورهٔ جنگ به علت اهمیت سویا در تولید روغن داخلی و تغذیهٔ طیور، سیاست‌ها به منظور کمتر نگه داشتن قیمت داخلی آن بود و کشاورزان ناگزیر از پرداخت مالیات پنهان زیادی بودند؛ این شرایط تا آغاز اجرای سیاست‌های آزادسازی در برنامهٔ اول توسعه ادامه داشت. پس از آن رشد حمایت‌های بودجه‌ای و کاهش شکاف قیمت داخلی و جهانی مالیات پنهان تحمیلی به کشاورزان را به ۲۲- درصد کاهش داد. به طور میانگین در برنامهٔ سوم، همزمان با کاهش دخالت دولت در بازار نهاده‌های دامی(کنجالهٔ سویا) و شناورسازی نرخ ارز، تولیدکنندگان سویا حمایت دریافت کرده‌اند و حمایت‌ها بیشتر از ۱۵ درصد درآمد کشاورزان را در صورتی که با قیمت بازار جهانی رقابت می‌کردند، پوشش داد که به درآمد آنان افزوده شد. اما بیشترین مقدار اثر مستقیم و تأثیر سیاست‌های بخشی در حمایت از تولیدکنندگان سویا در برنامهٔ چهارم توسعه و در سال‌های ۱۳۸۶-۱۳۸۵ انجام پذیرفت. در سال ۱۳۸۶ در پی افزایش قیمت داخلی سویا درآمد تولیدکنندگان ۵۳ درصد بیشتر شد. یعنی حمایت‌ها بیش از نیمی از درآمد کشاورزان در بازار رقابتی را در برداشت که اثر آن در افزایش سطح زیرکشت سال‌های بعد آشکار است(جدول ۵-۷-۲-۱).

میانگین اثر کل که مجموع اثر سیاست‌های بخشی و کلان اقتصادی (سیاست‌های ارزی) در حمایت از تولیدکنندگان سویا را نشان می‌دهد، نیز در برنامه‌های سوم و چهارم توسعه به طور میانگین مثبت ارزیابی شده و در همهٔ برنامه‌ها روند پرنوسانی

داشته است که بیان می‌کند سیاست‌های بخشی و ارزی کشور هدفمند نبوده است. بیشترین حمایت برآمده از سیاست‌های ارزی و بخشی در سال اجرای سیاست یکسان‌سازی نرخ ارز (۱۳۸۱) برابر با ۳۱ درصد بوده است، یعنی کشاورزان با اجرای این سیاست‌ها به اندازهٔ دریافتی خود بدون اجرای سیاست‌ها با قیمت‌های جهانی تعدیل‌شده با نرخ ارز تعادلی، حمایت شده‌اند. در پایان برنامهٔ چهارم با کم‌برآورد ارزش ریال و نوسان قیمت جهانی حمایت از تولیدکنندگان منفی کاهش پیدا کرده و پیش‌بینی می‌شود این روند در برنامهٔ پنجم نیز ادامه داشته باشد. نوسان در حمایت‌ها یا حمایت نشدن تولیدکنندگان موجب کاهش توان رقابتی کشاورزان داخلی می‌شود و با کاهش انگیزهٔ کشت سویا، به صنعت روغن‌کشی و تولید محصولات دامی آسیب وارد می‌کند که بر هزینهٔ وارداتی کشور می‌افزاید.

میانگین اثر غیرمستقیم PSE٪ که نشان‌دهندهٔ اثر سیاست‌های ارزی بر مقدار حمایت از تولیدکنندگان سویاست، در دورهٔ جنگ و برنامهٔ سوم توسعه مثبت و در دیگر برنامه‌ها منفی بوده است. بیشترین حمایت منفی برآمده از سیاست‌های ارزی در برنامهٔ اول رخ داده است. در برنامهٔ سوم توسعه که نرخ ارز حقیقی بیشتر از نرخ ارز تعادلی بوده است، بیش‌برآورد ارزش ریال(کاهش ارزش پول ملی) موجب حمایت ۴/۷ درصدی از تولیدکنندگان شده است. در دورهٔ جنگ که در بیشتر سال‌ها نرخ ارز انحراف مثبت زیادی داشته است، مقدار مطلق اثر غیرمستقیم چندان زیاد نیست. اما در پنج سال ابتدای پس از اجرای آزادسازی‌های سال ۱۳۷۱ با انحراف شدید منفی، اثرغیرمستقیم نیز مقداری نزدیک به آن دارد. از این مقایسه می‌توان نتیجه گرفت انحراف مثبت شدید نرخ ارز، به عنوان تنها ابزار افزایش‌دهندهٔ حمایت از تولیدکنندگان کارا نیست و باید با نرخ ارز تعادلی بلندمدت اقتصاد هماهنگ باشد. در برنامه‌های سوم و چهارم توسعه انحراف نرخ ارز و اثرغیرمستقیم تناسب بیشتری

داشتند و در برنامهٔ چهارم توسعه بیشتر بودن اثرغیرمستقیم از انحراف نرخ ارز، نشان‌دهندهٔ شدت اثرگذاری سیاست‌های ارزی بر تولیدکنندگان سویاست.

در دورهٔ جنگ و برنامهٔ چهارم توسعه سیاست‌های ارزی تضعیف‌کنندهٔ اثر سیاست‌های بخشی بوده است، به‌طوری که مقادیر مثبت اثر غیرمستقیم در بیشتر سال‌های دورهٔ جنگ موجب کاهش اثر منفی سیاست‌های خاص بخش کشاورزی در حمایت از تولیدکنندگان سویا در این دوره شده و در برنامهٔ چهارم توسعه اثر منفی سیاست‌های ارزی، اثر مثبت سیاست‌های بخشی را در حمایت از تولیدکنندگان تضعیف کرده است. در دیگر برنامه‌های توسعه، سیاست‌های ارزی اثر سیاست‌های بخشی را تقویت کرده است. به طوری که در برنامهٔ اول، اثر منفی سیاست‌های ارزی، حمایت‌های منفی از محصول سویا را تقویت و در برنامهٔ سوم اثر مثبت این سیاست‌ها، حمایت‌های بخش کشاورزی از تولیدکنندگان را پشتیبانی کرده است. مقادیر مطلق اثرمستقیم نیز در بیشتر سال‌های دورهٔ بررسی‌شده، به جز سال‌های نخست اجرای سیاست‌های آزادسازی اقتصادی(۱۳۷۱) و پیش‌بینی برنامهٔ پنجم توسعه بیشتر از اثر غیرمستقیم است. به بیان دیگر، در مجموع کل حمایت از تولیدکنندگان سویا بر حسب علامت شاخص، سیاست‌های ارزی تقویت یا تضعیف‌کنندهٔ سیاست‌های بخشی بوده است.

۳-۷-۲-۵ بررسی مقادیر حمایت از مصرف‌کنندگان سویا طی برنامه‌های توسعه

شاخص حمایت از مصرف‌کنندگان نشان‌دهندهٔ انتقال‌های قیمتی از مصرف‌کنندگان به تولیدکنندگان، مالیات‌دهندگان به مصرف‌کنندگان و دیگر انتقال‌ها به مصرف‌کنندگان است. در مورد محصول سویا، از آنجا که پرداخت مستقیم به مصرف‌کنندگان از راه بودجهٔ سالانهٔ دولت(مالیات‌پردازان) انجام می‌پذیرد، براساس

روابط فصل سوم در مورد محاسبهٔ CSE، مقدار شاخص درصدی آن برابر با شاخص درصد حمایت از قیمت بازاری تولیدکنندگان و تنها نشان‌دهندهٔ حمایت بازاری از مصرف‌کنندگان نیست. در جدول (۶-۷-۲-۵) مقادیر شاخص حمایت درصدی مصرف‌کنندگان سویا (CSE٪) طی دورهٔ مورد بررسی (۸۹-۱۳۶۰) گزارش شده است.

همان‌طور که پیش از این مشاهده شد، انحراف نرخ ارز تا سال ۱۳۶۸ به جز دو سال مثبت بود و پس از آن با اجرای سیاست‌های آزادسازی تا سال ۱۳۷۶ نرخ واقعی ریال کمتر از نرخ تعادلی آن برآورد شد. از این سال با بیش‌برآورد ارزش ریال، انحراف نرخ ارز روند کاهشی پیدا کرد و در سال ۱۳۸۳ با کاهش چشمگیر ارزش تعادلی پول ملی نسبت به ارزش حقیقی آن، انحراف نرخ ارز منفی شد. همچنین پیش‌بینی می‌شود روند کم‌برآورد ارزش حقیقی ریال در برنامهٔ پنجم توسعه نیز ادامه پیدا کند.

بررسی ارزش حمایت مستقیم از مصرف‌کنندگان سویا برحسب قیمت‌های ثابت سال ۱۳۸۴، بیانگر آن است که حمایت از مصرف‌کنندگان روند کاهشی داشته است، به طوری که از ۱۲۸۲۲ میلیارد ریال در دورهٔ جنگ به ۸۸- میلیارد ریال در برنامهٔ چهارم رسیده و تا سال اجرای سیاست یکسان‌سازی نرخ ارز(۱۳۸۱) همیشه مثبت بوده است.

همچنین حمایت از مصرف‌کنندگان سویا، برحسب نرخ ارز تعادلی نیز روندی مشابه داشته و در همهٔ برنامه‌ها به طور میانگین مثبت بوده است. یعنی کم نگه‌داشتن قیمت داخلی نسبت به قیمت جهانی موجب حمایت از مصرف‌کنندگان سویا بوده است. برنامهٔ اول توسعه با کم‌برآورد ارزش ریال بیشترین و برنامهٔ سوم توسعه با افزایش قیمت جهانی و بیش‌برآورد ارزش ریال کمترین حمایت از مصرف‌کنندگان سویا را دربرداشت. پیش‌بینی می‌شود در برنامهٔ پنجم توسعه با کاهش ارزش پول

ملی و افزایش قیمت جهانی نسبت به قیمت داخلی مصرف‌کنندگان سویا به طور میانگین ۸۳۰۰ میلیارد ریال به قیمت ثابت سال ۱۳۸۴ کمتر از مصرف‌کنندگان خارجی بپردازند. تفاوت اثرمستقیم و اثرکل نقش انحراف نرخ ارز را در مقدار حمایت از مصرف‌کنندگان سویا که تعداد زیادی از آنان را پرورش‌دهندگان طیور تشکیل می‌دهند، آشکار می‌کند.

درصد حمایت از مصرف‌کنندگان(CSE٪) با نرخ ارز حقیقی، نشان می‌دهد میانگین حمایت از مصرف‌کنندگان سویا در دورهٔ جنگ ۶۹ درصد از پرداختی مصرف‌کنندگان را برحسب قیمت‌های تعدیل‌شدهٔ جهانی شامل شده است. یعنی در شرایط واقعی با اجرای سیاست‌های قیمتی، مصرف‌کنندگان، به اندازهٔ ۶۹ درصد آنچه (در صورتی که بازار آزاد برقرار باشد) باید می‌پرداختند، حمایت دریافت می‌کنند. در حقیقت ۶۹ درصد نسبت به آنچه می‌بایست می‌پرداختند، کمتر پرداخته‌اند. حمایت زیاد از مصرف‌کنندگان از رقابت‌پذیری بازار می‌کاهد، زیرا مصرف‌کنندگان سهم بیشتری از مازاد بازار داخلی دارند که با کاهش قدرت تولیدکنندگان رقابت‌پذیری آنان کاهش پیدا می‌کند. درصد حمایت‌ها تنها در برنامهٔ چهارم منفی بوده است و مصرف‌کنندگان سویا در پی اجرای سیاست‌های بخشی و ارزی این برنامه ۰/۳۱ درصد از آنچه در بازار جهانی باید می‌پرداختند، بیشتر پرداخت کرده‌اند که اثرگذاری اندک سیاست‌ها را نشان می‌دهد.

اثر کل روند مشابهی با اثر مستقیم دارد و چگونگی حمایت از مصرف‌کنندگان سویا را با برقراری نرخ ارز تعادلی بلندمدت اقتصاد ایران بیان می‌کند. در برنامهٔ سوم توسعه که با اجرای سیاست یکسان‌سازی نرخ ارز همزمان است، مصرف‌کنندگان سویا براساس این شاخص حمایت اندکی دریافت کرده‌اند، به طوری که مصرف‌کنندگان سویا با برقراری سیاست‌های ارزی و بخشی ۰/۱۵ درصد از آنچه (در شرایطی که هیچ سیاست ارزی و بخشی برقرار نباشد) برای مصرف می‌پرداختند،

مالیات پنهان پرداخته‌اند. در دورهٔ جنگ و برنامهٔ اول توسعه حدود نیمی از ارزش مصرف سویا در ایران به قیمت خارجی تعدیل‌شده به شکل حمایت قیمتی و بودجه‌ای به مصرف‌کنندگان پرداخت می‌شد. تنها در سال‌های ۸۱-۱۳۸۰، ۱۳۸۶ و ۱۳۸۸ به دلیل اجرای سیاست یکسان‌سازی نرخ ارز و افزایش قیمت داخلی سویا از مصرف‌کنندگان آن مالیات پنهان دریافت شد.

علامت اثرغیرمستقیم در مورد مصرف‌کنندگان، عکس علامت انحراف نرخ ارز است، یعنی با کم برآورد ارزش ریال(انحراف منفی)، مصرف‌کنندگان حمایت می‌شوند و برعکس. به عبارت دیگر، چگونگی حمایت از مصرف‌کنندگان را هنگامی که سیاست ارزی اعمال می‌شود نسبت به وقتی که سیاست ارزی اجرا نمی‌شود، نشان می‌دهد. در دورهٔ جنگ و برنامه‌های دوم و سوم توسعه سیاست‌های ارزی تضعیف‌کنندهٔ سیاست‌های بخشی بوده و با اجرای سیاست ارزی، مصرف‌کنندگان سویا حمایت نشده‌اند. در حالی‌که در برنامه‌های اول و چهارم با اجرای سیاست ارزی کم برآورد ارزش ریال (انحراف منفی)، مصرف‌کنندگان سویا نسبت به شرایطی که سیاست ارزی برقرار نباشد حمایت شده‌اند. برای مثال در برنامهٔ چهارم ۹/۳٪ کمتر از قبل از اجرای سیاست ارزی پرداخت کرده‌اند. شاخص اثرغیرمستقیم حمایت از مصرف‌کنندگان سویا به جز دورهٔ جنگ همزمان با شکاف قیمت داخلی و جهانی سویا و بیش‌برآورد شدید نرخ ارز، در برنامه‌های توسعه به طور میانگین با انحراف نرخ ارز متناسب بوده است که نمایانگر واکنش‌پذیری حمایت از مصرف‌کنندگان سویا نسبت به انحراف ارزی به دلیل نقش ارز در واردات بخش چشمگیری از سویای مصرفی است.

جدول ۶-۷-۲-۵) شاخص‌های حمایت از مصرف‌کنندگان سویا

برنامه های توسعه	درصد انحراف نرخ ارز	سال	ارزش اثرمستقیم به قیمت ثابت سال ۱۳۸٤ (میلیارد ریال)	ارزش اثر کل به قیمت ثابت سال ۱۳۸٤	%CSE اثر مستقیم	%CSE اثر غیرمستقیم	%CSE اثر کل
دورهٔ جنگ	۲٦/۸۱	۱۳٦۰	٥۹۷٦	٤۰۲٥	٦۳/۰۸	-۹/٥۷	٥۳/٥۱
	۳۸/۹۰	۱۳٦۱	۸۳٥۹	٤۸٤٤	٦٤/٥۱	-۱۳/۲۱	٥۱/۳۰
	۳۸/٦۷	۱۳٦۲	۱٦۹۹۳	۱۰٥۳۲	۷۱/٤۷	-۱۰/٦٥	٦۰/۸۳
	٤۷/٦۸	۱۳٦۳	۱٥۸۹٤	۸۹۷٦	۷۲/٤۷	-۱۲/٦۸	٥۹/۷۹
	-۱۳/۱٦	۱۳٦٤	۱۳۰۹۰	۱٦۰۸۹	٦٤/۳۷	٤/٥۸	٦۸/۹٥
	-۲/۷۱	۱۳٦٥	۱۸۰۷۷	۱۸۷۹٤	٦۸/٦۹	۰/۸۳	٦۹/٥۲
	۷٥/۷۲	۱۳٦٦	۱۷۰۸٤	۷٦۰٥	۷٥/٦٤	-۱۷/٦۲	٥۸/۰۲
	۸۹/۸۷	۱۳٦۷	۷۱۰۰	۲۸۱۲	۷٥/٥۷	-۲۰/٥۱	٥٥/۰٦
	۳۷/۷۲	میانگین	۱۲۸۲۲	۹۲۱۰	٦۹/٤۷	-۹/۸٥	٥۹/٦۲
برنامهٔ اول توسعهٔ اقتصادی و اجتماعی	٥۰/٦۲	۱۳٦۸	۱٥۷۳۳	٦۸۱٥	٥۷/۲٤	-۲۰/٥٤	۳٦/۷۰
	-٤/۳۰	۱۳٦۹	۸۸٥۳	۹۸٦٦	۳۷/۹٤	۲/٥۸	٤۰/٥۲
	-۱۰/۸٤	۱۳۷۰	٥۸۱۲	۷۳٦٦	٤۳/٤٥	٥/۸۹	٤۹/۳٤
	-٤۷/۰۳	۱۳۷۱	۳۹۹۲	۱۳۸۱۳	۳۳/۹۲	۳۰/۰٦	٦۳/۹۸
	-٥۱/٤۱	۱۳۷۲	۳٤٥۷	۲۱۸۹۸	۱۸/٦۱	٤۰/٥٥	٥۹/۱٦
	-٤۱/۲۹	۱۳۷۳	٥٤٤۹	۱٥٥٥٤	۳٥/٥۸	۲٥/٦۱	٦۱/۱۹
	-۱۷/۳۸	میانگین	۷۲۱٦	۱۲٥٥۲	۳۷/۷۹	۱٤/۰۲	٥۱/۸۱
برنامهٔ دوم توسعهٔ اقتصادی و اجتماعی	-۳۱/۹۷	۱۳۷٤	۸٦٥٤	۱٥۷٥٦	٥٥/۱٥	۱۳/۹۷	٦۹/۱۲
	-۱٦/۱۸	۱۳۷٥	٤۷۳۰	۷۷۲۰	۲۸/۹۸	۱۱/۰۰	۳۹/۹۸
	-۰/۸۹	۱۳۷٦	۳۸٤۷	۳۹٥۰	۳۱/۸۲	۰/٥۸	۳۲/٤۰
	۳۳/۱٥	۱۳۷۷	۳۹٤۳	۱٦٦۰	٤۱/۰۸	-۱۸/۳۹	۲۲/٦۹
	۲۹/۱۰	۱۳۷۸	۷٤٥۱	۲۹۰۲	۳٥/۳٦	-۱۷/۸۰	۱۷/٥٦
	۲/٦٤	میانگین	٥۷۲٥	٦۳۹۸	۳۸/٤۸	-۲/۱۳	۳٦/۳٥
برنامهٔ سوم توسعهٔ اقتصادی و اجتماعی	۱٦/۹٦	۱۳۷۹	۲۹۳۸	٥۸٦	۱۷/۲٦	-۱۳/۲۷	٤/۰۰
	۱٦/٥٤	۱۳۸۰	۸٥	-۲٥۱۲	۰/٤٤	-۱٥/۳٦	-۱٤/۹۲
	۱۲/۹۹	۱۳۸۱	-۱۲۱۸	-۲۸۳۲	-۸/۱٥	-۱۳/۰۸	-۲۱/۲۳
	۳/۸٥	۱۳۸۲	۸۷۳	۲٦۲	٤/۹۳	-۳/۳۹	۱/٥۳
	-۲/۷۹	۱۳۸۳	٥۸۸٤	٦٤۲۲	۲۹/٥۱	۱/۸٥	۳۱/۳٦
	۹/٥۱	میانگین	۱۷۱۲	۳۸٥	۸/۸۰	-۸/٦٥	۰/۱٥
برنامهٔ چهارم توسعهٔ اقتصادی و اجتماعی	-٦/۱۸	۱۳۸٤	۲۱۳۸	۳۰۱۸	۱٤/۸٥	٤/۹۰	۱۹/۷٥
	-۱۰/۷۰	۱۳۸٥	-٦۰٥	۷۲٥	-٥/۰۰	۱۰/٤۱	٥/٤۰
	-۱۳/۰۹	۱۳۸٦	-۳۹۱٦	-۱٦٤۷	-۲۳/۸۷	۱٥/۰٥	-۸/۸۲
	-۷/۷٤	۱۳۸۷	۲۰۷٤	۳۱۲۸	۱٥/٤۱	٦/۱٤	۲۱/٥٥
	-۳/۳۲	۱۳۸۸	-۲٥٥	-۲۳	-۳/٥۲	۳/۲۲	-۰/۳۰
	-۱۷/٤٥	۱۳۸۹	۳۸	۲٥٦۰	۰/۳۰	۱٦/۳۲	۱٦/٦۱
	-۹/۷٥	میانگین	-۸۸	۱۲۹٤	-۰/۳۱	۹/۳٤	۹/۰۳
پیش بینی برنامهٔ پنجم توسعهٔ اقتصادی و اجتماعی	-۱۹/۲۲	۱۳۹۰	٤۳۳	۲۹۳۸	۳/۷٥	۱۷/۱٤	۲۰/۸۹
	-۲۱/۱٤	۱۳۹۱	٤۱٥۹	۷٦۹۸	۲۹/٤۲	۱٤/۱۳	٤۳/٥٤
	-۲۳/۰۷	۱۳۹۲	٤۷۰٥	۸٦۲٤	۳۳/۷۹	۱٤/٥٥	٤۸/۳٤
	-۲٤/۹۸	۱۳۹۳	٥٤۷۷	۹۹۹۷	۳۸/۰۹	۱٤/۸۱	٥۲/۸۹
	-۲۲/۰۹	۱۳۹٤	۷۷۱٦	۱۲۲۸۲	٤٥/٦۰	۱۱/٥٦	٥۷/۱٦
	-۲۲/۱۰	میانگین	٤٤۹۸	۸۳۰۸	۳۰/۱۳	۱٤/٤٤	٤٤/٥۷

منبع: یافته‌های پژوهش

۴-۷-۲-۵ نتیجه‌گیری و پیشنهادهای سویا

سویا، مادهٔ اولیهٔ صنایع تبدیلی روغن‌کشی است و بخش مهمی از جیرهٔ غذایی طیور را در برمی‌گیرد. از این رو، سیاست‌های حمایتی مختلفی از بخش تولید و مصرف آن را در پی دارد. در این پژوهش مقادیر کمّی این حمایت‌ها براساس شاخص‌های MPS، PSE و CSE طی دورهٔ ۸۹-۱۳۶۰ محاسبه شده است که نتایج بیانگر وجود روند افزایشی و نوسانی در حمایت‌های قیمتی، بودجه‌ای و کل حمایت از تولیدکنندگان و روند کاهشی در حمایت از مصرف‌کنندگان سویا به قیمت ثابت سال ۱۳۸۴ بوده است. همچنین در مجموع حمایت‌های بودجه‌ای و قیمتی، سهم حمایت‌های بودجه‌ای در کل حمایت از تولیدکنندگان تا پایان برنامهٔ دوم توسعه کمتر بوده است. در برنامه‌های سوم و چهارم توسعه حمایت‌های بودجه‌ای نسبت به حمایت‌های قیمتی سهم بیشتری داشته‌اند و در بین این حمایت‌ها نیز سهم یارانهٔ سوخت و یارانهٔ نهاده‌های تولید حدود ۹۵ درصد از کل حمایت‌های بودجه‌ای از تولیدکنندگان را دربرداشته است. اجرای سیاست‌های ارزی موجب شد با بیش‌برآورد نرخ حقیقی ریال نسبت به نرخ تعادلی، سویاکاران حمایت شوند و در دورهٔ جنگ و برنامهٔ سوم توسعه با اجرای سیاست‌های ارزی، تولیدکنندگان به ترتیب ۹ و ۴/۷ درصد بیشتر از آنچه در بازار رقابتی، بدون اجرای سیاست‌های ارزی، دریافت می‌کردند، حمایت شدند.

در پیش‌بینی برنامهٔ پنجم نیز همانند برنامهٔ چهارم، سیاست‌های ارزی تقویت‌کنندهٔ سیاست‌های بخش کشاورزی نیست و اثرمستقیم نیز در این برنامه اندک است، یعنی برایند سیاست‌های بخشی در این برنامه اثربخشی کمی خواهد داشت. شاخص حمایت بازاری هم عدم حمایت از تولیدکنندگان را در بازار داخلی

نسبت به بازار جهانی نشان می‌دهد، به طوری که سیاست‌های ارزی و بخشی به زیان تولیدکنندگان سویا خواهد بود.

مقادیر اثرمستقیم حمایت از مصرف‌کنندگان سویا از میانگین ۶۹ درصد در دورهٔ جنگ به ۰/۳۱ درصد در برنامهٔ چهارم توسعه رسیده است. افزون بر این، بررسی اثر سیاست‌های ارزی و انحراف نرخ ارز بر مقادیر حمایت از مصرف‌کنندگان سویا نشان می‌دهد این سیاست‌ها در دورهٔ جنگ و همچنین برنامه‌های دوم و سوم توسعه که انحراف نرخ ارز مثبت بوده بر شاخص‌های حمایت از مصرف‌کنندگان اثر منفی داشته است، در حالی که در دیگر برنامه‌های توسعه، این سیاست‌ها موجب افزایش حمایت از مصرف‌کنندگان سویا شده، یعنی اثر غیرمستقیم تقویت‌کنندهٔ اثر مستقیم بوده است.

جدول ۷-۷-۲-۵) بررسی حمایت از تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان سویا در دوره‌های ارزی

دوره	درصد انحراف نرخ ارز	%MPS			%PSE			%CSE		
		اثر مستقیم	اثر غیرمستقیم	اثر کل	اثر مستقیم	اثر غیرمستقیم	اثر کل	اثر مستقیم	اثر غیرمستقیم	اثر کل
۱۳۶۰-۱۳۷۰	۳۰/۶۶	-۶۲/۵۴	۸/۴۶	-۵۴/۰۹	-۵۲/۵۲	۷/۰۲	-۴۵/۵۰	۶۳/۱۳	-۸/۲۶	۵۴/۸۷
۱۳۷۱-۱۳۸۰	-۹/۳۰	-۲۸/۷۳	-۵/۹۳	-۳۴/۶۶	-۱۵/۷۷	-۸/۹۶	-۲۴/۷۳	۲۹/۸۲	۵/۷۰	۳۵/۵۲
۱۳۸۱-۱۳۸۹	-۴/۹۴	-۰/۱۲	-۴/۷۹	-۴/۹۱	۲۰/۳۶	-۱۰/۶۹	۹/۶۷	۲/۷۲	۴/۶۰	۷/۳۲

منبع: یافته‌های پژوهش

متوسط شاخص‌های حمایت قیمتی، حمایت از تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان در دورهٔ اجرای سیاست‌های ارزی در کشور، در جدول (۷-۷-۲-۵) آمده است. براساس شاخص‌های درصدی حمایت از تولیدکنندگان سویا در همهٔ دوره‌های ارزی، سیاست‌های بخشی در مقایسه با سیاست‌های ارزی در کل حمایت‌ها تأثیر بیشتری داشته است، زیرا قدرمطلق اثر مستقیم همواره بیشتر از اثر غیرمستقیم بوده است.

اما سیاست‌های ارزی در مورد حمایت قیمتی و حمایت از مصرف‌کنندگان در دورهٔ سوم اثرگذاری بیشتری داشته است. در دههٔ ۱۳۶۰ به دلیل به‌کارگیری سیاست تثبیت نرخ ارز، انحراف از نرخ تعادلی به شدت افزایش یافت و با بیش‌برآورد ارزش ریال از تولیدکنندگان حمایت شد، اما در این دوره آثار منفی سیاست‌های بخشی از جمله کم نگه داشتن قیمت داخلی در مقایسه با قیمت جهانی تا حدی زیاد بود که اثر سیاست ارزی را خنثی و در مجموع حمایت کل از تولیدکننده را منفی کرد. در این دوره با وجود انحراف شدید نرخ ارز، این سیاست‌ها اثر چشمگیری در حمایت از کشاورزان نداشت. در دههٔ ۱۳۷۰ با برقراری سیاست ارزی چند نرخی، میانگین اثرغیرمستقیم شاخص‌های حمایت از تولیدکنندگان منفی شد. اما به طور کلی سیاست‌های بخشی در راستای حمایت بیشتر از تولیدکنندگان بهبود پیدا کرد. در دورهٔ سوم سیاست‌های ارزی با برقراری نرخ ارز شناور مدیریت‌شده انحراف نرخ ارز کاهش پیدا کرد. این کم برآورد ارزش ریال، با حمایت نکردن از تولیدکننده، از اثر مثبت سیاست‌های بخشی کاست. شایان ذکر است، در این دوره با وجود بهبود سیاست‌گذاری در بخش کشاورزی اثرمستقیم در MPE٪ همچنان منفی بود. برای مصرف‌کنندگان سیاست‌های بخشی و ارزی در دههٔ سوم تقویت‌کنندهٔ یکدیگر و حمایت‌کنندهٔ مصرف‌کنندگان سویا بود. اما در این دوره سیاست‌های ارزی و بخشی به طور میانگین اثرگذاری اندکی بر حمایت از مصرف‌کنندگان داشتند و کمتر از ۵ درصد از ارزش پرداختی مصرف سویا را کاهش دادند.

به طور کلی شاخص‌های حمایت از سویا روند پرنوسانی را در پی اجرای سیاست‌های ارزی و بخشی نشان می‌دهند که به افزایش ریسک در طول زمان منجر می‌شود. در سال‌های ابتدایی که سیاست‌های بخشی حمایت‌کننده نبوده، سیاست‌های ارزی نیز جبران‌کنندهٔ کمبود حمایت نبوده و در دو دورهٔ آخر، سیاست‌های ارزی تضعیف‌کنندهٔ اثر مثبت سیاست‌های بخشی برای تولیدکنندگان

بوده است. در مورد سویا، حمایت قیمتی منفی برآمده از سیاست‌های قیمتی در بیشتر سال‌ها عامل مهم حمایت نشدن کشاورزان بوده است. اجرای سیاست‌های همسو و حمایت‌کننده مانند برنامهٔ سوم، می‌تواند به افزایش رقابت‌پذیری تولیدکنندگان سویا کمک کند. به عبارت دیگر، چگونگی ترکیب سیاست‌های ارزی و بخشی که برایند آن حمایت‌کنندهٔ کشاورزان باشد، از اهمیت زیادی برخوردار است.

براساس نتایج، اجرای سیاست‌های باثبات و بلندمدت برای پیشگیری از نوسان‌های قیمت محصول، نهاده‌ها و نرخ ارز و حمایت‌های بودجه‌ای توصیه می‌شود. با توجه به سهم بیشتر حمایت‌های بودجه‌ای از کل حمایت‌ها در دو برنامهٔ اخیر که حمایت‌کننده‌تر از دیگر سال‌ها بوده‌اند، تأکید بر الگوی سیاستی حمایت‌های بودجه‌ای، افزون بر کاهش دخالت مستقیم دولت در بازار محصول، موجب حفظ انگیزهٔ سویاکاران برای تولید و تأمین نیاز مراکز دامپروری و مادهٔ اولیهٔ صنایع تبدیلی روغن‌کشی شده و به خودکفایی داخلی روغن کمک می‌کند و در نهایت امکان رقابت در بازارهای جهانی را فراهم می‌آورد. از این رو، تنوع‌بخشی به حمایت‌های بودجه‌ای مانند به‌کارگیری پرداخت‌های مستقیم و حمایت بیشتر از بیمهٔ درآمدی نیز مناسب است. تنظیم سیاست‌های ارزی و بخشی به گونه‌ای که همسو و تقویت‌کنندهٔ یکدیگر باشند، به هم‌افزایی می‌انجامد و با افزایش مزیت رقابتی، به رقابت‌پذیری جهانی تولیدکنندگان داخلی کمک می‌کند. به طوری که مقادیر مثبت اثرمستقیم و اثرغیرمستقیم در برنامهٔ سوم توسعه نشان می‌دهد، اجرای سیاست یکسان‌سازی نرخ ارز که تقویت‌کنندهٔ سیاست‌های بخشی بوده، موجب حمایت از تولیدکنندگان سویا شده است. مقایسهٔ حمایت در دوره‌های ارزی ایران نشان می‌دهد اجرای سیاست ارزی شناور بر سیاست‌های چندگانهٔ نرخ ارز و تثبیت شدید، برتری دارد. با توجه به نتایج برآورد نرخ ارز در فصل سوم، افزایش درآمدهای نفتی موجب افزایش ارزش ریال تعادلی می‌شود که در صورت ثبات نرخ حقیقی ارز، رشد درآمدهای نفتی به

نفع تولیدکنندگان است. همچنین بهره‌وری اقتصاد به عنوان شاخص پیشرفت فن‌آوری، بر نرخ تعادلی ارز و شاخص حمایت‌ها چنین اثری دارد که دولت با مدیریت این دو عامل می‌تواند حمایت از سویاکاران را افزایش دهد. در نهایت انتظار می‌رود، ترکیب سیاست‌های پولی، مالی، ارزی و بخشی به گونه‌ای باشد که برایند آن، حمایت‌کنندهٔ کشاورزان باشد.

۸-۲-۵ کلزا

کلزا از محصولات کشاورزی است که در سطح جهانی در خوراک دام و تولید روغن به کار می‌رود و از ارزش افزودهٔ زیادی برخوردار است. دانهٔ کلزا بسته به نوع رقم کشت شده قابلیت استحصال بین ۲۵ تا ۴۴ درصد روغن دارد که آن را در سطح آفتابگردان قرار می‌دهد. اما از آنجا که کلزا در ایران یک محصول جدید و کمترشناخته‌شده محسوب می‌شود، هنوز سهم چشمگیری در روغن مصرفی خانوار ندارد. با توجه به آن‌که براساس نتایج بررسی بودجهٔ خانوار بانک مرکزی در سال ۱۳۸۹، روغن و چربی‌ها، با ۰/۸ درصد کل هزینه‌ها و ۳/۳ درصد هزینه‌های خوراکی سهم زیادی در سبد مصرف خانوار ایرانی دارد و ۷۵ درصد از هزینه‌های روغن و چربی‌های خانوار را روغن‌های نباتی دربرمی‌گیرد، نقش روغن کلزا (با توجه به بازدهی بیشتر آن در مقایسه با انواع دیگر روغن‌های نباتی) در سبد مصرف خانوار افزایشی است. از این رو، بررسی حمایت از تولید و مصرف این محصول، با توجه به کاربرد آن در صنایع تبدیلی و فراوری و توانایی تولید ارزش افزوده، به برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری با هدف توسعهٔ تولید کمک می‌کند.

در جدول (۱-۸-۲-۵) وضعیت تولید، عملکرد و تجارت کلزا در ایران آمده است. با توجه به جدول، مشاهده می‌شود در سال‌های ۱۳۸۹-۱۳۷۷ سهم ایران از سطح زیرکشت جهانی کلزا از ۰/۰۱ درصد در اولین سال کشت رسمی آن در ایران به ۰/۳ رسیده است. با ترویج کشت کلزا به عنوان کشت دوم در شالیزارهای برنج و جایگزین کردن آن در تناوب کشت مزارع گندم به جای نوبت آیش، سطح زیرکشت کلزا تا سال ۱۳۸۶ با رشد افزایشی همراه بود، اما پس از آن دو سال پیاپی کاهش پیدا کرد و در سال بدون برنامهٔ ۱۳۸۹ به ۱۱۷ هزار هکتار رسید. بیشترین تولید کلزا در سال ۱۳۸۶ حدود ۳۵۶/۸ هزار تن بود که ۵۵ برابر تولید سال ۱۳۷۷ بود. در برنامهٔ سوم

توسعه تولید کلزا رشد زیادی داشت، اما در برنامهٔ چهارم تولید این محصول با نوسان همراه بود. از آنجا که دانهٔ روغنی کلزا بیش از دو برابر دانهٔ روغنی سویا (بین ۴۰ تا ۴۴ درصد) روغن تولید می‌کند، کشت، تولید و خرید این محصول جدید به قیمت تضمینی با برنامهٔ منظم و نظارت سازمان‌یافته دولت انجام می‌پذیرد (مؤسسهٔ پژوهش‌های برنامه ریزی و اقتصاد کشاورزی، ۱۳۸۴). در نتیجهٔ اعمال نظارت و تشویق دولت، سطح زیرکشت و تولید این محصول در بین سال‌های ۱۳۷۷ تا ۱۳۸۶ رشد چشمگیری داشت. این محصول در کمتر از ۱۰ سال سهم به نسبت زیادی از سطح زیرکشت محصولات زراعی کشور را به خود اختصاص داده است. به طوری که در برنامهٔ چهارم توسعه براساس جدول (۱-۵)، سهم سطح زیرکشت آن از محصولات سنتی پنبه، سویا و چغندرقند بیشتر شده است. بیشترین عملکرد کلزا در نخستین سال کشت این محصول، ۲/۲۵ تن در هکتار بود، اما در سال‌های بعد به طور میانگین ۱/۷ تن بود. کمترین عملکرد کلزا نیز همزمان با خشکسالی سال ۱۳۷۹ رخ داد. بررسی عملکرد تولید کلزا در ایران نسبت به جهان نیز نشان می‌دهد عملکرد تولید کلزا در ایران، در بیشتر سال‌ها، از میانگین عملکرد جهانی بیشتر یا نزدیک آن بوده است. در جدول (۱-۸-۲-۵) سهم کلزای ایران از تولید جهانی در برنامهٔ چهارم توسعه به طور میانگین ۰/۴۸ درصد بوده است که ۲۵ برابر سهم ایران در پایان برنامهٔ دوم است.

تجارت کلزا در جهان بیشتر به صورت روغن و کنجاله و در ایران بیشتر روغن است که در جدول (۱-۸-۲-۵) این مقدار به صورت معادل دانهٔ کلزا درج شده است. براساس نظر کارشناسان شرکت توسعهٔ کشت دانه‌های روغنی ایران، به طور میانگین ۴۰ درصد از دانهٔ کلزا، روغن استخراج می‌شود. این بازده با توجه به تفاوت اندک قیمت‌های سویا و کلزا، به سود کارخانه‌های روغن‌کشی است و توانایی تأمین بیشتر تقاضای روغن نسبت به سویا را نشان می‌دهد.

جدول ۱-۸-۲-۵) وضعیت تولید، عملکرد و تجارت کلزا ایران

سال	سطح زیرکشت (هزارهکتار)	سهم از سطح زیرکشت (درصد)	عملکرد (تن در هکتار)	نسبت عملکرد ایران به جهان	تولید (هزارتن)	سهم از تولید جهان (درصد)	واردات (هزار تن)	سهم از واردات (درصد)	ارزش واردات (میلیون دلار)	سهم از ارزش واردات (درصد)
۱۳۷۷	۲/۸۹	۰/۰۱۱	۲/۲۵	۱/٦۲٦	٦/۵۲	۰/۰۱۸	–	–	–	–
۱۳۷۸	۳/۳۱	۰/۰۱۲	۱/۳۳	۰/۸۵۲	٤/٤۰	۰/۰۱۰	–	–	–	–
۱۳۷۹	۹/۳۲	۰/۰۳٦	۰/۹٤	۰/٦۱۷	۸/۷۹	۰/۰۲۲	۰/۱۵	۰/۰۰۱	۰/۷۵	۰/۰۲۲
۱۳۸۰	۲۱/۰۱	۰/۰۹۳	۱/۵٦	۰/۹۷۷	۳۲/٦۸	۰/۰۹۱	۰/۲۲	۰/۰۰۱	۰/۸۷	۰/۰۲۸
۱۳۸۱	۳۳/٤۷	۰/۱٤٦	۱/۸۵	۱/۲۳٤	٦۱/۹۹	۰/۱۸۰	٦۳/۱۲	۰/٤۵۲	۱٤/۷۸	۰/٤۵۵
۱۳۸۲	٦۲/٦۵	۰/۲٦۷	۱/۷۳	۱/۱۰۵	۱۰۸/٤٤	۰/۲۹۵	۵۰/۳۷	۰/٤۱٦	۱٤/۳۸	۰/٤۱۵
۱۳۸۳	۷۳/۷۱	۰/۲۹۱	۱/۷۱	۰/۹۳۱	۱۲٦/۱۲	۰/۲۷۱	۳/۸۱	۰/۰۲۵	۳/۸۹	۰/۰۸۲
۱۳۸٤	۱۱۹/۳۲	۰/٤۳۱	۱/۹۷	۱/۰۸۹	۲۳٤/۷۰	۰/٤۷۰	۰/٦۹	۰/۰۰٤	٤/۱۰	۰/۰۹۰
۱۳۸۵	۱٦۱/۰۵	۰/۵۸۷	۱/۹٦	۱/۱۱۸	۳۱۵/۰۹	۰/٦۵۷	۰/۷۰	۰/۰۰۳	٤/۵۲	۰/۰۷۰
۱۳۸٦	۱٦۹/۱٦	۰/۵٦۷	۲/۱۱	۱/۲۲۵	۳۵٦/۸۹	۰/٦۹۵	۳۱/۹٤	۰/۱٤۲	۹/۸٤	۰/۱۱۲
۱۳۸۷	۱۳۷/۲٦	۰/٤٤۹	۱/۹۳	۱/۰۲۰	۲٦٤/۲۸	۰/٤۵۸	۲۰/۲۷	۰/۰۷۵	۱۰/۷۵	۰/۰٦۷
۱۳۸۸	۸۵/۹۳	۰/۲۷۲	۱/۹۱	۰/۹۷۳	۱٦٤/۰۲	۰/۲٦٤	۲۰/۲۷	۰/۰٦۷	۱۰/۷۵	۰/۰۸٦
۱۳۸۹	۱۱۷/۳۲	۰/۳۷۱	۱/۷۱	۰/۹۱٦	۲۰۰/٤۵	۰/۳٤۰	۲۸/۸۸	۰/۰۹۳	۱۲/۵۱	۰/۰۹۲

منبع: سایت سازمان خواربار و کشاورزی جهانی ملل متحد(http://fao.org)

براساس آمار سایت سازمان خواربار و کشاورزی، ایران اولین بار در سال ۱۳۸۱ صادرکنندهٔ کلزا شده و با آغاز برنامهٔ سوم توسعه نیز کلزا وارد سبد وارداتی کشور شده است، اما حجم صادرات نسبت به واردات همواره اندک بوده است. روند واردات کلزا (روغن) ایران بسیار پرنوسان بوده است، به طوری که پس از افزایش چشمگیر در سال‌های ۱۳۸۰ و ۱۳۸۱، در پایان برنامهٔ سوم به کمتر از هزارتن رسید. اما از سال ۱۳۸۶ به طور میانگین ۲۵ هزارتن کلزا در سال وارد شد که می‌توان آن را در نتیجهٔ تثبیت جایگاه روغن کلزا در سبد مصرف دانست. براساس جدول (۱-۸-۲-۵) بیشترین واردات کلزای ایران در سال ۱۳۸۱ بیش از ۶۱ هزارتن، برابر با ۱۴/۷ میلیون دلار بود که ۰/۴ درصد از ارزش واردات کلزای جهان را دربرمی‌گرفت. در نمودار (۱-۸-۲-۵) روند افزایشی سهم ایران از سطح زیرکشت و تولید جهان، با وجود کاهش واردات پس از یک دورهٔ کوتاه افزایش، نشان‌دهندهٔ تأمین تقاضای بازار

از تولید داخلی است و می‌توان علت واردات بیشتر محصول در سال‌های نخست را نیز ترویج مصرف روغن کلزا دانست.

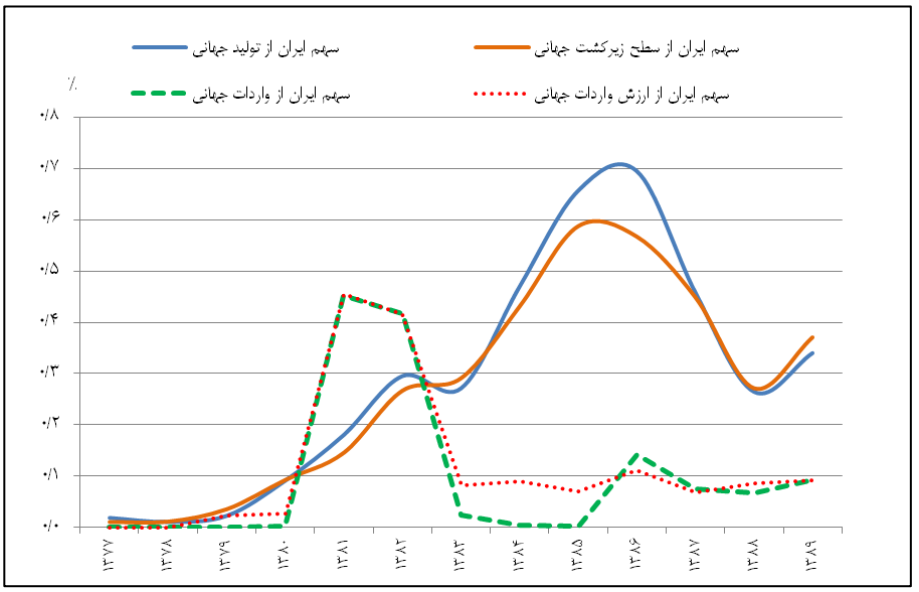

نمودار ۱-۸-۲-۵) سهم ایران از تولید، سطح زیرکشت، واردات و ارزش واردات جهانی کلزا طی دورهٔ ۸۹-۱۳۷۷

با توجه به توانایی نقش‌آفرینی کلزا در صنایع تبدیلی، تولیدات دامی، ایجاد ارزش افزوده، سیاست‌های حمایتی مختلف به منظور افزایش تولید و سطح زیرکشت این محصول اجرا شده است. کلزا نیز مانند دانه‌های روغنی دیگر، براساس قرارداد کشت بین شرکت توسعهٔ کشت دانه‌های روغنی و کشاورزان به منظور تأمین بخشی از روغن خوراکی مورد نیاز کشور تولید و با قیمت تضمینی توسط شرکت خریداری می‌شود و در اختیار کارخانه‌های روغن‌کشی قرارمی‌گیرد. از این رو بازار آن برای کشاورزان و کارخانه‌ها، به ترتیب در طرف تقاضا و عرضه انحصاری است، زیرا شرکت توسعهٔ کشت دانه‌های روغنی در یک سوی معامله با آنها قرار دارد. مقدار یارانه برای هر یک از دانه‌های روغنی براساس تفاوت قیمت تمام‌شدهٔ تولید (توسط شرکت سهامی دانه‌های روغنی ارائه می‌شود) با قیمت تضمینی مصوب تعیین و پس از

تصویب در شورای اقتصاد به شرکت پرداخت می‌شود (مؤسسهٔ پژوهش‌های برنامه‌ریزی و اقتصاد کشاورزی، ۱۳۸۴). دولت با توزیع امانی کیسه‌های جمع‌آوری دانه‌های روغنی، توزیع نهاده‌های تولید، یارانهٔ بیمهٔ محصولات کشاورزی، تسهیلات بانکی و کنترل قیمت‌های انرژی در دورهٔ مورد بررسی (۱۳۸۹-۱۳۷۷) از کلزا حمایت کرده است.

در ادامه، نتایج محاسبهٔ شاخص‌های حمایت از تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان کلزا (CSE٪، MPS ٪ ، PSE٪) براساس روش‌شناسی بیان‌شده در بخش سوم این پژوهش تجزیه و تحلیل می‌شود. همچنین، اثر سیاست‌های ارزی و انحراف نرخ ارز بر مقادیر حمایت از این محصول طی برنامه‌های سوم و چهارم توسعه بررسی و این آثار در برنامهٔ پنجم پیش‌بینی می‌شود. همچنین، از آنجا که از کارکردهای پژوهش‌های اقتصادی افزون بر تبیین و تحلیل وضعیت‌های گذشته و کنونی، پیش‌بینی آیندهٔ شاخص‌های اقتصادی برای برنامه‌ریزی است؛ از این رو با فرض ادامهٔ روند رشد تخصیص یارانه‌ها همانند برنامهٔ چهارم و سال ۱۳۸۹، و پیش‌بینی قیمت‌ها با استفاده از روش‌های درون‌یابی و میانگین متحرک[1] برای برنامهٔ پنجم انجام می‌پذیرد. برای محاسبهٔ میانگین رشد سالانهٔ برنامهٔ چهارم از رابطهٔ (۱-۸-۲-۵) استفاده می‌شود:

(۱-۸-۲-۵)

$$m = \frac{\sum_{t=1384}^{1389} \frac{(x_{t+1} - x_t)}{x_t}}{5}$$

که در آن، m میانگین رشد سالانهٔ متغیر x در برنامهٔ چهارم و t دورهٔ مورد نظر است. برای محاسبهٔ مقدار متغیر در هر سال m در مقدار آن متغیر در سال قبل ضرب

[1] Moving Average

می‌شود. برای پیش‌بینی قیمت‌ها و بعضی متغیرها نیز مناسب‌ترین فرم تابع روند سی سالهٔ متغیر برآورد و برای سال‌های بعد پیش‌بینی می‌شود. وابسته به نوع روند موجود در داده‌ها، در بعضی موارد از روش میانگین متحرک استفاده شده است که رابطهٔ (۲-۸-۲-۵) شکل کلی رابطهٔ آن را نشان می‌دهد:

(۲-۸-۲-۵)

$$x_{t+1} = \frac{\sum_{t-i}^{t} x_t}{i+1}$$

که در آن x متغیر مورد پیش‌بینی، t+۱ دورهٔ پیش‌بینی و i تعداد دوره‌های گذشتهٔ اثرگذار بر دورهٔ مورد پیش‌بینی است. از بین روش‌های مطرح شده، نتایج هر یک که دارای بیشترین تناسب با سری مورد پیش‌بینی و کمترین خطا بوده، مورد استفاده قرار گرفته است.

۱-۸-۲-۵ بررسی مقادیر حمایت بازاری از تولیدکنندگان کلزا طی برنامه‌های توسعه

شاخص حمایت از قیمت بازاری(MPS) نشان‌دهندهٔ انتقال از مصرف‌کنندگان، مالیات‌دهندگان و واردکنندگان به تولیدکنندگان بر اثر اجرای سیاست‌های مؤثر بر قیمت- در ایران قیمت تضمینی- و سیاست‌های ارزی است که براساس روش‌شناسی فصل سوم به شکل ارزش پولی و درصدی محاسبه می‌شود. شاخص درصدی حمایت از قیمت بازاری نسبت تفاوت قیمت دریافتی تولیدکنندگان داخلی را با قیمت جهانی تعدیل شده با نرخ ارز حقیقی یا تعادلی به قیمت جهانی نشان می‌دهد. اگر قیمت جهانی با نرخ ارز حقیقی تعدیل شود، اثر مستقیم و اگر با نرخ ارز تعادلی تعدیل

شود، اثر کل محاسبه می‌شود. تفاضل این دو اثر نشان‌دهندهٔ برایند سیاست‌های ارزی است که اثرغیرمستقیم نامیده می‌شود.

نتایج محاسبات حمایت از قیمت بازاری، به قیمت‌های ثابت طی برنامه‌های سوم و چهارم توسعه و پیش‌بینی برنامهٔ پنجم برای محصول کلزا در جدول (۲-۸-۲-۵) ارائه شده است.

براساس نتایج جدول (۲-۸-۲-۵) انحراف نرخ ارز که از نسبت تفاوت نرخ حقیقی ارز و نرخ تعادلی آن نسبت به نرخ تعادلی ارز محاسبه می‌شود، در دوره‌های مختلف متفاوت بوده است. برای محاسبهٔ نرخ حقیقی ارز، نرخ ارز اسمی(بازاری) در نسبت متوسط موزون شاخص سطح عمومی قیمت‌های مهم‌ترین شرکای تجاری ایران به سطح عمومی قیمت‌های ایران ضرب می‌شود. نرخ تعادلی با استفاده از الگوی اقتصادسنجی تصحیح خطا، تابعی از متغیرهای بنیادین اقتصاد شامل رابطهٔ مبادله، قیمت جهانی طلا، درجهٔ باز بودن اقتصاد، درآمد نفتی کشور، بهره‌وری کل اقتصاد، نسبت نرخ بهرهٔ جهانی به نرخ بهره در ایران است که نرخ ارز ایران را در شرایط تعادل بلندمدت اقتصاد نشان می‌دهد. در سال‌های پایانی برنامهٔ دوم انحراف نرخ ارز حقیقی از مقدار تعادلی بلندمدت اقتصاد مثبت بود. در برنامهٔ سوم توسعه به منظور تشویق صادرات، سیاست بیش‌برآورد ارزش ریال دنبال شد، یعنی نرخ ارز تعادلی کمتر از نرخ حقیقی آن بود و نرخ ارز سالیانه شیب افزایشی ملایمی داشت. در برنامهٔ چهارم نیز روند کاهش ارزش پول ملی ادامه داشت، اما رشد نرخ ارز تعادلی بیش از نرخ حقیقی آن بود. بنابراین سیاست‌های ارزی برنامهٔ چهارم موجب کم‌برآورد ارزش ریال شد.

جدول ۲-۸-۲-۵) شاخص‌های حمایت بازاری(MPS) از تولیدکنندگان کلزا

برنامه های توسعه	درصد انحراف نرخ ارز	سال	ارزش اثرمستقیم به قیمت ثابت سال ۱۳۸٤ (میلیارد ریال)	ارزش اثر کل به قیمت ثابت سال ۱۳۸٤ (میلیارد ریال)	%MPS اثر مستقیم	%MPS اثر غیرمستقیم	%MPS اثر کل
برنامهٔ دوم توسعهٔ اقتصادی و اجتماعی	۳۳/۱۵	۱۳۷۷	-۲٤	-۹	-۳۹/۹٦	۱۹/۲٦	-۲۰/۷۰
	۲۹/۱۰	۱۳۷۸	-۲٤	-۱٤	-٥٤/٤۲	۱۲/۹۰	-٤۱/٥۲
	۲/٦٤	میانگین	-۲٤	-۱۲	-٤۷	۱٦	-۳۱
برنامهٔ سوم توسعهٔ اقتصادی و اجتماعی	۱٦/۹٦	۱۳۷۹	-۳٦	-۲٦	-٥۱/۲۰	۸/۰٤	-٤۳/۱٦
	۱٦/٥٤	۱۳۸۰	-٦۷	-٤۲	-۳٦/٦۷	۱۰/۰٦	-۲٦/٦۱
	۱۲/۹۹	۱۳۸۱	-۷۸	-٤۳	-۲٤/۹۳	۹/۳۳	-۱٥/٦۰
	۳/۸٥	۱۳۸۲	-۱۷۱	-۱٥۱	-۲۹/۹٥	۲/٥۸	-۲۷/۳۸
	-۲/۷۹	۱۳۸۳	-۲٥٦	-۲۷٥	-۳٦/٥۱	-۱/۷۰	-۳۸/۲۱
	۹/٥۱	میانگین	-۱۲۲	-۱۰۸	-۳٥/۸٥	٥/٦٦	-۳۰/۱۹
برنامهٔ چهارم توسعهٔ اقتصادی و اجتماعی	-٦/۱۸	۱۳۸٤	-٥۰۳	-٥۸٦	-۳۸/٥۲	-۳/٦٦	-٤۲/۱۸
	-۱۰/۷۰	۱۳۸٥	-۷۰۳	-۹۰٤	-٤۰/۲۸	-٦/۱۹	-٤٦/٤۷
	-۱۳/۰۹	۱۳۸٦	-۱٥۲	-۳۱٤	-۱۳/۰۹	-۱۰/۷۲	-۲۳/۸۱
	-۷/۷٤	۱۳۸۷	-۲۹۱	-۳٦٥	-۳۱/۲۱	-٥/۰٦	-۳٦/۲۷
	-۳/۳۲	۱۳۸۸	۱٦۲	۱٥۰	٤۲/۳۳	-٤/٤۰	۳۷/۹۳
	-۱۷/٤٥	۱۳۸۹	۷۰	-۳۹	۱۲/۷۲	-۱۸/٥۹	-٥/۸۸
	-۹/۷٥	میانگین	-۲۳٦	-۳٤۳	-۱۱/۳٤	-۸/۱۱	-۱۹/٤٥
پیش بینی برنامهٔ پنجم توسعهٔ اقتصادی و اجتماعی	-۱۹/۲۲	۱۳۹۰	-۱۲	-۱٤۹	-۱/۹۳	-۱۷/٦۳	-۱۹/٥٦
	-۲۱/۱٤	۱۳۹۱	-۱۸٦	-۳۹۸	-۲۲/۱۸	-۱٥/۷۰	-۳۷/۸۸
	-۲۳/۰۷	۱۳۹۲	-٤۳	-۲۸۰	-٥/۱۷	-۲۰/۹۳	-۲٦/۱۰
	-۲٤/۹۸	۱۳۹۳	-۱۲۲	-٤۰۰	-۱۳/۸۹	-۲۰/٦٥	-۳٤/٥٤
	-۲۲/۰۹	۱۳۹٤	-۱۹۷	-٤٦٦	-۱۹/۸۱	-۱۷/۰۷	-۳٦/۸۹
	-۲۲/۱۰	میانگین	-۱۱۲	-۳۳۸	-۱۲/٦۰	-۱۸/٤۰	-۳۰/۹۹

منبع: یافته‌های پژوهش

براساس نتایج اثرمستقیم - بر حسب قیمت‌های ثابت سال پایهٔ ۱۳۸۴- مقدار مطلق حمایت بازاری از تولیدکنندگان کلزا با افزایش سطح زیرکشت افزایش پیدا کرده است، اما به جز سال‌های ۸۹-۱۳۸۸، همیشه منفی بوده است. یعنی در همهٔ سال‌ها، قیمت دریافتی تولیدکنندگان کلزا کمتر از قیمت جهانی تعدیل‌شده با نرخ حقیقی ارز بوده است. در سال ۱۳۸۸ قیمت تضمینی براساس قیمت جهانی سال

۲۰۰۸ و تحت تأثیر بحران افزایش قیمت محصولات کشاورزی، تصویب شد، اما با کاهش قیمت جهانی، تولیدکنندگان داخلی ۱۶۲ میلیارد ریال به قیمت‌های ثابت سال ۱۳۸۴ حمایت شدند. با فروض بیان شده، در برنامهٔ پنجم نیز در مقایسه با قیمت‌های جهانی، پرداختی به تولیدکنندگان کلزا صورت نمی‌پذیرد و اگر دولت اجازهٔ فروش کلزای داخلی را در بازارهای جهانی ندهد، تولیدکنندگان کلزا درآمد کمتری خواهند داشت و ناگزیر از پرداخت مالیات پنهان خواهند بود. از آنجا که براساس آمار منتشرشدهٔ مرکز آمار ایران، قیمت داخلی در همهٔ سال‌های مورد بررسی این پژوهش روندی افزایشی داشته است، نوسان شاخص حمایت از قیمت بازاری برآمده از نوسان نرخ ارز، قیمت جهانی و بیش از همه، مقادیر تولید و مصرف کلزاست. تداوم حمایت نشدن تولیدکنندگان کلزا، موجب توقف رشد تولید داخلی کلزا و تضعیف صنایع تبدیلی بالادستی آن می‌شود. این تفاوت قیمت داخلی و جهانی کلزا به نفع بازار جهانی، از قدرت رقابت‌پذیری تولیدکنندگان ایرانی این محصول در بازارهای جهانی می‌کاهد.

حمایت قیمتی کل با نرخ ارز تعادلی، تنها در سال ۱۳۸۸ مثبت و در سال‌های دیگر دریافتی کلزاکاران در داخل، نسبت به قیمت جهانی تعدیل‌شده با نرخ ارز تعادلی و هزینه‌های حمل‌ونقل، کمتر بود. پیش‌بینی می‌شود دریافت مالیات پنهان در برنامهٔ پنجم نیز ادامه داشته باشد. در برنامهٔ سوم، انتقال از مصرف‌کنندگان و واردکنندگان به تولیدکنندگان کلزا با نرخ ارز تعادلی به طور میانگین، ۱۰۸- میلیارد ریال به قیمت ثابت سال ۱۳۸۴ محاسبه شد. به دلیل کم‌برآورد ارزش حقیقی ریال نسبت به ارزش تعادلی آن در برنامه‌های چهارم و پنجم توسعه زیان کلزاکاران در بازار این محصول در صورت اعمال نرخ تعادلی ارز بیشتر است. با توجه به روند اثر مستقیم و اثرکل می‌توان چنین نتیجه گرفت، روند افزایشی سطح زیرکشت، با وجود

حمایت بازاری منفی از تولیدکنندگان کلزا، وجود زمینهٔ توسعهٔ گستردهٔ تولید این محصول را در پی اجرای سیاست‌های حمایت‌کننده نشان می‌دهد.

حمایت درصدی از قیمت بازاری (MPS٪) بر مبنای نرخ حقیقی ارز (اثر مستقیم) در بیشتر سال‌های بررسی‌شده منفی بوده است که نشان می‌دهد قیمت داخلی محصول از قیمت جهانی تعدیل‌شده با نرخ ارز حقیقی، کمتر بوده است. این اثر از ۳۰- درصد در برنامهٔ سوم به ۱۱/۴- درصد در برنامهٔ چهارم رسید و در برنامهٔ پنجم ۱۲/۶- درصد خواهد بود که بیانگر ادامهٔ سیاست حمایت نکردن از کشاورزان و کارا نبودن قیمت تضمینی در تشویق کشاورزان به کشت کلزاست.

بررسی اثرکل حمایت از قیمت بازاری نیز روندی مشابه اثرمستقیم و مقدار ارزشی خود را نشان می‌دهد. به طوری که تعدیل قیمت جهانی با نرخ ارز تعادلی به طور میانگین در دورهٔ ۱۳۸۹-۱۳۷۷ بیانگر ۲۵/۳- درصد حمایت منفی از تولیدکنندگان است. یعنی اگر نرخ ارز تعادلی برقرار بود، سیاست‌های بخشی قیمتی و ارزی به گونه‌ای می‌شد که تولیدکنندگان در مقابل رقبای خارجی خود، نه تنها حمایت نمی‌شدند، بلکه مالیات نیز بر آنان تحمیل می‌شد که این در کاهش قدرت رقابت‌پذیری تولیدکنندگان کلزای ایرانی مؤثر است و آنان یک چهارم از درآمد خود در بازار جهانی را به شکل مالیات پنهان از دست می‌دهند.

اثرغیرمستقیم که تفاضل اثرکل و اثرمستقیم است، نشان می‌دهد سیاست‌های ارزی تا چه اندازه تقویت‌کنندهٔ سیاست‌های بخشی در زمینهٔ قیمت محصول هستند. در سال‌هایی که نرخ حقیقی ارز بیش از نرخ ارز تعادلی است، حمایت قیمتی از تولیدکنندگان در پی اجرای سیاست ارزی مثبت است و برعکس. یادآوری می‌شود، انحراف نرخ ارز نسبت فاصلهٔ نرخ ارز حقیقی از تعادلی به نرخ ارز تعادلی است که به شکل درصدی بیان می‌شود. براساس جدول (۲-۸-۲-۵) در سال‌های نخست بررسی، انحراف مثبت نرخ ارز تا سال ۱۳۸۲ حمایت‌کنندهٔ کشاورزان بود. یعنی سیاست‌های

ارزی با وجود توانایی نداشتن در خنثی‌سازی اثر منفی سیاست‌های بخشی تقویت‌کنندهٔ آنها بود، اما در برنامهٔ چهارم توسعه سیاست‌های ارزی به گونه‌ای بود که این سیاست‌ها همسو با سیاست‌های بخشی تضعیف‌کنندهٔ قدرت رقابت‌پذیری کلزاکاران در بازار بودند. به طوری که با کم‌برآورد ۹/۷ درصدی ارزش ریال حقیقی کشاورزان ۸/۱ درصد کمتر از رقبای جهانی درآمد به دست آوردند. مقایسهٔ مقادیر مطلق اثر غیرمستقیم و اثر مستقیم در MPS٪ نشان می‌دهد، همانند دیگر محصولات، در بیشتر سال‌ها اثرمستقیم بیش از اثر غیرمستقیم بوده است که بیانگر نقش مهم‌تر سیاست‌های خاص بخش کشاورزی در چگونگی حمایت از تولیدکنندگان کلزا در مقایسه با سیاست‌های ارزی است. انتظار می‌رود در سال‌های برنامهٔ پنجم توسعه نیز با میانگین ۱۴/۵- درصد، سیاست‌های ارزی با تقویت سیاست‌های بخشی در جهت تضعیف قدرت رقابت‌پذیری کلزاکاران عمل کنند.

۲-۸-۲-۵ بررسی مقادیر حمایت کل از تولیدکنندگان کلزا طی برنامه‌های توسعه

براساس آنچه در فصل‌های پیشین بیان شد، حمایت از تولیدکنندگان، حمایت‌های بازاری(MPS) و پرداخت‌های بودجه‌ای(BP) را در برمی‌گیرد که در بخش قبل حمایت‌های بازاری از محصول کلزا تحلیل شد. پرداخت‌های بودجه‌ای اجراشده در ایران برای تولید کلزا، یارانهٔ پرداختی به نهاده‌های کشاورزی (یارانهٔ کود شیمیایی، سموم و علف‌کش)، یارانهٔ انرژی (برق و سوخت ماشین‌آلات کشاورزی)، بیمهٔ محصولات و یارانهٔ تسهیلات را که برای همهٔ محصولات مشترک است، در برمی‌گیرد. افزون بر این، کیسه‌های مخصوص برداشت دانه‌های روغنی نیز به صورت امانی در اختیار کلزاکاران قرار داده می‌شود که اجرای چنین سیاست‌هایی، با کاهش هزینهٔ تولید کشاورزان از آنان حمایت می‌کند. پرداخت‌های بودجه‌ای در ایران کمتر

به شکل پرداخت مستقیم یارانه است و به طور معمول به شکل سیاست‌های قیمتی و توزیع نهادهٔ ارزان‌قیمت انجام می‌پذیرد. از این رو بخش عمدهٔ حمایت بودجه‌ای از تولیدکنندگان ایرانی را حمایت‌های قیمتی در بازار نهاده در برمی‌گیرد که نرخ ارز در آن نقش چشمگیری دارد. یارانهٔ پرداختی به نهاده‌های انواع کود شیمیایی و علف‌کش براساس تفاوت قیمت داخلی و خارجی، مقدار مصرف نهاده برای محصول دیم و آبی و سطح زیرکشت با رابطهٔ زیر محاسبه می‌شود:

$$(p_w - p_d)\times Q\times A$$

که در آن p_d و p_w به ترتیب قیمت داخلی و قیمت خارجی تعدیل‌شده با نرخ ارز حقیقی یا تعادلی با افزودن هزینهٔ حمل و نقل نهاده‌ها، Q مقدار مصرف نهاده در هکتار بر حسب کیلوگرم و A سطح زیرکشت بر حسب هکتار است. یارانهٔ انرژی نیز براساس رابطهٔ بالا محاسبه می‌شود، با این تفاوت که به جز انرژی مصرفی برای ماشین‌آلات، باید مقدار مصرف انرژی فسیلی(نفت گاز) و برق مورد نیاز استحصال آب زیرزمینی محاسبه شود که با توجه به کمبود اطلاعات در دسترس، فرایند پیچیده‌ای برای محاسبهٔ آن دنبال شد. تسهیلات اعطایی بانک‌ها نیز تا پیش از سال ۱۳۸۴ و یکسان‌سازی نرخ سود تسهیلات بخش‌های مختلف اقتصاد، به صورت تسهیلات ارزان‌قیمت به کشاورزان پرداخت می‌شد که در محاسبات از تفاوت نرخ سود بخش کشاورزی و میانگین وزنی نرخ سود دیگر بخش‌های اقتصادی استفاده شده است.

نتایج محاسبهٔ این پرداخت‌ها با توجه به آنچه در بخش‌های پیشین بیان شد، در جدول (۳-۸-۲-۵) آمده است. براساس آن در پی توسعهٔ سطح زیرکشت کلزا، حمایت‌های بودجه‌ای در قیمت‌های ثابت سال ۱۳۸۴ از ۱/۸۳ میلیارد ریال در سال ۱۳۷۷، به ۱۴۴ میلیارد ریال در پایان برنامهٔ چهارم افزایش پیدا کرد. نهاده‌های انواع کود شیمیایی و سم و انرژی بیشترین سهم حمایت‌های بودجه‌ای را شامل می‌شوند.

در سال‌های آغازین کشت کلزا تا پایان برنامهٔ سوم توسعه، سهم این دو گروه پرداخت‌ها تقریبا برابر بود، اما در سال‌های بعد، با افزایش انحراف قیمت سوخت داخلی از قیمت جهانی و افزایش استفاده از آب‌های زیرزمینی و توسعهٔ ماشین‌آلات، سهم یارانهٔ انرژی بیشتر شد و به طور میانگین به ۵۶ درصد در برنامهٔ چهارم رسید، در حالی که سهم نهاده‌های انواع کود و سموم شیمیایی مانند برنامهٔ سوم ۳۴/۴ درصد بود. در برنامهٔ سوم توسعه به دلیل سهم زیاد حمایت بیمه‌ای از کلزا مجموع سهم کودهای و سموم شیمیایی و انرژی حدود ۷۰ درصد بود. مقدار حمایت دولت از بیمهٔ کلزا در برنامهٔ سوم متناسب با توسعهٔ کشت آن افزایش پیدا کرد و بیشترین مقدار آن در سال ۱۳۸۴ برابر با ۲۵/۵ میلیارد ریال ـــــ به قیمت‌های ثابت سال ۱۳۸۴ـــ بود. با وجود نوسان و پیروی نکردن حمایت بیمه‌ای از راهبردی مشخص در برنامهٔ چهارم توسعه، پیش‌بینی می‌شود در برنامهٔ پنجم حمایت بیمه‌ای دولت از این محصول ۵/۷ میلیارد ریال به قیمت ثابت سال ۱۳۸۴ باشد. یارانه به شکل تسهیلات بانکی در حقیقت، تنها در سال‌های نخستین کشت کلزا تا آغاز برنامهٔ چهارم توسعه پرداخت شد. زیرا در برنامهٔ چهارم به منظور هدایت سرمایه به بخش‌های پربازده، با کاهش تفاوت نرخ سود تسهیلات بانکی بخش‌های اقتصادی، از کلزاکاران از راه پرداخت تسهیلات بانکی در مقایسه با دیگر بخش‌های اقتصادی حمایتی صورت نپذیرفت. بیشترین یارانهٔ تسهیلات بانکی در سال ۱۳۸۳ برابر با ۴/۲۸ میلیارد ریال به قیمت ثابت سال ۱۳۸۴ پرداخت شد.

جدول ۳-۸-۲-۵) حمایت بودجه‌ای از تولیدکنندگان کلزا در نرخ حقیقی ارز (میلیارد ریال- ثابت سال ۱۳۸۴)

برنامه های توسعه	سال	نهاده های کود و سم	انرژی	بیمه	تسهیلات بانکی	کل حمایت بودجه ای	سهم نهاده های کود و سم(٪)	سهم انرژی(٪)
برنامهٔ دوم توسعهٔ اقتصادی و	۱۳۷۷	۰/۹۳	۰/۷۱	۰/۰۰	۰/۰۹	۱/۸۳	۵۱/۱۱	۳۸/۷۰
	۱۳۷۸	۱/۶۹	۱/۰۱	۰/۰۰	۰/۱۳	۲/۹۶	۵۷/۲۳	۳۳/۹۸
	میانگین	۱/۳۱	۰/۸۶	۰/۰۰	۰/۱۱	۲/۳۹	۵۴/۱۷	۳۶/۳۴
برنامهٔ سوم توسعهٔ اقتصادی و اجتماعی	۱۳۷۹	۴/۷۲	۲/۳۳	۰/۳۰	۰/۵۵	۸/۴۴	۵۵/۹۱	۲۷/۶۰
	۱۳۸۰	۸/۴۵	۵/۷۹	۳/۲۹	۱/۱۸	۱۹/۹۰	۴۲/۴۶	۲۹/۱۱
	۱۳۸۱	۱۲/۲۶	۱۲/۸۰	۶/۸۹	۱/۸۲	۳۵/۵۸	۳۴/۴۴	۳۵/۹۶
	۱۳۸۲	۲۰/۹۲	۲۵/۷۱	۱۱/۴۲	۳/۹۲	۶۵/۸۸	۳۱/۷۶	۳۹/۰۳
	۱۳۸۳	۳۱/۰۷	۳۸/۶۰	۱۶/۰۱	۴/۲۸	۹۴/۲۴	۳۲/۹۷	۴۰/۹۶
	میانگین	۱۵/۴۸	۱۷/۰۵	۷/۵۸	۲/۳۵	۴۴/۸۱	۳۹/۵۱	۳۴/۵۳
برنامهٔ چهارم توسعهٔ اقتصادی و اجتماعی	۱۳۸۴	۴۵/۸۲	۹۲/۱۷	۲۵/۵۹	۰/۰۰	۱۶۳/۵۷	۲۸/۰۱	۵۶/۳۵
	۱۳۸۵	۶۵/۳۶	۱۲۸/۱۱	۲۱/۹۷	۰/۰۰	۲۱۵/۴۴	۳۰/۳۴	۵۹/۴۷
	۱۳۸۶	۶۱/۵۹	۱۷۲/۹۸	۱۸/۲۴	۰/۰۰	۲۵۲/۸۱	۲۴/۳۶	۶۸/۴۲
	۱۳۸۷	۹۰/۳۱	۹۵/۳۴	۷/۵۲	۰/۰۰	۱۹۳/۱۷	۴۶/۷۵	۴۹/۳۶
	۱۳۸۸	۳۶/۲۵	۵۵/۵۵	۸/۹۳	۰/۰۰	۱۰۰/۷۲	۳۵/۹۹	۵۵/۱۵
	۱۳۸۹	۵۹/۸۱	۷۶/۲۱	۸/۱۹	۰/۰۰	۱۴۴/۲۲	۴۱/۴۷	۵۲/۸۵
	میانگین	۵۹/۸۶	۱۰۳/۳۹	۱۵/۰۷	۰/۰۰	۱۷۸/۳۲	۳۴/۴۹	۵۶/۹۳
پیش بینی برنامهٔ پنجم توسعهٔ اقتصادی و اجتماعی	۱۳۹۰	۸۲/۳۹	۸۱/۵۳	۷/۶۱	۰/۰۰	۱۷۱/۵۲	۴۸/۰۳	۴۷/۵۳
	۱۳۹۱	۱۲۱/۴۵	۱۱۵/۷۳	۶/۳۴	۰/۰۰	۲۴۳/۵۱	۴۹/۸۷	۴۷/۵۳
	۱۳۹۲	۱۴۴/۹۳	۱۳۲/۱۱	۵/۳۰	۰/۰۰	۲۸۲/۳۴	۵۱/۳۳	۴۶/۷۹
	۱۳۹۳	۱۷۳/۰۱	۱۵۲/۷۰	۵/۰۱	۰/۰۰	۳۳۰/۷۲	۵۲/۳۱	۴۶/۱۷
	۱۳۹۴	۲۱۹/۵۴	۱۸۸/۲۰	۴/۵۷	۰/۰۰	۴۱۲/۳۱	۵۳/۲۵	۴۵/۶۵
	میانگین	۱۴۸/۲۶	۱۳۴/۰۵	۵/۷۶	۰/۰۰	۲۸۸/۰۸	۵۰/۹۶	۴۶/۷۳

منبع: یافته‌های پژوهش

همان‌طور که در نمودار (۲-۸-۲-۵) مشاهده می‌شود، پرداخت‌های بودجه‌ای در قیمت‌های جاری در برنامهٔ سوم با وجود رشد سطح زیرکشت، رشد ملایمی داشت. اما در برنامهٔ چهارم تا سال ۱۳۸۷ در پی کاهش ارزش پول ملی و افزایش تفاوت قیمت داخلی و خارجی سوخت و نهاده‌های کشاورزی، حمایت بودجه‌ای از کلزاکاران رشد فزاینده داشت.

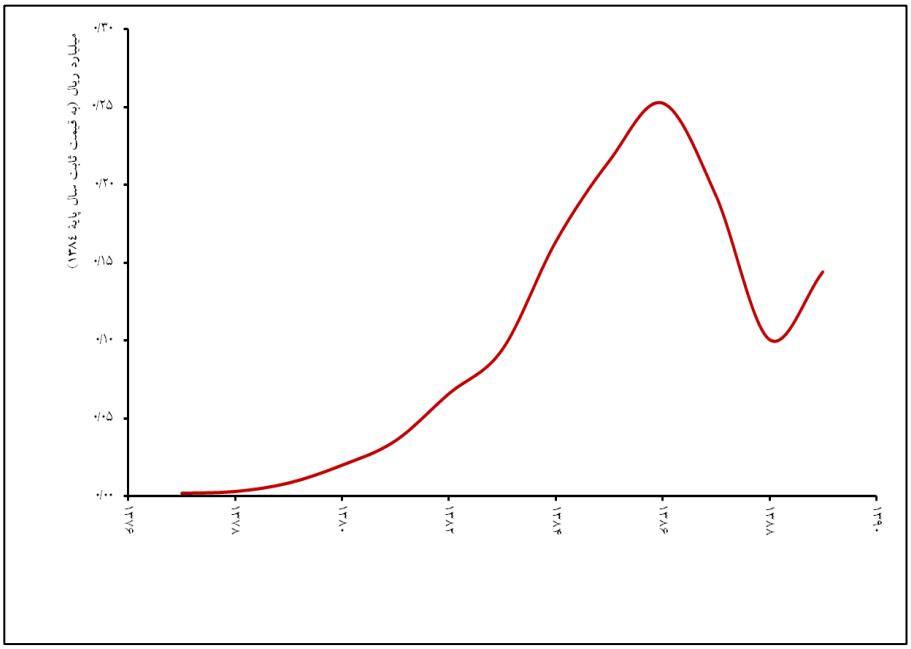

نمودار ۲-۸-۲-۵) نمودار روند پرداخت‌های بودجه‌ای دولت‌ها طی برنامه‌های مختلف توسعه

در سال‌های ۸۸-۱۳۸۷ به دلیل کاهش سطح زیرکشت کلزا براساس جدول (۱-۸-۲-۵)، هزینهٔ حمایت‌های بودجه‌ای دولت کاهش چشمگیری پیدا کرد، اما پس از آن در سال ۱۳۸۹ افزایش یافت. کاهش سطح زیرکشت را می‌توان واکنشی به تداوم سیاست‌های قیمتی به زیان تولیدکنندگان ارزیابی کرد. پس از بررسی اجزای حمایت از تولیدکننده، یعنی حمایت قیمتی و پرداخت‌های بودجه‌ای، در جدول (۴-۸-۲-۵) نتایج محاسبهٔ شاخص‌های حمایت از تولیدکننده آمده است. در این جدول نیز مانند

جدول (۲-۸-۲-۵) انحراف نرخ ارز حقیقی از تعادلی در کنار شاخص‌های حمایت از تولیدکنندگان (PSE) در برنامه‌های توسعهٔ ایران بررسی می‌شود. میانگین انحراف نرخ ارز در برنامه‌های دوم و سوم توسعه مثبت بوده است و بیش‌برآورد ارزش حقیقی ریال نسبت به ارزش تعادلی آن را نشان می‌دهد و در برنامهٔ چهارم توسعه نرخ تعادلی ارز از مقدار حقیقی آن بیشتر بوده است که نشان می‌دهد متغیرهای بنیادین اقتصاد ایران در این دوره موجب کاهش بیشتر ارزش پول ملی شده‌اند.

یکی از اهداف این پژوهش، بررسی اثر سیاست‌های ارزی و انحراف نرخ ارز بر مقادیر شاخص‌های حمایت از تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان (٪PSE، ٪MPS و ٪CSE) است که اثرهای مستقیم، کل و غیرمستقیم محاسبه می‌شود. اثرمستقیم که در آن قیمت‌های جهانی مورد استفاده در محاسبه‌ها با نرخ ارز حقیقی تعدیل می‌شود، بیانگر وضعیت موجود حمایت از تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان کلزا بر اثر سیاست‌های در حال اجرای بخش کشاورزی و ارزی است. اثر کل، حمایت از آنان را در شرایط اعمال نرخ ارز تعادلی برآمده از متغیرهای کلان اقتصادی در بلندمدت نشان می‌دهد. اثرغیرمستقیم که حاصل تفاضل اثرکل و اثرمستقیم است، نشان‌دهندهٔ اثر سیاست‌های ارزی در چگونگی رقابت‌پذیری بلندمدت کلزاکاران نسبت به رقبای جهانی است. اگر این شاخص منفی باشد، یعنی سیاست‌های ارزی سطح رقابت‌پذیری بلندمدت کلزاکاران ایرانی را کاهش داده است و برعکس.

شاخص برآورد حمایت از تولیدکننده (PSE) که مجموع حمایت از قیمت بازاری(MPS) و حمایت‌های بودجه‌ای(BP) را نشان می‌دهد، بیان می‌کند سیاست‌های دولت دربارهٔ محصول کلزا در سال‌های نخست دورهٔ بررسی این پژوهش، حمایت‌کنندهٔ تولیدکنندگان نبوده است. براساس قیمت‌های ثابت سال ۱۳۸۴، مقدار حمایت‌ها از ۲۱- میلیارد ریال در دو سال پایانی برنامهٔ دوم توسعه به ۵۸- میلیارد

ریال در برنامهٔ چهارم کاهش یافته است که نشان می‌دهد، در پی اجرای سیاست‌های بخشی، کشاورزان کمتر از درآمد مورد انتظار در شرایط رقابت در بازار جهانی، دریافت کرده‌اند. شایان ذکر است، با وجود منفی بودن میانگین حمایت‌ها در برنامهٔ چهارم، در سال‌های ۱۳۸۶ و ۱۳۸۸ و سال بدون برنامهٔ ۱۳۸۹ حمایت از آنان مثبت بوده است که بازتاب‌دهندهٔ نقش پرداخت‌های بودجه‌ای در خنثی کردن اثر منفی سیاست‌های قیمتی و کاهش فاصلهٔ قیمت داخلی با قیمت جهانی در این سال‌هاست. چنانچه روند حمایت‌های دو سال پایانی قبل از برنامهٔ پنجم ادامه یابد، پیش‌بینی می‌شود کلزاکاران در برنامهٔ پنجم توسعه حمایت شوند. مقایسهٔ نتایج جدول‌های (۴-۸-۲-۵)، (۳-۸-۲-۵) و (۲-۸-۲-۵) نشان می‌دهد در سال‌هایی که حمایت از تولیدکنندگان کلزا مثبت است، سهم حمایت‌های بودجه‌ای در کل حمایت از تولیدکننده بیشتر از حمایت‌های قیمتی بوده است. زیرا با افزایش تفاوت قیمت سوخت در داخل کشور با رشد قیمت جهانی، سهم حمایت‌های بودجه‌ای نسبت به حمایت قیمتی بیشتر شده است، یعنی تولیدکنندگان بیشتر حمایت‌های بودجه‌ای دریافت کرده‌اند. اما در بیشتر سال‌ها با وجود رشد حمایت‌های بودجه‌ای حمایت کل از تولیدکننده (PSE) هم‌علامت با حمایت‌های قیمتی، منفی بوده است که لزوم توجه بیشتر سیاست‌گذاران به ترکیب سیاست‌های قیمتی و بودجه‌ای را آشکار می‌کند.

جدول ۴-۸-۲-۵ شاخص‌های حمایت از تولیدکنندگان کلزا

برنامه های توسعه	درصد انحراف نرخ ارز	سال	ارزش اثرمستقیم به قیمت ثابت سال ۱۳۸٤ (میلیارد ریال)	ارزش اثر کل به قیمت ثابت سال ۱۳۸٤ (میلیارد ریال)	%PSE اثر مستقیم	%PSE اثر غیرمستقیم	%PSE اثر کل
برنامهٔ دوم توسعهٔ اقتصادی و اجتماعی	۳۳/۱۵	۱۳۷۷	-۲۲	-۸	-۳٦/۸٦	۱۹/۰۸	-۱۷/۷۸
	۲۹/۱۰	۱۳۷۸	-۲۱	-۱۲	-٤۷/٦۵	۱۲/٤٦	-۳۵/۱۹
	۲/٦٤	میانگین	-۲۱	-۱۰	-٤۲	۱٦	-۲٦
برنامهٔ سوم توسعهٔ اقتصادی و اجتماعی	۱٦/۹٦	۱۳۷۹	-۲۸	-۲۰	-۳۹/۳٦	۷/٤۲	-۳۱/۹٤
	۱٦/۵٤	۱۳۸۰	-٤۷	-۲۵	-۲۵/۸۱	۹/۷۸	-۱٦/۰٤
	۱۲/۹۹	۱۳۸۱	-٤۲	-۱۳	-۱۳/۵٦	۹/۰۰	-٤/۵٦
	۳/۸۵	۱۳۸۲	-۱۰۵	-۹۰	-۱۸/٤۰	۲/۰۰	-۱٦/٤۰
	-۲/۷۹	۱۳۸۳	-۱٦۲	-۱۸۵	-۲۳/۰٦	-۲/٦۰	-۲۵/٦٦
	۹/۵۱	میانگین	-۷۷	-٦۷	-۲٤/۰٤	۵/۱۲	-۱۸/۹۲
برنامهٔ چهارم توسعهٔ اقتصادی و اجتماعی	-٦/۱۸	۱۳۸٤	-۳۳۹	-٤۲۵	-۲۵/۹۹	-٤/٦۵	-۳۰/٦٤
	-۱۰/۷۰	۱۳۸۵	-٤۸۷	-٦۸٦	-۲۷/۹۳	-۷/۳۰	-۳۵/۲۳
	-۱۳/۰۹	۱۳۸٦	۱۰۱	-۵۵	۸/۷٤	-۱۲/۹۳	-٤/۱۹
	-۷/۷٤	۱۳۸۷	-۹۸	-۱۷۵	-۱۰/۵۰	-٦/۸٤	-۱۷/۳٤
	-۳/۳۲	۱۳۸۸	۲٦۲	۲٤٤	٦۸/٦۸	-٦/۸۵	٦۱/۸۳
	-۱۷/٤۵	۱۳۸۹	۲۱۵	۱۲۱	۳۸/۸۱	-۲۰/۵۵	۱۸/۲٦
	-۹/۷۵	میانگین	-۵۸	-۱٦۳	۸/٦٤	-۹/۸۵	-۱/۲۲
پیش بینی برنامهٔ پنجم توسعهٔ اقتصادی و اجتماعی	-۱۹/۲۲	۱۳۹۰	۱٦۰	۵۰	۲۵/٦۱	-۱۹/۰۷	٦/۵٤
	-۲۱/۱٤	۱۳۹۱	۵۸	-۱۰۸	٦/۸۸	-۱۷/۲۰	-۱۰/۳۲
	-۲۳/۰۷	۱۳۹۲	۲۳۹	٦۵	۲۸/٦٤	-۲۲/۵٤	٦/۱۰
	-۲٤/۹۸	۱۳۹۳	۲۰۸	۱٦	۲۳/٦۵	-۲۲/۳۰	۱/۳٤
	-۲۲/۰۹	۱۳۹٤	۲۱۵	۳٦	۲۱/٦۹	-۱۸/۸۸	۲/۸۲
	-۲۲/۱۰	میانگین	۱۷٦	۱۲	۲۱/۲۹	-۲۰/۰۰	۱/۳۰

منبع: یافته‌های پژوهش

در جدول (۴-۸-۲-۵) شاخص حمایت از تولیدکنندگان براساس نرخ ارز تعادلی(اثرکل) در همهٔ سال‌ها، به جز ۱۳۸۸ و ۱۳۸۹ منفی بوده و حمایت‌های بودجه‌ای، جبران‌کنندهٔ اثر منفی حمایت قیمتی نبوده است. در سال ۱۳۸۸ با افزایش قیمت خرید تضمینی در پی رشد بی‌سابقهٔ قیمت‌های جهانی در سال ۲۰۰۸، کلزاکاران در بازار داخلی حمایت شدند که می‌توان افزایش سطح زیرکشت در سال ۱۳۸۹ را پس از دو سال کاهش، نتیجهٔ این سیاست قیمتی دانست. پیش‌بینی می‌شود تولیدکنندگان با اعمال نرخ ارز تعادلی، در برنامهٔ پنجم حمایت شوند و

کلزاکاران به طور میانگین ۱۲ میلیارد ریال به قیمت ثابت سال ۱۳۸۴ نسبت به رقبای جهانی خود درآمد به‌دست آورند که ممکن است به افزایش تولید بینجامد.

از آنجا که شاخص حمایت درصدی از تولیدکننده (PSE٪)، به صورت نسبت ارزش پولی مجموع حمایت‌های قیمتی و بودجه‌ای از تولیدکنندگان به ارزش تولید کلزای ایران با قیمت‌های جهانی تعدیل‌شده با نرخ ارز و هزینهٔ حمل‌ونقل محاسبه می‌شود، نسبت به تورم، مقیاس و واحد پولی خنثی است و مقایسهٔ بهتری از حمایت را در طول زمان، بین کشورها و همچنین کالاهای مختلف، امکان‌پذیر می‌سازد. نتایج محاسبهٔ این شاخص در جدول (۴-۸-۲-۵) مشاهده می‌شود. میانگین ۲۴- درصد شاخص PSE٪ که با رهیافت تجارت‌محور و نرخ حقیقی ارز برای برنامهٔ سوم توسعه محاسبه شده است، نشان می‌دهد مقدار دریافتی تولیدکننده ۲۴ درصد از آنچه می‌توانست با فروش محصولش با قیمت جهانی به دست آورد، کمتر بوده است. به بیان دیگر، سیاست‌های بخشی و ارزی در این دوره موجب شده است تولیدکننده ۲۴٪ از درآمدی را که در شرایط بدون چنین سیاست‌هایی می‌توانست به دست آورد به شکل نوعی مالیات پنهان از دست بدهد. میانگین این شاخص با نرخ ارز حقیقی در برنامهٔ چهارم توسعه ۸/۶+ درصد برآورد شده است؛ یعنی در شرایط غیررقابتی این برنامه به اندازهٔ ۸/۶ درصد به درآمدی که در صورت فروش محصول با قیمت جهانی به دست می‌آورد، افزوده شده است. یعنی سیاست‌های بخشی در این برنامه موجب حمایت از تولیدکنندگان شده و دریافتی آنان را نسبت به بازار جهانی افزایش داده است که منجر به تقویت توان رقابتی کلزاکاران ایرانی و گرایش صنایع وابسته برای ورود به این بخش خواهد شد. به نظر می‌رسد برای ترویج مصرف روغن کلزا و تشویق صنایع روغن‌کشی، در بیشتر سال‌ها سیاست‌ها با هدف کمتر نگه داشتن قیمت داخلی آن اجرا شده است و کشاورزان ناگزیر از پرداخت مالیات پنهان زیادی بوده‌اند؛ در برنامهٔ سوم توسعه کمترین مالیات پنهان در سال ۱۳۸۱، با اجرای

سیاست شناورسازی نرخ ارز به کلزاکاران تحمیل شد، به طوری که کشاورزان ۱۳/۵ درصد کمتر از رقابت در بازار جهانی، درآمد کسب کردند. پس از آن تا سال ۱۳۸۶ روند افزایشی مالیات تحمیلی ادامه پیدا کرد، اما در سال ۱۳۸۶ همزمان با کاهش تفاوت قیمت داخلی و جهانی، حمایت بودجه‌ای افزایش و برایند حمایت از تولیدکنندگان در پی اعمال نرخ حقیقی ارز و اجرای سیاست‌های بخشی به نفع آنان بود. در سال ۱۳۸۷ با افزایش قیمت جهانی، دوباره از کلزاکاران ایرانی در مقابل رقبای خارجی حمایت نشد، اما روند سیاست‌گذاری قیمتی و بودجه‌ای به گونه‌ای بود که در سال‌های ۱۳۸۸ و ۱۳۸۹، با اعمال نرخ ارز حقیقی ارز، تولیدکنندگان حمایت شدند. پیش‌بینی می‌شود در برنامهٔ پنجم توسعه روند حمایتی ادامه داشته باشد و به طور میانگین در این برنامه با اجرای سیاست‌های بخشی و ارزی در ایران، کشاورزان ۲۱/۲ درصد بیشتر از درآمد خود در بازار جهانی، دریافت کنند.

میانگین اثر کل که مجموع اثر سیاست‌های بخشی و کلان اقتصادی (سیاست‌های ارزی) در حمایت از تولیدکنندگان کلزا را نشان می‌دهد، تنها در سال‌های ۱۳۸۸ و ۱۳۸۹ مثبت ارزیابی شده است. روند برنامه‌ای حمایت‌ها بیان می‌کند، در برنامهٔ سوم تا پیش از اجرای یکسان‌سازی نرخ ارز حمایت از کلزاکاران نوسانی و پس از آن تا سال ۱۳۸۵ به دلیل کاهش ارزش پول ملی افزایشی بوده است. در نیمهٔ دوم برنامهٔ چهارم، حمایت از کشاورزان با اجرای سیاست‌های ارزی و بخشی با وجود بهبود، نوسان زیادی داشت که نشان‌دهندهٔ نبود پیروی از راهبرد سیاستی منظم در حمایت از کلزاکاران است. حمایت برآمده از سیاست‌های ارزی و بخشی در سال ۱۳۸۸ برابر با ۶۱ درصد بوده است، یعنی کشاورزان با اجرای سیاست‌های ارزی و بخشی حدود دو سوم دریافتی خود بدون اجرای سیاست‌ها با قیمت‌های جهانی تعدیل‌شده با نرخ ارز تعادلی، حمایت شده‌اند. از آنجا که در برنامهٔ چهارم حمایت از تولیدکنندگان روند افزایشی داشته است، پیش‌بینی می‌شود این روند در برنامهٔ پنجم نیز ادامه داشته

باشد. حمایت از تولیدکنندگان موجب افزایش توان رقابتی کشاورزان داخلی و ایجاد انگیزه برای کشت کلزا می‌شود که کاهش تمایل صنایع روغن‌کشی برای استفاده از دانه‌های روغنی کم‌بازده مانند سویا را در پی دارد.

اثر غیرمستقیم PSE٪ که نشان‌دهندهٔ اثر سیاست‌های ارزی بر مقدار حمایت از تولیدکنندگان کلزاست، در شش سال نخست کشت کلزا در ایران بر اثر بیش‌برآورد ارزش پول ملی، مثبت و در دیگر سال‌ها منفی بوده است. بیشترین حمایت برآمده از سیاست‌های ارزی در سال ۱۳۷۷ در پی بیش‌برآورد ۱۹/۰۸ درصدی ارزش ریال و کمترین حمایت در سال ۱۳۸۹ در پی کم‌برآورد ۱۷/۴ درصدی ارزش ریال رخ داد و کشاورزان ۲۰/۵ درصد از درآمد خود در بازار جهانی را از دست دادند که نشان‌دهندهٔ ارتباط انحراف نرخ ارز و حمایت از تولیدکنندگان است. همان‌طور که مشاهده می‌شود از سال ۱۳۸۱، همزمان با اجرای سیاست یکسان‌سازی نرخ ارز، شاخص انحراف نرخ ارز و اثرغیرمستقیم شباهت بیشتری پیدا کردند، یعنی نزدیکی نرخ ارز به نرخ تعادلی بلندمدت اقتصاد در هدایت بازار داخلی به سوی بازار رقابت جهانی نقش دارد. در شش سال نخست، سیاست‌های ارزی تقویت‌کنندهٔ اثر سیاست‌های بخشی بوده است، به‌طوری که مقادیر مثبت اثر غیرمستقیم موجب کاهش اثر منفی سیاست‌های ویژهٔ بخش کشاورزی در حمایت از تولیدکنندگان کلزا در این دوره شد. اما در برنامهٔ چهارم توسعه اثر منفی سیاست‌های ارزی، سیاست‌های بخشی را در حمایت از تولیدکنندگان تضعیف کرد و تنها در سال ۱۳۸۶ نقش سیاست‌های ارزی بیشتر از سیاست‌های بخشی بود که اثر مثبت آنها را خنثی کرد. به طور کلی، مقادیر مطلق اثرمستقیم در بیشتر سال‌های دورهٔ بررسی‌شده بیشتر از اثر غیرمستقیم بوده است که نقش بیشتر سیاست‌های بخشی را در حمایت از تولیدکنندگان کلزا آشکار می‌کند.

۳-۸-۲-۵ بررسی مقادیر حمایت از مصرف‌کنندگان کلزا طی برنامه‌های توسعه

شاخص حمایت از مصرف‌کنندگان کلزا انتقال‌های قیمتی از مصرف‌کنندگان به تولیدکنندگان و واردکنندگان به مصرف‌کنندگان را نشان می‌دهد. از آنجا که مصرف روغن کلزا اندک است و سهم چندانی در سبد مصرف خانوار ندارد، یارانهٔ مصرف در بودجهٔ سالیانه برای آن پرداخت نمی‌شود و براساس روابط فصل سوم در مورد محاسبهٔ CSE، مقدار شاخص درصدی آن برابر با شاخص درصد حمایت از قیمت بازاری تولیدکنندگان و علامت آن قرینهٔ MPS٪ است که نشان‌دهندهٔ حمایت بازاری از مصرف‌کنندگان است. در جدول (۶-۸-۲-۵) مقادیر شاخص‌های حمایت از مصرف‌کنندگان کلزا طی دورهٔ مورد بررسی (۸۹-۱۳۷۷) گزارش شده است. همان‌طور که پیش از این مشاهده شد، از سال ۱۳۷۷ با بیش‌برآورد ارزش ریال، انحراف نرخ ارز روند کاهشی پیدا کرد و در سال ۱۳۸۳ با کاهش چشمگیر ارزش تعادلی پول ملی نسبت به ارزش حقیقی آن، انحراف نرخ ارز منفی شد. همچنین پیش‌بینی می‌شود روند کم‌برآورد ارزش حقیقی ریال در برنامهٔ پنجم توسعه نیز ادامه پیدا کند.

بررسی ارزش حمایت مستقیم از مصرف‌کنندگان کلزا برحسب قیمت‌های ثابت سال ۱۳۸۴، بیانگر آن است که حمایت از مصرف‌کنندگان از سال ۱۳۸۱ با کاهش ارزش پول ملی در پی اجرای سیاست شناورسازی مدیریت‌شدهٔ نرخ ارز و افزایش مصرف رشد چشمگیری پیدا کرد و تا سال ۱۳۸۵ این روند ادامه داشت، به طوری از ۱۵۶ میلیارد ریال در سال ۱۳۸۱ به ۷۰۴ میلیارد ریال به سال ثابت ۱۳۸۴ در سال ۱۳۸۵ رسید. پس از آن با کاهش تفاوت قیمت داخلی و خارجی حمایت از مصرف‌کنندگان کلزا کاهش پیدا کرد و در نهایت در سال‌های ۸۹-۱۳۸۸ با رشد بیشتر قیمت داخلی نسبت به قیمت جهانی منفی شد. به طور کلی در برنامهٔ چهارم توسعه حمایت از مصرف‌کنندگان از روند منظمی پیروی نکرد. پیش‌بینی می‌شود در

برنامهٔ پنجم توسعه مصرف‌کنندگان کلزا به طور میانگین ۱۲۳ میلیارد ریال به سال ثابت ۱۳۸۴ در پی اجرای سیاست‌های بخشی و ارزی حمایت دریافت کنند.

جدول ۶-۸-۲-۵) شاخص‌های حمایت از مصرف‌کنندگان کلزا

برنامه های توسعه	درصد انحراف نرخ ارز	سال	ارزش اثرمستقیم به قیمت ثابت سال ۱۳۸۴ (میلیارد ریال)	ارزش اثر کل به قیمت ثابت سال ۱۳۸۴	%CSE اثر مستقیم	%CSE اثر غیرمستقیم	%CSE اثر کل
برنامهٔ دوم توسعهٔ اقتصادی و اجتماعی	۳۳/۱۵	۱۳۷۷	۲۴	۹	۳۹/۹۶	-۱۹/۲۶	۲۰/۷۰
	۲۹/۱۰	۱۳۷۸	۲۴	۱۴	۵۴/۴۲	-۱۲/۹۰	۴۱/۵۲
	۲/۶۴	میانگین	۲۴	۱۲	۴۷	-۱۶	۳۱
برنامهٔ سوم توسعهٔ اقتصادی و اجتماعی	۱۶/۹۶	۱۳۷۹	۳۷	۲۷	۵۱/۲۰	-۸/۰۴	۴۳/۱۶
	۱۶/۵۴	۱۳۸۰	۶۸	۴۲	۳۶/۶۷	-۱۰/۰۶	۲۶/۶۱
	۱۲/۹۹	۱۳۸۱	۱۵۶	۸۷	۲۴/۹۳	-۹/۳۳	۱۵/۶۰
	۳/۸۵	۱۳۸۲	۲۴۹	۲۲۰	۲۹/۹۵	-۲/۵۸	۲۷/۳۸
	-۲/۷۹	۱۳۸۳	۲۶۲	۲۸۲	۳۶/۵۱	۱/۷۰	۳۸/۲۱
	۹/۵۱	میانگین	۱۵۴	۱۳۱	۳۵/۸۵	-۵/۶۶	۳۰/۱۹
برنامهٔ چهارم توسعهٔ اقتصادی و اجتماعی	-۶/۱۸	۱۳۸۴	۵۰۴	۵۸۷	۳۸/۵۲	۳/۶۶	۴۲/۱۸
	-۱۰/۷۰	۱۳۸۵	۷۰۴	۹۰۵	۴۰/۲۸	۶/۱۹	۴۶/۴۷
	-۱۳/۰۹	۱۳۸۶	۱۶۵	۳۴۲	۱۳/۰۹	۱۰/۷۲	۲۳/۸۱
	-۷/۷۴	۱۳۸۷	۳۱۳	۳۹۲	۳۱/۲۱	۵/۰۶	۳۶/۲۷
	-۳/۳۲	۱۳۸۸	-۱۸۲	-۱۶۸	-۴۲/۳۳	۴/۴۰	-۳۷/۹۳
	-۱۷/۴۵	۱۳۸۹	-۸۰	۴۴	-۱۲/۷۲	۱۸/۵۹	۵/۸۸
	-۹/۷۵	میانگین	۲۳۷	۳۵۱	۱۱/۳۴	۸/۱۱	۱۹/۴۵
پیش بینی برنامهٔ پنجم توسعهٔ اقتصادی و اجتماعی	-۱۹/۲۲	۱۳۹۰	۱۳	۱۶۵	۱/۹۳	۱۷/۶۳	۱۹/۵۶
	-۲۱/۱۴	۱۳۹۱	۲۰۴	۴۳۶	۲۲/۱۸	۱۵/۷۰	۳۷/۸۸
	-۲۳/۰۷	۱۳۹۲	۴۷	۳۰۷	۵/۱۷	۲۰/۹۳	۲۶/۱۰
	-۲۴/۹۸	۱۳۹۳	۱۳۵	۴۴۰	۱۳/۸۹	۲۰/۶۵	۳۴/۵۴
	-۲۲/۰۹	۱۳۹۴	۲۱۵	۵۰۹	۱۹/۸۱	۱۷/۰۷	۳۶/۸۹
	-۲۲/۱۰	میانگین	۱۲۳	۳۷۱	۱۲/۶۰	۱۸/۴۰	۳۰/۹۹

منبع: یافته‌های پژوهش

حمایت از مصرف‌کنندگان کلزا، برحسب نرخ ارز تعادلی نیز روندی مشابه داشته و تنها در سال ۱۳۸۸ منفی بوده است. یعنی کم نگه‌داشتن قیمت داخلی نسبت به قیمت جهانی موجب حمایت از مصرف‌کنندگان کلزا شده است که به نظر می‌رسد

این حمایت‌ها در ترویج مصرف این محصول مؤثر بوده است. در شش سال نخست در پی بیش‌برآورد ارزش ریال حمایت از مصرف‌کنندگان کلزا با اعمال نرخ تعادلی ارزش کمتر از اثرمستقیم بود. اما در برنامهٔ چهارم با کم‌برآورد ارزش ریال به کارگیری نرخ ارز تعادلی بلندمدت اقتصاد حمایت بیشتری از مصرف‌کنندگان را نشان می‌دهد.

درصد حمایت از مصرف‌کنندگان(CSE٪) با نرخ ارز حقیقی، نشان می‌دهد با وجود رشد ارزش حمایت از مصرف کلزا، نسبت آن به کل ارزش مصرف کلزا با قیمت جهانی، روند کاهشی و نوسانی داشته و میانگین درصد حمایت از مصرف‌کنندگان کلزا از ۳۵ درصد در برنامهٔ سوم توسعه به ۱۱/۳ درصد در برنامهٔ چهارم رسیده است. یعنی در شرایط واقعی با اجرای سیاست‌های بخشی، مصرف‌کنندگان، به اندازهٔ ۳۵ و ۱۱/۳ درصد آنچه (در صورتی که بازار آزاد برقرار باشد) باید می‌پرداختند، حمایت دریافت کرده‌اند. در حقیقت، در برنامه‌های سوم و چهارم توسعه، به ترتیب ۳۵ و ۱۱/۳ درصد نسبت به آنچه می‌بایست می‌پرداختند، کمتر پرداخت کرده‌اند. شایان ذکر است، حمایت زیاد از مصرف‌کنندگان از رقابت‌پذیری بازار می‌کاهد، زیرا مصرف‌کنندگان سهم بیشتری از مازاد بازار داخلی می‌برند که با کاهش قدرت تولیدکنندگان رقابت‌پذیری آنان کاهش پیدا می‌کند.

اثر کل روند مشابهی با اثر مستقیم دارد و چگونگی حمایت از مصرف‌کنندگان کلزا را با برقراری نرخ ارز تعادلی بلندمدت اقتصاد ایران بیان می‌کند. در برنامهٔ سوم توسعه، سال ۱۳۸۱ که با اجرای سیاست یکسان‌سازی نرخ ارز همزمان است، مصرف‌کنندگان کلزا براساس این شاخص کمترین حمایت را دریافت کرده‌اند، به طوری که مصرف‌کنندگان کلزا با برقراری سیاست‌های ارزی و بخشی ۱۵/۶ درصد از آنچه در شرایطی که هیچ سیاست ارزی و بخشی برقرار نباشد برای مصرف می‌پرداختند، کمتر هزینه کرده‌اند. در برنامهٔ چهارم نیز، با وجود میانگین ۱۹/۴ درصدی حمایت از مصرف‌کنندگان، در سال ۱۳۸۸ به دلیل افزایش قیمت داخلی

حدود ۳۸ درصد ارزش مصرف با قیمت جهانی، به هزینه‌های مصرف‌کنندگان کلزا افزوده شده است.

علامت اثرغیرمستقیم در مورد مصرف‌کنندگان، عکس علامت انحراف نرخ ارز است، یعنی با کم برآورد ارزش ریال(انحراف منفی)، مصرف‌کنندگان حمایت می‌شوند و برعکس. به عبارت دیگر، چگونگی حمایت از مصرف‌کنندگان را هنگامی که سیاست ارزی اعمال می‌شود نسبت به وقتی که سیاست ارزی اجرا نمی‌شود نشان می‌دهد. در دو سال پایانی برنامهٔ دوم و برنامهٔ سوم توسعه سیاست‌های ارزی تضعیف‌کنندهٔ سیاست‌های بخشی بوده و با اجرای سیاست ارزی، مصرف‌کنندگان کلزا حمایت نشده‌اند. در حالی‌که در برنامهٔچهارم با اجرای سیاست ارزی کم برآورد ارزش ریال (انحراف منفی)، مصرف‌کنندگان کلزا نسبت به شرایطی که سیاست ارزی برقرار نباشد، حمایت شده‌اند. برای مثال در برنامهٔ چهارم ۸٪ نسبت به پیش از اجرای سیاست ارزی کمتر پرداخت کرده‌اند و پیش‌بینی می‌شود در برنامهٔ پنجم توسعه روند حمایت از مصرف‌کنندگان افزایشی باشد که نشان‌دهندهٔ نقش انحراف نرخ ارز در افزایش حمایت‌هاست.

۴-۸-۲-۵ نتیجه‌گیری و پیشنهادهای کلزا

کلزا، مادهٔ اولیهٔ صنایع تبدیلی روغن‌کشی و محصولی جدید در بخش کشاورزی ایران است که کشت آن به طور پراکنده از سال ۱۳۷۴ در کشور آغاز و از سال ۱۳۷۷ با اجرای سیاست‌های دولت، با هدف جایگزینی آن با دانه‌های روغنی کم‌بازده توسعه پیدا کرد. از این رو، با توجه به اهمیت کلزا و روند افزایشی سهم آن در سطح زیرکشت محصولات زراعی کشور، در پژوهش پیش رو، مقادیر کمّی این حمایت‌ها براساس شاخص‌های MPS، PSE و CSE طی دورهٔ ۸۹-۱۳۷۷ به منظور ارزیابی سیاست‌ها محاسبه شده است. نتایج بیانگر وجود روند افزایشی، متناسب با افزایش

تولید و مصرف کلزا، در حمایت‌های قیمتی، بودجه‌ای و کل حمایت از تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان به قیمت ثابت سال ۱۳۸۴ است. همچنین در مجموع حمایت‌های بودجه‌ای و قیمتی، سهم حمایت‌های بودجه‌ای در کل حمایت از تولیدکنندگان به جز سال‌های ۱۳۸۶ و ۱۳۸۹ در برنامهٔ چهارم کمتر بوده است. پیش‌بینی می‌شود در برنامهٔ پنجم توسعه حمایت‌های بودجه‌ای نسبت به حمایت‌های قیمتی سهم بیشتری داشته باشند و در بین این حمایت‌ها در همهٔ سال‌ها (۹۴-۱۳۷۷) سهم یارانهٔ سوخت و یارانهٔ نهاده‌های تولید حدود ۹۰ درصد از کل حمایت‌های بودجه‌ای از تولیدکنندگان را دربرداشته است. شاخص‌های حمایت از کلزا در برنامهٔ چهارم توسعه روند پرنوسانی را در پی اجرای سیاست‌های ارزی و بخشی نشان می‌دهند که به افزایش ریسک در طی زمان منجر می‌شود. در مورد کلزا، حمایت قیمتی منفی برآمده از سیاست‌های قیمتی در بیشتر سال‌ها عامل مهم حمایت نشدن کشاورزان بوده است. اجرای سیاست‌های همسو و حمایت‌کننده مانند سال ۱۳۸۸، می‌تواند به افزایش رقابت‌پذیری تولیدکنندگان کلزا کمک کند. به عبارت دیگر، چگونگی ترکیب حمایت‌های بازاری و بودجه‌ای که برایند آن حمایت‌کنندهٔ کشاورزان باشد، از اهمیت زیادی برخوردار است. همان‌طور که در جدول (۴-۸-۲-۵) مشاهده می‌شود، شاخص PSE٪ در سال‌های انتهای پژوهش و برنامهٔ پنجم بهبود پیدا کرده است که اثرگذاری بیشتر حمایت‌های بودجه‌ای نسبت به قیمتی در این سال‌ها نشان می‌دهد، دخالت کمتر دولت در قیمت بازاری محصول و کمک دولت در کاهش هزینه‌های تولید به رقابت‌پذیری کشاورزان می‌افزاید. مقادیر اثرمستقیم حمایت از مصرف‌کنندگان کلزا به طور میانگین در برنامه‌های سوم و چهارم توسعه، به ترتیب ۳۵ و ۱۱ درصد بوده است. افزون بر این، بررسی اثر سیاست‌های ارزی و انحراف نرخ ارز بر مقادیر حمایت از مصرف‌کنندگان کلزا نشان می‌دهد این سیاست‌ها در برنامهٔ سوم توسعه که انحراف نرخ ارز مثبت بوده بر شاخص‌های حمایت از مصرف‌کنندگان

اثر منفی داشته است، در حالی که در برنامهٔ چهارم توسعه، این سیاست‌ها موجب افزایش حمایت از مصرف‌کنندگان کلزا شده است؛ یعنی اثر غیرمستقیم تقویت‌کنندهٔ اثر مستقیم بوده است. در مورد تولیدکنندگان نیز اجرای سیاست‌های ارزی موجب شد با بیش‌برآورد نرخ حقیقی ریال نسبت به نرخ تعادلی، کلزاکاران حمایت شوند و بیشترین حمایت در سال‌های نخست کشت کلزا در ایران(۱۳۷۷-۷۸) صورت پذیرد، به طوری که در سال ۱۳۷۷ با اجرای سیاست‌های ارزی، تولیدکنندگان ۱۹/۰۸ درصد بیشتر از آنچه در بازار رقابتی، بدون اجرای سیاست‌های ارزی، دریافت می‌کردند حمایت شدند، اما در برنامهٔ چهارم با کم‌برآورد ارزش ریال، کشاورزان ناگزیر از پرداخت مالیات پنهان شدند. در پیش‌بینی برنامهٔ پنجم نیز همانند برنامهٔ چهارم، سیاست‌های ارزی تقویت‌کنندهٔ سیاست‌های بخش کشاورزی نیست. افزون بر این، مقادیر مثبت اثرمستقیم را نیز خنثی کرده است. شاخص حمایت بازاری هم نبود حمایت از تولیدکنندگان را در بازار داخلی نسبت به بازار جهانی نشان می‌دهد، به طوری که سیاست‌های ارزی و بخشی به زیان تولیدکنندگان کلزا خواهد بود.

جدول ۷-۸-۲-۵) بررسی حمایت از تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان کلزا در دوره‌های ارزی

دوره	درصد انحراف نرخ ارز	%MPS			%PSE			%CSE		
		اثر مستقیم	اثر غیرمستقیم	اثر کل	اثر مستقیم	اثر غیرمستقیم	اثر کل	اثر مستقیم	اثر غیرمستقیم	اثر کل
۱۳۷۷-۱۳۸۰	۲۳/۹۳	-۴۵/۵۶	۱۲/۵۷	-۳۳/۰۰	-۳۷/۴۲	۱۲/۱۸	-۲۵/۲۴	۴۵/۵۶	-۱۲/۵۷	۳۳/۰۰
۱۳۸۱-۱۳۸۹	-۴/۹۴	-۱۷/۷۲	-۴/۲۷	-۲۱/۹۹	-۰/۳۶	-۵/۶۴	-۵/۹۹	۱۷/۷۲	۴/۲۷	۲۱/۹۹

منبع: یافته‌های پژوهش

کشت کلزا در ایران همزمان با اجرای دو دوره سیاست ارزی بوده است که متوسط شاخص‌های حمایت قیمتی، حمایت از تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان در دورهٔ اجرای سیاست‌های ارزی در کشور، در جدول (۷-۸-۲-۵) آمده است. براساس

شاخص‌های درصدی حمایت بازاری از تولیدکنندگان کلزا در دو دوره، سیاست‌های بخشی در مقایسه با سیاست‌های ارزی در کل حمایت‌ها تأثیر بیشتری داشته است، زیرا قدرمطلق اثر مستقیم بیشتر از اثر غیرمستقیم بوده است. در دورهٔ اول که همزمان با سال‌های پایانی دههٔ دوم ارزی ایران(۱۳۸۰-۱۳۷۱) است به دلیل به‌کارگیری سیاست‌های تشویقی صادرات و ارز چندنرخی، با بیش‌برآورد ارزش ریال از تولیدکنندگان حمایت شد، اما در این دوره آثار منفی سیاست‌های بخشی از جمله کم نگه داشتن قیمت داخلی در مقایسه با قیمت جهانی تا حدی زیاد بود که اثر سیاست ارزی را خنثی و در مجموع حمایت کل از تولیدکننده را منفی کرد. در دورهٔ دوم سیاست‌های ارزی با برقراری نرخ ارز شناور مدیریت‌شده انحراف نرخ ارز کاهش پیدا کرد. اما کم برآورد ارزش ریال در بیشتر سال‌ها، با حمایت نکردن از تولیدکننده، اثر منفی سیاست‌های بخشی را تقویت کرد. در این دوره سیاست‌های بخشی به طور میانگین زیان اندکی برای کشاورزان در پی داشت و کشاورزان ۰/۳۶ درصد از درآمد خود در بازار جهانی را به شکل مالیات پنهان از دست دادند که نشان می‌دهد اثرگذاری این سیاست‌ها بر تولیدکنندگان کلزا اندک بوده است. برای مصرف‌کنندگان سیاست‌های بخشی و ارزی در دههٔ ۱۳۸۰ تقویت‌کنندهٔ یکدیگر و حمایت‌کنندهٔ مصرف‌کنندگان کلزا بود. در دورهٔ ۱۳۸۰-۱۳۷۷ نیز قدرت حمایت سیاست‌های بخشی، اثر منفی بیش‌برآورد ارزش پول ملی را خنثی کرد که برایند اجرای سیاست‌های ارزی و بخشی، حمایت‌کنندهٔ مصرف‌کنندگان بود.

با توجه به نتایج برآورد نرخ ارز در فصل سوم، افزایش درآمدهای نفتی موجب افزایش ارزش ریال تعادلی می‌شود که در صورت ثبات نرخ حقیقی ارز، رشد درآمدهای نفتی به نفع تولیدکنندگان است. همچنین بهره‌وری اقتصاد به عنوان شاخص پیشرفت فن‌آوری، بر نرخ تعادلی ارز و شاخص حمایت‌ها چنین اثری دارد

که دولت با مدیریت این دو عامل می‌تواند حمایت از کلزاکاران را افزایش دهد. همچنین، اجرای سیاست‌های باثبات و بلندمدت برای پیشگیری از نوسان‌های قیمت محصول، نهاده‌ها و نرخ ارز و حمایت‌های بودجه‌ای توصیه می‌شود. با توجه به سهم بیشتر حمایت‌های بودجه‌ای از کل حمایت‌ها در سال‌هایی که حمایت از تولیدکنندگان مثبت بوده است، تأکید بر الگوی سیاستی توسعهٔ حمایت‌های بودجه‌ای، افزون بر کاهش دخالت مستقیم دولت در بازار محصول، موجب افزایش انگیزهٔ کلزاکاران برای تولید و تأمین مادهٔ اولیهٔ صنایع تبدیلی روغن‌کشی می‌شود و به خودکفایی داخلی روغن کمک می‌کند و در نهایت امکان رقابت در بازارهای جهانی را فراهم می‌آورد. از این رو، تنوع‌بخشی به حمایت‌های بودجه‌ای مانند به‌کارگیری پرداخت‌های مستقیم و حمایت بیشتر از بیمهٔ کشاورزان و ترویج گنجاندن کلزا در تناوب کشت یا کشت دوم، توصیه می‌شود. همچنین، ایجاد ارتباط مستقیم بین کشاورزان و صنایع تبدیلی بدون واسطهٔ شرکت دولتی توسعهٔ کشت دانه‌های روغنی یا اعطای تسهیلات بانکی به صنایع تبدیلی با شرط کشت کلزا یا شراکت با کشاورزان، افزون بر رونق بازار کلزا به نفع تولیدکنندگان، زمینه را برای کاهش دخالت دولت فراهم و به پویایی صنایع تبدیلی و رشد ارزش افزوده کمک می‌کند. تنظیم سیاست‌های ارزی به گونه‌ای که تضعیف‌کنندهٔ حمایت‌های بخشی باشند، با کاهش مزیت رقابتی، از رقابت‌پذیری جهانی تولیدکنندگان داخلی می‌کاهد. چنان‌که مقادیر منفی اثرغیرمستقیم در برنامهٔ چهارم توسعه تقویت‌کنندهٔ سیاست‌های بخشی نبوده و موجب حمایت نشدن تولیدکنندگان کلزا شده است. شایان ذکر است، با توجه به سهم اندک مصرف روغن کلزا نسبت به روغن سویا و آفتابگردان در کشور براساس گزارش شرکت توسعهٔ کشت دانه‌های روغنی، و از سوی دیگر قابلیت کشت کلزا در بیشتر مناطق در کنار بهره‌وری بیشتر آن در تولید روغن، توسعهٔ کشت و مصرف آن هزینه‌های جامعه را کاهش می‌دهد، به رفاه اجتماعی می‌افزاید.

۳-۵ زیربخش باغبانی

براساس آمار وزارت کشاورزی، تولید زیربخش باغبانی در برنامه‌های توسعه افزایشی بوده و از ۶/۶ میلیون تن در دورهٔ جنگ به ۱۵/۳ میلیون تن در برنامهٔ چهارم توسعه رسیده است. این در حالی است که نوسان تولید نیز تا پیش از برنامهٔ چهارم توسعه کاهشی و ضریب پراکنش تولید در برنامهٔ سوم ۳ درصد بوده است. سطح زیرکشت زیربخش باغبانی نیز با رشد سطح زیرکشت کل بخش کشاورزی افزایش پیدا کرده و در برنامهٔ چهارم توسعه به طور میانگین ۱/۸ میلیون هکتار بوده است. با توجه به ارزش افزودهٔ بیشتر زیربخش باغبانی در مقایسه با زیربخش زراعت، سهم این زیربخش در طی سه دهه افزایشی بوده و در برنامهٔ چهارم نسبت به دورهٔ جنگ ۸۵ درصد رشد کرده است.

پسته، خرما، سیب و مرکبات به عنوان محصولات منتخب بررسی شده در پژوهش پیش رو، حدود ۵۰ درصد سطح زیرکشت زیربخش باغبانی را در برمی‌گیرند. براساس آمار وزارت جهاد کشاورزی، سهم پسته از سطح زیرکشت با وجود نوسان در بعضی سال‌ها، به طور میانگین تا برنامهٔ سوم توسعه افزایشی بوده و در برنامه‌های دوم و سوم توسعه بیشترین سهم و کمترین نوسان را داشته است. با وجود آن‌که خرما یکی از مهم‌ترین محصولات صادراتی بخش کشاورزی ایران به‌شمار می‌رود، سهم سطح زیرکشت آن در همهٔ برنامه‌های توسعه با نوسان روبه‌رو بوده است. در دههٔ ۱۳۶۰ با وجود درگیری مناطق توسعهٔ نخلستان‌ها در جنگ سهم این محصول از سطح زیرکشت زیربخش باغبانی بیشتر از برنامه‌های توسعه بوده است. سیب محصول دیگر زیربخش باغبانی که اغلب در مناطق سردسیر کشت می‌شود، با وجود افزایش سطح زیرکشت با کاهش سهم در زیربخش باغبانی روبه‌رو بوده است. به طوری که از ۲۰/۸ درصد در سال ۱۳۶۰ به ۶/۸ درصد در سال ۱۳۸۹ کاهش پیدا

کرده است. مرکبات (پرتقال، نارنگی، نارنج، گریپ فروت و انواع لیمو) در برنامه‌های اول و دوم توسعه بیشترین سهم را از سطح زیرکشت باغبانی کشور داشته و نوسان سهم سطح زیرکشت در این دو برنامه و برنامهٔ سوم توسعه تنها ۳ درصد بوده است.

در این فصل نتایج حاصل از برآورد شاخص‌های حمایت از قیمت بازاری(MPS)[1] و برآورد حمایت از تولیدکنندگان(PSE)[2] و برآورد حمایت از مصرف‌کنندگان(CSE)[3] کالاهای مهم زیربخش باغبانی و شاخص‌های فرعی مربوط به آنها طی دورهٔ زمانی ۸۹-۱۳۶۰ و پیش‌بینی برنامهٔ پنجم(۹۴-۱۳۹۰) بررسی می‌شود. از آنجا که انحراف نرخ ارز حقیقی از تعادلی بر حمایت از محصولات کشاورزی اثرگذار است، اثر سیاست‌های ارزی بر شاخص‌های حمایت نیز مورد بررسی قرار می‌گیرد. نرخ ارز تعادلی نمادی از تعادل بلندمدت اقتصاد کشور است که براساس روش تحقیق بیان شده در فصل چهار با استفاده از الگوهای سری زمانی، برآورد شد. نرخ ارز حقیقی نیز ارزش واقعی پول ملی را در مقایسه با ارزهای خارجی نشان می‌دهد و اثر سیاست‌های دولت و بانک مرکزی در آن نمایان است. در ادامه ابتدا شاخص‌های حمایت برای هر یک ازکالاهای منتخب زیربخش باغبانی ارائه و سپس مقدار و چگونگی حمایت در کل زیربخش جمع‌بندی می‌شود.

---

[1]- Market Price Support
[2]- Producer Support Estimate
[3]- Consumer Support Estimate

جدول ۲-۵) وضعیت تولید، سطح زیر کشت و سهم محصولات منتخب زیربخش باغبانی ایران

برنامه های توسعه	سال	تولید زیربخش باغبانی	کل سطح زیرکشت بخش کشاورزی	سطح زیرکشت زیربخش باغبانی	سهم زیربخش باغبانی از سطح زیرکشت	پسته	خرما	سیب	مرکبات	مجموع سهم محصولات منتخب از سطح زیرکشت
		میلیون تن	میلیون هکتار		درصد					
دورهٔ جنگ	۱۳٦۰	٤/۷۳	۱۱/۸۳	۰/۵۱	٤/۳۰	۲۲/٤۲	۱٦/۱۲	۲۰/۸٤	۱۵/٤۹	۷٤/۸۸
	۱۳٦۱	۵/۷۷	۱۱/۲۹	۰/۷۸	٦/۹۲	۱۱/۷۷	۱۵/٤۷	۱۲/۲٤	۱۰/۱۹	٤۹/٦۸
	۱۳٦۲	٦/۱۱	۱۱/۵۲	۰/۸۰	٦/۹۷	۱۲/٦۵	۱۳/۰۹	۱۳/۵۲	۹/۳۱	٤۸/۵۷
	۱۳٦۳	٦/۲۹	۱۱/٤۵	۰/۸۱	۷/۰٦	۱۲/٤۷	۱۳/۱٤	۱۳/۸۱	۱۱/۰۵	۵۰/٤۷
	۱۳٦٤	۷/۰۱	۱۲/۰۲	۰/۸۹	۷/٤۳	۱۲/۰۲	۱۱/۵۳	۱۳/۹۰	۱۱/۱۷	٤۸/٦۲
	۱۳٦۵	۷/۵۲	۱۲/۲۸	۰/۹۲	۷/۵۳	۱۱/۸۱	۱۲/٤۵	۱۳/۲۹	۱۳/۰۷	۵۰/٦۲
	۱۳٦٦	٦/۳٤	۱۲/۸۳	۰/۹۳	۷/٦٦	۱۲/۳۳	۱۳/۲۳	۱۳/۵٦	۱٤/۲۳	۵۳/۳۵
	۱۳٦۷	۹/۳٦	۱۲/٦۰	۱/۰۱	۷/۹۹	۱۲/٤۲	۱۲/٦۲	۱۳/۲۲	۱٤/۷۷	۵۳/۰٤
	میانگین	٦/٦٤	۱۱/۹۸	۰/۸۳	٦/۹۳	۱۳/٤۹	۱۳/٤٦	۱٤/۳۰	۱۲/٤۱	۵۳/٦۵
	ضریب پراکنش	۰/۲۱	۰/۰۵	۰/۱۸	۰/۱٦	۰/۲۷	۰/۱۲	۰/۱۹	۰/۱۸	۰/۱٦
برنامهٔ اول توسعهٔ اقتصادی و اجتماعی	۱۳٦۸	۹/۲۲	۱۳/۱۳	۱/۰۳	۷/۸۵	۱۲/۷۲	۱۱/۷۳	۱۲/٦۲	۱۵/٦٦	۵۲/۷۳
	۱۳٦۹	۱۰/۳۹	۱۳/۱۱	۱/۰۹	۸/۳٤	۱٤/۱۲	۱۰/۸۹	۱۲/۸٦	۱۵/۲۱	۵۳/۰۸
	۱۳۷۰	۹/۷۵	۱۳/۷۹	۱/۲۳	۸/۹۵	۱۳/۰۸	۱۱/٤٤	۱۱/۵۷	۱٤/۵۱	۵۰/۵۹
	۱۳۷۱	۸/٤۳	۱٤/۲۵	۱/۲۰	۸/۳۹	۱٤/۳۵	۱۱/٤۱	۱۱/۳۵	۱٤/۷۸	۵۱/۸۹
	۱۳۷۲	۱۰/۹۷	۱٤/۳۱	۱/۲٦	۸/۸۳	۱۵/۹۸	۱۰/۹۷	۱۱/۱٦	۱٤/۸۳	۵۲/۹۵
	۱۳۷۳	۱۲/۵٤	۱۲/٦۲	۱/۳۰	۹/۵۲	۱۵/۸۸	۱۱/٦۲	۱۱/۱۵	۱۵/٤۱	۵٤/۰۷
	میانگین	۱۰	۱٤	۱	۹	۱٤/۳٦	۱۱/۳٤	۱۱/۷۹	۱۵/۰۷	۵۲/۵۵
	ضریب پراکنش	۰/۱٤	۰/۰٤	۰/۰۹	۰/۰۷	۰/۱۰	۰/۰۳	۰/۰٦	۰/۰۳	۰/۰۲
برنامهٔ دوم توسعهٔ اقتصادی و اجتماعی	۱۳۷٤	۱۲/٤۸	۱۳/٦٤	۱/۳۲	۹/۷۰	۱٦/٤۸	۱۱/٤۲	۱۱/۰۰	۱۵/۲۰	۵٤/۱۱
	۱۳۷۵	۱۲/٦۵	۱۳/۷۳	۱/۳۵	۹/۸٤	۱۷/۱٦	۱۲/۲۹	۱۰/٤۳	۱٤/۹۷	۵٤/۸۵
	۱۳۷٦	۱۳/۱۷	۱۳/٤۱	۱/۳۵	۱۰/۰۹	۱۸/۲۷	۱٤/۲۱	۱۰/٤۳	۱۵/٤۸	۵۸/۳۸
	۱۳۷۷	۱۳/۵۹	۱۳/٦٤	۱/٤۸	۱۰/۸۵	۱۷/۵۳	۱٤/۷۱	۱۰/٦۷	۱۵/٤۹	۵۸/٤۰
	۱۳۷۸	۱۳/۷۸	۱۱/۵۳	۱/٤۸	۱۲/۸۱	۱۷/۳۷	۱۲/۰۱	۹/۷۷	۱٤/۵۷	۵۳/۷۱
	میانگین	۱۳/۱٤	۱۳/۱۹	۱/٤۰	۱۰/٦٦	۱۷/۳٦	۱۲/۹۳	۱۰/٤٦	۱۵/۱٤	۵۵/۸۹
		۰/۰٤	۰/۰۷	۰/۰۵	۰/۱۲	۰/۰٤	۰/۱۱	۰/۰٤	۰/۰۳	۰/۰٤
برنامهٔ سوم توسعهٔ اقتصادی و اجتماعی	۱۳۷۹	۱٤/۰٦	۱۱/٦۷	۱/۵٤	۱۳/۲٤	۱۷/۷۸	۱۱/۹٦	۹/۵٤	۱٤/۳۵	۵۳/۶۳
	۱۳۸۰	۱۳/۹٤	۱۲/٤٦	۱/۵۹	۱۲/۷۳	۱۷/٦۹	۱۱/۵٦	۹/۳۷	۱۳/۹٦	۵۲/۵۸
	۱۳۸۱	۱٤/۷۹	۱۳/٤٦	۱/٦۱	۱۱/۹۸	۱۸/۲۹	۱۱/٤۱	۹/۲٤	۱۳/۵۵	۵۲/٤۸
	۱۳۸۲	۱٤/۹۸	۱۳/٦۱	۱/٦۷	۱۲/۲۹	۱۷/۸۸	۱۱/۵۲	۸/۹۷	۱۳/٤۹	۵۱/۸۵
	۱۳۸۳	۱٤/۳۱	۱٤/۲٦	۱/۸۰	۱۲/٦۰	۱٦/۷۱	۱۲/۹۷	۱۰/۵۵	۱۳/۱۷	۵۳/٤۱
	میانگین	۱٤/٤۱	۱۳/۰۹	۱/٦٤	۱۲/۵۷	۱۷/٦۷	۱۱/۸۸	۹/۵۳	۱۳/۷۱	۵۲/۷۹
	ضریب پراکنش	۰/۰۳	۰/۰۸	۰/۰٦	۰/۰٤	۰/۰۳	۰/۰۵	۰/۰٦	۰/۰۳	۰/۰۱
برنامهٔ چهارم توسعهٔ اقتصادی و اجتماعی	۱۳۸٤	۱۵/۷۱	۱٤/۹٦	۱/۸٦	۱۲/٤٦	۱٦/۱۹	۱۲/۸۱	۱۰/۸۰	۱۲/۹٤	۵۲/۷٤
	۱۳۸۵	۱٦/٦۱	۱٤/۰۵	۱/۷۵	۱۲/٤٤	۱۷/٤۵	۱۳/۷۳	۱۱/۸۷	۱۳/۷۲	۵٦/۷۷
	۱۳۸٦	۱۷/۰۵	۱۵/۱۷	۱/۹۳	۱۲/۷۱	۱۵/۰۵	۱۳/۲۵	۱۰/٤۸	۱۲/۸۳	۵۱/٦۱
	۱۳۸۷	۱۰/۹۸	۱۱/٦٤	۱/۵۱	۱۲/۹۷	۱٦/٦٦	۱۰/۳۸	۱۱/٦۵	۱٤/۱۸	۵۲/۸۷
	۱۳۸۸	۱۵/۱۹	۱۳/۸٦	۱/۸۳	۱۳/۲۳	۱۳/۷۱	۸/۵٤	۷/۹۱	۱۰/۰۸	٤۰/۲٤
	۱۳۸۹	۱٦/٦۸	۱٤/۱٦	۱/۹۱	۱۳/٤۹	۱۳/۱٦	۸/۲۰	٦/۸۲	۹/٦۲	۳۷/۸۱
	میانگین	۱۵/۳۷	۱۳/۹۷	۱/۸۰	۱۲/۸۸	۱۵/۳۷	۱۱/۱۵	۹/۹۲	۱۲/۲۳	٤۸/٦۷
	ضریب پراکنش	۰/۱٤۷	۰/۰۹۰	۰/۰۸٦	۰/۰۳۳	۰/۱۱۰	۰/۲۱۹	۰/۲۰۹	۰/۱۵٦	۰/۱۵۸

منبع: سایت سازمان خواربار و کشاورزی جهانی ملل متحد(http://fao.org)

۱-۳-۵ سیب

سیب یکی از محصولات باغی و از میوه‌های دانه‌دار است که در مناطق سردسیر کشت می‌شود. با وجود پیشینهٔ تاریخی کشت سیب در جهان، تا میانهٔ قرن نوزدهم میوه‌ای تفننی به‌شمار می‌رفت و در ایران تا سه دههٔ اخیر، برای مصرف محلی تولید می‌شد(شرافتیان، ۱۳۸۰). اما پس از آن به دلیل رشد آگاهی مردم دربارهٔ فواید سیب، تقاضا برای مصرف آن افزایش پیدا کرد، تا به عنوان یک محصول تجاری ممتاز در جهان شناخته و زمینهٔ لازم برای تولید و تجارت سیب در کشورهایی که پتانسیل کشت آن را دارند، فراهم شود.

با توجه شرایط مناسب آب‌وهوایی ایران برای کشت این میوه، سیب در بیشتر استان‌ها، به‌ویژه در مناطق سردسیر کشت می‌شود که به گزارش وزرات جهاد کشاورزی، آذربایجان غربی در بیست سال منتهی به سال ۱۳۸۹، با میانگین ۲۷ درصد رتبهٔ اول تولید را دارد. در سال ۱۳۸۹، ایران به ترتیب رتبه‌های هشتم و هفتم تولید و صادرات سیب را در جهان داشت و پس از پسته، در جایگاه دوم ارزش صادرات محصولات کشاورزی کشور بود. پیش از برنامهٔ چهارم توسعه، ایران تنها چهار سال در حجم محدود، واردکنندهٔ سیب بود، اما از سال ۱۳۸۵ واردات سیب با روند افزایشی انجام پذیرفت (آمار سازمان خواربار کشاورزی، ۲۰۱۰)

جدول (۱-۱-۳-۵) تصویری از وضعیت تولید، عملکرد و تجارت سیب ایران ارائه می‌دهد. با توجه به جدول، مشاهده می‌شود، میانگین سطح زیرکشت سیب در برنامه‌های اول و چهارم توسعه، به ترتیب ۱۳۸ و ۱۸۶ هزار هکتار بوده است که نشان‌دهندهٔ میانگین ۳/۰۱ درصدی سهم ایران از سطح زیرکشت جهانی سیب است. عملکرد این محصول در طی سال‌های اجرای برنامه‌های توسعه، از ۹/۵ تن در هکتار در ابتدای برنامهٔ اول به ۱۳/۷ تن در هکتار در پایان برنامهٔ چهارم افزایش پیدا کرده

است. عملکرد تولید سیب ایران تا سال ۱۳۸۲ همیشه بیشتر از عملکرد متوسط جهان بود، به طوری که عملکرد تولید سیب ایران در ۱۵ سال به طور متوسط ۱/۴۲ برابر عملکرد جهانی بود، اما پس از آن با نوسان عملکرد در ایران این نسبت نیز با نوسان روبه‌رو شد و در بعضی سال‌ها به کمتر از یک واحد رسید. این موضوع، بیانگر نوسان در بهره‌وری زمین و دیگر نهاده‌های تولید سیب در ایران نسبت به جهان است که مزیت نسبی کشور را در تولید این محصول دستخوش تغییر می‌کند. براساس جدول (۱-۱-۳-۵) تولید سیب طی دوره (۸۹-۱۳۶۸)، با افزایش فزاینده همراه بوده و در سال ۱۳۸۷ با ۲۷۱۹ هزار تن بیشترین تولید را داشته است. با وجود این، سهم سیب ایران از تولید جهانی در برنامهٔ چهارم کاهشی و در کل دوره به طور میانگین حدود ۴ درصد بوده است.

به جز دو سال پایانی بررسی، تولید سیب با روند ملایمی افزایش پیدا کرده و ایران در همهٔ سال‌ها صادرکنندهٔ خالص این محصول بوده است. تا سال ۱۳۸۰ صادرات سیب روند ثابتی نداشت، اما از این سال رشد صادرات سیب ایران افزایشی شد، به طوری که اثر آن در ارتقای رتبهٔ کشور در صادرات جهانی سیب درختی مشاهده می‌شود.

در این دهه(۱۳۸۹-۱۳۸۰) در سال ۱۳۸۸ صادرات ایران به طور چشمگیری به کمتر از ۱۴ هزار تن کاهش پیدا کرد و سهم ایران از کل صادرات جهان به طور میانگین ۰/۱۸ درصد رسید. چنین تغییراتی در صادرات با وجود کاهش نیافتن تولید، نشان‌دهندهٔ تزلزل موقعیت ایران در بازار رقابت جهانی است. در سال‌های دورهٔ بررسی بیشترین درآمد ارزی صادرات سیب در سال ۱۳۸۹ برابر با ۲۱۱ میلیون دلار بود که علت آن افزایش حجم و ارزش هر واحد صادرات است. این در حالی است که در این سال تولید سیب نسبت به سال ۱۳۸۸ کاهش پیدا کرده بود.

جدول ۱-۱-۳-۵) وضعیت تولید، عملکرد و تجارت سیب ایران

سال	سطح زیرکشت (هزارهکتار)	سهم از سطح زیرکشت (درصد)	عملکرد (تن در هکتار)	نسبت عملکرد ایران به جهان	تولید (هزارتن)	سهم از تولید جهان (درصد)	صادرات (هزار تن)	سهم از صادرات (درصد)	ارزش صادرات (میلیون دلار)	سهم از ارزش صادرات (درصد)
۱۳۶۸	۱۳۰	۲/۵۳	۹/۵۸	۱/۱۶	۱۲۴۶	۲/۹۳	۲۵	۰/۷۲	۲	۰/۱۷
۱۳۶۹	۱۴۱	۲/۷۶	۱۰/۸۴	۱/۳۵	۱۵۲۴	۳/۷۱	۴۲	۱/۱۴	۴	۰/۲۱
۱۳۷۰	۱۴۳	۲/۹۱	۹/۵۶	۱/۲۹	۱۳۶۵	۳/۷۵	۲۰۶	۵/۱۴	۲۲	۰/۹۱
۱۳۷۱	۱۳۶	۲/۶۲	۱۰/۷۷	۱/۲۴	۱۴۶۳	۳/۲۶	۱۲۰	۲/۹۸	۱۲	۰/۵۰
۱۳۷۲	۱۴۱	۲/۵۳	۱۱/۵۲	۱/۳۳	۱۶۲۴	۳/۳۷	۲۱۶	۴/۶۴	۲۳	۱/۰۹
۱۳۷۳	۱۴۵	۲/۳۸	۱۳/۸۸	۱/۷۹	۲۰۰۸	۴/۲۷	۱۹۰	۴/۰۴	۱۹	۰/۷۷
۱۳۷۴	۱۴۶	۲/۳۱	۱۳/۶۷	۱/۷۵	۱۹۹۰	۴/۰۴	۱۹۰	۳/۶۶	۳۰	۰/۹۹
۱۳۷۵	۱۴۱	۲/۲۵	۱۳/۶۶	۱/۵۶	۱۹۲۵	۳/۵۱	۱۹۰	۳/۷۳	۳۰	۰/۹۲
۱۳۷۶	۱۴۱	۲/۳۱	۱۴/۱۷	۱/۵۳	۱۹۹۸	۳/۵۳	۱۱۸	۲/۲۲	۱۲	۰/۴۲
۱۳۷۷	۱۵۸	۲/۷۶	۱۲/۳۱	۱/۲۷	۱۹۴۴	۳/۵۱	۱۷۶	۳/۴۴	۲۰	۰/۷۵
۱۳۷۸	۱۴۴	۲/۵۸	۱۴/۸۱	۱/۴۶	۲۱۳۷	۳/۷۷	۱۵۸	۲/۹۷	۱۷	۰/۶۴
۱۳۷۹	۱۴۷	۲/۷۷	۱۴/۵۴	۱/۳۶	۲۱۴۲	۳/۷۵	۱۳۳	۲/۵۲	۱۴	۰/۶۳
۱۳۸۰	۱۴۹	۲/۹۱	۱۵/۸۳	۱/۴۳	۲۳۵۳	۴/۱۵	۸۹	۱/۶۷	۱۳	۰/۵۴
۱۳۸۱	۱۴۹	۳/۰۰	۱۵/۶۶	۱/۴۱	۲۳۳۴	۴/۲۳	۹۲	۱/۶۲	۱۴	۰/۴۸
۱۳۸۲	۱۵۰	۳/۱۳	۱۶/۰۰	۱/۳۲	۲۴۰۰	۴/۱۱	۱۰۹	۱/۷۵	۲۰	۰/۵۸
۱۳۸۳	۱۹۰	۳/۹۸	۱۱/۵۰	۰/۸۷	۲۱۷۹	۳/۴۷	۱۲۱	۱/۸۸	۳۰	۰/۷۸
۱۳۸۴	۲۰۱	۴/۱۹	۱۳/۲۲	۱/۰۲	۲۶۶۲	۴/۲۶	۱۳۲	۱/۸۹	۴۹	۱/۲۵
۱۳۸۵	۲۰۷	۴/۳۹	۱۳/۰۲	۰/۹۶	۲۷۰۰	۴/۲۰	۲۲۷	۳/۲۵	۸۰	۱/۸۴
۱۳۸۶	۲۰۲	۴/۱۹	۱۳/۱۷	۰/۹۷	۲۶۶۰	۴/۰۸	۲۶۱	۳/۳۳	۱۰۰	۱/۷۸
۱۳۸۷	۱۷۶	۳/۸۰	۱۵/۴۶	۱/۰۴	۲۷۱۹	۳/۹۵	۳۰۲	۳/۸۷	۱۲۲	۱/۹۲
۱۳۸۸	۱۴۵	۳/۱۰	۱۳/۷۹	۰/۹۱	۲۰۰۰	۲/۸۳	۱۴	۰/۱۸	۵	۰/۰۹
۱۳۸۹	۱۳۰	۲/۷۷	۱۲/۷۶	۰/۸۶	۱۶۶۲	۲/۳۹	۴۲۱	۴/۹۲	۲۱۱	۳/۲۵

منبع: سایت سازمان خواربار و کشاورزی جهانی ملل متحد(http://fao.org)

سیب افزون بر مصرف تازه‌خوری، به شکل مربا، آب سیب، سرکه، کنسانتره، کمپوت و برگهٔ سیب در سبد مصرف خانوار جای دارد، اما سهم محصولات فراوری‌شدهٔ آن، کمتر از ۰/۲ درصد کل تولید سیب را در برمی‌گیرد.

با توجه به اهمیت سیب در سبد تجارت کشاورزی ایران و ارزآوری آن، سیاست‌های حمایتی مختلفی به منظور افزایش تولید و سطح زیرکشت این محصول اجرا شده است.

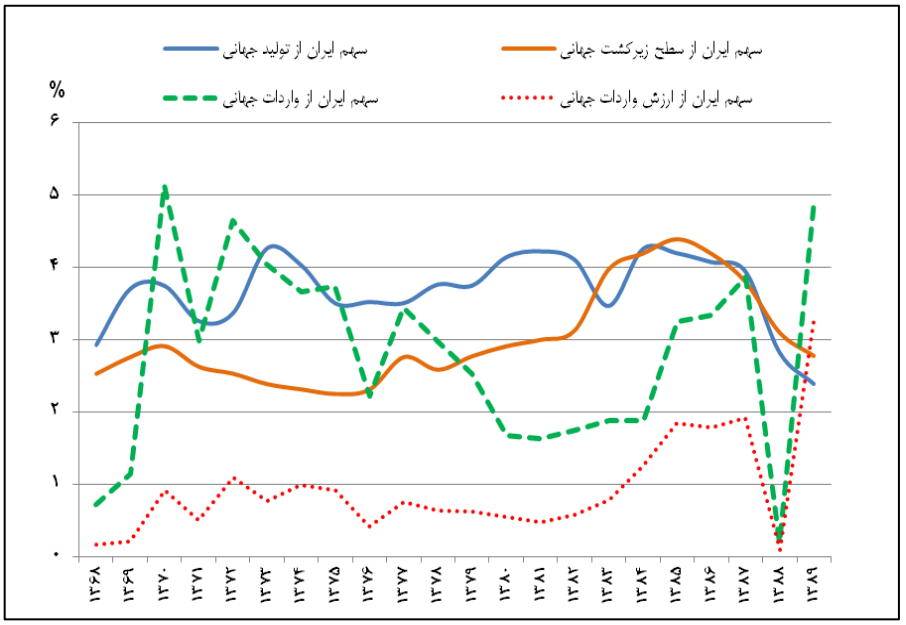

نمودار ۱-۱-۳-۵) سهم ایران از تولید، سطح زیرکشت، واردات و ارزش واردات جهانی سیب طی دورهٔ ۸۹-۱۳۶۸

حمایت قیمتی بعضی از نهاده‌ها، یارانهٔ بیمهٔ محصول، پرداخت تسهیلات بانکی با نرخ سود کم و خرید تضمینی، تشکیل‌دهندهٔ سیاست‌های حمایت از تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان سیب ایران در ۱۳۸۹-۱۳۶۰ بوده است. از آنجا که بازار داخلی و جهانی سیب، از کارایی لازم برای پوشش هزینه‌های تولید سیب برخوردار است، دولت با تعیین قیمت خرید تضمینی کمتر از قیمت سرمزرعه، برای دخالت حداقلی در بازار این محصول تلاش می‌کند و از سال ۱۳۷۸ که در شورای اقتصاد، برای سیب هم قیمت خرید تضمینی تعیین می‌شود، تنها در سال ۱۳۸۰ قیمت تضمینی بیشتر از قیمت تولیدکننده و حمایت‌کنندهٔ باغداران بوده است.

چنان‌که در فصل‌های پیشین بیان شد، به منظور بررسی اثر سیاست‌های ارزی و انحراف نرخ ارز بر مقادیر شاخص‌های حمایت از تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان (*PSE*٪، *MPS*٪ و *CSE*٪) که یکی از اهداف این پژوهش است، آثار مستقیم، کل و

غیرمستقیم محاسبه می‌شود. براساس روش پژوهش بیان‌شده در فصل سوم، اثر مستقیم بیانگر وضعیت موجود حمایت از تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان سیب بر اثر سیاست‌های در حال اجرای بخش کشاورزی و ارزی است. اثر کل، حمایت از آنان را در شرایط اعمال نرخ ارز تعادلی برآمده از متغیرهای کلان اقتصادی در بلندمدت نشان می‌دهد. اثرغیرمستقیم حمایت از تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان را در دو نظام ارزی حقیقی و تعادلی مقایسه می‌کند و نشان‌دهندهٔ اثر سیاست‌های ارزی در چگونگی رقابت‌پذیری بلندمدت سیب نسبت به رقبای جهانی است. اگر این شاخص منفی باشد به این معنی است که سیاست‌های ارزی از سطح رقابت‌پذیری بلندمدت سیب‌کاران ایرانی کاسته است و برعکس.

در ادامه، نتایج محاسبهٔ شاخص‌های حمایت از تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان سیب (PSE٪، MPS٪ و CSE٪) تجزیه‌وتحلیل می‌شود. همچنین، اثر سیاست‌های ارزی و انحراف نرخ ارز بر مقادیر حمایت از این محصول طی برنامه‌های اول تا پنجم توسعه بررسی می‌شود. پیش‌بینی برنامهٔ پنجم با فرض ادامهٔ روند رشد تخصیص یارانه‌ها همانند برنامهٔ چهارم و پیش‌بینی قیمت‌ها با استفاده از روش‌های درون‌یابی و میانگین متحرک[1] انجام می‌پذیرد. برای محاسبهٔ میانگین رشد سالانهٔ برنامهٔ چهارم از رابطهٔ (۱-۱-۳-۵) استفاده می‌شود:

$$m = \frac{\sum_{t=1384}^{1388} \frac{(x_{t+1} - x_t)}{x_t}}{5} \qquad (۵-۳-۱-۱)$$

که در آن، m میانگین رشد سالانهٔ متغیر x در برنامهٔ چهارم و t دورهٔ مورد نظر است. برای محاسبهٔ مقدار متغیر در هر سال m در مقدار آن متغیر در سال قبل ضرب می‌شود. برای پیش‌بینی قیمت‌ها و بعضی متغیرها، نیز مناسب‌ترین فرم تابع روند سی سالهٔ متغیر برآورد و برای سال‌های بعد پیش‌بینی می‌شود. وابسته به نوع روند

[1] Moving Average

موجود در داده‌ها، در بعضی موارد از روش میانگین متحرک استفاده شده است که رابطهٔ (۲-۱-۳-۵) شکل کلی رابطهٔ آن را نشان می‌دهد:

$$x_{t+1} = \frac{\sum_{t-i}^{t} x_t}{i+1} \qquad (۵-۳-۱-۲)$$

که در x متغیر مورد پیش‌بینی، t+۱ دورهٔ پیش‌بینی و i تعداد دوره‌های گذشتهٔ اثرگذار بر دورهٔ مورد پیش‌بینی است. از بین روش‌های مطرح شده، نتایج هر یک که دارای بیشترین تناسب با سری مورد پیش‌بینی و کمترین خطا باشد، مورد استفاده قرار گرفته است.

۱-۱-۳-۵ بررسی مقادیر حمایت بازاری از تولیدکنندگان سیب طی برنامه‌های توسعه

شاخص حمایت از قیمت بازاری (MPS) بیشتر بازتاب‌دهندهٔ سیاست‌های کنترل بازار مؤثر بر قیمت و سیاست‌های ارزی است. براساس آنچه در فصل سوم بیان شد، شاخص درصدی حمایت از قیمت بازاری نسبت تفاوت قیمت دریافتی تولیدکنندگان داخلی را با قیمت جهانی تعدیل‌شده با نرخ ارز حقیقی یا تعادلی به قیمت جهانی نشان می‌دهد. اگر قیمت جهانی با نرخ ارز حقیقی تعدیل شود، اثر مستقیم و اگر با نرخ ارز تعادلی تعدیل شود، اثر کل محاسبه می‌شود. تفاضل این دو اثر نشان‌دهندهٔ برایند سیاست‌های ارزی است که اثرغیرمستقیم نامیده می‌شود.

نتایج محاسبات حمایت از قیمت بازاری، به قیمت‌های ثابت سال ۱۳۸۴، طی برنامه‌های اول تا چهارم توسعه و پیش‌بینی برنامهٔ پنجم برای محصول سیب در جدول (۲-۱-۳-۵) ارائه شده است.

جدول ۲-۱-۳-۵) شاخص‌های حمایت بازاری(MPS) از تولیدکنندگان سیب

برنامه های توسعه	درصد انحراف نرخ ارز	سال	ارزش اثرمستقیم به قیمت ثابت سال ۱۳۸۴ (میلیارد ریال)	ارزش اثر کل به قیمت ثابت سال ۱۳۸۴ (میلیارد ریال)	%MPS اثر مستقیم	%MPS اثر غیرمستقیم	%MPS اثر کل
دورهٔ جنگ	۲۶/۸۱	۱۳۶۰	-۳۵۸۸	-۲۴۴۶	-۶۶/۹۷	۸/۹۵	-۵۸/۰۲
	۳۸/۹۰	۱۳۶۱	-۵۸۳۸	-۳۶۳۹	-۷۴/۹۴	۹/۸۶	-۶۵/۰۹
	۳۸/۶۷	۱۳۶۲	-۷۶۳۳	-۴۸۴۷	-۷۶/۹۳	۹/۰۱	-۶۷/۹۲
	۴۷/۶۸	۱۳۶۳	-۹۶۲۱	-۵۷۹۲	-۸۱/۵۶	۸/۸۶	-۷۲/۷۰
	-۱۳/۱۶	۱۳۶۴	-۱۳۴۴۴	-۱۵۸۴۱	-۸۵/۴۱	-۱/۹۳	-۸۷/۳۴
	-۲/۷۱	۱۳۶۵	-۸۲۱۴	-۸۵۱۱	-۷۷/۴۹	-۰/۶۱	-۷۸/۱۱
	۷۵/۷۲	۱۳۶۶	-۴۰۷۵	-۱۳۹۵	-۶۶/۵۰	۲۶/۰۴	-۴۰/۴۶
	۸۹/۸۷	۱۳۶۷	-۱۶۳۶	-۱۳۶	-۵۳/۴۵	۴۴/۷۳	-۸/۷۲
	۳۷/۷۲	میانگین	-۶۷۵۶	-۵۳۲۶	-۷۲/۹۱	۱۳/۱۱	-۵۹/۷۹
برنامهٔ اول توسعهٔ اقتصادی و اجتماعی	۵۰/۶۲	۱۳۶۸	-۱۲۶۳	-۳۶۲	-۴۸/۷۲	۲۷/۳۴	-۲۱/۳۹
	-۴/۳۰	۱۳۶۹	-۱۶۰۵	-۱۷۶۵	-۴۶/۵۱	-۲/۳۸	-۴۸/۸۹
	-۱۰/۸۴	۱۳۷۰	-۱۱۹۶	-۱۵۶۰	-۴۱/۶۷	-۶/۵۸	-۴۸/۲۴
	-۴۷/۰۳	۱۳۷۱	-۴۱۸	-۲۶۶۶	-۱۷/۴۲	-۳۹/۹۵	-۵۷/۳۷
	-۵۱/۴۱	۱۳۷۲	-۹۶۰	-۳۹۹۷	-۳۵/۲۶	-۳۴/۱۳	-۶۹/۳۹
	-۴۱/۲۹	۱۳۷۳	۱۳	-۲۶۲۶	۰/۳۷	-۴۲/۷۹	-۴۲/۴۲
	-۱۷/۳۸	میانگین	-۹۰۵	-۲۱۶۳	-۳۱/۵۴	-۱۶/۴۲	-۴۷/۹۵
برنامهٔ دوم توسعهٔ اقتصادی و اجتماعی	-۳۱/۹۷	۱۳۷۴	-۱۰۱۳	-۳۸۳۱	-۱۷/۲۸	-۲۶/۸۵	-۴۴/۱۴
	-۱۶/۱۸	۱۳۷۵	-۱۳۹۴	-۲۳۵۱	-۲۹/۰۹	-۱۱/۸۰	-۴۰/۸۹
	-۰/۸۹	۱۳۷۶	۹۴۸	۹۲۱	۳۳/۵۰	-۱/۲۶	۳۲/۲۴
	۳۳/۱۵	۱۳۷۷	-۸۱۵	۱۱۶	-۲۲/۶۵	۲۷/۰۱	۴/۳۶
	۲۹/۱۰	۱۳۷۸	-۱۳۷	۸۳۰	-۳/۳۰	۲۹/۴۵	۲۶/۱۵
	۲/۶۴	میانگین	-۴۸۲	-۸۶۳	-۷/۷۶	۳/۳۱	-۴/۴۶
برنامهٔ سوم توسعهٔ اقتصادی و اجتماعی	۱۶/۹۶	۱۳۷۹	۱۲۱۴	۱۷۳۷	۳۵/۰۰	۲۳/۹۸	۵۸/۹۹
	۱۶/۵۴	۱۳۸۰	-۵۷۳	۱۰۴	-۱۲/۴۰	۱۵/۰۳	۲/۶۳
	۱۲/۹۹	۱۳۸۱	۲۱۲۲	۲۶۱۱	۵۱/۶۹	۲۰/۵۲	۷۲/۲۱
	۳/۸۵	۱۳۸۲	۴۰۷	۵۸۲	۸/۹۱	۴/۳۶	۱۳/۲۷
	-۲/۷۹	۱۳۸۳	-۷۵۳	-۹۰۶	-۱۴/۵۸	-۲/۴۶	-۱۷/۰۴
	۹/۵۱	میانگین	۴۸۳	۸۲۶	۱۳/۷۲	۱۲/۲۹	۲۶/۰۱
برنامهٔ چهارم توسعهٔ اقتصادی و اجتماعی	-۶/۱۸	۱۳۸۴	-۳۵۶۲	-۴۱۴۶	-۴۱/۰۰	-۳/۷۲	-۴۴/۷۲
	-۱۰/۷۰	۱۳۸۵	-۹۷۳	-۱۹۱۷	-۱۲/۶۳	-۹/۵۴	-۲۲/۱۷
	-۱۳/۰۹	۱۳۸۶	۸۹۲	-۲۰۱	۱۲/۶۲	-۱۵/۰۸	-۲/۴۶
	-۷/۷۴	۱۳۸۷	۹۱۶	۳۷۳	۱۴/۵۱	-۹/۰۸	۵/۴۴
	-۳/۳۲	۱۳۸۸	۳۱۴۱	۳۰۱۵	۸۸/۴۳	-۶/۴۵	۸۱/۹۸
	-۱۷/۴۵	۱۳۸۹	۱۰۳۸	۱۹۷	۲۶/۷۷	-۲۲/۵۹	۴/۱۸
	-۹/۷۵	میانگین	۲۴۲	-۴۴۶	۱۴/۷۸	-۱۱/۰۸	۳/۷۱
پیش بینی برنامهٔ پنجم توسعهٔ اقتصادی و اجتماعی	-۱۹/۲۲	۱۳۹۰	۱۶	-۸۷۵	۰/۴۳	-۱۹/۷۶	-۱۹/۳۳
	-۲۱/۱۴	۱۳۹۱	-۱۳۲۶	-۲۵۸۰	-۲۸/۸۹	-۱۵/۲۷	-۴۴/۱۶
	-۲۳/۰۷	۱۳۹۲	-۱۶۶۹	-۳۰۷۵	-۳۶/۱۹	-۱۴/۹۲	-۵۱/۱۱
	-۲۴/۹۸	۱۳۹۳	-۱۹۷۸	-۳۵۴۳	-۴۲/۷۳	-۱۴/۴۷	-۵۷/۲۰
	-۲۲/۰۹	۱۳۹۴	-۲۵۶۳	-۳۹۸۵	-۵۱/۷۷	-۱۰/۷۶	-۶۲/۵۳
	-۲۲/۱۰	میانگین	-۱۵۰۴	-۲۸۱۲	-۳۱/۸۳	-۱۵/۰۳	-۴۶/۸۶

منبع: یافته‌های پژوهش

براساس نتایج جدول (۲-۱-۳-۵) انحراف نرخ ارز که از نسبت تفاوت نرخ حقیقی ارز و نرخ تعادلی آن نسبت به نرخ تعادلی ارز محاسبه می‌شود، در دوره‌های مختلف متفاوت بوده است. نرخ تعادلی برآوردشده با استفاده از الگوی اقتصادسنجی تصحیح خطا در فصل چهارم این پژوهش، تابعی از متغیرهای بنیادین اقتصاد شامل رابطهٔ مبادله، قیمت جهانی طلا، درجهٔ باز بودن اقتصاد، درآمد نفتی کشور، بهره‌وری کل اقتصاد، نسبت نرخ بهرهٔ جهانی به نرخ بهره در ایران است که نرخ ارز ایران را در شرایط تعادل بلندمدت اقتصاد نشان می‌دهد. در دورهٔ جنگ با کاهش درآمد نفتی و همزمان نیاز کشور به ارز، با بیش‌برآورد ارزش ریال نسبت به دلار توسط دولت، انحراف نرخ ارز در سال پایانی جنگ(۱۳۶۷) به ۸۹ درصد افزایش پیدا کرد. در برنامهٔ اول توسعه با کم‌برآورد ارزش ریال نسبت به نرخ تعادلی، انحراف نرخ ارز منفی بود و در سال‌های پایانی این برنامه به دلیل اجرای سیاست‌های آزادسازی اقتصادی مقدار آن افزایش یافت. در سال‌های نخست برنامهٔ دوم انحراف نرخ ارز حقیقی از مقدار تعادلی بلندمدت اقتصاد منفی و در سال‌های بعد مثبت شد. در برنامهٔ سوم توسعه به منظور تشویق صادرات، سیاست بیش‌برآورد ارزش ریال دنبال شد، یعنی نرخ ارز تعادلی کمتر از نرخ حقیقی آن بود. همچنین نرخ ارز سالیانه با شیب ملایمی در حال رشد بود. در برنامهٔ چهارم روند کاهش ارزش پول ملی با سرعت بیشتری ادامه پیدا کرد، اما رشد نرخ ارز تعادلی بیش از نرخ حقیقی آن بود. بنابراین سیاست‌های ارزی برنامهٔ چهارم موجب کم‌برآورد ارزش ریال شد.

براساس نتایج اثرمستقیم - بر حسب قیمت‌های ثابت سال پایهٔ ۱۳۸۴- از میانهٔ جنگ حمایت از تولیدکنندگان سیب بهبود پیدا کرد. با وجود این از آنان نسبت به قیمت‌های جهانی مالیات پنهان دریافت می‌شد. در برنامهٔ اول با وجود تقویت ارزش ریال در برابر دلار قیمت داخلی سیب کمتر از قیمت جهانی تعدیل‌شده با نرخ ارز حقیقی و حمایت بازاری از کشاورزان منفی بود. از سال ۱۳۷۳، پس از اجرای

سیاست‌های آزادسازی حمایت از سیب‌کاران مثبت شد، اما در سال‌های برنامهٔ دوم همچنان در بازار سیب از تولیدکنندگان حمایت نشد و در هر سال به طور میانگین ۴۸۲ میلیارد ریال به قیمت ثابت سال ۱۳۸۴، از کشاورزان مالیات پنهان گرفته شد. در برنامه‌های سوم و چهارم با وجود دو سال عدم حمایت قیمتی از کشاورزان در هر برنامه، میانگین حمایت از تولیدکنندگان مثبت بود. یعنی از سال ۱۳۷۹، قیمت دریافتی تولیدکنندگان سیب بیشتر از قیمت جهانی تعدیل‌شده با نرخ حقیقی ارز بوده است که موجب افزایش رقابت‌پذیری سیب‌کاران در مقایسه با رقبای خارجی و همچنین ارتقای رتبهٔ صادراتی ایران شده است. با فرض افزایش کاهش ارزش ریال و انحراف منفی آن نسبت به نرخ ارز تعادلی، پیش‌بینی می‌شود در برنامهٔ پنجم در مقایسه با قیمت‌های جهانی، پرداختی به تولیدکنندگان سیب انجام نپذیرد. به عبارت دیگر، اگر دولت شرایط مناسبی برای فروش سیب داخلی در بازارهای جهانی فراهم نکند، تولیدکنندگان سیب دریافتی کمتری خواهند داشت که این کاهش درآمد پرداخت مالیات پنهان است. از آنجا که براساس آمار منتشرشدهٔ مرکز آمار ایران، قیمت داخلی در تمام سال‌های مورد بررسی این پژوهش روندی صعودی داشته است، نوسان شاخص حمایت از قیمت بازاری برآمده از نوسان نرخ ارز، قیمت جهانی و مقادیر تولید و مصرف سیب است. چنان‌که بهبود حمایت‌ها از سال ۱۳۶۶، به علت کاهش در قیمت جهانی بود و نوسان حمایت‌ها در سال‌های مختلف نیز در پی نوسان در این عوامل است. این عوامل با ایجاد تفاوت بین قیمت داخلی و جهانی سیب، از قدرت رقابت‌پذیری این محصول در بازارهای جهانی می‌کاهد و موجب می‌شود صادرات این محصول و درآمد ارزی حاصل از آن با نوسان همراه باشد که این نوسان، از اطمینان مشتریان خارجی می‌کاهد و ریسک درآمدی کشاورزان را افزایش می‌دهد. افزایش ریسک به کاهش تمایل کشاورزان برای توسعهٔ باغ‌ها می‌انجامد، زیرا هزینهٔ زیاد احداث و زمان‌بر بودن ایجاد باغ انعطاف‌پذیری کشاورزان

را برای مقابله با تغییر سیاست‌های دولت و نوسان حمایت‌ها کاهش می‌دهد. از این رو با تغییر سالانه در حمایت دولت از باغداران، واکنش کوتاه‌مدت آنان در سطح زیرکشت و تولید مشاهده نمی‌شود.

شاخص حمایت قیمتی محاسبه‌شده با نرخ ارز تعادلی (اثرکل) با قیمت ثابت سال ۱۳۸۴، در بیشتر سال‌ها منفی است. یعنی در بیشتر سال‌های ۱۳۸۹-۱۳۶۰ در صورت اجرا نشدن سیاست‌های ارزی و با اثرگذاری متغیرهای بنیادین اقتصاد از جمله درآمد نفتی، رشد بهره‌وری و رابطهٔ مبادله، سیب‌کاران ناگزیر از پرداخت مالیات پنهان بودند. تنها در برنامهٔ سوم توسعه با بهبود نسبی سیاست‌های بخشی و ارزی حمایت قیمتی از تولیدکنندگان به قیمت ثابت سال ۱۳۸۴، به طور میانگین ۸۲۶ میلیارد ریال بود که نمایانگر تأثیر بیش‌برآورد ارزش ریال در پی اجرای سیاست شناورسازی نرخ ارز(۱۳۸۱) و همچنین کاهش قیمت جهانی سیب است. در برنامهٔ چهارم با کاهش ارزش تعادلی پول ملی حمایت از تولیدکنندگان منفی شد و به طور میانگین ۴۴۶ میلیارد ریال از تولیدکنندگان سیب به مصرف‌کنندگان آن انتقال یافت که در مقایسه با اثر مستقیم نشان می‌دهد کم‌برآورد ارزش تعادلی ریال نسبت به مقدار حقیقی آن موجب کاهش درآمد تولیدکنندگان ایرانی سیب نسبت به رقبای خارجی آنان شده است. در حالی که با اجرای سیاست‌های ارزی و برقراری نرخ حقیقی ارز سیب‌کاران در برنامهٔ چهارم حمایت شدند.

حمایت درصدی از قیمت بازاری (MPS٪) بر مبنای نرخ حقیقی ارز (اثر مستقیم) به جز برنامه‌های سوم و چهارم در همهٔ دورها، به طور میانگین منفی بوده است که نشان می‌دهد قیمت داخلی محصول از قیمت جهانی تعدیل‌شده با نرخ ارز حقیقی، کمتر بوده است. این اثر در برنامهٔ چهارم، با در نظر گرفتن سال ۱۳۸۹ که سال بدون برنامه بوده است، به طور متوسط ۱۴ درصد بود که نشان می‌دهد سیاست‌های قیمتی ۱۴ درصد، کشاورزان ایران را نسبت به قیمت پیش روی رقبای

جهانی حمایت می‌کرد. نوسان در حمایت از تولیدکنندگان در همهٔ برنامه‌ها، به‌ویژه در برنامهٔ چهارم مشاهده می‌شود، به طوری که در این برنامه دامنهٔ حمایت‌ها بین سال نخست و پایانی برنامه بین ۴۱- تا ۸۱+ درصد در نوسان بود که بیانگر سطح بالای ریسک برآمده از سیاست‌های حمایتی است که اطمینان کشاورزان را به حمایت‌های دولت کاهش می‌دهد.

بررسی اثرکل حمایت از قیمت بازاری نیز روندی مشابه اثرمستقیم را نشان می‌دهد و تعدیل قیمت جهانی با نرخ ارز تعادلی نیز بیانگر حمایت منفی از تولیدکنندگان در بیشتر سال‌های بررسی (۱۳۸۹-۱۳۶۰) است. یعنی حتی اگر نرخ ارز تعادلی هم برقرار بود، سیاست‌های بخشی قیمتی به گونه‌ای می‌شد که در مقابل رقبای خارجی خود نه تنها حمایت نمی‌شدند، بلکه مالیات نیز بر آنها تحمیل می‌شد که این در کاهش قدرت رقابت‌پذیری و توان صادراتی تولیدکنندگان سیب ایرانی بسیار مؤثر است. در مقایسه با اثر مستقیم در سال‌هایی که سیاست بیش‌برآورد ارزش واقعی ریال نسبت به نرخ تعادلی آن دنبال شده است با افزایش انحراف ارزی، تولیدکنندگان با اثرگذاری متغیرهای کلان اقتصاد، حمایت بیشتری در بازار سیب دریافت کرده‌اند و در سال‌هایی که سیاست‌های ارزی موجب کم‌برآورد ارزش حقیقی ریال شده، حمایت از کشاورزان با برقراری نرخ ارز تعادلی کمتر بوده است و به عبارتی در چنین سال‌هایی با برقراری نرخ حقیقی ارز درآمد کشاورزان بیشتر از زمان پیش از اجرای سیاست‌های ارزی شده است. در میان دوره‌های بررسی، دورهٔ جنگ با وجود کمترین حمایت از تولیدکنندگان، کمترین دامنهٔ نوسان را داشته است. تنها در برنامه‌های سوم و چهارم، به جز سال‌های ۱۳۸۶-۱۳۸۳ تولیدکنندگان سیب با سیاست‌های بخشی و ارزی حمایت شده‌اند. مقایسهٔ میانگین اثرمستقیم و اثر کل در برنامه‌های سوم و چهارم نشان می‌دهد، اعمال نرخ ارز تعادلی در برنامهٔ سوم حمایت‌کننده‌تر از برنامهٔ چهارم است، در حالی که با اعمال نرخ ارز حقیقی، برنامهٔ

چهارم نسبت به برنامهٔ سوم حمایت بازاری بیشتری از کشاورزان می‌کند، یعنی در برنامهٔ سوم نزدیکی به تعادل بلندمدت اقتصاد حمایت‌کنندهٔ کشاورزان بوده است.

اثر غیرمستقیم نشان می‌دهد سیاست‌های ارزی تا چه اندازه تقویت‌کنندهٔ سیاست‌های بخشی در زمینهٔ قیمت محصول هستند. در سال‌هایی که نرخ حقیقی ارز بیش از نرخ ارز تعادلی است، حمایت قیمتی از تولیدکنندگان در پی اجرای سیاست ارزی مثبت است و برعکس. انحراف نرخ ارز نسبت فاصلهٔ نرخ ارز حقیقی از تعادلی به نرخ ارز حقیقی است که به شکل درصدی بیان می‌شود. براساس جدول (۲-۱-۳-۵) در سال‌های نخست بررسی، با وجود انحراف زیاد نرخ ارز، درصد اثرغیرمستقیم به طور میانگین مقدار کمی دارد، اما از سال ۱۳۷۱ و با اجرای سیاست‌های آزادسازی نرخ ارز و کم‌برآورد شدید ارزش حقیقی پول ملی حمایت برآمده از سیاست‌های ارزی کاهش بسیاری پیدا کرد. این بدین معنی است که در دورهٔ جنگ تقویت پول ملی در حمایت قیمتی از تولیدکنندگان سیب اثر چندانی نداشته است، اما کاهش ارزش پول ملی اثر زیادی در کاهش حمایت داشته است. در سال‌های بعدی انحراف نرخ ارز و درصد اثر غیرمستقیم حمایت از قیمت بازاری (MPS٪) تناسب بیشتری پیدا کردند و در برنامهٔ سوم با اجرای سیاست یکسان‌سازی نرخ ارز حمایت قیمتی از تولیدکنندگان بر اثر سیاست‌های ارزی ۱۲ درصد و انحراف نرخ ارز ۹/۵ درصد و در برنامهٔ چهارم حمایت قیمتی ۱۱/۸- و انحراف نرخ ارز ۹/۷۵- درصد بود. در برنامهٔ دوم نیز با آن‌که تنها در سال‌های ۱۳۷۷ و ۱۳۷۸ اثرغیرمستقیم مثبت بوده است، اما میانگین این برنامه ۳/۳ درصد بود که حمایت قیمتی اندکی را از کشاورزان نشان می‌دهد.

مقایسهٔ مقادیر مطلق اثر غیرمستقیم و اثر مستقیم در MPS٪ نشان می‌دهد در بیشتر سال‌های بررسی اثرمستقیم بیشتر از اثر غیرمستقیم بوده است که بیانگر نقش مهم‌تر سیاست‌های خاص بخش کشاورزی در چگونگی حمایت از تولیدکنندگان

سیب در مقایسه با سیاست‌های ارزی است. تنها در بعضی سال‌ها، از جمله سال ۱۳۷۱ در پی اجرای سیاست‌های آزادسازی تأثیرگذاری سیاست‌های ارزی بیشتر بود. علامت‌های اثرمستقیم و اثرغیرمستقیم نشان می‌دهد در برنامه‌های اول و پنجم، سیاست‌های ارزی هم‌جهت و تقویت‌کنندهٔ سیاست‌های بخشی و هر دو منفی است. در برنامهٔ سوم، سیاست‌های ارزی و بخشی هم‌جهت و هر دو مثبت بوده‌اند، که بیشترین حمایت در این برنامه انجام پذیرفته است و پس از این برنامه افزایش در تولید مشاهده می‌شود. در دورهٔ جنگ و برنامه‌های دوم و چهارم به دلیل هم‌جهت نبودن سیاست‌های ارزی و بخشی در بازار سیب، آثار مستقیم و غیرمستقیم هم‌علامت نبود. در دورهٔ جنگ و برنامهٔ دوم سیاست‌های بخشی، آثار حمایتی سیاست‌های ارزی را خنثی و در برنامهٔ چهارم نیز کم‌ارزش‌گذاری پول ملی موجب کم‌رنگ شدن آثار مثبت سیاست‌های بخشی شد. این ناهماهنگی در سیاست‌های حمایتی موجب تحمیل هزینهٔ اجرای سیاست، بدون دست‌یافتن به هدف موردنظر می‌شود و به افزایش ریسک فعالیت کشاورزان، کاهش رقابت‌پذیری و در نتیجه کاهش تولید و صادرات می‌انجامد.

۲-۱-۳-۵ بررسی مقادیر حمایت کل از تولیدکنندگان سیب طی برنامه‌های توسعه

براساس آنچه در فصل‌های پیشین بیان شد، حمایت از تولیدکنندگان، حمایت‌های بازاری(MPS) و پرداخت‌های بودجه‌ای(BP) را در برمی‌گیرد که در بخش قبل حمایت‌های بازاری از محصول سیب تحلیل شد.

پرداخت‌های بودجه‌ای اجراشده در ایران شامل یارانهٔ پرداختی به نهاده‌های کشاورزی (یارانهٔ کود شیمیایی، سموم و علف‌کش)، یارانهٔ انرژی (برق و سوخت ماشین‌آلات کشاورزی)، بیمهٔ محصولات و یارانهٔ تسهیلات است. بخش عمدهٔ این

پرداخت‌ها به شکل حمایت قیمتی در بازار نهاده‌ها انجام می‌پذیرد که نرخ ارز و سیاست‌های قیمتی بر آن مؤثر است.

نتایج محاسبهٔ این پرداخت‌ها با توجه به آنچه در فصل سوم این پژوهش بیان شد، در جدول (۳-۱-۳-۵) آمده است. براساس آن حمایت‌های بودجه‌ای در قیمت‌های ثابت سال ۱۳۸۴ از ۱۹۹ میلیارد ریال در سال ۱۳۶۰، به ۲۹۳ میلیارد ریال در سال ۱۳۸۹ کاهش پیدا کرده است. حمایت از نهاده‌های کود و سم و انرژی بیشترین سهم حمایت‌های بودجه‌ای را شامل می‌شوند و حدود ۹۰ درصد است. بنابراین، به طور میانگین این حمایت‌ها در همهٔ برنامه‌ها بخش عمدهٔ پرداخت‌های بودجه‌ای را در برگرفته است که تفاوت قیمت داخلی و خارجی انواع کود و سموم شمیایی و انرژی و افزایش استفاده از آب‌های زیرزمینی و توسعهٔ ماشین‌آلات از دلایل آن است. پیش‌بینی حمایت از انرژی در برنامهٔ پنجم با توجه به افزایش قیمت حامل‌های انرژی در مرحلهٔ اول قانون هدفمندی یارانه‌ها در سال ۱۳۸۹ انجام‌پذیرفته است. همچنین برای پیش‌بینی هزینهٔ حمل‌ونقل مورد استفاده در تعدیل قیمت‌های جهانی، افزون بر روند دورهٔ سی سالهٔ بررسی، رشد ۴۰ درصدی نسبت به سال ۱۳۸۹ در نظر گرفته شده است. براساس جدول (۳-۱-۳-۵) حمایت به شکل تسهیلات بانکی در برنامهٔ دوم نسبت به برنامهٔ اول کاهش پیدا کرد و در برنامهٔ سوم توسعه بیشترین مقدار را داشت. در سال ۱۳۸۴، با اجرای یکسان‌سازی نرخ سود در بخش‌های اقتصادی حمایت از بخش کشاورزی از راه پرداخت تسهیلات بانکی برابر با صفر شد. روند پرداخت سهم دولت در بیمهٔ محصول سیب نیز پس از آغاز در سال ۱۳۷۷، تا سال ۱۳۸۲ روند افزایشی ملایمی داشت، اما از سال ۱۳۸۳ تا پایان برنامهٔ چهارم، افزایش چشمگیری پیدا کرد.

جدول ۳-۱-۳-۵) حمایت بودجه‌ای از تولیدکنندگان سیب در نرخ حقیقی ارز (میلیارد ریال- ثابت سال ۱۳۸۴) منبع: یافته‌های پژوهش

برنامه های توسعه	سال	نهاده های کود و سم	انرژی	بیمه	تسهیلات بانکی	کل حمایت بودجه ای	سهم نهاده های کود و سم(٪)	سهم انرژی(٪)
دورهٔ جنگی	۱۳۶۰	۱۷۷/۷۵	۲۰/۳۲	۰/۰۰	۱/٦٤	۱۹۹/۷۱	۸۹/۰۰	۱۰/۱۸
	۱۳٦۱	۲۱۳/۵۷	۲۰/۸٦	۰/۰۰	۱/۲۸	۲۳٦/۹۸	۹۰/۱۲	۸/۸۰
	۱۳٦۲	۳۰۹/٦٤	۲۵/۸۷	۰/۰۰	۱/٦۵	۳۳۸/۸۲	۹۱/۳۹	۷/٦٤
	۱۳٦۳	٤۷۵/۳٤	۳۱/۰۸	۰/۰۰	۳/۹۳	۵۱٤/۲۹	۹۲/٤۳	٦/۰٤
	۱۳٦٤	۳۹۳/٤۲	۳۵/۸۸	۰/۰۰	۵/۰۷	٤۳۹/٤٤	۸۹/۵۳	۸/۱٦
	۱۳٦۵	۵٤۲/۸۱	٤٤/۲۱	۰/۰۰	۳/۷۸	۵۹٤/۵۸	۹۱/۲۹	۷/٤٤
	۱۳٦٦	٤۵۰/۲۰	۵٤/۲٤	۰/۰۰	۳/٦۱	۵۱۱/٦٦	۸۷/۹۹	۱۰/٦۰
	۱۳٦۷	۵۳۳/۹۹	٤۷/۸۱	۰/۰۰	۳/۳۲	۵۸۸/٤۳	۹۰/۷۵	۸/۱۲
	میانگین	۳۸۷/۰۹	۳۵/۰۳	۰/۰۰	۳/۰۳	٤۲۷/۹۹	۹۰/۳۱	۸/۳۷
برنامهٔ اول توسعهٔ اقتصادی و اجتماعی	۱۳٦۸	۳۷۲/۷٦	۵۲/۳۵	۰/۰۰	۳/۳۰	٤۳۱/۷۱	۸٦/۳٤	۱۲/۱۳
	۱۳٦۹	۷۱۳/۲۳	۸۳/۰٤	۰/۰۰	۷/٤۹	۸۱۱/۲٤	۸۷/۹۲	۱۰/۲٤
	۱۳۷۰	۵۷٦/۵۱	۵۹/۱۱	۰/۰۰	۱۰/۰۳	٦۵۵/٦۷	۸۷/۹۳	۹/۰۱
	۱۳۷۱	٤٦۰/۵۵	٤٦/۷۱	۰/۰۰	٦/۷۵	۵۲۰/۷۷	۸۸/٤٤	۸/۹۷
	۱۳۷۲	۳۸۱/۳٦	٤۱/٦۸	۰/۰۰	۳/۸۷	٤۳۰/۷۹	۸۸/۵۳	۹/٦۸
	۱۳۷۳	۳۲۰/۱۹	۵۵/۱۳	۰/۰۰	٤/۲٦	۳۸۳/۸٤	۸۳/٤۲	۱٤/۳٦
	میانگین	٤۷۰/۷۷	۵٦/۳٤	۰/۰۰	۵/۹۵	۵۳۹/۰۰	۸۷/۱۰	۱۰/۷۳
برنامهٔ دوم توسعهٔ اقتصادی و اجتماعی	۱۳۷٤	۳۵۱/۵۲	۵۸/۱۳	۰/۰۰	۳/۵۵	٤۱٦/۷٦	۸٤/۳۵	۱۳/۹۵
	۱۳۷۵	۲۰۲/٤٤	۵۵/۹۷	۰/۰۰	۳/۹٤	۲٦٦/۲۸	۷٦/۰۲	۲۱/۰۲
	۱۳۷٦	۱۲۵/٦۰	٤۵/٦٦	۰/۰۰	٤/۵۱	۱۸۰/۲۸	٦۹/٦۷	۲۵/۳۳
	۱۳۷۷	۲۷۱/۳۳	٤٤/۹٤	۰/۱٦	۵/۰۸	۳۲٦/۵۹	۸۳/۰۸	۱۳/۷٦
	۱۳۷۸	۳۷۳/۰۹	۷٦/۰٦	۰/۳۷	۵/٦۸	٤٦۰/۸۹	۸۰/۹۵	۱٦/۵۰
	میانگین	۲٦٤/۸۰	۵٦/۱۵	۰/۱۱	٤/۵۵	۳۳۰/۱٦	۷۸/۸۱	۱۸/۱۱
برنامهٔ سوم توسعهٔ اقتصادی و اجتماعی	۱۳۷۹	٤۲۹/۵۲	۸۱/۰۳	۰/۵٤	۸/٦٦	۵۲۸/٤۱	۸۱/۲۹	۱۵/۳۳
	۱۳۸۰	۳۲۲/۹٤	۵٤/۷۸	۱/۲۰	۸/۳۸	۳۹۵/٦۸	۸۱/٦۲	۱۳/۸۵
	۱۳۸۱	۲۸۷/۲۵	٦۱/۹۹	۳/۰۰	۸/۱۰	۳٦۸/٤٤	۷۷/۹٦	۱٦/۸۳
	۱۳۸۲	۲۳۲/٦۲	٦۸/۱۵	۱۵/٦۷	۹/۳۷	۳۳۵/۱۹	٦۹/٤۰	۲۰/۳۳
	۱۳۸۳	۲۷۵/۹۳	۱۰۳/٤۵	۱۰۰/۵۷	۱۱/۰۱	۵۰۱/۹۷	۵٤/۹۷	۲۰/٦۱
	میانگین	۳۰۹/٦۵	۷۳/۸۸	۲٤/۲۰	۹/۱۰	٤۲۵/۹٤	۷۳/۰۵	۱۷/۳۹
برنامهٔ چهارم توسعهٔ اقتصادی و اجتماعی	۱۳۸٤	۱۷۹/٦٤	۱۳۸/۱۵	٦٦/۰۵	۰/۰۰	۳۸۳/۸٤	٤٦/۸۰	۳۵/۹۹
	۱۳۸۵	۲۱۵/۳۹	۱۳۸/۰۸	۱۱۰/۹۰	۰/۰۰	٤٦٤/۳۷	٤٦/۳۸	۲۹/۷٤
	۱۳۸٦	۲۰۱/۲۱	۱۵۱/۹۳	٤٦/۹٤	۰/۰۰	٤۰۰/۰۹	۵۰/۲۹	۳۷/۹۷
	۱۳۸۷	۱۷۳/۳۱	۹۱/٦۵	٤۲/۷۹	۰/۰۰	۳۰۷/۷۵	۵٦/۳۱	۲۹/۷۸
	۱۳۸۸	۱٤۲/٦۳	۷۰/۱٦	٦۵/۵۹	۰/۰۰	۲۷۸/۳۹	۵۱/۲٤	۲۵/۲۰
	۱۳۸۹	۱۵٤/٤۲	۷۱/۲٦	٦۸/۲۰	۰/۰۰	۲۹۳/۸۸	۵۲/۵۵	۲٤/۲۵
	میانگین	۱۷۷/۷۷	۱۱۰/۲۱	٦٦/۷۵	۰/۰۰	۳۵٤/۷۲	۵۰/٦۰	۳۰/٤۹
پیش بینی برنامهٔ پنجم توسعهٔ اقتصادی و اجتماعی	۱۳۹۰	۲۱۹/۰۳	۵۹/۱۳	٦۳/۹٦	۰/۰۰	۳٤۲/۱۳	٦٤/۰۲	۱۷/۲۸
	۱۳۹۱	۲۷۱/۹۲	۷۰/۵٤	٦٤/۱٤	۰/۰۰	٤۰٦/٦۰	٦٦/۸۸	۱۷/۳۵
	۱۳۹۲	۲۷۲/۷۷	٦۹/٤۱	٦۵/۱۹	۰/۰۰	٤۰۷/۳۷	٦٦/۹٦	۱۷/۰٤
	۱۳۹۳	۲۷٤/٤۲	٦۸/۲۱	٦٦/٤۹	۰/۰۰	٤۰۹/۱۲	٦۷/۰۸	۱٦/٦۷
	۱۳۹٤	۲۹٤/۵۰	۷۱/٤٦	٦۸/۰۳	۰/۰۰	٤۳۳/۹۹	٦۷/۸٦	۱٦/٤۷
	میانگین	۲٦٦/۵۳	٦۷/۷۵	٦۵/۵٦	۰/۰۰	۳۹۹/۸٤	٦٦/۵٦	۱٦/۹٦

همان‌طور که در نمودار (۲-۱-۳-۵) نیز مشاهده می‌شود، پرداخت‌های بودجه‌ای در قیمت‌های ثابت سال پایهٔ ۱۳۸۴ پس از جنگ تا سال ۱۳۷۶ روندی کاهشی داشته است. پس از آن با رشد سطح زیرکشت و افزایش شکاف قیمت داخلی و خارجی نهاده‌های تولیدی، و سپس شناورسازی نرخ ارز در سال ۱۳۸۱، پرداخت‌های بودجه‌ای رشد فزاینده‌ای پیدا کرد که تا پایان برنامهٔ چهارم ادامه داشت.

پس از بررسی اجزای حمایت از تولیدکننده، یعنی حمایت قیمتی و پرداخت‌های بودجه‌ای در جدول (۴-۱-۳-۵) نتایج محاسبهٔ شاخص‌های حمایت از تولیدکننده آمده است. در ستون اول این جدول همانند جدول (۲-۱-۳-۵) روند شاخص انحراف نرخ ارز مشاهده می‌شود که در دورهٔ جنگ و برنامه‌های دوم و سوم نرخ حقیقی ارز بیش از نرخ تعادلی آن بوده است.

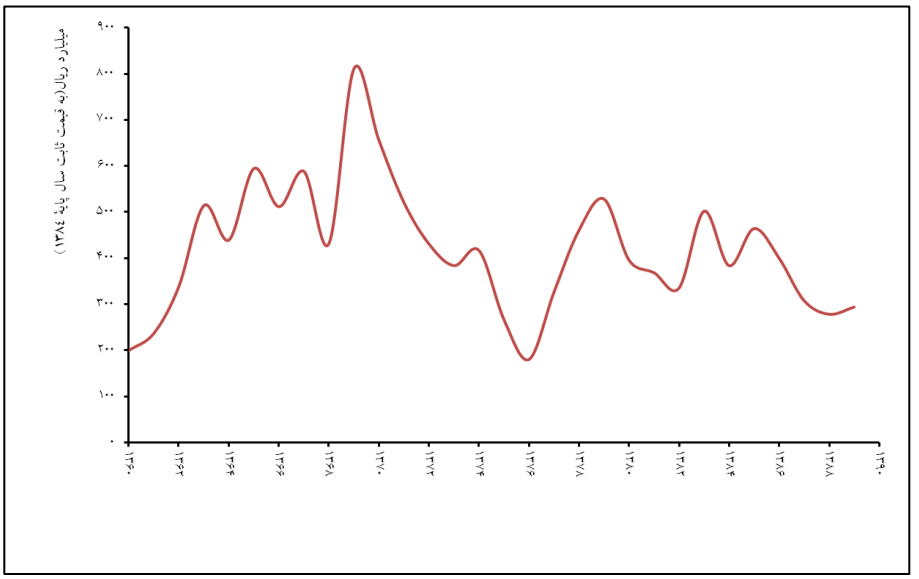

نمودار ۲-۱-۳-۵) نمودار روند پرداخت‌های بودجه‌ای دولت‌ها طی برنامه‌های مختلف توسعه

شاخص برآورد حمایت از تولیدکننده (PSE) که مجموع حمایت از قیمت بازاری(MPS) و حمایت‌های بودجه‌ای(BP) را نشان می‌دهد، بیانگر آن است که با

تعدیل قیمت‌ها با نرخ ارز حقیقی، سیاست‌های حمایتی تنها در برنامه‌های سوم و چهارم حمایت‌کننده بوده است، به طوری که براساس قیمت‌های ثابت سال ۱۳۸۴، مقدار حمایت‌ها از ۶۳۲۸- در دوران جنگ به ۹۰۹ میلیارد ریال در برنامهٔ سوم افزایش یافته است و در بیشتر سال‌های برنامه‌های سوم و چهارم با اعمال نرخ حقیقی ارز تولیدکنندگان سیب حمایت شده‌اند.

مقایسهٔ نتایج جدول‌های (۴-۱-۳-۵)، (۳-۱-۳-۵) و (۲-۱-۳-۵) نشان می‌دهد تا سال ۱۳۷۱ و پیش از اجرای سیاست‌های آزادسازی سهم حمایت‌های قیمتی در کل حمایت مستقیم از تولیدکننده بیشتر از حمایت‌های بودجه‌ای بوده و پس از آن نیز تنها در سه سال چنین نبوده است که نشان می‌دهد دخالت دولت در بازار محصول، از راه سیاست‌های ارزی و جهت‌دهی به قیمت داخلی با تعیین قیمت تضمینی، بیشتر از پرداخت‌های بودجه‌ای حمایت‌کنندهٔ سیب‌کاران بوده است. با وجود پرداخت‌های بودجه‌ای در دورهٔ جنگ و برنامه‌های اول و دوم توسعه، حمایت کل از تولیدکننده (PSE) هم‌علامت با حمایت‌های قیمتی، منفی بوده است. در دو برنامهٔ سوم و چهارم در بیشتر سال‌ها حمایت‌های قیمتی و بودجه‌ای با تقویت یکدیگر موجب حمایت از تولیدکنندگان شدند.

در جدول (۴-۱-۳-۵) شاخص حمایت از تولیدکنندگان براساس نرخ ارز تعادلی(اثرکل) روندی مشابه اثرمستقیم داشته است و تا سال ۱۳۷۶، همواره منفی بوده و سپس در برنامهٔ سوم، با توسعهٔ حمایت‌های بودجه‌ای و بازاری برآمده از کاهش قیمت جهانی مثبت شده است.

جدول ۴-۱-۳-۵ شاخص‌های حمایت از تولیدکنندگان سیب

برنامه های توسعه	درصد انحراف نرخ ارز	سال	ارزش اثرمستقیم به قیمت ثابت سال ۱۳۸۴ (میلیارد ریال)	ارزش اثر کل به قیمت ثابت سال ۱۳۸۴ (میلیارد ریال)	%PSE اثر مستقیم	%PSE اثر غیرمستقیم	%PSE اثر کل
دورهٔ جنگ	۲۶/۸۱	۱۳۶۰	-۳۳۸۸	-۲۳۱۴	-۶۳/۲۵	۸/۳۵	-۵۴/۹۰
	۳۸/۹۰	۱۳۶۱	-۵۶۰۱	-۳۴۹۴	-۷۱/۹۰	۹/۴۱	-۶۲/۵۰
	۳۸/۶۷	۱۳۶۲	-۷۲۹۴	-۴۶۳۰	-۷۳/۵۱	۸/۶۴	-۶۴/۸۷
	۴۷/۶۸	۱۳۶۳	-۹۱۰۷	-۵۴۷۱	-۷۷/۲۰	۸/۵۳	-۶۸/۶۷
	-۱۳/۱۶	۱۳۶۴	-۱۳۰۰۵	-۱۵۳۵۸	-۸۲/۶۲	-۲/۰۶	-۸۴/۶۷
	-۲/۷۱	۱۳۶۵	-۷۶۱۹	-۷۹۳۱	-۷۱/۸۸	-۰/۹۰	-۷۲/۷۸
	۷۵/۷۲	۱۳۶۶	-۳۵۶۳	-۱۱۳۲	-۵۸/۱۵	۲۵/۳۲	-۳۲/۸۳
	۸۹/۸۷	۱۳۶۷	-۱۰۴۷	۱۴۵	-۳۴/۲۲	۴۳/۵۲	۹/۳۰
	۳۷/۷۲	میانگین	-۶۳۲۸	-۵۰۲۳	-۶۶/۵۹	۱۲/۶۰	-۵۳/۹۹
برنامهٔ اول توسعهٔ اقتصادی و اجتماعی	۵۰/۶۲	۱۳۶۸	-۸۳۲	-۱۰۵	-۳۲/۰۷	۲۵/۸۵	-۶/۲۲
	-۴/۳۰	۱۳۶۹	-۷۹۳	-۹۷۷	-۲۲/۹۹	-۴/۰۶	-۲۷/۰۵
	-۱۰/۸۴	۱۳۷۰	-۵۴۰	-۸۶۹	-۱۸/۸۲	-۸/۰۴	-۲۶/۸۶
	-۴۷/۰۳	۱۳۷۱	۱۰۳	-۱۷۲۸	۴/۲۸	-۴۱/۴۸	-۳۷/۱۹
	-۵۱/۴۱	۱۳۷۲	-۵۲۹	-۳۱۱۲	-۱۹/۴۴	-۳۴/۵۸	-۵۴/۰۳
	-۴۱/۲۹	۱۳۷۳	۳۹۷	-۱۹۷۲	۱۱/۱۸	-۴۳/۰۳	-۳۱/۸۵
	-۱۷/۳۸	میانگین	-۳۶۶	-۱۴۶۱	-۱۲/۹۸	-۱۷/۵۵	-۳۰/۵۳
برنامهٔ دوم توسعهٔ اقتصادی و اجتماعی	-۳۱/۹۷	۱۳۷۴	-۵۹۶	-۳۲۳۵	-۱۰/۱۷	-۲۷/۱۰	-۳۷/۲۸
	-۱۶/۱۸	۱۳۷۵	-۱۱۲۸	-۲۰۶۱	-۲۳/۵۳	-۱۲/۳۲	-۳۵/۸۵
	-۰/۸۹	۱۳۷۶	۱۱۲۸	۱۰۷۴	۳۹/۸۷	-۲/۲۷	۳۷/۶۰
	۳۳/۱۵	۱۳۷۷	-۴۸۸	۳۲۱	-۱۳/۵۷	۲۵/۶۲	۱۲/۰۵
	۲۹/۱۰	۱۳۷۸	۳۲۴	۱۱۳۵	۷/۸۳	۲۷/۹۴	۳۵/۷۷
	۲/۶۴	میانگین	-۱۵۲	-۵۵۳	۰/۰۸	۲/۳۷	۲/۴۶
برنامهٔ سوم توسعهٔ اقتصادی و اجتماعی	۱۶/۹۶	۱۳۷۹	۱۷۴۲	۲۱۳۵	۵۰/۲۴	۲۲/۲۷	۷۲/۵۲
	۱۶/۵۴	۱۳۸۰	-۱۷۷	۴۰۷	-۳/۸۴	۱۴/۱۵	۱۰/۳۱
	۱۲/۹۹	۱۳۸۱	۲۴۹۰	۲۹۰۰	۶۰/۶۶	۱۹/۵۳	۸۰/۱۹
	۳/۸۵	۱۳۸۲	۷۴۲	۸۶۶	۱۶/۲۵	۳/۴۸	۱۹/۷۳
	-۲/۷۹	۱۳۸۳	-۲۵۱	-۴۵۲	-۴/۸۶	-۳/۶۴	-۸/۴۹
	۹/۵۱	میانگین	۹۰۹	۱۱۷۱	۲۳/۶۹	۱۱/۱۶	۳۴/۸۵
برنامهٔ چهارم توسعهٔ اقتصادی و اجتماعی	-۶/۱۸	۱۳۸۴	-۳۱۷۸	-۳۸۲۲	-۳۶/۵۸	-۴/۶۴	-۴۱/۲۲
	-۱۰/۷۰	۱۳۸۵	-۵۰۸	-۱۴۹۰	-۶/۶۰	-۱۰/۶۴	-۱۷/۲۳
	-۱۳/۰۹	۱۳۸۶	۱۲۹۲	۱۶۲	۱۸/۲۸	-۱۶/۲۹	۱/۹۹
	-۷/۷۴	۱۳۸۷	۱۲۲۳	۶۵۴	۱۹/۳۹	-۹/۸۴	۹/۵۵
	-۳/۳۲	۱۳۸۸	۳۴۲۰	۳۲۶۲	۹۶/۲۷	-۷/۶۰	۸۸/۶۷
	-۱۷/۴۵	۱۳۸۹	۱۳۳۲	۵۰۴	۳۴/۳۴	-۲۳/۶۷	۱۰/۶۷
	-۹/۷۵	میانگین	۵۹۷	-۱۲۲	۲۰/۸۵	-۱۲/۱۱	۸/۷۴
پیش بینی برنامهٔ پنجم توسعهٔ اقتصادی و اجتماعی	-۱۹/۲۲	۱۳۹۰	۳۵۸	-۵۰۷	۹/۸۴	-۲۱/۰۵	-۱۱/۲۱
	-۲۱/۱۴	۱۳۹۱	-۹۱۹	-۲۱۳۱	-۲۰/۰۳	-۱۶/۴۴	-۳۶/۴۷
	-۲۳/۰۷	۱۳۹۲	-۱۲۶۱	-۲۶۱۳	-۲۷/۳۶	-۱۶/۰۷	-۴۳/۴۳
	-۲۴/۹۸	۱۳۹۳	-۱۵۶۹	-۳۰۶۷	-۳۳/۹۰	-۱۵/۶۲	-۴۹/۵۱
	-۲۲/۰۹	۱۳۹۴	-۲۱۲۹	-۳۴۹۳	-۴۳/۰۰	-۱۱/۸۱	-۵۴/۸۱
	-۲۲/۱۰	میانگین	-۱۱۰۴	-۲۳۶۲	-۲۲/۸۹	-۱۶/۲۰	-۳۹/۰۸

منبع: یافته‌های پژوهش

در برنامهٔ چهارم به دلیل کم‌براود ارزش حقیقی پول ملی میانگین اثرکل حمایت از تولیدکنندگان منفی شد. یعنی نرخ تعادلی ارز برآمده از متغیرهای بنیادین اقتصاد ایران که شرایط عمومی اقتصاد را نشان می‌دهد، از رقابت‌پذیری تولیدکنندگان سیب می‌کاهد و پیش‌بینی می‌شود این روند در برنامهٔ پنجم نیز ادامه پیدا کند که در بلندمدت کاهش انگیزهٔ تولیدکنندگان و صادرات را در پی دارد.

همان‌طور که بیان شد، در ارزیابی سیاست‌های حمایتی از تولیدکنندگان، شاخص حمایت درصدی از تولیدکننده (PSE٪) مهم‌تر از شاخص ارزشی حمایت از تولیدکننده (PSE) است، زیرا مقایسهٔ بهتری از حمایت را در طی زمان، بین کشورها و همچنین کالاهای مختلف، امکان‌پذیر می‌سازد. نتایج محاسبهٔ این شاخص نیز در جدول (۴-۱-۳-۵) مشاهده می‌شود.

میانگین ۶۶- درصد شاخص PSE٪ که با رهیافت تجارت‌محور و نرخ حقیقی ارز برای دورهٔ جنگ محاسبه شده است، نشان می‌دهد مقدار دریافتی تولیدکننده ۶۶ درصد از آنچه می‌توانست با فروش محصولش با قیمت جهانی به دست آورد، کمتر بوده است. به بیان دیگر، سیاست‌های حمایتی در این دوره موجب شده است تولیدکننده ۶۶٪ از درآمدی را که در شرایط بدون چنین سیاست‌هایی می‌توانست به دست آورد به شکل نوعی مالیات پنهان از دست بدهد. میانگین این شاخص با نرخ ارز حقیقی در برنامهٔ سوم توسعه ۲۳ درصد برآورد شده است؛ یعنی باغداران در این برنامه به اندازهٔ ۲۳ درصد از درآمدی که در صورت فروش محصول با قیمت جهانی به دست می‌آورند، حمایت شده‌اند. در این برنامه سیاست‌های حمایتی موجب حمایت مثبت از تولیدکننده شده و دریافتی او را نسبت به بازار جهانی افزایش داده است که می‌تواند به افزایش توان رقابتی تولیدکنندگان و توسعهٔ تولید و در نتیجه تقویت تراز تجاری بخش کشاورزی بینجامد. در دورهٔ جنگ به علت اجرای سیاست‌های تثبیتی برای حمایت از مصرف‌کنندگان، سیاست‌ها به منظور کمتر نگه

داشتن قیمت داخلی و کشاورزان ناگزیر از پرداخت مالیات پنهان زیادی بودند؛ این شرایط تا آغاز اجرای سیاست‌های آزادسازی در برنامهٔ اول توسعه با نرخ کاهشی ادامه داشت. رشد قیمت داخلی، همزمان با کاهش و ثبات نسبی قیمت‌های صادراتی سیب‌کاران را حمایت کرد. اما بیشترین مقدار اثر مستقیم و تأثیر سیاست‌های بخشی در حمایت از تولیدکنندگان سیب در برنامهٔ سوم بود. میانگین حمایت از کشاورزان در برنامهٔ چهارم ۲۰/۸ درصد بود که نشان می‌دهد در پی اجرای سیاست‌های بخشی و اعمال نرخ ارز حقیقی، کشاورزان در مقابل رقبای خارجی خود و نسبت به شرایط بدون اجرای سیاست، درآمد بیشتری به‌دست‌آورده‌اند. پیش‌بینی می‌شود در برنامهٔ پنجم حمایت از کشاورزان تا ۲۲- درصد کاهش پیدا کند. در سال ۱۳۸۸، به دلیل پیش‌بینی افزایش قیمت‌های جهانی در سال ۱۳۸۷ قیمت داخلی سیب نسبت به سال قبل بیشتر تعیین شد، در حالی که قیمت جهانی با کاهش روبه‌رو شد. از این رو، دریافتی برآمده از سیاست‌های حمایتی بخشی کشاورزان در این سال ۹۶٪ از ارزش تولید برحسب قیمت جهانی تعدیل شده با نرخ ارز حقیقی و برابر کل درآمد کشاورزان بدون اجرای سیاست بوده است که بیشترین حمایت در طی ۳۰ سال است، اما کاهش آن به ۳۴ درصد در سال ۱۳۸۹ نشان‌دهندهٔ عدم ثبات اجرای سیاست‌های حمایتی است که همواره عاملی منفی در برنامه‌ریزی کشاورزان به‌شمار می‌رود.

میانگین اثر کل که مجموع اثر سیاست‌های بخشی و کلان اقتصادی (سیاست‌های ارزی) در حمایت از تولیدکنندگان سیب را نشان می‌دهد، به جز برنامه‌های دوم تا چهارم، در دیگر دوره‌ها منفی ارزیابی شده و مقدار آن نوسان سالانهٔ زیادی داشته است، به طوری که در مقایسهٔ دوره‌هایی که کمترین و بیشترین حمایت را داشته‌اند، دورهٔ جنگ با ۵۳- درصد و برنامهٔ سوم با ۳۴ درصد نیز تفاوت زیادی نمایان است که علت آن افزایش پرداخت‌های بودجه‌ای دولت، بهبود حمایت‌های قیمتی برآمده از

کاهش قیمت جهانی و اجرای سیاست‌های ارزی است. با وجود این در سال‌های یک برنامه، به‌ویژه دو برنامهٔ پایانی، نوسان زیادی به چشم می‌خورد و دورهٔ جنگ با وجود حمایت نکردن از کشاورزان دامنهٔ تغییرات کمتری دارد.

میانگین اثر غیرمستقیم PSE٪ که نشان‌دهندهٔ اثر سیاست‌های ارزی بر مقدار حمایت از تولیدکنندگان سیب است، در دورهٔ جنگ و برنامه‌های دوم و سوم توسعه مثبت بوده است. در این سه دوره، بیش‌برآورد ارزش ریال، به طور متوسط موجب حمایت از تولیدکنندگان شده است. در دورهٔ جنگ و در برنامهٔ چهارم توسعه، سیاست‌های ارزی و بخشی خلاف جهت یکدیگر بوده‌اند، به‌طوری که مقادیر مثبت اثر غیرمستقیم در دورهٔ جنگ موجب کاهش اثر منفی سیاست‌های خاص بخش کشاورزی در حمایت از تولیدکنندگان سیب در این دوره شده و در برنامهٔ دوم توسعه اثر منفی سیاست‌های ارزی، اثر مثبت سیاست‌های بخشی را در حمایت از تولیدکنندگان تضعیف کرده است. در دیگر برنامه‌های توسعه، سیاست‌های ارزی و بخشی همسو بوده است. به طوری که در برنامه‌های اول و پنجم، اثر منفی سیاست‌های ارزی، حمایت‌های منفی از محصول سیب را تقویت و در برنامه‌های دوم و سوم، اثر مثبت این سیاست‌ها، حمایت‌های بخش کشاورزی از تولیدکنندگان را پشتیبانی کرده است. در بیشتر سال‌های دورهٔ بررسی‌شده (۱۳۸۹-۱۳۶۰)، مقادیر مطلق اثرمستقیم بیشتر از اثر غیرمستقیم بوده است. به عبارت دیگر، نقش سیاست‌های بخشی در اندازهٔ اثر کل، بیشتر از سیاست‌های ارزی است. شایان ذکر است در برنامهٔ اول با اجرای سیاست‌های آزادسازی اقتصادی، نقش سیاست‌های ارزی پررنگ‌تر بوده است. از آنجا که سیب از محصولات صادراتی است، سیاست‌های ارزی بر انگیزهٔ تولیدی و صادراتی باغداران تأثیر مستقیم دارد. از این رو، چنان‌که مشاهده می‌شود، کم‌برآورد ارزش ریال در برنامهٔ چهارم توسعه با حمایت نکردن از کشاورزان، افزون بر کاهش رشد صادرات، موجب تبدیل شدن کشور به واردکنندهٔ

سیب شده است که ادامهٔ این روند بـه تولیـدکننـدگان سـیب آسـیب مـی‌رسـاند و موقعیت ایران را در بازارهای جهانی تضعیف می‌کند.

۳-۱-۳-۵ بررسی مقادیر حمایت از مصرف‌کنندگان سیب طی برنامه‌های توسعه

در محاسـبهٔ شـاخص حمایـت از مصـرف‌کننـدگان از انتقـال‌هـای قیمتـی از مصرف‌کنندگان به تولیدکننـدگان، مالیـات‌دهنـدگان بـه مصـرف‌کننـدگان و دیگـر انتقال‌ها به مصرف‌کنندگان استفاده مـی‌شـود کـه در محاسـبهٔ ایـن شـاخص بـرای محصول سیب، از آنجا که پرداخت مستقیمی به مصرف‌کنندگان از راه بودجهٔ سالانهٔ دولت(مالیات‌دهنـدگان) صـورت نمـی‌پـذیرد، تنهـا انتقـال از مصـرف‌کننـدگان بـه تولیدکنندگان و واردکنندگان به مصرف‌کنندگان در محاسـبه بـه کـار گرفتـه شـده است. در جدول (۵-۱-۳-۵) مقادیر شاخص حمایت درصدی مصرف‌کنندگان سـیب (CSE٪) طی دورهٔ مورد بررسی (۸۹-۱۳۶۰) گزارش شده است.

بررسی ارزش حمایت مستقیم از مصرف‌کنندگان سیب برحسب قیمت‌های ثابـت سال ۱۳۸۴، بیانگر آن است که حمایت از مصرف‌کنندگان در بیشتر سـال‌هـا منفـی بوده است. در سال‌های ۱۳۸۲-۱۳۸۱ با اجرای سیاست تک‌نرخی شدن ارز، حمایـت از مصرف‌کنندگان صورت نپذیرفت و آنان ناگزیر از پرداخت مالیات پنهان شـدند، در برنامهٔ چهارم نیز با افزایش قیمـت‌هـای داخلـی، مصـرف‌کننـدگان داخلـی بـه طـور میانگین ۱۸۵ میلیارد ریال، به قیمت ثابت سال ۱۳۸۴، بیشـتر از مصـرف‌کننـدگان دیگر کشورها پرداختند. حمایت از مصـرف‌کننـدگان برحسـب نـرخ ارز تعـادلی نیـز روندی مشابه داشته و تنها در برنامه‌های سوم و چهارم، میانگین آن منفی بوده است. یعنـی افـزایش قیمـت داخلـی نسـبت بـه قیمـت جهـانی موجـب حمایـت نشـدن مصرف‌کنندگان سیب داخلی نسبت به مصرف‌کننـدگان بـازار جهـانی مـی‌شـود. در

برنامهٔ چهارم به دلیل کم‌برآورد ارزش حقیقی ریال، مصرف‌کنندگان تحت تأثیر متغیرهای اساسی اقتصاد، نسبت به برنامهٔ سوم ناگزیر از پرداخت مالیات کمتری شده‌اند. در برنامهٔ سوم در صورت برقراری نرخ ارز تعادلی بلندمدت اقتصاد، مصرف‌کنندگان ایرانی سیب مورد حمایت قرار نگرفتند.

درصد حمایت از مصرف‌کنندگان(CSE٪) با نرخ ارز حقیقی، نشان می‌دهد حمایت از مصرف‌کنندگان سیب در دورهٔ جنگ ۷۲ درصد از پرداختی مصرف‌کنندگان را برحسب قیمت‌های تعدیل‌شدهٔ جهانی شامل شده است. یعنی در شرایط کنونی با اجرای سیاست‌های قیمتی، مصرف‌کنندگان، به اندازهٔ ۷۲ درصد آنچه (در صورتی که بازار آزاد باشد) باید می‌پرداختند، حمایت دریافت می‌کنند. در حقیقت حدود یک چهارم آنچه می‌بایست می‌پرداختند برای مصرف سیب هزینه کرده‌اند. درصد حمایت‌ها در برنامهٔ چهارم به کمترین مقدار رسیده و مصرف‌کنندگان سیب ۱۴ درصد از آنچه در بازار جهانی باید می‌پرداختند، بیشتر پرداخت کرده‌اند.

براساس نتایج جدول (۶-۱-۳-۵) اثر کل روند مشابهی با اثر مستقیم دارد و چگونگی حمایت از مصرف‌کنندگان سیب را با برقراری نرخ ارز تعادلی بلندمدت اقتصاد ایران بیان می‌کند. در برنامهٔ سوم توسعه که با اجرای سیاست یکسان‌سازی نرخ ارز همزمان است، حمایت از مصرف‌کنندگان سیب براساس این شاخص کمترین مقدار را دارد، به طوری که مصرف‌کنندگان سیب با برقراری سیاست‌های ارزی و بخشی ۲۶ درصد از آنچه در شرایطی که هیچ سیاست ارزی و بخشی اجرا نشود کمتر می‌پردازند. در برنامهٔ چهارم با وجود رشد قیمت‌های داخلی سیب، به دلیل اجرای سیاست کم‌برآورد ارزش ریال، حمایت از مصرف‌کنندگان نسبت به برنامهٔ سوم افزایش پیدا کرد و به ۳- درصد رسید.

جدول ۶-۱-۳-۵) شاخص‌های حمایت از مصرف‌کنندگان سیب

برنامه های توسعه	درصد انحراف نرخ ارز	سال	ارزش اثرمستقیم به قیمت ثابت سال ۱۳۸٤ (میلیارد ریال)	ارزش اثر کل به قیمت ثابت سال ۱۳۸٤	%CSE اثر مستقیم	%CSE اثر غیرمستقیم	%CSE اثر کل
دورهٔ جنگی	۲٦/۸۱	۱۳٦۰	۳۲۲۹	۲۲۰۱	٦٦/۹۷	-۸/۹۵	۵۸/۰۲
	۳۸/۹۰	۱۳٦۱	۵۲۵٤	۳۲۷۵	۷٤/۹٤	-۹/۸٦	٦۵/۰۹
	۳۸/٦۷	۱۳٦۲	٦۸٦۹	٤۳٦۲	۷٦/۹۳	-۹/۰۱	٦۷/۹۲
	٤۷/٦۸	۱۳٦۳	۸٦۵۷	۵۲۱۲	۸۱/۵٦	-۸/۸٦	۷۲/۷۰
	-۱۳/۱٦	۱۳٦٤	۱۲۰۲۷	۱٤۱۷۱	۸۵/٤۱	۱/۹۳	۸۷/۳٤
	-۲/۷۱	۱۳٦۵	۷۲٤۷	۷۵۰۹	۷۷/٤۹	۰/٦۱	۷۸/۱۱
	۷۵/۷۲	۱۳٦٦	۳۵۷۰	۱۲۲۲	٦٦/۵۰	-۲٦/۰٤	٤۰/٤٦
	۸۹/۸۷	۱۳٦۷	۱٤٤۵	۱۲۰	۵۳/٤۵	-٤٤/۷۳	۸/۷۲
	۳۷/۷۲	میانگین	٦۰۳۷	٤۷۵۹	۷۲/۹۱	-۱۳/۱۱	۵۹/۷۹
برنامهٔ اول توسعهٔ اقتصادی و اجتماعی	۵۰/٦۲	۱۳٦۸	۱۱۱۲	۳۱۸	٤۸/۷۲	-۲۷/۳٤	۲۱/۳۹
	-٤/۳۰	۱۳٦۹	۱٤۰۰	۱۵٤۰	٤٦/۵۱	۲/۳۸	٤۸/۸۹
	-۱۰/۸٤	۱۳۷۰	۸۹٦	۱۱٦۹	٤۱/٦۷	٦/۵۸	٤۸/۲٤
	-٤۷/۰۳	۱۳۷۱	۳٤۲	۲۱۸۰	۱۷/٤۲	۳۹/۹۵	۵۷/۳۷
	-۵۱/٤۱	۱۳۷۲	۷۳۷	۳۰٦۷	۳۵/۲٦	۳٤/۱۳	٦۹/۳۹
	-٤۱/۲۹	۱۳۷۳	-۱۱	۲۱۱۵	-۰/۳۷	٤۲/۷۹	٤۲/٤۲
	-۱۷/۳۸	میانگین	۷٤٦	۱۷۳۲	۳۱/۵٤	۱٦/٤۲	٤۷/۹۵
برنامهٔ دوم توسعهٔ اقتصادی و اجتماعی	-۳۱/۹۷	۱۳۷٤	۸۱۵	۳۰۸۲	۱۷/۲۸	۲٦/۸۵	٤٤/۱٤
	-۱٦/۱۸	۱۳۷۵	۱۱۱۷	۱۸۸٤	۲۹/۰۹	۱۱/۸۰	٤۰/۸۹
	-۰/۸۹	۱۳۷٦	-۷۹۷	-۷۷۵	-۳۳/۵۰	۱/۲٦	-۳۲/۲٤
	۳۳/۱۵	۱۳۷۷	٦٦۰	-۹٤	۲۲/٦۵	-۲۷/۰۱	-٤/۳٦
	۲۹/۱۰	۱۳۷۸	۱۱۳	-٦۸٦	۳/۳۰	-۲۹/٤۵	-۲٦/۱۵
	۲/٦٤	میانگین	۳۸۱	٦۸۲	۷/۷٦	-۳/۳۱	٤/٤٦
برنامهٔ سوم توسعهٔ اقتصادی و اجتماعی	۱٦/۹٦	۱۳۷۹	-۱۰۱۷	-۱٤۵۵	-۳۵/۰۰	-۲۳/۹۸	-۵۸/۹۹
	۱٦/۵٤	۱۳۸۰	٤۹٤	-۹۰	۱۲/٤۰	-۱۵/۰۳	-۲/٦۳
	۱۲/۹۹	۱۳۸۱	-۱۸۲٦	-۲۲٤۷	-۵۱/٦۹	-۲۰/۵۲	-۷۲/۲۱
	۳/۸۵	۱۳۸۲	-۳٤۷	-٤۹۸	-۸/۹۱	-٤/۳٦	-۱۳/۲۷
	-۲/۷۹	۱۳۸۳	٦۳٦	۷٦۵	۱٤/۵۸	۲/٤٦	۱۷/۰٤
	۹/۵۱	میانگین	-٤۱۲	-۷۰۵	-۱۳/۷۲	-۱۲/۲۹	-۲٦/۰۱
برنامهٔ چهارم توسعهٔ اقتصادی و اجتماعی	-٦/۱۸	۱۳۸٤	۳۰۲۹	۳۵۲۵	٤۱/۰۰	۳/۷۲	٤٤/۷۲
	-۱۰/۷۰	۱۳۸۵	۷۹۵	۱۵٦۷	۱۲/٦۳	۹/۵٤	۲۲/۱۷
	-۱۳/۰۹	۱۳۸٦	-۷۱۷	۱٦۲	-۱۲/٦۲	۱۵/۰۸	۲/٤٦
	-۷/۷٤	۱۳۸۷	-۷۲۵	-۲۹۵	-۱٤/۵۱	۹/۰۸	-۵/٤٤
	-۳/۳۲	۱۳۸۸	-۲۸۱۵	-۲۷۰۲	-۸۸/٤۳	٦/٤۵	-۸۱/۹۸
	-۱۷/٤۵	۱۳۸۹	-٦۷۷	-۱۲۹	-۲٦/۷۷	۲۲/۵۹	-٤/۱۸
	-۹/۷۵	میانگین	-۱۸۵	۳۵۵	-۱٤/۷۸	۱۱/۰۸	-۳/۷۱
پیش بینی برنامهٔ پنجم توسعهٔ اقتصادی و اجتماعی	-۱۹/۲۲	۱۳۹۰	-۱۰	۵٦۷	-۰/٤۳	۱۹/۷٦	۱۹/۳۳
	-۲۱/۱٤	۱۳۹۱	۸۵۵	۱٦٦۳	۲۸/۸۹	۱۵/۲۷	٤٤/۱٦
	-۲۳/۰۷	۱۳۹۲	۱۰۷۱	۱۹۷۳	۳٦/۱۹	۱٤/۹۲	۵۱/۱۱
	-۲٤/۹۸	۱۳۹۳	۱۲٦۵	۲۲٦۵	٤۲/۷۳	۱٤/٤۷	۵۷/۲۰
	-۲۲/۰۹	۱۳۹٤	۱٦۳۵	۲۵٤۲	۵۱/۷۷	۱۰/۷٦	٦۲/۵۳
	-۲۲/۱۰	میانگین	۹٦۳	۱۸۰۲	۳۱/۸۳	۱۵/۰۳	٤٦/۸٦

منبع: یافته‌های پژوهش

علامت اثرغیرمستقیم در مورد مصرف‌کنندگان، عکس علامت انحراف نرخ ارز است، یعنی با کم برآورد ارزش ریال(انحراف منفی)، مصرف‌کنندگان حمایت می‌شوند و برعکس. به عبارت دیگر، چگونگی حمایت از مصرف‌کنندگان را هنگامی که سیاست ارزی برقرار است نسبت به وقتی که سیاست ارزی اجرا نمی‌شود، نشان می‌دهد. در دورهٔ جنگ و برنامه‌های دوم و سوم توسعه سیاست‌های ارزی تضعیف‌کنندهٔ سیاست‌های بخشی بوده و با اجرای سیاست ارزی، مصرف‌کنندگان سیب حمایت نشده‌اند. در حالی‌که در دیگر برنامه‌ها با اجرای سیاست ارزی کم‌برآورد ارزش حقیقی ریال، مصرف‌کنندگان سیب نسبت به شرایطی که سیاست ارزی برقرار نباشد، حمایت شده‌اند. برای مثال در برنامهٔ چهارم ۱۱٪ کمتر از قبل از اجرای سیاست ارزی پرداخت کرده‌اند. حمایت یک‌جانبه از مصرف‌کنندگان در شرایطی که سیاست‌ها حمایت‌کنندهٔ کشاورزان نباشد، از رقابت‌پذیری بازار می‌کاهد و با تضعیف تولید همزمان با تقویت تقاضا موجب افزایش واردات سیب می‌شود.

۴-۱-۳-۵ نتیجه‌گیری و پیشنهادهای سیب

چنان‌که بیان شد، سیب از محصولات صادراتی مهم زیربخش باغبانی ایران محسوب می‌شود و سیاست‌های حمایتی مختلفی از بخش تولید و مصرف آن انجام پذیرفته است. در این پژوهش مقادیر کمّی این حمایت‌ها براساس شاخص‌های MPS، PSE و CSE طی دورهٔ ۸۹-۱۳۶۰ محاسبه شده است که نتایج بیانگر وجود روند افزایشی و نوسانی در حمایت‌های قیمتی، بودجه‌ای و کل حمایت از تولیدکنندگان و روند کاهشی در حمایت از مصرف‌کنندگان سیب به قیمت ثابت سال ۱۳۸۴ بوده است. همچنین در مجموع حمایت‌های بودجه‌ای و قیمتی، حمایت‌های قیمتی در کل حمایت از تولیدگنندگان در بیشتر سال‌ها نسبت به حمایت‌های قیمتی سهم بیشتری داشته‌اند.

بررسی اثر سیاست‌های ارزی و انحراف نرخ ارز بر مقادیر حمایت از تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان سیب نشان می‌دهد این سیاست‌ها در دورهٔ جنگ و همچنین در بیشتر سال‌های برنامهٔ سوم توسعه که انحراف نرخ ارز مثبت بوده (بیش‌برآورد نرخ حقیقی ریال) بر شاخص‌های حمایت از تولیدکنندگان اثر مثبتی داشته است، در حالی که در دیگر برنامه‌های توسعه موجب کاهش حمایت از تولیدکنندگان سیب شده است، یعنی اثر غیرمستقیم تضعیف‌کنندهٔ اثر مستقیم بوده است. براساس این نتایج، اجرای سیاست‌های باثبات و بلندمدت برای پیشگیری از نوسان‌های قیمت محصول، نهاده‌ها، نرخ ارز و حمایت‌های بودجه‌ای توصیه می‌شود. در پیش‌بینی برنامهٔ پنجم نیز همانند برنامهٔ چهارم، سیاست‌های ارزی تقویت‌کنندهٔ سیاست‌های بخش کشاورزی نیست و اثرمستقیم و اثرکل هر دو منفی هستند. شاخص حمایت بازاری هم عدم حمایت از تولیدکنندگان را در بازار داخلی نسبت به بازار جهانی نشان می‌دهد، به طوری که سیاست‌های ارزی و بخشی به زیان تولیدکنندگان سیب خواهد بود.

جدول ۷-۱-۳-۵) بررسی حمایت از تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان سیب در دوره‌های ارزی

دوره	درصد انحراف نرخ ارز	%MPS			%PSE			%CSE		
		اثر مستقیم	اثر غیرمستقیم	اثر کل	اثر مستقیم	اثر غیرمستقیم	اثر کل	اثر مستقیم	اثر غیرمستقیم	اثر کل
۱۳۷۰-۱۳۶۰	۳۰/٦٦	-٦٥/٤٧	۱۱/۲۱	-٥٤/۲٦	-٥٥/۱٥	۱۰/٤۲	-٤٤/۷۳	٦٥/٤۷	-۱۱/۲۱	٥٤/۲٦
۱۳۸۰-۱۳۷۱	-۹/۳۰	-٦/۸٥	-٦/۱۳	-۱۲/۹۸	٤/۲۸	-۷/۰۸	-۲/۸۰	٦/۸٥	٦/۱۳	۱۲/۹۸
۱۳۸۹-۱۳۸۱	-٤/۹٤	۱٤/۹۷	-٤/۸۹	۱۰/۰۸	۲۱/۹۱	-٥/۹۲	۱٥/۹۸	-۱٤/۹۷	٤/۸۹	-۱۰/۰۸

منبع: یافته‌های پژوهش

متوسط شاخص‌های حمایت قیمتی، حمایت از تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان در سه دورهٔ اجرای سیاست‌های ارزی کشور در جدول (۷-۱-۳-۵) آمده است. براساس شاخص‌های درصدی حمایت از تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان سیب در

سه دهۀ بررسی، سیاست‌های بخشی در مقایسه با سیاست‌های ارزی در کل حمایت‌ها تأثیر بیشتری داشته است، زیرا قدرمطلق اثر مستقیم همواره بیشتر از اثر غیرمستقیم بوده است. در دهۀ ۱۳۶۰ به دلیل به‌کارگیری سیاست تثبیت نرخ ارز، انحراف از نرخ تعادلی به شدت افزایش یافت و با بیش‌برآورد ارزش ریال از تولیدکنندگان حمایت قیمتی شد، اما در این دوره آثار منفی سیاست‌های بخشی از جمله کم نگه داشتن قیمت داخلی در مقایسه با قیمت جهانی تا حدی زیاد بود که اثر سیاست ارزی را خنثی و در مجموع حمایت کل از تولیدکننده را منفی کرد. در دهۀ ۱۳۷۰ با برقراری سیاست ارزی چند نرخی و انحراف منفی نرخ ارز، میانگین اثرغیرمستقیم حمایت از تولیدکنندگان منفی شد، اما به طور کلی سیاست‌های بخشی در راستای حمایت بیشتر از تولیدکنندگان بهبود پیدا کرد. در دورۀ سوم سیاست‌های ارزی با برقراری نرخ ارز شناور مدیریت شده انحراف نرخ ارز کاهش پیدا کرد، اما همچنان منفی بود. این کم برآورد ارزش حقیقی ریال، با حمایت نکردن از تولیدکننده، از اثر مثبت سیاست‌های بخشی کاست، به طوری که میانگین اثر کل حمایت قیمتی در این دوره ۱۰/۸ درصد بود. در این دوره با افزایش حمایت‌ها در بخش کشاورزی اثرمستقیم در PSE٪ به ۲۲ درصد رسید. برای مصرف‌کنندگان در همۀ دوره‌ها سیاست‌های بخشی اثرگذارتر از سیاست‌های ارزی بود و در دورۀ سوم ارزی، سیاست ارزی بهبوددهندۀ اثرمنفی سیاست‌های بخشی بود، اما اثر منفی آن را به طورکامل خنثی نکرد و با اجرای سیاست‌های ارزی و بخشی مصرف‌کنندگان ۱۰ درصد از آنچه در شرایط بدون سیاست می‌پرداختند، بیشتر پرداخت کرده‌اند که نشان می‌دهد برقراری در نرخ ارز تعادلی در دهۀ ۱۳۸۰ همزمان با اجرای سیاست‌های بخشی به زیان مصرف‌کنندگان سیب بود. اما در دهۀ ۱۳۷۰ سیاست‌های بخشی و نرخ ارز تعادلی بلندمدت اقتصاد به نفع مصرف‌کنندگان، تقویت‌کنندۀ یکدیگر بودند.

به طور کلی شاخص‌های حمایت از تولید سیب روند پرنوسانی را در پی اجرای سیاست‌های ارزی و بخشی نشان می‌دهند که به افزایش ریسک در طول زمان منجر می‌شود. در سال‌های ابتدایی که سیاست‌های بخشی حمایت‌کننده نبوده، سیاست‌های ارزی جبران‌کنندهٔ نبود حمایت و در برنامه‌های دوم و سوم، سیاست‌های ارزی همسو با سیاست‌های بخشی بود. برقراری سیاست‌های همسو و حمایت‌کننده، مانند برنامهٔ سوم توسعه، به افزایش رقابت‌پذیری تولیدکنندگان سیب، افزایش کارایی آنان و توسعهٔ صنایع وابسته به این محصول و افزایش سهم صادرات کمک می‌کند.

با توجه به تأثیر بیشتر حمایت‌های قیمتی از کل حمایت‌ها، تأکید بر الگوی سیاست‌های حمایت قیمتی موجب حفظ قیمت سیب نزدیک به قیمت جهانی می‌شود، اما در این رویکرد با دخالت مستقیم دولت در بازار محصول از درجهٔ رقابت بازار سیب کاسته می‌شود. از این رو، در کنار هدایت قیمت بازار، تنوع‌بخشی به حمایت‌های بودجه‌ای مانند به‌کارگیری پرداخت‌های مستقیم و تسهیل رویه‌های صادراتی نیز می‌تواند مناسب باشد. با توجه به ضوابط بهداشتی و استانداردهای موردتأیید کشورهای واردکنندهٔ سیب، پرداخت حمایت‌های بودجه‌ای به شرط رعایت استانداردهای تولید محصول مطابق درخواست بازارهای جهانی مناسب به نظر می‌رسد. همچنین ایجاد تعاونی‌هایی برای ورود انبوه به بازار جهانی به افزایش رقابت‌پذیری و اثرگذاری بر قیمت کمک می‌کند، که می‌توان با ایجاد سازوکاری برای توزیع حمایت‌ها توسط این تعاونی‌ها، کشاورزان را به تشکیل و عضویت در آنها تشویق کرد و کارایی سیاست‌های حمایتی را افزایش داد. تنظیم سیاست‌های ارزی و بخشی به گونه‌ای که همسو و تقویت‌کنندهٔ یکدیگر باشند، به کارایی آنها می‌افزاید و با افزایش مزیت رقابتی، به رقابت‌پذیری جهانی تولیدکنندگان داخلی کمک می‌کند. به طوری که مقادیر مثبت اثر مستقیم و اثرغیرمستقیم در برنامهٔ سوم توسعه نشان می‌دهد، اجرای سیاست یکسان‌سازی نرخ ارز که تقویت‌کنندهٔ سیاست‌های بخشی

بوده، موجب حمایت از تولیدکنندگان سیب شده است. با توجه به نتایج برآورد نرخ ارز در فصل سوم، افزایش درآمدهای نفتی موجب افزایش ارزش ریال تعادلی می‌شود که در صورت ثبات نرخ حقیقی ارز، رشد درآمدهای نفتی به نفع تولیدکنندگان است. همچنین بهره‌وری اقتصاد به عنوان شاخص پیشرفت فن‌آوری، بر نرخ تعادلی ارز و شاخص حمایت‌ها چنین اثری دارد که دولت با مدیریت این دو عامل می‌تواند حمایت از سیب‌کاران را افزایش دهد. در نهایت انتظار می‌رود، ترکیب سیاست‌های پولی، مالی، ارزی و بخشی به گونه‌ای باشد که برایند آن، حمایت‌کنندهٔ باغداران باشد.

۲-۳-۵ مرکبات

مرکبات از محصولات باغی مناطق معتدل (پرتقال، لیمو، نارنگی، نارنج و گریپ‌فروت) است. تنوع طعم و ویژگی‌های ظاهری گونه‌ها و رقم‌های مرکبات، از یک سو، تقاضای زیادی را برای مصرف مرکبات به وجود آورده و از سوی دیگر، کشت این محصولات را در مناطق مختلف آب‌وهوایی امکان‌پذیر ساخته است، تا به عنوان یک محصول تجاری برجسته در جهان شناخته شود.

با توجه به شرایط آب‌وهوایی ایران، مرکبات در بیشتر استان‌ها، به‌ویژه در مناطق معتدل کشت می‌شود که به گزارش وزرات جهاد کشاورزی در سال ۱۳۸۹، مازندران و فارس به ترتیب با ۳۹ و ۲۲ درصد بیشترین سهم را در تولید کشور دارند و پس از آن استان‌های کرمان و هرمزگان در جایگاه‌های بعدی قرار دارند. در بین گونه‌های مختلف مرکبات در ایران در سال‌های ۱۳۸۹-۱۳۶۰، پرتقال با ۵۷ درصد به طور میانگین بیشترین سهم را داشته و انواع لیمو و نارنگی با ۲۱ و ۱۶ درصد پس از آن جای داشته‌اند و گریپ‌فروت و انواع دیگر مرکبات تنها ۴/۵ درصد را شامل شده‌اند. در سال ۱۳۸۹، ایران به ترتیب رتبه‌های هشتم و دوازدهم را در ارزش تولید پرتقال و لیمو در جهان داشت، در حالی‌که ایران در میان مهم‌ترین صادرکنندگان این محصولات جایگاهی ندارد و از نظر ارزش صادرات لیمو، در جایگاه هیجدهم جهان قرار دارد. در برنامهٔ چهارم توسعه، ایران برای اولین بار به واردکنندهٔ مرکبات تبدیل شد و واردات این محصولات روند افزایشی داشت (آمار سازمان خواربار کشاورزی، ۲۰۱۰)

جدول (۱-۲-۳-۵) تصویری از وضعیت تولید، عملکرد و تجارت مرکبات ایران ارائه می‌دهد. با توجه به جدول، سطح زیرکشت مرکبات در ایران تا سال ۱۳۸۶، روند افزایشی ملایمی داشت، اما پس از آن با رشد منفی کاهش پیدا کرد. میانگین سطح

زیرکشت آن در برنامه‌های اول و چهارم توسعه، به ترتیب ۱۷۴ و ۲۲۵ هزار هکتار بود که نشان‌دهندهٔ میانگین ۲/۸ درصدی سهم ایران از سطح زیرکشت جهانی مرکبات است. عملکرد مرکبات در طی سال‌های اجرای برنامه‌های توسعه، از ۱۳ تن در هکتار در ابتدای برنامهٔ اول به ۱۷ تن در هکتار در پایان برنامهٔ چهارم افزایش پیدا کرده است. عملکرد تولید مرکبات ایران پس از سال نخست برنامهٔ اول توسعه، همیشه بیشتر از عملکرد متوسط جهان بود، به طوری که عملکرد تولید مرکبات ایران در ۲۲ سال به طور متوسط ۱/۱۴ برابر عملکرد جهانی بود. این موضوع، بیانگر بهره‌وری بیشتر زمین و دیگر نهاده‌های تولید مرکبات در ایران نسبت به جهان است که مزیت نسبی کشور را در تولید این محصول نشان می‌دهد. تولید مرکبات نیز پیرو رشد سطح زیرکشت طی دوره (۸۶-۱۳۶۸)، روند افزایشی داشته و در سال ۱۳۸۶ با ۳۹۱۹ هزار تن بیشترین تولید را داشته است، اما پس از آن کاهش یافت که می‌توان آن را در پی واردات مرکبات دانست. سهم تولید مرکبات ایران از جهان، به طور میانگین ۳/۲ درصد بود و در تمام سال‌ها نوسان اندکی داشته است، اما ادامهٔ روند کاهشی سه سال منتهی به ۱۳۸۹، تزلزل جایگاه ایران در تولید، تأمین نیاز داخلی و صادرات مرکبات را در پی خواهد داشت.

به جز سه سال پایانی بررسی، تولید مرکبات با روند ملایمی افزایش پیدا کرده و ایران در همهٔ سال‌ها صادرکنندهٔ خالص این محصولات بوده است. صادرات مرکبات ایران با نوسان زیادی همراه بوده است و تنها در برنامهٔ اول توسعه روندی افزایشی داشت. در برنامهٔ دوم پس از کاهش صادرات در دو سال نخست برنامه، صادرات افزایش پیدا کرد، اما در برنامهٔ سوم نوسان صادرات با وجود ثبات تولید ادامه یافت و در سال ۱۳۸۲ به کمترین مقدار خود رسید. در برنامهٔ چهارم با نوسان تولید، صادرات نیز با ثبات کمتری همراه بود و در سال پایانی برنامه به حدود ۵ هزار تن کاهش یافت و سهم ایران از کل صادرات جهان به طور میانگین ۰/۲ درصد رسید.

چنین نوسانی در روند صادرات با وجود ثبات تولید، نشان‌دهندهٔ تزلزل موقعیت ایران در بازار رقابت جهانی است. در سال‌های دورهٔ بررسی بیشترین درآمد ارزی صادرات مرکبات در سال ۱۳۸۵ برابر با ۳۴ میلیون دلار بود. از سال ۱۳۸۲، با افزایش قیمت هر واحد صادرات، ارزش صادرات روند افزایشی فزاینده پیدا کرد، اما از سال ۱۳۸۵ با کاهش حجم صادرات درآمد ارزی برآمده از تجارت این محصول روند کاهشی پیدا کرد.

جدول ۱-۲-۳-۵) وضعیت تولید، عملکرد و تجارت مرکبات ایران

سال	سطح زیرکشت (هزارهکتار)	سهم از سطح زیرکشت (درصد)	عملکرد (تن در هکتار)	نسبت عملکرد ایران به جهان	تولید (هزارتن)	سهم از تولید جهان (درصد)	صادرات (هزار تن)	سهم از صادرات (درصد)	ارزش صادرات (میلیون دلار)	سهم از ارزش صادرات (درصد)
۱۳٦۸	۱٦۱	۲/۷۲	۱۳/۳۰	۰/۹۹	۲۱٤۷	۲/۷۰	۲	۰/۰۲	۰/۹	۰/۰۳
۱۳٦۹	۱٦٦	۲/۷٤	۱۳/۸۹	۱/۰۹	۲۳۰۹	۲/۹۸	۱	۰/۰۱	۰/۷	۰/۰۲
۱۳۷۰	۱۷۹	۲/۸۳	۱۳/٦۲	۱/۰۵	۲٤۳۸	۲/۹۷	۸	۰/۱۰	۱/۵	۰/۰٤
۱۳۷۱	۱۷۷	۲/۷۳	۱۷/۰۹	۱/۳۰	۳۰۲۱	۳/۵۵	۱۹	۰/۲۳	۳/٤	۰/۰۸
۱۳۷۲	۱۸۷	۲/۸۸	۱٤/۷۲	۱/۰۸	۲۷۵۷	۳/۱۱	۳۵	۰/٤۲	٦/۱	۰/۱٦
۱۳۷۳	۲۰۰	۲/۹۸	۱۵/۲٦	۱/۱٦	۳۰۵۱	۳/٤۷	٦۵	۰/۷۱	۱۰/۷	۰/۲٤
۱۳۷٤	۲۰۱	۲/۹٤	۱۵/۲۵	۱/۱۲	۳۰٦۷	۳/۲۸	۳۹	۰/٤۳	٦/۱	۰/۱۲
۱۳۷۵	۲۰۲	۲/۸۲	۱۵/٦٦	۱/۱۷	۳۱٦۸	۳/۳۰	٤۰	۰/٤۳	٦/۱	۰/۱۱
۱۳۷٦	۲۰۹	۲/۸٤	۱٦/٦٤	۱/۱۷	۳٤۸٤	۳/۳۱	۷۳	۰/۷٦	۷/۷	۰/۱۵
۱۳۷۷	۲۲۹	۳/۱۲	۱۵/۲۰	۱/۱۲	۳٤۸٤	۳/٤۹	۷۱	۰/۷٤	۹/۲	۰/۲۰
۱۳۷۸	۲۱۵	۲/۸۷	۱۷/۲٦	۱/۲٤	۳۷۱۲	۳/۵۵	۷۰	۰/۷۵	۸/٦	۰/۱۹
۱۳۷۹	۲۲۲	۲/۹۸	۱٦/٤۹	۱/۱٦	۳٦۵۵	۳/٤٦	٦٤	۰/٦۵	۸/۵	۰/۲۰
۱۳۸۰	۲۲۱	۲/۹٦	۱٦/۸٤	۱/۲۰	۳۷۳۰	۳/۵٤	۳۸	۰/۳۸	۵/٦	۰/۱۳
۱۳۸۱	۲۱۹	۲/۸٤	۱٦/٤٦	۱/۱۷	۳۵۹۷	۳/۳۳	۲۵	۰/۲۵	۵/۱	۰/۱۰
۱۳۸۲	۲۲٦	۲/۹۰	۱۵/۵۹	۱/۱۳	۳۵۱۵	۳/۲۹	۲٤	۰/۲۳	٦/۵	۰/۱۱
۱۳۸۳	۲۳۷	۲/۹٦	۱۵/۰۹	۱/۰٦	۳۵٦۹	۳/۱٤	۵۱	۰/٤۵	۱۵/۸	۰/۲٤
۱۳۸٤	۲٤۱	۳/۰٤	۱۵/۳۳	۱/۰۹	۳٦۹۹	۳/۳۱	٤٤	۰/۳۸	۲۲/۷	۰/۳۳
۱۳۸۵	۲٤۰	۲/۹۰	۱۵/۹۲	۱/۱۲	۳۸۱۸	۳/۲۳	٦۷	۰/۵۵	۳٤/۰	۰/٤۸
۱۳۸٦	۲٤۷	۲/۸٦	۱۵/۸۵	۱/۱۸	۳۹۱۹	۳/۳۸	٤۸	۰/۳۹	۲۳/۷	۰/۲۸
۱۳۸۷	۲۱٤	۲/٤۵	۱۷/٤۱	۱/۲٤	۳۷۲٦	۳/۰۵	٤۹	۰/۳۸	۲۵/۹	۰/۲۵
۱۳۸۸	۱۸۵	۲/۱۲	۱٦/۹۵	۱/۲۰	۳۱۳۵	۲/۵٤	۵	۰/۰٤	۳/۳	۰/۰۳
۱۳۸۹	۱۸٤	۲/۱۱	۱٤/۲۵	۱/۰۱	۲٦۱۹	۲/۱٤	۲۹	۰/۲۰	۲۳/۵	۰/۲۱

منبع: سایت سازمان خواربار و کشاورزی جهانی ملل متحد(http://fao.org)

تفاوت سهم ایران از ارزش و حجم صادرات در نمودار (۱-۲-۳-۵) در دهۀ ۱۳۷۰ به دلیل افت قیمت صادراتی ایران نسبت به میانگین قیمت جهانی است که این تفاوت قیمت در پی تفاوت کیفیت محصول، ضعف بازاریابی و نوسان عرضه به وجود می‌آید. سهم ۳ درصدی ایران از تولید جهان در مقابل سهم کمتر از ۰/۵ درصدی صادرات، در کنار ثبات تولید، ظرفیت ایران را برای تثبیت صادرات و افزایش سهم بازار مرکبات نشان می‌دهد.

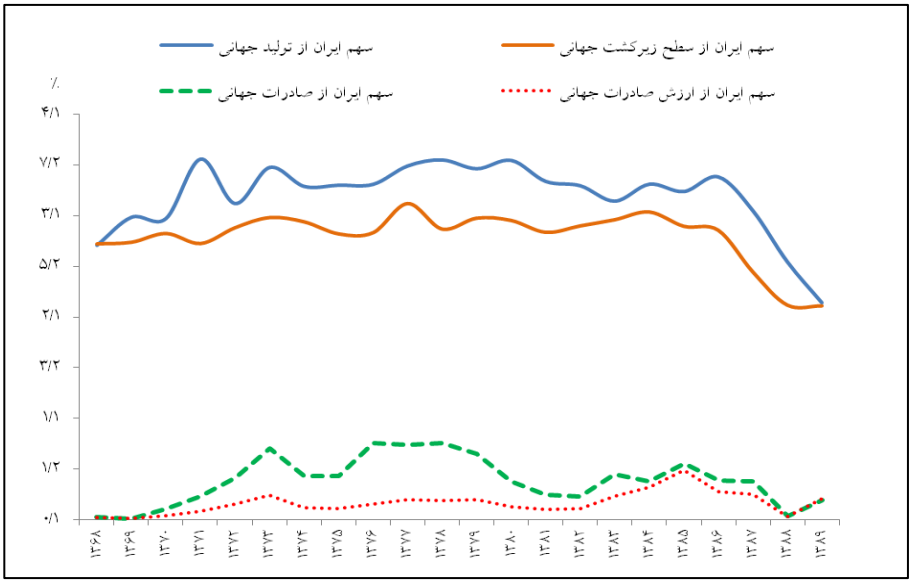

نمودار ۱-۲-۳-۵) سهم ایران از تولید، سطح زیرکشت، واردات و ارزش واردات جهانی مرکبات طی دورۀ ۸۹-۱۳۶۸

مرکبات افزون بر مصرف تازه‌خوری، به شکل مربا، آب مرکبات و کنسانتره در سبد مصرف خانوار جای دارد و با توجه به تنوع، از مهم‌ترین منابع تأمین میوۀ خانوار به‌شمار می‌رود. با توجه به اهمیت مرکبات در سبد مصرف خانوار، معیشت نواحی کشت و ارزآوری این محصولات، سیاست‌های حمایتی مختلفی به منظور افزایش

تولید و سطح زیرکشت این محصول اجرا شده است. حمایت قیمتی بعضی از نهاده-ها، یارانهٔ بیمهٔ محصول، پرداخت تسهیلات بانکی با نرخ سود کم و خرید تضمینی، تشکیل‌دهندهٔ سیاست‌های حمایت از تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان مرکبات ایران در ۱۳۸۹-۱۳۶۰ بوده است. با تصور آن‌که بازار داخلی و جهانی مرکبات، از کارایی لازم برای پوشش هزینه‌های تولید، تولیدکنندگان مرکبات برخوردار است، دولت با تعیین قیمت خرید تضمینی کمتر از قیمت تولیدکننده، دخالت کمی در بازار این محصول دارد و از سال ۱۳۷۸ که در شورای اقتصاد، برای مرکبات هم قیمت خرید تضمینی تعیین می‌شود، در همهٔ سال‌ها قیمت تضمینی کمتر از قیمت تولیدکننده بوده است. اما به دلیل کوچک بودن باغ‌ها و ساختار سنتی آن، تولیدکنندگان در بسیاری موارد برای پوشش هزینه‌های تولید ناگزیر از پیش‌فروش محصول روی درخت هستند که کم بودن قیمت تضمینی بر کاهش قدرت چانه‌زنی آنان برای تأثیرگذاری بر قیمت می‌افزاید.

از آنجا که یکی از اهداف پژوهش پیش رو، بررسی اثر سیاست‌های ارزی و انحراف نرخ ارز بر مقادیر شاخص‌های حمایت از تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان(٪PSE، ٪MPS و ٪CSE) است، این شاخص‌ها در سه دستهٔ آثار مستقیم، کل و غیرمستقیم محاسبه می‌شود. همان‌طور که در بخش‌های پیش بیان شد، اثر مستقیم بیانگر وضعیت موجود حمایت از تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان مرکبات در پی سیاست‌های در حال اجرای بخش کشاورزی و ارزی است. اثر کل، حمایت از آنان را در شرایط اعمال نرخ ارز تعادلی برآمده از متغیرهای کلان اقتصادی در بلندمدت نشان می‌دهد. اثرغیرمستقیم نشان‌دهندهٔ اثر سیاست‌های ارزی در چگونگی رقابت‌پذیری بلندمدت مرکبات نسبت به رقبای جهانی است و از تفاضل اثرکل و اثرمستقیم به دست می‌آید. اگر شاخص حمایت از تولیدکننده منفی باشد به این

معنی است که سیاست‌های ارزی از سطح رقابت‌پذیری بلندمدت مرکبات‌کاران ایرانی کاسته است و برعکس. در ادامه، نتایج محاسبهٔ شاخص‌های حمایت از تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان مرکبات طی برنامه‌های اول تا چهارم توسعه تجزیه و تحلیل می‌شود. همچنین، از آنجا که از کارکردهای پژوهش‌های اقتصادی افزون بر تبیین و تحلیل وضعیت‌های گذشته و کنونی، پیش‌بینی آیندهٔ شاخص‌های اقتصادی برای برنامه‌ریزی است؛ از این رو با فرض ادامهٔ روند رشد تخصیص یارانه‌ها همانند برنامهٔ چهارم و پیش‌بینی قیمت‌ها با استفاده از روش‌های درون‌یابی و میانگین متحرک[1] شاخص‌های حمایتی در برنامهٔ پنجم توسعه نیز محاسبه می‌شود.

۱-۲-۳-۵ بررسی مقادیر حمایت بازاری از تولیدکنندگان مرکبات طی برنامه‌های توسعه

شاخص حمایت از قیمت بازاری(MPS) بیشتر بازتاب‌دهندهٔ سیاست‌های مؤثر بر قیمت و سیاست‌های ارزی است. براساس روش‌شناسی این پژوهش که در فصل سوم توضیح داده شد، حمایت از قیمت بازاری انتقال از مصرف‌کنندگان، واردکنندگان و مالیات‌دهندگان را در پی اجرای سیاست‌های قیمتی در بر می‌گیرد که به شکل ارزش پولی و درصد محاسبه می‌شود. شاخص درصدی حمایت از قیمت بازاری نسبت تفاوت قیمت دریافتی تولیدکنندگان داخلی را با قیمت جهانی تعدیل‌شده با نرخ ارز حقیقی یا تعادلی به قیمت جهانی نشان می‌دهد. تعدیل قیمت جهانی با نرخ ارز حقیقی و تعادلی به ترتیب نشان‌دهندهٔ اثر مستقیم و اثر کل است و تفاضل این دو اثر بیانگر برایند سیاست‌های ارزی است که اثرغیرمستقیم نامیده می‌شود. نتایج محاسبات حمایت از قیمت بازاری، به قیمت‌های ثابت طی برنامه‌های اول تا چهارم

[1] Moving Average

توسعه و پیش‌بینی برنامهٔ پنجم برای محصول مرکبات در جدول (۲-۲-۳-۵) ارائه شده است.

براساس این جدول انحراف نرخ ارز که از نسبت تفاوت نرخ حقیقی ارز و نرخ تعادلی آن نسبت به نرخ تعادلی ارز محاسبه می‌شود، در دوره‌های مختلف متفاوت بوده است. برای محاسبهٔ نرخ حقیقی ارز، نرخ ارز اسمی(بازاری) در نسبت متوسط موزون شاخص سطح عمومی قیمت‌های مهم‌ترین شرکای تجاری ایران به سطح عمومی قیمت‌های ایران ضرب می‌شود. نرخ تعادلی با استفاده از الگوی اقتصادسنجی تصحیح خطا تابعی از متغیرهای بنیادین اقتصاد شامل رابطهٔ مبادله، قیمت جهانی طلا، درجهٔ باز بودن اقتصاد، درآمد نفتی کشور، بهره‌وری کل اقتصاد، نسبت نرخ بهرهٔ جهانی به نرخ بهره در ایران است که نرخ ارز ایران را در شرایط تعادل بلندمدت اقتصاد نشان می‌دهد. در دورهٔ جنگ با کاهش درآمد نفتی و همزمان نیاز کشور به ارز، با بیش برآورد ارزش ریال نسبت به دلار توسط دولت، انحراف نرخ ارز در سال پایانی جنگ(۱۳۶۷) به ۸۹ درصد افزایش پیدا کرد. در برنامهٔ اول توسعه با کم‌برآورد ارزش ریال نسبت به نرخ تعادلی، انحراف نرخ ارز منفی بود و در سال‌های پایانی این برنامه به دلیل اجرای سیاست‌های آزادسازی اقتصادی مقدار آن افزایش یافت. در سال‌های نخست برنامهٔ دوم انحراف نرخ ارز حقیقی از مقدار تعادلی بلندمدت اقتصاد منفی و در سال‌های بعد مثبت شد. در برنامهٔ سوم توسعه به منظور تشویق صادرات، سیاست بیش‌برآورد ارزش ریال دنبال شد، یعنی نرخ ارز تعادلی کمتر از نرخ حقیقی آن بود. همچنین نرخ ارز سالیانه با شیب ملایمی در حال رشد بود. در برنامهٔ چهارم نیز روند کاهش ارزش پول ملی ادامه داشت، اما رشد نرخ ارز تعادلی بیش از نرخ حقیقی آن بود. بنابراین سیاست‌های ارزی برنامهٔ چهارم موجب کم‌برآورد ارزش ریال شد.

جدول ۲-۲-۳-۵) شاخص‌های حمایت بازاری(MPS) از تولیدکنندگان مرکبات

برنامه های توسعه	درصد انحراف نرخ ارز	سال	ارزش اثرمستقیم به قیمت ثابت سال ۱۳۸۴ (میلیارد ریال)	ارزش اثر کل به قیمت ثابت سال ۱۳۸۴ (میلیارد ریال)	%MPS اثر مستقیم	%MPS اثر غیرمستقیم	%MPS اثر کل
دورهٔ جنگی	۲۶/۸۱	۱۳۶۰	-۱۶۷۱	-۷۰۵	-۳۷/۶۱	۱۷/۳۴	-۲۰/۲۷
	۳۸/۹۰	۱۳۶۱	-۲۱۹۴	-۷۲۲	-۴۲/۹۸	۲۳/۱۱	-۱۹/۸۸
	۳۸/۶۷	۱۳۶۲	-۲۸۳۳	-۱۳۳۲	-۵۴/۰۸	۱۸/۴۴	-۳۵/۶۵
	۴۷/۶۸	۱۳۶۳	-۴۲۴۴	-۲۰۰۵	-۶۲/۸۵	۱۸/۴۳	-۴۴/۴۲
	-۱۳/۱۶	۱۳۶۴	-۷۳۸۷	-۹۰۴۳	-۶۹/۱۹	-۴/۱۴	-۷۳/۳۳
	-۲/۷۱	۱۳۶۵	-۱۱۱۳۷	-۱۱۵۳۰	-۸۰/۶۶	-۰/۵۴	-۸۱/۱۹
	۷۵/۷۲	۱۳۶۶	-۱۳۹۶۷	-۶۳۱۷	-۸۰/۳۶	۱۵/۴۴	-۶۴/۹۲
	۸۹/۸۷	۱۳۶۷	-۱۳۱۹۹	-۵۲۷۷	-۸۱/۱۹	۱۷/۸۸	-۶۳/۳۱
	۳۷/۷۲	میانگین	-۷۰۷۹	-۴۶۱۷	-۶۳/۶۲	۱۳/۲۴	-۵۰/۳۷
برنامهٔ اول توسعهٔ اقتصادی و اجتماعی	۵۰/۶۲	۱۳۶۸	-۱۲۵۸۲	-۶۶۵۱	-۷۳/۲۴	۱۴/۱۱	-۵۹/۱۲
	-۴/۳۰	۱۳۶۹	-۱۷۵۰۲	-۱۸۵۰۴	-۸۰/۶۵	-۰/۸۵	-۸۱/۵۰
	-۱۰/۸۴	۱۳۷۰	-۱۷۱۶۵	-۱۹۷۹۱	-۸۲/۱۲	-۲/۰۰	-۸۴/۱۲
	-۴۷/۰۳	۱۳۷۱	-۱۸۳۶۶	-۳۸۰۷۳	-۸۵/۹۶	-۶/۷۴	-۹۲/۶۹
	-۵۱/۴۱	۱۳۷۲	-۱۱۲۸۰	-۲۹۸۳۲	-۶۷/۲۲	-۱۷/۲۱	-۸۴/۴۳
	-۴۱/۲۹	۱۳۷۳	-۱۴۴۳۹	-۳۰۲۰۰	-۶۷/۲۰	-۱۳/۸۸	-۸۱/۰۸
	-۱۷/۳۸	میانگین	-۱۵۲۲۲	-۲۳۸۴۲	-۷۶/۰۶	-۴/۴۳	-۸۰/۴۹
برنامهٔ دوم توسعهٔ اقتصادی و اجتماعی	-۳۱/۹۷	۱۳۷۴	-۱۸۵۶۹	-۳۱۷۶۴	-۶۷/۶۴	-۱۰/۵۱	-۷۸/۱۴
	-۱۶/۱۸	۱۳۷۵	-۱۶۲۲۶	-۲۱۲۹۶	-۶۳/۷۷	-۶/۰۲	-۶۹/۷۹
	-۰/۸۹	۱۳۷۶	-۱۴۳۳۴	-۱۴۵۴۶	-۶۲/۹۸	-۰/۳۴	-۶۳/۳۲
	۳۳/۱۵	۱۳۷۷	-۱۵۷۶۶	-۹۳۴۶	-۶۳/۰۲	۱۲/۷۷	-۵۰/۲۵
	۲۹/۱۰	۱۳۷۸	-۱۷۹۶۶	-۱۰۹۸۸	-۵۹/۵۲	۱۲/۱۷	-۴۷/۳۴
	۲/۶۴	میانگین	-۱۶۵۷۲	-۱۷۵۸۸	-۶۳/۳۸	۱/۶۱	-۶۱/۷۷
برنامهٔ سوم توسعهٔ اقتصادی و اجتماعی	۱۶/۹۶	۱۳۷۹	-۱۰۸۰۵	-۷۶۶۲	-۵۱/۵۶	۸/۵۵	-۴۳/۰۱
	۱۶/۵۴	۱۳۸۰	-۹۷۶۵	-۶۹۸۲	-۵۱/۶۶	۸/۳۵	-۴۳/۳۱
	۱۲/۹۹	۱۳۸۱	-۷۶۶۹	-۵۴۷۲	-۴۱/۶۴	۷/۹۱	-۳۳/۷۳
	۳/۸۵	۱۳۸۲	-۸۱۵۸	-۷۴۶۶	-۴۵/۵۵	۲/۱۹	-۴۳/۳۶
	-۲/۷۹	۱۳۸۳	-۱۲۰۷۸	-۱۲۶۴۳	-۶۳/۹۹	-۱/۰۵	-۶۵/۰۴
	۹/۵۱	میانگین	-۹۶۹۵	-۸۰۴۵	-۵۰/۸۸	۵/۱۹	-۴۵/۶۹
برنامهٔ چهارم توسعهٔ اقتصادی و اجتماعی	-۶/۱۸	۱۳۸۴	-۸۶۸۷	-۹۸۳۴	-۵۲/۱۶	-۳/۰۸	-۵۵/۲۵
	-۱۰/۷۰	۱۳۸۵	-۶۴۶۲	-۸۴۰۷	-۴۱/۷۴	-۶/۵۰	-۴۸/۲۴
	-۱۳/۰۹	۱۳۸۶	-۶۱۳۴	-۸۶۷۲	-۳۸/۲۹	-۸/۴۴	-۴۶/۷۳
	-۷/۷۴	۱۳۸۷	-۵۸۲۵	-۷۰۶۵	-۴۱/۳۳	-۴/۷۴	-۴۶/۰۷
	-۳/۳۲	۱۳۸۸	-۲۶۰۸	-۲۹۸۳	-۲۵/۱۸	-۲/۶۱	-۲۷/۷۹
	-۱۷/۴۵	۱۳۸۹	-۱۱۸۲	-۳۰۲۲	-۱۴/۳۷	-۱۵/۶۴	-۳۰/۰۱
	-۹/۷۵	میانگین	-۵۱۵۰	-۶۶۶۴	-۳۵/۵۱	-۶/۸۴	-۴۲/۳۵
پیش بینی برنامهٔ پنجم توسعهٔ اقتصادی و اجتماعی	-۱۹/۲۲	۱۳۹۰	-۱۵۳۲	-۳۵۳۸	-۱۹/۵۲	-۱۶/۳۹	-۳۵/۹۱
	-۲۱/۱۴	۱۳۹۱	-۳۷۳۰	-۶۴۷۶	-۳۸/۳۹	-۱۳/۵۷	-۵۱/۹۷
	-۲۳/۰۷	۱۳۹۲	-۳۷۸۴	-۶۷۷۱	-۳۹/۹۰	-۱۴/۳۹	-۵۴/۲۹
	-۲۴/۹۸	۱۳۹۳	-۳۸۶۵	-۷۱۰۴	-۴۱/۵۷	-۱۵/۱۰	-۵۶/۶۶
	-۲۲/۰۹	۱۳۹۴	-۴۵۱۲	-۷۳۴۷	-۴۶/۹۶	-۱۲/۰۸	-۵۹/۰۴
	-۲۲/۱۰	میانگین	-۳۴۸۵	-۶۲۴۷	-۳۷/۲۷	-۱۴/۳۱	-۵۱/۵۸

منبع: یافته‌های پژوهش

براساس نتایج جدول (۲-۲-۳-۵) اثرمستقیم در همهٔ سال‌های بررسی (۱۳۸۹-۱۳۶۰) سیاست‌های قیمتی دولت به زیان مرکبات‌کاران بود. در برنامهٔ اول توسعه با رشد قیمت‌های جهانی و افزایش قیمت ارز در پی اجرای سیاست‌های آزادسازی، حمایت از تولیدکنندگان مرکبات کاهش چشمگیری پیدا کرد که تا سال ۱۳۷۴ به بیشترین حد رسید و در این سال در پی اجرای سیاست‌های مربوط به بازار، کشاورزان ناگزیر از پرداخت ۱۸۵۶۹ میلیارد ریال —بر حسب قیمت‌های ثابت سال پایهٔ ۱۳۸۴— مالیات پنهان شدند. در برنامه‌های سوم و چهارم توسعه با افزایش قیمت‌های داخلی و همزمان ثبات نسبی قیمت‌های جهانی زیان تولیدکنندگان کاهش پیدا کرد که ادامهٔ این روند افزایش رقابت‌پذیری مرکبات‌کاران در مقایسه با رقبای خارجی را امکان‌پذیر می‌کند. اما پیش‌بینی‌ها نشان می‌دهد در برنامهٔ پنجم دریافت مالیات از تولیدکنندگان مرکبات روند افزایشی خواهد داشت. در نتیجه، اگر امکان فروش مرکبات داخلی در بازارهای جهانی فراهم باشد، تولیدکنندگان ایرانی مرکبات دریافتی بیشتری دارند، اما با عرضهٔ تولید در بازار داخلی ناگزیر از پرداخت مالیات پنهان هستند. از آنجا که براساس آمار منتشرشدهٔ مرکز آمار ایران، قیمت داخلی در تمام سال‌های مورد بررسی این پژوهش روندی صعودی داشته است، نوسان شاخص حمایت از قیمت بازاری برآمده از نوسان نرخ ارز، قیمت جهانی و مقادیر تولید و مصرف مرکبات است. به بیان دیگر، قیمت داخلی مرکبات با وجود رشد فزاینده، همزمان با افزایش قیمت جهانی تعدیل‌شدهٔ آن با نرخ ارز حقیقی و هزینهٔ حمل‌ونقل[1] تغییر نکرده است که این تفاوت قیمت داخلی و جهانی مرکبات از قدرت رقابت‌پذیری این محصول در بازارهای جهانی می‌کاهد و موجب می‌شود

[1]- با توجه به سهم بیشتر استان‌های مازندران و فارس از تولید مرکبات، هزینهٔ حمل و نقل وزن داده شده با سهم تولید، براساس فاصلهٔ استان مازندران تا مرز بازرگان و استان فارس تا بندر امام خمینی به عنوان مبادی خروجی نزدیک به مراکز تولید محاسبه می‌شود.

صادرات مرکبات و درآمد ارزی حاصل از آن با نوسان همراه باشد. این نوسان، از اطمینان مشتریان خارجی می‌کاهد و ریسک درآمدی کشاورزان را افزایش می‌دهد، که به کاهش تمایل کشاورزان برای اصلاح و توسعهٔ باغ‌ها می‌انجامد.

شاخص حمایت قیمتی محاسبه‌شده با نرخ ارز تعادلی (اثرکل) با قیمت ثابت سال ۱۳۸۴، نیز روندی مشابه اثرمستقیم دارد. یعنی در دورهٔ ۱۳۸۹-۱۳۶۰ با اجرای سیاست‌های ارزی و بخشی، مرکبات‌کاران ناگزیر از پرداخت مالیات پنهان بودند. در سال‌های نخست دورهٔ جنگ به دلیل اجرای سیاست‌های تثبیتی، بیش‌برآورد ارزش ریال و تولید کمتر، مرکبات‌کاران کمترین زیان را در مقایسه با دوره‌های بعدی تحمل کردند. در برنامهٔ اول توسعه با اجرای سیاست‌های آزادسازی و کاهش ارزش پول ملی، مرکبات‌کاران ایرانی مالیات پنهان زیادی پرداخت کردند، به طوری که در سال ۱۳۷۱ بیش از ۳۸ هزار میلیارد ریال به قیمت ثابت سال ۱۳۸۴ کمتر از رقبای خارجی خود دریافت کردند که نشان می‌دهد به دلیل کم‌برآورد ۴۷ درصدی ارزش ریال با اعمال نرخ ارز تعادلی بلندمدت اقتصاد ایران، زیان کشاورزان نزدیک به دو برابر شرایط اجرای سیاست‌های ارزی با اعمال نرخ ارز حقیقی می‌شود. از برنامهٔ دوم توسعه با اجرای سیاست‌های تثبیتی برای کنترل تورم، پس از آزادسازی‌های سال ۱۳۷۱، همزمان با کاهش قیمت جهانی، با وجود افزایش تولید، روند کاهشی پیدا کرد و در برنامهٔ سوم توسعه با کم‌ارزش‌گذاری ریال در پی شناورسازی نرخ ارز، به طور میانگین ۸۰۴۵ میلیارد ریال به قیمت ثابت سال ۱۳۸۴ از تولیدکنندگان به مصرف‌کنندگان مرکبات انتقال یافت. در برنامهٔ چهارم و پنجم نیز با وجود نوسان و حمایت منفی، با افزایش قیمت داخلی، مالیات پنهان کمتری به تولیدکنندگان تحمیل شد.

حمایت درصدی از قیمت بازاری (MPS٪) بر مبنای نرخ ارز حقیقی (اثر مستقیم) که اثر سیاست‌های بخشی و ارزی را در بر دارد نشان می‌دهد تا پایان

برنامهٔ سوم با فروش محصول در بازار داخلی، به طور میانگین بیش از نیمی از درآمد کشاورزان ایران در صورت شرکت در بازار جهانی بـه مصـرف‌کننـدگان انتقـال پیـدا می‌کند. به عبارت دیگر، بدون اجرای سیاست‌ها از سـوی دولـت و وجـود بـازار آزاد، درآمد باغداران بیش از دو برابر وضعیت کنونی بود. این اثر در برنامـهٔ چهـارم، بـا در نظر گرفتن سال ۱۳۸۹ که سال بدون برنامه بوده است، به طور میانگین ۳۵- درصد شده است که نشان مـی‌دهـد سیاسـت‌هـای قیمتـی موجـب شـده اسـت، دریـافتی کشاورزان ایران نسبت به قیمت پیش روی رقبای جهانی ۳۵ کمتر باشد، اما حمایت سیاست‌ها در برنامهٔ چهارم نسبت به برنامه‌های دیگر، بیشتر بود.

بررسی اثرکل حمایت از قیمت بازاری نشان می‌دهد، تعدیل قیمت جهانی با نـرخ ارز تعادلی، بیانگر حمایت منفی از تولیدکنندگان در همهٔ سال‌های بررسـی (۱۳۸۹-۱۳۶۰) است. یعنی حتی اگر نرخ ارز تعادلی هم برقـرار بـود، سیاسـت‌هـای بخشـی قیمتی به گونه‌ای می‌شد که تولیدکنندگان در مقابل رقبای خارجی خـود، نـه تنهـا حمایت نمی‌شدند، بلکه مالیات نیز بر آنها تحمیل می‌شد که این در کـاهش قـدرت رقابت‌پذیری و توان صادراتی تولیدکنندگان مرکبات ایرانی مؤثر است. در برنامـهٔ اول توسعه، شرایط اقتصاد کلان ایران که متغیرهای آن از جمله درآمد نفت، رابطهٔ مبادله و پیشرفت فن‌آوری بر نرخ تعادلی ارز مؤثرند، موجب کم‌برآورد ارزش تعادلی ریـال و حمایت منفی از تولیدکنندگان مرکبات شد. به طوری که در ایـن برنامـه بـا اجـرای سیاست‌های ارزی و بخشی، درآمد کشاورزان به اندازهٔ ۸۰ درصـد دریـافتی آنـان در حالت بدون اجرای سیاست کـاهش پیـدا کـرد. در سـال ۱۳۸۱ بـا اجـرای سیاسـت یکسان‌سازی نرخ ارز، حمایت از کشاورزان به ۳۳- درصد افزایش پیدا کرد و آنان یک سوم درآمد خود پیش از اجرای سیاست را مالیات پرداختند. امـا دوبـاره بـا افـزایش قیمت‌های جهانی و افزایش نرخ ارز انتقال بازاری از تولیدکنندگان به مصرف‌کنندگان افزایش پیدا کرد تا جایی که تضعیف تولید در برنامهٔ چهارم موجـب ایجـاد نیـاز بـه

واردات مرکبات شد. در سال‌های ۱۳۸۸ و ۱۳۸۹ با افزایش قیمت داخلی مرکبات حمایت از مرکبات‌کاران بهبود پیدا کرد و به ترتیب ۲۷- و ۳۰- درصد رسید. همچنین مقایسهٔ میانگین اثرمستقیم و اثر کل در برنامه‌های اول و سوم نشان می‌دهد، اعمال نرخ ارز تعادلی در برنامهٔ سوم حمایت‌کننده‌تر از نرخ ارز حقیقی بوده است، در حالی که در برنامهٔ اول با نرخ ارز حقیقی از تولیدکنندگان حمایت بیشتری شده است. یعنی در برنامهٔ سوم نزدیکی به تعادل بلندمدت اقتصاد و در برنامهٔ اول نرخ ارز حقیقی اعمال‌شده در اقتصاد حمایت‌کنندهٔ کشاورزان بوده است.

اثر غیرمستقیم نشان می‌دهد سیاست‌های ارزی تا چه اندازه تقویت‌کنندهٔ سیاست‌های بخشی در زمینهٔ قیمت محصول هستند. در سال‌هایی که نرخ حقیقی ارز بیش از نرخ ارز تعادلی است، حمایت قیمتی از تولیدکنندگان در پی اجرای سیاست ارزی مثبت است و برعکس. براساس جدول (۲-۲-۳-۵) در سال‌های نخست بررسی، با وجود انحراف زیاد نرخ ارز، درصد اثرغیرمستقیم به طور میانگین مقدار کمی دارد، به طوری که در سال ۱۳۷۱ و با اجرای سیاست‌های آزادسازی نرخ ارز و کم‌برآورد ۴۷ درصدی ارزش پول ملی، کاهش درآمد برآمده از سیاست‌های ارزی تنها ۶ درصد از درآمد آنان پیش از اجرای سیاست‌ها را در بر دارد. این بدین معنی است که در دورهٔ جنگ و برنامهٔ اول توسعه سیاست‌های ارزی، در حمایت قیمتی از تولیدکنندگان مرکبات اثر چندانی نداشته است. در سال‌های بعدی انحراف نرخ ارز و درصد اثر غیرمستقیم حمایت از قیمت بازاری (MPS٪) تناسب بیشتری پیدا کردند و در برنامه‌های سوم و چهارم با اجرای سیاست یکسان‌سازی نرخ ارز حمایت قیمتی از تولیدکنندگان بر اثر سیاست‌های ارزی به ترتیب ۵/۱ و ۶/۸- درصد و انحراف نرخ ارز ۹/۵ و ۹/۷- درصد بود.

براساس مقایسهٔ مقادیر مطلق اثر غیرمستقیم و اثر مستقیم (MPS٪)، تنها در سال پایانی پژوهش(۱۳۸۹) اثرمستقیم کمتر از اثر غیرمستقیم بوده است که

نشان‌دهندهٔ نقش مهم‌تر سیاست‌های خاص بخش کشاورزی در چگونگی حمایت از تولیدکنندگان مرکبات در مقایسه با سیاست‌های ارزی است. انتظار می‌رود سیاست‌های بخشی در سال‌های برنامهٔ پنجم توسعه نیز در حمایت قیمتی از تولیدکنندگان اثرگذارتر از سیاست‌های ارزی باشد. علامت‌های اثرمستقیم و اثرغیرمستقیم نشان می‌دهد در برنامه‌های اول و چهارم، سیاست‌های ارزی هم جهت و تقویت‌کنندهٔ سیاست‌های بخشی و هر دو منفی بوده است و در دورهٔ جنگ و برنامه‌های دوم و سوم سیاست‌های ارزی با وجود حمایت‌کننده بودن، توانایی پوشش اثر منفی سیاست‌های بخشی بازار مرکبات را نداشت.

۲-۲-۳-۵ بررسی مقادیر حمایت کل از تولیدکنندگان مرکبات طی برنامه‌های توسعه

براساس آنچه در فصل‌های پیشین بیان شد، حمایت از تولیدکنندگان، حمایت‌های بازاری(MPS) و پرداخت‌های بودجه‌ای(BP) را در برمی‌گیرد که در بخش قبل حمایت‌های بازاری از محصول مرکبات تحلیل شد.

پرداخت‌های بودجه‌ای اجراشده در مورد مرکبات در ایران یارانهٔ پرداختی به نهاده‌های کشاورزی (یارانهٔ انواع کود شیمیایی، سموم و علف‌کش)، یارانهٔ انرژی (برق و سوخت ماشین‌آلات کشاورزی)، بیمهٔ محصولات و یارانهٔ تسهیلات را در بر می‌گیرد. نتایج محاسبهٔ این پرداخت‌ها با توجه به آنچه در بخش‌های قبل بیان شد، در جدول (۳-۲-۳-۵) آمده است. براساس آن، حمایت‌های بودجه‌ای در قیمت‌های ثابت سال ۱۳۸۴ از ۶۴۲ میلیارد ریال در دورهٔ جنگ، به ۴۹۲ میلیارد ریال در برنامهٔ چهارم توسعه کاهش پیدا کرده است.

جدول ۳-۲-۳-۵) حمایت بودجه‌ای از تولیدکنندگان مرکبات در نرخ حقیقی ارز (میلیارد ریال- ثابت سال ۱۳۸۴)

برنامه های توسعه	سال	نهاده های کود و سم	انرژی	بیمه	تسهیلات بانکی	کل حمایت بودجه ای	سهم نهاده های کود و سم(٪)	سهم انرژی(٪)
دورهٔ جنگی	۱۳۶۰	۲۰۰/۸۸	۱۷/۰۷	۰/۰۰	۱/۲۲	۲۱۹/۱۶	۹۱/۶۶	۷/۷۹
	۱۳۶۱	۲۸۳/۷۹	۱۹/۵۴	۰/۰۰	۱/۰۶	۳۰۵/۴۶	۹۲/۹۱	۶/۴۰
	۱۳۶۲	۳۶۸/۶۳	۱۹/۹۰	۰/۰۰	۱/۱۴	۳۹۰/۸۱	۹۴/۳۳	۵/۰۹
	۱۳۶۳	۶۳۱/۵۸	۲۷/۵۸	۰/۰۰	۳/۱۵	۶۶۵/۴۶	۹۴/۹۱	۴/۱۴
	۱۳۶۴	۵۵۸/۹۸	۳۱/۸۶	۰/۰۰	۴/۰۷	۵۹۸/۹۸	۹۳/۳۲	۵/۳۲
	۱۳۶۵	۹۲۱/۱۷	۴۸/۰۲	۰/۰۰	۳/۷۲	۹۷۶/۶۳	۹۴/۳۲	۴/۹۲
	۱۳۶۶	۸۴۵/۹۳	۶۲/۶۶	۰/۰۰	۳/۷۹	۹۱۶/۱۷	۹۲/۳۳	۶/۸۴
	۱۳۶۷	۹۹۸/۰۹	۵۸/۶۷	۰/۰۰	۳/۷۰	۱۰۶۴/۱۷	۹۳/۷۹	۵/۵۱
	میانگین	۶۰۱/۱۳	۳۵/۶۶	۰/۰۰	۲/۷۳	۶۴۲/۱۱	۹۳/۴۵	۵/۷۵
برنامهٔ اول توسعهٔ اقتصادی و اجتماعی	۱۳۶۸	۶۲۵/۰۷	۷۱/۰۲	۰/۰۰	۴/۱۰	۷۰۴/۲۸	۸۸/۷۵	۱۰/۰۸
	۱۳۶۹	۱۳۸۷/۱۴	۱۰۶/۹۱	۰/۰۰	۸/۸۶	۱۵۱۱/۷۷	۹۱/۷۶	۷/۰۷
	۱۳۷۰	۱۲۶۳/۸۶	۸۰/۵۹	۰/۰۰	۱۲/۵۸	۱۳۶۹/۶۱	۹۲/۲۸	۵/۸۸
	۱۳۷۱	۱۱۲۰/۳۰	۶۶/۰۶	۰/۰۰	۸/۷۹	۱۲۰۳/۹۴	۹۳/۰۵	۵/۴۹
	۱۳۷۲	۹۹۷/۹۰	۶۰/۳۹	۰/۰۰	۵/۱۵	۱۰۶۸/۵۸	۹۳/۳۹	۵/۶۵
	۱۳۷۳	۸۱۷/۸۴	۸۳/۱۶	۰/۰۰	۵/۸۹	۹۱۲/۷۷	۸۹/۶۰	۹/۱۱
	میانگین	۱۰۳۵/۳۵	۷۸/۰۲	۰/۰۰	۷/۵۶	۱۱۲۸/۴۹	۹۱/۴۷	۷/۲۱
برنامهٔ دوم توسعهٔ اقتصادی و اجتماعی	۱۳۷۴	۸۴۱/۸۱	۸۷/۱۰	۰/۰۰	۴/۹۱	۹۳۸/۷۴	۸۹/۶۸	۹/۲۸
	۱۳۷۵	۳۹۳/۳۹	۸۶/۸۱	۰/۰۰	۵/۶۵	۴۹۱/۵۰	۸۰/۰۴	۱۷/۶۶
	۱۳۷۶	۲۳۹/۷۲	۷۳/۴۱	۰/۰۰	۶/۶۹	۳۲۶/۵۲	۷۳/۴۲	۲۲/۴۸
	۱۳۷۷	۶۸۱/۸۴	۷۰/۸۵	۰/۲۲	۷/۳۸	۷۶۷/۶۷	۸۸/۸۲	۹/۲۳
	۱۳۷۸	۱۰۲۳/۲۵	۱۲۰/۶۹	۰/۲۶	۸/۴۷	۱۱۶۱/۱۴	۸۸/۱۲	۱۰/۳۹
	میانگین	۶۳۶/۰۰	۸۷/۷۷	۰/۱۰	۶/۶۲	۷۳۷/۱۱	۸۴/۰۱	۱۳/۸۱
برنامهٔ سوم توسعهٔ اقتصادی و اجتماعی	۱۳۷۹	۱۲۶۵/۷۶	۱۲۸/۷۳	۰/۲۸	۱۳/۰۳	۱۴۲۰/۸۳	۸۹/۰۹	۹/۰۶
	۱۳۸۰	۹۵۱/۹۷	۸۶/۹۰	۰/۴۱	۱۲/۴۸	۱۰۶۴/۲۳	۸۹/۴۵	۸/۱۷
	۱۳۸۱	۸۶۴/۲۵	۹۵/۸۷	۰/۸۲	۱۱/۸۸	۹۸۴/۷۰	۸۷/۷۷	۹/۷۴
	۱۳۸۲	۶۹۲/۵۵	۱۰۷/۰۵	۰/۴۸	۱۴/۰۹	۸۲۸/۲۷	۸۳/۶۱	۱۲/۹۲
	۱۳۸۳	۶۳۵/۷۰	۱۳۲/۸۶	۲/۱۶	۱۳/۷۴	۷۹۸/۲۰	۷۹/۶۴	۱۶/۶۴
	میانگین	۸۸۲/۰۵	۱۱۰/۲۸	۰/۸۳	۱۳/۰۴	۱۰۱۹/۲۵	۸۵/۹۱	۱۱/۳۱
برنامهٔ چهارم توسعهٔ اقتصادی و اجتماعی	۱۳۸۴	۳۴۴/۲۸	۱۶۷/۲۹	۴/۸۲	۰/۰۰	۵۱۶/۳۹	۶۶/۶۷	۳۲/۴۰
	۱۳۸۵	۴۱۶/۸۷	۱۶۰/۲۰	۴/۴۷	۰/۰۰	۵۸۱/۵۴	۷۱/۶۸	۲۷/۵۵
	۱۳۸۶	۴۱۵/۱۴	۱۸۴/۴۴	۱/۹۳	۰/۰۰	۶۰۱/۵۲	۶۹/۰۲	۳۰/۶۶
	۱۳۸۷	۲۸۵/۸۹	۱۱۰/۷۱	۵/۵۸	۰/۰۰	۴۰۲/۱۹	۷۱/۰۸	۲۷/۵۳
	۱۳۸۸	۳۰۷/۴۹	۸۷/۶۴	۱۶/۳۲	۰/۰۰	۴۱۱/۴۵	۷۴/۷۳	۲۱/۳۰
	۱۳۸۹	۳۳۹/۲۷	۹۷/۷۶	۱۴/۷۲	۰/۰۰	۴۵۱/۷۶	۷۵/۱۰	۲۱/۶۴
	میانگین	۳۵۱/۴۹	۱۳۴/۶۷	۷/۹۷	۰/۰۰	۴۹۴/۱۴	۷۱/۳۸	۲۶/۸۵
پیش بینی برنامهٔ پنجم توسعهٔ اقتصادی و اجتماعی	۱۳۹۰	۵۲۴/۱۸	۸۵/۴۴	۹/۴۰	۰/۰۰	۶۱۹/۰۲	۸۴/۶۸	۱۳/۸۰
	۱۳۹۱	۶۶۱/۹۲	۱۰۵/۸۵	۱۰/۰۱	۰/۰۰	۷۷۷/۷۸	۸۵/۱۰	۱۳/۶۱
	۱۳۹۲	۶۷۴/۵۴	۱۰۸/۸۲	۸/۷۳	۰/۰۰	۷۹۲/۰۹	۸۵/۱۶	۱۳/۷۴
	۱۳۹۳	۶۸۹/۹۷	۱۱۱/۵۵	۷/۵۷	۰/۰۰	۸۰۹/۰۹	۸۵/۲۸	۱۳/۷۹
	۱۳۹۴	۷۵۳/۷۶	۱۲۱/۴۶	۷/۱۰	۰/۰۰	۸۸۲/۳۲	۸۵/۴۳	۱۳/۷۷
	میانگین	۶۶۰/۸۷	۱۰۶/۶۲	۸/۵۶	۰/۰۰	۷۷۶/۰۶	۸۵/۱۳	۱۳/۷۴

منبع: یافته‌های پژوهش

مانند محصولات دیگر، حمایت از نهاده‌های کود و سم و انرژی بیش از ۹۵ درصد حمایت‌های بودجه‌ای را در بر می‌گیرد. بنابراین، به طور میانگین این حمایت‌ها در همهٔ برنامه‌ها بخش عمدهٔ پرداخت‌های بودجه‌ای را شامل می‌شود که تفاوت قیمت داخلی و خارجی انواع کود و سموم شمیایی و انرژی و افزایش استفاده از آب‌های زیرزمینی و توسعهٔ ماشین‌آلات از دلایل آن است. حمایت به شکل تسهیلات بانکی در برنامهٔ سوم توسعه با بیشترین مقدار ۱۳/۰۴ میلیارد ریال به قیمت ثابت سال ۱۳۸۴ بود و از برنامهٔ دوم روند افزایشی پیدا کرد. در سال ۱۳۸۴، با اجرای یکسان‌سازی نرخ سود در بخش‌های اقتصادی، از بخش کشاورزی در برابر بخش‌های دیگر، از راه پرداخت تسهیلات بانکی حمایتی صورت نپذیرفت. روند پرداخت سهم دولت در بیمهٔ محصول مرکبات نیز پس از آغاز در سال ۱۳۷۷، تا سال ۱۳۸۹ روند افزایشی داشته و به ۷/۹۷ میلیارد ریال به قیمت ثابت ۱۳۸۴ رسیده است.

همان‌طور که در نمودار (۲-۲-۳-۵) مشاهده می‌شود، پرداخت‌های بودجه‌ای در قیمت‌های ثابت سال ۱۳۸۴، پس از یک دوره افزایش پس از جنگ، با اجرای سیاست‌های تعدیل اقتصادی از سال ۱۳۷۱ تا سال ۱۳۷۶ با روندی کاهشی روبه‌رو بود. پس از آن با رشد سطح زیرکشت و افزایش شکاف قیمت داخلی و خارجی نهاده‌های تولیدی، در برنامهٔ دوم با رشد زیادی همراه بود. در برنامهٔ سوم با وجود شناورسازی نرخ ارز در سال ۱۳۸۱ و کاهش ارزش پول ملی، پرداخت‌های بودجه‌ای روند کاهشی داشت که در برنامهٔ چهارم نیز به دلیل کاهش تولید و افزایش سطح عمومی قیمت‌های داخلی و افزایش قیمت کودها و سموم شیمیایی ادامه پیدا کرد.

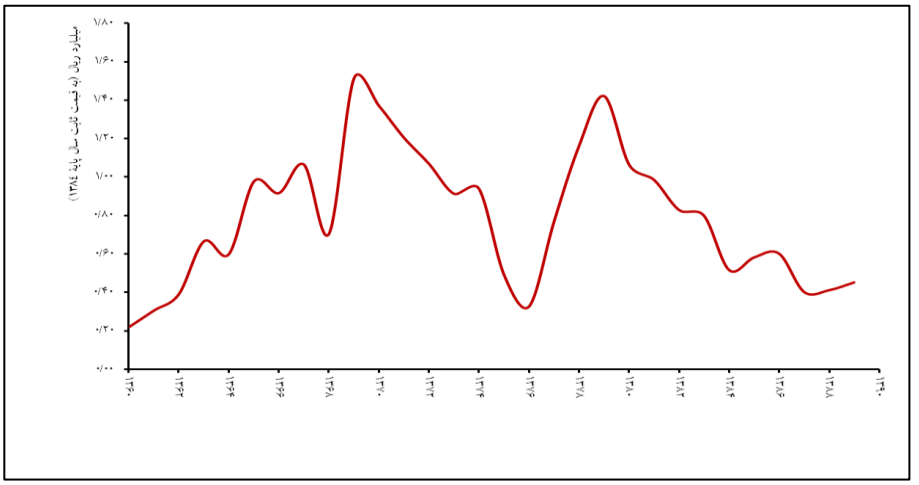

نمودار ۲-۲-۳-۵) نمودار روند پرداخت‌های بودجه‌ای دولت‌ها طی برنامه‌های مختلف توسعه

پس از بررسی اجزای حمایت از تولیدکننده، یعنی حمایت قیمتی و پرداخت‌های بودجه‌ای در جدول (۴-۲-۳-۵) نتایج محاسبهٔ شاخص‌های حمایت از تولیدکننده آمده است.

در این جدول نیز مانند جدول (۲-۲-۵) انحراف نرخ ارز حقیقی از تعادلی در کنار شاخص‌های حمایت از تولیدکنندگان (PSE) در برنامه‌های توسعهٔ ایران بررسی می‌شود. میانگین انحراف نرخ ارز تنها در برنامه‌های دوم و سوم توسعه مثبت بوده و بیش‌برآورد ارزش حقیقی ریال نسبت به ارزش تعادلی آن را نشان می‌دهد.

شاخص برآورد حمایت از تولیدکننده (PSE) که مجموع حمایت از قیمت بازاری(MPS) و حمایت‌های بودجه‌ای(BP) را نشان می‌دهد، بیانگر آن است که سیاست‌های اجراشده، در هیچ یک از دوره‌ها حمایت‌کننده نبوده است، به طوری که سیاست‌های بخشی دولت در مورد مرکبات در این سه دهه، به طور میانگین موجب انتقال ۹۵۵۲ میلیارد ریال به قیمت ثابت سال ۱۳۸۴ از تولیدکنندگان به مصرف‌کنندگان شده است.

جدول ۴-۲-۳-۵ شاخص‌های حمایت از تولیدکنندگان مرکبات

برنامه های توسعه	درصد انحراف نرخ ارز	سال	ارزش اثرمستقیم به قیمت ثابت سال ۱۳۸۴ (میلیارد ریال)	ارزش اثر کل به قیمت ثابت سال ۱۳۸۴ (میلیارد ریال)	%PSE اثر مستقیم	%PSE اثر غیرمستقیم	%PSE اثر کل
دورهٔ جنگ	۲۶/۸۱	۱۳۶۰	−۱۴۵۲	−۵۶۸	−۳۲/۶۸	۱۶/۳۳	−۱۶/۳۴
	۳۸/۹۰	۱۳۶۱	−۱۸۸۹	−۵۴۲	−۳۷/۰۰	۲۲/۰۷	−۱۴/۹۳
	۳۸/۶۷	۱۳۶۲	−۲۴۴۲	−۱۰۸۵	−۴۶/۶۲	۱۷/۵۸	−۲۹/۰۴
	۴۷/۶۸	۱۳۶۳	−۳۵۷۹	−۱۵۹۷	−۵۲/۹۹	۱۷/۶۲	−۳۵/۳۷
	−۱۳/۱۶	۱۳۶۴	−۶۷۸۸	−۸۳۷۹	−۶۳/۵۸	−۴/۳۶	−۶۷/۹۴
	−۲/۷۱	۱۳۶۵	−۱۰۱۶۰	−۱۰۵۷۳	−۷۳/۵۹	−۰/۸۷	−۷۴/۴۵
	۷۵/۷۲	۱۳۶۶	−۱۳۰۵۱	−۵۸۵۰	−۷۵/۰۹	۱۴/۹۷	−۶۰/۱۲
	۸۹/۸۷	۱۳۶۷	−۱۲۱۳۵	−۴۷۷۰	−۷۴/۶۴	۱۷/۴۱	−۵۷/۲۳
	۳۷/۷۲	میانگین	−۶۴۳۷	−۴۱۷۱	−۵۷/۰۲	۱۲/۶۰	−۴۴/۴۳
برنامهٔ اول توسعهٔ اقتصادی و اجتماعی	۵۰/۶۲	۱۳۶۸	−۱۱۸۷۸	−۶۲۴۶	−۶۹/۱۴	۱۳/۶۲	−۵۵/۵۲
	−۴/۳۰	۱۳۶۹	−۱۵۹۹۰	−۱۷۰۳۳	−۷۳/۶۸	−۱/۳۴	−۷۵/۰۲
	−۱۰/۸۴	۱۳۷۰	−۱۵۷۹۶	−۱۸۳۳۸	−۷۵/۵۷	−۲/۳۷	−۷۷/۹۴
	−۴۷/۰۳	۱۳۷۱	−۱۷۱۶۲	−۳۵۸۷۱	−۸۰/۳۲	−۷/۰۱	−۸۷/۳۳
	−۵۱/۴۱	۱۳۷۲	−۱۰۲۱۱	−۲۷۵۸۷	−۶۰/۸۵	−۱۷/۲۳	−۷۸/۰۸
	−۴۱/۲۹	۱۳۷۳	−۱۳۵۲۶	−۲۸۶۰۳	−۶۲/۹۵	−۱۳/۸۴	−۷۶/۷۹
	−۱۷/۳۸	میانگین	−۱۴۰۹۴	−۲۲۲۸۰	−۷۰/۴۲	−۴/۷۰	−۷۵/۱۱
برنامهٔ دوم توسعهٔ اقتصادی و اجتماعی	−۳۱/۹۷	۱۳۷۴	−۱۷۶۳۰	−۳۰۳۹۸	−۶۴/۲۲	−۱۰/۵۶	−۷۴/۷۸
	−۱۶/۱۸	۱۳۷۵	−۱۵۷۳۴	−۲۰۷۶۴	−۶۱/۸۴	−۶/۲۱	−۶۸/۰۵
	−۰/۸۹	۱۳۷۶	−۱۴۰۰۷	−۱۴۲۸۳	−۶۱/۵۴	−۰/۶۳	−۶۲/۱۷
	۳۳/۱۵	۱۳۷۷	−۱۴۹۹۸	−۸۸۷۴	−۵۹/۹۵	۱۲/۲۴	−۴۷/۷۲
	۲۹/۱۰	۱۳۷۸	−۱۶۸۰۵	−۱۰۲۱۷	−۵۵/۶۷	۱۱/۶۵	−۴۴/۰۲
	۲/۶۴	میانگین	−۱۵۸۳۵	−۱۶۹۰۷	−۶۰/۶۴	۱/۳۰	−۵۹/۳۵
برنامهٔ سوم توسعهٔ اقتصادی و اجتماعی	۱۶/۹۶	۱۳۷۹	−۹۳۸۴	−۶۵۸۰	−۴۴/۷۸	۷/۸۴	−۳۶/۹۴
	۱۶/۵۴	۱۳۸۰	−۸۷۰۱	−۶۱۶۳	−۴۶/۰۳	۷/۸۰	−۳۸/۲۳
	۱۲/۹۹	۱۳۸۱	−۶۶۸۵	−۴۶۹۳	−۳۶/۲۹	۷/۳۶	−۲۸/۹۳
	۳/۸۵	۱۳۸۲	−۷۳۳۰	−۶۷۶۴	−۴۰/۹۲	۱/۶۴	−۳۹/۲۸
	−۲/۷۹	۱۳۸۳	−۱۱۲۸۰	−۱۱۹۳۷	−۵۹/۷۶	−۱/۶۴	−۶۱/۴۱
	۹/۵۱	میانگین	−۸۶۷۶	−۷۲۲۷	−۴۵/۵۶	۴/۶۰	−۴۰/۹۶
برنامهٔ چهارم توسعهٔ اقتصادی و اجتماعی	−۶/۱۸	۱۳۸۴	−۸۱۷۱	−۹۴۳۳	−۴۹/۰۶	−۳/۹۳	−۵۲/۹۹
	−۱۰/۷۰	۱۳۸۵	−۵۸۸۱	−۷۸۹۷	−۳۷/۹۸	−۷/۳۳	−۴۵/۳۱
	−۱۳/۰۹	۱۳۸۶	−۵۵۳۲	−۸۱۴۵	−۳۴/۵۴	−۹/۳۵	−۴۳/۸۹
	−۷/۷۴	۱۳۸۷	−۵۴۲۳	−۶۷۱۶	−۳۸/۴۷	−۵/۳۲	−۴۳/۷۹
	−۳/۳۲	۱۳۸۸	−۲۱۹۷	−۲۶۳۵	−۲۱/۲۱	−۳/۳۵	−۲۴/۵۶
	−۱۷/۴۵	۱۳۸۹	−۷۳۰	−۲۵۴۵	−۸/۸۸	−۱۶/۴۰	−۲۵/۲۷
	−۹/۷۵	میانگین	−۴۶۵۶	−۶۲۲۸	−۳۱/۶۹	−۷/۶۱	−۳۹/۳۰
پیش بینی برنامهٔ پنجم توسعهٔ اقتصادی و اجتماعی	−۱۹/۲۲	۱۳۹۰	−۹۱۳	−۲۸۷۳	−۱۱/۶۳	−۱۷/۵۳	−۲۹/۱۶
	−۲۱/۱۴	۱۳۹۱	−۲۹۵۳	−۵۶۲۰	−۳۰/۳۹	−۱۴/۷۱	−۴۵/۱۰
	−۲۳/۰۷	۱۳۹۲	−۲۹۹۲	−۵۸۷۹	−۳۱/۵۵	−۱۵/۵۹	−۴۷/۱۴
	−۲۴/۹۸	۱۳۹۳	−۳۰۵۶	−۶۱۷۱	−۳۲/۸۶	−۱۶/۳۶	−۴۹/۲۲
	−۲۲/۰۹	۱۳۹۴	−۳۶۳۰	−۶۳۶۶	−۳۷/۷۸	−۱۳/۳۸	−۵۱/۱۶
	−۲۲/۱۰	میانگین	−۲۷۰۹	−۵۳۸۲	−۲۸/۸۴	−۱۵/۵۱	−۴۴/۳۶

منبع: یافته‌های پژوهش

به دلیل کاهش چشمگیر حمایت‌های بودجه‌ای، مالیات پنهان در برنامهٔ دوم به بیشترین مقدار در بین دوره‌ها رسید. در برنامهٔ سوم مالیات پنهان تحمیلی بر تولیدکنندگان با نوسان همراه بود که این مسئله ریسک سیاستی دولت را نیز بر ریسک طبیعی فعالیت کشاورزی افزود. در برنامهٔ چهارم با کاهش تولید و افزایش قیمت داخلی، ارزش حمایت از تولیدکنندگان روند افزایشی داشت.

مقایسهٔ نتایج جدول‌های (۴-۲-۳-۵)، (۳-۲-۳-۵) و (۲-۲-۳-۵) نشان می‌دهد در همهٔ سال‌ها با اجرای سیاست‌های بخشی و ارزی، سهم حمایت‌های قیمتی در کل حمایت از تولیدکننده بیشتر از حمایت‌های بودجه‌ای بوده است که نشان می‌دهد دخالت دولت در بازار محصول، با جهت‌دهی به قیمت داخلی، نقش بیشتری در حمایت از مرکبات‌کاران داشته است.

در جدول (۴-۲-۳-۵) شاخص حمایت از تولیدکنندگان براساس نرخ ارز تعادلی(اثرکل) روندی مشابه اثرمستقیم داشته است که تا آغاز برنامهٔ دوم توسعه روند افزایشی داشت و مالیات پنهان زیادی در شرایط اثرگذاری متغیرهای بنیادین اقتصاد بر تولیدکنندگان تحمیل شد و سپس، در برنامهٔ سوم روند کاهشی پیدا کرد و در سال نخست تک‌نرخی شدن ارز (۱۳۸۱)، ۴۶۹۳ میلیارد ریال به قیمت ثابت سال ۱۳۸۴ از درآمد تولیدکنندگان کاسته شد. در برنامهٔ چهارم پس از یک دوره افزایش در زیان برآمده از اجرای سیاست‌های ارزی و بخشی، کاهش تولید و رشد قیمت‌های داخلی موجب افزایش حمایت از تولیدکنندگان شد. حمایت نشدن مداوم مرکبات‌کاران در طول سه دهه نشان می‌دهد سیاست‌های دولت، با در نظر نگرفتن بازار جهانی، از رقابت‌پذیری تولیدکنندگان مرکبات در آن کاسته است و پیش‌بینی می‌شود این روند در برنامهٔ پنجم نیز ادامه پیدا کند که در بلندمدت کاهش انگیزهٔ تولیدکنندگان و صادرات را در پی دارد.

همان‌طور که بیان شد، در ارزیابی سیاست‌های حمایتی از تولیدکنندگان، شاخص حمایت درصدی از تولیدکننده (PSE٪) مهم‌تر از شاخص برآورد حمایت از تولیدکننده (PSE) است، زیرا مقایسهٔ بهتری از حمایت را در طول زمان، بین کشورها و همچنین کالاهای مختلف، امکان‌پذیر می‌سازد. براساس نتایج جدول (۴-۲-۳-۵)، میانگین ۵۷- درصد شاخص PSE٪ که با رهیافت تجارت‌محور و نرخ حقیقی ارز برای دورهٔ جنگ محاسبه شده است، نشان می‌دهد مقدار دریافتی تولیدکننده ۵۷ درصد از آنچه می‌توانست با فروش محصولش با قیمت جهانی به دست آورد، کمتر بوده است. به بیان دیگر، سیاست‌های حمایتی در این دوره موجب شده است تولیدکننده ۵۷٪ از درآمدی را که در شرایط بدون چنین سیاست‌هایی می‌توانست به دست آورد به شکل نوعی مالیات پنهان از دست بدهد. میانگین این شاخص با نرخ ارز حقیقی در برنامهٔ چهارم توسعه ۳۱- درصد برآورد شد؛ یعنی باغداران در طول این برنامه به اندازهٔ ۶۹ درصد از درآمدی را که در صورت فروش محصول با قیمت جهانی به دست می‌آورند، در یافت کردند. در این برنامه سیاست‌های اجراشده موجب حمایت از تولیدکننده نشد و دریافتی او را نسبت به بازار جهانی کاهش داد که تداوم این مسئله موجب کاهش توان رقابتی تولیدکنندگان و انگیزهٔ توسعهٔ تولید، نیاز به واردات، کاهش سهم بازار و تثبیت صادرات کشور شده است.

در دورهٔ جنگ به علت اجرای سیاست‌های تثبیتی برای حمایت از مصرف‌کنندگان، سیاست‌ها به منظور کمتر نگه داشتن قیمت داخلی طراحی می‌شد و کشاورزان ناگزیر از پرداخت مالیات پنهان زیادی بودند؛ این شرایط با اجرای سیاست‌های آزادسازی در برنامه‌های اول و دوم توسعه با اجرای سیاست‌های تعدیل اقتصادی و کاهش ارزش پول ملی تشدید شد. از میانهٔ برنامهٔ دوم حمایت از کشاورزان بهبود پیدا کرد و در سال ۱۳۸۱ با اجرای سیاست یکسان‌سازی نرخ ارز به

۳۶- درصد رسید. حمایت از کشاورزان در سال ۱۳۸۹ با ۸ درصد نشان‌دهندهٔ اثر اندک اجرای سیاست‌های بخشی و اعمال نرخ ارز حقیقی بر باغداران است و کشاورزان در مقایسه با رقبای خارجی کمتر تضعیف شده‌اند. با توجه به روند افزایشی حمایت منفی از مرکبات‌کاران، پیش‌بینی می‌شود در برنامهٔ پنجم میانگین حمایت از کشاورزان ۲۸- درصد باشد که تفاوت چندانی با برنامهٔ چهارم ندارد. در برنامهٔ دوم دامنهٔ نوسان (تفاوت کمترین و بیشترین مقدار متغیر در یک دوره) حمایت از کشاورزان کمتر از دوره‌های دیگر بوده است که عاملی مهم در تصمیم‌سازی کشاورزان برای توسعه و مدیریت کشت به‌شمار می‌رود.

میانگین اثر کل که مجموع اثر سیاست‌های بخشی و کلان اقتصادی (سیاست‌های ارزی) در حمایت از تولیدکنندگان مرکبات را نشان می‌دهد، در همهٔ دوره‌ها منفی ارزیابی شده است، اما پس از برنامهٔ اول و اجرای سیاست‌های تعدیل اقتصادی روند افزایشی پیدا کرده است که علت آن بهبود حمایت‌های قیمتی برآمده از هماهنگی بیشتر قیمت‌های داخلی و جهانی و اجرای سیاست‌های ارزی است. در برنامهٔ سوم توسعه همزمان با اجرای سیاست تک‌نرخی شدن ارز، درآمد کشاورزان نسبت به پیش از اجرای سیاست‌ها کاهش پیدا کرد، اما بدون در نظر گرفتن سال ۱۳۸۳، اثرکل در این برنامه بیشترین ثبات و کمترین زیان را برای باغداران داشت که تداوم این روند تقویت توان رقابتی مرکبات‌کاران را در پی داشت. در برنامهٔ چهارم نیز با اعمال تأثیر متغیرهای بنیادین اقتصاد ایران، باغداران در سال‌های ۸۹-۱۳۸۸ حدود یک چهارم درآمد خود را در شرایطی که در بازار جهانی رقابت می‌کردند از دست دادند. یعنی با برقراری نرخ تعادلی بلندمدت ارز کشاورزان نسبت به برقراری نرخ حقیقی ارز و اجرای سیاست ارزی زیان بیشتری می‌کنند. از آنجا که مرکبات از محصولات صادراتی است، سیاست‌های ارزی بر انگیزهٔ تولیدی و صادراتی باغداران تأثیر مستقیم دارد. از این رو، چنان‌که مشاهده می‌شود، در سال‌هایی که نرخ ارز

حقیقی کمتر از نرخ تعادلی است، مالیات پنهان بیشتری بر کشاورزان تحمیل شده است. یعنی چنانچه نرخ ارز تعادلی مبنای مبادلات قرار گیرد، افزون بر کاهش رشد صادرات، موجب تبدیل شدن کشور به واردکنندهٔ مرکبات است و به تولیدکنندگان مرکبات آسیب می‌رساند و امکان رشد ایران را در بازارهای جهانی کاهش می‌دهد.

میانگین اثر غیرمستقیم PSE٪ که نشان‌دهندهٔ اثر سیاست‌های ارزی بر مقدار حمایت از تولیدکنندگان مرکبات است، تنها در دورهٔ جنگ در پی اجرای سیاست‌های تثبیتی و برنامه‌های دوم و سوم توسعه با شناورسازی نرخ ارز، مثبت بوده است. در این دو دوره، بیش‌برآورد ارزش ریال، به طور متوسط موجب حمایت از تولیدکنندگان شده است. در همهٔ دوره‌ها، به جز برنامه‌های اول و چهارم، سیاست‌های ارزی و بخشی خلاف جهت یکدیگر بوده‌اند، به‌طوری که مقادیر مثبت اثر غیرمستقیم در دورهٔ جنگ و برنامه‌های دوم و سوم توسعه، موجب کاهش اثر منفی سیاست‌های خاص بخش کشاورزی در حمایت از تولیدکنندگان مرکبات در این دوره شده است. در برنامه‌های اول و چهارم، اثر منفی سیاست‌های ارزی، حمایت‌های منفی از محصول مرکبات را تقویت کرده است. دربارهٔ PSE٪ نیز مانند MPS٪، مقادیر مطلق اثرمستقیم تنها در سال‌های ۹۰-۱۳۸۹ کمتر از اثر غیرمستقیم بوده است. به بیان دیگر، در مجموع کل حمایت از تولیدکنندگان مرکبات بر حسب علامت شاخص، سیاست‌های ارزی تقویت یا تضعیف‌کنندهٔ سیاست‌های بخشی بوده است و نقش سیاست‌های بخشی در اندازهٔ اثر کل، بیشتر از سیاست‌های ارزی است. شایان ذکر است در برنامهٔ اول نقش سیاست‌های ارزی پررنگ‌تر از سیاست‌های بخشی بوده و نشان می‌دهد کم‌ارزش‌گذاری پول ملی با وجود حمایت منفی، تأثیر بیشتری در حمایت از کشاورزان دارد.

۳-۲-۳-۵ بررسی مقادیر حمایت از مصرف‌کنندگان مرکبات طی برنامه‌های توسعه

در محاسبهٔ شاخص حمایت از مصرف‌کنندگان از انتقال‌های قیمتی از مصرف‌کنندگان به تولیدکنندگان، مالیات‌دهندگان به مصرف‌کنندگان و دیگر انتقال‌ها به مصرف‌کنندگان استفاده می‌شود که در محاسبهٔ این شاخص برای محصول مرکبات، از آنجا که پرداخت مستقیمی به مصرف‌کنندگان از راه بودجهٔ سالانهٔ دولت(مالیات‌دهندگان) انجام نمی‌پذیرد، تنها انتقال از مصرف‌کنندگان به تولیدکنندگان و واردکنندگان به مصرف‌کنندگان در محاسبه به کار گرفته شده است. در جدول (۶-۲-۳-۵) مقادیر شاخص حمایت درصدی مصرف‌کنندگان مرکبات (CSE٪) طی دورهٔ مورد بررسی (۸۹-۱۳۶۰) گزارش شده است.

بررسی ارزش حمایت مستقیم از مصرف‌کنندگان مرکبات برحسب قیمت‌های ثابت سال ۱۳۸۴، بیانگر آن است که حمایت از مصرف‌کنندگان تا سال اجرای سیاست‌های آزادسازی(۱۳۷۱) روند افزایشی داشت. پس از آن حمایت از مصرف‌کنندگان با نوسان روبه‌رو بود و در برنامهٔ سوم با اجرای سیاست تک‌نرخی شدن ارز و افزایش قیمت صادراتی، آنان ۹۵۸۱ میلیارد ریال - به قیمت ثابت سال ۱۳۸۴ - حمایت دریافت کردند و پس از آن حمایت از مصرف‌کنندگان مرکبات روند کاهشی پیدا کرد.

حمایت از آنان برحسب نرخ ارز تعادلی نیز روندی مشابه داشت و در دورهٔ جنگ با وجود کم نگه‌داشتن قیمت داخلی نسبت به قیمت جهانی و بیش‌ارزش‌گذاری پول ملی، کمترین حمایت از مصرف‌کنندگان صورت پذیرفت.

جدول ۶-۲-۳-۵) شاخص‌های حمایت از مصرف‌کنندگان مرکبات

برنامه های توسعه	درصد انحراف نرخ ارز	سال	ارزش اثرمستقیم به قیمت ثابت سال ۱۳۸۴ (میلیارد ریال)	ارزش اثر کل به قیمت ثابت سال ۱۳۸۴ (میلیارد ریال)	%CSE اثر مستقیم	%CSE اثر غیرمستقیم	%CSE اثر کل
دورهٔ جنگ	۲۶/۸۱	۱۳۶۰	۱۶۷۱	۷۰۵	۳۷/۶۱	-۱۷/۳۴	۲۰/۲۷
	۳۸/۹۰	۱۳۶۱	۲۱۹۴	۷۲۲	۴۲/۹۸	-۲۳/۱۱	۱۹/۸۸
	۳۸/۶۷	۱۳۶۲	۲۸۳۳	۱۳۳۲	۵۴/۰۸	-۱۸/۴۴	۳۵/۶۵
	۴۷/۶۸	۱۳۶۳	۴۲۴۴	۲۰۰۵	۶۲/۸۵	-۱۸/۴۳	۴۴/۴۲
	-۱۳/۱۶	۱۳۶۴	۷۳۸۳	۹۰۳۸	۶۹/۱۹	۴/۱۴	۷۳/۳۳
	-۲/۷۱	۱۳۶۵	۱۱۱۲۹	۱۱۵۲۲	۸۰/۶۶	۰/۵۴	۸۱/۱۹
	۷۵/۷۲	۱۳۶۶	۱۳۹۵۸	۶۳۱۳	۸۰/۳۶	-۱۵/۴۴	۶۴/۹۲
	۸۹/۸۷	۱۳۶۷	۱۳۱۸۸	۵۲۷۳	۸۱/۱۹	-۱۷/۸۸	۶۳/۳۱
	۳۷/۷۲	میانگین	۷۰۷۵	۴۶۱۴	۶۳/۶۲	-۱۳/۲۴	۵۰/۳۷
برنامهٔ اول توسعهٔ اقتصادی و اجتماعی	۵۰/۶۲	۱۳۶۸	۱۲۵۷۲	۶۶۴۶	۷۳/۲۴	-۱۴/۱۱	۵۹/۱۲
	-۴/۳۰	۱۳۶۹	۱۷۴۹۶	۱۸۴۹۷	۸۰/۶۵	۰/۸۵	۸۱/۵۰
	-۱۰/۸۴	۱۳۷۰	۱۷۱۱۰	۱۹۷۲۸	۸۲/۱۲	۲/۰۰	۸۴/۱۲
	-۴۷/۰۳	۱۳۷۱	۱۸۲۵۳	۳۷۸۴۰	۸۵/۹۶	۶/۷۴	۹۲/۶۹
	-۵۱/۴۱	۱۳۷۲	۱۱۱۳۶	۲۹۴۵۲	۶۷/۲۲	۱۷/۲۱	۸۴/۴۳
	-۴۱/۲۹	۱۳۷۳	۱۴۱۳۴	۲۹۵۶۲	۶۷/۲۰	۱۳/۸۸	۸۱/۰۸
	-۱۷/۳۸	میانگین	۱۵۱۱۷	۲۳۶۲۱	۷۶/۰۶	۴/۴۳	۸۰/۴۹
برنامهٔ دوم توسعهٔ اقتصادی و اجتماعی	-۳۱/۹۷	۱۳۷۴	۱۸۳۳۶	۳۱۳۶۵	۶۷/۶۴	۱۰/۵۱	۷۸/۱۴
	-۱۶/۱۸	۱۳۷۵	۱۶۰۲۴	۲۱۰۳۰	۶۳/۷۷	۶/۰۲	۶۹/۷۹
	-۰/۸۹	۱۳۷۶	۱۴۰۳۴	۱۴۲۴۲	۶۲/۹۸	۰/۳۴	۶۳/۳۲
	۳۳/۱۵	۱۳۷۷	۱۵۴۴۳	۹۱۵۴	۶۳/۰۲	-۱۲/۷۷	۵۰/۲۵
	۲۹/۱۰	۱۳۷۸	۱۷۶۲۷	۱۰۷۸۱	۵۹/۵۲	-۱۲/۱۷	۴۷/۳۴
	۲/۶۴	میانگین	۱۶۲۹۳	۱۷۳۱۴	۶۳/۳۸	-۱/۶۱	۶۱/۷۷
برنامهٔ سوم توسعهٔ اقتصادی و اجتماعی	۱۶/۹۶	۱۳۷۹	۱۰۶۱۷	۷۵۲۹	۵۱/۵۶	-۸/۵۵	۴۳/۰۱
	۱۶/۵۴	۱۳۸۰	۹۶۶۶	۶۹۱۱	۵۱/۶۶	-۸/۳۵	۴۳/۳۱
	۱۲/۹۹	۱۳۸۱	۷۶۱۵	۵۴۳۳	۴۱/۶۴	-۷/۹۱	۳۳/۷۳
	۳/۸۵	۱۳۸۲	۸۱۰۱	۷۴۱۴	۴۵/۵۵	-۲/۱۹	۴۳/۳۶
	-۲/۷۹	۱۳۸۳	۱۱۹۰۷	۱۲۴۶۴	۶۳/۹۹	۱/۰۵	۶۵/۰۴
	۹/۵۱	میانگین	۹۵۸۱	۷۹۵۰	۵۰/۸۸	-۵/۱۹	۴۵/۶۹
برنامهٔ چهارم توسعهٔ اقتصادی و اجتماعی	-۶/۱۸	۱۳۸۴	۸۶۸۰	۹۸۲۶	۵۲/۱۶	۳/۰۸	۵۵/۲۵
	-۱۰/۷۰	۱۳۸۵	۶۴۷۵	۸۴۲۴	۴۱/۷۴	۶/۵۰	۴۸/۲۴
	-۱۳/۰۹	۱۳۸۶	۶۲۲۷	۸۸۰۵	۳۸/۲۹	۸/۴۴	۴۶/۷۳
	-۷/۷۴	۱۳۸۷	۶۰۹۲	۷۳۸۹	۴۱/۳۳	۴/۷۴	۴۶/۰۷
	-۳/۳۲	۱۳۸۸	۲۷۲۳	۳۱۱۴	۲۵/۱۸	۲/۶۱	۲۷/۷۹
	-۱۷/۴۵	۱۳۸۹	۱۲۶۷	۳۲۳۹	۱۴/۳۷	۱۵/۶۴	۳۰/۰۱
	-۹/۷۵	میانگین	۵۲۴۴	۶۸۰۰	۳۵/۵۱	۶/۸۴	۴۲/۳۵
پیش بینی برنامهٔ پنجم توسعهٔ اقتصادی و اجتماعی	-۱۹/۲۲	۱۳۹۰	۱۵۹۴	۳۶۸۱	۱۹/۵۲	۱۶/۳۹	۳۵/۹۱
	-۲۱/۱۴	۱۳۹۱	۳۹۱۰	۶۷۸۸	۳۸/۳۹	۱۳/۵۷	۵۱/۹۷
	-۲۳/۰۷	۱۳۹۲	۴۰۰۱	۷۱۵۹	۳۹/۹۰	۱۴/۳۹	۵۴/۲۹
	-۲۴/۹۸	۱۳۹۳	۴۰۸۸	۷۵۱۵	۴۱/۵۷	۱۵/۱۰	۵۶/۶۶
	-۲۲/۰۹	۱۳۹۴	۴۸۰۸	۷۸۲۸	۴۶/۹۶	۱۲/۰۸	۵۹/۰۴
	-۲۲/۱۰	میانگین	۳۶۸۰	۶۵۹۴	۳۷/۲۷	۱۴/۳۱	۵۱/۵۸

منبع: یافته‌های پژوهش

در برنامهٔ اول با کاهش ارزش پول ملی و رشد قیمت جهانی حمایت از مصرف‌کنندگان مرکبات افزایش پیدا کرد و در برنامه‌های دوم تا چهارم با وجود روند کاهشی با نوسان همراه بود. مقایسهٔ ارزش اثر مستقیم و اثرکل نشان می‌دهد، در برنامه‌های اول و چهارم با کم‌برآورد ارزش تعادلی ریال، اثر کل بیشتر از اثرمستقیم است، یعنی در شرایط اعمال نرخ ارز تعادلی بلندمدت اقتصاد که براساس نتایج فصل چهارم، با پیشرفت فن‌آوری و درآمد نفت رابطهٔ مستقیم دارد، حمایت از مصرف‌کنندگان بیشتر از شرایط اعمال نرخ حقیقی ارز است.

درصد حمایت از مصرف‌کنندگان(CSE٪) با نرخ ارز حقیقی، نشان می‌دهد حمایت از مصرف‌کنندگان مرکبات در دورهٔ جنگ ۶۳ درصد از پرداختی مصرف‌کنندگان را برحسب قیمت‌های تعدیل‌شدهٔ جهانی شامل شده است. یعنی در شرایط کنونی با اجرای سیاست‌های قیمتی، مصرف‌کنندگان به اندازهٔ ۶۳ درصد آنچه (در صورتی که بازار آزاد باشد) باید می‌پرداختند، حمایت دریافت می‌کنند. در حقیقت حدود یک سوم آنچه می‌بایست برای مصرف مرکبات می‌پرداختند، هزینه کرده‌اند. درصد حمایت‌ها در برنامهٔ چهارم به کمترین مقدار رسیده و مصرف‌کنندگان مرکبات ۳۵ درصد از ارزش مصرف خود به قیمت بازار جهانی، کمتر پرداخته‌اند.

براساس نتایج جدول (۶-۲-۳-۵) اثر کل روند مشابهی با اثر مستقیم دارد و چگونگی حمایت از مصرف‌کنندگان مرکبات را با برقراری نرخ ارز تعادلی بلندمدت اقتصاد ایران بیان می‌کند. در برنامهٔ اول توسعه همزمان با اجرای سیاست‌های تعدیل اقتصادی، از مصرف‌کنندگان مرکبات حمایت بیشتری شد. در برنامهٔ چهارم توسعه با افزایش قیمت‌های داخلی و کم‌برآورد ارزش ریال، حمایت از مصرف‌کنندگان مرکبات براساس این شاخص کمترین مقدار را دارد، به طوری که مصرف‌کنندگان مرکبات با برقراری سیاست‌های ارزی و بخشی ۴۲ درصد از آنچه در شرایطی که هیچ سیاست ارزی و بخشی اجرا نشود، کمتر می‌پردازند.

علامت اثرغیرمستقیم در مورد مصرف‌کنندگان، عکس علامت انحراف نرخ ارز است، یعنی با کم برآورد ارزش ریال(انحراف منفی)، مصرف‌کنندگان حمایت می‌شوند و برعکس. به عبارت دیگر، چگونگی حمایت از مصرف‌کنندگان را هنگامی که سیاست ارزی برقرار است نسبت به وقتی که سیاست ارزی اجرا نمی‌شود نشان می‌دهد. در دورهٔ جنگ و برنامه‌های دوم و سوم توسعه سیاست‌های ارزی تضعیف-کنندهٔ سیاست‌های بخشی بوده و با اجرای سیاست ارزی، مصرف‌کنندگان مرکبات حمایت نشده‌اند. در حالی‌که در دیگر برنامه‌ها با اجرای سیاست ارزی کم‌برآورد ارزش ریال، مصرف‌کنندگان مرکبات نسبت به شرایطی که سیاست ارزی برقرار نباشد حمایت شده‌اند. برای مثال در برنامهٔ چهارم ۶/۸٪ کمتر از قبل از اجرای سیاست ارزی پرداخت کرده‌اند. همان‌طور که در نتایج جدول‌های (۵-۲-۳-۵) و (۶-۲-۳-۵) مشاهده می‌شود، حمایت یک‌جانبه از مصرف‌کنندگان در همهٔ سال‌ها، در نبود سیاست‌های حمایت‌کنندهٔ کشاورزان، از رقابت‌پذیری بازار می‌کاهد و با تضعیف تولید همزمان با تقویت تقاضا موجب افزایش واردات مرکبات می‌شود. چنان‌که در برنامهٔ چهارم توسعه روند کاهشی تولید مرکبات و آغاز واردات آن در کشور صحت این دیدگاه را تأیید می‌کند.

۴-۲-۳-۵ نتیجه‌گیری و پیشنهادهای مرکبات

چنان‌که بیان شد، مرکبات از محصولات صادراتی زیربخش باغبانی ایران محسوب می‌شود و سیاست‌های حمایتی مختلفی از بخش تولید و مصرف آن صورت پذیرفته است. در این پژوهش مقادیر کمّی این حمایت‌ها براساس شاخص‌های MPS، PSE و CSE طی دورهٔ ۸۹-۱۳۶۰ محاسبه شده است که نتایج بیانگر وجود روند افزایشی در حمایت‌های قیمتی و کل حمایت از تولیدکنندگان و روند کاهشی در حمایت از مصرف‌کنندگان مرکبات به قیمت ثابت بوده است. همچنین در مجموع حمایت‌های

بودجه‌ای و قیمتی، حمایت‌های قیمتی در کل حمایت از تولیدکنندگان در بیشتر سال‌ها نسبت به حمایت‌های قیمتی سهم بیشتری داشته‌اند.

بررسی اثر سیاست‌های ارزی و انحراف نرخ ارز بر مقادیر حمایت از تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان مرکبات نشان می‌دهد این سیاست‌ها در دورهٔ جنگ و همچنین در بیشتر سال‌های برنامه‌های دوم و سوم توسعه که انحراف نرخ ارز مثبت بوده (نرخ ارز حقیقی بیش از نرخ ارز تعادلی بوده است) بر شاخص‌های حمایت از تولیدکنندگان اثر مثبتی داشته است، در حالی که در دیگر برنامه‌های توسعه موجب کاهش حمایت از تولیدکنندگان مرکبات شده است، یعنی اثر غیرمستقیم تضعیف‌کنندهٔ اثر مستقیم بوده است. در پیش‌بینی برنامهٔ پنجم نیز همانند برنامهٔ چهارم، سیاست‌های ارزی تقویت‌کنندهٔ سیاست‌های بخش کشاورزی نیست و اثرمستقیم و اثرکل هر دو منفی هستند. شاخص حمایت بازاری هم عدم حمایت از تولیدکنندگان را در بازار داخلی نسبت به بازار جهانی نشان می‌دهد، به طوری که سیاست‌های ارزی و بخشی به زیان تولیدکنندگان مرکبات خواهد بود.

براساس نتایج، اجرای سیاست‌های باثبات و بلندمدت برای پیشگیری از نوسان‌های قیمت محصول، نهاده‌ها و نرخ ارز و حمایت‌های بودجه‌ای توصیه می‌شود. با توجه به سهم بیشتر حمایت‌های قیمتی از کل حمایت‌ها، تأکید بر الگوی سیاست‌های حمایت قیمتی موجب حفظ قیمت مرکبات نزدیک به قیمت جهانی می‌شود، اما در این رویکرد با دخالت مستقیم دولت در بازار محصول از درجهٔ رقابت بازار مرکبات کاسته می‌شود. از این رو، در کنار هدایت قیمت بازار داخلی با هدف پوشش هزینه‌های تولید و جلوگیری از پیش‌فروش محصول روی درخت، تنوع‌بخشی به حمایت‌های بودجه‌ای مانند به‌کارگیری پرداخت‌های مستقیم، تسهیل رویه‌های صادراتی و ایجاد امکانات بازاریابی می‌تواند مناسب باشد. با توجه به ضوابط بهداشتی کشورهای واردکنندهٔ مرکبات، پرداخت حمایت‌های بودجه‌ای به شرط رعایت

استانداردهای تولید محصول مطابق درخواست بازارهای جهانی مناسب به نظر می‌رسد. همچنین ایجاد تعاونی‌هایی برای ورود انبوه تولیدکنندگان به بازار داخلی و جهانی به افزایش رقابت‌پذیری و اثرگذاری بر قیمت کمک می‌کند و از سهم دلالان از حاشیهٔ بازار می‌کاهد که می‌توان با ایجاد سازوکاری برای توزیع حمایت‌ها توسط این تعاونی‌ها، کشاورزان را به تشکیل و عضویت در آنها تشویق کرد و کارایی سیاست‌های حمایتی را افزایش داد. همچنین تنظیم سیاست‌های ارزی و بخشی به گونه‌ای که همسو و تقویت‌کنندهٔ یکدیگر باشند، به کارایی آنها می‌افزاید و با افزایش مزیت رقابتی، به رقابت‌پذیری جهانی تولیدکنندگان داخلی کمک می‌کند.

متوسط شاخص‌های حمایت قیمتی، حمایت از تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان در سه دورهٔ اجرای سیاست‌های ارزی کشور در جدول (۷-۲-۳-۵) آمده است. براساس شاخص‌های درصدی حمایت از تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان مرکبات در سه دهۀ بررسی، سیاست‌های بخشی در مقایسه با سیاست‌های ارزی در کل حمایت‌ها تأثیر بیشتری داشته است، زیرا قدرمطلق اثر مستقیم همواره بیشتر از اثر غیرمستقیم بوده است. در دهۀ ۱۳۶۰ به دلیل به‌کارگیری سیاست تثبیت نرخ ارز، انحراف از نرخ تعادلی به شدت افزایش یافت و با بیش‌برآورد ارزش ریال از تولیدکنندگان حمایت قیمتی شد، اما در این دوره آثار منفی سیاست‌های بخشی از جمله کم نگه داشتن قیمت داخلی در مقایسه با قیمت جهانی تا حدی زیاد بود که اثر سیاست ارزی را خنثی و در مجموع حمایت کل از تولیدکننده را منفی کرد. در دهۀ ۱۳۷۰ با برقراری سیاست ارزی چند نرخی و انحراف منفی نرخ ارز، میانگین اثرغیرمستقیم حمایت از تولیدکنندگان منفی شد و سیاست‌های بخشی در جهت حمایت از تولیدکنندگان تغییر چندانی نکرد و میانگین اثرکل نیز در این دوره منفی بود. در دورهٔ سوم سیاست‌های ارزی با برقراری نرخ ارز شناور مدیریت شده میانگین انحراف نرخ ارز کاهش پیدا کرد، اما همچنان منفی بود. این کم برآورد ارزش ریال، با

حمایت نکردن از تولیدکننده، موجب تقویت اثر منفی سیاست‌های بخشی شد، به طوری که میانگین اثر کل حمایت قیمتی در این دوره ۴۴- درصد بود. برای مصرف‌کنندگان در دورهٔ سوم ارزی، سیاست ارزی بهبوددهندهٔ اثر مثبت سیاست‌های بخشی بود و با اجرای سیاست‌های ارزی و بخشی مصرف‌کنندگان ۴۴ درصد از آنچه در شرایط بدون سیاست می‌پرداختند، کمتر هزینه کرده‌اند.

جدول ۷-۲-۳-۵) بررسی حمایت از تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان مرکبات در دوره‌های ارزی

دوره	درصد انحراف نرخ ارز	%MPS			%PSE			%CSE		
		اثر مستقیم	اثر غیرمستقیم	اثر کل	اثر مستقیم	اثر غیرمستقیم	اثر کل	اثر مستقیم	اثر غیرمستقیم	اثر کل
۱۳۶۰-۱۳۷۰	۳۰/۶۶	-۶۷/۷۲	۱۰/۶۶	-۵۷/۰۶	-۶۱/۳۳	۱۰/۰۶	-۵۱/۲۶	۶۷/۷۲	-۱۰/۶۶	۵۷/۰۶
۱۳۷۱-۱۳۸۰	-۹/۳۰	-۶۴/۰۵	-۱/۲۹	-۶۵/۳۴	-۵۹/۸۲	-۱/۶۰	-۶۱/۴۱	۶۴/۰۵	۱/۲۹	۶۵/۳۴
۱۳۸۱-۱۳۸۹	-۴/۹۴	-۴۰/۴۷	-۳/۵۵	-۴۴/۰۲	-۳۶/۳۵	-۴/۲۶	-۴۰/۶۰	۴۰/۴۷	۳/۵۵	۴۴/۰۲

منبع: یافته‌های پژوهش

به طور کلی شاخص‌های حمایت از تولید مرکبات دامنهٔ نوسان زیادی را در پی اجرای سیاست‌های ارزی و بخشی نشان می‌دهند، اما به دلیل ثبات نسبی تولید و قیمت جهانی، نوسان سالانهٔ آن چندان زیاد نیست که به افزایش ریسک در طول زمان منجر می‌شود. در سال‌های نخست مورد بررسی در این پژوهش و برنامه‌های دوم و سوم توسعه، سیاست‌های ارزی تنها اندکی جبران‌کنندهٔ نبودِ حمایت‌های بخشی و در برنامه‌های اول و چهارم، سیاست‌های ارزی همسو با سیاست‌های بخشی حمایت‌کنندهٔ مصرف‌کنندگان مرکبات بود. برقراری سیاست‌های همسو و حمایت‌کننده، به افزایش رقابت‌پذیری تولیدکنندگان مرکبات، افزایش کارایی آنان و توسعهٔ صنایع وابسته به این محصول و افزایش سهم صادرات کمک می‌کند. با توجه

به نتایج برآورد نرخ ارز در فصل سوم، افزایش درآمدهای نفتی موجب افزایش ارزش ریال تعادلی می‌شود که در صورت ثبات نرخ حقیقی ارز، رشد درآمدهای نفتی به نفع تولیدکنندگان است. همچنین بهره‌وری اقتصاد به عنوان شاخص پیشرفت فن‌آوری، بر نرخ تعادلی ارز و شاخص حمایت‌ها چنین اثری دارد که دولت با مدیریت این دو عامل می‌تواند حمایت از مرکبات‌کاران را افزایش دهد. بنابراین انتظار می‌رود، ترکیب سیاست‌های پولی، مالی، ارزی و بخشی به گونه‌ای باشد که برایند آن، حمایت‌کنندهٔ کشاورزان باشد.

۳-۳-۵ خرما

خرما از محصولات باغی مناطق گرمسیر ایران است که به علت مازاد تولید، ظرفیت زیادی برای صادرات دارد. به طوری که براساس آمار سازمان خواربار کشاورزی در بیشتر سال‌های بررسی(۱۳۸۹-۱۳۶۸) ایران همواره در بین سه کشور برتر جهان از نظر تولید و صادرات خرما بوده است، اما در سال‌های اخیر با توسعهٔ تولید در کشورهای مصر، تونس و بعضی کشورهای اروپای شرقی، رقبای جدیدی برای ایران و تولیدکنندگان سنتی خرما، عربستان و عراق، ایجاد شد که همزمان کم‌توجهی به بهبود شرایط تولید و فراوری خرما و راهبردهای مناسب بازاریابی، جایگاه ایران در دههٔ اخیر، از رتبهٔ اول به دوم و سوم کاهش پیدا کرد. با توجه به شرایط مناسب آب‌وهوایی نیمهٔ جنوبی ایران برای کشت خرما، نخلستان‌های کشور در این نواحی گسترش یافته است که به گزارش وزرات جهاد کشاورزی، استان‌های هرمزگان، بوشهر، خوزستان، کرمان، فارس و سیستان و بلوچستان بیشترین تولید و سطح زیرکشت را دارند و پراکندگی نخلستان‌ها در این استان‌ها متعادل است و بندرعباس مهم‌ترین مبدأ صادراتی این محصول است.

خرما افزون بر مصرف تازه‌خوری (خارک و رطب) و طبخ غذا، کاربردهای گوناگونی در صنایع فراوری از جمله، تهیهٔ شیرهٔ خرما، شهد خرما (عسل خرما)، قند مایع، سرکهٔ خرما، الکل، عصاره نوشابه، کلمپه خرما، حلوای خرما، شکلات جامد و صبحانه خرما، چیپس ساده خرما، لواشک خرما، سس، رب، ترشی، کمپوت، مارمالاد، مربا و خوراک دام به‌کار می‌رود. همچنین از هستهٔ آن روغن کربن اکتیو، لوریل الکل، مواد مؤثر سطحی، پماد و مواد دارویی استخراج و از برگ و چوب خرما در ساخت انواع ظروف بافتنی، حصیر، نئوپان سازی، کاغذ سازی و پوشش ساختمان‌ها و پل‌ها استفاده می‌شود. بنابراین بازار مصرف این کالا متنوع و رو به گسترش است، با وجود

این فرصت برای تولید ارزش افزوده، تنها ۱۰ درصد خرمای تولیدی ایران و جهان فراوری می‌شود. در حالی که تولید محصولاتی مانند سس و سرکهٔ خرما از ضایعات خرما که کیفیت تازه‌خوری ندارد، امکان‌پذیر است.

جدول ۱-۳-۳-۵) وضعیت تولید، عملکرد و تجارت خرما ایران

سال	سطح زیرکشت (هزارهکتار)	سهم از سطح زیرکشت (درصد)	عملکرد (تن در هکتار)	نسبت عملکرد ایران به جهان	تولید (هزارتن)	سهم از تولید جهان (درصد)	صادرات (هزار تن)	سهم از صادرات (درصد)	ارزش صادرات (میلیون دلار)	سهم از ارزش صادرات (درصد)
۱۳۶۸	۱۲۱	۱۹/۵۱	٤/٤٥	۰/۸۰	٥۳۹	۱٥/۷۰	۱۳	۳/۰۰	۸	۳/۲۲
۱۳٦۹	۱۱۹	۱۹/۰٤	٤/۳٤	۰/۷۹	٥۱٦	۱٥/۰٥	٤٦	۱۱/۰٦	۱٥	٦/۳۲
۱۳۷۰	۱٤۱	۲۱/٤۰	٤/٤۹	۰/۸۰	٦۳٤	۱۷/۰٦	٥۸	۲۳/۸۰	۳٥	۱٥/۱۹
۱۳۷۱	۱۳٦	۲۰/۳۸	٤/۲٤	۰/۷۷	٥۷۸	۱٥/۷۸	۹۱	۳۰/۸۸	٤٤	۱٥/۱۹
۱۳۷۲	۱۳۹	۱۸/۹۳	٥/۱٦	۰/۸٦	۷۱٦	۱٦/۳۲	۱۰۹	۳٦/۰٦	٥٥	۱۸/۷۸
۱۳۷۳	۱٥۱	۱۹/۰٥	٥/۱٤	۰/۸۹	۷۷٤	۱٦/۹٤	۱۳٥	۳٦/۱۷	٦۲	۲۲/۹۰
۱۳۷٤	۱٥۱	۱۸/۲۱	٥/۱٦	۰/۸۸	۷۸۰	۱٦/۰۹	۱۰۰	۲۷/۱۲	٤۳	۱۳/۰۷
۱۳۷٥	۱٦٦	۱۸/۹٤	٥/۱٥	۰/۹۰	۸٥٥	۱۷/۰٦	۲۰۰	۳٤/٦٥	۸۳	۲۲/۸٤
۱۳۷٦	۱۹۲	۲۱/٤۱	٤/٥٦	۰/۸۱	۸۷۷	۱۷/۲٤	٥۹	۱۳/۲۲	۱٥	٦/۲۰
۱۳۷۷	۲۱۸	۲۳/۲۲	٤/۲۲	۰/٦۹	۹۱۸	۱٦/۰۳	۷٤	۱٤/۲۷	۱٦	٦/۰۲
۱۳۷۸	۱۷۷	۱۷/٦٥	٥/۱۲	۰/۸۷	۹۰۸	۱٥/۲۸	۱۰۱	۱۹/۸٦	۲۳	۸/۸۸
۱۳۷۹	۱۸٥	۱۷/٥۹	٤/۷۱	۰/۷٦	۸۷۰	۱۳/۳۸	۱۰۸	۱۹/۹۰	۲٦	۱۰/۲٦
۱۳۸۰	۱۸۳	۱۷/۰۸	٤/۷۷	۰/۷٦	۸۷٥	۱۲/۹٥	۱۱۹	۲۱/۸۳	۲۸	۱۱/۲۷
۱۳۸۱	۱۸٤	۱۷/۰۹	٤/۷۸	۰/۷۷	۸۷۹	۱۳/۰۷	۱۱٤	۱۹/۳۹	۲۸	۱۰/۰۱
۱۳۸۲	۱۹۳	۱۷/٥۸	٤/٦۰	۰/۷٥	۸۸٥	۱۳/۲۷	۱۲۰	۲۰/٥۸	۳٥	۱۰/۷٥
۱۳۸۳	۲۳۳	۲۰/۳۹	٤/۲٥	۰/۷۳	۹۹۰	۱٤/۹٥	۹٥	۲٤/۸۱	۳٦	۱۱/۹۸
۱۳۸٤	۲۳۹	۲۱/۲٦	٤/۱۷	۰/۷۲	۹۹۷	۱٥/۲۲	۱۱۷	۱٤/۸٦	٦۸	۱٥/٦۷
۱۳۸٥	۲٤۰	۲۰/۱٥	٤/۱۷	۰/۷٤	۱۰۰۰	۱٤/۹۱	۱٤۳	۳۰/٦۱	۹۲	۲۱/۰۷
۱۳۸٦	۲٥٥	۲۰/۷٥	٥/۱۲	۰/۸۸	۱۳۰۸	۱۸/۱٦	۱۲۳	۱۷/۹٤	۹۱	۱٥/٤٦
۱۳۸۷	۱٥۷	۱۳/۸۱	٦/٥۳	۱/۰٥	۱۰۲۳	۱٤/٤۸	۱۱٤	۱۲/٥۲	۱۰۲	۱٤/۸٤
۱۳۸۸	۱٥۷	۱۳/٤۳	٦/٥۳	۱/۰٦	۱۰۲۳	۱٤/۱۸	٦۹	۸/۸۲	٥٦	۹/۱۸
۱۳۸۹	۱٥۷	۱٤/۱۸	٦/٥۳	۰/۹٥	۱۰۲۳	۱۳/٤۲	۱۰۷	۱۲/٦۱	۱۳٤	۱۷/٦۲

منبع: سایت سازمان خواربار و کشاورزی جهانی ملل متحد(http://fao.org)

جدول (۱-۳-۳-۵) تصویری از وضعیت تولید، عملکرد و تجارت خرما ایران ارائه می‌دهد. با توجه به جدول، سطح زیرکشت این محصول از سال ۱۳۶۸ تا ۱۳۸۹، حدود ۱/۳ برابر شد و از حدود ۱۲۱ به ۱۵۷ هزار هکتار افزایش یافت، اما در سال‌های اخیر با روند کاهشی روبه‌رو شده است. با وجود کاهش سطح زیرکشت در سه سال ۱۳۸۹-۱۳۸۷، مقدار خرمای تولیدی در طی اجرای چهار برنامهٔ توسعه اقتصادی، با رشدی نزدیک به ۱۰۰ درصد، از حدود ۵۳۰ هزار تن در سال ۱۳۶۸ به بیش از یک میلیون تن در سال ۱۳۸۹ افزایش پیدا کرد. افزایش دو برابری سطح زیرکشت علت اصلی این افزایش تولید بوده است و عملکرد تغییر چندانی نداشته است. عملکرد خرما در طی سال‌های اجرای برنامه‌های توسعه، با نوسان‌های دوره‌ای، از ۴/۵ تن در هکتار در ابتدای برنامهٔ اول به ۶/۵ تن در هکتار در پایان برنامهٔ چهارم افزایش پیدا کرده است. به جز سال‌های ۱۳۸۸-۱۳۸۷، عملکرد تولید خرمای ایران همیشه کمتر از متوسط جهان بود، به طوری که در خشکسالی سال ۱۳۷۷ عملکرد تولید خرما ایران ۰/۶ عملکرد جهانی بود. این نسبت نشان می‌دهد، سیاست‌های تولیدی این محصول مانند پسته نتوانسته است عملکرد را در مقایسه با دیگر کشورهای جهان افزایش دهد. هرچند براساس نمودار (۱-۳-۳-۵) سهم سطح زیرکشت خرمای کشور از مجموع جهانی حدود ۲۰ درصد است، اما میانگین ۱۵ درصدی سهم تولید جهانی، ضعف عملکرد تولید ایران نسبت به دیگر کشورهای عمدهٔ تولیدکننده را تأیید می‌کند و بیانگر کمبود در بهره‌وری زمین و دیگر نهاده‌های تولید خرما در ایران نسبت به جهان است که مزیت نسبی کشور را در تولید این محصول دستخوش تغییر می‌کند.

براساس جدول (۱-۳-۳-۵) تولید خرما با روند ملایمی افزایش پیدا کرده و ایران در همهٔ سال‌ها صادرکنندهٔ خالص این محصول بوده است. صادرات خرمای ایران هیچ‌گاه پیرو روند ثابتی نبود، اما رشد افزایشی داشت، به طوری که رتبهٔ نخست

کشور در صادرات جهانی خرما در دهۀ ۱۳۷۰ و نیمۀ اول دهۀ ۱۳۸۰ حفظ شد و در بعضی سال‌ها بیش از ۳۰ درصد حجم صادرات جهانی خرما را کسب کرد. با وجود این، از سال ۱۳۷۶ با وقوع خشکسالی و کاهش تولید در کشور، سهم ایران از بازار جهانی خرما به شدت کاهش یافت و از ۲۲/۸۴ درصد به حدود ۱۰ درصد در سال‌های پایانی برنامه دوم رسید. همچنین در سال ۱۳۸۸ صادرات ایران به طور چشمگیری به ۶۹ هزار تن کاهش پیدا کرد و سهم ایران از کل صادرات جهان به طور میانگین ۸/۸ درصد رسید. چنین تغییراتی در صادرات با وجود کاهش نیافتن تولید، نشان‌دهندۀ تزلزل موقعیت ایران در بازار رقابت جهانی است. در سال‌های دورۀ بررسی بیشترین درآمد ارزی صادرات خرما در سال ۱۳۸۹ برابر با ۱۳۴ میلیون دلار بود که علت آن افزایش حجم و ارزش هر واحد صادرات است. براساس نمودار (۱-۳-۳-۵) سهم حجم و ارزش صادرات خرما در بیشتر سال‌ها اختلاف چشمگیری داشته است که قیمت واحد صادراتی کمتر ایران را نسبت به رقبای دیگر نشان می‌دهد. روند افزایشی سهم ارزش صادرات خرما از سال ۱۳۷۶ تا ۱۳۸۴، می‌تواند بیانگر این موضوع باشد که سیاست‌گذاری‌های بازرگانی و تجاری در مورد خرما - برخلاف تجارت پسته - توانسته است سهم ارزش صادراتی این محصول را افزایش دهد. در سال‌های بعد با وجود افزایش قیمت صادراتی، سهم ایران از حجم و ارزش صادرات با کاهش روبه‌رو شد.

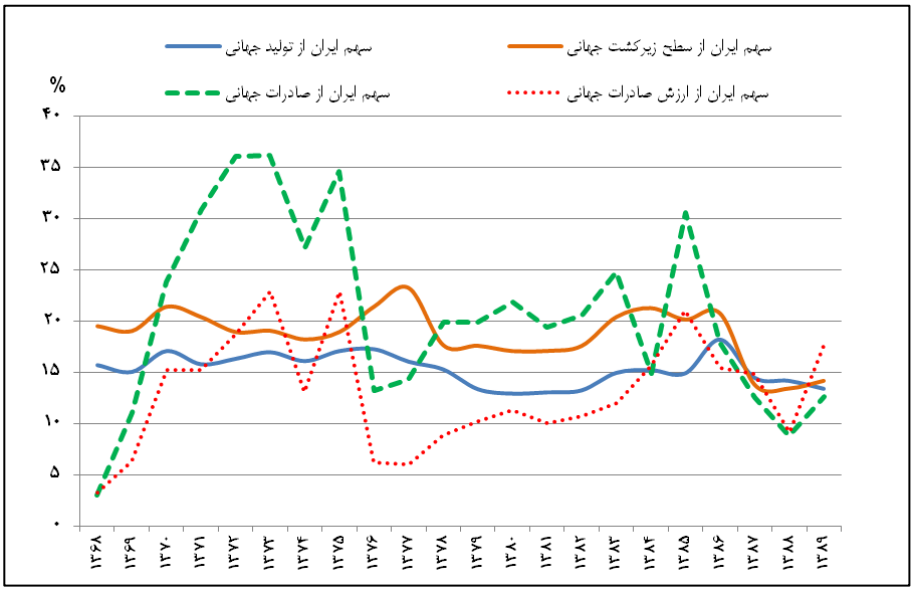

نمودار ۱-۳-۳-۵) سهم ایران از تولید، سطح زیرکشت، واردات و ارزش واردات جهانی خرما طی دورهٔ ۸۹-۱۳۶۸

با توجه به اهمیت خرما در معیشت استان‌های جنوبی و ارزآوری آن، سیاست‌های حمایتی مختلفی به منظور افزایش تولید و سطح زیرکشت این محصول اجرا شده است. حمایت قیمتی بعضی از نهاده‌ها، یارانهٔ بیمهٔ محصول، پرداخت تسهیلات بانکی با نرخ سود کم و خرید تضمینی، تشکیل‌دهندهٔ سیاست‌های حمایت از تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان خرما ایران در ۱۳۸۹-۱۳۶۰ بوده است. از آنجا که بازار داخلی و جهانی خرما، از کارایی لازم برای پوشش هزینه‌های تولید، تولیدکنندگان خرما برخوردار است، دولت با تعیین قیمت خرید تضمینی کمتر از قیمت سرمزرعه، برای دخالت حداقلی در بازار این محصول تلاش می‌کند و از سال ۱۳۷۸ که در شورای اقتصاد، برای خرما هم قیمت خرید تضمینی تعیین می‌شود، تنها در سال ۱۳۸۰ قیمت تضمینی بیشتر از قیمت تولیدکننده و حمایت‌کنندهٔ باغداران بوده است.

به منظور بررسی اثر سیاست‌های ارزی و انحراف نرخ ارز بر مقادیر حمایت از تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان (PSE٪، MPS٪ و CSE٪) که یکی از اهداف این پژوهش است، آثار مستقیم، کل و غیرمستقیم محاسبه می‌شود. براساس روش پژوهش بیان‌شده در فصل سوم، اثر مستقیم بیانگر وضعیت موجود حمایت از تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان خرما بر اثر سیاست‌های در حال اجرای بخش کشاورزی و ارزی است. اثر کل، حمایت از آنان را در شرایط اعمال نرخ ارز تعادلی برآمده از متغیرهای کلان اقتصادی در بلندمدت نشان می‌دهد. اثرغیرمستقیم حمایت از تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان را در دو نظام ارزی حقیقی و تعادلی مقایسه می‌کند و نشان‌دهندهٔ اثر سیاست‌های ارزی در چگونگی رقابت‌پذیری بلندمدت خرما نسبت به رقبای جهانی است. اگر این شاخص مثبت باشد به این معنی است که سیاست‌های ارزی رقابت‌پذیری بلندمدت خرماکاران ایرانی را افزایش داده است و برعکس.

در ادامه، نتایج محاسبهٔ شاخص‌های حمایت از تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان خرما (PSE٪، MPS٪ و CSE٪) تجزیه‌وتحلیل می‌شود. همچنین، اثر سیاست‌های ارزی و انحراف نرخ ارز بر مقادیر حمایت از این محصول طی برنامه‌های اول تا چهارم توسعه بررسی و پیش‌بینی این آثار در برنامهٔ پنجم صورت می‌گیرد. پیش‌بینی برنامهٔ پنجم با فرض ادامهٔ روند رشد تخصیص یارانه‌ها همانند برنامهٔ چهارم و پیش‌بینی قیمت‌ها با استفاده از روش‌های درون‌یابی و میانگین متحرک[1] انجام می‌پذیرد. برای محاسبهٔ میانگین رشد سالانهٔ برنامهٔ چهارم از رابطهٔ (۱-۳-۳-۵) استفاده می‌شود:

$$m = \frac{\sum_{t=1384}^{1388} \frac{(x_{t+1} - x_t)}{x_t}}{5} \qquad (۵-۳-۳-۱)$$

[1] Moving Average

که در آن، m میانگین رشد سالانهٔ متغیر x در برنامهٔ چهارم و t دورهٔ مورد نظر است. برای محاسبهٔ مقدار متغیر در هر سال m در مقدار آن متغیر در سال قبل ضرب می‌شود. برای پیش‌بینی قیمت‌ها و بعضی متغیرها، نیز مناسب‌ترین فرم تابع روند سی سالهٔ متغیر برآورد و برای سال‌های بعد پیش‌بینی می‌شود. وابسته به نوع روند موجود در داده‌ها، در بعضی موارد از روش میانگین متحرک استفاده شده است که رابطهٔ (۲-۳-۳-۵) شکل کلی رابطهٔ آن را نشان می‌دهد:

$$x_{t+1} = \frac{\sum_{t-i}^{t} x_t}{i+1} \qquad (۵-۳-۳-۲)$$

که در آن x متغیر مورد پیش‌بینی، t+۱ دورهٔ پیش‌بینی و i تعداد دوره‌های گذشتهٔ اثرگذار بر دورهٔ مورد پیش‌بینی است. از بین روش‌های مطرح شده، نتایج هر یک دارای بیشترین تناسب با سری مورد پیش‌بینی و کمترین خطا باشد، مورد استفاده قرار گرفته است.

۱-۳-۳-۵ بررسی مقادیر حمایت بازاری از تولیدکنندگان خرما طی برنامه‌های توسعه

شاخص حمایت از قیمت بازاری(MPS) بیشتر بازتاب‌دهندهٔ سیاست‌های مؤثر بر قیمت و سیاست‌های ارزی است. شاخص درصدی حمایت از قیمت بازاری نسبت تفاوت قیمت دریافتی تولیدکنندگان داخلی را با قیمت جهانی تعدیل‌شده با نرخ ارز حقیقی یا تعادلی به قیمت جهانی نشان می‌دهد. اگر قیمت جهانی با نرخ ارز حقیقی تعدیل شود، اثر مستقیم و اگر با نرخ ارز تعادلی تعدیل شود، اثر کل محاسبه می‌شود. تفاضل این دو اثر نشان‌دهندهٔ برایند سیاست‌های ارزی است که اثرغیرمستقیم نامیده می‌شود.

نتایج محاسبات حمایت از قیمت بازاری، به قیمت‌های ثابت طی برنامه‌های اول تا چهارم توسعه و پیش‌بینی برنامهٔ پنجم برای محصول خرما در جدول (۲-۳-۳-۵)

ارائه شده است. براساس نتایج، انحراف نرخ ارز که از نسبت تفاوت نرخ حقیقی ارز و نرخ تعادلی آن نسبت به نرخ تعادلی ارز محاسبه می‌شود، در دوره‌های مختلف متفاوت بوده است. نرخ تعادلی برآورد با استفاده از الگوی اقتصادسنجی تصحیح خطا در فصل چهارم این پژوهش، تابعی از متغیرهای بنیادین اقتصاد شامل رابطهٔ مبادله، قیمت جهانی طلا، درجهٔ باز بودن اقتصاد، درآمد نفتی کشور، بهره‌وری کل اقتصاد، نسبت نرخ بهرهٔ جهانی به نرخ بهره در ایران است که نرخ ارز ایران را در شرایط تعادل بلندمدت اقتصاد نشان می‌دهد. در دورهٔ جنگ با کاهش درآمد نفتی و همزمان نیاز کشور به ارز، با بیش برآورد ارزش ریال نسبت به دلار توسط دولت، انحراف نرخ ارز در سال پایانی جنگ(۱۳۶۷) به ۸۹ درصد افزایش پیدا کرد. در برنامهٔ اول توسعه با کم‌برآورد ارزش ریال نسبت به نرخ تعادلی، انحراف نرخ ارز منفی بود و در سال‌های پایانی این برنامه به دلیل اجرای سیاست‌های آزادسازی اقتصادی مقدار آن افزایش یافت. در سال‌های نخست برنامهٔ دوم انحراف نرخ ارز حقیقی از مقدار تعادلی بلندمدت اقتصاد منفی و در سال‌های بعد مثبت شد. در برنامهٔ سوم توسعه به منظور تشویق صادرات، سیاست بیش‌برآورد ارزش ریال دنبال شد، یعنی نرخ ارز تعادلی کمتر از نرخ حقیقی آن بود. همچنین نرخ ارز سالیانه با شیب ملایمی در حال رشد بود. در برنامهٔ چهارم روند کاهش ارزش پول ملی با سرعت بیشتری ادامه پیدا کرد، اما رشد نرخ ارز تعادلی بیش از نرخ حقیقی آن بود. بنابراین سیاست‌های ارزی برنامهٔ چهارم موجب کم‌برآورد ارزش ریال شد.

براساس نتایج جدول (۲-۳-۳-۵) اثرمستقیم -بر حسب قیمت‌های ثابت سال پایهٔ ۱۳۸۴- در برنامهٔ اول توسعه حمایت از تولیدکنندگان خرما بهبود پیدا کرد و در سال‌های پایانی برنامهٔ دوم با وجود کاهش چشمگیر قیمت‌های جهانی، همچنان حمایت بازاری از تولیدکنندگان منفی بود. یعنی قیمت دریافتی تولیدکنندگان خرما کمتر از قیمت مرجع تعدیل‌شده با نرخ حقیقی ارز بوده است که موجب کاهش

رقابت‌پذیری خرماکاران در مقایسه با رقبای خارجی شده است. در برنامه‌های سوم و چهارم نیز میانگین حمایت بازاری از تولیدکنندگان منفی شد و تنها در سال نخست شناورسازی نرخ ارز(۱۳۸۱) و سال ۱۳۸۸ به دلیل افزایش ۴۰ درصدی قیمت داخلی خرما نسبت به سال ۱۳۸۷ (مرکز آمار ایران، ۱۳۸۹)، تولیدکنندگان حمایت شدند. با فرض ادامهٔ این روند، در برنامهٔ پنجم نیز در مقایسه با قیمت‌های جهانی، پرداختی به تولیدکنندگان خرما صورت نمی‌پذیرد. این در حالی است که براساس آمار سایت سازمان خواربار کشاورزی، قیمت صادراتی ایران نیز کمتر از میانگین قیمت جهانی است و کشاورزان نه از حمایت قیمتی داخلی برخوردارند و نه در برابر رقبای جهانی نفع می‌برند.

از آنجا که براساس آمار منتشرشدهٔ مرکز آمار ایران، قیمت داخلی در تمام سال‌های مورد بررسی این پژوهش روندی صعودی داشته است، نوسان شاخص حمایت از قیمت بازاری برآمده از نوسان نرخ ارز، قیمت جهانی و مقادیر تولید و مصرف خرماست. چنان‌که بهبود نسبی حمایت‌ها در برنامهٔ دوم، به علت کاهش در قیمت جهانی بود. اما به طور کل، رشد فزایندهٔ قیمت داخلی خرما، با وجود روند کاهشی قیمت جهانی تعدیل‌شدهٔ آن با نرخ ارز حقیقی و هزینهٔ حمل‌ونقل توانایی حمایت از کشاورزان را نداشته و آنان را ناگزیر از پرداخت مالیات پنهان کرده است که این حمایت منفی از قدرت رقابت‌پذیری این محصول در بازارهای جهانی می‌کاهد و موجب می‌شود صادرات خرما و درآمد ارزی حاصل از آن با نوسان همراه باشد. این نوسان، از اطمینان مشتریان خارجی می‌کاهد و ریسک درآمدی کشاورزان را افزایش می‌دهد، که به کاهش توان و تمایل کشاورزان برای ترمیم و توسعهٔ باغ‌ها می‌انجامد. با توجه به هزینهٔ زیاد احداث و زمان‌بر بودن ایجاد نخلستان، حمایت نکردن و حمایت منفی دولت، انعطاف کشاورزان را برای توسعهٔ باغ‌ها و تولید کاهش می‌دهد.

شاخص حمایت قیمتی محاسبه‌شده با نرخ ارز تعادلی (اثرکل) با قیمت ثابت سال ۱۳۸۴، نیز در بیشتر سال‌ها منفی است. یعنی در بیشتر سال‌های ۱۳۸۹-۱۳۶۰ با اجرای سیاست‌های ارزی و بخشی، نخل‌کاران ناگزیر از پرداخت مالیات پنهان بودند. در سال ۱۳۶۷ به دلیل بیش‌برآورد ۸۹ درصدی ارزش حقیقی ریال تولیدکنندگان خرما حمایت شده‌اند. در سال‌های ۱۳۸۲-۱۳۷۶ با وجود خشکسالی و کاهش عملکرد، با کاهش قیمت صادراتی در کنار بهبود سیاست‌های بخشی و ارزی، حمایت از تولیدکنندگان خرما بهبود چشمگیری پیدا کرد و در چهار سال از آنان حمایت شد. در برنامهٔ چهارم با روند کاهشی ارزش پول ملی و افزایش قیمت‌های جهانی، مقدار بیشتری از درآمد کشاورزان کاسته شد. در این برنامه در بازار خرمای ایران، به طور میانگین ۲۲۲۱ میلیارد ریال به قیمت ثابت سال ۱۳۸۴ از تولیدکنندگان به مصرف‌کنندگان انتقال یافت که نزدیک به میانگین برنامهٔ دوم است. چنانچه کاهش قیمت صادراتی، سیاستی برای توسعهٔ سهم بازار از جانب ایران باشد، در بلندمدت به منافع تولیدکنندگان می‌افزاید، اما اگر دلیل آن کیفیت نامطلوب و نبود قدرت چانه‌زنی باشد، به زیان تولیدکنندگان است.

حمایت درصدی از قیمت بازاری (MPS٪) بر مبنای نرخ ارز حقیقی (اثر مستقیم) در همهٔ دوره‌ها، به طور میانگین منفی بوده است که نشان می‌دهد قیمت داخلی محصول از قیمت جهانی تعدیل‌شده با نرخ ارز حقیقی، کمتر بوده است. این اثر در برنامهٔ چهارم، با در نظر گرفتن سال ۱۳۸۹ که سال بدون برنامه بوده، به طور متوسط ۲۹- درصد شده است. در حالی که مالیات پنهان دریافتی از کشاورزان در برنامهٔ سوم ۸- درصد بود و سیاست‌های بخشی بازار خرما، با اعمال نرخ ارز حقیقی بر دریافتی کشاورزان اثر کمتری داشت.

جدول ۲-۳-۳-۵) شاخص‌های حمایت بازاری(MPS) از تولیدکنندگان خرما

برنامه های توسعه	درصد انحراف نرخ ارز	سال	ارزش اثرمستقیم به قیمت ثابت سال ۱۳۸٤ (میلیارد ریال)	ارزش اثر کل به قیمت ثابت سال ۱۳۸٤ (میلیارد ریال)	%MPS اثر مستقیم	%MPS اثر غیرمستقیم	%MPS اثر کل
دورهٔ جنگ	۲٦/۸۱	۱۳٦۰	-۱۹۲۱	-۱۱۵۹	-۵۳/٦۹	۱۲/۵۲	-٤۱/۱۷
	۳۸/۹۰	۱۳٦۱	-٦٦۸٤	-٤۱٤۱	-۷۳/۹۷	۱۰/۱۹	-٦۳/۷۸
	۳۸/٦۷	۱۳٦۲	-٦۱۲٤	-۳٦۹۱	-۷۰/٦۱	۱۱/٤٦	-۵۹/۱۵
	٤۷/٦۸	۱۳٦۳	-۸۹۰۵	-۵۲۱٦	-۷۸/۳۱	۱۰/٤۲	-٦۷/۸۹
	-۱۳/۱٦	۱۳٦٤	-۵۸٤۰	-۷۰۷۵	-۷۲/۰۷	-۳/٦۹	-۷۵/۷۷
	-۲/۷۱	۱۳٦۵	-۳۸۵۳	-٤۰۵۸	-۵۲/۸۸	-۱/۲۹	-۵٤/۱٦
	۷۵/۷۲	۱۳٦٦	-۳۷۱۹	-٤۵٤	-٤۹/۵۲	۳۸/۸۲	-۱۰/۷۰
	۸۹/۸۷	۱۳٦۷	-۱۷۱۳	۸۲٤	-۳۲/٤۲	٦۲/٤۲	۲۹/۹۹
	۳۷/۷۲	میانگین	-٤۸٤۵	-۳۱۲۱	-٦۰/٤۳	۱۷/٦۱	-٤۲/۸۳
برنامهٔ اول توسعهٔ اقتصادی و اجتماعی	۵۰/٦۲	۱۳٦۸	-۳۵۹۸	-۱۳۷۱	-۵٤/۸۵	۲۳/۲۱	-۳۱/٦۵
	-٤/۳۰	۱۳٦۹	-۹۲۱	-۱۰۹۹	-۲۳/۷۵	-۳/۳٤	-۲۷/۰۹
	-۱۰/۸٤	۱۳۷۰	-۳۸۰۱	-٤۷۳٦	-۵۰/۱۱	-۵/٤۷	-۵۵/۵۹
	-٤۷/۰۳	۱۳۷۱	-۱۱۳۷	-۵۳۰۷	-۲٤/٦۸	-۳۵/۷۹	-٦۰/٤٦
	-۵۱/٤۱	۱۳۷۲	-۲۹۲۸	-۹۲۹۳	-٤۹/۵۹	-۲٦/۱۵	-۷۵/۷٤
	-٤۱/۲۹	۱۳۷۳	-۳٤۰٦	-۸۱۰۹	-۵۱/۹٦	-۲۰/۰۷	-۷۲/۰۳
	-۱۷/۳۸	میانگین	-۲٦۳۲	-٤۹۸٦	-٤۲/٤۹	-۱۱/۲۷	-۵۳/۷٦
برنامهٔ دوم توسعهٔ اقتصادی و اجتماعی	-۳۱/۹۷	۱۳۷٤	-۲۲٤۷	-۵۲۵۵	-۳۵/٦۰	-۲۰/۷۹	-۵٦/۳۹
	-۱٦/۱۸	۱۳۷۵	-۳۲۱۹	-٤۳۳٦	-۵٦/۸٤	-۷/۱۱	-٦۳/۹۵
	-۰/۸۹	۱۳۷٦	-۱٦۳	-۱۹۲	-۵/۲۰	-۰/۸۸	-٦/۰۸
	۳۳/۱۵	۱۳۷۷	-٤٤۰	٤۲۹	-۱۳/۰٤	۳۰/۱۵	۱۷/۱۱
	۲۹/۱۰	۱۳۷۸	-۷۲٤	۱۵٦	-۱۹/۰٦	۲٤/٤۱	۵/۳۵
	۲/٦٤	میانگین	-۱۳۵۸	-۱۸٤۰	-۲۵/۹۵	۵/۱٦	-۲۰/۷۹
برنامهٔ سوم توسعهٔ اقتصادی و اجتماعی	۱٦/۹٦	۱۳۷۹	-۹٤٤	-٤۷۰	-۲۹/۷۷	۱۲/۳٤	-۱۷/٤٤
	۱٦/۵٤	۱۳۸۰	-۳٦٤	٤۳	-۱۳/۱۲	۱٤/۹٤	۱/۸۳
	۱۲/۹۹	۱۳۸۱	۷۱۹	۱۰۱۷	۲۸/۸۷	۱۷/٤۸	٤٦/۳٤
	۳/۸۵	۱۳۸۲	-۳٤۰	-۲۳۸	-۱۲/۷۹	۳/۵۰	-۹/۲۹
	-۲/۷۹	۱۳۸۳	-٦۱۷	-۷۲۵	-۱٦/۸۸	-۲/٤۰	-۱۹/۲۸
	۹/۵۱	میانگین	-۳۰۹	-۷۵	-۸/۷٤	۹/۱۷	۰/٤۳
برنامهٔ چهارم توسعهٔ اقتصادی و اجتماعی	-٦/۱۸	۱۳۸٤	-۲۲٦۷	-۲٦۱٤	-٤۳/۹٦	-۳/۵۳	-٤۷/۵۰
	-۱۰/۷۰	۱۳۸۵	-۲۳۵۹	-۲۹۹۰	-٤۵/۷۵	-۵/۹۲	-۵۱/٦۷
	-۱۳/۰۹	۱۳۸٦	-۲۹۲۵	-۳۹٦۲	-٤۳/٤۷	-۷/۵۵	-۵۱/۰۲
	-۷/۷٤	۱۳۸۷	-۱٦٤۹	-۲۱۰۱	-۳۱/۲۷	-۵/٤۲	-۳٦/٦۸
	-۳/۳۲	۱۳۸۸	۲۲۵	۷۵	۵/۲۷	-۳/۵۸	۱/٦۹
	-۱۷/٤۵	۱۳۸۹	-۸۰۳	-۱۷۳۵	-۱۸/٦۷	-۱٤/٤۸	-۳۳/۱٤
	-۹/۷۵	میانگین	-۱٦۳۰	-۲۲۲۱	-۲۹/٦٤	-٦/۷۵	-۳٦/۳۹
پیش بینی برنامهٔ پنجم توسعهٔ اقتصادی و اجتماعی	-۱۹/۲۲	۱۳۹۰	-۱۲۲۳	-۲۲۵۳	-۲۹/۰٦	-۱۳/۹٦	-٤۳/۰۲
	-۲۱/۱٤	۱۳۹۱	-۲۸۸۹	-٤٤۸٤	-٤۹/۵۵	-۱۰/۸٤	-٦۰/۳۸
	-۲۳/۰۷	۱۳۹۲	-۳۵۱۸	-۵٤۸٦	-۵٤/۵۷	-۱۰/٦۲	-٦۵/۲۰
	-۲٤/۹۸	۱۳۹۳	-٤۲۱۷	-٦٦۲۹	-۵۹/۱۳	-۱۰/۳۳	-٦۹/٤٦
	-۲۲/۰۹	۱۳۹٤	-۵۵۱٤	-۷۹۳۱	-٦۵/۵۲	-۷/۷۰	-۷۳/۲۱
	-۲۲/۱۰	میانگین	-۳٤۷۲	-۵۳۵۷	-۵۱/۵٦	-۱۰/٦۹	-٦۲/۲۵

منبع: یافته‌های پژوهش

بررسی اثرکل حمایت از قیمت بازاری نیز روندی مشابه اثرمستقیم را نشان می‌دهد و تعدیل قیمت جهانی با نرخ ارز تعادلی نیز بیانگر حمایت منفی از تولیدکنندگان در بیشتر سال‌های بررسی (۱۳۸۹-۱۳۶۰) است. یعنی حتی اگر نرخ ارز تعادلی هم برقرار بود، سیاست‌های بخشی قیمتی به گونه‌ای می‌شد که در مقابل رقبای خارجی خود نه تنها حمایت نمی‌شدند، بلکه مالیات نیز بر آنان تحمیل می‌شد که این در کاهش قدرت رقابت‌پذیری و توان صادراتی تولیدکنندگان خرمای ایرانی بسیار مؤثر است. در برنامه‌های دوم و سوم، تولیدکنندگان خرما با سیاست‌های بخشی و ارزی بیشتر از دیگر دوره‌ها حمایت شده‌اند. سال‌های بیشتر مثبت بودن حمایت از کشاورزان با اعمال نرخ ارز تعادلی در مقایسه با اثرمستقیم نشان می‌دهد، نزدیک شدن به تعادل بلندمدت اقتصاد، کشاورزان را بیشتر از اعمال نرخ حقیقی ارزحمایت کرده است که در علامت مثبت اثرمستقیم نمایان است.

اثر غیرمستقیم نشان می‌دهد سیاست‌های ارزی تا چه اندازه تقویت‌کنندهٔ سیاست‌های بخشی در زمینهٔ قیمت محصول هستند. در سال‌هایی که نرخ حقیقی ارز بیش از نرخ ارز تعادلی است، حمایت قیمتی از تولیدکنندگان در پی اجرای سیاست ارزی مثبت است و برعکس. انحراف نرخ ارز نسبت فاصلهٔ نرخ ارز حقیقی از تعادلی به نرخ ارز حقیقی است که به شکل درصدی بیان می‌شود. براساس جدول (۲-۳-۳-۵) در سال‌های نخست بررسی، با وجود انحراف زیاد نرخ ارز، درصد اثرغیرمستقیم به طور میانگین مقدار کمی دارد، اما از سال ۱۳۷۱ و با اجرای سیاست‌های آزادسازی نرخ ارز و کاهش شدید ارزش پول ملی حمایت برآمده از سیاست‌های ارزی کاهش بسیاری پیدا کرد. این بدین معنی است که در دورهٔ جنگ تقویت پول ملی در حمایت قیمتی از تولیدکنندگان خرما اثر چندانی نداشته، اما کاهش ارزش پول ملی در کاهش حمایت اثر زیادی داشته است. در سال‌های بعدی انحراف نرخ ارز و درصد اثر غیرمستقیم حمایت از قیمت بازاری (MPS٪) تناسب

بیشتری پیدا کردند و در برنامهٔ سوم با اجرای سیاست یکسان‌سازی نرخ ارز حمایت قیمتی از تولیدکنندگان بر اثر سیاست‌های ارزی ۹/۱ درصد و انحراف نرخ ارز ۹/۵ درصد بود. در برنامهٔ دوم نیز با وجود آن‌که تنها در سال‌های ۱۳۷۷ و ۱۳۷۸ اثرغیرمستقیم مثبت بوده است، اما میانگین این برنامه ۵/۱۶ درصد بود که حمایت قیمتی از کشاورزان را نشان می‌دهد.

مقایسهٔ مقادیر مطلق اثر غیرمستقیم و اثر مستقیم در MPS٪ نشان می‌دهد در سال‌های نخست اثرمستقیم بیشتر از اثر غیرمستقیم بوده است که بیانگر نقش مهم‌تر سیاست‌های خاص بخش کشاورزی در چگونگی حمایت از تولیدکنندگان خرما در مقایسه با سیاست‌های ارزی است. به ترتیب با اجرای سیاست‌های آزادسازی اقتصادی و تثبیتی سال‌های ۱۳۷۱ و ۱۳۷۴ تأثیرگذاری سیاست‌های ارزی بیشتر شد و پس از آن در سال‌های ۱۳۷۷ و ۱۳۸۰ سیاست‌های ارزی در حمایت بازاری از کشاورزان نقش مهم‌تری داشت. علامت‌های اثرمستقیم و اثرغیرمستقیم در برنامه‌های اول و چهارم، نشان می‌دهد سیاست‌های ارزی هم جهت و تقویت‌کنندهٔ سیاست‌های بخشی و هر دو منفی بوده است. در برنامه‌های دوم و سوم، سیاست‌های بخشی آثار مثبت برآمده از بیش‌برآورد ارزش ریال را خنثی کرد، با وجود این اثر مثبت این سیاست ارزی در روند افزایشی سهم صادرات جهانی در نمودار (۱-۳-۳-۵) مشاهد می‌شود.

۲-۳-۳-۵ بررسی مقادیر حمایت کل از تولیدکنندگان خرما طی برنامه‌های توسعه

براساس آنچه در فصل‌های پیشین بیان شد، حمایت از تولیدکنندگان، حمایت‌های بازاری(MPS) و پرداخت‌های بودجه‌ای(BP) را در برمی‌گیرد که در بخش قبل حمایت‌های بازاری از محصول خرما تحلیل شد. پرداخت‌های بودجه‌ای

اجراشده در ایران شامل یارانهٔ پرداختی به نهاده‌های کشاورزی (یارانهٔ کود شیمیایی، سموم و علف‌کش)، یارانهٔ انرژی (برق و سوخت ماشین‌آلات کشاورزی)، بیمهٔ محصولات و یارانهٔ تسهیلات است.

نتایج محاسبهٔ این پرداخت‌ها با توجه به آنچه در بخش‌های قبل بیان شد، در جدول (۳-۳-۳-۵) آمده است. براساس آن حمایت‌های بودجه‌ای در قیمت‌های ثابت سال ۱۳۸۴ از ۳۴۰ میلیارد ریال در دورهٔ جنگ، به ۵۶۰ میلیارد ریال در برنامهٔ چهارم افزایش پیدا کرد. حمایت از نهاده‌های انواع کود، سموم شیمیایی و انرژی با بیشترین سهم در حمایت‌های بودجه‌ای حدود ۹۵ درصد آن را شامل می‌شود. بنابراین، به طور میانگین این حمایت‌ها در همهٔ برنامه‌ها بخش عمدهٔ پرداخت‌های بودجه‌ای را در برگرفته است که تفاوت قیمت داخلی و خارجی کود و سموم شمیایی و انرژی و افزایش استفاده از آب‌های زیرزمینی و توسعهٔ ماشین‌آلات از دلایل آن است.

حمایت به شکل تسهیلات بانکی در برنامهٔ سوم توسعه بیشترین مقدار را داشت و از برنامهٔ دوم روند افزایشی پیدا کرد. این حمایت‌ها در دورهٔ جنگ و برنامهٔ اول با نوسان همراه بود. همچنین از سال ۱۳۸۴، با اجرای یکسان‌سازی نرخ سود در بخش‌های اقتصادی حمایت از بخش کشاورزی از راه پرداخت تسهیلات بانکی متوقف شد. روند پرداخت سهم دولت در بیمهٔ محصول خرما نیز پس از آغاز در سال ۱۳۷۶، تا پایان برنامهٔ سوم روند افزایشی ملایمی داشت و در برنامهٔ چهارم رشد چشمگیری پیدا کرد، اما در سال‌های پایانی این برنامه با کاهش روبه‌رو شد.

جدول ۳-۳-۳-۵) حمایت بودجه‌ای از تولیدکنندگان خرما در نرخ حقیقی ارز (میلیارد ریال- ثابت سال ۱۳۸۴)

برنامه های توسعه	سال	نهاده های کود و سم	انرژی	بیمه	تسهیلات بانکی	کل حمایت بودجه ای	سهم نهاده های کود و سم(٪)	سهم انرژی(٪)
دورهٔ جنگ	۱۳۶۰	۱۱۱/۳۸	۵۸/۸۹	۰/۰۰	۱/۲۷	۱۷۱/۵٤	٦٤/۹۳	۳٤/۳۳
	۱۳٦۱	۱۹۰/۷۵	۹۸/٤۳	۰/۰۰	۱/٦۱	۲۹۲/٤۰	٦۵/۲٤	۳۳/٦٦
	۱۳٦۲	۲۱۰/۵٦	۹۲/۹۳	۰/۰۰	۱/٦۰	۳۰٦/۷۰	٦۸/٦۵	۳۰/۳۰
	۱۳٦۳	۳۰۸/٤۰	۱۰۹/۱۵	۰/۰۰	۳/۷٤	٤۲۵/۰٤	۷۲/۵٦	۲۵/٦۸
	۱۳٦٤	۱۹۲/۸٦	۱۰۹/۵۹	۰/۰۰	٤/۲۱	۳۱۰/۸٦	٦۲/۰٤	۳۵/۲۵
	۱۳٦۵	۲٦۰/٦۵	۱۵۲/٤۱	۰/۰۰	۳/۵٤	٤۲۰/۱٤	٦۲/۰٤	۳٦/۲۸
	۱۳٦٦	۱۸۷/۵۱	۱۹٤/۱۹	۰/۰۰	۳/۵۲	۳۸۸/۷۵	٤۸/۲۳	٤۹/۹۵
	۱۳٦۷	۲۳۷/۳۸	۱٦۷/۱۳	۰/۰۰	۳/۱٦	٤۱۰/۸٤	۵۷/۷۸	٤۰/٦۸
	میانگین	۲۱۲/٤٤	۱۲۲/۸٤	۰/۰۰	۲/۸۳	۳٤۰/۷۸	٦۲/٦۸	۳۵/۷۷
برنامهٔ اول توسعهٔ اقتصادی و اجتماعی	۱۳٦۸	۲۰۳/۷٦	۱۷۷/۵۲	۰/۰۰	۳/۰۷	۳۸۷/٤۲	۵۲/۵۹	٤۵/۸۲
	۱۳٦۹	۲۹٦/۱۷	۲۵۵/۵۸	۰/۰۰	٦/۳٤	۵٦٤/٤۲	۵۲/٤۷	٤۵/۲۸
	۱۳۷۰	۲۳۱/۰۸	۲۱۲/۲٤	۰/۰۰	۹/۹۱	٤٦۳/۱۵	٤۹/۸۹	٤۵/۸۳
	۱۳۷۱	۱٦۹/۲۷	۱۷۰/۳۲	۰/۰۰	٦/۷۸	۳۵۳/۱٦	٤۷/۹۳	٤۸/۲۳
	۱۳۷۲	۱۱۵/۵۷	۱٤۹/۱۱	۰/۰۰	۳/۸۱	۲۷۲/۳۰	٤۲/٤٤	۵٤/۷٦
	۱۳۷۳	۱۱٤/۱۰	۲۰۹/۲۰	۰/۰۰	٤/٤٤	۳۳۲/۱۷	۳٤/۳۵	٦۲/۹۸
	میانگین	۱۸۸/۳۳	۱۹۵/٦٦	۰/۰۰	۵/۷۲	۳۹۵/٤٤	٤٦/٦۱	۵۰/٤۸
برنامهٔ دوم توسعهٔ اقتصادی و اجتماعی	۱۳۷٤	۱٤۵/۲۸	۲۱۸/۷۰	۰/۰۰	۳/٦۹	۳۷۱/۳٦	۳۹/۱۲	۵۸/۸۹
	۱۳۷۵	۱۲٦/۹۰	۲۳۸/۳۹	۰/۰۰	٤/٦٤	۳۷٤/۵۷	۳۳/۸۸	٦۳/٦٤
	۱۳۷٦	۸٤/۳۲	۲۲۵/۳۷	۰/۰۵	٦/۱۵	۳۲۲/۰۳	۲٦/۱۸	٦۹/۹۸
	۱۳۷۷	۱۳۳/۲۰	۲۲٤/۸۸	۰/۲۳	۷/۰۱	۳۷۲/۳۳	۳۵/۷۷	٦۰/٤۰
	۱۳۷۸	۱۵٤/۷۳	۳۳۳/۷۳	۰/۳۱	٦/۹۸	۵۰۲/۷٤	۳۰/۷۸	٦٦/۳۸
	میانگین	۱۲۸/۸۹	۲٤۸/۲۲	۰/۱۲	۵/٦۹	۳۸۸/٦۱	۳۳/۱۵	٦۳/۸٦
برنامهٔ سوم توسعهٔ اقتصادی و اجتماعی	۱۳۷۹	۱۵۰/۸۵	۳٦۰/٤۲	۲/٤٦	۱۰/۸٦	۵۳۵/٤٤	۲۸/۱۷	٦۷/۳۱
	۱۳۸۰	۱۱۵/٤۰	۲٤۱/۲۰	۳/۳٦	۱۰/۳۳	۳۸۰/٦۱	۳۰/۳۲	٦۳/۳۷
	۱۳۸۱	۹۱/۳۲	۲۷۱/۲٦	۱/۰۷	۱۰/۰۰	۳۸۳/٦٤	۲۳/۸۰	۷۰/۷۱
	۱۳۸۲	۸۵/۱۲	۳۰۷/۷۹	٦/۲٦	۱۲/۰۳	٤۲۳/۲٤	۲۰/۱۱	۷۲/۷۲
	۱۳۸۳	۱۳۱/٤۸	٤٤۱/۹٦	۱۷/۳۲	۱۳/۵۳	٦۱۷/۸۲	۲۱/۲۸	۷۱/۵٤
	میانگین	۱۱٤/۸۳	۳۲٤/۵۲	٦/۰۹	۱۱/۳۵	٤٦۸/۱۵	۲٤/۷٤	٦۹/۱۳
برنامهٔ چهارم توسعهٔ اقتصادی و اجتماعی	۱۳۸٤	۱۱۰/۵٤	۵٦۱/۳٤	٦۱/۷۲	۰/۰۰	۷۳۳/۵۹	۱۵/۰۷	۷٦/۵۲
	۱۳۸۵	۱۲۳/۲۸	۵۳۸/۲۸	٦۲/٦۱	۰/۰۰	۷۲٤/۱۸	۱۷/۰۲	۷٤/۳۳
	۱۳۸٦	۱۱۸/۹۵	٦۳٤/۲۹	٤٤/۲٦	۰/۰۰	۷۹۷/۵۰	۱٤/۹۲	۷۹/۵۳
	۱۳۸۷	۱۰۸/۵۹	۲٦٦/۷۱	۳٤/٦۰	۰/۰۰	٤۰۹/۹۰	۲٦/٤۹	٦۵/۰۷
	۱۳۸۸	۷٤/۷۵	۲٤۲/۳٦	۷/۷۷	۰/۰۰	۳۲٤/۸۸	۲۳/۰۱	۷٤/٦۰
	۱۳۸۹	۹۳/۷۵	۲٦۹/۳۹	۷/۱۵	۰/۰۰	۳۷۰/۲۸	۲۵/۳۲	۷۲/۷۵
	میانگین	۱۰٤/۹۸	٤۱۸/۷۳	۳٦/۳۵	۰/۰۰	۵٦۰/۰٦	۲۰/۳۰	۷۳/۸۰
پیش بینی برنامهٔ پنجم توسعهٔ اقتصادی و اجتماعی	۱۳۹۰	۱۲۹/۲۸	۲۵۰/۲۰	۱٤/۵۲	۰/۰۰	۳۹٤/۰۰	۳۲/۸۱	٦۳/۵۰
	۱۳۹۱	۱۸۲/۷۲	۳۳۰/۳٦	۱۰/۹۱	۰/۰۰	۵۲۳/۹۹	۳٤/۸۷	٦۳/۰۵
	۱۳۹۲	۲۰۹/۲۵	۳٦۱/٤۵	۷/٦۹	۰/۰۰	۵۷۸/۳۹	۳٦/۱۸	٦۲/٤۹
	۱۳۹۳	۲٤۰/۰۸	۳۹٤/٤۳	۷/٦۱	۰/۰۰	٦٤۲/۱۲	۳۷/۳۹	٦۱/٤۳
	۱۳۹٤	۲۹۳/۲۵	٤۵۷/٤۷	۷/٦٤	۰/۰۰	۷۵۸/۳۷	۳۸/٦۷	٦۰/۳۲
	میانگین	۲۱۰/۹۲	۳۵۸/۷۸	۹/٦۷	۰/۰۰	۵۷۹/۳۷	۳۵/۹۸	٦۲/۱٦

منبع: یافته‌های پژوهش

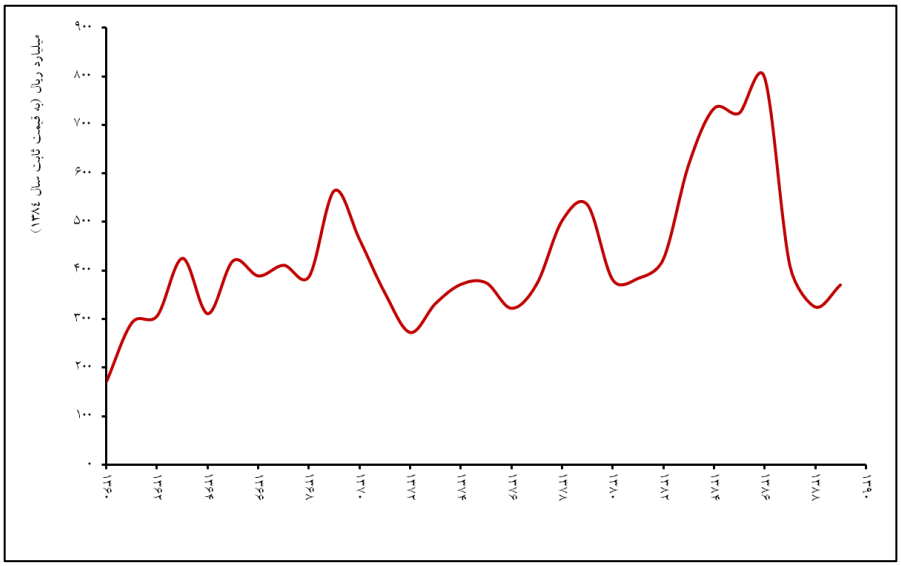

نمودار ۲-۳-۳-۵) نمودار روند پرداخت‌های بودجه‌ای دولت‌ها طی برنامه‌های مختلف توسعه

همان‌طور که در نمودار (۲-۳-۳-۵) مشاهده می‌شود، پرداخت‌های بودجه‌ای در قیمت‌های ثابت سال ۱۳۸۴ همواره با نوسان همراه بوده است. پس از یک دوره افزایش تا سال ۱۳۶۹، با اجرای سیاست‌های آزادسازی روند کاهشی پیدا کرد، اما از ۱۳۷۳ تا ۱۳۸۱ با وجود نوسان از ثبات نسبی برخوردار بود. پس از آن با رشد سطح زیرکشت، افزایش شکاف قیمت داخلی و خارجی نهاده‌های تولیدی و شناورسازی نرخ ارز در سال ۱۳۸۱، رشد فزایندهٔ پرداخت‌های بودجه‌ای، تنها با یک کاهش در سال ۱۳۸۷ تا پایان برنامهٔ چهارم ادامه پیدا کرد.

پس از بررسی اجزای حمایت از تولیدکننده، یعنی حمایت قیمتی و پرداخت‌های بودجه‌ای در جدول (۴-۳-۳-۵) نتایج محاسبهٔ شاخص‌های حمایت از تولیدکننده آمده است. در ستون اول این جدول همانند جدول (۲-۹-۵) روند شاخص انحراف نرخ ارز مشاهده می‌شود که در دورهٔ جنگ و برنامه‌های دوم و سوم نرخ حقیقی ارز بیش از نرخ تعادلی آن بوده است.

شاخص برآورد حمایت از تولیدکننده (PSE) که مجموع حمایت از قیمت بازاری(MPS) و حمایت‌های بودجه‌ای(BP) را نشان می‌دهد، بیانگر آن است که سیاست‌های حمایتی تنها در برنامهٔ سوم حمایت‌کننده بوده است، به طوری که اثر این حمایت در روند افزایشی سهم صادرات ایران در بازار جهانی، پس از یک دوره از دست دادن سهم بازار با ورود رقبای جدید، پس از خشکسالی در برنامهٔ دوم مشاهده می‌شود. براساس قیمت‌های ثابت سال ۱۳۸۴، مقدار حمایت‌ها از ۴۵۰۵- در دوران جنگ به ۱۵۹ میلیارد ریال در برنامهٔ سوم افزایش یافت و در سال ۱۳۸۱، همزمان با شناورسازی نرخ ارز به بیشترین مقدار خود رسید، اما در برنامهٔ چهارم با افزایش قیمت صادراتی، حمایت از کشاورزان کاهش پیدا کرد. با پیش‌بینی کاهش ارزش پول ملی، انتظار می‌رود در برنامهٔ پنجم مالیات پنهان بیشتری بر کشاورزان تحمیل شود. مقایسهٔ نتایج جدول‌های (۴-۳-۳-۵)، (۳-۳-۳-۵) و (۲-۳-۳-۵) نشان می‌دهد در بیشتر سال‌ها سهم حمایت‌های قیمتی بیشتر از پرداخت‌های بودجه‌ای بوده است و تنها در پنج سال چنین نبوده است که نشان می‌دهد دخالت دولت در بازار محصول، از راه سیاست‌های ارزی و جهت‌دهی به قیمت داخلی با تعیین قیمت تضمینی، بیشتر از پرداخت‌های بودجه‌ای حمایت‌کنندهٔ نخل‌کاران بوده است. اما از سال ۱۳۷۶ با کاهش تفاوت قیمت داخلی و خارجی خرما و افزایش پرداخت‌های بودجه‌ای، تفاوت سهم حمایت‌های قیمتی و پرداخت‌های بودجه‌ای کاهش پیدا کرده است. با وجود پرداخت‌های بودجه‌ای در دورهٔ جنگ و برنامه‌های اول،دوم و چهارم توسعه، حمایت از تولیدکننده (PSE) هم‌علامت با حمایت‌های قیمتی، منفی بوده است. در برنامهٔ سوم، حمایت‌های بودجه‌ای با خنثی کردن اثر منفی سیاست‌های قیمتی موجب حمایت از تولیدکنندگان شد که به افزایش رقابت‌پذیری خرمای ایران و کسب رتبهٔ اول صادرات آن انجامید.

در جدول (۴-۳-۳-۵) شاخص حمایت از تولیدکنندگان براساس نرخ ارز تعادلی(اثرکل) روندی مشابه اثرمستقیم داشته است که تا میانهٔ برنامهٔ دوم، به جز سال ۱۳۶۷، همواره منفی بوده و پس از آن، با توسعهٔ حمایت‌های بودجه‌ای و بازاری برآمده از کاهش قیمت جهانی در بعضی سال‌ها مثبت شده است.

در برنامهٔ چهارم رشد قیمت داخلی متناسب با رشد افزایشی قیمت‌های جهانی و نرخ ارز نبود و میانگین حمایت از تولیدکنندگان منفی شد. یعنی سیاست‌های دولت، با در نظر نگرفتن بازار جهانی، از رقابت‌پذیری تولیدکنندگان خرما در آن کاسته است و پیش‌بینی می‌شود این روند در برنامهٔ پنجم نیز ادامه پیدا کند که در بلندمدت کاهش انگیزهٔ تولیدکنندگان و صادرات را در پی دارد.

همان‌طور که بیان شد، در ارزیابی سیاست‌های حمایتی از تولیدکنندگان، شاخص حمایت درصدی از تولیدکننده (PSE٪) مهم‌تر از شاخص برآورد حمایت از تولیدکننده (PSE) است، زیرا مقایسهٔ بهتری از حمایت را در طول زمان، بین کشورها و همچنین کالاهای مختلف، امکان‌پذیر می‌سازد. نتایج محاسبهٔ این شاخص در جدول (۴-۳-۳-۵) مشاهده می‌شود.

جدول ۴-۳-۳-۵ شاخص‌های حمایت از تولیدکنندگان خرما

برنامه های توسعه	درصد انحراف نرخ ارز	سال	ارزش اثرمستقیم به قیمت ثابت سال ۱۳۸۴ (میلیارد ریال)	ارزش اثر کل به قیمت ثابت سال ۱۳۸۴ (میلیارد ریال)	%PSE اثر مستقیم	%PSE اثر غیرمستقیم	%PSE اثر کل
دورهٔ جنگ	۲۶/۸۱	۱۳۶۰	-۱۷۴۹	-۱۰۷۱	-۴۸/۹۰	۱۰/۸۷	-۳۸/۰۳
	۳۸/۹۰	۱۳۶۱	-۶۳۹۱	-۴۰۰۲	-۷۰/۷۳	۹/۰۹	-۶۱/۶۴
	۳۸/۶۷	۱۳۶۲	-۵۸۱۷	-۳۵۳۷	-۶۷/۰۷	۱۰/۳۹	-۵۶/۶۸
	۴۷/۶۸	۱۳۶۳	-۸۴۸۰	-۵۰۰۰	-۷۴/۵۷	۹/۴۹	-۶۵/۰۸
	-۱۳/۱۶	۱۳۶۴	-۵۵۲۹	-۶۸۳۵	-۶۸/۲۴	-۴/۹۶	-۷۳/۲۰
	-۲/۷۱	۱۳۶۵	-۳۴۳۳	-۳۷۷۲	-۴۷/۱۱	-۳/۲۴	-۵۰/۳۵
	۷۵/۷۲	۱۳۶۶	-۳۳۳۰	-۳۳۵	-۴۴/۳۴	۳۶/۴۵	-۷/۸۹
	۸۹/۸۷	۱۳۶۷	-۱۳۰۲	۹۵۵	-۲۴/۶۵	۵۹/۴۱	۳۴/۷۶
	۳۷/۷۲	میانگین	-۴۵۰۴	-۲۹۵۰	-۵۵/۷۰	۱۵/۹۴	-۳۹/۷۶
برنامهٔ اول توسعهٔ اقتصادی و اجتماعی	۵۰/۶۲	۱۳۶۸	-۳۲۱۱	-۱۲۲۵	-۴۸/۹۵	۲۰/۶۸	-۲۸/۲۷
	-۴/۳۰	۱۳۶۹	-۳۵۷	-۷۵۹	-۹/۲۰	-۹/۵۳	-۱۸/۷۲
	-۱۰/۸۴	۱۳۷۰	-۳۳۳۸	-۴۴۳۸	-۴۴/۰۱	-۸/۰۹	-۵۲/۱۰
	-۴۷/۰۳	۱۳۷۱	-۷۸۴	-۴۹۴۳	-۱۷/۰۱	-۳۹/۳۰	-۵۶/۳۲
	-۵۱/۴۱	۱۳۷۲	-۲۶۵۶	-۹۰۰۶	-۴۴/۹۷	-۲۸/۴۳	-۷۳/۴۰
	-۴۱/۲۹	۱۳۷۳	-۳۰۷۳	-۷۸۵۱	-۴۶/۸۹	-۲۲/۸۵	-۶۹/۷۴
	-۱۷/۳۸	میانگین	-۲۲۳۶	-۴۷۰۴	-۳۵/۱۷	-۱۴/۵۹	-۴۹/۷۶
برنامهٔ دوم توسعهٔ اقتصادی و اجتماعی	-۳۱/۹۷	۱۳۷۴	-۱۸۷۶	-۴۹۹۰	-۲۹/۷۲	-۲۳/۸۳	-۵۳/۵۵
	-۱۶/۱۸	۱۳۷۵	-۲۸۴۴	-۴۱۴۰	-۵۰/۲۳	-۱۰/۸۲	-۶۱/۰۵
	-۰/۸۹	۱۳۷۶	۱۵۹	-۶۵	۵/۰۹	-۷/۱۴	-۲/۰۵
	۳۳/۱۵	۱۳۷۷	-۶۷	۵۶۳	-۲/۰۰	۲۴/۴۸	۲۲/۴۹
	۲۹/۱۰	۱۳۷۸	-۲۲۱	۳۱۹	-۵/۸۳	۱۶/۷۶	۱۰/۹۳
	۲/۶۴	میانگین	-۹۷۰	-۱۶۶۲	-۱۶/۵۳	-۰/۱۱	-۱۶/۶۵
برنامهٔ سوم توسعهٔ اقتصادی و اجتماعی	۱۶/۹۶	۱۳۷۹	-۴۰۹	-۲۸۱	-۱۲/۸۹	۲/۴۹	-۱۰/۴۰
	۱۶/۵۴	۱۳۸۰	۱۷	۲۰۰	۰/۶۱	۷/۸۴	۸/۴۵
	۱۲/۹۹	۱۳۸۱	۱۱۰۳	۱۱۶۳	۴۴/۲۷	۸/۷۲	۵۲/۹۹
	۳/۸۵	۱۳۸۲	۸۳	-۷۰	۳/۱۲	-۵/۸۵	-۲/۷۳
	-۲/۷۹	۱۳۸۳	۱	-۴۶۲	۰/۰۳	-۱۲/۳۰	-۱۲/۲۷
	۹/۵۱	میانگین	۱۵۹	۱۱۰	۷/۰۳	۰/۱۸	۷/۲۱
برنامهٔ چهارم توسعهٔ اقتصادی و اجتماعی	-۶/۱۸	۱۳۸۴	-۱۵۳۳	-۲۳۴۲	-۲۹/۷۳	-۱۲/۸۲	-۴۲/۵۵
	-۱۰/۷۰	۱۳۸۵	-۱۶۳۵	-۲۶۹۶	-۳۱/۷۱	-۱۴/۸۸	-۴۶/۵۹
	-۱۳/۰۹	۱۳۸۶	-۲۱۲۸	-۳۶۷۴	-۳۱/۶۱	-۱۵/۶۹	-۴۷/۳۰
	-۷/۷۴	۱۳۸۷	-۱۲۳۹	-۱۸۹۹	-۲۳/۵۰	-۹/۶۶	-۳۳/۱۶
	-۳/۳۲	۱۳۸۸	۵۵۰	۲۰۴	۱۲/۸۶	-۸/۲۶	۴/۶۰
	-۱۷/۴۵	۱۳۸۹	-۴۳۳	-۱۵۵۹	-۱۰/۰۶	-۱۹/۷۲	-۲۹/۷۸
	-۹/۷۵	میانگین	-۱۰۷۰	-۱۹۹۴	-۱۸/۹۶	-۱۳/۵۰	-۳۲/۴۶
پیش بینی برنامهٔ پنجم توسعهٔ اقتصادی و اجتماعی	-۱۹/۲۲	۱۳۹۰	-۸۲۹	-۲۰۲۹	-۱۹/۷۰	-۱۹/۰۴	-۳۸/۷۳
	-۲۱/۱۴	۱۳۹۱	-۲۳۶۵	-۴۱۷۹	-۴۰/۵۶	-۱۵/۷۲	-۵۶/۲۸
	-۲۳/۰۷	۱۳۹۲	-۲۹۴۰	-۵۱۳۷	-۴۵/۶۰	-۱۵/۴۵	-۶۱/۰۵
	-۲۴/۹۸	۱۳۹۳	-۳۵۷۵	-۶۲۲۵	-۵۰/۱۳	-۱۵/۰۹	-۶۵/۲۱
	-۲۲/۰۹	۱۳۹۴	-۴۷۵۵	-۷۴۶۰	-۵۶/۵۰	-۱۲/۳۶	-۶۸/۸۶
	-۲۲/۱۰	میانگین	-۲۸۹۳	-۵۰۰۶	-۴۲/۵۰	-۱۵/۵۳	-۵۸/۰۳

منبع: یافته‌های پژوهش

میانگین ۵۵- درصدی شاخص PSE٪ که با رهیافت تجارت‌محور و نرخ حقیقی ارز برای دورهٔ جنگ محاسبه شده است، نشان می‌دهد مقدار دریافتی تولیدکننده ۵۵ درصد از آنچه می‌توانست با فروش محصولش با قیمت جهانی به دست آورد، کمتر بوده است. به بیان دیگر، سیاست‌های حمایتی در این دوره موجب شده است تولیدکننده ۵۵٪ از درآمدی را که در شرایط بدون چنین سیاست‌هایی می‌توانست به دست آورد به شکل نوعی مالیات پنهان از دست بدهد. میانگین این شاخص با نرخ ارز حقیقی در برنامهٔ سوم توسعه ۷ درصد برآورد شده است؛ یعنی باغداران در طول این برنامه به اندازهٔ ۷ درصد از درآمدی که در صورت فروش محصول با قیمت جهانی به دست می‌آورند، حمایت شده‌اند. در این برنامه سیاست‌های حمایتی موجب حمایت مثبت از تولیدکننده شده و دریافتی او را نسبت به بازار جهانی افزایش داده است که می‌تواند به افزایش توان رقابتی تولیدکنندگان و توسعهٔ تولید و در نتیجه تقویت ترازتجاری بخش کشاورزی انجامد. در دورهٔ جنگ به علت اجرای سیاست‌های تثبیتی برای حمایت از مصرف‌کنندگان، سیاست‌گذاران به کمتر نگه داشتن قیمت داخلی گرایش داشتند و کشاورزان ناگزیر از پرداخت مالیات پنهان زیادی بودند؛ این شرایط تا پایان برنامهٔ اول توسعه با نوسان ادامه داشت. کاهش و ثبات نسبی قیمت‌های صادراتی در برنامه‌های دوم و سوم، خرماکاران را حمایت کرد، اما بیشترین مقدار اثر مستقیم و تأثیر سیاست‌های بخشی در حمایت از تولیدکنندگان خرما در سال ۱۳۸۱ صورت پذیرفت. به طوری که کشاورزان حدود نیمی از درآمد خود در شرایط رقابت در بازار جهانی را به شکل حمایت دریافت کردند، اما کاهش آن به ۳ درصد در سال ۱۳۸۲ نشان‌دهندهٔ بی‌ثباتی اجرای سیاست‌های حمایتی است که همواره عاملی منفی در برنامه‌ریزی باغداران به‌شمار می‌رود. میانگین حمایت از کشاورزان در برنامهٔ چهارم ۱۹- درصد بود که نشان می‌دهد، در پی اجرای سیاست‌های بخشی و اعمال نرخ ارز حقیقی در مقابل رقبای خارجی حمایتی از

کشاورزان نشده است. همچنین پیش‌بینی می‌شود در برنامهٔ پنجم حمایت از کشاورزان تا ۴۲- درصد کاهش پیدا کند.

میانگین اثر کل که مجموع اثر سیاست‌های بخشی و کلان اقتصادی (سیاست‌های ارزی) در حمایت از تولیدکنندگان خرما را نشان می‌دهد، به جز برنامهٔ سوم، در دیگر دوره‌ها منفی ارزیابی شده است. مهم‌ترین علت حمایت شدن کشاورزان در دورهٔ ۱۳۸۲-۱۳۷۶ افت قیمت صادراتی بود که با نزدیک بودن به قیمت داخلی، رقابت‌پذیری خرماکاران را در پی داشت. همچنین در این دوره اعمال نرخ تعادلی ارز برآمده از متغیرهای بنیادین اقتصاد، نسبت به نرخ حقیقی ارز از کشاورزان حمایت بیشتری می‌کند. در برنامهٔ چهارم کم‌برآورد ارزش حقیقی ریال موجب می‌شود با اعمال نرخ تعادلی ارز کشاورزان زیان بیشتری را متحمل شوند.

میانگین اثر غیرمستقیم PSE٪ که نشان‌دهندهٔ اثر سیاست‌های ارزی بر مقدار حمایت از تولیدکنندگان خرماست، تنها در دورهٔ جنگ و برنامهٔ سوم توسعه مثبت بوده است. در این دو دوره، بیش‌برآورد ارزش ریال، به طور متوسط موجب حمایت از تولیدکنندگان شده است. در دورهٔ جنگ، سیاست‌های ارزی و بخشی خلاف جهت یکدیگر بوده‌اند، به‌طوری که مقادیر مثبت اثر غیرمستقیم در دورهٔ جنگ موجب کاهش اثر منفی سیاست‌های ویژهٔ بخش کشاورزی در حمایت از تولیدکنندگان خرما در این دوره شده و در برنامهٔ دوم توسعه، اجرای سیاست‌های ارزی، بر حمایت از تولیدکنندگان اثر ناچیزی داشته و به طور میانگین، سالانه موجب کاهش ۰/۱۱ درصد از درآمد کشاورزان ایرانی نسبت به رقبای خارجی آنان شده است. در دیگر برنامه‌های توسعه، سیاست‌های ارزی و بخشی همسو بوده است. به طوری که در برنامه‌های اول و چهارم، اثر منفی سیاست‌های ارزی، حمایت‌های منفی از محصول خرما را تقویت و در برنامهٔ سوم، اثر مثبت این سیاست‌ها، حمایت‌های بخش کشاورزی از تولیدکنندگان را پشتیبانی کرده است.

دربارهٔ PSE٪، مقادیر مطلق اثرمستقیم در بیشتر سال‌های دورهٔ بررسی‌شده (۱۳۸۹-۱۳۶۰) بیشتر از اثر غیرمستقیم بوده است. به بیان دیگر، در مجموع کل حمایت از تولیدکنندگان خرما بر حسب علامت شاخص، سیاست‌های ارزی تقویت یا تضعیف‌کنندهٔ سیاست‌های بخشی بوده است. به عبارت دیگر، نقش سیاست‌های بخشی در اندازهٔ اثر کل، بیشتر از سیاست‌های ارزی است. شایان ذکر است در سال‌های ۱۳۸۲-۱۳۷۶ نقش سیاست‌های ارزی پررنگ‌تر بوده و نشان می‌دهد بیش‌برآورد ارزش حقیقی پول ملی همراه با کاهش ارزش پول، در حمایت از کشاورزان تأثیر بیشتری داشته است. از آنجا که خرما از محصولات صادراتی است، سیاست‌های ارزی بر انگیزهٔ تولیدی و صادراتی باغداران تأثیر مستقیم دارد. از این رو، چنان‌که مشاهده می‌شود، کم‌برآورد ارزش ریال در برنامهٔ چهارم توسعه، پرداخت مالیات پنهان زیادی را بر کشاورزان تحمیل کرده است که ادامهٔ این روند به تولیدکنندگان خرما آسیب می‌رساند و موقعیت ایران را در بازارهای جهانی تضعیف می‌کند.

۳-۳-۳-۵ بررسی مقادیر حمایت از مصرف‌کنندگان خرما طی برنامه‌های توسعه

در محاسبهٔ شاخص حمایت از مصرف‌کنندگان از انتقال‌های قیمتی از مصرف‌کنندگان به تولیدکنندگان، مالیات‌دهندگان به مصرف‌کنندگان و دیگر انتقال‌ها به مصرف‌کنندگان استفاده می‌شود که در محاسبهٔ این شاخص برای محصول خرما، از آنجا که پرداخت مستقیمی به مصرف‌کنندگان از راه بودجهٔ سالانهٔ دولت(مالیات‌دهندگان) صورت نمی‌پذیرد، تنها انتقال از مصرف‌کنندگان به تولیدکنندگان و واردکنندگان به مصرف‌کنندگان در محاسبه به کار گرفته شده

است. در جدول (۵-۳-۳-۵) مقادیر شاخص حمایت درصدی مصرف‌کنندگان خرما (CSE٪) طی دورهٔ مورد بررسی (۸۹-۱۳۶۰) گزارش شده است.

بررسی ارزش حمایت مستقیم از مصرف‌کنندگان خرما برحسب قیمت‌های ثابت سال ۱۳۸۴، بیانگر آن است که حمایت از مصرف‌کنندگان در سال اجرای سیاست‌های آزادسازی(۱۳۷۱) کاهش چشمگیری پیدا کرد، اما میانگین حمایت‌ها در تمام برنامه‌ها مثبت بود و مصرف‌کنندگان خرما با اجرای سیاست‌ها بخشی و ارزی حمایت شدند. در برنامهٔ سوم، تنها در سال ۱۳۸۱ با اجرای سیاست تک‌نرخی شدن ارز از مصرف‌کنندگان حمایت نشد و آنان ناگزیر از پرداخت ۵۵۴ میلیارد ریال ــ به قیمت ثابت سال ۱۳۸۴ــ مالیات پنهان شدند.

حمایت از آنان برحسب نرخ ارز تعادلی نیز روندی مشابه داشته و در همهٔ برنامه‌ها، میانگین آن منفی بوده است. یعنی کم نگه‌داشتن قیمت داخلی نسبت به قیمت جهانی و کم‌ارزش‌گذاری پول ملی موجب حمایت از مصرف‌کنندگان خرمای داخلی نسبت به مصرف‌کنندگان بازار جهانی شده است. در برنامهٔ چهارم با اجرای همزمان سیاست‌های ارزی و بخشی، مصرف‌کنندگان ۱۲۷۸ میلیارد ریال به قیمت ثابت سال ۱۳۸۴ به شکل حمایت دریافت کردند که این مقدار در برنامهٔ پنجم حدود دو برابر خواهد شد.

درصد حمایت از مصرف‌کنندگان(CSE٪) با نرخ ارز حقیقی، نشان می‌دهد حمایت از مصرف‌کنندگان خرما در دورهٔ جنگ ۶۰ درصد از پرداختی مصرف‌کنندگان را برحسب قیمت‌های تعدیل‌شدهٔ جهانی شامل شده است. یعنی در شرایط کنونی با اجرای سیاست‌های قیمتی، مصرف‌کنندگان، به اندازهٔ ۶۰ درصد آنچه (در صورتی که بازار آزاد باشد) باید می‌پرداختند، حمایت دریافت می‌کنند. سهم حمایت‌ها از ارزش مصرف در برنامهٔ سوم به کمترین مقدار رسیده و

مصرف‌کنندگان خرما تنها ۸ درصد از آنچه در بازار جهانی باید می‌پرداختند، کمتر پرداخت کرده‌اند.

براساس نتایج جدول (۶-۳-۳-۵) اثر کل روند مشابهی با اثر مستقیم دارد و چگونگی حمایت از مصرف‌کنندگان خرما را با برقراری نرخ ارز تعادلی بلندمدت اقتصاد ایران نشان می‌دهد. در سال ۱۳۸۱ که با اجرای سیاست یکسان‌سازی نرخ ارز همزمان است، حمایت از مصرف‌کنندگان خرما براساس این شاخص کمترین مقدار را دارد، به طوری که مصرف‌کنندگان خرما با برقراری سیاست‌های ارزی و بخشی ۴۶ درصد از آنچه در شرایطی که هیچ سیاست ارزی و بخشی اجرا نشود بیشتر می‌پردازند. در برنامهٔ چهارم با رشد بیشتر قیمت‌های جهانی نسبت به قیمت‌های داخلی خرما، حمایت از مصرف‌کنندگان افزایش پیدا کرد و به ۳۶ درصد رسید که نشان‌دهندهٔ مازاد بیشتر مصرف‌کنندگان ایرانی در شرایط اجرای سیاست‌های ارزی و بخشی نسبت به وضعیت اجرا نشدن سیاست‌هاست.

علامت اثرغیرمستقیم در مورد مصرف‌کنندگان، عکس علامت انحراف نرخ ارز است، یعنی با کم برآورد ارزش ریال(انحراف منفی)، مصرف‌کنندگان حمایت می‌شوند و برعکس. به عبارت دیگر، چگونگی حمایت از مصرف‌کنندگان را هنگامی که سیاست ارزی برقرار است نسبت به وقتی که سیاست ارزی اجرا نمی‌شود، نشان می‌دهد. در دورهٔ جنگ و برنامه‌های دوم و سوم توسعه سیاست‌های ارزی تضعیف-کنندهٔ سیاست‌های بخشی بوده و با اجرای سیاست ارزی، مصرف‌کنندگان خرما حمایت نشده‌اند. در حالی‌که در دیگر برنامه‌ها با اجرای سیاست ارزی کم‌برآورد ارزش ریال، مصرف‌کنندگان خرما نسبت به شرایطی که سیاست ارزی برقرار نباشد، حمایت شده‌اند. برای مثال در برنامهٔ چهارم ۶/۷٪ کمتر از قبل از اجرای سیاست ارزی پرداخت کرده‌اند و سیاست ارزی تقویت‌کنندهٔ سیاست بخشی بوده است.

جدول ۵-۳-۳-۵) شاخص‌های حمایت از مصرف‌کنندگان خرما

برنامه های توسعه	درصد انحراف نرخ ارز	سال	ارزش اثرمستقیم به قیمت ثابت سال ۱۳۸٤ (میلیارد ریال)	ارزش اثر کل به قیمت ثابت سال ۱۳۸٤	%CSE اثر مستقیم	%CSE اثر غیرمستقیم	%CSE اثر کل
دورهٔ جنگی	۲٦/۸۱	۱۳٦۰	۱٦۷۸	۱۰۱۳	۵۳/٦۹	-۱۲/۵۲	٤۱/۱۷
	۳۸/۹۰	۱۳٦۱	۵۸۰۰	۳۵۹۳	۷۳/۹۷	-۱۰/۱۹	٦۳/۷۸
	۳۸/٦۷	۱۳٦۲	۵۲۵۵	۳۱٦۷	۷۰/٦۱	-۱۱/٤٦	۵۹/۱۵
	٤۷/٦۸	۱۳٦۳	۷٦۲۹	٤٤٦۹	۷۸/۳۱	-۱۰/٤۲	٦۷/۸۹
	-۱۳/۱٦	۱۳٦٤	۵۰۳٤	٦۰۹۹	۷۲/۰۷	۳/٦۹	۷۵/۷۷
	-۲/۷۱	۱۳٦۵	۳۳۲۱	۳٤۹۷	۵۲/۸۸	۱/۲۹	۵٤/۱٦
	۷۵/۷۲	۱۳٦٦	۳۲٤۰	۳۹٦	٤۹/۵۲	-۳۸/۸۲	۱۰/۷۰
	۸۹/۸۷	۱۳٦۷	۱٤۹٦	-۷۲۰	۳۲/٤۲	-٦۲/٤۲	-۲۹/۹۹
	۳۷/۷۲	میانگین	٤۱۸۲	۲٦۸۹	٦۰/٤۳	-۱۷/٦۱	٤۲/۸۳
برنامهٔ اول توسعهٔ اقتصادی و اجتماعی	۵۰/٦۲	۱۳٦۸	۳۱۵۰	۱۲۰۰	۵٤/۸۵	-۲۳/۲۱	۳۱/٦۵
	-٤/۳۰	۱۳٦۹	۷٤۷	۸۹۱	۲۳/۷۵	۳/۳٤	۲۷/۰۹
	-۱۰/۸٤	۱۳۷۰	۳۰۷٤	۳۸۳۱	۵۰/۱۱	۵/٤۷	۵۵/۵۹
	-٤۷/۰۳	۱۳۷۱	۸٤۵	۳۹٤٤	۲٤/٦۸	۳۵/۷۹	٦۰/٤٦
	-۵۱/٤۱	۱۳۷۲	۲۱۸۹	٦۹٤۷	٤۹/۵۹	۲٦/۱۵	۷۵/۷٤
	-٤۱/۲۹	۱۳۷۳	۲٤۷۳	۵۸۸۸	۵۱/۹٦	۲۰/۰۷	۷۲/۰۳
	-۱۷/۳۸	میانگین	۲۰۸۰	۳۷۸۳	٤۲/٤۹	۱۱/۲۷	۵۳/۷٦
برنامهٔ دوم توسعهٔ اقتصادی و اجتماعی	-۳۱/۹۷	۱۳۷٤	۱۷۳٤	٤۰۵٦	۳۵/٦۰	۲۰/۷۹	۵٦/۳۹
	-۱٦/۱۸	۱۳۷۵	۲۱٤۵	۲۸۸۹	۵٦/۸٤	۷/۱۱	٦۳/۹۵
	-۰/۸۹	۱۳۷٦	۱۳۵	۱٦۰	۵/۲۰	۰/۸۸	٦/۰۸
	۳۳/۱۵	۱۳۷۷	۳٦۰	-۳۵۱	۱۳/۰٤	-۳۰/۱۵	-۱۷/۱۱
	۲۹/۱۰	۱۳۷۸	۵۷۱	-۱۲۳	۱۹/۰٦	-۲٤/٤۱	-۵/۳۵
	۲/٦٤	میانگین	۹۸۹	۱۳۲٦	۲۵/۹۵	-۵/۱٦	۲۰/۷۹
برنامهٔ سوم توسعهٔ اقتصادی و اجتماعی	۱٦/۹٦	۱۳۷۹	۷۳۳	۳٦۵	۲۹/۷۷	-۱۲/۳٤	۱۷/٤٤
	۱٦/۵٤	۱۳۸۰	۲۷۸	-۳۳	۱۳/۱۲	-۱٤/۹٤	-۱/۸۳
	۱۲/۹۹	۱۳۸۱	-۵۵٤	-۷۸٤	-۲۸/۸۷	-۱۷/٤۸	-٤٦/۳٤
	۳/۸۵	۱۳۸۲	۲٦۰	۱۸۲	۱۲/۷۹	-۳/۵۰	۹/۲۹
	-۲/۷۹	۱۳۸۳	٤۹٦	۵۸۳	۱٦/۸۸	۲/٤۰	۱۹/۲۸
	۹/۵۱	میانگین	۲٤۲	٦۳	۸/۷٤	-۹/۱۷	-۰/٤۳
برنامهٔ چهارم توسعهٔ اقتصادی و اجتماعی	-٦/۱۸	۱۳۸٤	۱۷۷٤	۲۰٤۵	٤۳/۹٦	۳/۵۳	٤۷/۵۰
	-۱۰/۷۰	۱۳۸۵	۱۷۸۵	۲۲٦۲	٤۵/۷۵	۵/۹۲	۵۱/٦۷
	-۱۳/۰۹	۱۳۸٦	۲۳۵۷	۳۱۹۳	٤۳/٤۷	۷/۵۵	۵۱/۰۲
	-۷/۷٤	۱۳۸۷	۱۳۰۱	۱٦۵۸	۳۱/۲۷	۵/٤۲	۳٦/٦۸
	-۳/۳۲	۱۳۸۸	-۱۸۸	-٦۲	-۵/۲۷	۳/۵۸	-۱/٦۹
	-۱۷/٤۵	۱۳۸۹	٦۳۹	۱۳۸۱	۱۸/٦۷	۱٤/٤۸	۳۳/۱٤
	-۹/۷۵	میانگین	۱۲۷۸	۱۷٤٦	۲۹/٦٤	٦/۷۵	۳٦/۳۹
پیش بینی برنامهٔ پنجم توسعهٔ اقتصادی و اجتماعی	-۱۹/۲۲	۱۳۹۰	۹۷۲	۱۷۹۱	۲۹/۰٦	۱۳/۹٦	٤۳/۰۲
	-۲۱/۱٤	۱۳۹۱	۲۲۹٤	۳۵٦۱	٤۹/۵۵	۱۰/۸٤	٦۰/۳۸
	-۲۳/۰۷	۱۳۹۲	۲۷۹۱	٤۳۵۲	۵٤/۵۷	۱۰/٦۲	٦۵/۲۰
	-۲٤/۹۸	۱۳۹۳	۳۳٤۳	۵۲۵٤	۵۹/۱۳	۱۰/۳۳	٦۹/٤٦
	-۲۲/۰۹	۱۳۹٤	٤۳٦٦	٦۲۸۰	٦۵/۵۲	۷/۷۰	۷۳/۲۱
	-۲۲/۱۰	میانگین	۲۷۵۳	٤۲٤۸	۵۱/۵٦	۱۰/٦۹	٦۲/۲۵

منبع: یافته‌های پژوهش

حمایت یک‌جانبه از مصرف‌کنندگان خرما در شرایط نبود سیاست‌های حمایت‌کنندهٔ کشاورزان، از رقابت‌پذیری بازار می‌کاهد و با تضعیف تولید همزمان با تقویت تقاضا موجب از دست دادن سهم صادراتی و حتی نیاز به واردات می‌شود.

۴-۳-۳-۵ نتیجه‌گیری و پیشنهادهای خرما

چنان‌که بیان شد، خرما از محصولات صادراتی مهم زیربخش باغبانی ایران محسوب می‌شود و سیاست‌های حمایتی مختلفی از بخش تولید و مصرف آن صورت پذیرفته است. در این پژوهش مقادیر کمّی این حمایت‌ها براساس شاخص‌های MPS، PSE و CSE طی دورهٔ ۸۹-۱۳۶۰ محاسبه شده است که نتایج بیانگر حمایت منفی از تولیدکنندگان، با وجود روند افزایشی و نوسانی در حمایت‌های قیمتی، بودجه‌ای و کل حمایت از آنان و روند کاهشی در حمایت از مصرف‌کنندگان خرما به قیمت ثابت سال ۱۳۸۴ بوده است. همچنین در مجموع حمایت‌های بودجه‌ای و قیمتی، حمایت‌های قیمتی در کل حمایت از تولیدگنندگان در بیشتر سال‌ها نسبت به حمایت‌های بودجه‌ای سهم بیشتری داشته‌اند.

بررسی اثر سیاست‌های ارزی و انحراف نرخ ارز بر مقادیر حمایت از تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان خرما نشان می‌دهد این سیاست‌ها در دورهٔ جنگ و همچنین در بیشتر سال‌های برنامه‌های دوم و سوم توسعه که انحراف نرخ ارز مثبت بوده (بیش‌برآورد ارزش حقیقی ریال) بر شاخص‌های حمایت از تولیدکنندگان اثر مثبتی داشته است، در حالی که در دیگر برنامه‌های توسعه موجب کاهش حمایت از تولیدکنندگان خرما شده است، یعنی اثر غیرمستقیم تضعیف‌کنندهٔ اثر مستقیم بوده است. براساس این نتایج، اجرای سیاست‌های باثبات و بلندمدت برای پیشگیری از نوسان‌های قیمت محصول، نهاده‌ها و نرخ ارز و حمایت‌های بودجه‌ای توصیه می‌شود. در دورهٔ ۱۳۸۲-۱۳۷۶ با کاهش قیمت صادراتی، مالیات پنهان دریافتی از کشاورزان

کاهش یافته است که با تقویت انگیزهٔ خرماکاران، رشد سهم صادرات جهانی را در پی داشته است. با توجه به تأثیر بیشتر حمایت‌های قیمتی از کل حمایت‌ها، تأکید بر الگوی سیاست‌های حمایت قیمتی موجب حفظ قیمت خرما نزدیک به قیمت جهانی می‌شود، اما در این رویکرد با دخالت مستقیم دولت در بازار محصول از درجهٔ رقابت بازار خرما کاسته می‌شود. از این رو، در کنار هدایت قیمت بازار، تنوع‌بخشی به حمایت‌های بودجه‌ای مانند به‌کارگیری پرداخت‌های مستقیم و تسهیل رویه‌های صادراتی نیز می‌تواند مناسب باشد. با توجه به ضوابط بهداشتی کشورهای واردکنندهٔ خرما، پرداخت حمایت‌های بودجه‌ای به شرط رعایت استانداردهای تولید محصول مطابق درخواست بازارهای جهانی مناسب به نظر می‌رسد. همچنین ایجاد تعاونی‌هایی برای ورود انبوه به بازار جهانی به افزایش رقابت‌پذیری و اثرگذاری بر قیمت کمک می‌کند که می‌توان با ایجاد سازوکاری برای توزیع حمایت‌ها توسط این تعاونی‌ها، کشاورزان را به تشکیل و عضویت در آنها تشویق کرد و کارایی سیاست‌های حمایتی را افزایش داد. تنظیم سیاست‌های ارزی و بخشی به گونه‌ای که همسو و تقویت‌کنندهٔ یکدیگر باشند، به کارایی آنها می‌افزاید و با افزایش مزیت رقابتی، به رقابت‌پذیری جهانی تولیدکنندگان داخلی کمک می‌کند. به طوری که مقادیر مثبت اثر مستقیم و اثرغیرمستقیم در برنامهٔ سوم توسعه نشان می‌دهد، اجرای سیاست یکسان‌سازی نرخ ارز که تقویت‌کنندهٔ سیاست‌های بخشی بوده، موجب حمایت از تولیدکنندگان خرما شده است. در پیش‌بینی برنامهٔ پنجم نیز همانند برنامهٔ چهارم، سیاست‌های ارزی تقویت‌کنندهٔ سیاست‌های بخش کشاورزی نیست و اثرمستقیم و اثرکل هر دو منفی‌اند. شاخص حمایت بازاری هم عدم حمایت از تولیدکنندگان را در بازار داخلی نسبت به بازار جهانی نشان می‌دهد، به طوری که سیاست‌های ارزی و بخشی به زیان تولیدکنندگان خرما خواهد بود.

جدول ۶-۳-۳-۵) بررسی حمایت از تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان خرما در دوره‌های ارزی

دوره	درصد انحراف نرخ ارز	%MPS			%PSE			%CSE		
		اثر مستقیم	اثر غیرمستقیم	اثر کل	اثر مستقیم	اثر غیرمستقیم	اثر کل	اثر مستقیم	اثر غیرمستقیم	اثر کل
۱۳۶۰-۱۳۷۰	۳۰/۶۶	-۵۵/۶۵	۱۴/۱۱	-۴۱/۵۴	-۴۹/۸۰	۱۱/۸۷	-۳۷/۹۳	۵۵/۶۵	-۱۴/۱۱	۴۱/۵۴
۱۳۷۱-۱۳۸۰	-۹/۳۰	-۲۹/۸۹	-۲/۸۹	-۳۲/۷۸	-۲۰/۳۸	-۸/۰۸	-۲۸/۴۶	۲۹/۸۹	۲/۸۹	۳۲/۷۸
۱۳۸۱-۱۳۸۹	-۴/۹۴	-۱۹/۸۵	-۲/۴۳	-۲۲/۲۸	-۷/۳۷	-۱۰/۰۵	-۱۷/۴۲	۱۹/۸۵	۲/۴۳	۲۲/۲۸

منبع: یافته‌های پژوهش

متوسط شاخص‌های حمایت قیمتی از تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان در سه دورهٔ اجرای سیاست‌های ارزی کشور در جدول (۶-۳-۳-۵) آمده است. براساس شاخص‌های درصدی حمایت از تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان خرما در دهه‌های اول تا سوم بررسی، سیاست‌های بخشی در مقایسه با سیاست‌های ارزی در کل حمایت‌ها تأثیر بیشتری داشته است، زیرا قدرمطلق اثر مستقیم همواره بیشتر از اثر غیرمستقیم بوده است. در دهۀ ۱۳۶۰ به دلیل به‌کارگیری سیاست تثبیت نرخ ارز، انحراف از نرخ تعادلی به شدت افزایش یافت و با بیش‌برآورد ارزش ریال از تولیدکنندگان حمایت قیمتی شد، اما در این دوره آثار منفی سیاست‌های بخشی از جمله کم نگه داشتن قیمت داخلی در مقایسه با قیمت جهانی تا حدی زیاد بود که اثر سیاست ارزی را خنثی و در مجموع حمایت کل از تولیدکننده را منفی کرد. در دهۀ ۱۳۷۰ با برقراری سیاست ارزی چند نرخی و انحراف منفی نرخ ارز، میانگین اثرغیرمستقیم حمایت از تولیدکنندگان منفی شد، اما به طور کلی سیاست‌های بخشی نسبت به دهۀ ۱۳۶۰ در راستای حمایت بیشتر از تولیدکنندگان بهبود پیدا کرد و میانگین اثر مستقیم PSE در این دوره ۲۰- درصد بود. در دورۀ سوم سیاست‌های ارزی با برقراری نرخ ارز شناور مدیریت شده انحراف نرخ ارز کاهش پیدا

کرد، اما همچنان منفی بود. این کم برآورد ارزش ریال، با حمایت نکردن از تولیدکننده، همراه با اثر منفی سیاست‌های بخشی، موجب اثرکل ۲۲- درصدی در بازار خرما شد. در این دوره با افزایش حمایت‌ها در بخش کشاورزی اثرمستقیم در PSE٪ نسبت به دورهٔ دوم ارزی افزایش پیدا کرد. برای مصرف‌کنندگان در دورهٔ نخست ارزی، سیاست ارزی تضعیف‌کنندهٔ اثر مثبت سیاست‌های بخشی بود و با اجرای سیاست‌های ارزی و بخشی مصرف‌کنندگان ۴۱ درصد از آنچه در شرایط بدون سیاست می‌پرداختند، کمتر هزینه کرده‌اند که در دهه‌های بعدی با کاهش روبه‌رو شد.

به طور کلی شاخص‌های حمایت از تولید خرما از نوسان دوره‌ای برآمده از دوره‌های قیمتی صادراتی پیروی می‌کنند. در سال‌های ابتدایی که سیاست‌های بخشی حمایت‌کننده نبوده، سیاست‌های ارزی جبران‌کنندهٔ آن نبود و در برنامه‌های اول و چهارم، سیاست‌های ارزی همسو با سیاست‌های بخشی به زیان تولیدکنندگان بود. اجرای سیاست‌های همسو و حمایت‌کننده، مانند برنامهٔ سوم توسعه، به افزایش رقابت‌پذیری تولیدکنندگان خرما، افزایش کارایی آنان و توسعهٔ صنایع وابسته به این محصول و افزایش سهم صادرات کمک می‌کند. اهمیت به صنایع تبدیلی و فراوری، توسعهٔ سردخانه‌ها و تجهیزات حمل‌ونقل مناسب به منظور جلوگیری از ترشیدگی خرما و احداث کارخانه‌های بسته‌بندی در مناطق تولید محصول، ظرفیت بیشتری را برای صادرات خرمای ایران نسبت به وضعیت کنونی ایجاد می‌کند که می‌توان با تدوین سیاست‌های مناسب سهم این محصول در تجارت جهانی، ارزی‌آوری و تولید ارزش افزوده برای کشور را افزایش داد. با توجه به نتایج برآورد نرخ ارز در فصل سوم، افزایش درآمدهای نفتی موجب افزایش ارزش ریال تعادلی می‌شود که در صورت ثبات نرخ حقیقی ارز، رشد درآمدهای نفتی به نفع تولیدکنندگان است. همچنین بهره‌وری اقتصاد به عنوان شاخص پیشرفت فن‌آوری، بر نرخ تعادلی ارز و شاخص

حمایت‌ها چنین اثری دارد که دولت با مدیریت این دو عامل می‌تواند حمایت از تولیدکنندگان خرما را افزایش دهد. بنابراین انتظار می‌رود، ترکیب سیاست‌های پولی، مالی، ارزی و بخشی به گونه‌ای باشد که برایند آن، حمایت‌کنندهٔ کشاورزان باشد.

٤-۳-۵ پسته

پسته مهم‌ترین محصول صادراتی کشاورزی ایران است، به طوری که براساس آمار سازمان خواربار کشاورزی، همواره نخستین کشور جهان از نظر تولید و صادرات پسته بوده است. اما در سال‌های اخیر با توسعهٔ تولید این محصول در آمریکا و ترکیه رقبای جدیدی برای ایران ایجاد شد که همزمان کم‌توجهی به بهبود شرایط تولید و نگهداری پسته و راهبردهای مناسب بازاریابی، جایگاه ایران را در دههٔ اخیر، دست-یافتنی کرد و اکنون آمریکا با ایران در سهم بازار صادراتی، در رقابتی نزدیک است. با توجه به شرایط مناسب آب‌وهوایی و خاک شور نواحی مرکزی ایران برای کشت پسته، باغ‌های پستهٔ کشور در این نواحی گسترش یافته است که به گزارش وزرات جهاد کشاورزی، استان کرمان بیشتر از ۸۰ درصد تولید و سطح زیرکشت را در اختیار دارد و استان‌های یزد و خراسان‌ها پس از آن قرار دارند. بندرعباس به دلیل نزدیک بودن به کرمان، مهم‌ترین مبدأ صادراتی این محصول است.

با افزایش درآمد کشورهای آسیای شرقی و کشورهای تازه توسعه‌یافتهٔ آمریکای جنوبی، بازار مصرف پسته رو به گسترش است و با وجود رقبا، افزایش تولید و صادرات با تدوین سیاست‌های حمایتی مناسب با هدف تقویت انگیزهٔ تولید کشاورزان امکان‌پذیر است. از این رو، بررسی چگونگی حمایت از تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان داخلی پستهٔ ایران تاکنون، برای سیاست‌گذاری‌های آتی مطلوب است.

جدول (۱-۴-۳-۵) تصویری از وضعیت تولید، عملکرد و تجارت پستهٔ ایران ارائه می‌دهد. با توجه به جدول، سطح زیرکشت این محصول از سال ۱۳۶۸ تا ۱۳۸۹، افزایشی بوده و از حدود ۱۳۱ به ۲۵۱ هزار هکتار افزایش یافته است. رشد تولید در این دوره بیش از سطح زیرکشت بوده و از حدود ۱۳۰ هزار تن در سال ۱۳۶۸ به

بیش از ۴۴۷ هزار تن در سال ۱۳۸۹ افزایش پیدا کرده است که بهبود عملکرد را نشان می‌دهد. ویژگی سال‌آوری[۱] پسته در عملکرد پسته در سال‌های اجرای برنامه‌های دوم و سوم توسعه، مشاهده می‌شود. در سال‌های ۱۳۸۵-۱۳۷۲، عملکرد تولید پسته ایران کمتر از عملکرد متوسط جهان بود، به طوری که در خشکسالی سال ۱۳۷۹ عملکرد تولید پسته ایران به کمتر از ۰/۴۵ عملکرد جهانی رسید. همچنین، افت عملکرد در یک دوره ممکن است به دلیل فرسودگی یا جوان بودن باغ‌ها باشد که در مورد برنامه‌های دوم و سوم رشد چشمگیر سطح زیرکشت نسبت به برنامهٔ اول، احتمال فرضیهٔ دوم بیشتر است. براساس نمودار (۱-۴-۳-۵) سهم سطح زیرکشت پستهٔ کشور از مجموع جهانی تا سال ۱۳۸۲ افزایشی و حدود ۶۰ درصد بود، اما با وجود افزایش سطح زیرکشت، در سال‌های بعد کاهش پیدا کرد. سهم ایران از تولید جهانی تا سال ۱۳۷۶ به طور نسبی ثابت بود، اما پس از آن با پیروی از روند سال‌آوری محصول نوسان پیدا کرد. دلیل ثبات سال‌های اولیه، همزمانی سال‌آوری ایران و کشورهای جهان است که با اضافه شدن باغ‌های جدید، این نظم از بین رفت.

براساس آمار سازمان خواربار کشاورزی، ایران در همهٔ سال‌ها صادرکنندهٔ مطلق این محصول بوده است. صادرات پستهٔ ایران تنها در برنامهٔ سوم توسعه افزایشی بود و در برنامه‌های دیگر از روند معینی پیروی نمی‌کرد. با وجود این، در سال ۱۳۷۶ با وقوع خشکسالی و کاهش تولید در کشور، سهم ایران از بازار جهانی پسته به شدت کاهش یافت و به حدود ۴۰ درصد رسید، اما در سال‌های بعد با وجود افت و نوسان تولید، سهم صادرات به سطح و ثبات پیشین بازگشت که نشان‌دهندهٔ جایگاه تجارت پستهٔ ایران و اهمیت درآمد ارزی آن برای کشور، به‌ویژه در سال‌های کاهش قیمت

---

[۱]- سال‌آوری در محصول پسته به معنی توالی یک سال پرمحصول و یک سال کم محصول، به دلیل مصرف ذخایر درون گیاه است.

نفت است که با سیاست‌های تجاری و بازرگانی مشوق صادرات، این درآمد حفظ می‌شود. از سال ۱۳۸۲ با افزایش تولید رقبای جهانی سهم صادرات ایران کاهش پیدا کرد، اما با افزایش سطح زیرکشت ایران و سهم آن از سال ۱۳۸۷، انتظار می‌رود سهم صادراتی ایران نیز با وقفه افزایش یابد.

جدول ۱-۴-۳-۵) وضعیت تولید، عملکرد و تجارت پسته ایران

سال	سطح زیرکشت (هزارهکتار)	سهم از سطح زیرکشت (درصد)	عملکرد (تن در هکتار)	نسبت عملکرد ایران به جهان	تولید (هزارتن)	سهم از تولید جهان (درصد)	صادرات (هزار تن)	سهم از صادرات (درصد)	ارزش صادرات (میلیون دلار)	سهم از ارزش صادرات (درصد)
۱۳۶۸	۱۳۱	۵۴/۱۳	۰/۹۹	۱/۰۲	۱۳۰	۵۵/۴۵	۶۹	۷۳/۲۸	۲۷۱	۷۱/۹۵
۱۳۶۹	۱۵۴	۵۶/۰۹	۱/۰۶	۱/۰۶	۱۶۳	۵۹/۶۳	۶۹	۷۴/۷۴	۲۵۹	۷۰/۵۷
۱۳۷۰	۱۶۱	۵۵/۲۶	۱/۱۳	۱/۰۰	۱۸۲	۵۵/۳۷	۹۷	۷۶/۴۲	۳۵۳	۷۴/۸۳
۱۳۷۱	۱۷۲	۵۴/۷۸	۱/۱۷	۱/۰۶	۲۰۲	۵۷/۹۸	۱۰۴	۷۰/۱۱	۳۷۰	۶۹/۴۳
۱۳۷۲	۲۰۲	۵۹/۵۹	۱/۱۴	۰/۹۷	۲۲۹	۵۷/۷۳	۱۱۸	۶۹/۲۳	۴۳۵	۷۱/۶۹
۱۳۷۳	۲۰۶	۵۹/۶۲	۰/۹۵	۰/۹۵	۱۹۵	۵۶/۵۸	۱۱۱	۶۳/۵۸	۳۹۰	۶۸/۰۰
۱۳۷۴	۲۱۸	۶۰/۹۷	۱/۱۰	۰/۹۹	۲۳۹	۶۰/۳۴	۱۲۸	۶۷/۸۸	۴۲۵	۶۷/۶۹
۱۳۷۵	۲۳۲	۶۱/۸۷	۱/۱۲	۰/۹۶	۲۶۰	۵۹/۷۰	۱۴۰	۶۶/۷۱	۴۷۸	۶۶/۲۲
۱۳۷۶	۲۴۷	۶۳/۹۸	۱/۲۷	۰/۹۰	۳۱۴	۵۷/۷۱	۵۸	۴۴/۷۷	۱۹۷	۴۲/۱۷
۱۳۷۷	۲۵۹	۶۴/۶۳	۰/۵۰	۰/۶۱	۱۳۱	۳۹/۶۰	۱۲۵	۶۴/۲۶	۴۱۶	۶۳/۰۸
۱۳۷۸	۲۵۶	۶۴/۹۲	۱/۱۹	۰/۹۸	۳۰۴	۶۳/۹۲	۱۰۱	۵۹/۹۰	۳۱۵	۶۰/۲۲
۱۳۷۹	۲۷۵	۶۵/۸۶	۰/۴۱	۰/۴۵	۱۱۲	۲۹/۷۲	۱۰۱	۶۱/۶۷	۳۱۴	۵۸/۵۲
۱۳۸۰	۲۸۱	۶۵/۲۲	۰/۸۹	۰/۸۸	۲۴۹	۵۷/۶۹	۱۱۵	۵۷/۳۷	۳۵۹	۵۸/۷۶
۱۳۸۱	۲۹۵	۶۶/۰۶	۰/۸۴	۰/۷۳	۲۴۹	۴۸/۱۱	۱۳۵	۶۲/۹۹	۴۳۷	۶۲/۷۴
۱۳۸۲	۲۹۹	۶۴/۹۱	۱/۰۲	۰/۸۷	۳۰۶	۵۶/۴۹	۱۸۵	۶۶/۰۰	۶۸۰	۶۸/۷۸
۱۳۸۳	۳۰۰	۴۹/۹۵	۰/۶۲	۰/۸۳	۱۸۵	۴۱/۶۳	۱۳۹	۵۸/۸۹	۵۵۵	۵۸/۹۷
۱۳۸۴	۳۰۲	۴۸/۴۰	۰/۷۶	۰/۹۲	۲۳۰	۴۴/۶۵	۱۳۸	۵۱/۰۴	۷۲۴	۵۳/۹۲
۱۳۸۵	۳۰۵	۴۷/۳۶	۰/۸۲	۰/۸۹	۲۵۰	۴۲/۱۳	۱۶۳	۵۶/۱۹	۱۰۱۸	۶۱/۲۶
۱۳۸۶	۲۹۰	۴۴/۴۹	۱/۰۹	۱/۰۳	۳۱۶	۴۵/۹۰	۱۹۳	۴۹/۷۵	۱۲۰۰	۵۶/۸۹
۱۳۸۷	۲۵۱	۵۵/۰۸	۱/۷۸	۱/۰۱	۴۴۷	۵۵/۴۶	۱۳۷	۳۶/۱۵	۸۹۹	۴۳/۴۱
۱۳۸۸	۲۵۱	۵۴/۳۳	۱/۷۸	۱/۰۱	۴۴۷	۵۴/۷۷	۷۶	۲۳/۸۹	۳۹۶	۲۲/۷۰
۱۳۸۹	۲۵۱	۵۳/۹۴	۱/۷۸	۰/۸۸	۴۴۷	۴۷/۳۰	۱۵۳	۳۶/۷۹	۱۱۵۹	۴۳/۳۸

منبع: سایت سازمان خواربار و کشاورزی جهانی ملل متحد(http://fao.org)

در سال‌های دورهٔ بررسی، بیشترین درآمد ارزی صادرات پسته در سال ۱۳۸۶ برابر با ۱۲۰۰ میلیون دلار به دست آمد که علت آن افزایش حجم و ارزش هر واحد

صادرات است. سهم حجم و ارزش صادرات پسته در بیشتر سال‌ها اختلاف اندکی داشته است که نزدیک بودن قیمت واحد صادراتی ایران و میانگین جهانی را نشان می‌دهد.

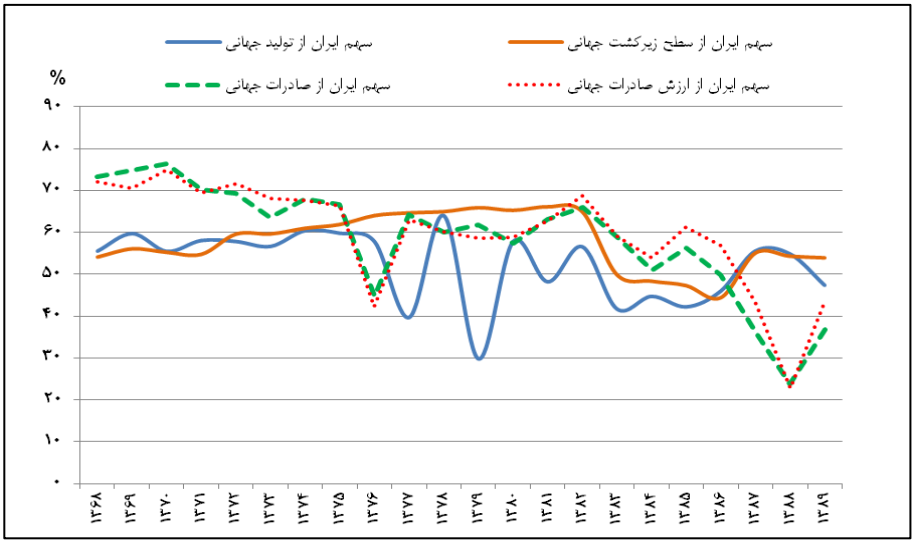

نمودار ۱-۴-۳-۵) سهم ایران از تولید، سطح زیرکشت، واردات و ارزش واردات جهانی پسته طی دورهٔ ۸۹-۱۳۶۸

با توجه به اهمیت پسته در معیشت استان‌های کویری، به عنوان تنها محصول کشت‌پذیر در خاک‌های شور، و ارزآوری آن، سیاست‌های حمایتی مختلفی به منظور افزایش تولید و سطح زیرکشت این محصول اجرا شده است. حمایت قیمتی بعضی از نهاده‌ها، یارانهٔ بیمهٔ محصول، پرداخت تسهیلات بانکی با نرخ سود کم و خرید تضمینی و یارانهٔ صادراتی در سال‌های اندک، تشکیل‌دهندهٔ سیاست‌های حمایت از تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان پسته ایران در ۱۳۸۹-۱۳۶۰ بوده است. از آنجا که بازار داخلی و جهانی پسته، از کارایی لازم برای پوشش هزینه‌های تولید، تولیدکنندگان پسته برخوردار است، دولت از دخالت مستقیم در بازار و تعیین قیمت تضمینی خودداری می‌کند.

در ادامه، نتایج محاسبهٔ شاخص‌های حمایت از تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان پسته (CSE٪، PSE٪، MPS٪) تجزیه و تحلیل می‌شود. همچنین، اثر سیاست‌های ارزی و انحراف نرخ ارز بر مقادیر حمایت از این محصول طی برنامه‌های اول تا چهارم توسعه بررسی می‌شود. همچنین، از آنجا که از کارکردهای پژوهش‌های اقتصادی افزون بر تبیین و تحلیل وضعیت‌های گذشته و کنونی، پیش‌بینی آیندهٔ شاخص‌های اقتصادی برای برنامه‌ریزی است؛ از این رو با فرض ادامهٔ روند رشد تخصیص یارانه‌ها همانند برنامهٔ چهارم و سال ۱۳۸۹، و پیش‌بینی قیمت‌ها با استفاده از روش‌های درون‌یابی و میانگین متحرک[1] انجام می‌پذیرد. برای محاسبهٔ میانگین رشد سالانهٔ برنامهٔ چهارم از رابطهٔ (۱-۴-۳-۵) استفاده می‌شود:

$$m = \frac{\sum_{t=1384}^{1389} \frac{(x_{t+1} - x_t)}{x_t}}{5} \qquad (۵-۳-۴-۱)$$

که در آن، m میانگین رشد سالانهٔ متغیر x در برنامهٔ چهارم و t دورهٔ مورد نظر است. برای محاسبهٔ مقدار متغیر در هر سال m در مقدار آن متغیر در سال قبل ضرب می‌شود. برای پیش‌بینی قیمت‌ها و بعضی متغیرها، نیز مناسب‌ترین فرم تابع روند سی سالهٔ متغیر برآورد و برای سال‌های بعد پیش‌بینی می‌شود. وابسته به نوع روند موجود در داده‌ها، در بعضی موارد از روش میانگین متحرک استفاده شده است که رابطهٔ (۲-۴-۳-۵) شکل کلی رابطهٔ آن را نشان می‌دهد:

$$x_{t+1} = \frac{\sum_{t-i}^{t} x_t}{i+1} \qquad (۵-۳-۴-۲)$$

که در آن x متغیر مورد پیش‌بینی، t+۱ دورهٔ پیش‌بینی و i تعداد دوره‌های گذشتهٔ اثرگذار بر دورهٔ مورد پیش‌بینی است. از بین روش‌های مطرح شده، نتایج هر یک

[1] Moving Average

دارای بیشترین تناسب با سری مورد پیش‌بینی و کمترین خطا باشد، مورد استفاده قرار گرفته است.

۱-۴-۳-۵ بررسی مقادیر حمایت بازاری از تولیدکنندگان پسته طی برنامه‌های توسعه

شاخص حمایت از قیمت بازاری(MPS) بیشتر بازتاب‌دهندهٔ سیاست‌های مؤثر بر قیمت و سیاست‌های ارزی است. براساس روش‌شناسی این پژوهش که در فصل سوم توضیح داده شد، حمایت از قیمت بازاری انتقال از مصرف‌کنندگان، واردکنندگان و مالیات‌دهندگان را در پی اجرای سیاست‌های قیمتی در بر می‌گیرد. شاخص درصدی حمایت از قیمت بازاری نسبت تفاوت قیمت دریافتی تولیدکنندگان داخلی را با قیمت جهانی تعدیل‌شده با نرخ ارز حقیقی یا تعادلی به قیمت جهانی نشان می‌دهد. اگر قیمت جهانی با نرخ ارز حقیقی تعدیل شود، اثر مستقیم و اگر با نرخ ارز تعادلی تعدیل شود، اثر کل محاسبه می‌شود. تفاضل این دو اثر نشان‌دهندهٔ برایند سیاست‌های ارزی است که اثرغیرمستقیم نامیده می‌شود. نتایج محاسبات حمایت از قیمت بازاری، به قیمت‌های ثابت طی برنامه‌های اول تا چهارم توسعه و پیش‌بینی برنامهٔ پنجم برای محصول پسته در جدول (۲-۴-۳-۵) ارائه شده است.

براساس نتایج انحراف نرخ ارز که از نسبت تفاوت نرخ حقیقی ارز و نرخ تعادلی آن نسبت به نرخ تعادلی ارز محاسبه می‌شود، در دوره‌های مختلف متفاوت بوده است. برای محاسبهٔ نرخ حقیقی ارز، نرخ ارز اسمی(بازاری) در نسبت متوسط موزون شاخص سطح عمومی قیمت‌های مهم‌ترین شرکای تجاری ایران به سطح عمومی قیمت‌های ایران ضرب می‌شود. نرخ تعادلی با استفاده از الگوی اقتصادسنجی تصحیح خطا تابعی از متغیرهای بنیادین اقتصاد شامل رابطهٔ مبادله، قیمت جهانی طلا، درجهٔ باز بودن اقتصاد، درآمد نفتی کشور، بهره‌وری کل اقتصاد، نسبت نرخ بهرهٔ جهانی به

نرخ بهره در ایران است که نرخ ارز ایران را در شرایط تعادل بلندمدت اقتصاد نشان می‌دهد. در دورهٔ جنگ با کاهش درآمد نفتی و همزمان نیاز کشور به ارز، با بیش‌برآورد ارزش ریال نسبت به دلار توسط دولت، انحراف نرخ ارز در سال پایانی جنگ(۱۳۶۷) به ۸۹ درصد افزایش پیدا کرد. در برنامهٔ اول توسعه با کم‌برآورد ارزش ریال نسبت به نرخ تعادلی، انحراف نرخ ارز منفی بود و در سال‌های پایانی این برنامه به دلیل اجرای سیاست‌های آزادسازی اقتصادی مقدار آن افزایش یافت. در سال‌های نخست برنامهٔ دوم انحراف نرخ ارز حقیقی از مقدار تعادلی بلندمدت اقتصاد منفی و در سال‌های بعد مثبت شد. در برنامهٔ سوم توسعه به منظور تشویق صادرات، سیاست بیش‌برآورد ارزش ریال دنبال شد، یعنی نرخ ارز تعادلی کمتر از نرخ حقیقی آن بود. همچنین نرخ ارز سالیانه با شیب ملایمی در حال رشد بود. در برنامهٔ چهارم نیز روند کاهش ارزش پول ملی ادامه داشت، اما رشد نرخ ارز تعادلی بیش از نرخ حقیقی آن بود. بنابراین سیاست‌های ارزی برنامهٔ چهارم موجب کم‌برآورد ارزش ریال شد.

براساس نتایج اثرمستقیم در جدول (۲-۴-۳-۵) —بر حسب قیمت‌های ثابت سال پایهٔ ۱۳۸۴— با وجود نوسان زیاد، روند افزایشی داشت و تنها در سال ۱۳۸۸ از کشاورزان حمایت شد. در سال ۱۳۷۱ با اجرای سیاست‌های آزادسازی اقتصادی در سطح محدود، حمایت بازاری از پسته‌کاران افزایش پیدا کرد. در سال‌های ۸۰-۱۳۷۸ با کمتر از هزار میلیارد ریال به قیمت ثابت سال ۱۳۸۴ کمترین مالیات پنهان بر تولیدکنندگان پسته تحمیل شد. اما پس از آن در سال ۱۳۸۱ با اجرای سیاست یکسان‌سازی نرخ ارز و کاهش ارزش پول ملی حمایت از کشاورزان کاهش پیدا کرد و در برنامهٔ چهارم میانگین حمایت بازاری از کشاورزان برابر ۲۹۳۲- میلیارد ریال به سال ثابت ۱۳۸۴ بود. کمتر بودن قیمت دریافتی تولیدکنندگان پسته از قیمت مرجع تعدیل‌شده با نرخ حقیقی ارز در بیشتر سال‌های مورد بررسی این پژوهش، موجب کاهش رقابت‌پذیری پسته‌کاران در مقایسه با رقبای خارجی بود.

با فرض ادامهٔ این روند، در برنامهٔ پنجم نیز در مقایسه با قیمت‌های جهانی، پرداختی به تولیدکنندگان پسته صورت نمی‌پذیرد، که با وجود رقابت شدید در بازار جهانی، عدم حمایت از کشاورزان انگیزهٔ تولید و صادرات را کاهش خواهد داد و فرصت رقابت را از آنان خواهد گرفت. از آنجا که براساس آمار منتشرشدهٔ مرکز آمار ایران و گمرک جمهوری اسلامی، قیمت داخلی و خارجی در تمام سال‌های مورد بررسی این پژوهش روندی صعودی و به نسبت هماهنگ با یکدیگر داشته است، نوسان شاخص حمایت از قیمت بازاری برآمده از نوسان نرخ ارز و مقادیر تولید و مصرف پسته است. چنان‌که تضعیف حمایت‌ها در سال ۱۳۸۱، به علت کاهش ارزش پول ملی با شناورسازی نرخ ارز و افزایش در قیمت جهانی تعدیل‌شده است.

شاخص حمایت قیمتی محاسبه‌شده با نرخ ارز تعادلی (اثرکل) با قیمت ثابت سال ۱۳۸۴ در جدول (۲-۴-۳-۵)، نیز تنها در سه سال ۱۳۷۸، ۱۳۸۰ و ۱۳۸۸ مثبت بود و در بیشتر سال‌های ۱۳۸۹-۱۳۶۰ با اجرای سیاست‌های ارزی و بخشی، پسته‌کاران ناگزیر از پرداخت مالیات پنهان بودند. در برنامهٔ اول با کم‌برآورد ارزش ریال اثرکل بسیار کمتر از اثرمستقیم بود. یعنی کشاورزان در پی اجرای سیاست‌های ارزی حمایت بیشتری دریافت کردند. در پایان برنامهٔ دوم با اجرای عملیات به‌زراعی در غالب طرح اصلاح ساختار باغ‌های پسته، به دلیل افزایش هزینهٔ تولید و افزایش قیمت داخلی، ۳۴۸۵ میلیارد ریال به قیمت ثابت سال ۱۳۸۴ از پسته‌کاران حمایت شد. در برنامهٔ چهارم در بازار پستهٔ ایران، به طور میانگین ۴۵۳۹ میلیارد ریال از تولیدکنندگان به مصرف‌کنندگان انتقال پیدا کرد. به بیان دیگر، در برنامه‌های سوم و چهارم توسعه قیمت داخلی پسته با وجود رشد فزاینده، به دلیل رشد قیمت جهانی تعدیل‌شدهٔ آن با نرخ ارز تعادلی و هزینهٔ حمل‌ونقل، توانایی حمایت از کشاورزان را نداشته و آنان را ناگزیر از پرداخت مالیات پنهان کرده است که این حمایت منفی از قدرت رقابت‌پذیری این محصول در بازارهای جهانی می‌کاهد و موجب می‌شود

صادرات پسته و درآمد ارزی حاصل از آن با نوسان همراه باشد. این نوسان، از اطمینان مشتریان خارجی می‌کاهد و ریسک درآمدی کشاورزان را افزایش می‌دهد که به کاهش گرایش کشاورزان برای ترمیم و توسعهٔ باغ‌ها می‌انجامد. همچنین هزینهٔ زیاد احداث و زمان‌بر بودن ایجاد باغ انعطاف کشاورزان را برای مقابله با تغییر سیاست‌های دولت و نوسان حمایت‌ها کاهش می‌دهد.

حمایت درصدی از قیمت بازاری (MPS٪) بر مبنای نرخ ارز حقیقی (اثر مستقیم) نیز در همهٔ دوره‌ها، به طور میانگین منفی بوده است که نشان می‌دهد قیمت داخلی محصول از قیمت جهانی تعدیل‌شده با نرخ ارز حقیقی، کمتر بوده است. این اثر در برنامهٔ چهارم، با در نظر گرفتن سال ۱۳۸۹ که سال بدون برنامه بود، به طور میانگین ۲۰/۸- درصد بود. در حالی که مالیات پنهان دریافتی از کشاورزان در دورهٔ جنگ با وجود ثبات نرخ ارز بیش از ۶۳ درصد بود و سیاست‌های بخشی بازار پسته، با اعمال نرخ ارز حقیقی، کشاورزان تنها ۳۷ درصد از سهم خود از قیمت جهانی را دریافت کرده‌اند.

جدول ۲-۴-۳-۵) شاخص‌های حمایت بازاری(MPS) از تولیدکنندگان پسته

برنامه های توسعه	درصد انحراف نرخ ارز	سال	ارزش اثرمستقیم به قیمت ثابت سال ۱۳۸۴ (میلیارد ریال)	ارزش اثر کل به قیمت ثابت سال ۱۳۸۴ (میلیارد ریال)	%MPS اثر مستقیم	%MPS اثر غیرمستقیم	%MPS اثر کل
دورهٔ جنگی	۲۶/۸۱	۱۳۶۰	-۷۰۵۱	-۴۸۳۴	-۶۷/۳۱	۸/۷۸	-۵۸/۵۳
	۳۸/۹۰	۱۳۶۱	-۶۲۷۹	-۳۷۲۲	-۶۸/۸۷	۱۲/۱۳	-۵۶/۷۴
	۳۸/۶۷	۱۳۶۲	-۹۴۵۸	-۵۸۳۰	-۷۲/۷۶	۱۰/۵۵	-۶۲/۲۲
	۴۷/۶۸	۱۳۶۳	-۹۶۱۸	-۵۵۸۰	-۷۶/۹۶	۱۱/۰۰	-۶۵/۹۷
	-۱۳/۱۶	۱۳۶۴	-۶۳۸۲	-۷۸۸۳	-۶۴/۴۸	-۴/۶۸	-۶۹/۱۶
	-۲/۷۱	۱۳۶۵	-۶۰۶۴	-۶۳۲۶	-۶۴/۵۷	-۰/۹۶	-۶۵/۵۳
	۷۵/۷۲	۱۳۶۶	-۳۴۸۰	۱۱۳۳	-۳۲/۵۵	۵۱/۱۸	۱۸/۶۴
	۸۹/۸۷	۱۳۶۷	-۶۰۲۸	-۱۲۱۶	-۵۹/۳۹	۳۶/۶۱	-۲۲/۷۸
	۳۷/۷۲	میانگین	-۶۷۹۵	-۴۲۸۲	-۶۳/۳۶	۱۵/۵۸	-۴۷/۷۸
برنامهٔ اول توسعهٔ اقتصادی و اجتماعی	۵۰/۶۲	۱۳۶۸	-۵۶۴۵	-۱۹۱۸	-۵۰/۹۷	۲۴/۸۷	-۲۶/۱۰
	-۴/۳۰	۱۳۶۹	-۹۴۷۵	-۱۰۱۲۴	-۶۵/۷۳	-۱/۴۸	-۶۷/۲۱
	-۱۰/۸۴	۱۳۷۰	-۵۱۸۱	-۶۸۰۳	-۳۸/۹۴	-۶/۶۳	-۴۵/۵۷
	-۴۷/۰۳	۱۳۷۱	-۲۱۷۹	-۱۲۹۲۷	-۱۸/۰۴	-۳۸/۵۹	-۵۶/۶۴
	-۵۱/۴۱	۱۳۷۲	-۴۳۱۳	-۱۹۳۵۷	-۳۰/۴۰	-۳۵/۸۲	-۶۶/۲۲
	-۴۱/۲۹	۱۳۷۳	-۴۳۳۳	-۱۳۳۲۹	-۳۳/۹۶	-۲۷/۳۱	-۶۱/۲۷
	-۱۷/۳۸	میانگین	-۵۱۸۸	-۱۰۷۴۳	-۳۹/۶۷	-۱۴/۱۶	-۵۳/۸۴
برنامهٔ دوم توسعهٔ اقتصادی و اجتماعی	-۳۱/۹۷	۱۳۷۴	-۴۲۴۳	-۱۱۳۴۹	-۲۸/۱۱	-۲۳/۰۱	-۵۱/۱۲
	-۱۶/۱۸	۱۳۷۵	-۴۳۶۷	-۷۱۵۹	-۳۰/۲۷	-۱۱/۳۱	-۴۱/۵۸
	-۰/۸۹	۱۳۷۶	-۳۹۲۹	-۴۰۷۳	-۲۴/۶۵	-۰/۶۷	-۲۵/۳۲
	۳۳/۱۵	۱۳۷۷	-۳۲۴۶	-۱۳۸۳	-۴۳/۴۶	۱۸/۷۹	-۲۴/۶۷
	۲۹/۱۰	۱۳۷۸	-۵۸۲	۳۴۸۵	-۳/۲۳	۲۸/۲۲	۲۴/۹۹
	۲/۶۴	میانگین	-۳۲۷۴	-۴۰۹۶	-۲۵/۹۵	۲/۴۱	-۲۳/۵۴
برنامهٔ سوم توسعهٔ اقتصادی و اجتماعی	۱۶/۹۶	۱۳۷۹	-۹۹۹	-۲۰۹	-۱۸/۳۷	۱۳/۸۸	-۴/۴۹
	۱۶/۵۴	۱۳۸۰	-۸۴۵	۶۶۶	-۷/۹۵	۱۵/۲۶	۷/۳۱
	۱۲/۹۹	۱۳۸۱	-۳۱۳۴	-۲۰۱۵	-۳۲/۲۹	۸/۸۲	-۲۳/۴۷
	۳/۸۵	۱۳۸۲	-۴۸۰۴	-۴۳۵۲	-۳۹/۵۱	۲/۳۳	-۳۷/۱۷
	-۲/۷۹	۱۳۸۳	-۸۲۲	-۱۰۳۲	-۱۱/۲۲	-۲/۴۸	-۱۳/۷۰
	۹/۵۱	میانگین	-۲۱۲۱	-۱۳۸۹	-۲۱/۸۷	۷/۵۶	-۱۴/۳۰
برنامهٔ چهارم توسعهٔ اقتصادی و اجتماعی	-۶/۱۸	۱۳۸۴	-۳۳۹۸	-۴۱۱۷	-۳۱/۲۰	-۴/۲۶	-۳۵/۴۶
	-۱۰/۷۰	۱۳۸۵	-۶۰۰۲	-۷۵۴۰	-۴۶/۸۷	-۵/۷۰	-۵۲/۵۷
	-۱۳/۰۹	۱۳۸۶	-۵۰۱۵	-۷۱۱۷	-۳۶/۰۲	-۸/۳۹	-۴۴/۴۱
	-۷/۷۴	۱۳۸۷	-۵۴۴۵	-۶۸۸۸	-۳۱/۷۲	-۵/۳۰	-۳۷/۰۲
	-۳/۳۲	۱۳۸۸	۳۳۴۵	۲۹۲۳	۲۷/۳۷	-۴/۲۵	۲۳/۱۲
	-۱۷/۴۵	۱۳۸۹	-۱۰۷۸	-۴۴۹۷	-۶/۶۸	-۱۶/۳۲	-۲۳/۰۰
	-۹/۷۵	میانگین	-۲۹۳۲	-۴۵۳۹	-۲۰/۸۵	-۷/۳۷	-۲۸/۲۲
پیش بینی برنامهٔ پنجم توسعهٔ اقتصادی و اجتماعی	-۱۹/۲۲	۱۳۹۰	-۳۳۲	-۲۸۵۱	-۳/۱۵	-۱۸/۶۷	-۲۱/۸۲
	-۲۱/۱۴	۱۳۹۱	-۳۹۶۶	-۷۹۱۵	-۲۶/۹۹	-۱۵/۴۷	-۴۲/۴۵
	-۲۳/۰۷	۱۳۹۲	-۵۰۵۲	-۹۹۸۳	-۳۰/۷۹	-۱۶/۰۰	-۴۶/۷۹
	-۲۴/۹۸	۱۳۹۳	-۶۲۱۵	-۱۲۲۱۷	-۳۴/۵۵	-۱۶/۳۷	-۵۰/۹۲
	-۲۲/۰۹	۱۳۹۴	-۸۴۳۰	-۱۴۱۳۰	-۴۲/۰۱	-۱۲/۸۳	-۵۴/۸۴
	-۲۲/۱۰	میانگین	-۴۷۹۹	-۹۴۱۹	-۲۷/۵۰	-۱۵/۸۷	-۴۳/۳۷

منبع: یافته‌های پژوهش

بررسی اثرکل حمایت از قیمت بازاری نیز روندی مشابه اثرمستقیم را نشان می‌دهد و تعدیل قیمت جهانی با نرخ ارز تعادلی نیز بیانگر حمایت منفی از تولیدکنندگان در بیشتر سال‌های بررسی (۱۳۸۹-۱۳۶۰) است. یعنی حتی اگر نرخ ارز تعادلی هم برقرار بود، سیاست‌های بخشی قیمتی به گونه‌ای می‌شد که در مقابل رقبای خارجی خود نه تنها حمایت نمی‌شدند، بلکه مالیات نیز بر آنان تحمیل می‌شد که این در کاهش قدرت رقابت‌پذیری و توان صادراتی تولیدکنندگان پسته ایرانی بسیار مؤثر است. تفاوت اندک اثر کل و اثرمستقیم در برنامهٔ دوم نشان می‌دهد انحراف نرخ ارز و اعمال نرخ حقیقی یا تعادلی در حمایت از کشاورزان اثر چندانی نداشته است، اما بیشتر بودن حمایت از کشاورزان با اعمال نرخ ارز تعادلی در مقایسه با اثرمستقیم در برنامهٔ سوم نشان می‌دهد، نزدیک بودن به تعادل بلندمدت اقتصاد، کشاورزان را بیشتر از اعمال نرخ حقیقی ارز حمایت کرده است که در علامت مثبت اثرغیرمستقیم نمایان است.

اثر غیرمستقیم نشان می‌دهد سیاست‌های ارزی تا چه اندازه تقویت‌کنندهٔ سیاست‌های بخشی در زمینهٔ قیمت محصول هستند. در سال‌هایی که نرخ حقیقی ارز بیش از نرخ ارز تعادلی است، حمایت قیمتی از تولیدکنندگان در پی اجرای سیاست ارزی مثبت است و برعکس. انحراف نرخ ارز نسبت فاصلهٔ نرخ ارز حقیقی از تعادلی به نرخ ارز حقیقی است که به شکل درصدی بیان می‌شود. براساس جدول (۲-۴-۳-۵) در سال‌های نخست بررسی، با وجود انحراف زیاد نرخ ارز، درصد اثرغیرمستقیم به طور میانگین مقدار کمی دارد، اما از سال ۱۳۷۱ و با اجرای سیاست‌های آزادسازی نرخ ارز و کم‌برآورد ارزش پول ملی حمایت برآمده از سیاست‌های ارزی کاهش بسیاری پیدا کرد. این بدین معنی است که در دورهٔ جنگ تقویت پول ملی در حمایت قیمتی از تولیدکنندگان پسته اثر چندانی نداشته، اما کاهش ارزش پول ملی اثر زیادی در کاهش حمایت داشته است. در سال‌های بعدی

انحراف نرخ ارز با درصد اثر غیرمستقیم حمایت از قیمت بازاری (MPS٪) تناسب بیشتری پیدا کرد و در برنامهٔ سوم با اجرای سیاست یکسان‌سازی نرخ ارز حمایت قیمتی از تولیدکنندگان بر اثر سیاست‌های ارزی ۷/۵ درصد و انحراف نرخ ارز ۹/۵ درصد بود. در برنامه‌های چهارم و پنجم، حمایت قیمتی برآمده از سیاست‌های ارزی برای پسته به ترتیب، ۷/۳- و ۱۵- درصد بود که نشان‌دهندهٔ پیش‌بینی روند کاهشی برای روند حمایت‌هاست.

مقایسهٔ مقادیر مطلق اثر غیرمستقیم و اثر مستقیم در MPS٪ نشان می‌دهد در بیشتر سال‌ها اثرمستقیم بیشتر از اثر غیرمستقیم بوده است که بیانگر نقش مهم‌تر سیاست‌های ویژهٔ بخش کشاورزی در چگونگی حمایت از تولیدکنندگان پسته در مقایسه با سیاست‌های ارزی است. با اجرای سیاست‌های آزادسازی در سال‌های ۱۳۷۱ و ۱۳۷۲ تأثیرگذاری سیاست‌های ارزی بیشتر شد و پس از آن تنهاد در سال‌های ۱۳۷۸، ۱۳۸۰، ۱۳۸۹ و ۱۳۹۰ سیاست‌های ارزی نقش مهم‌تری در حمایت بازاری از کشاورزان داشت. علامت‌های اثرمستقیم و اثرغیرمستقیم در برنامه‌های اول و چهارم، نشان می‌دهد سیاست‌های ارزی هم‌جهت و تقویت‌کنندهٔ سیاست‌های بخشی و هر دو منفی بوده است. در هیچ کدام از برنامه‌ها، سیاست‌های ارزی و بخشی هم‌جهت و هر دو مثبت نبوده‌اند که این موضوع موجب خنثی شدن آثار مثبت سیاست‌های حمایت‌کننده بوده است.

۲-۴-۳-۵ بررسی مقادیر حمایت کل از تولیدکنندگان پسته طی برنامه‌های توسعه

براساس آنچه در فصل‌های پیشین بیان شد، حمایت از تولیدکنندگان، حمایت‌های بازاری(MPS) و پرداخت‌های بودجه‌ای(BP) را در برمی‌گیرد که در بخش قبل حمایت‌های بازاری از محصول پسته تحلیل شد. پرداخت‌های بودجه‌ای

اجراشده در ایران شامل یارانهٔ پرداختی به نهاده‌های کشاورزی (یارانهٔ کود شیمیایی، سموم و علف‌کش)، یارانهٔ انرژی (برق و سوخت ماشین‌آلات کشاورزی)، بیمهٔ محصولات و یارانهٔ تسهیلات است. استفاده از تنها چهار مورد از هفت نوع پرداخت بودجه‌ای رایج کشورهای مختلف جهان، در ایران[۱] بیانگر تنوع اندک سیاست‌های حمایتی در ایران در مقایسه با بسیاری از کشورها، به ویژه کشورهای عضو سازمان توسعه و همکاری‌های اقتصادی است. این پرداخت‌ها کمتر به شکل پرداخت مستقیم یارانه بوده و به طور معمول به شکل سیاست‌های قیمتی و توزیع نهادهٔ ارزان‌قیمت است. از این رو بخش عمدهٔ حمایت بودجه‌ای از تولیدکنندگان ایرانی را حمایت‌های قیمتی در بازار نهاده در برمی‌گیرد که نرخ ارز در آن نقش چشمگیری دارد. یارانهٔ پرداختی به نهاده‌های کود شیمیایی و علف‌کش براساس تفاوت قیمت داخلی و خارجی، مقدار مصرف نهاده برای محصول دیم و آبی و سطح زیرکشت با رابطهٔ زیر محاسبه می‌شود:

$$(p_w - p_d)\times Q\times A$$

که در آن p_d و p_w به ترتیب قیمت داخلی و قیمت خارجی تعدیل‌شده با نرخ ارز حقیقی یا تعادلی با افزودن هزینهٔ حمل و نقل نهاده‌ها، Q مقدار مصرف نهاده در هکتار بر حسب کیلوگرم و A سطح زیرکشت بر حسب هکتار است. یارانهٔ انرژی نیز براساس رابطهٔ بالا محاسبه می‌شود، با این تفاوت که به جز انرژی مصرفی برای ماشین‌آلات، باید مقدار مصرف انرژی فسیلی(نفت گاز) و برق مورد نیاز استحصال آب زیرزمینی محاسبه شود که با توجه به کمبود اطلاعات در دسترس، فرایند

---

[۱] - همان‌طور که در فصل سوم اشاره شد، پرداخت‌های بودجه‌ای در کشورهای OECD، دست‌کم شامل هفت مورد پرداخت‌های براساس مقدار محصول، سطح زیر کشت یا تعداد دام، سابقهٔ مشارکت در برنامه‌های کشاورزی، استفاده از نهاده‌های یارانه‌ای و درآمد کلی کشاورزان، پرداخت‌های به منظور محدود کردن استفاده از نهاده‌های خاص و دیگر پرداخت‌هاست.

پیچیده‌ای برای محاسبهٔ آن دنبال شد. تسهیلات اعطایی بانک‌ها نیز تا پیش از سال ۱۳۸۴ و یکسان‌سازی نرخ سود تسهیلات بخش‌های مختلف اقتصاد، به صورت تسهیلات ارزان‌قیمت به کشاورزان پرداخت می‌شد که در محاسبات از تفاوت نرخ سود بخش کشاورزی و میانگین وزنی نرخ سود دیگر بخش‌های اقتصادی استفاده شده است.

نتایج محاسبهٔ این پرداخت‌ها با توجه به آنچه در بخش‌های قبل بیان شد، در جدول (۳-۴-۳-۵) آمده است. براساس آن، حمایت‌های بودجه‌ای در قیمت‌های ثابت سال ۱۳۸۴ از ۶۴۹ میلیارد ریال در دورهٔ جنگ، به ۱۴۴۹ میلیارد ریال در برنامهٔ سوم توسعه افزایش پیدا کرد. حمایت از نهاده‌های انواع کود و سموم شیمیایی و انرژی با بیشترین سهم در حمایت‌های بودجه‌ای تقریباً همهٔ آن را شامل شده است. بنابراین، به طور میانگین این حمایت‌ها در همهٔ برنامه‌ها بخش عمدهٔ پرداخت‌های بودجه‌ای را دربرگرفته است که تفاوت قیمت داخلی و خارجی کود و سموم شمیایی و انرژی و افزایش استفاده از آب‌های زیرزمینی و توسعهٔ ماشین‌آلات از دلایل آن است. از آنجا که باغ‌های پسته بیشتر در نواحی کویری پراکنده است، براساس نظر کارشناسان و پژوهش‌ها، در دههٔ ۱۳۸۰ بیش از ۹۰ درصد آب مورد نیاز این محصول از آب‌های زیرزمینی تأمین شده است که با توجه به پایین رفتن سطح این آب‌ها در اثر برداشت بیش از توان ذخیرهٔ سفره‌های آب زیرزمینی و انحراف قیمت شدید انرژی در ایران، انرژی مورد نیاز استحصال آب، سهم زیادی در هزینهٔ تولید این محصول دارد.

جدول ۳-۴-۳-۵) حمایت بودجه‌ای از تولیدکنندگان پسته در نرخ حقیقی ارز (میلیارد ریال- ثابت سال ۱۳۸۴)

برنامه های توسعه	سال	نهاده های کود و سم	انرژی	بیمه	تسهیلات بانکی	کل حمایت بودجه ای	سهم نهاده های کود و سم(٪)	سهم انرژی(٪)
دورهٔ جنگی	۱۳۶۰	۲۷۶/۷۲	۹۲/۲۷	۰/۰۰	۱/۷۶	۳۷۰/۷۶	۷۴/۶۴	۲۴/۸۹
	۱۳۶۱	۳۰۳/۲۲	۸۳/۷۳	۰/۰۰	۱/۲۳	۳۸۹/۴۰	۷۷/۸۷	۲۱/۵۰
	۱۳۶۲	۴۵۸/۴۸	۹۹/۵۴	۰/۰۰	۱/۵۵	۵۶۱/۱۲	۸۱/۷۱	۱۷/۷۴
	۱۳۶۳	۶۴۷/۳۱	۱۱۳/۹۴	۰/۰۰	۳/۵۵	۷۶۸/۳۶	۸۴/۲۵	۱۴/۸۳
	۱۳۶۴	۵۴۰/۶۱	۱۲۴/۵۹	۰/۰۰	۴/۳۹	۶۷۳/۹۷	۸۰/۲۱	۱۸/۴۹
	۱۳۶۵	۷۴۳/۲۹	۱۵۶/۲۹	۰/۰۰	۳/۳۶	۹۰۶/۳۰	۸۲/۰۱	۱۷/۲۵
	۱۳۶۶	۵۴۱/۳۸	۱۹۴/۱۹	۰/۰۰	۳/۲۹	۷۴۲/۱۳	۷۲/۹۵	۲۶/۱۷
	۱۳۶۷	۶۰۵/۴۶	۱۷۵/۰۳	۰/۰۰	۳/۱۱	۷۸۶/۷۲	۷۶/۹۶	۲۲/۲۵
	میانگین	۵۱۴/۵۶	۱۲۹/۹۵	۰/۰۰	۲/۷۸	۶۴۹/۸۴	۷۸/۸۲	۲۰/۳۹
برنامهٔ اول توسعهٔ اقتصادی و اجتماعی	۱۳۶۸	۳۳۸/۷۵	۲۰۳/۲۴	۰/۰۰	۳/۳۳	۵۴۸/۶۵	۶۱/۷۴	۳۷/۰۴
	۱۳۶۹	۹۷۷/۷۱	۳۴۶/۹۳	۰/۰۰	۸/۲۲	۱۳۴۱/۰۸	۷۲/۹۰	۲۵/۸۷
	۱۳۷۰	۸۸۲/۵۲	۲۵۲/۱۲	۰/۰۰	۱۱/۳۴	۱۱۵۷/۳۳	۷۶/۲۶	۲۱/۷۹
	۱۳۷۱	۸۸۷/۶۶	۲۲۰/۷۵	۰/۰۰	۸/۵۳	۱۱۲۵/۴۸	۷۸/۸۷	۱۹/۶۱
	۱۳۷۲	۸۸۷/۲۲	۲۲۲/۰۱	۰/۰۰	۵/۵۵	۱۱۲۰/۳۳	۷۹/۱۹	۱۹/۸۲
	۱۳۷۳	۶۷۷/۸۸	۲۸۹/۹۲	۰/۰۰	۶/۰۷	۹۷۹/۹۳	۶۹/۱۸	۲۹/۵۹
	میانگین	۷۷۵/۲۹	۲۵۵/۸۳	۰/۰۰	۷/۱۷	۱۰۴۵/۴۷	۷۳/۰۲	۲۵/۶۲
برنامهٔ دوم توسعهٔ اقتصادی و اجتماعی	۱۳۷۴	۷۲۲/۲۴	۳۱۷/۳۳	۰/۰۰	۵/۳۲	۱۰۵۰/۲۲	۶۸/۷۷	۳۰/۲۲
	۱۳۷۵	۳۲۱/۶۷	۳۳۱/۹۷	۰/۰۰	۶/۴۸	۶۶۶/۶۰	۴۸/۲۶	۴۹/۸۰
	۱۳۷۶	۱۸۷/۵۳	۲۸۶/۶۳	۰/۰۰	۷/۹۰	۴۸۹/۹۶	۳۸/۲۷	۵۸/۵۰
	۱۳۷۷	۵۹۹/۹۲	۲۶۲/۹۴	۰/۰۰	۸/۳۵	۸۷۹/۵۷	۶۸/۲۱	۲۹/۸۹
	۱۳۷۸	۹۹۱/۳۸	۴۷۰/۰۸	۰/۰۰	۱۰/۱۰	۱۴۸۱/۶۶	۶۶/۹۱	۳۱/۷۳
	میانگین	۵۶۴/۵۵	۳۳۳/۷۹	۰/۰۰	۷/۶۳	۹۱۳/۶۰	۵۸/۰۸	۴۰/۰۳
برنامهٔ سوم توسعهٔ اقتصادی و اجتماعی	۱۳۷۹	۱۲۸۹/۸۹	۵۱۷/۷۸	۰/۰۰	۱۶/۱۵	۱۸۳۹/۹۷	۷۰/۱۰	۲۸/۱۴
	۱۳۸۰	۱۰۰۳/۲۸	۳۵۳/۷۵	۰/۲۹	۱۵/۸۰	۱۳۸۸/۹۴	۷۲/۲۳	۲۵/۴۷
	۱۳۸۱	۹۷۵/۵۲	۴۱۳/۴۴	۱۶/۲۴	۱۶/۰۳	۱۴۳۷/۲۶	۶۷/۸۷	۲۸/۷۷
	۱۳۸۲	۷۶۳/۰۷	۴۵۰/۷۰	۱۲/۹۴	۱۸/۶۸	۱۲۶۴/۰۷	۶۰/۳۷	۳۵/۶۵
	۱۳۸۳	۶۵۳/۹۸	۵۳۲/۶۲	۹۷/۹۲	۱۷/۴۲	۱۳۱۹/۳۶	۴۹/۵۷	۴۰/۳۷
	میانگین	۹۳۷/۱۵	۴۵۳/۶۶	۲۵/۴۸	۱۶/۸۲	۱۴۴۹/۹۲	۶۴/۰۳	۳۱/۶۸
برنامهٔ چهارم توسعهٔ اقتصادی و اجتماعی	۱۳۸۴	۳۲۷/۹۷	۶۵۹/۱۹	۸۰/۱۰	۰/۰۰	۱۰۶۷/۲۶	۳۰/۷۳	۶۱/۷۶
	۱۳۸۵	۴۰۹/۹۰	۶۳۵/۴۸	۱۴۱/۸۱	۰/۰۰	۱۱۸۷/۱۹	۳۴/۵۳	۵۳/۵۳
	۱۳۸۶	۳۸۰/۰۲	۶۶۹/۲۰	۱۲۰/۶۴	۰/۰۰	۱۱۶۹/۸۷	۳۲/۴۸	۵۷/۲۰
	۱۳۸۷	۲۶۲/۲۲	۳۹۷/۹۵	۵۴/۶۱	۰/۰۰	۷۱۴/۷۷	۳۶/۶۹	۵۵/۶۷
	۱۳۸۸	۳۳۹/۲۲	۳۶۱/۷۲	۹۴/۹۱	۰/۰۰	۷۹۵/۸۴	۴۲/۶۲	۴۵/۴۵
	۱۳۸۹	۳۶۶/۷۷	۴۰۲/۱۴	۷۷/۸۴	۰/۰۰	۸۴۶/۷۵	۴۳/۳۲	۴۷/۴۹
	میانگین	۳۴۷/۶۸	۵۲۰/۹۵	۹۴/۹۸	۰/۰۰	۹۶۳/۶۱	۳۶/۷۳	۵۳/۵۲
پیش بینی برنامهٔ پنجم توسعهٔ اقتصادی و اجتماعی	۱۳۹۰	۶۵۷/۴۹	۴۰۱/۳۸	۵۹/۹۶	۰/۰۰	۱۱۱۸/۸۲	۵۸/۷۷	۳۵/۸۷
	۱۳۹۱	۸۶۶/۲۰	۵۱۲/۰۴	۵۲/۴۵	۰/۰۰	۱۴۳۰/۶۹	۶۰/۵۴	۳۵/۷۹
	۱۳۹۲	۹۱۶/۴۹	۵۳۸/۵۵	۴۶/۳۹	۰/۰۰	۱۵۰۱/۴۴	۶۱/۰۴	۳۵/۸۷
	۱۳۹۳	۹۷۹/۰۵	۵۶۸/۰۵	۴۴/۹۸	۰/۰۰	۱۵۹۲/۰۸	۶۱/۴۹	۳۵/۶۸
	۱۳۹۴	۱۱۴۱/۹۷	۶۵۰/۹۱	۳۹/۵۴	۰/۰۰	۱۸۳۲/۴۲	۶۲/۳۲	۳۵/۵۲
	میانگین	۹۱۲/۲۴	۵۳۴/۱۹	۴۸/۶۷	۰/۰۰	۱۴۹۵/۰۹	۶۰/۸۳	۳۵/۷۵

منبع: یافته‌های پژوهش

حمایت به شکل تسهیلات بانکی در برنامهٔ سوم توسعه بیش از دو برابر برنامه‌های اول و دوم بود و از برنامهٔ دوم روند افزایشی پیدا کرد. این حمایت‌ها در دورهٔ جنگ و برنامهٔ اول با نوسان همراه بود. همچنین از سال ۱۳۸۴، با اجرای یکسان‌سازی نرخ سود در بخش‌های اقتصادی، در حقیقت حمایت از بخش کشاورزی در برابر بخش‌های دیگر اقتصاد از راه پرداخت تسهیلات بانکی متوقف شد. پرداخت یارانهٔ بیمهٔ محصول پسته در ایران تجربهٔ کوتاه‌مدتی است و از سال ۱۳۸۰، با نوسان زیادی روبه‌رو بوده است، اما میانگین آن پس از سه سال اول پرداخت تاکنون(۱۳۸۹-۱۳۸۳)، حدود ۹۵/۴ میلیارد ریال به قیمت ثابت سال ۱۳۸۴ بوده است.

نمودار ۲-۴-۳-۵) نمودار روند پرداخت‌های بودجه‌ای دولت‌ها طی برنامه‌های مختلف توسعه

همان‌طور که در نمودار (۲-۴-۳-۵) مشاهده می‌شود، بررسی پرداخت‌های بودجه‌ای در قیمت‌های ثابت سال ۱۳۸۴ در سه دوره امکان‌پذیر است. در دورهٔ جنگ به دلیل کمتر بودن سطح زیرکشت و بیش‌ارزش‌گذاری پول ملی، پرداخت‌های بودجه‌ای کم و پس از آن با افزایش تولید و اجرای سیاست‌های آزادسازی افزایش

چشمگیری پیدا کرد، اما تا سال ۱۳۷۶ روند کاهشی داشت. با اجرای طرح توسعه و به‌سازی باغ‌های پسته در سال‌های ۷۹-۱۳۷۷ به دلیل توجه به ارزش صادراتی این محصول همزمان با کاهش قیمت نفت، حمایت‌های بودجه‌ای از پسته با جهش دیگری همراه شد. پرداخت‌های بودجه‌ای در دهۀ ۱۳۸۰ با وجود انحراف زیاد قیمت انرژی و کاهش ارزش پول ملی روند کاهشی و نوسانی داشت. نوسان مشاهده‌شده در هر سه دوره، برآمده از سال‌آوری پسته و تغییرات تولید است، زیرا ارزش حمایت‌های بودجه‌ای به مصرف نهاده وابسته است.

پس از بررسی اجزای حمایت از تولیدکننده، یعنی حمایت قیمتی و پرداخت‌های بودجه‌ای در جدول (۴-۴-۳-۵) نتایج محاسبۀ شاخص‌های حمایت از تولیدکننده آمده است. در این جدول نیز مانند جدول (۲-۴-۳-۵) انحراف نرخ ارز حقیقی از تعادلی در کنار شاخص‌های حمایت از تولیدکنندگان (PSE) در برنامه‌های توسعۀ ایران بررسی می‌شود. میانگین انحراف نرخ ارز در دورۀ جنگ و برنامه‌های دوم و سوم توسعه مثبت بوده و بیش‌برآورد ارزش حقیقی ریال نسبت به ارزش تعادلی آن را نشان می‌دهد.

در این پژوهش برای بررسی اثر سیاست‌های ارزی و انحراف نرخ ارز بر مقادیر شاخص‌های حمایت از تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان (٪PSE، ٪MPS و ٪CSE)، آثار مستقیم، کل و غیرمستقیم محاسبه می‌شود. همان‌طور که در بخش‌های پیش بیان شد، اثر مستقیم بیانگر وضعیت موجود حمایت از تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان پسته بر اثر سیاست‌های در حال اجرای بخش کشاورزی و ارزی است. اثر کل، حمایت از آنان را در شرایط اعمال نرخ ارز تعادلی برآمده از متغیرهای کلان اقتصادی در بلندمدت نشان می‌دهد. اثرغیرمستقیم حمایت از تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان را در دو نظام ارزی حقیقی و تعادلی مقایسه می‌کند و نشان‌دهندۀ

اثر سیاست‌های ارزی در چگونگی رقابت‌پذیری بلندمدت پسته نسبت به رقبای جهانی است. اگر این شاخص مثبت باشد به این معنی است که سیاست‌های ارزی رقابت‌پذیری بلندمدت پسته‌کاران ایرانی را افزایش داده است و برعکس.

شاخص برآورد حمایت از تولیدکننده (PSE) که مجموع حمایت از قیمت بازاری(MPS) و حمایت‌های بودجه‌ای(BP) را نشان می‌دهد، بیانگر آن است که سیاست‌های بخشی و ارزی در فاصلهٔ زمانی اجرای سیاست‌های آزادسازی سال ۱۳۷۱ تا سال ۱۳۸۴ زیان کمتری به کشاورزان تحمیل کرده و در سه سال حمایت‌کنندهٔ آنان بوده است، به طوری که اثر این حمایت در ثبات سهم صادرات ایران در بازار جهانی، در بیشتر سال‌ها با وجود ورود رقبای جدید و خشکسالی در این دوره مشاهده می‌شود. با وجود این، حمایت از تولیدکنندگان پسته در سال پایانی برنامهٔ چهارم توسعه به دلیل افزایش قیمت داخلی پسته، بیشترین مقدار را داشته است و کشاورزان فعال در بازار داخلی، در پی اجرای سیاست‌های بخشی و ارزی ۴۱۴۱ میلیارد ریال به قیمت‌های ثابت سال ۱۳۸۴ بیشتر از فعالیت در بازار جهانی و رقبای خارجی دریافت کرده‌اند. مقایسهٔ نتایج جدول‌های (۴-۴-۳-۵)، (۳-۴-۳-۵) و (۲-۴-۳-۵) نشان می‌دهد با نبود حمایت قیمتی از کشاورزان در بیشتر سال‌ها، سهم حمایت‌های قیمتی در کل حمایت از تولیدکننده بیشتر از حمایت‌های بودجه‌ای بوده و دخالت دولت در بازار محصول، از راه سیاست‌های ارزی و جهت‌دهی به قیمت داخلی، بیشتر از پرداخت‌های بودجه‌ای در حمایت از پسته‌کاران نقش داشته است و آنان را با زیان روبه‌رو کرده است. اثر منفی سیاست‌های قیمتی با خنثی کردن اثر حمایتی سیاست‌های بودجه‌ای موجب کاهش رقابت‌پذیری تولیدکنندگان می‌شود. شایان ذکر است در سال‌هایی که حمایت کل از تولیدکنندگان مثبت بوده است، پرداخت‌های بودجه‌ای اثرگذاری بیشتری داشته‌اند که اهمیت آنها را در سیاست‌گذاری آشکار می‌کند.

در جدول (۴-۴-۳-۵) شاخص حمایت از تولیدکنندگان براساس نرخ ارز تعادلی(اثرکل) روندی مشابه اثرمستقیم داشته است که تنها در پنج سال حمایت‌کنندهٔ کشاورزان بوده است. در برنامهٔ اول به دلیل کم‌برآورد ارزش تعادلی ریال و رشد تولید، حمایت از کشاورزان به کمترین حد رسید و در برنامهٔ سوم در پی اجرای سیاست‌های بخشی از جمله توسعه و به‌سازی باغ‌های پسته در سال ۱۳۷۸ و سیاست‌های ارزی کشاورزان بیشترین حمایت را دریافت کردند. باوجود این، میانگین حمایت برنامهٔ سوم نیز مانند برنامه‌های دیگر منفی بود. نوسان حمایت‌ها در برنامه‌های توسعه، ریسک مازادی را بر ریسک عوامل طبیعی کشاورزان می‌افزاید و از رقابت‌پذیری آنان می‌کاهد.

همان‌طور که بیان شد، در ارزیابی سیاست‌های حمایتی از تولیدکنندگان، شاخص حمایت درصدی از تولیدکننده (PSE٪) مهم‌تر از شاخص برآورد حمایت از تولیدکننده (PSE) است، زیرا مقایسهٔ بهتری از حمایت را در طول زمان، بین کشورها و همچنین کالاهای مختلف، امکان‌پذیر می‌سازد. نتایج محاسبهٔ این شاخص در جدول (۴-۴-۳-۵) مشاهده می‌شود. میانگین ۵۷- درصد شاخص PSE٪ که با رهیافت تجارت‌محور و نرخ حقیقی ارز برای دورهٔ جنگ محاسبه شده است، نشان می‌دهد مقدار دریافتی تولیدکننده ۵۷ درصد از آنچه می‌توانست با فروش محصولش با قیمت جهانی به دست آورد، کمتر بوده است. به بیان دیگر، سیاست‌های حمایتی در این دوره موجب شده است تولیدکننده ۵۷٪ از درآمدی را که در شرایط بدون چنین سیاست‌هایی می‌توانست به دست آورد به شکل نوعی مالیات پنهان از دست بدهد. میانگین این شاخص با نرخ ارز حقیقی در برنامهٔ سوم توسعه ۳/۸- درصد برآورد شده است؛ یعنی باغداران در طول این برنامه به اندازهٔ ۳/۸ درصد از درآمدی که در صورت فروش محصول با قیمت جهانی به دست می‌آورند، زیان پرداخته‌اند. در این برنامه سیاست‌های حمایتی موجب حمایت منفی از تولیدکننده شده و دریافتی

او را نسبت به بازار جهانی کاهش داده است که ادامهٔ آن به کاهش توان رقابتی تولیدکنندگان، تولید و در نتیجه تضعیف تراز تجاری بخش کشاورزی می‌انجامد. در دورهٔ جنگ به علت اجرای سیاست‌های تثبیتی، قیمت داخلی با ثبات همراه بود و کشاورزان ناگزیر از پرداخت مالیات پنهان زیادی بودند؛ افزایش قیمت داخلی در سال‌های پایانی برنامهٔ دوم و سوم، حمایت از پسته‌کاران را افزایش داد. اما بیشترین مقدار اثر مستقیم و تأثیر سیاست‌های بخشی در حمایت از تولیدکنندگان پسته به دلیل کاهش قیمت جهانی، در سال ۱۳۸۸ بود. به طوری که کشاورزان حدود یک سوم از درآمد خود در شرایط رقابت در بازار جهانی را به شکل حمایت دریافت کردند، اما روند کاهشی آن در برنامهٔ پنجم و تغییرات حمایت‌ها در دورهٔ‌های مختلف نشان‌دهندهٔ بی‌ثباتی اجرای سیاست‌های حمایتی است که همواره عاملی منفی در برنامه‌ریزی باغداران به‌شمار می‌رود.

میانگین اثر کل که مجموع اثر سیاست‌های بخشی و کلان اقتصادی (سیاست‌های ارزی) در حمایت از تولیدکنندگان پسته را نشان می‌دهد، در همهٔ دوره‌ها منفی ارزیابی شده است و مانند اثر مستقیم روند پرنوسانی داشته است. به طوری که در برنامه‌های دوم تا چهارم به ترتیب ۱۸، ۱/۱ و ۲۴ درصد از کشاورزان نسبت به رقبای خارجی مالیات پنهان دریافت شده است. از آنجا که پسته مهم‌ترین محصول صادراتی غیرنفتی ایران است، سیاست‌های ارزی بر انگیزهٔ تولیدی و صادراتی تولیدکنندگان آن تأثیر مستقیم دارد. از این رو، چنان‌که مشاهده می‌شود، کم‌برآورد ارزش ریال در برنامهٔ چهارم توسعه، پرداخت مالیات پنهان زیادی را بر کشاورزان تحمیل کرده است که ادامهٔ این روند به تولیدکنندگان پسته آسیب می‌رساند و موقعیت ایران را در بازارهای جهانی تضعیف می‌کند.

جدول ۴-۴-۳-۵ شاخص‌های حمایت از تولیدکنندگان پسته

برنامه های توسعه	درصد انحراف نرخ ارز	سال	ارزش اثرمستقیم به قیمت ثابت سال ۱۳۸۴ (میلیارد ریال)	ارزش اثر کل به قیمت ثابت سال ۱۳۸۴ (میلیارد ریال)	%PSE اثر مستقیم	%PSE اثر غیرمستقیم	%PSE اثر کل
دورهٔ جنگ	۲۶/۸۱	۱۳۶۰	-۶۶۸۱	-۴۶۳۹	-۶۳/۷۷	۷/۶۰	-۵۶/۱۷
	۳۸/۹۰	۱۳۶۱	-۵۸۸۹	-۳۵۲۵	-۶۴/۶۰	۱۰/۸۷	-۵۳/۷۳
	۳۸/۶۷	۱۳۶۲	-۸۸۹۷	-۵۵۱۸	-۶۸/۴۵	۹/۵۶	-۵۸/۸۸
	۴۷/۶۸	۱۳۶۳	-۸۸۵۰	-۵۱۵۶	-۷۰/۸۱	۹/۸۶	-۶۰/۹۵
	-۱۳/۱۶	۱۳۶۴	-۵۷۰۸	-۷۲۳۲	-۵۷/۶۷	-۵/۷۸	-۶۳/۴۵
	-۲/۷۱	۱۳۶۵	-۵۱۵۸	-۵۵۴۴	-۵۴/۹۲	-۲/۵۱	-۵۷/۴۳
	۷۵/۷۲	۱۳۶۶	-۲۷۳۸	۱۴۴۰	-۲۵/۶۱	۴۹/۲۹	۲۳/۶۹
	۸۹/۸۷	۱۳۶۷	-۵۲۴۱	-۹۰۰	-۵۱/۶۴	۳۴/۷۸	-۱۶/۸۶
	۳۷/۷۲	میانگین	-۶۱۴۵	-۳۸۸۴	-۵۷/۱۸	۱۴/۲۱	-۴۲/۹۷
برنامهٔ اول توسعهٔ اقتصادی و اجتماعی	۵۰/۶۲	۱۳۶۸	-۵۰۹۷	-۱۶۸۹	-۴۶/۰۲	۲۳/۰۴	-۲۲/۹۸
	-۴/۳۰	۱۳۶۹	-۸۱۳۴	-۹۰۶۲	-۵۶/۴۳	-۳/۷۳	-۶۰/۱۶
	-۱۰/۸۴	۱۳۷۰	-۴۰۲۴	-۵۷۶۴	-۳۰/۲۴	-۸/۳۷	-۳۸/۶۱
	-۴۷/۰۳	۱۳۷۱	-۱۰۵۳	-۱۱۱۵۲	-۸/۷۲	-۴۰/۱۴	-۴۸/۸۶
	-۵۱/۴۱	۱۳۷۲	-۳۱۹۳	-۱۷۳۲۶	-۲۲/۵۱	-۳۶/۷۷	-۵۹/۲۸
	-۴۱/۲۹	۱۳۷۳	-۳۳۵۳	-۱۱۹۶۱	-۲۶/۲۸	-۲۸/۷۰	-۵۴/۹۸
	-۱۷/۳۸	میانگین	-۴۱۴۲	-۹۴۹۲	-۳۱/۷۰	-۱۵/۷۸	-۴۷/۴۸
برنامهٔ دوم توسعهٔ اقتصادی و اجتماعی	-۳۱/۹۷	۱۳۷۴	-۳۱۹۳	-۱۰۱۳۲	-۲۱/۱۵	-۲۴/۴۹	-۴۵/۶۴
	-۱۶/۱۸	۱۳۷۵	-۳۷۰۱	-۶۶۷۸	-۲۵/۶۵	-۱۳/۱۳	-۳۸/۷۸
	-۰/۸۹	۱۳۷۶	-۳۴۳۹	-۳۸۲۸	-۲۱/۵۸	-۲/۲۲	-۲۳/۸۰
	۳۳/۱۵	۱۳۷۷	-۲۳۶۷	-۹۳۸	-۳۱/۶۹	۱۴/۹۶	-۱۶/۷۲
	۲۹/۱۰	۱۳۷۸	۹۰۰	۴۲۷۹	۵/۰۰	۲۵/۶۹	۳۰/۶۹
	۲/۶۴	میانگین	-۲۳۶۰	-۳۴۵۹	-۱۹/۰۱	۰/۱۶	-۱۸/۸۵
برنامهٔ سوم توسعهٔ اقتصادی و اجتماعی	۱۶/۹۶	۱۳۷۹	۸۴۱	۹۵۳	۱۵/۴۶	۵/۰۵	۲۰/۵۱
	۱۶/۵۴	۱۳۸۰	۵۴۴	۱۵۸۲	۵/۱۲	۱۲/۲۴	۱۷/۳۶
	۱۲/۹۹	۱۳۸۱	-۱۶۹۷	-۱۰۵۶	-۱۷/۴۸	۵/۱۹	-۱۲/۳۰
	۳/۸۵	۱۳۸۲	-۳۵۴۰	-۳۴۹۱	-۲۹/۱۱	-۰/۷۱	-۲۹/۸۲
	-۲/۷۹	۱۳۸۳	۴۹۸	-۱۱۸	۶/۸۰	-۸/۳۷	-۱/۵۷
	۹/۵۱	میانگین	-۶۷۱	-۴۲۶	-۳/۸۴	۲/۶۸	-۱/۱۶
برنامهٔ چهارم توسعهٔ اقتصادی و اجتماعی	-۶/۱۸	۱۳۸۴	-۲۳۳۱	-۳۵۶۳	-۲۱/۴۰	-۹/۲۸	-۳۰/۶۸
	-۱۰/۷۰	۱۳۸۵	-۴۸۱۵	-۶۸۰۳	-۳۷/۶۰	-۹/۸۳	-۴۷/۴۳
	-۱۳/۰۹	۱۳۸۶	-۳۸۴۵	-۶۴۱۳	-۲۷/۶۲	-۱۲/۴۰	-۴۰/۰۲
	-۷/۷۴	۱۳۸۷	-۴۷۳۰	-۶۴۵۳	-۲۷/۵۶	-۷/۱۲	-۳۴/۶۸
	-۳/۳۲	۱۳۸۸	۴۱۴۱	۳۴۴۰	۳۳/۸۸	-۶/۶۷	۲۷/۲۱
	-۱۷/۴۵	۱۳۸۹	-۲۳۱	-۳۸۴۷	-۱/۴۳	-۱۸/۲۵	-۱۹/۶۸
	-۹/۷۵	میانگین	-۱۹۶۹	-۳۹۴۰	-۱۳/۶۲	-۱۰/۵۹	-۲۴/۲۱
پیش نویس برنامهٔ پنجم توسعهٔ اقتصادی و اجتماعی	-۱۹/۲۲	۱۳۹۰	۷۸۶	-۱۸۹۳	۷/۴۶	-۲۱/۹۵	-۱۴/۴۹
	-۲۱/۱۴	۱۳۹۱	-۲۵۳۵	-۶۶۶۴	-۱۷/۲۵	-۱۸/۴۹	-۳۵/۷۴
	-۲۳/۰۷	۱۳۹۲	-۳۵۵۰	-۸۶۳۷	-۲۱/۶۴	-۱۸/۸۴	-۴۰/۴۸
	-۲۴/۹۸	۱۳۹۳	-۴۶۲۳	-۱۰۷۵۰	-۲۵/۷۰	-۱۹/۱۱	-۴۴/۸۱
	-۲۲/۰۹	۱۳۹۴	-۶۵۹۷	-۱۲۴۹۴	-۳۲/۸۸	-۱۵/۶۲	-۴۸/۵۰
	-۲۲/۱۰	میانگین	-۳۳۰۴	-۸۰۸۸	-۱۸/۰۰	-۱۸/۸۰	-۳۶/۸۰

منبع: یافته‌های پژوهش

میانگین اثر غیرمستقیم PSE٪ که نشان‌دهندهٔ اثر سیاست‌های ارزی بر مقدار حمایت از تولیدکنندگان پسته است، تنها در برنامه‌های اول و چهارم توسعه منفی بوده است. در این دو دوره، کم‌برآورد ارزش ریال، به طور متوسط موجب تحمیل مالیات پنهان بر تولیدکنندگان شده است. در دورهٔ جنگ و در برنامه‌های دوم و سوم توسعه، سیاست‌های ارزی و بخشی خلاف جهت یکدیگر بوده‌اند، به‌طوری که مقادیر مثبت اثر غیرمستقیم در آنها موجب کاهش اثر منفی سیاست‌های ویژهٔ بخش کشاورزی در حمایت از تولیدکنندگان شده است. در دو برنامهٔ دیگر، سیاست‌های ارزی و بخشی همسو بوده است، اما برنامه‌های اول و چهارم، اثر منفی سیاست‌های ارزی، حمایت‌های منفی از محصول پسته را تقویت کرده است که به زیان تولیدکنندگان بوده است. دربارهٔ PSE٪، مقادیر مطلق اثرمستقیم در بیشتر سال‌های دورهٔ بررسی‌شده (۱۳۸۹-۱۳۶۰) بیشتر از اثر غیرمستقیم بوده است. به بیان دیگر، در مجموع کل حمایت از تولیدکنندگان پسته بر حسب علامت شاخص، سیاست‌های ارزی تقویت یا تضعیف‌کنندهٔ سیاست‌های بخشی بوده است. به عبارت دیگر، نقش سیاست‌های بخشی در اندازهٔ اثر کل، بیشتر از سیاست‌های ارزی است. شایان ذکر است در سال‌های ۱۳۷۴-۱۳۷۱ نقش سیاست‌های ارزی پررنگ‌تر بوده و نشان می‌دهد کم‌ارزش‌گذاری پول ملی با وجود حمایت منفی، در شاخص حمایت از کشاورزان تأثیر بیشتری داشت. همچنین در سال‌هایی که کشاورزان در پی اجرای سیاست‌های بخشی و ارزی حمایت دریافت کرده‌اند (سال‌های ۱۳۶۶، ۱۳۷۸، ۱۳۸۳،۱۳۸۰ و ۱۳۹۰) نقش سیاست‌های ارزی بیشتر بوده است که اهمیت توجه به سیاست‌های ارزی را در سیاست‌گذاری آشکار می‌کند.

۳-۴-۳-۵ بررسی مقادیر حمایت از مصرف‌کنندگان پسته طی برنامه‌های توسعه

در محاسبهٔ شاخص حمایت از مصرف‌کنندگان از انتقال‌های قیمتی از مصرف‌کنندگان به تولیدکنندگان، مالیات‌دهندگان به مصرف‌کنندگان و دیگر انتقال‌ها به مصرف‌کنندگان استفاده می‌شود که در محاسبهٔ این شاخص برای محصول پسته، از آنجا که پرداخت مستقیمی به مصرف‌کنندگان از راه بودجهٔ سالانهٔ دولت(مالیات‌دهندگان) انجام نمی‌پذیرد، تنها انتقال از مصرف‌کنندگان به تولیدکنندگان و واردکنندگان به مصرف‌کنندگان در پی تفاوت قیمت داخلی و صادراتی، در محاسبه به کار گرفته شده است. از این رو، براساس روابط فصل سوم در مورد محاسبهٔ CSE، مقدار شاخص درصدی آن برابر با شاخص درصد حمایت از قیمت بازاری تولیدکنندگان و علامت آن قرینهٔ MPS٪ است که نشان‌دهندهٔ حمایت بازاری از مصرف‌کنندگان است. در جدول (۶-۴-۳-۵) مقادیر شاخص حمایت از مصرف‌کنندگان پسته (CSE) طی دورهٔ مورد بررسی (۸۹-۱۳۶۰) گزارش شده است.

همان‌طور که پیش از این مشاهده شد، انحراف نرخ ارز تا سال ۱۳۶۸ به جز دو سال مثبت بود و پس از آن با اجرای سیاست‌های آزادسازی تا سال ۱۳۷۶ نرخ واقعی ریال کمتر از نرخ تعادلی آن برآورد شد. از این سال با بیش‌برآورد ارزش ریال، انحراف نرخ ارز روند کاهشی پیدا کرد و در سال ۱۳۸۳ با کاهش چشمگیر ارزش تعادلی پول ملی نسبت ارزش حقیقی آن، انحراف نرخ ارز منفی شد. همچنین پیش‌بینی می‌شود روند کم‌برآورد ارزش حقیقی ریال در برنامهٔ پنجم توسعه نیز ادامه پیدا کند.

بررسی ارزش حمایت مستقیم از مصرف‌کنندگان پسته برحسب قیمت‌های ثابت سال ۱۳۸۴، بیانگر آن است که حمایت از مصرف‌کنندگان در سال ۱۳۷۷ با افزایش

قیمت داخلی در پی خشکسالی کاهش چشمگیری پیدا کرد. اما از سال ۱۳۸۱ با اجرای سیاست تک‌نرخی شدن ارز، روند حمایت از مصرف‌کنندگان، با وجود نوسان، افزایشی شد. به طوری که آنان در برنامهٔ چهارم به طور میانگین ۱۱۸۲ میلیارد ریال به قیمت ثابت سال ۱۳۸۴ کمتر از مصرف‌کنندگان جهانی پرداخت کردند. از آنجا که ایران مهم‌ترین تولیدکنندهٔ پسته در جهان و دارای مزیت نسبی در تولید است، حمایت از مصرف‌کنندگان در سه دهه به دلیل کمتر بودن هزینهٔ تولید و قیمت داخلی است. تنها در سال ۱۳۸۸ با کاهش قیمت جهانی مصرف‌کنندگان پسته ناگزیر از پرداخت ۲۷۷۵ میلیارد ریال به قیمت ثابت سال ۱۳۸۴ مالیات پنهان شده‌اند.

حمایت از مصرف‌کنندگان پسته برحسب نرخ ارز تعادلی نیز روندی مشابه داشته و تنها در چهار سال، مقدار آن منفی بوده است. در سال‌های ۱۳۶۶، ۱۳۷۸، ۱۳۸۰ و ۱۳۸۸ به دلیل بیش‌برآورد ارزش ریال در سه سال نخست و افزایش قیمت داخلی مصرف‌کنندگان پستهٔ داخلی نسبت به مصرف‌کنندگان بازار جهانی، حمایت شدند. در برنامهٔ سوم با اجرای همزمان سیاست‌های ارزی و بخشی، مصرف‌کنندگان کمترین حمایت را دریافت کردند که این مقدار در برنامهٔ چهارم حدود چهار برابر شد. در برنامهٔ اول اثرکل بیشتر از اثرمستقیم است که نشان می‌دهد به دلیل کم‌برآورد ارزش ریال، با اعمال نرخ تعادلی ارز مصرف‌کنندگان پسته از حمایت بیشتری برخوردار بودند.

جدول ۶-۴-۳-۵) شاخص‌های حمایت از مصرف‌کنندگان پسته

برنامه های توسعه	درصد انحراف نرخ ارز	سال	ارزش اثرمستقیم به قیمت ثابت سال ۱۳۸٤ (میلیارد ریال)	ارزش اثر کل به قیمت ثابت سال ۱۳۸٤ (میلیارد ریال)	%CSE اثر مستقیم	%CSE اثر غیرمستقیم	%CSE اثر کل
دورهٔ جنگی	۲٦/۸۱	۱۳٦۰	٦۷۹۲	٤٦٥٦	٦۷/۳۱	-۸/۷۸	۵۸/۵۳
	۳۸/۹۰	۱۳٦۱	٦۰۱۸	۳۵٦۸	٦۸/۸۷	-۱۲/۱۳	۵٦/۷٤
	۳۸/٦۷	۱۳٦۲	۹۰٦۳	۵۵۸٦	۷۲/۷٦	-۱۰/۵۵	٦۲/۲۲
	٤۷/٦۸	۱۳٦۳	۸۸۸۵	۵۱۵۵	۷٦/۹٦	-۱۱/۰۰	٦۵/۹۷
	-۱۳/۱٦	۱۳٦٤	۵۲۷۰	٦۵۱۰	٦٤/٤۸	٤/٦۸	٦۹/۱٦
	-۲/۷۱	۱۳٦۵	۳٤٤۹	۳۵۹۸	٦٤/۵۷	۰/۹٦	٦۵/۵۳
	۷۵/۷۲	۱۳٦٦	۱۸۳۲	-۵۹٦	۳۲/۵۵	-۵۱/۱۸	-۱۸/٦٤
	۸۹/۸۷	۱۳٦۷	۳٤٦۵	٦۹۹	۵۹/۳۹	-۳٦/٦۱	۲۲/۷۸
	۳۷/۷۲	میانگین	۵۵۹۷	۳٦٤۷	٦۳/۳٦	-۱۵/۵۸	٤۷/۷۸
برنامهٔ اول توسعهٔ اقتصادی و اجتماعی	۵۰/٦۲	۱۳٦۸	۲٦٦٤	۹۰۵	۵۰/۹۷	-۲٤/۸۷	۲٦/۱۰
	-٤/۳۰	۱۳٦۹	۵٤۸۰	۵۸۵۵	٦۵/۷۳	۱/٤۸	٦۷/۲۱
	-۱۰/۸٤	۱۳۷۰	۲٤۱٦	۳۱۷۳	۳۸/۹٤	٦/٦۳	٤۵/۵۷
	-٤۷/۰۳	۱۳۷۱	۱۰۵۳	٦۲٤٦	۱۸/۰٤	۳۸/۵۹	۵٦/٦٤
	-۵۱/٤۱	۱۳۷۲	۲۰۹٦	۹٤۰۸	۳۰/٤۰	۳۵/۸۲	٦٦/۲۲
	-٤۱/۲۹	۱۳۷۳	۱۸۷۰	۵۷۵٤	۳۳/۹٦	۲۷/۳۱	٦۱/۲۷
	-۱۷/۳۸	میانگین	۲۵۹۷	۵۲۲٤	۳۹/٦۷	۱٤/۱٦	۵۳/۸٤
برنامهٔ دوم توسعهٔ اقتصادی و اجتماعی	-۳۱/۹۷	۱۳۷٤	۱۹٦۹	۵۲٦۵	۲۸/۱۱	۲۳/۰۱	۵۱/۱۲
	-۱٦/۱۸	۱۳۷۵	۲۰۱٦	۳۳۰٦	۳۰/۲۷	۱۱/۳۱	٤۱/۵۸
	-۰/۸۹	۱۳۷٦	۳۲۰٤	۳۳۲۱	۲٤/٦۵	۰/٦۷	۲۵/۳۲
	۳۳/۱۵	۱۳۷۷	۱۵۲	٦۵	٤۳/٤٦	-۱۸/۷۹	۲٤/٦۷
	۲۹/۱۰	۱۳۷۸	۳۸۸	-۲۳۲٤	۳/۲۳	-۲۸/۲۲	-۲٤/۹۹
	۲/٦٤	میانگین	۱۵٤٦	۱۹۲٦	۲۵/۹۵	-۲/٤۱	۲۳/۵٤
برنامهٔ سوم توسعهٔ اقتصادی و اجتماعی	۱٦/۹٦	۱۳۷۹	۹٦	۲۰	۱۸/۳۷	-۱۳/۸۸	٤/٤۹
	۱٦/۵٤	۱۳۸۰	٤۵۳	-۳۵۸	۷/۹۵	-۱۵/۲٦	-۷/۳۱
	۱۲/۹۹	۱۳۸۱	۱٤۳۱	۹۲۰	۳۲/۲۹	-۸/۸۲	۲۳/٤۷
	۳/۸۵	۱۳۸۲	۱۹۰۲	۱۷۲۳	۳۹/۵۱	-۲/۳۳	۳۷/۱۷
	-۲/۷۹	۱۳۸۳	۲۰۰۵	۲۵۸	۱۱/۲۲	۲/٤۸	۱۳/۷۰
	۹/۵۱	میانگین	۸۱۸	۵۱۳	۲۱/۸۷	-۷/۵٦	۱٤/۳۰
برنامهٔ چهارم توسعهٔ اقتصادی و اجتماعی	-٦/۱۸	۱۳۸٤	۱۳٦۱	۱٦٤۸	۳۱/۲۰	٤/۲٦	۳۵/٤٦
	-۱۰/۷۰	۱۳۸۵	۲۰۷۸	۲٦۱۰	٤٦/۸۷	۵/۷۰	۵۲/۵۷
	-۱۳/۰۹	۱۳۸٦	۱۹٤۲	۲۷۵٦	۳٦/۰۲	۸/۳۹	٤٤/٤۱
	-۷/۷٤	۱۳۸۷	۳۷۷٦	٤۷۷۷	۳۱/۷۲	۵/۳۰	۳۷/۰۲
	-۳/۳۲	۱۳۸۸	-۲۷۷۵	-۲٤۲۵	-۲۷/۳۷	٤/۲۵	-۲۳/۱۲
	-۱۷/٤۵	۱۳۸۹	۷۰۸	۲۹۵٤	٦/٦۸	۱٦/۳۲	۲۳/۰۰
	-۹/۷۵	میانگین	۱۱۸۲	۲۰۵۳	۲۰/۸۵	۷/۳۷	۲۸/۲۲
پیش بینی برنامهٔ پنجم توسعهٔ اقتصادی و اجتماعی	-۱۹/۲۲	۱۳۹۰	۱۹۸	۱۷۰۲	۳/۱۵	۱۸/٦۷	۲۱/۸۲
	-۲۱/۱٤	۱۳۹۱	۲٤٤٦	٤۸۸۲	۲٦/۹۹	۱۵/٤۷	٤۲/٤۵
	-۲۳/۰۷	۱۳۹۲	۳۲۵۹	٦٤٤۰	۳۰/۷۹	۱٦/۰۰	٤٦/۷۹
	-۲٤/۹۸	۱۳۹۳	٤۲۱٤	۸۲۸٤	۳٤/۵۵	۱٦/۳۷	۵۰/۹۲
	-۲۲/۰۹	۱۳۹٤	۵٦۹۲	۹۵٤۱	٤۲/۰۱	۱۲/۸۳	۵٤/۸٤
	-۲۲/۱۰	میانگین	۳۱٦۲	٦۱۷۰	۲۷/۵۰	۱۵/۸۷	٤۳/۳۷

منبع: یافته‌های پژوهش

درصد حمایت از مصرف‌کنندگان(CSE٪) همانند درصد حمایت از تولیدکنندگان(PSE٪) از نسبت ارزش حمایت از مصرف‌کنندگان به ارزش مصرف پسته ایران با قیمت جهانی محاسبه می‌شود. اگر قیمت جهانی با نرخ حقیقی ارز تعدیل شود، اثرمستقیم که نشان‌دهندهٔ حمایت‌ها در شرایط کنونی اقتصاد کشور است، به‌دست می‌آید و اگر با نرخ ارز تعادلی تعدیل شود اثرکل که بیانگر حمایت‌ها در شرایط تعادل بلندمدت اقتصاد، با اثرگذاری متغیرهای بنیادین اقتصاد از جمله رابطهٔ مبادله، درآمدهای نفتی، قیمت نفت و پیشرفت فن‌آوری است، محاسبه می‌شود. براساس نتایج جدول (۶-۴-۳-۵)، حمایت از مصرف‌کنندگان پسته در دورهٔ جنگ ۶۳ درصد از پرداختی مصرف‌کنندگان را برحسب قیمت‌های تعدیل‌شدهٔ جهانی شامل شده است. یعنی در شرایط واقعی با اجرای سیاست‌های قیمتی، مصرف‌کنندگان، به اندازهٔ ۶۳ درصد آنچه (در صورتی که بازار آزاد باشد) باید می‌پرداختند، کمتر هزینه کرده‌اند. درصد حمایت‌ها در برنامهٔ چهارم به کمترین مقدار رسیده و مصرف‌کنندگان پسته ۲۰ درصد از آنچه در بازار جهانی باید می‌پرداختند، کمتر پرداخت کرده‌اند که در مقایسه با برنامه‌های نخست هزینهٔ بیشتری را به آنان تحمیل کرده است.

براساس نتایج جدول (۶-۴-۳-۵) اثر کل روند مشابهی با اثر مستقیم دارد و چگونگی حمایت از مصرف‌کنندگان پسته را با برقراری نرخ ارز تعادلی بلندمدت اقتصاد ایران بیان می‌کند. در برنامهٔ اول توسعه به دلیل افزایش کم‌برآورد ارزش ریال مصرف‌کنندگان پسته در پی اجرای سیاست‌های ارزی و بخشی کمترین هزینه را می‌پردازند که نشان می دهد، اعمال نرخ ارز تعادلی به نفع مصرف‌کنندگان پسته است. در برنامهٔ چهارم با کاهش ارزش پول ملی و کم‌برآورد ارزش تعادلی ریال، حمایت از مصرف‌کنندگان نسبت به برنامهٔ سوم افزایش پیدا کرد و به ۲۸ درصد رسید. همان‌طور که بیان شد، جز در سال‌های ۱۳۶۶، ۱۳۷۸، ۱۳۸۰ و ۱۳۸۸

حمایت از مصرف‌کنندگان مثبت بوده است که نشان‌دهندهٔ مازاد بیشتر مصرف‌کنندگان ایرانی در شرایط اجرای سیاست‌های ارزی و بخشی نسبت به وضعیت اجرانشدن سیاست‌هاست.

علامت اثرغیرمستقیم در مورد مصرف‌کنندگان، عکس علامت انحراف نرخ ارز است، یعنی با کم برآورد ارزش ریال(انحراف منفی)، مصرف‌کنندگان حمایت می‌شوند و برعکس. به عبارت دیگر، چگونگی حمایت از مصرف‌کنندگان را هنگامی که سیاست ارزی برقرار است نسبت به وقتی که سیاست ارزی اجرا نمی‌شود، نشان می‌دهد. در دورهٔ جنگ و برنامه‌های دوم و سوم توسعه سیاست‌های ارزی تضعیف-کنندهٔ سیاست‌های بخشی بوده و با اجرای سیاست ارزی، مصرف‌کنندگان پسته حمایت نشده‌اند. در حالی‌که در دیگر برنامه‌ها با اجرای سیاست ارزی کم‌برآورد ارزش ریال، مصرف‌کنندگان پسته نسبت به شرایطی که سیاست ارزی برقرار نباشد، حمایت شده‌اند. برای مثال در برنامهٔ چهارم ۷/۳٪ کمتر از قبل از اجرای سیاست ارزی پرداخت کرده‌اند. در حالی که در برنامهٔ سوم سیاست‌های ارزی ۷/۵ درصد از ارزش مصرف با قیمت جهانی، هزینهٔ مصرف‌کنندگان را افزایش داده است. چنان‌که مشاهده می‌شود سیاست کم‌برآورد ارزش پول ملی به حمایت بیشتری از مصرف‌کنندگان می‌انجامد. در برنامهٔ پنجم نیز با همسویی سیاست‌های ارزی و بخشی ادامهٔ حمایت از مصرف‌کنندگان پسته پیش‌بینی می‌شود. حمایت یک‌جانبه از مصرف‌کنندگان در بیشتر سال‌های بررسی در شرایطی که سیاست‌ها حمایت‌کنندهٔ کشاورزان نباشد، از رقابت‌پذیری بازار می‌کاهد و با تضعیف تولید همزمان با تقویت تقاضا موجب از دست دادن سهم صادراتی و حتی نیاز به واردات می‌شود.

۴-۴-۳-۵ نتیجه‌گیری و پیشنهادهای پسته

چنان‌که بیان شد، پسته ارزآورترین محصول کشاورزی صادرات غیرنفتی ایران محسوب می‌شود و سیاست‌های حمایتی مختلفی از بخش تولید و مصرف آن شده است. در این پژوهش مقادیر کمّی این حمایت‌ها براساس شاخص‌های MPS، PSE و CSE طی دورهٔ ۸۹-۱۳۶۰ محاسبه شده است که نتایج بیانگر وجود روند افزایشی و نوسانی در حمایت‌های قیمتی، بودجه‌ای و کل حمایت از تولیدکنندگان و روند کاهشی در حمایت از مصرف‌کنندگان پسته به قیمت ثابت بوده است. همچنین در مجموع حمایت‌های بودجه‌ای و قیمتی، حمایت‌های قیمتی در کل حمایت از تولیدگنندگان در بیشتر سال‌ها نسبت به حمایت‌های بودجه‌ای سهم بیشتری داشته‌اند.

بررسی اثر سیاست‌های ارزی و انحراف نرخ ارز بر مقادیر حمایت از تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان پسته نشان می‌دهد این سیاست‌ها در دورهٔ جنگ و همچنین در بیشتر سال‌های برنامه‌های دوم و سوم توسعه که انحراف نرخ ارز مثبت بوده (نرخ ارز حقیقی بیش از نرخ ارز تعادلی بوده است) بر شاخص‌های حمایت از تولیدکنندگان اثر مثبتی داشته است، در حالی که در دیگر برنامه‌های توسعه موجب کاهش حمایت از تولیدکنندگان پسته شده است، یعنی اثر غیرمستقیم تضعیف‌کنندهٔ اثر مستقیم بوده است. براساس این نتایج، اجرای سیاست‌های باثبات و بلندمدت برای پیشگیری از نوسان‌های قیمت محصول، نهاده‌ها و نرخ ارز و توسعهٔ حمایت‌های بودجه‌ای توصیه می‌شود. در دورهٔ ۱۳۸۰-۱۳۷۷ با افزایش سطح زیرکشت، کاهش قیمت صادراتی و اجرای طرح اصلاح باغ‌های پسته، از کشاورزان حمایت بیشتری شد که حفظ سهم صادرات جهانی را در پی داشت. با توجه به تأثیر بیشتر حمایت‌های قیمتی از کل حمایت‌ها، تأکید بر الگوی سیاست‌های حمایت قیمتی موجب حفظ قیمت پسته

نزدیک به قیمت جهانی می‌شود، اما در این رویکرد با دخالت مستقیم دولت در بازار محصول از درجهٔ رقابت بازار پسته کاسته می‌شود. از این رو، در کنار هدایت قیمت بازار، تنوع‌بخشی به حمایت‌های بودجه‌ای مانند به‌کارگیری پرداخت‌های مستقیم، یارانه‌های مربوط به بسته‌بندی و فراوری و تسهیل رویه‌های صادراتی نیز می‌تواند مناسب باشد. با توجه به ضوابط بهداشتی کشورهای واردکنندهٔ پسته، پرداخت حمایت‌های بودجه‌ای به شرط رعایت استانداردهای تولید محصول مطابق درخواست بازارهای جهانی مناسب به نظر می‌رسد. همچنین تقویت تعاونی‌های صادرکنندگان برای ورود انبوه به بازار جهانی به افزایش رقابت‌پذیری و اثرگذاری بر قیمت کمک می‌کند که می‌توان با ایجاد سازوکاری برای توزیع حمایت‌ها توسط این تعاونی‌ها، کشاورزان را به تشکیل و عضویت در آنها تشویق کرد و کارایی سیاست‌های حمایتی را افزایش داد. تنظیم سیاست‌های ارزی و بخشی به گونه‌ای که همسو و تقویت‌کنندهٔ یکدیگر باشند، به کارایی آنها می‌افزاید و با افزایش مزیت رقابتی، به رقابت‌پذیری جهانی تولیدکنندگان داخلی کمک می‌کند. در حالی که اثرمثبت سیاست‌های ارزی در برنامهٔ سوم توسعه در پی اجرای سیاست بیش‌برآورد ارزش تعادلی ریال، به وسیلهٔ اثر منفی سیاست‌های بخشی خنثی شد و به کاهش رقابت‌پذیری ایران در بازار جهانی انجامید. در پیش‌بینی برنامهٔ پنجم نیز همانند برنامهٔ چهارم، سیاست‌های ارزی تقویت‌کنندهٔ سیاست‌های بخش کشاورزی نیست و اثرمستقیم و اثرکل هر دو منفی‌اند. کمتر بودن قیمت دریافتی تولیدکنندگان پسته از قیمت مرجع تعدیل‌شده با نرخ‌های حقیقی و تعادلی ارز در بیشتر سال‌های مورد بررسی این پژوهش، موجب کاهش رقابت‌پذیری پسته‌کاران در مقایسه با رقبای خارجی بود. با فرض ادامهٔ این روند، در برنامهٔ پنجم نیز در مقایسه با قیمت‌های جهانی، پرداختی به تولیدکنندگان پسته صورت نمی‌پذیرد که با وجود رقابت شدید در بازار جهانی، عدم حمایت از کشاورزان انگیزهٔ تولید و صادرات را کاهش خواهد داد و فرصت رقابت را از آنان

خواهد گرفت. ادامهٔ تولید و حفظ سهم ایران از بازار پسته بدون حمایت‌ها، از سویی نشان‌دهندهٔ مزیت رقابتی بیشتر ایران در این محصول است که همچنان تولید این محصول را اقتصادی می‌کند و از سوی دیگر، کشش‌پذیری اندک باغداران در انتخاب محصول به دلیل شرایط خاک و سنتی بودن آن را نشان می‌دهد.

جدول ۷-۴-۳-۵) بررسی حمایت از تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان پسته در دوره‌های ارزی

دوره	درصد انحراف نرخ ارز	%MPS			%PSE			%CSE		
		اثر مستقیم	اثر غیرمستقیم	اثر کل	اثر مستقیم	اثر غیرمستقیم	اثر کل	اثر مستقیم	اثر غیرمستقیم	اثر کل
۱۳۷۰-۱۳۶۰	۳۰/٦٦	-٦۰/۲۳	۱۲/۸۵	-٤۷/۳۸	-۵۳/٦۵	۱۱/۳۳	-٤۲/۳۲	٦۰/۲۳	-۱۲/۸۵	٤۷/۳۸
۱۳۸۰-۱۳۷۱	-۹/۳۰	-۲۳/۸۵	-٦/۰٦	-۲۹/۹۰	-۱۳/۲۰	-۸/۷۵	-۲۱/۹۵	۲۳/۸۵	٦/۰٦	۲۹/۹۰
۱۳۸۹-۱۳۸۱	-٤/۹٤	-۲۳/۱۳	-۳/۹۵	-۲۷/۰۸	-۱۳/۵۰	-۷/٤۹	-۲۱/۰۰	۲۳/۱۳	۳/۹۵	۲۷/۰۸

منبع: یافته‌های پژوهش

متوسط شاخص‌های حمایت قیمتی از تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان در سه دورهٔ اجرای سیاست‌های ارزی کشور در جدول (۷-۴-۳-۵) آمده است. براساس شاخص‌های درصدی حمایت از تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان پسته در سه دههٔ بررسی، سیاست‌های بخشی در مقایسه با سیاست‌های ارزی در کل حمایت‌ها تأثیر بیشتری داشته است، زیرا قدرمطلق اثر مستقیم همواره بیشتر از اثر غیرمستقیم بوده است. در دههٔ ۱۳۶۰ به دلیل به‌کارگیری سیاست تثبیت نرخ ارز، انحراف از نرخ تعادلی به شدت افزایش یافت و با بیش‌برآورد ارزش ریال از تولیدکنندگان حمایت قیمتی شد، اما در این دوره آثار منفی سیاست‌های بخشی از جمله کم نگه داشتن قیمت داخلی در مقایسه با قیمت جهانی تا حدی زیاد بود که اثر سیاست ارزی را خنثی و در مجموع حمایت کل از تولیدکننده را منفی کرد. در دههٔ ۱۳۷۰ با برقراری سیاست ارزی چند نرخی و انحراف منفی نرخ ارز، میانگین اثرغیرمستقیم حمایت از تولیدکنندگان منفی شد، اما به طور کلی سیاست‌های بخشی در راستای

حمایت بیشتر از تولیدکنندگان بهبود پیدا کرد و میانگین اثر مستقیم حمایت از تولیدکنندگان در این دوره ۱۳/۲- درصد بود. در دورهٔ سوم سیاست‌های ارزی با برقراری نرخ ارز شناور مدیریت شده انحراف نرخ ارز کاهش پیدا کرد، اما همچنان منفی بود. این کم‌برآورد ارزش ریال، با حمایت نکردن از تولیدکننده، اثر منفی سیاست‌های بخشی را تقویت کرد، به طوری که میانگین اثر کل حمایت قیمتی و حمایت از تولیدکننده در این دوره به ترتیب۲۳- و ۱۳- درصد بود، اما با وجود افزایش حمایت‌های بودجه‌ای، نسبت به دورهٔ دوم ارزی تغییر چندانی نکرد. برای مصرف‌کنندگان در دورهٔ نخست ارزی، سیاست ارزی تضعیف‌کنندهٔ اثرمثبت سیاست‌های بخشی بود و با اجرای سیاست‌های ارزی و بخشی مصرف‌کنندگان ۴۷ درصد از آنچه در شرایط بدون سیاست می‌پرداختند، کمتر پرداخت کرده‌اند که در دهه‌های بعدی کاهش چشمگیری پیدا کرد.

به طور کلی شاخص‌های حمایت از تولید پسته از نوسان دوره‌ای برآمده از دوره‌های قیمتی وابسته به سال‌آوری تولید پیروی می‌کنند. در سال‌های ابتدایی که سیاست‌های بخشی حمایت‌کننده نبوده، سیاست‌های ارزی جبران‌کنندهٔ آن نبود و در برنامه‌های اول و چهارم، سیاست‌های ارزی همسو با سیاست‌های بخشی به زیان تولیدکنندگان بود. مقایسهٔ حمایت از تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان نشان می‌دهد بیش‌برآورد ارزش ریال حمایت‌کنندهٔ تولیدکنندگان است و سیاست کم‌برآورد ارزش ریال مصرف‌کنندگان را حمایت می‌کند و بیانگر اهمیت نقش سیاست‌های ارزی در توزیع مازادهای بازار است. اجرای سیاست‌های همسو و حمایت‌کننده به افزایش رقابت‌پذیری تولیدکنندگان پسته، افزایش کارایی آنان و توسعهٔ صنایع پیشین وابسته به این محصول و افزایش سهم صادرات کمک می‌کند. اهمیت به صنایع تبدیلی و فراوری، توسعهٔ سردخانه‌ها و تجهیزات حمل‌ونقل مناسب به منظور پیشگیری از مسمومیت پسته و احداث کارخانه‌های بسته‌بندی در مناطق تولید پسته، ظرفیت

بیشتری را برای صادرات پستهٔ ایران نسبت به وضعیت کنونی ایجاد می‌کند. با توجه به آن‌که سهم ایران در بازار صادرات پسته در بیشتر سال‌ها بیش از ۵۰ درصد است، با تدوین سیاست‌های مناسب قیمتی، تجاری و ارزی، می‌تواند از نقش رهبری خود در هدایت بازار پسته به نفع افزایش سهم خود در تجارت جهانی، ارزی‌آوری و تولید ارزش افزوده برای کشور بهره‌گیرد. با توجه به نتایج برآورد نرخ ارز در فصل سوم، افزایش درآمدهای نفتی موجب افزایش ارزش ریال تعادلی می‌شود که در صورت ثبات نرخ حقیقی ارز، رشد درآمدهای نفتی به نفع تولیدکنندگان است. همچنین بهره‌وری اقتصاد به عنوان شاخص پیشرفت فن‌آوری، بر نرخ تعادلی ارز و شاخص حمایت‌ها چنین اثری دارد که دولت با مدیریت این دو عامل می‌تواند حمایت از پسته‌کاران را افزایش دهد. در نهایت انتظار می‌رود، ترکیب سیاست‌های پولی، مالی، ارزی و بخشی به گونه‌ای باشد که برایند آن، حمایت‌کنندهٔ باغداران باشد.

٤-٥ زیربخش دامپروری

براساس آمار وزارت جهاد کشاورزی، تولید زیربخش دامپروری در سه دهۀ اخیر افزایشی بوده و از ۲/۷ میلیون تن در دورۀ جنگ به ۹/۱ میلیون تن در برنامۀ چهارم توسعه رسیده است. ارزش تولید زیربخش دامپروری تنها در دورۀ جنگ روند کاهشی داشته و پس از آن در برنامۀ اول توسعه، با اجرای سیاست‌های تعدیل اقتصادی، رشد چشمگیری داشته است. در برنامه‌های دوم و سوم توسعه ارزش تولید محصولات دامی ثبات نسبی داشته و ضریب پراکنش در این برنامه‌ها ۴ درصد بوده است. در برنامۀ چهارم توسعه با افزایش هزینه‌های تولید و قیمت محصولات دامی، به طور میانگین ارزش تولید این زیربخش ۶۴۲۶۱ میلیارد ریال به قیمت ثابت سال ۱۳۸۴ بوده است.

شیر، مادۀ اصلی صنایع تبدیلی لبنیات در دورۀ جنگ ۳۳ درصد از ارزش تولید زیربخش دامپروری را در برداشته است، اما با افزایش تولید و قیمت محصولات دامی دیگر، سهم آن در برنامه‌های توسعه کاهش پیدا کرد. گوشت گاو در برنامه‌های اول و دوم توسعه بیشترین سهم را در ارزش تولید داشته است و در برنامۀ سوم توسعه با کاهش دخالت دولت در توزیع نهاده‌ها و کاهش تولید، سهم آن ۱۸ درصد بوده است. با توجه به تمایل بیشتر به مصرف گوشت گوسفند در ایران و قیمت بیشتر آن، سهم ارزش تولید این محصول بیشتر از گوشت گاو بوده است، اما با نوسان در برنامه‌های توسعه روبه‌رو بوده است. در برنامۀ اول توسعه با وجود روند کاهشی سهم این محصول ۲۷/۴ درصد بود و این روند تا پایان برنامۀ دوم توسعه با شیب ملایمی ادامه داشت و در برنامۀ سوم توسعه با اجرای سیاست‌های تعیین قیمت سقف و کف، افزایش پیدا کرد. در برنامۀ چهارم توسعه با افزایش قیمت محصول و نوسان در تولید، ضریب پراکنش سهم گوشت گوسفند از ارزش تولید زیربخش دامپروری

نسبت به میانگین، ۱۸ درصد نوسان داشت. با توسعهٔ صنایع پرورش مرغ گوشتی در سه دههٔ ۸۹-۱۳۶۰ سهم ارزش تولید گوشت مرغ بیشتر از محصولات دیگر رشد کرده است. به طوری که در برنامهٔ اول توسعه با اجرای سیاست‌های تعدیل اقتصادی از ۹/۲ درصد در سال نخست برنامه به ۲۷ درصد در سال ۱۳۷۲ افزایش پیدا کرده است.

با ادامهٔ اجرای سیاست‌های قیمتی و افزایش مصرف گوشت مرغ، به دلیل سیاست‌های تبلیغی دربارهٔ سلامت تغذیه‌ای گوشت سفید، میانگین سهم ارزش تولید این محصول در برنامهٔ چهارم توسعه به ۳۰ درصد رسیده است و در سه برنامهٔ اخیر، کمترین نوسان را داشته است. در دورهٔ جنگ با کاهش رشد تولید گوسفند و گاو، در مقایسه با تخم مرغ، سهم ارزش تولید این محصول افزایشی بوده و به ۱۹/۱۸ درصد در سال پایانی جنگ(۱۳۶۷) رسیده است، اما این روند در برنامه‌های توسعه ادامه نداشته و در برنامه‌های سوم و چهارم به ترتیب ۸/۶ و ۶/۷ درصد بوده است.

جدول ۳-۵) وضعیت تولید، ارزش تولید و سهم محصولات منتخب زیربخش دامپروری ایران

برنامه های توسعه	سال	تولید زیربخش دامپروری	ارزش تولید زیربخش دامپروری	شیر	گوشت گاو	گوشت گوسفند	گوشت مرغ	تخم مرغ
		میلیون تن	میلیارد ریال (به قیمت ثابت سال ۱۳۸٤)	سهم محصولات از ارزش تولید (درصـــــد)				
دورهٔ جنگ	۱۳٦۰	۲/٤	۲۷۹٦۹	۲۵/۲۱	۲۵/۸۲	۲۳/۸۹	۱٦/۳۵	۸/۷۳
	۱۳٦۱	۲/٤	۲۷۵۱۱	۳۱/۱٦	۲۲/۳٤	۲۱/۹۳	۱٤/۱۹	۱۰/۳۸
	۱۳٦۲	۲/٦	۲۵۲۹٦	۳٤/۰۰	۱۹/۸۹	۲۰/۹۰	۱۳/۹۱	۱۱/۳۱
	۱۳٦۳	۲/۷	۲٤۹۸۸	۳٤/۰٦	۱۸/۰۷	۲۰/۰۵	۱۳/۰٤	۱٤/۷۷
	۱۳٦٤	۲/۷	۲۵۱۳۵	۳٤/۸۹	۱۷/۷۰	۲۰/۲۸	۱۲/٤۲	۱٤/۷۱
	۱۳٦۵	۲/۹	۲۳۹۹۸	۳۵/۰۲	۱٦/۰۹	۱۹/۳۵	۱٤/٤۹	۱۵/۰٦
	۱۳٦٦	۳/۱	۲۲۲۸٦	۳۸/۵٤	۱۳/۸۳	۱٦/۵۵	۱۳/۳٤	۱۷/۷۵
	۱۳٦۷	۳/۱	۱۸٤۲۵	۳٦/۵۹	۱٤/۲٤	۱٦/۸٦	۱۳/۱۳	۱۹/۱۸
	میانگین	۲/۷۳	۲٤٤۵۰/۸۹	۳۳/٦۸	۱۸/۵۰	۱۹/۹۸	۱۳/۸٦	۱۳/۹۸
	ضریب پراکنش	۰/۱۰	۰/۱۲	۰/۱۲	۰/۲۲	۰/۱۲	۰/۰۹	۰/۲٦
برنامهٔ اول توسعهٔ اقتصادی و اجتماعی	۱۳٦۸	۳/۲	۲۵٤۲۸	۲٤/۱٦	۲۱/۹۹	۳۰/۹۵	۹/۲۲	۱۳/٦۹
	۱۳٦۹	۳/۷	۲٦۷۱۲	۲٦/٦۰	۲۱/٦۵	۳۱/۱۲	۸/۳۳	۱۲/۲۹
	۱۳۷۰	٤/۰	۳٦٤۲۸	۲۰/٤۲	۱۹/۷۷	۲۷/۰۷	۲۳/۲۹	۹/٤٦
	۱۳۷۱	٤/۲	٤۲٤۰۲	۱۷/۰٦	۲۰/۰۳	۲۵/۲۵	۲۸/۰٦	۹/٦۱
	۱۳۷۲	٤/۵	٤۷۳٤۹	۱۷/٤۹	۱۸/۹۲	۲۵/۳٤	۲۷/٤٦	۱۰/۷۹
	۱۳۷۳	٤/۸	٤٤٦۵۹	۱۸/۱۳	۱۷/۹۲	۲٤/۸۰	۲۷/۳۱	۱۱/۸٤
	میانگین	٤	۳۷۱٦۳	۲۰/٦٤	۲۰/۰۵	۲۷/٤۲	۲۰/٦۱	۱۱/۲۸
	ضریب پراکنش	۰/۱٤	۰/۲۵	۰/۱۹	۰/۰۸	۰/۱۱	۰/٤۵	۰/۱۵
برنامهٔ دوم توسعهٔ اقتصادی و اجتماعی	۱۳۷٤	۵/۱	٤۷٤۹۳	۱۷/۱۸	۱۹/۲۹	۲۳/۹۲	۲۹/٤۸	۱۰/۱۳
	۱۳۷۵	۵/٦	٤۷۱۷۲	۱۹/۵٦	۲۰/۸۹	۲۲/۲۳	۲٦/۹۷	۱۰/۳۵
	۱۳۷٦	۵/۷	٤۲۹٦۳	۲۲/٤٤	۲۰/۰۸	۲۱/۹۷	۲٦/۹۱	۸/٦۰
	۱۳۷۷	۵/۹	٤۷٦۵۵	۱۹/۹٤	۲۱/٦۸	۲۱/۲۹	۲۸/٤۸	۸/٦۰
	۱۳۷۸	٦/۳	٤۷۵۸٤	۱۸/٦۳	۱۹/٤٤	۲۱/۳۷	۳۰/۱٤	۱۰/٤۳
	میانگین	۵/۷۱	٤٦۵۷۳/۵۸	۱۹/۵۵	۲۰/۲۸	۲۲/۱٦	۲۸/۳۹	۹/٦۲
		۰/۰۸	۰/۰٤	۰/۱۰	۰/۰۵	۰/۰۵	۰/۰۵	۰/۱۰
برنامهٔ سوم توسعهٔ اقتصادی و اجتماعی	۱۳۷۹	٦/۷	۵۱۸۸۵	۲۰/۲٦	۱٦/۰٤	۲۳/۰٤	۳۰/٤۱	۱۰/۲٦
	۱۳۸۰	٦/۹	۵۳۳۹۷	۱۹/۱۷	۱۵/۲۳	۲۳/٦۱	۳۱/٦۵	۱۰/۳۳
	۱۳۸۱	۷/۱	۵٤٤۲۹	۱۸/٤۲	۱۸/۳۳	۲٦/۷٦	۲۹/۱۰	۷/۳۹
	۱۳۸۲	۷/۱	۵٦۸٦۷	۱۷/۳۵	۲۰/۷۰	۲۲/۷۲	۳۱/۳۹	۷/۸٤
	۱۳۸۳	۸/۳	۵۷٦۸۵	۲۱/۷۷	۱۹/۷۰	۲۱/۰٤	۳۰/۰۱	۷/٤۸
	میانگین	۷/۲٤	۵٤۸۵۲/٦۲	۱۹/۳۹	۱۸/۰۰	۲۳/٤۳	۳۰/۵۱	۸/٦٦
	ضریب پراکنش	۰/۰۸	۰/۰٤	۰/۰۹	۰/۱۳	۰/۰۹	۰/۰۳	۰/۱۷
برنامهٔ چهارم توسعهٔ اقتصادی و اجتماعی	۱۳۸٤	۸/۵	۵۵۳۰۷	۲۲/۱۰	۱۹/۹۹	۱۹/۸۱	۳۰/۰٤	۸/۰۷
	۱۳۸۵	۹/۰	٦۰۸۰٤	۲۲/۵۷	۲۰/٤۰	۱۹/۳۷	۳۰/۹۱	٦/۷۵
	۱۳۸٦	۹/٤	٦۳۳۰٦	۲۲/۳٦	۲۱/۰٦	۲۱/۱۹	۲۸/۸٦	٦/۵۳
	۱۳۸۷	۹/۰	٦۱۹۸۳	۲۰/۷۷	۱۹/۳۵	۲۰/۸٤	۳۲/۰۲	۷/۰۲
	۱۳۸۸	۹/۷	٦۸۰۸۰	۱۹/۵۳	۱۸/۳۱	۲٦/٤۱	۲۹/٤۸	٦/۲۷
	۱۳۸۹	۹/۵	۷٦۰۹۱	۱۵/۲۱	۱۵/۸۰	۳۰/۱۵	۳۲/۸۵	۵/۹۹
	میانگین	۹/۱۹	٦٤۲٦۱/۸۰	۲۰/٤۲	۱۹/۱۵	۲۲/۹٦	۳۰/٦۹	٦/۷۷
	ضریب پراکنش	۰/۰٤۸	۰/۱۱۱	۰/۱۳۷	۰/۰۹۹	۰/۱۸۹	۰/۰۵۰	۰/۱۰۸

منبع: سایت سازمان خواربار و کشاورزی جهانی ملل متحد(http://fao.org)

در ایـن فصـل نتـایج حاصـل از بـرآورد شـاخص‌هـای حمایـت از قیمـت بـازاری(MPS)[1] و بـرآورد حمایـت از تولیـدکننـدگان(PSE)[2] و بـرآورد حمایـت از مصرف‌کنندگان(CSE)[3] کالاهای مهـم زیـربخش دامپـروری و شـاخص‌هـای فرعـی مربوط به آنها طی دورهٔ زمـانی ۸۹-۱۳۶۰ و پـیش‌بینـی برنامـهٔ پـنجم(۹۴-۱۳۹۰) بررسی می‌شود. از آنجا که انحراف نرخ ارز حقیقی از تعادلی بر حمایت از محصولات کشاورزی اثرگذار است، اثر سیاست‌های ارزی بـر شـاخص‌هـای حمایـت نیـز مـورد بررسی قرار می‌گیرد. نرخ ارز تعادلی نمادی از تعادل بلندمدت اقتصاد کشور است که براساس روش تحقیق بیان شده در فصل چهارم با استفاده از الگوهای سـری زمـانی، برآورد شد. نرخ ارز حقیقی نیز ارزش واقعی پول ملی را در مقایسه با ارزهای خارجی نشان می‌دهد و اثر سیاست‌های دولت و بانک مرکزی در آن نمایان اسـت. در ادامـه ابتدا شاخص‌های حمایت برای هر یک ازکالاهای منتخب زیربخش دامپروری ارائـه و سپس مقدار حمایت در کل زیربخش جمع‌بندی می‌شود.

[1]- Market Price Support
[2]- Producer Support Estimate
[3]- Consumer Support Estimate

۱-٤-۵ تخم مرغ

تخم مرغ، از محصولات زیربخش دامپروری است که با توجه به ارزش غـذایی آن در تأمین پروتئین و قیمت کمتر آن در مقایسه با فـراورده‌هـای پروتئینـی گوشـتی، بیشتر از ۲ درصد هزینـه‌هـای خـوراکی خـانوار ایرانـی را در سـال ۱۳۸۹ تشـکیل می‌داد(نتایج بررسی بودجهٔ خانوار شهری بانک مرکزی، ۱۳۹۰). مصرف تخم مرغ در دههٔ ۱۳۸۰ به دلیل افزایش قیمت کاهشی بوده است. به طوری کـه از ۴۵ کیلـوگرم در سال ۱۳۸۰ به ۴۱ کیلوگرم در سال ۱۳۸۹ برای خانوار[۱] رسیده است. با توجه به نقش تخم مرغ در سبد خوراکی خانوار و روند مصرف آن، بررسی حمایت از تولیـد و مصرف این محصول، به برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری کمک می‌کند.

در جدول (۱-۱-۴-۵) وضعیت تولید، عملکرد و تجارت تخم مرغ در ایران آمـده است. با توجه به جدول، مشاهده می‌شود تعداد مرغ تخم گذار در برنامهٔ اول توسـعه روند افزایشی داشت و در برنامهٔ دوم توسعه با نوسان همراه بود. در سال‌هـای پایـانی این برنامه با وجود افزایش عملکرد، به دلیل افزایش هزینه‌هـای تولیـد، تعـداد مـرغ تخم‌گذار در واحدهای تولیدی کاهش پیدا کـرد. امـا از سـال ۱۳۸۱ در پـی اجـرای سیاست‌های حمایت قیمتی به شکل تعیین قیمت‌های سقف و کـف توسـط شـورای اقتصاد با رشد فزاینده روبه‌رو شد. تولید تخم مرغ با وجود توسان، بـه طـور متوسـط روند افزایشی داشت و ۲۹۵ هزار تن در ابتدای برنامهٔ اول توسعه به ۷۴۱ هزار تن در سال ۱۳۸۹ رسید.

همان‌طور که در نمودار (۱-۱-۴-۵) مشاهده می‌شود سهم ایـران از تعـداد مـرغ تخم‌گذار و تولید تخم‌مرغ جهان تغییر اندکی داشته است و همواره حدود یک درصد بوده است. همچنین سهم تولید همواره از سهم مرغ بیشتر بوده است که نشان‌دهندهٔ

---

[۱]- در گزارش بررسی بودجهٔ خانوار سال ۱۳۸۹، میانگین بعد خانوار ۳/۷ نفر محاسبه شده است.

عملکرد بیشتر ایران نسبت به میانگین جهانی است. به طوری که در سال‌هـای ۸۹-۱۳۶۸ میانگین نسبت عملکرد ایران به کشورهای دیگر ۱/۲۵ بوده است.

جدول ۱-۱-۴-۵) وضعیت تولید، عملکرد و تجارت تخم مرغ ایران

سال	تعداد مرغ (میلیون قطعه)	سهم از تعداد مرغ جهان (درصد)	عملکرد (کیلوگرم در هر قطعه)	نسبت عملکرد ایران به جهان	تولید تخم مرغ (هزار تن)	سهم از تولید جهان (درصد)	صادرات تخم مرغ (هزار تن)	سهم از صادرات (درصد)	ارزش صادرات تخم مرغ (میلیون دلار)	سهم از ارزش صادرات (درصد)
۱۳۶۸	۲۵	۰/۷۰	۱۲	۱/۲۳	۲۹۵	۰/۸۶	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰
۱۳۶۹	۲۹	۰/۸۱	۱۰	۱/۰۴	۲۹۵	۰/۸۴	۰/۰۱	۰/۰۰	۰/۰۴	۰/۰۰
۱۳۷۰	۲۸	۰/۷۷	۱۲	۱/۲۱	۳۴۰	۰/۹۳	۰/۰۱	۰/۰۰	۰/۰۸	۰/۰۱
۱۳۷۱	۳۶	۰/۹۶	۱۱	۱/۱۰	۳۹۰	۱/۰۶	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰
۱۳۷۲	۴۱	۱/۰۹	۱۱	۱/۰۸	۴۵۰	۱/۱۸	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰
۱۳۷۳	۴۷	۱/۱۵	۱۱	۱/۰۹	۵۱۶	۱/۲۶	۱۴/۵۸	۱/۷۱	۱۴/۰۳	۱/۴۴
۱۳۷۴	۴۲	۱/۰۰	۱۱	۱/۰۹	۴۶۶	۱/۰۹	۰/۰۲	۰/۰۰	۰/۰۴	۰/۰۰
۱۳۷۵	۴۷	۱/۰۸	۱۱	۱/۰۷	۵۲۰	۱/۱۶	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰
۱۳۷۶	۳۸	۰/۸۴	۱۲	۱/۲۰	۴۷۰	۱/۰۲	۰/۶۶	۰/۰۸	۰/۶۲	۰/۰۶
۱۳۷۷	۳۳	۰/۷۱	۱۵	۱/۴۶	۴۹۸	۱/۰۴	۱/۹۸	۰/۲۲	۱/۶۵	۰/۱۵
۱۳۷۸	۳۵	۰/۷۳	۱۶	۱/۵۷	۵۷۰	۱/۱۵	۲/۲۶	۰/۲۴	۱/۴۴	۰/۱۵
۱۳۷۹	۳۷	۰/۷۵	۱۶	۱/۵۲	۵۷۹	۱/۱۴	۳۸/۷۵	۴/۱۰	۲۳/۱۴	۲/۴۲
۱۳۸۰	۳۹	۰/۷۶	۱۵	۱/۴۶	۵۸۱	۱/۱۱	۳۲/۸۵	۳/۳۸	۱۷/۴۳	۱/۸۹
۱۳۸۱	۴۱	۰/۷۸	۱۳	۱/۳۲	۵۴۷	۱/۰۲	۱۸/۶۰	۱/۸۷	۹/۳۸	۰/۹۷
۱۳۸۲	۴۸	۰/۸۹	۱۳	۱/۲۹	۶۲۹	۱/۱۶	۳۳/۲۶	۳/۳۰	۱۹/۶۶	۱/۵۹
۱۳۸۳	۵۰	۰/۹۰	۱۳	۱/۳۱	۶۵۵	۱/۱۸	۱۰/۹۴	۱/۰۴	۶/۴۴	۰/۵۰
۱۳۸۴	۵۳	۰/۹۳	۱۴	۱/۴۴	۷۵۸	۱/۳۴	۲/۵۴	۰/۲۳	۳/۹۲	۰/۲۸
۱۳۸۵	۵۶	۰/۹۴	۱۲	۱/۲۴	۶۷۷	۱/۱۷	۳۲/۴۱	۲/۶۳	۲۲/۳۶	۱/۴۳
۱۳۸۶	۵۹	۰/۹۷	۱۲	۱/۲۲	۷۰۳	۱/۱۸	۱۰/۴۰	۰/۷۳	۱۳/۰۲	۰/۶۲
۱۳۸۷	۶۱	۰/۹۸	۱۲	۱/۲۰	۷۲۷	۱/۱۸	۸/۶۲	۰/۵۱	۱۱/۸۰	۰/۴۴
۱۳۸۸	۶۵	۱/۰۲	۱۱	۱/۱۳	۷۲۵	۱/۱۵	۰/۴۰	۰/۰۲	۰/۷۱	۰/۰۲
۱۳۸۹	۶۷	۱/۰۱	۱۱	۱/۱۵	۷۴۱	۱/۱۶	۲۰/۹۸	۱/۰۴	۲۸/۰۰	۰/۸۷

منبع: آمارنامه‌های گمرک جمهوری اسلامی ایران و سایت سازمان خواربار و کشاورزی جهانی ملل متحد(http://fao.org)

براساس آمار گمرک ایران، واردات تخم‌مرغ به جز دورهٔ جنگ مقدار چشمگیری نداشته است و در بیشتر سال‌ها، به‌ویژه پس از سال ۱۳۷۶ ایران صادرکنندهٔ این

محصول بوده است. براساس جدول (۱-۱-۴-۵) در سال‌های پیش از برنامهٔ سوم توسعه تنها در سال ۱۳۷۳ صادرات تخم مرغ ایران مقدار چشمگیری برابر ۱۴/۵ هزار تن داشت. در برنامه‌های سوم و چهارم توسعه اقتصادی، صادرات تخم‌مرغ نوسانی بود. به طوری که از ۳۸/۷ هزار تن در سال نخست برنامهٔ سوم به ۱۰/۹ هزار تن در سال پایانی این برنامه کاهش پیدا کرد و در سال ۱۳۸۵ به بیش از ۳۲ هزار تن رسید. به همین ترتیب ارزش صادرات تخم‌مرغ نیز با نوسان زیادی روبه‌رو بود که در حفظ مشتریان و سهم بازار جهانی نقش بسزایی دارد. در سال ۱۳۸۹ که بیشترین درآمد صادراتی با فروش این محصول برابر با ۲۸ میلیون دلار به دست آمده است، سهم ایران از بازار تخم‌مرغ ۰/۸۷ درصد بود. در حالی که در سال ۱۳۷۹ حدود ۲/۴ درصد از ارزش تجارت جهانی تخم‌مرغ به ایران تعلق داشت.

براساس نمودار (۱-۱-۴-۵) سهم ایران از مقدار صادرات تخم‌مرغ جهان نیز نوسان‌هایی هماهنگ با مقدار صادرات داشته است، اما در سال‌هایی که حجم صادرات بیشتر بوده است، سهم صادرات ایران با سهم ارزش صادرات آن تفاوت چشمگیری داشته است که نشان‌دهندهٔ کمتر بودن قیمت صادراتی ایران نسبت به قیمت جهانی است. این موضوع افزون بر تفاوت کیفیت ممکن است برآمده از ضعف ایران در بازاریابی و چانه‌زنی دربارهٔ قیمت به دلیل نوسان در صادرات و حفظ نشدن بازارهای هدف باشد.

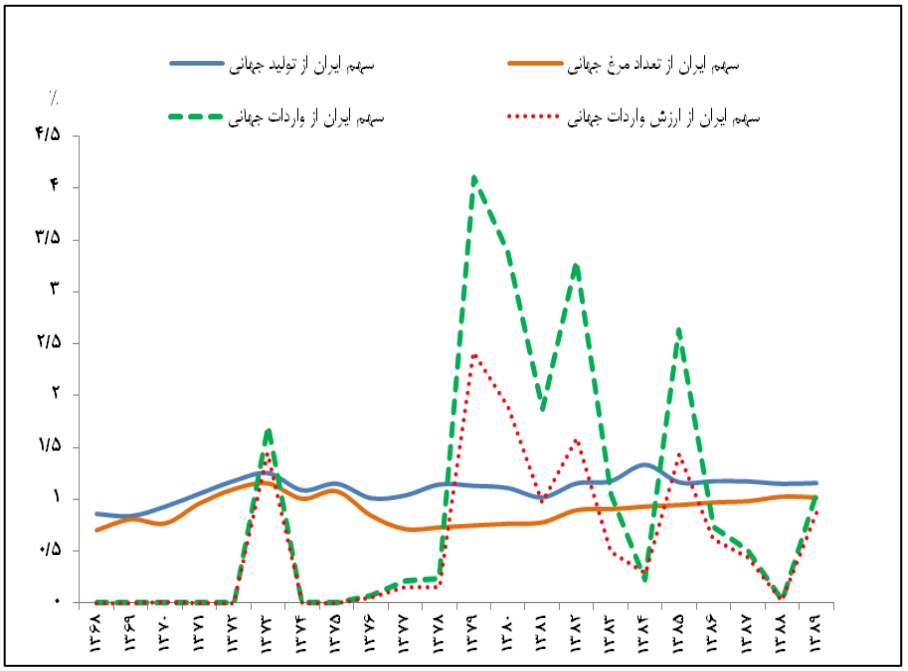

نمودار ۱-۱-۴-۵) سهم ایران از تولید، تعداد مرغ تخم گذار، واردات و ارزش واردات جهانی تخم مرغ طی دورهٔ ۸۹-۱۳۶۸

با توجه به سهم صنعت طیور در اشتغال و تولید ارزش افـزوده بخـش کشـاورزی براساس آمار وزارت جهاد کشاورزی و نقش تخم مرغ در سبد مصرف خانوار و درآمد صادراتی برای بخش کشاورزی، سیاست‌های حمـایتی مختلفـی بـه منظـور افـزایش تولید و توسعهٔ صنایع این محصول اجرا شده است. در دورهٔ جنگ دخالـت دولـت در بازار محصولات دامی بیشتر بود، بـه طـوری کـه در بعضـی مـوارد بـه طورمسـتقیم محصول را از تولیدکنندگان خریداری و با قیمت دولتی بین مردم توزیع می‌کـرد. در برنامهٔ اول توسعه با اجرای سیاست‌های آزادسازی، دخالت دولـت در زمینـهٔ تولیـد و بازار این محصول کاهش یافت. از سال ۱۳۷۲ با اصلاح قانون خرید تضمینی از تولید این محصول حمایت شد و پس از آن در بعضـی دوره‌هـا نیـز سیاسـت‌هـای قیمتـی

تعیین قیمت سقف و کف اجرا شد. در همهٔ سال‌ها بخش مهمی از نهاده‌های مورد نیاز توسط شرکت پشتیبانی امور دام با قیمتی کمتر از بازار آزاد داخلی و قیمت جهانی بین واحدهای دامپروری توزیع شده است که این تفاوت قیمت توزیع‌شده با قیمت جهانی به عنوان یارانه در نظر گرفته می‌شود[1]. آمار منتشرنشدهٔ این شرکت نشان می‌دهد از سال ۱۳۸۰، توزیع نهاده‌های دامی کاهش چشمگیری پیدا کرد که نشان‌دهندهٔ کاهش نقش تصدی‌گری دولت در بازار نهاده‌های دامی است. دولت همچنین با یارانهٔ صادراتی، بیمهٔ محصولات کشاورزی و تسهیلات بانکی در دورهٔ مورد بررسی (۱۳۸۹-۱۳۶۰) از تخم مرغ حمایت کرده است. در بیشتر سال‌ها با کنترل قیمت‌ها و یارانهٔ مصرف از مصرف‌کنندگان تخم مرغ نیز حمایت شده است.

در ادامه، نتایج محاسبهٔ شاخص‌های حمایت از تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان تخم مرغ (CSE٪، MPS ٪ ، PSE٪) تجزیه و تحلیل می‌شود. همچنین، اثر سیاست‌های ارزی و انحراف نرخ ارز بر مقادیر حمایت از این محصول طی برنامه‌های اول تا چهارم توسعه بررسی می‌شود. از کارکردهای پژوهش‌های اقتصادی افزون بر تبیین و تحلیل وضعیت‌های گذشته و کنونی، پیش‌بینی آیندهٔ شاخص‌های اقتصادی برای برنامه‌ریزی است. از این رو با فرض ادامهٔ روند رشد تخصیص یارانه‌ها همانند برنامهٔ چهارم و پیش‌بینی قیمت‌ها با استفاده از روش‌های درون‌یابی و میانگین متحرک با روشی که برای محصولات دیگر بیان شد، شاخص‌های حمایت از تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان تخم مرغ در برنامهٔ پنجم پیش‌بینی می‌شود.

---

[1]- بخشی از نهادهٔ تولیدی صنایع دام و طیور توسط شرکت پشتیبانی امور دام توزیع و بخشی در بازار آزاد تأمین می‌شود. تفاوت قیمت داخلی و بازار آزاد در بودجهٔ کشور در نظر گرفته می‌شود. اما تفاوت قیمت جهانی با قیمت بازار داخلی به طور مستقیم محاسبه نمی‌شود. در پژوهش پیش رو، با توجه به هدف محاسبهٔ حمایت کل از تولیدکنندگان، مجموع حمایت بودجه‌ای و حاصل ضرب تفاوت قیمت بازار داخلی با قیمت جهانی در مقدار مصرف نهاده به عنوان حمایت از نهادهٔ تولید در نظر گرفته شده است.

۱-۱-۴-۵ بررسی مقادیر حمایت بازاری از تولیدکنندگان تخم مرغ طی برنامه‌های توسعه

شاخص حمایت از قیمت بازاری(MPS) بیشتر بازتاب‌دهندهٔ سیاست‌های مؤثر بر قیمت و سیاست‌های ارزی است که به شکل ارزش پولی و درصدی محاسبه می‌شود. براساس روش‌شناسی بیان‌شده در فصل سوم این پژوهش این شاخص، نشان‌دهندهٔ انتقال به تولیدکنندگان از مصرف‌کنندگان، مالیات‌دهندگان و واردکنندگان است. شاخص درصدی حمایت از قیمت بازاری نسبت تفاوت قیمت دریافتی تولیدکنندگان داخلی را با قیمت جهانی تعدیل شده با نرخ ارز حقیقی یا تعادلی به قیمت جهانی نشان می‌دهد. اگر قیمت جهانی با نرخ ارز حقیقی تعدیل شود، اثر مستقیم و اگر با نرخ ارز تعادلی تعدیل شود، اثر کل محاسبه می‌شود. تفاضل این دو اثر نشان‌دهندهٔ برایند سیاست‌های ارزی است که اثرغیرمستقیم نامیده می‌شود. نتایج محاسبات حمایت از قیمت بازاری، به قیمت‌های ثابت طی برنامه‌های اول تا چهارم توسعه و پیش‌بینی برنامهٔ پنجم برای محصول تخم مرغ در جدول (۲-۱-۴-۵) ارائه شده است.

براساس نتایج انحراف نرخ ارز که از نسبت تفاوت نرخ حقیقی ارز و نرخ تعادلی آن نسبت به نرخ تعادلی ارز محاسبه می‌شود، در دوره‌های مختلف متفاوت بوده است. برای محاسبهٔ نرخ حقیقی ارز، نرخ ارز اسمی(بازاری) در نسبت متوسط موزون شاخص سطح عمومی قیمت‌های مهم‌ترین شرکای تجاری ایران به سطح عمومی قیمت‌های ایران ضرب می‌شود. نرخ تعادلی با استفاده از الگوی اقتصادسنجی تصحیح خطا تابعی از متغیرهای بنیادین اقتصاد شامل رابطهٔ مبادله، قیمت جهانی طلا، درجهٔ باز بودن اقتصاد، درآمد نفتی کشور، بهره‌وری کل اقتصاد، نسبت نرخ بهرهٔ جهانی به نرخ بهره در ایران است که نرخ ارز ایران را در شرایط تعادل بلندمدت اقتصاد نشان می‌دهد.

در دورهٔ جنگ با کاهش درآمد نفتی و همزمان نیاز کشور به ارز، با بیش برآورد ارزش ریال نسبت به دلار توسط دولت، انحراف نرخ ارز در سال پایانی جنگ(۱۳۶۷) به ۸۹ درصد افزایش پیدا کرد. در برنامهٔ اول توسعه با کم‌برآورد ارزش ریال نسبت به نرخ تعادلی، انحراف نرخ ارز منفی بود و در سال‌های پایانی این برنامه به دلیل اجرای سیاست‌های آزادسازی اقتصادی مقدار آن افزایش یافت. در سال‌های نخست برنامهٔ دوم انحراف نرخ ارز حقیقی از مقدار تعادلی بلندمدت اقتصاد منفی و در سال‌های بعد مثبت شد. در برنامهٔ سوم توسعه به منظور تشویق صادرات، سیاست بیش‌برآورد ارزش ریال دنبال شد، یعنی نرخ ارز تعادلی کمتر از نرخ حقیقی آن بود. همچنین نرخ ارز سالیانه با شیب ملایمی در حال رشد بود. در برنامهٔ چهارم نیز روند کاهش ارزش پول ملی ادامه داشت، اما رشد نرخ ارز تعادلی بیش از نرخ حقیقی آن بود. بنابراین سیاست‌های ارزی برنامهٔ چهارم موجب کم‌برآورد ارزش ریال شد.

براساس نتایج اثرمستقیم - بر حسب قیمت‌های ثابت سال پایهٔ ۱۳۸۴- در همهٔ سال‌ها حمایت بازاری از تولیدکنندگان تخم‌مرغ صورت نپذیرفته و سیاست‌های بخشی و ارزی دولت در بازار تخم‌مرغ مالیات پنهان بر آنان تحمیل کرده است. در دورهٔ جنگ با اجرای سیاست‌های قیمتی ۲۵۴۸ میلیارد ریال به قیمت ثابت سال ۱۳۸۴ از تولیدکنندگان به مصرف‌کنندگان و واردکنندگان انتقال پیدا کرد. از سال ۱۳۷۲ با اجرای سیاست‌های تعدیل اقتصادی مالیات تحمیل‌شده به تولیدکنندگان افزایش پیدا کرد و میانگین آن با ۶۳۷۰ میلیارد ریال به سال ثابت ۱۳۸۴ در برنامهٔ دوم توسعه بیشتر از برنامه‌های دیگر بود. در برنامهٔ سوم نیز با وجود افزایش قیمت‌های داخلی و کاهش قیمت خارجی، قیمت دریافتی تولیدکنندگان تخم مرغ کمتر از قیمت مرجع تعدیل‌شده با نرخ حقیقی ارز بود اما سیاست‌های در جهت کاهش زیان تولیدکنندگان تغییر کرد. در برنامهٔ چهارم مالیات پنهان تحمیل‌شده به تولیدکنندگان به ۲۹۶۴ میلیارد ریال به قیمت ثابت سال ۱۳۸۴ کاهش پیدا کرد. با

فروض بیان شده، در برنامهٔ پنجم، در مقایسه با قیمت‌های جهانی، پرداختی به تولیدکنندگان تخم‌مرغ صورت نمی‌پذیرد. به عبارت دیگر، اگر دولت اجازهٔ فروش تخم مرغ داخلی در بازارهای جهانی را ندهد، تولیدکنندگان تخم مرغ دریافتی کمتری خواهند داشت و ناگزیر از پرداخت مالیات پنهان خواهند بود. از آنجا که براساس آمار منتشرشدهٔ مرکز آمار ایران، قیمت داخلی در همهٔ سال‌های مورد بررسی این پژوهش روندی صعودی داشته است، نوسان شاخص حمایت از قیمت بازاری برآمده از نوسان نرخ ارز، قیمت جهانی و مقادیر تولید و مصرف تخم مرغ است. افزایش نسبی حمایت‌ها در برنامهٔ چهارم، به دلیل رشد فزایندهٔ قیمت‌های داخلی در مقایسه با قیمت جهانی بود. تداوم زیان تولیدکنندگان با فعالیت در بازار داخلی، موجب کاهش تولید داخلی تخم مرغ و تضعیف صنایع طیور می‌شود و در نهایت به نیاز واردات می‌انجامد. تفاوت زیاد قیمت داخلی با قیمت جهانی برآمده از روش قیمت‌گذاری تخم‌مرغ در شورای رقابت است، زیرا تعیین قیمت از یک سو تحت تأثیر هزینهٔ تولید و از سوی دیگر با هدف تنظیم بازار به سود مصرف‌کننده بوده است.

جدول ۲-۱-۴-۵) شاخص‌های حمایت بازاری(MPS) از تولیدکنندگان تخم مرغ

برنامه های توسعه	درصد انحراف نرخ ارز	سال	ارزش اثرمستقیم به قیمت ثابت سال ۱۳۸۴ (میلیارد ریال)	ارزش اثر کل به قیمت ثابت سال ۱۳۸۴ (میلیارد ریال)	%MPS اثر مستقیم	%MPS اثر غیرمستقیم	%MPS اثر کل
دورهٔ جنگ	۲۶/۸۱	۱۳۶۰	-۲۰۴۴	-۱۱۰۲	-۴۵/۵۸	۱۴/۴۷	-۳۱/۱۱
	۳۸/۹۰	۱۳۶۱	-۱۴۶۵	-۲۶۵	-۳۳/۹۱	۲۵/۴۲	-۸/۴۹
	۳۸/۶۷	۱۳۶۲	-۱۸۵۷	-۵۵۲	-۳۹/۳۷	۲۳/۱۹	-۱۶/۱۹
	۴۷/۶۸	۱۳۶۳	-۲۲۶۳	-۳۵۵	-۳۸/۰۱	۲۹/۲۵	-۸/۷۶
	-۱۳/۱۶	۱۳۶۴	-۲۱۰۶	-۲۹۷۸	-۳۶/۲۹	-۸/۳۳	-۴۴/۶۲
	-۲/۷۱	۱۳۶۵	-۳۲۷۱	-۳۴۶۱	-۴۷/۵۱	-۱/۴۱	-۴۸/۹۳
	۷۵/۷۲	۱۳۶۶	-۴۷۹۶	-۱۰۴۸	-۵۴/۸۱	۳۳/۸۵	-۲۰/۹۵
	۸۹/۸۷	۱۳۶۷	-۲۵۷۹	۲۸۷	-۴۲/۱۹	۵۱/۰۴	۸/۸۵
	۳۷/۷۲	میانگین	-۲۵۴۸	-۱۱۸۴	-۴۲/۲۱	۲۰/۹۳	-۲۱/۲۸
برنامهٔ اول توسعهٔ اقتصادی و اجتماعی	۵۰/۶۲	۱۳۶۸	-۳۸۸۱	-۱۴۲۷	-۵۲/۷۱	۲۳/۶۴	-۲۹/۰۷
	-۴/۳۰	۱۳۶۹	-۵۵۱۸	-۵۹۱۰	-۶۲/۶۹	-۱/۵۹	-۶۴/۲۹
	-۱۰/۸۴	۱۳۷۰	-۵۵۵۱	-۶۶۳۴	-۶۱/۷۱	-۴/۱۲	-۶۵/۸۲
	-۴۷/۰۳	۱۳۷۱	-۴۱۴۹	-۱۱۳۶۰	-۵۰/۴۶	-۲۳/۱۵	-۷۳/۶۱
	-۵۱/۴۱	۱۳۷۲	-۴۳۶۴	-۱۴۲۶۴	-۴۶/۰۷	-۲۷/۵۶	-۷۳/۶۳
	-۴۱/۲۹	۱۳۷۳	-۶۳۹۱	-۱۴۵۰۴	-۵۴/۷۲	-۱۸/۵۶	-۷۳/۲۸
	-۱۷/۳۸	میانگین	-۴۹۷۶	-۹۰۱۶	-۵۴/۷۳	-۸/۵۶	-۶۳/۲۸
برنامهٔ دوم توسعهٔ اقتصادی و اجتماعی	-۳۱/۹۷	۱۳۷۴	-۶۳۳۰	-۱۱۵۲۷	-۵۶/۸۲	-۱۳/۷۳	-۷۰/۵۶
	-۱۶/۱۸	۱۳۷۵	-۷۲۶۹	-۹۵۹۲	-۵۹/۸۲	-۶/۴۵	-۶۶/۲۷
	-۰/۸۹	۱۳۷۶	-۵۵۳۰	-۵۶۱۲	-۵۹/۹۴	-۰/۳۵	-۶۰/۳۰
	۳۳/۱۵	۱۳۷۷	-۶۱۸۲	-۳۵۹۶	-۶۰/۱۲	۱۳/۴۰	-۴۶/۷۳
	۲۹/۱۰	۱۳۷۸	-۶۵۳۹	-۳۹۲۲	-۵۶/۸۶	۱۲/۷۱	-۴۴/۱۵
	۲/۶۴	میانگین	-۶۳۷۰	-۶۸۵۰	-۵۸/۷۱	۱/۱۱	-۵۷/۶۰
برنامهٔ سوم توسعهٔ اقتصادی و اجتماعی	۱۶/۹۶	۱۳۷۹	-۴۲۷۰	-۲۸۶۴	-۴۴/۵۲	۹/۵۳	-۳۴/۹۹
	۱۶/۵۴	۱۳۸۰	-۲۷۶۹	-۱۵۷۸	-۳۳/۴۱	۱۱/۱۷	-۲۲/۲۴
	۱۲/۹۹	۱۳۸۱	-۳۳۰۱	-۲۴۴۷	-۴۵/۰۷	۷/۲۵	-۳۷/۸۲
	۳/۸۵	۱۳۸۲	-۴۰۷۷	-۳۷۵۶	-۴۷/۷۵	۲/۰۴	-۴۵/۷۱
	-۲/۷۹	۱۳۸۳	-۴۰۸۸	-۴۳۳۲	-۴۸/۶۴	-۱/۴۵	-۵۰/۰۹
	۹/۵۱	میانگین	-۳۷۰۱	-۲۹۹۶	-۴۳/۸۸	۵/۷۱	-۳۸/۱۷
برنامهٔ چهارم توسعهٔ اقتصادی و اجتماعی	-۶/۱۸	۱۳۸۴	-۴۵۲۲	-۵۱۲۳	-۵۰/۳۲	-۳/۱۱	-۵۳/۴۳
	-۱۰/۷۰	۱۳۸۵	-۳۲۱۷	-۴۱۰۹	-۴۳/۹۵	-۶/۰۹	-۵۰/۰۴
	-۱۳/۰۹	۱۳۸۶	-۳۰۴۰	-۴۱۳۹	-۴۲/۳۹	-۷/۶۶	-۵۰/۰۵
	-۷/۷۴	۱۳۸۷	-۲۷۶۵	-۳۳۷۲	-۳۸/۸۶	-۴/۸۱	-۴۳/۶۷
	-۳/۳۲	۱۳۸۸	-۲۳۹۱	-۲۶۲۴	-۳۵/۹۰	-۲/۱۷	-۳۸/۰۷
	-۱۷/۴۵	۱۳۸۹	-۱۸۵۱	-۳۲۲۹	-۲۸/۸۷	-۱۲/۵۹	-۴۱/۴۶
	-۹/۷۵	میانگین	-۲۹۶۴	-۳۷۶۶	-۴۰/۰۵	-۶/۰۷	-۴۶/۱۲
پیش بینی برنامهٔ پنجم توسعهٔ اقتصادی و اجتماعی	-۱۹/۲۲	۱۳۹۰	-۲۴۴۳	-۳۹۷۲	-۳۸/۸۱	-۱۱/۹۶	-۵۰/۷۷
	-۲۱/۱۴	۱۳۹۱	-۴۵۴۴	-۶۷۹۷	-۵۴/۸۶	-۹/۶۵	-۶۴/۵۲
	-۲۳/۰۷	۱۳۹۲	-۵۰۶۳	-۷۷۱۶	-۵۷/۹۹	-۹/۷۹	-۶۷/۷۸
	-۲۴/۹۸	۱۳۹۳	-۵۶۳۳	-۸۷۴۵	-۶۰/۹۹	-۹/۸۳	-۷۰/۸۲
	-۲۲/۰۹	۱۳۹۴	-۶۹۰۳	-۹۸۹۶	-۶۶/۰۸	-۷/۵۵	-۷۳/۶۴
	-۲۲/۱۰	میانگین	-۴۹۱۷	-۷۴۲۵	-۵۵/۷۵	-۹/۷۶	-۶۵/۵۰

منبع: یافته‌های پژوهش

حمایت قیمتی کل با نرخ ارز تعادلی، در برنامهٔ اول توسعه به دلیل کم‌برآورد شدید ارزش ریال کمترین مقدار را داشته است و دامپروران ۹۰۱۶ میلیارد ریال به قیمت ثابت سال ۱۳۸۴ مالیات پنهان پرداخت کرده‌اند. در دیگر دوره‌ها نیز دریافتی دامپروران در داخل، نسبت به قیمت جهانی تعدیل‌شده با نرخ ارز تعادلی و هزینه‌های حمل و نقل، کمتر بوده است و پیش‌بینی می‌شود در برنامهٔ پنجم نیز این روند ادامه داشته باشد. در برنامهٔ سوم توسعه، انتقال از تولیدکنندگان به مصرف‌کنندگان و واردکنندگان با نرخ ارز تعادلی به طور میانگین، ۲۹۹۶ میلیارد ریال به قیمت ثابت سال ۱۳۸۴ محاسبه شد. کاهش مالیات تحمیل‌شده به دامپروران در این برنامه، برآمده از کاهش نسبی قیمت‌های جهانی و روند افزایشی قیمت داخلی، همزمان با اجرای سیاست شناورسازی نرخ ارز و کاهش دخالت دولت در بازار نهاده‌های دامی، بود. می‌توان نتیجه گرفت، افزایش تولید و صادرات از سال ۱۳۷۸ که در برنامهٔ چهارم نیز ادامه داشت، در پی اجرای این سیاست‌ها بوده است. مقایسهٔ اثرکل و اثرمستقیم نشان می‌دهد اعمال نرخ ارز تعادلی بلندمدت اقتصاد در برنامهٔ سوم زیان کمتری را به دامپروران تحمیل کرده است، در حالی که نرخ ارز حقیقی در برنامهٔ چهارم حمایت بیشتری در پی داشته است.

حمایت درصدی از قیمت بازاری (MPS٪) بر مبنای نرخ ارز حقیقی (اثر مستقیم) تا سال ۱۳۷۷ به دلیل ثبات نسبی قیمت‌ها کاهشی بود و در این سال تولیدکنندگان ایرانی نسبت به رقبای جهانی ۶۰ درصد کمتر دریافت کردند که نشان می‌دهد سیاست‌های قیمتی، دامپروران ایران را نسبت به قیمت پیش روی رقبای جهانی حمایت نکردند. در برنامهٔ سوم توسعه با اجرای سیاست‌های قیمت سقف و کف، همزمان با کاهش قیمت جهانی، درآمد تولیدکنندگان ۴۰ درصد کاهش یافت. با فروض بیان‌شده برای پیش‌بینی برنامهٔ پنجم، زیان پرداختی دامپروران در این برنامه از برنامه‌های سوم و چهارم بیشتر خواهد شد که دامپروران با ادامهٔ

سیاست‌های ارزی و بخشی به طور میانگین حدود ۵۵ درصد کمتر از قیمت بازار جهانی دریافت می‌کنند.

بررسی اثرکل حمایت از قیمت بازاری نیز روندی مشابه اثرمستقیم و مقدار ارزشی خود را نشان می‌دهد و تعدیل قیمت جهانی با نرخ ارز تعادلی به طور میانگین در سه دهه(۱۳۸۹-۱۳۶۰) بیانگر ۴۳- درصد حمایت منفی از تولیدکنندگان است. یعنی اگر نرخ ارز تعادلی برقرار بود، سیاست‌های بخشی قیمتی و ارزی به گونه‌ای می‌شد که تولیدکنندگان در مقابل رقبای خارجی خود، نه تنها حمایت نمی‌شدند، بلکه مالیات نیز بر آنها تحمیل می‌شد که این در کاهش قدرت رقابت‌پذیری تولیدکنندگان تخم مرغ ایرانی بسیار مؤثر بوده و اثر آن در نوسان صادرات محصول نمایان است.

اثر غیرمستقیم که تفاضل اثرکل و اثرمستقیم است، نشان می‌دهد سیاست‌های ارزی تا چه اندازه تقویت‌کنندهٔ سیاست‌های بخشی در زمینهٔ قیمت محصول هستند. در سال‌هایی که نرخ حقیقی ارز بیش از نرخ ارز تعادلی است، حمایت قیمتی از تولیدکنندگان در پی اجرای سیاست ارزی مثبت است و برعکس. یادآوری می‌شود انحراف نرخ ارز نسبت فاصلهٔ نرخ ارز حقیقی از تعادلی به نرخ ارز تعادلی است که به شکل درصدی بیان می‌شود. براساس جدول (۲-۱-۴-۵) در همهٔ سال‌ها اثرغیرمستقیم کمتر از انحراف نرخ ارز است که تأثیرگذاری اندک نرخ ارز را در تعیین قیمت داخلی نشان می‌دهد. در سال‌های جنگ، با وجود بیش برآورد ارزش ریال، درصد اثرغیرمستقیم به طور میانگین ۲۰ درصد است، اما از سال ۱۳۷۱ و با اجرای سیاست‌های آزادسازی نرخ ارز که انحراف نرخ ارز منفی و ارزش پول ملی کاهش بسیاری پیدا کرد، اثر غیرمستقیم نیز منفی شد. این بدین معنی است که در دورهٔ جنگ، تقویت پول ملی در حمایت قیمتی از تولیدکنندگان تخم مرغ اثر مثبت داشت، اما کاهش ارزش پول ملی کاهندهٔ حمایت بازاری از تولیدکنندگان بود. پس از

یک دوره حمایت بازاری منفی از دامپروران در پی اجرای سیاست‌های تعدیل اقتصادی، حمایت از آنان از میانهٔ برنامهٔ دوم توسعه تا پایان برنامهٔ سوم مثبت بود؛ یعنی سیاست‌های ارزی تقویت‌کنندهٔ سیاست‌های بخشی بود. اما در برنامه‌های چهارم و پنجم کم‌برآورد ارزش ریال اثر منفی سیاست‌های بخشی را تقویت کرد. مقایسهٔ مقادیر مطلق اثر غیرمستقیم و اثرمستقیم در MPS٪ نشان می‌دهد، در بیشتر سال‌ها اثرمستقیم بیشتر از اثر غیرمستقیم بوده است که بیانگر نقش مهم‌تر سیاست‌های خاص بخش کشاورزی در چگونگی حمایت از تولیدکنندگان تخم مرغ در مقایسه با سیاست‌های ارزی است.

۲-۱-۴-۵ بررسی مقادیر حمایت کل از تولیدکنندگان تخم مرغ طی برنامه‌های توسعه

براساس آنچه در فصل‌های پیشین بیان شد، حمایت از تولیدکنندگان، حمایت‌های بازاری(MPS) و پرداخت‌های بودجه‌ای(BP) را در برمی‌گیرد که در بخش قبل حمایت‌های بازاری از محصول تخم مرغ تحلیل شد. در این بخش با مرور سیاست‌های بازاری، سیاست‌های حمایتی اجراشده در ایران برای تولید تخم مرغ طی چهار برنامه توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی به طور خلاصه معرفی می‌شود:

۱- کنترل مقدار تولید محصولات از راه کنترل صدور مجوزها و پروانه‌های تولید؛

۲- تثبیت قیمت از راه کنترل عرضه و تقاضای محصول؛

۳- سیاست پرداخت یارانهٔ صادراتی برای صادرات گوشت مرغ و تخم‌مرغ؛

۴- تعیین تعرفه‌های وارداتی و دریافت مابه التفاوت از واردات؛

۵- اجرای سیاست‌های قیمتی مانند قیمت‌های هدف، کف و سقف؛

۶- پرداخت یارانه‌های مصرفی؛

۷- پرداخت یارانه به نهاده‌های تولید (یارانه پرداختی به دارو و درمان، سوخت و خوراک دام)؛
۸- اعطای تسهیلات بانکی ارزان قیمت و
۹- پوشش بیمه‌ای و پرداخت بخشی از حق بیمه.

افزون بر این سیاست‌ها، دولت با تأثیرگذاری بر بازاررسانی محصول، پرداخت یارانه‌های حمل‌ونقل، وضع مقررات بهداشتی، درجه‌بندی، بازرسی و کنترل کیفیت، ایجاد تسهیلات انبارداری و نگهداری به حمایت از بخش طیور می‌پردازد.

یارانه‌های تولیدی که در این بخش یارانه‌های بودجه‌ای نامیده می‌شود، با کاهش هزینهٔ تولید دامپروران از آنان حمایت می‌کند. این پرداخت‌ها کمتر به شکل پرداخت مستقیم یارانه است و به طور معمول به شکل سیاست‌های قیمتی در بازار نهاده و توزیع نهادهٔ ارزان‌قیمت است. از این رو بخش عمدهٔ حمایت بودجه‌ای از تولیدکنندگان ایرانی را حمایت‌های قیمتی در بازار نهاده در برمی‌گیرد که نرخ ارز در آن نقش چشمگیری دارد. یارانهٔ پرداختی به نهاده‌های خوراک دام که برای تخم‌مرغ شامل کنجالهٔ سویا، ذرت، پودرماهی و گندم است، براساس تفاوت قیمت داخلی و خارجی، مقدار مصرف نهاده برای محصول و سطح تولید با رابطهٔ زیر محاسبه می‌شود:

$$(p_w - p_d)\times Q\times A$$

که در آن p_d و p_w به ترتیب قیمت داخلی و قیمت خارجی تعدیل‌شده با نرخ ارز حقیقی یا تعادلی با افزودن هزینهٔ حمل و نقل نهاده‌ها، Q مقدار مصرف نهاده در هر کیلوگرم محصول بر حسب کیلوگرم و A تولید محصول بر حسب کیلوگرم است. یارانهٔ انرژی نیز براساس رابطهٔ بالا محاسبه می‌شود. اطلاعات مقدار مصرف انرژی بر حسب برق و گاز و نهاده‌های خوراک دام و ترکیب جیره از محاسبات کشوری

معاونت دام و طیور وزارت جهاد کشاورزی استخراج شده است. تسهیلات اعطایی بانک‌ها نیز تا پیش از سال ۱۳۸۴ و یکسان‌سازی نرخ سود تسهیلات بخش‌های مختلف اقتصاد، به صورت تسهیلات ارزان‌قیمت به دامپروران پرداخت می‌شد که در محاسبات از تفاوت نرخ سود بخش کشاورزی و میانگین وزنی نرخ سود دیگر بخش‌های اقتصادی استفاده شده است.

نتایج محاسبهٔ این پرداخت‌ها با توجه به آنچه در بخش‌های قبل بیان شد، در جدول (۳-۱-۴-۵) آمده است. براساس آن حمایت‌های بودجه‌ای در قیمت‌های ثابت سال ۱۳۸۴ از ۳۲۶ میلیارد ریال در دورهٔ جنگ، به ۲۷۴ میلیارد ریال در برنامهٔ چهارم افزایش پیدا کرده است. با توجه به کاهش دخالت دولت در بازار نهاده‌های طیور، حمایت‌های بودجه‌ای روند کاهشی داشته و در بعضی سال‌ها به دلیل حمایت از تولیدکنندگان محصولات زراعی منفی بوده است. حمایت بودجه‌ای از تولیدکنندگان تخم‌مرغ در سال‌های ۱۳۸۰ تا ۱۳۸۹، همزمان با اجرای سیاست شناورسازی مدیریت‌شدهٔ نرخ ارز، از ۱۰۱ به ۴۳۲ میلیارد ریال به قیمت ثابت سال ۱۳۸۴ افزایش پیدا کرد. مانند محصولات دیگر، نهاده‌های خوراک دام و انرژی بیشترین سهم حمایت‌های بودجه‌ای از تخم‌مرغ را شامل می‌شوند. به دلیل نوسان در قیمت‌های داخلی و جهانی نهاده‌های خوراک دام سهم آنها در سال‌های مختلف نوسان داشت، اما در بیشتر سال‌ها سهم دو گروه نزدیک به هم بود. در برنامهٔ چهارم توسعه با افزایش تفاوت قیمت‌های داخلی وجهانی انرژی همراه با کاهش ارزش پول ملی حمایت از تولیدکنندگان بیشتر از برنامهٔ سوم بود. پیش‌بینی می‌شود در برنامهٔ پنجم توسعه با رشد حمایت‌های بیمه‌ای همزمان با کاهش حمایت برآمده از تفاوت قیمت خوراک دام داخلی و خارجی، سهم حمایت‌های انواع خوراک دام کمتر از برنامه‌های دیگر باشد.

جدول ۳-۱-۴-۵) حمایت بودجه‌ای از تولیدکنندگان تخم مرغ در نرخ حقیقی ارز (میلیارد ریال- ثابت سال ۱۳۸۴)

برنامه های توسعه	سال	نهاده های خوراک دام و واکسن و دارو	انرژی	بیمه	تسهیلات بانکی	کل حمایت بودجه ای	سهم نهاده های خوراک دام(٪)	سهم انرژی(٪)
دورهٔ جنگی	۱۳۶۰	-۲۱/۸۹	۷۱/۸۲	۰/۰۰	۴/۲۴	۵۴/۲۷	۲۲/۲۷	۷۳/۴۰
	۱۳۶۱	۴۳/۰۹	۸۵/۹۸	۰/۰۰	۴/۲۳	۱۳۳/۳۰	۳۲/۳۳	۶۴/۵۰
	۱۳۶۲	۲۴۱/۵۲	۹۷/۲۳	۰/۰۰	۵/۲۴	۳۴۴/۰۰	۷۰/۲۱	۲۸/۲۷
	۱۳۶۳	۴۴۷/۹۲	۱۲۱/۸۱	۰/۰۰	۱۳/۲۲	۵۸۲/۹۵	۷۶/۸۴	۲۰/۸۹
	۱۳۶۴	۳۱۱/۹۱	۱۳۰/۲۷	۰/۰۰	۱۶/۶۰	۴۵۸/۷۸	۶۷/۹۹	۲۸/۳۹
	۱۳۶۵	۱۱۴/۰۲	۱۶۶/۳۴	۰/۰۰	۱۴/۸۶	۲۹۵/۲۱	۳۸/۶۲	۵۶/۳۴
	۱۳۶۶	۱۷۱/۴۰	۲۰۱/۸۷	۰/۰۰	۱۲/۰۷	۳۸۵/۳۴	۴۴/۴۸	۵۲/۳۹
	۱۳۶۷	۱۷۳/۹۷	۱۶۵/۰۸	۰/۰۰	۱۶/۲۵	۳۵۵/۲۹	۴۸/۹۶	۴۶/۴۶
	میانگین	۱۸۵/۲۵	۱۳۰/۰۵	۰/۰۰	۱۰/۸۴	۳۲۶/۱۴	۵۰/۲۱	۴۶/۳۳
برنامهٔ اول توسعهٔ اقتصادی و اجتماعی	۱۳۶۸	۴۳۳/۳۷	۲۱۳/۲۸	۰/۰۰	۱۶/۴۷	۶۶۳/۱۲	۶۵/۳۵	۳۲/۱۶
	۱۳۶۹	۴۷۸/۸۴	۳۰۴/۱۷	۰/۰۰	۵۳/۵۹	۸۳۶/۵۹	۵۷/۲۴	۳۶/۳۶
	۱۳۷۰	۲۴۶/۱۷	۲۴۳/۵۹	۰/۰۰	۵۶/۵۵	۵۴۶/۳۰	۴۵/۰۶	۴۴/۵۹
	۱۳۷۱	-۳۳۵/۸۴	۲۲۷/۹۰	۰/۰۰	۶۹/۲۲	-۳۸/۷۲	۵۳/۰۶	۳۶/۰۱
	۱۳۷۲	-۲۷۱/۷۶	۲۲۵/۳۸	۰/۰۰	۳۵/۷۴	-۱۰/۶۴	۵۱/۰۰	۴۲/۲۹
	۱۳۷۳	۱۴۳/۵۳	۳۲۸/۲۴	۰/۰۰	۵۰/۲۳	۵۲۲/۰۰	۲۷/۵۰	۶۲/۸۸
	میانگین	۱۱۵/۷۲	۲۵۷/۰۹	۰/۰۰	۴۶/۹۶	۴۱۹/۷۷	۴۹/۸۷	۴۲/۳۸
برنامهٔ دوم توسعهٔ اقتصادی و اجتماعی	۱۳۷۴	۱۷۳/۸۴	۳۰۱/۵۱	۰/۰۰	۳۴/۱۰	۵۰۹/۴۵	۳۴/۱۲	۵۹/۱۸
	۱۳۷۵	-۳۲/۴۱	۳۲۷/۱۰	۰/۰۰	۴۶/۸۷	۳۴۱/۵۶	۷/۹۸	۸۰/۴۹
	۱۳۷۶	۱۴۰/۷۴	۲۳۷/۷۱	۰/۹۴	۳۷/۱۱	۴۱۶/۴۹	۳۳/۷۹	۵۷/۰۷
	۱۳۷۷	-۲۷۷/۳۲	۲۱۸/۱۹	۱/۷۷	۳۶/۵۲	-۲۰/۸۳	۵۱/۹۵	۴۰/۸۷
	۱۳۷۸	-۱۳۵/۱۴	۴۴۵/۶۲	۲/۹۸	۴۳/۴۷	۳۵۶/۹۳	۲۱/۵۵	۷۱/۰۵
	میانگین	-۲۶/۰۶	۳۰۶/۰۳	۱/۱۴	۳۹/۶۱	۳۲۰/۷۲	۲۹/۸۸	۶۱/۷۳
برنامهٔ سوم توسعهٔ اقتصادی و اجتماعی	۱۳۷۹	-۴۰۷/۴۷	۴۶۳/۳۴	۱/۷۲	۳۸/۸۲	۹۶/۴۱	۴۴/۷۱	۵۰/۸۴
	۱۳۸۰	-۲۴۴/۴۴	۳۰۶/۸۱	۲/۳۴	۳۶/۵۲	۱۰۱/۲۴	۴۱/۴۲	۵۱/۹۹
	۱۳۸۱	-۵۲۶/۰۱	۳۲۰/۷۸	۴۷/۲۸	۱۹/۰۲	-۱۳۸/۹۳	۵۷/۶۱	۳۵/۱۳
	۱۳۸۲	-۴۵۵/۷۴	۳۹۵/۴۸	۰/۴۵	۲۳/۷۷	-۳۶/۰۵	۵۲/۰۶	۴۵/۱۷
	۱۳۸۳	-۲۹۰/۴۵	۴۸۸/۹۱	۵/۷۱	۲۷/۳۳	۲۳۱/۴۹	۳۵/۷۵	۶۰/۱۸
	میانگین	-۳۸۴/۸۲	۳۹۵/۰۶	۱۱/۵۰	۲۹/۰۹	۵۰/۸۳	۴۶/۳۱	۴۸/۶۶
برنامهٔ چهارم توسعهٔ اقتصادی و اجتماعی	۱۳۸۴	-۲۷۸/۸۱	۶۹۹/۴۶	۳/۴۰	۰/۰۰	۴۲۴/۰۴	۲۸/۴۰	۷۱/۲۵
	۱۳۸۵	-۴۵۱/۲۵	۵۹۴/۲۸	۲۲۱/۳۴	۰/۰۰	۳۶۴/۳۷	۳۵/۶۲	۴۶/۹۱
	۱۳۸۶	-۷۴۴/۹۵	۶۸۵/۴۱	۲۳۵/۱۱	۰/۰۰	۱۷۵/۵۷	۴۴/۷۳	۴۱/۱۵
	۱۳۸۷	-۵۶۰/۸۶	۴۸۰/۰۳	۲۲۰/۰۷	۰/۰۰	۱۳۹/۲۵	۴۴/۴۸	۳۸/۰۷
	۱۳۸۸	-۶۰۷/۲۸	۴۳۹/۵۶	۲۷۹/۰۷	۰/۰۰	۱۱۱/۳۶	۴۵/۸۰	۳۳/۱۵
	۱۳۸۹	-۴۷۸/۸۸	۴۹۶/۹۹	۴۱۴/۶۷	۰/۰۰	۴۳۲/۷۹	۳۴/۴۴	۳۵/۷۴
	میانگین	-۵۲۰/۳۴	۵۶۵/۹۶	۲۲۸/۹۴	۰/۰۰	۲۷۴/۵۶	۳۸/۹۱	۴۴/۳۸
پیش بینی برنامهٔ پنجم توسعهٔ اقتصادی و اجتماعی	۱۳۹۰	-۲۱۰/۴۵	۴۵۱/۰۵	۴۷۲/۳۳	۰/۰۰	۷۱۲/۹۳	۱۸/۵۶	۳۹/۷۸
	۱۳۹۱	۱۹۴/۵۲	۵۹۲/۵۹	۵۷۵/۲۵	۰/۰۰	۱۳۶۲/۳۶	۱۴/۲۸	۴۳/۵۰
	۱۳۹۲	۲۱۸/۵۹	۶۳۸/۷۰	۷۱۰/۰۵	۰/۰۰	۱۵۶۷/۳۴	۱۳/۹۵	۴۰/۷۵
	۱۳۹۳	۲۶۹/۸۷	۶۸۷/۰۵	۸۷۹/۴۴	۰/۰۰	۱۸۳۶/۳۷	۱۴/۷۰	۳۷/۴۱
	۱۳۹۴	۴۱۸/۳۳	۷۸۸/۱۶	۱۰۹۲/۷۷	۰/۰۰	۲۲۹۹/۲۵	۱۸/۱۹	۳۴/۲۸
	میانگین	۱۷۸/۱۷	۶۳۱/۵۱	۷۴۵/۹۷	۰/۰۰	۱۵۵۵/۶۵	۱۵/۹۴	۳۹/۱۴

منبع: یافته‌های پژوهش

حمایت به شکل تسهیلات بانکی در برنامهٔ اول توسعه بیشترین مقدار را داشت و در برنامهٔ دوم نوسانی بود. در برنامهٔ سوم توسعه نیز براساس آمار بانک مرکزی، حمایت از صنایع پرورش طیور به صورت اعطای تسهیلات بانکی کمتر از دوره‌های دیگر بود. در برنامهٔ چهارم به منظور هدایت سرمایه به بخش‌های پربازده، با کاهش تفاوت نرخ سود تسهیلات بانکی بخش‌های اقتصادی، از تولیدکنندگان تخم‌مرغ از راه پرداخت تسهیلات بانکی در مقایسه با دیگر بخش‌های اقتصادی، حمایتی نشد. پرداخت سهم دولت در بیمهٔ محصول تخم مرغ نیز پس از آغاز در سال ۱۳۷۶، با نوسان زیادی همراه بود، اما در برنامهٔ چهارم توسعه افزایش چشگیری یافت و به طور میانگین ۲۲۸ میلیارد ریال - در قیمت‌های ثابت سال ۱۳۸۴- بود. با توجه به روند افزایشی حمایت از بیمهٔ تخم مرغ در برنامهٔ چهارم توسعه، پیش‌بینی می‌شود در برنامهٔ پنجم حمایت بیمه‌ای دولت از این محصول ۷۴۵ میلیارد ریال به قیمت ثابت سال ۱۳۸۴ افزایش پیدا کند.

همان‌طورکه در نمودار (۲-۱-۴-۵) مشاهده می‌شود، پرداخت‌های بودجه‌ای در قیمت‌های ثابت سال ۱۳۸۴ پس از جنگ دارای روند نوسانی و در برنامهٔ سوم توسعه، با افزایش تولید تخم مرغ، اجرای سیاست شناورسازی نرخ ارز و پرداخت یارانه‌های واکسن و دارو و جوایز صادراتی، حمایت بودجه‌ای از دامپروران فزاینده بود. در سال‌های ۱۳۷۱ و ۱۳۸۱ هم‌زمان با اجرای سیاست‌های آزادسازی، به دلیل کاهش نسبی ارزش ریال و افزایش قیمت خارجی تعدیل‌شده با نرخ ارز و هزینهٔ حمل و نقل محصولات زراعی، تولیدکنندگان تخم‌مرغ برای تأمین خوراک دام ناگزیر از پرداخت مالیات پنهان شدند.

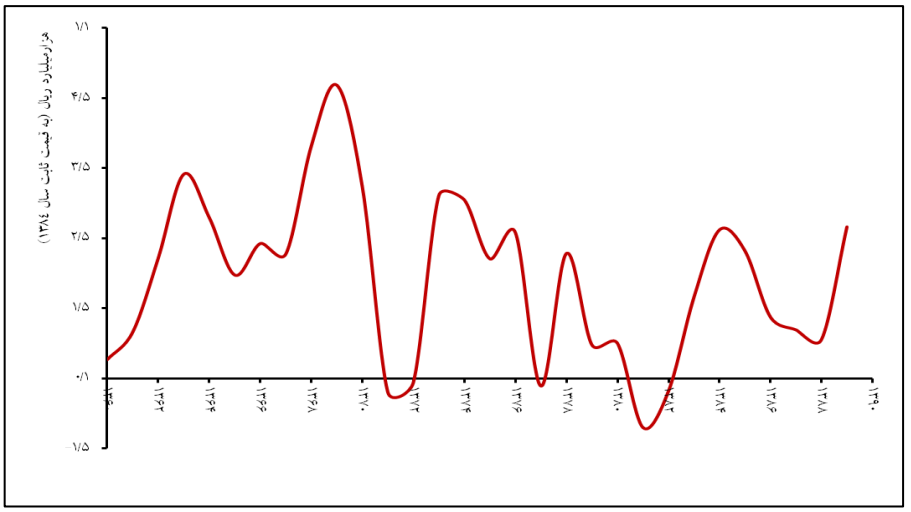

نمودار ۲-۱-۴-۵) نمودار روند پرداخت‌های بودجه‌ای دولت‌ها طی برنامه‌های مختلف توسعه

پس از بررسی اجزای حمایت از تولیدکننده، یعنی حمایت قیمتی و پرداخت‌های بودجه‌ای در جدول (۴-۱-۴-۵) نتایج محاسبهٔ شاخص‌های حمایت از تولیدکننده آمده است. در این جدول نیز مانند جدول (۲-۱-۴-۵) انحراف نرخ ارز حقیقی از تعادلی در کنار شاخص‌های حمایت از تولیدکنندگان (PSE) در برنامه‌های توسعهٔ ایران بررسی می‌شود. میانگین انحراف نرخ ارز در دورهٔ جنگ و برنامه‌های دوم و سوم توسعه مثبت بوده است و بیش‌برآورد ارزش حقیقی ریال نسبت به ارزش تعادلی آن را نشان می‌دهد.

یکی از اهداف این پژوهش، بررسی اثر سیاست‌های ارزی و انحراف نرخ ارز بر مقادیر شاخص‌های حمایت از تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان (٪PSE، ٪MPS و ٪CSE) است که به این منظور اثرهای مستقیم، کل و غیرمستقیم براساس نرخ‌های ارز حقیقی و تعادلی محاسبه می‌شود. اثرمستقیم که در آن قیمت‌های جهانی مورد

استفاده در محاسبه‌ها با نرخ ارز حقیقی تعدیل می‌شود، بیانگر وضعیت موجود حمایت از تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان تخم مرغ بر اثر سیاست‌های در حال اجرای زیربخش دامپروری و ارزی است. اثر کل، حمایت از آنان را در شرایط اعمال نرخ ارز تعادلی برآمده از متغیرهای کلان اقتصادی در بلندمدت نشان می‌دهد. اثرغیرمستقیم که حاصل تفاضل اثرکل و اثرمستقیم است، نشان‌دهندهٔ اثر سیاست‌های ارزی در چگونگی رقابت‌پذیری بلندمدت تخم مرغ نسبت به رقبای جهانی است. اگر این شاخص مثبت باشد، یعنی سیاست‌های ارزی بر سطح رقابت‌پذیری بلندمدت دامپروران ایرانی افزوده است و برعکس.

شاخص برآورد حمایت از تولیدکننده (PSE) که مجموع حمایت از قیمت بازاری(MPS) و حمایت‌های بودجه‌ای(BP) را نشان می‌دهد، بیانگر آن است که سیاست‌های بخشی و ارزی دولت به سمت کاهش مالیات تحمیل‌شده به تولید و تولیدکننده در جریان است. در برنامهٔ اول توسعه با اجرای سیاست‌های آزادسازی، مالیات پنهان تحمیل‌شده به تولیدکنندگان افزایش پیدا کرد و تا آغاز دههٔ ۱۳۸۰ و کاهش تصدی دولت در بازار نهاده و اجرای سیاست‌های تعیین قیمت سقف و کف همچنان ادامه داشت. به طوری که میانگین زیان تولیدکنندگان در برنامهٔ سوم در مقایسه با برنامهٔ دوم توسعه کاهش ۳۶۵۰ میلیارد ریالی به قیمت ثابت سال ۱۳۸۴ را نشان می‌دهد. براساس قیمت‌های ثابت سال ۱۳۸۴، مقدار حمایت‌ها در برنامهٔ چهارم توسعه ۲۶۹۰- میلیارد ریال بود که نشان می‌دهد در پی اجرای سیاست‌های بخشی، دامپروران کمتر از درآمد مورد انتظار در شرایط رقابت در بازار جهانی، دریافت کرده‌اند. همچنین پیش‌بینی می‌شود دامپروران در برنامهٔ پنجم توسعه نیز با اجرای سیاست‌های بخشی و ارزی حمایت نشوند که هماهنگ نبودن سیاست‌های اجرایی کشور را با بازار جهانی چه در بخش نهاده و چه محصول نشان می‌دهد.

مقایسهٔ نتایج جدول‌های (۴-۱-۴-۵)، (۳-۱-۴-۵) و (۲-۱-۴-۵) نشان می‌دهد در همهٔ سال‌های پژوهش سهم حمایت‌های قیمتی در کل حمایت از تولیدکننده بیشتر از حمایت‌های بودجه‌ای بوده است. در برنامه‌های سوم و چهارم توسعه، با وجود کاهش حمایت از نهاده‌های زراعی خوراک دام، با کاهش شکاف قیمت داخلی و خارجی تخم مرغ و رشد پرداخت‌های بودجه‌ای به دلیل افزایش تفاوت قیمت سوخت در داخل کشور با رشد قیمت جهانی و پرداخت یارانهٔ واکسن و دارو، سهم حمایت‌های بودجه‌ای بیشتر شده است که در مجموع بهبود حمایت از تولیدکنندگان تخم مرغ را در پی داشته است.

در جدول (۴-۱-۴-۵) شاخص حمایت از تولیدکنندگان براساس نرخ ارز تعادلی(اثرکل) تنها در سال ۱۳۶۷ مثبت بوده و در سال‌های دیگر، پرداخت مالیات پنهان بر دامپروران تحمیل شده و حمایت‌های بودجه‌ای، جبران‌کنندهٔ اثر منفی حمایت قیمتی نبوده است. با وجود این، در برنامه‌های سوم و چهارم توسعه در پی افزایش قیمت داخلی تخم مرغ و اجرای سیاست‌های ارزی به طور میانگین زیان کمتری به تولیدکنندگان تخم مرغ تحمیل شده است. به طوری که در برنامهٔ سوم توسعه همزمان با اجرای سیاست یکسان‌سازی نرخ ارز در سال ۱۳۸۱ و کاهش تصدی دولت در بازار نهاده‌های دامی، تولیدکنندگان تخم‌مرغ به طور میانگین ۳۰۸۳ میلیارد ریال به قیمت ثابت سال ۱۳۸۴ کمتر از درآمد خود در شرایط برقراری قیمت رقابتی بازار جهانی دریافت کرده‌اند که در مقایسه با اثرمستقیم نشان می‌دهد در آن دوره اعمال نرخ ارز تعادلی برآمده از متغیرهای بنیادین اقتصاد ایران حمایت بیشتری از دامپروران در بر داشته است. در برنامه‌های چهارم و پنجم نیز با وجود رشد حمایت‌های بودجه‌ای در پی افزایش قیمت‌های جهانی غلات(خوراک دام) حمایت از کشاورزان منفی بوده است.

جدول ۴-۱-۴-۵ شاخص‌های حمایت از تولیدکنندگان تخم مرغ

برنامه های توسعه	درصد انحراف نرخ ارز	سال	ارزش اثرمستقیم به قیمت ثابت سال ۱۳۸۴ (میلیارد ریال)	ارزش اثر کل به قیمت ثابت سال ۱۳۸۴ (میلیارد ریال)	%PSE اثر مستقیم	%PSE اثر غیرمستقیم	%PSE اثر کل
دورهٔ جنگ	۲۶/۸۱	۱۳۶۰	−۱۹۸۹	−۱۲۶۴	−۴۴/۳۷	۸/۷۰	−۳۵/۶۷
	۳۸/۹۰	۱۳۶۱	−۱۳۳۲	−۳۷۱	−۳۰/۸۲	۱۸/۹۴	−۱۱/۸۹
	۳۸/۶۷	۱۳۶۲	−۱۵۱۳	−۴۵۰	−۳۲/۰۸	۱۸/۹۰	−۱۳/۱۸
	۴۷/۶۸	۱۳۶۳	−۱۶۸۰	−۱۶۶	−۲۸/۲۲	۲۴/۱۰	−۴/۱۲
	−۱۳/۱۶	۱۳۶۴	−۱۶۴۷	−۲۳۴۳	−۲۸/۳۸	−۶/۷۱	−۳۵/۱۰
	−۲/۷۱	۱۳۶۵	−۲۹۷۶	−۳۱۳۹	−۴۳/۲۲	−۱/۱۴	−۴۴/۳۷
	۷۵/۷۲	۱۳۶۶	−۴۴۱۱	−۱۰۳۶	−۵۰/۴۰	۲۹/۶۹	−۲۰/۷۱
	۸۹/۸۷	۱۳۶۷	−۲۲۲۴	۲۸۰	−۳۶/۳۸	۴۵/۰۰	۸/۶۲
	۳۷/۷۲	میانگین	−۲۲۲۲	−۱۰۶۱	−۳۶/۷۴	۱۷/۱۸	−۱۹/۵۵
برنامهٔ اول توسعهٔ اقتصادی و اجتماعی	۵۰/۶۲	۱۳۶۸	−۳۲۱۸	−۱۱۶۷	−۴۳/۷۱	۱۹/۹۳	−۲۳/۷۸
	−۴/۳۰	۱۳۶۹	−۴۶۸۱	−۵۰۱۱	−۵۳/۱۹	−۱/۳۱	−۵۴/۵۰
	−۱۰/۸۴	۱۳۷۰	−۵۰۰۵	−۵۹۳۶	−۵۵/۶۳	−۳/۲۷	−۵۸/۹۰
	−۴۷/۰۳	۱۳۷۱	−۴۱۸۸	−۱۰۳۲۳	−۵۰/۹۳	−۱۵/۹۶	−۶۶/۸۹
	−۵۱/۴۱	۱۳۷۲	−۴۳۷۴	−۱۲۹۵۵	−۴۶/۱۸	−۲۰/۷۰	−۶۶/۸۷
	−۴۱/۲۹	۱۳۷۳	−۵۸۶۹	−۱۲۸۲۷	−۵۰/۲۵	−۱۴/۵۶	−۶۴/۸۱
	−۱۷/۳۸	میانگین	−۴۵۵۶	−۸۰۳۷	−۴۹/۹۸	−۵/۹۸	−۵۵/۹۶
برنامهٔ دوم توسعهٔ اقتصادی و اجتماعی	−۳۱/۹۷	۱۳۷۴	−۵۸۲۱	−۱۰۱۷۱	−۵۲/۲۵	−۱۰/۰۱	−۶۲/۲۶
	−۱۶/۱۸	۱۳۷۵	−۶۹۲۷	−۸۸۰۵	−۵۷/۰۱	−۳/۸۲	−۶۰/۸۳
	−۰/۸۹	۱۳۷۶	−۵۱۱۳	−۵۱۸۱	−۵۵/۴۳	−۰/۲۴	−۵۵/۶۷
	۳۳/۱۵	۱۳۷۷	−۶۲۰۳	−۴۰۴۶	−۶۰/۳۳	۷/۷۵	−۵۲/۵۷
	۲۹/۱۰	۱۳۷۸	−۶۱۸۲	−۴۰۱۸	−۵۳/۷۶	۸/۵۳	−۴۵/۲۳
	۲/۶۴	میانگین	−۶۰۴۹	−۶۴۴۴	−۵۵/۷۵	۰/۴۴	−۵۵/۳۱
برنامهٔ سوم توسعهٔ اقتصادی و اجتماعی	۱۶/۹۶	۱۳۷۹	−۴۱۷۴	−۳۰۲۱	−۴۳/۵۲	۶/۶۲	−۳۶/۹۰
	۱۶/۵۴	۱۳۸۰	−۲۶۶۸	−۱۷۳۵	−۳۲/۱۹	۷/۷۴	−۲۴/۴۴
	۱۲/۹۹	۱۳۸۱	−۳۴۴۰	−۲۷۵۷	−۴۶/۹۷	۴/۳۶	−۴۲/۶۰
	۳/۸۵	۱۳۸۲	−۴۱۱۳	−۳۸۶۷	−۴۸/۱۸	۱/۱۲	−۴۷/۰۶
	−۲/۷۹	۱۳۸۳	−۳۸۵۶	−۴۰۳۵	−۴۵/۸۸	−۰/۷۷	−۴۶/۶۵
	۹/۵۱	میانگین	−۳۶۵۰	−۳۰۸۳	−۴۳/۳۵	۳/۸۱	−۳۹/۵۳
برنامهٔ چهارم توسعهٔ اقتصادی و اجتماعی	−۶/۱۸	۱۳۸۴	−۴۰۹۸	−۴۵۵۱	−۴۵/۶۰	−۱/۸۷	−۴۷/۴۷
	−۱۰/۷۰	۱۳۸۵	−۲۸۵۳	−۳۵۲۳	−۳۸/۹۷	−۳/۹۳	−۴۲/۹۰
	−۱۳/۰۹	۱۳۸۶	−۲۸۶۴	−۳۶۱۰	−۳۹/۹۴	−۳/۷۱	−۴۳/۶۶
	−۷/۷۴	۱۳۸۷	−۲۶۲۶	−۳۰۴۰	−۳۶/۹۱	−۲/۴۶	−۳۹/۳۷
	−۳/۳۲	۱۳۸۸	−۲۲۸۰	−۲۴۵۲	−۳۴/۲۳	−۱/۳۴	−۳۵/۵۷
	−۱۷/۴۵	۱۳۸۹	−۱۴۱۸	−۲۳۸۹	−۲۲/۱۲	−۸/۵۵	−۳۰/۶۷
	−۹/۷۵	میانگین	−۲۶۹۰	−۳۲۶۱	−۳۶/۲۹	−۳/۶۴	−۳۹/۹۴
پیش بینی برنامهٔ پنجم توسعهٔ اقتصادی و اجتماعی	−۱۹/۲۲	۱۳۹۰	−۱۷۳۰	−۲۸۶۰	−۲۷/۴۹	−۹/۰۶	−۳۶/۵۵
	−۲۱/۱۴	۱۳۹۱	−۳۱۸۲	−۴۸۶۳	−۳۸/۴۲	−۷/۷۴	−۴۶/۱۶
	−۲۳/۰۷	۱۳۹۲	−۳۴۹۶	−۵۵۱۱	−۴۰/۰۴	−۸/۳۷	−۴۸/۴۰
	−۲۴/۹۸	۱۳۹۳	−۳۷۹۷	−۶۱۹۲	−۴۱/۱۱	−۹/۰۴	−۵۰/۱۵
	−۲۲/۰۹	۱۳۹۴	−۴۶۰۴	−۶۹۳۵	−۴۴/۰۷	−۷/۵۳	−۵۱/۶۰
	−۲۲/۱۰	میانگین	−۳۳۶۲	−۵۲۷۲	−۳۸/۲۲	−۸/۳۵	−۴۶/۵۷

منبع: یافته‌های پژوهش

شاخص حمایت درصدی از تولیدکننده (PSE٪) به دلیل آن‌که نسبت بـه تـورم، مقیاس و واحد پولی خنثی است، مقایسهٔ بهتری از حمایت را در طـول زمـان، بـین کشورها و همچنین کالاهای مختلف، امکان‌پذیر می‌سازد. نتایج محاسبهٔ این شاخص در جدول (۴-۱-۴-۵) مشاهده می‌شود. میانگین ۳۶- درصد شاخص PSE٪ کـه بـا رهیافت تجارت‌محور و نرخ حقیقی ارز برای دورهٔ جنگ محاسـبه شـده اسـت، بیـان می‌کند مقدار دریافتی تولیدکننده ۳۶ درصد از آنچه می‌توانست با فروش محصولش با قیمت جهانی به دست آورد، کمتر بوده است. به بیان دیگر، سیاست‌های حمـایتی در این دوره موجب شده است تولیدکننده ۳۶٪ از درآمدی را کـه در شـرایط بـدون چنین سیاست‌هایی می‌توانست به دست آورد به شکل نوعی مالیات پنهـان از دسـت بدهد. میانگین این شاخص با نرخ ارز حقیقـی در برنامـهٔ سـوم توسـعه ۴۳- درصـد برآورد شده است؛ یعنی در طول این برنامه به انـدازهٔ ۴۳ درصـد از درآمـدی کـه در صورت فروش محصول با قیمت جهانی به دست مـی‌آورد بـه شـکل مالیـات پنهـان پرداخت کرده است. در این برنامه نیز سیاست‌های حمایتی موجب حمایت منفـی از تولیدکننده شده و دریافتی او را نسبت به بـازار جهـانی کـاهش داده اسـت. در دورهٔ جنگ به علت اهمیت تخم مرغ در سبد خوراکی خانوار، سیاست‌ها به منظـور کمتـر نگه داشتن قیمت داخلی آن بود و دامپروران ناگزیر از پرداخت مالیات پنهان بودنـد؛ این شرایط تا آغاز اجرای سیاست‌های آزادسازی در برنامهٔ اول توسعه ادامـه داشـت. پس از آن در برنامه‌های اول و دوم توسعه با وجود اجرای سیاست‌هـای آزادسـازی و کاهش نقش دولت در خرید مستقیم محصول و توزیع آن به دلیل کاهش ارزش پول ملی، مالیات پنهان تحمیلی به دامپروران حدود نیمی از درآمد آنان را در برگرفت. به طور میانگین در برنامهٔ چهارم، همزمان با کاهش دخالت دولـت در بـازار نهـاده‌هـای دامی(کاهش سهم توزیع نهاده‌ها توسط شرکت خدمات پشیبانی امـور دام) و تـداوم اجرای سیاست شناورسازی نرخ ارز، تولیدکنندگان تخم مرغ مالیات کمتری پرداخت

کردند و زیان آنان حدود ۳۶ درصد درآمد دامپروران را در صورتی که با قیمت بازار جهانی رقابت می‌کردند، پوشش داد که از درآمد آنان کاسته شد. آثار اجرای همزمان سیاست‌های حمایتی ارزی، قیمتی و بودجه‌ای در دو برنامهٔ اخیر با وجود اثر مالیاتی آنها در صادرات محصول نمایان است و به نظر می‌رسد چنانچه سیاست‌های حمایت‌کنندهٔ محصول هدفمند و منظم به‌کار گرفته شود در ثبات و توسعه صادرات مؤثر است.

میانگین اثر کل که مجموع اثر سیاست‌های بخشی و کلان اقتصادی (سیاست‌های ارزی) در حمایت از تولیدکنندگان تخم مرغ را نشان می‌دهد، نیز در برنامه‌های سوم و چهارم توسعه مالیات پنهان کمتری بر تولیدکنندگان تخم‌مرغ تحمیل کرده است و در همهٔ برنامه‌ها روند نوسانی داشته است که نشان می‌دهد سیاست‌های بخشی و ارزی کشور هدفمند نبوده است. بیشترین حمایت برآمده از سیاست‌های ارزی و بخشی در سال ۱۳۶۷ به دلیل بیش‌برآورد ارزش ریال و کاهش قیمت جهانی تخم‌مرغ برابر با ۸/۶ درصد بوده است، یعنی دامپروران با اجرای این سیاست‌ها به اندازهٔ ۸/۶ درصد دریافتی خود بدون اجرای سیاست‌ها با قیمت‌های جهانی تعدیل‌شده با نرخ ارز تعادلی، حمایت شده‌اند. در پایان برنامهٔ چهارم با کم‌برآورد ارزش ریال و نوسان قیمت جهانی حمایت از تولیدکنندگان ۳۹- درصد بود و پیش‌بینی می‌شود روند کاهشی آن در برنامهٔ پنجم نیز ادامه داشته باشد. نوسان در حمایت‌ها یا حمایت نشدن دائمی تولیدکنندگان موجب کاهش توان رقابتی دامپروران داخلی می‌شود و با کاهش انگیزهٔتولید تخم مرغ، به تولید، صادرات و اشتغال کشور آسیب وارد می‌کند.

میانگین اثر غیرمستقیم PSE٪ که نشان‌دهندهٔ اثر سیاست‌های ارزی بر مقدار حمایت از تولیدکنندگان تخم مرغ است، در دورهٔ جنگ و برنامه‌های دوم و سوم توسعه مثبت و در دیگر برنامه‌ها منفی بوده است. بیشترین حمایت منفی برآمده از

سیاست‌های ارزی در برنامهٔ اول رخ داده است. در برنامهٔ سوم توسعه که نرخ ارز حقیقی بیشتر از نرخ ارز تعادلی بوده است، بیش‌برآورد ارزش ریال(کاهش ارزش پول ملی) موجب حمایت ۳/۸ درصدی از تولیدکنندگان شده است. مقایسهٔ انحراف نرخ ارز و اثرغیرمستقیم نشان می‌دهد اثر غیرمستقیم در همهٔ دوره‌ها کمتر است. از این مقایسه می‌توان نتیجه گرفت به دلیل بی‌توجهی به قیمت جهانی و نرخ ارز در تعیین یا هدایت قیمت داخلی، هماهنگی چندانی بین انحراف نرخ ارز و حمایت از تولیدکنندگان مشاهده نمی‌شود. در دورهٔ جنگ و برنامه‌های دوم و سوم توسعه سیاست‌های ارزی تضعیف‌کنندهٔ اثر سیاست‌های بخشی بوده است، به‌طوری که مقادیر مثبت اثر غیرمستقیم در بیشتر سال‌ها موجب کاهش اثر منفی سیاست‌های خاص بخش کشاورزی در حمایت از تولیدکنندگان تخم مرغ در این دوره‌ها شده و در برنامه‌های اول و چهارم توسعه اثر منفی سیاست‌های ارزی، اثر سیاست‌های بخشی را در حمایت از تولیدکنندگان تقویت کرده است. مقادیر مطلق اثرمستقیم نیز در بیشتر سال‌های دورهٔ بررسی‌شده، به جز سال ۱۳۶۷ بیشتر از اثر غیرمستقیم است. به بیان دیگر، در مجموع کل حمایت از تولیدکنندگان تخم مرغ بر حسب علامت شاخص، سیاست‌های ارزی تقویت یا تضعیف‌کنندهٔ سیاست‌های بخشی بوده است.

۳-۱-۴-۵ بررسی مقادیر حمایت از مصرف‌کنندگان تخم مرغ طی برنامه‌های توسعه

شاخص حمایت از مصرف‌کنندگان نشان‌دهندهٔ انتقال‌های قیمتی از مصرف‌کنندگان به تولیدکنندگان، مالیات‌دهندگان به مصرف‌کنندگان و دیگر انتقال‌ها به مصرف‌کنندگان است. دربارهٔ محصول تخم مرغ، از آنجا که در بعضی سال‌ها پرداخت به مصرف‌کنندگان از راه بودجهٔ سالانهٔ دولت(مالیات‌پردازان) انجام

می‌پذیرد، براساس روابط فصل سوم در مورد محاسبهٔ CSE، مقدار شاخص درصدی آن برابر با شاخص درصد حمایت از قیمت بازاری تولیدکنندگان و تنها نشان‌دهندهٔ حمایت بازاری از مصرف‌کنندگان نیست. در جدول (۶-۱-۴-۵) مقادیر شاخص حمایت درصدی مصرف‌کنندگان تخم مرغ (CSE٪) طی دورهٔ مورد بررسی (۸۹-۱۳۶۰) گزارش شده است.

همان‌طور که پیش از این مشاهده شد، انحراف نرخ ارز تا سال ۱۳۶۸ به جز دو سال مثبت بود و پس از آن با اجرای سیاست‌های آزادسازی تا سال ۱۳۷۶ نرخ واقعی ریال کمتر از نرخ تعادلی آن برآورد شد. از این سال با بیش‌برآورد ارزش ریال، انحراف نرخ ارز روند کاهشی پیدا کرد و در سال ۱۳۸۳ با کاهش چشمگیر ارزش تعادلی پول ملی نسبت به ارزش حقیقی آن، انحراف نرخ ارز منفی شد. همچنین پیش‌بینی می‌شود روند کم‌برآورد ارزش حقیقی ریال در برنامهٔ پنجم توسعه نیز ادامه پیدا کند.

بررسی ارزش حمایت مستقیم از مصرف‌کنندگان تخم مرغ برحسب قیمت‌های ثابت سال ۱۳۸۴، بیانگر آن است که حمایت از مصرف‌کنندگان روند کاهشی داشته است، به طوری که با وجود افزایش مقدار مصرف از ۴۹۵۸ میلیارد ریال در دورهٔ جنگ به ۲۹۰۰ میلیارد ریال در برنامهٔ چهارم رسید. در دو برنامهٔ نخست توسعه همزمان با اجرای سیاست‌های آزادسازی در کشور و افزایش مصرف، حمایت از مصرف‌کنندگان تخم‌مرغ افزایشی بود. اما در برنامهٔ توسعهٔ سوم با کاهش قیمت جهانی و کاهش دخالت دولت در بازار نهاده و محصول، حمایت از مصرف‌کنندگان کاهش پیدا کرد. در برنامهٔ چهارم نیز با ادامهٔ این سیاست‌ها و افزایش قیمت داخلی حمایت از مصرف‌کنندگان کمتر شد.

جدول ۶-۱-۴-۵) شاخص‌های حمایت از مصرف‌کنندگان تخم مرغ

برنامه های توسعه	درصد انحراف نرخ ارز	سال	ارزش اثرمستقیم به قیمت ثابت سال ۱۳۸۴ (میلیارد ریال)	ارزش اثر کل به قیمت ثابت سال ۱۳۸۴	%CSE اثر مستقیم	%CSE اثر غیرمستقیم	%CSE اثر کل
دورهٔ جنگ	۲۶/۸۱	۱۳۶۰	۲۵۱۱	۱۳۵۴	۴۵/۵۸	-۱۴/۴۷	۳۱/۱۱
	۳۸/۹۰	۱۳۶۱	۱۶۷۱	۳۰۲	۳۳/۹۱	-۲۵/۴۲	۸/۴۹
	۳۸/۶۷	۱۳۶۲	۲۲۳۴	۶۶۴	۳۹/۳۷	-۲۳/۱۹	۱۶/۱۹
	۴۷/۶۸	۱۳۶۳	۲۶۲۶	۴۱۱	۳۸/۰۱	-۲۹/۲۵	۸/۷۶
	-۱۳/۱۶	۱۳۶۴	۲۲۶۱	۳۱۹۸	۳۶/۲۹	۸/۳۳	۴۴/۶۲
	-۲/۷۱	۱۳۶۵	۳۳۰۰	۳۴۹۳	۴۷/۵۱	۱/۴۱	۴۸/۹۳
	۷۵/۷۲	۱۳۶۶	۴۸۳۷	۱۰۵۷	۵۴/۸۱	-۳۳/۸۵	۲۰/۹۵
	۸۹/۸۷	۱۳۶۷	۲۵۸۶	-۲۸۸	۴۲/۱۹	-۵۱/۰۴	-۸/۸۵
	۳۷/۷۲	میانگین	۲۷۵۳	۱۲۷۴	۴۲/۲۱	-۲۰/۹۳	۲۱/۲۸
برنامهٔ اول توسعهٔ اقتصادی و اجتماعی	۵۰/۶۲	۱۳۶۸	۳۸۸۱	۱۴۲۷	۵۲/۷۱	-۲۳/۶۴	۲۹/۰۷
	-۴/۳۰	۱۳۶۹	۵۵۱۸	۵۹۱۰	۶۲/۶۹	۱/۵۹	۶۴/۲۹
	-۱۰/۸۴	۱۳۷۰	۵۵۵۶	۶۶۴۰	۶۱/۷۱	۴/۱۲	۶۵/۸۲
	-۴۷/۰۳	۱۳۷۱	۴۲۰۲	۱۱۵۰۶	۵۰/۴۶	۲۳/۱۵	۷۳/۶۱
	-۵۱/۴۱	۱۳۷۲	۴۳۷۳	۱۴۲۹۵	۴۶/۰۷	۲۷/۵۶	۷۳/۶۳
	-۴۱/۲۹	۱۳۷۳	۶۲۱۶	۱۴۱۰۶	۵۴/۷۲	۱۸/۵۶	۷۳/۲۸
	-۱۷/۳۸	میانگین	۴۹۵۸	۸۹۸۱	۵۴/۷۳	۸/۵۶	۶۳/۲۸
برنامهٔ دوم توسعهٔ اقتصادی و اجتماعی	-۳۱/۹۷	۱۳۷۴	۶۳۴۹	۱۱۵۶۱	۵۶/۸۲	۱۳/۷۳	۷۰/۵۶
	-۱۶/۱۸	۱۳۷۵	۷۳۶۶	۹۷۲۱	۵۹/۸۲	۶/۴۵	۶۶/۲۷
	-۰/۸۹	۱۳۷۶	۵۵۷۳	۵۶۵۵	۵۹/۹۴	۰/۳۵	۶۰/۳۰
	۳۳/۱۵	۱۳۷۷	۶۱۵۹	۳۵۸۳	۶۰/۱۲	-۱۳/۴۰	۴۶/۷۳
	۲۹/۱۰	۱۳۷۸	۶۵۱۶	۳۹۰۸	۵۶/۸۶	-۱۲/۷۱	۴۴/۱۵
	۲/۶۴	میانگین	۶۳۹۳	۶۸۸۶	۵۸/۷۱	-۱/۱۱	۵۷/۶۰
برنامهٔ سوم توسعهٔ اقتصادی و اجتماعی	۱۶/۹۶	۱۳۷۹	۳۹۹۴	۲۶۸۲	۴۴/۶۳	-۹/۵۱	۳۵/۱۲
	۱۶/۵۴	۱۳۸۰	۲۶۶۰	۱۵۳۶	۳۴/۰۲	-۱۱/۰۷	۲۲/۹۵
	۱۲/۹۹	۱۳۸۱	۳۱۹۲	۲۳۶۷	۴۵/۰۹	-۷/۲۴	۳۷/۸۵
	۳/۸۵	۱۳۸۲	۳۸۶۸	۳۵۶۴	۴۷/۷۵	-۲/۰۴	۴۵/۷۱
	-۲/۷۹	۱۳۸۳	۴۰۲۴	۴۲۶۵	۴۸/۶۹	۱/۴۵	۵۰/۱۴
	۹/۵۱	میانگین	۳۵۴۸	۲۸۸۳	۴۴/۰۴	-۵/۶۸	۳۸/۳۵
برنامهٔ چهارم توسعهٔ اقتصادی و اجتماعی	-۶/۱۸	۱۳۸۴	۴۵۳۲	۵۱۳۱	۵۰/۵۸	۳/۱۰	۵۳/۶۸
	-۱۰/۷۰	۱۳۸۵	۳۰۷۲	۳۹۲۲	۴۴/۰۷	۶/۰۸	۵۰/۱۴
	-۱۳/۰۹	۱۳۸۶	۲۹۹۵	۴۰۷۸	۴۲/۳۹	۷/۶۶	۵۰/۰۵
	-۷/۷۴	۱۳۸۷	۲۷۳۳	۳۳۳۳	۳۸/۸۶	۴/۸۱	۴۳/۶۷
	-۳/۳۲	۱۳۸۸	۲۳۹۲	۲۶۲۵	۳۵/۹۰	۲/۱۷	۳۸/۰۷
	-۱۷/۴۵	۱۳۸۹	۱۸۰۰	۳۱۴۱	۲۸/۸۷	۱۲/۵۹	۴۱/۴۶
	-۹/۷۵	میانگین	۲۹۲۱	۳۷۰۵	۴۰/۱۱	۶/۰۷	۴۶/۱۸
پیش بینی برنامهٔ پنجم توسعهٔ اقتصادی و اجتماعی	-۱۹/۲۲	۱۳۹۰	۲۴۱۰	۳۹۱۸	۳۸/۸۱	۱۱/۹۶	۵۰/۷۷
	-۲۱/۱۴	۱۳۹۱	۴۴۵۱	۶۶۵۸	۵۴/۸۶	۹/۶۵	۶۴/۵۲
	-۲۳/۰۷	۱۳۹۲	۴۹۷۷	۷۵۸۴	۵۷/۹۹	۹/۷۹	۶۷/۷۸
	-۲۴/۹۸	۱۳۹۳	۵۵۲۷	۸۵۸۰	۶۰/۹۹	۹/۸۳	۷۰/۸۲
	-۲۲/۰۹	۱۳۹۴	۶۷۷۸	۹۷۱۷	۶۶/۰۸	۷/۵۵	۷۳/۶۴
	-۲۲/۱۰	میانگین	۴۸۲۹	۷۲۹۱	۵۵/۷۵	۹/۷۶	۶۵/۵۰

منبع: یافته‌های پژوهش

حمایت از مصرف‌کنندگان تخم مرغ، برحسب نرخ ارز تعادلی نیز روندی مشابه داشته و در همهٔ برنامه‌ها به طور میانگین مثبت بوده است. یعنی کم نگه‌داشتن قیمت داخلی نسبت به قیمت جهانی موجب حمایت از مصرف‌کنندگان تخم مرغ بوده است. در برنامهٔ اول توسعه با کم‌برآورد ارزش ریال بیشترین و در برنامهٔ سوم توسعه با کاهش قیمت جهانی و بیش‌برآورد ارزش ریال کمترین حمایت از مصرف‌کنندگان تخم مرغ صورت پذیرفت. پیش‌بینی می‌شود در برنامهٔ پنجم توسعه با کاهش ارزش پول ملی و افزایش قیمت جهانی نسبت به قیمت داخلی مصرف‌کنندگان تخم مرغ به طور میانگین ۷۲۹۱ میلیارد ریال به قیمت ثابت سال ۱۳۸۴ کمتر از مصرف‌کنندگان خارجی بپردازند. تفاوت اثرمستقیم و اثرکل نقش انحراف نرخ ارز را در مقدار حمایت از مصرف‌کنندگان تخم مرغ آشکار می‌کند.

درصد حمایت از مصرف‌کنندگان(CSE٪) با نرخ ارز حقیقی، بیان می‌کند میانگین حمایت از مصرف‌کنندگان تخم مرغ در دورهٔ جنگ ۴۲ درصد از پرداختی مصرف‌کنندگان را برحسب قیمت‌های تعدیل‌شدهٔ جهانی شامل شده است. یعنی در شرایط واقعی با اجرای سیاست‌های قیمتی، مصرف‌کنندگان، به اندازهٔ ۴۲ درصد آنچه (در صورتی که بازار آزاد برقرار باشد) باید می‌پرداختند، حمایت دریافت می‌کنند. در حقیقت ۴۲ درصد نسبت به آنچه می‌بایست می‌پرداختند، کمتر هزینه کرده‌اند. حمایت زیاد از مصرف‌کنندگان از رقابت‌پذیری بازار می‌کاهد، زیرا مصرف‌کنندگان سهم بیشتری از مازاد بازار داخلی می‌برند که با کاهش قدرت تولیدکنندگان رقابت‌پذیری آنان کاهش پیدا می‌کند. درصد حمایت‌ها تا برنامهٔ چهارم تغییر اندکی داشته است، یعنی مصرف‌کنندگان تخم مرغ در پی اجرای سیاست‌های بخشی و ارزی برنامه‌های مختلف، همیشه سهم تقریبا معینی داشته‌اند که حدود نیمی از هزینه‌های آنان با اجرای سیاست کاهش می‌یابد.

اثر کل روند مشابهی با اثر مستقیم دارد و چگونگی حمایت از مصرف‌کنندگان تخم مرغ را با برقراری نرخ ارز تعادلی بلندمدت اقتصاد ایران بیان می‌کند. در برنامهٔ سوم توسعه که با اجرای سیاست یکسان‌سازی نرخ ارز همزمان است، مصرف‌کنندگان تخم مرغ با برقراری سیاست‌های ارزی و بخشی ۳۸ درصد از آنچه (در شرایطی که هیچ سیاست ارزی و بخشی برقرار نباشد) برای مصرف می‌پرداختند، یارانه دریافت کرده‌اند. در برنامه‌های اول و دوم توسعه حدود نیمی از ارزش مصرف تخم مرغ در ایران به قیمت خارجی تعدیل‌شده به شکل حمایت قیمتی و بودجه‌ای به مصرف‌کنندگان پرداخت می‌شد.

علامت اثرغیرمستقیم دربارهٔ مصرف‌کنندگان، عکس علامت انحراف نرخ ارز است، یعنی با کم برآورد ارزش ریال(انحراف منفی)، مصرف‌کنندگان حمایت می‌شوند و برعکس. به عبارت دیگر، چگونگی حمایت از مصرف‌کنندگان را هنگامی که سیاست ارزی اعمال می‌شود نسبت به وقتی که سیاست ارزی اجرا نمی‌شود، نشان می‌دهد. در دورهٔ جنگ و برنامه‌های دوم و سوم توسعه سیاست‌های ارزی تضعیف‌کنندهٔ سیاست‌های بخشی بوده و با اجرای سیاست ارزی، مصرف‌کنندگان تخم مرغ حمایت نشده‌اند. در حالی‌که در برنامه‌های اول و چهارم با اجرای سیاست ارزی کم‌برآورد ارزش ریال (انحراف منفی)، مصرف‌کنندگان تخم‌مرغ نسبت به شرایطی که سیاست ارزی برقرار نباشد، حمایت شده‌اند. برای مثال در برنامهٔ چهارم ۶/۰۳٪ کمتر از قبل از اجرای سیاست ارزی پرداخت کرده‌اند. اثرگذاری سیاست‌های ارزی بر حمایت از تولیدکنندگان و توسعهٔ رقابت‌پذیری آنان در برنامه‌های توسعه، لزوم توجه بیشتر به کاربرد سیاست‌های ارزی را در بخش کشاورزی نمایان می‌کند.

۴-۱-۴-۵ نتیجه‌گیری و پیشنهادهای تخم‌مرغ

تخم مرغ، محصول صنعت اشتغال‌زای پرورش طیور و دربردارندهٔ بخش مهمی از سبد خوراکی جامعه است. از این رو، سیاست‌های حمایتی مختلفی از بخش تولید و مصرف آن صورت می‌پذیرد. در این پژوهش مقادیر کمّی این حمایت‌ها براساس شاخص‌های MPS، PSE و CSE طی دورهٔ ۸۹-۱۳۶۰ محاسبه شده است که نتایج بیانگر وجود روند افزایشی و نوسانی در حمایت‌های قیمتی، بودجه‌ای و کل حمایت از تولیدکنندگان و روند کاهشی در حمایت از مصرف‌کنندگان تخم مرغ به قیمت ثابت سال ۱۳۸۴ بوده است. همچنین در مجموع حمایت‌های بودجه‌ای و قیمتی، سهم حمایت‌های بودجه‌ای در کل حمایت از تولیدکنندگان در همهٔ سال‌های بررسی کمتر بوده است. در برنامهٔ چهارم توسعه، حمایت‌های بودجه‌ای سهم بیشتری داشته‌اند و در بین این حمایت‌ها نیز سهم یارانهٔ سوخت و یارانهٔ نهاده‌های تولید حدود ۹۰ درصد از کل حمایت‌های بودجه‌ای از تولیدکنندگان را دربرداشته است. اجرای سیاست‌های ارزی موجب شد با بیش‌برآورد نرخ حقیقی ریال نسبت به نرخ تعادلی، دامپروران حمایت شوند و در دورهٔ جنگ و برنامهٔ سوم توسعه با اجرای سیاست‌های ارزی، تولیدکنندگان به ترتیب ۱۷ و ۳/۸ درصد بیشتر از آنچه در بازار رقابتی، بدون اجرای سیاست‌های ارزی دریافت می‌کردند، حمایت شدند.

در پیش‌بینی برنامهٔ پنجم نیز همانند برنامهٔ چهارم، سیاست‌های ارزی تقویت‌کنندهٔ سیاست‌های بخش دامپروری نیست و اثرمستقیم نیز در این برنامه منفی است، یعنی سیاست‌های بخشی و ارزی در این برنامه اثربخشی حمایتی ندارد. شاخص حمایت بازاری هم عدم حمایت از تولیدکنندگان را در بازار داخلی نسبت به بازار جهانی نشان می‌دهد، به طوری که سیاست‌های ارزی و بخشی به زیان تولیدکنندگان تخم مرغ خواهد بود.

مقادیر اثرمستقیم حمایت از مصرف‌کنندگان تخم مرغ از میانگین ۴۲ درصد در دورهٔ جنگ به ۴۰ درصد در برنامهٔ چهارم توسعه رسیده است که تغییر اندکی را بین دوره‌های مختلف اجرای سیاست‌ها نشان می‌دهد. افزون بر این، بررسی اثر سیاست‌های ارزی و انحراف نرخ ارز بر مقادیر حمایت از مصرف‌کنندگان تخم مرغ نشان می‌دهد این سیاست‌ها در دورهٔ جنگ و همچنین برنامه‌های دوم و سوم توسعه که انحراف نرخ ارز مثبت بوده، بر شاخص‌های حمایت از مصرف‌کنندگان اثر منفی داشته است، در حالی که در دیگر برنامه‌های توسعه، این سیاست‌ها موجب افزایش حمایت از مصرف‌کنندگان تخم مرغ شده است، یعنی اثر غیرمستقیم تقویت‌کنندهٔ اثر مستقیم بوده است.

جدول ۷-۱-۴-۵) بررسی حمایت از تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان تخم مرغ در دوره‌های ارزی

دوره	درصد انحراف نرخ ارز	%MPS			%PSE			%CSE		
		اثر مستقیم	اثر غیرمستقیم	اثر کل	اثر مستقیم	اثر غیرمستقیم	اثر کل	اثر مستقیم	اثر غیرمستقیم	اثر کل
۱۳۶۰-۱۳۷۰	۳۰/۶۶	-۴۶/۸۰	۱۶/۸۶	-۲۹/۹۴	-۴۰/۵۸	۱۳/۸۹	-۲۶/۶۹	۴۶/۸۰	-۱۶/۸۶	۲۹/۹۴
۱۳۷۱-۱۳۸۰	-۹/۳۰	-۵۲/۲۷	-۴/۳۰	-۵۶/۵۷	-۵۰/۱۸	-۳/۴۶	-۵۳/۶۵	۵۲/۳۵	۴/۳۱	۵۶/۶۶
۱۳۸۱-۱۳۸۹	-۴/۹۴	-۴۲/۴۲	-۳/۱۸	-۴۵/۵۹	-۳۹/۸۷	-۱/۹۱	-۴۱/۷۷	۴۲/۴۷	۳/۱۷	۴۵/۶۴

منبع: یافته‌های پژوهش

متوسط شاخص‌های حمایت قیمتی، حمایت از تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان در دورهٔ اجرای سیاست‌های ارزی در کشور، در جدول (۷-۱-۴-۵) آمده است. براساس شاخص‌های درصدی حمایت از تولیدکنندگان تخم‌مرغ در همهٔ دوره‌های ارزی، سیاست‌های بخشی در مقایسه با سیاست‌های ارزی در کل حمایت‌ها تأثیر بیشتری داشته است، زیرا قدرمطلق اثر مستقیم همواره بیشتر از اثر غیرمستقیم بوده است. در دههٔ ۱۳۶۰ به دلیل به‌کارگیری سیاست تثبیت نرخ ارز، انحراف از نرخ

تعادلی به شدت افزایش یافت و با بیش‌برآورد ارزش ریال از تولیدکنندگان حمایت شد، اما در این دوره اثرهای منفی سیاست‌های بخشی از جمله کم نگه داشتن قیمت داخلی در مقایسه با قیمت جهانی تا حدی زیاد بود که اثر سیاست ارزی را خنثی و در مجموع حمایت کل از تولیدکننده را منفی کرد. در این دوره با وجود انحراف شدید نرخ ارز، این سیاست‌ها در حمایت از دامپروران اثر چندانی نداشت. در دهۀ ۱۳۷۰ با برقراری سیاست ارزی چند نرخی، میانگین اثرغیرمستقیم شاخص‌های حمایت از تولیدکنندگان منفی شد. سیاست‌های بخشی نیز به دلیل کاهش تصدی دولت در بازار نهاده‌ها و افزایش قیمت داخلی غلات موجود در جیرۀ طیور در مقایسه با قیمت‌های جهانی آن حمایت از تولیدکنندگان را کاهش داد. در دورۀ سوم سیاست‌های ارزی با برقراری نرخ ارز شناور مدیریت‌شده انحراف نرخ ارز کاهش پیدا کرد. این کم‌برآورد ارزش ریال، با حمایت نکردن از تولیدکننده، اثر منفی سیاست‌های بخشی را تقویت کرد. شایان ذکر است در این دوره با وجود بهبود سیاست‌گذاری در بخش دامپروری اثرمستقیم در MPS٪ همچنان منفی بود. برای مصرف‌کنندگان سیاست‌های بخشی و ارزی در دهۀ سوم تقویت‌کنندۀ یکدیگر و حمایت‌کنندۀ مصرف‌کنندگان تخم مرغ بود. در دو دورۀ اخیر، سیاست‌های ارزی و بخشی به طور میانگین در حمایت از مصرف‌کنندگان تأثیر چندانی نداشتند و کمتر از ۵ درصد از ارزش پرداختی مصرف تخم‌مرغ را کاهش دادند.

به طور کلی شاخص‌های حمایت از تخم مرغ روند پرنوسانی را در پی اجرای سیاست‌های ارزی و بخشی نشان می‌دهند که به افزایش ریسک در طول زمان منجر می‌شود. در سال‌های ابتدایی که سیاست‌های بخشی حمایت‌کننده نبوده، سیاست‌های ارزی نیز جبران‌کنندۀ کمبود حمایت نبوده و در دو دورۀ آخر، سیاست‌های ارزی تقویت‌کنندۀ اثر منفی سیاست‌های بخشی برای تولیدکنندگان بوده است. دربارۀ تخم مرغ، حمایت قیمتی منفی برآمده از سیاست‌های قیمتی در

بیشتر سال‌ها عامل مهم حمایت نشدن دامپروران بوده است. افزایش قیمت داخلی در بازار نهاده‌ها در برنامه‌های دوم و سوم بر حمایت‌های بودجه‌ای اثر منفی داشته است، اما یارانه‌های صادراتی و یارانهٔ دارو و درمان بر حمایت از تولیدکنندگان افزوده و اثر آن بر افزایش تولید و ایجاد نقش صادراتی کشور مشاهده می‌شود. اجرای سیاست‌های باثبات، همسو و حمایت‌کنندهٔ بخشی و ارزی، به افزایش رقابت‌پذیری تولیدکنندگان تخم‌مرغ کمک می‌کند. به عبارت دیگر، چگونگی ترکیب سیاست‌های ارزی و بخشی که برایند آن حمایت‌کنندهٔ دامپروران باشد، از اهمیت زیادی برخوردار است.

براساس نتایج، اجرای سیاست‌های باثبات و بلندمدت برای پیشگیری از نوسان-های قیمت محصول، نهاده‌ها و نرخ ارز و حمایت‌های بودجه‌ای توصیه می‌شود. با توجه به افزایش سهم حمایت‌های بودجه‌ای از کل حمایت‌ها در دو برنامهٔ اخیر که حمایت‌کننده‌تر از دیگر سال‌ها بوده‌اند، تأکید بر الگوی سیاستی حمایت‌های بودجه-ای وتنوع سیاستی، افزون بر کاهش دخالت مستقیم دولت در بازار محصول، موجب حفظ انگیزهٔ دامپروران برای تولید و تأمین نیاز مصرف داخلی می‌شود و در نهایت امکان رقابت در بازارهای جهانی را فراهم می‌آورد. از این رو، تنوع‌بخشی به حمایت‌های بودجه‌ای مانند به‌کارگیری پرداخت‌های مستقیم و حمایت بیشتر از بیمهٔ درآمدی نیز می‌تواند مناسب باشد. تنظیم سیاست‌های ارزی و بخشی به گونه-ای که همسو و تقویت‌کنندهٔ یکدیگر باشند، به هم‌افزایی می‌انجامد و با افزایش مزیت رقابتی، به رقابت‌پذیری جهانی تولیدکنندگان داخلی کمک می‌کند. به طوری که بهبود شاخص‌های حمایت از تولیدکنندگان در برنامه‌های سوم و چهارم توسعه نشان می‌دهد، اجرای سیاست یکسان‌سازی نرخ ارز که تقویت‌کنندهٔ سیاست‌های بخشی بوده، به همراه ایجاد تنوع در به‌کارگیری سیاست‌های قیمتی و بودجه‌ای موجب حمایت از تولیدکنندگان تخم مرغ می‌شود. مقایسهٔ اثر غیرمستقیم در دوره‌های ارزی

ایران نشان می‌دهد، به دلیل بی‌توجهی قیمت‌های جهانی در تعیین قیمت‌های تضمینی، سقف و کف، سیاست‌های ارزی بر حمایت از تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان تأثیر اندکی دارد. با توجه به نتایج برآورد نرخ ارز در فصل سوم، افزایش درآمدهای نفتی موجب افزایش ارزش ریال تعادلی می‌شود که در صورت ثبات نرخ حقیقی ارز، رشد درآمدهای نفتی به نفع تولیدکنندگان است. همچنین بهره‌وری اقتصاد به عنوان شاخص پیشرفت فن‌آوری، بر نرخ تعادلی ارز و شاخص حمایت‌ها چنین اثری دارد که دولت با مدیریت این دو عامل می‌تواند حمایت از پرورش‌دهندگان طیور را افزایش دهد. در نهایت انتظار می‌رود، ترکیب سیاست‌های پولی، مالی، ارزی و بخشی به گونه‌ای باشد که برایند آن، حمایت‌کنندهٔ دامپروران باشد.

۲-٤-٥ گوشت مرغ

گوشت مرغ، از محصولات زیربخش دامپروری است که با توجه بـه ارزش غـذایی آن در تأمین پروتئین و ویژگی‌های آن در مقایسـه بـا گوشـت قرمـز، بیشـتر از ۲/۱ درصد هزینه‌های کل و ۸/۲ درصد از هزینه‌های خوراکی و آشامیدنی خانوار ایرانی را در سال ۱۳۸۹ تشکیل می‌داد(نتایج بررسـی بودجـهٔ خـانوار شـهری بانـک مرکـزی، ۱۳۹۰). مصرف گوشت مرغ در دههٔ ۱۳۸۰ در پی تبلیغات بـا هـدف فرهنـگ‌سـازی مصرف گوشت سفید به دلیل کلسترول کمتر نسبت به گوشت قرمز و افزایش قیمت گوشت قرمز، افزایشی بوده است، به طوری که از ۸۹ کیلوگرم در سال ۱۳۸۰ بـه ۹۳ کیلوگرم در سال ۱۳۸۹ برای خانوار[۱] رسیده است. در حالی که مصرف گوشت قرمـز در این دهه با روند کاهشی روبه‌رو بوده اسـت. بـا توجـه بـه نقـش گوشـت مـرغ در سلامت جامعه، سهم آن در سبد خوراکی خانوار و روند رو بـه گسـترش مصـرف آن، بررسی حمایت از تولید و مصرف این محصول، به برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری کمک می‌کند.

در جدول (۱-۲-۴-۵) وضعیت تولید، عملکرد و تجـارت گوشـت مـرغ در ایـران آمده است. با توجه به جدول، مشاهده می‌شود تعداد مرغ گوشـتی پـرورش‌یافتـه در برنامه‌های توسعه، به‌ویژه از سال ۱۳۷۶ در پی اجرای سیاست‌های حمایت قیمتی به شکل تعیین قیمت‌های سقف و کف توسط شورای اقتصاد روند افزایشی داشته است. تولید گوشت مرغ نیز مانند تعداد جوجهٔ پرورش یافته روند افزایشی داشت و از ۳۸۰ هزار تن در ابتدای برنامهٔ اول توسعه به ۱۶۸۰ هزار تن در سال ۱۳۸۹ رسید. عملکرد تولید، یعنی مقدار گوشت به دست آمده از هر قطعه جوجهٔ گوشتی، با توجه به نـوع نژادهای پرورش‌یافته در ایران در دوره‌های مختلف به طور نسبی ثابت اسـت. بـراین

[۱]- در گزارش بررسی بودجهٔ خانوار سال ۱۳۸۹، میانگین بعد خانوار ۳/۷ نفر محاسبه شده است.

اساس در برنامهٔ اول توسعه و سال‌های نخست برنامهٔ دوم عملکرد تولید گوشت ۱/۴ و در برنامه‌های سوم و چهارم ۱/۲ کیلوگرم بود. دلیل تغییر نوع نژاد ممکن است مقاومت آن در مقابل بیماری‌ها و سازگاری با شرایط باشد.

جدول ۱-۲-۴-۵) وضعیت تولید، عملکرد و تجارت گوشت مرغ ایران

سال	تعداد مرغ (میلیون قطعه)	سهم از تعداد مرغ جهان (درصد)	عملکرد (کیلوگرم در هر قطعه)	نسبت عملکرد ایران به جهان	تولید گوشت مرغ (هزار تن)	سهم از تولید جهان (درصد)	واردات گوشت مرغ (هزار تن)	سهم از واردات (درصد)	ارزش واردات گوشت مرغ (میلیون دلار)	سهم از ارزش واردات (درصد)
۱۳٦۸	۲۷۱	۱/۰۵	۱/٤۰	۱/۰۸	۳۸۰	۱/۱	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰
۱۳٦۹	۲۷۱	۱/۰۰	۱/٤۰	۱/۰۷	۳۸۰	۱/۱	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰
۱۳۷۰	۳۰۰	۱/۰٦	۱/٤۰	۱/۰٦	٤۲۰	۱/۱	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰
۱۳۷۱	۳۷۱	۱/۲۹	۱/٤۰	۱/۰۳	۵۲۰	۱/۳	۲۷/۸۳	۱/۰۹	۳۱/٦۲	۰/۷۵
۱۳۷۲	٤۰۰	۱/۳۲	۱/٤۰	۱/۰۲	۵٦۰	۱/٤	٤۸/٦۰	۱/۷۸	٦۵/۲۰	۱/٦٤
۱۳۷۳	٤۳۸	۱/۳۸	۱/٤۰	۱/۰۲	٦۱۳	۱/٤	۲/۰٤	۰/۰٦	۲/۳۳	۰/۰۵
۱۳۷٤	٤۵۵	۱/۳٤	۱/٤۰	۱/۰۳	٦۳۷	۱/٤	۱/۰۰	۰/۰۲	۱/۳۰	۰/۰۲
۱۳۷۵	٤٦٤	۱/۳۳	۱/٤۰	۱/۰۳	٦۵۰	۱/٤	۱۰/٤۰	۰/۲۳	۱٤/۵۰	۰/۲۲
۱۳۷٦	٤۷٦	۱/۳۱	۱/٤٦	۱/۰۵	٦۹۵	۱/٤	۱٤/۹٦	۰/۳۲	۲۰/٤٦	۰/۳۲
۱۳۷۷	۵۱۰	۱/۳۸	۱/۳٦	۰/۹۵	٦۹٦	۱/۳	۳۵/۸۷	۰/۷۱	٤۷/۵۹	۰/۷٤
۱۳۷۸	۵۹٤	۱/۵۳	۱/۲۲	۰/۸۵	۷۲۵	۱/۳	۱٤/۳۵	۰/۲٦	۱۷/۰۵	۰/۲۷
۱۳۷۹	٦۷۰	۱/٦٦	۱/۲۰	۰/۸۲	۸۰۳	۱/٤	۲۲/٦٦	۰/۳۸	۲۲/۳۳	۰/۳۷
۱۳۸۰	۷۳۸	۱/۷۷	۱/۲۰	۰/۸۲	۸۸۵	۱/۵	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰
۱۳۸۱	۷۸۵	۱/۸۱	۱/۲۰	۰/۸۲	۹٤۲	۱/۵	۲/۵۷	۰/۰٤	۲/۳۸	۰/۰٤
۱۳۸۲	۹۲۰	۲/۰۹	۱/۲۰	۰/۸۱	۱۱۰٤	۱/۷	۵/۱۸	۰/۰۸	٤/٤٦	۰/۰٦
۱۳۸۳	۹٦۰	۲/۱۳	۱/۲۰	۰/۸۰	۱۱۵۲	۱/۷	۱۵/۱۵	۰/۲۳	۱٤/۳٦	۰/۱۷
۱۳۸٤	۱۰۳۱	۲/۱۹	۱/۲۰	۰/۸۱	۱۲۳۷	۱/۸	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰
۱۳۸۵	۱۱۳۳	۲/۳۷	۱/۲۰	۰/۷۹	۱۳٦۰	۱/۹	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰
۱۳۸٦	۱۲۳۰	۲/٤۲	۱/۱۹	۰/۷۹	۱٤٦۸	۱/۹	۲۵/۰۷	۰/۲۹	٤۰/۸۱	۰/۳۱
۱۳۸۷	۱۳۰۵	۲/٤٦	۱/۲۰	۰/۷۹	۱۵٦٦	۱/۹	۲۵/٤۸	۰/۲٦	٤۸/۷۸	۰/۲۸
۱۳۸۸	۱۳٤۲	۲/٤۸	۱/۲۰	۰/۷۹	۱٦۱۰	۲/۰	۲۵/٤۸	۰/۲۵	٤۸/۷۸	۰/۲۹
۱۳۸۹	۱۳۷۵	۲/٤۸	۱/۲۰	۰/۷۷	۱٦۵۰	۱/۹	۲۹/۷۲	۰/۲۸	۵۷/۰۱	۰/۳۱

منبع: آمارنامه‌های گمرک جمهوری اسلامی ایران و سایت سازمان خواربار و کشاورزی جهانی ملل متحد(http://fao.org)

همان‌طور که در نمودار (۱-۲-۴-۵) مشاهده می‌شود سهم ایران از تعداد مرغ گوشتی و تولید گوشت مرغ جهان تغییر اندکی داشته است، اما پس از آن با اجرای سیاست‌های آزادسازی اقتصادی، با روند افزایشی روبه‌رو بوده است. همچنین در برنامه‌های سوم و چهارم توسعه سهم تعداد جوجهٔ گوشتی همواره از سهم تولیدگوشت بیشتر بوده است که نشان‌دهندهٔ عملکرد کمتر ایران نسبت به میانگین جهانی است. به طوری که در سال‌های ۸۹-۱۳۷۷ میانگین نسبت عملکرد ایران به کشورهای دیگر ۰/۸۲ بوده است.

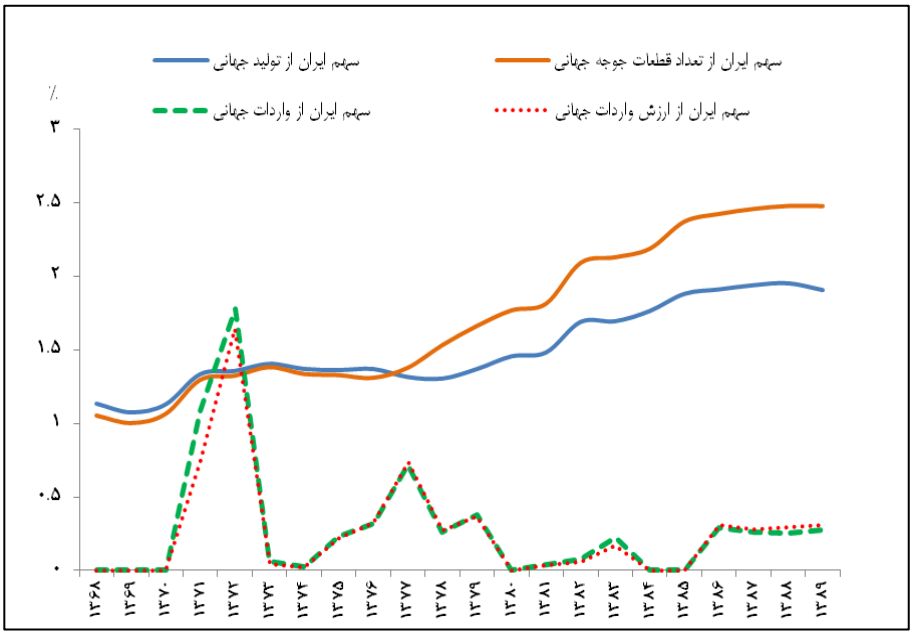

نمودار ۱-۲-۴-۵) سهم ایران از تولید، تعداد جوجهٔ گوشتی، واردات و ارزش واردات جهانی گوشت مرغ طی دورهٔ ۸۹-۱۳۶۸

براساس آمار گمرک ایران، صادرات گوشت مرغ پس از آغاز در سال ۱۳۷۳ همواره روند افزایشی داشته و تنها در سال ۱۳۸۸ مقدار آن اندک بوده است، اما واردات گوشت مرغ در دورهٔ ۸۹-۱۳۶۰ با نوسان‌های زیادی روبه‌رو بوده است.

بنابراین در جدول (۱-۲-۴-۵) چگونگی تغییرات واردات گوشت مرغ بررسی شده است. در سال‌های ۷۲-۱۳۷۱ در پی اجرای سیاست‌های تعدیل اقتصادی که بخشی از آن مربوط به یارانهٔ مواد پروتئینی بود، به منظور تنظیم بازار ناگزیر بیش از ۴۸ هزار تن گوشت مرغ وارد کشور شد. در برنامهٔ دوم توسعه نیز واردات گوشت مرغ افزایشی بود، اما با کاهش تصدی‌گری دولت در بازار نهاده‌های دام و طیور، از سال ۱۳۷۷ روند کاهشی پیدا کرد. به طوری که در سال ۱۳۸۰ گوشت مرغ وارد نشد و تا سال ۱۳۸۵ نیز واردات این محصول اندک بود و تنها در بعضی دوره‌های زمانی پرمصرف، برای تنظیم بازار وارد می‌شد. شایان ذکر است، در این شش سال مقدار صادرات گوشت مرغ بیشتر از واردات آن بود. پس از سال ۱۳۸۵ واردات مرغ کشور با وجود صادرات، روند افزایشی پیدا کرد و به ۲۹/۷ هزار تن در سال ۱۳۸۹ رسید. ارزش واردات گوشت مرغ نیز با نوسان زیادی روبه‌رو بود و در سال ۱۳۷۲ بیشترین هزینهٔ واردات گوشت مرغ با ۶۵ میلیون دلار انجام پذیرفت که سهم ایران از ارزش واردات جهانی ۱/۶ درصد بود. در برنامهٔ چهارم توسعه با میانگین ۵۰ میلیون دلاری ارزش واردات، سهم ایران از بازار گوشت مرغ ۰/۳ درصد بود که نشان می‌دهد واردات جهانی این محصول در پی توسعهٔ مصرف آن رشد زیادی داشته است. براساس نمودار (۱-۲-۴-۵) سهم ایران از مقدار واردات گوشت مرغ جهان نیز هماهنگ با مقدار واردات، نوسان زیادی داشته است که نشان می‌دهد قیمت وارداتی ایران با میانگین قیمت جهانی تفاوت زیادی ندارد و به معنی رقابتی بودن بازار جهانی این محصول است.

با توجه به سهم صنعت طیور در اشتغال و تولید ارزش افزوده بخش کشاورزی براساس آمار وزارت جهاد کشاورزی و نقش گوشت مرغ در سبد مصرف خانوار، سیاست‌های حمایتی مختلفی به منظور افزایش تولید این محصول اجرا شده است. در دورهٔ جنگ دخالت دولت در بازار محصولات دامی بیشتر بود، به طوری که در

بعضی موارد به طور مستقیم محصول را از تولیدکنندگان خریداری و با قیمت دولتی بین مردم توزیع می‌کرد. در برنامهٔ اول توسعه با اجرای سیاست‌های آزادسازی، دخالت دولت در زمینهٔ تولید و بازار این محصول کاهش یافت. از سال ۱۳۷۲ با اصلاح قانون خرید تضمینی از تولید این محصول حمایت شد و پس از آن در بعضی دوره‌ها نیز سیاست‌های قیمتی تعیین قیمت سقف و کف اجرا شد. در همهٔ سال‌ها بخش مهمی از نهاده‌های مورد نیاز توسط شرکت پشتیبانی امور دام با قیمتی کمتر از بازار آزاد داخلی و قیمت جهانی بین واحدهای دامپروری توزیع شده است که این تفاوت قیمت توزیع‌شده با قیمت جهانی به عنوان یارانه در نظر گرفته می‌شود[۱]. آمار منتشرنشدهٔ این شرکت نشان می‌دهد، از سال ۱۳۸۰، توزیع نهاده‌های دامی کاهش چشمگیری پیدا کرد که نشان‌دهندهٔ کاهش نقش تصدی‌گری دولت در بازار نهاده‌های دامی است. دولت همچنین با یارانهٔ صادراتی، بیمهٔ محصولات کشاورزی و تسهیلات بانکی در دورهٔ مورد بررسی(۱۳۸۹-۱۳۶۰) از گوشت مرغ حمایت کرده است. در بیشتر سال‌ها با کنترل قیمت‌ها و یارانهٔ مصرف از مصرف‌کنندگان گوشت مرغ نیز حمایت شده است.

در ادامه، نتایج محاسبهٔ شاخص‌های حمایت از تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان گوشت مرغ (٪CSE، ٪ MPS، ٪PSE) تجزیه و تحلیل می‌شود. همچنین، اثر سیاست‌های ارزی و انحراف نرخ ارز بر مقادیر حمایت از این محصول طی برنامه‌های اول تا چهارم توسعه بررسی می‌شود. از کارکردهای پژوهش‌های اقتصادی افزون بر تبیین و تحلیل وضعیت‌های گذشته و کنونی، پیش‌بینی آیندهٔ شاخص‌های اقتصادی

---

[۱]- بخشی از نهادهٔ تولیدی صنایع دام و طیور توسط شرکت پشتیبانی امور دام توزیع و بخشی در بازار آزاد تأمین می‌شود. تفاوت قیمت داخلی و بازار آزاد در بودجهٔ کشور در نظر گرفته می‌شود. اما تفاوت قیمت جهانی با قیمت بازار داخلی به طور مستقیم محاسبه نمی‌شود. در پژوهش پیش رو، با توجه به هدف محاسبهٔ حمایت کل از تولیدکنندگان، مجموع حمایت بودجه‌ای و حاصل ضرب تفاوت قیمت بازار داخلی با قیمت جهانی در مقدار مصرف نهاده به عنوان حمایت از نهادهٔ تولید در نظر گرفته شده است.

برای برنامه‌ریزی است. از این رو با فرض ادامهٔ روند رشد تخصیص یارانه‌ها همانند برنامهٔ چهارم و پیش‌بینی قیمت‌ها با استفاده از روش‌های درون‌یابی و میانگین متحرک با روشی که برای محصولات دیگر بیان شد، شاخص‌های حمایت از تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان گوشت مرغ در برنامهٔ پنجم پیش‌بینی می‌شود.

۱-۲-٤-۵ بررسی مقادیر حمایت بازاری از تولیدکنندگان گوشت مرغ طی برنامه‌های توسعه

شاخص حمایت از قیمت بازاری(MPS) بیشتر بازتاب‌دهندهٔ سیاست‌های مؤثر بر قیمت و سیاست‌های ارزی است که به شکل ارزش پولی و درصدی محاسبه می‌شود. براساس روش‌شناسی بیان‌شده در فصل سوم این پژوهش این شاخص، نشان‌دهندهٔ انتقال به تولیدکنندگان از مصرف‌کنندگان، مالیات‌دهندگان و واردکنندگان است. شاخص درصدی حمایت از قیمت بازاری نسبت تفاوت قیمت دریافتی تولیدکنندگان داخلی را با قیمت جهانی تعدیل شده با نرخ ارز حقیقی یا تعادلی به قیمت جهانی نشان می‌دهد. اگر قیمت جهانی با نرخ ارز حقیقی تعدیل شود، اثر مستقیم و اگر با نرخ ارز تعادلی تعدیل شود، اثر کل محاسبه می‌شود. تفاضل این دو اثر نشان‌دهندهٔ برایند سیاست‌های ارزی است که اثرغیرمستقیم نامیده می‌شود. نتایج محاسبات حمایت از قیمت بازاری، به قیمت‌های ثابت طی برنامه‌های اول تا چهارم توسعه و پیش‌بینی برنامهٔ پنجم برای محصول گوشت مرغ در جدول (۲-۲-۴-۵) ارائه شده است.

براساس نتایج انحراف نرخ ارز که از نسبت تفاوت نرخ حقیقی ارز و نرخ تعادلی آن نسبت به نرخ تعادلی ارز محاسبه می‌شود، در دوره‌های مختلف متفاوت بوده است. برای محاسبهٔ نرخ حقیقی ارز، نرخ ارز اسمی(بازاری) در نسبت متوسط موزون شاخص سطح عمومی قیمت‌های مهم‌ترین شرکای تجاری ایران به سطح عمومی

قیمت‌های ایران ضرب می‌شود. نرخ تعادلی با استفاده از الگوی اقتصادسنجی تصحیح خطا تابعی از متغیرهای بنیادین اقتصاد شامل رابطهٔ مبادله، قیمت جهانی طلا، درجهٔ باز بودن اقتصاد، درآمد نفتی کشور، بهره‌وری کل اقتصاد، نسبت نرخ بهرهٔ جهانی به نرخ بهره در ایران است که نرخ ارز ایران را در شرایط تعادل بلندمدت اقتصاد نشان می‌دهد.

در دورهٔ جنگ با کاهش درآمد نفتی و همزمان نیاز کشور به ارز، با بیش‌برآورد ارزش ریال نسبت به دلار توسط دولت، انحراف نرخ ارز در سال پایانی جنگ(۱۳۶۷) به ۸۹ درصد افزایش پیدا کرد. در برنامهٔ اول توسعه با کم‌برآورد ارزش ریال نسبت به نرخ تعادلی، انحراف نرخ ارز منفی بود و در سال‌های پایانی این برنامه به دلیل اجرای سیاست‌های آزادسازی اقتصادی مقدار آن افزایش یافت. در سال‌های نخست برنامهٔ دوم انحراف نرخ ارز حقیقی از مقدار تعادلی بلندمدت اقتصاد منفی و در سال‌های بعد مثبت شد. در برنامهٔ سوم توسعه به منظور تشویق صادرات، سیاست بیش‌برآورد ارزش ریال دنبال شد، یعنی نرخ ارز تعادلی کمتر از نرخ حقیقی آن بود. همچنین نرخ ارز سالیانه با شیب ملایمی در حال رشد بود. در برنامهٔ چهارم نیز روند کاهش ارزش پول ملی ادامه داشت، اما رشد نرخ ارز تعادلی بیش از نرخ حقیقی آن بود. بنابراین سیاست‌های ارزی برنامهٔ چهارم موجب کم‌برآورد ارزش ریال شد.

براساس نتایج اثرمستقیم - بر حسب قیمت‌های ثابت سال پایهٔ ۱۳۸۴- حمایت بازاری از تولیدکنندگان گوشت مرغ با وجود نوسان در جهت بهبود تغییر کرده است. در دورهٔ جنگ با اجرای سیاست‌های قیمتی ۵۳۸۷ میلیارد ریال به قیمت ثابت سال ۱۳۸۴ از تولیدکنندگان به مصرف‌کنندگان و واردکنندگان انتقال پیدا کرد.

جدول ۲-۲-۴-۵) شاخص‌های حمایت بازاری(MPS) از تولیدکنندگان گوشت مرغ

برنامه های توسعه	درصد انحراف نرخ ارز	سال	ارزش اثرمستقیم به قیمت ثابت سال ۱۳۸۴ (میلیارد ریال)	ارزش اثر کل به قیمت ثابت سال ۱۳۸۴ (میلیارد ریال)	%MPS اثر مستقیم	%MPS اثر غیرمستقیم	%MPS اثر کل
دورهٔ جنگ	۲۶/۸۱	۱۳۶۰	-۲۵۹۱	-۱۰۸۴	-۳۶/۱۷	۱۷/۰۰	-۱۹/۱۷
	۳۸/۹۰	۱۳۶۱	-۳۰۹۹	-۱۱۴۹	-۴۴/۲۴	۲۱/۵۱	-۲۲/۷۳
	۳۸/۶۷	۱۳۶۲	-۳۰۷۶	-۱۲۴۹	-۴۶/۶۵	۲۰/۴۵	-۲۶/۲۰
	۴۷/۶۸	۱۳۶۳	-۴۱۹۵	-۱۸۰۳	-۵۶/۲۸	۲۰/۶۶	-۳۵/۶۲
	-۱۳/۱۶	۱۳۶۴	-۴۶۵۴	-۵۸۲۵	-۵۹/۸۵	-۵/۲۶	-۶۵/۱۰
	-۲/۷۱	۱۳۶۵	-۷۷۷۶	-۸۰۸۸	-۶۹/۱۰	-۰/۸۳	-۶۹/۹۳
	۷۵/۷۲	۱۳۶۶	-۱۰۱۴۶	-۴۵۲۴	-۷۷/۳۴	۱۷/۰۰	-۶۰/۳۵
	۸۹/۸۷	۱۳۶۷	-۷۵۵۷	-۲۸۷۱	-۷۵/۷۶	۲۱/۴۸	-۵۴/۲۸
	۳۷/۷۲	میانگین	-۵۳۸۷	-۳۳۲۴	-۵۸/۱۷	۱۴/۰۰	-۴۴/۱۷
برنامهٔ اول توسعهٔ اقتصادی و اجتماعی	۵۰/۶۲	۱۳۶۸	-۱۰۱۱۴	-۵۹۵۳	-۸۱/۱۸	۹/۴۴	-۷۱/۷۵
	-۴/۳۰	۱۳۶۹	-۱۲۳۱۸	-۱۲۹۶۸	-۸۴/۷۰	-۰/۶۵	-۸۵/۳۵
	-۱۰/۸۴	۱۳۷۰	-۵۴۷۹	-۷۱۶۴	-۳۹/۲۴	-۶/۵۴	-۴۵/۷۸
	-۴۷/۰۳	۱۳۷۱	۱۷۸۳	-۷۰۷۹	۱۷/۶۳	-۵۴/۹۳	-۳۷/۳۰
	-۵۱/۴۱	۱۳۷۲	۲۳۸	-۱۳۱۱۴	۱/۸۷	-۵۲/۰۸	-۵۰/۲۱
	-۴۱/۲۹	۱۳۷۳	-۱۰۳۴	-۱۰۲۱۸	-۷/۸۲	-۳۷/۷۷	-۴۵/۵۹
	-۱۷/۳۸	میانگین	-۴۴۸۷	-۹۴۱۶	-۳۲/۲۴	-۲۳/۷۶	-۵۶/۰۰
برنامهٔ دوم توسعهٔ اقتصادی و اجتماعی	-۳۱/۹۷	۱۳۷۴	-۱۹۱۸	-۹۳۴۵	-۱۲/۰۵	-۲۷/۹۸	-۴۰/۰۳
	-۱۶/۱۸	۱۳۷۵	-۲۱۹۹	-۵۰۵۲	-۱۴/۷۴	-۱۳/۶۸	-۲۸/۴۲
	-۰/۸۹	۱۳۷۶	-۲۸۰۱	-۲۹۲۹	-۱۹/۵۰	-۰/۷۱	-۲۰/۲۱
	۳۳/۱۵	۱۳۷۷	-۲۴۰۶	۱۵۳۶	-۱۵/۰۶	۲۷/۸۲	۱۲/۷۶
	۲۹/۱۰	۱۳۷۸	-۲۲۱۴	۱۴۸۶	-۱۳/۳۷	۲۴/۹۳	۱۱/۵۶
	۲/۶۴	میانگین	-۲۳۰۸	-۲۸۶۱	-۱۴/۹۴	۲/۰۸	-۱۲/۸۷
برنامهٔ سوم توسعهٔ اقتصادی و اجتماعی	۱۶/۹۶	۱۳۷۹	۳۲۱۵	۵۰۱۵	۲۵/۵۹	۲۱/۰۰	۴۶/۵۹
	۱۶/۵۴	۱۳۸۰	۳۸۶۴	۵۶۹۱	۲۹/۶۳	۲۱/۱۳	۵۰/۷۷
	۱۲/۹۹	۱۳۸۱	۵۱۳۱	۶۳۴۳	۴۷/۹۱	۱۸/۸۷	۶۶/۷۸
	۳/۸۵	۱۳۸۲	۷۳۱۸	۷۷۰۰	۶۹/۴۸	۶/۳۸	۷۵/۸۵
	-۲/۷۹	۱۳۸۳	۶۲۴۱	۵۹۳۰	۵۶/۳۸	-۴/۲۷	۵۲/۱۱
	۹/۵۱	میانگین	۵۱۵۴	۶۱۳۶	۴۵/۸۰	۱۲/۶۲	۵۸/۴۲
برنامهٔ چهارم توسعهٔ اقتصادی و اجتماعی	-۶/۱۸	۱۳۸۴	۱۴۱۸	۴۳۴	۹/۳۳	-۶/۶۵	۲/۶۸
	-۱۰/۷۰	۱۳۸۵	۴۵۵۵	۲۸۷۷	۳۱/۹۹	-۱۳/۹۱	۱۸/۰۸
	-۱۳/۰۹	۱۳۸۶	۹۵۹	-۱۶۰۸	۵/۵۴	-۱۳/۶۳	-۸/۰۹
	-۷/۷۴	۱۳۸۷	۱۹۹۵	۵۲۰	۱۱/۱۷	-۸/۴۸	۲/۶۹
	-۳/۳۲	۱۳۸۸	۳۵۶۸	۳۰۱۰	۲۱/۶۲	-۳/۹۸	۱۷/۶۴
	-۱۷/۴۵	۱۳۸۹	۹۵۹۰	۶۳۸۷	۶۲/۲۶	-۲۷/۹۳	۳۴/۳۲
	-۹/۷۵	میانگین	۳۶۸۱	۱۹۳۷	۲۳/۶۵	-۱۲/۴۳	۱۱/۲۲
پیش بینی برنامهٔ پنجم توسعهٔ اقتصادی و اجتماعی	-۱۹/۲۲	۱۳۹۰	۱۰۲۰۶	۶۴۶۲	۶۳/۶۲	-۳۰/۹۶	۳۲/۶۶
	-۲۱/۱۴	۱۳۹۱	۹۲۵۹	۳۴۴۲	۴۲/۰۷	-۲۹/۷۰	۱۲/۳۷
	-۲۳/۰۷	۱۳۹۲	۱۳۵۴۴	۶۳۲۳	۵۵/۵۳	-۳۵/۵۳	۲۰/۰۰
	-۲۴/۹۸	۱۳۹۳	۱۹۰۸۰	۱۰۱۵۰	۷۰/۳۱	-۴۲/۱۷	۲۸/۱۴
	-۲۲/۰۹	۱۳۹۴	۲۴۰۹۳	۱۵۰۴۰	۷۴/۷۳	-۳۸/۳۱	۳۶/۴۲
	-۲۲/۱۰	میانگین	۱۵۲۳۶	۸۲۸۳	۶۱/۲۵	-۳۵/۳۳	۲۵/۹۲

منبع: یافته‌های پژوهش

در دورهٔ جنگ به دلیل ثبات نسبی قیمت‌های داخلی، حمایت از تولیدکنندگان ایران منفی و مالیات تحمیل‌شده به آنان افزایشی بود. در دههٔ ۱۳۷۰ با رشد چشمگیر قیمت‌های داخلی در پی اجرای سیاست‌های تعدیل اقتصادی، حمایت از تولیدکنندگان بهبود پیدا کرد و در سال‌های ۷۲-۱۳۷۱ همزمان با افت قیمت جهانی مثبت بود. اما میانگین حمایت‌های بازاری تا پایان برنامهٔ دوم توسعه نیز منفی بود و تولیدکنندگان گوشت مرغ با وجود افزایش قیمت داخلی، ناگزیر از پرداخت مالیات پنهان بودند. در برنامهٔ سوم توسعه با کاهش قیمت جهانی و اجرای سیاست‌های قیمتی سقف و کف با وجود افزایش قیمت‌های داخلی و کاهش قیمت خارجی، قیمت دریافتی تولیدکنندگان گوشت مرغ بیش از قیمت مرجع تعدیل‌شده با نرخ حقیقی ارز بود و تولیدکنندگان به طور میانگین ۵۱۵۴ میلیارد ریال به قیمت ثابت سال ۱۳۸۴ حمایت شدند. در برنامهٔ چهارم با افزایش قیمت خارجی و کاهش ارزش ریال، میانگین حمایت از تولیدکنندگان به ۳۶۸۱ میلیارد ریال به قیمت سال ثابت ۱۳۸۴ کاهش پیدا کرد. با فروض بیان شده، در برنامهٔ پنجم، در مقایسه با قیمت‌های جهانی، پرداختی به تولیدکنندگان گوشت مرغ افزایشی خواهدبود و تولیدکنندگان گوشت مرغ با عرضهٔ محصول در بازار داخلی نسبت به بازار جهانی دریافتی بیشتری خواهند داشت. از آنجا که براساس آمار منتشرشدهٔ مرکز آمار ایران، قیمت داخلی در همهٔ سال‌های مورد بررسی این پژوهش روندی صعودی داشته است، نوسان شاخص حمایت از قیمت بازاری برآمده از نوسان نرخ ارز، قیمت جهانی و مقادیر تولید و مصرف گوشت مرغ است. کاهش نسبی حمایت‌ها در برنامهٔ چهارم، به دلیل رشد فزایندهٔ قیمت‌های جهانی و کاهش ارزش ریال و افزایش حمایت‌ها در برنامهٔ اول توسعه به دلیل کاهش قیمت جهانی بود. افزایش حمایت از تولیدکنندگان، تقویت صنایع طیور و توسعهٔ صادرات این محصول را در پی خواهد داشت.

حمایت قیمتی کل با نرخ ارز تعادلی، در برنامهٔ اول توسعه به دلیل کم‌برآورد شدید ارزش ریال کمترین مقدار را داشته است و دامپروران ۹۴۱۶ میلیارد ریال به قیمت ثابت سال ۱۳۸۴ مالیات پنهان پرداخت کرده‌اند. از سال ۱۳۷۷ با بیش‌برآورد ارزش ریال و کاهش قیمت جهانی دریافتی دامپروران در داخل، نسبت به قیمت جهانی تعدیل‌شده با نرخ ارز تعادلی و هزینه‌های حمل و نقل، بیشتر بود و در برنامهٔ سوم توسعه، انتقال از مصرف‌کنندگان و واردکنندگان به تولیدکنندگان با نرخ ارز تعادلی به طور میانگین، ۶۱۳۶ میلیارد ریال به قیمت ثابت سال ۱۳۸۴ محاسبه شد. افزایش حمایت از دامپروران در این برنامه، برآمده از کاهش نسبی قیمت‌های جهانی و روند افزایشی قیمت داخلی، همزمان با اجرای شناورسازی نرخ ارز و کاهش دخالت دولت در بازار نهاده‌های دامی، در این دوره است. می‌توان نتیجه گرفت، روند افزایشی صادرات از سال ۱۳۷۷ در پی اجرای سیاست‌های حمایت‌کنندهٔ پرورش‌دهندگان طیور بوده است. مقایسهٔ اثرکل و اثرمستقیم نشان می‌دهد با اثرگذاری متغیرهای بلندمدت اقتصاد ایران، در برنامهٔ سوم توسعه از تولیدکنندگان گوشت مرغ حمایت بیشتری شده است، در حالی که در برنامه‌های چهارم و پنجم توسعه با کم برآورد ارزش ریال اجرای سیاست‌های ارزی به زیان تولیدکنندگان بوده است.

حمایت درصدی از قیمت بازاری (MPS٪) بر مبنای نرخ ارز حقیقی (اثر مستقیم) تا سال ۱۳۶۹ به دلیل ثبات نسبی قیمت‌ها، کاهشی بود و در این سال تولیدکنندگان ایرانی نسبت به رقبای جهانی ۸۴ درصد کمتر دریافت کردند که نشان می‌دهد سیاست‌های قیمتی، دامپروران ایران را نسبت به قیمت پیش روی رقبای جهانی حمایت نکردند. در برنامهٔ اول توسعه حمایت از کشاورزان بهبود پیدا کرد، اما در برنامهٔ دوم توسعه با اجرای سیاست‌های انقباضی برای کاهش تورم برآمده از سیاست‌های تعدیل اقتصادی حمایت از تولیدکنندگان منفی بود. در برنامهٔ سوم توسعه با اجرای سیاست‌های قیمت سقف و شناورسازی نرخ ارز، همزمان با کاهش

قیمت جهانی، درآمد تولیدکنندگان ۴۵ درصد افزایش یافت. یعنی با اجرای سیاست‌های قیمتی، یارانه‌ها حدود نیمی از درآمد تولیدکنندگان را در بر می‌گرفت. با فروض بیان‌شده برای پیش‌بینی برنامهٔ پنجم، حمایت از دامپروران در این برنامه از برنامه‌های سوم و چهارم بیشتر خواهد و دامپروران با ادامهٔ سیاست‌های ارزی و بخشی به طور میانگین حدود ۶۱ درصد بیشتر از قیمت بازار جهانی دریافت می‌کنند.

بررسی اثرکل حمایت از قیمت بازاری نیز روندی مشابه اثرمستقیم و مقدار ارزشی خود را نشان می‌دهد و تعدیل قیمت جهانی با نرخ ارز تعادلی به طور میانگین در برنامه‌های سوم و چهارم توسعه ۳۲ درصد حمایت از تولیدکنندگان داخلی را بیان می‌کند. یعنی اگر نرخ ارز تعادلی برقرار بود، سیاست‌های بخشی قیمتی و ارزی به گونه‌ای می‌شد که تولیدکنندگان در مقابل رقبای خارجی خود حمایت می‌شدند که این در افزایش قدرت رقابت‌پذیری تولیدکنندگان گوشت مرغ ایرانی و توسعهٔ صادرات محصول مؤثر است.

اثر غیرمستقیم که تفاضل اثرکل و اثرمستقیم است، نشان می‌دهد سیاست‌های ارزی تا چه اندازه تقویت‌کنندهٔ سیاست‌های بخشی در زمینهٔ قیمت محصول هستند. در سال‌هایی که نرخ حقیقی ارز بیش از نرخ ارز تعادلی است، حمایت قیمتی از تولیدکنندگان در پی اجرای سیاست ارزی مثبت است و برعکس. یادآوری می‌شود، انحراف نرخ ارز نسبت فاصلهٔ نرخ ارز حقیقی از تعادلی به نرخ ارز تعادلی است که به شکل درصدی بیان می‌شود. براساس جدول (۲-۲-۴-۵) تا سال ۱۳۷۰ اثرغیرمستقیم کمتر از انحراف نرخ ارز است که تأثیرگذاری اندک نرخ ارز را در تعیین قیمت داخلی نشان می‌دهد. در سال‌های جنگ، با وجود بیش‌برآورد ۳۷ درصدی ارزش ریال، درصد اثرغیرمستقیم به طور میانگین ۱۴ درصد است. از سال ۱۳۷۱ با اجرای سیاست‌های آزادسازی نرخ ارز که انحراف نرخ ارز منفی و ارزش پول

ملی کاهش بسیاری پیدا کرد، اثر غیرمستقیم نیز منفی شد. این بدین معنی است که در دورهٔ جنگ، تقویت پول ملی در حمایت قیمتی از تولیدکنندگان گوشت مرغ اثر مثبت داشت، اما کاهش ارزش پول ملی کاهندهٔ حمایت بازاری از تولیدکنندگان بود. پس از یک دوره حمایت بازاری منفی از دامپروران در پی اجرای سیاست‌های تعدیل اقتصادی، حمایت از آنان از میانهٔ برنامهٔ دوم توسعه تا پایان برنامهٔ سوم مثبت بود؛ یعنی سیاست‌های ارزی تقویت‌کنندهٔ سیاست‌های بخشی بود. اما در برنامه‌های چهارم و پنجم کم‌برآورد ارزش ریال اثر منفی سیاست‌های بخشی را تقویت کرد. در برنامه‌های سوم و چهارم توسعه با توسعهٔ تجارت گوشت مرغ، اثرپذیری قیمت داخلی آن از قیمت جهانی و نرخ ارز افزایش یافت که بیشتر بودن اثرغیرمستقیم از انحراف نرخ ارز را در پی داشت. مقایسهٔ مقادیر مطلق اثر غیرمستقیم و اثرمستقیم در MPS٪ نشان می‌دهد، در بیشتر سال‌ها اثرمستقیم بیشتر از اثر غیرمستقیم بوده است که بیانگر نقش مهم‌تر سیاست‌های خاص بخش کشاورزی در چگونگی حمایت از تولیدکنندگان گوشت مرغ در مقایسه با سیاست‌های ارزی است و تنها در برنامهٔ دوم توسعه اثر سیاست‌های ارزی بیشتر از سیاست‌های بخشی بوده است.

۲-۲-۴-۵ بررسی مقادیر حمایت کل از تولیدکنندگان گوشت مرغ طی برنامه‌های توسعه

براساس آنچه در فصل‌های پیشین بیان شد، حمایت از تولیدکنندگان، حمایت‌های بازاری(MPS) و پرداخت‌های بودجه‌ای(BP) را در برمی‌گیرد که در بخش قبل حمایت‌های بازاری از محصول گوشت مرغ تحلیل شد. در این بخش با مرور سیاست‌های بازاری، سیاست‌های حمایتی اجراشده در ایران برای تولید گوشت

مرغ طی چهار برنامه توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی به طور خلاصه معرفی می‌شود:

۱- کنترل مقدار تولید محصولات از راه کنترل صدور مجوزها و پروانه‌های تولید؛
۲- تثبیت قیمت از راه کنترل عرضه و تقاضای محصول؛
۳- سیاست پرداخت یارانهٔ صادراتی برای صاردات گوشت مرغ؛
۴- تعیین تعرفه‌های وارداتی و دریافت مابه التفاوت از واردات؛
۵- اجرای سیاست‌های قیمتی مانند قیمت‌های هدف، کف و سقف؛
۶- پرداخت یارانه‌های مصرفی؛
۷- پرداخت یارانه به نهاده‌های تولید(یارانه پرداختی به دارو و درمان، سوخت و خوراک دام)؛
۸- اعطای تسهیلات بانکی ارزان قیمت
۹- پوشش بیمه‌ای و پرداخت بخشی از حق بیمه.

افزون بر این سیاست‌ها، دولت با تأثیرگذاری بر بازاررسانی محصول، پرداخت یارانه‌های حمل‌ونقل، وضع مقررات بهداشتی، درجه‌بندی، بازرسی و کنترل کیفیت، ایجاد تسهیلات سردخانه و نگهداری به حمایت از بخش طیور می‌پردازد.

یارانه‌های تولیدی که در این بخش یارانه‌های بودجه‌ای نامیده می‌شود، با کاهش هزینهٔ تولید دامپروران از آنان حمایت می‌کند. این پرداخت‌ها کمتر به شکل پرداخت مستقیم یارانه است و به طور معمول به شکل سیاست‌های قیمتی در بازار نهاده و توزیع نهادهٔ ارزان‌قیمت است. از این رو بخش عمدهٔ حمایت بودجه‌ای از تولیدکنندگان ایرانی را حمایت‌های قیمتی در بازار نهاده در برمی‌گیرد که نرخ ارز در آن نقش چشمگیری دارد. یارانهٔ پرداختی به نهاده‌های مهم خوراک دام که برای

گوشت مرغ شامل کنجالهٔ سویا، ذرت و پودرماهی است براساس تفاوت قیمت داخلی و خارجی، مقدار مصرف نهاده برای محصول و سطح تولید با رابطهٔ زیر محاسبه می‌شود:

$$(p_w - p_d)\times Q\times A$$

که در آن p_d و p_w به ترتیب قیمت داخلی و قیمت خارجی تعدیل‌شده با نرخ ارز حقیقی یا تعادلی با افزودن هزینهٔ حمل و نقل نهاده‌ها، Q مقدار مصرف نهاده در هر کیلوگرم محصول بر حسب کیلوگرم و A تولید محصول بر حسب کیلوگرم است. یارانهٔ انرژی نیز براساس رابطهٔ بالا محاسبه می‌شود. اطلاعات مقدار مصرف انرژی بر حسب برق و گاز و نهاده‌های خوراک دام و ترکیب جیره از محاسبات کشوری معاونت دام و طیور وزارت جهاد کشاورزی استخراج شده است. تسهیلات اعطایی بانک‌ها نیز تا پیش از سال ۱۳۸۴ و یکسان‌سازی نرخ سود تسهیلات بخش‌های مختلف اقتصاد، به صورت تسهیلات ارزان‌قیمت به دامپروران پرداخت می‌شد که در محاسبات از تفاوت نرخ سود بخش کشاورزی و میانگین وزنی نرخ سود دیگر بخش‌های اقتصادی استفاده شده است.

نتایج محاسبهٔ این پرداخت‌ها با توجه به آنچه در بخش‌های قبل بیان شد، در جدول (۳-۲-۴-۵) آمده است. براساس آن، حمایت‌های بودجه‌ای در قیمت‌های ثابت سال ۱۳۸۴ از ۹۰۷ میلیارد ریال در دورهٔ جنگ، به ۳۱۹۵ میلیارد ریال در برنامهٔ چهارم افزایش پیدا کرده است. با توجه به روند افزایشی تولید گوشت مرغ، حمایت‌های بودجه‌ای روند افزایشی داشته است. در دههٔ ۱۳۸۰ با وجود کاهش تصدی‌گری دولت در بازار نهاده‌ها و حمایت منفی از تولیدکنندگان گوشت مرغ به دلیل افزایش قیمت نهاده‌ها، رشد حمایت بودجه‌ای از کشاورزان ادامه داشت. به طوری که میانگین حمایت‌ها در سال‌های ۱۳۸۰ و ۱۳۸۹ از ۱۴۲۷ به ۳۱۹۴ میلیارد

ریال به قیمت ثابت سال ۱۳۸۴ افزایش پیدا کرد. نهاده‌های خوراک دام و انرژی، بیشترین سهم حمایت‌های بودجه‌ای را شامل می‌شوند. به دلیل نوسان در قیمت‌های داخلی و جهانی نهاده‌های خوراک دام سهم آنها در سال‌های مختلف نوسان داشت، اما در بیشتر سال‌ها به دلیل نیاز گرمایشی محل نگهداری طیور و اختلاف زیاد قیمت انرژی در ایران با قیمت جهانی، حدود سه چهارم حمایت‌های بودجه‌ای را بخش سوخت در بر می‌گیرد. پیش‌بینی می‌شود در برنامهٔ پنجم توسعه با وجود اجرای قانون هدفمندی یارانه‌ها و تعدیل قیمت انرژی، همزمان با کاهش حمایت برآمده از تفاوت قیمت خوراک دام داخلی و خارجی، سهم حمایت‌های انواع خوراک دام و واکسن و دارو کمتر از برنامه‌های دیگر باشد.

حمایت به شکل تسهیلات بانکی در برنامهٔ اول توسعه بیشترین رشد را داشت، به طوری که میانگین آن از ۱۰/۰۵ میلیارد ریال در دورهٔ جنگ به ۹۹ میلیارد ریال به قیمت ثابت سال ۱۳۸۴ افزایش پیدا کرد. این روند افزایشی در برنامهٔ دوم توسعه ادامه یافت و در برنامهٔ سوم توسعه با کاهش نسبی همراه بود. در برنامهٔ چهارم به منظور هدایت سرمایه به بخش‌های پربازده، با کاهش تفاوت نرخ سود تسهیلات بانکی بخش‌های اقتصادی، از تولیدکنندگان گوشت مرغ از راه پرداخت تسهیلات بانکی در مقایسه با دیگر بخش‌های اقتصادی، حمایت نشد. پرداخت سهم دولت در بیمهٔ محصول گوشت مرغ نیز پس از آغاز در سال ۱۳۷۸، با رشد فزاینده در برنامهٔ سوم توسعه همراه بود، اما در برنامهٔ چهارم توسعه کاهش یافت و به طور میانگین ۹/۵ میلیارد ریال ــ در قیمت‌های ثابت سال ۱۳۸۴ــ بود. با توجه به روند افزایشی حمایت از بیمهٔ گوشت مرغ در سال‌های پایانی برنامهٔ چهارم توسعه، پیش‌بینی می‌شود در برنامهٔ پنجم حمایت بیمه‌ای دولت از این محصول به ۱۳/۲ میلیارد ریال به قیمت ثابت سال ۱۳۸۴ افزایش پیدا کند.

جدول ۳-۲-۴-۵) حمایت بودجه‌ای از تولیدکنندگان گوشت مرغ در نرخ حقیقی ارز (میلیارد ریال- ثابت سال ۱۳۸۴)

برنامه های توسعه	سال	نهاده های خوراک دام و واکسن و دارو	انرژی	بیمه	تسهیلات بانکی	کل حمایت بودجه ای	سهم نهاده های خوراک دام(٪)	سهم انرژی(٪)
دورهٔ جنگ	۱۳۶۰	-۳۱/۲۴	۳۶۹/۲۴	۰/۰۰	۷/۹۵	۳۴۵/۹۵	۷/۶۵	۹۰/۴۱
	۱۳۶۱	۳۴/۶۶	۴۱۶/۹۱	۰/۰۰	۵/۷۹	۴۵۷/۳۷	۷/۵۸	۹۱/۱۵
	۱۳۶۲	۲۷۶/۸۰	۴۷۶/۴۹	۰/۰۰	۶/۴۵	۷۵۹/۷۴	۳۶/۴۳	۶۲/۷۲
	۱۳۶۳	۶۲۱/۳۵	۵۵۸/۲۸	۰/۰۰	۱۱/۶۷	۱۱۹۱/۳۰	۵۲/۱۶	۴۶/۸۶
	۱۳۶۴	۳۵۹/۱۲	۵۶۸/۷۵	۰/۰۰	۱۴/۰۲	۹۴۱/۹۰	۳۸/۱۳	۶۰/۳۸
	۱۳۶۵	۹۳/۵۳	۸۹۶/۴۰	۰/۰۰	۱۴/۳۰	۱۰۰۴/۲۲	۹/۳۱	۸۹/۲۶
	۱۳۶۶	۲۲۵/۲۶	۱۱۳۰/۸۴	۰/۰۰	۹/۰۷	۱۳۶۵/۱۷	۱۶/۵۰	۸۲/۸۴
	۱۳۶۷	۲۵۵/۴۶	۹۲۳/۹۳	۰/۰۰	۱۱/۱۲	۱۱۹۰/۵۱	۲۱/۴۶	۷۷/۶۱
	میانگین	۲۲۹/۳۷	۶۶۷/۶۱	۰/۰۰	۱۰/۰۵	۹۰۷/۰۲	۲۳/۶۵	۷۵/۱۵
برنامهٔ اول توسعهٔ اقتصادی و اجتماعی	۱۳۶۸	۶۹۶/۷۶	۱۱۶۹/۲۹	۰/۰۰	۱۱/۰۹	۱۸۷۷/۱۴	۳۷/۱۲	۶۲/۲۹
	۱۳۶۹	۸۱۶/۸۵	۱۶۷۳/۸۲	۰/۰۰	۳۶/۳۲	۲۵۲۶/۹۸	۳۲/۳۳	۶۶/۲۴
	۱۳۷۰	۱۸۲/۸۴	۱۲۷۱/۸۴	۰/۰۰	۱۳۹/۲۹	۱۵۹۳/۹۷	۱۱/۴۷	۷۹/۷۹
	۱۳۷۱	-۸۰۴/۰۲	۱۲۷۶/۵۰	۰/۰۰	۲۰۲/۱۷	۶۷۴/۶۴	۳۵/۲۲	۵۵/۹۲
	۱۳۷۲	-۵۹۶/۰۷	۱۱۵۳/۵۱	۰/۰۰	۹۰/۹۶	۶۴۸/۴۰	۳۲/۳۹	۶۲/۶۷
	۱۳۷۳	۱۸۴/۷۵	۱۵۸۶/۶۵	۰/۰۰	۱۱۵/۸۴	۱۸۸۷/۲۳	۹/۷۹	۸۴/۰۷
	میانگین	۸۰/۱۸	۱۳۵۵/۲۷	۰/۰۰	۹۹/۲۸	۱۵۳۴/۷۳	۲۶/۳۹	۶۸/۵۰
برنامهٔ دوم توسعهٔ اقتصادی و اجتماعی	۱۳۷۴	۱۲۷/۰۹	۱۶۹۳/۰۳	۰/۰۰	۹۹/۲۳	۱۹۱۹/۳۵	۶/۶۲	۸۸/۲۱
	۱۳۷۵	-۶۸۹/۷۳	۱۶۷۹/۹۰	۰/۰۰	۱۲۲/۱۲	۱۱۱۲/۲۹	۲۷/۶۸	۶۷/۴۲
	۱۳۷۶	۷۲/۹۳	۱۴۲۴/۰۵	۰/۰۰	۱۱۶/۱۰	۱۶۱۳/۰۸	۴/۵۲	۸۸/۲۸
	۱۳۷۷	-۷۱۱/۱۴	۱۲۲۱/۵۳	۰/۰۰	۱۲۰/۹۲	۶۳۱/۳۲	۳۴/۶۳	۵۹/۴۸
	۱۳۷۸	-۳۰۴/۳۵	۲۳۳۹/۱۸	۱/۱۵	۱۲۵/۶۶	۲۱۶۱/۶۳	۱۰/۹۹	۸۴/۴۴
	میانگین	-۳۰۱/۰۴	۱۶۷۱/۵۴	۰/۲۳	۱۱۶/۸۰	۱۴۸۷/۵۳	۱۶/۸۹	۷۷/۵۷
برنامهٔ سوم توسعهٔ اقتصادی و اجتماعی	۱۳۷۹	-۹۰۱/۰۷	۲۶۶۰/۸۱	۰/۳۷	۱۱۵/۱۱	۱۸۷۵/۲۳	۲۴/۵۰	۷۲/۳۶
	۱۳۸۰	-۵۸۶/۶۳	۱۸۹۹/۷۰	۲/۴۹	۱۱۱/۸۵	۱۴۲۷/۴۱	۲۲/۵۶	۷۳/۰۵
	۱۳۸۱	-۱۲۷۶/۳۹	۲۲۵۳/۷۱	۳۹/۲۷	۷۴/۸۸	۱۰۹۱/۴۷	۳۵/۰۲	۶۱/۸۴
	۱۳۸۲	-۱۲۱۹/۷۷	۲۸۴۱/۸۶	۲۲/۶۱	۹۵/۱۱	۱۷۳۹/۸۲	۲۹/۱۹	۶۸/۰۰
	۱۳۸۳	-۸۷۱/۷۹	۳۵۴۶/۵۳	۱۲۷/۰۲	۱۰۹/۵۷	۲۹۱۱/۳۴	۱۸/۷۳	۷۶/۱۹
	میانگین	-۹۷۱/۱۳	۲۶۴۰/۵۲	۳۸/۳۵	۱۰۱/۳۱	۱۸۰۹/۰۵	۲۶/۰۰	۷۰/۲۹
برنامهٔ چهارم توسعهٔ اقتصادی و اجتماعی	۱۳۸۴	-۶۱۹/۱۲	۴۷۶۵/۱۱	۱/۴۰	۰/۰۰	۴۱۴۷/۳۹	۱۱/۵۰	۸۸/۴۸
	۱۳۸۵	-۱۲۶۸/۲۶	۴۹۹۰/۸۳	۱۱/۸۹	۰/۰۰	۳۷۳۴/۴۷	۲۰/۲۲	۷۹/۵۹
	۱۳۸۶	-۲۳۸۵/۰۴	۶۰۰۷/۴۵	۹/۳۳	۰/۰۰	۳۶۳۱/۷۴	۲۸/۳۹	۷۱/۵۰
	۱۳۸۷	-۲۱۰۹/۵۱	۴۳۱۷/۷۹	۹/۵۰	۰/۰۰	۲۲۱۷/۷۸	۳۲/۷۷	۶۷/۰۸
	۱۳۸۸	-۱۸۵۰/۷۶	۴۰۸۳/۸۸	۱۲/۳۷	۰/۰۰	۲۲۴۵/۴۸	۳۱/۱۲	۶۸/۶۷
	۱۳۸۹	-۱۴۵۸/۹۲	۴۶۴۰/۹۱	۱۲/۹۶	۰/۰۰	۳۱۹۴/۹۵	۲۳/۸۷	۷۵/۹۲
	میانگین	-۱۶۱۵/۲۷	۴۸۰۱/۰۰	۹/۵۷	۰/۰۰	۳۱۹۵/۳۰	۲۴/۶۴	۷۵/۲۱
پیش بینی برنامهٔ پنجم توسعهٔ اقتصادی و اجتماعی	۱۳۹۰	-۸۲۸/۱۱	۴۴۷۶/۸۳	۱۲/۳۹	۰/۰۰	۳۶۶۱/۱۱	۱۵/۵۷	۸۴/۱۹
	۱۳۹۱	۵۰۸/۷۴	۶۲۹۰/۵۶	۱۲/۶۸	۰/۰۰	۶۸۱۱/۹۸	۷/۴۷	۹۲/۳۵
	۱۳۹۲	۵۹۲/۲۵	۷۲۱۹/۸۱	۱۳/۱۴	۰/۰۰	۷۸۲۵/۲۰	۷/۵۷	۹۲/۲۶
	۱۳۹۳	۸۰۹/۴۱	۸۲۶۸/۰۰	۱۳/۶۷	۰/۰۰	۹۰۹۱/۰۷	۸/۹۰	۹۰/۹۵
	۱۳۹۴	۱۴۴۰/۰۸	۱۰۱۰۲/۱۰	۱۴/۲۶	۰/۰۰	۱۱۵۵۶/۴۳	۱۲/۴۶	۸۷/۴۲
	میانگین	۵۰۴/۴۷	۷۲۷۱/۴۶	۱۳/۲۳	۰/۰۰	۷۷۸۹/۱۶	۱۰/۴۰	۸۹/۴۳

منبع: یافته‌های پژوهش

همان‌طور که در نمودار (۲-۲-۴-۵) مشاهده می‌شود، پرداخت‌های بودجه‌ای در قیمت‌های ثابت سال ۱۳۸۴ در سال‌های جنگ روند افزایشی ملایمی داشت، اما در برنامه‌های اول و دوم توسعه با نوسان بسیاری همراه بود. در برنامهٔ سوم توسعه، با وجود دریافت مالیات پنهان از تولیدکنندگان برای نهاده‌های خوراک دام، به دلیل افزایش تولید گوشت مرغ، کاهش ارزش پول ملی با شناورسازی نرخ ارز، افزایش سطح عمومی قیمت‌ها و افزایش تفاوت قیمت داخلی و خارجی سوخت و پرداخت یارانه‌های واکسن و دارو و جوایز صادراتی، حمایت بودجه‌ای از دامپروران فزاینده بود، اما در برنامهٔ چهارم توسعه در پی افزایش مالیات پنهان مصرف نهاده‌های زراعی خوراک دام حمایت از تولیدکنندگان گوشت مرغ کاهش پیدا کرد.

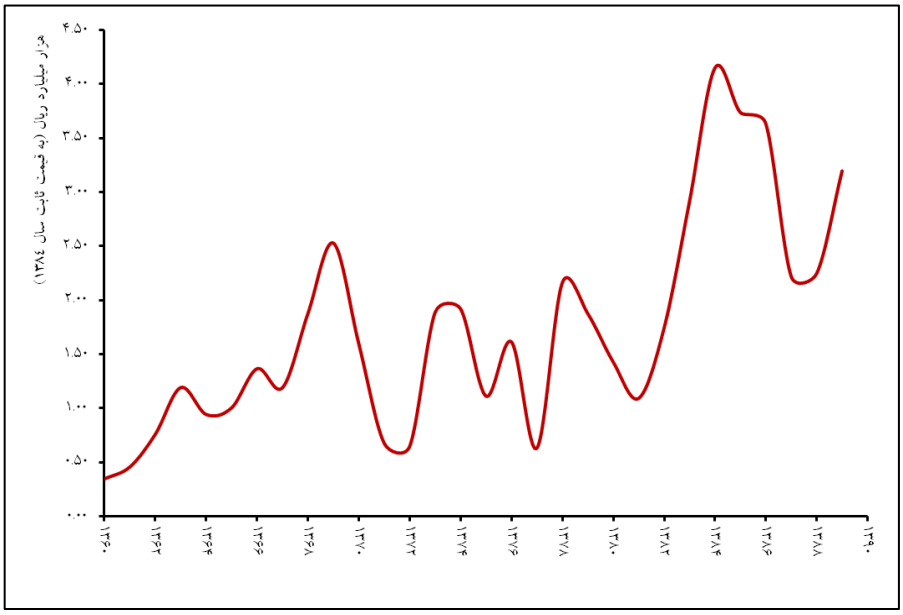

نمودار ۲-۲-۴-۵) نمودار روند پرداخت‌های بودجه‌ای دولت‌ها طی برنامه‌های مختلف توسعه

پس از بررسی اجزای حمایت از تولیدکننده، یعنی حمایت قیمتی و پرداخت‌های بودجه‌ای در جدول (۴-۲-۴-۵) نتایج محاسبهٔ شاخص‌های حمایت از تولیدکننده آمده است. در این جدول نیز مانند جدول (۲-۲-۴-۵) انحراف نرخ ارز حقیقی از تعادلی در کنار شاخص‌های حمایت از تولیدکنندگان (PSE) در برنامه‌های توسعهٔ ایران بررسی می‌شود. میانگین انحراف نرخ ارز در دورهٔ جنگ و برنامه‌های دوم و سوم توسعه مثبت بوده است و بیش‌برآورد ارزش حقیقی ریال نسبت به ارزش تعادلی آن را نشان می‌دهد.

یکی از اهداف این پژوهش، بررسی اثر سیاست‌های ارزی و انحراف نرخ ارز بر مقادیر شاخص‌های حمایت از تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان (٪PSE، ٪MPS و ٪CSE) است که به این منظور آثار مستقیم، کل و غیرمستقیم براساس نرخ ارزهای حقیقی و تعادلی محاسبه می‌شود. اثرمستقیم که در آن قیمت‌های جهانی مورد استفاده در محاسبه‌ها با نرخ ارز حقیقی تعدیل می‌شود، بیانگر وضعیت موجود حمایت از تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان گوشت مرغ بر اثر سیاست‌های در حال اجرای زیربخش دامپروری و ارزی است.

اثر کل، حمایت از آنان را در شرایط اعمال نرخ ارز تعادلی برآمده از متغیرهای کلان اقتصادی در بلندمدت نشان می‌دهد. اثرغیرمستقیم که حاصل تفاضل اثرکل و اثرمستقیم است، نشان‌دهندهٔ اثر سیاست‌های ارزی در چگونگی رقابت‌پذیری بلندمدت گوشت مرغ نسبت به رقبای جهانی است. اگر این شاخص مثبت باشد، یعنی سیاست‌های ارزی بر سطح رقابت‌پذیری بلندمدت تولیدکنندگان ایرانی افزوده است و برعکس.

جدول ۴-۲-۴-۵ شاخص‌های حمایت از تولیدکنندگان گوشت مرغ

برنامه های توسعه	درصد انحراف نرخ ارز	سال	ارزش اثرمستقیم به قیمت ثابت سال ۱۳۸۴ (میلیارد ریال)	ارزش اثر کل به قیمت ثابت سال ۱۳۸۴ (میلیارد ریال)	%PSE اثر مستقیم	%PSE اثر غیرمستقیم	%PSE اثر کل
دورهٔ جنگ	۲۶/۸۱	۱۳۶۰	-۲۲۴۵	-۱۱۰۷	-۳۱/۳۴	۱۱/۷۸	-۱۹/۵۶
	۳۸/۹۰	۱۳۶۱	-۲۶۴۱	-۱۱۴۹	-۳۷/۷۱	۱۴/۹۷	-۲۲/۷۴
	۳۸/۶۷	۱۳۶۲	-۲۳۱۶	-۹۲۹	-۳۵/۱۲	۱۵/۶۳	-۱۹/۴۹
	۴۷/۶۸	۱۳۶۳	-۳۰۰۴	-۱۳۲۳	-۴۰/۳۰	۱۴/۱۶	-۲۶/۱۴
	-۱۳/۱۶	۱۳۶۴	-۳۷۱۲	-۴۵۸۱	-۴۷/۷۳	-۳/۴۷	-۵۱/۲۰
	-۲/۷۱	۱۳۶۵	-۶۷۷۲	-۷۰۲۰	-۶۰/۱۸	-۰/۵۲	-۶۰/۷۰
	۷۵/۷۲	۱۳۶۶	-۸۷۸۱	-۴۱۴۶	-۶۶/۹۴	۱۱/۶۳	-۵۵/۳۰
	۸۹/۸۷	۱۳۶۷	-۶۳۶۷	-۲۶۵۵	-۶۳/۸۲	۱۳/۶۳	-۵۰/۱۹
	۳۷/۷۲	میانگین	-۴۴۸۰	-۲۸۶۴	-۴۷/۸۹	۹/۷۳	-۳۸/۱۷
برنامهٔ اول توسعهٔ اقتصادی و اجتماعی	۵۰/۶۲	۱۳۶۸	-۸۲۳۶	-۵۰۴۸	-۶۶/۱۲	۵/۲۸	-۶۰/۸۴
	-۴/۳۰	۱۳۶۹	-۹۷۹۱	-۱۰۲۷۵	-۶۷/۳۲	-۰/۳۰	-۶۷/۶۳
	-۱۰/۸۴	۱۳۷۰	-۳۸۸۵	-۵۲۳۴	-۲۷/۸۲	-۵/۶۲	-۳۳/۴۴
	-۴۷/۰۳	۱۳۷۱	۲۴۵۸	-۳۷۶۳	۲۴/۳۰	-۴۴/۱۳	-۱۹/۸۳
	-۵۱/۴۱	۱۳۷۲	۸۸۷	-۹۴۳۲	۶/۹۵	-۴۳/۰۶	-۳۶/۱۲
	-۴۱/۲۹	۱۳۷۳	۸۵۳	-۵۷۷۳	۶/۴۵	-۳۲/۲۱	-۲۵/۷۶
	-۱۷/۳۸	میانگین	-۲۹۵۳	-۶۵۸۷	-۲۰/۵۹	-۲۰/۰۱	-۴۰/۶۰
برنامهٔ دوم توسعهٔ اقتصادی و اجتماعی	-۳۱/۹۷	۱۳۷۴	۱	-۵۳۵۵	۰/۰۱	-۲۲/۹۵	-۲۲/۹۴
	-۱۶/۱۸	۱۳۷۵	-۱۰۸۷	-۳۰۰۱	-۷/۲۹	-۹/۶۰	-۱۶/۸۹
	-۰/۸۹	۱۳۷۶	-۱۱۸۸	-۱۲۸۱	-۸/۲۷	-۰/۵۷	-۸/۸۴
	۳۳/۱۵	۱۳۷۷	-۱۷۷۵	۱۱۲۲	-۱۱/۱۰	۲۰/۴۳	۹/۳۲
	۲۹/۱۰	۱۳۷۸	-۵۲	۲۵۲۶	-۰/۳۲	۱۹/۹۷	۱۹/۶۵
	۲/۶۴	میانگین	-۸۲۰	-۱۱۹۸	-۵/۳۹	۱/۴۶	-۳/۹۴
برنامهٔ سوم توسعهٔ اقتصادی و اجتماعی	۱۶/۹۶	۱۳۷۹	۵۰۹۰	۶۱۵۲	۴۰/۵۲	۱۶/۶۴	۵۷/۱۶
	۱۶/۵۴	۱۳۸۰	۵۲۹۱	۶۳۹۳	۴۰/۵۸	۱۶/۴۴	۵۷/۰۲
	۱۲/۹۹	۱۳۸۱	۶۲۲۲	۶۸۴۳	۵۸/۱۰	۱۳/۹۵	۷۲/۰۴
	۳/۸۵	۱۳۸۲	۹۰۵۸	۹۲۰۱	۸۶/۰۰	۴/۶۴	۹۰/۶۴
	-۲/۷۹	۱۳۸۳	۹۱۵۲	۹۰۶۸	۸۲/۶۸	-۲/۹۹	۷۹/۶۹
	۹/۵۱	میانگین	۶۹۶۳	۷۵۳۱	۶۱/۵۸	۹/۷۴	۷۱/۳۱
برنامهٔ چهارم توسعهٔ اقتصادی و اجتماعی	-۶/۱۸	۱۳۸۴	۵۵۶۵	۵۱۰۹	۳۶/۶۳	-۵/۰۵	۳۱/۵۸
	-۱۰/۷۰	۱۳۸۵	۸۲۸۹	۷۶۰۳	۵۸/۲۲	-۱۰/۴۵	۴۷/۷۷
	-۱۳/۰۹	۱۳۸۶	۴۵۹۰	۳۵۶۴	۲۶/۵۲	-۸/۵۹	۱۷/۹۳
	-۷/۷۴	۱۳۸۷	۴۲۱۳	۳۵۱۳	۲۳/۶۰	-۵/۴۲	۱۸/۱۷
	-۳/۳۲	۱۳۸۸	۵۸۱۴	۵۵۳۶	۳۵/۲۳	-۲/۷۸	۳۲/۴۵
	-۱۷/۴۵	۱۳۸۹	۱۲۷۸۵	۱۱۴۷۲	۸۳/۰۰	-۲۱/۳۴	۶۱/۶۶
	-۹/۷۵	میانگین	۶۸۷۶	۶۱۳۳	۴۳/۸۶	-۸/۹۴	۳۴/۹۳
پیش بینی برنامهٔ پنجم توسعهٔ اقتصادی و اجتماعی	-۱۹/۲۲	۱۳۹۰	۱۳۸۶۷	۱۲۲۴۰	۸۶/۴۴	-۲۴/۵۸	۶۱/۸۶
	-۲۱/۱۴	۱۳۹۱	۱۶۰۷۱	۱۳۴۶۸	۷۳/۰۳	-۲۴/۶۲	۴۸/۴۰
	-۲۳/۰۷	۱۳۹۲	۲۱۳۶۹	۱۸۰۳۶	۸۷/۶۱	-۳۰/۵۶	۵۷/۰۵
	-۲۴/۹۸	۱۳۹۳	۲۸۱۷۱	۲۳۹۵۶	۱۰۳/۸۱	-۳۷/۳۹	۶۶/۴۲
	-۲۲/۰۹	۱۳۹۴	۳۵۶۴۹	۳۱۲۹۹	۱۱۰/۵۷	-۳۴/۷۸	۷۵/۸۰
	-۲۲/۱۰	میانگین	۲۳۰۲۶	۱۹۸۰۰	۹۲/۲۹	-۳۰/۳۹	۶۱/۹۱

منبع: یافته‌های پژوهش

شاخص برآورد حمایت از تولیدکننده (PSE) که مجموع حمایت از قیمت بازاری(MPS) و حمایت‌های بودجه‌ای(BP) را نشان می‌دهد، بیانگر آن است که سیاست‌های حمایتی به سمت حمایت از تولید و تولیدکننده در جریان است. در دورهٔ جنگ با ثبات قیمت‌ها، مالیات پنهان تحمیل‌شده به تولیدکنندگان افزایش پیدا کرد. در برنامهٔ اول توسعه با اجرای سیاست‌های آزادسازی، حمایت از تولیدکنندگان گوشت مرغ بهبود پیدا کرد، اما در برنامهٔ دوم با اجرای سیاست‌های انقباضی برای کاهش آثار تورمی، از تولیدکنندگان طیور مالیات دریافت شد. از برنامهٔ سوم توسعه با کاهش تصدی دولت در بازار نهاده، اجرای سیاست‌های تعیین قیمت سقف و کف و کاهش قیمت جهانی، تولیدکنندگان گوشت مرغ حمایت شدند. به طوری که در برنامه‌های سوم و چهارم به ترتیب ۶۹۳۶ و ۶۸۷۶ میلیارد ریال به قیمت ثابت سال ۱۳۸۴ بیشتر از درآمد خود در بازار جهانی دریافت کردند. همچنین پیش‌بینی می‌شود دامپروران در برنامهٔ پنجم توسعه نیز با اجرای سیاست‌های بخشی و ارزی حمایت شوند که در توسعه رقابت‌پذیری و افزایش صادرات چنان‌که در روند افزایشی آمار صادرات گمرک ایران در برنامه‌های سوم و چهارم مشاهده می‌شود، مؤثر خواهد بود. مقایسهٔ نتایج جدول‌های (۴-۲-۴-۵)، (۳-۲-۴-۵) و (۲-۲-۴-۵) نشان می‌دهد در همهٔ سال‌های پژوهش سهم حمایت‌های قیمتی در کل حمایت از تولیدکننده بیشتر از حمایت‌های بودجه‌ای بوده است.

در جدول (۴-۲-۴-۵) شاخص حمایت از تولیدکنندگان براساس نرخ ارز تعادلی(اثرکل) تنها در برنامه‌های سوم و چهارم توسعه مثبت بوده و در سال‌های دیگر، پرداخت مالیات پنهان بر دامپروران تحمیل شده و حمایت‌های بودجه‌ای، جبران‌کنندهٔ اثر منفی حمایت قیمتی نبوده است. در برنامهٔ سوم توسعه همزمان با اجرای سیاست یکسان‌سازی نرخ ارز در سال ۱۳۸۱ و کاهش تصدی دولت در بازار نهاده‌های دامی، تولیدکنندگان گوشت مرغ به طور میانگین ۷۵۳۱ میلیارد ریال به

قیمت ثابت سال ۱۳۸۴ بیشتر از درآمد خود در شرایط برقراری قیمت رقابتی بازار جهانی دریافت کرده‌اند که در مقایسه با اثرمستقیم نشان می‌دهد در آن دوره اعمال نرخ ارز تعادلی برآمده از متغیرهای بنیادین اقتصاد ایران، حمایت بیشتری از دامپروران در بر داشته است. در برنامهٔ پنجم توسعه با رشد حمایت‌های بودجه‌ای در پی افزایش قیمت‌های جهانی غلات(خوراک دام) حمایت از کشاورزان افزایشی خواهد بود.

شاخص حمایت درصدی از تولیدکننده (PSE٪) به دلیل آن‌که نسبت به تورم، مقیاس و واحد پولی خنثی است، مقایسهٔ بهتری از حمایت را در طول زمان، بین کشورها و همچنین کالاهای مختلف، امکان‌پذیر می‌سازد. نتایج محاسبهٔ این شاخص در جدول (۴-۲-۴-۵) مشاهده می‌شود. میانگین ۴۷- درصد شاخص PSE٪ که با رهیافت تجارت‌محور و نرخ حقیقی ارز برای دورهٔ جنگ محاسبه شده است، بیان می‌کند مقدار دریافتی تولیدکننده ۴۷ درصد از آنچه می‌توانست با فروش محصولش با قیمت جهانی به دست آورد، کمتر بوده است. به بیان دیگر، سیاست‌های حمایتی در این دوره موجب شده است تولیدکننده ۴۷٪ از درآمدی را که در شرایط بدون چنین سیاست‌هایی می‌توانست به دست آورد به شکل نوعی مالیات پنهان از دست بدهد. میانگین این شاخص با نرخ ارز حقیقی در برنامهٔ چهارم توسعه ۴۳ درصد برآورد شده است؛ یعنی در طول این برنامه به اندازهٔ ۴۳ درصد از درآمد محصول تولیدکنندگان به قیمت جهانی، در پی اجرای سیاست‌های قیمتی و بودجه‌ای به درآمد آنان افزوده شده است. در این برنامه سیاست‌های حمایتی موجب حمایت مثبت از تولیدکننده شده و دریافتی او را نسبت به بازار جهانی افزایش داده است. در دورهٔ جنگ به علت اهمیت گوشت مرغ در سبد خوراکی خانوار، سیاست‌ها به منظور کمتر نگه داشتن قیمت داخلی آن بود و دامپروران ناگزیر از پرداخت مالیات پنهان زیادی بودند؛ این شرایط تا آغاز اجرای سیاست‌های آزادسازی در برنامهٔ اول توسعه

ادامه داشت. پس از آن در برنامه‌های اول و دوم توسعه با وجود اجرای سیاست‌های آزادسازی و کاهش نقش دولت در خرید مستقیم محصول و توزیع آن به دلیل کاهش ارزش پول ملی، مالیات پنهان تحمیلی به دامپروران در بعضی سال‌ها ادامه داشت. به طور میانگین در برنامهٔ سوم، همزمان با کاهش دخالت دولت در بازار نهاده‌های دامی(کاهش سهم توزیع نهاده‌ها توسط شرکت خدمات پشیبانی امور دام) و شناورسازی نرخ ارز، تولیدکنندگان گوشت مرغ حمایت شدند و حمایت‌ها ۶۱ درصد از درآمد آنان را در شرایط رقابت با قیمت بازار جهانی پوشش داد که به درآمد آنان افزوده شد. آثار اجرای همزمان سیاست‌های حمایتی ارزی، قیمتی و بودجه‌ای در برنامه‌های توسعه در صادرات محصول نمایان است و به نظر می‌رسد چنانچه سیاست‌های حمایت‌کنندهٔ محصول هدفمند و منظم به‌کار گرفته شود، در تنظیم بازار داخلی و توسعهٔ صادرات و کاهش نیاز به واردات مؤثر است.

میانگین اثر کل که مجموع اثر سیاست‌های بخشی و کلان اقتصادی (سیاست‌های ارزی) در حمایت از تولیدکنندگان گوشت مرغ را نشان می‌دهد، نیز در برنامه‌های سوم و چهارم توسعه به طور میانگین مثبت بوده است. بیشترین حمایت برآمده از سیاست‌های ارزی و بخشی در برنامهٔ سوم توسعه به دلیل بیش‌برآورد ارزش ریال و کاهش قیمت جهانی گوشت مرغ برابر با ۷۱ درصد بوده است، یعنی دامپروران با اجرای این سیاست‌ها حدود سه چهارم دریافتی خود بدون اجرای سیاست‌ها با قیمت‌های جهانی تعدیل‌شده با نرخ ارز تعادلی، حمایت شده‌اند. پیش‌بینی می‌شود در برنامهٔ پنجم توسعه دامپروران ۶۱ درصد از درآمد خود را در شرایط رقابت جهانی به شکل حمایت دریافت کنند. نوسان در حمایت‌ها در برنامه‌های توسعه موجب کاهش توان برنامه‌ریزی دامپروران داخلی می‌شود و حمایت زیاد از تولیدکنندگان بدون حمایت از مصرف‌کنندگان، با برهم زدن تعادل منافع در بین عوامل بازار در بلندمدت موجب کاهش تقاضا، تولید و زیان اجتماعی می‌شود.

میانگین اثر غیرمستقیم PSE٪ که نشان‌دهندهٔ اثر سیاست‌های ارزی بر مقدار حمایت از تولیدکنندگان گوشت مرغ است، در دورهٔ جنگ و برنامه‌های دوم و سوم توسعه مثبت و در دیگر برنامه‌ها منفی بوده است. بیشترین حمایت منفی برآمده از سیاست‌های ارزی در برنامهٔ اول رخ داده است. در برنامهٔ سوم توسعه که نرخ ارز حقیقی بیشتر از نرخ ارز تعادلی بوده است، بیش‌برآورد ارزش ریال(کاهش ارزش پول ملی) موجب حمایت ۹/۷ درصدی از تولیدکنندگان شده است. مقایسهٔ انحراف نرخ ارز و اثرغیرمستقیم نشان می‌دهد اثر غیرمستقیم پس از اجرای سیاست شناورسازی مدیریت‌شدهٔ نرخ ارز در سال ۱۳۸۱ تا پایان برنامهٔ سوم توسعه بیشتر از انحراف نرخ ارز بوده است. از این مقایسه می‌توان نتیجه گرفت با باز بودن بازار گوشت مرغ در ایران و اثرپذیری قیمت داخلی از قیمت جهانی و نرخ ارز، انحراف نرخ ارز و حمایت از تولیدکنندگان هماهنگ می‌شوند و سیاست‌های ارزی توانایی اثرگذاری متناسب با اهداف سیاست‌گذار را بر بازار دارند.

در برنامه‌های اول و سوم توسعه، سیاست‌های ارزی تقویت‌کنندهٔ اثر سیاست‌های بخشی بوده است، یعنی اثرهای مستقیم و غیرمستقیم هم‌علامت بوده‌اند و در برنامه‌های دوم و چهارم توسعه سیاست‌های ارزی، اثر سیاست‌های بخشی را در حمایت از تولیدکنندگان تضعیف کرده است. به طوری که در برنامهٔ دوم سیاست‌های ارزی اثر منفی سیاست‌های بخشی را خنثی کرده‌اند و در برنامهٔ چهارم توسعه اثر مثبت سیاست‌های بخشی را کاهش داده است. مقادیر مطلق اثرمستقیم تنها در دورهٔ ۷۸-۱۳۷۱ کمتر از اثر غیرمستقیم بوده است. به بیان دیگر، در مجموع کل حمایت از تولیدکنندگان گوشت مرغ بر حسب علامت شاخص، سیاست‌های ارزی تقویت یا تضعیف‌کنندهٔ سیاست‌های بخشی بوده و نقش کمتری داشته است.

۳-۲-۴-۵ بررسی مقادیر حمایت از مصرف‌کنندگان گوشت مرغ طی برنامه‌های توسعه

شاخص حمایت از مصرف‌کنندگان نشان‌دهندهٔ انتقال‌های قیمتی از مصرف‌کنندگان به تولیدکنندگان، مالیات‌دهندگان به مصرف‌کنندگان و دیگر انتقال‌ها به مصرف‌کنندگان است. دربارهٔ محصول گوشت مرغ، از آنجا که در بعضی سال‌ها پرداخت به مصرف‌کنندگان از راه بودجهٔ سالانهٔ دولت(مالیات‌دهندگان) انجام می‌پذیرد، براساس روابط فصل سوم در مورد محاسبهٔ CSE، مقدار شاخص درصدی آن برابر با شاخص درصد حمایت از قیمت بازاری تولیدکنندگان و تنها نشان‌دهندهٔ حمایت بازاری از مصرف‌کنندگان نیست. در جدول (۶-۲-۴-۵) مقادیر شاخص حمایت درصدی مصرف‌کنندگان گوشت مرغ (CSE٪) طی دورهٔ مورد بررسی (۸۹-۱۳۶۰) گزارش شده است.

همان‌طور که پیش از این مشاهده شد، انحراف نرخ ارز تا سال ۱۳۶۸ به جز دو سال مثبت بود و پس از آن با اجرای سیاست‌های آزادسازی تا سال ۱۳۷۶ نرخ واقعی ریال کمتر از نرخ تعادلی آن برآورد شد. از این سال با بیش‌برآورد ارزش ریال، انحراف نرخ ارز روند کاهشی پیدا کرد و در سال ۱۳۸۳ با کاهش چشمگیر ارزش تعادلی پول ملی نسبت به ارزش حقیقی آن، انحراف نرخ ارز منفی شد. همچنین پیش‌بینی می‌شود روند کم‌برآورد ارزش حقیقی ریال در برنامهٔ پنجم توسعه نیز ادامه پیدا کند.

بررسی ارزش حمایت مستقیم از مصرف‌کنندگان گوشت مرغ برحسب قیمت‌های ثابت سال ۱۳۸۴، بیانگر آن است که حمایت از مصرف‌کنندگان روند کاهشی داشته است، به طوری که با وجود افزایش مقدار مصرف، از ۵۸۴۱ میلیارد ریال در دورهٔ جنگ به۳۶۵۱- میلیارد ریال در برنامهٔ چهارم رسیده است. در دو برنامهٔ نخست توسعه همزمان با اجرای سیاست‌های آزادسازی در کشور و افزایش مصرف حمایت از

مصرف‌کنندگان گوشت مرغ به جز سال‌های ۷۲-۱۳۷۱ مثبت بود. در برنامهٔ سوم توسعه با کاهش قیمت جهانی و کاهش دخالت دولت در بازار نهاده و محصول حمایت از مصرف‌کنندگان منفی شد و در برنامهٔ چهارم نیز با ادامهٔ این سیاست‌ها و افزایش قیمت داخلی مالیات پنهان بر مصرف‌کنندگان مرغ تحمیل شد.

حمایت از مصرف‌کنندگان گوشت مرغ، برحسب نرخ ارز تعادلی نیز روندی مشابه داشته و در دو برنامهٔ اخیر، منفی بوده است و در دوره‌های دیگر کم نگه‌داشتن قیمت داخلی نسبت به قیمت جهانی موجب حمایت از مصرف‌کنندگان گوشت مرغ بوده است. در برنامهٔ اول توسعه با کم‌برآورد ارزش ریال بیشترین و در برنامهٔ سوم توسعه با کاهش قیمت جهانی و بیش‌برآورد ارزش ریال حمایت از مصرف‌کنندگان گوشت مرغ به کمترین حد رسید. پیش‌بینی می‌شود در برنامهٔ پنجم توسعه با کاهش ارزش پول ملی و افزایش قیمت جهانی نسبت به قیمت داخلی مصرف‌کنندگان گوشت مرغ به طور میانگین ۸۳۰۰ میلیارد ریال به قیمت ثابت سال ۱۳۸۴ بیشتر از مصرف‌کنندگان خارجی بپردازند.

درصد حمایت از مصرف‌کنندگان(CSE٪) با نرخ ارز حقیقی، نشان می‌دهد میانگین حمایت از مصرف‌کنندگان گوشت مرغ در دورهٔ جنگ ۵۹ درصد از پرداختی مصرف‌کنندگان را برحسب قیمت‌های تعدیل‌شدهٔ جهانی شامل شده است. یعنی در شرایط واقعی با اجرای سیاست‌های قیمتی، مصرف‌کنندگان ۵۹ درصد آنچه (در صورتی که بازار آزاد برقرار باشد) باید می‌پرداختند، حمایت دریافت می‌کنند. در حقیقت ۵۹ درصد نسبت به آنچه می‌بایست می‌پرداختند، کمتر هزینه کرده‌اند.

جدول ۶-۲-۴-۵) شاخص‌های حمایت از مصرف‌کنندگان گوشت مرغ

برنامه های توسعه	درصد انحراف نرخ ارز	سال	ارزش اثرمستقیم به قیمت ثابت سال ۱۳۸٤ (میلیارد ریال)	ارزش اثر کل به قیمت ثابت سال ۱۳۸٤	%CSE اثر مستقیم	%CSE اثر غیرمستقیم	%CSE اثر کل
دوره جنگی	۲٦/۸۱	۱۳٦۰	۳۳۸۹	۱٤۱۸	۳٦/۱۷	-۱۷/۰۰	۱۹/۱۷
	۳۸/۹۰	۱۳٦۱	٤۰٤٦	۱۷٤۱	٤۸/۸٦	-۱۹/۷۳	۲۹/۱۳
	۳۸/٦۷	۱۳٦۲	٤۰۷۷	۱۹۰٦	۵۲/۰۲	-۱۸/۳۹	۳۳/٦۳
	٤۷/٦۸	۱۳٦۳	٤٦۹۰	۲۰۱٦	۵٦/۲۹	-۲۰/٦٦	۳۵/٦۳
	-۱۳/۱٦	۱۳٦٤	۵۰٤۹	٦۳۲۰	۵۹/۸۳	۵/۲٦	٦۵/۰۹
	-۲/۷۱	۱۳٦۵	۷۷۷٦	۸۰۸۸	٦۹/۱۰	۰/۸۳	٦۹/۹۳
	۷۵/۷۲	۱۳٦٦	۱۰۱٤٦	٤۵۲٤	۷۷/۳٤	-۱۷/۰۰	٦۰/۳۵
	۸۹/۸۷	۱۳٦۷	۷۵۵۷	۲۸۷۱	۷۵/۷٦	-۲۱/٤۸	۵٤/۲۸
	۳۷/۷۲	میانگین	۵۸٤۱	۳٦۱۰	۵۹/٤۲	-۱۳/۵۲	٤۵/۹۰
برنامهٔ اول توسعهٔ اقتصادی و اجتماعی	۵۰/٦۲	۱۳٦۸	۱۰۱۱٤	۵۹۵۳	۸۱/۱۸	-۹/٤٤	۷۱/۷۵
	-٤/۳۰	۱۳٦۹	۱۲۳۱۸	۱۲۹٦۸	۸٤/۷۰	۰/٦۵	۸۵/۳۵
	-۱۰/۸٤	۱۳۷۰	۵٤۷۹	۷۱٦٤	۳۹/۲٤	٦/۵٤	٤۵/۷۸
	-٤۷/۰۳	۱۳۷۱	-۱۸۷۹	۷٤۵۸	-۱۷/٦۳	۵٤/۹۳	۳۷/۳۰
	-۵۱/٤۱	۱۳۷۲	-۲۵۹	۱٤۲۵۲	-۱/۸۷	۵۲/۰۸	۵۰/۲۱
	-٤۱/۲۹	۱۳۷۳	۱۰۳٦	۱۰۲۳۸	۷/۸۲	۳۷/۷۷	٤۵/۵۹
	-۱۷/۳۸	میانگین	٤٤٦۸	۹٦۷۲	۳۲/۲٤	۲۳/۷٦	۵٦/۰۰
برنامهٔ دوم توسعهٔ اقتصادی و اجتماعی	-۳۱/۹۷	۱۳۷٤	۱۹۱۸	۹۳٤۲	۱۲/۰۵	۲۷/۹۸	٤۰/۰۳
	-۱٦/۱۸	۱۳۷۵	۲۲۲۸	۵۱۱۷	۱٤/۷٤	۱۳/٦۸	۲۸/٤۲
	-۰/۸۹	۱۳۷٦	۲۸٤۰	۲۹٦۹	۱۹/۵۰	۰/۷۱	۲۰/۲۱
	۳۳/۱۵	۱۳۷۷	۲۵۱۰	-۱٦۰۲	۱۵/۰٦	-۲۷/۸۲	-۱۲/۷٦
	۲۹/۱۰	۱۳۷۸	۲۲٤۲	-۱۵۰۵	۱۳/۳۷	-۲٤/۹۳	-۱۱/۵٦
	۲/٦٤	میانگین	۲۳٤۷	۲۸٦٤	۱٤/۹٤	-۲/۰۸	۱۲/۸۷
برنامهٔ سوم توسعهٔ اقتصادی و اجتماعی	۱٦/۹٦	۱۳۷۹	-۳۲٤۲	-۵۰۷٦	-۲۵/۳۲	-۲۰/۹۵	-٤٦/۲۷
	۱٦/۵٤	۱۳۸۰	-۳۷۰۸	-۵۵۱۵	-۲۸/۷۵	-۲۰/۹۹	-٤۹/۷٤
	۱۲/۹۹	۱۳۸۱	-۵۰۹٤	-٦۲۹۹	-٤۷/۸٦	-۱۸/۸۷	-٦٦/۷۲
	۳/۸۵	۱۳۸۲	-۷۲٦۰	-۷٦۳۹	-٦۹/٤۸	-٦/۳۸	-۷۵/۸۵
	-۲/۷۹	۱۳۸۳	-٦۲۳۱	-۵۹۲۰	-۵٦/۲٤	٤/۲۷	-۵۱/۹۷
	۹/۵۱	میانگین	-۵۱۰۷	-٦۰۹۰	-٤۵/۵۳	-۱۲/۵۸	-۵۸/۱۱
برنامهٔ چهارم توسعهٔ اقتصادی و اجتماعی	-٦/۱۸	۱۳۸٤	-۱۳۱٤	-۳٤۱	-۸/۷٦	٦/٦۲	-۲/۱٤
	-۱۰/۷۰	۱۳۸۵	-٤٤۵۲	-۲۷۹۹	-۳۱/۷۲	۱۳/۸۸	-۱۷/۸٤
	-۱۳/۰۹	۱۳۸٦	-۹۲۹	۱٦٤۲	-۵/۳٦	۱۳/٦۰	۸/۲۵
	-۷/۷٤	۱۳۸۷	-۱۹۷۱	-٤۹۵	-۱۱/۰۳	۸/٤۷	-۲/۵٦
	-۳/۳۲	۱۳۸۸	-۳٦۲٤	-۳۰۵٦	-۲۱/٦۲	۳/۹۸	-۱۷/٦٤
	-۱۷/٤۵	۱۳۸۹	-۹٦۱۵	-٦٤۰۳	-٦۲/۲٦	۲۷/۹۳	-۳٤/۳۲
	-۹/۷۵	میانگین	-۳٦۵۱	-۱۹۰۹	-۲۳/٤٦	۱۲/٤۲	-۱۱/۰٤
پیش بینی برنامهٔ پنجم توسعهٔ اقتصادی و اجتماعی	-۱۹/۲۲	۱۳۹۰	-۱۰۲۳۱	-٦٤۷۸	-٦۳/٦۲	۳۰/۹٦	-۳۲/٦٦
	-۲۱/۱٤	۱۳۹۱	-۹۲۸۰	-۳٤۵۰	-٤۲/۰۷	۲۹/۷۰	-۱۲/۳۷
	-۲۳/۰۷	۱۳۹۲	-۱۳۵۷۳	-٦۳۳٦	-۵۵/۵۳	۳۵/۵۳	-۲۰/۰۰
	-۲٤/۹۸	۱۳۹۳	-۱۹۱۱۷	-۱۰۱٦۹	-۷۰/۳۱	٤۲/۱۷	-۲۸/۱٤
	-۲۲/۰۹	۱۳۹٤	-۲٤۱۳٦	-۱۵۰٦۷	-۷٤/۷۳	۳۸/۳۱	-۳٦/٤۲
	-۲۲/۱۰	میانگین	-۱۵۲٦۷	-۸۳۰۰	-٦۱/۲۵	۳۵/۳۳	-۲۵/۹۲

منبع: یافته‌های پژوهش

حمایت زیاد از مصرف‌کنندگان از رقابت‌پذیری بازار می‌کاهد، زیرا مصرف‌کنندگان سهم بیشتری از مازاد بازار داخلی می‌برند و با کاهش قدرت تولیدکنندگان رقابت‌پذیری آنان کاهش پیدا می‌کند. درصد حمایت‌ها در برنامه‌های توسعه کاهش پیدا کرد، یعنی هزینه‌های مصرف‌کنندگان گوشت مرغ در پی اجرای سیاست‌های بخشی و ارزی نسبت به مصرف‌کنندگان جهانی افزایش یافت. به طوری که در برنامهٔ سوم توسعه همزمان با اجرای سیاست شناورسازی نرخ ارز و کاهش قیمت جهانی، مصرف‌کنندگان ایرانی ۴۵ درصد بیشتر پرداخت کردند.

اثر کل روند مشابهی با اثر مستقیم دارد و چگونگی حمایت از مصرف‌کنندگان گوشت مرغ را با برقراری نرخ ارز تعادلی بلندمدت اقتصاد ایران بیان می‌کند. در برنامهٔ اول توسعه حدود نیمی از ارزش مصرف گوشت مرغ در ایران به قیمت خارجی تعدیل‌شده به شکل حمایت قیمتی و بودجه‌ای به مصرف‌کنندگان پرداخت شد. در برنامهٔ سوم توسعه که با اجرای سیاست یکسان‌سازی نرخ ارز همزمان است، مصرف‌کنندگان گوشت مرغ با برقراری سیاست‌های ارزی و بخشی ۵۸ درصد از آنچه در شرایطی که هیچ سیاست ارزی و بخشی برقرار نباشد برای مصرف می‌پرداختند، مالیات پنهان پرداخت کردند.

علامت اثرغیرمستقیم در مورد مصرف‌کنندگان، عکس علامت انحراف نرخ ارز است، یعنی با کم برآورد ارزش ریال(انحراف منفی)، مصرف‌کنندگان حمایت می‌شوند و برعکس. به عبارت دیگر، چگونگی حمایت از مصرف‌کنندگان را هنگامی که سیاست ارزی اعمال می‌شود نسبت به وقتی که سیاست ارزی اجرا نمی‌شود، نشان می‌دهد. در دورهٔ جنگ و برنامه‌های دوم و سوم توسعه با اجرای سیاست ارزی، مصرف‌کنندگان گوشت مرغ حمایت نشده‌اند. در حالی‌که در برنامه‌های اول و چهارم با اجرای سیاست ارزی کم‌برآورد ارزش ریال (انحراف منفی)، مصرف‌کنندگان گوشت مرغ نسبت به شرایطی که سیاست ارزی برقرار نباشد، حمایت شده‌اند. برای مثال در

برنامهٔ چهارم ۱۲٪ کمتر از قبل از اجرای سیاست ارزی پرداخت کرده‌اند. در برنامه‌های توسعه انحراف نرخ ارز و اثرغیرمستقیم رفتاری هماهنگ داشته‌اند که نقش سیاست‌های ارزی را بر حمایت از پرورش‌دهندگان طیور نشان می‌دهد. اثرگذاری سیاست‌های ارزی بر حمایت از تولیدکنندگان و توسعهٔ رقابت‌پذیری آنان در برنامه‌های توسعه، لزوم توجه بیشتر به کاربرد سیاست‌های ارزی را در بخش کشاورزی نمایان می‌کند.

۴-۲-۴-۵ نتیجه‌گیری و پیشنهادهای گوشت مرغ

گوشت مرغ، محصول صنعت اشتغال‌زای پرورش طیور و دربردارندهٔ بخش مهمی از سبد خوراکی جامعه است. از این رو، سیاست‌های حمایتی مختلفی از بخش تولید و مصرف آن صورت می‌پذیرد. در این پژوهش مقادیر کمّی این حمایت‌ها براساس شاخص‌های MPS، PSE و CSE طی دورهٔ ۸۹-۱۳۶۰ محاسبه شده است که نتایج بیانگر وجود روند افزایشی و نوسانی در حمایت‌های قیمتی، بودجه‌ای و کل حمایت از تولیدکنندگان و روند کاهشی در حمایت از مصرف‌کنندگان گوشت مرغ به قیمت ثابت سال ۱۳۸۴ بوده است. همچنین در مجموع حمایت‌های بودجه‌ای و قیمتی، سهم حمایت‌های بودجه‌ای در کل حمایت از تولیدکنندگان در بیشتر سال‌های بررسی کمتر بوده است. در بین حمایت‌های بودجه‌ای یارانهٔ سوخت و یارانهٔ نهاده‌های تولید حدود ۹۰ درصد از کل حمایت‌های بودجه‌ای از تولیدکنندگان را در بر داشته است که با افزایش شکاف قیمت داخلی و جهانی سوخت سهم این حمایت افزایشی بوده است. در دورهٔ جنگ و برنامهٔ سوم توسعه با بیش‌برآورد ارزش ریال، تولیدکنندگان به ترتیب ۱۴ و ۱۲ درصد بیشتر از آنچه در بازار رقابتی، بدون اجرای سیاست‌های ارزی دریافت می‌کردند، حمایت شدند.

در پیش‌بینی برنامهٔ پنجم نیز همانند برنامهٔ چهارم، سیاست‌های ارزی تقویت‌کنندهٔ سیاست‌های بخش دامپروری نیست، یعنی سیاست‌های بخشی و ارزی در این برنامه‌ها همسو نبوده‌اند. شاخص حمایت بازاری نیز حمایت از تولیدکنندگان را در بازار داخلی نسبت به بازار جهانی نشان می‌دهد، به طوری که سیاست‌های بخشی، برخلاف سیاست‌های ارزی، حمایت‌کنندهٔ تولیدکنندگان گوشت مرغ خواهد بود.

مقادیر اثرمستقیم حمایت از مصرف‌کنندگان گوشت مرغ از میانگین ۵۹ درصد در دورهٔ جنگ به ۲۳- درصد در برنامهٔ چهارم توسعه رسیده است که تغییر چشمگیری را بین دوره‌های مختلف اجرای سیاست‌ها نشان می‌دهد. افزون بر این، بررسی اثر سیاست‌های ارزی و انحراف نرخ ارز بر مقادیر حمایت از مصرف‌کنندگان گوشت مرغ نشان می‌دهد این سیاست‌ها در دورهٔ جنگ و همچنین برنامه‌های دوم و سوم توسعه که انحراف نرخ ارز مثبت بوده بر شاخص‌های حمایت از مصرف‌کنندگان اثر منفی داشته است، در حالی که در دیگر برنامه‌های توسعه، این سیاست‌ها موجب افزایش حمایت از مصرف‌کنندگان گوشت مرغ شده است، یعنی اثر غیرمستقیم تقویت‌کنندهٔ اثر مستقیم بوده است.

متوسط شاخص‌های حمایت قیمتی، حمایت از تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان در دورهٔ اجرای سیاست‌های ارزی در کشور، در جدول (۷-۲-۴-۵) آمده است. براساس شاخص‌های درصدی حمایت از تولیدکنندگان گوشت مرغ در همهٔ دوره‌های ارزی، سیاست‌های بخشی در مقایسه با سیاست‌های ارزی در کل حمایت‌ها(PSE) تأثیر بیشتری داشته است، زیرا قدرمطلق اثر مستقیم همواره بیشتر از اثر غیرمستقیم بوده است. در دههٔ ۱۳۶۰ به دلیل به‌کارگیری سیاست تثبیت نرخ ارز، انحراف از نرخ تعادلی به شدت افزایش یافت و با بیش‌برآورد ارزش ریال از

تولیدکنندگان حمایت شد، اما در این دوره آثار منفی سیاست‌های بخشی از جمله کم نگه داشتن قیمت داخلی در مقایسه با قیمت جهانی تا حدی زیاد بود که اثر سیاست ارزی را خنثی و در مجموع حمایت کل از تولیدکننده را منفی کرد. در این دوره با وجود انحراف شدید نرخ ارز، این سیاست‌ها در حمایت از دامپروران اثر چشمگیری نداشت. در دهۀ ۱۳۷۰ با برقراری سیاست ارزی چند نرخی، میانگین اثرغیرمستقیم شاخص‌های حمایت از تولیدکنندگان منفی شد. سیاست‌های بخشی با وجود کاهش تصدی دولت در بازار نهاده‌ها و افزایش قیمت داخلی غلات موجود در جیرۀ طیور در مقایسه با قیمت‌های جهانی آن، حمایت از تولیدکنندگان را افزایش داد. میانگین اثرغیرمستقیم نشان می‌دهد در این دوره اثرگذاری سیاست‌های ارزی بر تولیدکنندگان گوشت مرغ متناسب با انحراف نرخ ارز بوده است. در دورۀ سوم سیاست‌های ارزی، با برقراری نرخ ارز شناور مدیریت‌شده، انحراف نرخ ارز کاهش پیدا کرد. این کم‌برآورد ارزش ریال، با حمایت نکردن از تولیدکننده، اثر مثبت سیاست‌های بخشی را تضعیف کرد. با وجود این، سیاست‌های بخشی و ارزی حدود نیمی از درآمد تولیدکنندگان در شرایط رقابتی از آنان حمایت کرده و به درآمد آنان افزوده است. سیاست‌های بخشی در دهۀ سوم حمایت‌کنندۀ مصرف‌کنندگان گوشت مرغ نبود و آنان را ناگزیر از پرداخت مالیات پنهان کرد.

جدول ۷-۲-۴-۵) بررسی حمایت از تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان گوشت مرغ در دوره‌های ارزی

دوره	درصد انحراف نرخ ارز	%MPS			%PSE			%CSE		
		اثر مستقیم	اثر غیرمستقیم	اثر کل	اثر مستقیم	اثر غیرمستقیم	اثر کل	اثر مستقیم	اثر غیرمستقیم	اثر کل
۱۳۶۰-۱۳۷۰	۳۰/۶۶	-۶۰/۹۵	۱۰/۳۹	-۵۰/۵۷	-۴۹/۴۹	۷/۰۲	-۴۲/۴۸	۶۱/۸۶	-۱۰/۰۴	۵۱/۸۳
۱۳۷۱-۱۳۸۰	-۹/۳۰	-۰/۷۸	-۹/۲۳	-۱۰/۰۱	۹/۱۸	-۷/۹۰	۱/۲۸	۰/۹۰	۹/۲۵	۱۰/۱۴
۱۳۸۱-۱۳۸۹	-۴/۹۴	۳۵/۰۸	-۵/۹۶	۲۹/۱۲	۵۴/۴۴	-۴/۲۳	۵۰/۲۱	-۳۴/۹۲	۵/۹۵	-۲۸/۹۸

منبع: یافته‌های پژوهش

به طور کلی شاخص‌های حمایت از گوشت مرغ روند افزایشی نوسانی را در پی اجرای سیاست‌های ارزی و بخشی نشان می‌دهند که به افزایش ریسک در طول زمان منجر می‌شود. در سال‌های نخست که سیاست‌های بخشی حمایت‌کننده نبوده، سیاست‌های ارزی نیز جبران‌کنندهٔ کمبود حمایت نبوده و تنها در برنامهٔ سوم توسعه، سیاست‌های ارزی و بخشی تقویت‌کنندهٔ یکدیگر بوده‌اند. دربارهٔ گوشت مرغ، حمایت قیمتی برآمده از سیاست‌های قیمتی در بیشتر سال‌ها عامل مهم در حمایت از تولیدکنندگان بوده است. افزایش قیمت داخلی در بازار نهاده‌ها در برنامه‌های دوم تا چهارم بر حمایت‌های بودجه‌ای اثر منفی داشته است، اما یارانه‌های صادراتی و واکسن و دارو بر حمایت از تولیدکنندگان افزوده و اثر آن بر افزایش تولید و ایجاد نقش صادراتی کشور مشاهده می‌شود. اجرای سیاست‌های باثبات، همسو و حمایت‌کنندهٔ بخشی و ارزی، مانند برنامهٔ سوم توسعه، می‌تواند به افزایش رقابت‌پذیری تولیدکنندگان گوشت مرغ کمک کند. به عبارت دیگر، چگونگی ترکیب سیاست‌های ارزی و بخشی که برآیند آن حمایت‌کنندهٔ دامپروران باشد، از اهمیت زیادی برخوردار است. یادآوری می‌شود در کنار حمایت از تولیدکنندگان به کارگیری ابزارهای سیاستی حمایت‌کننده از مصرف‌کنندگان به منظور حفظ تعادل توزیع منافع بین عوامل بازار و کاهش زیان اجتماعی ضروری است.

براساس نتایج، اجرای سیاست‌های باثبات و بلندمدت برای پیشگیری از نوسان-های قیمت محصول، نهاده‌ها و نرخ ارز و حمایت‌های بودجه‌ای توصیه می‌شود. با توجه به افزایش سهم حمایت‌های بودجه‌ای از کل حمایت‌ها در دو برنامهٔ اخیر که حمایت‌کننده‌تر از دیگر برنامه‌ها بوده‌اند، تأکید بر الگوی سیاستی حمایت‌های بودجه‌ای وتنوع سیاستی، افزون بر کاهش دخالت مستقیم دولت در بازار محصول، موجب حفظ انگیزهٔ دامپروران برای تولید و تأمین نیاز مصرف داخلی می‌شود و در نهایت امکان رقابت در بازارهای جهانی را فراهم می‌آورد. از این رو، تنوع‌بخشی به

حمایت‌های بودجه‌ای مانند به‌کارگیری پرداخت‌های مستقیم و حمایت بیشتر از بیمهٔ درآمدی و توسعهٔ جوایز صادراتی نیز می‌تواند مناسب باشد. تنظیم سیاست‌های ارزی و بخشی به گونه‌ای که همسو و تقویت‌کنندهٔ یکدیگر باشند، به هم‌افزایی می‌انجامد و با افزایش مزیت رقابتی، به رقابت‌پذیری جهانی تولیدکنندگان داخلی کمک می‌کند. به طوری که بهبود شاخص‌های حمایت از تولیدکنندگان در برنامه‌های سوم و چهارم توسعه نشان می‌دهد، اجرای سیاست یکسان‌سازی نرخ ارز که تقویت‌کنندهٔ سیاست‌های بخشی بوده، به همراه ایجاد تنوع در به‌کارگیری سیاست‌های قیمتی و بودجه‌ای موجب حمایت از تولیدکنندگان گوشت مرغ می‌شود. مقایسهٔ اثر غیرمستقیم در دوره‌های ارزی ایران نشان می‌دهد، به دلیل آزاد بودن نسبی بازار تجارت مرغ در ایران، سیاست‌های ارزی اثرگذاری هماهنگی با تغییرات و انحراف‌های نرخ ارز، بر حمایت از تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان دارند. با توجه به نتایج برآورد نرخ ارز در فصل سوم، افزایش درآمدهای نفتی موجب افزایش ارزش ریال تعادلی می‌شود که در صورت ثبات نرخ حقیقی ارز، رشد درآمدهای نفتی به نفع تولیدکنندگان است. همچنین بهره‌وری اقتصاد به عنوان شاخص پیشرفت فن‌آوری، بر نرخ تعادلی ارز و شاخص حمایت‌ها چنین اثری دارد که دولت با مدیریت این دو عامل می‌تواند حمایت از پرورش‌دهندگان طیور را افزایش دهد. در نهایت انتظار می‌رود، ترکیب سیاست‌های پولی، مالی، ارزی و بخشی به گونه‌ای باشد که برایند آن، حمایت‌کنندهٔ تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان گوشت مرغ باشد.

۳-٤-۵ شیر

شیر، از محصولات زیربخش دامپروری است که با توجه به ارزش غذایی آن در تأمین کلسیم و پروتئین، حدود ۲ درصد کل هزینه‌ها و ۸ درصد هزینه‌های خوراکی خانوار ایرانی را در سال ۱۳۸۹ تشکیل می‌داد(نتایج بررسی بودجهٔ خانوار شهری بانک مرکزی، ۱۳۹۰). مصرف شیر در دههٔ ۱۳۸۰ با توجه به اجرای سیاست‌هایی از جمله طرح شیر مدارس افزایشی بوده است. به طوری که از ۱۵۳ کیلوگرم در سال ۱۳۸۰ به ۲۳۴ کیلوگرم در سال ۱۳۸۹ برای خانوار[۱] رسیده است. اما براساس همین گزارش مصرف فراورده‌های شیر مانند ماست و پنیر در این دهه روند کاهشی داشته است. شیر، مادهٔ اولیهٔ تولید فراورده‌های متنوعی از جمله شیرخشک، خامه، ماست، پنیر، کره، بستنی است که مهم‌ترین محصولات صنایع غذایی به‌شمار می‌روند. در واقع شیر بخش مهمی از زنجیرهٔ اتصال بخش کشاورزی و صنعت است. زیرا از یک سو بازار مهمی برای تقاضای محصولات کشاورزی، جو، ذرت و کنجاله سویا، سبوس گندم و پنبه بوده و از سوی دیگر عرضه‌کنندهٔ مادهٔ خام صنایع بالادستی است. از این رو، اهمیت زیادی در ایجاد اشتغال و ارزش افزوده کشور دارد. با توجه به نقش‌های متنوع شیر در اقتصاد و سلامت، بررسی حمایت از تولید و مصرف این محصول، به برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری کمک می‌کند.

در جدول (۱-۳-۴-۵) وضعیت تولید، عملکرد و تجارت شیر[۲] در ایران آمده است. با توجه به جدول، مشاهده می‌شود تعداد گاو شیری در برنامه‌های اول و دوم توسعه روند افزایشی داشت، اما در آغاز و پایان دههٔ ۱۳۸۰ در پی کاهش دخالت

---

[۱]- در گزارش بررسی بودجهٔ خانوار سال ۱۳۸۹، میانگین بعد خانوار ۳/۷ نفر محاسبه شده است.

[۲]- با استفاده از ضرایب تبدیل مناسب فراورده‌های شیر، براساس نظر کارشناسان صنایع غذایی، واردات و صادرات فراورده‌های شیر به معادل شیر خام آن تبدیل شده است. مهم‌ترین فراورده‌های لبنی تجاری ایران در بیشتر سال‌ها، شیرخشک، شیرغلیظ شده، کره و خامه است که در محاسبات این پژوهش در نظر گرفته شده است.

دولت در بازار نهاده‌ها ی دامی با نوسان روبه‌رو شد. تعـداد گاوهـای شـیری در دورهٔ ۸۹-۱۳۶۸ نشان‌دهندهٔ توسعهٔ ملایم صنایع دامپروری در چهار برنامهٔ توسـعه اسـت. عملکرد تولید شیر هر رأس گاو شیری در ایران به طور میانگین ۱/۳۵ تن به ازای هر رأس است در حالی که این عملکرد با وجود روند افزایشـی، بـه‌ویـژه از سـال ۱۳۸۳ همواره از بازدهی جهانی کمتر بوده است. به طوری که در برنامهٔ چهارم توسـعه ایـن عملکرد به سه چهارم میانگین جهانی رسیده است. روند افزایش تولید شیر به دلیـل رشد همزمان تعداد دام، عملکرد و تقاضای مصرف تا سال ۱۳۸۱ فزاینده بود، اما پس از آن با نوسان اندکی همراه بود و از ۲/۱۱ میلیون تن در ابتدای برنامهٔ اول توسعه به ۶/۳ میلیون تن در سال ۱۳۸۹ رسید.

همانطور که در نمودار (۱-۳-۴-۵) مشاهده می‌شـود سـهم ایـران از تعـداد گـاو شیری و تولید شیر جهان تا سال ۱۳۸۰ روند افزایشـی و پـس از آن رونـد کاهشـی ملایمی داشته است. همچنین کمتر بودن میانگین عملکـرد، در کمتـر بـودن سـهم تولید ایران از سهم دام نگهداری‌شده مشاهده می‌شود. به طـوری کـه در سـال‌هـای ۸۹-۱۳۶۸ میانگین نسبت عملکرد ایران به کشورهای دیگر ۰/۶۲ بوده است.

براساس آمار گمرک ایران، صادرات شیر در بیشتر سال‌ها مقدار چشمگیری نداشته است، بنابراین در جدول (۱-۳-۴-۵) چگونگی تغییرات واردات شیر و فراورده‌های آن در ایران بررسی می‌شود. تا سال ۱۳۸۰ واردات شیر و فراورده‌های آن به طور مداوم روند نوسانی کاهشی داشت، اما در برنامه‌های سوم و چهارم توسعه اقتصادی، با توسعهٔ صنایع تبدیلی شیر، واردات شیر که بخش عمدهٔ آن را شیرخشک مورد استفادهٔ صنایع شامل می‌شود، واردات آن روند افزایشی پیدا کرد. به طوری که در پایان برنامهٔ چهارم توسعه واردات شیر حدود سه برابر واردات آن در سال نخست برنامهٔ سوم توسعه بود و در این دوره براساس آمار گمرک ایران، صادرات فراورده‌های لبنی با وجود نوسان افزایش چشمگیری پیدا کرد. شایان ذکر است مقدار واردات

شیر در مقایسه با مقدار مصرف آن در همهٔ سال‌ها مقدار اندکی دارد و بیشتر شیر مصرفی از تولید داخلی تأمین می‌شود.

جدول ۱-۳-۴-۵) وضعیت تولید، عملکرد و تجارت شیر ایران

سال	تعداد گاو شیری (میلیون رأس)	سهم از تعداد گاو شیری جهان (درصد)	عملکرد (تن در هر رأس)	نسبت عملکرد ایران به جهان	تولید (میلیون تن)	سهم از تولید جهان (درصد)	واردات شیر معادل محصولات لبنی (میلیون تن)	سهم از واردات (درصد)	ارزش واردات محصولات لبنی (میلیون دلار)	سهم از ارزش واردات (درصد)
۱۳۶۸	۲/۲۲	۱/۰۰	۰/۹۵	۰/۴۴	۲/۱۱	۰/۴۴	۰/۲۹	۱/۰۱	۱۸۲/۸۸	۱/۰۵
۱۳۶۹	۲/۷۱	۱/۲۲	۰/۹۶	۰/۴۵	۲/۶۰	۰/۵۴	۰/۲۷	۰/۹۷	۱۶۱/۱۸	۰/۸۹
۱۳۷۰	۲/۴۱	۱/۰۸	۱/۱۳	۰/۵۴	۲/۷۳	۰/۵۸	۰/۳۴	۱/۱۶	۲۲۲/۳۹	۱/۲۲
۱۳۷۱	۲/۴۸	۱/۱۲	۱/۱۵	۰/۵۵	۲/۸۵	۰/۶۲	۰/۲۱	۰/۶۷	۱۴۸/۶۷	۰/۷۱
۱۳۷۲	۲/۶۳	۱/۱۹	۱/۱۳	۰/۵۴	۲/۹۶	۰/۶۴	۰/۲۴	۰/۷۶	۱۷۵/۸۷	۰/۹۰
۱۳۷۳	۲/۸۷	۱/۲۴	۱/۱۳	۰/۵۴	۳/۱۳	۰/۶۸	۰/۰۹	۰/۲۶	۵۷/۱۲	۰/۲۸
۱۳۷۴	۲/۹۵	۱/۳۳	۱/۱۷	۰/۵۶	۳/۴۵	۰/۷۴	۰/۱۴	۰/۳۸	۱۰۷/۰۳	۰/۴۴
۱۳۷۵	۳/۲۳	۱/۴۶	۱/۱۸	۰/۵۶	۳/۸۱	۰/۸۱	۰/۱۱	۰/۳۴	۹۵/۲۸	۰/۴۱
۱۳۷۶	۳/۲۷	۱/۴۹	۱/۱۹	۰/۵۶	۳/۹۰	۰/۸۳	۰/۰۵	۰/۱۴	۳۴/۷۲	۰/۱۶
۱۳۷۷	۳/۴۰	۱/۵۵	۱/۲۰	۰/۵۶	۴/۱۰	۰/۸۶	۰/۰۹	۰/۲۷	۷۶/۹۲	۰/۳۶
۱۳۷۸	۳/۵۴	۱/۶۱	۱/۲۴	۰/۵۷	۴/۴۰	۰/۹۱	۰/۰۵	۰/۱۴	۳۶/۸۵	۰/۱۸
۱۳۷۹	۳/۶۴	۱/۶۴	۱/۳۱	۰/۵۹	۴/۷۶	۰/۹۷	۰/۰۸	۰/۲۱	۵۰/۳۸	۰/۲۵
۱۳۸۰	۳/۷۴	۱/۶۷	۱/۳۰	۰/۵۹	۴/۸۷	۰/۹۸	۰/۰۷	۰/۱۸	۴۲/۰۴	۰/۲۰
۱۳۸۱	۳/۴۵	۱/۵۲	۱/۴۴	۰/۶۴	۴/۹۸	۰/۹۷	۰/۰۹	۰/۲۲	۵۰/۶۱	۰/۲۴
۱۳۸۲	۳/۴۰	۱/۴۵	۱/۴۰	۰/۶۳	۴/۷۷	۰/۹۲	۰/۱۱	۰/۲۶	۶۶/۸۷	۰/۲۶
۱۳۸۳	۳/۵۰	۱/۴۷	۱/۶۷	۰/۷۵	۵/۸۴	۱/۱۱	۰/۱۴	۰/۳۱	۸۷/۱۴	۰/۲۹
۱۳۸۴	۳/۶۰	۱/۴۸	۱/۶۲	۰/۷۲	۵/۸۴	۱/۰۷	۰/۱۵	۰/۳۶	۱۲۵/۷۱	۰/۴۱
۱۳۸۵	۳/۶۹	۱/۵۰	۱/۷۱	۰/۷۵	۶/۲۹	۱/۱۲	۰/۱۹	۰/۴۰	۱۲۷/۷۱	۰/۳۹
۱۳۸۶	۳/۷۹	۱/۵۱	۱/۷۱	۰/۷۵	۶/۵۰	۱/۱۳	۰/۱۹	۰/۳۹	۱۵۹/۶۹	۰/۳۷
۱۳۸۷	۳/۵۰	۱/۳۹	۱/۷۰	۰/۷۳	۵/۹۷	۱/۰۲	۰/۱۸	۰/۳۷	۲۴۲/۸۶	۰/۴۹
۱۳۸۸	۳/۵۳	۱/۳۷	۱/۸۸	۰/۸۲	۶/۶۲	۱/۱۲	۰/۲۰	۰/۳۹	۱۸۹/۷۰	۰/۴۷
۱۳۸۹	۳/۹۵	۱/۵۳	۱/۶۲	۰/۷۰	۶/۳۹	۱/۰۶	۰/۲۳	۰/۴۳	۲۹۹/۹۴	۰/۶۳

منبع: سایت سازمان خواربار و کشاورزی جهانی ملل متحد(http://fao.org)

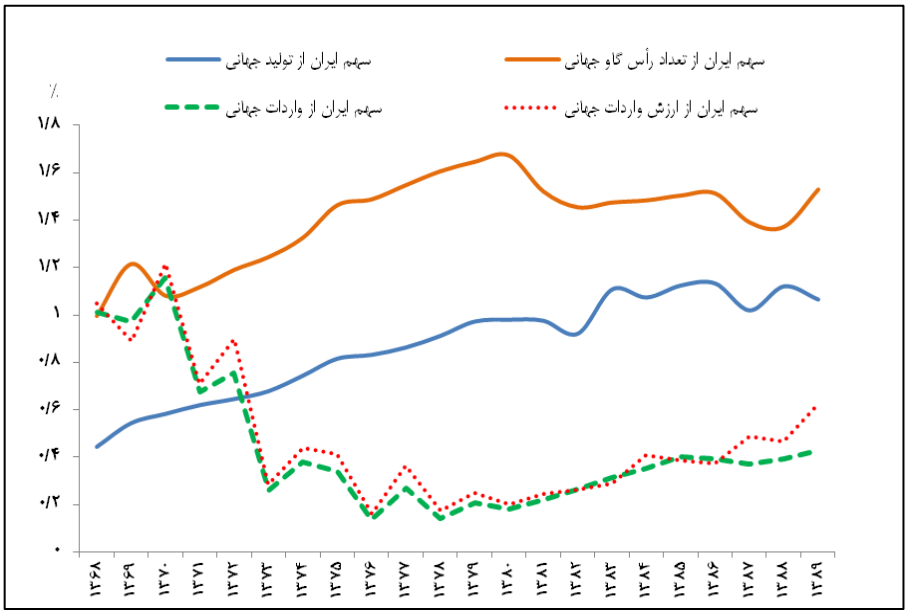

نمودار ۱-۳-۴-۵) سهم ایران از تولید، تعداد گاو شیری، واردات و ارزش واردات جهانی شیر طی دورهٔ ۸۹-۱۳۶۸

در سال ۱۳۸۹ که بیشترین هزینهٔ وارداتی این محصول برابر با ۳۰۰ میلیون دلار بود، سهم ایران از بازار شیر ۰/۶۳ درصد بود که در مقایسه با برنامهٔ اول توسعه کمتر بوده است. در سال ۱۳۷۶ حدود ۰/۱۶ درصد از ارزش تجارت جهانی شیر به ایران تعلق داشت که کمترین سهم کشور از واردات جهانی شیر و فراورده‌های آن است. براساس نمودار (۱-۳-۴-۵) سهم ایران از مقدار واردات شیر جهان با سهم ارزش واردات برابر است که نشان‌دهندهٔ هماهنگی قیمت وارداتی ایران با قیمت جهانی است.

با توجه به سهم صنعت دام در اشتغال و تولید ارزش افزوده بخش کشاورزی براساس آمار وزارت جهاد کشاورزی و نقش شیر در سبد مصرف خانوار، سیاست‌های حمایتی مختلفی به منظور افزایش تولید و توسعهٔ صنایع این محصول اجرا شده است. در دورهٔ جنگ دخالت دولت در بازار محصولات دامی بیشتر بود، به طوری که

در بعضی موارد به طورمستقیم محصول را از تولیدکنندگان خریداری و با قیمت دولتی بین مردم توزیع می‌کرد. در برنامهٔ اول توسعه با اجرای سیاست‌های آزادسازی، دخالت دولت در زمینهٔ تولید و بازار این محصول کاهش یافت.

از سال ۱۳۷۲ با اصلاح قانون خرید تضمینی از تولید این محصول حمایت شد و پس از آن در بعضی دوره‌ها نیز سیاست‌های قیمتی تعیین قیمت سقف و کف اجرا شد. در همهٔ سال‌ها بخش مهمی از نهاده‌های مورد نیاز توسط شرکت پشتیبانی امور دام با قیمتی کمتر از بازار آزاد داخلی و قیمت جهانی بین واحدهای دامپروری توزیع شده است که این تفاوت قیمت توزیع‌شده با قیمت جهانی به عنوان یارانه در نظر گرفته می‌شود[۱]. آمار منتشرنشدهٔ این شرکت نشان می‌دهد، از سال ۱۳۸۰، توزیع نهاده‌های دامی کاهش چشمگیری پیدا کرد که نشان‌دهندهٔ کاهش نقش تصدی‌گری دولت در بازار نهاده‌های دامی است. دولت همچنین با یارانهٔ صادراتی، بیمهٔ محصولات کشاورزی و تسهیلات بانکی در دورهٔ مورد بررسی (۱۳۸۹-۱۳۶۰) از تولید شیر حمایت کرده است. در همهٔ سال‌ها با کنترل قیمت‌ها و یارانهٔ مصرف براساس بودجهٔ مصوب دولت از مصرف‌کنندگان شیر نیز حمایت شده است. یکی از سیاست‌های اجراشده دربارهٔ این محصول طرح شیر مدارس است که از سال ۱۳۸۰ اجرا شده است.

در ادامه، نتایج محاسبهٔ شاخص‌های حمایت از تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان شیر (٪CSE،٪ MPS ، ٪PSE) تجزیه و تحلیل می‌شود. همچنین، اثر سیاست‌های ارزی و انحراف نرخ ارز بر مقادیر حمایت از این محصول طی برنامه‌های اول تا چهارم

---

[۱]- بخشی از نهادهٔ تولیدی صنایع دام و طیور توسط شرکت پشتیبانی امور دام توزیع و بخشی در بازار آزاد تأمین می‌شود. تفاوت قیمت داخلی و بازار آزاد در بودجهٔ کشور در نظر گرفته می‌شود. اما تفاوت قیمت جهانی با قیمت بازار داخلی به طور مستقیم محاسبه نمی‌شود. در پژوهش پیش رو، با توجه به هدف محاسبهٔ حمایت کل از تولیدکنندگان، مجموع حمایت بودجه‌ای و حاصل ضرب تفاوت قیمت بازار داخلی با قیمت جهانی در مقدار مصرف نهاده به عنوان حمایت از نهادهٔ تولید در نظر گرفته شده است.

توسعه بررسی می‌شود. از کارکردهای پژوهش‌های اقتصادی افزون بر تبیین و تحلیل وضیعت‌های گذشته و کنونی، پیش‌بینی آیندهٔ شاخص‌های اقتصادی برای برنامه‌ریزی است. از این رو با فرض ادامهٔ روند رشد تخصیص یارانه‌ها همانند برنامهٔ چهارم و پیش‌بینی قیمت‌ها با استفاده از روش‌های درون‌یابی و میانگین متحرک با روشی که برای محصولات دیگر بیان شد، شاخص‌های حمایت از تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان شیر در برنامهٔ پنجم پیش‌بینی می‌شود.

۱-۳-۴-۵ بررسی مقادیر حمایت بازاری از تولیدکنندگان شیر طی برنامه‌های توسعه

شاخص حمایت از قیمت بازاری(MPS) بیشتر بازتاب‌دهندهٔ سیاست‌های مؤثر بر قیمت و سیاست‌های ارزی است که به شکل ارزش پولی و درصدی محاسبه می‌شود. براساس روش‌شناسی بیان‌شده در فصل سوم این پژوهش این شاخص، نشان‌دهندهٔ انتقال به تولیدکنندگان از مصرف‌کنندگان، مالیات‌دهندگان و واردکنندگان است. شاخص درصدی حمایت از قیمت بازاری نسبت تفاوت قیمت دریافتی تولیدکنندگان داخلی را با قیمت جهانی تعدیل شده با نرخ ارز حقیقی یا تعادلی به قیمت جهانی نشان می‌دهد. اگر قیمت جهانی با نرخ ارز حقیقی تعدیل شود، اثر مستقیم و اگر با نرخ ارز تعادلی تعدیل شود، اثر کل محاسبه می‌شود. تفاضل این دو اثر نشان‌دهندهٔ برایند سیاست‌های ارزی است که اثرغیرمستقیم نامیده می‌شود. نتایج محاسبات حمایت از قیمت بازاری، به قیمت‌های ثابت طی برنامه‌های اول تا چهارم توسعه و پیش‌بینی برنامهٔ پنجم برای محصول شیر در جدول (۲-۳-۴-۵) ارائه شده است.

براساس نتایج انحراف نرخ ارز که از نسبت تفاوت نرخ حقیقی ارز و نرخ تعادلی آن نسبت به نرخ تعادلی ارز محاسبه می‌شود، در دوره‌های مختلف متفاوت بوده است. برای محاسبهٔ نرخ حقیقی ارز، نرخ ارز اسمی(بازاری) در نسبت متوسط موزون

شاخص سطح عمومی قیمت‌های مهم‌ترین شرکای تجاری ایـران بـه سـطح عمـومی قیمت‌های ایران ضرب می‌شود. نرخ تعادلی با استفاده از الگوی اقتصادسنجی تصحیح خطا تابعی از متغیرهای بنیادین اقتصاد شامل رابطهٔ مبادله، قیمت جهانی طلا، درجهٔ باز بودن اقتصاد، درآمد نفتی کشور، بهره‌وری کل اقتصاد، نسبت نرخ بهرهٔ جهانی بـه نرخ بهره در ایران است که نرخ ارز ایران را در شرایط تعادل بلندمدت اقتصاد نشـان می‌دهد.

در دورهٔ جنگ با کاهش درآمد نفتی و همزمان نیاز کشور به ارز، با بـیش بـرآورد ارزش ریال نسبت به دلار توسط دولت، انحراف نرخ ارز در سال پایانی جنگ(۱۳۶۷) به ۸۹ درصد افزایش پیدا کرد. در برنامهٔ اول توسعه با کم‌برآورد ارزش ریال نسبت به نرخ تعادلی، انحراف نرخ ارز منفی بود و در سال‌های پایانی این برنامه به دلیل اجرای سیاست‌های آزادسازی اقتصادی مقدار آن افزایش یافت. در سال‌های نخسـت برنامـهٔ دوم انحراف نرخ ارز حقیقی از مقدار تعادلی بلندمدت اقتصاد منفـی و در سـال‌هـای بعد مثبت شد. در برنامهٔ سوم توسعه به منظور تشویق صادرات، سیاست بیش‌بـرآورد ارزش ریال دنبال شد، یعنی نرخ ارز تعادلی کمتر از نرخ حقیقـی آن بـود. همچنـین نرخ ارز سالیانه با شیب ملایمی در حال رشد بود. در برنامهٔ چهارم نیز رونـد کـاهش ارزش پول ملی ادامه داشت، اما رشد نرخ ارز تعادلی بـیش از نـرخ حقیقـی آن بـود. بنابراین سیاست‌های ارزی برنامهٔ چهارم موجب کم‌برآورد ارزش ریال شد.

براساس نتایج اثرمستقیم - بر حسب قیمت‌های ثابت سال پایـهٔ ۱۳۸۴- در همـهٔ سال‌ها از تولیدکنندگان شیر حمایت بازاری نشده و از رونـد معینـی پیـروی نکـرده است.

جدول ۲-۳-۴-۵) شاخص‌های حمایت بازاری(MPS) از تولیدکنندگان شیر

برنامه های توسعه	درصد انحراف نرخ ارز	سال	ارزش اثرمستقیم به قیمت ثابت سال ۱۳۸٤ (میلیارد ریال)	ارزش اثر کل به قیمت ثابت سال ۱۳۸٤ (میلیارد ریال)	%MPS اثر مستقیم	%MPS اثر غیرمستقیم	%MPS اثر کل
دورهٔ جنگ	۲٦/۸۱	۱۳٦۰	-۲۹۰۰	-۸۵۷	-۲۹/۱٤	۱۸/۳۰	-۱۰/۸٤
	۳۸/۹۰	۱۳٦۱	-۲۳۷۳	٦۰۱	-۲۱/٦۸	۲۹/۲۲	۷/۵٤
	۳۸/٦۷	۱۳٦۲	-۳۱۵۸	۲۷	-۲٦/۸٦	۲۷/۱۷	۰/۳۱
	٤۷/٦۸	۱۳٦۳	-٤۰۱۰	-۸۲	-۳۲/۰۲	۳۱/۰٦	-۰/۹٦
	-۱۳/۱٦	۱۳٦٤	-٤۲۳۷	-٦۱۵۱	-۳۲/۵۸	-۸/٦۵	-٤۱/۲۳
	-۲/۷۱	۱۳٦۵	-۸۸۳۰	-۹۳۰۰	-۵۱/۲٤	-۱/۲۹	-۵۲/۵۳
	۷۵/۷۲	۱۳٦٦	-۱٤٤۱۹	-٤٦۹۷	-٦۲/٦۷	۲۷/۳۲	-۳۵/۳۵
	۸۹/۸۷	۱۳٦۷	-۱۲٦٦۸	-۳۷۱۳	-٦۵/۲٦	۲۹/۷۵	-۳۵/۵۱
	۳۷/۷۲	میانگین	-٦۵۷٤	-۳۰۲۱	-٤۰/۱۸	۱۹/۱۱	-۲۱/۰۷
برنامهٔ اول توسعهٔ اقتصادی و اجتماعی	۵۰/٦۲	۱۳٦۸	-۱۳۲۹۳	-٦۹۰٦	-٦۸/٤۰	۱۵/٤۷	-۵۲/۹۳
	-٤/۳۰	۱۳٦۹	-۲۱٦۵۸	-۲۲۹۲٤	-۷۵/۳۰	-۱/۰٤	-۷٦/۳٤
	-۱۰/۸٤	۱۳۷۰	-۱۷۰٤۳	-۱۹۹۳۲	-٦۹/٦۲	-۳/۲۱	-۷۲/۸۳
	-٤۷/۰۳	۱۳۷۱	-۱۵۸۲۹	-۳۵٦٤۹	-٦۸/٦٤	-۱٤/۵۰	-۸۳/۱٤
	-۵۱/٤۱	۱۳۷۲	-۱٤۱۱۰	-۳٦۹۸۹	-٦۳/۰۲	-۱۸/٦۹	-۸۱/۷۱
	-٤۱/۲۹	۱۳۷۳	-۱۷۷۸۹	-۳۵۳۷۱	-٦۸/۷۲	-۱۲/٦۵	-۸۱/۳۸
	-۱۷/۳۸	میانگین	-۲٦٦۲۰	-۲٦۲۹۵	-٦۸/۹۵	-۵/۷۷	-۷٤/۷۲
برنامهٔ دوم توسعهٔ اقتصادی و اجتماعی	-۳۱/۹۷	۱۳۷٤	-۲۳۹۵۰	-۳۸۷۵۱	-۷٤/۵۹	-۸/۰۲	-۸۲/٦۱
	-۱٦/۱۸	۱۳۷۵	-۱۹٦۹٦	-۲۵۱۱۷	-٦۸/۰۹	-۵/۰٤	-۷۳/۱۳
	-۰/۸۹	۱۳۷٦	-۱۵۸۲٤	-۱٦۰٤۵	-٦۲/۱٤	-۰/۳۲	-٦۲/٤٦
	۳۳/۱۵	۱۳۷۷	-۲۰۷۲۵	-۱۳٤۱۳	-٦۸/۵٦	۱۰/۰۳	-۵۸/۵۳
	۲۹/۱۰	۱۳۷۸	-۲٤٦۵٦	-۱۷۲۹۲	-۷۳/۵٦	۷/٤٤	-٦٦/۱۱
	۲/٦٤	میانگین	-۲۰۹۷۰	-۲۲۱۲٤	-٦۹/۳۹	۰/۸۲	-٦۸/۵۷
برنامهٔ سوم توسعهٔ اقتصادی و اجتماعی	۱٦/۹٦	۱۳۷۹	-۱٦۲۷۸	-۱۲۵۲۳	-٦۰/۷۷	٦/٤۰	-۵٤/۳۷
	۱٦/۵٤	۱۳۸۰	-۱۵۰۱۸	-۱۱۵۵۹	-۵۹/٤۷	٦/٤۳	-۵۳/۰۳
	۱۲/۹۹	۱۳۸۱	-۱۳۱۱۵	-۱۰۵۵۷	-۵٦/٦۸	۵/۳۸	-۵۱/۲۹
	۳/۸۵	۱۳۸۲	-۱۳۱۱۲	-۱۲۲۹۷	-۵۷/۰٦	۱/۵۸	-۵۵/٤۸
	-۲/۷۹	۱۳۸۳	-۱۵٤۰۵	-۱٦۱۷۳	-۵۵/۰۹	-۱/۲۰	-۵٦/۲۹
	۹/۵۱	میانگین	-۱٤۵۸٦	-۱۲٦۲۲	-۵۷/۸۱	۳/۷۲	-۵٤/۱۰
برنامهٔ چهارم توسعهٔ اقتصادی و اجتماعی	-٦/۱۸	۱۳۸٤	-۱۲۳۰۲	-۱۳۸٤۳	-۵۰/۱٦	-۲/۹۵	-۵۳/۱۱
	-۱۰/۷۰	۱۳۸۵	-۱۰۱۷۹	-۱۲۹۰۹	-٤۲/۵۸	-۵/۸۹	-٤۸/٤۷
	-۱۳/۰۹	۱۳۸٦	-۱۲۹٤٦	-۱٦۸٤۸	-٤۷/۷۷	-٦/۵۷	-۵٤/۳٤
	-۷/۷٤	۱۳۸۷	-۱۰۱۹۰	-۱۲۰٤۰	-٤٤/۱۹	-٤/۱٤	-٤۸/۳۳
	-۳/۳۲	۱۳۸۸	-٤۵٦۳	-۵۱٤۱	-۲۵/۵۵	-۲/۳۳	-۲۷/۸۹
	-۱۷/٤۵	۱۳۸۹	-۵۳٦٤	-۸۷۳۹	-۳۱/٦٦	-۱۱/۳۵	-٤۳/۰۲
	-۹/۷۵	میانگین	-۹۲۵۷	-۱۱۵۸۷	-٤۰/۳۲	-۵/۵٤	-٤۵/۸٦
پیش بینی برنامهٔ پنجم توسعهٔ اقتصادی و اجتماعی	-۱۹/۲۲	۱۳۹۰	-٦۱٦۳	-۹۹۲۲	-۳٦/۳۸	-۱۱/۵۵	-٤۷/۹۳
	-۲۱/۱٤	۱۳۹۱	-۱۱۲٦۷	-۱٦۸۲۹	-۵۱/۵٦	-۹/۸۳	-٦۱/۳۹
	-۲۳/۰۷	۱۳۹۲	-۱۲۵۰٦	-۱۹۰۸٤	-۵٤/۳۵	-۱۰/۱۵	-٦٤/۵۰
	-۲٤/۹۸	۱۳۹۳	-۱۳۸۹٤	-۲۱٦٤۳	-۵۷/۱۳	-۱۰/۳٦	-٦۷/٤۹
	-۲۲/۰۹	۱۳۹٤	-۱۷۰۵٤	-۲٤۵۳۷	-٦۲/۲۳	-۸/۱۰	-۷۰/۳۳
	-۲۲/۱۰	میانگین	-۱۲۱۷۷	-۱۸٤۰۳	-۵۲/۳۳	-۱۰/۰۰	-٦۲/۳۳

منبع: یافته‌های پژوهش

در دورهٔ جنگ با اجرای سیاست‌های قیمتی ۶۵۷۴ میلیارد ریال به قیمت ثابت سال ۱۳۸۴ از تولیدکنندگان به مصرف‌کنندگان و واردکنندگان انتقال پیدا کرد. از سال ۱۳۷۲ با اجرای سیاست‌های تعدیل اقتصادی همزمان با افزایش قیمت خارجی حمایت از تولیدکنندگان کاهش پیدا کرد و میانگین آن با ۲۰۹۷۰ میلیارد ریال به سال ثابت ۱۳۸۴ در برنامهٔ دوم توسعه کمتر از برنامه‌های دیگر بود. در برنامهٔ سوم نیز با وجود افزایش قیمت‌های داخلی و کاهش قیمت خارجی، قیمت دریافتی تولیدکنندگان شیر کمتر از قیمت مرجع تعدیل‌شده با نرخ حقیقی ارز بود. در برنامهٔ چهارم توسعه نیز با ادامهٔ اجرای سیاست‌های قیمتی برنامهٔ سوم، مالیات پنهان تحمیل‌شده به تولیدکنندگان کاهش پیدا کرد. با فروض بیان شده، در برنامهٔ پنجم توسعه، در مقایسه با قیمت‌های جهانی، پرداختی به تولیدکنندگان شیر صورت نمی‌پذیرد. به عبارت دیگر، اگر دولت اجازهٔ فروش شیر داخلی در بازارهای جهانی را ندهد، تولیدکنندگان شیر، دریافتی کمتری خواهند داشت و ناگزیر از پرداخت مالیات پنهان خواهند بود. از آنجا که براساس آمار منتشرشدهٔ مرکز آمار ایران، قیمت داخلی در همهٔ سال‌های مورد بررسی این پژوهش روندی صعودی داشته است، نوسان شاخص حمایت از قیمت بازاری برآمده از نوسان نرخ ارز، قیمت جهانی و مقادیر تولید و مصرف شیر است. افزایش نسبی حمایت‌ها در برنامهٔ چهارم، به دلیل رشد فزایندهٔ قیمت‌های داخلی در مقایسه با قیمت جهانی بود. تداوم زیان تولیدکنندگان با فعالیت در بازار داخلی، موجب کاهش تولید داخلی شیر و تضعیف صنایع تبدیلی وابسته به شیر می‌شود و در نهایت به نیاز واردات می‌انجامد. تفاوت زیاد قیمت داخلی با قیمت جهانی برآمده از روش قیمت‌گذاری شیر در شورای رقابت است، زیرا تعیین قیمت از یک سو تحت تأثیر هزینهٔ تولید و از سوی دیگر با هدف تنظیم بازار به سود مصرف‌کننده بوده است.

در برنامهٔ اول توسعه به دلیل کم‌برآورد شدید ارزش ریال، حمایت قیمتی کل با نرخ ارز تعادلی به کمترین حد رسیده است و دامپروران ۲۶۲۹۵ میلیارد ریال به قیمت ثابت سال ۱۳۸۴ مالیات پنهان پرداخت کرده‌اند. در دیگر دوره‌ها نیز جز سال‌های ۶۲-۱۳۶۱ دریافتی دامپروران در داخل، نسبت به قیمت جهانی تعدیل‌شده با نرخ ارز تعادلی و هزینه‌های حمل و نقل، کمتر بوده است و پیش‌بینی می‌شود در برنامهٔ پنجم نیز این روند ادامه داشته باشد. از سال ۱۳۷۶ با کاهش انحراف نرخ ارز و بیش‌برآورد ارزش ریال حمایت بازاری از تولیدکنندگان شیر بهبود پیدا کرد. در برنامهٔ سوم توسعه، انتقال از تولیدکنندگان به مصرف‌کنندگان و واردکنندگان با نرخ ارز تعادلی به طور میانگین، ۱۲۶۶۲ میلیارد ریال به قیمت ثابت سال ۱۳۸۴ محاسبه شد. کاهش مالیات تحمیل‌شده به دامپروران در این برنامه، برآمده از کاهش نسبی قیمت‌های جهانی و روند افزایشی قیمت داخلی، همزمان با اجرای شناورسازی نرخ ارز و کاهش دخالت دولت در بازار نهاده‌های دامی است. مقایسهٔ اثرکل و اثرمستقیم نشان می‌دهد اعمال نرخ ارز تعادلی بلندمدت اقتصاد در برنامهٔ سوم زیان کمتری را به دامپروران تحمیل کرده است، در حالی که نرخ ارز حقیقی در برنامهٔ چهارم حمایت بیشتری در پی داشته است.

حمایت درصدی از قیمت بازاری (MPS٪) بر مبنای نرخ ارز حقیقی (اثر مستقیم) تا پایان برنامهٔ دوم توسعه به دلیل ثبات نسبی قیمت‌های داخلی کاهشی بود، به طوری که در این سال‌ها تولیدکنندگان ایرانی نسبت به رقبای جهانی حدود ۶۰ درصد کمتر دریافت کردند که نشان می‌دهد سیاست‌های قیمتی، دامپروران ایران را نسبت به قیمت پیش روی رقبای جهانی حمایت نکردند. در برنامهٔ سوم توسعه نیز با اجرای سیاست‌های قیمت سقف و کف، همزمان با کاهش قیمت جهانی، درآمد تولیدکنندگان ۵۷ درصد کاهش یافت. اما در این برنامه کاهش تحمیل مالیات پنهان بر تولیدکنندگان شیر آغاز شد که در برنامهٔ چهارم نیز ادامه داشت و در سال

۱۳۸۸ به ۲۵ درصد رسید. با فروض بیان‌شده برای پیش‌بینی برنامهٔ پنجم، زیان پرداختی دامپروران در این برنامه از برنامه‌های سوم و چهارم بیشتر خواهد بود و دامپروران با ادامهٔ سیاست‌های ارزی و بخشی به طور میانگین حدود ۵۲ درصد کمتر از قیمت بازار جهانی دریافت می‌کنند.

بررسی اثرکل حمایت از قیمت بازاری نیز روندی مشابه اثرمستقیم و مقدار ارزشی خود را نشان می‌دهد و تعدیل قیمت جهانی با نرخ ارز تعادلی به طور میانگین در سه دهه(۱۳۸۹-۱۳۶۰) بیانگر ۵۰/۱- درصد حمایت منفی از تولیدکنندگان است. یعنی اگر نرخ ارز تعادلی برقرار بود، سیاست‌های بخشی قیمتی و ارزی به گونه‌ای بود که تولیدکنندگان در مقابل رقبای خارجی خود، نه تنها حمایت نمی‌شدند، بلکه نیمی از درآمد آنان به شکل مالیات پنهان کم می‌شد که این در کاهش قدرت رقابت‌پذیری تولیدکنندگان ایرانی شیر بسیار مؤثر است و اثر آن در نوسان تولید محصول در سال‌های پایانی دورهٔ بررسی‌شده در این پژوهش نمایان است. در دورهٔ جنگ به دلیل بیش‌برآورد ارزش ریال، با اعمال نرخ ارز تعادلی بلندمدت اقتصاد، کمترین انتقال از تولیدکنندگان به مصرف‌کنندگان و واردکنندگان صورت پذیرفته است و دامپروران با فعالیت در بازار داخلی ایران، حدود یک پنجم درآمد خود را از دست داده‌اند.

اثر غیرمستقیم که تفاضل اثرکل و اثرمستقیم است، نشان می‌دهد سیاست‌های ارزی تا چه اندازه تقویت‌کنندهٔ سیاست‌های بخشی در زمینهٔ قیمت محصول هستند. در سال‌هایی که نرخ حقیقی ارز بیش از نرخ ارز تعادلی است، حمایت قیمتی از تولیدکنندگان در پی اجرای سیاست ارزی مثبت است و برعکس. یادآوری می‌شود، انحراف نرخ ارز نسبت فاصلهٔ نرخ ارز حقیقی از تعادلی به نرخ ارز تعادلی است که به شکل درصدی بیان می‌شود. براساس جدول (۲-۳-۴-۵) در همهٔ سال‌ها اثرغیرمستقیم کمتر از انحراف نرخ ارز است که تأثیرگذاری اندک نرخ ارز را در تعیین قیمت داخلی نشان می‌دهد. در سال‌های جنگ، با وجود بیش‌برآورد ارزش

ریال، درصد اثرغیرمستقیم به طور میانگین ۱۹/۱۱ درصد بود، اما از سال ۱۳۷۱ و با اجرای سیاست‌های آزادسازی نرخ ارز که انحراف نرخ ارز منفی و ارزش پول ملی کاهش بسیاری پیدا کرد، اثر غیرمستقیم نیز منفی شد. این بدین معنی است که در دورهٔ جنگ، تقویت پول ملی در حمایت قیمتی از تولیدکنندگان شیر اثر مثبت داشت، اما کاهش ارزش پول ملی کاهندهٔ حمایت بازاری از تولیدکنندگان بود. پس از یک دوره حمایت بازاری منفی از دامپروران در پی اجرای سیاست‌های تعدیل اقتصادی، حمایت از آنان از میانهٔ برنامهٔ دوم توسعه تا پایان برنامهٔ سوم مثبت بود؛ یعنی سیاست‌های ارزی تقویت‌کنندهٔ سیاست‌های بخشی بود. اما در برنامه‌های چهارم و پنجم کم‌برآورد ارزش ریال اثر منفی سیاست‌های بخشی را تقویت کرد. اثرغیرمستقیم ۰/۸۲ درصد در برنامهٔ دوم توسعه بیانگر اثر اندک سیاست‌های ارزی بر حمایت از تولیدکنندگان شیر است و نشان می‌دهد حمایت از تولیدکنندگان در شرایط به‌کارگیری سیاست‌های ارزی و بدون آنها، تحت تأثیر متغیرهای بنیادین اقتصاد، تفاوت چندانی با یکدیگر ندارد. در بررسی‌های مقایسه‌ای مقادیر مطلق اثر غیرمستقیم و اثرمستقیم در MPS٪، در بیشتر سال‌ها اثرمستقیم بیشتر از اثر غیرمستقیم بوده است که نشان‌دهندهٔ نقش مهم‌تر سیاست‌های خاص بخش کشاورزی در چگونگی حمایت از تولیدکنندگان شیر در مقایسه با سیاست‌های ارزی است.

۲-۳-۴-۵ بررسی مقادیر حمایت کل از تولیدکنندگان شیر طی برنامه‌های توسعه

براساس آنچه در فصل‌های پیشین بیان شد، حمایت از تولیدکنندگان، حمایت‌های بازاری(MPS) و پرداخت‌های بودجه‌ای(BP) را در برمی‌گیرد که در

بخش قبل حمایت‌های بازاری از محصول شیر تحلیل شد. در این بخش با مرور سیاست‌های بازاری، سیاست‌های حمایتی اجراشده در ایران برای تولید و مصرف شیر طی چهار برنامه توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی به طور خلاصه معرفی می‌شود:

۱- کنترل مقدار تولید محصولات از راه کنترل صدور مجوزها و پروانه‌های تولید؛
۲- تثبیت قیمت از راه کنترل عرضه و تقاضای محصول؛
۳- سیاست پرداخت جوایز تحویل شیر به کارخانه؛
۴- تعیین تعرفه‌های وارداتی و دریافت مابه التفاوت از واردات؛
۵- اجرای سیاست‌های قیمتی مانند قیمت‌های هدف، کف و سقف؛
۶- پرداخت یارانه‌های مصرفی(از جمله اجرای طرح شیر مدارس)؛ ۶
۷- پرداخت یارانه به نهاده‌های تولید (یارانه پرداختی به دارو و درمان، سوخت و خوراک دام)؛
۸- اعطای تسهیلات بانکی ارزان قیمت
۹- پوشش بیمه‌ای و پرداخت بخشی از حق بیمه.

افزون بر این سیاست‌ها، دولت با تأثیرگذاری بر بازاررسانی محصول، پرداخت یارانه‌های حمل¬ونقل، وضع مقررات بهداشتی، درجه¬بندی، بازرسی و کنترل کیفیت، ایجاد سردخانه و تقویت صنایع تبدیلی و فراوری به حمایت از تولیدکنندگان شیر می¬پردازد.یارانه‌های تولیدی که در این بخش یارانه‌های بودجه‌ای نامیده می‌شود، با کاهش هزینهٔ تولید دامپروران از آنان حمایت می‌کند. این پرداخت‌ها کمتر به شکل پرداخت مستقیم یارانه است و به طور معمول به شکل سیاست‌های قیمتی در بازار نهاده و توزیع نهادهٔ ارزان‌قیمت است. از این رو بخش عمدهٔ حمایت بودجه‌ای از تولیدکنندگان شیر را حمایت‌های قیمتی در بازار نهاده در برمی‌گیرد که

نرخ ارز در آن نقش چشمگیری دارد. یارانهٔ پرداختی به نهاده‌های خوراک دام که برای شیر شامل کنجالهٔ سویا، ذرت، گندم، جو و پنبه‌دانه است براساس تفاوت قیمت داخلی و خارجی، مقدار مصرف نهاده برای محصول و سطح تولید با رابطهٔ زیر محاسبه می‌شود:

$$(p_w - p_d)\times Q\times A$$

که در آن p_d و p_w به ترتیب قیمت داخلی و قیمت خارجی تعدیل‌شده با نرخ ارز حقیقی یا تعادلی با افزودن هزینهٔ حمل و نقل نهاده‌ها، Q مقدار مصرف نهاده در هر کیلوگرم محصول بر حسب کیلوگرم و A تولید محصول بر حسب کیلوگرم است. یارانهٔ انرژی نیز براساس رابطهٔ بالا محاسبه می‌شود. اطلاعات مقدار مصرف انرژی بر حسب برق و گاز و نهاده‌های خوراک دام و ترکیب جیره از محاسبات کشوری معاونت دام و طیور وزارت جهاد کشاورزی استخراج شده است. تسهیلات اعطایی بانک‌ها نیز تا پیش از سال ۱۳۸۴ و یکسان‌سازی نرخ سود تسهیلات بخش‌های مختلف اقتصاد، به صورت تسهیلات ارزان‌قیمت به دامپروران پرداخت می‌شد که در محاسبات از تفاوت نرخ سود بخش کشاورزی و میانگین وزنی نرخ سود دیگر بخش‌های اقتصادی استفاده شده است.

نتایج محاسبهٔ این پرداخت‌ها با توجه به آنچه در بخش‌های قبل بیان شد، در جدول (۳-۳-۴-۵) آمده است. براساس آن، حمایت‌های بودجه‌ای در قیمت‌های ثابت سال ۱۳۸۴ از ۲۰۴۱ میلیارد ریال در دورهٔ جنگ، به ۱۶۴۴ میلیارد ریال در برنامهٔ چهارم کاهش پیدا کرده است. با وجود روند افزایشی تولید شیر حمایت‌های بودجه‌ای روند نوسانی داشته است و در دههٔ ۱۳۸۰ با کاهش تصدی‌گری دولت در بازار نهاده‌ها و حمایت منفی از تولیدکنندگان شیر به دلیل افزایش قیمت داخلی نهاده‌های زراعی، روند حمایت بودجه‌ای از کشاورزان کاهشی بود. به طوری که در سال‌های ۸۹-۱۳۷۹ از ۲۲۲۲ به ۹۰۳ میلیارد ریال به قیمت ثابت سال ۱۳۸۴

کاهش پیدا کرد. نهاده‌های خوراک دام و انرژی بیشترین سهم حمایت‌های بودجه‌ای را شامل می‌شوند. به دلیل نوسان در قیمت‌های داخلی و جهانی نهاده‌های خوراک دام سهم آنها در سال‌های مختلف نوسان داشت. در دورهٔ جنگ به دلیل تثبیت قیمت نهاده‌ها و تصدی دولت در توزیع نهاده‌ها سهم حمایت از نهاده‌های خوراک دام بیشتر از انرژی بود. در برنامه‌های اول و دوم توسعه به طور میانگین سهم دو گروه نزدیک به هم بود. در برنامه‌های سوم و چهارم توسعه با کاهش تصدی دولت در توزیع نهاده‌های خوراک دام و افزایش قیمت محصولات کشاورزی موجود در جیرهٔ دام تولیدکنندگان زیربخش دامپروری برای خرید نهاده ناگزیر از پرداخت مالیات پنهان شدند. از این رو، با افزایش تفاوت قیمت‌های داخلی وجهانی انرژی همراه با کاهش ارزش پول ملی سهم انرژی از حمایت از تولیدکنندگان به طور میانگین در این دو برنامه افزایش پیدا کرد و به ترتیب ۸۱ و ۷۳ درصد بود.

حمایت به شکل تسهیلات بانکی در برنامهٔ اول توسعه بیشترین مقدار را داشت و در برنامهٔ دوم توسعه نوسانی و کمتر از دوره‌های دیگر بود. در برنامهٔ سوم توسعه نیز براساس آمار بانک مرکزی، حمایت از صنایع تولید شیر به صورت اعطای تسهیلات بانکی افزایشی و ۱۰۰ میلیارد ریال به قیمت ثابت سال ۱۳۸۴ بود. در برنامهٔ چهارم به منظور هدایت سرمایه به بخش‌های پربازده، با کاهش تفاوت نرخ سود تسهیلات بانکی بخش‌های اقتصادی، از تولیدکنندگان شیر از راه پرداخت تسهیلات بانکی در مقایسه با دیگر بخش‌های اقتصادی حمایت نشد. پرداخت سهم دولت از بیمهٔ محصول شیر نیز پس از آغاز در سال ۱۳۷۶، روند افزایشی داشت، به طوری که در برنامهٔ چهارم توسعه به طور میانگین به بیش از ۴۱ میلیارد ریال ـ در قیمت‌های ثابت سال ۱۳۸۴ـ رسید. با توجه به روند حمایت از بیمهٔ شیر در برنامهٔ چهارم توسعه، پیش‌بینی می‌شود در برنامهٔ پنجم حمایت بیمه‌ای دولت از این محصول ۳۷ میلیارد ریال به قیمت ثابت سال ۱۳۸۴ باشد.

جدول ۳-۳-۴-۵) حمایت بودجه‌ای از تولیدکنندگان شیر در نرخ حقیقی ارز (میلیارد ریال- ثابت سال ۱۳۸۴)

برنامه های توسعه	سال	نهاده های خوراک دام و واکسن و دارو	انرژی	بیمه	تسهیلات بانکی	کل حمایت بودجه ای	سهم نهاده های خوراک دام(٪)	سهم انرژی(٪)
دورهٔ جنگی	۱۳۶۰	۱۶۲۵/۶۸	۳۴۹/۲۴	۰/۰۰	۳۲/۸۸	۲۰۰۷/۸۰	۸۰/۹۷	۱۷/۳۹
	۱۳۶۱	۸۶۰/۳۶	۴۲۰/۰۳	۰/۰۰	۳۳/۲۰	۱۳۱۳/۵۹	۶۵/۵۰	۳۱/۹۸
	۱۳۶۲	۱۷۷۳/۲۸	۴۳۰/۹۱	۰/۰۰	۴۲/۶۰	۲۲۴۶/۷۹	۷۸/۹۳	۱۹/۱۸
	۱۳۶۳	۲۰۴۴/۸۰	۴۸۵/۵۱	۰/۰۰	۹۴/۲۷	۲۶۲۴/۵۹	۷۷/۹۱	۱۸/۵۰
	۱۳۶۴	۱۵۸۵/۷۲	۵۱۷/۹۶	۰/۰۰	۱۰۴/۴۸	۲۲۰۸/۱۶	۷۱/۸۱	۲۳/۴۶
	۱۳۶۵	۱۱۵۴/۸۸	۶۶۶/۱۲	۰/۰۰	۱۲۸/۴۲	۱۹۴۹/۴۲	۵۹/۲۴	۳۴/۱۷
	۱۳۶۶	۱۰۰۸/۸۶	۸۳۶/۸۶	۰/۰۰	۱۸۲/۵۸	۲۰۲۸/۳۱	۴۹/۷۴	۴۱/۲۶
	۱۳۶۷	۱۰۴۳/۲۷	۷۰۶/۶۶	۰/۰۰	۲۰۲/۸۱	۱۹۵۲/۷۴	۵۳/۴۳	۳۶/۱۹
	میانگین	۱۳۸۷/۱۰	۵۵۱/۶۶	۰/۰۰	۱۰۲/۶۶	۲۰۴۱/۴۲	۶۷/۱۹	۲۷/۷۷
برنامهٔ اول توسعهٔ اقتصادی و اجتماعی	۱۳۶۸	۱۸۸۱/۲۵	۷۴۵/۱۲	۰/۰۰	۱۳۸/۰۴	۲۷۶۴/۴۰	۶۸/۰۵	۲۶/۹۵
	۱۳۶۹	۲۴۲۴/۴۲	۱۲۹۳/۳۳	۰/۰۰	۲۴۱/۳۴	۳۹۵۹/۰۹	۶۱/۲۴	۳۲/۶۷
	۱۳۷۰	۲۵۰۵/۰۰	۹۸۵/۲۲	۰/۰۰	۲۱۲/۲۰	۳۷۰۲/۴۲	۶۷/۶۶	۲۶/۶۱
	۱۳۷۱	۷۷۰/۶۷	۸۵۷/۲۰	۰/۰۰	۱۳۹/۸۲	۱۷۶۷/۷۰	۴۳/۶۰	۴۸/۴۹
	۱۳۷۲	۴۱۷/۷۵	۸۲۳/۶۷	۰/۰۰	۸۶/۳۱	۱۳۲۷/۷۳	۳۱/۴۶	۶۲/۰۴
	۱۳۷۳	۸۳۰/۱۱	۱۱۴۲/۶۹	۰/۰۰	۸۶/۵۰	۲۰۵۹/۳۰	۴۰/۳۱	۵۵/۴۹
	میانگین	۱۴۷۱/۵۳	۹۷۴/۵۴	۰/۰۰	۱۵۰/۷۰	۲۵۹۶/۷۷	۵۲/۰۵	۴۲/۰۴
برنامهٔ دوم توسعهٔ اقتصادی و اجتماعی	۱۳۷۴	۱۷۷۴/۸۶	۱۲۴۳/۵۲	۰/۰۰	۵۷/۶۸	۳۰۷۶/۰۶	۵۷/۷۰	۴۰/۴۳
	۱۳۷۵	۳۵۰۹/۷۶	۱۳۳۳/۸۳	۰/۰۰	۸۵/۰۳	۴۹۲۸/۶۱	۷۱/۲۱	۲۷/۰۶
	۱۳۷۶	۱۷۸۴/۴۱	۱۱۴۶/۱۵	۲/۶۳	۷۵/۹۹	۳۰۰۹/۱۸	۵۹/۳۰	۳۸/۰۹
	۱۳۷۷	۸۸۴/۲۴	۱۰۸۲/۵۹	۴/۳۱	۶۷/۹۰	۲۰۳۹/۰۴	۴۳/۳۷	۵۳/۰۹
	۱۳۷۸	۴۵۶/۹۱	۱۸۸۷/۵۰	۴/۰۴	۷۲/۶۵	۲۴۲۱/۱۰	۱۸/۸۷	۷۷/۹۶
	میانگین	۱۶۸۲/۰۴	۱۳۳۸/۷۲	۲/۱۹	۷۱/۸۵	۳۰۹۴/۸۰	۵۰/۰۹	۴۷/۳۳
برنامهٔ سوم توسعهٔ اقتصادی و اجتماعی	۱۳۷۹	۷۵/۰۰	۲۰۶۴/۸۷	۸/۰۵	۷۴/۵۱	۲۲۲۲/۴۲	۳/۳۷	۹۲/۹۱
	۱۳۸۰	۶۸/۸۰	۱۴۸۶/۴۲	۱۰/۸۶	۷۸/۴۸	۱۶۴۴/۵۷	۴/۱۸	۹۰/۳۸
	۱۳۸۱	-۱۰۰۳/۵۲	۱۶۶۲/۶۲	۲۰/۱۱	۹۸/۹۱	۷۷۸/۱۳	۳۶/۰۳	۵۹/۷۰
	۱۳۸۲	-۴۴۲/۷۱	۱۶۸۸/۷۹	۱۶/۰۴	۱۱۲/۴۴	۱۳۷۴/۵۵	۱۹/۵۹	۷۴/۷۳
	۱۳۸۳	-۵۳/۶۶	۲۳۹۶/۵۰	۳۸/۴۷	۱۳۹/۶۸	۲۵۲۰/۹۸	۲/۰۴	۹۱/۱۸
	میانگین	-۲۷۱/۲۲	۱۸۵۹/۸۴	۱۸/۷۰	۱۰۰/۸۰	۱۷۰۸/۱۳	۱۳/۰۴	۸۱/۷۸
برنامهٔ چهارم توسعهٔ اقتصادی و اجتماعی	۱۳۸۴	-۳۴۶/۲۹	۲۸۳۸/۳۹	۴۵/۹۸	۰/۰۰	۲۵۳۸/۰۸	۱۰/۷۲	۸۷/۸۶
	۱۳۸۵	-۱۰۶۷/۵۴	۲۸۹۵/۲۷	۵۱/۸۵	۰/۰۰	۱۸۷۹/۵۹	۲۶/۵۹	۷۲/۱۲
	۱۳۸۶	-۱۱۴۱/۹۵	۳۲۷۲/۶۰	۳۸/۴۱	۰/۰۰	۲۱۶۹/۰۷	۲۵/۶۴	۷۳/۴۹
	۱۳۸۷	-۱۱۷/۲۰	۲۰۷۲/۷۳	۳۵/۹۹	۰/۰۰	۱۹۹۱/۵۱	۵/۲۷	۹۳/۱۲
	۱۳۸۸	-۱۷۴۴/۶۹	۲۰۹۲/۴۷	۳۵/۷۵	۰/۰۰	۳۸۳/۵۳	۴۵/۰۵	۵۴/۰۳
	۱۳۸۹	-۱۳۵۹/۱۳	۲۲۲۰/۷۷	۴۱/۴۰	۰/۰۰	۹۰۳/۰۴	۳۷/۵۳	۶۱/۳۳
	میانگین	-۹۶۲/۸۰	۲۵۶۵/۳۷	۴۱/۵۶	۰/۰۰	۱۶۴۴/۱۴	۲۵/۱۳	۷۳/۶۶
پیش بینی برنامهٔ پنجم توسعهٔ اقتصادی و اجتماعی	۱۳۹۰	۶۸/۲۰	۲۰۶۳/۳۴	۳۸/۱۶	۰/۰۰	۲۱۶۹/۷۰	۳/۱۴	۹۵/۱۰
	۱۳۹۱	۱۲۴۲/۶۰	۲۷۱۱/۶۰	۳۷/۶۱	۰/۰۰	۳۹۹۱/۸۱	۳۱/۱۳	۶۷/۹۳
	۱۳۹۲	۱۴۳۶/۳۰	۲۹۷۱/۱۸	۳۷/۵۷	۰/۰۰	۴۴۴۵/۰۵	۳۲/۳۱	۶۶/۸۴
	۱۳۹۳	۱۶۸۷/۵۴	۳۲۵۲/۱۶	۳۷/۶۵	۰/۰۰	۴۹۷۷/۳۵	۳۳/۹۰	۶۵/۳۴
	۱۳۹۴	۲۴۳۱/۹۱	۳۷۸۸/۹۴	۳۷/۸۶	۰/۰۰	۶۲۵۸/۷۱	۳۸/۸۶	۶۰/۵۴
	میانگین	۱۳۷۳/۳۱	۲۹۵۷/۴۴	۳۷/۷۷	۰/۰۰	۴۳۶۸/۵۲	۲۷/۸۷	۷۱/۱۵

منبع: یافته‌های پژوهش

همان‌طور که در نمودار (۲-۳-۴-۵) مشاهده می‌شود، پرداخت‌های بودجـه‌ای در قیمت‌های ثابت سال ۱۳۸۴ در دوره‌های مختلف(۸۹-۱۳۶۰) نوسانی بوده است. پس از جنگ از سال ۱۳۷۲ با اجرای سیاست‌های تعدیل اقتصادی تا سال ۱۳۷۶ حمایت بودجه‌ای از تولیدکنندگان شیر افزایشی بود. پـس از آن بـا افـزایش قیمـت داخلـی محصولات کشاورزی موجود در جیرهٔ دام، حمایت بودجه‌ای از دامپروران کاهش پیدا کرد.

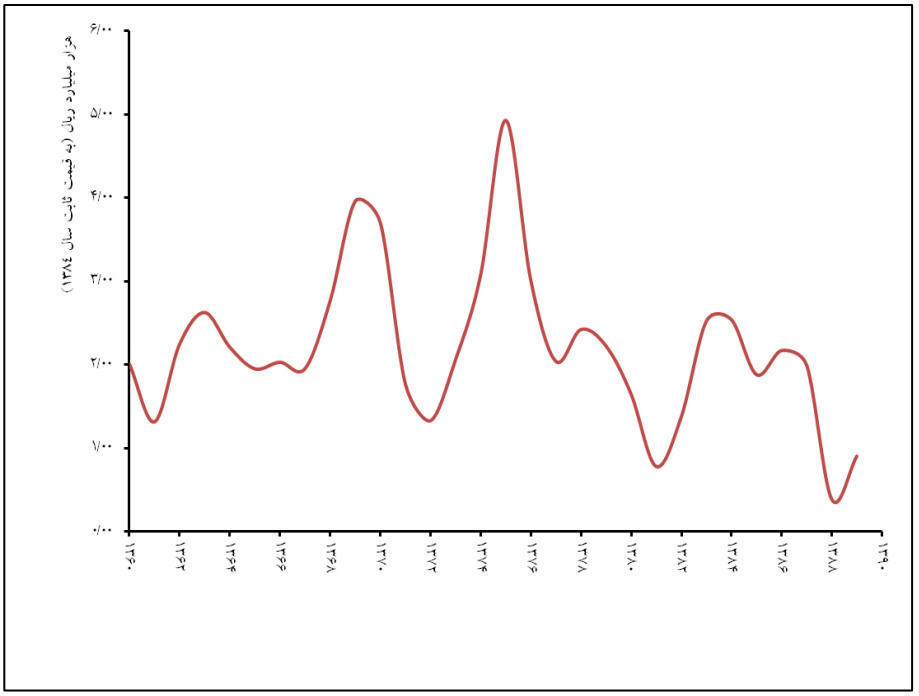

نمودار ۲-۳-۴-۵) نمودار روند پرداخت‌های بودجه‌ای دولت‌ها طی برنامه‌های مختلف توسعه

در نیمهٔ دوم برنامهٔ سوم توسعه تا سـال ۱۳۸۶، بـا افـزایش تولیـد شـیر، اجـرای سیاست یکسان‌سازی نرخ ارز، افزایش سطح عمومی قیمت‌ها و افزایش تفاوت قیمت داخلی و خارجی سوخت و نهاده‌های دامپروری و پرداخت یارانه‌های واکسن و دارو و یارانه به صنایع تولید شیر، حمایت بودجه‌ای از دامپـروران افـزایش یافـت. سـپس از

سال ۱۳۸۷ با افزایش قیمت‌های داخلی اجزای جیرهٔ خوراک دام در پی افزایش قیمت جهانی غلات، حمایت بودجه‌ای از تولیدکنندگان شیر کاهش پیدا کرد.

پس از بررسی اجزای حمایت از تولیدکننده، یعنی حمایت قیمتی و پرداخت‌های بودجه‌ای در جدول (۴-۳-۴-۵) نتایج محاسبهٔ شاخص‌های حمایت از تولیدکننده آمده است. در این جدول نیز مانند جدول (۲-۳-۴-۵) انحراف نرخ ارز حقیقی از تعادلی در کنار شاخص‌های حمایت از تولیدکنندگان (PSE) در برنامه‌های توسعهٔ ایران بررسی می‌شود. میانگین انحراف نرخ ارز در دورهٔ جنگ و برنامه‌های دوم و سوم توسعه مثبت بوده است و بیش‌برآورد ارزش حقیقی ریال نسبت به ارزش تعادلی آن را نشان می‌دهد.

یکی از اهداف این پژوهش، بررسی اثر سیاست‌های ارزی و انحراف نرخ ارز بر مقادیر شاخص‌های حمایت از تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان (٪PSE، ٪MPS و ٪CSE) است که به این منظور آثار مستقیم، کل و غیرمستقیم براساس نرخ‌های ارز حقیقی و تعادلی محاسبه می‌شود. اثرمستقیم که در آن قیمت‌های جهانی مورد استفاده در محاسبه‌ها با نرخ ارز حقیقی تعدیل می‌شود، بیانگر وضعیت موجود حمایت از تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان شیر در پی سیاست‌های در حال اجرای زیربخش دامپروری و ارزی است. اثر کل، حمایت از آنان را در شرایط اعمال نرخ ارز تعادلی برآمده از متغیرهای کلان اقتصادی در بلندمدت نشان می‌دهد. اثرغیرمستقیم که حاصل تفاضل اثرکل و اثرمستقیم است، نشان‌دهندهٔ اثر سیاست‌های ارزی در چگونگی رقابت‌پذیری بلندمدت شیر نسبت به رقبای جهانی است. اگر این شاخص مثبت باشد، یعنی سیاست‌های ارزی بر سطح رقابت‌پذیری بلندمدت دامپروران ایرانی افزوده است و برعکس.

شاخص برآورد حمایت از تولیدکننده (PSE) که مجموع حمایت از قیمت بازاری(MPS) و حمایت‌های بودجه‌ای(BP) را نشان می‌دهد، بیانگر آن است که سیاست‌های حمایتی در برنامه‌های سوم و چهارم توسعه به سمت حمایت از تولید و تولیدکننده در جریان است. در برنامهٔ اول توسعه با اجرای سیاست‌های آزادسازی، مالیات پنهان تحمیل‌شده به تولیدکنندگان با وجود نوسان، به طور کلی افزایش پیدا کرد و تا آغاز دههٔ ۱۳۸۰ و کاهش تصدی دولت در بازار نهاده و اجرای سیاست‌های تعیین قیمت سقف و کف همچنان ادامه داشت. به طوری که میانگین زیان تولیدکنندگان در برنامهٔ سوم در مقایسه با برنامهٔ دوم توسعه کاهش ۴۹۹۸ میلیارد ریالی به قیمت ثابت سال ۱۳۸۴ را نشان می‌دهد. براساس قیمت‌های ثابت سال ۱۳۸۴، مقدار حمایت‌ها در برنامهٔ چهارم توسعه ۷۶۱۳- میلیارد ریال بود که نشان می‌دهد در پی اجرای سیاست‌های بخشی، دامپروران کمتر از درآمد مورد انتظار در شرایط رقابت در بازار جهانی، دریافت کرده‌اند. همچنین پیش‌بینی می‌شود دامپروران در برنامهٔ پنجم توسعه نیز با اجرای سیاست‌های بخشی و ارزی حمایت نشوند که هماهنگ نبودن سیاست‌های اجرایی دولت را با بازار جهانی چه در بخش نهاده و چه محصول و بی‌توجهی به منافع تولیدکنندگان شیر را نشان می‌دهد. مقایسهٔ نتایج جدول‌های (۴-۳-۴-۵)، (۳-۳-۴-۵) و (۲-۳-۴-۵) نشان می‌دهد در همهٔ سال‌های پژوهش سهم حمایت‌های قیمتی در کل حمایت از تولیدکننده بیشتر از حمایت‌های بودجه‌ای بوده است.

در جدول (۴-۳-۴-۵) شاخص حمایت از تولیدکنندگان براساس نرخ ارز تعادلی(اثرکل) تنها در سال‌های نخست جنگ به دلیل کاهش قیمت جهانی شیر و بیش‌برآورد ارزش ریال مثبت بوده و در سال‌های دیگر، پرداخت مالیات پنهان بر دامپروران تحمیل شده و حمایت‌های بودجه‌ای، جبران‌کنندهٔ اثر منفی حمایت قیمتی نبوده است. در برنامهٔ نخست توسعه با اجرای سیاست‌های تعدیل اقتصادی،

انتقال از تولیدکنندگان به مصرف‌کنندگان و واردکنندگان افزایش چشمگیری پیدا کرد، اما در برنامهٔ دوم توسعه در پی افزایش قیمت داخلی شیر با اجرای سیاست‌های قیمتی تعیین قیمت سقف و کف، روند کاهشی پیدا کرد. در برنامه‌های سوم و چهارم توسعه با اجرای سیاست‌های ارزی در کنار اجرای سیاست‌های قیمتی و کاهش دخالت دولت در بازار نهاده‌های دامی به طور میانگین به تولیدکنندگان شیر زیان کمتری تحمیل شد. به طوری که در برنامهٔ سوم توسعه همزمان با اجرای سیاست یکسان‌سازی نرخ ارز در سال ۱۳۸۱ و کاهش تصدی دولت در بازار نهاده‌های دامی، تولیدکنندگان شیر به طور میانگین ۱۱۳۴۲ میلیارد ریال به قیمت ثابت سال ۱۳۸۴ کمتر از درآمد خود در شرایط برقراری قیمت رقابتی بازار جهانی دریافت کرده‌اند که در مقایسه با اثرمستقیم نشان می‌دهد در آن دوره اعمال نرخ ارز تعادلی برآمده از متغیرهای بنیادین اقتصاد ایران حمایت بیشتری از دامپروران در بر داشته است. در برنامهٔ پنجم با وجود رشد حمایت‌های بودجه‌ای در پی افزایش قیمت جهانی غلات، به دلیل افزایش قیمت جهانی محصولات دامی و کاهش ارزش ریال، حمایت از کشاورزان منفی خواهد بود.

جدول ۴-۳-۴-۵ شاخص‌های حمایت از تولیدکنندگان شیر

برنامه های توسعه	درصد انحراف نرخ ارز	سال	ارزش اثرمستقیم به قیمت ثابت سال ۱۳۸٤ (میلیارد ریال)	ارزش اثر کل به قیمت ثابت سال ۱۳۸٤ (میلیارد ریال)	%PSE اثر مستقیم	%PSE اثر غیرمستقیم	%PSE اثر کل
دورهٔ جنگ	۲٦/۸۱	۱۳٦۰	-۸۹۲	٤۰۷	-۸/۹۷	۱٤/۱۱	۵/۱۵
	۳۸/۹۰	۱۳٦۱	-۱۰۵۹	۱۱۲٦	-۹/٦۸	۲۳/۸۰	۱٤/۱۲
	۳۸/٦۷	۱۳٦۲	-۹۱۱	۱۱۵٦	-۷/۷۵	۲۱/۲۳	۱۳/٤۹
	٤۷/٦۸	۱۳٦۳	-۱۳۸۵	۱۱۹۵	-۱۱/۰٦	۲٤/۹۷	۱۳/۹۰
	-۱۳/۱٦	۱۳٦٤	-۲۰۲۸	-۳۳٦۱	-۱۵/٦۰	-٦/۹۳	-۲۲/۵۲
	-۲/۷۱	۱۳٦۵	-٦۸۸۰	-۷۲۵۹	-۳۹/۹۲	-۱/۰۸	-٤۱/۰۰
	۷۵/۷۲	۱۳٦٦	-۱۲۳۹۱	-٤۰۷۰	-۵۳/۸۵	۲۳/۲۲	-۳۰/٦٤
	۸۹/۸۷	۱۳٦۷	-۱۰۷۱٦	-۳۰٤۳	-۵۵/۲۰	۲٦/۱۰	-۲۹/۱۰
	۳۷/۷۲	میانگین	-٤۵۳۳	-۱۷۳۱	-۲۵/۲۵	۱۵/٦۸	-۹/۵۸
برنامهٔ اول توسعهٔ اقتصادی و اجتماعی	۵۰/٦۲	۱۳٦۸	-۱۰۵۲۹	-۵٤۷۸	-۵٤/۱۷	۱۲/۱۹	-٤۱/۹۸
	-٤/۳۰	۱۳٦۹	-۱۷٦۹۹	-۱۸۷٤۰	-٦۱/۵۳	-۰/۸۷	-٦۲/٤۰
	-۱۰/۸٤	۱۳۷۰	-۱۳۳٤۱	-۱۵۵۹۰	-۵٤/٤۹	-۲/٤۷	-۵٦/۹٦
	-٤۷/۰۳	۱۳۷۱	-۱٤۰٦۱	-۳۰۳۷۵	-٦۰/۹۷	-۹/۸٦	-۷۰/۸٤
	-۵۱/٤۱	۱۳۷۲	-۱۲۷۸۲	-۳۲۱۲۳	-۵۷/۰۹	-۱۳/۸۷	-۷۰/۹٦
	-٤۱/۲۹	۱۳۷۳	-۱۵۷۲۹	-۳۰٤۰۱	-٦۰/۷۷	-۹/۱۷	-٦۹/۹٤
	-۱۷/۳۸	میانگین	-۱٤۰۲۳	-۲۲۱۱۸	-۵۸/۱۷	-٤/۰۱	-٦۲/۱۸
برنامهٔ دوم توسعهٔ اقتصادی و اجتماعی	-۳۱/۹۷	۱۳۷٤	-۲۰۸۷٤	-۳۳۱۲۳	-٦۵/۰۱	-۵/٦۰	-۷۰/٦۱
	-۱٦/۱۸	۱۳۷۵	-۱٤۷٦۸	-۱۸۷۹۸	-۵۱/۰۵	-۳/٦۸	-۵٤/۷۳
	-۰/۸۹	۱۳۷٦	-۱۲۸۱۵	-۱۲۹۸٤	-۵۰/۳۲	-۰/۲۲	-۵۰/۵۵
	۳۳/۱۵	۱۳۷۷	-۱۸٦۸٦	-۱۲۵۵۱	-٦۱/۸۲	۷/۰۵	-۵٤/۷۷
	۲۹/۱۰	۱۳۷۸	-۲۲۲۳۵	-۱٦۲۷۲	-٦٦/۳۳	٤/۱۲	-٦۲/۲۱
	۲/٦٤	میانگین	-۱۷۸۷۵	-۱۸۷٤۵	-۵۸/۹۱	۰/۳۳	-۵۸/۵۷
برنامهٔ سوم توسعهٔ اقتصادی و اجتماعی	۱٦/۹٦	۱۳۷۹	-۱٤۰۵٦	-۱۱۱۳۵	-۵۲/٤۷	٤/۱۲	-٤۸/۳۵
	۱٦/۵٤	۱۳۸۰	-۱۳۳۷٤	-۱۰٦۹۰	-۵۲/۹۵	۳/۹۱	-٤۹/۰۵
	۱۲/۹۹	۱۳۸۱	-۱۲۳۳۷	-۱۰۲۸۳	-۵۳/۳۱	۳/۳۵	-٤۹/۹٦
	۳/۸۵	۱۳۸۲	-۱۱۷۳۸	-۱۱۱٦۱	-۵۱/۰۸	۰/۷۳	-۵۰/۳٦
	-۲/۷۹	۱۳۸۳	-۱۲۸۸٤	-۱۳٤۳۹	-٤٦/۰۸	-۰/۷۰	-٤٦/۷۸
	۹/۵۱	میانگین	-۱۲۸۷۸	-۱۱۳٤۲	-۵۱/۱۸	۲/۲۸	-٤۸/۹۰
برنامهٔ چهارم توسعهٔ اقتصادی و اجتماعی	-٦/۱۸	۱۳۸٤	-۹۷٦٤	-۱۰۸۱٤	-۳۹/۸۱	-۱/٦۷	-٤۱/٤۹
	-۱۰/۷۰	۱۳۸۵	-۸۲۹۹	-۱۰۲۲۳	-۳٤/۷۲	-۳/٦۷	-۳۸/۳۸
	-۱۳/۰۹	۱۳۸٦	-۱۰۷۷۷	-۱۳۲٤۵	-۳۹/۷٦	-۲/۹۵	-٤۲/۷۲
	-۷/۷٤	۱۳۸۷	-۸۱۹۹	-۹٤۰۵	-۳۵/۵۵	-۲/۲۰	-۳۷/۷۵
	-۳/۳۲	۱۳۸۸	-٤۱۸۰	-٤۵۷٦	-۲۳/٤۱	-۱/٤۲	-۲٤/۸۲
	-۱۷/٤۵	۱۳۸۹	-٤٤٦۱	-٦٦۰۵	-۲٦/۳۳	-٦/۱۸	-۳۲/۵۱
	-۹/۷۵	میانگین	-۷٦۱۳	-۹۱٤۵	-۳۳/۲٦	-۳/۰۱	-۳٦/۲۸
پیش بینی برنامهٔ پنجم توسعهٔ اقتصادی و اجتماعی	-۱۹/۲۲	۱۳۹۰	-۳۹۹٤	-٦۳۵۸	-۲۳/۵۷	-۷/۱٤	-۳۰/۷۲
	-۲۱/۱٤	۱۳۹۱	-۷۲۷۵	-۱۰۸۳۰	-۳۳/۲۹	-٦/۲۱	-۳۹/۵۰
	-۲۳/۰۷	۱۳۹۲	-۸۰٦۱	-۱۲۲٦٤	-۳۵/۰٤	-٦/٤۲	-٤۱/٤۵
	-۲٤/۹۸	۱۳۹۳	-۸۹۱۷	-۱۳۸٦۷	-۳٦/٦۷	-٦/۵۷	-٤۳/۲٤
	-۲۲/۰۹	۱۳۹٤	-۱۰۷۹٦	-۱۵۵۷۵	-۳۹/۳۹	-۵/۲۵	-٤٤/٦٤
	-۲۲/۱۰	میانگین	-۷۸۰۹	-۱۱۷۷۹	-۳۳/۵۹	-٦/۳۲	-۳۹/۹۱

منبع: یافته‌های پژوهش

شاخص حمایت درصدی از تولیدکننده (PSE٪) به دلیل آن‌که نسبت به تورم، مقیاس و واحد پولی خنثی است، مقایسهٔ بهتری از حمایت را در طول زمان، بین کشورها و همچنین کالاهای مختلف، امکان‌پذیر می‌سازد. نتایج محاسبهٔ این شاخص در جدول (۴-۳-۴-۵) مشاهده می‌شود. میانگین ۵۸- درصد شاخص PSE٪ که با رهیافت تجارت‌محور و نرخ حقیقی ارز برای برنامهٔ اول توسعه محاسبه شده است، نشان می‌دهد مقدار دریافتی تولیدکننده ۵۸ درصد از آنچه می‌توانست با فروش محصولش با قیمت جهانی به دست آورد، کمتر بوده است. به بیان دیگر، سیاست‌های حمایتی در این دوره موجب شده است تولیدکننده ۵۸۷۰٪ از درآمدی را که در شرایط بدون چنین سیاست‌هایی می‌توانست به دست آورد به شکل نوعی مالیات پنهان از دست بدهد. میانگین این شاخص با نرخ ارز حقیقی در برنامهٔ چهارم توسعه ۳۳- درصد برآورد شده است؛ یعنی در طول این برنامه به اندازهٔ ۳۳ درصد از درآمدی که در صورت فروش محصول با قیمت جهانی به دست می‌آورد به شکل مالیات پنهان پرداخت کرده است. در این برنامه نیز سیاست‌های حمایتی موجب حمایت منفی از تولیدکننده شده و دریافتی او را نسبت به بازار جهانی کاهش داده است. در دورهٔ جنگ به علت اهمیت شیر در سبد خوراکی خانوار، سیاست‌ها به منظور کمتر نگه داشتن قیمت داخلی آن بود و دامپروران ناگزیر از پرداخت ۲۵ درصد مالیات پنهان بودند؛ این شرایط تا آغاز اجرای سیاست‌های آزادسازی در برنامهٔ اول توسعه ادامه داشت. پس از آن در برنامه‌های اول و دوم توسعه با وجود اجرای سیاست‌های آزادسازی و کاهش نقش دولت در خرید مستقیم محصول و توزیع آن، به دلیل کاهش ارزش پول ملی، مالیات پنهان تحمیلی به دامپروران ۵۸ درصد از درآمد آنان را در برگرفت. به طور میانگین در برنامهٔ سوم، همزمان با کاهش دخالت دولت در بازار نهاده‌های دامی(کاهش سهم توزیع نهاده‌ها توسط شرکت خدمات پشیبانی امور دام) و شناورسازی نرخ ارز، تولیدکنندگان شیر مالیات کمتری

پرداختند و زیان آنان حدود نیمی از درآمد دامپروران را در صورتی که با قیمت بازار جهانی رقابت می‌کردند، پوشش داد. افزایش نیاز وارداتی نشان می‌دهد با وجود بهبود نسبی حمایت‌ها در پی اجرای همزمان سیاست‌های حمایتی ارزی، قیمتی و بودجه‌ای در دو برنامهٔ سوم و چهارم توسعه، در ایجاد انگیزهٔ کافی در تولیدکنندگان شیر کارا نبوده است.

میانگین اثر کل که مجموع اثر سیاست‌های بخشی و کلان اقتصادی (سیاست‌های ارزی) در حمایت از تولیدکنندگان شیر را نشان می‌دهد، نیز در برنامه‌های سوم و چهارم توسعه مالیات پنهان کمتری بر تولیدکنندگان شیر تحمیل کرده است و در همهٔ برنامه‌ها روند نوسانی داشته است که نشان می‌دهد سیاست‌های بخشی و ارزی کشور هدفمند نبوده است. بیشترین حمایت برآمده از سیاست‌های ارزی و بخشی در سال ۱۳۶۱ به دلیل بیش‌برآورد ارزش ریال و کاهش قیمت جهانی شیر برابر با ۱۴/۱ درصد بوده است، یعنی دامپروران با اجرای این سیاست‌ها به اندازهٔ ۱۴ درصد دریافتی خود بدون اجرای سیاست‌ها با قیمت‌های جهانی تعدیل‌شده با نرخ ارز تعادلی، حمایت شده‌اند. در پایان برنامهٔ چهارم با کم‌برآورد ارزش ریال و نوسان قیمت جهانی حمایت از تولیدکنندگان ۳۶- درصد بود و پیش‌بینی می‌شود روند کاهشی آن در برنامهٔ پنجم نیز ادامه داشته باشد. نوسان در حمایت‌ها یا حمایت نشدن دائمی تولیدکنندگان موجب کاهش توان رقابتی دامپروران داخلی می‌شود و با کاهش انگیزهٔ تولید شیر به فعالیت صنایع تبدیلی، ارزش افزوده و اشتغال کشور آسیب وارد می‌کند.

میانگین اثر غیرمستقیم PSE٪ که نشان‌دهندهٔ اثر سیاست‌های ارزی بر مقدار حمایت از تولیدکنندگان شیر است، در دورهٔ جنگ و برنامه‌های دوم و سوم توسعه مثبت و در دیگر برنامه‌ها منفی بوده است. در برنامهٔ سوم توسعه که نرخ ارز حقیقی بیشتر از نرخ ارز تعادلی بوده است، بیش‌برآورد ارزش ریال(کاهش ارزش پول ملی)

موجب حمایت ۲/۲ درصدی از تولیدکنندگان شده است. مقایسهٔ انحراف نرخ ارز و اثرغیرمستقیم نشان می‌دهد اثر غیرمستقیم در همهٔ دوره‌ها کمتر است. از این مقایسه می‌توان نتیجه گرفت به دلیل بی‌توجهی به قیمت جهانی و نرخ ارز در تعیین یا هدایت قیمت داخلی، بین انحراف نرخ ارز و حمایت از تولیدکنندگان هماهنگی چندانی مشاهده نمی‌شود و اثر سیاست‌های ارزی به طور کامل به بازار و تولید شیر گاو منتقل نمی‌شود.

در دورهٔ جنگ و برنامه‌های دوم و سوم توسعه سیاست‌های ارزی تضعیف‌کنندهٔ اثر سیاست‌های بخشی بوده است، به‌طوری که مقادیر مثبت اثر غیرمستقیم در بیشتر سال‌ها موجب کاهش اثر منفی سیاست‌های خاص بخش کشاورزی در حمایت از تولیدکنندگان شیر در این دوره‌ها شده و در برنامه‌های اول و چهارم توسعه اثر منفی سیاست‌های ارزی، اثر سیاست‌های بخشی را در حمایت از تولیدکنندگان تقویت کرده است. مقدار مطلق اثرمستقیم در بیشتر سال‌های دورهٔ بررسی‌شده، به جز سال‌های ۶۳-۱۳۶۰ بیشتر از اثر غیرمستقیم بوده است. به بیان دیگر، در بیشتر دوره‌های بررسی ۸۹-۱۳۶۰ حمایت کل از کشاورزان (PSE) پیرو سیاست‌های بخشی بوده است.

۳-۳-۴-۵ بررسی مقادیر حمایت از مصرف‌کنندگان شیر طی برنامه‌های توسعه

شاخص حمایت از مصرف‌کنندگان نشان‌دهندهٔ انتقال‌های قیمتی از مصرف‌کنندگان به تولیدکنندگان، مالیات‌دهندگان به مصرف‌کنندگان و دیگر انتقال‌ها به مصرف‌کنندگان است. دربارهٔ محصول شیر، از آنجا که در بعضی سال‌ها پرداخت به مصرف‌کنندگان از راه بودجهٔ سالانهٔ دولت(مالیات‌دهندگان) انجام می‌پذیرد، براساس روابط فصل سوم، در محاسبهٔ CSE، مقدار شاخص درصدی آن

برابر با شاخص درصد حمایت از قیمت بازاری تولیدکنندگان و تنها نشان‌دهندهٔ حمایت بازاری از مصرف‌کنندگان نیست. در جدول (۶-۳-۴-۵) مقادیر شاخص حمایت درصدی مصرف‌کنندگان شیر (CSE٪) طی دورهٔ مورد بررسی (۸۹-۱۳۶۰) گزارش شده است.

همان‌طور که پیش از این مشاهده شد، انحراف نرخ ارز تا سال ۱۳۶۸ به جز دو سال مثبت بود و پس از آن با اجرای سیاست‌های آزادسازی تا سال ۱۳۷۶ نرخ واقعی ریال کمتر از نرخ تعادلی آن برآورد شد. از این سال با بیش‌برآورد ارزش ریال، انحراف نرخ ارز روند کاهشی پیدا کرد و در سال ۱۳۸۳ با کاهش چشمگیر ارزش تعادلی پول ملی نسبت به ارزش حقیقی آن، انحراف نرخ ارز منفی شد. همچنین پیش‌بینی می‌شود روند کم‌برآورد ارزش حقیقی ریال در برنامهٔ پنجم توسعه نیز ادامه پیدا کند.

بررسی ارزش حمایت مستقیم از مصرف‌کنندگان شیر برحسب قیمت‌های ثابت سال ۱۳۸۴، بیانگر آن است که حمایت از مصرف‌کنندگان روند کاهشی داشته است، به طوری که با وجود افزایش مقدار مصرف از ۱۸۷۱۷ میلیارد ریال در برنامهٔ اول توسعه به ۱۲۶۰۸ میلیارد ریال در برنامهٔ چهارم رسیده است. در دو برنامهٔ نخست توسعه، همزمان با اجرای سیاست‌های آزادسازی اقتصادی در کشور و افزایش مصرف حمایت از مصرف‌کنندگان شیر افزایشی بود. اما در برنامهٔ سوم توسعه با پرداخت یارانه به مصرف‌کنندگان، اجرای طرح شیر مدارس، کاهش قیمت جهانی و کاهش دخالت دولت در بازار نهاده و محصول، حمایت از مصرف‌کنندگان کاهش پیدا کرد. در برنامهٔ چهارم نیز با ادامهٔ اجرای این سیاست‌ها و افزایش قیمت داخلی حمایت از مصرف‌کنندگان کمتر شد.

جدول ۶-۳-۴-۵) شاخص‌های حمایت از مصرف‌کنندگان شیر

برنامه های توسعه	درصد انحراف نرخ ارز	سال	ارزش اثرمستقیم به قیمت ثابت سال ۱۳۸۳ (میلیارد ریال)	ارزش اثر کل به قیمت ثابت سال ۱۳۸۳	%CSE اثر مستقیم	%CSE اثر غیرمستقیم	%CSE اثر کل
دورهٔ جنگی	۲۶/۸۱	۱۳۶۰	۴۱۳۱	۱۳۴۳	۳۰/۴۱	−۱۷/۹۷	۱۲/۴۴
	۳۸/۹۰	۱۳۶۱	۳۲۴۸	−۵۵۱	۲۳/۲۳	−۲۸/۶۴	−۵/۴۱
	۳۸/۶۷	۱۳۶۲	۴۵۰۳	۲۶۱	۲۸/۷۵	−۲۶/۴۶	۲/۲۹
	۴۷/۶۸	۱۳۶۳	۵۷۶۰	۴۷۵	۳۴/۱۹	−۳۰/۰۸	۴/۱۱
	−۱۳/۱۶	۱۳۶۴	۵۷۶۳	۸۲۱۱	۳۴/۶۶	۸/۳۸	۴۳/۰۵
	−۲/۷۱	۱۳۶۵	۱۰۲۴۵	۱۰۷۷۳	۵۲/۹۵	۱/۲۵	۵۴/۱۹
	۷۵/۷۲	۱۳۶۶	۱۷۳۸۲	۵۸۳۴	۶۳/۶۱	−۲۶/۶۳	۳۶/۹۷
	۸۹/۸۷	۱۳۶۷	۱۴۷۲۶	۴۴۷۵	۶۶/۲۸	−۲۸/۸۸	۳۷/۴۰
	۳۷/۷۲	میانگین	۸۲۲۰	۳۸۵۳	۴۱/۷۶	−۱۸/۶۳	۲۳/۱۳
برنامهٔ اول توسعهٔ اقتصادی و اجتماعی	۵۰/۶۲	۱۳۶۸	۱۵۵۱۶	۸۲۴۴	۷۰/۱۲	−۱۴/۶۳	۵۵/۴۹
	−۴/۳۰	۱۳۶۹	۲۴۲۱۴	۲۵۶۱۰	۷۶/۳۵	۱/۰۰	۷۷/۳۴
	−۱۰/۸۴	۱۳۷۰	۱۹۶۰۳	۲۲۸۵۳	۷۱/۱۶	۳/۰۴	۷۴/۲۱
	−۴۷/۰۳	۱۳۷۱	۱۷۵۶۴	۳۸۸۴۰	۷۰/۹۶	۱۳/۴۲	۸۴/۳۸
	−۵۱/۴۱	۱۳۷۲	۱۶۲۱۰	۴۰۹۴۶	۶۶/۹۷	۱۶/۶۹	۸۳/۶۶
	−۴۱/۲۹	۱۳۷۳	۱۹۱۹۳	۳۷۲۶۲	۷۲/۱۶	۱۱/۲۶	۸۳/۴۲
	−۱۷/۳۸	میانگین	۱۸۷۱۷	۲۸۹۵۹	۷۱/۲۸	۵/۱۳	۷۶/۴۲
برنامهٔ دوم توسعهٔ اقتصادی و اجتماعی	−۳۱/۹۷	۱۳۷۴	۲۵۹۷۳	۴۱۳۶۵	۷۷/۷۹	۷/۰۱	۸۴/۸۰
	−۱۶/۱۸	۱۳۷۵	۲۱۵۰۴	۲۷۰۸۸	۷۲/۱۷	۴/۳۹	۷۶/۵۶
	−۰/۸۹	۱۳۷۶	۱۷۳۰۱	۱۷۵۲۴	۶۷/۱۲	۰/۲۸	۶۷/۴۰
	۳۳/۱۵	۱۳۷۷	۲۱۹۵۱	۱۴۴۷۲	۷۱/۰۰	−۹/۲۵	۶۱/۷۴
	۲۹/۱۰	۱۳۷۸	۲۶۰۰۳	۱۸۵۵۴	۷۶/۶۹	−۶/۵۶	۷۰/۱۲
	۲/۶۴	میانگین	۲۲۵۴۶	۲۳۸۰۰	۷۲/۹۵	−۰/۸۳	۷۲/۱۲
برنامهٔ سوم توسعهٔ اقتصادی و اجتماعی	۱۶/۹۶	۱۳۷۹	۱۷۷۲۸	۱۳۹۱۶	۶۵/۱۹	−۵/۶۸	۵۹/۵۱
	۱۶/۵۴	۱۳۸۰	۱۶۵۶۲	۱۳۰۷۰	۶۴/۹۷	−۵/۵۶	۵۹/۴۱
	۱۲/۹۹	۱۳۸۱	۱۴۰۱۳	۱۱۴۱۹	۵۹/۷۰	−۵/۰۱	۵۴/۷۰
	۳/۸۵	۱۳۸۲	۱۴۶۵۶	۱۳۸۲۲	۶۲/۳۶	−۱/۳۸	۶۰/۹۸
	−۲/۷۹	۱۳۸۳	۱۷۷۳۹	۱۸۵۲۴	۶۲/۰۱	۱/۰۲	۶۳/۰۲
	۹/۵۱	میانگین	۱۶۱۴۰	۱۴۱۵۰	۶۲/۸۵	−۳/۳۲	۵۹/۵۲
برنامهٔ چهارم توسعهٔ اقتصادی و اجتماعی	−۶/۱۸	۱۳۸۴	۱۵۶۵۰	۱۷۲۳۰	۶۲/۲۴	۲/۲۳	۶۴/۴۸
	−۱۰/۷۰	۱۳۸۵	۱۳۶۵۸	۱۶۴۵۵	۵۵/۷۸	۴/۵۳	۶۰/۳۱
	−۱۳/۰۹	۱۳۸۶	۱۶۲۳۷	۲۰۲۳۴	۵۸/۴۹	۵/۲۲	۶۳/۷۲
	−۷/۷۴	۱۳۸۷	۱۴۳۸۴	۱۶۲۷۱	۶۱/۱۳	۲/۸۹	۶۴/۰۱
	−۳/۳۲	۱۳۸۸	۸۵۷۷	۹۱۷۱	۴۶/۷۸	۱/۶۷	۴۸/۴۵
	−۱۷/۴۵	۱۳۸۹	۷۱۴۵	۱۰۵۸۰	۴۱/۴۴	۹/۷۳	۵۱/۱۷
	−۹/۷۵	میانگین	۱۲۶۰۸	۱۴۹۹۰	۵۴/۳۱	۴/۳۸	۵۸/۶۹
پیش بینی برنامهٔ پنجم توسعهٔ اقتصادی و اجتماعی	−۱۹/۲۲	۱۳۹۰	۸۴۷۱	۱۲۳۳۴	۴۸/۶۴	۹/۳۲	۵۷/۹۷
	−۲۱/۱۴	۱۳۹۱	۱۳۶۰۵	۱۹۳۲۵	۶۰/۵۴	۸/۰۱	۶۸/۵۴
	−۲۳/۰۷	۱۳۹۲	۱۴۶۱۶	۲۱۳۸۹	۶۱/۷۰	۸/۵۲	۷۰/۲۱
	−۲۴/۹۸	۱۳۹۳	۱۵۷۴۰	۲۳۷۱۷	۶۲/۸۶	۸/۹۷	۷۱/۸۴
	−۲۲/۰۹	۱۳۹۴	۱۹۰۰۲	۲۶۷۲۷	۶۷/۱۶	۷/۰۴	۷۴/۲۰
	−۲۲/۱۰	میانگین	۱۴۲۸۷	۲۰۶۹۸	۶۰/۱۸	۸/۳۷	۶۸/۵۵

منبع: یافته‌های پژوهش

حمایت از مصرف‌کنندگان شیر، برحسب نرخ ارز تعادلی نیز روندی مشابه داشته و در همهٔ برنامه‌ها به طور میانگین مثبت بوده است. یعنی کم نگه‌داشتن قیمت داخلی نسبت به قیمت جهانی موجب حمایت از مصرف‌کنندگان شیر بوده است. در برنامهٔ اول توسعه با کم‌برآورد ارزش ریال بیشترین و در دورهٔ جنگ به دلیل کمتر بودن مصرف شیر، کاهش قیمت جهانی و بیش‌برآورد ارزش ریال کمترین حمایت از مصرف‌کنندگان شیر را دربرداشت. در برنامهٔ سوم توسعه حمایت از مصرف‌کنندگان شیر کمترین نوسان را داشست و پیش‌بینی می‌شود در برنامهٔ پنجم توسعه با کاهش ارزش پول ملی و افزایش قیمت جهانی نسبت به قیمت داخلی مصرف‌کنندگان شیر به طور میانگین ۲۰۶۹۸ میلیارد ریال به قیمت ثابت سال ۱۳۸۴ کمتر از مصرف‌کنندگان خارجی بپردازند. تفاوت اثرمستقیم و اثرکل نقش انحراف نرخ ارز را در مقدار حمایت از مصرف‌کنندگان شیر آشکار می‌کند، چنان‌که مقایسهٔ این آثار در برنامه‌های سوم و چهار توسعه نشان می‌دهد حمایت از مصرف‌کنندگان در برنامهٔ چهارم توسعه با اعمال سیاست‌های ارزی کمتر از شرایط اثرگذاری متغیرهای بنیادین اقتصاد از جمله رابطهٔ مبادله، درآمد ارزی و بهره‌وری است.

درصد حمایت از مصرف‌کنندگان(CSE٪) با نرخ ارز حقیقی، نشان می‌دهد میانگین حمایت از مصرف‌کنندگان شیر در برنامهٔ اول توسعه ۷۱ درصد از پرداختی مصرف‌کنندگان را برحسب قیمت‌های تعدیل‌شدهٔ جهانی شامل شده است. یعنی در شرایط واقعی با اجرای سیاست‌های قیمتی، مصرف‌کنندگان، به اندازهٔ ۷۱ درصد آنچه (در صورتی که بازار آزاد برقرار باشد) باید می‌پرداختند، حمایت دریافت می‌کنند. در حقیقت ۷۱ درصد نسبت به آنچه می‌بایست می‌پرداختند، کمتر هزینه کرده‌اند. حمایت زیاد از مصرف‌کنندگان از رقابت‌پذیری بازار می‌کاهد، زیرا مصرف‌کنندگان سهم بیشتری از مازاد بازار داخلی می‌برند و با کاهش قدرت تولیدکنندگان رقابت‌پذیری آنان کاهش پیدا می‌کند. درصد حمایت‌ها تا پایان برنامهٔ

دوم تغییر اندکی داشت و در برنامه‌های سوم و چهارم نیز با وجود کاهش حمایت‌ها حدود نیمی از هزینهٔ شیر مصرفی، یارانه دریافت شد، یعنی بخش مهمی از هزینه‌های مصرف‌کنندگان شیر با اجرای سیاست‌های بخشی و ارزی در برنامه‌های مختلف (۸۹-۱۳۶۰) کاهش یافته است، اما مقایسهٔ سرانهٔ مصرف شیر در ایران با میانگین مصرف اتحادیهٔ اروپا و توصیهٔ سازمان بهداشت جهانی در سال ۲۰۱۰ نشان می‌دهد، این حمایت‌ها و هزینهٔ دولت از کارایی کافی در رسیدن به الگوی تغذیهٔ استاندارد جهانی برخوردار نبوده است. براساس آمار بانک مرکزی و گزارش سازمان جهانی بهداشت در سال ۱۳۸۹ سرانه مصرف شیر در ایران و اتحادیهٔ اروپا به ترتیب ۶۳/۲ و ۳۰۰ کیلوگرم در سال بود.

اثر کل روند مشابهی با اثر مستقیم دارد و چگونگی حمایت از مصرف‌کنندگان شیر را با برقراری نرخ ارز تعادلی بلندمدت اقتصاد ایران بیان می‌کند. در برنامه‌های اول و دوم توسعه به ترتیب ۷۶ و ۷۲ درصد از ارزش مصرف شیر در ایران به قیمت خارجی تعدیل‌شده به شکل حمایت قیمتی و بودجه‌ای به مصرف‌کنندگان پرداخت می‌شد. در برنامهٔ سوم توسعه که با اجرای سیاست یکسان‌سازی نرخ ارز همزمان است، مصرف‌کنندگان شیر با برقراری سیاست‌های ارزی و بخشی ۵۹ درصد از آنچه (در شرایطی که هیچ سیاست ارزی و بخشی برقرار نباشد) برای مصرف می‌پرداختند، یارانه دریافت کردند. پیش‌بینی می‌شود در برنامهٔ پنجم توسعه، برخلاف برنامهٔ چهارم، روند حمایت از مصرف‌کنندگان با افزایش قیمت جهانی و کاهش ارزش پول ملی افزایشی باشد.

علامت اثرغیرمستقیم در مورد مصرف‌کنندگان، عکس علامت انحراف نرخ ارز است، یعنی با کم برآورد ارزش ریال(انحراف منفی)، مصرف‌کنندگان حمایت می‌شوند و برعکس. به عبارت دیگر، چگونگی حمایت از مصرف‌کنندگان را هنگامی که سیاست ارزی اعمال می‌شود نسبت به وقتی که سیاست ارزی اجرا نمی‌شود، نشان

مـی‌دهـد. در دورهٔ جنـگ و برنامـه‌هـای دوم و سـوم توسـعه سیاسـت‌هـای ارزی تضعیف‌کنندهٔ سیاست‌های بخشی بوده و با اجرای سیاسـت ارزی، مصـرف‌کننـدگان شیر حمایت نشده‌اند. در حالی‌که در برنامه‌های اول و چهارم با اجرای سیاسـت ارزی کم‌برآورد ارزش ریال، مصرف‌کنندگان شیر نسـبت بـه شـرایطی کـه سیاسـت ارزی برقرار نباشد، حمایت شده‌اند. بـرای مثـال در برنامـهٔ چهـارم ۴/۳٪ کمتـر از قبـل از اجرای سیاست ارزی پرداخت کرده‌اند. اثرگذاری سیاسـت‌هـای ارزی بـر حمایـت از تولیدکنندگان و توسعهٔ رقابت‌پذیری آنان در برنامه‌های توسعه لزوم توجه بیشـتر بـه کاربرد سیاست‌های ارزی در بخش کشاورزی را نمایان می‌کند.

۴-۳-۴-۵ نتیجه‌گیری و پیشنهادهای شیر

شیر به عنوان حلقهٔ میانی زنجیرهٔ ارتباطی بخش کشاورزی و صنعت و مادهٔ اولیـهٔ محصولات متنوع صنایع تبدیلی و سهم زیاد آن در سبد تغذیهٔ خـانوار از مهـم‌تـرین محصولات بخش کشاورزی است که سیاست‌های حمایتی مختلفی از بخش تولیـد و مصرف آن صورت می‌پذیرد. در این پژوهش مقادیر کمّـی ایـن حمایـت‌هـا براسـاس شاخص‌های MPS، PSE و CSE طی دورهٔ ۸۹-۱۳۶۰ محاسبه شده است که نتایج بیانگر وجـود رونـد افزایشـی و نوسـانی در حمایـت‌هـای قیمتـی و کـل حمایـت از تولیدکنندگان و روند کاهشی در حمایت از مصرف‌کنندگان شیر به قیمت ثابت سال ۱۳۸۴ بوده اسـت. همچنـین در مجمـوع حمایـت‌هـای بودجـه‌ای و قیمتـی، سـهم حمایت‌های بودجه‌ای در کل حمایت از تولیدکنندگان در همهٔ سال‌های بررسی کمتر بوده است و در بین حمایت‌های بودجه‌ای نیز یارانهٔ سوخت و یارانهٔ نهاده‌های تولیـد حدود ۹۵ درصد از کل حمایت‌های بودجه‌ای از تولیدکنندگان را دربرداشـته اسـت. اجرای سیاست‌های ارزی موجب شد با بیش‌برآورد ارزش ریـال، دامپـروران حمایـت شوند، به طوری که در دورهٔ جنگ و برنامهٔ سوم توسعه با اجرای سیاست‌هـای ارزی،

تولیدکنندگان به ترتیب ۱۵ و ۲/۲ درصد بیشتر از آنچه در بازار رقابتی، بدون اجرای سیاست‌های ارزی، دریافت می‌کردند، حمایت شدند. در پیش‌بینی برنامهٔ پنجم نیز همانند برنامهٔ چهارم، سیاست‌های ارزی تقویت‌کنندهٔ سیاست‌های بخش دامپروری نیست و اثرمستقیم نیز در این برنامه منفی است، یعنی سیاست‌های بخشی و ارزی در این برنامه اثربخشی حمایتی ندارد. شاخص حمایت بازاری هم عدم حمایت از تولیدکنندگان در بازار داخلی نسبت به بازار جهانی را نشان می‌دهد، به طوری که سیاست‌های ارزی و بخشی به زیان تولیدکنندگان شیر خواهد بود.

مقادیر اثرمستقیم حمایت از مصرف‌کنندگان شیر از میانگین ۴۱ درصد در دورهٔ جنگ به ۵۴ درصد در برنامهٔ چهارم توسعه رسیده است که تغییر اندکی را بین این دو دوره بیان می‌کند. در حالی که در برنامه‌های اول و دوم توسعه حمایت از مصرف‌کنندگان بیشتر از ۷۰ درصد بود. افزون بر این، بررسی اثر سیاست‌های ارزی و انحراف نرخ ارز بر مقادیر حمایت از مصرف‌کنندگان شیر نشان می‌دهد این سیاست‌ها در دورهٔ جنگ و همچنین برنامه‌های دوم و سوم توسعه که انحراف نرخ ارز مثبت بوده بر شاخص‌های حمایت از مصرف‌کنندگان اثر منفی داشته است، در حالی که در دیگر برنامه‌های توسعه، این سیاست‌ها موجب افزایش حمایت از مصرف‌کنندگان شیر شده است، یعنی اثر غیرمستقیم تقویت‌کنندهٔ اثر مستقیم بوده است.

متوسط شاخص‌های حمایت قیمتی، حمایت از تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان در دورهٔ اجرای سیاست‌های ارزی در کشور، در جدول (۷-۳-۴-۵) آمده است.

جدول ۷-۳-۴-۵) بررسی حمایت از تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان شیر در دوره‌های ارزی

دوره	درصد انحراف نرخ ارز	%MPS			%PSE			%CSE	
		اثر مستقیم	اثر غیرمستقیم	اثر کل	اثر مستقیم	اثر غیرمستقیم	اثر کل	اثر مستقیم	اثر غیرمستقیم	اثر کل
۱۳۶۰-۱۳۷۰	۳۰/۶۶	-۴۸/۶۱	۱۴/۹۲	-۳۳/۷۰	-۳۳/۸۴	۱۲/۲۱	-۲۱/۶۳	۵۰/۱۵	-۱۴/۵۱	۳۵/۶۴
۱۳۷۱-۱۳۸۰	-۹/۳۰	-۶۶/۷۶	-۲/۸۹	-۶۹/۶۵	-۵۷/۸۸	-۲/۳۲	-۶۰/۲۰	۷۰/۵۰	۲/۶۰	۷۳/۱۰
۱۳۸۱-۱۳۸۹	-۴/۹۴	-۴۵/۶۴	-۳/۰۵	-۴۸/۶۹	-۳۸/۹۰	-۱/۶۳	-۴۰/۵۳	۵۶/۶۶	۲/۳۲	۵۸/۹۸

منبع: یافته‌های پژوهش

براساس شاخص‌های درصدی حمایت از تولیدکنندگان شیر در همهٔ دوره‌های ارزی، سیاست‌های بخشی در مقایسه با سیاست‌های ارزی در کل حمایت‌ها تأثیر بیشتری داشته است، زیرا قدرمطلق اثر مستقیم همواره بیشتر از اثر غیرمستقیم بوده است. در دهۀ ۱۳۶۰ به دلیل به‌کارگیری سیاست تثبیت نرخ ارز، انحراف از نرخ تعادلی به شدت افزایش یافت و با بیش‌برآورد ارزش ریال از تولیدکنندگان حمایت شد، اما در این دوره آثار منفی سیاست‌های بخشی از جمله کم نگه داشتن قیمت داخلی در مقایسه با قیمت جهانی تا حدی زیاد بود که اثر سیاست ارزی را خنثی و در مجموع حمایت کل از تولیدکننده را منفی کرد. در دهۀ ۱۳۷۰ با برقراری سیاست ارزی چند نرخی، میانگین اثرغیرمستقیم شاخص‌های حمایت از تولیدکنندگان منفی شد. سیاست‌های بخشی نیز به دلیل کاهش تصدی دولت در بازار نهاده‌ها و افزایش قیمت داخلی غلات موجود در جیرۀ دام در مقایسه با قیمت-های جهانی آن، حمایت از تولیدکنندگان را کاهش داد. در دورۀ سوم سیاست‌های ارزی با برقراری نرخ ارز شناور مدیریت‌شده انحراف نرخ ارز کاهش پیدا کرد. این کم-برآورد ارزش ریال، با حمایت نکردن از تولیدکننده، اثر منفی سیاست‌های بخشی را تقویت کرد. در این دوره اثرغیرمستقیم متناسب با انحراف نرخ ارز نبود. شایان ذکر است، در این دوره با وجود بهبود سیاست‌گذاری در بخش دامپروری و اجرای سیاست قیمتی سقف و کف، حمایت از تولیدکنندگان همچنان منفی بود. برای

مصرف‌کنندگان سیاست‌های بخشی و ارزی در دو دهۀ اخیر، تقویت‌کنندۀ یکدیگر و حمایت‌کنندۀ مصرف‌کنندگان شیر بود، به طوری که در پی اجرای سیاست‌های ارزی ۲ درصد از هزینۀ مصرف‌کنندگان کاهش پیدا کرد.

به طور کلی شاخص‌های حمایت از شیر روند پرنوسانی را در پی اجرای سیاست‌های ارزی و بخشی نشان می‌دهند که به افزایش ریسک در طول زمان منجر می‌شود. در سال‌های نخست که سیاست‌های بخشی حمایت‌کننده نبوده، سیاست‌های ارزی نیز جبران‌کنندۀ کمبود حمایت نبوده و در دو دورۀ آخر، سیاست‌های ارزی تقویت‌کنندۀ اثر منفی سیاست‌های بخشی به زیان تولیدکنندگان بوده است. در مورد شیر، حمایت قیمتی منفی برآمده از سیاست‌های قیمتی در بیشتر سال‌ها عامل مهم حمایت نشدن دامپروران بوده است. افزایش قیمت داخلی در بازار نهاده‌ها در برنامه‌های دوم تا چهارم بر حمایت‌های بودجه‌ای اثر منفی داشته است، اما پرداخت تسهیلات بانکی، یارانه‌های بیمه و واکسن و دارو بر حمایت از تولیدکنندگان افزوده است که اثر آن بر افزایش تولید کشور مشاهده می‌شود. اجرای سیاست‌های باثبات، همسو و حمایت‌کنندۀ بخشی و ارزی، می‌تواند به افزایش رقابت‌پذیری تولیدکنندگان شیر و رونق صنایع کمک کند. به عبارت دیگر، چگونگی ترکیب سیاست‌های ارزی و بخشی که برایند آن حمایت‌کنندۀ دامپروران باشد، از اهمیت زیادی برخوردار است.

براساس نتایج، اجرای سیاست‌های باثبات و بلندمدت برای پیشگیری از نوسان‌های قیمت محصول، نهاده‌ها و نرخ ارز و حمایت‌های بودجه‌ای توصیه می‌شود. با توجه به افزایش سهم حمایت‌های بودجه‌ای از کل حمایت‌ها در دو برنامۀ اخیر که حمایت‌کننده‌تر از دیگر سال‌ها بوده‌اند، تأکید بر تنوع سیاستی بودجه‌ای، افزون بر کاهش دخالت مستقیم دولت در بازار محصول و رقابتی شدن آن، موجب حفظ انگیزۀ دامپروران برای تولید و تأمین نیاز مصرف داخلی می‌شود و در نهایت امکان

رقابت در بازارهای جهانی را فراهم می‌آورد. از این رو، تنوع‌بخشی به حمایت‌های بودجه‌ای مانند به‌کارگیری پرداخت‌های مستقیم و حمایت بیشتر از بیمهٔ درآمدی نیز می‌تواند مناسب باشد. تنظیم سیاست‌های ارزی و بخشی به گونه‌ای که همسو و تقویت‌کنندهٔ یکدیگر باشند، به هم‌افزایی می‌انجامد و با افزایش مزیت رقابتی، به رقابت‌پذیری جهانی تولیدکنندگان داخلی کمک می‌کند. به طوری که بهبود شاخص‌های حمایت از تولیدکنندگان در برنامه‌های سوم و چهارم توسعه نشان می‌دهد، اجرای سیاست یکسان‌سازی نرخ ارز که تقویت‌کنندهٔ سیاست‌های بخشی بوده، به همراه ایجاد تنوع در به‌کارگیری سیاست‌های قیمتی و بودجه‌ای موجب حمایت از تولیدکنندگان شیر می‌شود. مقایسهٔ اثر غیرمستقیم در دوره‌های ارزی ایران نشان می‌دهد، به دلیل بی‌توجهی به قیمت‌های جهانی در تعیین قیمت‌های تضمینی، سقف و کف، سیاست‌های ارزی بر حمایت از تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان تأثیر اندکی دارد. با توجه به نتایج برآورد نرخ ارز در فصل سوم، افزایش درآمدهای نفتی موجب افزایش ارزش ریال تعادلی می‌شود که در صورت ثبات نرخ حقیقی ارز، رشد درآمدهای نفتی به نفع تولیدکنندگان است. همچنین بهره‌وری اقتصاد به عنوان شاخص پیشرفت فن‌آوری، بر نرخ تعادلی ارز و شاخص حمایت‌ها چنین اثری دارد که دولت با مدیریت این دو عامل می‌تواند حمایت از دامپروران را افزایش دهد. در نهایت انتظار می‌رود، ترکیب سیاست‌های پولی، مالی، ارزی و بخشی به گونه‌ای باشد که برایند آن، حمایت‌کنندهٔ دامپروران باشد.

٤-٤-٥ گوشت گاو

گوشت گاو، از محصولات زیربخش دامپروری است که با توجه به ارزش غذایی آن در تأمین پروتئین، بیشتر از ۳/۸ درصد هزینه‌های کل و ۱۵/۴ درصد از هزینه‌های خوراکی و آشامیدنی خانوار ایرانی را در سال ۱۳۸۹ تشکیل می‌داد(نتایج بررسی بودجهٔ خانوار شهری بانک مرکزی، ۱۳۹۰). مصرف گوشت گاو در دههٔ ۱۳۸۰ در پی تبلیغات با هدف فرهنگ‌سازی مصرف گوشت سفید به دلیل کلسترول کمتر نسبت به گوشت قرمز و افزایش قیمت گوشت قرمز کاهشی بوده است، به طوری که از ۶۷ کیلوگرم در سال ۱۳۸۰ به ۴۷ کیلوگرم در سال ۱۳۸۹ برای خانوار[1] رسیده است. با توجه به اهمیت گوشت گاو در سلامت جامعه، سهم آن در سبد خوراکی خانوار و افزایش قیمت آن، بررسی حمایت از تولید و مصرف این محصول، به برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری کمک می‌کند.

در جدول (۱-۴-۴-۵) وضعیت تولید، عملکرد و تجارت گوشت گاو در ایران آمده است. با توجه به جدول، مشاهده می‌شود تعداد گاو پرواری پرورش‌یافته در برنامه‌های توسعه، روند افزایشی داشته است. به‌ویژه در برنامهٔ دوم توسعه در پی اجرای سیاست‌های قیمتی به شکل تعیین قیمت‌های سقف و کف توسط شورای اقتصاد تولید گوشت گاو نیز مانند تعداد رأس گوسالهٔ پرورش یافته، روند افزایشی داشت و از ۲۰۲ هزارتن در ابتدای برنامهٔ اول توسعه به ۳۹۲ هزار تن در سال ۱۳۸۹ رسید. عملکرد تولید، یعنی مقدار گوشت به دست آمده از هر رأس گاو پرواری، با توجه به نوع نژادهای پرورش‌یافته در ایران در دوره‌های مختلف به طور نسبی ثابت است. براین اساس در برنامهٔ اول توسعه عملکرد تولید گوشت افزایشی بود؛ در برنامهٔ دوم ۱۲۵ و در برنامه‌های سوم و چهارم به ۱۳۵ کیلوگرم رسید. افزون بر عملکرد

[1]- در گزارش بررسی بودجهٔ خانوار سال ۱۳۸۹، میانگین بعد خانوار ۳/۷ نفر محاسبه شده است.

بیشتر، ممکن است دلیل تغییر نوع نژاد مقاومت آن در مقابل بیماری‌ها و سازگاری با شرایط باشد.

جدول ۱-۴-۴-۵) وضعیت تولید، عملکرد و تجارت گوشت گاو ایران

سال	تعداد گاو (میلیون رأس)	سهم از تعداد گاو جهان (درصد)	عملکرد (کیلوگرم در هر رأس)	نسبت عملکرد ایران به جهان	تولید گوشت گاو (هزار تن)	سهم از تولید جهان (درصد)	واردات گوشت گاو (هزار تن)	سهم از واردات (درصد)	ارزش واردات گوشت گاو (میلیون دلار)	سهم از ارزش واردات (درصد)
۱۳۶۸	۲/۰۲	۰/۸۱	۱۰۰	۰/۴۸	۲۰۲	۰/۳۹	۶۹	۱/۳۱	۱۸۹	۱/۰۷
۱۳۶۹	۲/۰۰	۰/۷۹	۱۰۵	۰/۵۰	۲۱۰	۰/۴۰	۱۲۵	۲/۲۱	۳۶۵	۱/۸۰
۱۳۷۰	۱/۹۸	۰/۷۷	۱۱۰	۰/۵۳	۲۱۸	۰/۴۱	۶۵	۱/۰۸	۱۷۷	۰/۸۱
۱۳۷۱	۱/۹۸	۰/۷۸	۱۱۵	۰/۵۵	۲۲۷	۰/۴۳	۵۰	۰/۷۵	۱۴۳	۰/۵۷
۱۳۷۲	۱/۹۷	۰/۷۷	۱۲۰	۰/۵۹	۲۳۶	۰/۴۵	۸۰	۱/۲۳	۲۲۴	۱/۰۴
۱۳۷۳	۲/۰۵	۰/۷۹	۱۲۰	۰/۵۹	۲۴۶	۰/۴۶	۶۱	۰/۸۹	۱۶۷	۰/۷۷
۱۳۷۴	۲/۰۴	۰/۷۷	۱۲۵	۰/۶۱	۲۵۵	۰/۴۷	۴۴	۰/۶۷	۱۳۰	۰/۵۵
۱۳۷۵	۲/۴۵	۰/۹۳	۱۲۶	۰/۶۱	۳۰۸	۰/۵۷	۶۸	۱/۰۳	۱۶۸	۱/۰۶
۱۳۷۶	۲/۵۳	۰/۹۳	۱۲۵	۰/۶۲	۳۱۷	۰/۵۸	۷۶	۱/۰۵	۱۸۶	۰/۷۶
۱۳۷۷	۲/۵۹	۰/۹۵	۱۲۵	۰/۶۲	۳۲۴	۰/۵۹	۷۱	۱/۰۱	۱۸۹	۰/۷۴
۱۳۷۸	۲/۲۸	۰/۸۳	۱۲۵	۰/۶۱	۲۸۶	۰/۵۱	۴۱	۰/۵۴	۹۸	۰/۴۳
۱۳۷۹	۲/۰۶	۰/۷۵	۱۳۰	۰/۶۴	۲۶۹	۰/۴۸	۱۰	۰/۱۳	۲۲	۰/۰۹
۱۳۸۰	۲/۰۸	۰/۷۷	۱۳۲	۰/۶۴	۲۷۴	۰/۵۰	۵۹	۰/۸۰	۱۲۳	۰/۶۱
۱۳۸۱	۲/۱۱	۰/۷۶	۱۳۵	۰/۶۵	۲۸۴	۰/۵۰	۱۳	۰/۱۶	۳۰	۰/۱۰
۱۳۸۲	۲/۳۳	۰/۸۲	۱۳۵	۰/۶۶	۳۱۴	۰/۵۵	۵۵	۰/۶۶	۱۶۲	۰/۳۵
۱۳۸۳	۲/۵۰	۰/۸۷	۱۳۵	۰/۶۶	۳۳۷	۰/۵۸	۸۲	۰/۹۷	۲۵۲	۰/۵۱
۱۳۸۴	۲/۵۴	۰/۸۸	۱۳۵	۰/۶۵	۳۴۳	۰/۵۷	۴۴	۰/۴۹	۱۴۲	۰/۲۶
۱۳۸۵	۲/۶۴	۰/۸۹	۱۳۵	۰/۶۵	۳۵۶	۰/۵۸	۵۱	۰/۵۵	۱۸۴	۰/۳۴
۱۳۸۶	۲/۷۶	۰/۹۲	۱۳۵	۰/۶۴	۳۷۲	۰/۵۹	۱۲۰	۱/۲۲	۴۶۰	۰/۸۰
۱۳۸۷	۲/۷۶	۰/۹۲	۱۳۵	۰/۶۴	۳۷۳	۰/۵۹	۹۳	۰/۹۹	۴۱۶	۰/۶۹
۱۳۸۸	۲/۸۷	۰/۹۴	۱۳۵	۰/۶۴	۳۸۷	۰/۶۰	۱۴۵	۱/۵۰	۶۰۲	۱/۳۵
۱۳۸۹	۲/۹۰	۰/۹۵	۱۳۵	۰/۶۴	۳۹۲	۰/۶۱	۳۰۳	۳/۰۷	۱۲۱۹	۲/۶۰

منبع: آمارنامه‌های گمرک جمهوری اسلامی ایران و سایت سازمان خواربار و کشاورزی جهانی ملل متحد(http://fao.org)

همانطور که در نمودار (۱-۴-۴-۵) مشاهده می‌شود سهم ایران از تعداد گاو پرواری و تولید گوشت گاو جهان تغییری نداشته و تنها جهش آن در برنامهٔ دوم توسعه در پی اجرای سیاست‌های تعدیل اقتصادی و کاهش تصدی دولت در بازار

محصولات دامی بوده است. بیشتر بودن سهم تعداد گاو پرواری از سهم تولیدگوشت، نشان‌دهندهٔ عملکرد کمتر ایران نسبت به میانگین جهانی است. به طوری که در سال‌های ۸۹-۱۳۶۸ میانگین نسبت عملکرد ایران به کشورهای دیگر ۰/۶ بوده است.

براساس آمار گمرک ایران، صادرات گوشت گاو، در بعضی سال‌ها اندک بوده است، اما واردات آن در دورهٔ ۸۹-۱۳۶۰ صورت پذیرفته است. بنابراین در جدول (۱-۴-۴-۵) چگونگی تغییرات واردات گوشت گاو بررسی شده است. واردات این محصول همیشه با نوسان روبه‌رو بوده و مقدار وابستگی مصرف گوشت گاو در ایران را به طور واضح نشان نمی‌دهد، در سال‌هایی که واردات کمتر بوده واردات گوشت گاو ۱۵ درصد و در سال‌هایی که بیشتر بوده ۳۵ درصد از تولید داخلی محصول را در برگرفته است. در دههٔ ۱۳۸۰ با افزایش قیمت گوشت گاو در پی کاهش دخالت دولت در بازار نهاده‌ها و محصولات دامی، واردات گوشت گاو کشور با وجود افزایش تولید، روند افزایشی پیدا کرد و از ۵۹ هزار تن در سال ۱۳۸۰ به ۳۰۳ هزار تن در سال ۱۳۸۹ رسید که علت آن کنترل قیمت بازار داخلی است. شایان ذکر است کمترین مقدار واردات در سال‌های ۱۳۷۹ و ۱۳۸۱ همزمان با اصلاح سیاست‌های ارزی به منظور یکسان‌سازی نرخ ارز به ترتیب برابر ۱۰ و ۱۳ هزار تن بود. ارزش واردات گوشت گاو نیز با نوسان زیادی روبه‌رو بود. در سال ۱۳۸۹ به دلیل مقدار زیاد واردات، هزینهٔ واردات گوشت گاو به ۱۲۱۹ میلیون دلار و سهم ایران از ارزش واردات جهانی به ۲/۶ درصد افزایش پیدا کرد. در حالی که میانگین سهم ایران از ارزش واردات جهانی این محصول حدود ۰/۸ درصد بود. براساس نمودار (۱-۴-۴-۵) سهم ایران از مقدار واردات گوشت گاو جهان نیز هماهنگ با مقدار واردات نوسان زیادی داشته است که نشان می‌دهد قیمت وارداتی ایران تفاوت زیادی با میانگین قیمت جهانی ندارد و به معنی رقابتی بودن بازار جهانی این محصول است.

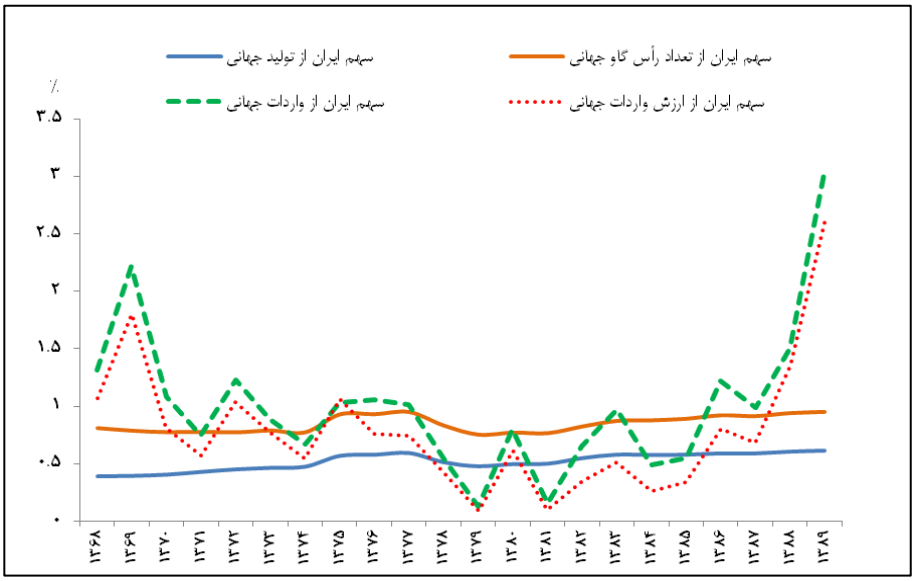

نمودار ۱-۴-۴-۵) سهم ایران از تولید، تعداد گاو پروراری، واردات و ارزش واردات جهانی گوشت گاو طی دورهٔ ۸۹-۱۳۶۸

با توجه به سهم ۳۱ درصدی زیربخش دامپروری در ارزش افزوده بخش کشاورزی براساس آمار بانک مرکزی ایران و نقش گوشت گاو در سبد مصرف خانوار، سیاست‌های حمایتی مختلفی به منظور افزایش تولید این محصول اجرا شده است. در دورهٔ جنگ دخالت دولت در بازار محصولات دامی بیشتر بود، به طوری که در بعضی موارد به طورمستقیم محصول را از تولیدکنندگان خریداری و با قیمت دولتی بین مردم توزیع می‌کرد. در برنامهٔ اول توسعه با اجرای سیاست‌های آزادسازی، دخالت دولت در زمینهٔ تولید و بازار این محصول کاهش یافت. از سال ۱۳۷۲ با اصلاح قانون خرید تضمینی از تولید این محصول حمایت شد و پس از آن در بعضی دوره‌ها نیز سیاست‌های قیمتی تعیین قیمت سقف و کف اجرا شد. در همهٔ سال‌ها بخش مهمی از نهاده‌های مورد نیاز توسط شرکت پشتیبانی امور دام با قیمتی کمتر از بازار آزاد داخلی و قیمت جهانی بین واحدهای دامپروری توزیع شده است که این

تفاوت قیمت توزیع‌شده با قیمت جهانی به عنوان یارانه در نظر گرفته می‌شود[1]. آمار منتشرنشدهٔ این شرکت نشان می‌دهد، از سال ۱۳۸۰، توزیع نهاده‌های دامی کاهش چشمگیری پیدا کرد که نشان‌دهندهٔ کاهش نقش تصدی‌گری دولت در بازار نهاده‌های دامی است. دولت همچنین با بیمهٔ محصولات کشاورزی و تسهیلات بانکی در دورهٔ مورد بررسی (۱۳۸۹-۱۳۶۰) از گوشت گاو حمایت کرده است. در بیشتر سال‌ها با کنترل قیمت‌ها و یارانهٔ مصرف از مصرف‌کنندگان گوشت گاو نیز حمایت شده است.

در ادامه، نتایج محاسبهٔ شاخص‌های حمایت از تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان گوشت گاو (CSE٪،MPS ٪ ، PSE٪) تجزیه و تحلیل می‌شود. همچنین، اثر سیاست‌های ارزی و انحراف نرخ ارز بر مقادیر حمایت از این محصول طی برنامه‌های اول تا چهارم توسعه بررسی می‌شود. از کارکردهای پژوهش‌های اقتصادی افزون بر تبیین و تحلیل وضیعت‌های گذشته و کنونی، پیش‌بینی آیندهٔ شاخص‌های اقتصادی برای برنامه‌ریزی است. از این رو با فرض ادامهٔ روند رشد تخصیص یارانه‌ها همانند برنامهٔ چهارم و پیش‌بینی قیمت‌ها با استفاده از روش‌های درون‌یابی و میانگین متحرک با روشی که برای محصولات دیگر بیان شد، شاخص‌های حمایت از تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان گوشت گاو در برنامهٔ پنجم پیش‌بینی می‌شود.

---

[1]- بخشی از نهادهٔ تولیدی صنایع دام و طیور توسط شرکت پشتیبانی امور دام توزیع و بخشی در بازار آزاد تأمین می‌شود. تفاوت قیمت داخلی و بازار آزاد در بودجهٔ کشور در نظر گرفته می‌شود. اما تفاوت قیمت جهانی با قیمت بازار داخلی به طور مستقیم محاسبه نمی‌شود. در پژوهش پیش رو، با توجه به هدف محاسبهٔ حمایت کل از تولیدکنندگان، مجموع حمایت بودجه‌ای و حاصل ضرب تفاوت قیمت بازار داخلی با قیمت جهانی در مقدار مصرف نهاده به عنوان حمایت از نهادهٔ تولید در نظر گرفته شده است.

۱-۴-۴-۵ بررسی مقادیر حمایت بازاری از تولیدکنندگان گوشت گاو طی برنامه‌های توسعه

شاخص حمایت از قیمت بازاری(MPS) بیشتر بازتاب‌دهندهٔ سیاست‌های مؤثر بر قیمت و سیاست‌های ارزی است که به شکل ارزش پولی و درصدی محاسبه می‌شود. براساس روش‌شناسی بیان‌شده در فصل سوم این پژوهش این شاخص، نشان‌دهندهٔ انتقال به تولیدکنندگان از مصرف‌کنندگان، مالیاتدهندگان و واردکنندگان است. شاخص درصدی حمایت از قیمت بازاری نسبت تفاوت قیمت دریافتی تولیدکنندگان داخلی را با قیمت جهانی تعدیل شده با نرخ ارز حقیقی یا تعادلی به قیمت جهانی نشان می‌دهد. اگر قیمت جهانی با نرخ ارز حقیقی تعدیل شود، اثر مستقیم و اگر با نرخ ارز تعادلی تعدیل شود، اثر کل محاسبه می‌شود. تفاضل این دو اثر نشان‌دهندهٔ برایند سیاست‌های ارزی است که اثرغیرمستقیم نامیده می‌شود. نتایج محاسبات حمایت از قیمت بازاری، به قیمت‌های ثابت طی برنامه‌های اول تا چهارم توسعه و پیش‌بینی برنامهٔ پنجم برای محصول گوشت گاو در جدول (۲-۴-۴-۵) ارائه شده است.

براساس نتایج انحراف نرخ ارز که از نسبت تفاوت نرخ حقیقی ارز و نرخ تعادلی آن نسبت به نرخ تعادلی ارز محاسبه می‌شود، در دوره‌های مختلف متفاوت بوده است. برای محاسبهٔ نرخ حقیقی ارز، نرخ ارز اسمی(بازاری) در نسبت متوسط موزون شاخص سطح عمومی قیمت‌های مهم‌ترین شرکای تجاری ایران به سطح عمومی قیمت‌های ایران ضرب می‌شود. نرخ تعادلی با استفاده از الگوی اقتصادسنجی تصحیح خطا تابعی از متغیرهای بنیادین اقتصاد شامل رابطهٔ مبادله، قیمت جهانی طلا، درجهٔ باز بودن اقتصاد، درآمد نفتی کشور، بهره‌وری کل اقتصاد، نسبت نرخ بهرهٔ جهانی به نرخ بهره در ایران است که نرخ ارز ایران را در شرایط تعادل بلندمدت اقتصاد نشان می‌دهد.

در دورهٔ جنگ با کاهش درآمد نفتی و همزمان نیاز کشور به ارز، با بیش‌برآورد ارزش ریال نسبت به دلار توسط دولت، انحراف نرخ ارز در سال پایانی جنگ(۱۳۶۷) به ۸۹ درصد افزایش پیدا کرد. در برنامهٔ اول توسعه با کم‌برآورد ارزش ریال نسبت به نرخ تعادلی، انحراف نرخ ارز منفی بود و در سال‌های پایانی این برنامه به دلیل اجرای سیاست‌های آزادسازی اقتصادی مقدار آن افزایش یافت. در سال‌های نخست برنامهٔ دوم انحراف نرخ ارز حقیقی از مقدار تعادلی بلندمدت اقتصاد منفی و در سال‌های بعد مثبت شد. در برنامهٔ سوم توسعه به منظور تشویق صادرات، سیاست بیش‌برآورد ارزش ریال دنبال شد، یعنی نرخ ارز تعادلی کمتر از نرخ حقیقی آن بود. همچنین نرخ ارز سالیانه با شیب ملایمی در حال رشد بود. در برنامهٔ چهارم نیز روند کاهش ارزش پول ملی ادامه داشت، اما رشد نرخ ارز تعادلی بیش از نرخ حقیقی آن بود. بنابراین سیاست‌های ارزی برنامهٔ چهارم موجب کم‌برآورد ارزش ریال شد.

براساس نتایج اثرمستقیم - بر حسب قیمت‌های ثابت سال پایهٔ ۱۳۸۴- حمایت بازاری از تولیدکنندگان گوشت گاو با وجود نوسان در جهت بهبود تغییر کرده است. در دورهٔ جنگ با اجرای سیاست‌های قیمتی ۴۷۳۵ میلیارد ریال به قیمت ثابت سال ۱۳۸۴ از تولیدکنندگان به مصرف‌کنندگان و واردکنندگان انتقال پیدا کرد. در این دوره به دلیل ثبات نسبی قیمت‌های داخلی، حمایت از تولیدکنندگان ایران منفی و مالیات تحمیل‌شده به آنان افزایشی بود. در دههٔ ۱۳۷۰ با رشد چشمگیر قیمت‌های داخلی در پی اجرای سیاست‌های تعدیل اقتصادی، حمایت از تولیدکنندگان بهبود پیدا کرد، اما میانگین حمایت‌های بازاری تا پایان برنامهٔ دوم توسعه نیز منفی بود و تولیدکنندگان گوشت گاو با وجود افزایش قیمت داخلی، ناگزیر از پرداخت مالیات پنهان بودند. در برنامهٔ سوم توسعه با کاهش قیمت جهانی و اجرای سیاست‌های قیمتی سقف و کف، قیمت دریافتی تولیدکنندگان گوشت گاو بیشتر از قیمت مرجع تعدیل‌شده با نرخ حقیقی ارز بود و تولیدکنندگان به طور میانگین ۸۳۸ میلیارد ریال

به قیمت ثابت سال ۱۳۸۴ حمایت شدند. در برنامهٔ چهارم با وجود افزایش قیمت خارجی و کاهش ارزش ریال میانگین حمایت از تولیدکنندگان به ۲۷۰۸ میلیارد ریال به قیمت سال ثابت ۱۳۸۴ افزایش پیدا کرد. اما چنان‌که مشاهده شد در این برنامه واردات نیز روند افزایشی داشته است. از آنجا که براساس آمار منتشرشدهٔ مرکز آمار ایران، قیمت داخلی در همهٔ سال‌های مورد بررسی این پژوهش روندی صعودی داشته است، نوسان شاخص حمایت از قیمت بازاری برآمده از نوسان نرخ ارز، قیمت جهانی و مقادیر تولید و مصرف گوشت گاو است. تغییرات برآمده از نوسان قیمت جهانی بیانگر افزایش ریسک و تأثیرپذیری تولیدکنندگان ایرانی از بازار جهانی، بدون امکان رقابت‌پذیری و بهره‌مندی از فرصت‌ها و منافع آن است.

حمایت قیمتی کل با نرخ ارز تعادلی، در برنامهٔ اول توسعه به دلیل کم‌برآورد شدید ارزش ریال کمترین مقدار را داشته است و دامپروران ۹۶۱۷ میلیارد ریال به قیمت ثابت سال ۱۳۸۴ مالیات پنهان پرداخت کرده‌اند که در برنامهٔ دوم توسعه با کاهش قیمت جهانی روند کاهشی پیدا کرد. در برنامهٔ سوم توسعه، انتقال از مصرف‌کنندگان و واردکنندگان به تولیدکنندگان با نرخ ارز تعادلی به طور میانگین، ۱۵۲۱ میلیارد ریال به قیمت ثابت سال ۱۳۸۴ محاسبه شد. افزایش حمایت از دامپروران در این برنامه، برآمده از کاهش نسبی قیمت‌های جهانی و روند افزایشی قیمت داخلی، همزمان با اجرای شناورسازی نرخ ارز و کاهش دخالت دولت در بازار نهاده‌های دامی، در این دوره است. مقایسهٔ اثرکل و اثرمستقیم نشان می‌دهد با اثرگذاری متغیرهای بلندمدت اقتصاد ایران، در برنامهٔ سوم توسعه از تولیدکنندگان گوشت گاو حمایت بیشتری شده است، در حالی که در برنامه‌های چهارم و پنجم توسعه با کم‌برآورد ارزش ریال اجرای سیاست‌های ارزی به زیان تولیدکنندگان بوده است.

جدول ۲-۴-۴-۵) شاخص‌های حمایت بازاری(MPS) از تولیدکنندگان گوشت گاو

برنامه های توسعه	درصد انحراف نرخ ارز	سال	ارزش اثرمستقیم به قیمت ثابت سال ۱۳۸٤ (میلیارد ریال)	ارزش اثر کل به قیمت ثابت سال ۱۳۸٤ (میلیارد ریال)	%MPS اثر مستقیم	%MPS اثر غیرمستقیم	%MPS اثر کل
دورهٔ جنگی	۲٦/۸۱	۱۳٦۰	-۷۸۸	۹۰۰	-۹/۸۳	۲٤/۰٦	۱٤/۲۳
	۳۸/۹۰	۱۳٦۱	-۲۵۷۳	-۱٤۰	-۲۹/۵۱	۲۷/۲۸	-۲/۲۳
	۳۸/٦۷	۱۳٦۲	-۳٤۷۱	-۱۱۰۹	-٤۰/۸۳	۲۲/۷۷	-۱۸/۰٦
	٤۷/٦۸	۱۳٦۳	-۳۷۸۱	-۱۱۱۳	-٤۵/۵۸	۲۵/۸۰	-۱۹/۷۷
	-۱۳/۱٦	۱۳٦٤	-٤۰۸۱	-۵۳٦۸	-٤۷/۸٤	-٦/۸٤	-۵٤/٦۸
	-۲/۷۱	۱۳٦۵	-۵٤۵۱	-۵۷۰۹	-۵۸/۵۳	-۱/۱۲	-۵۹/٦۵
	۷۵/۷۲	۱۳٦٦	-۹٤۳۲	-٤۰۵٦	-۷۵/۳۸	۱۸/۵۵	-۵٦/۸۳
	۸۹/۸۷	۱۳٦۷	-۸۲۹۹	-۳۱٤۸	-۷۵/۹۸	۲۱/٤٤	-۵٤/۵٤
	۳۷/۷۲	میانگین	-٤۷۳۵	-۲٤٦۸	-٤۷/۹۳	۱٦/٤۹	-۳۱/٤٤
برنامهٔ اول توسعهٔ اقتصادی و اجتماعی	۵۰/٦۲	۱۳٦۸	-٦٤٦۰	-۲٤۲٤	-۵۳/٦۰	۲۳/۳۷	-۳۰/۲٤
	-٤/۳۰	۱۳٦۹	-۸٦٦۰	-۹۳۰۷	-۵۹/۹٦	-۱/۷۲	-٦۱/٦۸
	-۱۰/۸٤	۱۳۷۰	-٤۷۸٤	-٦۲۳٤	-۳۹/۹۲	-٦/٤۹	-٤٦/٤۰
	-٤۷/۰۳	۱۳۷۱	-۲۵٦۰	-۱۲۳۲۱	-۲۳/۱٦	-۳٦/۰۳	-۵۹/۲۰
	-۵۱/٤۱	۱۳۷۲	-۲۱۹۳	-۱۳۹۲۸	-۱۹/٦۷	-٤۱/۱۹	-٦۰/۸٦
	-٤۱/۲۹	۱۳۷۳	-٤٦٤۱	-۱۳٤۸٦	-۳٦/۷۱	-۲٦/۰۵	-٦۲/۷٦
	-۱۷/۳۸	میانگین	-٤۸۸۳	-۹٦۱۷	-۳۸/۸٤	-۱٤/٦۹	-۵۳/۵۲
برنامهٔ دوم توسعهٔ اقتصادی و اجتماعی	-۳۱/۹۷	۱۳۷٤	-۵۳۰۹	-۱۲۰۸۸	-۳٦/٦۹	-۲۰/۲۰	-۵٦/۸۸
	-۱٦/۱۸	۱۳۷۵	-۲٦۲۹	-۵۰۲۵	-۲۱/۰٦	-۱۲/۷۱	-۳۳/۷۷
	-۰/۸۹	۱۳۷٦	-۳۰۱۲	-۳۱۱٦	-۲۵/۸۸	-۰/٦٦	-۲٦/۵۳
	۳۳/۱۵	۱۳۷۷	-٤٤۷۹	-۸۰۹	-۳۰/۲٤	۲۲/۹۸	-۷/۲٦
	۲۹/۱۰	۱۳۷۸	-۳٦۷۵	-۷۷۵	-۲۸/٤٤	۲۰/۷۱	-۷/۷۳
	۲/٦٤	میانگین	-۳۸۲۱	-٤۳٦۲	-۲۸/٤٦	۲/۰۲	-۲٦/٤٤
برنامهٔ سوم توسعهٔ اقتصادی و اجتماعی	۱٦/۹٦	۱۳۷۹	-٦٤۳	٦٤۹	-۷/۱۷	۱۵/٦٤	۸/٤٦
	۱٦/۵٤	۱۳۸۰	۱۹۱	۱۳۱۱	۲/٤۱	۱٦/۸۱	۱۹/۲۲
	۱۲/۹۹	۱۳۸۱	۱۹۱۹	۲۸۳۹	۲۳/۸۱	۱۵/۹۷	۳۹/۷۸
	۳/۸۵	۱۳۸۲	۱٦۷۹	۲۰۵۰	۱٦/٦٤	٤/٤٦	۲۱/۱۰
	-۲/۷۹	۱۳۸۳	۱۰٤٦	۷۵۲	۱۰/۱٤	-۳/۰۵	۷/۰۹
	۹/۵۱	میانگین	۸۳۸	۱۵۲۱	۹/۱٦	۹/۹۷	۱۹/۱۳
برنامهٔ چهارم توسعهٔ اقتصادی و اجتماعی	-٦/۱۸	۱۳۸٤	۹٤٤	۲۸۳	۹/۳٤	-٦/۷۱	۲/٦۳
	-۱۰/۷۰	۱۳۸۵	۱٦۹۱	٤۱۵	۱۵/۷۹	-۱۲/۳۳	۳/٤٦
	-۱۳/۰۹	۱۳۸٦	۳۱۰۰	۱۵۷۰	۳۰/۳۱	-۱٦/۹٦	۱۳/۳۵
	-۷/۷٤	۱۳۸۷	۲۱٦۷	۱۳٤۹	۲۲/۰٦	-۹/۳۹	۱۲/٦۷
	-۳/۳۲	۱۳۸۸	۳۹۲۱	۳٦۲۹	٤۵/۸۹	-٤/۸۲	٤۱/۰۷
	-۱۷/٤۵	۱۳۸۹	٤٤۲۲	۲۸۲۸	۵۸/۱۸	-۲۷/٤۲	۳۰/۷٦
	-۹/۷۵	میانگین	۲۷۰۸	۱٦۷۹	۳۰/۲٦	-۱۲/۹٤	۱۷/۳۲
پیش بینی برنامهٔ پنجم توسعهٔ اقتصادی و اجتماعی	-۱۹/۲۲	۱۳۹۰	۳۹۳۰	۲۳۰۸	۵۷/۰٤	-۲۹/۹۳	۲۷/۱۱
	-۲۱/۱٤	۱۳۹۱	۱۵۸۸	-۸٤۱	۱۷/۳۹	-۲٤/٦۷	-۷/۲۸
	-۲۳/۰۷	۱۳۹۲	۹٦۹	-۱۹۳۵	۹/۹٤	-۲۵/۲۳	-۱۵/۲۹
	-۲٤/۹۸	۱۳۹۳	۲۷۷	-۳۱۸۱	۲/٦۵	-۲۵/۵۲	-۲۲/۸۷
	-۲۲/۰۹	۱۳۹٤	-۱۲۲۱	-٤۵۹۳	-۱۰/۲۱	-۱۹/۷۵	-۲۹/۹٦
	-۲۲/۱۰	میانگین	۱۱۰۹	-۱٦٤۸	۱۵/۳٦	-۲۵/۰۲	-۹/٦٦

منبع: یافته‌های پژوهش

حمایت درصدی از قیمت بازاری (MPS٪) بر مبنای نرخ ارز حقیقی (اثر مستقیم) در دورهٔ جنگ به دلیل ثبات نسبی قیمت‌های داخلی کاهشی بود و در این سال‌ها تولیدکنندگان ایرانی نسبت به رقبای جهانی ۴۸ درصد کمتر دریافت کردند که نشان می‌دهد سیاست‌های قیمتی، دامپروران ایران را نسبت به قیمت پیش روی رقبای جهانی حمایت نکردند. در برنامهٔ اول توسعه حمایت از کشاورزان بهبود پیدا کرد، اما در برنامهٔ دوم توسعه نیز با اجرای سیاست‌های انقباضی برای کاهش تورم برآمده از سیاست‌های تعدیل اقتصادی حمایت از تولیدکنندگان منفی بود. در برنامهٔ سوم توسعه با اجرای سیاست‌های قیمت سقف و کف و شناورسازی نرخ ارز، همزمان با کاهش قیمت جهانی، درآمد تولیدکنندگان ۹ درصد افزایش یافت. این مقدار بیانگر تأثیر اندک سیاست‌ها در این برنامه در مقایسه با برنامهٔ چهارم است که با اجرای سیاست‌های قیمتی، یارانه‌ها ۳۰ درصد بر درآمد تولیدکنندگان افزود. با فروض بیان‌شده برای پیش‌بینی برنامهٔ پنجم، دامپروران با ادامهٔ سیاست‌های ارزی و بخشی به طور میانگین حدود ۱۵ درصد بیشتر از قیمت بازار جهانی دریافت می‌کنند.

بررسی اثرکل حمایت از قیمت بازاری نیز روندی مشابه اثرمستقیم و مقدار ارزشی خود را نشان می‌دهد و تعدیل قیمت جهانی با نرخ ارز تعادلی در برنامه‌های سوم و چهارم توسعه به ترتیب ۱۹ و ۱۷ درصد حمایت از تولیدکنندگان داخلی را بیان می‌کند. یعنی اگر نرخ ارز تعادلی برقرار بود، سیاست‌های بخشی قیمتی و ارزی به گونه‌ای می‌شد که تولیدکنندگان در مقابل رقبای خارجی خود حمایت می‌شدند که این در افزایش قدرت رقابت‌پذیری تولیدکنندگان گوشت گاو ایرانی و تأمین تقاضای داخلی محصول مؤثر است.

اثر غیرمستقیم که تفاضل اثرکل و اثرمستقیم است، نشان می‌دهد سیاست‌های ارزی تا چه اندازه تقویت‌کنندهٔ سیاست‌های بخشی در زمینهٔ قیمت محصول هستند.

در سال‌هایی که نرخ حقیقی ارز بیش از نرخ ارز تعادلی است، حمایت قیمتی از تولیدکنندگان در پی اجرای سیاست ارزی مثبت است و برعکس. یادآوری می‌شود، انحراف نرخ ارز نسبت فاصلهٔ نرخ ارز حقیقی از تعادلی به نرخ ارز تعادلی است که به شکل درصدی بیان می‌شود. براساس جدول (۲-۴-۴-۵) تا سال ۱۳۷۹ اثرغیرمستقیم کمتر از انحراف نرخ ارز است که تأثیرگذاری اندک نرخ ارز را در تعیین قیمت داخلی نشان می‌دهد. در سال‌های جنگ، با وجود بیش برآورد ۳۷ درصدی ارزش ریال، درصد اثرغیرمستقیم به طور میانگین ۶۴ درصد است. از سال ۱۳۷۱ با اجرای سیاست‌های آزادسازی نرخ ارز که انحراف نرخ ارز منفی و ارزش پول ملی کاهش بسیاری پیدا کرد، اثر غیرمستقیم نیز منفی شد. این بدین معنی است که در دورهٔ جنگ، تقویت پول ملی در حمایت قیمتی از تولیدکنندگان گوشت گاو اثر مثبت داشت، اما کاهش ارزش پول ملی کاهندهٔ حمایت بازاری از تولیدکنندگان بود. پس از یک دوره حمایت بازاری منفی از دامپروران در پی اجرای سیاست‌های تعدیل اقتصادی، حمایت از آنان از میانهٔ برنامهٔ دوم توسعه تا پایان برنامهٔ سوم مثبت بود؛ یعنی سیاست‌های ارزی تقویت‌کنندهٔ سیاست‌های بخشی بود. در برنامه‌های سوم و چهارم توسعه با آزادسازی نسبی بازار گوشت گاو، اثرپذیری قیمت داخلی آن از قیمت جهانی و نرخ ارز افزایش یافت که بیشتر بودن اثرغیرمستقیم از انحراف نرخ ارز را در پی داشت. مقایسهٔ مقادیر مطلق اثر غیرمستقیم و اثرمستقیم در MPS٪ نشان می‌دهد، در بیشتر سال‌ها اثرمستقیم بیشتر از اثر غیرمستقیم بوده است که بیانگر نقش مهم‌تر سیاست‌های خاص بخش کشاورزی در چگونگی حمایت از تولیدکنندگان گوشت گاو در مقایسه با سیاست‌های ارزی است، اما از سال ۱۳۷۱ با اجرای سیاست‌های آزادسازی اقتصادی تفاوت سهم آنان کاهش پیدا کرده است که امکان به کارگیری سیاست‌های ترکیبی را افزایش می‌دهد.

۲-۴-۴-۵ بررسی مقادیر حمایت کل از تولیدکنندگان گوشت گـاو طـی برنامه‌های توسعه

براساس آنچه در فصل‌های پیشین بیان شد، حمایت از تولیدکنندگان، حمایت‌های بازاری(MPS) و پرداخت‌های بودجه‌ای(BP) را در برمی‌گیرد که در بخش قبل حمایت‌های بازاری از محصول گوشت گاو تحلیل شد. در این بخش با مرور سیاست‌های بازاری، سیاست‌های حمایتی اجراشده در ایران برای تولید گوشت گاو طی سه دهۀ ۸۹-۱۳۶۰ به طور خلاصه معرفی می‌شود:

۱- کنترل مقدار تولید محصولات از راه کنترل صدور مجوزها و پروانه‌های تولید؛
۲- تثبیت قیمت از راه کنترل عرضه و تقاضای محصول؛
۳- تعیین تعرفه‌های وارداتی و دریافت مابه‌التفاوت از واردات؛
۴- اجرای سیاست‌های قیمتی مانند قیمت‌های هدف، کف و سقف؛
۵- پرداخت یارانه‌های مصرفی؛
۶- پرداخت یارانه به نهاده‌های تولید (یارانه پرداختی به دارو و درمان، سوخت و خوراک دام)؛
۷- اعطای تسهیلات بانکی ارزان قیمت و...
۸- پوشش بیمه‌ای و پرداخت بخشی از حق بیمه.

افزون بر این سیاست‌ها، دولت با تأثیرگذاری بر بازاررسانی محصول، پرداخت یارانه‌های حمل‌ونقل، وضع مقررات بهداشتی، درجه‌بندی، بازرسی و کنترل کیفیت، ایجاد تسهیلات سردخانه و نگهداری به حمایت از بخش دامپروری می‌پردازد.یارانه‌های تولیدی که در این بخش یارانه‌های بودجه‌ای نامیده می‌شود، با کاهش هزینۀ تولید دامپروران از آنان حمایت می‌کند. این پرداخت‌ها کمتر به شکل پرداخت مستقیم یارانه است و به طور معمول به شکل سیاست‌های قیمتی در بازار

نهاده و توزیع نهادهٔ ارزان‌قیمت است. از این رو بخش عمدهٔ حمایت بودجه‌ای از تولیدکنندگان ایرانی را حمایت‌های قیمتی در بازار نهاده در برمی‌گیرد که نرخ ارز در آن نقش چشمگیری دارد. یارانهٔ پرداختی به نهاده‌های مهم خوراک دام که برای گوشت گاو شامل جو، پنبه‌دانه و سبوس است براساس تفاوت قیمت داخلی و خارجی، مقدار مصرف نهاده برای محصول و سطح تولید با رابطهٔ زیر محاسبه می‌شود:

$$(p_w - p_d)\times Q\times A$$

که در آن p_d و p_w به ترتیب قیمت داخلی و قیمت خارجی تعدیل‌شده با نرخ ارز حقیقی یا تعادلی با افزودن هزینهٔ حمل و نقل نهاده‌ها، Q مقدار مصرف نهاده در هر کیلوگرم محصول بر حسب کیلوگرم و A تولید محصول بر حسب کیلوگرم است. یارانهٔ انرژی نیز براساس رابطهٔ بالا محاسبه می‌شود. اطلاعات مقدار مصرف انرژی بر حسب برق و گاز و نهاده‌های خوراک دام و ترکیب جیره از محاسبات کشوری معاونت دام و طیور وزارت جهاد کشاورزی استخراج شده است. تسهیلات اعطایی بانک‌ها نیز تا پیش از سال ۱۳۸۴ و یکسان‌سازی نرخ سود تسهیلات بخش‌های مختلف اقتصاد، به صورت تسهیلات ارزان‌قیمت به دامپروران پرداخت می‌شد که در محاسبات از تفاوت نرخ سود بخش کشاورزی و میانگین وزنی نرخ سود دیگر بخش‌های اقتصادی استفاده شده است.

نتایج محاسبهٔ این پرداخت‌ها با توجه به آنچه در بخش‌های قبل بیان شد، در جدول (۳-۴-۴-۵) آمده است. براساس آن با توجه به کاهش حمایت از مصرف‌کنندگان غلات که بخش مهمی از نهاده‌های خوراک دام را در بر دارد، حمایت‌های بودجه‌ای در قیمت‌های ثابت سال ۱۳۸۴ از ۲۳۸۶ میلیارد ریال در دورهٔ جنگ، به ۳۰۵ میلیارد ریال در برنامهٔ چهارم کاهش پیدا کرده است. در دههٔ ۱۳۸۰

با کاهش تصدی‌گری دولت در بازار نهاده‌ها و حمایت منفی از تولیدکنندگان گوشت گاو به دلیل افزایش قیمت نهاده‌های خوراک دام، حمایت بودجه‌ای از نهاده‌های خوراک دام در برنامهٔ چهارم توسعه منفی بود. پیش‌بینی می‌شود در برنامهٔ پنجم توسعه، با وجود اجرای قانون هدفمندی یارانه‌ها، ۲۳۰۶ میلیارد ریال به قیمت ثابت سال ۱۳۸۴ از تولیدکنندگان گوشت گاو حمایت بودجه‌ای شود. نهاده‌های خوراک دام و انرژی بیشترین سهم حمایت‌های بودجه‌ای را در برمی‌گیرند. تا سال ۱۳۸۱ سهم حمایت‌های مبتنی بر خوراک دام بیشتر از انرژی بود. از این سال با اجرای سیاست یکسان‌سازی نرخ ارز و افزایش تفاوت قیمت داخلی و جهانی سوخت سهم انرژی در حمایت بودجه‌ای از کشاورزان رشد چشمگیری پیدا کرد. اما در برنامهٔ چهارم با افزایش قیمت داخلی محصولات کشاورزی موجود در جیرهٔ دام سهم اثر منفی حمایت از خوراک دام افزایش یافت. پیش‌بینی می‌شود در برنامهٔ پنجم توسعه با اجرای قانون هدفمندی یارانه‌ها و تعدیل قیمت انرژی، سهم حمایت‌های انواع خوراک دام بیشتر از انرژی باشد.

حمایت به شکل تسهیلات بانکی تا پیش از اجرای سیاست‌های تعدیل اقتصادی در سال ۱۳۷۲ رشد فزاینده داشت، به طوری که میانگین آن از ۴۸ میلیارد ریال در دورهٔ جنگ به ۱۴۵ میلیارد ریال به قیمت ثابت سال ۱۳۸۴ در برنامهٔ اول توسعه افزایش پیدا کرد. این روند از سال ۱۳۷۲ با نوسان همراه بود، اما در برنامهٔ سوم توسعه در مقایسه با برنامهٔ دوم افزایش یافت

جدول ۳-۴-۴-۵) حمایت بودجه‌ای از تولیدکنندگان گوشت گاو در نرخ حقیقی ارز (میلیارد ریال- ثابت سال ۱۳۸۴)

برنامه های توسعه	سال	نهاده های خوراک دام واکسن و دارو	انرژی	بیمه	تسهیلات بانکی	کل حمایت بودجه ای	سهم نهاده های خوراک دام(٪)	سهم انرژی(٪)
دورهٔ جنگ	۱۳۶۰	۲۹۳۶/۲۵	۱۹۰/۸۷	۰/۰۰	۳۳/۶۸	۳۱۶۰/۸۱	۹۲/۹۰	۶/۰۴
	۱۳۶۱	۱۶۴۶/۸۹	۲۱۴/۲۳	۰/۰۰	۲۳/۸۰	۱۸۸۴/۹۳	۸۷/۳۷	۱۱/۳۷
	۱۳۶۲	۲۴۰۲/۱۳	۲۱۹/۷۶	۰/۰۰	۲۴/۹۳	۲۶۴۶/۸۱	۹۰/۷۶	۸/۳۰
	۱۳۶۳	۳۴۳۷/۷۶	۲۵۱/۱۲	۰/۰۰	۵۰/۰۲	۳۷۳۸/۸۹	۹۱/۹۵	۶/۷۲
	۱۳۶۴	۱۷۵۴/۵۳	۲۶۱/۰۳	۰/۰۰	۵۳/۰۰	۲۰۶۸/۵۶	۸۴/۸۲	۱۲/۶۲
	۱۳۶۵	۱۷۵۹/۷۱	۳۲۳/۹۱	۰/۰۰	۵۹/۰۱	۲۱۴۲/۶۳	۸۲/۱۳	۱۵/۱۲
	۱۳۶۶	۱۰۵۵/۸۹	۳۸۳/۴۸	۰/۰۰	۶۵/۵۱	۱۵۰۴/۸۸	۷۰/۱۶	۲۵/۴۸
	۱۳۶۷	۱۵۳۶/۴۳	۳۲۴/۸۲	۰/۰۰	۷۸/۹۳	۱۹۴۰/۱۸	۷۹/۱۹	۱۶/۷۴
	میانگین	۲۰۶۶/۲۰	۲۷۱/۱۵	۰/۰۰	۴۸/۶۱	۲۳۸۵/۹۶	۸۴/۹۱	۱۲/۸۰
برنامهٔ اول توسعهٔ اقتصادی و اجتماعی	۱۳۶۸	۳۴۹۹/۲۹	۳۹۹/۸۵	۰/۰۰	۱۲۵/۶۴	۴۰۲۴/۷۸	۸۶/۹۴	۹/۹۳
	۱۳۶۹	۴۴۲۸/۷۹	۵۹۳/۹۲	۰/۰۰	۱۹۶/۴۱	۵۲۱۹/۱۲	۸۴/۸۶	۱۱/۳۸
	۱۳۷۰	۳۰۰۳/۲۰	۴۲۶/۱۸	۰/۰۰	۲۰۵/۴۴	۳۶۳۴/۸۲	۸۲/۶۲	۱۱/۷۲
	۱۳۷۱	۲۲۴۸/۵۵	۳۶۰/۸۸	۰/۰۰	۱۶۴/۱۹	۲۷۷۳/۶۲	۸۱/۰۷	۱۳/۰۱
	۱۳۷۲	۱۳۷۲/۶۵	۳۱۸/۲۹	۰/۰۰	۹۳/۳۹	۱۷۸۴/۳۳	۷۶/۹۳	۱۷/۸۴
	۱۳۷۳	۱۵۱۵/۴۰	۴۱۹/۲۳	۰/۰۰	۸۵/۵۰	۲۰۲۰/۱۳	۷۵/۰۲	۲۰/۷۵
	میانگین	۲۶۷۷/۹۸	۴۱۹/۷۲	۰/۰۰	۱۴۵/۱۰	۳۲۴۲/۸۰	۸۱/۲۴	۱۴/۱۱
برنامهٔ دوم توسعهٔ اقتصادی و اجتماعی	۱۳۷۴	۲۱۵۳/۳۰	۴۴۴/۰۳	۰/۰۰	۶۴/۷۶	۲۶۶۲/۱۰	۸۰/۸۹	۱۶/۶۸
	۱۳۷۵	۲۸۸۸/۶۶	۵۲۱/۴۶	۰/۰۰	۹۰/۷۹	۳۵۰۰/۹۲	۸۲/۵۱	۱۴/۹۰
	۱۳۷۶	۲۲۹۹/۳۴	۴۲۸/۷۷	۰/۰۰	۶۷/۹۹	۲۷۹۶/۱۰	۸۲/۲۳	۱۵/۳۳
	۱۳۷۷	۲۴۷۳/۳۹	۳۷۷/۴۸	۰/۰۰	۷۳/۸۲	۲۹۲۴/۶۹	۸۴/۵۷	۱۲/۹۱
	۱۳۷۸	۱۴۲۱/۳۲	۶۰۳/۱۰	۰/۰۰	۷۵/۸۱	۲۱۰۰/۲۳	۶۷/۶۷	۲۸/۷۲
	میانگین	۲۲۴۷/۲۰	۴۷۴/۹۷	۰/۰۰	۷۴/۶۴	۲۷۹۶/۸۱	۷۹/۵۸	۱۷/۷۱
برنامهٔ سوم توسعهٔ اقتصادی و اجتماعی	۱۳۷۹	۹۲۱/۳۳	۵۸۱/۱۳	۰/۰۰	۵۹/۰۰	۱۵۶۱/۴۶	۵۹/۰۰	۳۷/۲۲
	۱۳۸۰	۸۰۹/۹۱	۳۸۷/۵۷	۲/۰۲	۶۲/۳۶	۱۲۶۱/۸۶	۶۴/۱۸	۳۰/۷۱
	۱۳۸۱	۱۱۰/۸۲	۴۴۷/۱۵	۲/۹۸	۹۸/۴۴	۶۵۹/۳۹	۱۶/۸۱	۶۷/۸۱
	۱۳۸۲	۱۶۸/۰۵	۵۳۰/۴۰	۱/۰۶	۱۳۴/۱۲	۸۳۳/۶۲	۲۰/۱۶	۶۳/۶۳
	۱۳۸۳	-۲۲۷/۸۴	۶۷۷/۸۳	۰/۴۶	۱۲۶/۴۵	۵۷۶/۹۰	۲۲/۰۶	۶۵/۶۴
	میانگین	۳۵۶/۴۵	۵۲۴/۸۲	۱/۳۰	۹۶/۰۷	۹۷۸/۶۵	۳۶/۴۴	۵۳/۰۰
برنامهٔ چهارم توسعهٔ اقتصادی و اجتماعی	۱۳۸۴	-۷۵/۸۴	۸۵۸/۴۶	۰/۱۳	۰/۰۰	۷۸۲/۷۵	۸/۱۲	۹۱/۸۷
	۱۳۸۵	-۶۲۰/۷۰	۸۴۸/۱۸	۰/۵۳	۰/۰۰	۲۲۸/۰۱	۴۲/۲۴	۵۷/۷۲
	۱۳۸۶	-۳۷۲/۱۲	۹۸۶/۳۲	۰/۸۳	۰/۰۰	۶۱۵/۰۳	۲۷/۳۸	۷۲/۵۶
	۱۳۸۷	-۴۹۵/۳۳	۶۶۸/۱۰	۱/۵۴	۰/۰۰	۱۷۴/۳۱	۴۲/۵۲	۵۷/۳۵
	۱۳۸۸	-۷۰۵/۴۲	۶۳۶/۹۱	۱/۸۰	۰/۰۰	-۶۶/۷۱	۵۲/۴۸	۴۷/۳۸
	۱۳۸۹	-۶۱۹/۷۱	۷۱۳/۷۷	۲/۰۵	۰/۰۰	۹۶/۱۰	۴۶/۴۰	۵۳/۴۴
	میانگین	-۴۸۱/۵۲	۷۸۵/۲۹	۱/۱۵	۰/۰۰	۳۰۴/۹۲	۳۶/۵۲	۶۳/۳۹
پیش بینی برنامهٔ پنجم توسعهٔ اقتصادی و اجتماعی	۱۳۹۰	۵۹۳/۵۳	۶۶۷/۲۴	۲/۱۹	۰/۰۰	۱۲۶۲/۹۶	۴۷/۰۰	۵۲/۸۳
	۱۳۹۱	۱۱۶۲/۸۲	۹۰۵/۶۷	۲/۵۰	۰/۰۰	۲۰۷۰/۹۹	۵۶/۱۵	۴۳/۷۳
	۱۳۹۲	۱۲۳۴/۴۹	۱۰۰۶/۳۷	۲/۹۰	۰/۰۰	۲۲۴۳/۷۵	۵۵/۰۲	۴۴/۸۵
	۱۳۹۳	۱۳۹۶/۱۶	۱۱۱۵/۹۳	۳/۳۷	۰/۰۰	۲۵۱۵/۴۶	۵۵/۵۰	۴۴/۳۶
	۱۳۹۴	۲۱۱۴/۷۲	۱۳۱۹/۹۱	۳/۹۳	۰/۰۰	۳۴۳۸/۵۷	۶۱/۵۰	۳۸/۳۹
	میانگین	۱۳۰۰/۳۴	۱۰۰۳/۰۲	۲/۹۸	۰/۰۰	۲۳۰۶/۳۵	۵۵/۰۳	۴۴/۸۳

منبع: یافته‌های پژوهش

. در برنامهٔ چهارم به منظور هدایت سرمایه به بخش‌های پربازده، با کاهش تفاوت نرخ سود تسهیلات بانکی بخش‌های اقتصادی، از تولیدکنندگان گوشت گاو از راه پرداخت تسهیلات بانکی در مقایسه با دیگر بخش‌های اقتصادی حمایت نشد. پرداخت سهم دولت در بیمهٔ محصول گوشت گاو نیز پس از آغاز در سال ۱۳۸۰، با نوسان در سال‌های باقیماندهٔ برنامهٔ سوم توسعه همراه بود، اما در برنامهٔ چهارم توسعه افزایش یافت و به طور میانگین ۱/۱۵ میلیارد ریال ـــــ در قیمت‌های ثابت سال ۱۳۸۴ـــ بود. با توجه به روند افزایشی حمایت از بیمهٔ گوشت گاو در برنامهٔ چهارم توسعه، پیش‌بینی می‌شود در برنامهٔ پنجم حمایت بیمه‌ای دولت از این محصول به ۲/۹۸ میلیارد ریال به قیمت ثابت سال ۱۳۸۴ افزایش پیدا کند.

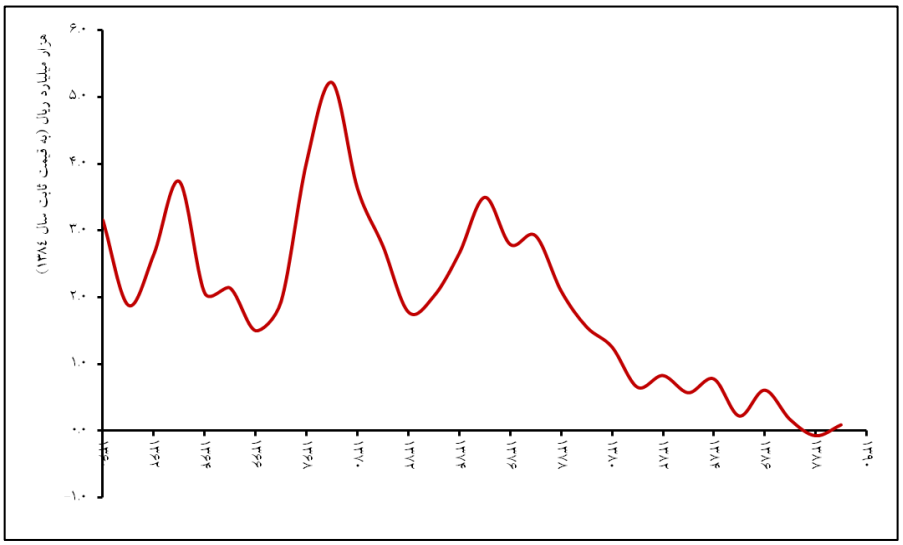

نمودار ۲-۴-۴-۵) نمودار روند پرداخت‌های بودجه‌ای دولت‌ها طی برنامه‌های مختلف توسعه

همان‌طور که در نمودار (۲-۴-۴-۵) مشاهده می‌شود، پرداخت‌های بودجه‌ای در قیمت‌های ثابت سال ۱۳۸۴ در سال‌های جنگ روند نوسانی داشت، اما در برنامهٔ اول

در ابتدا افزایش یافت و تا پایان برنامهٔ دوم توسعه با نوسان همراه بود. در برنامهٔ سوم توسعه، با کاهش تصدی دولت در بازارهای نهاده‌های خوراک دام و اجرای سیاست یکسان‌سازی نرخ ارز، حمایت بودجه‌ای از تولیدکنندگان کاهش چشمگیری پیدا کرد.

پس از بررسی اجزای حمایت از تولیدکننده، یعنی حمایت قیمتی و پرداخت‌های بودجه‌ای در جدول (۴-۴-۵) نتایج محاسبهٔ شاخص‌های حمایت از تولیدکننده آمده است. در این جدول نیز مانند جدول (۲-۴-۵) انحراف نرخ ارز حقیقی از تعادلی در کنار شاخص‌های حمایت از تولیدکنندگان (PSE) در برنامه‌های توسعهٔ ایران بررسی می‌شود. میانگین انحراف نرخ ارز در دورهٔ جنگ و برنامه‌های دوم و سوم توسعه مثبت بوده است و بیش‌برآورد ارزش حقیقی ریال نسبت به ارزش تعادلی آن را نشان می‌دهد.

یکی از اهداف این پژوهش، بررسی اثر سیاست‌های ارزی و انحراف نرخ ارز بر مقادیر شاخص‌های حمایت از تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان (٪PSE، ٪MPS و ٪CSE) است که به این منظور آثار مستقیم، کل و غیرمستقیم براساس نرخ‌های ارز حقیقی و تعادلی محاسبه می‌شود. اثرمستقیم که در آن قیمت‌های جهانی مورد استفاده در محاسبه‌ها با نرخ ارز حقیقی تعدیل می‌شود، بیانگر وضعیت موجود حمایت از تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان گوشت گاو بر اثر سیاست‌های در حال اجرای زیربخش دامپروری و ارزی است. اثر کل، حمایت از آنان را در شرایط اعمال نرخ ارز تعادلی برآمده از متغیرهای کلان اقتصادی در بلندمدت نشان می‌دهد. اثرغیرمستقیم که حاصل تفاضل اثرکل و اثرمستقیم است، نشان‌دهندهٔ اثر سیاست‌های ارزی در چگونگی رقابت‌پذیری بلندمدت گوشت گاو نسبت به رقبای

جهانی است. اگر این شاخص مثبت باشد، یعنی سیاست‌های ارزی بر سطح رقابت‌پذیری بلندمدت تولیدکنندگان ایرانی افزوده است و برعکس.

شاخص برآورد حمایت از تولیدکننده (PSE) که مجموع حمایت از قیمت بازاری(MPS) و حمایت‌های بودجه‌ای(BP) را نشان می‌دهد، بیانگر آن است که سیاست‌های حمایتی به سمت حمایت از تولید و تولیدکننده در جریان است. در دورهٔ جنگ با ثبات قیمت‌ها، مالیات پنهان تحمیل‌شده به تولیدکنندگان افزایشی بود که در برنامهٔ اول توسعه با اجرای سیاست‌های آزادسازی حمایت از تولیدکنندگان گوشت گاو بهبود پیدا کرد، اما تا پایان برنامهٔ دوم از تولیدکنندگان گوشت گاو مالیات دریافت شد. از سال ۱۳۸۱ همزمان با اجرای سیاست شناورسازی نرخ ارز، با کاهش تصدی دولت در بازار نهاده، اجرای سیاست‌های تعیین قیمت سقف و کف و کاهش قیمت جهانی، تولیدکنندگان گوشت گاو حمایت شدند. به طوری که در برنامه‌های سوم و چهارم به ترتیب ۱۸۱۷ و ۳۰۱۳ میلیارد ریال به قیمت ثابت سال ۱۳۸۴ بیشتر از درآمد خود در بازار جهانی دریافت کردند که اثر آن بر افزایش تولید در برنامه‌های سوم و چهارم مشاهده می‌شود. مقایسهٔ نتایج جدول‌های (۴-۴-۴-۵)، (۳-۴-۴-۵) و (۲-۴-۴-۵) نشان می‌دهد در بیشتر سال‌های پژوهش سهم حمایت‌های قیمتی در کل حمایت از تولیدکننده بیشتر از حمایت‌های بودجه‌ای بوده است.

در جدول (۴-۴-۴-۵) شاخص حمایت از تولیدکنندگان براساس نرخ ارز تعادلی(اثرکل) تنها در برنامه‌های سوم و چهارم توسعه مثبت بوده و در سال‌های دیگر، پرداخت مالیات پنهان بر دامپروران تحمیل شده و حمایت‌های بودجه‌ای، جبران‌کنندهٔ اثر منفی حمایت قیمتی نبوده است. در برنامهٔ سوم توسعه همزمان با اجرای سیاست یکسان‌سازی نرخ ارز در سال ۱۳۸۱ و کاهش تصدی دولت در بازار نهاده‌های دامی، تولیدکنندگان گوشت گاو به طور میانگین ۲۲۲۷ میلیارد ریال به

قیمت ثابت سال ۱۳۸۴ بیشتر از درآمد خود در شرایط برقراری قیمت رقابتی بازار جهانی دریافت کرده‌اند که در مقایسه با اثرمستقیم نشان می‌دهد در آن دوره اعمال نرخ ارز تعادلی برآمده از متغیرهای بنیادین اقتصاد ایران حمایت بیشتری از دامپروران دربرداشته است. در برنامهٔ پنجم توسعه با وجود رشد حمایت‌های بودجه‌ای در پی افزایش قیمت‌های جهانی غلات (خوراک دام) حمایت از کشاورزان کاهش می‌یابد.

شاخص حمایت درصدی از تولیدکننده (PSE٪) به دلیل آن‌که نسبت به تورم، مقیاس و واحد پولی خنثی است، مقایسهٔ بهتری از حمایت را در طول زمان، بین کشورها و همچنین کالاهای مختلف، امکان‌پذیر می‌سازد. نتایج محاسبهٔ این شاخص در جدول (۴-۴-۴-۵) مشاهده می‌شود. میانگین ۲۱- درصد شاخص PSE٪ که با رهیافت تجارت‌محور و نرخ حقیقی ارز برای دورهٔ جنگ محاسبه شده است، نشان می‌دهد مقدار دریافتی تولیدکننده ۲۱ درصد از آنچه می‌توانست با فروش محصولش با قیمت جهانی به دست آورد، کمتر بوده است. به بیان دیگر، سیاست‌های حمایتی در این دوره موجب شده است تولیدکننده ۲۱٪ از درآمدی را که در شرایط بدون چنین سیاست‌هایی می‌توانست به دست آورد به شکل نوعی مالیات پنهان از دست بدهد. میانگین این شاخص با نرخ ارز حقیقی در برنامهٔ چهارم توسعه ۳۳ درصد برآورد شده است؛ یعنی در طول این برنامه به اندازهٔ ۳۳ درصد از درآمد محصول تولیدکنندگان به قیمت جهانی، در پی اجرای سیاست‌های قیمتی و بودجه‌ای به درآمد آنان افزوده شده است. در این برنامه سیاست‌های حمایتی موجب حمایت مثبت از تولیدکننده شده و دریافتی او را نسبت به بازار جهانی افزایش داده است.

جدول ۴-۴-۴-۵ شاخص‌های حمایت از تولیدکنندگان گوشت گاو

برنامه های توسعه	درصد انحراف نرخ ارز	سال	ارزش اثرمستقیم به قیمت ثابت سال ۱۳۸۴ (میلیارد ریال)	ارزش اثر کل به قیمت ثابت سال ۱۳۸۴ (میلیارد ریال)	%PSE اثر مستقیم	%PSE اثر غیرمستقیم	%PSE اثر کل
دورهٔ جنگ	۲۶/۸۱	۱۳۶۰	۲۳۷۳	۳۰۳۱	۲۹/۶۳	۱۸/۳۲	۴۷/۹۴
	۳۸/۹۰	۱۳۶۱	-۶۸۸	۴۶۸	-۷/۸۹	۱۵/۳۵	۷/۴۵
	۳۸/۶۷	۱۳۶۲	-۸۲۴	۱۹۰	-۹/۷۰	۱۲/۷۹	۳/۱۰
	۴۷/۶۸	۱۳۶۳	-۴۳	۵۹۰	-۰/۵۱	۱۱/۰۰	۱۰/۴۸
	-۱۳/۱۶	۱۳۶۴	-۲۰۱۲	-۲۶۵۶	-۲۳/۵۹	-۳/۴۶	-۲۷/۰۵
	-۲/۷۱	۱۳۶۵	-۳۳۰۸	-۳۴۵۶	-۳۵/۵۲	-۰/۵۸	-۳۶/۱۱
	۷۵/۷۲	۱۳۶۶	-۷۹۲۸	-۴۲۲۰	-۶۳/۳۵	۴/۲۲	-۵۹/۱۳
	۸۹/۸۷	۱۳۶۷	-۶۳۵۹	-۳۳۰۰	-۵۸/۲۲	۱/۰۵	-۵۷/۱۷
	۳۷/۷۲	میانگین	-۲۳۴۹	-۱۱۶۹	-۲۱/۱۴	۷/۳۳	-۱۳/۸۱
برنامهٔ اول توسعهٔ اقتصادی و اجتماعی	۵۰/۶۲	۱۳۶۸	-۲۴۳۵	-۶۶۴	-۲۰/۲۱	۱۱/۹۲	-۸/۲۹
	-۴/۳۰	۱۳۶۹	-۳۴۴۱	-۳۷۶۰	-۲۳/۸۲	-۱/۰۹	-۲۴/۹۲
	-۱۰/۸۴	۱۳۷۰	-۱۱۴۹	-۱۹۱۶	-۹/۵۹	-۴/۶۸	-۱۴/۲۶
	-۴۷/۰۳	۱۳۷۱	۲۱۴	-۵۵۷۵	۱/۹۳	-۲۸/۷۲	-۲۶/۷۹
	-۵۱/۴۱	۱۳۷۲	-۴۰۹	-۷۶۴۱	-۳/۶۷	-۲۹/۷۲	-۳۳/۳۹
	-۴۱/۲۹	۱۳۷۳	-۲۶۲۱	-۸۲۳۷	-۲۰/۷۳	-۱۷/۶۰	-۳۸/۳۳
	-۱۷/۳۸	میانگین	-۱۶۴۰	-۴۶۳۲	-۱۲/۶۸	-۱۱/۶۵	-۲۴/۳۳
برنامهٔ دوم توسعهٔ اقتصادی و اجتماعی	-۳۱/۹۷	۱۳۷۴	-۲۶۴۷	-۷۱۱۷	-۱۸/۲۹	-۱۵/۲۰	-۳۳/۴۹
	-۱۶/۱۸	۱۳۷۵	۸۷۲	-۲۹۷	۶/۹۹	-۸/۹۸	-۱/۹۹
	-۰/۸۹	۱۳۷۶	-۲۱۶	-۲۷۳	-۱/۸۵	-۰/۴۷	-۲/۳۳
	۳۳/۱۵	۱۳۷۷	-۱۵۵۴	۸۲۰	-۱۰/۴۹	۱۷/۸۶	۷/۳۶
	۲۹/۱۰	۱۳۷۸	-۱۵۷۵	۴۱۹	-۱۲/۱۹	۱۶/۳۶	۴/۱۸
	۲/۶۴	میانگین	-۱۰۲۴	-۱۲۸۹	-۷/۱۷	۱/۹۱	-۵/۲۵
برنامهٔ سوم توسعهٔ اقتصادی و اجتماعی	۱۶/۹۶	۱۳۷۹	۹۱۸	۱۶۷۵	۱۰/۲۴	۱۱/۵۸	۲۱/۸۳
	۱۶/۵۴	۱۳۸۰	۱۴۵۳	۲۰۷۸	۱۸/۲۹	۱۲/۱۷	۳۰/۴۶
	۱۲/۹۹	۱۳۸۱	۲۵۷۸	۳۱۸۰	۳۲/۰۰	۱۲/۵۵	۴۴/۵۵
	۳/۸۵	۱۳۸۲	۲۵۱۳	۲۷۶۰	۲۴/۹۰	۳/۵۰	۲۸/۴۰
	-۲/۷۹	۱۳۸۳	۱۶۲۳	۱۴۴۰	۱۵/۷۳	-۲/۱۶	۱۳/۵۷
	۹/۵۱	میانگین	۱۸۱۷	۲۲۲۷	۲۰/۲۳	۷/۵۳	۲۷/۷۶
برنامهٔ چهارم توسعهٔ اقتصادی و اجتماعی	-۶/۱۸	۱۳۸۴	۱۷۲۷	۱۳۳۸	۱۷/۰۸	-۴/۶۶	۱۲/۴۲
	-۱۰/۷۰	۱۳۸۵	۱۹۱۹	۹۸۵	۱۷/۹۲	-۹/۷۰	۸/۲۲
	-۱۳/۰۹	۱۳۸۶	۳۷۱۵	۲۷۲۸	۳۶/۳۲	-۱۳/۱۲	۲۳/۲۰
	-۷/۷۴	۱۳۸۷	۲۳۴۱	۱۷۹۲	۲۳/۸۴	-۷/۰۰	۱۶/۸۴
	-۳/۳۲	۱۳۸۸	۳۸۵۵	۳۶۳۸	۴۵/۱۱	-۳/۹۳	۴۱/۱۷
	-۱۷/۴۵	۱۳۸۹	۴۵۱۸	۳۴۹۱	۵۹/۴۵	-۲۱/۴۸	۳۷/۹۷
	-۹/۷۵	میانگین	۳۰۱۳	۲۳۲۹	۳۳/۲۸	-۹/۹۸	۲۳/۳۰
پیش بینی برنامهٔ پنجم توسعهٔ اقتصادی و اجتماعی	-۱۹/۲۲	۱۳۹۰	۵۱۹۳	۴۳۸۳	۷۵/۳۷	-۲۳/۸۸	۵۱/۴۹
	-۲۱/۱۴	۱۳۹۱	۳۶۵۹	۲۳۴۶	۴۰/۰۸	-۱۹/۷۸	۲۰/۳۰
	-۲۳/۰۷	۱۳۹۲	۳۲۱۳	۱۶۱۵	۳۲/۹۴	-۲۰/۱۹	۱۲/۷۶
	-۲۴/۹۸	۱۳۹۳	۲۷۹۲	۸۵۹	۲۶/۷۲	-۲۰/۵۴	۶/۱۸
	-۲۲/۰۹	۱۳۹۴	۲۲۱۸	۳۰۲	۱۸/۵۵	-۱۶/۵۸	۱/۹۷
	-۲۲/۱۰	میانگین	۳۴۱۵	۱۹۰۱	۳۸/۷۳	-۲۰/۱۹	۱۸/۵۴

منبع: یافته‌های پژوهش

در دورهٔ جنگ به علت اهمیت گوشت گاو در سبد خوراکی خانوار، سیاست‌ها به منظور کمتر نگه داشتن قیمت داخلی آن بود و دامپروران ناگزیر از پرداخت مالیات پنهان زیادی بودند؛ این شرایط تا آغاز اجرای سیاست‌های آزادسازی در برنامهٔ اول توسعه ادامه داشت. پس از آن در برنامه‌های اول و دوم توسعه با وجود اجرای سیاست‌های آزادسازی و کاهش نقش دولت در خرید مستقیم محصول و توزیع آن به دلیل کاهش ارزش پول ملی، مالیات پنهان تحمیلی به دامپروران در بعضی سال‌ها ادامه داشت. به طور میانگین در برنامهٔ سوم، همزمان با کاهش دخالت دولت در بازار نهاده‌های دامی(کاهش سهم توزیع نهاده‌ها توسط شرکت خدمات پشیبانی امور دام) و شناورسازی نرخ ارز، تولیدکنندگان گوشت گاو حمایت شدند و حمایت‌ها ۲۰/۲ درصد از درآمد آنان را در شرایط رقابت با قیمت بازار جهانی پوشش داد که به درآمد آنان افزوده شد. آثار اجرای همزمان سیاست‌های حمایتی ارزی، قیمتی و بودجه‌ای در برنامه‌های توسعه در روند افزایشی تولید محصول نمایان است و به نظر می‌رسد چنانچه سیاست‌های حمایت‌کنندهٔ محصول هدفمند و منظم به‌کار گرفته شود در تنظیم قیمت بازار داخلی و کاهش وابستگی به واردات مؤثر است.

میانگین اثر کل که مجموع اثر سیاست‌های بخشی و کلان اقتصادی(سیاست‌های ارزی) در حمایت از تولیدکنندگان گوشت گاو را نشان می‌دهد، تنها در برنامه‌های سوم تا پنجم توسعه مثبت بوده است. بیشترین مالیات پنهان تحمیل‌شده به تولیدکنندگان در برنامهٔ اول توسعه به دلیل کم‌برآورد ارزش ریال و افزایش قیمت جهانی گوشت گاو برابر با ۲۴- درصد بوده است، یعنی دامپروران با اجرای این سیاست‌ها به اندازهٔ یک چهارم دریافتی خود بدون اجرای سیاست‌ها با قیمت‌های جهانی تعدیل‌شده با نرخ ارز تعادلی، مالیات پرداخته‌اند. در برنامهٔ چهارم توسعه با وجود کم‌برآورد ارزش ریال و اثر منفی حمایت‌های بودجه‌ای در پی افزایش قیمت محصولات کشاورزی موجود در خوراک دام، تولیدکنندگان گوشت گاو ۲۳ درصد

بیشتر از رقبای خود در بازار جهانی دریافت کردند. پیش‌بینی می‌شود در برنامهٔ پنجم توسعه دامپروران ۱۸ درصد از درآمد خود در شرایط رقابت جهانی را به شکل یارانهٔ پنهان دریافت می‌کنند. نوسان در حمایت‌ها در برنامه‌های توسعه موجب کاهش توانایی برنامه‌ریزی دامپروران داخلی می‌شود و در کاهش رقابت‌پذیری و انگیزهٔ تولید آنان مؤثر است.

میانگین اثر غیرمستقیم PSE٪ که نشان‌دهندهٔ اثر سیاست‌های ارزی بر مقدار حمایت از تولیدکنندگان گوشت گاو است، در دورهٔ جنگ و برنامه‌های دوم و سوم توسعه مثبت و در دیگر برنامه‌ها منفی بوده است. بیشترین حمایت منفی برآمده از سیاست‌های ارزی در برنامهٔ پنجم توسعه رخ می‌دهد. در برنامهٔ سوم توسعه که نرخ ارز حقیقی بیشتر از نرخ ارز تعادلی بوده است، بیش‌برآورد ارزش ریال موجب حمایت ۷/۵ درصدی از تولیدکنندگان شده است.

در برنامه‌های اول و سوم توسعه سیاست‌های ارزی تقویت‌کنندهٔ اثر سیاست‌های بخشی بوده و در برنامه‌های دوم و چهارم توسعه سیاست‌های ارزی، اثر سیاست‌های بخشی را در حمایت از تولیدکنندگان تضعیف کرده است. به طوری که در برنامهٔ دوم سیاست‌های ارزی اثر منفی سیاست‌های بخشی را خنثی کرده‌اند و در برنامهٔ چهارم توسعه اثر مثبت سیاست‌های بخشی را کاهش داده است. مقادیر مطلق اثرمستقیم در اغلب سال‌ها بیشتر از اثر غیرمستقیم است. به بیان دیگر، در مجموع کل حمایت از تولیدکنندگان گوشت گاو بر حسب علامت شاخص، سیاست‌های ارزی تقویت یا تضعیف‌کنندهٔ سیاست‌های بخشی بوده و نقش کمتری داشته است.

۳-۴-۴-۵ بررسی مقادیر حمایت از مصرف‌کنندگان گوشت گاو طی برنامه‌های توسعه

شاخص حمایت از مصرف‌کنندگان نشان‌دهندهٔ انتقال‌های قیمتی از مصرف‌کنندگان به تولیدکنندگان، مالیات‌دهندگان به مصرف‌کنندگان و دیگر انتقال‌ها به مصرف‌کنندگان است. دربارهٔ محصول گوشت گاو، از آنجا که در بعضی سال‌ها (۸۳-۱۳۷۳) پرداخت به مصرف‌کنندگان از راه بودجهٔ سالانهٔ دولت(مالیات-دهندگان) انجام پذیرفته است، براساس روابط فصل سوم در مورد محاسبهٔ CSE، مقدار شاخص درصدی آن برابر با شاخص درصد حمایت از قیمت بازاری تولیدکنندگان و تنها نشان‌دهندهٔ حمایت بازاری از مصرف‌کنندگان نیست. در جدول (۶-۴-۴-۵) مقادیر شاخص حمایت درصدی مصرف‌کنندگان گوشت گاو (CSE٪) طی دورهٔ مورد بررسی (۸۹-۱۳۶۰) گزارش شده است.

همان‌طور که پیش از این مشاهده شد، انحراف نرخ ارز تا سال ۱۳۶۸ به جز دو سال مثبت بود و پس از آن با اجرای سیاست‌های آزادسازی تا سال ۱۳۷۶ نرخ واقعی ریال کمتر از نرخ تعادلی آن برآورد شد. از این سال با بیش‌برآورد ارزش ریال، انحراف نرخ ارز روند کاهشی پیدا کرد و در سال ۱۳۸۳ با کاهش چشمگیر ارزش تعادلی پول ملی نسبت به ارزش حقیقی آن، انحراف نرخ ارز منفی شد. همچنین پیش‌بینی می‌شود روند کم‌برآورد ارزش حقیقی ریال در برنامهٔ پنجم توسعه نیز ادامه پیدا کند.

بررسی ارزش حمایت مستقیم از مصرف‌کنندگان گوشت گاو برحسب قیمت‌های ثابت سال ۱۳۸۴، بیانگر آن است که حمایت از مصرف‌کنندگان روند کاهشی داشته است، به طوری که با وجود افزایش مقدار مصرف، از ۶۹۸۲ میلیارد ریال در دورهٔ جنگ به ۳۷۴۶- میلیارد ریال در برنامهٔ چهارم رسیده است. در دورهٔ جنگ و تا پیش از اجرای سیاست-های تعدیل اقتصادی حمایت از مصرف‌کنندگان به دلیل ثبات

قیمت داخلی و رشد مصرف، افزایشی بود. در دو برنامهٔ نخست توسعه همزمان با اجرای سیاست‌های آزادسازی در کشور حمایت از مصرف‌کنندگان با وجود نوسان کاهش پیدا کرد. در برنامهٔ سوم توسعه با کاهش قیمت جهانی و کاهش دخالت دولت در بازار نهاده و محصول روند کاهش حمایت از مصرف‌کنندگان ادامه یافت و از سال ۱۳۸۱ با اجرای سیاست یکسان‌سازی نرخ ارز منفی شد و در برنامهٔ چهارم توسعه با افزایش قیمت داخلی و پرداخت نشدن یارانهٔ بودجه‌ای گوشت قرمز، مصرف‌کنندگان ناگزیر از پرداخت مالیات پنهان شدند.

حمایت از مصرف‌کنندگان گوشت گاو، برحسب نرخ ارز تعادلی نیز روندی مشابه داشته و در دو برنامهٔ اخیر، منفی بوده است و در دوره‌های دیگر کم نگه‌داشتن قیمت داخلی نسبت به قیمت جهانی موجب حمایت از مصرف‌کنندگان گوشت گاو بوده است. در برنامهٔ اول توسعه با کم‌برآورد ارزش ریال بیشترین حمایت از مصرف‌کنندگان گوشت گاو انجام پذیرفت. یعنی منافع مصرف آنان در شرایط برقراری نرخ ارز تعادلی بلندمدت اقتصاد بیشتر از شرایط اجرای سیاست‌های ارزی و بخشی بود. در برنامه‌های دوم و سوم توسعه، کاهش قیمت جهانی و رشد قیمت داخلی، حمایت از مصرف‌کنندگان روند کاهشی پیدا کرد، به طوری که حمایت‌های بودجه‌ای گوشت قرمز در دههٔ ۸۳-۱۳۷۳ توانمندی کافی برای جبران آن را نداشت و در برنامهٔ سوم توسعه در شرایط اثرگذاری متغیرهای بنیادین اقتصاد ۱۱۳۰ میلیارد ریال به قمیت ثابت سال ۱۳۸۴ مالیات پنهان بر مصرف‌کنندگان گوشت گاو تحمیل شد.

جدول ۶-۴-۴-۵) شاخص‌های حمایت از مصرف‌کنندگان گوشت گاو

برنامه های توسعه	درصد انحراف نرخ ارز	سال	ارزش اثرمستقیم به قیمت ثابت سال ۱۳۸۴ (میلیارد ریال)	ارزش اثر کل به قیمت ثابت سال ۱۳۸۴	%CSE اثر مستقیم	%CSE اثر غیرمستقیم	%CSE اثر کل
دورهٔ جنگی	۲۶/۸۱	۱۳۶۰	۱۰۰۵	-۱۱۴۸	۹/۸۳	-۲۴/۰۶	-۱۴/۲۳
	۳۸/۹۰	۱۳۶۱	۳۴۱۰	۱۸۶	۲۹/۵۱	-۲۷/۲۸	۲/۲۳
	۳۸/۶۷	۱۳۶۲	۶۰۳۷	۱۹۲۸	۴۰/۸۳	-۲۲/۷۷	۱۸/۰۶
	۴۷/۶۸	۱۳۶۳	۵۹۷۷	۱۷۵۹	۴۵/۵۸	-۲۵/۸۰	۱۹/۷۷
	-۱۳/۱۶	۱۳۶۴	۵۶۴۷	۷۴۲۸	۴۷/۸۴	۶/۸۴	۵۴/۶۸
	-۲/۷۱	۱۳۶۵	۸۸۱۲	۹۲۳۰	۵۸/۵۳	۱/۱۲	۵۹/۶۵
	۷۵/۷۲	۱۳۶۶	۱۲۰۹۳	۵۲۰۰	۷۵/۳۸	-۱۸/۵۵	۵۶/۸۳
	۸۹/۸۷	۱۳۶۷	۱۲۸۷۳	۴۸۸۳	۷۵/۹۸	-۲۱/۴۴	۵۴/۵۴
	۳۷/۷۲	میانگین	۶۹۸۲	۳۶۸۳	۴۷/۹۳	-۱۶/۴۹	۳۱/۴۴
برنامهٔ اول توسعهٔ اقتصادی و اجتماعی	۵۰/۶۲	۱۳۶۸	۸۶۶۰	۳۲۴۹	۵۳/۶۰	-۲۳/۳۷	۳۰/۲۴
	-۴/۳۰	۱۳۶۹	۱۳۸۱۵	۱۴۸۴۷	۵۹/۹۶	۱/۷۲	۶۱/۶۸
	-۱۰/۸۴	۱۳۷۰	۶۲۱۰	۸۰۹۳	۳۹/۹۲	۶/۴۹	۴۶/۴۰
	-۴۷/۰۳	۱۳۷۱	۳۱۲۴	۱۵۰۳۵	۲۳/۱۶	۳۶/۰۳	۵۹/۲۰
	-۵۱/۴۱	۱۳۷۲	۲۹۳۷	۱۸۶۴۹	۱۹/۶۷	۴۱/۱۹	۶۰/۸۶
	-۴۱/۲۹	۱۳۷۳	۷۴۷۱	۱۸۵۱۲	۴۷/۳۴	۲۱/۶۸	۶۹/۰۱
	-۱۷/۳۸	میانگین	۷۰۳۶	۱۳۰۶۴	۴۰/۶۱	۱۳/۹۶	۵۴/۵۶
برنامهٔ دوم توسعهٔ اقتصادی و اجتماعی	-۳۱/۹۷	۱۳۷۴	۷۲۸۹	۱۵۲۳۸	۴۲/۹۶	۱۸/۲۰	۶۱/۱۵
	-۱۶/۱۸	۱۳۷۵	۳۹۱۳	۶۸۳۹	۲۵/۶۸	۱۱/۹۷	۳۷/۶۵
	-۰/۸۹	۱۳۷۶	۴۰۸۱	۴۲۱۰	۲۸/۲۸	۰/۶۳	۲۸/۹۱
	۳۳/۱۵	۱۳۷۷	۵۶۸۷	۱۲۱۰	۳۱/۴۸	-۲۲/۵۸	۸/۹۰
	۲۹/۱۰	۱۳۷۸	۴۹۴۶	۱۶۲۶	۳۳/۴۴	-۱۹/۲۶	۱۴/۱۸
	۲/۶۴	میانگین	۵۱۸۳	۵۸۲۴	۳۲/۳۷	-۲/۲۱	۳۰/۱۶
برنامهٔ سوم توسعهٔ اقتصادی و اجتماعی	۱۶/۹۶	۱۳۷۹	۱۲۹۲	-۵۰	۱۳/۸۸	-۱۴/۵۱	-۰/۶۳
	۱۶/۵۴	۱۳۸۰	۵۱۰	-۸۵۰	۵/۲۹	-۱۵/۵۵	-۱۰/۲۶
	۱۲/۹۹	۱۳۸۱	-۱۵۵۳	-۲۵۱۵	-۱۸/۴۴	-۱۵/۲۸	-۳۳/۷۲
	۳/۸۵	۱۳۸۲	-۱۴۳۲	-۱۸۶۸	-۱۲/۰۸	-۴/۲۸	-۱۶/۳۷
	-۲/۷۹	۱۳۸۳	-۷۲۹	-۳۶۴	-۵/۶۸	۲/۹۳	-۲/۷۵
	۹/۵۱	میانگین	-۳۸۲	-۱۱۲۹	-۳/۴۱	-۹/۳۴	-۱۲/۷۵
برنامهٔ چهارم توسعهٔ اقتصادی و اجتماعی	-۶/۱۸	۱۳۸۴	-۱۰۶۵	-۳۱۹	-۹/۳۴	۶/۷۱	-۲/۶۳
	-۱۰/۷۰	۱۳۸۵	-۱۹۳۲	-۴۷۴	-۱۵/۷۹	۱۲/۳۳	-۳/۴۶
	-۱۳/۰۹	۱۳۸۶	-۴۱۰۲	-۲۰۷۷	-۳۰/۳۱	۱۶/۹۶	-۱۳/۳۵
	-۷/۷۴	۱۳۸۷	-۲۱۴۷	-۱۱۲۳	-۱۷/۴۸	۹/۰۴	-۸/۴۵
	-۳/۳۲	۱۳۸۸	-۵۳۸۹	-۴۹۸۸	-۴۵/۸۹	۴/۸۲	-۴۱/۰۷
	-۱۷/۴۵	۱۳۸۹	-۷۸۴۴	-۵۰۱۷	-۵۸/۱۸	۲۷/۴۲	-۳۰/۷۶
	-۹/۷۵	میانگین	-۳۷۴۶	-۲۳۳۳	-۲۹/۵۰	۱۲/۸۸	-۱۶/۶۲
پیش بینی برنامهٔ پنجم توسعهٔ اقتصادی و اجتماعی	-۱۹/۲۲	۱۳۹۰	-۵۶۹۴	-۳۳۴۳	-۵۷/۰۴	۲۹/۹۳	-۲۷/۱۱
	-۲۱/۱۴	۱۳۹۱	-۲۳۹۳	۱۲۶۷	-۱۷/۳۹	۲۴/۶۷	۷/۲۸
	-۲۳/۰۷	۱۳۹۲	-۱۴۹۷	۲۹۸۹	-۹/۹۴	۲۵/۲۳	۱۵/۲۹
	-۲۴/۹۸	۱۳۹۳	-۴۰۸	۴۶۹۲	-۲/۶۵	۲۵/۵۲	۲۲/۸۷
	-۲۲/۰۹	۱۳۹۴	۱۸۱۰	۶۸۱۰	۱۰/۲۱	۱۹/۷۵	۲۹/۹۶
	-۲۲/۱۰	میانگین	-۱۶۳۶	۲۴۸۳	-۱۵/۳۶	۲۵/۰۲	۹/۶۶

منبع: یافته‌های پژوهش

پیش‌بینی می‌شود در برنامهٔ پنجم توسعه برخلاف برنامهٔ چهارم، با کاهش ارزش پول ملی و افزایش قیمت جهانی نسبت به قیمت داخلی مصرف‌کنندگان گوشت گاو حمایت شوند و به طور میانگین ۲۴۸۳ میلیارد ریال به قیمت ثابت سال ۱۳۸۴ کمتر از مصرف‌کنندگان خارجی بپردازند.

درصد حمایت از مصرف‌کنندگان(CSE٪) با نرخ ارز حقیقی، بیان می‌کند میانگین حمایت از مصرف‌کنندگان گوشت گاو در دورهٔ جنگ ۴۷ درصد از پرداختی مصرف‌کنندگان را برحسب قیمت‌های تعدیل‌شدهٔ جهانی شامل شده است. یعنی در شرایط واقعی با اجرای سیاست‌های قیمتی، مصرف‌کنندگان، به اندازهٔ ۴۷ درصد آنچه (در صورتی که بازار آزاد برقرار باشد) باید می‌پرداختند، حمایت دریافت می‌کنند. در حقیقت ۴۷ درصد نسبت به آنچه می‌بایست می‌پرداختند، کمتر هزینه کرده‌اند. حمایت زیاد از مصرف‌کنندگان از رقابت‌پذیری بازار می‌کاهد، زیرا مصرف‌کنندگان سهم بیشتری از مازاد بازار داخلی می‌برند که با کاهش قدرت تولیدکنندگان رقابت‌پذیری آنان کاهش پیدا می‌کند. درصد حمایت‌ها در برنامه‌های توسعه کاهش پیدا کرد، یعنی هزینه‌های مصرف‌کنندگان گوشت گاو در پی اجرای سیاست‌های بخشی و ارزی نسبت به مصرف‌کنندگان جهانی افزایش یافت. به طوری که در برنامهٔ سوم توسعه همزمان با اجرای سیاست شناورسازی نرخ ارز و کاهش قیمت جهانی، مصرف‌کنندگان ایران ۳/۴ درصد بیشتر پرداخت کردند که نشان می‌دهد اجرای چنین سیاست‌هایی در این برنامه، بر مصرف گوشت قرمز تأثیر اندکی داشته است. اما ادامهٔ اجرای سیاست‌های بخشی و ارزی در برنامهٔ چهارم توسعه مصرف‌کنندگان را ناگزیر از پرداخت ۲۹/۵ درصد بیشتر از مصرف‌کنندگان جهانی گوشت قرمز کرده است.

اثر کل روند مشابهی با اثر مستقیم دارد و چگونگی حمایت از مصرف‌کنندگان گوشت گاو را با برقراری نرخ ارز تعادلی بلندمدت اقتصاد ایران نشان می‌دهد. در

برنامهٔ اول توسعه حدود نیمی از ارزش مصرف گوشت گاو در ایران به قیمت خارجی تعدیل‌شده به شکل حمایت قیمتی و بودجه‌ای به مصرف‌کنندگان پرداخت شد. در برنامهٔ سوم توسعه که با اجرای سیاست یکسان‌سازی نرخ ارز همزمان است، مصرف‌کنندگان گوشت گاو با برقراری سیاست‌های ارزی و بخشی ۱۲ درصد از آنچه (در شرایطی که هیچ سیاست ارزی و بخشی برقرار نباشد) برای مصرف هزینه می‌کردند، مالیات پنهان پرداخت کردند و با افزایش قیمت‌های داخلی در برنامهٔ چهارم هزینه‌های آنان ۱۶ درصد افزایش پیدا کرد.

علامت اثرغیرمستقیم در مورد مصرف‌کنندگان، عکس علامت انحراف نرخ ارز است، یعنی با بیش برآورد ارزش ریال، مصرف‌کنندگان حمایت نمی‌شوند و برعکس. به عبارت دیگر، چگونگی حمایت از مصرف‌کنندگان را هنگامی که سیاست ارزی اعمال می‌شود نسبت به وقتی که سیاست ارزی اجرا نمی‌شود نشان می‌دهد. در دورهٔ جنگ و برنامه‌های دوم و سوم توسعه با اجرای سیاست ارزی، مصرف‌کنندگان گوشت گاو حمایت نشده‌اند. در حالی‌که در برنامه‌های اول و چهارم با اجرای سیاست ارزی کم‌برآورد ارزش ریال (انحراف منفی)، مصرف‌کنندگان گوشت گاو نسبت به شرایطی که سیاست ارزی برقرار نبود، حمایت شده‌اند. برای مثال در برنامهٔ چهارم ۱۲/۸٪ کمتر از قبل از اجرای سیاست ارزی پرداخت کرده‌اند. در دوره‌های نخست بررسی، مقدار شاخص اثرغیرمستقیم کمتر از انحراف نرخ ارز بوده است که بیانگر اثرگذاری کمتر نرخ ارز بر بازار گوشت گاو است. از سال ۱۳۷۶ انحراف نرخ ارز و اثرغیرمستقیم، رفتاری هماهنگ داشته‌اند تا آنجا که پیش‌بینی می‌شود در برنامهٔ پنجم توسعه اثرغیرمستقیم بیشتر از انحراف نرخ ارز باشد. اثرگذاری سیاست‌های ارزی بر حمایت از مصرف‌کنندگان و توسعهٔ رقابت‌پذیری آنان در برنامه‌های توسعه لزوم توجه بیشتر به کاربرد سیاست‌های ارزی را در بخش کشاورزی نمایان می‌کند.

همچنین می‌توان نتیجه گرفت با افزایش انحراف نرخ ارز از اثربخشی این سیاست در جهت اهداف سیاستگذار می‌کاهد.

۴-۴-۴-۵ نتیجه‌گیری و پیشنهادهای گوشت گاو

گوشت گاو، از محصولات مهم زیربخش دامپروری و در بردارندهٔ بخش مهمی از هزینهٔ سبد خوراکی جامعه است. از این رو، سیاست‌های حمایتی مختلفی از بخش تولید و مصرف آن صورت می‌پذیرد. در این پژوهش مقادیر کمّی این حمایت‌ها براساس شاخص‌های MPS، PSE و CSE طی دورهٔ ۸۹-۱۳۶۰ محاسبه شده است که نتایج بیانگر وجود روند افزایشی و نوسانی در حمایت‌های قیمتی، بودجه‌ای و کل حمایت از تولیدکنندگان و روند کاهشی در حمایت از مصرف‌کنندگان گوشت گاو به قیمت ثابت سال ۱۳۸۴ بوده است. همچنین در مجموع حمایت‌های بودجه‌ای و قیمتی، سهم حمایت‌های بودجه‌ای در کل حمایت از تولیدکنندگان در بیشتر سال‌های بررسی کمتر بوده است. در همهٔ برنامه‌های توسعه حمایت‌های قیمتی سهم بیشتری داشته‌اند و در بین حمایت‌های بودجه‌ای نیز یارانهٔ سوخت و یارانهٔ نهاده‌های تولید حدود ۹۵ درصد از کل حمایت‌های بودجه‌ای از تولیدکنندگان را دربرداشته است. در دورهٔ جنگ و برنامهٔ سوم توسعه با بیش‌برآورد ارزش ریال، تولیدکنندگان به ترتیب ۷/۳ و ۷/۵ درصد بیشتر از آنچه در بازار رقابتی، بدون اجرای سیاست‌های ارزی دریافت می‌کردند، حمایت شدند.

در پیش‌بینی برنامهٔ پنجم نیز همانند برنامهٔ چهارم توسعه، سیاست‌های ارزی تقویت‌کنندهٔ سیاست‌های بخش دامپروری نیست، یعنی سیاست‌های بخشی و ارزی در این برنامه‌ها همسو نبوده‌اند. شاخص حمایت بازاری نیز حمایت از تولیدکنندگان را در بازار داخلی نسبت به بازار جهانی نشان می‌دهد، به طوری که سیاست‌های

بخشی، برخلاف سیاست‌های ارزی، حمایت‌کنندهٔ تولیدکنندگان گوشت گـاو خواهـد بود.

مقادیر اثرمستقیم حمایت از مصرف‌کنندگان گوشت گاو از میانگین ۴۷ درصد در دورهٔ جنگ به ۲۹- درصد در برنامهٔ چهارم توسعه رسیده است که تغییر چشمگیری را بین دوره‌های مختلف اجرای سیاست‌ها نشان می‌دهد. افزون بر ایـن، بررسـی اثـر سیاست‌های ارزی و انحراف نرخ ارز بر مقادیر حمایت از مصرف‌کنندگان گوشت گـاو نشان می‌دهد این سیاست‌ها در دورهٔ جنگ و همچنین برنامه‌های دوم و سوم توسعه که انحراف نرخ ارز مثبت بوده بر شاخص‌های حمایت از مصرف‌کننـدگان اثـر منفـی داشته است، در حالی که در دیگر برنامه‌های توسعه، این سیاست‌ها موجـب افـزایش حمایت از مصرف‌کنندگان گوشت گاو شده است، یعنی اثر غیرمستقیم تقویت‌کننـدهٔ اثر مستقیم بوده است.

جدول ۷-۴-۴-۵) بررسی حمایت از تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان گوشت گاو در دوره‌های ارزی

دوره	درصد انحراف نرخ ارز	%MPS				%PSE				%CSE			
		اثر مستقیم	اثر غیرمستقیم	اثر کل		اثر مستقیم	اثر غیرمستقیم	اثر کل		اثر مستقیم	اثر غیرمستقیم	اثر کل	
۱۳۶۰-۱۳۷۰	۳۰/۶۶	-۴۸/۸۱	۱۳/۳۷	-۳۵/۴۴		-۲۰/۲۵	۵/۸۹	-۱۴/۳۶		۴۸/۸۱	-۱۳/۳۷	۳۵/۴۴	
۱۳۷۱-۱۳۸۰	-۹/۳۰	-۲۲/۶۶	-۶/۰۷	-۲۸/۷۳		-۲/۹۸	-۴/۲۷	-۷/۲۵		۲۷/۱۲	۵/۷۸	۳۲/۹۰	
۱۳۸۱-۱۳۸۹	-۴/۹۴	۲۵/۸۰	-۶/۶۹	۱۹/۱۰		۳۰/۲۶	-۵/۱۱	۲۵/۱۵		-۲۳/۶۹	۶/۷۴	-۱۶/۹۵	

منبع: یافته‌های پژوهش

متوسط شاخص‌های حمایت قیمتی، حمایت از تولیدکنندگان و مصرف‌کننـدگان در دورهٔ اجرای سیاسـت‌هـای ارزی در کشـور، در جـدول (۷-۴-۴-۵) آمـده اسـت. براساس شاخص‌های درصدی حمایت از تولیدکنندگان گوشت گاو در همهٔ دوره‌های ارزی، سیاست‌های بخشی در مقایسه با سیاست‌های ارزی در کل حمایـت‌هـا(PSE)

تـأثیر بیشـتری داشـته اسـت، زیـرا قـدرمطلق اثـر مسـتقیم همـواره بیشـتر از اثـر غیرمستقیم بوده است. در دهۀ ۱۳۶۰ به دلیل به‌کارگیری سیاست تثبیـت نـرخ ارز، انحراف از نـرخ تعـادلی بـه شـدت افـزایش یافـت و بـا بـیش‌بـرآورد ارزش ریـال از تولیدکنندگان حمایت شد، اما در این دوره آثار منفی سیاست‌های بخشـی از جملـه کم نگه داشتن قیمت داخلی در مقایسه با قیمت جهانی تا حدی زیـاد بـود کـه اثـر سیاست ارزی را خنثی و در مجموع حمایت کل از تولیدکننده را منفی کرد. در ایـن دوره با وجود انحراف شدید نرخ ارز، این سیاسـت‌هـا اثـر چشـمگیری در حمایـت از دامپروران نداشت. در دهۀ ۱۳۷۰ با برقـراری سیاسـت ارزی چنـد نرخـی، میـانگین اثرغیرمستقیم شاخص‌های حمایت از تولیدکنندگان منفی شد. سیاست‌های بخشـی نیز با وجود کاهش تصدی دولت در بازار نهـاده‌هـا و افـزایش قیمـت داخلـی غـلات موجود در جیرۀ دام در مقایسه با قیمت‌های جهانی آن، حمایت از تولیدکننـدگان را افـزایش داد. امـا میـانگین اثرغیرمسـتقیم نشـان مـی‌دهـد در ایـن دوره اثرگـذاری سیاست‌های ارزی متناسب با انحراف نرخ ارز بوده است. در دورۀ سوم سیاسـت‌هـای ارزی با برقراری نرخ ارز شناور مدیریت‌شده، انحراف نرخ ارز کاهش پیدا کـرد. کـم-برآورد ارزش ریال، با حمایت نکردن از تولیدکننده، اثر مثبت سیاست‌های بخشـی را تضـعیف کـرد. بـا وجـود ایـن، سیاسـت‌هـای بخشـی و ارزی ۳۰ درصـد درآمـد تولیدکنندگان در شرایط رقابتی از آنان حمایت کرد و به درآمـد آنـان افـزود. بـرای مصرف‌کنندگان سیاست‌های بخشی در دهۀ سـوم حمایـت‌کننـدۀ مصـرف‌کننـدگان گوشت گاو نبود و آنان را ناگزیر از پرداخت مالیات پنهان کرد.

به طور کلی شاخص‌های حمایت از گوشت گاو رونـد افزایشـی نوسـانی را در پـی اجرای سیاست‌های ارزی و بخشی نشان می‌دهند که به افزایش ریسک در طول زمان منجر می‌شود. در سال‌های نخست که سیاست‌هـای بخشـی حمایـت‌کننـده نبـوده، سیاست‌های ارزی نیز جبران‌کنندۀ کمبود حمایت نبوده و تنها در برنامۀ سوم توسعه،

سیاست‌های ارزی و بخشی تقویت‌کنندهٔ یکدیگر بوده‌اند. دربارهٔ گوشت گاو، حمایت قیمتی برآمده از سیاست‌های قیمتی در بیشتر سال‌ها عامل مهم در حمایت از تولیدکنندگان بوده است. افزایش قیمت داخلی در بازار نهاده‌ها در برنامه‌های سوم و چهارم توسعه بر حمایت‌های بودجه‌ای اثر منفی داشته است، اما یارانه‌های دارو و درمان و بیمه بر حمایت از تولیدکنندگان افزوده و اثر آن بر افزایش تولید مشاهده می‌شود. اجرای سیاست‌های باثبات، همسو و حمایت‌کنندهٔ بخشی و ارزی، مانند برنامهٔ سوم توسعه، می‌تواند به افزایش رقابت‌پذیری تولیدکنندگان گوشت گاو کمک کند. به عبارت دیگر، چگونگی ترکیب سیاست‌های ارزی و بخشی که برایند آن حمایت‌کنندهٔ دامپروران باشد، از اهمیت زیادی برخوردار است. یادآوری می‌شود، در کنار حمایت از تولیدکنندگان به کارگیری ابزارهای سیاستی حمایت‌کننده از مصرف‌کنندگان به منظور حفظ تعادل توزیع منافع بین عوامل بازار و کاهش زیان اجتماعی ضروری است.

براساس نتایج، اجرای سیاست‌های باثبات و بلندمدت برای پیشگیری از نوسان‌های قیمت محصول، نهاده‌ها و نرخ ارز و حمایت‌های بودجه‌ای توصیه می‌شود. با توجه به شفافیت بیشتر حمایت‌های بودجه‌ای، تأکید بر الگوی سیاستی حمایت‌های بودجه‌ای و تنوع سیاستی، افزون بر کاهش دخالت مستقیم دولت در بازار محصول، موجب حفظ انگیزهٔ دامپروران برای تولید و تأمین نیاز مصرف داخلی می‌شود و در نهایت امکان رقابت در بازارهای جهانی را فراهم می‌آورد. از این رو، تنوع‌بخشی به حمایت‌های بودجه‌ای مانند به‌کارگیری پرداخت‌های مستقیم و حمایت بیشتر از بیمهٔ درآمدی و یارانه‌های دارو و درمان می‌تواند مناسب باشد. تنظیم سیاست‌های ارزی و بخشی به گونه‌ای که همسو و تقویت‌کنندهٔ یکدیگر باشند، به هم‌افزایی می‌انجامد و با افزایش مزیت رقابتی، به رقابت‌پذیری جهانی تولیدکنندگان داخلی کمک می‌کند. به طوری که بهبود شاخص‌های حمایت از

تولیدکنندگان در برنامه‌های سوم و چهارم توسعه نشان می‌دهد، اجرای سیاست یکسان‌سازی نرخ ارز که تقویت‌کنندهٔ سیاست‌های بخشی بوده است، به همراه ایجاد تنوع در به‌کارگیری سیاست‌های قیمتی و بودجه‌ای موجب حمایت از تولیدکنندگان گوشت گاو می‌شود. مقایسهٔ اثر غیرمستقیم در دوره‌های ارزی ایران نشان می‌دهد، سیاست‌های ارزی با تغییرات و انحراف‌های نرخ ارز، بر حمایت از تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان اثرگذاری هماهنگی، دارند. با توجه به نتایج برآورد نرخ ارز در فصل سوم، افزایش درآمدهای نفتی موجب افزایش ارزش ریال تعادلی می‌شود که در صورت ثبات نرخ حقیقی ارز، رشد درآمدهای نفتی به نفع تولیدکنندگان است. همچنین بهره‌وری اقتصاد به عنوان شاخص پیشرفت فن‌آوری، بر نرخ تعادلی ارز و شاخص حمایت‌ها چنین اثری دارد که دولت با مدیریت این دو عامل می‌تواند حمایت از تولیدکنندگان گوشت گاو را افزایش دهد. در نهایت انتظار می‌رود، ترکیب سیاست‌های پولی، مالی، ارزی و بخشی به گونه‌ای باشد که برایند آن، حمایت‌کنندهٔ تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان گوشت گاو باشد.

۵-٤-۵ گوشت گوسفند

گوشت گوسفند، از محصولات زیربخش دامپروری است که با توجه به ارزش غذایی آن در تأمین پروتئین، بیشتر از ۳/۸ درصد هزینه‌های کل و ۱۵/۴ درصد از هزینه‌های خوراکی و آشامیدنی خانوار ایرانی را در سال ۱۳۸۹ تشکیل می‌داد (نتایج بررسی بودجهٔ خانوار شهری بانک مرکزی، ۱۳۹۰). مصرف گوشت قرمز در دههٔ ۱۳۸۰ در پی تبلیغات با هدف فرهنگ‌سازی مصرف گوشت سفید به دلیل کلسترول کمتر نسبت به گوشت قرمز و افزایش قیمت گوشت قرمز کاهشی بوده است، به طوری که از ۶۷ کیلوگرم در سال ۱۳۸۰ به ۴۷ کیلوگرم در سال ۱۳۸۹ برای خانوار[۱] رسیده است. با وجود اولویت مصرف گوشت گوسفند نسبت به گوشت گاو، به دلیل کیفیت، براساس گزارش مرکز آمار ایران گوشت گوسفند تنها ۲۷ درصد گوشت قرمز مصرفی کشور را شامل می‌شود. با توجه به اهمیت گوشت گوسفند در سلامت جامعه، سهم آن در سبد خوراکی خانوار و افزایش قیمت آن، بررسی حمایت از تولید و مصرف این محصول، به برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری کمک می‌کند.

در جدول (۱-۵-۴-۵) وضعیت تولید، عملکرد و تجارت گوشت گوسفند در ایران آمده است. با توجه به جدول، مشاهده می‌شود تعداد گوسفند پرواری پرورش‌یافته در برنامه‌های توسعه، روند افزایشی داشته است. در پی اجرای سیاست‌های حمایت قیمتی به شکل تعیین قیمت‌های سقف و کف توسط شورای اقتصاد و افزایش عملکرد، تولید گوشت گوسفند نیز مانند تعداد رأس برهٔ پرورش‌یافته روند افزایشی داشت و با وجود کاهش نسبی در سال ۱۳۸۲، از ۲۱۸ هزار تن در ابتدای برنامهٔ اول توسعه به ۳۶۰ هزار تن در سال ۱۳۸۹ رسید. عملکرد تولید، یعنی مقدار گوشت به دست آمده از هر رأس گوسفند پروراری، با توجه به نوع نژادهای پرورش‌یافته در

[۱]- در گزارش بررسی بودجهٔ خانوار سال ۱۳۸۹، میانگین بعد خانوار ۳/۷ نفر محاسبه شده است.

ایران به دوره تقسیم می‌شود. براین اساس در برنامهٔ اول توسعه عملکرد تولید گوشت تا سال ۱۳۷۷ حدود ۱۶ کیلوگرم و پس از آن در دههٔ ۱۳۸۰ حدود ۱۸ کیلوگرم بود. افزون بر عملکرد بیشتر، ممکن است دلیل تغییر نوع نژاد مقاومت آن در مقابل بیماری‌ها و سازگاری با شرایط باشد.

جدول ۱-۵-۴-۵) وضعیت تولید، عملکرد و تجارت گوشت گوسفند ایران

سال	تعداد گوسفند (میلیون رأس)	سهم از تعداد گوسفند جهان (درصد)	عملکرد (کیلوگرم در هر رأس)	نسبت عملکرد ایران به جهان	تولید گوشت گوسفند (هزار تن)	سهم از تولید جهان (درصد)	واردات گوشت گوسفند (هزار تن)	سهم از واردات (درصد)	ارزش واردات گوشت گوسفند (میلیون دلار)	سهم از ارزش واردات (درصد)
۱۳۶۸	۱۳/۶	۲/۹۸	۱۵/۹۹	۱/۰۷	۲۱۸	۳/۱۹	۴۸/۷۳	۵/۶۸	۹۶/۷۷	۵/۱۸
۱۳۶۹	۱۴/۹	۳/۲۰	۱۶/۰۰	۱/۰۶	۲۳۸	۳/۳۸	۱۵/۰۰	۱/۸۳	۳۰/۰۰	۱/۴۸
۱۳۷۰	۱۵/۳	۳/۲۳	۱۶/۰۰	۱/۰۶	۲۴۴	۳/۴۳	۶۵/۰۰	۷/۷۸	۱۱۳/۰۷	۵/۸۱
۱۳۷۱	۱۶/۱	۳/۴۴	۱۶/۰۰	۱/۰۶	۲۵۷	۳/۶۶	۵۲/۸۱	۶/۲۴	۹۹/۱۶	۴/۷۴
۱۳۷۲	۱۶/۶	۳/۵۵	۱۶/۰۰	۱/۰۵	۲۶۵	۳/۷۴	۲۴/۶۱	۳/۱۵	۳۴/۲۸	۱/۷۴
۱۳۷۳	۱۶/۹	۳/۵۷	۱۶/۰۰	۱/۰۵	۲۷۱	۳/۷۶	۱۱/۰۰	۱/۳۹	۱۳/۰۰	۰/۶۲
۱۳۷۴	۱۷/۳	۳/۵۷	۱۶/۰۰	۱/۰۷	۲۷۶	۳/۸۳	۶/۰۰	۰/۷۲	۷/۰۰	۰/۳۱
۱۳۷۵	۱۷/۵	۳/۷۰	۱۶/۰۰	۱/۰۷	۲۸۰	۳/۹۸	۳۰/۰۰	۳/۴۷	۴۵/۰۰	۱/۷۷
۱۳۷۶	۱۸/۸	۴/۰۱	۱۶/۰۱	۱/۰۴	۳۰۱	۴/۱۸	۱۱/۰۰	۱/۳۶	۱۷/۰۰	۰/۶۹
۱۳۷۷	۱۹/۳	۴/۰۵	۱۶/۰۱	۱/۰۳	۳۰۹	۴/۱۸	۲۰/۹۹	۲/۴۵	۳۸/۵۸	۱/۶۹
۱۳۷۸	۱۷/۸	۳/۶۹	۱۶/۵۰	۱/۰۶	۲۹۳	۳/۸۹	۲/۱۲	۰/۲۵	۲/۱۸	۰/۱۰
۱۳۷۹	۱۸/۶	۳/۷۵	۱۷/۵۰	۱/۱۲	۳۲۶	۴/۱۹	۰/۲۶	۰/۰۳	۰/۳۳	۰/۰۱
۱۳۸۰	۱۸/۵	۳/۷۳	۱۸/۰۰	۱/۱۵	۳۳۳	۴/۲۸	۰	۰	۰	۰
۱۳۸۱	۱۹/۲	۳/۸۵	۱۸/۰۰	۱/۱۵	۳۴۵	۴/۴۴	۰	۰	۰	۰
۱۳۸۲	۱۶/۹	۳/۳۶	۱۸/۰۰	۱/۱۷	۳۰۴	۳/۹۱	۰	۰	۰	۰
۱۳۸۳	۱۷/۳	۳/۴۴	۱۸/۰۳	۱/۱۶	۳۱۲	۳/۹۹	۰	۰	۰	۰
۱۳۸۴	۱۷/۷	۳/۴۲	۱۷/۹۷	۱/۱۶	۳۱۸	۳/۹۶	۰	۰	۰	۰
۱۳۸۵	۱۸/۳	۳/۴۱	۱۸/۰۳	۱/۱۷	۳۳۰	۳/۹۸	۰	۰	۰	۰
۱۳۸۶	۱۹/۲	۳/۵۲	۱۷/۹۷	۱/۱۴	۳۴۵	۴/۰۱	۰/۰۶	۰/۰۱	۰/۲۷	۰/۰۱
۱۳۸۷	۱۹/۲	۳/۵۲	۱۸/۰۲	۱/۱۵	۳۴۶	۴/۰۴	۰	۰	۰	۰
۱۳۸۸	۱۹/۹	۳/۶۵	۱۸/۰۰	۱/۱۴	۳۵۹	۴/۱۷	۰	۰	۰	۰
۱۳۸۹	۲۰/۰	۳/۶۹	۱۸/۰۰	۱/۱۴	۳۶۰	۴/۲۲	۷/۹۱	۰/۸۸	۵۲/۳۶	۱/۰۴

منبع: آمارنامه‌های گمرک جمهوری اسلامی ایران و سایت سازمان خواربار و کشاورزی جهانی ملل متحد(http://fao.org)

همان‌طور که در نمودار (۱-۵-۴-۵) مشاهده می‌شود سهم ایران از تعداد گوسفند پرواری و تولید گوشت گوسفند جهان تغییری نداشته و تنها جهش آن در برنامهٔ سوم توسعه در پی کاهش تصدی دولت در بازار محصولات دامی و اجرای سیاست‌های حمایت قیمتی بوده است. بیشتر بودن سهم تولیدگوشت از سهم تعداد گوسفند پروراری ، نشان‌دهندهٔ عملکرد بیشتر ایران نسبت به میانگین جهانی است. به طوری که در سال‌های ۸۹-۱۳۶۸ میانگین نسبت عملکرد ایران به کشورهای دیگر ۱/۱ بوده است.

براساس آمار گمرک ایران، صادرات گوشت گوسفند، در بعضی سال‌ها اندک بوده است، اما واردات گوشت گوسفند در دورهٔ ۸۹-۱۳۶۰ صورت پذیرفته است. بنابراین در جدول (۱-۵-۴-۵) چگونگی تغییرات واردات گوشت گوسفند بررسی شده است. واردات این محصول در برنامه‌های اول و دوم توسعه با نوسان زیادی روبه‌رو و در همهٔ سال‌ها وابستگی مصرف گوشت گوسفند در ایران اندک بوده است. در دههٔ ۱۳۸۰ با افزایش قیمت گوشت گوسفند در پی کاهش دخالت دولت در بازار نهاده‌ها و محصولات دامی، واردات گوشت گوسفند انجام نپذیرفت. شایان ذکر است بیشترین مقدار واردات در سال ۱۳۷۰ همزمان با کاهش دخالت دولت در بازار و توزیع محصولات دامی ۶۵ هزار تن بود. ارزش واردات گوشت گوسفند نیز با نوسان‌هایی مشابه مقدار واردات آن روبه‌رو بود و از سال ۱۳۷۸ هزینه‌ای برای آن پرداخت نشد. تنها در سال ۱۳۸۹ حدود ۵۲ میلیون دلار گوشت گوسفند وارد کشور شد که براساس نمودار (۱-۵-۴-۵) سهم ایران از ارزش واردات جهانی ۱/۰۴ درصد بود. میانگین سهم ایران از ارزش واردات جهانی این محصول در دو برنامهٔ نخست توسعه حدود ۲/۲ درصد بود که با سهم مقدار واردات گوشت گوسفند در این دوره تفاوت اندکی داشت و نشان‌دهندهٔ تفاوت اندک قیمت وارداتی ایران با میانگین قیمت جهانی و رقابتی بودن بازار جهانی این محصول است.

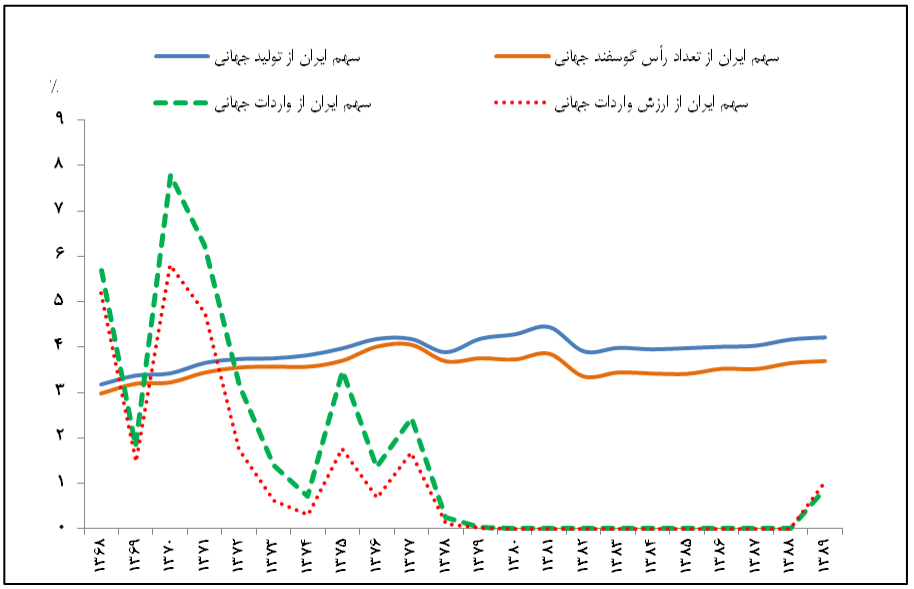

نمودار ۱-۵-۴-۵) سهم ایران از تولید، تعداد گوسفند پروراری، واردات و ارزش واردات جهانی گوشت گوسفند طی دورهٔ ۸۹-۱۳۶۸

با توجه به سهم ۳۱ درصدی زیربخش دامپروری در ارزش افزوده بخش کشاورزی براساس آمار بانک مرکزی ایران و نقش گوشت گوسفند در سبد مصرف خانوار، سیاست‌های حمایتی مختلفی به منظور افزایش تولید این محصول اجرا شده است. در دورهٔ جنگ دخالت دولت در بازار محصولات دامی بیشتر بود، به طوری که در بعضی موارد به طور مستقیم محصول را از تولیدکنندگان خریداری و با قیمت دولتی بین مردم توزیع می‌کرد. در برنامهٔ اول توسعه با اجرای سیاست‌های آزادسازی، دخالت دولت در زمینهٔ تولید و بازار این محصول کاهش یافت. از سال ۱۳۷۲ با اصلاح قانون خرید تضمینی از تولید این محصول حمایت شد و پس از آن در بعضی دوره‌ها نیز سیاست‌های قیمتی تعیین قیمت سقف و کف اجرا شد. در همهٔ سال‌ها بخش مهمی از نهاده‌های مورد نیاز توسط شرکت پشتیبانی امور دام با قیمتی کمتر از بازار آزاد داخلی و قیمت جهانی بین واحدهای دامپروری توزیع شده است که این

تفاوت قیمت توزیع‌شده با قیمت جهانی به عنوان یارانه در نظر گرفته می‌شود. آمار منتشرنشدهٔ این شرکت نشان می‌دهد، از سال ۱۳۸۰، توزیع نهاده‌های دامی کاهش چشمگیری پیدا کرد که نشان‌دهندهٔ کاهش نقش تصدی‌گری دولت در بازار نهاده-های دامی است. دولت همچنین با بیمهٔ محصولات کشاورزی و تسهیلات بانکی در دورهٔ مورد بررسی (۱۳۸۹-۱۳۶۰) از گوشت گوسفند حمایت کرده است، همچنین در بیشتر سال‌ها با کنترل قیمت‌ها و یارانهٔ مصرف از مصرف‌کنندگان گوشت گوسفند نیز حمایت شده است.

در ادامه، نتایج محاسبهٔ شاخص‌های حمایت از تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان گوشت گوسفند (CSE٪، MPS ٪ ، PSE٪) تجزیه و تحلیل می‌شود. همچنین، اثر سیاست‌های ارزی و انحراف نرخ ارز بر مقادیر حمایت از این محصول طی برنامه‌های اول تا چهارم توسعه بررسی می‌شود. از کارکردهای پژوهش‌های اقتصادی افزون بر تبیین و تحلیل وضیعت‌های گذشته و کنونی، پیش‌بینی آیندهٔ شاخص‌های اقتصادی برای برنامه‌ریزی است. از این رو با فرض ادامهٔ روند رشد تخصیص یارانه‌ها همانند برنامهٔ چهارم و پیش‌بینی قیمت‌ها با استفاده از روش‌های درون‌یابی و میانگین متحرک با روشی که برای محصولات دیگر بیان شد، شاخص‌های حمایت از تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان گوشت گوسفند در برنامهٔ پنجم پیش‌بینی می‌شود.

۱-۵-۴-۵ بررسی مقادیر حمایت بازاری از تولیدکنندگان گوشت گوسفند طی برنامه‌های توسعه

شاخص حمایت از قیمت بازاری (MPS) بیشتر بازتاب‌دهندهٔ سیاست‌های مؤثر بر قیمت و سیاست‌های ارزی است که به شکل ارزش پولی و درصدی محاسبه می‌شود. براساس روش‌شناسی بیان‌شده در فصل سوم این پژوهش این شاخص، نشان‌دهندهٔ انتقال به تولیدکنندگان از مصرف‌کنندگان، مالیات‌دهندگان و واردکنندگان است.

شاخص درصدی حمایت از قیمت بازاری نسبت تفاوت قیمت دریافتی تولیدکنندگان داخلی را با قیمت جهانی تعدیل شده با نرخ ارز حقیقی یا تعادلی به قیمت جهانی نشان می‌دهد. اگر قیمت جهانی با نرخ ارز حقیقی تعدیل شود، اثر مستقیم و اگر با نرخ ارز تعادلی تعدیل شود، اثر کل محاسبه می‌شود. تفاضل این دو اثر نشان‌دهندهٔ برایند سیاست‌های ارزی است که اثرغیرمستقیم نامیده می‌شود. نتایج محاسبات حمایت از قیمت بازاری، به قیمت‌های ثابت طی برنامه‌های اول تا چهارم توسعه و پیش‌بینی برنامهٔ پنجم برای محصول گوشت گوسفند در جدول (۲-۵-۴-۵) ارائه شده است.

براساس نتایج انحراف نرخ ارز که از نسبت تفاوت نرخ حقیقی ارز و نرخ تعادلی آن نسبت به نرخ تعادلی ارز محاسبه می‌شود، در دوره‌های مختلف متفاوت بوده است. برای محاسبهٔ نرخ حقیقی ارز، نرخ ارز اسمی(بازاری) در نسبت متوسط موزون شاخص سطح عمومی قیمت‌های مهم‌ترین شرکای تجاری ایران به سطح عمومی قیمت‌های ایران ضرب می‌شود. نرخ تعادلی با استفاده از الگوی اقتصادسنجی تصحیح خطا تابعی از متغیرهای بنیادین اقتصاد شامل رابطهٔ مبادله، قیمت جهانی طلا، درجهٔ باز بودن اقتصاد، درآمد نفتی کشور، بهره‌وری کل اقتصاد، نسبت نرخ بهرهٔ جهانی به نرخ بهره در ایران است که نرخ ارز ایران را در شرایط تعادل بلندمدت اقتصاد نشان می‌دهد.

در دورهٔ جنگ با کاهش درآمد نفتی و همزمان نیاز کشور به ارز، با بیش‌برآورد ارزش ریال نسبت به دلار توسط دولت، انحراف نرخ ارز در سال پایانی جنگ(۱۳۶۷) به ۸۹ درصد افزایش پیدا کرد. در برنامهٔ اول توسعه با کم‌برآورد ارزش ریال نسبت به نرخ تعادلی، انحراف نرخ ارز منفی بود و در سال‌های پایانی این برنامه به دلیل اجرای سیاست‌های آزادسازی اقتصادی مقدار آن افزایش یافت. در سال‌های نخست برنامهٔ دوم انحراف نرخ ارز حقیقی از مقدار تعادلی بلندمدت اقتصاد منفی و در سال‌های

بعد مثبت شد. در برنامهٔ سوم توسعه به منظور تشویق صادرات، سیاست بیش‌برآورد ارزش ریال دنبال شد، یعنی نرخ ارز تعادلی کمتر از نرخ حقیقی آن بود. همچنین نرخ ارز سالیانه با شیب ملایمی در حال رشد بود. در برنامهٔ چهارم نیز روند کاهش ارزش پول ملی ادامه داشت، اما رشد نرخ ارز تعادلی بیش از نرخ حقیقی آن بود. بنابراین سیاست‌های ارزی برنامهٔ چهارم موجب کم‌برآورد ارزش ریال شد.

براساس نتایج اثرمستقیم - بر حسب قیمت‌های ثابت سال پایهٔ ۱۳۸۴- حمایت بازاری از تولیدکنندگان گوشت گوسفند با وجود نوسان بسیار در جهت بهبود تغییر کرده است. در دورهٔ جنگ با اجرای سیاست‌های قیمتی ۱۷۹۵ میلیارد ریال به قیمت ثابت سال ۱۳۸۴ از تولیدکنندگان به مصرف‌کنندگان و واردکنندگان انتقال پیدا کرد. از دههٔ ۱۳۷۰ با رشد چشمگیر قیمت‌های داخلی در پی اجرای سیاست‌های تعدیل اقتصادی همزمان با کاهش قیمت جهانی، حمایت از تولیدکنندگان مثبت شد. در برنامهٔ سوم توسعه با وجود افزایش قیمت جهانی، با اجرای سیاست‌های قیمتی سقف و کف و یکسان‌سازی نرخ ارز، قیمت دریافتی تولیدکنندگان گوشت گوسفند بیشتر از قیمت مرجع تعدیل‌شده با نرخ حقیقی ارز بود و تولیدکنندگان به طور میانگین ۲۰۴۷ میلیارد ریال به قیمت ثابت سال ۱۳۸۴ حمایت شدند. در برنامهٔ چهارم با وجود افزایش قیمت خارجی و کاهش ارزش ریال میانگین حمایت از تولیدکنندگان به ۴۵۹۲ میلیارد ریال به قیمت سال ثابت ۱۳۸۴ افزایش پیدا کرد. حمایت از تولیدکنندگان به افزایش رقابت‌پذیری و انگیزهٔ تولید می‌انجامد که کاهش واردات گوشت گوسفند در برنامه‌های سوم و چهارم توسعه را می‌توان نتیجهٔ آثار حمایتی اجرای سیاست‌های قیمتی دانست. از آنجا که براساس آمار منتشرشدهٔ مرکز آمار ایران، قیمت داخلی در همهٔ سال‌های مورد بررسی این پژوهش روندی صعودی داشته است، نوسان شاخص حمایت از قیمت بازاری برآمده از نوسان نرخ ارز، قیمت جهانی و مقادیر تولید و مصرف گوشت گوسفند است. اثر

نوسان‌های قیمت جهانی در تغییرات حمایت‌ها در برنامه‌های دوم و سوم توسعه آشکار است که موجب افزایش ریسک و تأثیرپذیری تولیدکنندگان ایرانی از بازار جهانی، بدون امکان رقابت‌پذیری و بهره‌مندی از فرصت‌ها و منافع آن می‌شود.

حمایت قیمتی کل با نرخ ارز تعادلی، در برنامهٔ اول توسعه به دلیل کم‌برآورد شدید ارزش ریال کمترین مقدار را داشته است و دامپروران ۱۰۵۶ میلیارد ریال به قیمت ثابت سال ۱۳۸۴ مالیات پنهان پرداخت کرده‌اند که در برنامهٔ دوم توسعه با کاهش قیمت جهانی یارانه‌ها روند افزایشی پیدا کرد. در برنامهٔ سوم توسعه، انتقال از مصرف‌کنندگان و واردکنندگان به تولیدکنندگان با نرخ ارز تعادلی به طور میانگین، ۲۸۵۸ میلیارد ریال به قیمت ثابت سال ۱۳۸۴ محاسبه شد. افزایش حمایت از دامپروران در این برنامه، برآمده از روند افزایشی قیمت داخلی، همزمان با اجرای شناورسازی نرخ ارز و کاهش دخالت دولت در بازار نهاده‌های دامی، در این دوره است. مقایسهٔ اثرکل و اثرمستقیم نشان می‌دهد با اثرگذاری متغیرهای بلندمدت اقتصاد ایران، در برنامهٔ سوم توسعه از تولیدکنندگان گوشت گوسفند حمایت بیشتری شده است، در حالی که در برنامه‌های چهارم و پنجم توسعه با کم برآورد ارزش ریال اجرای سیاست‌های ارزی به زیان تولیدکنندگان بوده است و در سال‌های پایانی برنامهٔ پنجم توسعه ناگزیر از پرداخت مالیات پنهان خواهند بود.

جدول ۲-۵-۴-۵) شاخص‌های حمایت بازاری(MPS) از تولیدکنندگان گوشت گوسفند

برنامه های توسعه	درصد انحراف نرخ ارز	سال	ارزش اثرمستقیم به قیمت ثابت سال ۱۳۸۴ (میلیارد ریال)	ارزش اثر کل به قیمت ثابت سال ۱۳۸۴ (میلیارد ریال)	%MPS اثر مستقیم	%MPS اثر غیرمستقیم	%MPS اثر کل
دورهٔ جنگی	۲۶/۸۱	۱۳۶۰	۱۳۴۹	۲۴۷۱	۲۵/۳۰	۳۳/۳۸	۵۸/۶۷
	۳۸/۹۰	۱۳۶۱	-۱۴۱۹	۶۵۹	-۱۹/۰۵	۳۱/۳۱	۱۲/۲۶
	۳۸/۶۷	۱۳۶۲	-۱۹۴۷	۶۱	-۲۶/۹۱	۲۸/۰۹	۱/۱۷
	۴۷/۶۸	۱۳۶۳	-۲۸۹۰	-۳۵۱	-۳۶/۵۸	۳۰/۰۴	-۶/۵۵
	-۱۳/۱۶	۱۳۶۴	-۲۱۴۰	-۳۲۳۱	-۲۹/۵۷	-۹/۲۳	-۳۸/۸۰
	-۲/۷۱	۱۳۶۵	-۱۶۹۵	-۱۸۷۱	-۲۶/۷۵	-۱/۹۷	-۲۸/۷۲
	۷۵/۷۲	۱۳۶۶	-۲۴۶۲	۱۶۹	-۴۰/۰۳	۴۴/۸۳	۴/۸۰
	۸۹/۸۷	۱۳۶۷	-۳۱۵۱	-۲۱۲	-۵۰/۳۵	۴۳/۹۷	-۶/۳۸
	۳۷/۷۲	میانگین	-۱۷۹۵	-۲۸۸	-۲۵/۴۹	۲۵/۰۵	-۰/۴۴
برنامهٔ اول توسعهٔ اقتصادی و اجتماعی	۵۰/۶۲	۱۳۶۸	-۱۵۱۹	۱۶۲۱	-۱۶/۱۸	۴۲/۱۳	۲۵/۹۵
	-۴/۳۰	۱۳۶۹	-۲۹۱۰	-۳۴۱۲	-۲۵/۹۳	-۳/۱۷	-۲۹/۱۰
	-۱۰/۸۴	۱۳۷۰	۱۲۴۴	۲۰۴	۱۴/۴۴	-۱۲/۳۳	۲/۱۱
	-۴۷/۰۳	۱۳۷۱	۲۴۹۰	-۴۷۴۶	۳۰/۳۰	-۶۱/۰۲	-۳۰/۷۲
	-۵۱/۴۱	۱۳۷۲	۵۷۲۹	-۸۳۲	۹۱/۳۹	-۹۷/۸۷	-۶/۴۸
	-۴۱/۲۹	۱۳۷۳	۵۰۲۸	۸۲۷	۸۳/۱۳	-۷۵/۰۵	۸/۰۷
	-۱۷/۳۸	میانگین	۱۶۷۷	-۱۰۵۶	۲۹/۵۳	-۳۴/۵۵	-۵/۰۳
برنامهٔ دوم توسعهٔ اقتصادی و اجتماعی	-۳۱/۹۷	۱۳۷۴	۵۱۶۸	۲۲۸۰	۸۳/۴۴	-۵۸/۳۳	۲۵/۱۱
	-۱۶/۱۸	۱۳۷۵	۳۵۷۵	۲۲۵۳	۵۱/۷۳	-۲۴/۳۷	۲۷/۳۷
	-۰/۸۹	۱۳۷۶	۲۴۱۴	۲۳۵۱	۳۴/۳۶	-۱/۱۸	۳۳/۱۸
	۳۳/۱۵	۱۳۷۷	۳۴۳	۲۷۶۸	۳/۵۰	۳۴/۰۱	۳۷/۵۱
	۲۹/۱۰	۱۳۷۸	۴۳۶۱	۵۶۵۸	۷۵/۰۸	۵۰/۳۰	۱۲۵/۳۸
	۲/۶۴	میانگین	۳۱۷۲	۳۰۶۲	۴۹/۶۲	۰/۰۹	۴۹/۷۱
برنامهٔ سوم توسعهٔ اقتصادی و اجتماعی	۱۶/۹۶	۱۳۷۹	۵۳۲۲	۶۲۷۵	۸۰/۲۵	۳۰/۲۴	۱۱۰/۴۹
	۱۶/۵۴	۱۳۸۰	۸۵۵	۲۵۱۴	۷/۲۷	۱۷/۶۳	۲۴/۹۱
	۱۲/۹۹	۱۳۸۱	۲۵۹۷	۳۹۶۶	۲۱/۷۰	۱۵/۷۲	۳۷/۴۱
	۳/۸۵	۱۳۸۲	۱۴۶۴	۱۸۸۶	۱۲/۷۸	۴/۳۱	۱۷/۰۹
	-۲/۷۹	۱۳۸۳	-۴	-۳۵۱	-۰/۰۴	-۲/۷۷	-۲/۸۱
	۹/۵۱	میانگین	۲۰۴۷	۲۸۵۸	۲۴/۳۹	۱۳/۰۳	۳۷/۴۲
برنامهٔ چهارم توسعهٔ اقتصادی و اجتماعی	-۶/۱۸	۱۳۸۴	-۸۵۳	-۱۶۲۶	-۷/۲۲	-۵/۷۰	-۱۲/۹۲
	-۱۰/۷۰	۱۳۸۵	۱۱۰۹	-۱۶۳	۱۰/۳۹	-۱۱/۷۶	-۱/۳۷
	-۱۳/۰۹	۱۳۸۶	۲۸۱۰	۱۲۲۲	۲۶/۴۹	-۱۶/۴۷	۱۰/۰۲
	-۷/۷۴	۱۳۸۷	۳۷۳۲	۲۹۶۶	۴۰/۶۲	-۱۰/۸۲	۲۹/۸۰
	-۳/۳۲	۱۳۸۸	۹۲۷۸	۸۹۸۰	۱۰۶/۶۳	-۶/۸۳	۹۹/۸۱
	-۱۷/۴۵	۱۳۸۹	۱۱۴۷۴	۹۰۶۲	۱۰۰/۰۸	-۳۴/۷۷	۶۵/۳۰
	-۹/۷۵	میانگین	۴۵۹۲	۳۴۰۷	۴۶/۱۶	-۱۴/۳۹	۳۱/۷۷
پیش بینی برنامهٔ پنجم توسعهٔ اقتصادی و اجتماعی	-۱۹/۲۲	۱۳۹۰	۸۲۷۲	۵۸۹۲	۸۲/۱۷	-۳۴/۸۳	۴۷/۳۴
	-۲۱/۱۴	۱۳۹۱	۵۵۷۱	۱۹۲۵	۴۰/۷۷	-۲۹/۶۵	۱۱/۱۲
	-۲۳/۰۷	۱۳۹۲	۵۴۰۵	۹۵۳	۳۶/۲۵	-۳۱/۳۳	۴/۹۲
	-۲۴/۹۸	۱۳۹۳	۵۱۱۱	-۲۹۴	۳۱/۳۷	-۳۲/۷۲	-۱/۳۵
	-۲۲/۰۹	۱۳۹۴	۳۵۱۹	-۱۸۴۸	۱۸/۵۴	-۲۶/۱۳	-۷/۵۹
	-۲۲/۱۰	میانگین	۵۵۷۶	۱۳۲۶	۴۱/۸۲	-۳۰/۹۳	۱۰/۸۹

منبع: یافته‌های پژوهش

حمایت درصدی از قیمت بازاری (MPS٪) بر مبنای نرخ ارز حقیقی (اثر مستقیم) در دورهٔ جنگ به دلیل ثبات نسبی قیمت‌ها کاهشی بود و در سال ۱۳۶۷ تولیدکنندگان ایرانی نسبت به رقبای جهانی ۵۰ درصد کمتر دریافت کردند که نشان می‌دهد سیاست‌های قیمتی، دامپروران ایران را نسبت به قیمت پیش روی رقبای جهانی حمایت نکردند. در برنامهٔ اول توسعه با کاهش قیمت جهانی و اجرای سیاست‌های تعدیل اقتصادی حمایت از کشاورزان تا ۹۱ درصد درسال ۱۳۷۲ افزایش پیدا کرد، یعنی تولیدکنندگان حدود دو برابر درآمد خود در بازار جهانی دریافت کردند. در برنامه‌های دوم و سوم توسعه با اجرای سیاست‌های قیمت سقف و کف و شناورسازی نرخ ارز، به دلیل نوسان قیمت جهانی، حمایت از کشاورزان نوسانی و مثبت بود . در برنامهٔ چهارم توسعه با افزایش فزایندهٔ قیمت‌های داخلی گوشت گوسفند، حمایت از تولیدکنندگان این محصول افزایشی ودر سال ۱۳۸۹ برابر با همهٔ درآمد آنان در شرایط رقابت در بازار جهانی بود. با فروض بیان‌شده برای پیش‌بینی برنامهٔ پنجم، دامپروران با ادامهٔ سیاست‌های ارزی و بخشی به طور میانگین حدود ۴۲ درصد بیشتر از قیمت بازار جهانی دریافت می‌کنند و روند حمایت‌ها در این برنامه کاهشی خواهد بود.

بررسی اثرکل حمایت از قیمت بازاری نیز روندی مشابه اثرمستقیم را نشان می‌دهد و تعدیل قیمت جهانی با نرخ ارز تعادلی در برنامه‌های سوم و چهارم توسعه به ترتیب ۳۷ و ۳۱ درصد حمایت از تولیدکنندگان داخلی را بیان می‌کند. یعنی اگر نرخ ارز تعادلی برقرار بود، سیاست‌های بخشی قیمتی و ارزی به گونه‌ای می‌شد که تولیدکنندگان در مقابل رقبای خارجی خود حمایت می‌شدند که این در افزایش قدرت رقابت‌پذیری تولیدکنندگان گوشت گوسفند ایرانی و تأمین تقاضای داخلی محصول مؤثر است.

اثر غیرمستقیم که تفاضل اثرکل و اثرمستقیم است، نشان می‌دهد سیاست‌های ارزی تا چه اندازه تقویت‌کنندهٔ سیاست‌های بخشی در زمینهٔ قیمت محصول هستند. در سال‌هایی که نرخ حقیقی ارز بیش از نرخ ارز تعادلی است، حمایت قیمتی از تولیدکنندگان در پی اجرای سیاست ارزی مثبت است و برعکس. یادآوری می‌شود، انحراف نرخ ارز نسبت فاصلهٔ نرخ ارز حقیقی از تعادلی به نرخ ارز تعادلی است که به شکل درصدی بیان می‌شود. براساس جدول (۲-۵-۴-۵) تا سال ۱۳۷۰ اثرغیرمستقیم کمتر از انحراف نرخ ارز است که تأثیرگذاری اندک نرخ ارز را در تعیین قیمت داخلی نشان می‌دهد. در سال‌های جنگ، با وجود بیش برآورد ۳۷ درصدی ارزش ریال، درصد اثرغیرمستقیم به طور میانگین ۲۵ درصد بود. از سال ۱۳۷۱ با اجرای سیاست‌های آزادسازی نرخ ارز که انحراف نرخ ارز منفی و ارزش پول ملی کاهش بسیاری پیدا کرد، اثر غیرمستقیم نیز منفی شد. این بدین معنی است که در دورهٔ جنگ، تقویت پول ملی در حمایت قیمتی از تولیدکنندگان گوشت گوسفند اثر مثبت داشت، اما کاهش ارزش پول ملی کاهندهٔ حمایت بازاری از تولیدکنندگان بود. پس از یک دوره حمایت بازاری منفی از دامپروران در پی اجرای سیاست‌های تعدیل اقتصادی، حمایت از آنان از میانهٔ برنامهٔ دوم توسعه تا پایان برنامهٔ سوم مثبت بود؛ یعنی سیاست‌های ارزی تقویت‌کنندهٔ سیاست‌های بخشی بود. در برنامه‌های سوم و چهارم توسعه با آزادسازی نسبی بازار گوشت گوسفند، اثرپذیری قیمت داخلی آن از قیمت جهانی و نرخ ارز افزایش یافت که بیشتر بودن اثرغیرمستقیم از انحراف نرخ ارز را در پی داشت. مقایسهٔ مقادیر مطلق اثر غیرمستقیم و اثرمستقیم در MPS٪ نظم ویژه‌ای را نشان نمی‌دهد، در بعضی سال‌ها اثرمستقیم بیشتر از اثر غیرمستقیم بوده است که بیانگر نقش مهم‌تر سیاست‌های خاص بخش کشاورزی در چگونگی حمایت از تولیدکنندگان گوشت گوسفند در

مقایسه با سیاست‌های ارزی است و برعکس که به کارگیری سیاست‌های ترکیبی را امکان‌پذیر می‌کند.

۲-۵-۴-۵ بررسی مقادیر حمایت کل از تولیدکنندگان گوشت گوسفند طی برنامه‌های توسعه

براساس آنچه در فصل‌های پیشین بیان شد، حمایت از تولیدکنندگان، حمایت‌های بازاری(MPS) و پرداخت‌های بودجه‌ای(BP) را در برمی‌گیرد که در بخش قبل حمایت‌های بازاری از محصول گوشت گوسفند تحلیل شد. در این بخش با مرور سیاست‌های بازاری، سیاست‌های حمایتی اجراشده در ایران برای تولید گوشت گوسفند طی سه دهۀ ۸۹-۱۳۶۰ به طور خلاصه معرفی می‌شود:

۱- کنترل مقدار تولید محصولات از راه کنترل صدور مجوزها و پروانه‌های تولید؛

۲- تثبیت قیمت از راه کنترل عرضه و تقاضای محصول؛

۳- تعیین تعرفه‌های وارداتی و دریافت مابه التفاوت از واردات؛

۴- اجرای سیاست‌های قیمتی مانند قیمت‌های هدف، کف و سقف؛

۵- پرداخت یارانه‌های مصرفی؛

۶- پرداخت یارانه به نهاده‌های تولید (یارانه پرداختی به دارو و درمان، سوخت و خوراک دام)؛

۷- اعطای تسهیلات بانکی ارزان قیمت و

۸- پوشش بیمه‌ای و پرداخت بخشی از حق بیمه

افزون بر این سیاست‌ها، دولت با تأثیرگذاری بر بازاررسانی محصول، پرداخت یارانه‌های حمل‌ونقل، وضع مقررات بهداشتی، درجه‌بندی، بازرسی و کنترل کیفیت، ایجاد تسهیلات سردخانه و نگهداری به حمایت از بخش دامپروری می‌پردازد.

یارانه‌های تولیدی که در این بخش یارانه‌های بودجه‌ای نامیده می‌شود، با کاهش هزینهٔ تولید دامپروران از آنان حمایت می‌کند. این پرداخت‌ها کمتر به شکل پرداخت مستقیم یارانه بوده و به طور معمول به شکل سیاست‌های قیمتی در بازار نهاده و توزیع نهادهٔ ارزان‌قیمت است. از این رو بخش عمدهٔ حمایت بودجه‌ای از تولیدکنندگان ایرانی را حمایت‌های قیمتی در بازار نهاده در برمی‌گیرد که نرخ ارز در آن نقش چشمگیری دارد. یارانهٔ پرداختی به نهاده‌های مهم خوراک دام که برای گوشت گوسفند شامل جو، پنبه‌دانه و سبوس است براساس تفاوت قیمت داخلی و خارجی، مقدار مصرف نهاده برای محصول و سطح تولید با رابطهٔ زیر محاسبه می‌شود:

$$(p_w - p_d)\times Q\times A$$

که در آن p_d و p_w به ترتیب قیمت داخلی و قیمت خارجی تعدیل‌شده با نرخ ارز حقیقی یا تعادلی با افزودن هزینهٔ حمل و نقل نهاده‌ها، Q مقدار مصرف نهاده در هر کیلوگرم محصول بر حسب کیلوگرم و A تولید محصول بر حسب کیلوگرم است. یارانهٔ انرژی نیز براساس رابطهٔ بالا محاسبه می‌شود. اطلاعات مقدار مصرف انرژی بر حسب برق و گاز و نهاده‌های خوراک دام و ترکیب جیره از محاسبات کشوری معاونت دام و طیور وزارت جهاد کشاورزی استخراج شده است. تسهیلات اعطایی بانک‌ها نیز تا پیش از سال ۱۳۸۴ و یکسان‌سازی نرخ سود تسهیلات بخش‌های مختلف اقتصاد، به صورت تسهیلات ارزان‌قیمت به دامپروران پرداخت می‌شد که در محاسبات از تفاوت نرخ سود بخش کشاورزی و میانگین وزنی نرخ سود دیگر بخش‌های اقتصادی استفاده شده است.

نتایج محاسبهٔ این پرداخت‌ها با توجه به آنچه در بخش‌های قبل بیان شد، در جدول (۳-۵-۴-۵) آمده است. براساس آن حمایت‌های بودجه‌ای در قیمت‌های ثابت

سال ۱۳۸۴ از ۳۲۵۲ میلیارد ریال در دورهٔ جنگ، به ۵۱۵ میلیارد ریال در برنامهٔ چهارم کاهش پیدا کرده است. با توجه به روند افزایشی تولید گوشت گوسفند حمایت‌های بودجه‌ای دیگر به جز حمایت از انواع نهاده‌های خوراک دام روند افزایشی داشته است. در دههٔ ۱۳۸۰ با کاهش تصدی‌گری دولت در بازار نهاده‌ها و حمایت منفی از تولیدکنندگان گوشت گوسفند به دلیل افزایش قیمت داخلی نهاده‌های خوراک دام، حمایت بودجه‌ای از کشاورزان کاهش یافت. پیش‌بینی می‌شود در برنامهٔ پنجم توسعه ۲۸۵۷ میلیارد ریال به قیمت ثابت سال ۱۳۸۴ از تولیدکنندگان گوشت گوسفند حمایت بودجه‌ای صورت پذیرد. نهاده‌های خوراک دام و انرژی بیشترین سهم حمایت‌های بودجه‌ای را در برمی‌گیرند. تا سال ۱۳۸۱ سهم حمایت‌های مبتنی بر خوراک دام بیشتر از انرژی بود. از این سال با اجرای سیاست یکسان‌سازی نرخ ارز و افزایش تفاوت قیمت داخلی و جهانی سوخت سهم انرژی در حمایت بودجه‌ای از کشاورزان رشد چشمگیری پیدا کرد. پیش‌بینی می‌شود در برنامهٔ پنجم توسعه با وجود اجرای قانون هدفمندی یارانه‌ها و تعدیل قیمت انرژی، سهم حمایت‌های انواع خوراک دام بیشتر از انرژی باشد.

حمایت به شکل تسهیلات بانکی تا پیش از اجرای سیاست‌های تعدیل اقتصادی در سال ۱۳۷۲ رشد فزاینده داشت، به طوری که میانگین آن از ۵۴ میلیارد ریال در دورهٔ جنگ به ۱۹۸ میلیارد ریال به قیمت ثابت سال ۱۳۸۴ در برنامهٔ اول توسعه افزایش پیدا کرد. این روند از سال ۱۳۷۲ با کاهش و نوسان همراه بود، اما در برنامهٔ سوم توسعه افزایش یافت. در برنامهٔ چهارم به منظور هدایت سرمایه به بخش‌های پربازده، با کاهش تفاوت نرخ سود تسهیلات بانکی بخش‌های اقتصادی، از تولیدکنندگان گوشت گوسفند از راه پرداخت تسهیلات بانکی در مقایسه با دیگر بخش‌های اقتصادی حمایت نشد.

جدول ۳-۵-۴-۵) حمایت بودجه‌ای از تولیدکنندگان گوشت گوسفند در نرخ حقیقی ارز (میلیارد ریال- ثابت سال ۱۳۸۴)

برنامه های توسعه	سال	نهاده های خوراک دام و واکسن و دارو	انرژی	بیمه	تسهیلات بانکی	کل حمایت بودجه ای	سهم نهاده های خوراک دام(٪)	سهم انرژی(٪)
دوره جنگ	۱۳۶۰	۳۳۶۳/۳۸	۲۴۲/۸۸	۰/۰۰	۳۱/۱۶	۳۶۳۷/۴۲	۹۲/۴۷	۶/۶۸
	۱۳۶۱	۲۰۰۷/۳۹	۲۹۰/۰۸	۰/۰۰	۲۳/۳۶	۲۳۲۰/۸۳	۸۶/۴۹	۱۲/۵۰
	۱۳۶۲	۳۱۴۳/۸۸	۳۱۹/۵۱	۰/۰۰	۲۶/۱۹	۳۴۸۹/۵۸	۹۰/۰۹	۹/۱۶
	۱۳۶۳	۴۷۳۳/۳۷	۳۸۴/۰۹	۰/۰۰	۵۵/۵۰	۵۱۷۲/۹۶	۹۱/۵۰	۷/۴۳
	۱۳۶۴	۲۵۰۳/۰۰	۴۱۳/۶۷	۰/۰۰	۶۰/۷۴	۲۹۷۷/۴۱	۸۴/۰۷	۱۳/۸۹
	۱۳۶۵	۲۶۳۳/۳۳	۵۳۸/۴۵	۰/۰۰	۷۰/۹۵	۳۲۴۲/۷۴	۸۱/۲۱	۱۶/۶۰
	۱۳۶۶	۱۵۷۸/۳۰	۶۳۶/۷۶	۰/۰۰	۷۸/۴۲	۲۲۹۳/۴۸	۶۸/۸۲	۲۷/۷۶
	۱۳۶۷	۲۲۵۸/۸۳	۵۳۰/۴۹	۰/۰۰	۹۳/۴۵	۲۸۸۲/۷۶	۷۸/۳۶	۱۸/۴۰
	میانگین	۲۷۷۷/۶۸	۴۱۹/۴۹	۰/۰۰	۵۴/۹۷	۳۲۵۲/۱۵	۸۴/۱۳	۱۴/۰۵
برنامهٔ اول توسعهٔ اقتصادی و اجتماعی	۱۳۶۸	۴۷۱۴/۰۳	۵۹۸/۳۸	۰/۰۰	۱۷۶/۸۳	۵۴۸۹/۲۳	۸۵/۸۸	۱۰/۹۰
	۱۳۶۹	۶۲۶۵/۴۱	۹۳۳/۳۸	۰/۰۰	۲۸۲/۳۷	۷۴۸۱/۱۶	۸۳/۷۵	۱۲/۴۸
	۱۳۷۰	۴۱۹۵/۸۹	۶۶۱/۴۵	۰/۰۰	۲۸۱/۳۰	۵۱۳۸/۶۳	۸۱/۶۵	۱۲/۸۷
	۱۳۷۱	۳۱۷۷/۷۳	۵۶۶/۵۵	۰/۰۰	۲۰۶/۹۹	۳۹۵۱/۲۸	۸۰/۴۲	۱۴/۳۴
	۱۳۷۲	۱۹۲۳/۹۸	۴۹۵/۶۰	۰/۰۰	۱۲۵/۰۹	۲۵۴۴/۶۶	۷۵/۶۱	۱۹/۴۸
	۱۳۷۳	۲۰۸۳/۸۶	۶۴۰/۴۱	۰/۰۰	۱۱۸/۳۶	۲۸۴۲/۶۳	۷۳/۳۱	۲۲/۵۳
	میانگین	۳۷۲۶/۸۲	۶۴۹/۲۹	۰/۰۰	۱۹۸/۴۹	۴۵۷۴/۶۰	۸۰/۱۰	۱۵/۴۳
برنامهٔ دوم توسعهٔ اقتصادی و اجتماعی	۱۳۷۴	۲۹۰۹/۲۵	۶۶۶/۴۳	۰/۰۰	۸۰/۳۲	۳۶۵۶/۰۰	۷۹/۵۷	۱۸/۲۳
	۱۳۷۵	۳۲۷۸/۰۲	۶۵۷/۳۶	۰/۰۰	۹۶/۶۰	۴۰۳۱/۹۷	۸۱/۳۰	۱۶/۳۰
	۱۳۷۶	۲۷۲۵/۳۳	۵۶۴/۵۵	۶/۸۹	۷۴/۳۸	۳۳۷۱/۱۴	۸۰/۸۴	۱۶/۷۵
	۱۳۷۷	۲۹۴۳/۴۰	۴۹۹/۲۱	۶/۴۳	۷۲/۴۹	۳۵۲۱/۵۲	۸۳/۵۸	۱۴/۱۸
	۱۳۷۸	۱۸۱۶/۵۷	۸۵۶/۷۶	۳/۹۰	۸۳/۳۶	۲۷۶۰/۶۰	۶۵/۸۰	۳۱/۰۴
	میانگین	۲۷۳۴/۵۱	۶۴۸/۸۶	۳/۴۴	۸۱/۴۳	۳۴۶۸/۲۵	۷۸/۲۲	۱۹/۳۰
برنامهٔ سوم توسعهٔ اقتصادی و اجتماعی	۱۳۷۹	۱۳۹۵/۲۰	۹۷۷/۸۲	۷/۴۳	۸۴/۷۵	۲۴۶۵/۲۰	۵۶/۶۰	۳۹/۶۶
	۱۳۸۰	۱۲۲۷/۱۹	۶۵۲/۲۶	۱۵/۳۷	۹۶/۶۴	۱۹۹۱/۴۶	۶۱/۶۲	۳۲/۷۵
	۱۳۸۱	۱۶۷/۵۹	۷۵۲/۶۰	۱۶/۴۰	۱۴۳/۷۱	۱۰۸۰/۳۱	۱۵/۵۱	۶۹/۶۷
	۱۳۸۲	۲۰۲/۷۸	۷۱۲/۷۹	۵/۱۳	۱۴۷/۲۴	۱۰۶۷/۹۴	۱۸/۹۹	۶۶/۷۴
	۱۳۸۳	-۲۶۴/۱۲	۸۷۰/۴۰	۲۶/۴۲	۱۳۵/۰۲	۷۶۷/۷۱	۲۰/۳۸	۶۷/۱۶
	میانگین	۵۴۵/۷۳	۷۹۳/۱۷	۱۴/۱۵	۱۲۱/۴۷	۱۴۷۴/۵۲	۳۴/۶۲	۵۵/۲۰
برنامهٔ چهارم توسعهٔ اقتصادی و اجتماعی	۱۳۸۴	-۱۰۴/۰۵	۱۱۰۳/۶۳	۴۰/۵۲	۰/۰۰	۱۰۴۰/۱۱	۸/۳۴	۸۸/۴۲
	۱۳۸۵	-۷۳۳/۳۲	۱۰۹۰/۲۴	۶۲/۳۶	۰/۰۰	۴۱۹/۲۸	۳۸/۸۸	۵۷/۸۱
	۱۳۸۶	-۴۳۳/۹۷	۱۲۶۸/۴۳	۷۵/۰۱	۰/۰۰	۹۰۹/۴۷	۲۴/۴۲	۷۱/۳۶
	۱۳۸۷	-۵۷۳/۵۴	۸۵۹/۳۷	۵۶/۵۵	۰/۰۰	۳۴۲/۳۷	۳۸/۵۱	۵۷/۷۰
	۱۳۸۸	-۸۱۶/۸۴	۸۱۹/۲۸	۱۱۱/۰۴	۰/۰۰	۱۱۳/۴۸	۴۶/۷۵	۴۶/۸۹
	۱۳۸۹	-۷۱۱/۳۳	۹۱۰/۱۲	۶۹/۶۷	۰/۰۰	۲۶۸/۴۶	۴۲/۰۶	۵۳/۸۲
	میانگین	-۵۶۲/۱۷	۱۰۰۸/۵۱	۶۹/۱۹	۰/۰۰	۵۱۵/۵۳	۳۳/۱۶	۶۲/۶۷
پیش بینی برنامهٔ پنجم توسعهٔ اقتصادی و اجتماعی	۱۳۹۰	۶۸۰/۱۸	۸۴۹/۴۲	۷۴/۴۳	۰/۰۰	۱۶۰۴/۰۴	۴۲/۴۰	۵۲/۹۶
	۱۳۹۱	۱۳۳۰/۴۳	۱۱۵۱/۱۱	۸۵/۰۳	۰/۰۰	۲۵۶۶/۵۷	۵۱/۸۴	۴۴/۸۵
	۱۳۹۲	۱۴۱۰/۱۶	۱۲۷۷/۰۴	۹۸/۴۴	۰/۰۰	۲۷۸۵/۶۴	۵۰/۶۲	۴۵/۸۴
	۱۳۹۳	۱۵۹۲/۲۹	۱۴۱۳/۷۹	۱۱۴/۳۵	۰/۰۰	۳۱۲۰/۴۳	۵۱/۰۳	۴۵/۳۱
	۱۳۹۴	۲۴۰۷/۹۱	۱۶۶۹/۵۴	۱۳۳/۲۷	۰/۰۰	۴۲۱۰/۷۳	۵۷/۱۹	۳۹/۶۵
	میانگین	۱۴۸۴/۲۰	۱۲۷۲/۱۸	۱۰۱/۱۰	۰/۰۰	۲۸۵۷/۴۸	۵۰/۶۲	۴۵/۷۲

منبع: یافته‌های پژوهش

پرداخت سهم دولت در بیمهٔ محصول گوشت گوسفند نیز پس از آغاز در سال ۱۳۷۶، با نوسان همراه بود، اما در برنامه‌های توسعه افزایش یافت و در برنامهٔ چهارم توسعه به طور میانگین ۶۹/۱ میلیارد ریال ـــــ در قیمت‌های ثابت سال ۱۳۸۴ـــــ بود. با توجه به روند حمایت از بیمهٔ گوشت گوسفند در برنامهٔ چهارم توسعه، پیش-بینی می‌شود در برنامهٔ پنجم حمایت بیمه‌ای دولت از این محصول به ۱۰۱ میلیارد ریال به قیمت ثابت سال ۱۳۸۴ افزایش پیدا کند.

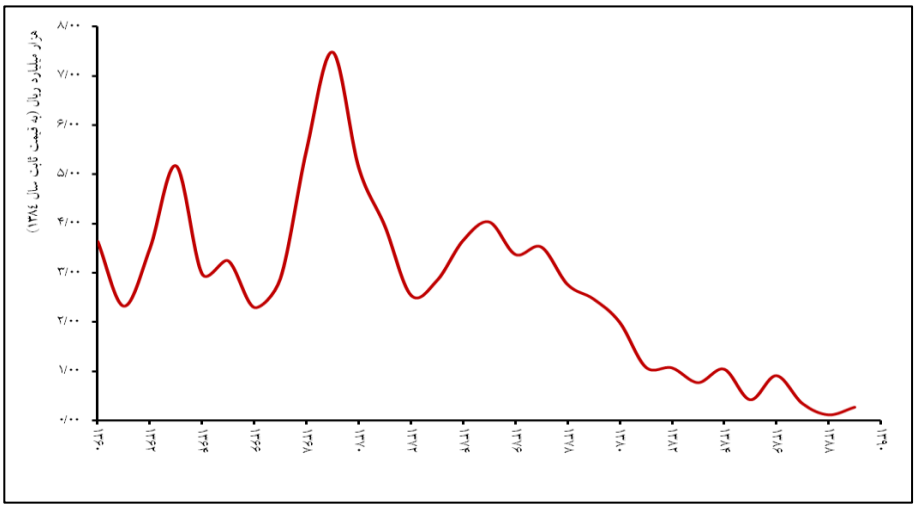

نمودار ۲-۵-۴-۵) نمودار روند پرداخت‌های بودجه‌ای دولت‌ها طی برنامه‌های مختلف توسعه

همان‌طور که در نمودار (۲-۵-۴-۵) مشاهده می‌شود، پرداخت‌های بودجه‌ای در قیمت‌های ثابت سال ۱۳۸۴ در سال‌های جنگ روند نوسانی داشت، اما در برنامهٔ اول در ابتدا افزایش وسپس کاهش پیدا کرد. پس ازیک دورهٔ افزایشی در برنامهٔ دوم، در برنامهٔ سوم توسعه، با وجود افزایش حمایت‌های بودجه‌ای واکسن و دارو همراه با افزایش تولید محصول، به دلیل کاهش دخالت دولت در بازار نهاده‌های خوراک دام،

حمایت بودجه‌ای از تولیدکنندگان کاهش یافت. در برنامهٔ چهارم توسعه به دلیل دریافت مالیات پنهان از تولیدکنندگان برای نهاده‌های خوراک دام، کاهش ارزش پول ملی و پرداخت نشدن یارانهٔ تسهیلات بانکی، حمایت بودجه‌ای از دامپروران کاهش بیشتری پیدا کرد.

پس از بررسی اجزای حمایت از تولیدکننده، یعنی حمایت قیمتی و پرداخت‌های بودجه‌ای در جدول (۴-۵-۴-۵) نتایج محاسبهٔ شاخص‌های حمایت از تولیدکننده آمده است. در این جدول نیز مانند جدول (۲-۵-۴-۵) انحراف نرخ ارز حقیقی از تعادلی در کنار شاخص‌های حمایت از تولیدکنندگان (PSE) در برنامه‌های توسعهٔ ایران بررسی می‌شود. میانگین انحراف نرخ ارز در دورهٔ جنگ و برنامه‌های دوم و سوم توسعه مثبت بوده است و بیش‌برآورد ارزش حقیقی ریال نسبت به ارزش تعادلی آن را نشان می‌دهد.

یکی از اهداف این پژوهش، بررسی اثر سیاست‌های ارزی و انحراف نرخ ارز بر مقادیر شاخص‌های حمایت از تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان (٪PSE، ٪MPS و ٪CSE) است که به این منظور اثرهای مستقیم، کل و غیرمستقیم براساس نرخ‌های ارز حقیقی و تعادلی محاسبه می‌شود. اثرمستقیم که در آن قیمت‌های جهانی مورد استفاده در محاسبه‌ها با نرخ ارز حقیقی تعدیل می‌شود، بیانگر وضعیت موجود حمایت از تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان گوشت گوسفند بر اثر سیاست‌های در حال اجرای زیربخش دامپروری و ارزی است. اثر کل، حمایت از آنان را در شرایط اعمال نرخ ارز تعادلی برآمده از متغیرهای کلان اقتصادی در بلندمدت نشان می‌دهد. اثرغیرمستقیم که حاصل تفاضل اثرکل و اثرمستقیم است، نشان‌دهندهٔ اثر سیاست‌های ارزی در چگونگی رقابت‌پذیری بلندمدت گوشت گوسفند نسبت به

رقبای جهانی است. اگر این شاخص مثبت باشد، یعنی سیاست‌های ارزی بر سطح رقابت‌پذیری بلندمدت تولیدکنندگان ایرانی می‌افزاید و برعکس.

شاخص برآورد حمایت از تولیدکننده (PSE) که مجموع حمایت از قیمت بازاری(MPS) و حمایت‌های بودجه‌ای(BP) را نشان می‌دهد، بیانگر آن است که سیاست‌های حمایتی به سمت حمایت از تولید و تولیدکننده در جریان است. براساس نتایج جدول (۴-۵-۴-۵) در بعضی سال‌های دورهٔ جنگ تولیدکنندگان گوشت گوسفند ناگزیر از پرداخت مالیات پنهان بودند، اما در همهٔ دوره‌ها به طور میانگین از آنان حمایت شد؛ پس از جنگ با اجرای سیاست‌های آزادسازی حمایت از تولیدکنندگان گوشت گوسفند بهبود پیدا کرد. در برنامه‌های سوم و چهارم توسعه همزمان با اجرای سیاست شناورسازی نرخ ارز، با کاهش تصدی دولت در بازار نهاده، اجرای سیاست‌های تعیین قیمت سقف و کف و کاهش قیمت جهانی، تولیدکنندگان گوشت گوسفند حمایت شدند. به طوری که در برنامه‌های سوم و چهارم به ترتیب ۳۵۲۱ و ۵۱۰۷ میلیارد ریال به قیمت ثابت سال ۱۳۸۴ بیشتر از درآمد خود در بازار جهانی دریافت کردند که اثر آن بر افزایش تولید در این برنامه‌ها و بی‌نیازی از واردات مشاهده می‌شود. مقایسهٔ نتایج جدول‌های (۴-۵-۴-۵)، (۳-۵-۴-۵) و (۲-۵-۴-۵) نشان می‌دهد در سال‌های پایانی دورهٔ بررسی سهم حمایت‌های قیمتی در کل حمایت از تولیدکننده بیشتر از حمایت‌های بودجه‌ای بوده است. در برنامهٔ سوم توسعه با کاهش شکاف قیمت داخلی و خارجی گوشت گوسفند و رشد پرداخت‌های بودجه‌ای به دلیل افزایش تفاوت قیمت سوخت در داخل کشور با رشد قیمت جهانی و پرداخت یارانهٔ واکسن و دارو، سهم حمایت‌های بودجه‌ای بیشتر شده است که در مجموع بهبود حمایت از تولیدکنندگان گوشت گوسفند را در پی داشته است. اما در برنامهٔ چهارم توسعه با کاهش حمایت‌های بودجه‌ای و افزایش شکاف قیمت داخلی و خارجی محصول اثرگذاری سیاست‌های قیمتی تقویت شد.

در جدول (۴-۵-۴-۵) شاخص حمایت از تولیدکنندگان براساس نرخ ارز تعادلی(اثرکل) به جز سال‌های ۶۷-۱۳۶۶ و ۱۳۸۴، در همهٔ دوره‌ها مثبت بوده و حمایت‌های بودجه‌ای، جبران‌کنندهٔ اثر منفی حمایت قیمتی بوده است. در برنامهٔ سوم توسعه همزمان با اجرای سیاست یکسان‌سازی نرخ ارز در سال ۱۳۸۱ و کاهش تصدی دولت در بازار نهاده‌های دامی، تولیدکنندگان گوشت گوسفند به طور میانگین ۳۹۱۳ میلیارد ریال به قیمت ثابت سال ۱۳۸۴ بیشتر از درآمد خود در شرایط برقراری قیمت رقابتی بازار جهانی دریافت کرده‌اند که در مقایسه با اثرمستقیم نشان می‌دهد در آن دوره اعمال نرخ ارز تعادلی برآمده از متغیرهای بنیادین اقتصاد ایران حمایت بیشتری از دامپروران در بر داشته است. در برنامهٔ پنجم توسعه به دلیل کم‌براورد نرخ ارز، حمایت از کشاورزان کمتر از اثرمستقیم خواهد بود.

شاخص حمایت درصدی از تولیدکننده (PSE٪) به دلیل آن‌که نسبت به تورم، مقیاس و واحد پولی خنثی است، مقایسهٔ بهتری از حمایت را در طول زمان، بین کشورها و همچنین کالاهای مختلف، امکان‌پذیر می‌سازد. نتایج محاسبهٔ این شاخص در جدول (۴-۵-۴-۵) مشاهده می‌شود. براساس میانگین ۲۳ درصد شاخص PSE٪ که با رهیافت تجارت‌محور و نرخ حقیقی ارز برای دورهٔ جنگ محاسبه شده است، مقدار دریافتی تولیدکننده ۲۳ درصد از آنچه می‌توانست با فروش محصولش با قیمت جهانی به دست آورد، بیشتر بوده است. میانگین این شاخص با نرخ ارز حقیقی در برنامهٔ چهارم توسعه ۵۰/۹ درصد برآورد شده است؛ یعنی در طول این برنامه نیمی از درآمد محصول تولیدکنندگان به قیمت جهانی، در پی اجرای سیاست‌های قیمتی و بودجه‌ای به درآمد آنان افزوده شده است.

برنامه های توسعه	درصد انحراف نرخ ارز	سال	ارزش اثرمستقیم به قیمت ثابت سال ۱۳۸٤ (میلیارد ریال)	ارزش اثر کل به قیمت ثابت سال ۱۳۸٤ (میلیارد ریال)	%PSE اثر مستقیم	%PSE اثر غیرمستقیم	%PSE اثر کل
دورهٔ جنگی	۲٦/۸۱	۱۳٦۰	٤۹۸٦	٤۹۲٤	۹۳/٥۱	۲۳/٤۳	۱۱٦/۹٤
	۳۸/۹۰	۱۳٦۱	۹۰۱	۱٤۱٦	۱۲/۱۰	۱٤/۲٦	۲٦/۳٦
	۳۸/٦۷	۱۳٦۲	۱٥٤۳	۱۷۷۸	۲۱/۳۳	۱۲/۷۰	۳٤/۰۳
	٤۷/٦۸	۱۳٦۳	۲۲۸۳	۲۰۰۷	۲۸/۸۹	۸/٥٤	۳۷/٤۳
	-۱۳/۱٦	۱۳٦٤	۸۳۷	٦۷۰	۱۱/٥٦	-۳/٥۱	۸/۰٥
	-۲/۷۱	۱۳٦٥	۱٥٤۸	۱٥۳۹	۲٤/٤۲	-۰/۷۸	۲۳/٦۳
	۷٥/۷۲	۱۳٦٦	-۱٦۹	-٥۹	-۲/۷٥	۱/۰۷	-۱/٦۸
	۸۹/۸۷	۱۳٦۷	-۲٦۸	-٤۲۸	-٤/۲۸	-۸/٦۲	-۱۲/۹۰
	۳۷/۷۲	میانگین	۱٤٥۸	۱٤۸۱	۲۳/۱۰	٥/۸۹	۲۸/۹۸
برنامهٔ اول توسعهٔ اقتصادی و اجتماعی	٥۰/٦۲	۱۳٦۸	۳۹۷۰	٤۰۳۹	٤۲/۲۹	۲۲/۳٥	٦٤/٦٥
	-٤/۳۰	۱۳٦۹	٤٥۷۱	٤٥۳۷	٤۰/۷۳	-۲/۰۳	۳۸/۷۰
	-۱۰/۸٤	۱۳۷۰	٦۳۸۳	٦۳۰٥	۷٤/۰۹	-۸/۷۸	٦٥/۳۱
	-٤۷/۰۳	۱۳۷۱	٦٤٤۱	٤۸٦۷	۷۸/٤۰	-٤٦/۹۰	۳۱/٤۹
	-٥۱/٤۱	۱۳۷۲	۸۲۷٤	۸۰۷۱	۱۳۱/۹۷	-٦۹/۰۷	٦۲/۹۰
	-٤۱/۲۹	۱۳۷۳	۷۸۷۱	۸۱٥۰	۱۳۰/۱۲	-٥۰/٦۱	۷۹/٥۱
	-۱۷/۳۸	میانگین	٦۲٥۲	٥۹۹٥	۸۲/۹۳	-۲٥/۸٤	٥۷/۰۹
برنامهٔ دوم توسعهٔ اقتصادی و اجتماعی	-۳۱/۹۷	۱۳۷٤	۸۸۲٤	۹۰۸٥	۱٤۲/٤٦	-٤۲/٤۲	۱۰۰/۰۳
	-۱٦/۱۸	۱۳۷٥	۷٦۰۷	۷٦۹۰	۱۱۰/۰۸	-۱٦/٦۷	۹۳/٤۱
	-۰/۸۹	۱۳۷٦	٥۷۸٥	٥۷۷۸	۸۲/۳٥	-۰/۸۳	۸۱/٥۳
	۳۳/۱٥	۱۳۷۷	۳۸٦٥	٤۷۳٥	۳۹/٤۳	۲٤/۷٥	٦٤/۱۸
	۲۹/۱۰	۱۳۷۸	۷۱۲۲	۷۲٤۰	۱۲۲/٦۰	۳۷/۸٤	۱٦۰/٤٤
	۲/٦٤	میانگین	٦٦٤۰	٦۹۰٦	۹۹/۳۸	۰/٥۳	۹۹/۹۲
برنامهٔ سوم توسعهٔ اقتصادی و اجتماعی	۱٦/۹٦	۱۳۷۹	۷۷۸۸	۷۹۱٤	۱۱۷/٤۲	۲۱/۹۳	۱۳۹/۳٥
	۱٦/٥٤	۱۳۸۰	۲۸٤٦	۳۷٤۷	۲٤/۲۲	۱۲/۹۰	۳۷/۱۳
	۱۲/۹۹	۱۳۸۱	۳٦۷۷	٤٥٥٤	۳۰/۷۲	۱۲/۲٤	٤۲/۹۷
	۳/۸٥	۱۳۸۲	۲٥۳۲	۲۸۰۱	۲۲/۱۰	۳/۲۹	۲٥/۳۹
	-۲/۷۹	۱۳۸۳	۷٦۳	٥٤۸	٦/۲۹	-۱/۹۰	٤/۳۹
	۹/٥۱	میانگین	۳٥۲۱	۳۹۱۳	٤۰/۱٥	۹/٦۹	٤۹/۸٤
برنامهٔ چهارم توسعهٔ اقتصادی و اجتماعی	-٦/۱۸	۱۳۸٤	۱۸۷	-۲٦٤	۱/٥۹	-۳/٦۸	-۲/۱۰
	-۱۰/۷۰	۱۳۸٥	۱٥۲۸	٦٦٥	۱٤/۳۲	-۸/۷٦	٥/٥۷
	-۱۳/۰۹	۱۳۸٦	۳۷۲۰	۲۷۷۹	۳٥/۰۷	-۱۲/۲۸	۲۲/۷۹
	-۷/۷٤	۱۳۸۷	٤۰۷٤	۳٦۲۷	٤٤/۳٤	-۷/۹۱	۳٦/٤٤
	-۳/۳۲	۱۳۸۸	۹۳۹۱	۹۱۸٤	۱۰۷/۹٤	-٥/۸٦	۱۰۲/۰۷
	-۱۷/٤٥	۱۳۸۹	۱۱۷٤۲	۱۰۰۰۰	۱۰۲/٤۲	-۳۰/۳٦	۷۲/۰٦
	-۹/۷٥	میانگین	٥۱۰۷	٤۳۳۲	٥۰/۹٥	-۱۱/٤۷	۳۹/٤۷
پیش بینی برنامهٔ پنجم توسعهٔ اقتصادی و اجتماعی	-۱۹/۲۲	۱۳۹۰	۹۸۷٦	۸٤٥۱	۹۸/۱۰	-۳۰/۲۱	٦۷/۸۹
	-۲۱/۱٤	۱۳۹۱	۸۱۳۷	٥۸۰۲	٥۹/٥٦	-۲٦/۰٤	۳۳/٥۲
	-۲۳/۰۷	۱۳۹۲	۸۱۹۱	٥۲۷۲	٥٤/۹٤	-۲۷/۷۱	۲۷/۲۳
	-۲٤/۹۸	۱۳۹۳	۸۲۳۱	٤٦۱٥	٥۰/٥۲	-۲۹/۲٥	۲۱/۲۷
	-۲۲/۰۹	۱۳۹٤	۷۷۳۰	٤۰۷۱	٤۰/۷۲	-۲٤/۰۰	۱٦/۷۲
	-۲۲/۱۰	میانگین	۸٤۳۳	٥٦٤۲	٦۰/۷۷	-۲۷/٤٤	۳۳/۳۳

منبع: یافته‌های پژوهش

در این برنامه سیاست‌های حمایتی موجب حمایت مثبت از تولیدکننده شده و دریافتی او را نسبت به بازار جهانی افزایش داده است. در دورهٔ جنگ به علت اهمیت گوشت گوسفند در سبد خوراکی خانوار، سیاست‌ها به منظور کم نگه داشتن قیمت داخلی آن بود و دامپروران در سال‌های پایانی این دوره ناگزیر از پرداخت مالیات پنهان بودند. پس از آن در برنامه‌های اول و دوم توسعه با اجرای سیاست‌های آزادسازی و کاهش نقش دولت در خرید مستقیم محصول و توزیع آن به دلیل کاهش ارزش پول ملی، میانگین حمایت‌ها در آنها به ترتیب ۸۲ و ۹۹ درصد بود که نشان می‌دهد سیاست‌های بخشی و ارزی در این برنامه‌ها درآمد تولیدکنندگان را حدود دو برابر کرده است. به طور میانگین در برنامهٔ سوم، همزمان با کاهش دخالت دولت در بازار نهاده‌های دامی (کاهش سهم توزیع نهاده‌ها توسط شرکت خدمات پشیبانی امور دام) و شناورسازی نرخ ارز، تولیدکنندگان گوشت گوسفند حمایت شدند و حمایت‌ها ۴۰ درصد از درآمد آنان را در شرایط رقابت با قیمت بازار جهانی پوشش داد که به درآمد آنان افزوده شد. آثار اجرای همزمان سیاست‌های حمایتی ارزی، قیمتی و بودجه‌ای در برنامه‌های توسعه در روند افزایشی تولید محصول نمایان است و به نظر می‌رسد چنانچه سیاست‌های حمایت‌کنندهٔ محصول هدفمند و منظم به‌کار گرفته شود، در تنظیم قیمت بازار داخلی و ادامهٔ خودکفایی اثرگذار است.

میانگین اثر کل که مجموع اثر سیاست‌های بخشی و کلان اقتصادی (سیاست‌های ارزی) در حمایت از تولیدکنندگان گوشت گوسفند را نشان می‌دهد، در برنامهٔ دوم بیشترین مقدار را داشته و در برنامه‌های سوم و چهارم توسعه مثبت بوده است. یعنی دامپروران با اجرای این سیاست‌ها حدود نیمی از دریافتی خود بدون اجرای سیاست‌ها با قیمت‌های جهانی تعدیل‌شده با نرخ ارز تعادلی را مالیات پرداخته‌اند. در برنامهٔ چهارم توسعه با وجود کم‌برآورد ارزش ریال و اثر منفی حمایت‌های بودجه‌ای در پی افزایش قیمت محصولات کشاورزی موجود در خوراک دام، تولیدکنندگان

گوشت گوسفند ۳۹ درصد بیشتر از رقبای خود در بازار جهانی دریافت کردند. پیش-بینی می‌شود در برنامهٔ پنجم توسعه حمایت از دامپروران ۳۳ درصد از درآمد آنان در شرایط رقابت جهانی باشد. نوسان در حمایت‌ها در برنامه‌های توسعه موجب کاهش توانایی برنامه‌ریزی دامپروران داخلی می‌شود و در کاهش رقابت‌پذیری و انگیزهٔ تولید آنان مؤثر است.

میانگین اثر غیرمستقیم PSE٪ که نشان‌دهندهٔ اثر سیاست‌های ارزی بر مقدار حمایت از تولیدکنندگان گوشت گوسفند است، در دورهٔ جنگ و برنامه‌های دوم و سوم توسعه مثبت و در دیگر برنامه‌ها منفی بوده است. بیشترین حمایت منفی برآمده از سیاست‌های ارزی در برنامهٔ اول توسعه رخ داده است. در برنامهٔ دوم توسعه در پی اجرای سیاست‌های ارزی میانگین حمایت از تولیدکنندگان ۰/۵۳ درصد است که نشان‌دهندهٔ اثر اندک سیاست‌ها بر تولیدکنندگان است. در برنامهٔ سوم توسعه که نرخ ارز حقیقی بیشتر از نرخ ارز تعادلی بوده است، بیش‌برآورد ارزش ریال موجب حمایت ۹/۶ درصدی از تولیدکنندگان، متناسب با انحراف نرخ ارز شده است. در سال ۱۳۶۷ به دلیل اثر منفی و بیشتر بیش‌برآورد ارزش ریال بر حمایت‌های بودجه-ای نهاده‌های خوراک دام و انرژی در مقایسه با حمایت‌های قیمتی گوشت گوسفند، علامت اثرغیرمستقیم متناظر با انحراف نرخ ارز نبود. در برنامه‌های دوم و سوم توسعه سیاست‌های ارزی تقویت‌کنندهٔ اثر سیاست‌های بخشی بوده و در برنامه‌های اول و چهارم توسعه سیاست‌های ارزی، اثر سیاست‌های بخشی را در حمایت از تولیدکنندگان تضعیف کرده است. به طوری که در برنامه‌های اول و چهارم توسعه کم‌برآورد ارزش ریال، اثر حمایتی سیاست‌های بخشی را خنثی کرده است. مقادیر مطلق اثرمستقیم، در برنامه‌های توسعه بیشتر از اثر غیرمستقیم است. به بیان دیگر، اثرگذاری سیاست‌های ارزی کمتر از سیاست‌های بخشی بوده است. یعنی در مجموع کل حمایت از تولیدکنندگان گوشت گوسفند بر حسب علامت شاخص، سیاست‌های

ارزی تقویت یا تضعیف‌کنندهٔ سیاست‌های بخشی بوده و نقش کمتری داشته است. همچنین در بیشتر سال‌های بررسی اثرغیرمستقیم کمتر از انحراف نرخ ارز است. یعنی اثر سیاست‌های ارزی به طور کامل به تولیدکنندگان گوشت گوسفند منتقل نمی‌شود.

۳-۵-۴-۵ بررسی مقادیر حمایت از مصرف‌کنندگان گوشت گوسفند طی برنامه‌های توسعه

شاخص حمایت از مصرف‌کنندگان نشان‌دهندهٔ انتقال‌های قیمتی از مصرف‌کنندگان به تولیدکنندگان، مالیات‌دهندگان به مصرف‌کنندگان و دیگر انتقال‌ها به مصرف‌کنندگان است. دربارهٔ محصول گوشت گوسفند، از آنجا که پرداختی به مصرف‌کنندگان از راه بودجهٔ سالانهٔ دولت(مالیات‌دهندگان) انجام نپذیرفته است، براساس روابط فصل سوم در مورد محاسبهٔ CSE، مقدار شاخص درصدی آن برابر با شاخص درصد حمایت از قیمت بازاری تولیدکنندگان و تنها نشان‌دهندهٔ حمایت بازاری از مصرف‌کنندگان است. در جدول (۶-۵-۴-۵) مقادیر شاخص حمایت درصدی مصرف‌کنندگان گوشت گوسفند (CSE٪) طی دورهٔ مورد بررسی (۸۹-۱۳۶۰) گزارش شده است.

همان‌طور که پیش از این مشاهده شد، انحراف نرخ ارز تا سال ۱۳۶۸ به جز دو سال مثبت بود و پس از آن با اجرای سیاست‌های آزادسازی تا سال ۱۳۷۶ نرخ واقعی ریال کمتر از نرخ تعادلی آن برآورد شد. از این سال با بیش‌برآورد ارزش ریال، انحراف نرخ ارز روند کاهشی پیدا کرد و در سال ۱۳۸۳ با کاهش چشمگیر ارزش تعادلی پول ملی نسبت به ارزش حقیقی آن، انحراف نرخ ارز منفی شد. همچنین پیش‌بینی می‌شود روند کم‌برآورد ارزش حقیقی ریال در برنامهٔ پنجم توسعه نیز ادامه پیدا کند.

بررسی ارزش حمایت مستقیم از مصرف‌کنندگان گوشت گوسفند برحسب قیمت‌های ثابت سال ۱۳۸۴، بیانگر آن است که حمایت از مصرف‌کنندگان روند کاهشی داشته است، به طوری که با وجود افزایش مصرف، از ۲۶۸۳ میلیارد ریال در دورهٔ جنگ به ۴۶۳۰- میلیارد ریال در برنامهٔ چهارم رسیده است. در طی دورهٔ ۸۹-۱۳۶۰حمایت از مصرف‌کنندگان با وجود ثبات قیمت داخلی و رشد مصرف، به دلیل تغییرات قیمت جهانی، نوسانی بود. در دو برنامهٔ نخست توسعه همزمان با اجرای سیاست‌های آزادسازی در کشور حمایت از مصرف‌کنندگان با وجود نوسان کاهش پیدا کرد. در برنامهٔ سوم توسعه با افزایش قیمت جهانی، با وجود کاهش دخالت دولت در بازار نهاده و محصول مالیات تحمیل شده بر مصرف‌کنندگان ادامه کاهش یافت، به طوری که در سال‌های ۸۴-۱۳۸۳ حمایت از آنان مثبت شد. اما در برنامهٔ چهارم توسعه با افزایش قیمت داخلی، مصرف‌کنندگان ناگزیر از پرداخت مالیات پنهان شدند.

حمایت از مصرف‌کنندگان گوشت گوسفند، برحسب نرخ ارز تعادلی نیز روندی مشابه داشته و در سه برنامهٔ اخیر و بعضی سال‌های دورهٔ جنگ و برنامهٔ اول توسعه، منفی بوده است، یعنی مصرف‌کنندگان گوشت گوسفند در پی اجرای سیاست‌های بخشی و ارزی بیشتر از مصرف‌کنندگان جهانی هزینه کرده‌اند. در برنامهٔ اول توسعه با کم‌برآورد ارزش ریال بیشترین حمایت از مصرف‌کنندگان گوشت گوسفند صورت پذیرفت. یعنی منافع مصرف آنان در شرایط برقراری نرخ ارز تعادلی بلندمدت اقتصاد بیشتر از شرایط اجرای سیاست‌های ارزی و بخشی بود. در برنامهٔ دوم توسعه، کاهش قیمت جهانی و رشد قیمت داخلی، حمایت از مصرف‌کنندگان روند کاهشی پیدا کرد و در برنامهٔ سوم توسعه در شرایط اثرگذاری متغیرهای بنیادین اقتصاد ۲۸۵۷ میلیارد ریال به قمیت ثابت سال ۱۳۸۴ مالیات پنهان بر مصرف‌کنندگان گوشت گوسفند تحمیل شد

جدول ۶-۵-۴-۵) شاخص‌های حمایت از مصرف‌کنندگان گوشت گوسفند

برنامه های توسعه	درصد انحراف نرخ ارز	سال	ارزش اثرمستقیم به قیمت ثابت سال ۱۳۸٤ (میلیارد ریال)	ارزش اثر کل به قیمت ثابت سال ۱۳۸٤	%CSE اثر مستقیم	%CSE اثر غیرمستقیم	%CSE اثر کل
دورهٔ جنگی	۲٦/۸۱	۱۳٦۰	-۲٤۳۰	-٤٤۵۰	-۲۵/۳۰	-۳۳/۳۸	-۵۸/٦۷
	۳۸/۹۰	۱۳٦۱	۲۸۰۲	-۱۳۰۱	۱۹/۰۵	-۳۱/۳۱	-۱۲/۲٦
	۳۸/٦۷	۱۳٦۲	۳۲۳۱	-۱۰۲	۲٦/۹۱	-۲۸/۰۹	-۱/۱۷
	٤۷/٦۸	۱۳٦۳	٤٦۹۸	۵۷۰	۳٦/۵۸	-۳۰/۰٤	٦/۵۵
	-۱۳/۱٦	۱۳٦٤	۳۳۷۷	۵۰۹۹	۲۹/۵۷	۹/۲۳	۳۸/۸۰
	-۲/۷۱	۱۳٦۵	۲٤۱۹	۲٦٦۹	۲٦/۷۵	۱/۹۷	۲۸/۷۲
	۷۵/۷۲	۱۳٦٦	۳۵۹٤	-۲٤۷	٤۰/۰۳	-٤٤/۸۳	-٤/۸۰
	۸۹/۸۷	۱۳٦۷	۳۷۷۰	۲۵۳	۵۰/۳۵	-٤۳/۹۷	٦/۳۸
	۳۷/۷۲	میانگین	۲٦۸۳	۳۱۲	۲۵/٤۹	-۲۵/۰۵	۰/٤٤
برنامهٔ اول توسعهٔ اقتصادی و اجتماعی	۵۰/٦۲	۱۳٦۸	۱۸۵۸	-۱۹۸٤	۱٦/۱۸	-٤۲/۱۳	-۲۵/۹۵
	-٤/۳۰	۱۳٦۹	۳۰۹۳	۳٦۲۷	۲۵/۹۳	۳/۱۷	۲۹/۱۰
	-۱۰/۸٤	۱۳۷۰	-۱۵۷٦	-۲۵۹	-۱٤/٤٤	۱۲/۳۳	-۲/۱۱
	-٤۷/۰۳	۱۳۷۱	-۳۰۰۱	۵۷۲۱	-۳۰/۳۰	٦۱/۰۲	۳۰/۷۲
	-۵۱/٤۱	۱۳۷۲	-٦۲٦۲	۹۰۹	-۹۱/۳۹	۹۷/۸۷	٦/٤۸
	-٤۱/۲۹	۱۳۷۳	-۵۲۳۲	-۸٦۱	-۸۳/۱۳	۷۵/۰۵	-۸/۰۷
	-۱۷/۳۸	میانگین	-۱۸۵۳	۱۱۹۲	-۲۹/۵۳	۳٤/۵۵	۵/۰۳
برنامهٔ دوم توسعهٔ اقتصادی و اجتماعی	-۳۱/۹۷	۱۳۷٤	-۵۲۸۰	-۲۳۳۰	-۸۳/٤٤	۵۸/۳۳	-۲۵/۱۱
	-۱٦/۱۸	۱۳۷۵	-۳۹۵۸	-۲٤۹٤	-۵۱/۷۳	۲٤/۳۷	-۲۷/۳۷
	-۰/۸۹	۱۳۷٦	-۲۵۰۲	-۲٤۳۷	-۳٤/۳٦	۱/۱۸	-۳۳/۱۸
	۳۳/۱۵	۱۳۷۷	-۳٦۷	-۲۹۵٦	-۳/۵۰	-۳٤/۰۱	-۳۷/۵۱
	۲۹/۱۰	۱۳۷۸	-٤۳۹۲	-۵٦۹۸	-۷۵/۰۸	-۵۰/۳۰	-۱۲۵/۳۸
	۲/٦٤	میانگین	-۳۳۰۰	-۳۱۸۳	-٤۹/٦۲	-۰/۰۹	-٤۹/۷۱
برنامهٔ سوم توسعهٔ اقتصادی و اجتماعی	۱٦/۹٦	۱۳۷۹	-۵۳۲۱	-٦۲۷٤	-۸۰/۲۵	-۳۰/۲٤	-۱۱۰/٤۹
	۱٦/۵٤	۱۳۸۰	-۸۵٤	-۲۵۱۲	-۷/۲۷	-۱۷/٦۳	-۲٤/۹۱
	۱۲/۹۹	۱۳۸۱	-۲۵۹۷	-۳۹٦٦	-۲۱/۷۰	-۱۵/۷۲	-۳۷/٤۱
	۳/۸۵	۱۳۸۲	-۱٤٦٤	-۱۸۸٦	-۱۲/۷۸	-٤/۳۱	-۱۷/۰۹
	-۲/۷۹	۱۳۸۳	٤	۳۵۱	۰/۰٤	۲/۷۷	۲/۸۱
	۹/۵۱	میانگین	-۲۰٤٦	-۲۸۵۷	-۲٤/۳۹	-۱۳/۰۳	-۳۷/٤۲
برنامهٔ چهارم توسعهٔ اقتصادی و اجتماعی	-٦/۱۸	۱۳۸٤	۸۵۳	۱٦۲٦	۷/۲۲	۵/۷۰	۱۲/۹۲
	-۱۰/۷۰	۱۳۸۵	-۱۱۰۱	۱٦۲	-۱۰/۳۹	۱۱/۷٦	۱/۳۷
	-۱۳/۰۹	۱۳۸٦	-۲۷۹۸	-۱۲۱۷	-۲٦/٤۹	۱٦/٤۷	-۱۰/۰۲
	-۷/۷٤	۱۳۸۷	-۳۷۳۲	-۲۹٦٦	-٤۰/٦۲	۱۰/۸۲	-۲۹/۸۰
	-۳/۳۲	۱۳۸۸	-۹۲۷۸	-۸۹۸۰	-۱۰٦/٦۳	٦/۸۳	-۹۹/۸۱
	-۱۷/٤۵	۱۳۸۹	-۱۱۷۲٦	-۹۲٦۱	-۱۰۰/۰۸	۳٤/۷۷	-٦۵/۳۰
	-۹/۷۵	میانگین	-٤٦۳۰	-۳٤۳۹	-٤٦/۱٦	۱٤/۳۹	-۳۱/۷۷
پیش بینی برنامهٔ پنجم توسعهٔ اقتصادی و اجتماعی	-۱۹/۲۲	۱۳۹۰	-۸۲۷۷	-۵۸۹٦	-۸۲/۱۷	۳٤/۸۳	-٤۷/۳٤
	-۲۱/۱٤	۱۳۹۱	-۵۵۷٤	-۱۹۲٦	-٤۰/۷۷	۲۹/٦۵	-۱۱/۱۲
	-۲۳/۰۷	۱۳۹۲	-۵٤۰۸	-۹۵۳	-۳٦/۲۵	۳۱/۳۳	-٤/۹۲
	-۲٤/۹۸	۱۳۹۳	-۵۱۱۳	۲۹٤	-۳۱/۳۷	۳۲/۷۲	۱/۳۵
	-۲۲/۰۹	۱۳۹٤	-۳۵۲۱	۱۸٤۹	-۱۸/۵٤	۲٦/۱۳	۷/۵۹
	-۲۲/۱۰	میانگین	-۵۵۷۹	-۱۳۲۷	-٤۱/۸۲	۳۰/۹۳	-۱۰/۸۹

منبع: یافته‌های پژوهش

. پیش‌بینی می‌شود در برنامهٔ پنجم توسعه مانند برنامهٔ چهارم، با افزایش قیمت داخلی نسبت به قیمت جهانی مصرف‌کنندگان گوشت گوسفند به طور میانگین ۱۳۲۷ میلیارد ریال به قیمت ثابت سال ۱۳۸۴ بیشتر از مصرف‌کنندگان خارجی بپردازند.

درصد حمایت از مصرف‌کنندگان(CSE٪) با نرخ ارز حقیقی، بیان می‌کند میانگین حمایت از مصرف‌کنندگان گوشت گوسفند در دورهٔ جنگ ۲۵ درصد از پرداختی مصرف‌کنندگان را برحسب قیمت‌های تعدیل‌شدهٔ جهانی شامل شده است. یعنی در شرایط واقعی با اجرای سیاست‌های قیمتی، مصرف‌کنندگان، به اندازهٔ ۲۵ درصد آنچه (در صورتی که بازار آزاد برقرار باشد) باید می‌پرداختند، حمایت دریافت می‌کنند. در حقیقت ۲۵ درصد نسبت به آنچه می‌بایست می‌پرداختند کمتر پرداخت کرده‌اند. نبود مداوم حمایت از مصرف‌کنندگان از رقابت‌پذیری بازار می‌کاهد، زیرا مصرف‌کنندگان سهم کمتری از مازاد بازار داخلی می‌برند که با کاهش قدرت خرید آنان، در بلندمدت تولید نیز کاهش پیدا می‌کند. همان‌طور که بیان شد درصد حمایت‌ها در برنامه‌های توسعه کاهش پیدا کرد، یعنی هزینه‌های مصرف‌کنندگان گوشت گوسفند در پی اجرای سیاست‌های بخشی و ارزی نسبت به مصرف‌کنندگان جهانی افزایش پیدا کرد. به طوری که در برنامه‌های سوم و چهارم توسعه همزمان با اجرای سیاست شناورسازی نرخ ارز، مصرف‌کنندگان ایرانی به ترتیب ۲۴ و ۴۶ درصد بیشتر از دیگران پرداخت کردند.

اثر کل روند مشابهی با اثر مستقیم دارد و چگونگی حمایت از مصرف‌کنندگان گوشت گوسفند را با برقراری نرخ ارز تعادلی بلندمدت اقتصاد ایران بیان می‌کند. در برنامهٔ دوم توسعه حدود نیمی از ارزش مصرف گوشت گوسفند در ایران به قیمت خارجی تعدیل‌شده به شکل مالیات پنهان از مصرف‌کنندگان دریافت شد. در برنامهٔ سوم توسعه که با اجرای سیاست یکسان‌سازی نرخ ارز همزمان است، مصرف‌کنندگان

گوشت گوسفند با برقراری سیاست‌های ارزی و بخشی ۳۷ درصد از آنچه (در شرایطی که هیچ‌گونه سیاست ارزی و بخشی برقرار نباشد) برای مصرف هزینه می‌کردند، مالیات پنهان پرداخت کردند و با افزایش قیمت‌های داخلی در برنامهٔ چهارم هزینه‌های آنان ۳۱ درصد افزایش پیدا کرد.

علامت اثرغیرمستقیم در مورد مصرف‌کنندگان، عکس علامت انحراف نرخ ارز است، یعنی با بیش برآورد ارزش ریال، مصرف‌کنندگان حمایت نمی‌شوند و برعکس. به عبارت دیگر، چگونگی حمایت از مصرف‌کنندگان را هنگامی که سیاست ارزی اعمال می‌شود نسبت به وقتی که سیاست ارزی اجرا نمی‌شود، نشان می‌دهد. در دورهٔ جنگ و برنامه‌های دوم و سوم توسعه با اجرای سیاست ارزی، مصرف‌کنندگان گوشت گوسفند حمایت نشده‌اند. در حالی‌که در برنامه‌های اول و چهارم با اجرای سیاست ارزی کم‌برآورد ارزش ریال(انحراف منفی)، مصرف‌کنندگان گوشت گوسفند نسبت به شرایطی که سیاست ارزی برقرار نباشد، حمایت شده‌اند. برای مثال در برنامهٔ چهارم ۱۴٪ کمتر از قبل از اجرای سیاست ارزی پرداخت کرده‌اند. شایان ذکر است در برنامهٔ دوم توسعه میانگین مالیات پنهان تحمیل شده بر مصرف‌کنندگان تنها ۰/۰۹ درصد بوده است، یعنی اجرای سیاست‌های ارزی در این برنامه اثرگذار نبوده و بازار داخلی این محصول برای مصرف‌کنندگان داخلی مشابه مصرف‌کنندگان خارجی بوده است. در دههٔ نخست بررسی، مقدار شاخص اثرغیرمستقیم بیشتر از انحراف نرخ ارز بوده است که بیانگر اثرگذاری بیشتر نرخ ارز بر بازار گوشت گوسفند به دلیل تأمین بخشی از مصرف گوشت گوسفند از راه واردات است. اثرگذاری نرخ ارز بر حمایت از تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان در برنامه‌های توسعه برآمده از تأثیر آن بر بازار نهاده‌های خوراک دام و سوخت است. اثرگذاری سیاست‌های ارزی بر حمایت از مصرف‌کنندگان و توسعهٔ رقابت‌پذیری آنان در برنامه‌های توسعه لزوم توجه بیشتر به کاربرد سیاست‌های ارزی را در بخش کشاورزی نمایان می‌کند.

۴-۵-۴-۵ نتیجه‌گیری و پیشنهادهای گوشت گوسفند

گوشت گوسفند، از محصولات مهم زیربخش دامپروری و در بردارندهٔ بخش مهمی از هزینهٔ سبد خوراکی جامعه است. از این رو، سیاست‌های حمایتی مختلفی از بخش تولید و مصرف آن انجام می‌پذیرد. در این پژوهش مقادیر کمّی این حمایت‌ها براساس شاخص‌های MPS، PSE و CSE طی دورهٔ ۸۹-۱۳۶۰ محاسبه شده است که نتایج بیانگر وجود روند افزایشی و نوسانی در حمایت‌های قیمتی، بودجه‌ای و کل حمایت از تولیدکنندگان و روند کاهشی در حمایت از مصرف‌کنندگان گوشت گوسفند به قیمت ثابت سال ۱۳۸۴ بوده است. همچنین در مجموع حمایت‌های بودجه‌ای و قیمتی، سهم حمایت‌های بودجه‌ای در کل حمایت از تولیدکنندگان در بیشتر سال‌های بررسی کمتر بوده است. در بین حمایت‌های بودجه‌ای یارانهٔ سوخت و یارانهٔ نهاده‌های خوراک دام حدود ۹۵ درصد از کل حمایت‌های بودجه‌ای از تولیدکنندگان را در بر داشته است. در دورهٔ جنگ و برنامهٔ سوم توسعه با بیش‌برآورد ارزش ریال، تولیدکنندگان به ترتیب ۵/۸ و ۹/۶ درصد بیش از آنچه در بازار رقابتی(بدون اجرای سیاست‌های ارزی) دریافت می‌کردند، حمایت شدند.

در پیش‌بینی برنامهٔ پنجم نیز همانند برنامهٔ چهارم، سیاست‌های ارزی تقویت‌کنندهٔ سیاست‌های بخش دامپروری نیست، یعنی سیاست‌های بخشی و ارزی در این برنامه‌ها همسو نبوده‌اند. شاخص حمایت بازاری نیز حمایت از تولیدکنندگان را در بازار داخلی نسبت به بازار جهانی نشان می‌دهد، به طوری که سیاست‌های بخشی، برخلاف سیاست‌های ارزی، حمایت‌کنندهٔ تولیدکنندگان گوشت گوسفند خواهد بود.

مقادیر اثرمستقیم حمایت از مصرف‌کنندگان گوشت گوسفند از میانگین ۲۵ درصد در دورهٔ جنگ به ۴۶- درصد در برنامهٔ چهارم توسعه رسیده است که تغییر چشمگیری را بین دوره‌های مختلف اجرای سیاست‌ها بیان می‌کند. افزون بر این، بررسی اثر سیاست‌های ارزی و انحراف نرخ ارز بر مقادیر حمایت از مصرف‌کنندگان گوشت گوسفند نشان می‌دهد این سیاست‌ها در دورهٔ جنگ و همچنین برنامه‌های دوم و سوم توسعه که انحراف نرخ ارز مثبت بوده بر شاخص‌های حمایت از مصرف‌کنندگان اثر منفی داشته است، در حالی که در دیگر برنامه‌های توسعه، این سیاست‌ها موجب افزایش حمایت از مصرف‌کنندگان گوشت گوسفند شده است، یعنی اثر غیرمستقیم تقویت‌کنندهٔ اثر مستقیم بوده است.

جدول ۷-۵-۴-۵) بررسی حمایت از تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان گوشت گوسفند در دوره‌های ارزی

دوره	درصد انحراف نرخ ارز	%MPS			%PSE			%CSE		
		اثر مستقیم	اثر غیرمستقیم	اثر کل	اثر مستقیم	اثر غیرمستقیم	اثر کل	اثر مستقیم	اثر غیرمستقیم	اثر کل
۱۳۷۰-۱۳۶۰	۳۰/٦٦	-۲۱/۰٦	۲۰/٦٤	-۰/٤۱	۳۱/۰۸	۵/۳۳	۳٦/٤۱	۲۱/۰٦	-۲۰/٦٤	۰/٤۱
۱۳۸۰-۱۳۷۱	-۹/۳۰	۵٤/۰۵	-۱۸/۵٦	۳۵/٤۸	۹۷/۹۱	-۱۲/۹۱	۸۵/۰۰	-۵٤/۰۵	۱۸/۵٦	-۳۵/٤۸
۱۳۸۹-۱۳۸۱	-٤/۹٤	۳٤/٦۰	-۷/٦۸	۲٦/۹۳	٤۰/۵۳	-٦/۱۳	۳٤/٤۰	-۳٤/٦۰	۷/٦۸	-۲٦/۹۳

منبع: یافته‌های پژوهش

متوسط شاخص‌های حمایت قیمتی، حمایت از تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان در دورهٔ اجرای سیاست‌های ارزی در کشور، در جدول (۷-۵-۴-۵) آمده است. براساس شاخص‌های درصدی حمایت از تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان گوشت گوسفند در همهٔ دوره‌های ارزی، سیاست‌های بخشی در مقایسه با سیاست‌های ارزی تأثیر بیشتری داشته است، زیرا قدرمطلق اثر مستقیم همواره بیشتر از اثر غیرمستقیم بوده است. در دههٔ ۱۳۶۰ به دلیل به‌کارگیری سیاست تثبیت نرخ ارز،

انحراف از نرخ تعادلی به شدت افزایش یافت و با بیش‌برآورد ارزش ریال از تولیدکنندگان حمایت شد، اما در این دوره آثار منفی سیاست‌های بخشی از جمله کم نگه داشتن قیمت داخلی در مقایسه با قیمت جهانی تا حدی زیاد بود که اثر سیاست ارزی را خنثی و در مجموع حمایت کل از تولیدکننده را منفی کرد، اما مالیات پنهان تحمیل‌شده به تولیدکنندگان در این بازار اندک(۰/۴- درصد) بود. در دهۀ ۱۳۷۰ با برقراری سیاست ارزی چند نرخی، میانگین اثرغیرمستقیم شاخص‌های حمایت از تولیدکنندگان منفی شد. سیاست‌های بخشی نیز با وجود کاهش تصدی دولت در بازار نهاده‌ها، به دلیل کاهش قیمت جهانی محصول و افزایش تسهیلات بانکی، یارانۀ بیمه و واکسن و داروهای دامی، حمایت از تولیدکنندگان را افزایش داد. میانگین اثرغیرمستقیم قیمتی نشان می‌دهد در این دوره اثرگذاری سیاست‌های ارزی بر تولیدکنندگان این محصول بیشتر از انحراف نرخ ارز بود که اثرگذاری این سیاست‌ها را آشکار می‌کند. در دورۀ سوم سیاست‌های ارزی با برقراری نرخ ارز شناور مدیریت‌شده انحراف نرخ ارز کاهش پیدا کرد. کم برآورد ارزش ریال، با حمایت نکردن از تولیدکننده، اثر مثبت سیاست‌های بخشی را تضعیف کرد. با وجود این، سیاست‌های بخشی و ارزی ۳۴ درصد درآمد تولیدکنندگان در شرایط رقابتی از آنان حمایت کرد و به درآمد آنان افزود. برای مصرف‌کنندگان سیاست‌های بخشی در دهۀ سوم حمایت‌کنندۀ مصرف‌کنندگان گوشت گوسفند نبود و آنان را ناگزیر از پرداخت مالیات پنهان کرد.

به طور کلی شاخص‌های حمایت از گوشت گوسفند روند افزایشی نوسانی را در پی اجرای سیاست‌های ارزی و بخشی نشان می‌دهند که به افزایش ریسک در طول زمان منجر می‌شود. تنها در دورۀ جنگ و برنامه‌های دوم و سوم توسعه، سیاست‌های ارزی و بخشی تقویت‌کنندۀ یکدیگر بوده‌اند و در برنامه‌های اول و چهارم کم‌برآورد ارزش ریال، تضعیف سیاست‌های بخشی را در پی داشته است. دربارۀ گوشت

گوسفند، حمایت قیمتی برآمده از سیاست‌های قیمتی در بیشتر سال‌ها عامل مهم در حمایت از تولیدکنندگان بوده است. افزایش قیمت داخلی در بازار نهاده‌ها در برنامه‌های سوم و چهارم توسعه بر حمایت‌های بودجه‌ای اثر منفی داشته است، اما یارانه‌های دارو و درمان و بیمه بر حمایت از تولیدکنندگان افزوده و اثر آن بر افزایش تولید مشاهده می‌شود. اجرای سیاست‌های باثبات، همسو و حمایت‌کنندهٔ بخشی و ارزی، مانند برنامه‌های دوم و سوم توسعه، می‌تواند به افزایش رقابت‌پذیری تولیدکنندگان گوشت گوسفند کمک کند. به عبارت دیگر، چگونگی ترکیب سیاست‌های ارزی و بخشی که برآیند آن حمایت‌کنندهٔ دامپروران باشد، از اهمیت زیادی برخوردار است. یادآوری می‌شود، در کنار حمایت از تولیدکنندگان، با توجه به گرایش بیشتر مصرف‌کنندگان به گوشت گوسفند در مقایسه با انواع دیگر گوشت قرمز، به کارگیری ابزارهای سیاستی حمایت‌کننده از مصرف‌کنندگان به منظور حفظ تعادل توزیع منافع بین عوامل بازار و کاهش زیان اجتماعی ضروری است.

براساس نتایج، اجرای سیاست‌های باثبات و بلندمدت برای پیشگیری از نوسان-های قیمت محصول، نهاده‌ها و نرخ ارز و حمایت‌های بودجه‌ای توصیه می‌شود. بیشتر بودن سهم حمایت‌های قیمتی در کل حمایت از تولیدکنندگان (PSE) نشان‌دهندهٔ دخالت دولت در بازار این محصول و نبود تنوع سیاست‌های حمایتی است. همچنین اثرپذیری روند حمایت از تغییرات قیمت جهانی، با افزایش ریسک تولیدکنندگان، از قدرت تصمیم‌گیری و رقابت‌پذیری آنان می‌کاهد و امکان بهره‌گیری از منافع بازار جهانی را از آنان سلب می‌کند. از این رو، تأکید بر الگوی سیاستی حمایت‌های بودجه‌ای و تنوع سیاستی، افزون بر کاهش دخالت مستقیم دولت در بازار محصول با پوشش اثر ریسک قیمت، موجب حفظ انگیزهٔ دامپروران برای تولید می‌شود و در نهایت امکان رقابت در بازارهای جهانی را فراهم می‌آورد. چنان‌که با حمایت از تولیدکنندگان در سه برنامهٔ توسعه، گوشت گوسفند وارد کشور نشده است. با وجود

این، تنوع‌بخشی به حمایت‌های بودجه‌ای مانند به‌کارگیری پرداخت‌های مستقیم و حمایت بیشتر از بیمهٔ درآمدی و یارانه‌های دارو و درمان می‌تواند در افزایش انگیزهٔ تولید و توانایی صادرات انبوه محصول مناسب باشد. تنظیم سیاست‌های ارزی و بخشی به گونه‌ای که همسو و تقویت‌کنندهٔ یکدیگر باشند، به هم‌افزایی می‌انجامد و با افزایش مزیت رقابتی، به رقابت‌پذیری جهانی تولیدکنندگان داخلی کمک می‌کند. به طوری که افزلیش تولید همزمان با بهبود شاخص‌های حمایت از تولیدکنندگان در برنامه‌های سوم و چهارم توسعه نشان می‌دهد، اجرای سیاست یکسان‌سازی نرخ ارز که تقویت‌کنندهٔ سیاست‌های بخشی بوده، به همراه ایجاد تنوع در به کارگیری سیاست‌های قیمتی و بودجه‌ای موجب حمایت از تولیدکنندگان گوشت گوسفند می‌شود. مقایسهٔ اثر غیرمستقیم در دوره‌های ارزی ایران نشان می‌دهد، انحراف نرخ ارز(سیاست‌های ارزی) با حمایت از تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان هماهنگ است. با توجه به نتایج برآورد نرخ ارز در فصل سوم، افزایش درآمدهای نفتی موجب افزایش ارزش ریال تعادلی می‌شود که در صورت ثبات نرخ حقیقی ارز، رشد درآمدهای نفتی به نفع تولیدکنندگان است. همچنین بهره‌وری اقتصاد به عنوان شاخص پیشرفت فن‌آوری، بر نرخ تعادلی ارز و شاخص حمایت‌ها چنین اثری دارد که دولت با مدیریت این دو عامل می‌تواند حمایت از تولیدکنندگان گوشت گوسفند را افزایش دهد. در نهایت انتظار می‌رود، ترکیب سیاست‌های پولی، مالی، ارزی و بخشی به گونه‌ای باشد که برایند آن، حمایت‌کنندهٔ تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان گوشت گوسفند باشد.

فصل ششم

نتایج برآورد حمایت از بخش کشاورزی

۱-٦ مقدمه

در فصل نخست این پژوهش به بیان علل، ضرورت و هدف‌های حمایت از بخش کشاورزی، انواع سیاست‌های حمایتی، اهمیت ارزیابی سیاست‌های حمایتی، ضرورت انجام و همچنین بیان هدف‌ها و فرضیه‌های پژوهش پیش رو پرداخته شد. در فصل دوم پژوهش پیش رو، پاره‌ای از پژوهش‌های صورت گرفته در رابطه با ارزیابی سیاست‌های حمایتی دولت در بخش کشاورزی ایران و دیگر کشور های جهان بررسی شده‌اند. فصل سوم به بیان مبانی نظری برآورد حمایت از مصرف‌کنندگان و تولیدکنندگان کشاورزی و همچنین روش تحقیق و چگونگی به دست آوردن آمار و اطلاعات مورد نیاز اختصاص یافت. در فصل چهارم مبانی و روش برآورد نرخ ارز تعادلی بررسی و نتایج برآورد آن برای ایران در دورهٔ ۹۴-۱۳۵۵ گزارش شد. مقادیر نرخ ارز واقعی و تعادلی برای برنامهٔ پنجم توسعه با روش‌های اقتصادسنجی پیش‌بینی شد. در فصل پنجم به بیان نتایج حاصل از برآورد حمایت از مصرف‌کنندگان و تولیدکنندگان محصولات منتخب زیربخش‌های کشاورزی پرداخته شد و به منظور تحلیلی دقیق از وضعیت سیاست‌های حمایتی به اجرا در آمده دربارهٔ محصولات منتخب روند تولید و سطح زیر کشت هر یک از محصولات، سهم هر یک از آنها در سطح زیر کشت و تولید جهان، مقادیر واردات هر یک از آنها، در مواردی

یارانه‌های اعطاشده به محصولات، سیاست‌گذاری‌های حمایتی در قبال تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان آنها، وضعیت تجارت آنها بررسی شد. در فصل ششم، نتایج برآورد حمایت از کل بخش کشاورزی و زیربخش‌های آن با استفاده از شاخص‌های معرفی شده در فصل سوم گزارش و چگونگی تغییرات آنها در دورهٔ جنگ و برنامه‌های توسعهٔ اقصادی، اجتماعی و فرهنگی بررسی می‌شود.

۲-۶ برآورد حمایت از قیمت بازاری (MPS)

تفاوت قیمت‌های داخلی و خارجی محصولات کشاورزی با تعدیل اثر هزینه‌های حمل‌ونقل، موجب انتقال منافع از تولیدکنندگان به مصرف‌کنندگان یا از مصرف‌کنندگان و واردکنندگان به تولیدکنندگان می‌شود. این تفاوت قیمت، برآمده از سیاست‌های قیمتی و ارزی دولت است که با استفاده از شاخص‌های ارزشی و درصدی حمایت قیمتی (MPS) اندازه‌گیری می‌شود. در جدول (۱-۲-۶) شاخص‌های درصدی اثرمستقیم، اثرغیرمستقیم و اثرکل برای زیربخش‌های زراعت، باغبانی، دامپروری و کل بخش کشاورزی و ارزش اثرمستقیم و اثرکل برای بخش کشاورزی آمده است.

براساس نتایج، در پی اجرای سیاست‌های قیمتی در بازار محصولات زراعی، حمایت از کشاورزان نوسان زیادی داشته است و تنها از سال ۱۳۸۱ با اجرای سیاست یکسان‌سازی نرخ ارز حمایت شده‌اند و در برنامه‌های سوم و چهارم توسعه، میانگین حمایت از آنان مثبت بوده است. در سال ۱۳۸۷ با افزایش قیمته‌های جهانی محصولات زراعی، کشاورزان ناگزیر از پرداخت مالیات پنهان بوده‌اند. با اثرگذاری متغیرهای کلان اقتصاد ایران که در شاخص اثرکل نمایان است، کشاورزان در بعضی سال‌ها از جمله سال‌های پایانی جنگ و برنامهٔ سوم توسعه در پی بیش‌برآورد ارزش ریال در بازار محصولات زراعی حمایت شده‌اند. در برنامهٔ چهارم نیز با وجود حمایت

منفی در بعضی سال‌ها، به طور میانگین سیاست‌ها حمایت‌کنندهٔ کشاورزان بوده و ۲/۳ درصد بیشتر از حضور در بازار جهانی درآمد داشته‌اند. نوسان در حمایت‌های زیربخش زراعت در برنامهٔ چهارم بیشترین نوسان را داشته است. با اجرای سیاست‌های ارزی، حمایت از تولیدکنندگان محصولات زراعی در دورهٔ جنگ و برنامه‌های دوم و سوم توسعه موجب افزایش رقابت‌پذیری کشاورزان شده است.

از آنجا که تولیدات باغبانی از محصولات راهبردی در امنیت غذایی به‌شمار نمی‌روند، سیاست‌گذاری در این بخش با هدف حمایت از کشاورزان و توسعهٔ تولید انجام نمی‌پذیرد و در همهٔ سال‌ها تولیدکنندگان زیربخش باغبانی که اغلب صادرکننده هستند در مقایسه با تولیدکنندگان جهانی، درآمد کمتری به دست آورده‌اند. در دورهٔ جنگ تا پیش از اجرای سیاست‌های تعدیل اقتصادی(۱۳۷۱) تولیدکنندگان زیربخش باغبانی بیشتر از ۶۵ درصد درآمد خود در شرایط بازار جهانی را به شکل مالیات پرداخت کرده‌اند و در برنامه‌های توسعه، مالیات تحمیل-شده به کشاورزان کاهش پیدا کرده و در برنامهٔ چهارم توسعه به ۲۲ درصد رسیده است. در پی اجرای سیاست‌های ارزی بیشترین مالیات به کشاورزان در برنامهٔ اول توسعه تحمیل شده است که نشان می‌دهد با کم‌برآورد ارزش ریال، تولیدکنندگان محصولات باغی زیان کرده‌اند. اثرغیرمستقیم MPS در زیربخش باغبانی در اغلب سال‌ها کمتر از انحراف نرخ ارز و اثرمستقیم بوده است که اثرگذاری کمتر سیاست‌های ارزی را در مقایسه با سیاست‌های بخشی نشان می‌دهد.

در زیربخش دامپروری نیز مانند زیربخش‌های زراعت و باغبانی، حمایت بازاری از کشاورزان در اغلب سال‌ها منفی بوده است و تنها در سال‌های ۹۰-۱۳۸۸ تولیدکنندگان داخلی دریافت بیشتری داشته‌اند. در برنامه‌های سوم و چهارم توسعه با کاهش دخالت دولت در بازار محصولات دامی، به صورت خرید و توزیع محصول، با واقعی‌تر شدن قیمت‌ها، حمایت از دامپروری بهبود پیدا کرد. شاخص اثرکل نشان

می‌دهد در شرایط برقراری متغیرهای تعادلی اقتصاد ایران در سال ۱۳۸۱ با اجرای سیاست شناورسازی نرخ ارز، کشاورزان ۰/۷ درصد بیشتر از رقبای جهانی دریافت کرده‌اند، اما شاخص اثرکل در مقایسه با اثرمستقیم در سال‌های ۸۹-۱۳۸۸ به دلیل کم‌برآورد ارزش ریال کمتر بوده است. در برنامه‌های توسعه شاخص اثرغیرمستقیم از انحراف نرخ ارز بیشتر بوده است که نشان‌دهندهٔ اثرگذاری نرخ ارز بر بازار محصولات دامی و آزادی نسبی بازار این محصولات است.

شاخص‌های حمایت از کل بخش کشاورزی با وجود نوسان، روند افزایشی داشته است، به طوری که در قیمت‌های ثابت سال ۱۳۸۴، مالیات تحمیل‌شده به کشاورزان از ۱۴۳/۴ هزار میلیارد ریال در دورهٔ جنگ به ۹/۷ هزار میلیارد ریال در برنامهٔ چهارم توسعه کاهش پیدا کرده است و تنها در سال‌های ۹۰-۱۳۸۸ حمایت شده‌اند. اثرکل نیز روندی مشابه اثرمستقیم داشته و در برنامهٔ اول توسعه با کم‌برآورد ارزش ریال بیشترین مالیات بر تولیدکنندگان تحمیل شده است که در مقایسه با دورهٔ جنگ نشان‌دهندهٔ سودمندی اجرای سیاست‌های ارزی در برنامهٔ اول برای حمایت از تولیدکنندگان است. اثرکل تنها در سال‌های ۱۳۸۱ در پی اجرای سیاست یکسان‌سازی نرخ ارز و ۱۳۸۸ با افزایش قیمت‌های داخلی به دلیل پیش‌بینی ادامهٔ افزایش قیمت‌های جهانی پس از شوک قیمتی سال ۲۰۰۹ میلادی، حمایت مثبت از تولیدکنندگان را نشان می‌دهد.

درصد حمایت بازاری از بخش کشاورزی مقایسهٔ حمایت از بخش کشاورزی در ایران را با کشورهای دیگر بدون نیاز به واحد پولی و مقیاس کشورها امکان‌پذیر می‌سازد. درصد اثرمستقیم نشان می‌دهد کشاورزان در دورهٔ جنگ و برنامهٔ اول توسعه ناگزیر از پرداخت حدود نیمی از درآمد خود در بازار جهانی و بدون اجرای سیاست‌های بخشی و ارزی، به شکل مالیات پنهان بوده‌اند.

جدول ۱-۲-۶) شاخص‌های حمایت بازاری(MPS) از تولیدکنندگان بخش کشاورزی

برنامه های توسعه	درصد انحراف نرخ ارز	سال	MPS کل بخش کشاورزی															
			کل بخش کشاورزی					زراعت				باغبانی			دامپروری			
			ارزش اثرمستقیم	ارزش اثر کل	اثر مستقیم	اثر غیرمستقیم	اثر کل	اثر مستقیم	اثر غیرمستقیم	اثر کل	اثر مستقیم	اثر غیرمستقیم	اثر کل	اثر مستقیم	اثر غیرمستقیم	اثر کل
			میلیارد ریال (به قیمت ثابت سال ۱۳۸٤)					درصد										
دوره جنگ	۲٦/۸۱	۱۳٦۰	-۱۰۵۹٤۱	-۵٦۳٦۵	-٤٤/۳	۱٤/٦	-۲۹/۸	-٤۵/۲	۱٤/۰	-۳۱/۲	-۵۹/۷	۱۰/۹	-٤۸/۷	-۲۰/۰	۲۱/۱	۱/۲
	۳۸/۹۰	۱۳٦۱	-۹۳٤۹۰	-۲۹۱۱۵	-٤۱/۳	۲۳/٦	-۱۷/۷	-۳۰/۱	۲۵/۷	-٤/٤	-٦۷/٦	۱۲/۷	-۵٤/۹	-۳۳/۷	۳۰/۷	-۲/۹
	۳۸/٦۷	۱۳٦۲	-۱٤۳۰۰۷	-٦٤۹۳٦	-۵۲/۵	۱۹/٦	-۳۲/۹	-٤٦/۱	۱۹/۹	-۲٦/۲	-۷۰/۷	۱۱/٤	-۵۹/۳	-٤۲/۹	۲۷/۷	-۱۵/۲
	٤۷/٦۸	۱۳٦۳	-۱۷۱۱٤۹	-۷۰۷۱۸	-۵٦/۹	۲۲/٤	-۳٤/۵	-٤٦/۲	۲٤/۵	-۲۱/۸	-۷٦/٤	۱۱/٤	-٦۵/۰	-۵۱/۹	۳۱/۹	-۲۰/۰
	-۱۳/۱٦	۱۳٦٤	-۱۵۹۸۱٦	-۲۰٦۳۷۰	-۵۳/۰	-٦/٦	-۵۹/٦	-٤۰/۲	-۷/٦	-٤۷/۸	-۷٤/٤	-۳/٤	-۷۷/۸	-٤٦/٦	-۸/۷	-۵۵/۳
	-۲/۷۱	۱۳٦۵	-۱۳۳۹٤۰	-۱٤۱۷۳٦	-٤۸/۹	-۱/۵	-۵۰/۳	-۲۰/۷	-۲/۱	-۲۲/۷	-۷۱/۲	-۰/۸	-۷۲/۰	-۵۸/۱	-۱/٤	-۵۹/۵
	۷۵/۷۲	۱۳٦٦	-۱۷۲۵۳۷	-۲۹۸٤٦	-۵۳/۳	۳۷/۳	-۱٦/۰	-۲۲/۰	۵۳/۵	۳۱/۵	-٦۰/۵	۳۰/٦	-۲۹/۹	-٦۷/٤	۳۰/٤	-۳۷/۰
	۸۹/۸۷	۱۳٦۷	-۱٦۷۹۰۷	-۲۹۰۷۰	-۵۹/۳	٤۰/۲	-۱۹/۲	-۳۹/٤	٤۸/۹	۹/٦	-٦۵/۰	۳۲/۷	-۳۲/۳	-٦۹/۳	۳۷/۱	-۳۲/۳
	۳۷/۷۲	میانگین	-۱٤۳٤۷۳/۲٤	-۷۸۵۱۹/۵۹	-۵۱/۲	۱۸/۷	-۳۲/۵	-۳٦/۲	۲۲/۱	-۱٤/۱	-٦۸/۲	۱۳/۲	-۵۵/۰	-٤۸/۷	۲۱/۱	-۲۷/٦
	۰/۹۳	ضریب پراکنش	-۰/۲۱	-۰/۸۱	-۰/۱	۰/۹	-۰/۵	-۰/۳	۱/۰	-۱/۸	-۰/۱	۱/۰	-۰/۳	-۰/۳	۰/۸	-۰/۸
برنامه اول توسعه اقتصادی و اجتماعی	۵۰/٦۲	۱۳٦۸	-۱۷۳۲۱۵	-۷۱۳۹۰	-۵۹/۵	۲۲/۸	-۳٦/۷	-۵۱/۹	۲۳/۱	-۲۸/۷	-٦۱/۷	۱۹/۹	-٤۱/۸	-٦۵/۹	۲٤/۱	-٤۱/۸
	-٤/۳۰	۱۳٦۹	-۲۱٤۵۲۳	-۲۳۰۰٦۷	-٦٤/۲	-۱/۷	-٦۵/۹	-۵۰/۷	-۲/۰	-۵۲/۸	-٦۷/۹	-۱/٤	-٦۹/۳	-۷۳/۷	-۱/٦	-۷۵/٤
	-۱۰/۸٤	۱۳۷۰	-۱۲۹٦٦۱	-۱٦۲۲۰۵	-٤۹/٤	-۵/۸	-۵۵/۲	-۳۷/٦	-٦/٤	-٤٤/۰	-٦۱/۲	-٤/۳	-٦۵/۵	-۵۲/٦	-٦/۲	-۵۸/۹
	-٤۷/۰۳	۱۳۷۱	-۱۰٤۲۲۷	-۳۳۳٦٦۹	-٤۰/۸	-۲۹/۲	-۷۰/۰	-۳۷/۲	-۲۸/٤	-٦۵/۷	-۵٤/٦	-۲۱/٦	-۷٦/۳	-۳۵/۳	-۳٤/۷	-۷۰/۰
	-۵۱/٤۱	۱۳۷۲	-۷۲۹۷۳	-۳۲۰۰۹۰	-۳۱/٤	-۳٦/۵	-٦۷/۹	-۲٤/۱	-۳۷/۵	-٦۱/٦	-٤۹/۲	-۲٦/٤	-۷۵/٦	-۲٦/۸	-٤۱/۹	-٦۸/۷
	-٤۱/۲۹	۱۳۷۳	-۱۰۲۳۸۱	-۲۸۹۳۰۹	-۳۸/۷	-۲٦/۳	-٦۵/۰	-۳۰/۸	-۲۷/۲	-۵۸/۰	-۵۰/۰	-۲۱/۰	-۷۱/۰	-۳۸/۷	-۲۸/۵	-٦۷/۲
	-۱۷/۳۸	میانگین	-۱۳۲۸۲۹/۸٦	-۲۳٤٤۵۵/۱۳	-٤۷/۳	-۱۲/۸	-٦۰/۱	-۳۸/۷	-۱۳/۱	-۵۱/۸	-۵۷/٤	-۹/۱	-٦٦/٦	-٤۸/۸	-۱٤/۸	-٦۳/۷
	-۲/۲۲	ضریب پراکنش	-۰/۳۹	-۰/٤٤	-۰/۳	-۱/۷	-۰/۲	-۰/۳	-۱/۷	-۰/۳	-۰/۱	-۱/۹	-۰/۲	-۰/٤	-۱/۷	-۰/۲
برنامه دوم توسعه اقتصادی و اجتماعی	-۳۱/۹۷	۱۳۷٤	-۱٤۱۹۲٤	-۲۹۳۹۵۸	-٤٤/٤	-۱۸/۵	-۳۲/۸	-٤۲/٤	-۱۷/۹	-٦۰/۳	-٤۷/٦	-۱٦/۹	-٦٤/٦	-٤٤/۲	-۲۰/۲	-٦٤/۳
	-۱٦/۱۸	۱۳۷۵	-۱۱۷۳۷٤	-۱۷۱٤۸۵	-٤۲/٤	-۹/۷	-۵۲/۱	-۳٦/٤	-۹/۷	-٤٦/۱	-۵۰/۱	-۸/۲	-۵۸/۳	-٤۱/۸	-۱۰/۷	-۵۲/۵
	-۰/۸۹	۱۳۷٦	-۱۰۷۷۹۳	-۱۱۰۱۷۸	-٤۰/۹	-۰/۵	-٤۱/۵	-٤۲/٦	-۰/۵	-٤۳/۱	-۳۹/۱	-۰/٦	-۳۹/۷	-٤۰/٦	-۰/٦	-٤۱/۲
	۳۳/۱۵	۱۳۷۷	-۱۱۵٦۸۵	-٤٤۵۱۸	-٤۰/۷	۲۰/۰	-۲۰/۷	-۳۰/۲	۲۱/۳	-۸/۹	-۵۱/٤	۱٦/۷	-۳٤/۷	-٤٤/۹	۲۰/۳	-۲٤/۵
	۲۹/۱۰	۱۳۷۸	-۹۲۳۷۰	-۳۰۰٦٦	-۳۳/۷	۱۹/٦	-۱٤/۱	-۱۸/۳	۲۲/۱	۳/۹	-۳٤/٦	۱۹/۵	-۱۵/۱	-٤۳/۰	۱۷/۹	-۲۵/۱
	۲/٦٤	میانگین	-۱۱۵۰۲۹/٤٤	-۱۳۰۰٤۱/۱۱	-٤۰/٤	۲/۲	-۳۸/۲	-۳٤/۰	۳/۱	-۳۰/۹	-٤٤/٦	۲/۱	-٤۲/۵	-٤۲/۹	۱/۳	-٤۱/۵
	۱۰/۷۰	ضریب پراکنش	-۰/۱٦	-۰/۸۳	-۰/۱	۷/۹	-۰/۵	-۰/۳	۵/۹	-۰/۹	-۰/۲	۷/۵	-۰/۵	۰/۰	۱۳/۱	-۰/٤
برنامه سوم توسعه اقتصادی و اجتماعی	۱٦/۹٦	۱۳۷۹	-٦۳٤۸۸	-۲۵٤٦٤	-۲٤/۳	۱۲/۹	-۱۱/٤	-۱۷/٦	۱۲/۹	-٤/۷	-۳٤/۹	۱۱/٤	-۲۳/۵	-۲۱/۸	۱٤/۳	-۷/۵
	۱٦/۵٤	۱۳۸۰	-٤۰۰۷۱	-۱۰٤۷٦	-۱۹/٤	۱۳/۵	-۵/۹	-۵/۳	۱٤/۳	۹/۰	-۳۱/۳	۱۱/۷	-۱۹/٦	-۲۱/۳	۱٤/۰	-۷/۳
	۱۲/۹۹	۱۳۸۱	-۵٦۳۷	۱٦٤۸۲	-۲/۹	۱۲/۵	۹/٦	۲٤/٦	۱٤/۵	۳۹/۰	-۲۲/۹	۱۰/۳	-۱۲/٦	-۱۱/۳	۱۲/۰	۰/۷
	۳/۸۵	۱۳۸۲	-۱۹۵۸٦	-۱۱۹۳٤	-۹/٤	۳/٤	-۵/۹	۱۲/۷	۳/۹	۱٦/٦	-۳٤/٦	۲/٦	-۳۲/۰	-۱۰/۹	۳/٦	-۷/۳
	-۲/۸۹	۱۳۸۳	-۲۷۷۳۲	-۳٤۲۵۳	-۱۲/۰	-۲/٤	-۱٤/٤	۱٤/۸	-۲/۹	۱۲/۰	-٤۰/۸	-۱/۷	-٤۲/۵	-۱۷/۱	-۲/٤	-۱۹/۵
	۹/۵۱	میانگین	-۳۱۳۰۲/۷۸	-۱۳۱۲۹/۰۱	-۱۳/٦	۸/۰	-۵/٦	۵/۸	۸/۵	۱٤/٤	-۳۲/۹	٦/۹	-۲٦/۰	-۱٦/۵	۸/۳	-۸/۲
	۰/۹۱	ضریب پراکنش	-۰/۷۰	-۱/٤۷	-۰/٦	۰/۹	-۱/۷	۲/۹	۰/۹	۱/۱	-۰/۲	۰/۹	-۰/٤	-۰/۳	-۰/۳	۰/۹
برنامه چهارم توسعه اقتصادی و اجتماعی	-٦/۱۸	۱۳۸٤	-۳٤٦۹۸	-٤۹٦٦۷	-۱۵/۵	-۵/۲	-۲۰/۷	۱۹/۵	-٦/٦	۱۲/۹	-٤۳/۳	-۳/٦	-٤٦/۹	-۲۱/۵	-۵/۱	-۲٦/٦
	-۱۰/۷۰	۱۳۸۵	-۲۳۵۵٦	-۵۱٦۷۹	-۹/۸	-۹/۵	-۱۹/۳	۱۵/٤	-۱۱/۲	٤/۲	-۳۸/٤	-٦/۷	-٤۵/۱	-۷/۹	-۱۰/۱	-۱۸/۰
	-۱۳/۰۹	۱۳۸٦	-۲۵٤٦۳	-٦۱۵۲۷	-۱۰/٤	-۱۱/٦	-۲۲/۰	۱۰/٤	-۱۳/۰	-۲/٦	-۳۰/۱	-۹/٤	-۳۹/۵	-۱۲/۰	-۱۱/۹	-۲۳/۹
	-۷/۷٤	۱۳۸۷	-٤۰٤۷۳	-٦۱۲٦۳	-۱٦/۳	-٦/۵	-۲۲/۷	-۱۲/۳	-٦/۳	-۱۸/٦	-۲۸/۰	-۵/۷	-۳۳/۷	-٦/۷	-۷/٤	-۱٤/۱
	-۳/۳۲	۱۳۸۸	۳۵۳۲۰	۲۸۹٤۸	۱۸/٦	-۳/۸	۱٤/۸	۲٤/۰	-۳/۷	۲۰/۳	۱۳/۵	-۳/۹	۹/٦	۱۸/۲	-٤/۰	۱٤/۳
	-۱۷/٤۵	۱۳۸۹	۳۰٤۰۰	-۹۱۳۷	-۱۹/۸	۱۵/۹	-٤/۰	۱٦/۱	-۱۸/۳	-۲/۲	-٦/۲	-۱٦/۷	-۲۲/۹	۳۲/۸	-۲۳/۵	۹/٤
	-۹/۷۵	میانگین	-۹۷٤٤/۸۲	-۳۳۹۸۷/٤٤	-۲/۹	-۹/٤	-۱۲/۳	۱۲/۲	-۹/۸	۲/۳	-۲۲/۱	-۷/۷	-۲۹/۷	۰/۵	-۱۰/۳	-۹/۸
	-۰/۵۲	ضریب پراکنش	-۳/٤۵	-۱/۰۷	-۵/٤	-۰/٦	-۱/۲	۱/۱	-۰/۵	۵/۸	-۱/۰	-۰/٦	-۰/۷	٤۲/۵	-۰/۷	-۱/۸
برنامه پنجم توسعه اقتصادی و اجتماعی	-۱۹/۲۲	۱۳۹۰	۱۷۵۹۷	-۲۵۷۰۵	۹/۳	-۲۰/۵	-۱۱/۱	۱۰/۱	-۱۸/٦	-۸/٦	-۱۱/۷	-۱۷/٤	-۲۹/۱	۲۳/۳	-۲٤/۲	-۰/۹
	-۲۱/۱٤	۱۳۹۱	-۳۵۲۱۱	-۱۰۰۹۲۳	-۱٤/۰	-۱۸/۰	-۳۲/۰	-۱۲/۸	-۱٦/۸	-۲۹/٦	-۳٤/۲	-۱٤/۲	-٤۸/۳	-۱/۰	-۲۱/٦	-۲۲/٦
	-۲۳/۰۷	۱۳۹۲	-٤٤٦٤	-۱۲۰٦۸۳	-۱۵/۹	-۱۹/۲	-۲۵/۱	-۱۸/۲	-۱۷/۳	-۳۵/۵	-۳۸/۰	-۱٤/۵	-۵۲/۵	۱/۲	-۲٤/۱	-۲۲/۹
	-۲٤/۹۸	۱۳۹۳	-۵۰٦۲۳	-۱٤٤۵۱۲	-۱۷/٦	-۲۰/٤	-۳۸/۰	-۲۳/۳	-۱۷/۷	-٤۱/۰	-٤۱/۷	-۱٤/۷	-۵٦/٤	۳/۸	-۲٦/۷	-۲۲/۹
	-۲۲/۰۹	۱۳۹٤	-۸۱٤٤٦	-۱۷٤٤٦۸	-۲٤/٤	-۱٦/٦	-٤۱/۰	-۳۳/۲	-۱۳/۸	-٤٦/۹	-٤۸/۸	-۱۱/٤	-٦۰/۳	۰/۰	-۲۲/۸	-۲۲/۸
	-۲۲/۱۰	میانگین	-۳۸٤۲۹/٤۰	-۱۱۳۲۵۸/۱۹	-۱۲/۵	-۱۸/۹	-۳۱/٤	-۱۵/۵	-۱٦/۸	-۳۲/۳	-۳٤/۹	-۱٤/۵	-٤۹/۳	۵/۵	-۲۳/۹	-۱۸/٤
	-۰/۱۰	ضریب پراکنش	-۰/۹٤	-۰/۵۰	-۱/۰	-۰/۱	-۰/٤	-۱/۰	-۰/۱	-۰/۵	-۰/٤	-۰/۱	-۰/۲	۱/۹	-۰/۱	-۰/۵

منبع: یافته‌های پژوهش

اما در برنامه‌های بعدی با افـزایش قیمـت‌هـای تضـمینی محصـولات زراعـی و کاهش دخالت دولت در بازار محصولات باغی و دامی، حمایت از کشاورزان بهبود پیدا کرد و به طور میانگین در برنامهٔ چهارم توسعه ۲/۹ درصد درآمد کشـاورزان در بـازار جهانی به مصرف‌کنندگان انتقال پیدا کرد، که اثرگذاری اندک این سیاست‌ها را نشان می‌دهد. همچنین در این برنامه براساس ضریب پراکنش حمایت قیمتی از کشاورزان بیشترین نوسان را در بین برنامه‌های بررسی‌شده داشته است کـه دلیـل آن حمایـت مثبت در دو سـال پایـانی برنامـه بـوده اسـت. درصـد اثـر کـل نیـز در پـی اجـرای سیاست‌های ارزی و بخشی و بیش‌برآورد ارزش ریال در برنامهٔ سوم توسعه کمتـرین زیان را بر کشاورزان تحمیل کرده است. در دورهٔ جنـگ بـا وجـود بـیش‌بـرآورد ۳۷ درصدی ارزش ریال، اثرکل حمایت از کشاورزان کاهش ۳۲ درصدی درآمـد آنـان را نشان می‌دهد، در حالی که سیاست‌های ارزی ۱۸ درصد به درآمد آنان افزوده اسـت. در برنامه‌های اول و چهارم توسعه، اجـرای سیاسـت‌هـای ارزی بـا حمایـت منفـی از کشاورزان از رقابت‌پذیری آنان کاسته است.

۳-٦ برآورد حمایت از تولیدکنندگان (PSE)

همان‌طور که در فصل سوم بیان شد، حمایت از تولیدکنندگان بخش کشاورزی، شامل دو بخش حمایت بازاری و حمایت بودجه‌ای از کشاورزان اسـت کـه در ایـران بخش مهمی از حمایت‌های بودجه‌ای را حمایت قیمتی از نهاده‌های تولید (انواع کود و سموم شیمیایی، انرژی و نهاده‌های خوراک دام) در برمی‌گیرد. در جدول (۱-۳-۶) شاخص‌های حمایت از تولیدکنندگان در زیربخش‌های زراعت، باغبـانی، دامپـروری و کل بخش کشاورزی آمده است.

جدول ۱-۳-۶) شاخص‌های حمایت از تولیدکنندگان بخش کشاورزی(PSE)

برنامه های توسعه	درصد انحراف نرخ ارز	سال	PSE کل بخش کشاورزی															
			کل بخش کشاورزی				زراعت				باغبانی				دامپروری			
			ارزش اثرمستقیم	ارزش اثر کل	اثر مستقیم	اثر غیرمستقیم	اثر کل	اثر مستقیم	اثر غیرمستقیم	اثر کل	اثر مستقیم	اثر غیرمستقیم	اثر کل	اثر مستقیم	اثر غیرمستقیم	اثر کل
			میلیارد ریال (به قیمت ثابت سال ۱۳۸٤)				درصد									
دوره جنگ	۲٦/۸۱	۱۳٦۰	-۷۷۸۷۹	-۳۸۲۰٦	-۳۲/٦	۱۲/٤	-۲۰/۲	-۳٤/۷	۱۲/٦	-۲۲/۱	-۵۵/٦	۹/۸	-٤۵/۸	٦/٤	۱۵/۳	۲۱/۷
	۳۸/۹۰	۱۳٦۱	-٦٦۹۸٦	-۱٦۹٦۸	-۲۹/٦	۱۹/۳	-۱۰/۳	-۱۹/۰	۲٤/۱	۵/۱	-٦۳/۷	۱۱/۸	-۵۱/۹	-۱۲/۵	۱۷/۹	۵/٤
	۳۸/٦۷	۱۳٦۲	-۹۹۰۸۱	-٤۱۰٤۰	-۳٦/٤	۱۵/٦	-۲۰/۸	-۳۲/۵	۱۸/۳	-۱٤/۳	-٦٦/٤	۱۰/٦	-۵۵/۸	-۱۰/٤	۱٦/٦	٦/۲
	٤۷/٦۸	۱۳٦۳	-۱۱۲۵۱۸	-٤۰۰۰۲	-۳۷/٤	۱۷/۹	-۱۹/۵	-۳۰/۱	۲۳/۰	-۷/۱	-۷۰/۸	۱۰/٦	-٦۰/۲	-۹/۱	۱۷/۱	۸/۰
	-۱۳/۱٦	۱۳٦٤	-۱۱۷۲۵۷	-۱۵٦۷۲۷	-۳۸/۹	-٦/۳	-٤۵/۲	-۲٦/۳	-۹/۰	-۳۵/۳	-٦۹/۹	-٤/۰	-۷۳/۸	-۲۰/۲	-۵/۰	-۲۵/۲
	-۲/۷۱	۱۳٦۵	-۸۷۷۰۸	-۹٦۳۹۸	-۳۲/۰	-۲/۲	-۳٤/۲	-۰/۹	-٤/۱	-۵/۰	-٦٤/۲	-۱/۷	-٦۵/۹	-۳٦/۰	-۰/۸	-۳٦/۹
	۷۵/۷۲	۱۳٦٦	-۱۲۹۲۷۳	-۱۹۹۰۳	-۳۹/۹	۲۹/۳	-۱۰/۷	-٤/۱	۵۰/۷	٤٦/٦	-۵٤/٤	۲۹/٤	-۲۵/۰	-۵۳/۰	۱۵/۹	-۳۷/۱
	۸۹/۸۷	۱۳٦۷	-۱۲۰۳٤۲	-۲۰۰۷٦	-٤۲/۵	۲۹/۳	-۱۳/۲	-۲۱/۸	٤٦/٤	۲٤/٦	-۵٦/۸	۳۱/۳	-۲۵/٤	-٤۹/۲	۱٦/۷	-۳۲/٦
	۳۷/۷۲	میانگین	-۱۰۱۳۸۰/٤۸	-۵۳٦٦٤/۹۵	-۳٦/٦	۱٤/٤	-۲۱/۸	-۲۱/۲	۲۰/۳	-۰/۹	-٦۲/۷	۱۲/۲	-۵۰/۵	-۲۳/۰	۱۱/۷	-۱۱/۳
	۰/۹۳	ضریب پراکنش	-۰/۲۲	-۰/۹۱	-۰/۱	۰/۹	-۰/٦	-۰/٦	۱/۰	-۲۷/۸	-۰/۱	۱/۰	-۰/٤	-۰/۹	۰/۸	-۲/۱
برنامه اول توسعه اقتصادی و اجتماعی	۵۰/٦۲	۱۳٦۸	-۱۱٦۷۵۵	-٤۳۸۲۹	-٤۰/۱	۱۷/٦	-۲۲/۵	-۳۷/۱	۲۱/۲	-۱۵/۹	-۵٦/۲	۱۸/٦	-۳۷/٦	-۳۳/۷	۱۳/۲	-۲۰/۵
	-٤/۳۰	۱۳٦۹	-۱۳۳۵۷٤	-۱٤۸۹۳۸	-٤۰/۰	-۲/۷	-٤۲/۷	-۲۸/۷	-٤/٤	-۳۳/۱	-۵۸/۲	-۳/۱	-٦۱/۳	-۳۹/۹	-۱/۰	-٤۰/۹
	-۱۰/۸٤	۱۳۷۰	-۷۸۷۳۱	-۱۰٦۰٦٤	-۳۰/۰	-٦/۱	-۳٦/۱	-۱۹/۲	-۸/۳	-۲۷/٤	-۵۳/۱	-۵/۵	-۵۸/٦	-۲۵/۰	-٤/٤	-۲۹/٤
	-٤۷/۰۳	۱۳۷۱	-٦۳۹۹٦	-۲٤٤۷۸۸	-۲۵/۰	-۲٦/۳	-۵۱/۳	-۲۱/۰	-۳۰/۰	-۵۱/۰	-٤٦/۷	-۲۲/۷	-٦۹/٤	-۱۵/۱	-۲٤/۷	-۳۹/۸
	-۵۱/٤۱	۱۳۷۲	-٤٦٦۵۸	-۲٤٦۵٦٦	-۲۰/۱	-۳۲/۳	-۵۲/۳	-۱۲/۰	-۳۸/۵	-۵۰/۵	-٤۱/۹	-۲۷/۲	-٦۹/۱	-۱۳/۵	-۲۹/۲	-٤۲/۸
	-٤۱/۲۹	۱۳۷۳	-۷۰۲۱٦	-۲۲۲۲۸۷	-۲٦/۵	-۲۳/٤	-٤۹/۹	-۱۸/۹	-۲۸/٤	-٤۷/۳	-٤٤/۱	-۲۱/۸	-٦۵/۹	-۲۲/۳	-۱۹/۵	-٤۱/۸
	-۱۷/۳۸	میانگین	-۸٤۹۸۸/۰۸	-۱٦۸۷٤۵/٤۵	-۳۰/۳	-۱۲/۲	-٤۲/۵	-۲۲/۸	-۱٤/۷	-۳۷/٦	-۵۰/۰	-۱۰/۳	-٦۰/۳	-۲٤/۹	-۱۰/۹	-۳۵/۹
	-۲/۲۲	ضریب پراکنش	-۰/۳۹	-۰/٤۹	-۰/۳	-۱/۵	-۰/۳	-۰/٤	-۱/۵	-۰/٤	-۰/۱	-۱/۷	-۰/۲	-۰/٤	-۱/۵	-۰/۲
برنامه دوم توسعه اقتصادی و اجتماعی	-۳۱/۹۷	۱۳۷٤	-۱۰۳۳۹٦	-۲۳۰۸٦۷	-۳۲/۳	-۱۷/۰	-٤۹/٤	-۳۱/٦	-۱۹/۱	-۵۰/۷	-٤۲/٦	-۱۷/۷	-٦۰/۳	-۲۵/۷	-۱٤/۲	-۳۹/۹
	-۱٦/۱۸	۱۳۷۵	-۷۹۳۹۹	-۱۲٤٤۰۰	-۲۸/۷	-۹/۱	-۳۷/۸	-۲٤/٤	-۱۱/٤	-۳۵/۷	-٤٦/۵	-۹/۳	-۵۵/۸	-۱۹/۰	-٦/۹	-۲۵/۹
	-۰/۸۹	۱۳۷٦	-۷۷٤۵۵	-۸۱۷٤٤	-۲۹/٤	-۱/٤	-۳۰/۸	-۳٤/۳	-۲/۱	-۳٦/٤	-۳٦/۲	-۱/۸	-۳۷/۹	-۲۰/۰	-۰/٤	-۲۰/٤
	۳۳/۱۵	۱۳۷۷	-۸۵۵۳۲	-۲۹۲۵۳	-۳۰/۱	۱٦/۵	-۱۳/٦	-۲۱/۱	۱۹/۷	-۱/٤	-٤۵/٤	۱۵/۰	-۳۰/٤	-۳۰/۰	۱۳/۸	-۱٦/۲
	۲۹/۱۰	۱۳۷۸	-۵۷٤۸۳	-۱۱۰۷۰	-۲۱/۰	۱۵/۸	-۵/۲	-۱/٤	-۱٤/٦	۱۷/۳	-۲۸/۱	۱۷/۸	-۱۰/٤	-۲۸/۵	۱۲/٤	-۱٦/۲
	۲/٦٤	میانگین	-۸۰٦۵۲/۷٦	-۹۵٤٦٦/۹۰	-۲۸/۳	۱/۰	-۲۷/۳	-۲۲/۵	۱/۲	-۲۱/٤	-۳۹/۸	۰/۸	-۳۹/۰	-۲٤/٦	۰/۹	-۲۳/۷
	۱۰/۷۰	ضریب پراکنش	-۰/۲۰	-۰/۹۲	-۰/۲	۱۵/٦	-۰/۷	-۰/٦	۱۵/۱	-۱/۳	-۰/۲	۱۹/۲	-۰/۵	-۰/۲	۱۳/۱	-۰/٤
برنامه سوم توسعه اقتصادی و اجتماعی	۱٦/۹٦	۱۳۷۹	-۱۹۰۸۱	۳۷۹۰	-۷/۳	۹/۰	۱/۷	٤/۵	۸/٦	۱۳/۲	-۲۱/۸	۸/٤	-۱۳/٤	-٦/۹	۹/۷	۲/۹
	۱٦/۵٤	۱۳۸۰	-۱۳۹۱۲	٦۲۳۹	-٦/۷	۱۰/۲	۳/۵	۱۲/٦	۱۱/٤	۲٤/۰	-۲۲/۵	۹/۹	-۱۲/٦	-۹/۷	۹/٤	-۰/٤
	۱۲/۹۹	۱۳۸۱	۱٦۳۲۲	۳۰٦٦۸	۸/٤	۹/٤	۱۷/۸	٤٤/۵	۱۱/۳	۵۵/۸	-۱۳/۸	۸/۳	-۵/۵	-۵/٤	۸/۲	۲/۸
	۳/۸۵	۱۳۸۲	۵۰۸۱	۷۷۰۵	۲/٤	۱/٤	۳/۸	۳۱/۸	۰/۹	۳۲/۷	-۲٦/۹	۰/٦	-۲٦/٤	-۲/۸	۲/۳	-۰/٤
	-۲/۷۹	۱۳۸۳	٦٤۰۲	-۳۰٤٦	۲/۸	-٤/۰	-۱/۳	۳۹/۱	-٦/۳	۳۲/۷	-۳۱/۵	-٤/۵	-۳٦/۰	-۷/٤	-۱/۵	-۸/۹
	۹/۵۱	میانگین	-۱۰۳۷/٦۲	۹۰۷۱/۱۳	-۰/۱	۵/۲	۵/۱	۲٦/۵	۵/۲	۳۱/۷	-۲۳/۳	٤/۵	-۱۸/۸	-٦/٤	۵/٦	-۰/۸
	۰/۹۱	ضریب پراکنش	-۱٤/۳٤	۱/٤۱	-۸۳/۰	۱/۲	۱/٤	۰/۷	۱/۵	۰/۵	-۰/۳	۱/٤	-۰/۷	-۰/٤	۰/۹	-٦/۰
برنامه چهارم توسعه اقتصادی و اجتماعی	-٦/۱۸	۱۳۸٤	۲۵۰	-۱٦۱۹۷	۰/۱	-٦/۹	-٦/۸	٤۷/۸	-۱۱/٤	۳٦/٤	-۳٦/۸	-٦/٦	-٤۳/٤	-۹/۰	-۳/۲	-۱۲/۲
	-۱۰/۷۰	۱۳۸۵	۱۲۳۱۰	-۱۵۸۰۹	۵/۱	-۱۱/۰	-۵/۹	٤۳/٤	-۱۵/۸	۲۷/٦	-۳۱/۲	-۹/۷	-٤۰/۹	۰/۹	-٦/۹	-۷/۰
	-۱۳/۰۹	۱۳۸٦	۱۳۳۸۷	-۱۹۷٤٤	۵/۵	-۱۲/۵	-۷/۰	٤۱/۷	-۱۷/۹	۲۳/۸	-۲۳/٤	-۱۲/٤	-۳۵/۸	-۲/۲	-۷/۱	-۹/٤
	-۷/۷٤	۱۳۸۷	-۱۳۹۱۵	-۳٤۳۰۵	-۵/٦	-۷/۱	-۱۲/۷	۱۱/۵	-۹/۹	۱/٦	-۲۳/۷	-۷/۲	-۳۱/۰	-۰/۳	-٤/۵	-٤/۸
	-۳/۳۲	۱۳۸۸	۵۷۵۷۳	٤۹۲۹۱	۳۰/۳	-۵/۲	۲۵/۱	۵۱/۳	-۷/٤	٤٤/۰	۱۹/٤	-۵/۹	۲۱/٦	۱۳/٦	-۲/۸	۱۸/۸
	-۱۷/٤۵	۱۳۸۹	۵۸۸۹۱	۲٦۵٤۲	۳۰/۷	-۱۹/۲	۱۱/۵	٤۷/٦	-۲۱/٦	۲٦/۰	-۰/۲	-۱۸/٦	-۱۸/۸	٤۰/۱	-۱۷/۲	۲۲/۹
	-۹/۷۵	میانگین	۲۱٤۱۵/۸۳	-۱۷۰۳/۵۳	۱۱/۰	-۱۰/۳	۰/۷	٤۰/٦	-۱٤/۰	۲٦/٦	-۱٦/۰	-۱۰/۱	-۲٦/۰	۸/۵	-۷/۰	۱/۵
	-۰/۵۲	ضریب پراکنش	۱/٤۱	-۱۸/۹۲	۱/٤	-۰/۵	۲۰/۸	۰/٤	-۰/٤	۰/۵	-۱/۳	-۰/۵	-۰/۸	۲/۲	-۰/۸	۹/۹
برنامه پنجم توسعه اقتصادی و اجتماعی	-۱۹/۲۲	۱۳۹۰	۵۹۱۵٦	۲٦۳۵٦	۳۱/٤	-۲۰/۰	۱۱/٤	٤۵/۳	-۲۱/۰	۲٤/۳	-۲/۳	-۲۰/۱	-۲۲/۳	٤۱/۳	-۱۸/٤	۲۲/۹
	-۲۱/۱٤	۱۳۹۱	۲۹۸۰۹	-۱۹۱۰٦	۱۱/۹	-۱۷/۹	-٦/۱	۲۷/۰	-۱۹/۳	۷/۸	-۲۵/۲	-۱٦/۷	-٤۱/۹	۲۳/۲	-۱۷/۰	٦/۳
	-۲۳/۰۷	۱۳۹۲	۳۱۸٤۱	-۲٤۵٤۸	۱۱/۹	-۱۹/۱	-۷/۱	۲۵/۷	-۱۹/٦	٦/۱	-۲۹/۱	-۱۷/۱	-٤٦/۲	۲٦/۳	-۱۹/٤	٦/۸
	-۲٤/۹۸	۱۳۹۳	۳۷۷۸۳	-۲۷۹۲۰	۱۲/۹	-۲۰/۳	-۷/۳	۲۵/۸	-۱۹/۸	٦/۰	-۳۲/۸	-۱۷/۳	-۵۰/۲	-۳۰/۳	-۲۲/۲	۸/۱
	-۲۲/۰۹	۱۳۹٤	۳٤٦۵۲	-۲۸۵۰۸	۱۰/٤	-۱۷/۱	-٦/۷	۲۲/۵	-۱٦/۰	٦/۵	-۳۹/۸	-۱٤/۰	-۵۳/۸	۲۹/۹	-۱۹/۷	۱۰/۲
	-۲۲/۱۰	میانگین	۳۸۵٤۸/۱۹	-۱٤۷٤٤/۹۷	۱۵/۷	-۱۸/۹	-۳/۲	۲۹/۳	-۱۹/۱	۱۰/۱	-۲۵/۸	-۱۷/۰	-٤۲/۹	۳۰/۲	-۱۹/۳	۱۰/۸
	-۰/۱۰	ضریب پراکنش	۰/۳۱	-۱/۵۸	۰/٦	-۰/۱	-۲/٦	۰/۳	-۰/۱	۰/۸	-۰/٦	-۰/۱	-۰/۳	۰/۲	-۰/۱	۰/٦

منبع: یافته‌های پژوهش

اثرمستقیم که با نرخ ارز حقیقی محاسبه می‌شود در زیربخش زراعت تا پایان برنامهٔ دوم توسعه منفی بوده و در این سال‌ها نیز نوسان زیادی داشته است. در برنامهٔ سوم توسعه با بهبود قیمت‌گذاری محصولات زراعی در شورای اقتصاد و اجرای سیاست یکسان‌سازی نرخ ارز، تولیدکنندگان زیربخش زراعت حمایت شده‌اند و با ادامهٔ ادامهٔ اجرای این سیاست‌ها در برنامهٔ چهارم توسعه به طور میانگین ۴۰ درصد بیشتر از درآمد خود بدون اجرای سیاست‌های بخشی و ارزی به دست آورده‌اند. اثرکل که حمایت از کشاورزان را با برقراری نرخ ارز تعادلی بلندمدت اقتصاد نشان می‌دهد، در پی بیش‌برآورد ارزش ریال در بعضی سال‌ها مثبت بوده است و پس از آن از سال ۱۳۷۸ کشاورزان داخلی در مقایسه با رقبای جهانی حمایت شده‌اند. بیشترین حمایت از تولیدکنندگان در برنامهٔ سوم توسعه و در سال ۱۳۸۱ در پی اجرای سیاست یکسان‌سازی نرخ ارز بوده است و در این سال آنان ۵۵/۸ درصد بیشتر از درآمد خود در بازار جهانی دریافت کرده‌اند. براساس پیش‌بینی با روش بیان‌شده در فصل سوم، در برنامهٔ پنجم نیز کشاورزان با نرخ ارز حقیقی و تعادلی با وجود کم‌برآورد ارزش ریال، حمایت خواهند شد؛ تداوم این روند که از برنامهٔ سوم آغاز شده است در افزایش رقابت‌پذیری، خودکفایی، تأمین امنیت غذایی و رشد صادرات مؤثر است. شاخص اثرغیرمستقیم نشان‌دهندهٔ اثر سیاست‌های ارزی بر حمایت از تولیدکنندگان است که در برنامهٔ چهارم توسعه اثرگذاری آن بر تولیدکنندگان زیربخش کشاورزی افزایش پیدا کرده است. این موضوع را می‌توان نشانهٔ آزادی نسبی بازار محصولات کشاورزی به‌شمارآورد.

تولیدکنندگان زیربخش باغبانی با وجود افزایش قیمت‌های داخلی و افزایش حمایت‌های بودجه‌ای برآمده از تفاوت قیمت داخلی و جهانی انرژی، تنها در سال ۱۳۸۸ حمایت دریافت کرده‌اند و با وجود روند بهبود حمایت‌ها در چهار برنامهٔ توسعه، در برنامهٔ پنجم توسعه نیز تولیدکنندگان این زیربخش حمایت نمی‌شوند.

اثرکل در مقایسه با اثرمستقیم در دورهٔ جنگ و برنامه‌های دوم و سوم توسعه، تحمیل مالیات پنهان کمتری را به تولیدکنندگان نشان می‌دهد؛ یعنی در این دوره‌ها برقراری نرخ ارز تعادلی بلندمدت اقتصاد و اثرگذاری متغیرهای بنیادین اقتصاد برای تولیدکنندگان سودمند بوده است. براساس نتایج اثر غیرمستقیم، سیاست‌های ارزی در برنامهٔ دوم توسعه تنها ۰/۸ درصد بر درآمد کشاورزان افزوده است که اثرگذاری اندک اجرای سیاست‌های ارزی را در این برنامه آشکار می‌کند. کاهش رقابت‌پذیری باغداران با تحمیل مالیات به آنان، کاهش درآمد صادراتی کشور را که یکی از مهم-ترین منابع صادرات غیرنفتی است، در پی دارد.

در زیربخش دامپروری با کاهش دخالت دولت در بازار نهاده‌های تولید و اجرای سیاست شناورسازی نرخ ارز مالیات تحمیل‌شده به کشاورزان کاهش یافته و در برنامهٔ چهارم توسعه روند حمایت از آنان براساس شاخص درصد اثرمستقیم افزایشی و به طور میانگین ۸/۵ درصد به درآمد آنان افزوده شد. شاخص اثرکل نیز در بعضی سال‌های دورهٔ جنگ و برنامهٔ سوم در پی بیش‌برآورد ارزش ریال و در دو سال پایانی برنامهٔ چهارم توسعه به دلیل افزایش قیمت داخلی و حمایت‌های بودجه‌ای مثبت بوده است. در برنامه‌های اول و دوم توسعه به ترتیب ۳۶ و ۲۳ درصد از درآمد دامپروران در شرایط بدون اجرای سیاست‌های ارزی و بخشی کاسته شد. بیش‌بینی می‌شود در برنامهٔ پنجم توسعه با وجود کم‌برآورد ارزش ریال و اجرای قانون هدفمندی یارانه‌ها در بخش انرژی، دامپروران ایرانی ۱۰/۷ درصد بیشتر از رقبای جهانی دریافت کنند.

شاخص ارزشی حمایت کل از بخش کشاورزی که با نرخ ارز حقیقی محاسبه شده است در همهٔ برنامه‌های توسعه نوسان داشته و تنها در دههٔ ۱۳۸۰ با اجرای سیاست شناورسازی مدیریت‌شدهٔ نرخ ارز، بهبود سیاست‌های قیمت‌گذاری، از جمله قیمت تضمینی و قیمت سقف و کف و افزایش حمایت‌های بودجه‌ای برآمده از شکاف

قیمتی انرژی همزمان با افزایش مصرف سوخت در پی توسعهٔ مکانیزاسیون و استحصال آب‌های زیرزمینی تولیدکنندگان حمایت شده‌اند. در برنامهٔ چهارم توسعه به طور میانگین ۲۱/۴ هزار میلیارد ریال به قیمت‌های ثابت سال ۱۳۸۴ از مصرف‌کنندگان و مالیات‌دهندگان به تولیدکنندگان انتقال پیدا کرده است. در شرایط برقراری نرخ ارز تعادلی، حمایت از تولیدکنندگان بخش کشاورزی در برنامه‌های سوم و چهارم توسعه به ترتیب ۹ و ۱/۷- هزار میلیارد ریال به قیمت ثابت سال ۱۳۸۴ بوده است که بیانگر سودمندی بیشتر شرایط تعادلی اقتصاد برای تولیدکنندگان بخش کشاورزی در برنامهٔ سوم توسعه در مقایسه با شرایط اجرای سیاست‌های ارزی است. براساس نتایج اثرکل در برنامهٔ پنجم توسعه کشاورزان ناگزیر از پرداخت مالیات پنهان خواهند بود، در حالی که در شرایط برقراری نرخ ارز حقیقی ۳۸/۵ هزار میلیارد ریال به درآمد تولیدکنندگان این بخش افزوده خواهد شد. شاخص‌های درصدی حمایت از تولیدکنندگان بخش کشاورزی نیز روند مشابهی با شاخص‌های ارزشی داشته است. براساس شاخص اثرمستقیم، در دورهٔ جنگ به دلیل ثبات قیمت‌های داخلی تولیدکنندگان ۳۶ درصد از درآمد خود را به شکل مالیات از دست داده‌اند. اما با اجرای سیاست‌های تعدیل اقتصادی در سال ۱۳۷۱ مالیات تحمیل‌شده بر تولیدکنندگان کاهش پیدا کرده و در برنامهٔ سوم توسعه با کاهش دخالت دولت در بازارهای نهاده و محصول و توجه بیشتر به منافع تولیدکنندگان در تعیین قیمت تضمینی و اجرای سیاست شناورسازی نرخ ارز در سال ۱۳۸۱ از کشاورزان حمایت شده است. در برنامهٔ چهارم نیز ادامهٔ اجرای این سیاست‌ها بر رقابت‌پذیری کشاورزان افزوده است. اثر کل در برنامهٔ اول توسعه بیشترین کاهش منافع تولیدکنندگان را نشان داده و در برنامهٔ سوم توسعه با بیش‌برآورد ارزش ریال و اجرای سیاست‌های بخشی، تولیدکنندگان ۵/۱ درصد حمایت شده‌اند. شاخص اثرغیرمستقیم که علامت آن مشابه انحراف نرخ ارز است در دورهٔ جنگ و برنامه‌های

دوم و سوم توسعه حمایت‌کنندهٔ تولیدکنندگان و تنها در برنامهٔ چهارم توسعه اثر آن بیشتر از انحراف نرخ ارز بوده است که اثرگذاری نرخ ارز بر بخش کشاورزی و لزوم توجه بیشتر به سیاست‌های ارزی را در سیاست‌گذاری بخشی آشکار می‌کند. همچنین اهمیت سیاست‌های ارزی با مشاهدهٔ بیشتر بودن شاخص اثرغیرمستقیم در مقایسه با اثرمستقیم، یعنی اثرگذاری بیشتر سیاست‌های ارزی نسبت به سیاست‌های بخشی، بیشتر می‌شود. ترکیب سیاست‌های ارزی و بخشی به گونه‌ای که حمایت‌کنندهٔ تولیدکنندگان باشد با افزایش رقابت‌پذیری موجب توسعهٔ تولید، خودکفایی و افزایش صادرات می‌شود.

٤-٦ برآورد حمایت از مصرف‌کنندگان (CSE)

شاخص‌های حمایت از مصرف‌کنندگان بخش کشاورزی که انتقال از تولیدکنندگان و مالیات‌دهندگان به مصرف‌کنندگان محصولات کشاورزی را با روش بیان‌شده در فصل سوم پژوهش پیش رو نشان می‌دهد در جدول (۱-۴-۶) آمده است. در این جدول شاخص‌های درصدی CSE برای زیربخش‌های زراعت، باغبانی، دامپروری و کل بخش کشاورزی و شاخص‌های ارزشی کل بخش کشاورزی برای سال‌های ۹۴-۱۳۶۰ مشاهده می‌شود.

در سال‌های جنگ و برنامهٔ اول توسعه با ثبات قیمت‌های داخلی مصرف‌کنندگان زیربخش زراعت حمایت زیادی دریافت کردند. از سال ۱۳۷۶ با کاهش دخالت دولت در بازار محصولات زراعی حمایت از مصرف‌کنندگان کاهش پیدا کرد و در برنامهٔ سوم توسعه با اجرای سیاست یکسان‌سازی نرخ ارز به کمترین حد رسید و آنان در سال ۱۳۸۱ تنها ۵/۳ درصد هزینهٔ کمتری برای مصرف محصولا زراعی پرداختند.

جدول۱ -۴-۶) شاخص‌های حمایت از مصرف‌کنندگان بخش کشاورزی(CSE)

برنامه های توسعه	درصد انحراف نرخ ارز	سال	CSE کل بخش کشاورزی															
			کل بخش کشاورزی					زراعت				باغبانی			دامپروری			
			ارزش اثرمستقیم	ارزش اثر کل	اثر مستقیم	اثر غیرمستقیم	اثر کل	اثر مستقیم	اثر غیرمستقیم	اثر کل	اثر مستقیم	اثر غیرمستقیم	اثر کل	اثر مستقیم	اثر غیرمستقیم	اثر کل
			میلیارد ریال (به قیمت ثابت سال ۱۳۸٤)					درصد										
دوره جنگ	۲٦/۸۱	۱۳٦۰	۱۲٥۷۱٤	٦۹۸٥۳	۳۷/۹	−۱۱/۳	۲٦/٦	۳۷/۷	−۸/٤	۲۹/۳	٥۹/٥	−۱۱/۰	٤۸/٥	۱۷/۸	−۲۱/۷	−۳/۹
	۳۸/۹۰	۱۳٦۱	۹۷۸۷۹	۳۰٥۷٦	۳۱/۹	−۱۸/۲	۱۳/۷	۲۱/٦	−۱٥/۳	٦/۲	٦۷/۱	−۱۲/۹	٥٤/۲	۲۸/٤	−۲۷/٤	۱/۰
	۳۸/٦۷	۱۳٦۲	۱٦۰۳٥٤	۷۲۹۳٥	٤۱/۰	−۱٥/۳	۲٥/۷	۳۳/۰	−۱۱/۷	۲۱/۳	۷۰/٥	−۱۱/٥	٥۹/۰	۳٥/۹	−۲٤/٤	۱۱/٥
	٤۷/٦۸	۱۳٦۳	۱۸۱۷۱٤	۷٦۰۹٥	٤۳/۲	−۱٦/۷	۲٦/٥	۳۲/٤	−۱۳/٦	۱۸/۸	۷٦/۱	−۱۱/٥	٦٤/٦	٤۰/۹	−۲۷/۷	۱۳/۲
	−۱۳/۱٦	۱۳٦٤	۱٦۱۸٥۱	۲۰۹۱۰۲	٤۰/۹	٥/۱	٤٦/۰	۲٦/۷	٤/٥	۳۱/۱	۷٤/٥	۳/٤	۷۷/۸	٤۰/٥	۷/۷	٤۸/۳
	−۲/۷۱	۱۳٦٥	۱٥٥۳۲٤	۱٦۳٦۸۷	٤۳/٦	۱/۱	٤٤/۸	۲٥/۸	۱/۲	۲٦/۹	۷۲/۳	۰/۸	۷۳/۱	٥۲/۸	۱/۳	٥٤/۱
	۷٥/۷۲	۱۳٦٦	۲۰٦۹۳۲	٥۳٥۱۹	٤۹/٦	−۲۷/٤	۲۲/۲	۲۷/۳	−۲۸/۰	−۰/۷	٦٤/۷	−۲۷/٤	۳۷/۳	٦٤/۷	−۲٦/۳	۳۸/٤
	۸۹/۸۷	۱۳٦۷	۱۷٤۳٦۳	٤۲۲۸٥	٥٤/۳	−۲۹/۷	۲٤/٥	۳۰/۲	−۲۸/۱	۲/۰	٦٦/۷	−۳۱/۳	۳٥/٤	٦٦/۲	−۲۹/۷	۳٦/٥
	۳۷/۷۲	میانگین	۱٥۸۰۱٦/۳۹	۸۹۷٥٦/٤۸	٤۲/۸	−۱٤/۱	۲۸/۷	۲۹/۳	−۱۲/٤	۱٦/۹	٦۸/۹	−۱۲/۷	٥٦/۲	٤۳/٤	−۱۸/٥	۲٤/۹
	۰/۹۳	ضریب پراکنش	۰/۲۱	۰/۷۰	۰/۲	−۰/۹	۰/٤	۰/۲	−۱/۰	۰/۸	۰/۱	−۰/۹	۰/۳	۰/٤	−۰/۸	۰/۹
برنامهٔ اول توسعهٔ اقتصادی و اجتماعی	٥۰/٦۲	۱۳٦۸	۱۷٦۷۸۹	۷۱۰۰۳	٤۳/٦	−۱۷/٥	۲٦/۱	۳۰/۷	−۱٤/۹	۱٥/۸	٦٤/۱	−۱۸/۷	٤٥/٤	٥۷/٥	−۲۱/۲	۳٦/٤
	−٤/۳۰	۱۳٦۹	۲۱۳۹۹۱	۲۲۹۸۰۰	٤۹/۸	۱/٤	٥۱/۲	۳۱/٥	۱/٤	۳۲/۹	٦٦/٤	۱/۳	۷۰/۸	٦٥/٥	۱/٥	٦۷/۰
	−۱۰/۸٤	۱۳۷۰	۱٦٤۷۱٦	۱۳۳۰۸۹	٤۲/۲	٤/٥	٤٦/۷	۳۰/۷	۳/۷	۳٤/٤	٦٦/٥	۳/۷	۷۰/۲	٤٥/۸	٥/۸	٥۱/٦
	−٤۷/۰۳	۱۳۷۱	۱۰۲۸۸۸	۳۱۸۱۳۷	۳۳/۸	۲۲/٤	٥٦/۳	۲٦/۸	۱٦/۱	٤۲/۸	٦۳/۱	۱۷/٦	۸۰/۸	۲۹/۸	۳۲/۷	٦۲/٥
	−٥۱/٤۱	۱۳۷۲	۸۹٤۳۲	۳۳۱۰۰۱	۳۱/۷	۲٦/٤	٥۸/۲	۲۹/۸	۱۸/۲	٤۸/۰	٥۳/۹	۲٤/۱	۷۸/۰	۲٤/٥	۳۸/٥	٦۳/۰
	−٤۱/۲۹	۱۳۷۳	۱۲۱۳۱۷	۲۸۹۳٦٦	٤۱/۰	۱۷/۲	٥۸/۲	۳۷/٥	۹/۹	٤۷/٥	٥٤/۱	۱۹/۳	۷۳/٤	۳۹/۱	۲٤/۹	٦٤/۰
	−۱۷/۳۸	میانگین	۱۳۹٥۸٤/۰٤	۲۳٤۰۰۳/۸٥	٤۰/٤	۹/۱	٤۹/٤	۳۱/۲	٥/۷	۳٦/۹	٦۱/۹	۷/۹	٦۹/۸	٤۳/۷	۱۳/۷	٥۷/٤
	−۲/۲۲	ضریب پراکنش	۰/۳٤	۰/٤۳	۰/۲	۱/۸	۰/۲	۰/۱	۲/۱	۰/۳	۰/۱	۲/۰	۰/۲	۰/٤	۱/٦	۰/۲
برنامهٔ دوم توسعهٔ اقتصادی و اجتماعی	−۳۱/۹۷	۱۳۷٤	۱٤۲٤٤۳	۲۸۲۸۳۸	۳٦/۱	۱۳/۰	٤۹/۱	۲٦/۹	۹/۲	۳٦/۱	٥۲/۳	۱٥/٤	٦۷/۷	٤۳/۳	۱۸/۰	٦۱/۳
	−۱٦/۱۸	۱۳۷٥	۱٤٤۷٤۰	۱۹۸۸۱٥	٤۳/۹	٦/۹	٥۰/۸	٤۳/٥	٤/٥	٤۸/۰	٥٤/۱	۷/٦	٦۱/۷	۳۸/۸	۹/۸	٤۸/٥
	−۰/۰۸	۱۳۷٦	۱۱۲۱٦۲	۱۱٤۳۸۲	۳٤/۰	۰/٤	۳٤/٤	۲۸/٤	۰/۲	۲۸/٦	٤۱/۲	۰/٥	٤۱/۷	۳۸/۳	۰/٥	۳۸/۸
	۳۳/۱٥	۱۳۷۷	۱۱۲٦۱۲	٥۰۸٤۱	۳٤/۷	−۱٤/۰	۲۰/٦	۲۳/۳	−۹/٦	۱۳/۷	٥٤/٤	−۱٥/۸	۳۸/۷	٤۱/٦	−۱۹/۰	۲۲/٦
	۲۹/۱۰	۱۳۷۸	۱۰۲۰٤۲	۳۹٥۷۹	۳۰/٤	−۱٥/۳	۱٥/۱	۱٦/۱	−۱۲/۷	۳/۳	۳۸/۹	−۱۸/۲	۲۰/۷	٤۲/۷	−۱٦/٤	۲٦/۲
	۲/٦٤	میانگین	۱۲۲۸۰۰/۰۳	۱۳۷۲۹۱/۰۱	۳٥/۸	−۱/۸	۳٤/۰	۲۷/٦	−۱/۷	۲٥/۹	٤۸/۲	−۲/۱	٤٦/۱	٤۰/۹	−۱/٤	۳۹/٥
	۱۰/۷۰	ضریب پراکنش	۰/۱٦	۰/۷٥	۰/۱	−٦/۹	۰/٥	۰/٤	−٥/٥	۰/۷	۰/۲	−۷/۰	۰/٤	۰/۱	−۱۱/۳	۰/٤
برنامهٔ سوم توسعهٔ اقتصادی و اجتماعی	۱٦/۹٦	۱۳۷۹	۸٥۹۳۲	٤۷٤٥٥	۲٤/۹	−۸/۹	۱٦/۰	۲۱/۳	−٦/٥	۱٤/۸	۳۹/٤	−۱۰/۷	۲۸/۷	۲۲/۳	−۱۲/۹	۹/۳
	۱٦/٥٤	۱۳۸۰	٥٥۱۲۸	۲٥۷۳٤	۲۱/۰	−۹/۷	۱٤/٤	۱٤/٤	−۷/۰	۷/٤	۳٥/۷	−۱۱/۰	۲٤/۷	۲۲/٤	−۱۲/٦	۹/۹
	۱۲/۹۹	۱۳۸۱	۲٦۱٥۲	٥۰٥۰	۱۱/۳	−۸/۸	۲/٤	٥/۳	−٦/٦	−۱/۳	۲۳/۷	−۱۰/۳	۱۳/٤	۱۲/۹	−۱۱/۱	۱/۸
	۳/٥٥	۱۳۸۲	٤۳۲٤٤	۳٥۸۸۳	۱۷/۷	−۲/٥	۱٥/۲	۱٤/٦	−۱/۸	۱۲/۸	۳٤/۸	−۲/٦	۳۲/۱	۱۲/۸	−۳/۳	۹/٥
	−۲/۷۹	۱۳۸۳	۷۲۷۳٤	۷۹۱٤٦	۲٦/٦	۱/٦	۲۸/۲	۲۳/۲	۱/۲	۲٤/۳	٤۷/۸	۱/٥	٤۹/۳	۲۰/۳	۲/۲	۲۲/٥
	۹/٥۱	میانگین	٥٦٦۳۸/۱۰	۳۸٦٥۳/۷۱	۲۰/۳	−٥/۷	۱٤/٦	۱٥/۷	−٤/۲	۱۱/٦	۳٦/۲	−٦/٦	۲۹/٦	۱۸/۱	−۷/٥	۱۰/٦
	۰/۹۱	ضریب پراکنش	۰/٤۲	۰/۷۱	۰/۳	−۰/۹	۰/٦	۰/٤	−۰/۹	۰/۸	۰/۲	−۰/۹	۰/٤	۰/۳	−۰/۹	۰/۷
برنامهٔ چهارم توسعهٔ اقتصادی و اجتماعی	−٦/۱۸	۱۳۸٤	۸٦٥٥٦	۱۰۰٦۹۳	۳٤/۱	۳/۲	۳۷/۳	۳٥/۰	۲/۱	۳۷/۱	٤٥/۸	۳/٤	٤۹/۲	۲٥/۸	٤/٥	۳۰/۳
	−۱۰/۷۰	۱۳۸٥	٦۷۳۱٤	۹۳٤۸۸	۲٤/٥	٦/۰	۳۰/٦	۲٥/۸	۳/۸	۲۹/٦	۳٦/۹	٦/۹	٤۳/۹	۱۳/٥	۹/۱	۲۲/٦
	−۱۳/۰۹	۱۳۸٦	٤۷۹٥٥	۸۳۰۰۳	۱۷/۱	۸/۸	۲٥/۸	۱۲/۹	٦/۸	۱۹/۷	۲۹/۹	۹/٤	۳۹/٤	۱٥/۰	۱۰/۹	۲٥/۹
	−۷/۷٤	۱۳۸۷	۸۳٥۹٦	۱۰٤۸۳۱	۲٦/٦	٤/۳	۳۰/۹	۳۳/۲	۲/۲	۳٥/٤	۲۹/۲	٥/٦	۳٤/۸	۱۳/۳	٦/٦	۱۹/۹
	−۳/۳۲	۱۳۸۸	۸۹٦۹	۱٥۳۱۱	۳/۹	۲/٥	٦/٤	۲۳/٦	۱/۱	۲٤/۷	−۱۱/۰	۳/۸	−۷/۲	−۱۱/۸	۳/٦	−۸/۱
	−۱۷/٤٥	۱۳۸۹	۲٦۰۰	٤٤۹۳۸	۱/۱	۱٤/٥	۱٥/٦	۲۱/۱	۸/۳	۲۹/٤	۷/٦	۱٦/٥	۲٤/۱	−۳۱/٦	۲۲/٦	−۹/۰
	−۹/۷٥	میانگین	٤۹٤۹۸/۲۸	۷۳۷۱۰/۷۳	۱۷/۹	٦/٥	۲٤/٤	۲٥/۲	٤/۱	۲۹/۳	۲۳/۱	۷/٦	۳۰/۷	٤/۰	۹/٦	۱۳/٦
	−۰/٥۲	ضریب پراکنش	۰/۷٤	۰/٤۹	۰/۷	۰/۷	۰/٥	۰/۳	۰/۷	۰/۲	۰/۹	۰/٦	۰/۷	٥/۳	۰/۷	۱/۳
برنامهٔ پنجم توسعهٔ اقتصادی و اجتماعی	−۱۹/۲۲	۱۳۹۰	۱۳۳٦٤	٥٦۱٥۸	٥/۸	۱٤/۲	۲۰/۰	۲۱/۲	۷/۸	۲۸/۹	۱۳/۷	۱۷/۱	۳۰/۸	−۲۲/۳	۲۳/۰	۰/۷
	−۲۱/۱٤	۱۳۹۱	٦٤۲۱٥	۱۲۸٥٥۹	۲۱/۱	۱۲/٦	۳۳/٦	۲۹/۳	٦/۸	۳٦/۲	۳٥/٤	۱۳/۹	٤۹/٤	۱/۰	۲۰/٦	۲۱/٦
	−۲۳/۰۷	۱۳۹۲	٦۸۷۹٥	۱٤٤٤۷۰	۲۱/٤	۱۳/٦	۳٥/۰	۳۰/۸	٦/۹	۳۷/۸	۳۸/۸	۱٤/٤	٥۳/۲	−۱/۰	۲۳/۰	۲۲/۰
	−۲٤/۹۸	۱۳۹۳	۷٤۸۳۲	۱٦٤۳۹۹	۲۱/٤	۱٤/۳	۳٥/٦	۳۱/۱	٦/۷	۳۷/۸	٤۲/۱	۱٤/۷	٥٦/۸	−۳/٦	۲٥/٦	۲۲/۰
	−۲۲/۰۹	۱۳۹٤	۱۰٦۲۸۱	۱۹٤٥٤٥	۲٥/٦	۱۱/۲	۳٦/۸	۳٤/٦	٤/۷	۳۹/۲	٤۹/۱	۱۱/٤	٦۰/٥	−۰/۱	۲۱/۹	۲۱/۸
	−۲۲/۱۰	میانگین	٦٥٤۹۷/۲٤	۱۳۷٦۲٦/۱٤	۱۹/۰	۱۳/۲	۳۲/۲	۲۹/٤	٦/٦	۳٦/۰	۳٥/۸	۱٤/۳	٥۰/۱	−٥/۲	۲۲/۸	۱۷/٦
	−۰/۱۰	ضریب پراکنش	۰/٥۱	۰/۳۸	۰/٤	۰/۱	۰/۲	۰/۲	۰/۲	۰/۱	۰/٤	۰/۱	۰/۲	−۱/۹	۰/۱	۰/٥

منبع: یافته‌های پژوهش

با افزایش قیمت‌های جهانی و کاهش ارزش پول ملی در برنامهٔ چهارم توسعه پیش‌بینی می‌شود روند حمایت از مصرف‌کنندگان افزایشی باشد. اثرکل در زیربخش زراعت تنها در سال‌های ۱۳۶۶ و ۱۳۸۱ با بیش‌برآورد ۷۵ و ۱۲ درصدی ارزش ریال منفی بوده است، اما اثر اجرای سیاست‌های ارزی و بخشی در این دو سال اندک بود، یعنی با برقراری نرخ ارز تعادلی بلندمدت اقتصاد در سال‌های ۱۳۶۶ و ۱۳۸۱ هزینه‌های مصرف‌کنندگان داخلی و خارجی تفاوت چندانی نداشته است. اثرغیرمستقیم که علامت آن عکس انحراف نرخ ارز است در برنامه‌های اول و چهارم توسعه به دلیل کم‌برآورد ارزش ریال حمایت‌کنندهٔ مصرف‌کنندگان زیربخش زراعت بوده است. شایان ذکر است بخش مهمی از حمایت از مصرف‌کنندگان زیربخش زراعت را یارانهٔ گندم برای مصرف نان در برمی‌گیرد.

با وجود نقش صادراتی زیربخش باغبانی و رتبه‌های برتر ایران در صادرات محصولات این زیربخش در جهان، در پی دخالت‌های دولت در بازار این محصولات مصرف‌کنندگان این زیربخش حمایت زیادی دریافت می‌کنند. به طوری که در دورهٔ جنگ و برنامهٔ اول توسعه به ترتیب ۶۸/۹ و ۶۱/۹ درصد ارزش مصرف این محصولات با قیمت‌های جهانی را به شکل یارانه دریافت می‌کردند. یکی از دلایل اندک بودن قیمت‌های داخلی این محصولات ناتوانی تولیدکنندگان در عرضهٔ محصولات خود در بازارهای مناسب(اعم از داخلی و جهانی) با قیمت بیشتر است که ضعف بازاریابی و بازاررسانی بین‌المللی را نشان می‌دهد. در برنامه‌های توسعهٔ بعدی با وجود نوسان، انتقال از تولیدکنندگان به مصرف‌کنندگان کاهش پیدا کرد و در برنامهٔ چهارم توسعه تنها ۲۳ درصد از هزینه‌های آنان کاهش پیدا کرد. اثرکل نیز روندی مشابه داشت و در برنامه‌های سوم و چهارم حدود ۳۰ درصد از ارزش مصرف محصولات باغی به مصرف‌کنندگان یارانه پرداخت شد. در همهٔ دوره‌ها اثرغیرمستقیم کمتر از انحراف

نرخ ارز بود و در دورهٔ جنگ در پی بیش‌برآورد ۳۷ درصدی ارزش ریال، ۱۲ درصد هزینهٔ مصرف محصولات باغی افزایش پیدا کرد.

حمایت از زیربخش دامپروری تا پایان برنامهٔ دوم توسعه نوسان اندکی داشت، اما در برنامهٔ سوم توسعه با کاهش دخالت دولت در بازار محصولات دامی، با وجود افزایش یارانه‌های بودجه‌ای، حمایت از مصرف‌کنندگان کاهش پیدا کرد و در سال‌های ۸۹-۱۳۸۸ ناگزیر از پرداخت مالیات پنهان شدند. پیش‌بینی می‌شود در برنامهٔ پنجم توسعه ۵/۲ درصد به هزینه‌های آنان افزوده شود. اثرکل در دورهٔ جنگ به دلیل اثرمنفی بیش‌برآورد ارزش ریال بر حمایت از مصرف‌کنندگان زیربخش دامپروری برخلاف اثرمستقیم، حمایت کمتری از مصرف‌کنندگان را نشان می‌دهد که بیانگر اثرگذاری منفی متغیرهای بنیادین اقتصاد بر مصرف‌کنندگان محصولات دامی است. در برنامه‌های اول و چهارم توسعه سیاست‌های ارزی برای مصرف‌کنندگان محصولات دامی سودمند بود و اثرغیرمستقیم در این دو برنامه به ترتیب ۱۳/۷ و ۹/۶ درصد بود. اثرغیرمستقیم در برنامهٔ پنجم توسعه نیز ۲۲/۸ درصد هزینه‌های مصرف‌کنندگان را کاهش می‌دهد.

ارزش اثرمستقیم حمایت از مصرف‌کنندگان بخش کشاورزی با وجود افزایش مصرف، کاهشی بود و از ۱۵۸ هزار میلیارد ریال در دورهٔ جنگ به ۴۹/۴ هزار میلیارد ریال به قیمت‌های ثابت سال ۱۳۸۴ در برنامهٔ چهارم کاهش پیدا کرد. این شاخص با تعدیل قیمت‌های جهانی با نرخ ارز تعادلی روندی مشابه داشت و در برنامهٔ سوم توسعه در پی کاهش دخالت دولت در بازار محصول و اجرای سیاست شناورسازی نرخ ارز کمترین انتقال از تولیدکنندگان و مالیات‌دهندگان به مصرف‌کنندگان صورت پذیرفت. شاخص درصدی اثرمستقیم در دورهٔ جنگ، حمایت افزایشی از مصرف‌کنندگان را نشان می‌دهد. در برنامهٔ اول توسعه با اجرای سیاست‌های تعدیل اقتصادی حمایت از مصرف‌کنندگان با نوسان همراه شد و در برنامه‌های بعد با

افزایش قیمت‌های داخلی حمایت از آنان با وجود نوسان، کاهش پیدا کرد و در سال ۱۳۸۹ به ۱/۱ درصد رسید. شاخص اثرکل نیز در همهٔ دوره‌ها حمایت از مصرف‌کنندگان را نشان می‌دهد، به طوری که کمترین حمایت از آنان در سال ۱۳۸۱ همزمان با اجرای سیاست شناورسازی نرخ ارز انجام پذیرفت. اثرغیرمستقیم در همهٔ دوره‌ها کمتر از مقدار مطلق انحراف نرخ ارز است که نقش کمتر سیاست‌های ارزی را در بازار محصولات کشاورزی و حمایت از کنشگران بازار را به دلیل بسته بودن بازار و دخالت دولت در آن آشکار می‌کند.

۵-۶ برآورد حمایت از خدمات عمومی بخش کشاورزی (GSSE)

شاخص حمایت از خدمات عمومی در بخش کشاورزی که به شکل ارزش و سهم از تولید ناخلص داخلی کشور گزارش می‌شود، پرداخت‌هایی است که به تصمیم‌ها و فعالیت‌های فردی کشاورزان یا مصرف‌کنندگان ارتباط ندارد، زیرا این گروه‌ها به شکل فردی دریافتی ندارند. این شاخص با روشی که در فصل سوم پژوهش پیش رو بیان شد، محاسبه و نتایج آن در جدول (۱-۵-۶) آمده است. براساس نتایج، رشد شاخص حمایت از خدمات عمومی در سه دهۀ مورد بررسی ۸۹-۱۳۶۰ با وجود نوسان، افزایشی بوده است. به طوری که در قیمت‌های ثابت سال ۱۳۸۴، از ۲۶۱۳ میلیارد ریال در دورۀ جنگ به ۶۳۹۷ میلیارد ریال در برنامۀ چهارم توسعه افزایش یافته است. در برنامۀ چهارم توسعه حمایت‌های دولت از خدمات عمومی کشاورزی نوسان بیشتری داشته و ضریب پراکنش این برنامه نسبت به میانگین ۵۴ درصد بوده است.

سهم این نوع حمایت‌ها از تولید ناخالص داخلی کل کشور، به طور میانگین ۰/۴۱ درصد بوده است و پس از جنگ با کاهش بودجه‌های نظامی، در نخستین

برنامهٔ توسعه افزایش پیدا کرد. اما با رشد تولید ناخالص داخلی کشور روند کاهشی پیدا کرد و در برنامه‌های دوم و سوم توسعه با وجود نوسان، از ثبات نسبی برخوردار بود. در برنامهٔ چهارم توسعه با وجود رشد چشمگیر حمایت از خدمات عمومی در بخش کشاورزی تا ۰/۶۳ درصد در سال ۱۳۸۴، در سه سال میانی این برنامه این سهم به کمترین مقدار در سه دهه و کمتر از ۰/۲ درصد رسید و در سال‌های پایانی افزایش پیدا کرد. نوسان شدید در تخصیص بودجه، از آنجا که خدماتی چون توسعهٔ زیرساخت‌ها، خدمات آموزشی و ترویجی، ماشینی کردن، توسعه و تجهیز انبارها و صنایع بالادستی و پایین‌دستی، ایجاد مراکز کنترل کیفیت و بهبود بازاریابی، فرایندی بلندمدت است، توسعهٔ بخش کشاورزی را کُند و حتی ناموازن می‌کند. به‌ویژه، این نوسان در برنامهٔ چهارم توسعه با توجه به هدف این برنامه مبتنی بر افزایش بهره‌وری ناهماهنگ است و لزوم تلاش برای افزایش حمایت از خدمات عمومی بخش کشاورزی به عنوان تأمین‌کنندهٔ امنیت غذایی کشور و پایهٔ زندگی روستایی را آشکار می‌کند.

۶-۶ برآورد حمایت کل از بخش کشاورزی (TSE)

مجموع حمایت از تولیدکنندگان، مصرف‌کنندگان و خدمات عمومی بخش کشاورزی بیانگر شاخص حمایت کل (TSE) از بخش کشاورزی است. در جدول (۱-۶-۶) شاخص حمایت کل از زیربخش‌های زراعت، باغبانی، دامپروری[1] و کل بخش کشاورزی و شاخص حمایت از خدمات عمومی(GSSE) آمده است. سهم شاخص TSE کل بخش کشاورزی و GSSE از تولیدناخالص داخلی کشور نیز برای مقایسهٔ این حمایت‌ها با حجم کل اقتصاد کشور گزارش شده است. شاخص حمایت TSE حمایت از بخش کشاورزی را در مقایسه با بخش‌های دیگر ارزیابی می‌کند و

[1] در محاسبهٔ شاخص‌های TSE زیربخش‌های کشاورزی شاخص GSSE لحاظ نشده است.

قضاوت دربارهٔ بهره‌مندی تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان، نیازمند بررسی شاخص‌های PSE و CSE است.

شاخص اثرمستقیم TSE زیربخش زراعت با وجود نوسان، نشان‌دهندهٔ روند افزایشی حمایت از این زیربخش است. این شاخص در برنامهٔ سوم توسعه در پی افزایش حمایت از تولیدکنندگان رشد چشمگیری داشته است. پیش‌بینی می‌شود با افزایش حمایت از تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان در برنامهٔ پنجم توسعه حمایت کل از زیربخش زراعت به ۷۷/۵ هزار میلیارد ریال به قیمت ثابت سال ۱۳۸۴ افزایش پیدا کند. اثرکل نیز روند مشابهی داشته و با افزایش تولید محصولات زراعی ارزش حمایت کل از این زیربخش افزایش پیدا کرده و در برنامهٔ چهارم توسعه با اثرگذاری متغیرهای بنیادین اقتصاد ایران ۶۰/۵ هزار میلیارد ریال به قیمت‌های ثابت سال ۱۳۸۴ با روش‌های مختلف یارانه به زیربخش زراعت پرداخت شده است که شیوهٔ بهره‌مندی و سهم تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان هر محصول از آن متفاوت است.

شاخص حمایت کل از زیربخش باغبانی با استفاده از نرخ ارز حقیقی برای تبدیل قیمت‌های جهانی با نوسان زیادی در برنامه‌های توسعه همراه بوده است. در دورهٔ جنگ و برنامه‌های اول و دوم توسعه با وجود حمایت زیاد از مصرف‌کنندگان و حمایت‌های بودجه‌ای در بخش تولید از کنشگران زیربخش باغبانی(تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان) مالیات پنهان دریافت شده است، یعنی اجرای سیاست‌های بخشی و ارزی به زیان این زیربخش بوده است.

جدول ۱-۶-۶) شاخص‌های حمایت کل از تولیدکنندگان بخش کشاورزی(TSE)

برنامه های توسعه	درصد انحراف نرخ ارز	سال	(GSSE) سهم بودجه خدمات عمومی بخش کشاورزی از GDP (٪)	(GSSE) ارزش بودجه خدمات عمومی بخش کشاورزی	TSE کل بخش کشاورزی (میلیارد ریال- به قیمت ثابت سال ۱۳۸٤) زراعت اثر مستقیم	زراعت اثر کل	باغبانی اثر مستقیم	باغبانی اثر کل	دامپروری اثر مستقیم	دامپروری اثر کل	کل بخش کشاورزی اثر مستقیم	کل بخش کشاورزی اثر کل	سهم TSE از GDP کل کشور (٪) اثر مستقیم	سهم TSE از GDP کل کشور (٪) اثر کل
دوره جنگ	۲٦/۸۱	۱۳٦۰	۰/٤٦	۲۵۲۳	۳۳۷٦۳	۲۵۹۵۱	۲٦۳	-٤۸	۱۳۸۰۸	۵۷٤۵	۵۰۳۵۷	۳٤۱۷۰	۹/۲	٦/۲
	۳۸/۹۰	۱۳٦۱	۰/٤٤	۲٦۸٦	۱٦۱۷۸	۱۱۵۸٦	-۱۰۱۰	-۸۱۲	۱۵۷۲٦	۲۸۳۵	۳۳۵۸۰	۱٦۲۹۵	۵/۵	۲/۷
	۳۸/٦۷	۱۳٦۲	۰/۵٤	۳۳۸۸	۳۰۵۳۰	۱۹۹٦۸	-۹٤۸	-۷۰۸	۳۱٦۹۱	۱۲٦۳۵	٦٤٦٦۱	۳۵۲۸۳	۱۰/۳	۵/٦
	٤۷/٦۸	۱۳٦۳	۰/۵۷	۳٤۷۹	۳۵۲۷۰	۲۳٦۰٤	-۱۳۰۷	-۸۳۷	۳۵۲۳۳	۱۳۳۲۵	۷۲٦۷٦	۳۹۵۷۲	۱۲/۰	٦/۵
	-۱۳/۱٦	۱۳٦٤	۰/۳۷	۲۲۹۰	۲۲۲۱۵	۲۳۱٦۱	-۲۹۰۹	-٤۳۹۰	۲۵۲۸۸	۳۳٦۰٤	٤٦۸۸٤	۵٤٦٦۵	۷/٦	۸/۸
	-۷/۷۱	۱۳٦۵	۰/٤۵	۲٤۱۲	٤۲۹۱۰	٤۲۰۵۸	-٤۱۰۲	-۳۳۲۱	۲۷۱۰۸	۲۸۵۵۲	۷۰۰۲۸	٦۹۷۰۱	۱۳/۲	۱۳/۱
	۷۵/۷۲	۱۳٦٦	۰/۳۷	۱۸۷۰	٤۲۲۵۲	۲۳۸۸۱	-۱۵۱	۲۷۱۷	۳۵۵۵۸	۷۰۱۸	۷۹۵۲۹	۳۵٤۸٦	۱۵/۸	۷/۰
	۸۹/۸۷	۱۳٦۷	۰/۵۱	۲۲۵۹	۱۳۵۱۸	۱۲۸٦۳	-۲۲٦	۱۳۷٤	٤۰۷۲۸	۷۹۷۱	۵٦۲۷۹	۲٤٤٦۷	۱۲/۷	۵/۵
	۳۷/۷۲	میانگین	۰/٤۷	۲٦۱۳/۳۱	۲۹۵۷۹/۳۷	۲۲۸۸۳/۹	-۱۰۸٦/۱	-۷۵۳/۱	۲۸۱٤۲/۷	۱۳۹٦۰/۷	۵۹۲٤۹/۲	۳۸۷۰٤/۸	۱۰/۸	۷/۰
	۰/۹۳	ضریب پراکنش	۰/۱٦	۰/۲۱	۰/۳۸	۰/٤	-۱/۰	-۳/۰	۰/۳	۰/۸	۰/۳	۰/٤	۰/۳	۰/٤
برنامهٔ اول توسعهٔ اقتصادی و اجتماعی	۵۰/٦۲	۱۳٦۸	۰/۵٦	۲۵۰۷	۲٦۳۹٤	۱۱٦۲۳	-۲٦۷٤	-۳٤۳	۳٦۳۱٤	۱۵۸۹۵	٦٦۵٤۱	۲۹٦۸۲	۱۳/۹	٦/٦
	-٤/۳۰	۱۳٦۹	۰/٦۲	۳۵۵۷	۳۰٤٦۸	۲۹۲۱۵	-۲۵۹	-۱۷۹۵	۵۰۲۰۹	۵۳٤٤۲	۸۳۹۷٤	۸٤٤۱۹	۱٤/٦	۱٤/۷
	-۱۰/۸٤	۱۳۷۰	۰/۵۷	۳۹۳۳	۲۷۵۳۳	۲۸۰٦۷	-۲۹۹	-۲۲٤۵	۲۷۱۲۳	۳۲۸۳۰	۵۸۲۹۱	٦۲۵۸٤	۸/۵	۹/۱
	-٤۷/۰۳	۱۳۷۱	۰/۵۳	۳۸٤٦	۱۹۰۰۲	۲۵۱۹٤	۲٤٦۰	-۵۳٦٦	۱۷٤۳۰	۵۳۵۲۱	٤۲۷۳۷	۷۷۱۹۵	۵/۹	۱۰/٦
	-۵۱/٤۱	۱۳۷۲	۰/۵۲	٤۸۳۷	۳۱۱٦۹	٤٦٦٤۰	-٦۳٤	-۱۱۹۹٦	۱۲۲۳۸	٤۹۷۹۰	٤۷٦۱۱	۸۹۲۷۱	۵/۱	۹/٦
	-٤۱/۲۹	۱۳۷۳	۰/٤٤	٤۱۲۲	۳۳۰۸۱	۳۲٦۹۵	-۱٦۲۷	-۱۰۵٦۰	۱۹٦٤۷	٤٤۹٤۳	۵۵۲۲۳	۷۱۲۰۰	۵/۹	۷/٦
	-۱۷/۳۸	میانگین	۰/۵٤	۳۸۰۰/۲۲	۲۷۹٤۱/۲۱	۲۸۹۰۵/۸	-۵۰۵/٤	-۵۳۸٤/۳	۲۷۱٦۰/۲	٤۱۷۳٦/۹	۵۸۳۹٦/۲	٦۹۰۵۸/٦	۹/۰	۹/۷
	-۲/۲۲	ضریب پراکنش	۰/۱۱	۰/۲۰	۰/۱۸	۰/٤	-۳/٤	-۰/۹	۰/۵	۰/٤	۰/۲	۰/۳	۰/۵	۰/۳
برنامهٔ دوم توسعهٔ اقتصادی و اجتماعی	-۳۱/۹۷	۱۳۷٤	۰/۳۱	۲۷۳۸	۱۷۲٦۹	۱۸۸٦٤	-٦٦۸	-۷۵۵۲	۲۲٤٤۷	٤۰٦۵۸	٤۱۷۸٦	۵٤۷۰۹	٤/۷	٦/۱
	-۱٦/۱۸	۱۳۷۵	۰/۳۹	۳۵۹۲	٤۵۱٦٤	٤۹۲۲۵	-۳۳۳٤	-۷۱۷۷	۲۳۵۱۱	۳۲۳٦۷	٦۸۹۳۳	۷۸۰۰٦	۷/۵	۸/۵
	-۰/۸۹	۱۳۷٦	۰/۳۸	۳٤۳۲	۱۳۸۵۵	۱۲۳۳۹	٦۵٦	-۲٤۱	۲۰۱۹٦	۲۰۵٤۰	۳۸۱٤۰	۳٦۰۷۰	٤/۲	٤/۰
	۳۳/۱۵	۱۳۷۷	۰/۳۲	۲۸۱۱	۱۳۵۷٦	۱۵۳۷۵	-۲۱٤٦	-۲۵۲	۱۵٦۵۰	٦٤٦٦	۲۹۸۹۱	۲٤۳۹۹	۳/٤	۲/۸
	۲۹/۱۰	۱۳۷۸	۰/۲۹	۲۷۳۵	۲۲۲۵٦	۱٤۰۰۸	٤۲۱۸	٤۰٦۰٦	۱۸۰۸۵	۹۸۹٦	٤۷۲۹۵	۳۱۲٤۵	٤/۹	۳/۳
	۲/٦٤	میانگین	۰/۳٤	۳۰٦۱/۷٤	۲۲٤۲٤/۱٤	۲۱۹٦۲/۲	-۲٥٤/٦	-۲۱۲۳/۲	۱۹۹۷۷/۷	۲۱۹۸۵/۱	٤۵۲۰۹/۰	٤٤۸۸۵/۹	۵/۰	٤/۹
	۱۰/۷۰	ضریب پراکنش	۰/۱٤	۰/۱٤	۰/۵۹	۰/۷	-۱۱/۵	-۲/٤	۰/۲	۰/۷	۰/۳	۰/۵	۰/۳	۰/۵
برنامهٔ سوم توسعهٔ اقتصادی و اجتماعی	۱٦/۹٦	۱۳۷۹	۰/۳۳	۳٦۹۳	٤۵۷۱۵	۳۵۷۰۳	۷۸۱۱	٦۵۲۰	۱۳۳۲۵	۹۰۲۳	۷۰۵٤٤	۵٤۹۳۹	٦/۳	٤/۹
	۱٦/۵٤	۱۳۸۰	۰/۳۸	٤٤۳۲	۲۵۷٤٤	۲۰۸۵۸	٤۱۰۲	۳۹۱٤	۱۱۳۷۰	۷۲۰۱	٤۵٦٤۷	۳٦٤۰۵	٤/۰	۳/۲
	۱۲/۹۹	۱۳۸۱	۰/۳۸	۵۲۷۸	۳۳٦۵۷	۲۹۹۷۵	۲٦۸۱	۲٤۹۳	۳۲٤۹	۳۲٤۹	٤۷۷۵۲	٤۰۹۹۵	۳/٤	۳/۰
	۳/۸۵	۱۳۸۲	۰/۳۵	۵۱۵۰	٤۰۳۳۲	۳۷٤۹٦	-۲۰۱	-۹۹۸	۸۱۹۵	۷۰۹۰	۵۳٤۷٦	٤۸۷۳۸	۳/۷	۳/۳
	-۲/۷۹	۱۳۸۳	۰/۲۸	٤۵٦۰	٦۳۲۸۱	٦۱۱٦٤	۳۸۹۷	۱۹٤۰	۱۱۹۵۸	۱۲۹۹٦	۸۳٦۹٦	۸۰٦٦۱	۵/۱	٤/۹
	۹/۵۱	میانگین	۰/۳۵	٤٦۲۲/۵۸	٤۱۷٤۵/۹۱	۳۷۰۳۹/٤	۳٦۹۳/۸	۷۷۷۳/۷	۱۰۱٦۰/۷	۷۹۱۱/۷	٦۰۲۲۳/۱	۵۲۳٤۷/٤	٤/۵	۳/۹
	۰/۹۱	ضریب پراکنش	۰/۱۳	۰/۱٤	۰/۳٤	۰/٤	۰/۸	۱/۰	۰/۳	۰/٤	۰/۳	۰/۳	۰/۳	۰/۳
برنامهٔ چهارم توسعهٔ اقتصادی و اجتماعی	-٦/۱۸	۱۳۸٤	۰/٦۳	۱۱۷۷۳	۷۲۵۰۵	۷۰۸۲۰	-٦۱۵	-۳۵۱۳	۱٤۹۱۵	۱۷۱۸۹	۹۸۵۷۸	۹٦۲٦۹	۵/۳	۵/۲
	-۱۰/۷۰	۱۳۸۵	۰/۱۹	۳۸۰۲	۷۱۳۳۱	۷۰۳٤۵	-۳۲٤۹	-۷٦٦۳	۱۱۵٤۲	۱٤۹۹۷	۸۳٤۲۵	۸۱٤۸۱	٤/۱	٤/۰
	-۱۳/۰۹	۱۳۸٦	۰/۱٦	۳۵٦۸	۵۰۲۵۹	۵۰۹۰۸	-۷۱۵	-۵۵۷۹	۱۱۷۹۸	۱۷۹۳۱	٦٤۹۱۰	٦٦۸۲۷	۳/۰	۳/۱
	-۷/۷٤	۱۳۸۷	۰/۱۵	۳۱۲٦	۵۷۷٤٦	۵۸۰۵۹	۵۹۷	-۱۹۱٤	۱۱۳۳۸	۱٤۳۸۲	۷۲۸۰۷	۷۳٦۵۲	۳/۵	۳/٦
	-۳/۳۲	۱۳۸۸	۰/۳۹	۷٤٤۸	۵٤۵۷۸	۵۲۸۵۷	۵۳٦٦	٤۱۱۸	٦۵۹۹	۷٦۲۷	۷۳۹۹۱	۷۲۰۵۱	۳/۹	۳/۸
	-۱۷/٤۵	۱۳۸۹	۰/٤۱	۸٦۷۱	۵٤۵۸۷	٦۰۲۲۳	۳۲٤٦	-۵	۳٦۵۸	۱۱۲٦۱	۷۰۱٦۲	۸۰۱۵۱	۳/٤	۳/۸
	-۹/۷۵	میانگین	۰/۳۲	٦۳۹۷/۸٦	٦۰۱٦۷/٤۷	٦۰۵۳۵/۲	۷۷۱/۷	-۲٤٦٦/۰	۹۹۷٤/۹	۱۳۸۹۸/۰	۷۷۳۱۲/۰	۷۸٤۰۵/۱	۳/۹	۳/۹
	-۰/۵۲	ضریب پراکنش	۰/۵۹	۰/۵٤	۰/۱٦	۰/۱	٤/۰	-۱/۷	۰/٤	۰/۳	۰/۲	۰/۱	۰/۲	۰/۲
برنامهٔ پنجم توسعهٔ اقتصادی و اجتماعی	-۱۹/۲۲	۱۳۹۰	۰/۳۰	۵۰٦۵	۵٦۱۱۹	٦۱۲۰۳	٤۰۳٤	۸۲۰	۱۲۳٦٦	۲۰٤۹۱	۷۷۵۸٤	۸۷۵۷۹	٤/٦	۵/۲
	-۲۱/۱٤	۱۳۹۱	۰/۲۸	٤۵۵۳	٦۹۸۵۹	۷۷۹۳٤	۱۳۹۲	-۳۲۲۵	۲۲۷۷٤	۳٤۷٤٤	۹۸۵۷۷	۱۱٤۰۰٦	٦/۱	۷/۰
	-۲۳/۰۷	۱۳۹۲	۰/۳۰	٤٦۸۵	۷٤۵۲۵	۸٤٤۵۹	٦۹۷	-٤۳۱۳	۲۵٤۱٤	۳۹۷۷٦	۱۰۵۳۲۱	۱۲٤٦۰۷	٦/۷	۸/۰
	-۲٤/۹۸	۱۳۹۳	۰/۳۲	٤۸٤۹	۸۳۰۷۱	۹٦۱۸۰	۱۵۹	-۵۳۰۵	۲۸۸۸۵	٤۵٦۰۵	۱۱٦۹٦٤	۱٤۱۳۲۹	۷/۷	۹/۳
	-۲۲/۰۹	۱۳۹٤	۰/۳۵	۵۰٤۹	۱۰٤٤۰۷	۱۱۸۷۸۳	-۱۱۳۸	-٦۷٤۲	۳۷٦٦٤	۵۳۹۹٦	۱٤۵۹۸۲	۱۷۱۰۸٦	۱۰/۱	۱۱/۸
	-۲۲/۱۰	میانگین	۰/۳۱	٤۸٤۰/۱۰	۷۷۵۹٦/۱۸	۸۷۷۱۱/۸	۱۰۲۸/۸	-۳۷۵۲/۹	۲۵٤۲۰/۵	۳۸۹۲۲/٤	۱۰۸۸۸۵/۵	۱۲۷۷۲۱/۳	۷/۱	۸/۳
	-۰/۱۰	ضریب پراکنش	۰/۰۸	۰/۰۵	۰/۲۳	۰/۲	۱/۹	-۰/۸	۰/٤	۰/۳	۰/۲	۰/۲	۰/۳	۰/۳

منبع: یافته‌های پژوهش

در برنامهٔ سوم توسعه در پی کاهش شدید قیمت نفت و لزوم توجه به صادرات غیرنفتی که محصولات باغی سهم زیادی از آن را در برمی‌گیرد، حمایت از زیربخش باغبانی افزایش پیدا کرد و تنها در سال ۱۳۸۲ مالیات پنهان این بخش بیشتر از یارانهٔ آن بود. در برنامهٔ چهارم توسعه با افزایش قیمت‌های جهانی، حمایت از این زیربخش کاهش پیدا کرد و به طور میانگین ۷۷۱ میلیارد ریال به قیمت ثابت سال ۱۳۸۴ به این زیربخش یارانه پرداخت شد. پرداخت یارانه به یک زیربخش در پی اجرای سیاست‌های ارزی و بخشی، توسعهٔ تولید و صادرات را در پی دارد. اما توجه به سهم تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان در توزیع منافع سیاست‌ها اهمیت دارد، زیرا تداوم حمایت یک‌سویه از یک گروه، تضعیف طرف عرضه یا تقاضا را در پی دارد که به کاهش منافع گروه دیگر می‌انجامد. از یک سو، تضعیف تولیدکنندگان با کاهش انگیزهٔ تولید، کاهش عرضه، افزایش قیمت و کاهش حمایت از مصرف‌کنندگان یا افزایش هزینه‌های دولت را در پی دارد و از سوی دیگر تضعیف مصرف‌کنندگان، کاهش تقاضا، مازاد عرضه، کاهش قیمت و کاهش منافع تولیدکنندگان را به دنبال دارد. میانگین اثرکل نیز تنها در برنامهٔ سوم توسعه همزمان با کاهش دخالت دولت در بازار محصول و اجرای سیاست شناورسازی نرخ ارز، حمایت‌کنندهٔ زیربخش باغبانی بود. پیش‌بینی می‌شود، برخلاف اثرمستقیم، اثرکل در برنامهٔ پنجم توسعه به دلیل کم‌برآورد ارزش ریال، منفی باشد. براساس نتایج اثرمستقیم و اثر غیرمستقیم، به نظر می‌رسد اثر منفی سیاست‌های ارزی بر تولید و مصرف زیربخش باغبانی بیشتر است، زیرا اثرکل در چهار برنامهٔ توسعه کمتر از اثرمستقیم است. اثر منفی سیاست‌های ارزی در شرایط بیش‌برآورد ارزش ریال بر حمایت از نهاده‌ها و مصرف‌کنندگان و در شرایط کم‌برآورد ارزش ریال بر حمایت از تولیدکنندگان زیربخش باغبانی است.

شاخص اثرمستقیم حمایت کل از زیربخش دامپروری در برنامه‌های توسعه روند کاهشی داشته است. این روند نشان می‌دهد با کاهش دخالت دولت در بازارهای نهاده و محصولات دامی، براساس جدول‌های (۱-۳-۶) و (۱-۴-۶) یارانهٔ دریافتی تولیدکنندگان افزایش یافته و مصرف‌کنندگان ناگزیر از پرداخت مالیات شده‌اند که مازاد منافع به‌دست آمده توسط کشاورزان در این شرایط در مقایسه با مازاد منافع مصرف‌کنندگان پیش از اجرای این سیاست‌ها کمتر بوده است. اثرکل حمایت کل از زیربخش دامپروری در برنامهٔ اول توسعه به دلیل افزایش بیشتر حمایت از مصرف‌کنندگان در مقایسه با افزایش مالیات تولیدکنندگان در پی کم‌برآورد ارزش ریال، بیشترین مقدار را داشته است. یعنی در این برنامه با اثرگذاری متغیرهای تعادلی اقتصاد ایران، برایند منافع در زیربخش دامپروری موجب دریافت مالیات پنهان از کنشگران این بازار شده است. شایان ذکر است، کم‌برآورد ارزش ریال به دلیل اثرگذاری مثبت بر حمایت از مصرف محصول و نهاده‌های تولید در مقایسه با اثرگذاری مثبت بیش‌برآورد ارزش ریال بر حمایت بازاری از تولیدکنندهٔ محصول، اثر بیشتری بر افزایش TSE دارد.

از آنجا که شاخص TSE تنها برای زیربخش باغبانی در بیشتر سال‌ها منفی بوده است این شاخص برای کل بخش کشاورزی در همهٔ سال‌ها نشان‌دهندهٔ دریافت یارانه است. در برنامه‌های اول و دوم توسعه با نوسان شکاف قیمت‌های داخلی و خارجی، تولید و مصرف، حمایت از بخش کشاورزی با نوسان مداوم همراه بود، اما در برنامهٔ سوم توسعه با حمایت همزمان از تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان اغلب محصولات و افزایش حمایت‌های بودجه‌ای، حمایت از بخش کشاورزی رشد چشمگیری داشت و در سال ۱۳۸۴ به ۹۸/۵ هزار میلیارد ریال رسید. اما روند نوسانی آن در برنامهٔ چهارم توسعه از سر گرفته شد. در شرایط برقراری نرخ ارز تعادلی اقتصاد نیز حمایت کل از بخش کشاورزی در برنامهٔ سوم توسعه افزایشی بود و در برنامهٔ چهارم توسعه با وجود

نوسان به طور میانگین، بیشترین حمایت از تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان صورت پذیرفت. حمایت ۷۸/۴ هزار میلیارد ریال به قیمت ثابت سال ۱۳۸۴ از بخش کشاورزی در این برنامه به دلیل افزایش تولید و مصرف و یارانه‌های بودجه‌ای در پی شکاف قیمتی سوخت داخلی و خارجی است. با توجه به دریافت مالیات پنهان از تولیدکنندگان در پی کم‌برآورد ارزش ریال در برنامهٔ چهارم توسعه، پرداخت یارانه به کل این بخش به دلیل حمایت از مصرف‌کنندگان بود که در بلندمدت تضعیف تولید، نیاز به واردات و کاهش منافع مصرف‌کنندگان را به دنبال دارد. در برنامهٔ سوم نیز که به دلیل بیش‌برآورد ارزش ریال تولیدکنندگان حمایت شدند بیشتر سهم حمایت کل را حمایت از مصرف‌کنندگان در برگرفته بود.

سهم حمایت بخش کشاورزی از تولیدناخالص داخلی کشور در سال‌های پس از جنگ کمتر از ۱۰ درصد و نوسانی بوده و در سال ۱۳۶۶ به دلیل کاهش تولید ناخالص داخلی کشور ۱۵/۸ درصد بود. نسبت شاخص TSE محاسبه شده با نرخ ارز تعادلی به تولید ناخالص داخلی کشور در بیشتر سال‌ها، به جز برنامهٔ اول توسعه کمتر از اثرمستقیم است که بیانگر تأثیر بیشتر اثر منفی سیاست‌های ارزی بر حمایت از بخش کشاورزی است. تفاوت اثرمستقیم و اثرکل شاخص حمایت از بخش کشاورزی در برنامه‌های سوم و چهارم توسعه با کاهش انحراف نرخ ارز کمتر شده است که این واکنش به سیاست‌های ارزی لزوم توجه به این سیاست‌ها را در بخش کشاورزی آشکار می‌کند.

۷-۶ نتیجه‌گیری و پیشنهادها

بخش کشاورزی به دلیل نقش آن در تأمین امنیت غذایی از جایگاه راهبردی برخوردار است. براساس گزارش بانک مرکزی ایران، بخش کشاورزی به طور میانگین

۱۶ و ۱۳ درصد از تولیدناخالص داخلی و اشتغال کشور را در برمی‌گیرد. همچنین سبک زندگی ویژه‌ای که اغلب همراه این فعالیت اقتصادی است، موجب می‌شود همواره سیاست‌های حمایتی مختلفی از بخش تولید و مصرف کشاورزی انجام پذیرد. در پژوهش پیش رو مقادیر کمی این حمایت‌ها براساس شاخص‌های MPS، PSE، CSE، GSSE و TSE طی دورهٔ ۹۴-۱۳۶۰ محاسبه شده است.

نتایج بیانگر وجود روند افزایشی در حمایت‌های قیمتی و حمایت از تولیدکنندگان در برنامه‌های توسعه است. کاهش دخالت دولت در بازار نهاده‌ها و محصولات کشاورزی در کنار اجرای سیاست‌های ارزی موجب بهبود حمایت از کشاورزان شده است. در بین حمایت‌های بودجه‌ای سهم یارانهٔ سوخت و یارانه‌های نهاده‌های تولید(خوراک دام و انواع کود و سموم شیمیایی) برای همهٔ محصولات بیش از ۹۰ درصد از کل حمایت‌های بودجه‌ای از تولیدکنندگان بوده است. در برنامهٔ سوم توسعه با کاهش دخالت دولت در بازار نهاده‌ها و محصول و اجرای سیاست یکسان‌سازی نرخ ارز، از تولیدکنندگان زیربخش‌های کشاورزی و کل بخش حمایت شده است. مقادیر اثرمستقیم حمایت از مصرف‌کنندگان بخش کشاورزی از میانگین ۴۲ درصد در دورهٔ جنگ به ۱۷ درصد در برنامهٔ چهارم توسعه رسیده است که تغییر چشمگیری را بین دوره‌های مختلف اجرای سیاست‌ها بیان می‌کند. افزون بر این، بررسی اثر سیاست‌های ارزی و انحراف نرخ ارز بر مقادیر حمایت از مصرف‌کنندگان بخش کشاورزی نشان می‌دهد این سیاست‌ها در دورهٔ جنگ و همچنین برنامه‌های دوم و سوم توسعه که انحراف نرخ ارز مثبت بوده بر شاخص‌های حمایت از مصرف‌کنندگان اثر منفی داشته است، در حالی که در دیگر برنامه‌های توسعه، این سیاست‌ها موجب افزایش حمایت از مصرف‌کنندگان بخش کشاورزی شده است، یعنی اثر غیرمستقیم تقویت‌کنندهٔ اثر مستقیم بوده است.

در پیش‌بینی برنامهٔ پنجم همانند برنامهٔ چهارم دربارهٔ تولیدکنندگان، سیاست‌های ارزی تقویت‌کنندهٔ سیاست‌های بخش کشاورزی نیست، یعنی سیاست‌های بخشی و ارزی در این برنامه‌ها همسو نبوده‌اند. شاخص حمایت بازاری نیز حمایت از تولیدکنندگان را در بازار داخلی نسبت به بازار جهانی نشان نمی‌دهد، به طوری که سیاست‌های بخشی و ارزی، تضعیف‌کنندهٔ تولیدکنندگان بخش کشاورزی خواهد بود. این در حالی است که سیاست‌های ارزی و بخشی از مصرف‌کنندگان محصولات بخش کشاورزی حمایت می‌کنند.

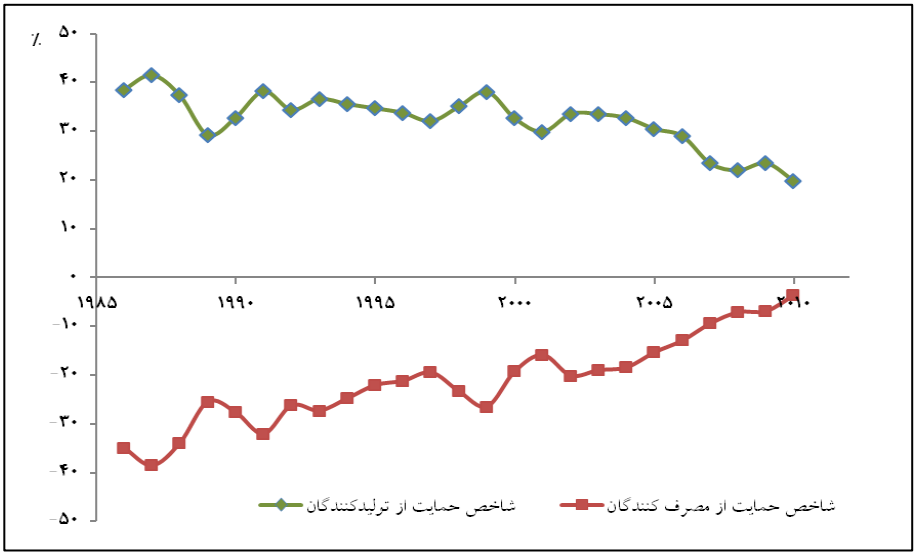

نمودار ۱-۷-۶) شاخص‌های حمایت از تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان بخش کشاورزی در کشورهای اتحادیهٔ اروپا طی دورهٔ ۱۹۸۶-۲۰۱۰

چنان‌که در نمودار (۱-۷-۶) مشاهده می‌شود، روند شاخص‌های حمایت از تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان در کشورهای اتحادیهٔ اروپا عکس یکدیگر بوده است. به‌طوری که حمایت از تولیدکنندگان محصولات کشاورزی، متناسب با افزایش

حمایت از مصرف‌کنندگان، کاهش یافته است. اما حمایت از تولیدکنندگان همواره مثبت و حمایت از مصرف‌کنندگان منفی بوده است. حمایت‌ها در اتحادیهٔ اروپا بر خلاف ایران نوسان چندانی نداشته و پیروی از یک روند ویژه را نشان می‌دهد. سرعت رشد حمایت از مصرف‌کنندگان، با حفظ تولید، در سال‌های اخیر در اتحادیهٔ اروپا بیانگر حمایت از هر دو گروه کنشگران بازار محصولات کشاورزی با هدف تقویت کل بخش کشاورزی است.

روند نوسانی شاخص حمایت از خدمات عمومی بخش کشاورزی در دورهٔ ۸۹-۱۳۶۰ موجب کاهش سرعت توسعهٔ زیرساخت‌ها شده است و چنان‌که دربارهٔ اندک بودن قیمت داخلی محصولات صادراتی زیربخش باغبانی، با وجود امکان کیفی رقابت در بازار جهانی در فصل پنجم بیان شد، نبود توسعهٔ زیرساخت‌های انبارداری و سردخانه‌ای، وسایل حمل‌ونقل مناسب و تسهیل بازاریابی و بازاررسانی، دسترسی کشاورزان به بازار جهانی را کاهش داده است. از این رو افزایش خدمات عمومی بخش کشاورزی و با در نظر گرفتن نگاه بلندمدت در رشد بخش کشاورزی و صادرات آن نیز مؤثر است.

روند افزایشی شاخص‌های حمایت از کل بخش کشاورزی TSE به ویژه در برنامهٔ سوم توسعه در پی بهبود حمایت از تولیدکنندگان بخش کشاورزی اهمیت تنظیم سیاست‌ها با هدف حمایت همزمان از تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان را آشکار می‌کند. حمایت از هر دو گروه کنشگران بازار محصولات کشاورزی و توزیع عادلانهٔ منافع میان دو گروه با تقویت آنان به توسعهٔ بخش و کاهش نیاز به واردات محصولات کشاورزی می‌انجامد. چنانچه براساس آمار گمرک ایران، با بهبود حمایت از تولیدکنندگان محصولات دامی در دههٔ ۱۳۸۰ واردات محصولات این زیربخش کاهش پیدا کرد. این در حالی است که حمایت کل از محصولات باغی که بخش مهمی از صادرات غیرنفتی کشور را در بر دارند در بیشتر سال‌ها منفی بوده است که

تضعیف موقعیت صادراتی، رقابت‌پذیری و زیان تولیدکنندگان و در نهایت مصرف‌کنندگان داخلی را در پی دارد. زیرا به دلیل وجود بازار خارجی مناسب برای این محصولات، گرایش تولیدکنندگان آنها به عرضهٔ محصول در بازار جهانی بیشتر است و کاهش تولید در پی کمبود حمایت، موجب کاهش سهم عرضهٔ محصول در بازار داخلی و افزایش قیمت می‌شود. از این رو توصیه می‌شود با توجه به مزیت رقابتی تولید و صادرات محصولات باغی حمایت از این محصولات با ابزارهای متنوع تشویق تولید و صادرات در اولویت قرار گیرد.

به طور کلی شاخص‌های حمایت از بخش کشاورزی روند افزایشی نوسانی را در پی اجرای سیاست‌های ارزی و بخشی نشان می‌دهند که به افزایش ریسک در طی زمان منجر می‌شود. در سال‌های نخست که سیاست‌های بخشی حمایت‌کننده نبوده، سیاست‌های ارزی نیز جبران‌کنندهٔ کمبود حمایت نبوده و تنها در برنامه‌های دوم و سوم توسعه، سیاست‌های ارزی و بخشی تقویت‌کنندهٔ یکدیگر بوده‌اند. حمایت قیمتی برآمده از سیاست‌های قیمتی در بیشتر سال‌ها عامل مهم در حمایت از تولیدکنندگان بوده است. اجرای سیاست‌های باثبات، همسو و حمایت‌کنندهٔ بخشی و ارزی، مانند برنامهٔ سوم توسعه، می‌تواند به افزایش رقابت‌پذیری تولیدکنندگان کشاورزی کمک کند. به عبارت دیگر، چگونگی ترکیب سیاست‌های ارزی و بخشی که برایند آن حمایت‌کنندهٔ کشاورزان باشد، از اهمیت زیادی برخوردار است. یادآوری می‌شود، در کنار حمایت از تولیدکنندگان به کارگیری ابزارهای سیاستی حمایت‌کننده از مصرف‌کنندگان به منظور حفظ تعادل توزیع منافع بین عوامل بازار و کاهش زیان اجتماعی ضروری است.

براساس نتایج، اجرای سیاست‌های باثبات و بلندمدت برای پیشگیری از نوسان‌های قیمت محصول، نهاده‌ها و نرخ ارز و حمایت‌های بودجه‌ای توصیه می‌شود. با توجه به افزایش سهم حمایت‌های بودجه‌ای از کل حمایت‌ها در دو برنامهٔ اخیر که

حمایت‌کننده‌تر از دیگر برنامه‌ها بوده‌اند، تأکید بر الگوی سیاستی حمایت‌های بودجه‌ای وتنوع سیاستی، افزون بر کاهش دخالت مستقیم دولت در بازار محصول، موجب حفظ انگیزهٔ تولیدکنندگان برای تولید و تأمین نیاز مصرف داخلی می‌شود و در نهایت امکان رقابت در بازارهای جهانی را فراهم می‌آورد. از این رو، تنوع‌بخشی به حمایت‌های بودجه‌ای مانند به‌کارگیری پرداخت‌های مستقیم و حمایت بیشتر از بیمهٔ درآمدی و توسعهٔ جوایز صادراتی نیز می‌تواند مناسب باشد. به‌کارگیری حمایت‌های متنوع از مصرف‌کنندگان بخش کشاورزی نیز افزون بر اثرهای اجتماعی با تقویت طرف تقاضا به افزایش تولید کمک می‌کند. تنظیم سیاست‌های ارزی و بخشی به گونه‌ای که همسو و تقویت‌کنندهٔ یکدیگر باشند، به هم‌افزایی می‌انجامد و با افزایش مزیت رقابتی، به رقابت‌پذیری جهانی تولیدکنندگان داخلی کمک می‌کند. به طوری که بهبود شاخص‌های حمایت از تولیدکنندگان در برنامهٔ سوم توسعه نشان می‌دهد، اجرای سیاست یکسان‌سازی نرخ ارز که تقویت‌کنندهٔ سیاست‌های بخشی بوده، به همراه ایجاد تنوع در به‌کارگیری سیاست‌های قیمتی و بودجه‌ای موجب حمایت از تولیدکنندگان بخش کشاورزان می‌شود.

با توجه به نتایج برآورد نرخ ارز در فصل سوم، افزایش درآمدهای نفتی موجب افزایش ارزش ریال تعادلی می‌شود که در صورت ثبات نرخ حقیقی ارز، رشد درآمدهای نفتی به سود تولیدکنندگان است. همچنین بهره‌وری اقتصاد به عنوان شاخص پیشرفت فن‌آوری، بر نرخ تعادلی ارز و شاخص حمایت‌ها چنین اثری دارد که دولت با مدیریت این دو عامل می‌تواند حمایت از تولیدکنندگان را افزایش دهد. در نهایت انتظار می‌رود، ترکیب سیاست‌های پولی، مالی، ارزی و بخشی به گونه‌ای باشد که برایند آن، حمایت‌کنندهٔ تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان بخش کشاورزی باشد.

فهرست منابع

۱. آذری، آ. (۱۳۸۷). **محاسبهٔ میزان کلی حمایت داخلی و بررسی رابطهٔ علیت آن با میزان رشد تولید محصولات کشاورزی**، پایان‌نامهٔ کارشناسی ارشد، دانشکده اقتصاد و توسعه کشاورزی، دانشگاه تهران.

۲. بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران. (۱۳۹۰). **نتایج بررسی بودجهٔ خانوار در مناطق شهری ایران** سال ۱۳۸۹.

۳. برقندان، ا و ب. نجفی (۱۳۸۹). **اثرا انحراف نرخ ارز بر شاخص حمایت از تولیدکننده بخش کشاورزی در ایران**، مجله پژوهش‌های نوین اقتصاد کشاورزی، جلد ۲، شماره ۱، ص۱۵-۳۴.

۴. بستاکی، م. (۱۳۸۱)، **تحلیل اقتصادی آثار سیاست‌های قیمت گذاری محصولات دامی**، رساله دکتری علوم اقتصادی، دانشگاه تربیت مدرس، دانشکده علوم انسانی.

۵. بستاکی، م. و ح. صادقی. (۱۳۸۱). اندازه گیری آثار مداخله دولت در قیمت گذاری محصولات دامی: بررسی موردی گوشت مرغ، فصلنامه اقتصاد کشاورزی و توسعه،سال دهم، شماره ۳۷، ص. ۸۲-۵۳.

۶. پرمه، ز. و م. سیدی. (۱۳۸۲). **سیاست‌های حمایتی، دیدگاه‌های بین المللی و کشاورزی ایران**. همایش کشاورزی و توسعه ملی، کشاورزی و جهانی شدن اقتصاد.

۷. پریزن، و.، و بخشوده، م. (۱۳۸۷)، **نقش حمایت‌های دولت در درآمد تولید کنندگان و مخارج مصرف کنندگان گندم و برنج در ایران**، پژوهش‌های اقتصادی ایران، جلد (۳۴).

۸. ترشیزی، م. (۱۳۸۸). **ارزیابی سیاست‌های حمایتی از بخش کشاورزی ایران (زیر بخش زراعت)**، پایان نامهٔ کارشناسی ارشد، دانشکده اقتصاد و توسعه کشاورزی، دانشگاه تهران.

۹. حسینی درویشانی، س.م. (۱۳۸۲). **بررسی و مقایسه سیاست‌های حمایتی در بخش کشاورزی ایران و جهان**. همایش کشاورزی و توسعه ملی، کشاورزی و جهانی شدن اقتصاد.

۱۰. حسینی، س. ص. و ترشیزی، م. (۱۳۸۸) **ارزیابی سیاست حمایتی گندم در ایران**، تحقیقات اقتصاد و توسعه کشاورزی ایران، دوره ۴۰، شماره ۲.

۱۱. حسینی، س.ص. (۱۳۸۵)، **الگوهای اقتصادی تحلیل قیمت و سیاست کشاورزی**، دانشگاه تهران، موسسه انتشارات و چاپ.

۱۲. حمیدنژاد، م. (۱۳۷۳)، **سوبسید گندم و جستجوی رابطه عدالت اجتماعی**، فصلنامه اقتصاد کشاورزی و توسعه، شماره ۸، ص. ۱۳۶-۱۵۹.

۱۳. دبیرخانهٔ ستاد برنامهٔ چهارم توسعه. (۱۳۸۴). **سند ملی توسعه بخش کشاورزی و منابع طبیعی در برنامه چهارم توسعه**، تهران: وزارت جهاد کشاورزی.

۱۴. رحیمی، ع. (۱۳۷۹)، **سیاست‌های حمایت از کشاورزی مطالعه موردی: بخش‌های دام و شیلات کشور**، سلسله انتشارات روستا و توسعه، شماره ۳۷، ص. ۱۷۸-۹۷.

۱۵. سلامی، ح. (۱۳۷۷). **تجزیه و تحلیل آثار اقتصادی الحاق ایران به سازمان تجارت جهانی بر بخش کشاورزی و سایر بخش‌های اقتصادی ایران در یک مدل تعادل عمومی**، وزارت جهاد کشاورزی، معاونت برنامه‌ریزی وبودجه، مؤسسه پژوهش‌های برنامه‌ریزی و اقتصاد کشاورزی، ص. ۱۲۴-۷۱.

۱۶. شرکت مادر تخصصی وزارت نیرو. (۱۳۹۰). **چهل و چهار سال صنعت برق ایران در آیینهٔ آمار**، تهران: وزارت نیرو، شرکت مادر تخصصی وزارت نیرو.

۱۷. عسلی، م. (۱۳۷۶). **تحلیل سیاست اقتصادی در یک الگوی اقتصاد سنجی برای ایران**، مجلهٔ برنامه و بودجه، شمارهٔ ۱۸، ص ۳۸-۳.

۱۸. قانع شیرازی، ا. (۱۳۸۵). **تحلیل سیاست‌های حمایتی در کشورهای عضو سازمان توسعه و همکاری‌های اقتصادی و تأثیر آن بر بازار داخلی ایران، مطالعه موردی گندم، جو، پسته و خرما**. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات.

۱۹. قربانی، ا. (۱۳۷۱). **بررسی سیاست‌های حمایتی در ایران: برآورد نرخ حمایت مؤثر از بخش دامپروری ایران و مقایسه آن با صنایع منتخب**، پایان نامه کارشناسی ارشد علوم اقتصادی، دانشگاه علامه طباطبائی، دانشکده علوم انسانی.

۲۰. کیانی‌راد، ع. (۱۳۸۶). **برآوردهای حمایت از بخش کشاورزی(PSE) در کشورهای در حال توسعه: مشکلات اندازه‌گیری و رهیافت‌ها برای ایران**، مجله اقتصاد و کشاورزی، جلد اول، شماره ۲، ص۹۴-۸۱.

۲۱. گیلانپور، ا. و حجازی، م. (۱۳۸۸). **تأثیر بیش‌ارزش‌گذاری ریال بر میزان و ساختار حمایت داخلی در بخش کشاورزی ایران**، مجلهٔ اقتصاد کشاورزی، جلد ۳، شمارهٔ ۳، ص ۱۴-۱.

۲۲. گیلانپور، ا. و حجازی، م. (۱۳۸۸). **تحلیلی بر اندازه و شیوه حمایت از بخش کشاورزی ایران در نیمه اول دهه هشتاد**، فصلنامهٔ راهبرد، شمارهٔ ۵۲، ص ۱۲۷-۱۱۷.

۲۳. گیلانپور، ا. و حجازی، م. (۱۳۸۹). **برآورد تاثیر متقابل حمایت مرزی و داخلی در بخش کشاورزی ایران**، نشریهٔ اقتصاد و توسعل کشاورزی ایران، جلد ۲۴، شمارهٔ ۲، ص ۲۴۴-۲۳۹.

۲۴. موسسه پژوهش‌های برنامه‌ریزی و اقتصاد کشاورزی (۱۳۸۴)، **فرایند تحول سیاست‌های کشاورزی در ایران (به انضمام تجارب سایر کشورها)**. تهران: وزارت جهاد کشاورزی، معاونت برنامه‌ریزی و اقتصادی، موسسه پژوهش‌های برنامه‌ریزی و اقتصاد کشاورزی، مدیریت امور پردازش و تنظیم یافته‌های تحقیقاتی.

۲۵. نوری، ک. (۱۳۸۱). **مطالعه معافیت‌های حمایتی در موافقت نامه عمومی تعرفه و تجارت و امکان بهره‌بردای از آن برای حمایت از بخش کشاورزی**، گزارش طرح تحقیقاتی، پژوهشکده اقتصاد دانشگاه تربیت مدرس.

۲۶. نوفرستی، محمد. (۱۳۷۸)، **"ریشه واحد و همجمعی در اقتصادسنجی"**، انتشارات رسا، تهران.

۲۷. واعظی، ل. و یزدانی، س. (۱۳۸۵)، **بررسی سیاست‌های حمایتی دولت از تولید و مصرف گندم در ایران**، اقتصاد کشاورزی، جلد ۲، شماره ۲.

۲۸. وزارت جهاد کشاورزی، **آمارنامه**، سال‌های ۸۸-۱۳۸۵.

۲۹. وزارت جهاد کشاورزی، **طرح آمارگیری از محصولات باغی کشور**، سال ۱۳۸۷.

30.Agenor, P. (1998), **Capital Flows, External Shocks, and the Real Exchange Rate**, Journal of International Money and Finance, 17, pp.713-40.

31.Bredahl, M.E. (Ed) (1990), **Bringing Agriculture into the GATT: potential use of an aggregate measure of support**, International agricultural trade research consortium commissioned paper no.5 (Columbia, MI, department of agricultural economics, university of Missouri).

32.Cakmak, E.H. (2003), **Evaluation of the past and future agricultural policies in turkey: are they capable to achieve sustainability?**, Department of Ecinomics Middle East Technical Univetcity, Ankara(Turkey).

33.Cerra, V. And S. Saxena. (2002), **What Caused the 1991 Currency Crisis in india?**, IMF Staff Papers, 49 (3).

34.Cheng, F. and. D, Orden. (2005), **Effects of exchange rate misalignment on agricultural producer support estimates: Empirical evidence from India and China**, Dissertation submitted to the faculty of Virginia Polytechnic Institute and State University in partial fulfillment of the requirements for the degree of Doctor of Philosophy in Economics.

35.Cheng F. and Orden D. (2007), **Exchange rate alignment and producer support estimates (PSEs) for India**, Agricultural Economics. 36: 233-243.

36.Cheng, F. (2005), **Effects of Exchange Rate Misalignment on Agricultural Producer Support Estimates: Emprical Evidence from India and China**, Dissertation submitted to faculty of Virginia Polytechnic Institute and State University in partial fulfillment of the requirements for the degree of Doctor of Philosophy In Economics.

37.Cheung, Y., M. Chinn and A. Pascual. (2004), **Empirical Exchange Rate Models of the Nineties: Are any fit to survive?,** IMF Working Papers, WP/04/73.

38.Corden W., M. (1971), **The theory of protection**, Clarendon Press, Oxford, cap 1,2,3,4 e 6.

39.Doyon, M., N. Paillat and D. M. Guion. (2001), **Critical Analysis of the Concept of the Producer Subsidy Equivalent in the Dairy Sector (Dairy PSE**). Groupe de recherche en économie and politique agricoles (GREPA), Université Laval, November 13. Economics, Williamstown, Mass. Processed.

40.Edwards, S. (1989), **Real Exchange Rates, Devaluation and Adjustment**, The MIT Press, Cambridge.

41.Egert, B. And Halpern, L. (2006), **Equilibrium exchange rates in Central and Eastern Europe: A meta-regression analysis**. Journal of Banking & Finance, 30: 1359-1374.

42.Elbadawi, I. And R. Soto, (1994), **Capital Flows and Equilibruim Real Exchange Rates in chile**, Policy Research Working Paper 1306, The World Bank, Washington DC.

43.Fleming, M. **Domestic financial Policies under Fixed and Floating Exchange Rates**, IMF staff Papers, 9, PP 369-380, 1962.

44.Frenkel, J. (1976), **A Monetary Approach to the Exchange Rate: Doctrin Aspects and Emprical Evidence**. Scandinavian Journal of Economics, 78, PP. 200-224.

45.Dornbusch, R. (1976), **Expection and Exchange Rate Dynamic**. Journal of Political Economics, 84. December.

46.Gopinath, M., K. Mullen and A. Gulati (2004), **Domestic support to agriculture european union and the united states**, International Food Policy Research Institute, MTID Discossion Paper No. 75.

47.Greenaway, D & Milner, C. (2006), **Effective protection, policy appraisal and trade policy reform**, Research paper 2003/06, The University of Nottingham.

48.Grilli, V. & Roubini, N. (1992), **Liquidity and Exchange Rates**, Journal of International Economics, May 32(3/4), pp. 339-52.

49.Harley, M. (1996), **Use of Producer Subsidy Equivalents as a Measure of Support to Agriculture in Transition Economies**, American Journal of Agricultural Economics 78, pp. 799-804, August.

50.Hinkle L. and Montiel P. (1999), **Exchange rate misalignment: concepts and measurement for developing countries**, Oxford University Press. New York.

51.Hosseini, S. S. And Torshizi, M. (2011), **Pursuing International Competitiveness in Iranian Wheat Policy**, International Journal of Agricultural Management & Development, 1(3): 169-179.

52.International Food Policy Research Institute web site (*WWW*.IFPRI.ORG).

53.Kvasha,s. O, Luka. & o, Zhemoyda. (2006), **Effects of exchange rate misalignment on agricultural producer support estimates for Ukraine.** Abstract to a contributed paper presented at the IAMO Forum. Halle, Germany, June 29-30.

54.Kwiencinski, A. and F. V. Tongeren (2007), **Quantitative evaluation of a decade of agricultural policies in china: 1995-2005**, OECD's Trade and Agricultural Directorate, With Statistical and research Support from Ms.

55.Liefert, W., D. Sedik, R. Koopman, E. Serova and O. Melyukhina. (1996), **Producer Subsidy Equivalents for Russian Agriculture: Estimation and Interpretation**. American Journal of Agricultural Economics 78, pp. 792-798, August.

56.Masterz A.W. (1993), **Measuring protection in agriculture: the producer subsidy equivalent revisited**. Oxford agrarian studies, Vol.21, No.2.

57.Mathisen, J. (2003), **Estimation of the Equilibrium Real Exchange Rate for Malawi**, IMF Working Paper, WP/03/104.

58.Mundell R. (1961), **A Theory of Optimum Currency Areas**, American Economic Review, 51, pp.657- 65.

59.Mussa, M. (1986), **The Adjustment process and the Timing of Trade Liberalization**, in A. Choksi and D. Pagageorgiou, eds.,

Economc Liberalization in Developing Countries, Basil Blackwell.

60.Obstfeld, M. and K. Rogoff. (1995), **Exchange Rate Dynamics Redux, Journal of Political Economy**, 103 (3), pp.624-60.

61.OECD (2002), **Methodology for the measurement of support use inpolicy evaluation.**

62.OECD (2007), **Agricultural policis in non-OECD countries: Monitoring And Evaluation**, Pris.

63.OECD (2005), **Agricultural Policies in OECD Countries, Monitoring and Evaluation**, OECD, Paris.

64.Orden, D., Mullen, K, Sun, D. and Gulati, A. (2004), **Agricultural Producer Support Estimates for Developing Countries Measurement Issues and Evidence from India, Indonesia, China, and Vietnam**. International Food Policy Research Institute, Research Report Abstract, 152.

65.Patnaik, I. and P. Pauly. (2001), **The Indian Foreign Exchange Market and the Equilibrium Real Exchange Rate of the Rupee, Global Business Review**, 2(2).

66.Portugal, L. (2002), **Methodology for the Measurement of Support and Use in Policy Evaluation**. OECD, Paris.

67.Rakotoarisoa, M.A. (2008), **The Impact of Agricultural Policy Distortions on the Productivity Gap: Evidence from Rice Production. Selected Paper prepared for presentation at the American Agricultural Economics Association Annual Meeting, Orlando**, FL, July 27-29.

68.Sarno, L. and M. Taylor. (2003), **The Economics of Exchange Rate, Cambridge University Press.**

69. Stockman, A. (1980**), A Theory of exchange Rate Determination, Journal of Policies Economy**, 88 (4), PP 673-698.

70. Stockman, A. (1988), **Real Exchange Rate Variability under Pegged and Floating Nominal Exchange Rate Systems: An Equilibrium Theory**, Carnegie-Roschester Conference Senes on Public Policy, 29, pp 256-290.

71. Zhang, X. (2002), **Equilibrium and Misalignment: An Assessment of the RMB Exchange Rate from 1978 to 1999**, Stanford University Working Paper, No. 127.